

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

• شماره: ۶۱ • پاییز ۱۴۰۲ •

• شاپای الکترونیکی: ۱۲۸۶-۲۸۲۱ •

• شاپای چاپی: ۱۲۷۸-۲۸۲۱ •

• صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان •

• مدیر مسئول: امیرحسین واعظی •

• سردبیر: علی محمد صفانیا •

• مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان •

• صفحه آرا: سعید گیوری •

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

بزرگراه نلسون ماندلا، خیابان شهید سلطانی، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>

اقتباس و درج مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی ۳۳/۸۰/۱۸/۳ مورخ

۱۳۹۳/۱/۲۵ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید عبدالحمید احمدی

دانشیار تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) جهاد دانشگاهی

محمد جوادی پور

دانشیار برنامه ریزی درسی گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

علی محمد صفابا

استاد گروه تربیت بدنی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران

غلامرضا شعبانی بهار

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

رسول صادقی

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فرزاد غفوری

دانشیار تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

کوروش فتحی واجارگاه

استاد برنامه ریزی درسی گروه آموزش عالی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

رضا قراخانو

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه تربیت بدنی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

شهلا کاظمی پور

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

عباسعلی گائینی

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه فیزیولوژی ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

مشاوران علمی و همکاران این شماره:

حسن کلاشلو، مهدی شکرانی، غلامرضا تاجبخش، جعفر سطوتی، علی اصغر اسماعیلزاده، مهرداد بیات، سیدمحمدحسین رضوی، رضا صابونچی، حسین پورسلطانی زرنندی، هومن بهمن پور، مجید سلیمانی، سیداحسان امیرحسینی، علی همتی عقیف، شهرام علم، سید مصطفی طبیبی ثانی، محمد نصیری، مجید خوروش، باقر مرسل، آرام مرادی، محمد سر رشته داری، فرزاد نویخت، مجید نامور، ایمان صفایی، جواد یوسفیان، نصراله محمدی، محمدعلی نودهی، صمد گودرزی، مجید کیانی، سعید امیرزاده، شهلا کاظمی پور ثابت، فهیمه نظری، مینا علوی، زهرا نویخت رضضانی، فریده شریفی فر، ناهید طالبی، طیبه- سادات زرگر، زینب مندعلی زاده، فهیمه مومنی فر، مریم کریمی، الهام مشکل گشا، فاطمه فاضلی دینان، سمیه رهبری، آزاده ناصریان، الهام فسنقری و فهیمه میرزائی.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست‌ها و برنامه‌های موجود
۲. کمک به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش‌های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه‌ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته‌های پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله‌های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش‌های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته‌ها، بحث و تفسیر، نتیجه‌گیری و منابع باشند.
۲. حجم مقاله‌ها باید بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه A4 (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به پایین با فونت 14 B Lotus تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله‌ها باید شامل اجزای زیر باشد:
 - صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه‌ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نامبر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
 - چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده‌ای سازمان‌یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده و منعکس‌کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه‌ای که مقاله بر مبنای آن نمایه‌سازی شود) ارائه گردد.
 - مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه‌ای از تعاریف، اصول، تئوری‌ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا پرسش‌ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
 - روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و ابزارهای پژوهش است.

- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری می‌تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود - تعداد جدول‌ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
- بحث و نتیجه‌گیری: ضمن مقایسه یافته‌های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به درستی یا نادرستی فرضیه‌ها و هدف تحقیق اشاره گردد.
- منابع: تمامی مقاله‌ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می‌باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.
- ۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشار منبع: شماره صفحه یا صفحات) - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
- ۵. معادل غیر فارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها، کتبه نوشت‌ها و سر واژه‌ها، در پاورقی هر صفحه با شماره‌گذاری مستقل بیان شود.
- ۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.
- ۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:
- الف . کتاب: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). **عنوان مقاله**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب . مقاله: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.

- ج . مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم) در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د . رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام. (سال تدوین). «عنوان مقاله». مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه . پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام . (آخرین زمان به روز نمودن سایت). «عنوان مقاله». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

فهرست

- تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه‌ای در امید به آینده جوانان استان آذربایجان شرقی ۱۳
سعید سلطانی بهرام، محمدباقر علیزاده اقدم
- طراحی مدل خط‌مشی گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی ۳۵
جعفر عینعلی، محمد موسوی، طاهره فیضی، زهرا فروتنی
- بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما ۶۳
یوسف خجیر، میثم یوسفی سرخنی، کوثر مهرزاده
- بررسی جامعه‌شناختی آسیب‌های سازمان‌های مردم نهاد جوانان و عوامل مؤثر بر آن ۹۱
امراه امانی کلاریجانی
- نقش میانجی نگرش به رسانه‌های اجتماعی در رابطه نفرت‌پراکنی اینترنتی با احساس امنیت و لذت اجتماعی
ورزشکاران نوجوان ۱۱۵
زهرا سادات مشیر استخاره، علی اصغر درودیان
- شناسایی شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران ۱۳۳
ندا سعیدنیا، سیدحمید سجادی هزاه، فریده اشرف گنجویی، جاسم منوچهری
- بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن‌های ورزشی بر تحلیل‌رفتگی در زندگی : رویکرد دوگانه اشتیاق ۱۵۷
مینا شکوریان، رضا نیک‌بخش، طیبه سادات زرگر
- طراحی و آزمون مدل کاربرست تحقیقات ورزشی کشور ۱۷۳
ام البنین ازمشا، ابوالفضل فراهانی، علی محمد صفانیا، شیوا آزاد فدا
- بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین مدل راهبری
مناسب (بر مبنای امکان سنجی) در اداره‌های ورزش و جوانان استان فارس ۱۹۵
کمال باقری، مهدی باقری، نادرقلی قورچیان، پروش جعفری
- تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان‌های ورزشی ۲۲۵
ایلیا سادات وجدانی طباطبائی، فریبا محمدیان، زهرا نوبخت رمضانی
- مستندسازی دانش تجربی مدیران ورزشی: رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش ایران ۲۳۹
علیرضا ایزدی، بهزاد ایزدی، دنی راشر، جیف دیکسون
- مطالعه کیفی عوامل مؤثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی کشور ۲۵۷
محمد نوروزیان، مژگان خدامرادپور، مظفر یکتایار، هیرش سلطان پناه
- ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلانی، میانی و خرد) مدیریت توسعه در ورزش قهرمانی ۲۷۷

آرش گچی، فرزاد غفوری، غلامعلی کارگر

- ۲۹۷ شناسایی و تحلیل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر مؤثر بر اشتغال پایدار دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران
- علی خالدی‌فر، سیده ناهید شتاب بوشهری، امین خطیبی، صدیقه حیدری‌نژاد
- ۳۱۹ شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور
- سلمان علوی، احمد محمودی، فرزاد غفوری، احمد گرامی
- ۳۴۱ واکاوی دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی
- احسان اسدالهی، رضا حیدری، احمد نظری ترشیزی، مهدی طالب‌پور
- ۳۶۵ طراحی نقشه و جاری‌سازی راهبردهای منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC
- سمیه عمادی، سیداحسان امیرحسینی، جلال یاراحمدی
- ۳۸۵ تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران
- موعود بنیادی‌فر، ابراهیم علی‌دوست قهفرخی، امین دهقان قهفرخی، مجید جلالی فراهانی
- ۴۱۳ طراحی مدل مناسب در ورزش سوارکاری ایران
- علی چوری، سیدمحمدحسین رضوی، مرتضی دوستی، فرزاد فرزین
- ۴۳۵ شناسایی و اولوی‌بندی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش کشور
- رسول منعم، غلامرضا شعبانی بهار، سیروس احمدی
- ۴۵۱ مدل‌یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتاری مربیان با رابطه مربی - ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری
- پدیده بلوری‌زاده، فرشاد تجاری، علی زارعی، محمدرضا اسمعیلی
- ۴۷۷ مدل مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی
- ناصر گل‌محمدی، احمدرضا عسکری، مجید خورشید
- ۴۹۷ ارزشیابی و رتبه‌بندی کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور با استفاده از الگوی BCC (تحلیل پوششی داده‌ها)
- سیدمحمدعلی گویا، محمد حامی، وحید شجاعی
- ۵۲۵ ارائه الگوی تعاملی نقش رسانه‌ها در جهت‌دهی عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا با استفاده از رویکرد دیمتل
- محمدحسن قزلی، لیلا جمشیدیان، مهرزاد مقدسی
- ۵۴۱ نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان
- امیرمحمد هدایتی، محمد سنایی، محمدعلی نودهی

مطالعه طراحی و تدوین مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای: آزمون تئوری داده بنیاد با روش آمیخته	۵۶۲
جواد پذیرش، شهاب بهرامی، حمید قاسمی، نازنین راسخ	
طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران براساس رویکرد داده بنیاد	۵۸۳
تریفه پیامی، جعفر برقی مقدم، محمدرحیم نجف زاده، حبیب محمدپور یقینی	
تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی	۶۱۳
لیلا طالب زاده، حمید جنانی، محبوب شیخعلی زاده، محمدرحیم نجف زاده	
طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی	۶۳۵
زهرا برزگر یزدی، نیما ماجدی، مهدی نادری نسب	
مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی	۶۳۹
سیده فاطمه بدیعی نامقی، زین العادین فلاح، طاهر بهلکه	

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه‌ای در امید به آینده جوانان (مورد مطالعه: جوانان استان آذربایجان شرقی)

سعید سلطانی بهرام^۱
محمدباقر علیزاده اقدام^۲



10.22034/SSYS.2022.2200.2572

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱

امروزه، امیدواری به مثابه بنیادی‌ترین انگاره جوانان در عرصه پیشرفت اجتماعی محسوب می‌شود. از طرفی اشکال سه گانه سرمایه می‌تواند مهمترین عامل در تقویت امید به آینده جوانان مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر، امید به آینده در ارتباط با عوامل سرمایه‌ای شامل سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله استان آذربایجان شرقی است که ۶۱۳ نفر از آنها با فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در سال ۱۳۹۸ انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از «پرسشنامه استاندارد امید به آینده» اسنایدر و برای تحلیل داده‌ها از SPSS و LISREL استفاده گردید.

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که میانگین درصدی امید به آینده جوانان مورد مطالعه ۶۲/۲۳ درصد است که حکایت از آن دارد که امید به آینده از وضعیت متوسط به بالایی در میان جوانان برخوردار است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها نیز نشان می‌دهد که وضعیت تاهل و سن رابطه‌ای با امید به آینده جوانان ندارند، ولی میانگین امید به آینده به تفکیک شهرستان محل سکونت و وضعیت اشتغال تفاوت معنی‌داری داشته است. همچنین امید به آینده با سرمایه اجتماعی و فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری داشته، ولی با سرمایه اقتصادی رابطه معنی‌داری ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که اشکال سه گانه سرمایه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) حدود ۲۶ درصد واریانس امید به آینده را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: امید به آینده، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و جوانان.

۱) استادیار، جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: S.soltani@urmia.ac.ir

۲) استاد، جامعه شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

امیدواری و خوشبینی نسبت به آینده، از جمله نشانه‌های پویایی و نشاط در جامعه و انگاره‌ای برای پیشرفت اجتماعی است. احساس امید به آینده به معنای داشتن دورنمایی روشن و شفاف از زندگی است. همچنین، امید به عنوان یک سازه شناختی در افراد و گروه‌های مختلف دارای اهمیت بسیار می‌باشد، چرا که ساختن جامعه و رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار در گرو نیروی انسانی سالم و کارآزموده است. اسنایدر و همکاران (۱۹۹۴) امید را به عنوان حالت انگیزشی مثبتی می‌دانند که بر احساس موفقیت، به عنوان عامل فعال (انرژی و هدف‌گرایی)^۱ و مسیر^۲ (برنامه‌ریزی رسیدن به هدف) عمل می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که امیدواری خوش بینی به وجود می‌آورد و می‌تواند کمک خوبی برای پیش بینی متغیرهای مختلف داشته باشد (Snyder et al, 1991). اسنایدر و همکارانش معتقدند که امید، هم درک هدف و هم درک مسیرهای هدف است؛ یعنی افراد امیدوار حس می‌کنند که می‌توانند این مسیرها را خلق کنند. به همین ترتیب، تفکر امیدوارانه شامل سه مولفه است: "اهداف"، "تفکر در مورد مسیر" و "تفکر عامل"^۳. بر اساس تعریف گسترده در چارچوب «نظریه امید»، هدف، هر چیزی است که فرد آرزو می‌کند به دست آورده یا انجام داده، بوده یا تجربه کرده و ایجاد نماید. در «نظریه امید»، اهداف، آماج جریان‌های عملکردی بوده و رفتارهای عمدی را موجب می‌شوند (میرزائیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳). همچنین، امید به عنوان یکی از سرمایه‌های انسانی شاخص سلامت روان افراد مطرح می‌شود امیدواری به آن معنا که در اسلام معنا می‌شود به انسان وسعت دید می‌دهد که در سایه آن بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی آن کاهش می‌یابد (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۶).

در مورد نقش امید به آینده در زندگی اجتماعی جوانان، پترسون معتقد است که امید بر قابلیت‌های افراد به جای ضعف‌ها و بر انتظارات مثبت آنها به نتایج آینده، به جای تمرکز بر بدبینی شان می‌پردازد. امید اصطلاحی است که بسیار نزدیک به خوشبینی است و به هدفمند بودن در زندگی اشاره می‌کند (Peterson, 2000). کانینگهام^۴ (۲۰۰۰) نیز بر این باور است که دانش آموزان با سطح امید بالاتر، علاقه بسیار بیشتری به شرکت در جامعه و فعالیت‌های عمومی و نیز گذراندن اوقات فراغت با دیگران دارند تا به شرکت در فعالیت‌های غیراجتماعی یا ضداجتماعی (به نقل از افشانی و جعفری، ۱۳۹۵: ۹۴). بک نیز از ناامیدی به عنوان علامت هسته‌ای افسردگی یاد می‌کند. وی معتقد است که ناامیدی هم فلج کننده اراده است و هم باعث تحمل ناپذیر شدن میل به گریز از یک موقعیت می‌گردد (علیزاده اقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۱).

1 Goal directed

2 Pathways

3 Agency Thinking

4 Cunningham

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

اسنایدر و همکاران نشان داده‌اند کسانی که امید بالایی دارند، توانایی بیشتری برای حل مسائل اجتماعی دارند تا کسانی که دچار امید پایین هستند (Chang, & Disimone, 2001 و قاسمی، ۱۳۸۸). بیشتر تحقیقات گذشته در مورد امید (اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۲) رابطه آن را با متغیرهای مهمی از قبیل حمایت اجتماعی، مشکلات رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی نشان داده‌اند.

یکی از مهمترین متغیرهایی که در مورد امید به آینده مورد توجه می‌باشد، مفهوم سرمایه و گونه‌های آن است. از نظر وی، سرمایه خاستگاه و سرچشمه در عرصه اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد موثر واقع می‌شود (استونز، ۱۳۸۸: ۳۳۶). به عقیده بوردیو، سرمایه مجموعه مایملک مادی (درآمدها) و نمادین (شهرت) است که به صورت نابرابر توزیع شده است و در بازی‌های اجتماعی خاص یک جامعه معین، ارزشمند محسوب می‌شود (شامپاین، ۱۳۹۳: ۶۲). مهمترین اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که هر کدام با مولفه‌های خاص خود می‌تواند در امید به آینده جوانان نقش آفرین باشد. هر چه افراد جامعه نسبت به زندگی و جامعه خود امیدوارتر باشند، میزان مشارکت آنها در ساختن جامعه بیشتر خواهد بود. در مقابل به میزانی که افراد نسبت به زندگی و نظام اجتماعی و سیاسی ناامید باشند، میزان مشارکت کمتری در ساختن جامعه خواهند داشت (فرخ نژاد کشکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۱).

در مورد نقش دوره جوانی در امیدواری، بیان این نکته مهم است که فردی که در سنین جوانی قرار دارد به جهت مکانیزم‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناختی حاکم بر نظام درونی خود، بیش از هر زمان دیگری آمادگی طراحی برای آینده را داراست، چرا که هم از توانمندی‌های جسمانی و فیزیوژنیکی متناسب برخوردار است و هم قدرت تحلیل و انرژی روانی و ذهنی مورد نیاز برای هدف‌گزینی و برنامه‌ریزی برای آینده را دارا می‌باشد. از این رو، از یک جوان انتظار می‌رود هم برای خود و آینده خود برنامه‌ریزی کند و هم برای دستیابی به اهداف اجتماعی تلاش نماید. وضعیت امید به آینده پیامدهای مختلفی برای افراد در پی دارد که در بالاترین سطح آثار خود را در قالب پیشرفت یا رکود و توقف جامعه نشان می‌دهد (امیر خان نژاد و صباغ، ۱۳۹۴: ۸). از طرف دیگر، جوانان بیشترین قشر جامعه مارا تشکیل می‌دهند و مسائل و مشکلات متعدد و متنوعی بر سر راه جوانان است که هر گونه برخورد نادرست و عجولانه می‌تواند منجر به بروز مسائل جدیدی برای آنها گردد. بنابراین، سوال اصلی پژوهش این است:

جوانان استان آذربایجان شرقی از نظر امید به آینده در چه وضعیتی قرار دارند؟ در میان عوامل اجتماعی-فرهنگی متعدد، متغیرهای سرمایه‌ای تا چه اندازه در تغییرات امید به آینده نقش دارند؟

ادبیات نظری پژوهش

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه امید، «نظریه امید» اسنایدر است. از نگاه اسنایدر (۲۰۰۰) امید

عبارت است از: «ظرفیت ادراک شده برای تولید مسیرهایی به سمت اهداف مطلوب و انگیزه ادراک شده برای حرکت در این مسیرها». امید به معنی انتظار مثبت برای دستیابی به اهداف است. انتظار مثبت دو مولفه دارد: گذرگاه و عامل (عامل + گذرگاه = امید). در واقع اسنادیدر امید را مانند سازه‌ای شامل دو مولفه مهم مفهوم سازی کرده است: توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی اهداف مطلوب با وجود موانع موجود و توانایی ایجاد انگیزه برای شروع و تداوم حرکت در این گذرگاه‌ها. امید مجموع این دو مولفه است (مردانی فر و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۰).

بنیان نظریه امید، بر اساس اهمیت و ضرورت اهداف بنا شده است. در واقع اهداف، یکی از ابعاد مهم نظریه امید است. تقریباً همه آنچه یک فرد انجام می‌دهد، به سمت دستیابی به یک هدف است. هدف می‌تواند هر چیزی باشد که خود فرد مایل است به آن دست یابد و آن را انجام دهد یا آن را تجربه یا ایجاد کند. اهداف، نیروی محرک هر رفتاری هستند و می‌توانند در دامنه یک حرکت ساده برای بیدار شدن به هنگام شنیدن زنگ ساعت یا تعمیر بخشی از یک هواپیما و گاهی به پیچیدگی کسب یک مدرک دانشگاهی باشند. با توجه به وجود این پیوند بین دستیابی به هدف و عاطفه مثبت، ممکن است چنین به نظر برسد که بهترین راهکار، تعیین اهداف آسان و قابل دستیابی است، اما افراد دارای امید بالا، معمولاً به دنبال اهدافی هستند که دارای میزانی از عدم قطعیت یا سطح دشواری متوسط باشند یا اهدافی که اندکی دشوارتر از اهداف دست یافته قبلی باشند. اهداف باید ارزش کافی داشته باشد تا تفکر هوشیار فرد را اشغال کنند. اهداف امیدوارانه، مقداری از عدم قطعیت را دارند و اهدافی که احتمال دستیابی به آنها قطعی باشد، مستلزم امید نیستند. بنابراین، مطابق این نظریه، بهترین اهداف، اهدافی هستند که انگیزه فرد را افزایش دهند و پایدار باشند؛ یعنی اهدافی که به صورت دقیق و عینی مشخص می‌شوند، میزان دشواری متوسط دارند و در آینده‌ای نزدیک، به وقوع می‌پیوندند (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۷: ۲۹۳).

یکی از مهمترین متغیرهایی که می‌تواند جوانان را در راه رسیدن به اهداف کمک کند، سرمایه و اشکال آن است. اصطلاح «سرمایه»، یکی از مهمترین مفاهیم اقتصادی است که برای توصیف منابع و دارایی‌هایی به کار می‌رود که برای ایجاد درآمد سرمایه گذاری می‌گردد. علی رغم اینکه در ابتدا این مفهوم توسط اقتصاددانان مطرح شده و تنها جنبه اقتصادی و پولی آن مد نظر قرار می‌گرفت، در دهه‌های اخیر اشکال دیگری از سرمایه توسط جامعه شناسان مطرح شده است. پس از طرح مفهوم سرمایه در جامعه‌شناسی، دانشمندانی نظیر کلمن، بورديو و دیگران به تعریف اشکال مختلف و تعیین حوزه اجتماعی هر یک از آنها پرداختند. جیمز کلمن از وجود سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی سخن گفته و به بررسی ارتباط میان آنها پرداخته است. کلمن معتقد است سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت‌های تولیدی را تسهیل می‌کند و سرمایه اجتماعی نیز مانند آنها عمل می‌نماید.

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

بورديو از وجود سه نوع سرمایه سخن می‌گوید: (۱) سرمایه اقتصادی؛ (۲) سرمایه اجتماعی؛ (۳) سرمایه فرهنگی (صالحی پورمهر، ۱۳۸۶). سرمایه اقتصادی شامل درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها می‌شود این سرمایه به موقعیت اقتصادی و تضمین‌های مالی و حقوق مالی افراد اشاره دارد. سرمایه اجتماعی: مجموع منافع بالفعل و بالقوه‌ای است که کنشگران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌ها به دست می‌آورند. سرمایه اجتماعی افراد از حضور و تداوم حضورشان در این شبکه روابط حاصل می‌آید. در صورتی که افراد به نحوی از این شبکه روابط خارج یا به حاشیه رانده شوند، از مزایای مادی و معنوی این ارتباطات نیز محروم می‌شوند.

سرمایه اجتماعی برای بورديو، موقعیت‌ها و روابط در گروه و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. بورديو تطابق میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد. در نزد بورديو، موقعیت افراد با توجه به دسترسی‌شان به سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تعیین می‌شود. ایجاد موقعیت‌ها و برقراری روابط صحیح و طرق خاصی که افراد در کنش‌های متقابل به کار می‌گیرند، همگی تجلی سرمایه اجتماعی است دسترسی به سرمایه اجتماعی برای بیشتر مردم به میزان‌های بیشتر سرمایه اقتصادی و فرهنگی بستگی دارد که آنها را در کسب آگاهی و روابط بیشتر کمک می‌کند (دل آویز، ۱۳۸۴: ۶۲).

از نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا در کنار یکدیگر و به طور موثر اهداف مشترک را پیگیری کنند. به طور خلاصه، سرمایه اجتماعی اشاره دارد به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد مللزم با این پیوند ها. به طور خلاصه، از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت است که با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود می‌بخشد (رمضانی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۲).

سرمایه فرهنگی از دیدگاه بورديو می‌تواند به سه صورت متجلی شود: ۱. حالت تجسم یافته یا ذهنی^۱: سرمایه تجسم یافته نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرد در آمده است. ۲. حالت عینیت یافته^۲: یکی از بدیهی‌ترین و عینی‌ترین اشکال سرمایه فرهنگی، مصرف کالاهای مختلف فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که خود می‌تواند تابعی از متغیرهای گوناگون فردی و اجتماعی قرار بگیرد. سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیای مادی و رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به طور کلی در مادیت آن، قابل انتقال است. ۳. حالت نهادی شده: این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است. مدارک تحصیلی و آکادمیک نمونه‌ای از این حالت است.

1 Embodied
2 Objectified

کاواشی و برکمن، معتقدند سرمایه اجتماعی از طریق فرایندهای روانی و اجتماعی مانند ارائه پشتیبانی یا منبع اعتماد به نفس و استحکام در برابر اثرات نامطلوب تنش، بر سلامت افراد تاثیر دارد (Shelton, 2016). شو معتقد است سرمایه اجتماعی می‌تواند فرد را از حمایت های اجتماعی در درون شبکه‌های بادوام برخوردار سازد و اثرات مثبتی از سلامت را به واسطه حس اعتماد به نفس و امنیت و امیدواری بیشتر تجربه کند (Shaw, 2005). همچنین، سرمایه اجتماعی به طور بالقوه قادر است در هنگام بروز حوادث ناگوار با ارتقای احساس اطمینان، آرامش، خودکارآمدی، اجتماع کارآمدی، پیوندجویی و امید باعث بهبود سلامت گردد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

پیشینه پژوهش

مردانی فر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و امید به آینده در میان دانشجویان دانشگاه‌های بندرعباس» به این نتیجه دست پیدا کردند که بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، هنجار اجتماعی و مشارکت اجتماعی) با امید به آینده ارتباط معنی داری وجود دارد. این پژوهش به شیوه پیمایش انجام شده و جامعه آماری آن ۳۸۰ نفر از کلیه دانشجویان تمام مقاطع تحصیلی دانشگاه‌های شهر بندرعباس (آزاد، پیام نور و هرمزگان) هستند.

احمدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی ارتباط سرمایه اجتماعی با امید به آینده در بین بیماران مبتلا به سرطان در بیمارستان سیدالشهدا شهر اصفهان را به روش پیمایشی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان امید به آینده در بین بیماران مبتلا به سرطان در بیمارستان سیدالشهدا شهر اصفهان متوسط است و همچنین، سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر امید به آینده در بین بیماران مبتلا به سرطان دارد و توانسته است ۳۱ درصد از تغییرات امید به آینده را تبیین نماید.

فرخ نژاد کشکی و همکاران (۱۳۹۷) عوامل جامعه‌شناختی موثر در امید به آینده حاشینه‌نشینان تبریز را مورد مطالعه قرار دادند. جامعه آماری پژوهش ۶۲۲ نفر از حاشینه‌نشینان شهر تبریز بودند که در سال ۱۳۹۶ به شیوه تصادفی انتخاب شده‌اند. طبق نتایج پژوهش، میانگین امید به آینده در بین حاشینه‌نشینان ۳۹/۷ و در سطح زیاد برآورد شده است. مدل رگرسیونی پژوهش نشان داده است که متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، حمایت اجتماعی، دینداری و محرومیت نسبی در امید به آینده حاشیه‌نشینان موثر بوده‌اند.

علیزاده اقدام (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل موثر بر آن پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی بوده و ۴۰۳ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز به روش نمونه‌گیری طبقه متناسب انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که امید به آینده در بین دانشجویان مقاطع

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

تحصیلی مختلف با هم متفاوت است و امید به آینده با سن ارتباط معنی داری نداشته است. همچنین امید به آینده دانشجویان متأثر از میزان دینداری، انسجام و اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی بوده است. کانینگهام (۲۰۰۰) در پژوهش خود با موضوع «بررسی رابطه امید و مشارکت اجتماعی» به این نتیجه رسید که دانش آموزان با سطح امید بالاتر علاقه بسیار بیشتری به شرکت در فعالیتهای عمومی جامعه و نیز گذراندن اوقات فراغت با دیگران دارند تا شرکت در فعالیتهای غیراجتماعی یا ضداجتماعی. فردریکسون (۲۰۰۹) و فولر و کرستیکز (۲۰۰۸) هم در پژوهشهای خود نشان دادند افرادی که هیجانهای مثبت و خوش بینی بیشتری را تجربه کرده باشند، عمری طولانی تر خواهند داشت. همچنین افراد امیدوار و شادمان، روابط اجتماعی قوی تری با دوستان، همسر، همسایگان و بستگان خود دارند.

فرضیه های پژوهش

- بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده جوانان استان آذربایجان شرقی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و امید به آینده جوانان استان آذربایجان شرقی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین سرمایه اقتصادی و امید به آینده جوانان استان آذربایجان شرقی رابطه معنی داری وجود دارد.
- میانگین امید به آینده جوانان استان آذربایجان شرقی بر حسب متغیرهای زمینه ای شامل وضعیت تاهل، سن، محل سکونت و وضعیت اشتغال آنها متفاوت می باشد.

روش شناسی پژوهش

با توجه به اهداف تحقیق، این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است. این تحقیق از نظر اجرایی، از نوع تحقیق کاربردی می باشد، چرا که محقق سعی کرده تا مباحث نظری را به صورت تجربی مورد آزمون قرار دهد. همچنین به لحاظ بررسی زمانی، در زمره تحقیقات مقطعی می باشد که در یک برهه زمانی خاصی صورت می گیرد. علاوه بر این، تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است، چرا که اطلاعات به صورت بررسی مطالعه نظرات پاسخگویان گردآوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله استان آذربایجان شرقی است. استان آذربایجان شرقی بنابر تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۱ شهرستان می باشد. با توجه به تعداد زیاد شهرستان و وسعت جامعه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش، مطالعه همه جامعه آماری مقدور نخواهد بود. بنابراین، ۵ شهرستان به صورت تصادفی و با توجه به موقعیت جغرافیایی به عنوان نمونه شهرستانهای استان انتخاب شده اند؛ بدین صورت که بر اساس نقشه شهرستانهای استان آذربایجان شرقی ۵ شهرستان از شمال و جنوب و غرب و شرق و مرکز استان انتخاب و وارد مطالعه شدند که این پنج شهرستان شامل شهرستانهای تبریز، اهر، مرند، میانه و مراغه بودند. بنا بر نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، جمعیت کل آذربایجان شرقی برابر با ۳۷۲۴۶۲۰ بوده است که از این تعداد ۱۱۰۲۸۲۵ نفر در سن ۱۵

الی ۲۹ سال قرار دارند. حجم نمونه آماری پژوهش مورد مطالعه از بین جوانان استان آذربایجان شرقی با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، به شرح ذیل به دست آمد. گفتنی است که در این تحقیق برای جبران مشکلات احتمالی و قابلیت تعمیم‌بخشی بالا حجم نمونه به ۶۱۳ نفر ارتقا یافته است:

$$n = \frac{N t^2 s^2}{N d^2 + t^2 s^2}$$

$$n = \frac{1102825 \times 3.8416 \times 0.392}{1102825 \times 0.0025 + 3.8416 \times 0.392} = 602$$

از آنجا که هیچ فهرستی از جامعه آماری در دست نیست، لذا انتخاب نمونه احتمالی با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یا سیستماتیک از افراد میسر نیست. بنابراین مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری برای این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای استفاده از این شیوه، با در نظر گرفتن این نکته و پس از تعیین حجم نمونه شهرستان‌های مورد مطالعه و به نسبت جمعیت هر شهرستان، نمونه‌ها تخصیص یافتند. سپس از هر منطقه بلوک‌هایی به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله آخر از هر بلوک، خانه‌هایی به صورت تصادفی گزینش شدند. در این پژوهش، بنا بر ماهیت موضوع پژوهش و روش انجام آن، از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه‌هایی که برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به کار خواهد رفت عبارت‌اند از:

الف) «پرسشنامه گرایش به امیدواری» اسنایدر (ADHS): این پرسشنامه از ۲۴ گویه در سطح طیف لیکرت و به صورت ۶ گزینه‌ای استفاده کرده است. برای سنجش میزان امیدواری از مقیاس گرایش به امیدواری اسنایدر (ADHS)^۱ استفاده شده است.

ب) پرسشنامه‌های محقق ساخته: شامل متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی که در پژوهش‌های پیشین استفاده شده و با توجه به جامعه آماری مورد مطالعه، جرح و تعدیل گردیده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

امید به آینده: امید عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است یا به عبارت دیگر، ارزیابی مثبت از آنچه فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (هزار جریبی و آستین فشان: ۱۳۸۸: ۱۲۲). برای سنجش میزان امیدواری از مقیاس گرایش به امیدواری اسنایدر (ADHS) استفاده شده است. این مقیاس در قالب ۲۴ گویه در سطح طیف لیکرت و به صورت ۶ گزینه‌ای بوده است.

سرمایه اجتماعی: به تمام عواید و منابعی که مجموعه افراد از قبل موقعیت اجتماعی و عضویت و ارتباط تنگاتنگ خود با انواع شبکه‌ها، نهادها و سازمان به دست می‌آورند، سرمایه اجتماعی اطلاق می‌شود (غفاری، ۱۳۸۷، ص ۱۴). از نظر بوردیو، پاتنام، کلمن و فوکویاما، سرمایه اجتماعی شامل روابط متقابل، وجود

1 Adults Dispositional Hope Scale (ADHS)

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

هنجارهای مشترک، اعتماد و مشارکت در سطح گروه اجتماعی است (جواهری و باقری، ۱۳۸۶: ۳۷). برای سنجش متغیر سرمایه اجتماعی از گویه‌های «اگر فردی مشکلی داشته باشد و از من کمک بخواهد کمکش می‌کنم»، «با دوستانم رفت و آمد خانوادگی هم دارم»، «دوستانی دارم که می‌توانم هنگام نیاز با آنها تماس بگیرم» و ... استفاده شده است.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند. بورديو تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌دانست، اما گرایش به اشیای فرهنگی و جمع شدن محصولات فرهنگی در نزد فرد را سرمایه فرهنگی می‌خواند. همچنین وی سرمایه نمادین را جزئی از سرمایه فرهنگی می‌داند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). برای سنجش سرمایه فرهنگی از معرف‌های زیر استفاده شده است: میزان علاقه‌مندی و وقت گذاشتن برای کار با اینترنت، مطالعه روزنامه، نشریات و مجلات، تماشای فیلم و تئاتر و نمایش، رفتن به سخنرانی، کنفرانس‌ها و سمینارها، یادگیری زبان‌های خارجی و

سرمایه اقتصادی: شامل درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها می‌شود. این سرمایه به موقعیت اقتصادی و تضمین‌های مالی و حقوق مالی افراد اشاره دارد. برای سنجش سرمایه اقتصادی از گویه‌هایی مانند میزان درآمد ماهیانه خانوار، ارزش اقتصادی خانه محل سکونت، ارزش اقتصادی نوع خودرو و ... استفاده شده است.

بررسی اعتبار و پایایی ابزارهای تحقیق

در پژوهش حاضر اعتبار سوالات پرسشنامه از طریق اعتبار صوری برآورد شده است؛ یعنی پرسشنامه بعد از طراحی در اختیار اساتید متخصص در حوزه موضوع پژوهش قرار گرفته و بعد از گردآوری و اصلاح و تعدیل نظرات آنها پرسشنامه نهایی طراحی گردیده است. همچنین، به منظور برآورد اعتبار سازه‌ای از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. برای انجام تحلیل عاملی و رعایت پیش فرض‌های آن، از دو آزمون KMO و بارتلت استفاده می‌گردد. همچنان که در جدول ۱ مشاهده می‌شود مقدار آزمون KMO برای متغیر امید به آینده ۰/۹۴۴ است که نشان دهنده حد مطلوب آماره برای کفایت تعداد نمونه و انجام تحلیل عاملی برای گویه‌های مربوط به متغیر امید به آینده است. مقدار احتمال به دست آمده برای این آزمون کروییت بارتلت ۰/۰۰۰ است که نشان دهنده معنی دار بودن این آزمون می‌باشد. لذا نتیجه می‌گیریم که سوالات مندرج در هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با همدیگر دارند و تفکیک عامل‌ها به درستی انجام گرفته است.

طبق نتایج جدول ۱، ۴۹ گویه مربوط به امید به آینده در ۳ مولفه عامل‌بندی شده‌اند که عامل‌های اول با مقدار ویژه ۹/۹۳ دارای بیشترین مقادیر ویژه می‌باشند. همچنین، عامل اول با ۳۲/۵۷ درصد بیشترین میزان تبیین واریانس را در میان عامل‌ها به خود اختصاص داده است. در کل، ۳ مولفه توانسته‌اند حدود ۵۷/۶۹

درصد واریانس مربوط به این متغیر را تبیین کنند. بارهای عاملی چرخش داده شده، به روش واریماکس انجام گرفته است.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی اکتشافی گویه‌های مربوط به متغیر امید به آینده

ابعاد	گویه‌ها و سوالات مربوطه	بار عاملی	مقادیر ویژه	واریانس تبیین شده	واریانس کل تبیین شده
نگرش فردی پیشانه به آینده	رویدادهای خوب اتفاق خواهد افتاد.	۰/۸۰۲	۹/۹۳	۳۲/۵۷	۵۷/۶۹
	همه چیز روز به روز بهتر می‌شود.	۰/۷۶۹			
	می‌توانم آینده ام را تغییر دهم.	۰/۷۲۶			
	باور دارم که شانس برای من هم وجود دارد.	۰/۷۱۸			
	از جنبه‌های مختلف به یک مشکل نگاه می‌کنم.	۰/۷۰۴			
	هنوز چیزهای خوبی وجود دارد که با آن روبرو شوم	۰/۷۰۳			
	مطمئن هستم که شرایط زندگی ام بهتر خواهد شد.	۰/۶۹۹			
	بعضی کارها را انجام می‌دهم که از افکار بد رهایی یابم.	۰/۶۷۷			
	اتکا به نفسم روز به روز بیشتر می‌شود.	۰/۶۷۶			
	شاید روزی شانس برای من هم روی خوش نشان دهد.	۰/۶۷۳			
	سعی می‌کنم مثبت فکر کنم.	۰/۶۶۳			
	من عادت دارم که زیاد نگران مسائل باشم.	۰/۵۹۹			
	به شانس‌هایی که برایم ممکن است پیش بیاید، فکر می‌کنم.	۰/۵۸۰			
تفکر آینده نگر	می‌دانم که در زندگی درست عمل می‌کنم.	۰/۵۵۴	۲/۸۳	۱۲/۹۵	
	من به اهدافی که برای خودم تنظیم کرده ام خواهم رسید.	۰/۵۴۰			
	تجربیات گذشته ام، مرا برای داشتن آینده‌ای بهتر مهیا می‌سازد.	۰/۷۲۹			
	روش‌های زیادی برای حل یک مشکل وجود دارد.	۰/۷۲۴			
	من برای تحقق اهدافم انرژی زیادی دارم.	۰/۵۸۱			
	برای برون‌رفت از یک مشکل می‌توانم به راه‌های زیادی فکر کنم.	۰/۵۵۶			
	تقریباً مطمئنم که مشکلات را نمی‌توانم حل کنم.	۰/۸۱۳			
	همیشه جنبه‌های بد را می‌بینم.	۰/۷۸۰			
	من بهتر از اینکه هستم نخواهم شد.	۰/۷۷۰		۱۲/۱۶	
	خوش‌بین نیستم که زندگی خوبی داشته باشم.	۰/۷۱۴			
نگرش بد پیشانه به	من در مورد سلامتی ام نگران هستم.	۰/۶۴۷	۱/۰۹		
		KMO=0/944	Chi-square=8156/138	DF=276	Sig=0/000

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

سرمایه اجتماعی: برای بررسی اعتبار سازه ای و مشخص کردن عامل های سرمایه اجتماعی نیز از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. ۴ عامل هم برای سرمایه اجتماعی به دست آمده است که این ۴ عامل در مجموع ۶۶/۸۳ درصد واریانس این متغیر را تبیین می کنند. ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی در جدول ۲ آمده است. برای محاسبه پایایی مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج مربوط به آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق و مولفه های آنها در جدول زیر آمده است. همانطور که مشاهده می شود میزان آلفای کرونباخ متغیرها و ابعاد آنها همگی بالاتر از ۰/۷ می باشد که نشان از پایایی قابل قبول متغیرهاست.

جدول ۲: نتایج محاسبه ضریب پایایی مولفه های مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ کل
امید به آینده	(۱) نگرش خوش بینانه به آینده	۱۵	۰/۹۰	۰/۸۸
	(۲) تفکر آینده نگر	۴	۰/۸۵	
	(۳) نگرش بدبینانه به آینده	۵	۰/۸۱	
سرمایه اجتماعی	(۱) انسجام اجتماعی	۹	۰/۹۰۷	۰/۹۳۶
	(۲) اعتماد بین فردی	۵	۰/۸۷۳	
	(۳) مشارکت اجتماعی	۵	۰/۸۵۷	
	(۴) اعتماد نهادی	۳	۰/۸۱۶	
	(۱) عینی	۹	---	
سرمایه فرهنگی	(۲) ذهنی	۹	---	۰/۹۳۴
	(۳) نهادی	۴	---	
سرمایه اقتصادی	---	۵	---	۰/۸۲۸

یافته های پژوهش

طبق اطلاعات به دست آمده، ۳۱۳ نفر از کل پاسخگویان مرد و ۳۰۰ نفر از آنان زن هستند. به عبارت دیگر، ۵۱/۱ درصد کل پاسخگویان را مردان و ۴۸/۹ درصد آنان را زنان تشکیل می دهند. حداقل سن پاسخگویان ۱۷ و حداکثر سن آنان ۲۹ سال، میانگین سنی پاسخگویان ۲۳/۳۲ سال و چولگی و کشیدگی سن پاسخگویان هر دو منفی می باشد. همچنین، ۱۳/۷ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله، ۴۸/۱ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۳۸/۲ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله بودند. محل سکونت ۲۰۸ نفر (۳۳/۸ درصد) از کل پاسخگویان شهر تبریز بوده و ۴۰۲ نفر (۶۶/۲ درصد) از پاسخگویان در شهرهای اهر، مراغه، مرند و میانه سکونت داشته اند. از ۶۱۳ نفر نمونه آماری، ۳۵۶ نفر مجرد (۵۸/۱ درصد)، ۲۵۰ نفر متأهل (۴۰/۸ درصد)، ۶ نفر مطلقه (یک درصد) و ۱ نفر همسر فوت شده (۰/۲ درصد) بودند. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر، جامعه آماری محدود به قشر جوانان بوده، بنابراین تعداد مجردها بیشتر از متأهلان

بوده است. از کل نمونه آماری مورد مطالعه که بالغ بر ۶۱۳ نفر بوده اند، زنان خانه دار با تعداد فراوانی ۱۵۹ نفر (۲۵/۹ درصد) بیشترین فراوانی را دارند. دانشجویان با تفاوت اندکی در مرحله دوم قرار دارند که ۲۳/۷ درصد حجم نمونه (۱۴۵ نفر) را به خود اختصاص داده اند. احتمال می رود بیشتر بودن تعداد فراوانی دانشجویان به علت منزلت اجتماعی آن است که صاحبان مشاغل دیگر، گاهی شغل دوم خود (دانشجو بودن) را به عنوان شغل اصلی خود قلمداد می کنند. جوانان دارای شغل آزاد در مرتبه بعدی بیشترین تعداد فراوانی قرار دارند. ۳ نفر یعنی ۰/۵ درصد هم از کار افتاده بودند که کمترین میزان فراوانی را در میان گزینه های مختلف داشتند.

متغیر امید به آینده متشکل از ۳ بعد است که با استفاده از ۲۴ گویه در پرسشنامه بررسی شده است. به این منظور از طیف لیکرت ۵ گزینه ای برای سنجش این متغیر استفاده شده و گزینه های از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم در پرسشنامه با کدهای ۱ تا ۵ ارزش گذاری شده اند. براساس یافته های تحقیق، میانگین این متغیر برای پاسخگویان ۷۴/۶۸ به دست آمده که بیشتر از میانگین محدوده تعریف شده است و معادل ۶۲/۲۳ درصد بیشترین نمره قابل اکتساب در این مقیاس است. این نتیجه نشان می دهد امید به آینده جوانان کمی بیشتر از حد متوسط است. نتایج به دست آمده برای ابعاد امید به آینده نشان می دهد که مولفه تفکر آینده نگرانه دارای پایین ترین میانگین در میان جوانان بوده و مولفه نگرش بدبینانه دارای بالاترین میانگین در میان جوانان استان آذربایجان شرقی بوده است.

سرمایه اجتماعی یکی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق می باشد که در قالب ۲۲ گویه مورد اندازه گیری قرار گرفته است و بر اساس نتیجه به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی در سه مولفه مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین متغیر سرمایه اجتماعی در میان پاسخگویان در دامنه ۴۸ تا ۱۲۶ برابر با ۸۵/۰۹ می باشد که بیانگر آن است که میانگین سرمایه اجتماعی در میان پاسخگویان بالاتر از حد متوسط می باشد. هر چهار مولفه سرمایه اجتماعی میانگین متوسط به بالایی دارند؛ به طوری که بعد انسجام اجتماعی دارای بالاترین میانگین و بعد اعتماد بین فردی دارای کمترین میانگین در میان ابعاد سرمایه اجتماعی می باشد. سرمایه فرهنگی یکی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق می باشد که در قالب ۲۲ گویه مورد اندازه گیری قرار گرفته است. میانگین متغیر سرمایه فرهنگی در میان پاسخگویان در دامنه ۲۲ تا ۱۳۱ برابر با ۷۳/۹۵ می باشد که بیانگر آن است که میانگین سرمایه فرهنگی در میان پاسخگویان پایین تر از حد متوسط می باشد. در میان سه مولفه سرمایه فرهنگی میانگین بعد ذهنی دارای بیشترین میانگین و بعد نهادی دارای کمترین میانگین می باشد.

سرمایه اقتصادی یکی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق می باشد که در قالب ۴ گویه مورد اندازه گیری قرار گرفته است. میانگین متغیر سرمایه اقتصادی در میان پاسخگویان در دامنه ۴ تا ۲۳ برابر با ۸/۵۴ می باشد که بیانگر آن است که میانگین سرمایه اقتصادی در میان پاسخگویان خیلی کم می باشد.

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

جدول ۳: اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد سوال	دامنه تغییرات	میانگین	میانگین درصدی	وضعیت پاسخگویان
امید به آینده	۲۴	۴۴-۱۱۲	۷۴/۶۸	۶۲/۲۳	نظری ندارم - موافقم
(۱) نگرش خوش بینانه به آینده	۱۵	۱۹-۷۱	۴۴/۹۴	۵۹/۵۲	مخالفم - نظری ندارم
(۲) تفکر آینده نگرانه	۴	۴-۲۰	۱۱/۷۶	۵۸/۸	مخالفم - نظری ندارم
(۳) نگرش بدبینانه به آینده	۵	۷-۲۵	۱۷/۹۸	۷۱/۹۲	نظری ندارم - موافقم
سرمایه اجتماعی	۲۲	۴۸-۱۲۶	۸۵/۰۹	۶۴/۴۶	تا حدی مخالف - تا حدی موافق
(۱) انسجام اجتماعی	۹	۱۷-۵۴	۳۷/۱۹	۶۶/۴۱	تا حدی موافق - موافق
(۲) اعتماد بین فردی	۵	۶-۲۹	۱۷/۵۹	۵۸/۶۳	تا حدی مخالف - تا حدی موافق
(۳) مشارکت اجتماعی	۵	۵-۳۰	۱۸/۸۳	۶۲/۷۶	تا حدی مخالف - تا حدی موافق
(۴) اعتماد نهادی	۳	۳-۱۸	۱۱/۵۰	۶۳/۸۸	تا حدی مخالف - تا حدی موافق
سرمایه فرهنگی	۲۲	۲۲-۱۳۱	۷۳/۹۵	۴۷/۷۱	کم - تا حدی کم
(۱) بعد عینی	۹	۹-۵۲	۲۹/۷۷	۷۰/۸۸	کم - تا حدی کم
(۲) بعد ذهنی	۹	۹-۶۳	۳۲/۸۰	۷۸/۰۹	کم - تا حدی کم
(۳) بعد نهادی	۴	۴-۲۲	۱۱/۳۷	۳۵/۵۳	کم - تا حدی کم
سرمایه اقتصادی	۴	۴-۱۹	۸/۲۴	۴۱/۲	خیلی کم - کم

یافته‌های استنباطی و آزمون فرضیه‌های تحقیق

امید به آینده با سرمایه اجتماعی و ابعاد آن: برای آزمون فرضیه در مورد وجود ارتباط بین امید به آینده با سرمایه اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی به دست آمده نشان می‌دهد بین امید به آینده و سرمایه اجتماعی برحسب ابعاد در نظر گرفته شده در این تحقیق رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به مقدار ضریب محاسبه شده (۰/۴۴۹)، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی یکی از عوامل همبسته با امید به آینده جوانان است. محاسبات انجام شده برای مولفه‌های سازنده متغیر سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد در میان ابعاد سرمایه اجتماعی، شدت همبستگی بعد انسجام اجتماعی با امید به آینده بیشتر از سایر ابعاد است. مولفه مشارکت اجتماعی نسبت به سایر ابعاد بررسی شده کمترین همبستگی را با امید به آینده دارد.

امید به آینده و سرمایه فرهنگی و ابعاد آن: برای آزمون ارتباط بین امید به آینده با سرمایه فرهنگی و ابعاد آن، نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. طبق جدول ۴ مشاهده می‌شود بین امید به آینده و متغیر سرمایه فرهنگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، ارتباط منفی و معنی داری وجود دارد. مقدار محاسبه شده برای این ضریب بیانگر آن است که با افزایش سرمایه فرهنگی، مقدار متغیر امید به آینده جوانان نیز با شیبی معادل $-۰/۲۷۶$ کاهش می‌یابد. یافته‌ها نشان می‌دهد در میان ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد عینی و بعد ذهنی ارتباط منفی و معنی داری با امید به آینده دارند، ولی بعد نهادی سرمایه فرهنگی ارتباط معنی داری با امید به آینده ندارد.

امید به آینده و سرمایه اقتصادی: برای آزمون وجود رابطه بین امید به آینده با سرمایه اقتصادی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد سرمایه اقتصادی ارتباطی با امید به آینده و ابعاد آن ندارد.

رابطه بین امید به آینده با سن جوانان: برای آزمون ارتباط بین سن جوانان با متغیر امید به آینده از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بین سن جوانان با متغیر امید به آینده همبستگی معنی داری در سطح اطمینان ۹۵ وجود دارد. به عبارت دیگر، سن به عنوان یک عامل همبسته با امید به آینده جوانان محسوب می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی امید به آینده با متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها

امید به آینده	رابطه بین امید به آینده و سرمایه فرهنگی	رابطه بین امید به آینده و سرمایه اقتصادی	رابطه بین امید به آینده و سن	رابطه بین امید به آینده و بعد عینی	رابطه بین امید به آینده و بعد ذهنی	رابطه بین امید به آینده و بعد نهادی	رابطه بین امید به آینده و اعتماد نهادی	رابطه بین امید به آینده و فقر نسبی	رابطه بین امید به آینده و فقر مطلق	رابطه بین امید به آینده و فقر نسبی	رابطه بین امید به آینده و فقر مطلق
ضریب همبستگی	۰/۴۴۹	۰/۵۳۷	۰/۲۸۰	۰/۲۱۱	۰/۳۶۲	-۰/۲۷۶	-۰/۲۸۰	-۰/۳۰۵	۰/۰۷۵	۰/۰۴۱	۰/۰۸۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶۳	۰/۳۰۵	۰/۰۳۶
تعداد مشاهدات	۶۱۲	۶۱۳	۶۱۲	۶۱۳	۶۱۲	۶۱۳	۶۱۳	۶۱۲	۶۱۳	۶۱۳	۶۱۳

تفاوت امید به آینده برحسب وضعیت تاهل: برای آزمون تفاوت میانگین امید به آینده به تفکیک وضعیت تاهل از آزمون T-Test استفاده شده است. بر اساس یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول ۵، میانگین امید به آینده برای مجردها $۷۴/۵۸$ و برای متأهلان $۷۵/۱۶$ می‌باشد که نشان می‌دهد شهروندان متأهل از لحاظ امید به آینده وضعیت بهتری نسبت به شهروندان مجرد دارند. همچنین، نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

متغیر امید به آینده در میان شهروندان مجرد و متاهل بر اساس سطح معنی داری به دست آمده برابر با ۰/۵۴۷، نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری بین میانگین‌های مجردان و متاهلمان وجود ندارد. به عبارتی، شهروندان مجرد و متاهل از لحاظ رفتارهای مرتبط با امید به آینده تفاوت معنی داری نسبت به همدیگر ندارند.

جدول ۵: نتایج آزمون t متغیر امید به آینده به تفکیک وضعیت تاهل

متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
امید به آینده	مجرد	۳۵۶	۷۴/۵۸	-۰/۶۰۳	۶۰۴	۰/۵۴۷
	متاهل	۲۵۰	۷۵/۱۶			

امید به آینده جوانان برحسب شهر محل سکونت و وضعیت اشتغال: برای بررسی تفاوت امید به آینده جوانان به تفکیک شهر محل سکونت و وضعیت اشتغال از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه "ANOVA" استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمرات متغیر امید به آینده برای جوانان شهرهای مختلف متفاوت است و تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنی دار بوده و تفاوت معناداری بین امید به آینده جوانان ساکن شهرهای مختلف استان آذربایجان شرقی وجود دارد. همچنین، طبق جدول ۶ ملاحظه می‌شود که میانگین متغیر امید به آینده برحسب وضعیت اشتغال جوانان تفاوت معنی داری دارد. به عبارت دیگر، نوع شغل در امید به آینده جوانان موثر بوده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس امید به آینده به تفکیک شهر محل سکونت و وضعیت اشتغال

متغیر	شهر محل سکونت	وضعیت اشتغال	میانگین	مقدار F	درجه آزادی	سطح معنی داری
امید به آینده	شهر محل سکونت	مجرد	۲۶۵۶۹/۲۰۷	۴	۶۶۴۲/۳۰۲	۰/۰۰۰
		متاهل	۵۷۶۹۱/۴۱۶	۶۰۵	۹۵/۳۵۸	
	وضعیت اشتغال	مجرد	۸۴۲۶۰/۶۲۳	۶۰۹	۳۹۵/۸۳۹	۰/۰۰۵
		متاهل	۲۷۷۰/۸۷۲	۷	۱۳۵/۲۳۲	
			۸۴۵۸۶/۲۳۵	۶۱۲	۲/۹۲۷	

با توجه به اینکه، میانگین متغیر امید به آینده به تفکیک شهر محل سکونت دارای تفاوت معنی داری است، در این صورت، آزمون تحلیل واریانس این امکان را فراهم می‌سازد که در صورت معنی دار بودن تفاوت میانگین‌ها در تجزیه و تحلیل‌های چندگروهی با استفاده از آزمون‌های تعقیبی تفاوت موجود را در بین گروه‌ها دقیقاً مشخص کند. در این تحقیق، برای بررسی تفاوت دویه دوی گروه‌ها از آزمون LSD استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تقریباً تفاوت میانگین‌ها در همه شهرهای مورد

بررسی معنی دار بوده است. همچنین، نتایج به دست آمده از آزمون LSD برای مقایسه بین گروه‌های اشتغال نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت میانگین‌ها را جوانان شاغل در بخش دولتی با سایر گونه‌های مشاغل دارند و نسبت به سایر گونه‌های اشتغال میانگین بالاتری در میزان امید به آینده کسب کرده‌اند.

تحلیل رگرسیونی متغیر امید به آینده: برای سنجش میزان اثر متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی بر امید به آینده، از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره به روش گام به گام استفاده شده است. یکی از پیش فرض‌های مورد استفاده در تحلیل رگرسیون مستقل بودن خطاها یا باقی‌مانده‌ها از همدیگر است. به عبارت دیگر، لازم است همبستگی بین خطاهای ممکن در اندازه‌گیری تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته وجود نداشته باشد؛ این امر از طریق آزمون «دورین- واتسون» صورت می‌گیرد. در مطالعات علوم اجتماعی معمولاً مقادیر در محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ مورد قبول است که نشان می‌دهد شرط استقلال خطاها^۱ از یکدیگر برای متغیرهای مستقل برقرار است.

پیش فرض دیگر برای صحت انجام تحلیل رگرسیونی عدم وجود هم خطی چندگانه در مدل رگرسیونی^۲ است. عدم هم خطی، دلالت به این موضوع دارد که بین متغیرهای مستقل همبستگی وجود ندارد. به این منظور میزان ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل نباید بیش از ۰/۷ باشد.

با فرض پیش‌فرض‌های فوق، در مدل رگرسیونی برای امید به آینده بر ورود متغیرهای سرمایه‌ای انجام گرفته است. چنانچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برای این مدل رگرسیونی ۰/۵۱۰ و مجذور آن یعنی ضریب تبیین معادله رگرسیونی معادل ۰/۲۶۱ و ضریب تبیین تعدیل شده معادل ۰/۲۵۷ است؛ یعنی ۲۶ درصد از تغییرات امید به آینده جوانان توسط این سه متغیر که در معادله رگرسیونی باقی مانده‌اند تبیین می‌شود. بر این اساس مدل رگرسیونی متغیر امید به آینده به شرح زیر خواهد بود:

$$\text{امید به آینده} = ۵۵/۷۸۲$$

$$+ (سرمایه اقتصادی) ۰/۱۰۹ + (سرمایه فرهنگی) ۰/۲۶۰ - (سرمایه اجتماعی) ۰/۴۰۷ +$$

بر اساس معادله فوق، ملاحظه می‌شود که متغیر امید به آینده بیش از هر چیز از سرمایه اجتماعی و سپس سرمایه فرهنگی تاثیر می‌پذیرد. در نهایت سرمایه اقتصادی با بتای ۰/۱۰۹ کمترین تاثیر را در بین متغیرهای مورد بررسی بر امید به آینده جوانان دارد.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیونی متغیر امید به آینده

ضریب همبستگی چند گانه	۰/۵۱۰	متغیر	بتا	T	سطح معنی داری
ضریب تبیین	۰/۲۶۱	عرض از مبدأ	---	۱۸/۲۴۳	۰/۰۰۰

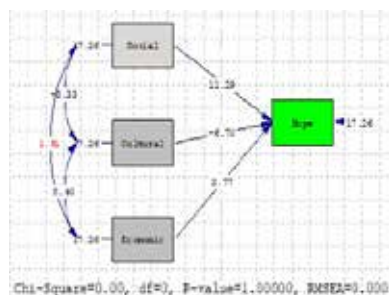
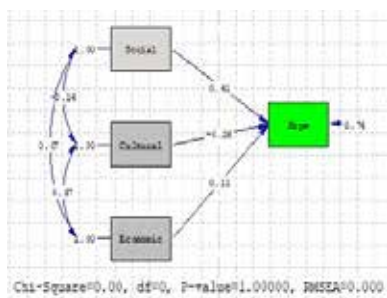
1 Independence of residuals

2 Multicollinearity & Singularity

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

ضریب تبیین تصحیح شده	۰/۲۵۷	سرمایه اجتماعی	۰/۴۰۷	۱۱/۴۵۸	۰/۰۰۰
کمیت دوربین واتسون	۱/۲۹۵	سرمایه فرهنگی	-۰/۲۶۰	-۶/۸۳۴	۰/۰۰۰
کمیت f	۷۱/۳۰۰	سرمایه اقتصادی	۰/۱۰۹	۲/۸۶۸	۰/۰۰۴
تحلیل واریانس	سطح معنی داری	۰/۰۰۰			

همچنین، به منظور تحلیل مسیر و ترسیم مدل ساختاری متغیرهای تاثیرگذار بر امید به آینده جوانان از نرم افزار LISREL بهره گرفته شده است. از میان شاخص های نیکویی برازش، مقدار RMSEA به دست آمده برابر ۰/۰۰۰ می باشد که در مطالعات اجتماعی تا ۰/۰۵ قابل قبول ارزیابی می شود. سایر شاخص های برازش مدل کی دو و درجه آزادی نیز صفر است که نشان می دهند که برازش مدل کامل می باشد. بررسی نتایج تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق بر امید به آینده نشان می دهد در میان اشکال سه گانه سرمایه، سرمایه اجتماعی با اثر مستقیم ۰/۴۱ بیشترین تاثیر را بر امید به آینده جوانان داشته است. بعد از آن، سرمایه های فرهنگی و اقتصادی هر کدام با اثر کل ۰/۲۶ و ۰/۱۱ بر امید به آینده جوانان تاثیرگذار بوده اند.



شکل ۱: مدل ساختاری پژوهش همراه با ضرایب رگرسیونی استاندارد شده وضرایب T

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان انجام گرفته است. با توجه به سوال های آغازین پژوهش، امید به آینده جوانان کمی بیشتر از حد متوسط بوده، اما از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین، در میان مولفه های سه گانه امید به آینده، نگرش بدبینانه به آینده میانگین بیشتری نسبت به مولفه های نگرش خوش بینانه و تفکر آینده نگرانه داشته است. این امر حاکی از آن است که جوانان در ارزیابی خود از امید به آینده بیشتر بر کاهش عوامل منفی و ناامید کننده تاکید داشته اند تا عوامل مثبت و امید انگیز. لذا با توجه به شرایط حاکم بر دوره جوانی و ویژگی های آن، جوانان عوامل پیش روی امیدواری را بیشتر از عوامل زمینه ساز آن مورد توجه دارند. میزان سرمایه اجتماعی برابر ۶۴/۴۶ درصد

برآورد شده که نشان از سرمایه اجتماعی نه چندان بالای جوانان مورد مطالعه دارد. هر چهار مولفه سرمایه اجتماعی میانگین متوسط به بالایی دارند؛ به طوری که بعد انسجام اجتماعی دارای بالاترین میانگین و بعد اعتماد بین فردی دارای کمترین میانگین در میان ابعاد سرمایه اجتماعی می‌اشد. سرمایه فرهنگی هم با میزان ۴۷/۷ پایین‌تر از متوسط است و شاید این امر به این دلیل است که سرمایه فرهنگی دیگر در جامعه امروز تشخیص و تمایز چندانی برای قشر جوان ایجاد نمی‌کند و در نتیجه جوانان مثل سابق به دنبال کسب سرمایه فرهنگی نیستند. سرمایه اقتصادی دارای کمترین میزان در بین اشکال سه گانه سرمایه است. پایین بودن میزان سرمایه اقتصادی می‌تواند ناشی از این قضیه باشد که جوانان اکثراً در حال سپری کردن دوران تحصیلی خود هستند و یا اینکه هنوز به ثبات اقتصادی مطمئن دست پیدا نکرده‌اند.

اساس کار پژوهش حاضر مبتنی بر تبیین امید به آینده جوانان به عنوان متغیر وابسته تحقیق براساس عوامل سرمایه‌ای است. امیدوار بودن مهمترین انگیزه در زندگی انسان است. امید منشا هر پویایی و پیشرفتی در زندگی انسان است، زیرا اگر کسی امید به چیزی داشت، به آن دست می‌یابد و زمینه‌های دستیابی آن هدف را برای خود مهیا می‌کند. اسنایدر و همکاران امید را به عنوان حالت انگیزشی مثبت می‌دانند که بر احساس موفقیت، به عنوان عامل فعال (انرژی و هدف‌گرایی) و مسیر (برنامه‌ریزی رسیدن به هدف) عمل می‌کند. امیدواری درخواستی است که یک فرد برای آینده خود دارد. امید ادراک افراد را در مورد توانایی‌های گسترش راهبردها در جهت رسیدن به هدف و حفظ انگیزتگی تا رسیدن به هدف نشان می‌دهد (Snyder et al, 2003, p.113 به نقل از فولادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

یافته‌های استنباطی پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و چهار مولفه آن (شامل انسجام اجتماعی، اعتماد بین فردی، مشارکت اجتماعی و اعتماد نهادی) ارتباط مثبت و معنی داری با امید به آینده دارند. سرمایه اجتماعی از طریق پیوندها و روابط اجتماعی دستیابی به اهداف را تسریع می‌کند. طبق نظر اسنایدر، امید فرایند تعیین اهداف و طراحی راهکارها و ایجاد انگیزه برای رسیدن به اهداف است. در نتیجه، افرادی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، به آینده امیدوارتر خواهند بود. بورديو سرمایه اجتماعی را شامل روابط اجتماعی می‌داند که فرد می‌تواند برای دسترسی به منابع با کسانی که در ارتباط است، استفاده کند. او بر آن است که شبکه تماس‌های اجتماعی به خودی خود ایجاد نمی‌شود، بلکه همانند سرمایه انسانی یا فیزیکی محصول راهبردهای کاربردی و برنامه‌ریزی شده سرمایه‌گذاری است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۷).

از طرف دیگر، انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی، انسجام در کل، ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

است. انسجام اجتماعی به عنوان قوی ترین عامل برای رویارویی موفقیت آمیز و آسان افراد در زمان درگیری با شرایط تنش زا شناخته شده و تحمل مشکلات را برای افراد تسهیل می نماید.

تحقیقات و بررسی ها حاکی از آن است که داشتن حمایت اجتماعی می تواند در رضایت و امید به زندگی افراد تأثیرگذار باشد. بدیهی است که همه انسان ها در هنگام گرفتاری ها به حمایت اطرافیان و دوستان خود نیاز دارند تا احساس امنیت کنند. لذا هر چه احساس حمایت و انسجام اجتماعی از سوی دیگران در افراد بیشتر باشد، میزان امیدواری آنان نیز افزایش می یابد. احساس انسجام و حمایت اجتماعی به دو روش رضایت از زندگی و امیدواری را متأثر می سازد: به صورت مستقیم و به صورت غیرمستقیم (Van Leeuwen, 2010). در واقع احساس حمایت و انسجام یک کمک دو جانبه است که موجب خلق تصور مثبت از خود، پذیرش خود، امیدواری، احساس عشق و رضامندی می گردد و اضطراب را کاهش می دهد و تمام این ها به فرد فرصت خودشکوفایی و رشد را می بخشد (قنوتیان و همکاران، ۱۳۸۱).

شیرر و کارور (۱۹۸۶) به این نتیجه رسیدند که افراد خوشبین و امیدوار در هنگام بروز موقعیت های مشکل زا از مقابله مسئله مدار استفاده کرده، به جستجوی حمایت اجتماعی بر می آیند و در ضمن بر جنبه های مثبت رویدادهای منفی، تأکید و تمرکز می کنند (کشاورز و وفاییان، ۱۳۸۶: ۵۴). اسلامی نسب (۱۳۷۲) معتقد است که امیدواری بر کیفیت روابط با دیگران نیز تأثیر می گذارد به طوری که افراد ناامید به ندرت می توانند با سایرین ارتباط رضایت بخشی برقرار کنند. پس همواره احساس تنهایی کرده و در انتظار شکست به سر می برند و وقایع کوچک را خیلی بد تعبیر می کنند (علیپور و اعراب شیبانی، ۱۳۹۰: ۷۳).

یکی دیگر از ابعاد سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی می باشد. میزان امید به آینده افراد جامعه، بر تمایل آنان به همکاری و مشارکت تأثیر می گذارد. یکی از پیش شرط های مشارکت، قابلیت و ظرفیت متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است. وفاق اجتماعی دو شکل اصلی یعنی پیش بینی پذیری رفتارهای اجتماعی و تعامل اجتماعی حل می کند. با حل دو مشکل فوق و همزمان با ظهور و اعتماد متقابل زمینه برای همکاری و مشارکت اجتماعی فراهم می آید (چلبی، ۱۳۷۲، ص ۱۹). به نظر اسلندر، ما نیاز به تعامل و مشارکت با هم داریم و باید از محدوده آشنایان و درون گروه ها فراتر برویم و به افراد دیگری که متفاوت از ما و ناشناس برای ما هستند، اعتماد کنیم. کمک های خیرخواهانه نمونه ای از این امر است. کسانی که دارای اعتماد عام گرایانه هستند، در خود احساس نوعی التزام اخلاقی در جهت کمک به بیگانگان دارند (اسلندر، ۲۰۰۱: ۱۰۴ به نقل از غفاری و نوابی ۱۳۸۸: ۲۱۶).

نتایج تحقیق هزار جریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) نشان داده است که متغیر امید به آینده اجتماعی به واسطه متغیر اعتماد اجتماعی تأثیر فزاینده ای بر میزان رضایت افراد دارد. این نشان می دهد هر چه میزان امید به آینده اجتماعی بیشتر باشد، احساس اعتماد و در نهایت رضایت از زندگی بیشتر شده و در مقابل

افرادی که امید زیادی به آینده و جامعه ندارند، رضایت کمتری از زندگی دارند. در عین حال امید به آینده فردی بر امید به آینده و جامعه تأثیرگذار بوده و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد. (هزارجریبی و صفری شالی ۱۳۸۸، ص ۲۱). مطابق نتایج برخی از پژوهش‌ها، افراد امیدوار و شادمان، روابط قوی‌تری با دوستان، همسر و همسایگان و بستگان خود دارند (فولادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

در میان متغیرهای تحقیق، سرمایه فرهنگی ارتباط منفی و معنی داری با امید به آینده جوانان دارد. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که جوانانی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند در جامعه سازوکارهای لازم و بستر مناسب برای امید به آینده این قشر از جوانان به طور مقتضی وجود ندارد و این امر باعث می‌شود که افزایش سرمایه فرهنگی به کاهش امید به آینده جوانان منجر شود. سرمایه اقتصادی هم تأثیری در امید به آینده جوانان نداشته است. بنابراین می‌توان گفت که در ارتقای امید به آینده جوانان عواملی غیر از موارد اقتصادی موثر بوده اند و سرمایه اقتصادی نقش تأثیرگذاری در امید به آینده جوانان ایفا نکرده است. از طرف دیگر، می‌توان بیان کرد که با توجه به اقتضای سنین جوانی عوامل اقتصادی امید به آینده جوانان را تحت الشعاع قرار نداده است و این امر به ماهیت نگرشی بودن امید به آینده در میان جوانان مربوط می‌شود.

پیشنهاده‌ها

سرمایه اجتماعی هم در زمره متغیرهایی است که همبستگی مثبت و معنی داری با امید به آینده جوانان داشته است. سرمایه اجتماعی حاصل وجود شبکه‌هایی است که افراد در جامعه به آنها تعلق دارند و با آنها هویت پیدا می‌کنند. مکانیزم‌های مختلفی وجود دارد که به واسطه مولفه‌های سازنده آن می‌توان امید به آینده جوانان را بهبود بخشید. برای مثال، می‌توان مشارکت اجتماعی را به شیوه‌های مختلف در جوانان تقویت کرد یا می‌توان جوانان را در سمن‌ها و ... مشارکت داد یا با آگاهی‌بخشی به جوانان از طریق رسانه‌های جمعی اعتماد بین‌نهادی را تقویت کرد.

به نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی و اجتماعی کاراترین ابزار در این راستا می‌توانند باشند. همچنین، اداره کل ورزش و جوانان می‌تواند با حمایت و پشتیبانی همه جانبه از سازمان‌های مردم نهاد و واگذاری مسئولیت‌های مقتضی به جوانان در مسیر افزایش سرمایه اجتماعی و امید به آینده حرکت کند.

با توجه به نتایج تحقیق، سرمایه فرهنگی ارتباط معکوس و معنی داری با امید به آینده جوانان استان آذربایجان شرقی دارد. به نظر می‌رسد سرمایه فرهنگی بر خلاف امید به آینده عمل می‌کند و افزایش سرمایه فرهنگی، کاهش امید به آینده جوانان را به همراه خواهد داشت. در این میان، نقش سازمان‌هایی همچون اداره ورزش و جوانان، مراکز دانشگاهی و ... مهم‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین، از چنین سازمان‌هایی انتظار می‌رود که برای افشار با سرمایه فرهنگی بالا، با راهکارهایی نظیر ارائه تبلیغات فرهنگی، برگزاری

تحلیل ساختاری نقش عوامل سرمایه ای در امید به آینده جوانان

دوره‌ها و کارگاه‌های مرتبط و ... در جهت همسو کردن سرمایه فرهنگی و امید به آینده جوانان اقدامات موثری انجام دهند یا اینکه زمینه‌های امیدبخش مرتبط با سرمایه فرهنگی بیشتر جوانان را فراهم آورند.

منابع

- احمدی، سیروس؛ کیوان آرا، محمود؛ صادقی، زهرا و ابتکاری، محمدحسین. (۱۳۹۸). «ارتباط سرمایه اجتماعی با امید به آینده در بین بیماران مبتلا به سرطان در بیمارستان سیدالشهدا شهر اصفهان». مجله علوم پزشکی خراسان شمالی. دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۱-۷.
- افشانی، سید علیرضا و جعفری، زینب. (۱۳۹۵). «رابطه سرمایه اجتماعی و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد». علوم اجتماعی. س ۲۵، ش ۷۳، صص ۹۲-۱۱۵.
- استونز، راب. (۱۳۸۸). متفکران بزرگ جامعه شناسی. مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز
- امیرخان نژاد، امیرعلی و صباغ، صمد. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین بیگانگی اجتماعی، فقر اقتصادی و اعتقادات دینی با امید به آینده دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند». مطالعات جامعه شناسی. سال ۷، شماره ۲۶، بهار، صص ۷-۱۹.
- خواجه نوری، بیژن؛ مومنی، مریم و هوشیار، آزاده. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه دینداری و امیدواری اجتماعی دردانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر شیراز». جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۶، شماره پیاپی ۵۹، شماره سوم، صص ۱۹۵-۲۰۸.
- دل آویز، علی. (۱۳۸۴). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در نگرش به توسعه سیاسی». پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه تبریز.
- رمضانی، محمد علی. (۱۳۸۶). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و شدت جرم». پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه تبریز.
- فرخ نژاد کشکی، داود؛ محمدی، اصغر و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۷). «بررسی عوامل جامعه شناختی موثر در امید به آینده حاشینه نشینان تبریز». مطالعات جامعه شناختی شهری. سال ۹، شماره ۲۹، صص ۸۱-۱۰۸.
- فولادیان، احمد. (۱۳۹۲). «بررسی میزان امید به آینده و عوامل اجتماعی موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد». فصلنامه علمی- پژوهشی فقه و تاریخ تمدن. سال ۹، شماره ۳۸، صص ۱۳۷-۱۵۹.
- قنوتیان، مهرانوش؛ جمشیدی میانرود، لیدا و نوروزی ده میران، ویدا. (۱۳۸۱). «بررسی بین رابطه سلامت روان با تفکر پارانوئید و حمایت اجتماعی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، اهواز.
- شامپاین، پاتریک. (۱۳۹۳). پیر بوردیو. ناهید موید حکمت. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- صالحی پورمهر، حسین. (۱۳۸۶). «بررسی ارتباط بین امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه تبریز». پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- عباس زاده، محمد؛ سعادت، موسی؛ حبیب زاده، اصحاب و حیدری، رضا. (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی و سلامت روانی در بین زنان متاهل شهر تبریز». مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۳۲.
- علیپور، احمد و اعراب شبیبانی، خدیجه. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین امیدواری و شادکامی با رضایت شغلی در بین. معلمان». فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی. سال ۶، شماره ۲۲، ص ۱۴۵.
- عزیززاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۱). «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل موثر بر آن». جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۳، شماره پیاپی ۴۸، شماره ۴، صص ۱۸۹-۲۰۶.
- کشاورز، امیر و وفاییان، محبوبه. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان شادکامی». فصلنامه اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی). شماره ۲ (۵)، صص ۵۱-۶۲.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیاد های نظریه اجتماعی. منوچهر صبوری. چاب اول، تهران: نشرنی

- مرادی، علی و صفاریان، محسن. (۱۳۹۷). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و امید به آینده با بی تفاوتی جوانان (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)». مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره ۵، شماره ۳، صص ۳۸۵-۴۱۰.
- مردانی فر، فهیمه؛ ظهیری نیا، مصطفی و رستگار، یاسر. (۱۳۹۸). «سرمایه اجتماعی و امید به آینده در میان دانشجویان (مطالعه دانشگاه های شهر بندرعباس)». مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.
- میرزائیان، بهرام؛ حسن زاده، رمضان و مصلحی جویباری، میترا. (۱۳۹۳). «سهم امید به آینده معلمان زن در پیش بینی شادکامی دانش آموزان دختر». زن و جامعه. سال ۵، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۳۸.
- هزار جریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)». جامعه شناسی کاربردی. ۱۲۰(۱)، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن (مطالعه در بین شهروندان تهرانی)». انتظام اجتماعی. سال ۱، شماره ۳، صص ۷-۲۸.
- Chang, E. C. & Disimone, S. L. (2001). "The influence of hope on appraisals, coping and dysphoria: a test of hope theory". Journal of social and clinical psychology, vol. 20, 2: 117-129.
- Cunningham, G., Arnau, R., Rosen, D., Finch, J., Rhudy, J., & Fortunato, V. (2000). "The Relationship between hope and social participation". Journal of Personality, 75, pp. 43-64.
- Fowler, J. H. & Christakis, N. A. (2008). "Dynamic Spread of Happiness in a Large Social Network: Longitudinal Analysis Over 20 Year in the Framingham Heart Study". British Medical Journal, pp. 337-338.
- Fredrickson, B. L. (2009). **Positivity: Groundbreaking research reveals how to embrace the hidden strength of positive emotions, overcome negativity and thrive**. New York: Grown Publishing
- Shaw, M. (2005). "Health Inequality: An Introduction to Theories, Concepts and Methods". Mel Bartley. Cambridge: Polity Press, 2004, £16.99 (PB), ISBN: 0745627803. Int J Epidemiol. 34(2):500-2. Doi: 10.1093/ije/dyi053.
- Scheier, M. F. & carver, C. S. (1986). "Optimism, coping, and health: assessment and implication of generalized outcome expectancies". Health psychology. V. 3, p 219-247.
- Shelton, R.C., Gage-Bouchard, E.A., Jandorf, L., Sriphanlop, P., Thelemaque, L.D., Erwin, D.O. (2016). "Examining Social Capital and Its Relation to Breast and Cervical Cancer Screening among Underserved Latinas in the U.S". J Health Care Poor Underserved. 27(4):1794-811. Doi: 10.1353/hpu.2016.0163 pmid: 27818439.
- Snyder, C. R., Harris, C., Anderson, J. R., Holleran, S. A., Irving, L. M., Sigmon, S. T., Harney, P. (1991). "The will and the ways: Development and validation of an individual-differences measure of hope". Journal of Personality and Social Psychology, 60, 570-585.
- Snyder, C. R., Lopze, S. J., Shorey, H. S., Rand, K. L., & Feldman, D. B. (2003). "Hope theory, measurement and application to school psychology". School psychology quarterly, 18(2), pp. 122-139.
- Snyder, C. R., shorey, H. S., Cheavens, J., Mannpulvers, K. M., Adams, V. H., Wiklund, C. (2002). "Hope and academic success in college". Journal of educational psychology, 94(4), pp 820-826.
- Snyder, C. R. (2000). **Handbook of Hope: Theory. Measure& Applications**. Academic Press. USA.
- Peterson, C. (2000). "The future of optimism". American Psychologist, 55, 44-55.
- Van Leeuwen CM, Post MW, van Asbeck FW, van der Woude LH, de Groot S, Lindeman E. (2010). "Social support and life satisfaction in spinal cord injury during and up to one year after inpatient rehabilitation". J Rehabil Med. 42(3): 265-71. Doi: 10.2340/16501977-0502. PMID: 20411223.

جعفر عینعلی^۱محمد موسوی^۲طاهره فیضی^۳زهره فروتنی^۴

10.22034/SSYS.2022.2149.2536

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

یکی از مسائل اساسی کشور، بیکاری جوانان است. دولت به عنوان بزرگترین کارفرمای کشور، مسئولیت خطمشی گذاری در مورد کاهش بیکاری جوانان را بر عهده دارد. با توجه به نقشی که کارکنان بخش دولتی در اداره کشور دارند، کیفیت نیروی انسانی دولتی حائز اهمیت خاصی است. از این رو، تاثیر خطمشی های استخدامی طیف وسیعی از جامعه را در بر می گیرد و با تعیین شرایط و نحوه ورود به خدمت، تاثیر بسزایی بر عملکرد کلی دولت و نظام اداری کشور دارد. در شرایط فعلی که کشور ما با نرخ بالای بیکاری جوانان و شرایط اقتصادی دشوار رو به روست، استخدام در بخش دولتی با استقبال بیشتر جوانان همراه شده و حساسیت موضوع دو چندان گردیده است. بنابراین، خطمشی گذاری نظام جذب و استخدام جوانان در بخش دولتی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است و نیازمند مطالعات گسترده و تدوین مدل های مناسب و اثربخش است.

هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل خطمشی گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی است و می کوشد از طریق روش کیفی داده بنیاد، با به کارگیری روش نمونه گیری نظری و انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته با صاحب نظران این حوزه به این مدل دست یابد.

واژگان کلیدی: مدل خطمشی گذاری، اشتغال جوانان، بخش دولتی و نظریه داده بنیاد.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Jafar.eynali@yahoo.com

^۲ دانشیار، مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳ دانشیار، مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۴ استادیار، مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

در ایران دولت در امور مختلف جامعه حضور پررنگ و بی‌رقیبی دارد و عمده تصمیم‌گیری‌ها در مواجهه با مسائل عمومی، در سازمان‌های دولتی انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران گاه بسیار سیاست زده، پرشتاب و موقتی، بدون تعمق کافی و بدون ریشه‌یابی مسائل به صورت علمی انجام می‌گیرد. نداشتن کارکرد حل مسئله می‌تواند به ضعف در شناخت و ریشه‌یابی و یا سایر مراحل فرآیند خط‌مشی‌گذاری باز گردد، اما مهمترین مطلب به علمی بودن خط‌مشی‌ها مربوط است. حرکت به سمت خط‌مشی‌های دانش محور و با تفکیک داده، اطلاعات و دانش و خرد، با ابزارهای تحلیلی مناسب امروزه به خوبی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته دنیا صورت گرفته است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

خط‌مشی یک جهت‌گیری کلی است که چگونگی عمل سازمان‌ها و موسسات را در آینده مشخص می‌سازد. با توجه به نقش جدید مدیران در عصر حاضر، بعد جدیدی در مدیریت مطرح گردیده که آن را «سیاست‌گذاری و یا خط‌مشی‌گذاری عمومی»^۱ نام نهاده‌اند. خط‌مشی‌گذاری عمومی عبارت است از تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که به وسیله مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده حفظ منافع عمومی جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌گردد. دولت در مفهوم کلی، یک نهاد قانونی خط‌مشی-گذاری عمومی است و به صورت‌های مختلف مانند قوانین، ضابطه‌ها و مقررات به تعیین سیاست‌گذاری می‌پردازد (بوچهولز و روگن، ۱۹۸۵). بر اساس این بعد جدید، مدیران باید علاوه بر مهارت و آگاهی در زمینه‌های فنی، انسانی و اداره امور سازمانی، در زمینه مسائل اجتماعی و خط‌مشی‌های عمومی به دانش و تجربه نیز مجهز باشند (الوانی، ۱۳۸۷).

یکی از مهمترین مسائل در سیاست‌گذاری دولتی، تمایز مابین آنچه که دولت‌ها می‌خواهند انجام دهند و آنچه که در واقع انجام داده‌اند، می‌باشد؛ یعنی آنچه که دولت‌ها انجام نداده‌اند و در آن بخش‌ها فعال نبوده‌اند نیز مهم است. نکته دیگر آن است که در تصمیم‌گیری دولتی، نقش بازیگران غیررسمی از جمله افکار عمومی و گروه‌های فشار نیز باید لحاظ شود. سوم آنکه سیاست‌گذاری دولتی تنها به مسائل مربوط به قوانین، فرامین دولتی، ضوابط و آئین‌نامه‌ها محدود نمی‌گردد (تئودولو، ۱۹۹۵).

نگاهی گذرا به خط‌مشی‌های تدوین شده در مورد مدیریت نظام اداری کشور که بخش عمده آن بر فرایندهای مدیریت منابع انسانی بخش دولتی استوار بوده نشان می‌دهد در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خط‌مشی‌های بسیاری در این زمینه تدوین گردیده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به «قانون استخدام کشوری» مصوب ۱۳۴۵، «قانون نظام هماهنگ پرداخت» مصوب ۱۳۷۰، «قانون مدیریت خدمات کشوری»

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

مصوب ۱۳۸۶، «قوانین برنامه‌های پنج ساله اول تا پنجم توسعه»، «نقشه راه اصلاح نظام اداری» مصوب ۱۳۹۳ و «برنامه جامع اصلاح نظام اداری» مصوب ۱۳۹۳ اشاره نمود.

نظام خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی در ایران شامل دولت به عنوان نهاد برنامه‌ریز، مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع تصویب برنامه و دولت به عنوان مجری برنامه مصوب است. البته دولت ضمن اجرا، نقش نظارت داخلی بر اجرای برنامه توسط بخش‌های زیرمجموعه خود را نیز دارد و مجلس نیز همزمان پس از تصویب نقش ناظر اصلی بر آن را دارد. ضمن اینکه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز سیاست‌های کلی برنامه را تعیین کرده و به مقام معظم رهبری برای تایید و ابلاغ به دولت ارائه می‌کند. بر این اساس، نظام برنامه‌ریزی در ایران یک نظام تعاملی است که شامل قوه مجریه و قوه مقننه و سایر دستگاه‌های حاکمیتی است.

از نظر پرسمن و ویلداوسکی، بزرگ‌ترین مشکل در اجرای خط‌مشی، عدم توجه به تمهیدات خاص در مرحله شکل‌گیری است؛ یعنی بسیاری از مشکلات احتمالی در اجرای خط‌مشی‌ها، در صورتی که در مرحله شک‌گیری آنها به تمهیدات اجرایی آنها توجه شود، ممکن است بروز نکنند. به این ترتیب مفید است که از منظر مرحله تدوین خط‌مشی نیز به بررسی راه‌ح‌های مسئله اجرا پرداخت. یکی از رو‌های مفید برای بررسی مرحله تدوین خط‌مشی‌ها، بررسی عقلانیت خط‌مشی‌های تدوین شده است و انتظار می‌رود با رعایت عقلانیت در هنگام تدوین خط‌مشی عمومی، اجرای خط‌مشی‌ها بهبود پیدا کند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۸).

اصولاً جذب و به‌کارگیری فرایندی است که به تعیین نیازهای منابع انسانی یک سازمان و تأمین تعداد مناسبی از افراد شایسته برای پر کردن آن نیازها مبادرت می‌ورزد. این فرایند آن گونه که در تعریف فوق به آن اشاره شد، یک فعالیت ساده‌انگارانه نیست. در واقع، جذب و به‌کارگیری مستلزم تلاش پیچیده و گستره‌ای از وظایف مختلف می‌باشد که از تحلیل شغل گرفته تا ارزیابی عملکرد، از مصاحبه شغلی تا توسعه مسیر شغلی و از به‌کارگیری افراد تا انقضا از خدمت آنها را در بر می‌گیرد (بی‌یر، ۱۹۸۵).

یکی از مسائل بسیار حائز اهمیت در مورد جوانان، عدم اشتغال و بیکاری است که نیاز به خط‌مشی‌گذاری‌های مناسب دارد. به علاوه، به منظور جذب و به‌کارگیری جوانان شایسته، کسانی که مسئولیت این فرآیند خط‌مشی را به عهده می‌گیرند باید علاوه بر دانش سازمانی مربوطه از دانش لازم در زمینه‌های حقوقی، روانشناسی و زمینه محیطی که در آن فعالیت می‌کنند، برخوردار باشند. وظایف و کارهایی که انجام می‌دهند باید در هماهنگی با زمینه‌هایی باشد که آنها در آن مهارت دارند.

این مسئله، اشتغال، جذب و به‌کارگیری جوانان را به یک فعالیت مشکل و چالش‌برانگیز تبدیل کرده است. یکی از اهداف جذب و به‌کارگیری تضمین این مسئله است که سازمان پیوسته تعداد مناسب

و در عین حال با کیفیتی از کارکنان را در جای مناسب و در زمان مناسب برای انجام موفقیت‌آمیز کار سازمان در اختیار داشته باشد (دی سنزو و رابینز، ۲۰۰۲)

در تحقیق حاضر تلاش خواهد شد این رویکرد نوین به خط‌مشی‌گذاری در حوزه استخدام بخش دولتی پیاده سازی شود و مدلی ترسیم گردد که بر طبق آن خط‌مشی‌هایی که از دل نظام اداری کشور خارج می‌شود، خط‌مشی‌هایی مبتنی بر تحقیقات معتبر باشد تا قابلیت اعتماد بر آن افزایش یابد. پژوهش کنونی با هدف طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی و در پی پاسخ به این پرسش است: مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی کشور چگونه است و از چه اجزایی تشکیل شده است؟

پیشینه پژوهش

پس از مطالعه نظام‌مند تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش، ادبیات پیشین بررسی و تجزیه و تحلیل شد. نتایج این بررسی‌ها به صورت خلاصه در قالب جدول ۱ و ۲ آورده شده است:

جدول ۱: پیشینه تحقیقات داخلی

محققان	عنوان یا عناصر کلیدی	نتیجه
هاشمی و همکاران (۱۳۹۲)	جذب کارکنان، توسعه منابع انسانی و مشارکت کارکنان	نتایج نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل راهبرد جذب و راهبرد توسعه منابع انسانی و متغیر میزان مشارکت کارکنان به عنوان متغیر وابسته رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.
میرکمالی و همکاران (۱۳۹۴)	ملاک‌های جذب و نگهداشت منابع انسانی و ارائه راهکار مناسب	ملاک‌های جذب و نگهداشت کارکنان در سه دسته: شایستگی‌ها و توانایی‌های شخصی، مسائل اعتقادی، اخلاقی و دینی و دارا بودن امتیازات ویژه قرار می‌گیرند. همچنین مشخص شد که ملاک‌های جذب و نگهداشت کارکنان در وضعیت پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد.
جوهری و همکاران (۱۳۹۵)	تأثیر راهبرد جذب کارکنان بر عملکرد کارکنان	تأثیر راهبرد جذب کارکنان بر نتایج پژوهش نشان داد راهبرد جذب کارکنان بر عملکرد آن‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد.
رستم زاده و همکاران (۱۳۹۵)	مدیریت راهبردی منابع انسانی، جذب، نگهداشت و توانمندسازی	نتایج نشان می‌دهد مدیریت راهبردی منابع انسانی بر جذب، نگهداشت و توانمندسازی منابع انسانی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

محققان	عنوان یا عناصر کلیدی	نتیجه
دقتی و همکاران زمینه‌های جذب منابع انسانی (۱۳۹۶)	نتایج نشان می‌دهد متغیرهای جو سازمانی، ویژگی‌های شغلی و شرایط و محیط کار نسبت به سایر متغیرها دارای وضعیت مطلوب‌تری هستند و متغیرهای حقوق و مزایا و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه مورد مطالعه نسبت به سایر زمینه‌ها از مطلوبیت کمتری برخوردارند.	
سبحانی پور و همکاران فرهنگی مشارکتی در و توسعه قابلیت‌ها، باید بستر قانونی مناسب‌تری ایجاد شود تا بتوان به اثربخشی دست یافت (۱۳۹۷)	طراحی مدل مدیریت منابع انسانی اثربخش مبتنی بر فرهنگ سازمانی مشارکتی در و توسعه قابلیت‌ها، باید بستر قانونی مناسب‌تری ایجاد شود تا بتوان به اثربخشی دست یافت	پژوهشگران دریافتند علی‌رغم مواد قانونی موجود در بخش دولتی در مورد اجرای راهبرد متعهدانه در فرهنگ سازمانی مشارکتی در شاخص‌های توانمندسازی، کار تیمی فرهنگ سازمانی مشارکتی در و توسعه قابلیت‌ها، باید بستر قانونی مناسب‌تری ایجاد شود تا بتوان به اثربخشی دست یافت
توکلی و مرادی (۱۳۹۷)	پنداشت کارکنان از قابلیت استخدام خود و ارتباط آن با تعهد سازمانی در دستگاه‌های دولتی	پژوهشگران پنداشت کارکنان از قابلیت استخدام در دو بعد کمی - کیفی و درون - سازمانی - برون‌سازمانی در سازمان‌های دولتی استان زنجان را مورد بررسی قرار دادند که نتایج حاصل نشان داد در سازمان‌های دولتی چهار مؤلفه اصلی پنداشت از قابلیت استخدام با تعهد سازمانی کارکنان رابطه مثبت و معنی داری دارند. همچنین فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی میان پنداشت از قابلیت استخدام و تعهد سازمانی، رد شد.
عباس پور و همکاران (۱۳۹۷)	ارائه مدل انتخاب کارکنان مستعد در سازمان با کیفیت مطلوب، در زمان مناسب و با هزینه معقول و اقتصادی توجه شود و انتخاب یک فرد به یک رابطه برد برد منجر شود؛ بدین معنا که هم با نیازهای سازمان و هم با نیازها و خواسته‌های کارکنان همراه و منطبق بوده و بهترین تناسب ممکن بین شخص و شغل برقرار شود.	در این پژوهش برای انتخاب کارکنان مستعد، پیشنهاد گردید به نیازهای استخدامی سازمان با کیفیت مطلوب، در زمان مناسب و با هزینه معقول و اقتصادی توجه شود و انتخاب یک فرد به یک رابطه برد برد منجر شود؛ بدین معنا که هم با نیازهای سازمان و هم با نیازها و خواسته‌های کارکنان همراه و منطبق بوده و بهترین تناسب ممکن بین شخص و شغل برقرار شود.
تیموری و همکاران انسانی، الگوی مناسب مبتنی بر نظام شایستگی (۱۳۹۷)	عوامل مؤثر بر جذب منابع انسانی، الگوی مناسب مبتنی بر نظام شایستگی	نتایج نشان داد تعیین تعداد مناسب افراد، دانش فنی، گروه گرای، ارزیابی شایستگی‌های حرفه‌ای، خواسته‌های حقوقی، پیاده‌سازی فرایند استخدام، توانمندسازی کارکنان و عدالت محوری در جذب منابع انسانی تأثیرگذارند.
حسن زاده و همکاران ارائه مدل نظام جذب، تأمین و تعدیل منابع انسانی کارآفرین محور در سازمان‌های دولتی ایران (۱۳۹۹)	در نهایت مدلی ارائه گردید که در آن ابعاد جبران خدمت، مدیریت امور استخدامی و طراحی مشاغل، طوری طراحی شده که بتوانند نوآوری، پیش‌کنشی و انعطاف‌پذیری را به‌عنوان ابعاد شناسایی شده کارآفرینی در سازمان‌های دولتی ایران تقویت نمایند.	

جدول ۲: پیشینه تحقیقات خارجی

محققان	عنوان/عناصر کلیدی	نتیجه
دایبوس و راسول (۲۰۰۴)	مؤلفه‌های مؤثر بر جذب منابع انسانی و الزامات شغلی ۲- تکمیل اسناد شغلی ۳- شناسایی منابع استخدامی ۴- تعیین معیار انتخاب ۵- غربال متقاضیان ۶- آموزش مصاحبه‌کنندگان و مصاحبه	۱- شناسایی نیازهای منابع

محققان	عنوان/عناصر کلیدی	نتیجه
		با برترین ها ۷- آماده سازی فهرست انتخابی ۸- تأیید شایستگی های نامزد منتخب ۹-مذاکره در مورد حقوق و مزایا ۱۰- تأیید انتخاب
	مدل چندسطحی روند جذب شامل موارد زیر است: ۱- مراحل جذب (کاربردی، تعاملی، پیشنهاد کار) ۲- پیامدهای متقاضی (واکنش، برداشت، نیت)	مدل چندسطحی از آئن سکر (۲۰۰۵)
	۳- پیامدهای جذب (کمیت و کیفیت متقاضیان) ۴- پیامدهای فردی (رضایت شغلی، تعهد و...) ۵- پیامدهای سازمانی (عملکرد سازمانی، نرخ گردش سازمانی)	روند جذب و تأمین
	نتایج این پژوهش که در کشور مصر انجام شد نشان داد سازمان ها باید هنگام الگویی و واحبا عوامل مؤثر بر جذب جذب بر معیارهای شایستگی تاکید زیادی داشته باشند. در این پژوهش دو دسته (۲۰۰۶)	مدیران عوامل شناسایی شد: استفاده از مراکز ارزشیابی شغل و توجه به شایستگی های محوری.
	عوامل موفقیت در این پژوهش که شرکت های موفق مجله فورچون مورد بررسی قرار گرفتند	هاریست (۲۰۰۶) شرکت های با عملکرد یکی از مهمترین عوامل موفقیت شرکت های با عملکرد برتر؛ توانایی جذب و نگهداری کارکنان با کیفیت تعیین شده است.
	مدل فازی برای انتخاب و ارزیابی کارکنان	گلک و کاهایا (۲۰۰۷)
	در این پژوهش یک مدل فازی شامل مراحل زیر برای انتخاب و ارزیابی کارکنان ارائه شده است. ۱- تعیین اهداف راهبردی سازمان ۲- تعیین عوامل شایستگی ۳- تعیین مقیاس و وزن هر عامل ۴- تعیین نمودار سلسله مراتبی ارزیابی و انتخاب ۵- تعیین صحت نمودار سلسله مراتبی	کومار (۲۰۱۴)
	جذب و تأمین منابع انسانی	نتایج پژوهش حاضر یک مدل سه مرحله ای برای جذب و تأمین منابع انسانی به شرح زیر ارائه داد. ۱- تعیین نیازهای شغلی ۲- جذب متقاضی ۳- انتخاب متقاضی
	عوامل مؤثر بر جذب و نگهداری کارکنان	ویربا (۲۰۱۷)
	عوامل مؤثر بر اولویت استخدام بخش دولتی	کوراک و همکاران (۲۰۱۸)
	در سطح پیش از ورود: یک بررسی نظام مند	در این پژوهش انگیزه خدمات عمومی را به عنوان یکی از قطعات مهم پازل شناسایی اولویت ها برای استخدام در بخش دولتی معرفی می کند.
	استخدام بخش دولتی	در این پژوهش، مدل نهایی استخدام، بر اساس داده های کشور کلمبیا تنظیم شده و تأثیرات دستمزد و سیاست های مشاغل بخش دولتی بر نرخ بیکاری، تقسیم اشتغال بین بخش خصوصی و دولتی و توزیع دستمزد در دو بخش تجزیه و تحلیل شدند.
	آلبرجت و همکاران (۲۰۱۹)	استخدام بخش دولتی

محققان	عنوان/عناصر کلیدی	نتیجه
کاها (۲۰۱۹)	چرخه‌های انتخاباتی نتایج نشان داد به شکل دستکاری شده‌ای، سرانه اشتغال ایالتی و دولت محلی تا در استخدام دولتی: پیش از انتخابات بالاتر است. پس از آن، اشتغال به طور ناگهانی به حالت عادی	شواهدی از انتخابات باز می‌گردد. عواملی همچون رقابت در انتخابات، محدودیت‌های دوره، وابستگی فرمانداری‌های ایالات به حزب فعلی و همسویی ایدئولوژیک بین رئیس فعلی و قانون‌گذار ایالتی یا شهروندان محلی بر سیاست‌های افزایش اشتغال تأثیرگذار است.
کلنلی و همکاران (۲۰۲۰)	حمایت و گزینش در نتایج نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی یک عامل کلیدی و از نظر کمی بزرگ برای سازمان‌های بخش استخدام در سازمان‌های دولتی است. همچنین حمایت یک مکانیسم مهم است.	ملاحظات سیاسی منجر به انتخاب افراد کم صلاحیت می‌شود.
ریسوسی (۲۰۲۱)	مدیریت تنوع در پژوهشگر به بررسی علل تنوع نیروی کار بخش دولتی و خصوصی در ایالات متحده پرداخته و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که کارفرمایان تدوین کرده اند را در	تنوع کارکنان موثر می‌داند.
باسون و آستین (۲۰۲۱)	طراحی مدل در بخش عمومی	این مقاله ۱۵ مورد طراحی در بخش عمومی را تجزیه و تحلیل می‌کند تا به ویژگی‌های نظری طراحی در بخش عمومی برسد که با توصیفات در محیط‌های عمومی

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق کاربردی حاضر، به شیوه کیفی انجام شده است. داده‌ها با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، گردآوری و با راهبرد نظریه داده‌بنیاد رویکرد ساخت‌گرای چارمز^۱ تجزیه و تحلیل شده است. روش نظریه داده‌بنیاد شامل رهنمودهای نظام‌مند و منعطف برای گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی و ساخت نظریه از آنهاست. چارمز- نماینده طرح نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا- معتقد است از واقعیت‌های بیرونی، ادراک‌های گوناگونی در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرد. همچنین وی معتقد است که پژوهشگر نظریه داده‌بنیاد باید راهبردهای انعطاف‌پذیری داشته باشد تا بتواند معنایی که مشارکت‌کنندگان در فرایند تحقیق به موقعیت‌ها نسبت می‌دهند را شناسایی کند. در رویکرد ساخت‌گرای چارمز معیارهایی تعیین شده که پژوهشگران ملزم به رعایت آنها هستند. این معیارها عبارت‌اند از: گردآوری داده‌های غنی، گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها، کدگذاری مقدماتی و متمرکز، یادداشت‌برداری شخصی، نمونه‌گیری نظری، اشباع نظری، و مهمتر از همه عدم تحمیل الگوی پارادایمی معین به داده‌ها (دهقانپور فراشاه و همکاران، ۱۴۰۰، به نقل از چارمز، ۲۰۰۶). جامعه آماری این تحقیق مدیران، خبرگان و صاحب‌نظران مدیریت منابع انسانی در سازمان اداری و استخدامی کشور را در بر می‌گیرد. انتخاب مشارکت‌کنندگان در تحقیق کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در

مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود. در تحقیق کیفی، نمونه تحقیق یا مشارکت‌کنندگان، انتخاب یا دعوت می‌شوند.

شیوه نمونه‌گیری پژوهش کنونی نظری است و با توجه به نتایج تحلیل داده‌ها که همزمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت می‌گیرد، نمونه‌های بعدی انتخاب خواهند شد. در این نوع تحقیق، حجم نمونه را نمی‌توان از پیش تعیین کرد و با توجه به روند گردآوری و تحلیل داده‌ها نمونه‌گیری تا اشباع نظری و دستیابی به الگوی مناسب ادامه خواهد یافت. لینکلن و گوبا^۱ (۲۰۰۵) اظهار می‌کنند که در یک مطالعه که با دقت هدایت شده است و در آن انتخاب نمونه به صورت تکاملی و تعاقبی بوده است، می‌توان با حدود ۱۲ شرکت‌کننده به نقطه اشباع رسید و احتمالاً این تعداد بیشتر از ۲۱ نخواهد شد. در برخی از منابع نیز حدود ۲۰ مصاحبه برای روش‌هایی نظیر داده‌بنیاد و تحلیل تم توصیه شده است (محمدپور، ۱۳۹۷).

در این تحقیق، به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مصاحبه‌های عمیق استفاده شده و تعداد ۱۲ مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری انجام شده است. ویژگی‌های مصاحبه شوندگان این پژوهش به شرح جدول زیر است:

جدول ۳. ویژگی‌های مصاحبه شوندگان

ردیف	مصاحبه شونده	جنسیت	تحصیلات	شغل	سابقه کار
۱	۱م	زن	دکتری	کارشناس	۴
۲	۲م	زن	دکتری	مدیر پایه	۸
۲	۳م	مرد	دانشجوی دکتری	کارشناس	۱۰
۴	۴م	مرد	فوق لیسانس	کارشناس	۴
۵	۵م	مرد	فوق لیسانس	کارشناس	۸
۶	۶م	مرد	فوق لیسانس	مدیر پایه	۲۱
۷	۷م	زن	فوق لیسانس	کارشناس	۷
۸	۸م	زن	فوق لیسانس	کارشناس	۱۱
۹	۹م	مرد	فوق لیسانس	مدیر میانی	۲۴
۱۰	۱۰م	زن	دانشجوی دکتری	کارشناس	۸
۱۱	۱۱م	زن	فوق لیسانس	مدیر میانی	۱۷
۱۲	۱۲م	مرد	دکتری	مدیر میانی	۳۰

در پیاده‌سازی روش داده‌بنیاد که به عنوان روش کیفی این تحقیق به کار می‌رود، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در یک اقدام مداوم و همزمان صورت می‌پذیرد.

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

در ارزیابی روش‌های تحقیق کیفی نیز مانند روش‌های کمی، به ابزارهایی خاص نظیر اعتبار و پایایی نیاز است؛ اما در پژوهش‌های کیفی اعتبار و پایایی مانند روش‌های کمی، بر اصول مشخصی استوار نیست. البته، این به زیربنا و منطق درونی تحقیق کیفی و جنبه تفسیری و تأویلی آن بر می‌گردد؛ چنان‌که حتی عده‌ای از محققان کیفی احراز اعتبار و پایایی را برای تحقیق کیفی به دلیل برداشت‌های متفاوت رفتارها و گفتارها از سوی مشاهده‌گران بی‌فایده می‌دانند. اما در مقابل، عده‌ای دیگر از پژوهشگران هم با توجه به ویژگی متمایز و متفاوت تحقیق کیفی از کمی به جای اعتبار و پایایی، به ابداع مفاهیمی نو همچون تأییدپذیری و انتقال‌پذیری و ... اقدام نموده‌اند.

در تحقیق حاضر سعی شد در وهله نخست، با انتخاب دقیق نمونه‌های تحقیق روایی تحقیق تا حد امکان تقویت شود. برای این منظور، همچنین از تأیید مصاحبه‌شوندگان نیز برای کنترل روایی استفاده شد. همان‌طور که اشاره شد، برای این منظور از دو معیار برخورداری از دانش آکادمیک و تجربه قابل قبول در حوزه مدیریت منابع انسانی در بخش دولتی برای انتخاب نمونه‌های مناسب استفاده گردید. در اعتبارسنجی تحقیق حاضر، تلاش گردید تا اعتبارسنجی درونی تحقیق را از طریق به‌کارگیری روش مقایسه و سنجش مستمر تعریف شده در روش داده‌بنیاد و نیز تقید به کثرت‌گرایی مصاحبه‌شوندگان از تخصص‌های علمی و اجرایی و شامل ۱۲ مصاحبه در مورد خط‌مشی‌گذاری استخدام جوانان در بخش دولتی کشور محقق شود. در خصوص اعتبارسنجی بیرونی نیز از روش تطبیق اعضا و بررسی همکار استفاده شد.

در این تحقیق تلاش گردید جهت تضمین پایایی، ضمن استفاده از فرایندهای ساخت‌یافته در مصاحبه‌های همگرا و سازماندهی فرایندهای ساخت‌یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها، از نظرات کمیته راهنما (متشکل از استادان راهنما و مشاور) برای ارزیابی و اجرای برنامه مصاحبه استفاده شود.

یافته‌های پژوهش

همزمان با جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، همان‌طور که رویکرد ساخت‌گرا ایجاب می‌نماید، یافته‌ها به مشارکت‌کنندگان پژوهش ارائه و از نظرات آنان در جهت اصلاح نتایج و بهبود فرایند تحلیل استفاده شد. در پایان فرایند کدگذاری و پس از جمع‌بندی نتایج نیز یافته‌ها به مشارکت‌کنندگان، اعضای کمیته راهنما (شامل استادان راهنما و مشاور) و صاحب‌نظرانی که جزو اعضای نمونه پژوهش نبودند، ارائه گردید و پس از اخذ و اعمال نظرات اصلاحی آنان، پاسخ نهایی به پرسش‌های پژوهش تهیه و تدوین شد. پژوهش کنونی در پی پاسخ به این پرسش است:

مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی کشور چگونه است و از چه اجزایی تشکیل شده است؟

نتایج کدگذاری‌های انجام شده برای طراحی مدل اشتغال جوانان در بخش دولتی در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۴. نتایج کدگذاری‌های انجام شده برای طراحی مدل اشتغال جوانان در بخش دولتی

کدهای نظری	کدهای متمرکز	کدهای مقدماتی
	اسناد بالادستی	قانون اساسی سیاست‌های کلی نظام اداری قوانین برنامه‌های توسعه کشور قانون مدیریت خدمات کشوری قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران قانون بودجه سالانه و ضوابط اجرایی آن آرای صادره توسط هیئت‌های عمومی
عوامل خط‌مشی‌گذار		سازمان اداری و استخدامی سازمان برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی
	دستگاه‌های تأثیرگذار	دیوان عدالت اداری هیئت وزیران شورای عالی اداری شورای توسعه مدیریت بنیاد شهید و امور ایثارگران
عوامل اثرگذار بر اشتغال جوانان در بخش دولتی		وضعیت بودجه دولت نرخ پرداخت نرخ بیکاری رشد بخش خصوصی ورود بیشتر زنان به محیط کار انتظار جامعه از دولت برای اشتغال‌زایی
عوامل اقتصادی		نرخ رشد جمعیت نرخ مهاجرت سطح بلوغ جامعه تأثیر فناوری اطلاعات در مشاغل
عوامل اجتماعی		تأثیر سیستم‌های اطلاعاتی کاهش نیازهای استخدامی کاهش هزینه‌های استخدامی تغییر نحوه استخدام
فناوری		اندازه دولت
ماهیت دولت		

تغییر دولت‌ها			
ماهیت مشاغل (وظایف) در بخش دولتی			
ویژگی‌های فرهنگی مناطق مختلف			
ویژگی‌های فرهنگی قومیت‌های مختلف	عوامل فرهنگی		
ویژگی‌های فرهنگی اقلیت‌های مختلف			
کمبود بودجه دولت			
تورم یا رکود اقتصاد	موانع اقتصادی		
تحریم‌های اقتصادی			
جذابیت اشتغال در بخش دولتی			
فشارهای اجتماعی برای حفظ کارکنان			
عدم تعامل مناسب بین دولت و دانشگاه‌ها	موانع اجتماعی		
مدرک گرایی			
استفاده ابزاری از استخدام در دولت			
تغییر مستمر سیاست‌ها	موانع سیاسی	موانع اشتغال	
دخالت دادن گرایش‌های سیاسی در استخدام		جوانان در بخش	
تعدد و تناقض قوانین و مقررات استخدامی		دولتی	
تعدد مراکز تصمیم‌گیری	موانع قانونی		
اهداف ناهم‌سوی مراجع خط‌مشی‌گذار			
زمان بر بودن تصویب یا اصلاح قانون			
عدم تمایل به تعدیل نیروی انسانی غیرکیفی			
تورم و کمبود نیرو در برخی از دستگاه‌ها و استان‌ها	موانع سازمانی		
تمایل مدیران به افزایش نیرو			
جذب غیرقانونی نیروی انسانی			
عملکرد مطلوب کارکنان			
ارتقای انگیزه کارکنان	پیامدهای فردی		
افزایش ماندگاری کارکنان		پیامد اشتغال	
ارتقای رضایت شغلی کارکنان		جوانان در بخش	
تأمین نیروی انسانی در زمان مناسب		دولتی	
تأمین نیروی انسانی شایسته	پیامدهای سازمانی		
توزیع مناسب نیروی انسانی (مازاد و کمبود)			

افزایش کارایی دستگاه‌های اجرایی	
بهبود عملکرد دولت	
افزایش اعتماد عمومی	پیامدهای ملی
کاهش فساد اداری	(فراسازمانی)
ارتقای رضایت جامعه از عملکرد دولت	
درک صحیح انتظارات جامعه	
در نظر گرفتن منافع کل جامعه	ذینفعان
توجه به بازخورد جامعه	
تطبیق با شیوه‌های روز دنیا	
تطبیق با سایر قوانین و مقررات	تطبیق و مقایسه
استفاده از تجارب پیشین	
پاسخگویی و شفافیت رویه‌های استخدامی	خط‌مشی‌گذاری
انعطاف‌پذیری	اشتغال جوانان
شایسته‌سالاری	در بخش دولتی
عدالت استخدامی	ارزش‌ها
قابلیت اجرا	
استخدام متناسب با نیاز دستگاه‌های اجرایی	
تعیین نقش دستگاه‌های خط‌مشی‌گذار	
اجتناب از بازی‌های سیاسی قدرت در تدوین خط‌مشی	نقش آفرینان
نظارت بر مرحله تدوین و اجرای خط‌مشی	

عوامل خط‌مشی‌گذار

اسناد بالادستی: مهمترین سند بالادستی که در خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی باید مورد توجه قرار گیرد، قانون اساسی است که قوانین و مقررات جدید نیز نباید با آن مغایرت داشته باشند. سیاست‌های کلی نظام اداری در جایگاه بعدی قرار دارند و در قوانین برنامه‌های توسعه کشور که معمولاً در بازه‌های زمانی پنج ساله تصویب و اجرا می‌شوند نیز موادی پیرامون خط‌مشی‌های استخدامی وجود دارد. اما جامع‌ترین سند قانونی در مورد استخدام در بخش دولتی، «قانون مدیریت خدمات کشوری» است که در ۱۵ فصل تدوین شده و فصول ۶ و ۷ آن به استخدام و ورود به خدمت اختصاص دارد. در کنار آن، «قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران» وجود دارد که شامل قوانین خاص مربوط به جامعه ایثارگران کشور است و «قانون بودجه سالانه» و نیز ضوابط اجرایی آن که به طور سالانه به تصویب می‌رسند، در خط‌مشی‌گذاری

استخدام نقش دارند. در برخی موارد، آرای «دیوان عدالت اداری» که از سوی هیئت‌های عمومی صادر می‌گردند نیز بر خط‌مشی‌های استخدامی اثرگذار هستند.

دستگاه‌های تأثیرگذار: مجلس شورای اسلامی به عنوان رکن اصلی قانون‌گذاری در کشور نقش بسزایی در خط‌مشی‌گذاری استخدام جوانان ایفا می‌کند و با توجه به اینکه قوانین مصوب مجلس بر بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی که توسط دستگاه‌های اجرایی صادر می‌شوند اولویت دارند، در بسیاری از موارد ارکان اصلی خط‌مشی‌گذاری را تعیین می‌کنند. پس از آن «سازمان اداری و استخدامی کشور» قرار دارد که مهمترین دستگاه اجرای خط‌مشی‌های استخدامی است و نحوه اجرای قوانین و خط‌مشی‌ها را نیز تعیین می‌کند. همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان اشاره کرده‌اند: «سازمان اداری و استخدامی کشور به عنوان مجری اصلی سیاست‌های تعیین شده برای استخدام بخش دولتی است. تخصیص سهمیه استخدامی به دستگاه‌های اجرایی اعم از دولتی و غیردولتی، برگزاری آزمون‌های استخدامی، نظارت بر مصاحبه‌های استخدامی و ... از وظایف این سازمان است (م ۱)». سازمان برنامه و بودجه کشور نیز با نقشی که در تدوین و تصویب قوانین بودجه سالانه کشور و ضوابط اجرایی ایفا می‌کند، بر خط‌مشی‌گذاری استخدام اثر می‌گذارد. همچنین، مصوبات هیئت وزیران، «شورای عالی اداری» و «شورای توسعه مدیریت» نیز به نوبه خود بسیاری از مقررات استخدامی را تشکیل می‌دهد. «دیوان عدالت اداری» و «بنیاد شهید و امور ایثارگران» نیز از دیگر دستگاه‌های تأثیرگذار بر خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی هستند.

عوامل اقتصادی

مقوله فرعی عوامل اقتصادی شامل سه کد متمرکز است که یکی از مهمترین آنها وضعیت بودجه دولت است. پرداخت حقوق کارکنان دولت بخش مهمی از بودجه کشور را تشکیل می‌دهد و وضعیت بودجه و توان پرداخت به شدت خط‌مشی‌های استخدامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، وضعیت بودجه دولت و نرخ پرداخت به کارکنان از جمله عوامل اقتصادی اثرگذار بر خط‌مشی‌های استخدامی هستند. مشارکت-کنندگان تحقیق نیز در صحبت‌های خود به این امر به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار اشاره کرده‌اند: «... بدون شک دستگاه‌های اجرایی در صورتی قادر به جذب نیروی انسانی خواهند بود که توان پرداخت حقوق و مزایا ایشان را داشته باشند که این امر به نوبه خود وابسته به وجود نقدینگی و وضعیت مناسب بودجه دولت است (م ۱)» و «... هر قدر وضعیت دولت در پرداخت حقوق و مزایا به کارکنان خود بهتر باشد، می‌تواند نیروهای توانمندتری را در دستگاه‌های اجرایی به کار گمارد ... (م ۷)».

یکی دیگر از عوامل اقتصادی تأثیرگذار نرخ بیکاری است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، یکی از انتظاراتی که از دولت می‌رود تنظیم میزان اشتغال در جامعه و پایین آوردن نرخ بیکاری است که از شاخص‌های اقتصادی حائز اهمیت است. اگر نرخ بیکاری در جامعه پایین باشد و بخش خصوصی توان اشتغالزایی داشته باشد، نقش دولت در این زمینه چندان مورد توجه واقع نمی‌شود؛ اما در صورت بالا بودن نرخ بیکاری، جامعه از دولت انتظار دارد برنامه‌هایی برای بالا بردن سطح اشتغال ارائه نماید و یکی از این برنامه‌ها استخدام در بخش دولتی است که با افزایش نرخ بیکاری تمایل به افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، همزمان با بالا رفتن نرخ بیکاری، دولت‌ها خط‌مشی‌های مبتنی بر افزایش تعداد نیروی انسانی بخش دولتی را اتخاذ می‌نمایند. رشد بخش خصوصی نیز تمایل به برون سپاری فعالیت‌های دولت و کوچک‌سازی را تقویت می‌نماید و به نوبه خود بر خط‌مشی‌های استخدامی اثر می‌گذارد: «واگذاری مشاغل غیرحاکمیتی به بخش غیردولتی می‌تواند نقشی کلیدی در کاهش کارکنان دولت و استخدام‌های جدید داشته باشد (م ۸)».

عوامل اجتماعی

به طور کلی برای اجرایی شدن تمامی خط‌مشی‌ها، باید زمینه و بستر اجرا را در تدوین آن مورد توجه قرار داد. در غیر این صورت، اجرای خط‌مشی با چالش‌ها و موانع بسیاری روبه‌رو خواهد شد. یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر خط‌مشی‌گذاری استخدام که در فرایند خط‌مشی‌گذاری باید مورد توجه خاص قرار گیرد، عوامل اجتماعی است. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، مهمترین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر این حوزه عبارت‌اند از:

با توجه به نقش مهمی که زنان در خانواده ایفا می‌کنند، افزایش درخواست زنان برای کار در بخش دولتی منجر به شکل‌گیری مطالباتی از سوی جامعه می‌شود که خط‌مشی‌گذاری برای استخدام را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، ورود بیشتر زنان به محیط کار به عنوان یکی از عوامل اجتماعی مهم باید مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، همان‌طور که مصاحبه‌کنندگان اشاره کرده‌اند: «از گذشته‌ها یکی از بخش‌های اشتغال و نقش‌آفرینی نیروی کار، بخش دولتی بوده است (م ۵)». انتظار جامعه از دولت برای اشتغالزایی خط‌مشی‌گذاران را تحت فشار قرار می‌دهد تا سیاست‌های انبساطی نسبت به تعداد نیروی انسانی شاغل در بخش دولتی اتخاذ نمایند.

نرخ رشد جمعیت و نرخ مهاجرت نیز فرایند خط‌مشی‌گذاری برای استخدام در بخش دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: «اگر نرخ رشد جمعیت بالا باشد، بدین معنا خواهد بود که فرصت‌های شغلی کمتری تعریف شده و در اختیار افراد قرار خواهد گرفت و رقابت بینشان بیشتر خواهد بود. در صورتی که نرخ رشد جمعیت پایین فرصت‌های شغلی بیشتری را در اختیار افراد متقاضی شغل قرار می‌دهد و این امر بار ایجاد اشتغال از روی دولت را برمی‌دارد (م ۸)».

یکی از عوامل اجتماعی که در فرایند خط‌مشی‌گذاری باید مورد عنایت قرار بگیرد، سطح بلوغ جامعه است که بر نگاه جامعه به خط‌مشی‌های تدوین شده و میزان پذیرش آن از سوی جامعه تأثیرگذار است: «یکی دیگر از موارد حائز اهمیت به سطح بلوغ جامعه و سطح بلوغ سازمان‌ها و کارکنان بر می‌گردد که دو مورد اخیر به نوبه خود می‌توانند از سطح بلوغ جامعه تأثیر بپذیرند (م ۹)». در تدوین خط‌مشی‌های استخدامی نیز جامعه باید در سطحی از بلوغ قرار داشته باشد که آمادگی پذیرش و ظرفیت اجرای این خط‌مشی‌ها را داشته باشد.

فناوری

در دنیای امروز که دنیای پیشرفت سریع و تغییرات شگرف فناوری است، به‌کارگیری اثربخش فناوری‌های روز می‌تواند کمک چشمگیری به فرایندهای تدوین و اجرای خط‌مشی نماید. همان‌طور که مشارکت‌کنندگان اذعان می‌دارند: «عوامل موثر بر خط‌مشی‌گذاری در حوزه اشتغال جوانان در بخش دولتی می‌تواند شامل مواردی باشد نظیر تأثیر فناوری اطلاعات در جذب و استخدام (م ۶)». پیشرفت‌های حوزه فناوری از یک سو موجب از میان رفتن برخی مشاغل و از سوی دیگر، منجر به ایجاد مشاغل و تغییر ماهیت مشاغل قبلی می‌گردد. از این رو، یکی از تأثیراتی که بر فرایند خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی می‌گذارد، کاهش نیازهای استخدامی است که در نظر گرفتن امکان حذف برخی از مشاغل از فهرست مشاغل موجود را نیز الزامی می‌سازد. همچنین، به‌کارگیری فناوری‌های جدید از جمله فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات منجر به کاهش هزینه‌های استخدامی و تغییر نحوه استخدام می‌گردد که در فرایند خط‌مشی‌گذاری نیز باید این موارد به‌روزرسانی گردد و در جهت کم هزینه تر و کوتاه تر نمودن فرایندهای استخدامی از آن بهره برداری نمود.

ماهیت دولت

یکی از عواملی که خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به ماهیت و ویژگی‌های خاص دولت بر می‌گردد. یکی از مهمترین این ویژگی‌ها اندازه دولت است که تعیین‌کننده میزان ورود نیروی انسانی جوان به بخش دولتی و نحوه وضعیت استخدامی و رابطه استخدامی فرد با سازمان است. همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته اند: «اندازه دولت نیز بر خط‌مشی‌گذاری‌های استخدام تأثیر می‌گذارد. این مسئله بستگی به تمایل یا عدم تمایل به کوچک‌سازی دولت دارد که بر میزان استخدام‌ها تأثیرگذار است (م ۱۱)». چنانچه دولت سیاست‌های مبتنی بر کوچک‌سازی و دخالت حداقلی در اداره امور را اتخاذ نماید، میزان استخدام‌ها در بسیاری از دستگاه‌های اجرایی کاهش یافته و رابطه‌های استخدامی نیز به سمت رابطه‌های کوتاه مدت و قراردادهای موقت سوق پیدا می‌کند و برعکس. در صورت تصمیم بر رشد دولت و افزایش دخالت دولت در اداره امور، شاهد افزایش استخدام‌ها و شکل‌گیری رابطه‌های استخدامی

بلندمدت خواهیم بود. این امر در دولت‌های مختلف ثابت نیست و با تغییر دولت‌ها، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلی تغییر پیدا می‌کند و قاعداً خط‌مشی‌های استخدامی نیز دستخوش تحول خواهد شد. از این رو، تغییر دولت‌ها بر فرایند مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی تأثیر می‌گذارد. یکی دیگر از مواردی که به ماهیت دولت‌ها بر می‌گردد، ماهیت مشاغل و وظایف در بخش دولتی است. مصاحبه‌کنندگان اشاره کرده‌اند: «... مشخص نبودن و عدم شفاف‌سازی و تعیین استاندارد کار موظف و مازاد بر کارکنان و نیز عدم ارزش ریلی فعالیت‌های روزانه کارکنان درحقیقت محیط تاریک و مبهمی را برای کارکنان به وجود می‌آورد (م ۵)». چنین مواردی می‌تواند از یک سو موجب عدم‌تأمیل برخی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به بخش دولتی گردد و از سوی دیگر، تعیین نیازهای استخدامی را با چالش روبه‌رو سازد. چنین مواردی نیز باید در تعیین خط‌مشی‌های اشتغال جوانان در بخش دولتی مورد توجه قرار گیرد.

عوامل فرهنگی

اشتغال جوانان در بخش دولتی طیف گسترده‌ای از مخاطبان را در بر می‌گیرد، زیرا سازمان‌های دولتی در سرتاسر کشور فعالیت می‌کنند و نیاز به استخدام نیروی انسانی دارند. از سوی دیگر، افراد از تمامی مناطق، قومیت‌ها و اقلیت‌های مختلف داوطلب استخدام در دولت هستند. این گستردگی و تنوع نیازمند مدیریت صحیح و اثربخش است و فرایند استخدام که نخستین مرحله ورود نیروی انسانی به بدنه دولت است، یکی از مهمترین مراحل مدیریت آن می‌باشد. در فرایند خط‌مشی‌گذاری نیز ویژگی‌های فرهنگی مناطق، قومیت‌ها و اقلیت‌های مختلف داوطلبان استخدام باید در نظر گرفته شود. همان طور که مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کنند: «... عوامل فرهنگی نیز بر این فرایند تأثیرگذار خواهد بود. مثلاً در نظر نگرفتن ویژگی‌های فرهنگی یک منطقه خاص یا یک قومیت یا اقلیت خاص می‌تواند منجر به بروز مشکلات و چالش‌هایی بشود (م ۹)»، «البته در بخش دولتی به مسائلی مثل وضعیت استخدام اقلیت‌ها، استخدام در مناطق سنی‌نشین و مرزی نیز باید توجه داشت (م ۲)».

موانع اقتصادی

با توجه به هزینه‌های قابل توجه به‌کارگیری نیروی انسانی، خط‌مشی‌های اشتغال جوانان در بخش دولتی بسیار تحت تأثیر بودجه دولت قرار می‌گیرد و در شرایط تورم یا رکود اقتصادی، فرایندهای خط‌مشی‌گذاری با چالش روبه‌رو می‌گردد: «در شرایطی که کشور دچار رکود یا تورم باشد و وضع اقتصادی مردم جامعه نابسامان باشد، به همان نسبت اشتیاق جوانان به حضور در بخش دولتی بیشتر می‌گردد (م ۸)». تحریم‌های اقتصادی نیز از یک سو بر بودجه دولت تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، با محدود کردن بخش خصوصی موجب پایین آمدن سطح اشتغال جوانان و انتظارات بیشتر از دولت می‌شود.

موانع اجتماعی

جذابیت استخدام در بخش دولتی موجب می‌شود نظام اداری از یک سو با حجم عظیمی از متقاضیان استخدام در بخش دولتی مواجه باشد و از سوی دیگر، با محدودیت ظرفیت استخدام نیروی جدید: «جذابیت استخدام در بخش دولتی برای قشر کثیری از جوانان تحصیل کرده بیکار در جامعه (به گونه‌ای که در برخی آزمون‌های استخدامی برای احراز یک شغل در یک دستگاه اجرایی، بیش از صد نفر متقاضی وجود دارد) و ... باعث می‌شود حساسیت استخدام در بخش دولتی فزونی یابد (م ۱)» و «این جا مشاهده می‌کنیم که از یک طرف خروج سالانه صدها هزار جوان متقاضی کار از دانشگاه‌ها (که همواره درصد بالایی از اینها متقاضی تصدی مشاغل دولتی هستند) و از سوی دیگر ظرفیت بسیار پایین استخدام دولتی که چیزی در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر است، سبب بروز مشکلات بسیاری می‌شود (م ۸)». در کنار انتظاراتی که داوطلبان استخدام در بخش دولتی دارند، فشارهای اجتماعی برای حفظ کارکنان فعلی وجود دارد. جامعه از دولت انتظار دارد که کارکنان موجود را حفظ نماید و به ویژه در شرایط بیکاری بالا حتی نیروهایی که از کیفیت لازم برخوردار نیستند، حفظ شوند: «... در بیشتر موارد به دلیل رعایت مسائل انسانی افرادی که از قبل در دستگاه اجرایی مشغول به کار بوده‌اند به خصوص در رده‌های پایین تر از کار برکنار نمی‌شوند (م ۸)».

چالش اجتماعی دیگر، عدم تعامل مناسب بین دولت و دانشگاه هاست که باعث می‌شود فارغ التحصیلان از کیفیت لازم برای ورود به بازار کار برخوردار نباشند و یا در رشته‌هایی تحصیل کرده‌اند که مورد نیاز بخش دولتی نیست و بخش خصوصی نیز توان جذب تعداد محدودی از این افراد را دارد: «عدم شناسایی نیاز نیروی انسانی در بخش دولتی و نبود پیوند بین دولت و دانشگاه‌ها نیز در خط‌مشی‌گذاری‌های نیروی انسانی اختلال ایجاد می‌کند (م ۱)».

از سوی دیگر، مدرک‌گرایی موجب می‌شود نیروهایی که شایستگی لازم را ندارند به صرف دارا بودن مدرک تحصیلی وارد بدنه دولت بشوند و کارکنان موجود نیز به دنبال اخذ مدرک تحصیلی بالاتر باشند: «متأسفانه در جامعه ما مدرک‌گرایی در سطح بسیار بالایی وجود دارد که منجر به عدم‌سنجش توانمندی‌های دقیق فرد و قرار دادن مدرک به عنوان یکی از شروط اصلی ورود به دولت می‌شود. مشکلاتی نظیر افزایش کمی و کاهش کیفیت دانشگاه‌ها و حتی پدیده جعل مدرک نیز حاصل رواج این طرز تفکر در جامعه هستند (م ۲)».

موانع سیاسی

مقوله اشتغال جوانان در بخش دولتی به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که در جامعه دارد، گاهی دستاویزی برای مقاصد سیاسی خاص قرار می‌گیرد و از مسیر صحیح خود خارج می‌گردد: «برخی از نهادها از مقوله اشتغال جوانان در دولت به عنوان ابزاری برای تبلیغ و نمایش‌های سیاسی استفاده می‌کنند و این موضوع آسیب‌های جدی برای نظام اداری به همراه داشته است (م ۷)». تغییر مستمر سیاست‌ها نیز می‌تواند فرایند

اشتغال جوانان را دچار چالش نماید: «خطمشی‌های استخدام جوانان جهت‌گیری ثابت و پایداری نداشته و همواره با چالش‌ها و تغییر سیاست‌ها مواجه بوده است (م ۷)».

از دیگر موانع سیاسی خطمشی‌گذاری نظام جذب و استخدام می‌توان به دخالت دادن گرایش‌های سیاسی در استخدام اشاره کرد که مانع شایسته‌سالاری و جذب صحیح و منطقی نیروی انسانی در بخش دولتی می‌گردد. مصاحبه‌شوندگان به این موضوع اشاره نموده اند: «عدم رعایت عدالت استخدامی و دخالت دادن سلیقه به خصوص در بخش مصاحبه استخدامی تا حد زیادی می‌تواند استخدام جوانان در بخش دولتی را با چالش مواجه کند (م ۱۱)». همچنین، «هرچند در حال حاضر با تصمیمات اخذ شده در راستای کاهش سهم سلیاق سیاسی در جذب یا عدم جذب جوانان تلاش گردیده است این امر به حداقل برسد، لیکن هنوز هم نمی‌توان منکر وجود دخالت دادن گرایش‌های سیاسی در استخدام نیروی انسانی در بخش دولتی بود (م ۱)».

موانع قانونی

تعدد و تناقض قوانین و مقررات استخدامی موجب می‌شود مجریان قانون دچار ابهام و سردرگمی شوند و اهداف این قوانین و مقررات مخدوش گردد: «ضعف‌هایی وجود دارد که مهمترین آنها وجود قوانین و مقررات استخدامی و تبدیل وضعیتی کارکنان به تعداد زیاد و بعضاً متناقض با یکدیگر است. نحوه استخدام در دستگاه‌های اجرایی به طور مکرر تغییر می‌کند و این موجب بی‌نظمی، سردرگمی و بی‌عدالتی می‌شود (م ۶)». وجود این قوانین متناقض فرایند خطمشی‌گذاری را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

یکی از دلایل به‌وجود آمدن قوانین و مقررات متناقض، تعدد مراکز تصمیم‌گیری است که ایجاد هماهنگی میان آنها را دشوار می‌سازد: «تعدد مراجع خطمشی‌گذار و متفاوت بودن اهداف و جهت‌گیری خطمشی‌ها برای مراجع مختلف موجب بروز مشکلات فراوان می‌گردد. به طور مثال، در مجلس شورای اسلامی قوانین بدون توجه به رعایت عدالت استخدامی در مورد استخدام افراد خاص یا قشرهای خاصی از جامعه وضع می‌شود (م ۷)» و «... ضعف‌هایی نیز وجود دارد مثل وجود قوانین و مقررات متعدد و بعضاً متناقض استخدامی، مراکز تصمیم‌گیر فراوان مانند مجلس، وزارت کار، سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان اداری و استخدامی کشور (م ۴)».

در برخی مواقع این مراکز تصمیم‌گیری اهداف ناهمسو را دنبال می‌کنند. ممکن است در شرایطی که مجلس به دنبال راهی برای افزایش اشتغال جوانان و کاهش بیکاری است، دولت در پی کوچک‌سازی و چابک‌سازی نظام اداری باشد که با یکدیگر در تضاد هستند: «چالش‌هایی در حوزه استخدام جوانان وجود دارد، تعدد مراجع خطمشی‌گذار و تفاوت در هدف یا جهت‌گیری‌های ناهمسو بزرگ‌ترین چالش موجود است. شناخت صحیح و یا شفاف‌سازی اهداف بر اساس نیازهای کشور و چشم انداز کشور وجود ندارد (م ۴)».

یکی دیگر از موانعی که به حوزه قوانین و مقررات مربوط می‌شود، زمان‌بر بودن تصویب یا اصلاح قانون است که در بسیاری از مواقع اثربخشی خط‌مشی‌گذاری را مخدوش می‌نماید: «محدودیت‌های قانونی که به ذات بخش دولتی برمی‌گردد، یکی دیگر از موانع خط‌مشی‌گذاری در این حوزه محسوب می‌شود. از آنجا که اصلاح یا تغییر قوانین موجود و یا تدوین و تصویب قانون جدید، فرایندی زمان‌بر است، این محدودیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (م ۴)».

موانع سازمانی

برخی از موانع خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی را باید درون سازمان‌های بخش دولتی جستجو کرد. یکی از این موانع عدم تمایل به تعدیل نیروی انسانی غیرکیفی است. سازمان‌های بزرگ به ویژه در بخش دولتی تمایل به حفظ کارکنان خود دارند، حتی در صورت عدم شایستگی آنان: «از سویی دیگر، وضعیت نابسامان اقتصادی و عدم وجود شغل مناسب در بخش غیردولتی موجب می‌شود مدیران بخش دولتی به جهت رعایت مسائل انسانی تمایلی به تعدیل نیروی انسانی غیرکیفی نداشته باشند (م ۱)». این رفتار سازمان‌ها موجب می‌شود از یک سو، تورم و مازاد نیروی انسانی در برخی از دستگاه‌ها و استان‌ها به وجود آید و از سوی دیگر، ظرفیت کافی در نظام اداری برای جذب نیروی توانمند وجود نداشته باشد و همزمان سازمان با کمبود نیرو نیز مواجه گردد: «... همچنین نیاز هر منطقه یا استان باید جداگانه دیده شود. اکثر دستگاه‌های دولتی در ستاد خود و برخی مراکز استان‌ها تورم نیرو دارند و در برخی استان‌ها به ویژه استان‌های محروم، کمبود شدید نیرو داریم (م ۴)».

تمایل مدیران به افزایش نیرو که نشان‌دهنده میزان قدرت و حیطه اختیار مدیران است، یکی دیگر از موانع، سازمانی خط‌مشی‌گذاری استخدام است: «... همچنین، تمایل به اشتغال در بخش دولتی یکی از عوامل تاثیرگذار بر اشتغال است که به دلایلی مثل ثبات نسبی استخدام در دولت، عدم وجود ثبات نسبی در مشاغل غیردولتی، تمایل مدیران به افزایش نیرو، عدم ارزیابی عملکرد دقیق و احتمال پایین اخراج و ساعات کاری پایین‌تر نسبت به برخی مشاغل اتفاق می‌افتد (م ۲)». از سوی دیگر، هم داوطلبان استخدام و هم مدیران سازمان‌های دولتی تمایل به جذب غیرقانونی نیروی انسانی دارند که موجب بروز فساد در جذب نیروی انسانی شده و فرایند خط‌مشی‌گذاری استخدام را با مشکل مواجه می‌سازد: «... برخی از داوطلبان پس از برگزاری آزمون استخدامی و اعلام نتایج به سبب روابطی که با مدیران و مسئولان در دستگاه‌های مختلف دارند، به انحای مختلف سعی دارند به واسطه این افراد در جذب و استخدام موثرتر عمل کنند (م ۲) و «موانع به‌کارگیری خط‌مشی‌گذاری مناسب در حوزه استخدام متأسفانه فساد فراگیری است که در کلیه سطوح مملکت نفوذ کرده است و همه به دنبال این هستند که فرزند خود و یا اقوام و خویشان خود و یا افراد با گرایش‌های سیاسی و مذهبی خاص خود را استخدام نمایند (م ۱۰)».

پیامدهای فردی

چنانچه فرایند خطمشی‌گذاری اشتغال جوانان به صورت صحیح و با رعایت اصول و ملاحظات لازم صورت گیرد، برای جوانانی که به واسطه این خطمشی‌ها وارد بدنه دولت می‌شوند و همچنین برای سازمان‌های دولتی و در یک نگاه وسیع‌تر، برای کل جامعه پیامدهای مطلوبی را به دنبال خواهد داشت. برای مثال، در مصاحبه‌ها به تأثیر این مسئله در ارتقای عملکرد و انگیزه کارکنان اشاره شده است: «... کارکنانی که به واسطه خطمشی‌گذاری‌های مناسب استخدامی وارد بدنه دولت می‌شوند نه تنها خودشان خوب کار می‌کنند، بلکه همچنین این انگیزه را در دیگران ایجاد می‌کند که آنها نیز بازده کاری خود را بالا ببرند (م ۱)». از سوی دیگر، این کارکنان از رضایت شغلی قابل قبولی برخوردار خواهند بود و به تبع آن تمایل آنان به ماندگاری در نظام اداری افزایش پیدا می‌کند: «... همچنین، جوانانی که با طی یک فرایند صحیح و بهینه استخدام می‌شوند، از عملکرد و انگیزه مطلوبی برخوردار خواهند بود و ماندگاری بالایی در سازمان خواهند داشت (م ۹)».

پیامدهای سازمانی

مهمترین خروجی مورد انتظار خطمشی‌های استخدام جوانان، تأمین نیروی انسانی شایسته در زمان مناسب همراه با توزیع مناسب است؛ به گونه‌ای که در هیچ زمانی در هیچ یک از دستگاه‌های اجرایی مازاد و یا کمبود نیروی انسانی وجود نداشته باشد: «... این خطمشی‌ها باید فرایند استخدام از ابتدا تا شروع به کار نیروی جدید را به نحوی تعریف نمایند که در زمان خروج نیروهای قبلی سازمان و یا شروع یک وظیفه جدید، نیروی انسانی جدید مشغول به کار بشود. همچنین، دوره کارآموزی و آموزش بدو خدمت هم باید طوری برنامه‌ریزی شود که فاصله‌ای در جایگزینی نیروهای جدید و نیروهای قبلی وجود نداشته باشد (م ۱۰)». به این ترتیب، تدوین درست و اصولی خطمشی‌های نظام جذب و استخدام پیامد دیگری برای سازمان‌های بخش دولتی به دنبال خواهد داشت که نتیجه ورود نیروی شایسته در زمان مناسب و به تعداد مناسب است و آن افزایش کارایی دستگاه‌های اجرایی است: «در صورتی که این خطمشی‌ها به خوبی تدوین و اجرا گردد، کارایی نیروی انسانی بخش دولتی تا حد قابل ملاحظه‌ای بالاتر خواهد رفت که این امر خود موجب ارتقای سطح نظام اداری کشور می‌گردد (م ۱)».

پیامدهای ملی (فراسازمانی)

نظام اداری کشور یک سیستم کلان است که مانند هر سیستم دیگری با بهبود عملکرد زیرسیستم‌های آن، عملکرد سیستم کلی که بخش دولتی است نیز بهبود خواهد یافت. بنابراین، با پیاده‌سازی مدل مطلوب خطمشی‌گذاری جذب و استخدام جوانان در بخش دولتی، عملکرد دستگاه‌های اجرایی و به تبع آن عملکرد کل دولت بهبود خواهد یافت. مصاحبه‌شوندگان نیز به این امر اشاره کرده‌اند: «... با استقرار شایسته‌گزینی و

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

ورود بهترین نیروهای موجود به بخش دولتی که از عملکرد و انگیزه مطلوبی برخوردار هستند، عملکرد هر یک از دستگاه‌های اجرایی و به طور کلی عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف بهبود خواهد یافت (م ۹) و "اگر خط‌مشی‌گذاری مناسب در حوزه استخدام صورت پذیرد، افرادی که با عدالت و شایسته‌گزینی وارد دولت می‌شوند، قطعاً می‌توانند خدمات بهتری به شهروندان ارائه دهند (م ۹)". از سوی دیگر، خط‌مشی‌های استخدامی صحیح منجر به ورود افراد شایسته به بدنه دولت و کاهش فساد اداری خواهد شد و افزایش اعتماد عمومی را به دنبال خواهد داشت: «در صورتی که خط‌مشی‌های استخدامی مطابق با عدالت اجتماعی و شایسته‌سالاری و برابری فرصت‌ها برای استخدام در دولت باشد موجب افزایش اعتماد عمومی به دولت و اعتماد به فرایندهای استخدامی می‌شود (م ۷)».

همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته‌اند، نتیجه کلی تمامی موارد فوق ارتقای رضایت جامعه از عملکرد دولت خواهد بود: «... خدمات‌رسانی به شهروندان با کیفیت مطلوب صورت خواهد گرفت؛ به این ترتیب، رضایت جامعه از عملکرد دولت ارتقا پیدا می‌کند (م ۹)».

ذینفعان

به طور کلی آنچه موجب مقبولیت و اثربخشی خط‌مشی‌های تدوین شده در بخش دولتی می‌شود، درک صحیح انتظارات جامعه و پاسخگویی به این انتظارات است. در حوزه اشتغال جوانان در بخش دولتی نیز خط‌مشی‌گذاران باید انتظارات جامعه را به درستی شناخته و به آن پاسخ دهند: «انتظارات جامعه از دولت و مشکلات اجتماعی خاص یک قشر از جامعه قطعاً بر حوزه خط‌مشی‌گذاری استخدام اثرگذار خواهد بود. مثلاً اگر در جامعه‌ای اشتغال خانم‌ها عامل مهمی در فروپاشی خانواده‌ها و بالا رفتن آمار طلاق تلقی شود، دولت سعی می‌کند با محدود کردن میزان استخدام خانم‌ها این مشکل را حل کند (م ۹)». در این راستا نگاه خط‌مشی‌گذاران باید کل‌نگر باشد و محدود به بخش خاصی از جامعه نگردد: «یک خط‌مشی موفق و درست باید منافع کل جامعه را مخاطب قرار دهد و به تامین منافع بخشی از آن محدود نگردد. همچنین مواردی باید در تدوین خط‌مشی‌های بعدی مورد توجه قرار بگیرد؛ یعنی در تدوین خط‌مشی تجارب قبلی مد نظر قرار گیرد (م ۴)» و «کل فرایند باید به جای دید جزئی‌نگر و منافع بخشی، دید کل‌نگر داشته باشد و منافع کل جامعه را در نظر بگیرد (م ۷)». همچنین، در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها در کلیه زمینه‌ها و به‌ویژه خط‌مشی‌های استخدام که طیف وسیعی از مخاطبان را در جامعه دارد، توجه به بازخورد جامعه حائز اهمیت است و در پیشبرد اهداف به خط‌مشی‌گذاران کمک می‌نماید: «در واقع در بخش دولتی، مسائل مهم و حساسی مثل استخدام به گونه‌ای است که جامعه مانند یک نیروی ناظر عمل می‌کند و با نشان دادن رضایت و عدم رضایت خود به دولت بازخورد می‌دهد (م ۴)».

مقایسه و تطبیق

در تدوین خط‌مشی‌های اشتغال جوانان و نظام جذب و استخدام نیز همانند سایر خط‌مشی‌های بخش دولتی تطبیق با شیوه‌های روز دنیا الزامی است. بیشتر کشورهای دنیا همگام با پارادایم‌های نوین مدیریتی، بخش دولتی خود را اصلاح و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های جاری خود را به‌روزرسانی می‌کنند. این تغییر و تحولات نظام جذب و استخدام را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد: «استفاده از نظرات اندیشمندان داخلی و خارجی و مطالعه تطبیقی نحوه استخدام جوانان در بخش دولتی سایر کشورها نیز می‌تواند در این حوزه اثرگذار باشد (م ۳)». همچنین، ضروری است خط‌مشی‌های نوین به لحاظ تطابق با سایر قوانین و مقررات جاری در نظام جذب و استخدام جوانان مورد بررسی قرار گیرد و از مغایرت‌های احتمالی جلوگیری گردد. همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان اظهار نموده‌اند: «بخشنامه‌ای در سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان اداری و استخدامی کشور یا مصوبه‌ای در هیئت وزیران یا شورای عالی اداری یا شورای توسعه مدیریت تدوین نشود که مورد ایراد دیوان عدالت قرار گیرد یا با سایر قوانین و مقررات در تضاد باشد (م ۴)». استفاده از تجارب قبلی نیز از دیگر مسائل ضروری و اجتناب ناپذیر این حوزه است. به دفعات در نظام اداری شاهد بوده‌ایم که خط‌مشی‌های تدوین شده درحوزه اشتغال جوانان و نظام جذب و استخدام موجب رضایت یا نارضایتی مخاطبان بسیاری شده است. با توجه به اینکه بیشتر افرادی که در بخش دولتی استخدام می‌شوند ماندگاری زیادی در نظام اداری دارند، آثار خط‌مشی‌های تدوین شده در این حوزه تا سال‌های بسیاری نظام اداری و حتی کل جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این رو، استفاده از تجارب قبلی در این حوزه حائز اهمیت بسیاری است: «چنین مواردی باید در تدوین خط‌مشی‌های بعدی مورد توجه قرار بگیرد؛ یعنی در تدوین خط‌مشی تجارب قبلی مد نظر قرار گیرد (م ۴)».

ارزش‌ها

پارادایم‌های نوین مدیریت بر ارزش‌هایی نظیر پاسخگویی و شفافیت تأکید دارند. رویه‌های استخدامی بخش دولتی نیز با توجه به اهمیتی که در جامعه دارند باید از چنین ارزش‌هایی برخوردار باشند تا به مقبولیت و اثربخشی دست پیدا کنند: «شفافیت رویه‌های استخدامی موجب تحقق بیشتر این عدالت می‌شود. چون جامعه می‌بیند و بازخورد می‌دهد. این شفافیت و بازخورد موجب پاسخگویی دستگاه‌های ذیربط می‌شود و عدالت را ارتقا می‌دهد (م ۴)».

شایسته‌سالاری و عدالت استخدامی از دیگر ارزش‌های مهم این حوزه هستند که تأثیر عمیقی بر نگاه جامعه نسبت به خط‌مشی‌های استخدامی دارند و نیز عملکرد کلی نظام اداری را متأثر می‌سازند: «در استخدام‌های دولتی مخاطب کل جامعه است و عدالت استخدامی بسیار مهم است. این عدالت باید در تمامی مراحل استخدام محقق شود. اول از همه، تخصیص سهمیه‌های استخدامی باید عادلانه باشد. این نباشد که یک

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

دستگاه هر سال مجوز بگیرد و دچار تورم نیرو بشود و دستگاه دیگر با وجود کمبود نیرو نتواند مجوز استخدام دریافت کند (م ۴). این دو مفهوم رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و وجودشان وابسته به هم است. اگر شایسته‌سالاری وجود نداشته باشد، عدالت استخدامی محقق نخواهد شد و بدون وجود عدالت استخدامی نمی‌توان شایسته‌سالاری را پیاده نمود: «... مسئله دیگری که در خط‌مشی استخدام نقش بسیار پررنگی دارد، عدالت محوری است که در بخش دولتی که جامعه را به عنوان مخاطب عام خود و ناظر عملکرد خود پیش رو دارد، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. البته در یک نظام استخدامی شایسته‌سالار، عدالت استخدامی تا حد زیادی محقق خواهد شد (م ۱۰)».

با توجه به محیط متغیر و غیرقابل پیش‌بینی که سازمان‌های دولتی در آن فعالیت می‌کنند، انعطاف‌پذیری یکی از ویژگی‌های حیاتی این سازمان‌ها محسوب می‌گردد که تأثیر بسزایی در عملکرد آنها دارد. در خط‌مشی‌گذاری نظام اشتغال جوانان در دولت و استخدام نیز انعطاف‌پذیری یک امر ضروری است که به اثربخشی این فرایندها کمک می‌نماید: «زمانی که یک وظیفه دائمی نیست، نباید نیروی انسانی با چشم انداز بلندمدت وارد سازمان شود ... در غیر این صورت، سازمان باید به دنبال یک وظیفه جدید برای این افراد باشد و اگر موفق به این کار نشود، این افراد به نیروی مازاد تبدیل شده و هزینه‌ای اضافی به سازمان و دولت تحمیل می‌کنند. پس خط‌مشی استخدام باید این انعطاف را داشته باشد که به‌کارگیری نیروی انسانی را در افق‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت تعریف نماید (م ۹)». همچنین، در هنگام تدوین خط‌مشی‌های استخدامی جوانان باید اجرایی بودن خط‌مشی‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. در سال‌های اخیر خط‌مشی‌هایی در حوزه استخدام جوانان تدوین شدند که در مرحله اجرا با مشکلات بسیاری روبه‌رو گشتند که یکی از مهمترین دلایل آن عدم توجه کافی به قابلیت اجرای این خط‌مشی‌ها بود: «فرایند خط‌مشی‌گذاری مطلوب در حوزه استخدام جوانان در بخش دولتی باید به گونه‌ای هم از نظر اقتصادی قابلیت اجرا داشته و آرمانی نباشد و هم با استفاده از آن بتوان بهترین نیروهای ممکن را در بدنه دولت جذب نمود (م ۱)».

نقش آفرینان

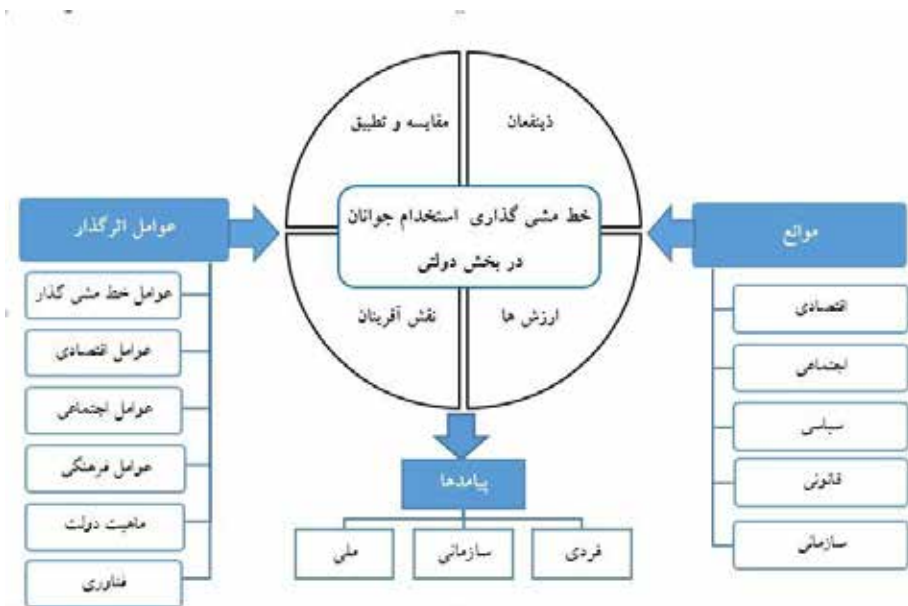
همان‌طور که اشاره شد، در خط‌مشی‌گذاری نظام جذب و استخدام جوانان، با تعدد مراجع تصمیم‌گیری روبه‌رو هستیم که تصمیمات آنها گاه منجر به تدوین قوانین و مقررات متناقض و مغایر می‌شود. بنابراین، یکی از ویژگی‌های خط‌مشی‌گذاری مطلوب در این حوزه تعیین نقش دستگاه‌های خط‌مشی‌گذار است: «در این فرایند باید ابتدا وضعیت فعلی چالش‌ها و کمبودهای آن مورد بررسی قرار گیرد و سپس دستگاه‌های خط‌مشی‌گذار مسئول در این زمینه مشخص شده و نقش هر یک تعیین گردد و در نهایت خط‌مشی مطلوب تدوین گردد (م ۱)». با تعیین نقش مراجع خط‌مشی‌گذاری از تدوین خط‌مشی‌های متناقض تا حد زیادی

جلوگیری می‌شود. از سوی دیگر، مراجع خط‌مشی‌گذاری باید از بازی‌های سیاسی قدرت در تدوین خط‌مشی‌ها اجتناب نمایند. در غیر این صورت از اهداف کلان خط‌مشی‌های استخدامی که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فاصله خواهند گرفت: «در تدوین این خط‌مشی‌ها باید تا حد ممکن تلاش گردد از بازی‌های سیاسی قدرت‌های موجود در جامعه کناره‌گیری کرد (م ۷)».

یکی دیگر از الزامات خط‌مشی‌گذاری در نظام جذب و استخدام جوانان، نظارت در مرحله تدوین و اجرای خط‌مشی است: «از سوی دیگر دستگاه‌های نظارتی هم هستند. نقش نظارتی که جامعه می‌تواند ایفا کند، بیشتر به مرحله اجرای خط‌مشی‌های استخدام بر می‌گردد (م ۴)». عملکرد دستگاه‌های نظارتی هم در مرحله تدوین خط‌مشی حائز اهمیت است و هم در مرحله اجرا: «اما نهادهای نظارتی در مرحله تدوین هم می‌توانند نظارت خود را انجام دهند. مثلاً وقتی مجلس یک قانونی را در حوزه استخدام تصویب می‌کند، شورای نگهبان آن را از حیث تطابق با موازین شرع و قانون اساسی مورد بررسی و تطبیق قرار می‌دهد (م ۴)».

طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

مدل به‌دست‌آمده از کدگذاری مصاحبه‌ها شامل عوامل اثرگذار، موانع، پیامدها و مؤلفه‌های مدل خط‌مشی - گذاری در استخدام جوانان در بخش دولتی کشور مطابق با شکل ۱ است:



شکل ۱: مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل خط‌مشی‌گذار، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، فناوری، ماهیت دولت و عوامل فرهنگی در اشتغال جوانان در بخش دولتی تاثیر بسزایی دارند. موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قانونی، سازمانی متغیرهای بازدارنده (موانع) خط‌مشی‌گذاری در اشتغال جوانان در بخش دولتی می‌باشند. دینفعان، تطبیق و مقایسه، ارزش‌ها و نقش آفرینان عناصر خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی هستند. چنانچه فرایند خط‌مشی‌گذاری استخدامی به صورت صحیح و با رعایت اصول و ملاحظات لازم صورت گیرد، برای کارکنان نظام اداری که به واسطه این خط‌مشی‌ها وارد بدنه دولت می‌شوند و همچنین برای سازمان‌های دولتی و در یک نگاه وسیع‌تر، برای کل جامعه پیامدهای مطلوب فردی، سازمانی و ملی (فراسازمانی) را به دنبال خواهد داشت.

وجه تمایز پژوهش کنونی توجه به اشتغال و استخدام جوانان در بخش دولتی به صورت جامع، گسترده بودن جامعه خبرگان، کیفی بودن روش پژوهش و طراحی مدل در شرایط محیطی ایران و با در نظر گرفتن

ویژگی‌های خاص سازمان‌های دولتی ایران است. این مدل که بر آمده از شرایط کشور ایران است بیانگر وضعیت کنونی جذب و استخدام جوانان در کشور می‌باشد.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر جهت خط مشی‌گذاری استخدام جوانان در بخش دولتی کشور ارائه می‌گردد:

- در خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی، جهت‌گیری‌های اصلی بر عهده «سازمان اداری و استخدامی» کشور باشد و خط‌مشی‌های استخدامی در قالب لایحه از سوی دولت به مجلس ارائه گردد تا منجر به تعدد و تناقض مراجع تصمیم‌گیری نشود.
 - با توجه به اهمیت ویژگی‌های فرهنگی مناطق، قومیت‌ها و اقلیت‌های مختلف، پیشنهاد می‌شود در تدوین خط‌مشی‌های استخدامی این ویژگی‌ها در نظر گرفته شود تا از چالش‌های احتمالی آتی جلوگیری به عمل آید.
 - با توجه به کمبود نیروهای متخصص جوان در حوزه منابع انسانی که از موانع ایجاد انعطاف در فرایندهای مربوطه تلقی می‌گردد، به کارگیری متخصصان منابع انسانی که دارای تحصیلات و تجربه کاری مربوط به این حوزه هستند، در اجرای قوانین مربوط به این فرایندها توصیه می‌شود.
 - همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، یکی از موانع خط‌مشی‌گذاری اشتغال جوانان در بخش دولتی کشور، ضعف نهادهای نظارتی است. پیشنهاد می‌گردد با تقویت نقش نهادهای نظارتی نظیر «سازمان بازرسی کل کشور» و «دیوان محاسبات» و پیش‌بینی ساز و کارهای نظارتی قوی برای «سازمان اداری و استخدامی کشور»، زمینه مناسب جهت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های این حوزه فراهم گردد.
- بر مبنای یافته‌های پژوهش، مطالعات در زمینه‌های زیر توصیه می‌شود:
- بررسی رابطه میان سطح بلوغ سازمان و کارکنان با اجرای موفقیت‌آمیز خط‌مشی‌های استخدامی در دستگاه‌های اجرایی مختلف و مقایسه نتایج با یکدیگر؛
 - بررسی پیامدهای خط‌مشی‌هایی که در قالب طرح و خط‌مشی‌هایی که در قالب لایحه به تصویب رسیده‌اند و مقایسه آنها با یکدیگر؛
 - بررسی پیامدهای خط‌مشی‌هایی که در دولت‌های مختلف به تصویب رسیده‌اند و مقایسه آنها با یکدیگر؛
 - با توجه به محدودیت‌های مختلف، انجام مطالعات تطبیقی پیرامون موضوع مورد مطالعه در سایر کشورها میسر نبود. به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود به مقایسه مدل خط‌مشی‌گذاری اشتغال

جوانان در بخش دولتی کشورمان با بخش دولتی سایر کشورها پیردازند و به الگوبرداری از تجارب موفق در این زمینه کمک نمایند.

منابع

- توکلی، عبدالله و مرادی، محمد. (۱۳۹۷). «پنداشت کارکنان از قابلیت استخدام خود و ارتباط آن با تعهد سازمانی در دستگاه‌های دولتی». مطالعات رفتار سازمانی. شماره ۲، دوره ۷، پیاپی ۲۶، صص ۱-۳۰.
- جوهری، فاطمه؛ رضوانی چمن زمین، موسی و مقیمی، سیده فتانه. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر راهبرد جذب بر عملکرد کارکنان در سازمان‌های دولتی (مورد مطالعه: شهرستان آستارا)». مطالعات کمی در مدیریت. شماره ۲۴، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- حسن زاده، حسن؛ میرسپاسی، ناصر؛ فقیهی، ابوالحسن؛ نجف بیگی، رضا و افشار کاظمی، محمد علی. (۱۳۹۹). «ارائه مدل نظام جذب، تأمین و تعدیل منابع انسانی کارآفرین محور در سازمان‌های دولتی ایران». مدیریت بهره‌وری. ۱۴، شماره ۵۲، صص ۷۵-۹۶.
- دهقانپور فراشاه، افسانه؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی پور، آراین و واعظی، رضا. (۱۳۹۸). «رصد عوامل موثر بر کاهش اشتیاق کاری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی ایران». تحقیقات مدیریت عمومی. ۱۲(۴۶)، صص ۵-۳۵.
- دهقانپور فراشاه، افسانه؛ پورعزت، علی اصغر؛ قلی پور، آراین و واعظی، رضا. (۱۴۰۰). «طراحی مدل اشتیاق کاری اعضای هیئت علمی دانشگاه». مطالعات رفتار سازمانی. ۱۰(۳)، صص ۱۱۳-۱۴۱.
- سبحانی پور، سیدمحمدرضا؛ زارعی متین، حسن؛ الوانی، سیدمهدی و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «طراحی مدل مدیریت منابع انسانی اثربخش مبتنی بر فرهنگ سازمانی مشارکتی در بخش دولتی ایران». پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۱۲، شماره ۴۳، صص ۵۹-۸۳.
- عباس پور، عباس؛ رحیمیان، حمید؛ غیاثی ندوشن، سعید و ترکسیان، جواد. (۱۳۹۷). «ارائه مدل انتخاب کارکنان مستعد در سازمان‌های دولتی». مدیریت دولتی (دانش مدیریت). ۱۰(۴)، صص ۶۰۵-۶۲۸.
- عبداللهی نژاد، کریم؛ عبیدادی، قاسم و ناصری مقدم، حسین. (۱۳۹۴). «واکاوی مبانی فقهی عقد بودن استخدام در سازمان‌های دولتی». اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت). ۹، پیاپی ۱۸، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. ویراست دوم. قم: انتشارات لوگوس
- میرکمالی، سید محمد؛ حاج خزیمه، مجتبی و ابراهیمی، صلاح الدین. (۱۳۹۴). «شناسایی ملاک‌های جذب و نگهداشت منابع انسانی و ارائه راهکارهای مناسب (مورد مطالعه: کارکنان دانشکده‌های پردیس فنی دانشگاه تهران)». فصلنامه مدیریت توسعه و تحول. دوره ۱۳۹۴، شماره ۲۲، صص ۹-۱۸.
- Albrecht, J., Robayo-Abril, M. & Vroman, S. (2019). "Public-sector employment in an equilibrium search and matching model". The Economic Journal, 129 (617), 35-61.
- Bason, C. & Austin, R. D. (2021). "Design in the public sector: Toward a human centered model of public governance". Public Management Review, 1-31.
- Cahan, D. (2019). "Electoral cycles in government employment: Evidence from US gubernatorial elections". European Economic Review, 111, 122-138.
- Colonnelli, E., Prem, M. & Teso, E. (2020). "Patronage and selection in public sector organizations". American Economic Review, 110(10), 3071-99.
- Dehghanpour, Farashah, A., Pourezat, A., Gholipour, A., Vaezi, R. (2020). "Exploring the Factors Affecting Work Engagement Decline of Faculty Members of Public Universities in Iran". Public Management Researches, 12(46), 5-35. Doi: 10.22111/jmr.2020.31939.4817. (in Persian)

- Korac, S., Saliterer, I. & Weigand, B. (2019). **“Factors affecting the preference for public sector employment at the pre-entry level: A systematic review”**. International Public Management Journal. 22(5), 797-840.
- Mohammadpour, A. (2018). **Counter-Method: The Philosophical underpinnings and practical and procedures of Qualitative Methodology**. Second Edition. Qom: Logos Publications. (In Persian)
- Riccucci, N.M. (2021). **Managing Diversity in Public Sector Workforces**. (2nd Ed.). Rutledge

بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما

یوسف خجیر^۱

میثم یوسفی سرخنی^۲

کوثر مهرزاده^۳



10.22034/SSYS.2022.2115.2511

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۶

پژوهش حاضر، به مسئله بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما می‌پردازد. به بیان دیگر، جوانان چه تصور و دریافتی از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما دارند و چه مقوله‌هایی بر خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما موثرند و در این راستا، دانشجویان و متخصصان چه تحلیل و ارزیابی از نحوه بازنمایی جوانان در رسانه ملی ارائه می‌دهند. پژوهش حاضر از نوع کیفی و روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق و روش پردازش داده‌ها تحلیل مضمون بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دو دسته متخصصان حوزه رسانه و جوانان و دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود. در مجموع با منطق نمونه‌گیری نظری با ۱۱ متخصص حوزه رسانه و جوانان به صورت فردی و با ۱۵ دانشجوی به صورت گروهی (در قالب گروه‌های ۳ تا ۵ نفره) مصاحبه شد. روش گردآوری اطلاعات این پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و تعاملی در دو سطح فردی (متخصصان) و گروهی (دانشجویان) بود. پردازش داده‌های مصاحبه نیز از طریق تحلیل مضمون به کمک نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۰ انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که جوانان در حوزه‌های مختلفی چون نحوه بازنمایی اشتغال زنان، نحوه بازنمایی حجاب زنان، فقدان تکررگرایی و بی‌طرفی در رسانه ملی، نحوه بازنمایی روابط بین نسلی در رسانه ملی و عدم توجه و پرداخت به همه نگاه‌ها در بین جوانان در رسانه ملی انتقادهای متعددی به عملکرد رسانه ملی داشته‌اند که این می‌تواند هشدار برای رسانه ملی در جهت ریزش مخاطبان جوان و کاهش اعتماد آنان به رسانه ملی باشد.

واژگان کلیدی: جوانان، رسانه ملی، خوانش و اعتماد.

۱ استادیار، ارتباطات فرهنگی، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Khojir@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳ کارشناس مدیریت فرهنگی و هنری، دانشگاه سوره، تهران، ایران

مقدمه

جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. مشارکت جوانان، کلید توسعه همه‌جانبه کشور است. جوانان ایران با توجه به نسبت قابل‌ملاحظه این رده سنی در کشور و نگاه به آنان به عنوان آینده‌سازان این مرز و بوم اهمیت ویژه‌ای دارند و همواره در وقایع مهم کشور نقش‌آفرین و تاثیرگذار بوده‌اند. جوانان در هر کشوری به عنوان «نیروی انسانی» سرمایه‌های اصلی و مایه قدرت و توان آن کشور محسوب می‌گردند. کشوری در مسیر پیشرفت و توسعه موفق می‌شود که به بهترین شکل از نیرو و پتانسیل جوانان خویش در عرصه‌های مختلف استفاده نماید. اگر به شکل مناسب و با برنامه‌ریزی دقیق از توان این نیروی عظیم استفاده شود، یک فرصت بی‌نظیر را برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه و ارتقای امنیت ملی کشور به ارمغان خواهد آورد. در مقابل اگر نیروی جوان به حال خود رها شوند، به نیازهای منطقی آنان توجهی نشود و برای استفاده از نیروی آنان برنامه‌ریزی لازم انجام نگیرد، پیشرفت و رشد کشور دچار وقفه و مشکل خواهد شد و امنیت ملی کشور به خطر خواهد افتاد. یکی از این عرصه‌های توجه به جوانان و نیازهای آنها، «رسانه» است و در این میان، رسانه ملی به دلیل جامعیت گسترده آن و همچنین مهمترین رسانه متعلق به نظام جمهوری اسلامی، از اهمیت بالایی در این زمینه برخوردار است.

رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، نقشی تعیین‌کننده‌ای در هویت‌بخشی به جوانان و ساماندهی ارزش‌ها و سپس رفتارهای آنها در جامعه ایفا می‌کنند. برنامه‌های تلویزیونی از نگاه سازندگان آن، صرفاً وسیله‌ای برای پر کردن اوقات فراغت جوانان نیست، بلکه این برنامه‌ها، حوزه‌ای از فرایند جامعه‌پذیری توده‌ای در سطح کلان هستند. مکانیسم جامعه‌پذیری توده‌ای در این رسانه، بر مبنای فرایند آموزش پنهان و درونی‌سازی ایدئولوژی‌ها عمل می‌کند. ویژگی این نوع از جامعه‌پذیری آن است که معمولاً نمی‌فهمیم در حال فراگیری ارزش‌هایی خاص و قرارگیری در یک قفس نامرئی از باورهای مشخص القاء شده هستیم. فرایند انتقال ارزشی در تلویزیون به قدری پنهان است که جوان دائماً تصور می‌کند که در انتخاب ارزش‌ها و باورهایش، کاملاً آزاد است؛ اما تلویزیون، قدرت بی‌بدیل رسانه‌ای است که کارکرد اصلی آن، دستکاری واقعیت و جهت‌دهی به آن است و بسته به شکل واقعیتهای که برمی‌سازد، می‌تواند در راستای اهداف خاصی عمل کند و هنجارها و باورهایی را به چالش کشد و الگوهای دیگری را جایگزین آنها کند. به همین دلیل، مطالعه نقش رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون از شیوه‌های تصویرسازی آنها از جوانان، در هویت‌بخشی این نسل و همچنین در بازنمودهای اجتماعی رفتارهای آنها در جامعه، بسیار تعیین‌کننده است.

از طرفی، امروز جوانان ایران مسائل و شرایطی را تجربه می‌کنند که با مسائل و شرایط نسل قبلی، تفاوت‌های ذاتی و محتوایی اساسی دارد. تحول در دوره جوانی و ادامه یافتن آن، فردی شدن فزاینده و اهمیت یافتن استقلال‌طلبی به عنوان یک رفتار و یک ایدئولوژی، تحولات در آموزش و فرصت‌های آموزشی

بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه های صداوسیما

و به تبع آن ارزش های تحصیلی و شغلی، وضعیت جدید تعامل نسل ها و مطرح شدن مضامین و دغدغه های جدید در این ارتباط، تحول در گذار به بزرگسالی، تغییر در دنیای جوانان که به واسطه رشد و اشاعه فزاینده فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفته است، اهمیت یافتن مصرف در منظومه ارزشی و هویتی جوانان، تداوم کنارگذاری های اجتماعی و شهروندی محدود و تغییر در اشکال مشارکت و شکل گیری صورت های جدیدی که به واسطه آن هویت خویش را می سازند و ابراز می کنند، از جمله تحولاتی به شمار می آیند که ضرورت بازاندیشی در جایگاه جوانان و جوانی در جامعه ایران را پراهمیت می سازد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۹-۱۰).

ذکایی (۱۳۸۸) فرایند گذار جوانان ایرانی را متأثر از عواملی می داند که آنها را در چهار بخش «تحولات در تجربه گذار»، «استقلال طلبی و روابط قدرت»، «اجتماعی شدن و انتقال ارزش ها» و «نقش رسانه های جدید»، تقسیم بندی و نتایج پیمایش های ملی در هر بخش را مرور می کند. در بخش تحولات تجربه گذار به غیراستاندارد شدن و غیرخطی شدن تجربه گذار در نزد جوانان و اقامت طولانی تر جوانان در خانواده، در بخش استقلال طلبی و روابط قدرت به فردی شدن و دموکراتیزه شدن مناسبات خانوادگی، در بخش اجتماعی شدن و انتقال ارزش ها به اجتماعی شدن دوطرفه جوانان و والدین، گذار نسلی در ارزش های سیاسی و نگاه و مصرف نسبتاً متفاوت جوانان از «سیاست معمول» و پابندی جوانان به قراردادهای نسلی خانواده و بالاخره در بخش نقش رسانه های جدید به رسانه ای شدن فراغت و قدرت بخشی رسانه های جدید به جوانان اشاره شده است (ذکایی، ۱۳۸۸: ۳۶-۴۶).

جوانان، خرده فرهنگ و سبک زندگی مخصوص به خود دارند و ضمن تأثیرگذاری بر محیط فرهنگی- اجتماعی، از آن متأثر می شوند. این تغییر و تحولات و فرهنگ زندگی جوانان و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنان از محیط و نهادهای فرهنگی- اجتماعی (از جمله صداوسیما جمهوری اسلامی ایران)، همواره مسئله و محل چالش و پژوهش بوده است. در یک سوی این مسئله، نهادها و رسانه های دست اندرکار فرهنگ سازی در بین جوانان (از جمله صداوسیما) در محتوای تولیدی خود تصویری از جوان ایده آل مورد نظرشان ارائه می کنند و با بهره گیری از رمزگان های مختلف سعی در مرجع کردن تصویر مورد نظر از جوان ایده آل و دعوت از مخاطبان برای پذیرش این الگو دارند- البته در برخی محتواها نیز ممکن است ناخواسته الگویی نامناسب ترویج کنند- و در سوی دیگر، جوانان متأثر از ویژگی های شخصی و خرده فرهنگی، تجربه زیسته و نگرش خود نسبت به نهاد یا رسانه مورد نظر، پیام ها و تصویر ارائه شده را به گونه ای که خود می خواهند رمزگشایی و مصرف می کنند.

بر این اساس، آگاهی از تصویری که جوانان از تصویر بازنمایی شده از آنها در برنامه های صداوسیما دارند و مقوله های موثر در نحوه خوانش آنان از تصویرشان در رسانه ملی، مسئله ای تعیین کننده برای ارزیابی

میزان موفقیت و نقاط قوت و ضعف و اصلاح روند موجود برای برقراری ارتباط موثر سازمان صداوسیما با جوانان است. در این چارچوب، مسئله پژوهش حاضر آن است که جوانان چه تصور و دریافتی از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما دارند و چه مقوله‌هایی در خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه‌های صداوسیما موثرند و در این راستا، کارشناسان و متخصصان دانشگاهی و رسانه‌ای چه تحلیل و ارزیابی از نحوه بازنمایی جوانان در رسانه ملی ارائه می‌دهند.

سوالات پژوهش

- مهم‌ترین انتقادهای جوانان از عملکرد رسانه ملی (به‌طور کلی) و تصویر ارائه‌شده از جوانان در رسانه ملی (به‌طور خاص) شامل چه حوزه‌ها و عرصه‌هایی است؟
- جوانان در این عرصه‌های مختلف، چه انتقادهایی را بر رسانه ملی وارد می‌دانند؟
- از نگاه جوانان، در عرصه‌های مورد بحث، آنها چگونه بازنمایی شده‌اند؟
- کارشناسان حوزه رسانه، چه تحلیلی از نحوه بازنمایی جوانان در رسانه ملی دارند و چه سیاست‌های محتوایی را برای بازنمایی جوانان از صداوسیما پیشنهاد می‌کنند؟

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

پیشینه تحقیقات انجام شده

به‌طور کلی دو نوع مطالعه خوانش را باید از هم تفکیک کرد. اولین شکل مطالعه، خوانش به الگوی تحقیقات جیمز لول^۱ بر می‌گردد که از روش‌های سنتی جامعه‌شناسانه برای بررسی مخاطب در میدان کرد. رویکرد دوم متعلق به دیوید مورلی است که روشی است مبتنی بر استفاده از مصاحبه عمیق و کیفی برای بیرون کشیدن فهم مخاطب از تجربه‌اش و قرار دادن آن فهم در بستر گفتگمانی وسیع‌تر درباره ملیت، جنسیت و طبقه (کاظمی و حاج‌حسینی، ۱۳۹۴). در حوزه مطالعات خوانش در ایران، بیشتر از رویکرد دوم استفاده شده است. در ادامه به مرور مهمترین تحقیقات انجام شده در این زمینه خواهیم پرداخت. پژوهش‌های اشاره شده خوانش مخاطبان را در مورد موضوعات مختلف مطرح شده در برنامه‌های نمایشی صداوسیما نشان می‌دهند و در خلال برخی از آنها اشاراتی نیز به تصویر ارائه‌شده از جوانان در صداوسیما و نحوه خوانش آن توسط مشارکان می‌توان یافت؛ اما پژوهش مستقلی که با رویکرد پژوهش حاضر به موضوع خوانش جوانان از تصویر رسانه‌ایشان در برنامه‌های صداوسیما پرداخته باشد، مشاهده نشد.

آزاد ارمکی و محمدی (۱۳۸۵) به تحلیل خوانش‌ها و قرائت‌های زنان از سریال تلویزیونی پربیننده نرگس پرداخته‌اند. در این پژوهش، ابتدا با استفاده از روش تحلیل ساخت‌گرایی - نشانه‌شناختی خوانش مرجع یا قرائت مسلط سریال نرگس تشریح شده است. سپس قرائت‌های متفاوت مخاطبان از این سریال

1 James lull

تحلیل گردیده است. محققان در پژوهش حاضر از روش «مصاحبه متمرکز» استفاده کرده‌اند. موضوع اصلی این پژوهش، بررسی تفسیرها و تلقی‌ها و رمزگشایی‌های زنان شهر تهران (در هر سن و طبقه اجتماعی و شغل و مقامی) از سریال تلویزیونی نرگس است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اساساً در جامعه‌ای که روابط مبادله‌ای هر روز پررنگ‌تر می‌شود و فرهنگ مصرفی به شکلی فزاینده گسترش می‌یابد، درواقع از میان زنان مخاطب سریال‌ها قشر فرهیخته، زنان آزاد و مستقل و طرفدار زندگی روزمره، دختران جوان متعلق به طبقات بالا با گرایش‌های غیردینی در برابر گفتمان مسلط سریال و در برابر تلاش‌های گفتمان مسلط برای سرپوش نهادن بر این تعارض‌ها و تناقض‌ها مقاومت می‌ورزند. با این همه، هنوز مایه‌هایی از نیاز به تسلی در وجود آنها باقی مانده و به همین دلیل است که سریال‌ها را تماشا می‌کنند.

منتظر قائم و فغانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به تحلیل دریافت جوانان تحصیل کرده تهرانی از فیلم‌های علمی-تخیلی پرداخته‌اند. هدف آنها تحلیل نحوه اثرگذاری جنسیت و رشته تحصیلی بر دریافت جوانان از ژانر علمی تخیلی بوده است. محققان در تحقیق خود بیان می‌کنند که زنان برخلاف مردان به تأثیرات منفی عاطفی ژانر علمی-تخیلی اشاره کرده‌اند و در واقع دوری این ژانر از عواطف، آنان را از این ژانر دور ساخته و باعث شده به اثرات منفی این ژانر بیشتر اشاره کنند. در واقع مردان بیشتر به صحنه‌ها و نکات فلسفی فیلم توجه نشان داده‌اند، اما زنان بر خلاف مردان چندان دقتی در تفکیک عناصر درون ژانر ندارند و در نتیجه فیلم را تخیلی می‌دانند- در واقع شناختی نسبت به این ژانر ندارند. از طرفی زمانی که کل ساختار فیلم را تخیلی می‌دانند، مفاهیم ژانر را باور نمی‌کنند و همچنین تنها به نکات عاطفی درون ژانر توجه نشان می‌دهند و صحنه‌های مربوط به روابط و عواطف انسانی را به خوبی به یاد می‌آورند.

عبداللهیان و هومن (۱۳۹۰) نیز به خوانش مخاطبان تحصیل کرده آمریکایی از فیلم‌های ضد اسلام هالیوود پرداخته‌اند. پژوهش آنها با بهره‌گیری از روش کیفی و با استفاده از رویکرد دریافت و ترکیب آن با گفتمان شرق‌شناسی، تجربه زیسته، ارتباطات بین فرهنگی و سواد رسانه‌ای مخاطب آمریکایی را عناصر برجسته‌ای در برخورد با محتوای فیلم‌ها انجام گرفته است. در این بین، از میان انواع فنون روش کیفی، از فن مصاحبه آنلاین ناهمزمان در این پژوهش بهره گرفته شده است. با توجه به نتایجی که به دست آمد، محققان بیان می‌کنند که تجربه زیسته افراد و آگاهی آنان از سیاستگذاری‌های رسانه‌ای موجب شده است که این دو عامل به‌عنوان کاهنده باز نمودهای منفی فیلم‌های ضد اسلامی هالیوود عمل کنند. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که کاربست چنین رویکرد ترکیبی در این تحقیق به برجسته کردن عناصر اثرگذار در خوانش مخاطبان از فیلم‌های ضد دینی کمک کرده و جایگاه هالیوود را در بین مخاطبان آمریکایی و شناساندن مسلمانان به آنها مشخص ساخته است.

علیقیان (۱۳۹۰) به دلالت‌های معنایی حاکم بر قرائت مخاطبان زن از سریال ویکتوریا پرداخته است. او برای این کار روش کیفی را انتخاب کرده و با استفاده از تکنیک مصاحبه به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون تجربه تماشای مخاطبان زن ایرانی اقدام نموده است. به علاوه، برای تکمیل یافته‌های تحقیق، به سراغ نظرات کاربران اینترنتی در مورد چرایی تماشای سریال رفته و با استفاده از تحلیل محتوا، نظرات آنها در سایت‌ها و وبلاگ‌های مرتبط را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که زنان ایرانی که تماشاگران اصلی این سریال‌اند، به این دلیل که برحسب شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه خود معمولاً تجربه‌های عاطفی متفاوتی را در مقایسه با زنان داستان تجربه می‌کنند، به نوعی از طریق نزدیکی فضایی به متن، فرصت تجربه عشق، لذت و هیجانات ناشی از آن را با این مختصات جدید به دست می‌آورند.

محمدی و کریمی (۱۳۹۰) نیز طی تحقیقی در پی بررسی نحوه تفسیر و رمزگشایی سریال «فاصله‌ها» از سوی زنان شهر ایلام بوده‌اند. آنها ابتدا با استفاده از روش نشانه‌شناسی ساخت گرایانه، خوانش مرجع سریال را تشریح کرده‌اند و سپس با استفاده از روش مصاحبه گروهی متمرکز، قرائت‌های زنان از این مجموعه را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تفاوت‌های زیادی در واکنش مخاطبان نسبت به این سریال وجود دارد و آنان دریافت‌کنندگان منفعل پیام‌های موجود در سریال نیستند. زنان با توجه به طبقه اجتماعی و شرایط اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دسترسی متمایزی به گفتمان‌های متفاوت دارند و بنابراین از سوژکتیویته ناهمسازی برخوردارند. به همین دلیل در مواجهه با گفتمان مسلط سریال، آن را به گونه‌های متفاوتی رمزگشایی می‌کنند.

مهدی‌زاده و کریمی (۱۳۹۲) به تحلیل دریافت مخاطبان جوان شهر مریوان از سریال‌های عامه‌پسند ماهواره‌ای پرداخته‌اند. در این تحقیق سعی شده است تا با رویکرد تحلیل دریافت به مطالعه مخاطبان جوان شهر مریوان پرداخته شود. روش پژوهش آنها کیفی بوده است و از دو تکنیک مصاحبه عمیق و مشاهده برای گردآوری اطلاعات استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد افراد مختلف بر اساس ویژگی‌های فردی و همچنین زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خود، به شخصیت‌های خاصی علاقه نشان می‌دهند و با آنها احساس هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که انتخاب و تماشای سریال‌های عامه‌پسند ماهواره‌ای نزد مخاطبان جوان مریوانی، امری اتفاقی و خود به خودی نیست، بلکه مخاطبان، فعالانه اینگونه برنامه‌ها را گزینش و تماشا می‌کنند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نه تنها انتخاب و تماشای سریال‌ها کنشی فعالانه است، بلکه مخاطبان در برساختن و تولید معنا نیز نقش ایفا می‌کنند.

منظرقائم و شریفی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «مصرف و خوانش زنان تهرانی از سریال‌های نمونه ترکیه‌ای» درصدد پاسخ به این سؤال بودند که چگونه چالش‌های هویتی زنان ایرانی در نتیجه تماشای سریال‌های خانوادگی در جامعه مدرن به مواضع گفتمانی و ارزش‌های متفاوت می‌انجامد. برای نیل به پاسخ

بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه های صداوسیما

از رویکرد مطالعات فرهنگی و روششناسی کیفی (از طریق مصاحبه عمیق با ۳۰ نفر از زنان تهرانی) استفاده شده و در مدل نظری نیز مصرف و سپس دریافت مخاطبان - در سه لایه خوانش شخصی، خوانش ارجاعی و خوانش انتقادی - مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زنان در سه تیپولوژی هویتی سنتی، اسلامی و مدرن قرار می‌گیرند و با به‌کارگیری منابع فرهنگی و منابع مادی، به تأمل و بازاندیشی در موقعیت‌ها و هویت‌های سنتی خود می‌پردازند.

دیویس و دیکنسون (۲۰۰۰) به عنوان سردبیران تلویزیون نوجوان: ژانر، مصرف و یادداشت هویت و مطالعات فرهنگ نوجوانان در پژوهش خود با عنوان «تلویزیون نوجوانان: ژانر، مصرف و هویت» معتقدند که بی میلی در میان دانشگاهیان برای تثبیت خود در جنبه‌های خاصی از تلویزیون نوجوانان که خارج از دسترسی مستقیم ما قرار دارند و اولویت‌های سیاسی و زیبایی‌شناختی که منجر به حاشیه راندن آکادمیک این افراد می‌شود متن‌های نوجوان این مجموعه به دنبال رفع این نظارت است و با وجود برخی محدودیت‌ها، این ژانر را با موفقیت از طیف وسیعی از دیدگاه‌ها مورد بازجویی قرار می‌دهد. جمعیتی که تلویزیون برای آنها رسانه مرکزی در ساخت هویت است، از طریق سلايق مشترک و الگوهای مصرف فرهنگی نمود می‌یابند. جی رایدوت و رابرتز (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «رسانه‌ها در زندگی ۸ تا ۱۸ ساله» با هدف ارائه یک پایگاه محکم‌تر برای بررسی تأثیرات رسانه‌ها بر کودکان و کمک به راهنمایی آنها دریافتند که از رسانه‌ها فعالانه برای اطلاع‌رسانی و آموزش جوانان آمریکا استفاده می‌شود. امروز نوجوانان هشت تا هجده ساله بیش از هر فعالیت دیگری (شاید) وقت خود را با رسانه‌ها صرف می‌کنند. پس درک نقش رسانه‌ها در زندگی جوانان برای کسانی که نگران ترویج سلامت هستند، ضروری است. درواقع، این که از میان رسانه‌های مردم، از کدام رسانه بیشتر استفاده می‌کنند، صاحب کدام رسانه هستند، چقدر زمان صرف هر رسانه می‌کنند، در کدام فعالیت‌های آن شرکت می‌نمایند و تعداد دفعاتی که چند کار انجام می‌دهند و تفاوت آن‌ها با یکدیگر در الگوهای رسانه‌هایشان اهمیت دارد.

گارسیا مونوز و فدل (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «مجموعه‌های داستانی تلویزیونی با هدف مخاطبان جوان: توطئه‌ها و درگیری‌هایی که در یک سریال نوجوان به تصویر کشیده می‌شوند»، با تحلیل محتوایی که بر روی نمونه‌ای معرف از سه فصل نمایش انجام شد تا دو گروه از متغیرهای شخصیت‌ها و متغیرهای ویژگی‌های طرح و داستان تحلیل شوند، دریافتند که تحلیل تصویر جوانان در سریال‌های تخیلی تلویزیونی که به طور خاص مخاطبان جوان را هدف قرار می‌دهند، هم برای تولید تلویزیون و هم برای استقبال مخاطب ارزش معناداری دارد. در واقع، مصرف‌کنندگان بالقوه سریال نوجوانان - نوجوانان - خود را در لحظه‌ای کلیدی در ساختن هویت خود می‌بینند.

در جمع بندی مباحث فوق باید گفت که کلیشه مخاطب منفعل برای سال‌ها در مطالعات ارتباطی مسلط بوده و کلیشه مخاطب فعال جای کلیشه مخاطب منفعل را گرفته است. این کلیشه جدید برخلاف شکل منفعل آن، اساساً نقش و قدرت چندانی برای رسانه‌ها و ایدئولوژی قائل نمی‌شود. در این دسته از مطالعات، رویکرد سه‌گانه استوارت هال در خوانش متون رسانه‌ای، محور اصلی بحث‌های نظری است. از یک سو، به اشتباه این‌گونه تصور شده است که کار مطالعات فرهنگی تنها نشان دادن وجود مقاومت در بین مصرف‌کنندگان است؛ در حالی که اگر نشان داده شود که ایدئولوژی درون متن تأثیر خود را بر مخاطب با ویژگی‌های مشخص گذاشته است، به اندازه نشان دادن مقاومت اهمیت دارد. بنابراین غفلت از قدرت و قوت ایدئولوژی، نقطه ضعفی بزرگ در تحلیل خوانش مخاطبان تلقی می‌شود. از سوی دیگر، با بدفهمی معنا و مفهوم مقاومت روبه‌رو هستیم. در حالی که در دپارتمان‌های مطالعات فرهنگی، «انفعال» مفهومی از مدافعت تلقی می‌شود، مقاومت به مفهومی شیک، پیشرو، علمی و جدید تبدیل شده است؛ به طوری که مخاطب فعال که به طور تلویحی دارای بار معنایی ارزش‌گذاری شده است، بیشتر با طبقه متوسط تهرانی (تحصیلات بالا و مصرف فرهنگی) بازناسی شده و مخاطب منفعل، بیشتر در میان افراد طبقات پایین، با سواد کمتر و دسترسی رسانه‌ای کمتر یافت گردیده است. همین‌طور، در تمامی این مطالعات که اغلب با تحقیق بر روی مخاطبان تهرانی که قشر تحصیل‌کرده و طبقه متوسط را تشکیل می‌دهند و معمولاً از رسانه‌های خارجی نیز استفاده می‌کنند انجام شده‌اند، همگنی جامعه آماری به وضوح مشخص است. این عامل بر نوع دریافت و خوانش مخاطبان از محتوای رسانه‌ای تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. این ادعا در مطالعات مورد بررسی در این پژوهش نیز تأیید شده است.

تبیین و تشریح مفاهیم

رمز، رمزگذاری و رمزگشایی

رمز یا رمزگان^۱ همان معنا و پیام یک متن است (مارتین و رینگهام، ۲۰۰۰: ۳۴). رمز بنا به تعریف عبارت است از: نظامی از نشانه‌ها که برای افاده معنا به کار می‌روند (سجودی، ۱۳۸۶: ۲۸). رمزها، مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که میان ارسال‌کننده پیام و دریافت‌کننده آن، پیوند برقرار می‌کنند و پیامی را می‌رسانند. رمزگذاری نیز شکلی از رفتار است که اعضای هر فرهنگ آن را می‌آموزند و در آن سهیم می‌شوند. در واقع فرهنگ، رمزی است که می‌آموزیم و وجه مشترک آگاهی بین ما و دیگران است. بر این اساس سوسور (۱۳۷۸) می‌گوید برای شناسایی رمزها باید قراردادهای دال^۲ و مدلول^۳ و همچنین زمینه‌های فرهنگی آن متن یا جامعه را خوب بدانیم. به تعبیری دیگر، قرائت یک متن متضمن مرتبط ساختن آن با مجموعه‌ای از

1 Code

2 Denote

3 Connote

رمزگان‌هاست (سیبک، ۱۹۹۴: ۳۴؛ گیل، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۵۰). در این میان، در دل هر متن، رمزگان‌های مختلفی قابل کشف و رمزگشایی هستند. رمزگشایی، متضمن کشف ارجاعات دال‌هاست. دال‌ها از طریق ارجاعات یا زمینه‌ها، قابل درک می‌شوند و به مدلول‌ها پیوند می‌خورند و نظام معنایی کامل می‌شود (رضایی راد، ۱۳۸۱). رمزگذاری در واقع اصلی‌ترین کنش تولید پیام است که به رمزگشایی منتهی می‌شود. رمزگشایی نه تنها مستلزم شناخت و فهم و درک زمینه‌های مختلف یک متن است، بلکه مواردی چون تفسیر، ارزیابی و داوری در مورد آن را نیز در بر می‌گیرد.

بازنمایی

براساس چنین درکی از فرهنگ، رمز و معناست که بحث «بازنمایی»^۱ مطرح می‌شود. بازنمایی را به اختصار، تولید معنا از طریق نشانه‌ها و چهارچوب‌های مفهومی و زبانی تعریف می‌کنند (میلنر، ۱۳۸۵: ۳۳۳). جریان مداوم و مکرر بازنمایی رسانه‌ها از جهان واقع، به طرز قوی بر ادراکات و کنش‌های مخاطبان تأثیر می‌گذارد. محور اساسی در نظریه‌های بازنمایی این است که برخلاف ظاهر، بازنمایی، عین واقعیت نیست که فرایند «گزینش» واقعیت است؛ حتی اگر مخاطبان گاهی اوقات وسوسه شوند که براساس «بازنمایی رسانه‌ای» از واقعیت، در مورد واقعیت، قضاوت و داوری نمایند.

دیدگاه این پژوهش در باب رسانه‌ای چون تلویزیون این است که سریال‌های تلویزیونی برخی معانی را مرجع کرده‌اند؛ یعنی محتوای این سریال‌ها براساس جهت‌گیری خاصی تنظیم شده‌اند. این سریال‌ها با تداعی دال‌هایی خاص و استفاده از رمزگان‌های مختلف، در حال برساختن ارزش‌های فرهنگی و صورت خاصی از زندگی اجتماعی هستند که می‌توان آن را مشاهده و تحلیل نمود.

امروزه سه نظریه یا رویکرد درباره چگونگی بازنمایی جهان وجود دارد:

- نظریه‌های بازتابی^۲ که زبان را آینه جهان می‌انگارند.

- نظریه‌های التفاتی یا نیت‌مندی^۳ که معنا را همان چیزی می‌دانند که گوینده، هنرمند یا نویسنده قصد گفتش را دارد و بنابراین زبان، بیانگر این خواسته‌ها و نیت‌مندی‌هاست.

- نظریه برساخت‌گرایی که پدیده‌ها فی‌نفسه دارای معنا نیستند که معنای پدیده‌ها محصول چگونگی بازنمایی آنهاست.

بازنمایی به ما یادآوری می‌کند که این سیاست نمایش‌دهنده در رسانه‌هاست که تعیین می‌کند شیوه‌های تصویر کردن گروه‌های خاص چگونه باید به انجام برسد. بنابراین عمل بازنمایی می‌تواند بر چگونگی

1 Representation

2 Reflective Approach

3 Intentional Approach

شکل‌گیری تجارب گروه‌ها در جهان و چگونگی فهمیده شدن آن‌ها یا وضع قانون توسط دیگران (برای این گروه‌ها) تأثیرات ملموس و واقعی داشته باشد.

راهبردهای بازنمایی

به طور کلی، فرایند بازنمایی در رسانه‌ها دارای دو راهبرد مهم است:

- ۱- کلیشه‌سازی
- ۲- طبیعی‌سازی

کلیشه‌سازی

هال، کلیشه‌سازی را کنشی معناسازانه می‌داند و معتقد است «اساساً برای درک چگونگی عمل بازنمایی نیازمند بررسی عمیق کلیشه‌سازی‌ها هستیم» (هال، ۲۰۰۳: ۲۵۷). در حالت کلی کلیشه‌سازی فرایندی است که براساس آن جهان مادی و جهان ایده‌ها در راستای ایجاد معنا، طبقه‌بندی می‌شود تا مفهومی از جهان شکل گیرد که منطبق با باورهای ایدئولوژیکی باشد که در پس پشت کلیشه‌ها قرار گرفته‌اند. در دنیای تلویزیون و تولیدات آن هم که در امر کلیشه‌سازی دخیل است، ابتدا کلیشه‌ها برای کمک به ادراک روایت از سوی مخاطب شکل گرفتند. از سوی دیگر کلیشه‌ها که تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای نیز هستند، سبب ایجاز در روایت تلویزیونی می‌شوند. «کلیشه‌ها به تبعیت از تغییر بافت سیاسی- فرهنگی، تغییر می‌کنند» (هیوارد، ۱۳۸۱: ۲۷۰).

طبیعی‌سازی

طبیعی‌سازی به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به صورتی عرضه می‌شوند که گویی اموری آشکارا طبیعی هستند. طبیعی‌سازی دارای کارکردی ایدئولوژیک است. در فیلم و تلویزیون، طبیعی‌سازی وظیفه تقویت ارزش‌های مسلط را بر عهده می‌گیرد و گاهی با جنبه‌های واقعی درآمیخته می‌شود تا «طبیعی‌تر» جلوه کند.

چارچوب مفهومی

نظریه تأثیرات مطلق رسانه‌ای

یکی از نظریه‌های مدون درباره ارتباطات جمعی و رسانه‌ها، «نظریه یک سوپه گلوله جادویی و سوزن تزریقی» است. این نظریه بیش از هر چیز بر دو عنصر پیام و گیرنده (مخاطب) در فرایند ارتباطات تأکید دارد و پیش‌بینی می‌کند که پیام‌های ارتباط جمعی بر همه مخاطبان که در معرض آنها قرار می‌گیرند، اثرهای قوی و کم و بیش یکسان دارد (سورین و تانکار، ۱۳۸۷: ۱۳۸۱). این نظریه مخاطبان را به مثابه توده در نظر می‌گیرد. توده به مثابه محصول شرایط جدید جوامع شهری و صنعتی مدرن نگریسته می‌شود. در واقع نظریه جامعه توده، رسانه‌ها را علت و عامل اصلی تداوم جامعه توده دانسته و معتقد است که رسانه‌ها دنیای خیالی را جایگزین دنیای واقعی ساخته و بدین وسیله مردم را در جهت خاص و به طور پوشیده

سازماندهی کرده‌اند و از نظر روانی و ذهنی، زندگی و شرایط سخت آن را برای مردم قابل تحمل‌تر می‌سازند (مهدی زاده، ۱۳۸۸: ۶۹). پارادایم‌های مارکسیستی همچون نظریه های اقتصاد سیاسی انتقادی نیز همین رویه را در مورد رسانه‌ها ابراز می‌کنند. سرمایه‌داری معاصر با کالایی کردن فرهنگ با استفاده از مکانیسم‌های رسانه‌ای و تبلیغات، حوزه فرهنگ را به بخش صنعتی متصل کرده است که با استفاده از توسعه مصرف زندگی و تولید انبوه و استاندارد، موفق می‌شود کالاهای خود را بفروشد. مارکوزه نیز بر جامعه‌ای تاکید می‌کند که با کمک «صنایع فرهنگی» انسان‌هایی تک بعدی را خلق کرده است. نظر کلی مکتب فرانکفورت درباره قدرت رسانه‌ها به گونه‌ای است که در جهت حفظ وضع موجود فعالیت می‌کنند نه در جهت تغییر.

نظریات تأثیرات محدود رسانه‌ها

تقریباً یک دهه بعد، یعنی در دهه ۱۹۶۰ بود که نظریه گلوله جادویی و سایر نظریاتی که مخاطب را منفعل می‌پنداشتند، به چالش کشیده شدند. اولین ضربه به نظریات قوی درباره تأثیرات بسیار رسانه‌ها به نظریه جریان دومرحله‌ای ارتباطات مربوط می‌شود. این نظریه بیان می‌کند که «تماس‌های شخصی در اثرگذاری بر تصمیم رای‌دهی هم فراوان‌تر و هم موثرتر از رسانه‌های جمعی بوده است (ویندال و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۰۴). این نظریه دارای سه بعد اصلی بود: اول اینکه نفوذهای شخصی بیشتر و موثر از هر یک از رسانه‌های جمعی است؛ دوم نفوذ میان فردی در گروه‌های اولیه، در حفظ درجه بالایی از همگنی عقاید و کنش‌ها در یک گروه موثر است؛ سوم اینکه در فرآیند تصمیم‌گیری، رسانه‌های مختلف نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنند. همین نظریه مبنای شکل‌گیری «نظریه اشاعه نوآوری» اورت راجرز شد. اما «نظریه استفاده و خشنودی» با چرخش از پرسش از تأثیرات رسانه‌ای به سمت قدرت‌بخشی به مخاطب کاملاً از رویکرد متن محور پژوهش رسانه‌ای کنار کشید.

نظریه دریافت^۱ و مخاطب فعال

یکی از اصولی که سنت تحلیل دریافت بر پایه آن بنا شده است، چندمعنایی بودن متون است (ویلیامز، ۱۳۸۵). مک کوایل معتقد است پیام‌های ارتباطی می‌توانند از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به شکل‌های متفاوت بازخوانی یا رمزگشایی شوند (مک‌کوایل، ۱۳۸۵: ۸۶). به همین دلیل پایه و اساس رویکرد تحلیل دریافت قرائت‌های مختلفی است که افراد نسبت به پیام دارند. نظریه دریافت با آنچه در عمل مصرف اتفاق می‌افتد سروکار دارد. در این نظریه، خواندن، نوعی از تفسیر است که به معنای نهایی و قطعی متن پشت می‌کند و آن را دست می‌اندازد. (ایگلتون، ۱۳۸۳: ۱۰۶). در تحلیل دریافت، پیش‌فرض بنیادین این است که متون رسانه‌ای دارای معنایی ثابت یا ذاتی نیستند، در عوض در لحظه دریافت متون از طرف مخاطب است که این متون معنا می‌یابند. به بیان دیگر، مخاطب را مولد معنا می‌شمرند و نه صرفاً مصرف‌کننده محض

1 Reception Theory

محتویات رسانه‌ای. «نظریه دریافت» که استوارت هال آن را ایجاد کرد، دربردارنده نوعی انتقال از رویکرد فنی به رویکرد نشانه‌شناختی نسبت به پیام‌ها بود. این اندیشه که پیام توسط تولیدکننده برنامه رمزگذاری و سپس توسط دریافت‌کنندگان رمزگشایی و معنادار می‌شود، مستلزم این معناست که پیام‌های ارسالی و دریافتی لزوماً یکسان نیستند و مخاطبان مختلف ممکن است یک برنامه را به شیوه‌های متفاوتی رمزگشایی کنند. به طور خلاصه فرضیه‌های اصلی نظریه دریافت عبارت‌اند از:

- مخاطب فعال و سازنده معناست؛

- مخاطب در برابر معانی مسلط و ایدئولوژیک پیام مقاومت و رمزگشایی می‌کند؛

- متون رسانه‌ای چندمعنایی‌اند؛

- دریافت و رمزگشایی پیام متأثر از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، باورها و نگرش مخاطب است.

نظریه فمینیستی رسانه: رسانه و جنسیت

نظریه فمینیستی، شاخه‌ای از پژوهش میان رشته‌ای است که جنسیت را به عنوان مقوله اصلی سامان بخش تجربه در نظر می‌گیرد. فمینیسم، تقسیمات جنسیتی در درون جامعه را امری سیاسی و نه طبیعی و بازتاب «رابطه قدرت» بین مردان و زنان می‌داند. به لحاظ تاریخی، موج اول فمینیسم از حق رأی زنان و بهره‌مندی آن‌ها از حقوق قانونی و سیاسی برابر با مردان دفاع می‌کرد، اما موج دوم فمینیسم، از سطح خواست‌های سیاسی فراتر رفت و به جنبه‌های شخصی، روانی و جنسی ظلم به زنان پرداخت؛ به این معنا که ظلم در تمام شئون زندگی اجتماعی اعمال می‌شود و از بسیاری جهات، از خود خانواده شروع می‌گردد. لذا هواداران جدید فمینیسم علاقه‌مند به تحلیل آن چیزی هستند که «سیاست زندگی روزمره» نامیده می‌شود. این تحلیل شامل فرایند تربیت است: تربیت کودکان برای ایفای نقش‌های «مردانه» و «زنانه»، تقسیم کارهای خانه‌داری بین پسران و دختران و نیز اعمال سیاست رفتار شخصی و جنسیتی (هیوود، ۱۳۸۹: ۴۱۷). نظریه پردازان فمینیسم نشان می‌دهند که جنسیت به طور عمیقی در روابط اجتماعی نهفته است و زنان و مردان و روابط ساختاری بین آنان را تعریف می‌کند.

در رویکرد فمینیسم لیبرال، رسانه‌ها میراث جامعه را که جنسیتی شده است، منتقل می‌کنند تا انسجام، یکپارچگی و نظم را حفظ نمایند. فمینیسم سوسیالیستی معتقد است که رسانه‌ها شاکله‌های سرمایه‌داری را به عنوان جذاب‌ترین نظام موجود ترسیم می‌کنند. فمینیسم رادیکال، رسانه‌های پدرسالار را در خدمت نیازهای جامعه پدرسالار و مردسالار می‌داند، زیرا تجارت زنان را سرکوب و تحریف می‌کند.

در مغایرت آشکار با اهداف برابری جنسیتی موج دوم فمینیسم، پست فمینیست‌ها می‌گویند که برابری جنسیتی کم و بیش تحقق یافته است و زنان مدت هاست که قربانی نظم پدرسالاری نیستند. ناتاشا

والتر می نویسد: «همه جا زنانی را می بینم که آزادتر و قدرتمندتر از گذشته هستند» (والتر، ۱۹۹۹ به نقل از سجادی، ۱۳۸۴).

روش شناسی پژوهش

تحقیقات کیفی به شیوه های گوناگونی انجام می پذیرند. یکی از مهمترین آنها روش تحلیل مضمون است. روش تحلیل مضمون، فرآیندی برای تحلیل داده های متنی و گفتگویی است که در آن داده های پراکنده و متنوع را به داده های غنی و منسجم و در نهایت مضامین مشخص تبدیل می کند. (Braun & Clarke, 2006:23) شناخت مضامین و دسته بندی آن می تواند به محقق کمک کند تا تصویری جامع از ذهنیت مشارکت کنندگان در مورد موضوع به دست آورد. (Anderson, 2007) از آنجا که این تحقیق درصدد شناخت خوانش جوانان از تصویرشان در رسانه ملی است، این روش انتخاب گردید و چون در مضامین درصدد توصیف، تبیین و شناخت رابطه میان مضامین هستیم، از تحلیل مضمون به شیوه کینگ و هوروکس (۲۰۱۰) که براساس جایگاه مضمون در متن است، بهره گرفته شد. (King & Horrocks, 2010:153)

با توجه به تأکید این پژوهش بر مطالعه بر روی «جوانان»، جامعه آماری این پژوهش شامل دو دسته متخصصان دانشگاهی و رسانه ای و دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران بوده است. ملاک انتخاب متخصصان، آشنایی با مطالعات جوانان و رسانه- به گونه ای که در پنج سال اخیر کار علمی و عملی مرتبط با این حوزه انجام داده باشند- و ملاک انتخاب دانشجویان استفاده مستمر آنها از رسانه ملی بوده است. در پژوهش حاضر، با توجه به در نظر گرفتن «منطق نمونه گیری کیفی»^۱، افراد انتخاب شده برای ورود به «نمونه» در بخش متخصصان ۱۱ نفر و در بخش دانشجویان ۱۵ نفر بوده است. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند استفاده شد؛ به گونه ای که با متخصصان به صورت انفرادی و با دانشجویان به صورت گروهی و کانونی مصاحبه صورت گرفت. در بخش مصاحبه گروهی در مجموع ۵ مصاحبه (گروه های ۳ تا ۵ نفره) انجام شد. زمان مصاحبه نیز نامحدود بود و بستگی به وضعیت شرکت کنندگان بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه طول کشید. میانگین زمان مصاحبه ۶۵ دقیقه بوده است. مشخصات دانشجویان به گونه ای بود که سعی شد از دانشگاه های مادر دولتی در حداکثر تنوع مقطع، سن و رشته انتخاب شوند. ویژگی متخصصان در جدول زیر آمده است:

۱ نمونه گیری در این تحقیق، براساس منطق نمونه گیری کیفی بوده است که با در نظر گرفتن «حداکثر تنوع پاسخگویان در متغیرهای اساسی» تحقیق صورت پذیرفته است.

جدول ۱: مصاحبه‌شوندگان در بخش متخصصان دانشگاهی و رسانه‌ای

مصاحبه شونده	مشخصات شغلی یا حرفه‌ای	سطح تحصیلات
ش ۱	دانشیار روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی	دکترای ارتباطات
ش ۲	استادیار دانشگاه سوره و رئیس دانشکده فرهنگ و ارتباطات	دکترای ارتباطات
ش ۳	دانشیار گروه مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبائی	دکترای جامعه‌شناسی
ش ۴	رئیس اداره نظارت و ارزشیابی صدا و سیما	دکترای فرهنگ و ارتباطات
ش ۵	رئیس مرکز مطالعات فرهنگی جوانان دانشگاه سوره	دکترای ارتباطات
ش ۶	پژوهشگر حوزه جوانان	دکترای جامعه‌شناسی
ش ۷	پژوهشگر و مدیر بخش مطالعات صدا و سیما	دکترای مدیریت رسانه
ش ۸	دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران	دکترای جامعه‌شناسی
ش ۹	مدیر نظارت و ارزیابی معاونت سیاسی	دانشجوی دکترای مدیریت رسانه
ش ۱۰	پژوهشگر معاونت سیاسی صدا و سیما	دانشجوی دکترای ارتباطات
ش ۱۱	سرپریر نشریه مدیریت رسانه	دکترای مدیریت رسانه

داده‌های مصاحبه به روش کدگذاری تحلیل مضمون کینگ و هوروکس در قالب مضامین توصیفی، تبیینی و رابطه‌ای به کمک نرم‌افزار MAXQDA 10 کدگذاری شد. نحوه تحلیل داده پیاده‌سازی مصاحبه و ورود جملات کلیدی در نرم‌افزار و اپوخته کردن مضمون از دل عبارات و انسجام بین مضامین بوده است. منطق تحلیل براساس شیوه تحلیل کینگ، شناسایی مضامین، توصیف وضعیت مضامین در نگاه مشارکت-کنندگان و تبیین آن بوده است. در نهایت جهت ارتباط بین مضامین نیز سعی شد از منطق رابطه‌ای کینگ و هورکس (۲۰۱۰) استفاده گردد. برای تقویت قابلیت اعتماد این منطق نیز از فکت‌های متنی برخاسته از مصاحبه بهره‌گیری شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش سعی شد تا نگاه مخاطبان جوان رسانه ملی به نحوه بازنمایی جوانان و مسائل آنان در رسانه ملی پرداخته شود و در پی آن نقد جوانان از این بازنمایی‌ها در رسانه ملی از ابعاد مختلف مورد واکاوی و تحلیل بیشتر قرار گیرد.

خواش جوانان از بازنمایی روابط بین‌نسلی در رسانه ملی

بقا و تداوم یک فرهنگ، مستلزم انتقال ارزش‌ها از طریق تعامل و روابط بهینه دو نسل و پیوند نسلی است. بی‌شک رسانه‌های دیداری و شنیداری- به خصوص تلویزیون به دلیل سهولت دسترسی به آن- به

بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه های صداوسیما

عنوان یکی از عوامل قدرتمند در جامعه‌پذیری نسل جوان امروز، نقش موثری ایفا می‌کند. در صورتی که روابط بین نسل‌ها با تغییراتی مواجه شود، انقطاع نسلی که به معنای عدم تشابه میان هنجارها و ارزش‌های بنیادین دو نسل است، روی می‌دهد. در کنار وضعیت انقطاع، وضعیت‌های دیگری نیز وجود دارند: تفاهم نسلی و نیز تفاوت نسلی. در این میان، به منظور حفظ و انتقال فرهنگ، بسیار ضروری است که به تعاملات بین نسل‌ها در یک جامعه توجه و در راه تعمیق این روابط گام برداشته شود؛ زیرا انتقال ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه به نسل‌های آتی از طریق تعاملات و مناسبات بین‌نسلی امکان‌پذیر است.

«صدا و سیما، اختلاف بین بچه‌ها و والدین رو طوری نشون میده که انگار اولاً اختلاف چندانی بین اونها وجود نداره و دوماً اونایی هم که نشون میده با والدین‌شون مشکل دارن، پیام تصویر رو به سمتی می‌بره که منِ جَوون فکر کنم همیشه اون جَوونه اشتباه فکر و عمل می‌کرده و نه والدین‌اش؛ یعنی اگر هم تعارضی نشون میده، همیشه حق رو به پدر مادرا میده و توی اختلافات بین نسل‌های مختلف، همیشه طرف نسل بالاتر و پیرتر رو می‌گیره و به تحولات نسلی و تغییراتی که توی جوون‌ها در دوره ما رخ داده، توجهی نمی‌کنه و صدای تغییرات اونها نیست.» (ش ۴) بررسی نحوه بازنمایی روابط بین‌نسلی در سریال‌های مور مطالعه نشا دهنده آن است که رسانه ملی، منشأ روابط تعارضی را فرزندان می‌داند و به بدنمایی از آن می‌پردازد.

خوانش جوانان از بازنمایی اشتغال زنان در رسانه ملی

برخی از پاسخگویان درباره نحوه عملکرد رسانه ملی در مورد بازنمایی جوانان در عرصه اشتغال زنان و نوع اثرگذاری آن بر خانواده و جامعه، معتقدند که اشتغال و استقلال اقتصادی بانوان به شکل‌های مختلفی، به عدم هماهنگی بین زوجین منجر می‌شود. در واقع بر این باورند که رسانه ملی در این زمینه، به شیوه‌ای خاص عمل می‌کند و به گونه‌ای نشان می‌دهد که قطع وابستگی اقتصادی و کم شدن احساس نیاز مالی به همسر، می‌تواند آستانه تحمل‌پذیری برخی از زنان را کاهش و میل به تقاضای طلاق را در بین بانوان شاغل افزایش دهد. لذا یکی از تبعات احتمالی اشتغال زنان، نپذیرفتن تسلط مرد است.

«نحوه بازنمایی اشتغال زنان همیشه بدین شکل نیست و گاهی نوع شبه مدرن آن به تصویر کشیده می‌شود. صدا و سیما به ترویج فرهنگ مردسالاری در بین خانواده‌های جوان کمک می‌کنه و جالبه که اونو نوعی تفکر اسلامی نشون میده و در این قالب سعی می‌کنه مردها رو برتر و توانمندتر نشون بده. اما نکته مهم اینه که مردسالاری یه تفکر سستیه نه دینی. این نشون میده که ایده مردسالاری در رسانه ملی، یک ایده شکست خورده است.» (ش ۲) با این همه، رسانه ملی به منزله یکی از ابزارهای مهم اجتماعی‌سازی در جامعه ایرانی، با بازنمایی الگوها و هنجارهای جنسیتی حاکم بر زندگی اجتماعی در قالب اجراهای نمایش گونه، عملاً نقش برساننده و بازتولیدکننده این هنجارها را در زندگی اجتماعی امروزی بر عهده دارد.

خوابش جوانان از کاهش اعتماد به پیام‌های رسانه در حوزه جوانان

اعتماد جوان به رسانه و برنامه‌هایی که درباره جوانان به نمایش می‌گذارد، از ابعاد و مقوله‌های مهم در حوزه مطالعات رسانه و اثرگذاری آن است. در مطالعات رسانه، معمولاً فرض بر این است که میزان مراجعه و پرمخاطب بودن، برای یک رسانه امتیاز محسوب می‌شود و مراجعه بیشتر به یک رسانه را نشانه اعتماد زیادتر مخاطب به آن دانسته‌اند.

در میان طبقات اجتماعی مختلف، عده‌ای معتقدند که رسانه ملی ترجیح می‌دهد که مسائل جوانان را چندان باز نکند و به طول تیتروار و یا اشاره‌ای مختصر از کنار آن عبور کند. در این میان، در اغلب اخبار صدا و سیما بازتابی از معضلات جوانان وجود ندارد و ماهواره‌های فارسی زبان نیز از این خلاء پرداخت به انواع مسائل جوانان، استفاده تام و کامل را می‌برند و با پخش ویدئوها و نظرات جوانان در باب معضلاتشان، پناهگاهی برای جوانانی که در رسانه خود جایی ندارند ایجاد کرده‌اند. کارشناسان اخبار در رسانه ملی نیز عموماً افرادی با تحلیل‌هایی کلیشه‌ای و سفارشی و حداقل‌های جذابیت‌گفتاری هستند. این در حالی است که برخی کارشناسان و متخصصان که نگاه انتقادی به سیاست‌های دولت و نظام نسبت به وضعیت جوانان دارند، راهی به اخبار و برنامه‌های گفتگومحور در رسانه ملی ندارند.

«هر مسئله‌ای از جوانان رو که ما به اونها نمی‌پردازیم. در واقع داریم به شبکه‌های ماهواره‌ای مثل بی‌بی‌سی فارسی، شبکه جم و ... می‌گیم لطفاً شما به اون پردازید. هرچقدر دایره پرداخت مسائل ما محدودتر باشه، حوزه عملکرد رسانه‌های بیگانه بیشتر میشه. پس ما باید دایره مسائلی رو که لازمه مورد توجه قرار بگیرند رو توسعه بدیم؛ چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ محتوایی که منتشر میشه. وقتی دسترسی جوانان به کانال‌های رسانه‌های رقیب افزایش پیدا می‌کنه، این پیامی به ماست که ضرورت ارائه چندجانبه یک خبر مربوط به جوانان یا ارائه دیدگاه‌های مختلف در مورد مسائل اونها کاملاً آشکار میشه تا از این طریق یک شبکه بتونه اعتبارش رو حفظ کنه. به همین خاطر، ما باید هم شیوه ارائه و هم مسائل مورد توجه‌مون در این حوزه رو وسیع‌تر و عمیق‌تر کنیم.» (ش ۸)

از طرفی، رسانه ملی غیر از بحران‌های کلان اقتصادی غرب، هیچ بازتابی از معضلات عمیق و جدی غرب و نقد مدرنیته ندارد. در مقابل، شاهد پخش اخبار غیرمهم نظیر مراسمات خودتشرکی و همایش‌های بی‌حاصل، اخبار بی‌اهمیت کشورهای استعماری و اظهار نظرهای سطحی درست و غلطی که اهمیت خاصی ندارند در اخبار صدا و سیما هستیم که کمتر به مسائل مستقیم با جوانان در این کشورها پرداخت می‌شود و آسیب‌های آن مورد واکاوی دقیق علمی قرار می‌گیرد.

خوانش جوانان از فقدان تکررگرای در رسانه ملی

یکی از انتقادهای عمده جوانان به رسانه ملی، فقدان تکررگرای و ندیدن همه جوانان با تمام سلیقه‌ها در آن است. در واقع رسانه ملی به دلیل عدم سیاست تکررگرای در معنای عام آن، هم‌اکنون سهم‌اش از جریان اطلاع‌رسانی را نسبت به دوران گذشته، تا حدی از دست داده و آن را به رقیبان ماهواره‌ای به‌خصوص فضای مجازی سپرده است. از این‌رو، شاهد انتقال تدریجی مخاطب به سایر رسانه‌های جدید هستیم.

«صدا و سیما با این نگاه‌های یک‌طرفه‌اش، مردم رو مجبور می‌کنه که برای اینکه ببیند در مملکت چه خبره، برن ماهواره ببیند. خیلی از جَوُون‌ها اصلاً افکار و اندیشه‌های خودشون رو در صدا و سیما نمی‌بینند. انگار صدا و سیما اصلاً برای اونها نیست. در حالی که سبک زندگی همین تیپ‌های جدید از جَوُون‌ها در ماهواره کاملاً بازتاب داره و همین باعث شده که اونا برن سمت ماهواره. چون اونجا دیده میشن.» (ش ۹)

خوانش جوانان از بی‌طرفی رسانه ملی در تحلیل مسائل جوانان

تظاهر به بی‌طرفی در رسانه‌ها، یکی از تاکتیک‌های پوشش خبری و رسانه‌ای است. بسیاری از رسانه‌های جمعی غربی برای القای بی‌طرفی خود به مخاطبان و در نتیجه جلب اعتماد آنان از این تاکتیک استفاده می‌کنند. صرفاً انعکاس دیدگاه موافق، جهت‌دار بودن خبر را آشکار می‌سازد و رسانه ملی را رسانه‌ای «جانبدار» جلوه می‌دهد.

«صدا و سیما، بی‌طرفی رو در برنامه‌هاش رعایت نمی‌کنه. مثلاً بسیاری از اشخاص صاحب‌اندیشه و تحلیل در حوزه جوان‌ها رو هم تحریم کرده است و فقط یه دسته خاصی از کارشناسا رو میاره. به نظرم صدا و سیما نیاز به تحول اساسی داره تا بی‌طرف‌تر عمل کنه.» (دانشجو ارشد ۳۱ ساله)

در این زمینه پیشنهاد می‌شود که از «انکار دیدگاه‌های مخالف» اجتناب شود و پوشش آن‌ها به شکل حرفه‌ای با بهره‌گیری از تاکتیک خبری القای بی‌طرفی صورت گیرد. این کار باعث جلب اعتماد مخاطب و تاثیرگذاری بیشتر خبر می‌شود.

خوانش جوانان از بازنمایی حجاب در رسانه ملی

حجاب زنان در ایران در طول چند دهه اخیر، همیشه میدان منازعه بوده است. از طرفی صدا و سیما به عنوان بزرگ‌ترین و فراگیرترین رسانه کشور نقشی منحصر به فرد در ترویج عالمانه حجاب و عفاف برعهده دارد. «به هر حال تلویزیون با ارزش‌های اسلامی اداره میشه؛ یعنی نمی‌تونه هر بدحجاب تهرانی رو نشون بده و از این طریق برای خیلی از جَوُون‌های توی شهرستان‌ها و جاهایی که حجاب خوبی وجود داره، از طریق به تصویر کشیدن فرهنگ غلط تهرانی، برای اونها هم ایجاد بدآموزی می‌کنه و فرهنگ حجاب رو در اون مناطق تضعیف می‌کنه.» (ش ۵)

اخیرا در رسانه ملی نیز تحولات حجاب و پوشش زنان در طول دو دهه گذشته، سیری نزولی به سمت بدحجابی را در پیش گرفته است که نیاز به راهبردهای عمیق‌تری برای تغییر شرایط موجود دارد.

نگاه کارشناسان به بازنمایی جوانان در حوزه‌های مختلف در رسانه ملی

در این قسمت به برخی از مهمترین نقدها و نگاه‌های کارشناسان و متخصصان حوزه رسانه‌ای و دانشگاهی نسبت به عملکرد رسانه ملی در حوزه جوانان پرداخته شده است:

نقد کیفیت برنامه‌های رسانه ملی در حوزه جوانان

اگر چه تلویزیون ایران به عنوان مهم‌ترین منبع اطلاعاتی و پرمخاطب‌ترین رسانه در سال‌های قبل و بعد از انقلاب، سال‌ها یک‌ه تازی کرده و به‌ویژه در دو دهه اخیر دچار تحولاتی در جهت افزایش کمی و کیفی برنامه‌ها نیز شده است، اما به گواه بسیاری از کارشناسان و خود جوانان نتوانسته است برنامه‌های جوان پسند و همگام با ذائقه نسل چهارم انقلاب را در سطح گسترده تهیه و تدارک ببیند.

«مسئولان و سیاست‌گذاران صدا و سیما هم باید توجه داشته باشند تولید محتوای جذاب، امروزه یکی از مهم‌ترین وظایف و رسالت‌های این سازمان در جهت جلوگیری از ریزش مخاطبان داخلی و جذب آنان به شبکه‌های برون‌مرزی است و تولید صرف برنامه‌های گفتگو محور و انواع سخنرانی به دلیل فقدان جذابیت مخصوصاً برای اقشار جوان و نوجوان نمی‌تواند کارگشا و نتیجه‌بخش باشد. از طرفی، یکی از ضروریات بسیار مهم برنامه‌سازی برای صدا و سیما، جلوگیری از بدآموزی جوانان است. متأسفانه برخی از برنامه‌های صداوسیما به ویژه بعضی از برنامه‌های طنز بدآموزی‌های گسترده‌ای برای جوانان دارند و شخصیت جوانان در برخی فیلم‌ها نیز در حد جوان طراز اسلامی و ایرانی نیست. امید است که این بدآموزی‌ها به حداقل برسد.» (ش ۱) برخی از کارشناسان با اشاره به رویکردها و سیاست‌گذاری‌های تلویزیون و با تاکید بر مبانی مفهومی برنامه‌سازی در دنیا، برنامه‌های رسانه ملی را فاقد هدفمندی بالا ارزیابی می‌کنند.

فقدان تکررگرایی در رسانه ملی

تکررگرایی رسانه‌ای مستلزم این است که همه مخاطبان جوان، توانایی تأمین نیازهای اطلاعاتی و آموزشی خود را از رسانه داشته باشند. عدم بازنمایی بخشی از نیازها و مشکلات در میان بخشی از جوانان سبب می‌شود که آنها، دیگر رسانه را رسانه خود ندانند.

«صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی تکالیفی بر عهده دارد. مهم‌ترین این تکالیف، انعکاس واقعیت‌هاست. بنابراین صدا و سیما نباید وارد جناح‌بندی‌ها، جبهه‌گیری‌ها و دسته‌بندی‌های خاص بشه، بلکه باید واقعیت‌های جامعه رو مطرح کند. باید همه جوانان از همه طیف‌های فکری رو مورد توجه قرار بده. نباید فراموش کنیم که رفتار جناحی و یکسویه در بلندمدت، موجب بی‌اعتمادی جوانان به کلیت نظام هم می‌شه.» (دانشجو ارشد ۲۷ ساله) به همین دلیل، از نظر کارشناسان مختلف، توجه رسانه‌ای به نیازها و

بررسی خوانش جوانان از تصویرشان در برنامه های صداوسیما

خواسته های همه جوانان، با همه گرایش های فکری، سیاسی و اجتماعی از اولویت برای رسانه ملی برخوردار است.

بی طرفی رسانه ای از نگاه کارشناسان

اگر رویدادهای جامعه به طور کامل و بدون گزینش از طریق تلویزیون ارائه شود و دو اصل «اختصاص زمان و فضای مساوی» و «تاکید برابر بین تفسیرها یا دیدگاه های مخالف» رعایت شود، این رسانه برای مردم منبع معتبری شناخته می شود که می توان در کسب اطلاعات و اخبار مورد نیاز به آن اعتماد کرد.

«نتیجه عدم توجه رسانه ای به اقشار مختلف جوانان در سطوح مختلف اینه که بخشی از مخاطب جوان ایرانی، مشکلات، نیازها و آرزوها و به طور کلی "خودش" رو در تلویزیون نمی بیند. بنابراین گریز جوانان ایرانی از رسانه ملی، مراجعه به رسانه های دیگر و توسعه نیافتگی و غفلت از ظرفیت های ملی اتفاق می افتد. متأسفانه تعریف بسیاری از همکارانمون در ایران از خبر، یک بعدی و بیشتر رویدادهایی ست که در پابویون دولت، دفتر استاندار و صحن علنی مجلس اتفاق می افتد.» (ش ۳) عدم رعایت این موارد باعث می شود که مخاطب جوان، به سرعت جهت گیری خاص رسانه را دریابد و به رسانه های دیگر رجوع کند.

رسانه ملی و اعتماد مخاطب از نگاه کارشناسان

رسانه در دنیای امروز نمی تواند صرفاً به فراگیر بودن خود ببالد، بلکه رسانه های امروز به دنبال ارتباط های گروهی هستند تا تأثیر پیام آنان تخصصی تر و نزدیک به مطلوب نظر آنان باشد. در نتیجه مخاطب خود را در گروه های سنی، جمعیتی و فرهنگی خاص پیدا و برای ساخت برنامه های متناسب با دیدگاه ها، عقاید و فرهنگ آن مخاطبان تلاش می کند.

«اون چیزی که در دنیای امروز رسانه ها به عنوان یک الگو دارای اهمیت، الگوی رسانه تعاملی ایه که منجر به دریافت بازخورد پیام و عکس العمل مخاطبان جوان میشه، که میان فرستنده و گیرنده پیام در جریان و این حالت وقتی حاصل میشه که رسانه در ارتباطی تعاملی نسبت با مخاطب قرار بگیره و مخاطب هم پیام های رسانه رو پذیرا باشه. چنین چرخه ای می تونه اعتماد مخاطبان جوان رو به سوی خودش جلب کنه.» (دانشجوی کارشناسی ۲۳ ساله)

در این راستا، رسانه ملی به جهت گستردگی مخاطب و فراگیری انتشار آن، محوری ترین رسانه است و انتشار اخبار و اطلاع رسانی یکی از اهداف اساسی و تشکیل دهنده شخصیت اصلی رسانه قلمداد می شود. این گونه از برنامه های تلویزیونی به شدت با موضوع اعتماد مخاطبان جوان خود گره خورده اند؛ چرا که در چرخه تعامل با مخاطب سریع تر از دیگر برنامه ها منجر به دریافت بازخورد و عکس العمل مخاطبان می شوند و در چهارچوب آن اعتماد نقشی اساسی را ایفا می کنند.

نگاه کارشناسان به عملکرد رسانه ملی در حوزه روابط نسلی

در این میان، موضوع خانواده و نحوه تعامل جوانان با والدین هم یکی از موضوعات مهمی بوده که رسانه ملی به آن بسیار پرداخته است.

«در رسانه، انسان قسمتی از واقعیت رو نمی‌بیند و صرفاً بازنمایی‌های خاصی از اون رو مشاهده می‌کند. به همین دلیل که نشانه‌های رسانه‌ای احتیاج به رمزگشایی دارند. تلویزیون طوری والدین رو نشون میده که انگار اینها هیچ وقت خطا نمیکنند و همیشه در تقابل بین اونها و فرزندان، حق با اونهاست و اونها هستند که مسیر رو درست پیش‌بینی کردند. در حالی که در زندگی روزمره می‌بینیم و شاهدیم که نیکی و بدی در کنار هم در افراد وجود دارند. جهان، جهان خاکستری‌هست؛ گل بی‌عیب خداست. اینها واقعیت‌هایی‌ست که رسانه ملی داره وارونه نشون میده و مخاطب، این رو می‌فهمه» (ش ۱۰)

در این راستا پیام‌ها باید با واقعیت‌های جامعه سازگار باشد تا قابلیت اثرگذاری آن در بین قشر جوان ایرانی که امروزه دسترسی‌های رسانه‌های مختلفی نیز پیدا کرده است، بیشتر شود و سبب نشود که در بین این دسته از مخاطبان، بی‌اعتمادی به پیام و مقاومت رسانه‌ای نسبت به پیام‌های رسانه ملی شکل بگیرد.

ترویج مصرف‌گرایی و مصرف تجملی در رسانه ملی

یکی دیگر از آسیب‌های مهم در برنامه‌های رسانه ملی، ایجاد ترغیب و گرایش جوانان به فرهنگ مصرف‌گرایی است.

«الان شما وضعیت سریال‌های تلویزیونی در صدا و سیما رو ببینید. اغلب‌شون دائماً خونه‌های طبقات مرفه رو نشون میده. وقتی وارد خونه میشه حجم عظیم تجملات و وسایل مختلف رو دوربین نشون کل مردم ایران میده؛ وسایل و امکاناتی که توی ۹۰ درصد خونه‌های ایرانی‌ها نیست. یک بازیگر زن جوان رو در سریال‌های تلویزیونی ببینید. از ابتدا تا انتهای اون سریال، بیشتر از ده تا مانتو و پوشش عوض می‌کنه. اینا باعث میشه که طبقات بالا خودشون رو برجسته‌تر و متفاوت‌تر نشون بدن و سبک زندگی و فرهنگ‌شون رو بالاتر از مردم عادی تصور کنند. برای همین، این سریال‌ها احساس حقارت برای طبقات پایین‌تر میاره و از دیدن این سریال‌ها احساس نابرابری و بی‌عدالتی می‌کنند و در نهایت روحیه پرخاشگری و بزه‌کاری پیدا کنند.» (ش ۴)

«این‌که مصرف‌کننده با همه این تبلیغات رسانه‌ای، همچنان می‌تونه بر اساس اولویت‌ها یا توان اقتصادی خودش خرید کند، بحثی جداست؛ اما چرا باید توی صدا و سیما، مصرف‌گرایی تا این حد ترویج بشه و به عنوان جنبه‌ای مثبت از زندگی نشون داده بشه؟» (دانشجوی دکتری ۳۷ ساله)

در واقع مصرف‌گرایی نوین در قالب تبلیغات رسانه‌ای، در پی زیاد کردن مصرف با هدف حداکثر سود است. از آنجایی که برای مصرف انبوه باید افراد بیشتری مصرف کنند، با یاری جستن از رسانه‌های جمعی همچون رسانه ملی، تقریباً تمام مردم به خصوص جوانان ایران به مصرف‌گرایی انبوه کشیده شده‌اند

که در ادامه خود را با شکل‌هایی چون تجمل‌گرایی نشان می‌دهد؛ یعنی همین پدیده‌ای که در بسیاری از سریال‌های تلویزیونی شاهد آن هستیم.

تضعیف فرهنگ قناعت در بین جوانان

یکی از پیامدهای سریال‌های تلویزیونی و تبلیغات، کاهش روحیه قناعت و ساده‌زیستی در میان ایرانیان به‌ویژه جوانان است، چرا که جوان‌های اغلب سریال‌ها، ساده زیست و قانع نیستند.

«مطابق با اصول ۲۳ و ۲۴ اصول و ضوابط آگهی‌های بازرگانی - مصوب در شورای بازرگانی آگهی‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - آگهی نباید مروج تجمل‌گرایی باشد و آگهی نباید به‌گونه‌ای طراحی و ساخته بشود که در آن مردم به مصرف بیش از نیاز و اسراف در استفاده از امکانات تشویق بشوند و روحیه قناعت رو در آنها از بین برود. اما شما به نگاهی کوتاه به تلویزیون بنگازید. می‌بینید که این اصول تقریباً هرگز اجرا نمی‌شوند. اونچه در عمل، در پیام‌های بازرگانی دیده میشه، ترویج سبک زندگی‌ای خلاف سبک زندگی ایرانی و تبلیغ مصرف‌گرایی و دوری از فرهنگ قناعت» (دانشجوی کارشناسی، ۲۳ ساله)

آنچه در این میان مهم است، تعارض کلی رویکرد ترویج حرص و مصرف‌گرایی با بیشتر آموزه‌های دینی همچون قناعت است که در جهت تضعیف آن عمل می‌کند که در نتیجه آن با فشار روحی و اجتماعی روبه رو خواهیم بود.

کالایی شدن در رسانه ملی

کالایی شدن روزافزون و تاثیر آن بر زندگی شهروندان در جامعه ایرانی نیز یکی از نتایج گسترش تبلیغات تجاری در کشور است. کالایی شدن، بیلوردهای تبلیغاتی را به ابزاری مهم برای بنگاه‌های اقتصادی بدل کرده که بر آنها قوانین بازار حاکم است و حداکثر رسانی سود در چشم‌انداز مدیران بنگاه‌ها را مدنظر دارد.

«اصلاً سلامت جوانان در تبلیغات صدا و سیما مهم نیست؛ خیلی چیزهایی که دارند تبلیغ می‌کنن کاملاً مشخصه که ضرر داره، اما داره تبلیغ می‌شه چون هم برای صدا و سیما سود داره و هم کارخونه دار. این وسط چون مردم هم که مهم نیست.»

«الان شرکت‌هایی که کالاهاشون رو تبلیغ می‌کنن، اکثرش برای رفع نیازهای واقعی مردم نیست که کالا تولید می‌کنن. اونها کالا تولید می‌کنن تا خودشون به سود و ثروت برسن. الان به نظر شما، تولید چیپس و پفک و تبلیغ اونها توی صدا و سیما، برای رفع نیازهای واقعی مردم ایرانه؟؟ نه، اصلاً اینطور نیست. سرمایه‌دارا، صرفاً هدفشون ایجاد نیازهای الکی برای مردم و خصوصاً جوان‌ها و رفع اون توسط خودشونه؛ با چه هدفی؟ کسب سود.» (ش ۶)

اینها گویای آن است که اکنون این قوانین اقتصاد بازار هستند که تبلیغات رسانه ملی را به پیش می‌برند. پیامدهای چنین وضعیتی، حذف تدریجی کرامت انسانی و غلبه عقلانیت اقتصادی بر مناسبات اخلاقی و رفتاری جامعه است.

رسانه ملی و چالش قومیت

نکته دیگر مورد توجه متخصصان و کارشناسان این است که رسانه ملی، جوانان در قومیت‌های مختلف درون ایران را به یک اندازه به تصویر نمی‌کشد و افکار و اندیشه‌ها و سبک زندگی آنها را به طور عادلانه پوشش نمی‌دهد.

«بازتاب بسیار ضعیف زندگی اقلیت‌ها در برنامه‌های سیما خیلی محل سواله. واقعاً رسانه‌ای که ادعا می‌کند ملی‌ایه چرا باید این کارو بکنه؟ خب این یه اصله که همه افراد یک جامعه طبق اصل برابری و شهروندی مشترک باید از حقوق مساوی برخوردار باشند و به طور یکسان با اونها رفتار بشه و هیچ معیار فرهنگی و قومی مایه برتری فردی به فرد دیگه نشه. رسانه ملی هم حتماً باید به این بعد از حقوق شهروندی مردم ایران، احترام بذاره و همه جوانان از همه قومیت‌های کشور رو به رسمیت بشناسه و افکار و اندیشه‌هاشون رو به تصویر بکشه. نه اینکه صرفاً جوانان از یه جریان فکری یا قومی دلخواه رو همیشه به تصویر بکشه و قومیت‌های مختلف رو سانسور کنه و بهش نپردازه.» (مصاحبه گروهی)

اینها نشانگر این نکته است که رسانه ملی می‌تواند و باید در راستای تحقق عدالت رسانه‌ای و ملی در راستای تکرگرایی و نمایش اقلیت‌های قومی قدم بردارد و این مسیر را در راستای تحقق همبستگی ملی در سطح کلان راهبری کند.

جدول ۲: جدول مقوله‌ها

عبارت	مضمون فرعی	مضمون اصلی
۱ رسانه‌های دیداری و شنیداری در جامعه‌پذیری نسل جوان امروز نقش موثری ایفا می‌کنند.	اثرگذاری روی نسل جوان	روابط بین نسلی در رسانه ملی
۲ رسانه‌ها منشأ روابط تعارضی را فرزندان می‌دانند و به بدنمایی از آن می‌پردازند.	نقش جوانان در تعارضات	ملی
۳ سریال‌ها باعث می‌شوند زنان به اشتغال و استقلال اقتصادی فکر کنند.	اشتغال زنان	
۴ بیشتر شغل‌ها در سریال‌ها برای جوانان از نوع شغل‌های با پرستیژ اجتماعی هستند.	اشتغال جوانان	نحوه بازنمایی اشتغال زنان در رسانه ملی
۵ شغل‌هایی که در سریال‌ها هستند باعث دوگانگی در جوانان می‌شوند.	دوگانگی شغلی جوانان	

۶	رسانه ملی ترجیح می‌دهد مسائل جوانان را چندان باز نکند و به طور تیتروار و یا اشاره‌ای مختصر از کنار آن عبور کند.	عدم توجه مستقیم به مسائل جوانان
۷	رسانه ملی غیر از بحران‌های کلان اقتصادی غرب، هیچ بازتابی از معضلات عمیق و جدی غرب و نقد مدرنیته ندارد.	عدم شفافیت در بیان مشکلات غرب کاهش اعتماد به پیام‌های رسانه در حوزه جوانان
۸	کارشناسان اخبار در رسانه ملی نیز عموماً افرادی با تحلیل‌هایی کلیشه‌ای و سفارشی و حداقل‌های جذابیت گفتاری هستند.	بی توجهی به عوامل موثر در جذب مخاطب
۹	برنامه‌های رسانه ملی فاقد هدفمندی بالا هستند.	
۱۰	در رسانه ملی، همه جوانان با تمام سلیقه‌ها حضور ندارند.	نگاه سلیقه‌ای در رسانه ملی
۱۱	رسانه ملی نتوانسته است برنامه‌های جوان‌پسند و همگام با ذائقه نسل چهارم انقلاب را در سطح گسترده تهیه و تدارک ببیند.	بی توجهی به سلیاق جوانان ایرانی فقدان تکثرگرایی در رسانه ملی
۱۲	رسانه ملی، افکار و اندیشه‌ها و سبک زندگی جوانان در قومیت‌های مختلف درون ایران را به یک اندازه به تصویر نمی‌کشد.	چالش قومیت در رسانه ملی
۱۳	رسانه ملی، با انعکاس دیدگاه موافق و جهت‌دار بودن اخبار، رسانه‌ای «جانبدار» است.	عدم بی طرفی در پوشش - های خبری
۱۴	عدم رعایت دو اصل «اختصاص زمان و فضای مساوی» و «تاکید برابر بین تفسیرها یا دیدگاه‌های مخالف» در رسانه ملی سبب از دست دادن مخاطب جوان می‌شود.	بی طرفی رسانه ملی در تحلیل مسائل جوانان
۱۵	در رسانه ملی، تحولات حجاب و پوشش زنان در طول دو دهه گذشته، سیری نزولی به سمت بدحجابی را در پیش گرفته است.	زمینه‌سازی برای ترویج بی - حجابی بازنمایی حجاب در رسانه ملی
۱۶	برنامه‌های رسانه ملی سبب ایجاد ترغیب و گرایش جوانان به فرهنگ مصرف‌گرایی می‌شوند.	مصرف تجملی در رسانه ملی
۱۷	سریال‌های تلویزیونی و تبلیغات سبب کاهش روحیه قناعت و ساده‌زیستی در میان جوانان می‌شود.	ترویج حرص و مصرف - گرایی تضعیف فرهنگ قناعت در بین جوانان
۱۸	تبلیغات رسانه ملی با گسترش کالایی‌شدن سبب حذف تدریجی کرامت انسانی و غلبه عقلانیت	کالایی‌شدن در رسانه ملی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال تحلیل خوانش مخاطبان جوان از نحوه بازنمایی خود در رسانه ملی بود تا از این طریق، دلایل کاهش نسبی رغبت جوانان به رسانه ملی را رصد و مورد ارزیابی قرار دهد. امروزه، رسانه ملی با چالش جدی در رقابت با رسانه‌های نوظهور مواجه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جوانان مورد مصاحبه، در حوزه‌های مختلفی چون نحوه بازنمایی اشتغال زنان، نحوه بازنمایی حجاب زنان، نحوه بازنمایی روابط بین‌نسلی (والدین و جوانان) در رسانه ملی، فقدان تکنرگرایی و بی‌طرفی در رسانه ملی و عدم توجه و پرداخت به همه نگاه‌ها در بین جوانان در رسانه ملی و نظایر آن، انتقادهای متعددی به عملکرد رسانه ملی داشته‌اند که همگی منجر به کاهش اعتماد مخاطبان جوان به پیام‌های آشکار و پنهان رسانه ملی در حوزه‌های مختلف برنامه‌سازی شده است- این کاهش اعتماد می‌تواند هشدار برای رسانه ملی در جهت ریزش مخاطبان جوان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دسته‌های مخاطبان باشد. به نظر می‌رسد که شمار مخاطبان رسانه ملی در سال‌های اخیر کاهش یافته است که این امر، دلایل متعددی دارد: یک دلیل آن، نوع عملکرد رسانه ملی و پایین آمدن میزان کیفیت برنامه‌های آن و جهت‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های آشکار آن در این سال‌ها بوده است. تکراری بودن موضوع‌ها و بی‌طرفانه نبودن رسانه، از انتقادهای جدی کاربران نسبت به برنامه‌های رسانه ملی است- در حالی که یکی از دلایل مهم توجه به شبکه‌های ماهواره‌ای، تنوع موضوعات جدید در کنار جذابیت‌های رسانه‌ای دیگر برای پرداخت است. دلیل دیگر را باید در افزایش و تنوع رسانه‌های جدید مانند اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی مجازی و امثال آن در سراسر جهان جستجو نمود. در واقع با ورود رسانه‌های جدید و پرکردن بخشی از سبد مصرف رسانه‌ای، سهم رسانه‌های پیشین همچون رادیو و تلویزیون، روز به روز در حال کاهش است.

از طرفی، نتایج نشان می‌دهد که میزان اعتماد مخاطبان جوان به اخبار و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و تحلیلی صداوسیما طی سال‌های اخیر کاهش یافته است؛ به طوری که اکنون نسبت به گذشته، بخش کم‌تری از جوانان رسانه ملی را در پخش اخبار و تحلیل‌ها، بی‌طرف می‌دانند که این بی‌اعتمادی نیز از عوامل کاهش مخاطب در عرصه‌های خبری و تحلیلی بوده است.

نکته بعدی در زمینه ارتباط رسانه ملی و مخاطب آن، نبود توجه کافی به نیازها و علایق تازه و به‌روز شده مخاطبان است. هنوز بسیاری از برنامه‌های رسانه ملی به روش‌های گذشته محتوا را به مخاطب عرضه می‌کنند و تنها تغییر عمده‌ای که به چشم می‌آید، دکورهای جدید و بعضاً جذابی است که جای خالی محتوای

درست را پر نمی‌کند. به بیانی دیگر، اکتفا به آنچه مخاطب را در گذشته خوشنود می‌کرده، جلوی تولد برنامه‌های جذاب برای مخاطبان برنامه‌های رسانه ملی را گرفته است.

با این همه در سال‌های اخیر، رسانه ملی برای خروج از این چالش با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، در حال بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های مختلف است تا بدین وسیله و با پیش فرض قرار دادن مزیت‌های رقابتی خود به عنوان یک رسانه قدرتمند، سهم خود را در سبد مصرف رسانه‌ای مخاطبان حفظ کند و حتی افزایش دهد. برای دستیابی به آرمان اعتماد همه‌جانبه مخاطبان جوان به رسانه ملی و پذیرفتن آن به عنوان مرجع رسمی خبری و تحلیلی خود باید تلاش کرد تا با اصلاح برخی نواقص، رابطه تعاملی میان رسانه و جوانان به درستی شکل بگیرد و با بازنگری در برخی امور به‌ویژه در امر اطلاع‌رسانی و خبری، پایه‌های اعتمادسازی جوانان به رسانه ملی در حوزه‌های مختلف هر چه بیشتر تقویت گردد و اگر در برخی امور این امر متزلزل شده است، به ترمیم آن همت گماشته شود.

پیشنهادهای

- داشتن نگرش فراچنانچی به وظیفه اطلاع‌رسانی و خبررسانی که نه تنها موجب جلب اعتماد مخاطب می‌گردد، بلکه رسانه‌ای برمی‌سازد که تنها وظیفه خود را دل‌داری دادن به مردم و مخاطب نمی‌داند و خود را ملزم به تعامل با مخاطب می‌داند و بالطبع اطلاع‌رسانی به موقع و صحیح را در دستور کار خود قرار می‌دهد.
- رسانه ملی می‌تواند به عنوان یک سوی معادله رسانه و مخاطبان جوان، بینندگان و شنوندگان خود را به رسمیت بشناسد و جایگاه خاص یک بیننده در ارتباط تعاملی را به آنان عطا کند. در واقع با فعال انگاشتن مخاطب به «جذب حداکثری» دست می‌یابد.
- رسانه ملی همان منبع و سرمنشأ اخبار رسمی است که می‌تواند نقطه اتکا و مستند دیگر خبرها و خبرگزاری‌ها قرار بگیرد. پس باید به بازنگری در برخی سیاست‌ها و منش‌های خبری و اطلاع‌رسانی در راستای بی‌طرفی در رسانه ملی تن در داد که دست‌کم نتیجه مثبت آن بالا بردن سطح آگاهی جوانان و اعتماد آنان به رسانه خواهد بود.
- جهت‌گیری یک‌سویه و فراری آرمان‌گرایانه از واقعیت‌های در حال تغییر در جامعه به معنای گسست گفتمان حاکم بر رسانه از گفتمان در حال تغییر در جامعه خواهد بود. این کار، خطر جذب مخاطبان جوان را به سمت رسانه‌های بیگانه افزایش خواهد داد.
- حفظ و ارتقای مزیت رقابتی رسانه ملی به عنوان یک تولیدکننده محتوای باکیفیت نسبت به شبکه‌های اجتماعی مجازی، از دیگر راهبردهای رسانه ملی است.

- برای تولید محتوای اثرگذار و دارای ماندگاری بالای در ذهن مخاطب باید به محتوای «بدون تاریخ مصرف»، «تولید محتوای آموزشی»، «تولید هدفمند بر مبنای ویژگی‌های مخاطب جوان» و همچنین استفاده از «جذابیت‌های بصری» در رسانه ملی توجه کرد.
- تغییر در مدل خبررسانی و استفاده از مدلی که طبق مطالعات آینده‌پژوهانه در حوزه مطبوعات و ژورنالیسم، در حوزه فضای مجازی شکل گرفته و به نوعی تکمیل کننده مدل «هرم وارونه» است، باعث می‌شود تا جوانان، همچنان رسانه ملی را به عنوان یک مرجع خبری مهم و قابل اعتماد دنبال کنند.
- مخاطب‌شناسی صحیح جریان‌های رسانه‌ای رقیب همچون فضای مجازی با نیازسنجی درستی از مخاطبان می‌تواند از راهبردهای دیگر رسانه ملی باشد.
- رصد دائمی فضای مجازی (جریان‌شناسی) نیز یکی از ضروریات رسانه ملی در دوران معاصر است. سازمان باید سویه‌های خبری را در شبکه‌های اجتماعی رصد کند و به این وسیله موضع فعال را پیش رو داشته باشد.
- تشکیل اتاق‌های فکر نخبگانی در سطح جوانان جهت شناسایی نیازها و تعامل بهتر با جوانان و گرفتن تصمیم‌های درست و اقدامات کارگشا در این راستا، به شکل‌گیری مدل‌های کسب و کار بومی متناسب با بوم و جغرافیای داخلی مساعدت نماید.
- استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از فضای تعاملی و شبکه‌های اجتماعی در تلویزیون با ایجاد بستری تعاملی به بالاتر رفتن کاربران جوان آن کمک خواهد کرد.
- استفاده بهینه از ظرفیت بازخوردگیری و تعامل در فضای مجازی با جوانان.
- افزایش تولید برنامه‌هایی با مشارکت مردم و با درونمایه‌های اجتماعی و ژانرها و قالب‌های جدید و طراحی و تلفیق ساختارها و ژانرها به منظور دستیابی به نوع جدیدی از برنامه‌سازی.
- مقابله با برنامه‌های ماهواره از طریق ارتقای کیفیت محتوای برنامه‌های مختلف تلویزیونی به اقتضای گروه‌های مختلف مخاطبان جوان و ساخت برنامه‌های جذاب.
- سواد رسانه‌ای مخاطبان جوان کشور ارتقا یافته و آموزش‌های مناسب جهت شناختن سازمان‌های رسانه‌ای، فرستندگان پیام، محتوای پیام‌های رسانه‌ای، نحوه ارائه و تأثیرات این‌گونه پیام‌ها برای قشر عظیم جوانان ارائه شود.
- ایجاد فضای رقابتی در بین فعالان رسانه‌ای جوانان جهت تولید محصولات فرهنگی و کالاهای رسانه‌ای که با نیازها و خواسته‌های جوانان مطابقت داشته باشد و نظر آنها را به خود جلب نماید.

منابع

- ایگلتون، ت. (۱۳۸۳). پیش درآمدی بر نظریه ادبی. عباس مخبر. تهران: نشر مرکز
- آزاد ارمکی، ت و محمدی، ج. (۱۳۸۵). «تلویزیون و هژمونی فرهنگی (قرائت های زنان از سریال نرگس)». مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۲ (۷)، صص ۱- ۴۱.
- بارت، ر. (۱۳۸۶). اسطوره، امروزه، شیرین دخت دقیقان. تهران: نشر مرکز
- رضایی راد، م. (۱۳۸۱). نشانه شناسی، سانسور و سکوت سخن. تهران: طرح نو
- ذکایی، م. (۱۳۸۶). جامعه شناسی جوانان ایران. تهران: نشر آگاه
- سجودی، ف. (۱۳۸۶). نشانه شناسی کاربردی. تهران: نشر قصه
- سوسور، ف. (۱۳۷۸). دوره زبان شناسی عمومی. کورش صفوی. تهران: انتشارات هرمس
- سجادی، س. م. (۱۳۸۴). «فمینیسم در اندیشه پست مدرنیسم». مطالعات راهبردی زنان. ۸ (۲۹).
- سورین، و. و تانکار، ج. (۱۳۸۱). نظریه های ارتباطات. علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- عبداللہیان، ح. و هومن، ن. (۱۳۹۰). «تحلیلی بر خوانش مخاطبان تحصیل کرده امریکایی از فیلم های ضد اسلام هالیوود». فصلنامه جامعه شناسی هنر و ادبیات. ۳ (۱)، صص ۷۳- ۱۰۱.
- علیقتیان، شیوا. (۱۳۹۰). «رمزگشایی های زنانه از شبکه تلویزیونی فارسی وان؛ شناخت دلالت های معنایی حاکم بر قرائت مخاطبان زن از سریال ویکتوریا». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۷ (۲۴)، صص ۱۷۹- ۲۰۴.
- عمید، ح. (۱۳۶۹). فرهنگ لغت فارسی عمید. تهران: انتشارات امیر کبیر
- کاظمی، ع. و حاج محمد حسینی، م. (۱۳۹۴). «ایدئولوژی مقاومت و مخاطب فعال: نگاهی به مطالعات خوانش در ایران». ۸ (۱)، صص ۷۱- ۹۵.
- گیل، د. (۱۳۴۴). القای ارتباطات. ر. کریمیان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- محمدی، جمال. و کریمی، مریم. (۱۳۹۰). «تحلیل قرائت های زنان از مجموعه های تلویزیونی (مطالعه موردی: قرائت های زنان شهر ایلام از سریال فاصله ها)». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۴ (۱)، صص ۴۹- ۷۷.
- مک کوایل، د. (۱۳۸۵). مخاطب شناسی. مهدی منتظر قائم. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- منتظر قائم، م. و شریفی، ر. (۱۳۹۷). «مصرف و خوانش زنان تهرانی از سریال های نمونه ترکیه ای». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال ۱۵، شماره ۵۴.
- منتظر قائم، م. و فغانی، ز. (۱۳۸۷). «تحلیل دریافت جوانان تحصیل کرده تهرانی از فیلم های علمی- تخیلی». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۴ (۱۲)، صص ۱۳۳- ۱۶۱.
- میلنر، ا. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر. جمال محمدی. تهران: نشر ققنوس
- مهدی زاده، س. م. و کریمی، ا. (۱۳۹۲). «تحلیل دریافت مخاطبان جوان شهر مریوان از سریال های عامه پسند ماهواره ای». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۲۴، صص ۱۰۷- ۱۳۶.
- نیازی، محسن و افرا، هادی. (۱۳۹۷). «بازسازی معنایی ساخت هویت شخصی پست مدرن (مورد مطالعه: جوانان شهر بجنورد)». فصلنامه علوم اجتماعی. سال ۲۷، شماره ۸.
- ویلیامز، ک. (۱۳۸۵). درک تئوری رسانه. رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات ساقی
- ویندل، س.؛ سیگنایز، ب. و اولسون، ج. (۱۳۸۸). کاربرد نظریه های ارتباطات. علیرضا دهقان. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- هال، س. (۱۳۸۲). رمزگذاری و رمزگشایی، مطالعات فرهنگی. شهریار وقفی پور و نیما ملک محمدی. تهران: پژوهش های سیما
- هیوود، اندرو. (۱۳۸۹). سیاست. عبدالرحمان عالم. تهران: نشر نی
- هیوارد، سوزان. (۱۳۸۱). مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی. فتح محمدی. زنجان: هزاره سوم

- Anderson, R. (2007). **“Thematic Content Analysis (TCA): Descriptive Presentation of Qualitative Data”**. Institute of Transpersonal Psychology.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). **“Using thematic analysis in psychology”**. Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Davies, Glyn & Dickinson, Kay. (2000). **“Teen TV: Genre, Consumption & Identity”**. Thesis taken from University College, UK.
- Garcia-Muñoz, Nuria & Fedele, Maddalena. (2011). **“Television Fiction Series Targeted at Young Audience: Plots and Conflicts Portrayed in a Teen Series”**. Jornal of INVESTIGACIONES.
- King, N. and Horrocks, C. (2010). **Interviews in qualitative research**. Sage, London
- Martin, B. & Ringham, F. (2000). **Dictionary of Semiotics**. New York: Cassell
- Rideout, Victoria & Roberts, Donald. (2010). **“Media in the Lives of 8- to 18-Year-Olds”**. Jornal of a Kaiser Family Foundation Study.

بررسی جامعه شناختی آسیب‌های سازمان‌های

مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

ام‌الله امانی کلاریجانی^۱



10.22034/SSYS.2022.2257.2616

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۱

مقاله حاضر با واکاوی سوابق نظری و تجربی موجود درصدد بررسی و آسیب‌شناسی شکل‌گیری و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان بوده است. از این منظر، پس از بسط فضای مفهومی سازمان‌های مردم‌نهاد به طور عام و سمن‌های جوانان به طور خاص، به تبیین نظری موضوع با استفاده از رویکردی تلفیقی پرداخته شد. با استفاده از روش کمی از نوع پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته داده‌های تحقیق از طریق پرسشگری با ۴۰ نفر از اعضای سمن‌ها که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، گردآوری گردید. برای سنجش اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار محتوایی صوری کیفی و جهت سنجش پایایی تحقیق از روش همسازی و یا پایداری درونی گویه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده شد.

یافته‌های تحقیق در بخش تحلیل توصیفی داده‌ها نشان داد که میزان آسیب‌های سمن‌های جوانان از منظر اعضای سمن‌های مورد بررسی، با میانگین ۱۶۵/۹۲ (با خط برش ۱۵۰) بیانگر آن است که سمن‌های جوانان در سطح مطلوبی قرار ندارند؛ چراکه این میزان بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه‌های مورد سنجش متغیر می‌باشد. علاوه بر این، بخش تحلیل استنباطی و آزمون فرضیه‌های تحقیق در گام اول و دوم یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری، اعتماد اجتماعی، مشارکت و تعاملات اجتماعی، تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی و توانمندسازی سمن‌ها رابطه و تأثیر معناداری را با متغیر وابسته تحقیق یعنی آسیب‌های سازمان‌های مردم‌نهاد داشتند و در مجموع همبستگی چندگانه متغیرهای یادشده با متغیر وابسته تحقیق ۰/۵۷ است که بنا به ضریب تعیین واقعی ۳۰ درصد از واریانس و پراکندگی متغیر وابسته تحقیق را تبیین و پیش‌بینی نمودند- در این میان متغیر تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی با بتای ۰/۴۰ و میزان ۰/۴۹ از بیشترین میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته آسیب‌های سمن‌های جوانان در دو مرحله تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی: اجتماعی شدن، اعتماد، مشارکت، تمرکزگرایی و توانمندسازی جوانان.

^۱ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

موضوع سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) یا سازمان‌های غیردولتی از جمله موضوعاتی است که امروزه برای تمامی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی شناخته شده است. توجه به این سازمان‌ها در فرایند مدیریت اجتماعی به امری متداول و عادی تبدیل شده است. در شرایط کنونی بسیاری از مسائل اجتماعی چه در سطح مدیریت‌های محلی و شهری و چه در سطح مدیریت‌های ملی با کمک و همراهی سمن‌ها صورت می‌گیرد و تجارب چند دهه اخیر در جهان نشان داده است که این قبیل سازمان‌ها بدون اینکه هزینه‌ای برای دولت داشته باشند و بخواهند از بودجه عمومی مصرف کنند، خدمات بزرگی را به جامعه ارائه می‌کنند. ماهیت این سازمان‌ها همگرایی اعضا در اهداف و علایق و منافع معنوی است. دغدغه‌های مشترک و منافع معنوی که مترتب بر فعالیت اعضای یک سازمان مردم‌نهاد است، موجب می‌شود که این اعضا در قالب یک سازمان دور هم جمع شوند و فعالیت‌هایی هدفمند را دنبال کنند. مقوله‌هایی همچون دفاع از صلح و امنیت جهانی و منطقه‌ای؛ مبارزه با خشونت؛ مبارزه با اعتیاد و تولید و توزیع و مصرف مواد مخدر؛ مبارزه با مصرف دخانیات در میان زنان و جوانان؛ دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛ دفاع از حقوق زنان، کودکان و جوانان؛ اطلاع‌رسانی و آزادی اطلاعات؛ مبارزه با هرزه‌نگاری و مبارزه با اشاعه فحشا؛ حفظ تحکیم خانواده و ترویج ازدواج؛ دفاع از حقوق حیوانات؛ حفظ و حراست از فرهنگ‌های محلی و ملی؛ تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی؛ حمایت از حقوق اقلیت‌ها و ترویج فرهنگ بردباری و مدارا از جمله مقولاتی بوده و هستند که توسط سازمان‌های مردم‌نهاد مورد پی‌گیری قرار می‌گیرند. آغاز توجه به سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح تحلیل داخلی همزمان با توجه به توسعه اجتماعی بود که به دوران اجرای برنامه‌های پنج ساله دوم و سوم توسعه برمی‌گردد. به موازات افزایش توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه به مقوله توسعه اجتماعی، توجه به سازمان‌های مردم‌نهاد نیز بالا گرفت؛ چرا که حضور و فعالیت خود سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان یکی از شاخصه‌های توسعه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. لذا آغاز سال ۱۳۷۹ که آغاز اجرای «سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۳۸۳-۱۳۷۹) است و با توجه به ماده ۱۵۷ این برنامه که دولت را مکلف به استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد کرده است، مصادف با تأسیس «سازمان ملی جوانان» و مکلف شدن این سازمان به تشویق، حمایت و تقویت حضور و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان گردید. غلبه رویکرد اجتماعی به توسعه در طول برنامه سوم نه تنها موجب توجه ویژه به تأسیس و راه‌اندازی و تشویق و حمایت از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان شد، بلکه این رویکرد در سایر سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با امور جوانان که با محوریت «سازمان ملی جوانان» صورت گرفت نیز انعکاس یافت. لذا اگر به محتوای سیاست‌های مندرج در «سند سیاست ملی

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

جوانان در جمهوری اسلامی ایران^۱ دقت شود و مورد تحلیل قرار گیرد، این نکته تأکید می شود که سیاست های مذکور تحت تأثیر توسعه اجتماعی تدوین شده اند و تدوین کنندگان و دست اندکاران بر این باور بوده اند که برای حل مسائل جوانان به طور ریشه ای و اساسی باید از توسعه اجتماعی در این حوزه آغاز کرد (سطوتی، ۱۳۸۷: ۱۷۰) با این توضیح مقدماتی چرایی توجه به تشکیل، فعال سازی و تقویت سازمان های مردم نهاد جوانان در کشور مشخص گردید. مسئله اصلی که در این تحقیق باید مورد تمرکز و تأکید قرار گیرد، آن که سازمان های مردم نهاد جوانان به عنوان یک پدیده و به عنوان بخشی از جامعه مدنی که قرار بوده است به کمک دولت بیاید و در حل و فصل بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی دوشادوش دولت فعال باشد، خود نباید به یک مشکل و مسئله تبدیل بشود. لذا اگر فرایند شکل گیری این سازمان ها به درستی انجام نشود و یا فرایند فعالیت و عملکرد آنها نیز به درستی تدبیر و انجام نگیرد، چه بسا ممکن است که خود این سازمان ها به یک مشکل اجتماعی تبدیل شوند. البته، در هر جامعه ای شکل گیری سازمان های این چنینی ممکن است دارای برخی آسیب ها، ضعف ها و چالش هایی باشد که کشور ایران نیز از آن مستثنی نیست. در واقع عملکرد این سازمان ها به دلایل مختلف از جمله نوپا بودن این سازمان ها، ضعیف بوده و در بسیاری از موارد مطلوب نیست. مشکلات و آسیب هایی مانند ناشناخته بودن این سازمان ها برای مردم، عدم اعتماد مردم به این سازمان ها، سوء استفاده از این سازمان ها در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی، فقدان فرهنگ مشارکت و روحیه کار جمعی در میان مردم، فراهم نبودن شرایط لازم برای حیات و گسترش این سازمان ها، گستردگی و بزرگی ساختار دولت، عدم شفافیت دیوان سالاری و عدم وجود قانون جامع و کامل در مورد این سازمان ها و... بر عملکرد این سازمان ها تأثیر منفی می گذارد و ضرورت یک آسیب شناسی کلی و جامع از این سازمان ها و عملکرد آنها را لازم می نماید (قزوینچاهی، ۱۳۸۶: ۶۴). در این آسیب شناسی تأکید اصلی تحقیق بر آن است که این نهادها بتوانند بدون دخالت و حضور دولت، حاکمیت و سازمان های رسمی و کاملاً با استقلال و به شکل مستقل تداوم فعالیت داشته باشند. این مقاله علاوه بر آسیب شناسی عملکرد این سازمان ها در سال هایی که از فعالیت آنها می گذرد، استقلال عمل این سازمان ها و اینکه تا چه اندازه این استقلال عمل دچار آسیب و ضعف گشته و همچنین وضعیت تداوم فعالیت آنها در این شرایط را مورد بررسی قرار می دهد. لذا انتظار می رود که به یافته هایی قابل اتکا دست یابد تا بتوان آن را در اختیار سیاست گذاران و برنامه ریزان حوزه های مرتبط با سازمان های مردم نهاد و نیز حوزه های مرتبط با جوانان قرار داد. با توجه به مطالب فوق، پرسش اساسی تحقیق حاضر این است:

سازمان های مردم نهاد جوانان در فرایند شکل گیری و فعالیت با چه آسیب ها و چالش هایی روبه رو هستند؟

۱ این سند در جلسه ۲۳ شورای عالی جوانان مورخ ۱۳۸۴/۲/۷ به تصویب رسید و سپس در جلسه هیئت وزیران مورخ

۱۳۸۴/۵/۲ نیز مشروط به موافقت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تصویب شد.

چه عواملی بر بروز این آسیب‌ها و چالش‌ها تأثیرگذار می‌باشند؟

چارچوب نظری پژوهش

آسیب‌ها و چالش‌های سمن‌های جوانان در دو بخش مسائل درون‌سازمانی و مسائل برون‌سازمانی مطرح گردیده و در ذیل نمودار^۱ نشان داده شده است. علاوه بر این، در این تحقیق از رویکردی تلفیقی برای تبیین نظری موضوع یعنی عوامل تأثیرگذار بر سمن‌های جوانان بهره جستیم که این عوامل نیز در دو بخش عوامل درون‌سازمانی همچون ضعف توانمندی سمن‌ها و عوامل برون‌سازمانی همچون تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی، ضعف اعتماد اجتماعی، ضعف عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری، ضعف مشارکت و تعاملات اجتماعی قرار می‌گیرند. لذا برای تبیین موضوع (عوامل مؤثر بر نگرش به آسیب‌شناختی سازمان‌های مردم‌نهاد) از تئوری‌های نظام‌های تالکوت پارسونز، اعتماد اجتماعی کلاوس اوفه، توانمندسازی روانشناختی اسپریتزر و میشرا^۱ و وتن و کمرون^۲ و تئوری نظام شخصیت و تعاملات اجتماعی تالکوت پارسونز استفاده شده است.

نظریه نظام‌های تالکوت پارسونز^۳ (خرده‌نظام فرهنگی و عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری)

به نظر پارسونز، چهار خرده‌نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را برای یک نظام اجتماعی می‌توان بر شمرده که کارکرد مناسب هر یک از آنها، از یک سو و تعامل و همکاری هر یک از خرده‌نظام‌ها با اجزای دیگر، تعادل و هماهنگی را در سطح جامعه حفظ می‌کنند. در میان این خرده‌نظام‌ها، خرده‌نظام فرهنگی و نیز خرده‌نظام اجتماعی نقش مهمتری را در شکل‌گیری شخصیت و جامعه‌پذیری افراد جامعه بر عهده دارند؛ چراکه کنش اجتماعی افراد جامعه در محیط اجتماعی و متأثر از نظام فرهنگی جامعه می‌باشد که به واسطه مکانیزم‌های جامعه‌پذیری همچون نهاد خانواده، آموزش و رسانه، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مورد قبول جامعه را به آنها منتقل می‌کنند. بنابراین اگر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی منتقل شده از طریق مکانیزم‌های جامعه‌پذیری به اعضای جامعه در جهت عام‌گرایی، جمع‌گرایی، تعامل، وحدت، انسجام و همگرایی ملی باشد، این امر تقویت و تحکیم همبستگی، تعلق، احساس مسئولیت و مشارکت در امور جامعه و تعیین سرنوشت خود را به دنبال خواهد داشت. (چلبی، ۱۳۸۱) در این زمینه، هانتینگتون^۴، آلموند^۵ و وربا^۶ و جورج جورج هربرت مید^۷ به نقش وسایل ارتباط جمعی در افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان و در

1 Mishra

2 Whetten & Cameron

3 Talcott Parsons

4 huntigton

5 almond

6 verba

7 mead

در نتیجه مشارکت آنها در این عرصه ها تأکید دارند. چارلز هورتون کولی^۱، جرج هربرت مید و میلبراث^۲ بر این باور هستند که کنش های اجتماعی و سیاسی افراد در زندگی تحت تأثیر گروه هایی است که به آن تعلق دارند؛ یعنی این خانواده و گروه دوستان است که رفتار سیاسی و اجتماعی افراد را شکل و هدایت می کند.

نظریه نظام شخصیت تالکوت پارسونز (شخصیت و گونه های تعاملات اجتماعی)

در نظریه پارسونز، نظام شخصیت، ترکیبی از نیازهای ارگانیک با انتظارات اجتماعی در مراحل گوناگون جامعه پذیری و نهادینه شدن هنجارها، ارزش ها و انتظارات اجتماعی قلمداد می گردد. جامعه پذیری فرایندهایی محسوب می شوند که نظام شخصیت را در مسیر محیط های اجتماعی برای اجرای نقش هایی که جامعه به افراد واگذار می کند، رهنمون می سازند (ریترز، ۱۳۸۳). این شخصیت^۱ دارای خصائص و یا به قول پارسونز اقطاب کنش است که هر یک در رشد شخصیت مؤثرند و می توانند در کار ما نظارت و در تنظیم رفتار انسانی نقش ایفا کنند. لذا شخصیت پیشرفته (رشد یافته) شخصیتی است که در آن تفکیک و انسجام صورت گرفته باشد؛ به طوری که ضمن اینکه ابزارهای کنترل شخصیت (هوش، ضمانت اجرا، وابستگی عاطفی و تعهد و هویت فردی) رشد یافته باشند، در عین حال همگی آنها در یکدیگر نفوذ کرده باشند (چلبی، ۱۳۷۵). چنین شخصیتی در راستای هنجارهای سازمانی و اجتماعی و در جهت اهداف و مقاصد اجتماعی حرکت می کند.

چلبی با تاسی از تئوری نظام شخصیت و نیز نظام اجتماعی تالکوت پارسونز درصدد بررسی تعاملات اجتماعی برآمد. اگر افراد جامعه به ویژه جوانان دارای نظام شخصیتی رشد یافته باشند، به سایر افراد جامعه خود اعتماد و سعی در برقراری کنش عاطفی، مبادله ای و نیز منطقی با آنها می کنند. در نتیجه بین آنها تعاملات و روابط اظهاریه به وجود می آید که این امر به نوبه خود بر انجام مشارکت و کار گروهی آنها نسبت به یکدیگر تأثیر می گذارد. برعکس اگر افراد جامعه به خصوص جوانان دارای شخصیت رشد یافته نباشند، به سایر همکاران خود بی اعتماد بوده و از برقراری کنش عاطفی، مبادله ای و نیز منطقی با آنها خود داری می کنند. در نتیجه بین آنها تعاملات و روابط ابزاری به وجود می آید که این امر به نوبه خود مانع از انجام مشارکت و کار گروهی در میان آنها نسبت به یکدیگر می شود. به طور کلی، چلبی تعاملات از نوع اظهاریه را یکی از ابعاد بنیادین ساخت اجتماعی می داند که در عرصه نظم بخشیدن به جامعه و یا هر نوع سازمان اجتماعی و گسترش همکاری های اجتماعی و تقویت هنجارهای مشارکت جوانانه مردم بسیار مؤثر است. بنابراین اگر مشارکت و تعاملات اجتماعی در سازمان های مردم نهاد دارای ضعف می باشند، دلیل این امر آن است که شخصیت رشد یافته و شخصیت مشارکت جو پرورش نیافته و به بلوغ نرسیده است.

1 kooley

2 milberasse

کلاوس اوفه^۱ و رابرت پوتنام^۲ (اعتماد اجتماعی)

اعتماد مردم به سمن‌ها نقش بسیار زیادی در عملکرد آنها خواهد داشت. کلاوس اوفه اعتماد به نهادها را به اعتماد به شاغلان در نهادها قلمداد می‌کند. به نظر او، نهادها اگرچه ممکن است مستحکم و به علت قدمت خود محترم به نظر برسند، اعتبار خود را مدیون گرایش‌های موافق و درک کسانی هستند که در آنها شرکت دارند. نهادها اگر به خوبی طراحی شوند، می‌توانند زمینه ساز اعتماد اجتماعی باشند؛ یعنی اعتماد به افرادی که هرگز با آنها تماس نداشته‌ایم و هیچ پیوند اجتماعی مشترکی با آنها نداریم. نهادها چون نقاط مرجع و ارزش‌های هنجارآفرینی را فراهم می‌کنند که می‌توان برای توجیه و معنادار کردن مجموعه قوانین آن نهاد به آنها تکیه کرد، به ما اجازه می‌دهند به دست اندرکاران آنها اعتماد کنیم (اوفه^۳، ۱۳۸۴). به نقل از شارع پور و همکاران، (۱۳۹۰). اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی مطرح می‌باشد. رابرت پوتنام، سرمایه اجتماعی را به آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد نسبت می‌دهد که کنشگران را قادر خواهد ساخت تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را در جامعه تعقیب و دنبال کنند. رابرت پوتنام دو نوع سرمایه اجتماعی: ۱- سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (بین-گروهی) و ۲- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری را از هم تفکیک و متمایز می‌سازد و بر این باور است که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، افراد با تقسیمات اجتماعی متنوع‌تری را گرد هم می‌آورد که هر کدام از این تقسیمات برای مرتفع کردن نیازهای متفاوت سودمند می‌باشند و می‌توانند هویت‌ها و تعاملات وسیع-تری (از جمله تعاملات و مشارکت بین اعضای یک جامعه) را به وجود آورند (فیلد^۴، ۱۳۸۶). در واقع این نوع از سرمایه اجتماعی اشاره به اعتماد میان گروه‌های مختلف موجود در درون یک جامعه دارد که به نوبه خود تقویت و افزایش آن در جامعه موجب تعاملات، مشارکت و پی‌گیری اهداف و مقاصد مشترک اعضای جامعه خواهد شد. متأسفانه سرمایه اجتماعی به‌ویژه سرمایه اجتماعی بین‌گروهی در ایران که پایه و اساسش را اعتماد تشکیل می‌دهد، ضعیف می‌باشد و به همین دلیل سازمان‌ها و موسساتی همچون سمن‌ها به خوبی در ایران شکل نمی‌گیرند. این عدم اعتماد علت عدم همسان‌سازی میان مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد است و ضعف جدی آنها را از این جهت به دنبال دارد. به بیان دیگر، اگر استثنائات را نادیده بگیریم، در می‌یابیم که سرمایه اجتماعی در جامعه ما یا از نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است و یا از نوع سرمایه اجتماعی ناسالم و یا حتی منحرف، به بیان دقیق‌تر، در میان ما هنوز "مای" جمعی به طور کامل شکل نگرفته است و بیشتر در سطح "من" فردی و یا "مای" گروهی است و نه "مای" اجتماعی و ملی.

1 Claus Offe
2 Robert D. Putnam
3 Claus Offe
4 Henry Field

هنس^۱ (۱۹۹۸) و برای^۲ (۱۹۹۹) (تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی)

نظام های متمرکز، دیدگاه سنتی و غالب اکثر کشورهای جهان تا اواخر قرن بیستم بود. در این نظام ها تمامی اختیارات تصمیم گیری در دست حکومت مرکزی است و معمولاً هیچ گونه حق تصمیم گیری به واحدها و بخش های پایین تر واگذار نمی شود. در واقع واحدهای پایین تر، مجری سیاست های حکومت مرکزی هستند و کنترل شدیدی بر آنها اعمال می گردد. اما در نظام های غیرمتمرکز، حکومت مرکزی اختیارات را به واحدهای موسسه ای پایین تر واگذار می کند. البته باز هم دولت مرکزی برای ایجاد هماهنگی، در اجرای برنامه ها دخالت و بر آنها نظارت می کند. عدم تمرکز شامل انتقال بخش یا تمام تصمیم گیری ها و مسئولیت های قدرت مرکزی به قدرت های محلی یا منطقه ای (بخش ها، شهرداری ها، موسسات و...) می باشد (Unesco, 2005:13). عدم تمرکز یا تمرکززدایی مفهومی است که در مقابل تمرکزگرایی به کار می رود. به باور صاحب نظران، تمرکز و عدم تمرکز مطلق وجود ندارد؛ اما برای درک بهتر این دو مفهوم، می توان تمرکز مطلق و عدم تمرکز مطلق را دو سر یک طیف با ویژگی های زیر در نظر گرفت (گویا و قدکساز خسرو شاهی، ۱۳۸۶).

تمرکززدایی انتقال دهنده قدرت تصمیم گیری، مسئولیت و وظایف از سطوح بالا به سطوح پایین سازماندهی است که به تعبیر هنس (۱۹۹۸) و برای (۱۹۹۹) به سه شکل: انتقال وظایف و کار ولی نه قدرت، نمایندگی و تفویض اختیار می تواند صورت پذیرد. در این میان نمایندگی که نوعی تمرکززدایی با انتقال قدرت تصمیم گیری از سطوح بالا به سطوح پایین است، در واقع حق تصمیم گیری را به واحدهایی که از لحاظ سلسله مراتبی در مرتبه پایین تری قرار دارند، واگذار می کند، اما در صورت صلاحدید واحد واگذار کننده باز پس گرفته می شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۶).

فلورستال و کوپر عقیده دارند که در هر فعالیت تمرکززدایی، تعیین میزان کنترل حکومت مرکزی بر ساختارهای بومی و محلی ضرورت دارد، زیرا این میزان نشان می دهد که در کجای طیف تمرکز یا عدم تمرکز قرار داریم. البته باید خاطرنشان ساخت که حمایت از تمرکززدایی، بدون ارائه طرحی هوشمندانه - که معرف توجه به پیچیدگی ها و گوناگونی ها باشد - در بطن خود تحت تاثیر همان وضعیت قطبی یا صفر و یک تمرکزگرایانه است که در نهایت به آشفتگی در امور و تنزل کیفی اداره امور ره می برد (مهرمحمدی، ۱۳۸۶). بنابراین همان گونه که در قسمت آسیب های سمن ها نیز اشاره شد، تمرکزگرایی، گستردگی و فربهی ساختار دولت و دست اندازی دولت بر همه قسمت ها باعث شده است که جایی برای کار دیگر بخش ها از جمله سمن ها نباشد. بنابراین تا وقتی همه مسائل و مشکلات به دوش دولت باشد و

1 Hans

2 Borys

سعی در اداره امور به صورت متمرکز داشته باشد، جایی برای فعالیت سمن‌ها باقی نمی‌ماند. لذا دولت می‌تواند در اداره امورات فرهنگی و اجتماعی جامعه این اختیار را به سمن‌ها بدهد که با آزادی عمل بیشتر برنامه ریزی، تصمیم‌گیری و فعالیت کنند و در صورت عدول سمن‌ها از وظایف خود می‌تواند این حق و قدرت را از آنان سلب نماید.

اسپریتزر و میشرا و وتن و کمرون^۱ (۱۹۹۸) (توانمندسازی روانشناختی نیروها)

در فرهنگ لغت آکسفورد، فعل توانمندسازی به عنوان «توانا ساختن» تعریف می‌شود؛ تواناساختنی که به ایجاد شرایط لازم برای ارتقای انگیزش افراد در انجام وظایف‌شان از طریق پرورش احساس کفایت- نفس توجه دارد (میری و سبزیکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). در فرهنگ لغت وبستر، از تواناسازی به عنوان تفویض اختیار یا اعطای قدرت قانونی به سایرین تعبیر شده است (کانگر و کانگو، ۱۹۹۸ به نقل از حسینی، ۱۳۹۱). به طور کلی کاربرد اصطلاح توانمندسازی در مدیریت، به دموکراسی اداری و دخیل نمودن کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمانی با عنوان «تیم سازی و مشارکت و مدیریت کیفیت جامع» اطلاق می‌شود. تقریباً تا دو دهه قبل تعریف عملیاتی واضحی در مورد توانمندسازی کارکنان ارائه نشده بود تا اینکه در سال ۱۹۸۸ کانگر و کانگو گامی بسیار اساسی در این زمینه برداشتند (طبرسا و آهنگر، ۱۳۸۷). در یکی از بهترین مطالعات تجربی انجام شده در مورد توانمندسازی تا به امروز، اسپریتزر^۲ (۱۹۹۲) چهار بعد را برای توانمندسازی روانشناختی شناسایی کرده است. (Spreitzer:2005)

وتن و کمرون^۳ (۱۹۹۸) بر مبنای تحقیق اسپریتزر و میشرا^۴ (۲۰۰۵) بعد اعتماد را به ابعاد توانمندسازی روانشناختی اضافه کردند و پنج بعد کلیدی توانمندسازی به شرح زیر شکل گرفت:

- ۱- احساس شایستگی/ خود اثر بخش بودن، ۲- احساس داشتن حق انتخاب (خودمختاری و یا خودسازمانی)، ۳- احساس موثر بودن (پذیرش شخصی نتیجه)، ۴- احساس معناداری و مهم بودن (ارزشمند بودن) و ۵- احساس داشتن اعتماد به دیگران (شهرکی، ۱۳۸۹). هنگامی که مدیران بتوانند این پنج بعد و ویژگی را در کارکنان پرورش دهند، آنان را به کامیابی توانمند ساخته‌اند. افراد توانمند شده نه تنها می‌توانند وظایف خود را انجام دهند، بلکه درباره خودشان نیز به گونه‌ای متفاوت می‌اندیشند. وجود آسیب‌هایی همچون: فقدان الگوهای مناسب مدیریتی در سازمان‌های مردم‌نهاد، عدم درک صحیح تحولات محیطی در سازمان‌های مردم‌نهاد، فقدان داشتن راهبرد و نگرش بلندمدت در سازمان‌های مردم‌نهاد، عدم اهداف روشن و تخصصی در سازمان‌های مردم‌نهاد، عدم به‌کارگیری از ظرفیت‌های وسیع فناوری ارتباطات و اطلاعات،

1 Whetten & Cameron

2 spritzer

3 Whetten & Cameron

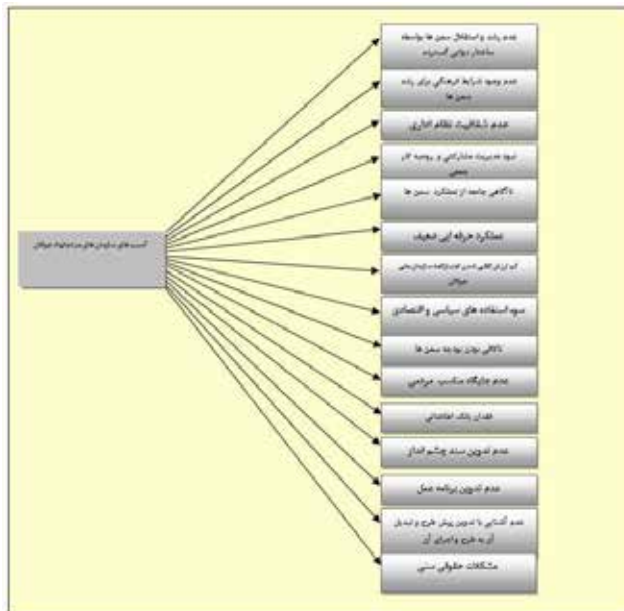
4 Mishra

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

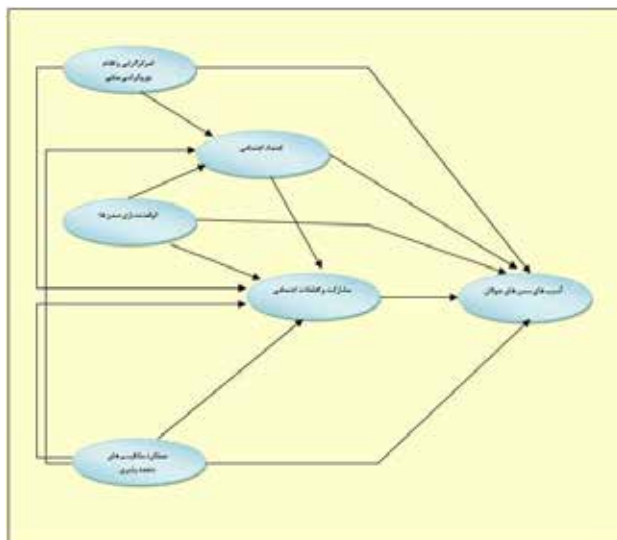
وجود تداخل وظایفی و نقشی در سازمان های مردم نهاد، عدم پویایی و تحرک در سازمان های مردم نهاد، عملکرد حرفه ای ضعیف، فقدان بانک اطلاعاتی، مشکلات حقوقی سنی، عدم تدوین سند چشم انداز، عدم تدوین برنامه عمل، عدم آشنایی با تدوین پیش طرح و تبدیل آن به طرح و اجرای آن و ... بیانگر ضعف توانمندی سازمان های مردم نهاد جوانان می باشد. لذا در این سمن ها نیز به واسطه آنکه همان سیاست سایر سازمان های انتفاعی همچون: جنبه دستوری داشتن، ضعف مدیریت مشارکتی، عدم بها دادن به نیروهای متخصص در پیشبرد اهداف سمن ها، سمن ها با مسائل و مشکلات جدی روبه رو می باشند. بنابراین با توجه به چارچوب نظری، مجموعه ای از عوامل درون سازمانی و برون سازمانی را می توان در بروز آسیب ها، مسائل و مشکلات در سمن ها به ویژه سمن های جوانان موثر دانست.

با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، می توان پنج متغیر: عملکرد مکانیسم های جامعه پذیری، تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی، اعتماد اجتماعی، مشارکت و تعاملات اجتماعی و توانمندسازی سمن ها را از مهمترین عوامل تأثیرگذار در آسیب ها و مشکلات سمن ها در جامعه ایران برشمرد. نمودار ۲ مدل مفهومی آسیب های سمن های جوانان را نشان می دهد:

سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان و آسیب‌های آن



نمودار ۱: آسیب‌ها و یا مسائل و مشکلات سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان



نمودار ۲: مدل علی مفهومی آسیب‌های سمن‌های جوانان

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

فرضیه های پژوهش

فرضیه های دومتغیره تحقیق

۱. بین عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری (برمبنای عملکرد نهاد خانواده، آموزش، رسانه، گروه همسالان) و آسیب های سمن های جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین اعتماد اجتماعی (برمبنای اعتماد بین شخصی، نهادی و گردانندگان نهاد) و آسیب های سمن های جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین مشارکت و تعاملات اجتماعی (برمبنای مشارکت و تعاملات اظهاری، گفتامی، عاطفی، مبادله ای، ابزاری یا قدرتی) و آسیب های سمن های جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی (برمبنای عملکرد تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی) و آسیب های سمن های جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین توانمندسازی سمن ها (برمبنای ادراک اعضای سمن ها نسبت به شایستگی و خود اثربخش بودن، حق انتخاب، موثر بودن، مهم بودن و اعتماد داشتن) و آسیب های سمن های جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چندمتغیره تحقیق

- به نظر می رسد متغیرهای مستقل اصلی (عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری، اعتماد اجتماعی، مشارکت و تعاملات اجتماعی، تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی، توانمندسازی سمن ها) بر متغیر وابسته (آسیب های سمن های جوانان) تأثیر معناداری داشته اند.

روش شناسی پژوهش

نوع روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ نوع روش گردآوری داده ها، کمی و از نوع روش پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته می باشد.

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش سمن های جوانان شامل کلیه اعضای سمن های جوانان هستند که در یکی از استان های کشور ساکن بودند که با استفاده از روش نمونه گیری احتمالی و از نوع روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند.

برآورد حجم نمونه تحقیق

با توجه به عدم دسترسی کامل به جامعه آماری از قائنده نمونه‌گیری فادی^۱ (۱۹۸۸) به نقل از بلیکی، ۱۳۸۹: (۲۷۳) به شرح زیر استفاده شده است:

در این معادله: n - حجم نمونه آماری؛ P - نسبت وجود صفت در جامعه آماری (درصدی از پاسخگویان که انتظار می‌رود پاسخ معینی دهند) 50% ؛ q - نسبت عدم وجود صفت در جامعه آماری (درصدی از پاسخگویان که انتظار می‌رود پاسخ معینی ندهند) 50% ؛ Z_2 - متناظر با آزمون « $t=1/96$ » در سطح اطمینان ۹۵ درصد؛ E_2 - سطح خطا (دقت احتمالی مطلوب) $0/05$ است. بنابراین با توجه به فرمول فوق و سطح خطای $0/05$ حجم نمونه آماری ۳۸۴ نفر بوده است، ولی براساس جدول فرمول مذکور مقدار نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافته است.

روش نمونه‌گیری تحقیق

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق جزو گروه نمونه‌گیری احتمالی (یعنی احتمال برابر حضور کلیه افراد جامعه آماری در فرایند نمونه‌گیری) و از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای^۲ بوده است. لذا ابتدا کل کشور براساس نقشه جغرافیایی به پنج قسمت شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شده است. آنگاه از بین این قسمت‌ها براساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یک استان و یک شهر انتخاب شدند (در مجموع پنج استان و پنج شهر تهران-تهران، خوزستان-اهواز، خراسان شمالی-مشهد، اصفهان-اصفهان، کردستان-سنندج). سپس سمن‌های هر یک از شهرهای منتخب شماره‌گذاری گردید و از اعضای سمن‌ها متناسب با حجم نمونه آن شهرها (۸۰ عضو) پرسشگری به عمل آمد.

ابزار گردآوری داده‌ها

به طور کلی سؤالات پرسشنامه به صورت سؤالات چند گزینه‌ای و طیف (لیکرت) بوده که هر یک برای پاسخ به شاخص‌هایی تهیه شده است.

اعتبار^۳ و پایایی^۴ ابزار تحقیق

به منظور سنجش اعتبار ابزار، از برآورد اعتبار ابزار تحقیق به روش اعتبار محتوایی صوری کیفی استفاده شده است. علاوه بر این به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش همسازی و یا پایداری درونی گویه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌گردد. جدول ۱ پایایی گویه‌های سنجش شاخص‌ها و ابعاد

1 Foddy

2 Multi -Stage Cluster sampling

3 Validity

4 Reliability

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

متغیرهای مورد بررسی تحقیق را نشان می دهد. طبق جدول ۱، گویه های متغیرهای تحقیق از پایایی لازم برای سنجش برخوردار می باشند:

جدول ۱: پایایی گویه های سنجش شاخص ها و ابعاد متغیرهای مورد بررسی تحقیق

نوع متغیر	متغیر	ابعاد	شاخص ها	مقدار آلفا
سازه	آسیب ها یا مسائل و مشکلات سمن های جوانان	وابستگی به احزاب و سوء استفاده های سیاسی و اقتصادی عملکرد حرفه ای ضعیف کم ارزش تلقی شدن اعتبارنامه سازمان ملی جوانان فقدان بانک اطلاعاتی مشکلات حقوقی سنی عدم تدوین سند چشم انداز عدم تدوین برنامه عمل عدم آشنایی با تدوین پیش طرح و تبدیل آن به طرح و اجرای آن	عدم رشد و استقلال سمن ها به واسطه ساختار دولتی گسترده	۰/۸۹
			عدم وجود شرایط فرهنگی برای رشد سمن ها	
			عدم شفافیت نظام اداری در برخورد با سمن ها	
			نبود مدیریت مشارکتی و روحیه کار جمعی	
			ناآگاهی جامعه از عملکرد سمن ها	
			عدم جایگاه مناسب مردمی	
			ناکافی بودن بودجه سمن ها	
			عملکرد گروه همسالان	
			اعتماد بین شخصی	
			اعتماد نهادی (اعتماد به گردانندگان نهاد)	
سازه	عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری	مشارکت و تعاملات	مشارکت و تعاملات گفتمانی	۰/۸۶
			مشارکت و تعاملات عاطفی	
			مشارکت و تعاملات مبادله ای	
			مشارکت و تعاملات مبتنی بر قدرت	
سازه	مشارکت و تعاملات اجتماعی	مشارکت و تعاملات	مشارکت و تعاملات	۰/۷۱
			اطهاری	
			مشارکت و تعاملات	
			مشارکت و تعاملات	
سازه	تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی	تمرکزگرایی	تمرکزگرایی	۰/۷۹
			نظام بوروکراسی منفی	

ادراک شایستگی و خود اثربخش بودن	
ادراک داشتن حق انتخاب	
ادراک موثر بودن	۰/۸۸
ادراک مهم بودن	ضعف توانمندسازی سمن‌ها
ادراک داشتن اعتماد نسبت به دیگران	

همان‌گونه که جدول ۱ نیز نشان می‌دهد گویه‌های متغیرهای تحقیق از پایداری لازم برای سنجش برخوردارند.

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های جمعیتی

۱. جنسیت: ۵۸/۲ درصد مرد و ۴۱/۸ درصد زن بوده‌اند.
۲. وضع تأهل: ۶۴ درصد مجرد، ۳۳/۷ درصد متأهل و ۲/۳ درصد مطلقه بوده‌اند.
۳. وضع اشتغال: ۳۶/۶ درصد شاغل، ۴۲/۷ درصد در حال تحصیل، ۴/۶ درصد مشمول سربازی، ۱۵/۴ درصد بیکار و ۰/۸ درصد از کار افتاده بوده‌اند.
۴. سن: ۴۰/۳ درصد در گروه سنی ۱۵-۲۵ سال و ۵۹/۷ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۶ سال قرار دارند. همچنین توزیع سنی جامعه آماری مورد مطالعه، مبین این واقعیت است که متوسط سن پاسخگویان ۲۹ سال بوده است. نکته قابل توجه دیگر این که بیشترین تجمع و انباشتگی پاسخگویان موردنظر در گروه سنی ۲۱ سال مشاهده شده است.
۵. تحصیلات: ۰/۵ درصد دارای تحصیلات زیردیپلم، ۸/۱ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۱۳/۸ درصد دارای تحصیلات کاردانی، ۴۳/۶ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۷/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۶/۲ درصد نیز دارای تحصیلات دکتری بودند. توزیع میزان تحصیلات جامعه آماری مورد مطالعه مبین این واقعیت است که در مجموع هر فرد به‌طور متوسط از تحصیلات کارشناسی برخوردار بوده است. همچنین نیمی از پاسخگویان بالای کارشناسی و نیمی دیگر پایین‌تر از آن بوده‌اند. علاوه بر این، بیشترین تجمع و انباشتگی پاسخگویان از حیث میزان تحصیلات در مقطع تحصیلی کارشناسی مشاهده شده است.
۶. پایگاه اقتصادی اجتماعی: ۸/۶ درصد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین، ۵۸/۳ درصد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط و ۳۳/۱ درصد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا بوده‌اند.

توصیف داده‌ها

تحلیل توصیفی متغیر وابسته تحقیق (آسیب‌های سمن‌های جوانان)

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

- آسیب های سمن های جوانان: میزان آسیب های سمن های جوانان از منظر اعضای سمن های مورد بررسی (طبق جدول ۲)، با میانگین ۱۶۵/۹۲ (با خط برش ۱۵۰) بیانگر آن است که سمن های جوانان در سطح مطلوبی قرار ندارند؛ چراکه این میزان بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه های مورد سنجش متغیر می باشد. در مورد شاخص های آسیب های سمن های جوانان از منظر اعضای سمن های مورد بررسی، باید گفت که به غیر از شاخص های عملکرد حرفه ای ضعیف با میانگین ۸/۸۹ (با خط برش ۹)، کم ارزش تلقی شدن اعتبارنامه تخصصی سازمان های مردم نهاد با میانگین ۵/۶۰ (با خط برش ۶)، عدم تدوین برنامه عمل با میانگین ۵/۱۴ (با خط برش ۶)، عدم آشنایی با تدوین پیش طرح و تبدیل آن به طرح و اجرای آن با میانگین ۵/۷۸ (با خط برش ۶) از منظر اعضای سمن های مورد بررسی، نسبتاً در سطح مطلوبی قرار دارند- چراکه این میزان پایین تر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه های مورد سنجش برای آنان می باشد. باقی شاخص ها در سطح مطلوبی قرار ندارند.

جدول ۲: توزیع آمار مرکزی و پراکندگی آسیب های سمن های جوانان و شاخص های آن

تعداد کل	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	خط برش	میانگین	متغیر و مولفه ها
۳۷۳	۲۰۴	۱۲۳	۱۳/۰۳۱	۱۵۰	۱۶۵/۹۲	آسیب های سمن های جوانان
۴۰۰	۱۵	۵	۲/۲۵۱	۹	۱۰/۶۲	عدم رشد و استقلال سمن ها به واسطه ساختار دولتی گسترده
۴۰۰	۲۱	۷	۲/۴۳۶	۱۵	۱۵/۹۱	عدم وجود شرایط فرهنگی برای رشد سمن ها
۳۹۹	۳۰	۱۰	۳/۴۹۷	۱۸	۲۱/۸۲	عدم شفافیت نظام اداری در برخورد با سمن ها
۳۹۹	۱۵	۳	۲/۵۲۱	۹	۱۰/۳۹	نبود مدیریت مشارکتی و روحیه کار جمعی
۴۰۰	۲۰	۱۱	۱/۳۹۶	۱۵	۱۵/۶۵	ناآگاهی جامعه از عملکرد سمن ها
۴۰۰	۲۲	۱۱	۱/۸۹۹	۱۵	۱۶/۰۷	عدم جایگاه مناسب مردمی
۳۹۰	۲۵	۱۰	۲/۷۸۶	۱۵	۱۸/۴۴	ناکافی بودن بودجه سمن ها
۳۹۶	۲۰	۶	۲/۷۹۲	۱۲	۱۳/۸۴	وابستگی به احزاب و سوء استفاده های سیاسی و اقتصادی
۳۹۹	۱۳	۵	۱/۳۷۴	۹	۸/۸۹	عملکرد حرفه ای ضعیف
۳۹۷	۱۰	۲	۱/۶۸۸	۶	۵/۶۰	کم ارزش تلقی شدن اعتبارنامه تخصصی سازمان های مردم نهاد
۳۹۶	۱۰	۵	۱/۴۰۷	۶	۷/۶۰	فقدان بانک اطلاعاتی
۳۹۶	۵	۱	۰/۹۲۶	۳	۳/۳۷	مشکلات حقوقی سنی
۳۹۲	۱۰	۳	۱/۲۳۲	۶	۶/۵۷	عدم تدوین سند چشم انداز

۳۹۱	۸	۲	۱/۱۶۹	۶	۵/۱۴	عدم تدوین برنامه عمل
۳۹۶	۱۰	۲	۱/۵۹۳	۶	۵/۷۸	عدم آشنایی با تدوین پیش طرح و تبدیل آن به طرح و اجرای آن

تحلیل توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق (عوامل مؤثر بر آسیب‌های سمن‌های جوانان)

- عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری: میزان عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری از منظر اعضای سمن‌های مورد بررسی (طبق جدول ۳)، با میانگین ۳۹/۳۸ (با خط برش ۳۹) بیانگر آن است که عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری در جامعه (تشویق به انجام فعالیت گروهی و اجتماعی، تصمیم‌گیری گروهی، عمل مشارکت و...) در سطح متوسطی قرار دارد؛ چراکه این میزان اندکی بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه‌های موردسنجش متغیر می‌باشد.
- اعتماد اجتماعی: میزان اعتماد اجتماعی از منظر اعضای سمن‌های موردبررسی، با میانگین ۲۷/۵۱ (با خط برش ۲۷) بیانگر آن است که میزان اعتماد اجتماعی در جامعه (بین‌شخصی و نهادی) در سطح متوسطی قرار دارد؛ چراکه این میزان اندکی بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه‌های مورد سنجش متغیر می‌باشد.
- مشارکت و تعاملات اجتماعی: میزان مشارکت و تعاملات اجتماعی از منظر اعضای سمن‌های مورد بررسی، با میانگین ۴۷/۰۸ (با خط برش ۴۵) بیانگر آن است که میزان مشارکت و تعاملات اجتماعی در جامعه در سطح متوسطی قرار دارند؛ چراکه این میزان اندکی بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه‌های مورد سنجش متغیر می‌باشد.
- تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی: میزان تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی از منظر اعضای سمن‌های مورد بررسی، با میانگین ۲۲/۶۰ (با خط برش ۱۸) بیانگر آن است که میزان تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی در جامعه در سطح بالاتر از متوسط قرار دارد؛ چراکه این میزان بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه‌های مورد سنجش متغیر می‌باشد.
- توانمندسازی سمن‌ها: میزان توانمندسازی سمن‌ها از منظر اعضای سمن‌های موردبررسی، با میانگین ۶۰/۳۲ (با خط برش ۵۱) بیانگر آن است که میزان توانمندسازی سمن‌ها در سطح بالاتر از متوسط قرار دارد؛ چراکه این میزان بالاتر از سطح استاندارد تعیین شده براساس مجموع گویه‌های موردسنجش متغیر می‌باشد.

جدول ۳: توزیع آمار مرکزی و پراکندگی عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری و ابعاد آن

متغیر و ابعاد	میانگین	خط برش	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	تعداد کل

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل مؤثر بر آن

۳۸۷	۶۲	۲۲	۸/۸۱۵	۳۹	۳۹/۳۸	عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری	عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری
۳۹۳	۱۵	۳	۲/۳۴۶	۹	۹/۹۲	عملکرد نهاد خانواده	
۳۹۵	۱۵	۳	۲/۸۵۵	۹	۸/۱۲	عملکرد نهاد آموزش	
۳۹۱	۲۰	۵	۳/۲۶۵	۱۲	۱۲/۵۶	عملکرد نهاد رسانه	
۳۹۳	۱۵	۳	۲/۷۵۷	۹	۸/۷۸	عملکرد گروه همسالان	
۳۸۴	۴۲	۱۷	۴/۷۳۳	۲۷	۲۷/۵۱	اعتماد اجتماعی	اعتماد اجتماعی
۳۸۴	۲۲	۶	۲/۶۱۴	۱۵	۱۵/۱۷	اعتماد بین شخصی	
۳۹۲	۲۰	۴	۲/۷۶۶	۱۲	۱۲/۳۳	اعتماد نهادی (اعتماد به گردانندگان نهاد)	
۳۸۳	۶۶	۳۱	۶/۱۰۵	۴۵	۴۷/۰۸	مشارکت و تعاملات اجتماعی	مشارکت و تعاملات اجتماعی
۳۸۴	۵۴	۲۰	۶/۲۷۶	۳۳	۳۶/۴۱	مشارکت و تعاملات اظهاری	
۳۹۰	۱۵	۴	۲/۰۰۹	۹	۱۰/۲۹	مشارکت و تعامل گفتگویی	
۳۹۲	۲۰	۴	۲/۸۵۴	۱۲	۱۲/۸۴	مشارکت و تعامل عاطفی	
۳۹۲	۲۰	۷	۲/۶۹۴	۱۲	۱۳/۲۹	مشارکت و تعامل مبادله ای	
۳۹۲	۱۹	۴	۳/۰۲۱	۱۲	۱۰/۶۳	مشارکت و تعامل ابزاری (تعامل قدرتی)	
۳۹۴	۳۰	۱۱	۴/۱۲۹	۱۸	۲۲/۶۰	تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی	تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی
۳۹۴	۱۰	۳	۱/۵۹۰	۶	۷/۴۶	تمرکزگرایی	
۳۹۵	۲۰	۸	۳/۰۷۸	۱۲	۱۵/۱۲	نظام بوروکراسی منفی	
۳۸۸	۸۵	۳۹	۸/۸۱۱	۵۱	۶۰/۳۲	توانمندسازی سمن ها	
۳۹۳	۲۰	۱۰	۲/۵۰۵	۱۲	۱۵/۲۲	ادراک شایستگی و خود	توانمندسازی سمن ها
۳۹۳	۱۵	۵	۲/۱۴۲	۹	۱۰/۱۵	اثربخش بودن	
۳۹۱	۱۵	۵	۲/۲۶۸	۹	۱۰/۴۲	ادراک داشتن حق انتخاب	
۳۹۱	۱۵	۷	۲/۱۱۶	۹	۱۱/۲۱	ادراک مؤثر بودن	
۳۸۸	۲۰	۴	۲/۹۵۴	۱۲	۱۳/۳۶	ادراک داشتن اعتماد نسبت به دیگران	

تحلیل استنباطی عوامل مؤثر بر آسیب های سمن های جوانان

جدول ۴: آزمون فرضیه‌های دومتغیره (ضریب همبستگی پیرسون)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل اصلی	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معناداری (p)
توانمندسازی سمن‌ها	عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری	-۰/۱۹	۰/۰۰۰
	عملکرد نهاد خانواده	-۰/۲۷	۰/۰۰۰
	عملکرد نهاد آموزش	-۰/۱۵	۰/۰۰۴
	عملکرد نهاد رسانه	-۰/۰۹	۰/۰۹۵
	عملکرد گروه همسالان	-۰/۱۰	۰/۰۴۹
	اعتماد اجتماعی	-۰/۱۶	۰/۰۰۳
	اعتماد بین شخصی	-۰/۱۴	۰/۰۰۸
	اعتماد نهادی (اعتماد به گردانندگان نهاد)	-۰/۱۳	۰/۰۱۲
	مشارکت و تعاملات اجتماعی	-۰/۴۰	۰/۰۰۰
	مشارکت و تعاملات اظهاری	-۰/۲۰	۰/۰۰۰
	مشارکت و تعاملات گفتمانی	-۰/۱۷	۰/۰۰۲
	مشارکت و تعاملات عاطفی	-۰/۱۶	۰/۰۰۲
	مشارکت و تعاملات مبادله‌ای	-۰/۱۸	۰/۰۰۱
	مشارکت و تعاملات ابزاری (مبتنی بر قدرت)	۰/۴۰	۰/۰۰۰
	تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی	۰/۴۶	۰/۰۰۰
	تمرکزگرایی	۰/۳۷	۰/۰۰۰
توانمندسازی سمن‌ها	نظام بوروکراسی منفی	۰/۴۲	۰/۰۰۰
	توانمندسازی سمن‌ها	-۰/۲۱	۰/۰۰۰
	ادراک شایستگی و خود اثربخش بودن اعضای سمن‌ها	۰/۰۱	۰/۸۵۳
	ادراک داشتن حق انتخاب اعضای سمن‌ها	-۰/۱۵	۰/۰۰۵
	ادراک موثر بودن اعضای سمن‌ها (میان سایر اعضا)	-۰/۱۰	۰/۰۳۷
	ادراک مهم بودن اعضای سمن‌ها (میان سایر اعضا)	-۰/۱۸	۰/۰۰۱
	ادراک داشتن اعتماد اعضای سمن‌ها	-۰/۳۳	۰/۰۰۰

آزمون فرضیه‌های دومتغیره تحقیق

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

- فرضیه اول: بین عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری و آسیب های سمن های جوانان در جامعه آماری مورد بررسی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. طبق جدول ۴، رابطه و همبستگی معناداری بین دو متغیر عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری و آسیب های سمن های جوانان در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد؛ ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ۰/۱۹- گویای همبستگی معکوس و ضعیفی بین دو متغیر مذکور می باشد. این امر بیانگر آن است که با افزایش و بهبودی عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری در جامعه، میزان آسیب های اجتماعی سمن های جوانان نیز کاهش می یابد. بنابراین فرض پژوهش تایید می شود.
- فرضیه دوم: بین اعتماد اجتماعی و آسیب های سمن های جوانان در جامعه آماری مورد بررسی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. طبق جدول ۴، رابطه و همبستگی معناداری بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و آسیب های سمن های جوانان در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد؛ ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ۰/۱۹- گویای همبستگی معکوس و ضعیفی بین دو متغیر مذکور می باشد. این امر بیانگر آن است که با افزایش و بهبودی اعتماد اجتماعی در جامعه، میزان آسیب های اجتماعی سمن های جوانان نیز کاهش می یابد. بنابراین فرض پژوهش تایید می شود.
- فرضیه سوم: بین مشارکت و تعاملات اجتماعی و آسیب های سمن های جوانان در جامعه آماری مورد- بررسی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. طبق جدول ۴، رابطه و همبستگی معناداری بین دو متغیر مشارکت و تعاملات اجتماعی و آسیب های سمن های جوانان در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد؛ ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ۰/۴۰- گویای همبستگی معکوس و متوسطی بین دو متغیر مذکور می باشد. این امر بیانگر آن است که با افزایش و بهبودی مشارکت و تعاملات اجتماعی در جامعه، میزان آسیب های اجتماعی سمن های جوانان نیز کاهش می یابد. بنابراین فرض پژوهش تایید می شود.
- فرضیه چهارم: بین تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی و آسیب های سمن های جوانان در جامعه آماری مورد بررسی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. طبق جدول ۴، رابطه و همبستگی معناداری بین دو متغیر تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی و آسیب های سمن های جوانان در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد؛ ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ۰/۴۶ گویای همبستگی مستقیم و متوسطی بین دو متغیر مذکور می باشد. بنابراین فرض پژوهش تایید می شود.
- فرضیه پنجم: بین توانمندسازی سمن ها و آسیب های سمن های جوانان در جامعه آماری مورد بررسی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. طبق جدول ۴، رابطه و همبستگی معناداری بین دو متغیر توانمندسازی سمن ها و آسیب های سمن های جوانان در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد؛ ضریب همبستگی پیرسون با مقدار ۰/۲۱- گویای همبستگی معکوس و ضعیفی بین دو متغیر مذکور می باشد.

این امر بیانگر آن است که با افزایش توانمندسازی سمن‌های جوانان، میزان آسیب‌های اجتماعی سمن‌های جوانان نیز کاهش می‌یابد. بنابراین فرض یژوهش تایید می‌شود.

آزمون فرضیه چندمتغیره تحقیق

جدول ۵، مدل رگرسیونی چند متغیره آسیب‌های سمن‌های جوانان را نشان می‌دهد. همچنین جدول ۶، شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی را مشخص می‌کند. همان گونه که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، همبستگی چند گانه^۱ $M.R = 0/57$ ، ضریب تعیین^۲ مساوی $R^2 = 0/31$ و ضریب تعیین واقعی برابر با $0/30$ می باشد که بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۰ درصد از واریانس و تغییرات آسیب‌های سمن‌های جوانان توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود و ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته مربوط به واریانس باقیمانده است که به علت تأثیر عوامل و متغیرهای بیرونی و ناشناخته پدید آمده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای فوق را می‌توان به صورت استاندارد شده و به شکل ریاضی چنین نوشت. بر اساس معادله رگرسیونی فوق، نکات زیر برای ما روشن می‌شود. درواقع با توجه به تحلیل رگرسیونی فرضیه‌های دوم، سوم، چهارم تحقیق مبنی بر اینکه اعتماد اجتماعی، مشارکت و تعاملات اجتماعی، تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی بر میزان آسیب‌های سمن‌های جوانان مؤثر می‌باشند، تایید می‌گردد:

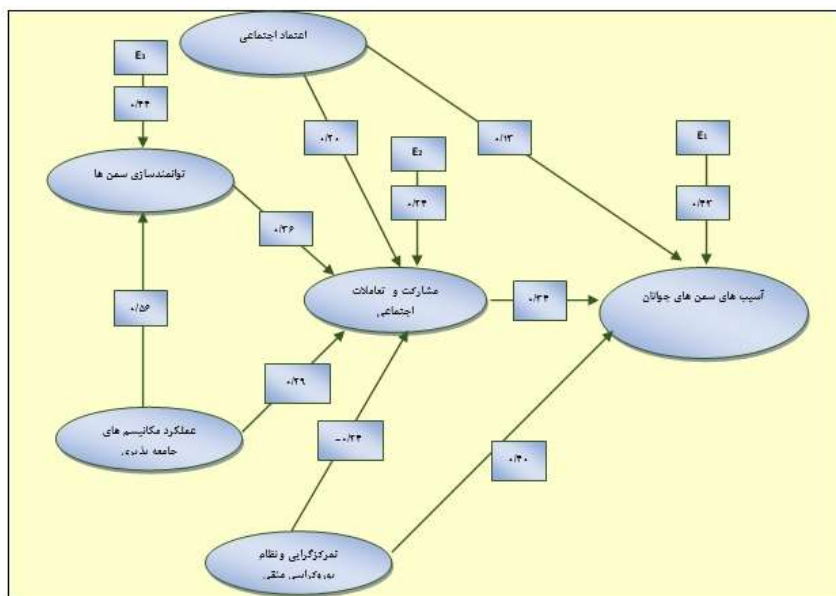
۱. متغیر تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی به میزان $0/40$ بر میزان آسیب‌های سمن‌های جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد افزایش در در متغیر مستقل تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی، $0/40$ به میزان متغیر وابسته آسیب‌های سمن‌های جوانان افزوده می‌شود.
۲. متغیر مشارکت و تعاملات اجتماعی به میزان $-0/34$ بر میزان آسیب‌های سمن‌های جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد کاهش در متغیر مستقل مشارکت و تعاملات اجتماعی، $-0/34$ به میزان متغیر وابسته آسیب‌های سمن‌های جوانان افزوده می‌شود.
۳. متغیر اعتماد اجتماعی به میزان $-0/13$ بر میزان آسیب‌های سمن‌های جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد کاهش در متغیر مستقل اعتماد اجتماعی، $-0/13$ به میزان متغیر وابسته آسیب‌های سمن‌های جوانان افزوده می‌شود.

1 Multiple Correlation R
2 R Square

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

جدول ۵: تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و نیز تأثیر کل متغیرهای مستقل مؤثر بر آسیب های سمن های جوانان

آسیب های سمن های جوانان			متغیرهای مستقل
تأثیر کل	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	
-۰/۱۷	-۰/۱۷	-	عملکرد مکانیزم های جامعه پذیری
-۰/۲۰	-۰/۰۷	-۰/۱۳	اعتماد اجتماعی
-۰/۳۴	-	-۰/۳۴	مشارکت و تعاملات اجتماعی
۰/۴۹	۰/۰۹	۰/۴۰	تمرکزگرایی و نظام بوروکراسی منفی
-۰/۱۲	-۰/۱۲	-	توانمندسازی سمن ها



نمودار ۳: مدل علی تحلیلی- تجربی آسیب های سمن های جوانان

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی و آسیب شناسی شکل گیری و فعالیت سازمان های مردم نهاد جوانان انجام شده است. پس از مرور سوابق نظری و تجربی موجود با استفاده از روش کمی ابزار پرسشنامه محقق ساخته، داده های تحقیق گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفته اند. نتایج حاصل از تحلیل یافته های تحقیق نشان داد که در مجموع ۲۶ شاخص به عنوان آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان شناسایی شدند که می توان آنها را در دو عامل مسائل برون سازمانی و درون سازمانی طبقه بندی نمود. مسائل برون سازمانی خود

شامل سه محور: مسائل قانونی یا مسائل حقوقی، مسائل فرهنگی و مسائل اجتماعی می‌شود. مسائل درون-سازمانی نیز شامل سه محور: مسائل اقتصادی و مسائل مدیریتی و مسائل نیروی انسانی متخصص هستند. به طور کلی همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد میزان آسیب‌های سمن‌های جوانان با میانگین ۱۶۵/۹۲ (با خط برش ۱۵۰) بیانگر آن است که سمن‌های جوانان در سطح مطلوبی قرار ندارند؛ چراکه این میزان بالاتر از سطح استاندارد تعیین‌شده براساس مجموع گویه‌های مورد سنجش متغیر می‌باشد. علاوه بر این، به‌واسطه نتایج حاصل از تحلیل کمی آسیب‌های سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان، در مجموع ۵ متغیر و ۱۷ بعد و مولفه به عنوان عوامل موثر بر آسیب‌های سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان شناسایی شدند که می‌توان آنها را در متغیرهایی همچون: ۱- اعتماد اجتماعی (شامل ابعاد: اعتماد بین‌شخصی و اعتماد نهادی)؛ ۲- مشارکت و تعاملات اجتماعی (شامل ابعاد: مشارکت و تعاملات اظهاری و مشارکت و تعاملات ابزاری)؛ ۳- تمرکزگرایی و نظام بورکراسی منفی (شامل ابعاد: تمرکزگرایی و نظام بورکراسی منفی)؛ ۴- توانمندی اعضای سمن‌ها (شامل مولفه‌های: اثربخشی و احساس شایستگی، استقلال و آزادی عمل و اعتماد اعضا به هم)؛ ۵- عملکرد مکانیزم‌های جامعه‌پذیری (شامل محوره‌ای: عملکرد نهاد خانواده، عملکرد نهاد آموزش، عملکرد نهاد رسانه و عملکرد گروه همسالان) طبقه بندی نمود که رابطه معناداری را براساس یافته‌های تحقیق با متغیر وابسته یعنی آسیب‌های سمن‌های جوانان نشان دادند.

پیشنهاده‌ها

به منظور کاهش آسیب‌های سمن‌های جوانان پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. افزایش سطح آگاهی‌های جوانان جامعه نسبت به اهداف و مأموریت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد با تدوین و عملیاتی کردن برنامه‌های مختص به هر حوزه. در این زمینه آموزش و فعالیت‌های رسانه‌ای و حرکت به سمت فعالیت‌های تیمی و گروهی بسیار موثر است.
۲. اقدامات و سازوکارهای مناسب برای تقویت سرمایه اجتماعی بین‌گروهی بین افراد و اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد مهم است. این امر خود از یک سو مستلزم افزایش اعتماد اجتماعی بین‌شخصی به-خصوص اعتماد تعمیم‌یافته است- یعنی شعاع اعتماد از خودی‌ها به دیگران عام‌گسترش یابد؛ همچنین افزایش سرمایه اجتماعی بین‌گروهی از سوی دیگر مستلزم تقویت و افزایش مشارکت اجتماعی بین-گروهی در جامعه است. گسترش عقلانی سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه می‌تواند موجبات تقویت مشارکت اجتماعی شهروندان یک جامعه باشد؛ چراکه سازمان‌های مردم‌نهاد، بسترهای مشارکت اجتماعی را در یک جامعه فراهم می‌سازند.
۳. کاهش دامنه نفوذ و تصدی‌گری دولت در فعالیت‌ها و اداره امورات سازمان‌های مردم‌نهاد نیز بسیار مهم است. از سوی دیگر، دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی در برخورد با سمن‌ها گام‌های موثری را در

بررسی جامعه شناختی آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان و عوامل موثر بر آن

زمینه شفاف سازی و اعتمادسازی بردارند. خلاصه آنکه یا امورات را به مردم واگذار نکنند و یا اگر واگذار می کنند، به آنان اعتماد داشته باشند و خود جنبه نظارتی یابند.

۴. با توجه به تأثیرگذاری متغیر توانمندسازی سمن ها بر آسیب های سازمان های مردم نهاد جوانان، موارد زیر پیشنهاد می شود:

الف- برگزاری دوره های آموزشی هم برای مدیران و هم برای اعضای سازمان های مردم نهاد به منظور فراگیری روش شناسی سبک مدیریت مشارکتی؛

ب- مدیران سازمان های مردم نهاد جوانان به اعضای سمن خود اجازه دهند تا از ابتکار، مهارت و استقلال عمل فردی خود در چگونگی انجام و پیشبرد اهداف و مأموریت سمن استفاده کنند که البته این امر خود مستلزم پیاده شدن سبک مدیریتی مشارکتی در سازمان های مردم نهاد جوانان است؛

ج- به کارگیری نیروهای متخصص در سازمان های مردم نهاد متناسب با اهداف و مأموریت سمن ها؛

د- ارزیابی کیفی سالانه سمن ها و معرفی سمن های برتر از حیث میزان موفقیت در پیشبرد اهداف و مأموریت سمن خود و در نظر گرفتن تشویق ها و حمایت های مادی و معنوی در این زمینه.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی در شهر کاشان». نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۷، صص ۳-۳۱.
- حسینی، سیده الهام و حسینی، سیده راحله. (۱۳۹۱). «توانمندسازی کارکنان: گامی به سوی ترویج و توسعه کارآفرینی در سازمان ها». کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). «جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی». تهران: نشر نی
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). «بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران». تهران: موسسه تحقیقی فرهنگ، هنر و ارتباطات
- سطوتی، جعفر. (۱۳۸۷). «توسعه اجتماعی و سیاست های جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۱۵۱-۱۷۸.
- شهرکی، امیر. (۱۳۸۹). «نقش مدیران در توانمندسازی کارکنان». تهران: بانک سپه، اداره تحقیقات و کنترل ریسک
- طبرسا، غلامعلی و آهنگر، نرگس. (۱۳۸۷). «توانمندسازی کارکنان و چشم انداز مدیریت». شماره ۲۹، صص ۵۱-۶۸.
- فیلد، جان. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی». غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: نشر کویر
- قزوینچاهی، عباس. (۱۳۸۴). «رشد نهادهای جامعه مدنی». مجله فرهنگ توسعه. شماره ۲۸.
- کوهکن، علیرضا. (۱۳۸۹). «بررسی نقش و کارکرد سازمان های غیردولتی بین المللی». تهران: مجلس شورای اسلامی.
- گویا، زهرا و قدکساز خسروشاهی، لیلا. (۱۳۸۷). «چگونه دانش آموزان از معیارهای شخصی استفاده می کنند». نشریه مطالعات برنامه درسی. شماره ۱۰، صص ۱-۱۹.
- موزر، کلاس آدولف و ج. کالتون. (۱۳۶۷). روش تحقیق. کاظم ایزدی. تهران: نشر کیهان
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۶). «مدیریت همزمان مدارج تمرکززدایی در نظام برنامه ریزی درسی». فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران. سال ۱، شماره ۴، صص ۱۶-۱.

- میری، عبدالرضا و سبزیکاران، اسماعیل. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی منابع انسانی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران». مجله مدیریت توسعه و تحول. دوره ۶، صص ۴۰-۵۶.
- Spreitzer. G. M. & Doneson. D. (2005). **“Musings on the Past and Future of Employee Empowerment”**. Forthcoming in the Handbook of Organizational Development.
- UNESCO. (2005). **“Education Policies and Strategies7, Decentralization in Education National Policies and practices”**. by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, place de Fontenoy. 75352 Paris 07 SP (france)

نقش میانجی نگرش به رسانه‌های اجتماعی در رابطه نفرت‌پراکنی اینترنتی با احساس امنیت و لذت اجتماعی ورزشکاران نوجوان

زهرا سادات مشیر استخاره^۱

علی اصغر دورودیان^۲



10.22034/SSYS.2022.2259.2618

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱/۱۷

پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه نفرت‌پراکنی اینترنتی با احساس امنیت و لذت اجتماعی ورزشکاران نوجوان با توجه به نقش میانجی نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی تدوین شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری بود و جامعه آماری پژوهش را تمامی ورزشکاران نوجوان تشکیل می‌دادند که با توجه به حجم جامعه نامحدود، تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس جدول مورگان مطابق با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها پس از تایید روایی و پایایی، از پرسشنامه‌های «امنیت و لذت اجتماعی» گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹)، «نگرش رسانه‌های اجتماعی» دیویس (۱۹۹۸) و «نفرت‌پراکنی اینترنتی» پاچیکو و میلهویش (۲۰۱۸) استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری) و نرم افزار SPSS و Amos انجام شد.

نتایج پژوهش نشان داد که «نفرت‌پراکنی اینترنتی» بر «امنیت و لذت اجتماعی» با ضریب مسیر ($\beta = -0.31$) و «نگرش رسانه‌های اجتماعی» ورزشکاران نوجوان با ضریب مسیر ($\beta = -0.24$)، تأثیر منفی و معناداری دارند. همچنین «نگرش رسانه‌های اجتماعی» بر «امنیت و لذت اجتماعی» ورزشکاران نوجوان با ضریب مسیر ($\beta = -0.46$) تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت نتایج حاصل از بررسی نقش متغیر میانجی نشان داد که نگرش رسانه‌های اجتماعی به واسطه نفرت‌پراکنی اینترنتی بر امنیت و لذت اجتماعی ورزشکاران نوجوان تأثیر غیرمستقیم و معناداری دارد.

یافته‌های پژوهش مسیر را برای بررسی‌های بیشتر در زمینه نفرت‌پراکنی اینترنتی هموار می‌کند.

واژگان کلیدی: نفرت‌پراکنی اینترنتی، احساس امنیت، لذت اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی و ورزشکاران

نوجوان.

^۱ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Doroudian1980@gmail.com

مقدمه

در طول ۲۰ سال گذشته، استفاده از اینترنت در بیشتر کشورهای جهان رشد کرده و تقریباً به ابزاری مهم در تمام جنبه‌های زندگی روزمره افراد تبدیل شده است. اینترنت را می‌توان برای بسیاری از فعالیت‌های مختلف از جمله برقراری ارتباط، سرگرمی، یادگیری، بازی، خرید و غیره استفاده کرد (ساوسی و همکاران^۱، ۲۰۲۰). به دلیل فرصت‌های ارائه شده توسط اینترنت، تطبیق‌پذیری خدمات، دسترسی آسان به چنین خدمات، ساختار انعطاف‌پذیر و تعاملی خاص، اینترنت به بخشی از زندگی ما به شیوه‌ای شدیدتر تبدیل شده است (آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم^۲، ۲۰۱۹).

با توجه به رشد اینترنت در دهه اخیر، استفاده شدید از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی زمینه مشترکی برای تحقیقات مختلف مرتبط با اینترنت در رشته‌های مختلف در بین نوجوانان و جوانان بوده است. برخی از این تحقیقات نشان داد اینترنت در رشد کودکان، نوجوانان و جوانان همچون موفقیت تحصیلی (تونسر^۳، ۲۰۰۱)، رشد شناختی (سوبراهمانیان و لین^۴، ۲۰۰۷) و مزایای اجتماعی (مک کنا و برگ^۵، ۲۰۰۰) نقش داشته است. از سوی دیگر، کاربران اینترنت به صورت هفتگی میلیاردها قطعه محتوای آنلاین را در تعدادی از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی تولید می‌کنند که این محتوا شامل نفرت‌پراکنی^۶ نیز می‌باشد (اوریگان^۷، ۲۰۱۸). فرصت‌های استفاده از اینترنت و فضای مجازی خیلی وقت‌ها چالش‌های ناشی از آن را پوشش می‌دهد. با وجود این، برخی چالش‌های فضای مجازی ابعاد جهانی یافته‌اند و در سطوح گسترده‌ای موجب اختلالاتی شده‌اند. یکی از این چالش‌ها «نفرت‌پراکنی اینترنتی^۸» است. نفرت‌پراکنی اینترنتی نوعی گفتار است که به صورت آنلاین با هدف حمله به شخص یا گروهی بر اساس نژاد، مذهب، منشأ قومی، گرایش جنسی، ناتوانی یا جنسیت انجام می‌شود (جانسون و همکاران^۹، ۲۰۱۹). نفرت‌پراکنی اینترنتی به راحتی قابل تعریف نیست، اما می‌توان آن را با کارکرد تحقیرآمیز یا غیرانسانی که انجام می‌دهد تشخیص داد (گاگلیاردون^{۱۰}، ۲۰۱۵). نفرت‌پراکنی اینترنتی به‌طور کلی به‌عنوان هر کنش دیجیتالی از خشونت، خصومت و ارباب به روی مردم به دلیل هویت یا تفاوت درک شده تعریف می‌گردد (چاکرابورتی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۴).

1 Savci

2 AKPINAR AYDOĞMUŞ & ÖZDEN YILDIRIM

3 Tuncer

4 Subrahmanyam & Lin

5 McKenna & Bargh

6 Hate Speech

7 O'Regan

8 Online Hate Speech

9 Johnson

10 Gagliardone

11 Chakraborti

بانکس^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داد در یک فضای سایبری گسترده و بدون نظارت، اینترنت به مرز نوین گسترش نفرت تبدیل شده است؛ به طوری که پاچیکو و میلهویش^۲ (۲۰۱۵) در پژوهش خود اشاره داشتند ۱۱ درصد از بزرگسالان نیوزلند گزارش دادند در سال گذشته شخصاً مورد هدف سخنان نفرت پراکنی آنلاین قرار گرفته‌اند. نفرت پراکنی اینترنتی تا حد زیادی در گفتمان روزمره به عنوان یک اصطلاح عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تهدیدات عینی برای امنیت افراد و گروه‌ها را با مواردی مخلوط می‌کند که در آن افراد ممکن است به سادگی خشم خود را علیه قدرت تخلیه کنند (گاگیلاردون، ۲۰۱۵). با این حال، نوجوانی یکی از مهم‌ترین گروه‌های خطر است (اوزتورک و همکاران^۳، ۲۰۰۷). علاقه به پیشرفت‌های فناوریانه در دوران نوجوانی و میزان استفاده بالاتر از اینترنت در مقایسه با سایر گروه‌های سنی و ناکافی بودن بلوغ روانی در این دوره، این گروه را به عنوان یک گروه پرخطر بالقوه شناسایی نمود (آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم، ۲۰۱۹). تحقیقات نشان می‌دهد از آنجا که نوجوانان هنوز نتوانسته‌اند فرآیندهای رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی را کامل کنند، ممکن است بیشتر از سایر گروه‌ها از پیامدهای منفی اینترنت متأثر شوند (تی‌سای و همکاران^۴، ۲۰۰۱) و در این زمینه ورزشکاران نوجوان نیز ازین مقوله مستثنی نیستند. امروزه نوجوانان و ورزشکاران جوان مدت زمان قابل توجهی را در اینترنت به عنوان یک ابزار اجتماعی در فرایند کشف، یافتن و درک هویت خود می‌گذارند و نفرت پراکنی اینترنتی نیز می‌تواند به عنوان یک عامل خطر مهم برای نوجوانان ورزشکار می‌باشد. به طور کلی نوجوانان در برابر مکانیسم‌هایی که اینترنت ایجاد می‌کند، آسیب‌پذیر هستند، زیرا بسیاری به دنبال گروه‌ها یا عللی هستند که به آنها احساس هویت بدهد. جستجوی هویت بخشی طبیعی از نوجوانی است، اما اگر به حد اعلای آن برسد، این می‌تواند برای افراد تنفر ایجاد کند (آمون^۵، ۲۰۱۰). جوانانی که نفرت آنلاین را تجربه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که اضطراب و افسردگی بگیرند (تین و همکاران^۶، ۲۰۰۸) و اهداف نفرت اینترنتی نیز ممکن است آزار و اذیت و خشونت آنلاین را تجربه کنند (کارسون^۷، ۲۰۱۷).

در ارتباط با رشد سریع اینترنت، مفهوم دیگری که به بخشی از زندگی ما تبدیل شده است، رسانه‌های اجتماعی^۸ است. یکی از محبوب‌ترین فعالیت‌ها در اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و به طور کلی‌تر استفاده از رسانه‌های اجتماعی در انواع مختلف آن است. برنامه‌های کاربردی رسانه‌های اجتماعی مانند فیس

1 Banks

2 Pacheco& Melhuish

3 Özturk

4 Tsai

5 Amon

6 Tynes

7 Carson

8 social media

بوک و اینستاگرام با ایجاد پروفایل‌های شخصی، فرصت ملاقات با افراد مختلف را فراهم می‌کنند و ارتباط شخصی، اشتراک‌گذاری و بیان ایده‌ها در مورد یک رویداد یا موقعیت را با دیگران در مکان‌های مختلف در سطح جهانی تسهیل می‌کنند (تریم و همکاران^۱، ۲۰۱۶). شبکه‌های اجتماعی با فرصت‌ها و خروجی‌های فراوانی که در اختیار کاربران قرار می‌گیرد، شیوع استفاده آنلاین را در سراسر جهان افزایش داده است (کمپ^۲، ۲۰۱۹). علاوه بر این، مشخص است که بیش از ۵۰۰ ابزار رسانه اجتماعی وجود دارد و تعداد این ابزارها هر روز در حال افزایش است (تامسون و لاقید^۳، ۲۰۱۲). دو دیدگاه متفاوت در مورد نگرش^۴ کاربران رسانه‌های اجتماعی وجود دارد: دیدگاه اول استدلال می‌کند که از آنجایی که ارتباطات رسانه‌های اجتماعی در مقایسه با ارتباط چهره به چهره کیفیت پایینی دارد، ارتباط اینترنتی با مشکل اجتماعی شدن مرتبط است و جوانان با مشکلات مهارت‌های اجتماعی تمایل به ارتباط از طریق اینترنت دارند. بر خلاف این دیدگاه، دیدگاه دوم مدعی است که جوانان ترجیح می‌دهند با دوستان فعلی خود ارتباط برقرار و با آنها ملاقات کنند تا ارتباط از طریق اینترنت و ارتباطات آنلاین به عنوان عوامل اجتماعی شدن (میکامی و همکاران^۵، ۲۰۱۰) - هرچند ادعا می‌شود که اینترنت یک محیط روانی منحصر به فرد را برای کاربران خود ایجاد می‌کند که باعث می‌شود مردم در مورد هنجارهای اجتماعی موجود در زندگی واقعی احساس آزادی کنند (آمیچای-هامبورگر و باراک^۶، ۲۰۰۹).

از سوی دیگر، روابط مبتنی بر اعتماد و جنبه‌های اجتماعی انسان نقش مهمی در داشتن یک زندگی خوب دارد (آکین و همکاران^۷، ۲۰۱۳). افرادی که مشکل احساس امنیت اجتماعی^۸ دارند، با محدودیت‌هایی در زندگی اجتماعی و مشکلاتی برای حضور در رویدادهای حضوری مواجه می‌شوند. علاوه بر این، این افراد تمایل به استفاده بیش از حد از اینترنت نیز دارند (گریفیثس^۹، ۲۰۰۰). نیازهای امنیتی که دومین مرحله سلسله مراتب نیازهای مزلو (۱۹۴۳) است را می‌توان به عنوان گنجاندن در اجتماع تعریف کرد؛ وحدتی که نیازهای زندگی، تعلق و پذیرش را در یک منطقه صلح آمیز و اجتماعی برآورده می‌کند. محیط امن یا ناامن اینترنت می‌تواند عملکردهای شناختی مغز را تحریک کند. در حالی که محیط ناامن باعث تأثیر منفی می‌شود، محیط امن به عاطفه مثبت کمک می‌کند (گیلبرت و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۹). داشتن عواطف

1 Treem et al.

2 Kemp

3 Thompson & Loughheed

4 Attitude

5 Mikami

6 Amichai-Hamburger & Barak

7 Akin

8 Social Security

9 Griffiths

10 Gilbert

مثبت مانند آرامش و رضایت می‌تواند با حالتی مانند بهزیستی و آرامش مرتبط باشد (دیپوئی و همکاران^۱، ۲۰۰۵). به گفته کاستر^۲ (۱۹۹۸) اثرات مثبت ممکن است بر پنهان کردن احساسات امنیتی و کاهش کاهش احساس تهدید مؤثر باشد (آکین و همکاران^۳، ۲۰۱۳). گیلبرت و همکاران (۲۰۰۷) از این سیستم به عنوان «امنیت و لذت اجتماعی»^۴ نام برده‌اند. اصطلاح امنیت و لذت اجتماعی برای پرداختن به شرایطی ابداع شده که در نتیجه فعالیت‌های تسکین دهنده سیستم رخ می‌دهد. امنیت و لذت اجتماعی از دیدگاه گیلبرت (۲۰۰۹) اشاره داشت که افراد بر این اساس دنیای اجتماعی خود را امن، گرم و آرام‌بخش تجربه می‌کنند. پس احساس امنیت و لذت اجتماعی حاصل عملکرد سیستم تسکین و آرامش است که به عنوان تجارب و ادراکات افراد از جهان اجتماعی شان به عنوان جهانی امن، صمیمی و آرام، با احساسات تعلق و پذیرش و صمیمیت از جانب دیگران، تعریف شده است (گیلبرت و همکاران، ۲۰۰۹). می‌توان بیان کرد که شرکت در رویدادهای اجتماعی بین فردی (گذراندن وقت با دوستانی که دوستانشان دارند) یا رویدادهای غیر اجتماعی ممکن است در به دست آوردن تأثیرات مثبت و یا منفی نقش داشته باشد (گیلبرت و همکاران، ۲۰۰۹).

نتایج تحقیقات مرتبط با پژوهش هاشمیان و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد احساس امنیت اجتماعی با میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، تلویزیون، رادیو و ماهواره رابطه معنی‌داری دارد، ولی با میزان استفاده از اینترنت، مجله و روزنامه رابطه معنی‌داری ندارد. خواجه نوری و کاوه (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود بیان کردند که تأثیر تعاملی استفاده از تلویزیون داخلی و رادیوی داخلی بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت داشته است. آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی نقش میانجی نگرش رسانه‌های اجتماعی بر رابطه با استفاده مشکل‌زا از اینترنت و امنیت اجتماعی و لذت در بین ۴۶۱ نفر از دانش آموزان نوجوانان در ترکیه پرداختند. بر اساس نتایج نقش میانجی معنادار نگرش رسانه‌های اجتماعی (ابعاد شایستگی اجتماعی و نیاز به اشتراک‌گذاری) در رابطه بین استفاده مشکل‌زا از اینترنت و امنیت اجتماعی و لذت در نوجوانان تأیید گردید. همچنین بین امنیت اجتماعی و لذت و نگرش رسانه‌های اجتماعی رابطه مثبت و بین امنیت اجتماعی و لذت و استفاده مشکل‌ساز از اینترنت رابطه منفی وجود داشت. گلدر و همکاران^۵ (۲۰۱۹) در پژوهش خود بیان کردند نگرش کاربران رسانه‌های اجتماعی به طور کلی در مورد استفاده از داده‌های رسانه‌های اجتماعی برای اهداف تحقیقاتی مثبت بود. نتایج ساوسی و همکاران^۶ (۲۰۲۰) در پژوهش خود

1 Depue

2 Caster

3 Akin

4 Security and social pleasure

5 Golder

6 Savci

نشان داد که رضایت از زندگی خانوادگی یک واسطه معنادار در رابطه بین استفاده مشکل ساز از رسانه های اجتماعی و ارتباط اجتماعی است. کیپی و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در کتاب خود مبنی بر نفرت اینترنتی و محتوای مضر اشاره کردند که نفرت اینترنتی پیامدهای مختلفی بر روی جوانان از جمله رفاه و بهزیستی ذهنی، اعتماد و امنیت، تصویر از خود و روابط اجتماعی دارد. یوسال^۲ (۲۰۱۵) نیز بیان کرد استفاده مشکل ساز از فیس بوک با امنیت و شکوفایی اجتماعی همبستگی منفی داشت. علاوه بر این، یافته ها نشان داد که امنیت و شکوفایی اجتماعی پیش بینی کننده های مهمی برای استفاده مشکل ساز فیس بوک هستند. به طور کلی در حال حاضر رسانه های اجتماعی نسبت به رسانه های سنتی یعنی رادیو، تلویزیون و مجله ها ظرفیت بسیار بیشتری برای دسترسی به عموم مردم از جمله نوجوانان و جوانان ورزشکار دارند. علاوه بر این، کاربران اینترنت از رسانه های سنتی دور شده و برای جستجوی اطلاعات هرچه بیشتر از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند. همچنین ماهیت سخنان مشوق نفرت پراکنی اینترنتی و پیامدهای احتمالی آن باعث شده است که برای مدتی موضوع مورد توجه عمومی و مورد علاقه تحقیقاتی گردد. امروزه، دامنه نفرت از هر زمان دیگری گسترده تر شده است، زیرا دسترسی آسان و اغلب ناشناس به حجم عظیمی از محتوای آنلاین، راه اینترنت را برای استفاده و سوء استفاده در بین نوجوانان باز کرده است. اینترنت با ارائه امکاناتی برای دسترسی آسان و فوری بدون ارتباط با موقعیت جغرافیایی یا سیستم شناسایی کاربر، به گروه های نفرت انگیز و افراد طرفدار نفرت اجازه می دهد تا ایده های خود را به مخاطبان سراسر جهان منتقل کنند. محتوای متنفر و مضر آنلاین بر نقش محتوای آنلاین بالقوه مضر، به ویژه در میان جوانان و ورزشکاران تمرکز دارد. همین امر نگرانی ها در مورد تبدیل نفرت پراکنی اینترنتی به یک رفتار فراگیر را در بین نوجوانان ورزشکاران افزایش داده است. با این حال، علیرغم توجه روزافزون به این موضوع، تحقیقات مستقر در ایران که به تجربیات شخصی و/یا قرار گرفتن در معرض نفرت آنلاین می پردازد، وجود ندارد که همین امر مسئله و خلا پژوهش حاضر را دوچندان می کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین رابطه بین نفرت پراکنی اینترنتی با امنیت و لذت اجتماعی با نقش میانجی نگرش رسانه های اجتماعی در بین ورزشکاران نوجوان به عنوان اولین پژوهش در این حیطه در ایران مورد تدوین قرار گرفته است.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش تحقیق جزو تحقیقات توصیفی-پیمایشی بصورت همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه نوجوانان ورزشکار شهر تهران تشکیل می دادند. با توجه به حجم جامعه نامحدود ورزشکاران و بر اساس جدول

1 Keipi

2 Uysal

مورگان تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که در نهایت تعداد ۳۶۴ نفر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از چنین جامعه‌ای ابتدا شهر تهران به ۴ قسمت (شمالی، جنوبی، غربی و شرقی) تقسیم گردید و برای هر منطقه تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه- با این پیش‌فرض که احتمالاً تلفات آماری در پرسش‌نامه وجود دارد تعداد پرسش‌نامه‌های بیشتری توزیع گردید- در نظر گرفته شد و در هر منطقه به طور تصادفی تعداد ۴ باشگاه و فضای ورزشی انتخاب و برای هر باشگاه و فضای ورزشی ۲۵ پرسش‌نامه بین ورزشکاران نوجوان این باشگاه‌ها که تمایل به همکاری داشتند توزیع گردید. گفتنی است در این بخش پرسش‌نامه‌های مخدوش پس از گردآوری کنار گذاشته شد و در نهایت تعداد ۳۶۴ پرسش‌نامه برای تحلیل‌های آماری در نظر گرفته شد.

۱-مقیاس احساس امنیت و لذت اجتماعی (SSPS)^۱

در این پژوهش از مقیاس احساس امنیت و لذت اجتماعی (SSPS) استفاده شده است. پرسشنامه امنیت و لذت اجتماعی دارای ۱۱ گویه و به صورت خود گزارشی است که توسط گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) جهت سنجش احساس امنیت اجتماعی ساخته شده است. این مقیاس، تجربه فرد را از درک جهان اجتماعی اش به صورت محیطی امن، صمیمی و پذیرا نشان می‌دهد. شرکت‌کنندگان توافق خود را با جملات، از طریق مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ درجه بندی می‌کنند (۱= تقریباً هرگز تا ۵= تقریباً همیشه). نمره فرد از جمع نمرات ۱۱ گویه به دست می‌آید. Top of Form علوی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود فرآیند ترجمه و بازترجمه برای تهیه نسخه فارسی SSPS را در بین ۵۲۱ نفر از دانشجویان سه دانشگاه در تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ انجام دادند و به همراه مقیاس امنیت و لذت اجتماعی پرسش‌نامه‌های مشکلات بین‌فردی، افسردگی بک و هراس اجتماعی نیز پاسخ داده شد. برای بررسی اعتبار مقیاس از اعتبار سازه (تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی) و اعتبار واگرا استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس امنیت و لذت اجتماعی حاکی از وجود یک ساختار تک‌عاملی است و تحلیل عاملی تأییدی نیز موید این ساختار است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۲ به دست آمد. اعتبار واگرا نیز از راه محاسبه همبستگی مقیاس با سه پرسش‌نامه مشکلات بین‌فردی، افسردگی بک و هراس اجتماعی تأیید شد.

۲-مقیاس نگرش به رسانه اجتماعی^۲

جهت سنجش نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی از پرسشنامه دیویس (۱۹۹۸) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۹ سوال و ۳ مولفه سودآوری درک‌شده، درک سهولت استفاده و پذیرش رسانه می‌باشد. بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت از کاملاً موافقم عدد ۵ الی کاملاً مخالفم عدد ۱ مورد سنجش

1 Social Safeness and Pleasure Scale

2 Social Media Attitude Scale

قرار گرفته است. روایی پژوهش با استفاده از روایی محتوا و روایی سازه در پژوهش گل محمدی (۱۳۹۷) مورد سنجش و تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی، سنجیده و تأیید گردید- ضریب آلفای کرونباخ برای نگرش رسانه اجتماعی برابر با $0/83$ ، سودآوری درک شده $0/82$ ، درک سهولت استفاده $0/66$ و پذیرش رسانه $0/74$ به دست آمد.

۳-مقیاس نفرت پراکنی اینترنتی^۱

جهت سنجش نفرت پراکنی اینترنتی از مقیاس نفرت پراکنی اینترنتی پاچیکو و میلیهوش (۲۰۱۸) الگو گرفته شد؛ به طوری که این پرسشنامه به صورت آنلاین در بین ۱۰۰۱ نفر از شرکت کنندگان بالای ۱۸ سال در نیوزلند مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه نظرسنجی پژوهش حاضر شامل ۱۰ سوال بود. اولین سوال تجربیات شخصی شرکت کنندگان از سخنان نفرت پراکنی آنلاین در ۱۲ ماه گذشته را اندازه گیری کرد. سپس، از شرکت کنندگانی که می گفتند تنفر آنلاین را تجربه کرده اند، یک سوال در مورد دلایل درک شده برای هدف محتوای نفرت انگیز پرسیده شد. برای این سوال، فهرست گزینه ها شامل نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت و گرایش جنسی بود. پرسش های نظرسنجی بعدی میزان قرار گرفتن در معرض نفرت آنلاین را اندازه گیری کردند. در این رابطه، از همه شرکت کنندگان سوال شد که آیا در ۱۲ ماه گذشته در معرض محتوای نفرت انگیز بوده اند یا خیر. سپس، شرکت کنندگانی که در معرض نفرت آنلاین بودند به سؤالی درباره دلایلی که معتقد بودند دیگران با محتوای نفرت انگیز هدف قرار گرفته اند، پاسخ دادند. همچنین سوال دیگر به دنبال سنجش میزان تعامل شرکت کنندگان با سایت های آنلاینی بود که محتوای نفرت انگیز را تبلیغ یا توزیع می کنند. به طور خاص، از آنها خواسته شد تا مشخص کنند که به چه اندازه از چنین وب سایت، انجمن آنلاین و/یا گروه رسانه های اجتماعی بازدید کرده اند.

جهت تعیین روایی صوری و محتوای پرسشنامه و صحت و سقم سؤالات، پرسشنامه در بین ۱۰ از خبرگان و متخصصان مدیریت ورزشی توزیع شد و پس از اطمینان از نتایج به دست آمده، پرسشنامه در جامعه آماری پژوهش پخش گردید. پرسشنامه ها با توجه به استاندارد بودن از قابلیت روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بودند. همچنین روایی سازه پرسشنامه مقیاس نفرت پراکنی اینترنتی بر اساس تحلیل عاملی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و شاخص های برازش همچون AGFI، GFI، CFI و غیره مطلوب و نشان دهنده مناسب بودن ابزار بود. به منظور اندازه گیری قابلیت پایایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. بدین منظور بخش کوچکی از جامعه آماری (۳۰ نفر) انتخاب و پرسشنامه ها به شکل مطالعه مقدماتی در جامعه توزیع شد. این مقدار بر اساس داده های حاصل برای پرسشنامه نگرش رسانه اجتماعی $\alpha = 0/79$ ، امنیت و لذت اجتماعی $\alpha = 0/72$ و مقیاس نفرت پراکنی اینترنتی $\alpha = 0/7$ می باشد

نقش میانجی نگرش به رسانه های اجتماعی در رابطه نفرت پراکنی اینترنتی با احساس امنیت و لذت اجتماعی ورزشکاران نوجوان

که نشان دهنده آن است که پرسشنامه مورد استفاده، از قابلیت پایایی لازم برخوردار می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری) و نرم افزار SPSS و Amos نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته های پژوهش

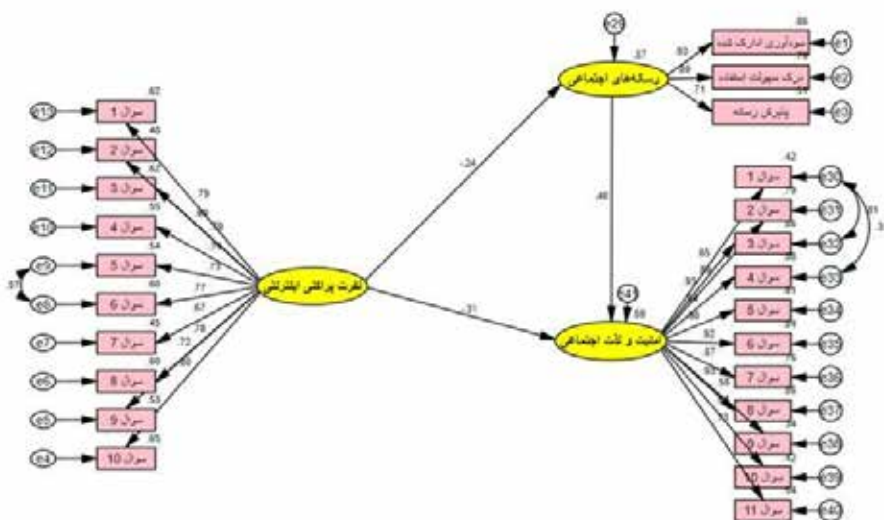
بر اساس نتایج پژوهش، میانگین سنی افراد نمونه ۱۷/۱۲ و انحراف معیار سنی ۱/۳۸ بود. کمترین سن برابر با ۱۶ سال با فراوانی ۱۰ نفر و بالاترین سن نیز برابر با ۲۴ سال با فراوانی ۳۸ نفر بود. ۱۸۳ نفر مرد و ۱۸۱ نفر نیز زن بوده اند. همچنین ۲۵۶ نفر از پاسخگویان این تحقیق مجرد و ۱۰۸ نفر نیز متاهل بودند. همچنین بر اساس نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، میانگین نگرش به رسانه های اجتماعی (M=۳/۴۱۷)، احساس امنیت و لذت اجتماعی (M=۳/۰۳۵) و نفرت پراکنی اینترنتی (M=۳/۵۰۹) به دست آمد. یکی از پیش فرض های تحقیق انجام وجود ارتباط خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته باشد. به همین منظور ارتباط بین متغیرها با توجه به مدل تحقیق در ابتدا مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نرمال بودن توزیع داده ها به منظور بررسی فرضیه تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	نفرت پراکنی اینترنتی	نگرش به رسانه های اجتماعی	احساس امنیت و لذت اجتماعی
نفرت پراکنی اینترنتی	۱	-	-
نگرش به رسانه های اجتماعی	-۰/۵۶۵**	۱	-
احساس امنیت و لذت اجتماعی	-۰/۵۴۲**	۰/۶۱۴**	۱
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	

* معناداری در سطح ۰/۰۵؛ P≤۰/۰۱؛ ** معناداری در سطح P≤۰/۰۱

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۱ مشاهده می شود که بین نفرت پراکنی اینترنتی و نگرش به رسانه های اجتماعی (Sig=۰/۰۰۱، r=-۰/۵۴۲)، بین نفرت پراکنی اینترنتی و احساس امنیت و لذت اجتماعی (Sig=۰/۰۰۱، r=-۰/۵۶۵) رابطه منفی معنادار و بین نگرش به رسانه های اجتماعی و احساس امنیت و لذت اجتماعی (Sig=۰/۰۰۱، r=۰/۶۱۴) در بین ورزشکاران نوجوان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. پس از بررسی ارتباط بین متغیرهای تحقیق، مدل تحقیق در نرم افزار Amos نسخه ۲۴ اجرا و بر اساس نتایج به دست آمده فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفت:



شکل ۱: مدل تحقیق (در حالت ضرایب رگرسیونی استاندارد شده)

بر مبنای یافته‌های حاصل از مدل معادلات ساختاری و نتایج کلیه بارهای عاملی (ضرایب رگرسیونی استاندارد شده) از مقادیر تی (t) قابل قبولی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برخوردار بودند که این شاخص‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای مشاهده‌ای اندازه‌گیری شده به خوبی انعکاسی از متغیرهای پنهان نفرت‌پراکنی اینترنتی، امنیت و لذت اجتماعی و نگرش رسانه‌های اجتماعی می‌باشند. در شکل ۱ مدل ارتباطی تحقیق در حالت ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (بار عاملی) ارائه شده است. در ادامه شاخص‌های برازش مدل تحقیق به منظور بررسی تأیید یا عدم تأیید مدل ارتباطی گزارش شده است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل ارتباطی تحقیق

شاخص‌های برازش	مقدار مطلوب	مقادیر شاخص‌ها	تفسیر
کای اسکوار (کای دو) ^۱	-	۴۷۵/۷۴۳	-
درجه آزادی ^۲	-	۱۶۳	-
نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (χ^2/df)	کمتر از ۵	۲/۹۱۸	مطلوب
شاخص نیکویی برازش ^۳ (GFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۴۲	مطلوب

1 Chi-Square

2 Degrees of Freedom (df)

3 Goodness of Fit (GFI)

شاخص نیکویی برازش تعدیل شده ^۱ (AGFI)	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۴۰	مطلوب
ریشه دوم میانگین خطای برآورد ^۲ (RMSEA)	کمتر از ۰/۱	۰/۰۸۹	مطلوب
ریشه دوم میانگین مجزورات باقیمانده ^۳ (RMR)	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۴۱	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی ^۴ (CFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳۵	مطلوب
شاخص برازش هنجار شده ^۵ (NFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۴۲	مطلوب
شاخص برازش افزایشی ^۶ (IFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳۵	مطلوب

با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) به عنوان شاخص‌های اصلی برازش مدل بیشتر از ۰/۹ بوده که نشان از تأیید مدل دارد. نسبت کای اسکوآر به درجه آزادی (۲/۹۱۸) کمتر از ۵ بوده که به منظور تأیید مدل تحقیق از مقدار قابل قبولی برخوردار است. همچنین با توجه به اینکه ریشه دوم میانگین خطای برآورد (RMSEA) که در این شاخص مقادیر کمتر یک از قابل قبول به عنوان شاخص مطلوب بودن مدل به شمار می‌رود، مقدار شاخص RMSEA برابر با ۰/۰۸۹ به دست آمده که نشان از برازش قابل قبول مدل دارد. بنابراین با توجه به مقادیر به دست آمده، مدل ارتباطی تحقیق از برازش کافی برخوردار است. در ادامه بر اساس نتایج به دست آمده فرضیات تحقیق بر اساس نتایج حاصل از مدل تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳: نتایج تحلیل مسیر ساختاری (اثر مستقیم)

مسیر بین متغیرها	بار عاملی	مقدار t	سطح معناداری
نفرت پراکنی اینترنتی <--- احساس امنیت و لذت اجتماعی	-۰/۳۱۲	۵/۶۳۴	۰/۰۰۱
نفرت پراکنی اینترنتی <--- نگرش به رسانه‌های اجتماعی	-۰/۲۴۱	۴/۹۹۳	۰/۰۰۱
نگرش به رسانه‌های اجتماعی <--- احساس امنیت و لذت اجتماعی	۰/۴۶۴	۶/۷۹۶	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج (جدول ۴) مشاهده می‌شود که «نفرت پراکنی اینترنتی» بر «احساس امنیت و لذت اجتماعی» با ضریب مسیر ($\beta = -0.31$) و «نفرت پراکنی اینترنتی» بر «نگرش به رسانه‌های اجتماعی» با ضریب مسیر ($\beta = -0.24$)، تأثیر منفی و معناداری دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که «نگرش به رسانه‌های اجتماعی» بر «احساس امنیت و لذت اجتماعی» با ضریب مسیر ($\beta = -0.46$) تأثیر مثبت و معناداری دارد.

1 Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

2 Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

3 Root Mean Squared Residuals (RMR)

4 Comparative Fit Index (CFI)

5 Normed of Fit Index (NFI)

6 Incremental of Fit Index (IFI)

جدول ۴: اثر میانجی نگرش به رسانه‌های اجتماعی در رابطه نفرت پراکنی اینترنتی با احساس امنیت و لذت اجتماعی

ورزشکاران نوجوان

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم
نفرت پراکنی اینترنتی	نگرش به رسانه‌های اجتماعی	احساس امنیت و لذت اجتماعی	۰/۳۱-	۰/۴۹=۰/۷۴*۰/۶۸

بر اساس نتایج (جدول ۵) مشاهده می‌شود که با توجه به حاصل ضرب (۰/۴۶*۰/۲۴-) ضریب مسیر اثر غیرمستقیم نفرت پراکنی اینترنتی از طریق نگرش به رسانه‌های اجتماعی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی برابر با (۰/۱۲=β) بود. بنابراین می‌توان گفت که نفرت پراکنی اینترنتی از طریق نقش میانجی نگرش به رسانه‌های اجتماعی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی ورزشکاران نوجوان اثر منفی معناداری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده بین نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی با احساس لذت و امنیت اجتماعی در بین ورزشکاران نوجوان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج معادلات ساختاری نیز نشان داد که نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر احساس لذت و امنیت اجتماعی در بین ورزشکاران نوجوان است. این نتایج همسو با یافته‌های خواجه نوری و کاوه (۱۳۹۲)، گلدر و همکاران (۲۰۱۹) و آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹) می‌باشد. خواجه نوری و کاوه (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که بین میزان توجه و اعتماد به رسانه‌های داخلی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و یا گلدر و همکاران (۲۰۱۹) بیان کردند که نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی دارای پیامدهای مثبتی برای کاربران می‌باشد. در تبیین نتایج می‌توان بیان کرد که رسانه‌ها با توجه به توسعه کمی و کیفی که یافته‌اند، در عمل می‌توانند هم فرصت و هم تهدیدی برای دوام و قوام فرصت‌ها و تهدیدات اجتماعی باشند که مفهوم امنیت و نظم اجتماعی از جمله آنهاست. در واقع، ایفای نقش اثرگذار رسانه‌های اجتماعی، آنها را به عنوان اثرگذارترین عامل نظم، امنیت اجتماعی، وفاق، همبستگی و مشارکت مردمی درآورده است. رسانه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه‌های سیاسی، امنیتی و همچنین برانگیختن مشارکت افراد در تامین امنیت و نظم اجتماعی ایفا می‌کنند. همچنین می‌توان گفت که افراد از عناصر مختلفی در رسانه‌های اجتماعی برای ابراز وجود استفاده می‌نمایند. اعتقاد بر این است که محیط‌های رسانه‌های اجتماعی فرصت‌های خوداظهاری و شناخت آسان‌تر را از نظر شایستگی اجتماعی فراهم می‌کنند (آتالای^۱، ۲۰۱۴) و این باعث می‌شود ورزشکاران نوجوان از نظر اجتماعی احساس امنیت کنند و از زندگی خود رضایت بیشتری پیدا نمایند؛ به طوری که آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹)

1 Atalay

اشاره داشتند که هر اندازه میزان نگرش نوجوانان نسبت به رسانه‌های اجتماعی مطلوب‌تر باشد، به همان اندازه امنیت اجتماعی و لذت نیز بالاتر می‌رود.

بر اساس نتایج به‌دست آمده بین نفرت پراکنی اینترنتی با احساس لذت و امنیت اجتماعی در بین ورزشکاران نوجوان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج معادلات ساختاری نیز نشان داد که نفرت پراکنی اینترنتی دارای اثر منفی و معنی‌داری بر احساس لذت و امنیت اجتماعی است. این نتایج همسو با پژوهش روباتوم^۱ (۲۰۱۲)، یوسال (۲۰۱۵) و کیپی و همکاران (۲۰۱۷) می‌باشد؛ به طوری که یوسال (۲۰۱۵) در پژوهش خود اشاره داشت که استفاده مشکل‌ساز از فیس بوک با امنیت و شکوفایی اجتماعی یک رابطه منفی داشته است. همچنین کیپی و همکاران (۲۰۱۷) اشاره کردند که نفرت اینترنتی پیامدهای مختلفی بر روی جوانان از جمله رفاه و بهزیستی ذهنی، اعتماد و امنیت، تصویر از خود و روابط اجتماعی دارد. دنتی و همکاران (۲۰۱۲) نیز بیان کردند بین استفاده مشکل‌زا و نادرست از فیسبوک و بهزیستی ذهنی و روانشناختی رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که در معرض قرار گرفتن گفتار نفرت افکن می‌تواند نوجوانان را به انزوا از بحث‌های عمومی آنلاین و آفلاین سوق دهد و به مشارکت مدنی و گفتار آزاد و نیز امنیت اجتماعی آسیب وارد کند. نفرت پراکنی اینترنتی اثرات مخرب بسیاری دارد. قرار دریافت در معرض نفرت پراکنی اینترنتی با طیف وسیعی از نتایج رفتاری منفی ارتباط دارد. به عنوان مثال، به کاهش اعتماد و امنیت اجتماعی، انتقال بین نسلی با ایدئولوژی افراطی، تقویت تبعیض علیه گروه‌های مورد هدف و ترس و خشم در میان اعضای یک گروه می‌توان اشاره نمود. قرار دریافت در معرض این رفتار افراطی نیز با اعمال خشونت‌آمیز مرتبط است که بر روی نظم و امنیت اجتماعی افراد از جمله ورزشکاران نوجوان اثر می‌گذارد. بر اساس نتایج می‌توان گفت ورزشکاران نوجوانی که اینترنت را به عنوان ابزار اجتماعی تلقی می‌کنند و در محیط مجازی احساس امنیت بیشتری دارند، درک «امنیت و لذت اجتماعی» بالاتری نسبت به دنیای واقعی دارند. برعکس چنانچه نفرت پراکنی در اینترنت بیشتر باشد، ورزشکاران نوجوان امنیت و لذت اجتماعی کمتری دارند. بنابراین، اعتقاد بر این است که امنیت اجتماعی و ادراک لذت، عامل مهمی برای نفرت پراکنی اینترنتی می‌باشد. اعتقاد بر این است که اگر اعضای خانواده، معلمان و دوستانی که با نوجوانان ورزشکار در ارتباط اجتماعی هستند، محیطی را فراهم کنند که بتوانند احساس امنیت کنند و سطح رضایت بالاتری داشته باشند تا بدین طریق میزان نفرت پراکنی از اینترنت کاهش یابد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده بین نفرت پراکنی اینترنتی با نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی در بین ورزشکاران نوجوان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج معادلات ساختاری نیز نشان داد که نفرت پراکنی اینترنتی دارای اثر منفی و معنی‌داری بر نگرش نسبت به رسانه‌های اجتماعی است. نتایج تا

حدودی همسو با پژوهش آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹) می‌باشد که در پژوهش خود نشان دادند استفاده نادرست از اینترنت می‌تواند بر روی نگرش کاربران نسبت به رسانه‌های اجتماعی تأثیر منفی بگذارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت هر اندازه میزان نگرش مثبت ورزشکاران جوان نسبت به رسانه‌های اجتماعی بهتر و بالاتر باشد و درک درستی از رسانه‌های اجتماعی داشته باشند، به همان اندازه میزان نفرت، خشونت، آزار و اذیت و مسائلی که مرتبط با نفرت‌پراکنی هستند، کاهش می‌یابد. نفرت پراکنی آنلاین برخی از اقدامات قانونی را که برای رسانه‌های دیگر توضیح داده شده است، ناکارآمد یا نامناسب می‌کند و رویکردهایی را می‌طلبد که بتوانند ماهیت خاص تعاملات فعال شده توسط فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات دیجیتال (ICT) را در نظر بگیرند. خطر تداوم یک توهیت بدون فکر کردن به عواقب احتمالی، با یک تهدید واقعی که بخشی از یک کمپین سیستماتیک نفرت است، وجود دارد (روباتوم، ۲۰۱۲).

بر اساس نتایج مشاهده گردید که نفرت‌پراکنی اینترنتی از طریق نقش میانجی نگرش رسانه‌های اجتماعی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی ورزشکاران نوجوان اثر منفی معناداری دارد. این نتایج همسو با یافته یوسال (۲۰۱۵) و ساوسی و همکاران (۲۰۲۰) و آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹) می‌باشد. آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که نگرش رسانه‌های اجتماعی دارای یک نقش میانجی در رابطه بین استفاده مشکل‌زا و نادرست از اینترنت و امنیت اجتماعی و لذت در بین نوجوانان می‌باشد. در همین زمینه آتالای (۲۰۱۴) بیان کرد که نوجوانانی که از رسانه‌های اجتماعی برای ابراز خود استفاده می‌کنند، دارای سطح بالایی از امتیازات صلاحیت و شایستگی اجتماعی هستند. یوسال (۲۰۱۵) نیز نشان داد که اعتیاد به فیس بوک نقش واسطه‌ای بر شادی و رفاه ذهنی دارد. طبق نظر باراکتوتان^۱ (۲۰۰۵)، محیط اینترنت محیطی را فراهم می‌کند که در آن کاربران می‌توانند از مشکلات زندگی واقعی دور شوند، بدون تحقیر یا قضاوت، خود را ابراز کنند، فضایی برای خود در بستر مجازی ایجاد کنند و احساس آزادی و کنترل به دست آورند. ازین رو می‌توان بیان کرد چنین فرصت‌هایی که توسط اینترنت ارائه می‌شود ممکن است باعث استفاده مشکل‌ساز از اینترنت و ایجاد نفرت پراکنی در آن شود. همچنین ورزشکارانی که نگرشی مثبتی نسبت به رسانه‌های اجتماعی دارند می‌توانند امنیت و لذت اجتماعی را بهبود بخشند؛ به طوری که آکپینار آیدوگموس و اوزدن یلدریم (۲۰۱۹) در پژوهش خود اشاره کردند که نگرش مثبت یا منفی نوجوان، امنیت اجتماعی و لذت، نقش استفاده مشکل‌زا از اینترنت را نمایان می‌کند. بر اساس استنباط‌های یاد شده می‌توان گفت نگرش ورزشکاران نوجوان به رسانه‌های اجتماعی می‌تواند نقش جزئی در رابطه بین نفرت‌پراکنی اینترنتی و امنیت و لذت اجتماعی ایفا نماید. در نتیجه این مطالعه، مشخص شد که نفرت‌پراکنی اینترنتی با نگرش رسانه‌های اجتماعی و امنیت و لذت

اجتماعی رابطه معنی‌داری دارد. اعتقاد بر این است که همانطور که کارشناسان، امنیت و لذت اجتماعی و نگرش رسانه‌های اجتماعی ورزشکاران نوجوان را در تحقیقات و مطالعات آتی در مورد نفرت پراکنی اینترنتی بررسی می‌کنند، می‌توان اثرات بیش از اندازه اینترنت و نیز نفرت پراکنی اینترنتی را کاهش داد یا از بین برد و از بروز مجدد آن کاست. با در نظر گرفتن شرایط محیطی نوجوانی ممکن است بر شکل‌گیری نفرت پراکنی اینترنتی تأثیر بگذارد. ازین رو، مطالعات آینده ممکن است مدل‌هایی را در مورد تأثیر عوامل محیطی بر نفرت پراکنی اینترنتی آزمایش کنند.

با در نظر گرفتن شرایط محیطی، نوجوانی و ورزشکار بودن ممکن است تأثیری بر شکل‌گیری رفتار نادرست نفرت پراکنی اینترنتی داشته باشد. مطالعات آینده ممکن است مدل‌هایی را در رابطه با تأثیر عوامل محیطی آزمایش کنند. بر این اساس، امنیت و لذت اجتماعی به عنوان درک دنیای اجتماعی به عنوان امن، گرم و آرامش بخش تعریف می‌شود. وقتی فرد احساس امنیت اجتماعی می‌کند، نیاز کمتری به دفاع (فعالیت سیستم تهدید) یا رقابت برای به دست آوردن منابع (فعالیت سیستم رانده) دارد. فرض بر این است که ورزشکارانی که در محیط‌های اولیه خود گرمای کافی را تجربه نمی‌کنند، ممکن است یک سیستم تسکین دهنده نابالغ یا کمتر بالغ داشته باشند که منجر به مشکلاتی در احساس امنیت و آرامش می‌شود. گیلبرت (۲۰۰۹) معتقد است که مشکل در دستیابی به امنیت اجتماعی آسیب‌پذیری فراتشخیصی در طیفی از مشکلات روانی است. بر اساس مکانیسم توضیح امنیت و لذت اجتماعی اعتقاد بر این است که از آنجا که ورزشکاران نوجوان با سطح امنیت اجتماعی پایین‌تر، احساس گرما و امنیت در روابط اجتماعی خود ندارند، ممکن است در درک، جستجو و/یا اعتماد به شفقت دریافتی از دیگران شکست بخورند.

مشخص است که شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت کمپین‌های جذابی را برای افزایش درصد استفاده از اینترنت ارائه می‌دهند. با چنین کمپین‌هایی، افزایش درصد استفاده از اینترنت طبیعی است. بنابراین توصیه می‌شود هدف و میزان استفاده در محیط‌هایی مانند مدرسه، خانواده و کافی نت که از اینترنت شخصی استفاده می‌شود، کنترل گردد. ارائه مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی یا ورزش تا نوجوانی همراه با فعالیت‌های راهنمایی می‌تواند از تبدیل شدن مشکل‌ساز استفاده از اینترنت به بازی‌های دیجیتال و عادات‌های تعامل با رسانه‌های اجتماعی و نیز ایجاد نفرت پراکنی اینترنتی جلوگیری کند. از آنجا که فرد در دوران نوجوانی نیازهای حمایتی را از خانواده، دوستان و محیط مدرسه دریافت می‌کند و فعالیت‌های اجتماعی ناکافی در این زمینه‌ها، جلوگیری از نفرت پراکنی اینترنتی را سخت‌تر می‌کند، لازم است با پشتیبانی حرفه‌ای به ویژه حمایت عاطفی خانواده و آموزش‌های درست و نیز انجام ورزش به صورت اصولی و پرکردن اوقات فراغت با ورزش بتوان در این مسیر درست گام برداشت.

پژوهش حاضر با محدودیت هایی نیز همراه بود که مهمترین آنان نبود مطالب و پژوهش های مرتبط با نفرت پراکنی اینترنتی بوده است. همچنین پژوهش محدود به ورزشکاران نوجوان شهر تهران بوده است که لازم است در این زمینه تعمیم نتایج با احتیاط صورت گیرد. در مطالعات آتی، این مطالعه می تواند در شهرهای مختلف اعمال شود و شرکت کنندگان ممکن است از بین ورزشکاران رشته های مختلف و یا از بین عموم افراد دبستان، دبیرستان و دانشگاه انتخاب شوند.

پیشنهاد می گردد دولت ها به جای مقابله با نفرت پراکنی و نقش کنترلی، به دنبال آموزش قربانیان این مسئله و اطلاع یابی آنان از حقوقشان باشند. با توجه به نتایج به دست آمده، تلاش در جهت آگاه سازی و آموزش مخاطبان اهمیت فراوان دارد. آموزش به مخاطبان و ورزشکاران این امکان را فراهم می کند تا مخاطبان به گیرندگان منفعل و پذیرنده تبدیل نشوند و قدرت تجزیه و تحلیل محتوای رسانه را داشته باشند. در این صورت رسانه های جمعی نمی توانند به راحتی وارد حریم ذهن مخاطب شوند و آن را آنگونه که خود می خواهند تغییر دهند؛ البته این اقدام در پرتو جلب اعتماد مخاطبان به رسانه های داخلی تأثیرگذار است.

همچنین پیشنهاد می شود که در برنامه های تلویزیونی، برنامه ای تخصصی و گفت و گو محور، در باب نفرت پراکنی های اینترنتی با حضور کارشناسان اجتماعی، جامعه شناسی، روانشناسی و... برگزار شود تا به تعمیق و کنکاش در باب این پدیده بپردازند و اطلاعات کارشناسانه آنها در نزد مخاطبان صداوسیما قرار گیرد. یکی از مهمترین راهبردهای مبارزه با گفتار نفرت پراکنی آنلاین، تعدیل کردن محتوایست که شامل ممنوع کردن حساب های کاربری یا اجتماعی است که از شرایط استفاده از خدمات سکوها یا قواعد بیان شده تخلف می کنند.

منابع

- خواجه نوری، بیژن و کاوه، مهدی. (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه بین مصرف رسانه ای و احساس امنیت اجتماعی». پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. ۲(۲)، صص ۵۷-۷۸.
- گل محمدی، لیلا. (۱۳۹۷). «تأثیر نگرش و استفاده از رسانه های اجتماعی بر فروش با تأکید بر نقش یادگیری در شرکت های بیمه خصوصی شهر سنندج». پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، پردیس دانشگاه کردستان.
- هاشمیان فر، سیدعلی؛ دهقانی، حمید و اکبرزاده، فاطمه. (۱۳۹۲). «تأثیر دین داری و رسانه های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان». پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. ۲(۱)، صص ۵۳-۷۲.
- Ahmet, A., Uysal, R., & Çitemel, N. (2012). "Sosyal güvende hissetme ve memnuniyet ölçeğinin türkçe formunun geçerlik ve güvenirlik çalışması". Mersin Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi, 9(1), 34-40.
- Akpinar Aydoğmuş, Nur, E., Özden Yildirim, & Seray, M. (2019). "A mediator role of social media attitudes on the relationship of problematic internet use with social safeness and pleasure in adolescents". Trakya University Journal of Social Science, 21(1).
- Alavi, K., Asghari Moghadam, M. A., Rahiminezhad, A., Farahani, H., & Modares Gharavi, M. (2016). "Psychometric properties of social safeness and pleasure scale (SSPS)". Journal of fundamentals of mental health, 19(1), 5-13.
- Amichai-Hamburger, Y., & Barak, A. (2009). *Internet and well-being*. Cambridge University Press.

- Atalay, R. (2014). "Lise öğrencilerinin sosyal medyaya ilişkin tutumları ile algıladıkları sosyal destek düzeyleri arasındaki ilişki (Bahçelievler ilçesi örneği)". Yayınlanmamış yüksek lisans tezi, Marmara Üniversitesi, Eğitim Bilimler Enstitüsü, İstanbul.
- Çetin, A. B. (2015). "Ergenlerin internet ve problemli internet kullanım davranışlarının bazı psiko-sosyal özellikler açısından incelenmesi". Anadolu University (Turkey)].
- Depue, R. A., & Morrone-Strupinsky, J. V. (2005). "A neurobehavioral model of affiliative bonding: Implications for conceptualizing a human trait of affiliation". Behavioral and Brain Sciences, 28(3), 313-349.
- Gagliardone, I., Gal, D., Alves, T., & Martinez, G. (2015). Countering online hate speech. Unesco Publishing.
- Gilbert, P. (2015). "An evolutionary approach to emotion in mental health with a focus on affiliative emotions". Emotion Review, 7(3), 230-237.
- Gilbert, P., McEwan, K., Hay, J., Irons, C., & Cheung, M. (2007). "Social rank and attachment in people with a bipolar disorder". Clinical Psychology & Psychotherapy, 14(1), 48-53.
- Gilbert, P., McEwan, K., Mitra, R., Richter, A., Franks, L., Mills, A., Bellew, R., & Gale, C. (2009). An exploration of different types of positive affect in students and patients with bipolar disorder.
- Golder, S., Scantlebury, A., & Christmas, H. (2019). "Understanding public attitudes toward researchers using social media for detecting and monitoring adverse events data: multi methods study". Journal of medical Internet research, 21(8), e7081.
- Griffiths, M. (2000). "Internet addiction: fact or fiction?" The Psychologist, 12 (5); 246-251. In.
- Johnson, N. F., Leahy, R., Restrepo, N. J., Velasquez, N., Zheng, M., Manrique, P., Devkota, P., & Wuchty, S. (2019). "Hidden resilience and adaptive dynamics of the global online hate ecology". Nature, 573(7773), 261-265.
- Keipi, T., Näsi, M., Oksanen, A., & Räsänen, P. (2016). Online hate and harmful content: Cross-national perspectives. Taylor & Francis.
- Kemp, D. (2019). "Digital around the world in 2019". From: <https://wearesocial.com/global-digital-report-2019>
- Lennings, C. J., Amon, K. L., Brummert, H., & Lennings, N. J. (2010). "Grooming for terror: The Internet and young people. Psychiatry". Psychology and Law, 17(3), 424-437.
- McKenna, K. Y., & Bargh, J. A. (2000). "Plan 9 from cyberspace: The implications of the Internet for personality and social psychology". Personality and social psychology review, 4(1), 57-75.
- Mikami, A. Y., Szwedo, D. E., Allen, J. P., Evans, M. A., & Hare, A. L. (2010). "Adolescent peer relationships and behavior problems predict young adults' communication on social networking websites". Developmental psychology, 46(1), 46.
- O'Regan, C. (2018). "Hate speech Online: An (intractable) contemporary challenge?" Current Legal Problems, 71(1), 403-429.
- Otrar, M., & Argin, F. S. (2015). "Öğrencilerin sosyal medyaya ilişkin tutumlarını belirlemeye yönelik bir ölçek geliştirme çalışması". Eğitim ve Öğretim Araştırmaları Dergisi, 4(1), 391-403.
- Pacheco, E., & Melhuish, N. (2018). "Online hate speech: a survey on personal experiences and exposure among adult New Zealanders". Available at SSRN 3272148.
- Rowbottom, J. (2012). "To rant, vent and converse: Protecting low level digital speech". The Cambridge Law Journal, 71(2), 355-383.
- Savci, M., Akat, M., Ercengiz, M., Griffiths, M. D., & Aysan, F. (2020). "Problematic social media use and social connectedness in adolescence: the mediating and moderating role of family life satisfaction". International Journal of Mental Health and Addiction, 1-17.
- Sayimer, İ. (2008). Sanal ortamda halkla ilişkiler. Beta.
- Scott, D. M. (2015). The new rules of marketing and PR: How to use social media, online video, mobile applications, blogs, news releases, and viral marketing to reach buyers directly. John Wiley & Sons.
- Subrahmanyam, K., & Lin, G. (2007). "Adolescents on the Net: Internet use and well-being". adolescence, 42(168).

- Thompson, S. H., & Lougheed, E. (2012). "Frazzled by Facebook? An exploratory study of gender differences in social network communication among undergraduate men and women". College student journal, 46(1), 88-99.
- Treem, J. W., Dailey, S. L., Pierce, C. S., & Biff, D. (2016). "What we are talking about when we talk about social media: A framework for study". Sociology Compass, 10(9), 768-784.
- Tsai, C.-C., Lin, S. S., & Tsai, M.-J. (2001). "Developing an Internet attitude scale for high school students". Computers & Education, 37(1), 41-51.
- Tuncer, N. (2001). "İnternet: Çocuklar ve yasalar". Türk Kütüphaneciliği, 15(4), 427-435.
- Tynes, B. M., Giang, M. T., Williams, D. R., & Thompson, G. N. (2008). "Online racial discrimination and psychological adjustment among adolescents". Journal of adolescent health, 43(6), 565-569.
- Uysal, R. (2015). "The predictive roles of social safeness and flourishing on problematic Facebook use". South African Journal of Psychology, 45(2), 182-193.

شناسایی شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

ندا سعیدنیا^۱

سید حمید سجادی هزاوه^۲

فریده اشرف گنجویی^۳

جاسم منوچهری^۴



10.22034/SSYS.2022.2066.2474

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۶

رعایت اصول فرهنگی و اخلاقی در ورزش امری ضروری است که می‌تواند از بسیاری ناهنجاری‌های اخلاقی در محیط‌های ورزشی جلوگیری کند. از این رو، هدف پژوهش حاضر، شناسایی شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران بود. روش تحقیق کیفی (نظریه داده‌بنیاد) و ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه عمیق و نیمه ساختارمند بود. پس از انجام ۲۰ مصاحبه با صاحب‌نظران (اعضای هیئت علمی دانشگاه، مدیران ورزشی، معاونان و مدیران وزارت ورزش و جوانان، مدیران آکادمی و کمیته ملی المپیک، روسای فدراسیون‌های ورزشی، روسای کمیته انضباطی ورزش، شورای عالی فرهنگی وزارت ورزش و جوانان و کمیته اخلاق در ورزش) کدها به حد اشباع نظری رسیدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان و با استفاده از رویکرد گلیزر (۱۹۷۸) صورت گرفت. با انجام فرایند کدگذاری دو مرحله‌ای (باز و انتخابی) در نهایت برای خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران تعداد ۱۰۸ کد اولیه غیرتکراری به دست آمد که در قالب ۱۷ مقوله طبقه‌بندی شد. همچنین برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در ورزش ایران تعداد ۶۳ کد اولیه غیرتکراری به دست آمد که در قالب ۱۴ مقوله فرعی و چهار مقوله اصلی (۱) عوامل بازدارنده، (۲) عوامل تسهیل‌کننده، (۳) عوامل توسعه‌دهنده و (۴) پیامدها دسته‌بندی شدند.

نتایج حاصل از کدگذاری‌ها نشان داد که خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران بر مبنای عوامل مختلفی قرار دارد. با توجه به نتایج به دست آمده به مدیران و مسئولان ورزش پیشنهاد می‌شود با برگزاری همایش‌های علمی ورزشی همراه با پیوست فرهنگی، دستیابی به شیوه‌های نوین ترویج و توسعه

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

E-mail: Hamidsadjadi@gmail.com

ایران (نویسنده مسئول)

۳ دانشیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رفتارهای حرفه‌ای و مناسب در میادین بزرگ ورزشی را به ورزشکاران، مربیان و داوران آموزش دهند- این راهکار می‌تواند تا حد زیادی از ناهنجاری‌ها بکاهد.

واژگان کلیدی: اخلاق در ورزش، فرهنگ در ورزش، تکریم فرهنگ‌ها، بازی منصفانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

مقدمه

به نظر بیشتر بزرگان علم مدیریت، تصمیم گیری، جوهره اصلی مدیریت را تشکیل می دهد. این تصمیمات است که آینده یک سازمان را رقم می زند و به طور مستقیم در بقا یا ناکامی سازمان، نقش آفرینی می کند. در این میان، خط مشی، تأثیرات بلند مدت بسزایی در تعیین مسیر یک سازمان و دستیابی یا عدم دستیابی آن به اهداف و آرمان هایش دارد (الوانی، ۱۳۹۵). یک خط مشی گذاری ضعیف در حوزه سرمایه انسانی به انتخاب مسیر یا اولویت گذاری منجر خواهد شد که تا چندین دهه ممکن است آثار و تبعات آن دامان سازمان را بگیرد یا اصولاً آثار و پیامدهای منفی آن در آینده بسیار دور و در بزنگاه های حساس آتی رخ نمایم کرده، مأموریت و رسالت سازمان را به انحراف بکشاند (دای^۱، ۲۰۱۱).

امروزه ارائه الگویی خاص برای خط مشی گذاری که قادر باشد در شرایط متغیر و متحول، پاسخگو و کارساز باشد، عملی نیست (لورنسو و کاستا^۲، ۲۰۰۷). در چنین موقعیتی باید به دنبال الگوهایی بود که در مقابل شرایط متغیر امروز بتوانند از طریق تلفیق و ترکیب و با انعطاف پذیری کافی، به نیازهای جامعه پاسخی مناسب بدهند (کاتو و بودوار^۳، ۲۰۱۵). عصر حاضر، عصر پیچیدگی و مسائل پیچیده است و برای شناسایی و حل مسائل، راه های مختلف بررسی می شوند. از این رو، دستگاه های اجرایی و سازمان های دولتی در جستجوی راه حلی برای مسائل جامعه اند (هنینگسن، هاگونسن و لایلند^۴، ۲۰۱۷). تعدد متغیرهای مؤثر بر خط مشی ها و نرخ بالای تغییر آنها که متأثر از شرایط جدید جهان است، سبب خواهد شد خط مشی گذاران نتوانند درک صحیحی از پیامدهای اقدامات کلان خود در سازمان و جامعه داشته باشند (ابوالحسنی و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، سیاست گذاری منابع انسانی، نیازمند طراحی الگویی مناسب است؛ الگویی کارآمد که شیوه سیاست گذاری منابع انسانی را با دقت بیشتری نشان دهد (پورعزت و رحیمیان، ۱۳۹۱). در این میان، خط مشی گذاری فرهنگی یکی از ابعاد مهم خط مشی گذاری در سازمان ها می باشد و بر اساس فرهنگ های موجود در جامعه و سازمان انجام می شود. امروزه اهمیت فرهنگ بر همگان روشن است و بیشتر اندیشمندان اجتماعی به تأثیر آن بر سایر جنبه های زندگی بشر توجه کرده اند (هدلی و بلغور^۵، ۲۰۱۸). حتی در دوره های اخیر، در میان اندیشمندان مارکسیست نیز فرهنگ از اهمیت بالایی

1 Dye

2 Lourenço & Costa

3 Katou & Budhwar

4 Henningsen, Håkonsen & Løyland

5 Hadley & Belfiore

برخوردار بوده است (الگین و ویبل^۱، ۲۰۱۳). بی‌تردید، لازمه بقا و پویایی نظام سیاسی - اجتماعی، توجه به فرهنگ، سیاست‌گذاری فرهنگی و هویت فرهنگی - تاریخی است که عمیق‌ترین لایه نظام اجتماعی در تحولات و رفتارهای اجتماعی هستند (هاولت، مک کانل و پرل^۲، ۲۰۱۶). تاربخ صد ساله اخیر ایران شاهی بر اهمیت فرهنگ و تأثیر آن بر میزان موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی است. سیاست‌گذاری فرهنگی به پژوهش در زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی ایرانیان نیاز دارد و باید مبتنی بر بررسی و تحلیل‌های عمیق فرهنگی باشد. با توجه به حساسیت و گسترش روزافزون ارتباطات و چالش‌های دنیای مدرن، دولت‌ها باید بتوانند در امر سیاست‌گذاری‌های کلان به درستی برنامه‌ریزی کنند و چنانچه دولت در نقش و کارکرد خود در زمینه فرهنگی دچار اشتباه و ضعف شود، این مسئله می‌تواند عوارض جبران‌ناپذیری را به جامعه تحمیل کند و حیات فرهنگی آن را دچار اختلال و بحران‌های مهلک سازد (مختاریان‌پور، ۱۳۹۶). در ورزش نیز عوامل فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است و مسائل فرهنگی در بخش‌های مختلف راهبردی و عملیاتی از چالش‌های مهم ورزش ایران می‌باشد و پیاده‌سازی فرهنگ ایرانی اسلامی در ورزش از دغدغه‌های اصلی متخصصان ورزش بوده است (گرانث، ۱۳۹۲). با توجه به ماهیت اجرایی و مدیریتی غیر بومی ورزش و تفاوت‌های فرهنگی بین کشورمان و کشورها و سازمان‌های متولی ورزش بین‌المللی چالش‌های متعددی در زمینه مسائل فرهنگی در ورزش ایجاد شده است و نیاز به ارائه الگوها و خط‌مشی‌های مناسب در این زمینه دیده می‌شود؛ چنان‌که لازم است تا الگوی فرهنگی برای ورزش ایران تدوین گردد که هم پوشش دهنده مسائل فرهنگی و نیازهای فرهنگ کشور باشد و هم فاقد تداخل با سازمان‌های بین‌المللی ورزش و قوانین بین‌المللی رشته‌های ورزشی باشد. نیاز به الگویی جامع در ورزش کشور کاملاً مشهود است (صداقت زادگان، ۱۳۹۴). هرچند در این زمینه پژوهشگران مطالعاتی انجام داده‌اند، اما نیازمند توجه ویژه است. عابدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی ابعاد و رویکردهای توسعه فرهنگی ورزش و عوامل موثر بر آن در ورزش کشور پرداختند. یافته‌ها نشان داد از مجموع ۱۳۵ گزاره کدگذاری شده، ۲۳ مقوله به عنوان عوامل موثر در قالب سه رویکرد (۱) رواج و مشارکت در ورزش؛ (۲) توسعه ارزش، اخلاق و هویت بومی و ملی در ورزش و (۳) ورزش به عنوان ابزار و هدف توسعه، شناسایی و دسته‌بندی شدند. همچنین منوچهری - نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به شناسایی عوامل موثر بر نهادهای سازی فرهنگ ورزش در کودکان و نوجوانان پرداختند. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، ۶ عامل می‌تواند ۴۹ درصد واریانس نهادهای سازی ورزش در کودکان و نوجوانان از دیدگاه معلمان تربیت‌بدنی ایران را برآورد نمایند. بنابراین ضروری است عوامل موثر بر نهادهای سازی فرهنگ ورزش در کودکان و نوجوانان مورد توجه خانواده‌ها و برنامه‌ریزان ورزش

1 Elgin & Weible

2 Howlett, McConnell & Perl

کشور قرار گیرد. کشگر و همکاران (۱۳۹۵) فرهنگ ورزش را مجموعه باورها و مفروضات انسانی مورد انتظار جامعه در ورزش و رفتار بر اساس ارزش ها و هنجارهای مطلوب جامعه شامل رفتار محترمانه با رعایت اخلاق و تکریم فرهنگ سایر ملل و اقوام و ایجاد عادت به ورزش از طریق مدیریت منابع برای خلق شرایط و امکانات ورزش کردن و نمایش نموده های ملموس زیبایی شناختی و هنرمندانه به عنوان مصنوعات ورزش در جامعه تعریف کرده اند. بر اساس «طرح جامع ورزش کشور» (۱۳۸۲) مفهوم توسعه فرهنگ ورزش به عنوان رواج ورزش در جامعه و بحث اخلاق ورزشی تعریف شده است. در این راستا قلی زاده و سید صالحی (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «نقش برنامه های شبکه ورزش در ارتقای فرهنگ ورزشی زنان» انجام داده و بر تأثیر مثبت رسانه ها بر روی تغییر نگرش و رفتار مردم نسبت به ورزش کردن به عنوان توسعه فرهنگ ورزش تأکید داشته اند. همچنین، هنری و همکاران (۱۳۹۱) نقش چهارگانه اطلاع رسانی، آموزش، مشارکت اجتماعی و فرهنگ سازی رسانه های ورزشی را در توسعه فرهنگ ورزش قهرمانی مورد بررسی قرار داده اند. دی بوچر و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، ساتیرادو و شیلبری^۲ (۲۰۰۹) و جوادی پور (۱۳۹۴) نیز توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای همچنین آصفی و همکاران (۱۳۹۳)، عراقی و کاشف (۱۳۹۳) و شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹) توسعه ورزش همگانی را به عنوان توسعه فرهنگ ورزش بررسی کرده اند. گودرزی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده اند. ایرج پور و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی نقش رسانه های جمعی در توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه ای کشور»، توسعه فرهنگی ورزش را به عنوان توسعه مؤلفه ها و رواج ورزش در نظر گرفته اند. در این راستا عبدوی و فخری (۱۳۹۰) نیز بر نقش رسانه در اوقات فراغت زنان و مشارکت در ورزش به عنوان توسعه فرهنگ ورزش پرداخته اند. همچنین نتایج مطالعات خسرومنش و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد در حال حاضر خانواده، دوستان و نهادهای اجتماعی، جامعه پزشکی، وزارت ورزش و جوانان و رسانه ملی در ترویج فرهنگ ورزش در جامعه نقش معناداری دارند، ولی مدیران دولتی و سیاستمداران، رهبران و علمای مذهبی، هنرمندان، ورزشکاران نخبه و افراد مشهور در ترویج فرهنگ ورزش منفعل هستند. با توجه به یافته ها ضرورت دارد مدیران ورزشی به منظور استفاده از پتانسیل فرهنگ سازان مختلف جهت ترویج فرهنگ ورزش، راهکارهایی را شناسایی و اجرا نمایند (خسرومنش و همکاران، ۱۳۹۷).

یکی از عواملی که می تواند با فرهنگ عجین شود، اخلاق است. مقوله اخلاق به عنوان یک رکن مهم در توسعه فرهنگی ورزش همواره مورد توجه بوده است. (برقی مقدم، رسولی و نکوفر، ۱۳۹۶). می توان

1 De Bossche et al.

2 Sotiriadou & shilbury

اظهار داشت که مسائل اخلاقی بسیار حائز اهمیت اند و موضوع اخلاق و راهبردهای اخلاقی با مسائل فرهنگی همپوشانی‌هایی داشته ولی در جایگاه خود باید مورد بررسی و ارزیابی‌های عمیق قرار گیرند. امروزه ورزش در زندگی مردم دنیا نقش مهمی دارد. میلیون‌ها نفر به آن اشتغال دارند و چندین برابر آن نیز تماشاگر و طرفدار برنامه‌های مختلف ورزشی‌اند. ورزش در مواردی نیز استحکام بخش وحدت ملی و اجتماعی جوامع بوده و فضایل و رذایل رایج در آن منعکس کننده فضایل و رذایل حاکم بر آن جامعه است. اغلب این باور وجود دارد که ورزش موجب بهینه شدن شخصیت و اخلاق افراد می‌شود یا به عبارتی ورزش باعث پیشبرد همکاری، شهامت، کار تیمی، انصاف، مسئولیت و قدرت کنار آمدن با شرایط بحرانی اخلاقی می‌شود (هولیان^۱، ۲۰۰۲). در مورد فرهنگ و اخلاق ورزشی مطالعاتی انجام شده است، اما این مطالعات با توجه به اهمیت و جایگاه فرهنگ و اخلاق ورزشی اندک می‌باشد. علایی، مختاری دینانی و رضایی پندری (۱۳۹۸) نشان دادند که مهم‌ترین معیار توسعه اخلاق حرفه‌ای در مربیان زن تیم ملی عوامل دسته‌بندی‌شده در معیار شخصی است و در بین کل عوامل شناسایی‌شده، داشتن شناختی کامل از خود مهم‌ترین عامل است. یافته‌های حجب‌پور و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد بین انگیزه خودتعیینی و اخلاق ورزشی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. دیویس و والتون^۲ (۲۰۱۹) به این نتایج دست یافتند که با توجه به اینکه فرآیند آموزش اخلاق یکی از مسائل مهم می‌باشد، باید مدیران و مسئولان نسبت به این امر چاره‌ای اندیشیده و اخلاق حرفه‌ای را به عنوان یک واحد درسی جداگانه برای ورزشکاران تعریف کنند. همچنین نتایج مطالعات برگسگارد و روممتد^۳ (۲۰۱۸) حاکی از آن بود که ورزش اغلب به‌عنوان یک تصویر، آینه‌ای از توسعه‌ها و پیشرفت‌ها در جامعه شناخته می‌شود (برگسگارد و روممتد، ۲۰۱۸).

با توجه به مطالعات انجام شده می‌توان اذعان داشت که در این تحقیقات بر عواملی از جمله تولید و تقویت نظام ارزش‌های اجتماعی، رقابت قاعده‌مند، درونی کردن هنجارها، توسعه اخلاقی، مدیریت چالش‌های اخلاقی در ورزش (جوانمرد ونوابخش، ۱۳۹۳)، انتقال ارزش‌های اخلاقی در ورزش، ترغیب ورزشکاران نخبه به رعایت اصول اخلاقی و آموزش اصول اخلاقی (نادریان، ۱۳۹۲) تاکید شده است. «شورای عالی انقلاب فرهنگی» (۱۳۹۵) نیز بر تقویت و ارتقای روحیه پهلوانی و پاسداشت ارزش‌های معنوی و اخلاقی، ارتقای فرهنگ حاکم بر ورزشگاه‌ها و مسابقات ورزشی، ارتقای کیفی و تقویت رویکردهای فرهنگی و اخلاقی رسانه‌ای ورزش کشور، مبارزه ساختارمند با ناهنجاری‌های اخلاقی و فرهنگی و ترویج اخلاق و منش پهلوانی برای توسعه فرهنگی ورزش تأکید کرده است. همچنین، ندایی و همکاران (۱۳۹۳) پرخاشگری ورزشی، دوپینگ، تبانی، نژاد پرستی، تقلب و بازی غیرمنصفانه را از چالش‌های اخلاقی ورزش بیان کرده‌اند

1 Houlihan

2 Davis & wallton

3 Bergsgard & Rommetvedt

(ندایی و همکاران). بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده به نظر می رسد آنچه در زمینه اخلاق در ورزش حائز اهمیت است این می باشد که در ابعاد مختلف ورزش نیاز به خط مشی های متفاوتی وجود دارد و باید خط مشی های جامعی برای ورزش در هر جامعه تدوین شود تا اصول و موازین اخلاقی برای مدیران، مربیان، کادر خدمات تیم ها و بازیکنان در رده های سنی مختلف ارائه شود- البته در خط مشی های اخلاقی در هر جامعه باید تفاوت های موجود در نظر گرفته شود. بچارشولم و همکاران¹ (۲۰۱۸) بیان کرد که رویکردهای اخلاقی و ارائه مدل های اخلاقی در بخش های مختلف ورزش تاکنون به صورت خرد ارائه شده اند (بچارشولم و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین ورزش به عنوان یک موضوع مهم اخلاقی و فرهنگی که مبنای بسیاری از رفتارها و الگوهای اجتماعی است، نقش مهمی را در توسعه جامعه به خود اختصاص داده است، زیرا پیامدهای این پدیده علاوه بر دستاوردهای آشکار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بسیاری از زوایایی پنهان عرصه های ملی و فراملی راه گشا بوده و زمینه های شکوفایی جامعه را فراهم می سازند. ارزیابی وضعیت فرهنگی ورزش بر اساس شاخص ها و معیارهای سه گانه رهنمودهای امام (ره) و رهبری، سیاست های فرهنگی و برنامه های توسعه حاکی از آن است که در سطوح مختلف ورزش حرفه ای، قهرمانی و همگانی و اجرای برنامه ها به ویژه جنبه فرهنگی ورزش چالش های عمیقی وجود دارد و تدوین و تصویب مهندسی فرهنگی ورزش مبتنی بر اصول و ارزش های اسلامی در چارچوب مهندسی کلان فرهنگی کشور برای برون رفت از این مشکلات و ناهنجاری های فرهنگی و ورزشی می تواند بسیار مفید و راهگشا باشد. از طرفی محدودیت هایی که در زمینه خط مشی های اخلاقی و فرهنگی در ورزش وجود دارد نیز نشان می دهد تا کنون تحقیقاتی که به طور جامع خط مشی های اخلاقی و فرهنگی ورزش ایران را ارائه نمایند انجام نشده اند. از این رو، لازم است تحقیقات لازم در این زمینه صورت گیرد تا الگوهای فرهنگی و اخلاقی برای ورزش ایران به طور همه جانبه تدوین گردد. پس سوال اصلی پژوهش این خواهد بود: شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران کدام اند؟

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش، کیفی از نوع نظریه داده بنیاد بود. به همین منظور رویکرد سیستماتیک از میان رویکردهای مختلف نظریه داده بنیاد انتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. مصاحبه با برخی سئوالات توصیفی همچون: سن، سابقه فعالیت و همچنین شناخت دقیق از سمت یا جایگاه مصاحبه شوندگان آغاز و در ادامه سئوالات اصلی پژوهش پرسیده شد و در پایان نیز با یک سوال باز خاتمه می یافت. مدت زمان مصاحبه بین ۴۰ الی ۸۰ دقیقه بود. جهت ثبت اطلاعات، علاوه بر نکته برداری، از دستگاه ویژه ضبط صدا نیز استفاده گردید. تعداد ۸ نفر از مصاحبه شوندگان به شکل هدفمند و با توجه به شناخت

تیم تحقیق و مطالعه و بررسی مقالات و پژوهش‌های علمی و تعداد ۱۲ نفر هم به شیوه گلوله برفی و با معرفی گروه اول انتخاب شدند. در جریان تحقیق سعی شده با ایجاد تنوع در نمونه‌ها و دقت در روند پژوهش و انتخاب مشارکت‌کنندگان روایی پژوهش از نظر «مقبولیت»^۱ «انتقال پذیری»^۲ و «تأییدپذیری»^۳ رعایت شود. همچنین از پایایی بازآزمون استفاده شد؛ بدین شکل که ۳ مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب و هر مصاحبه توسط یک نفر متخصص مدیریت ورزشی آشنا به حیطه بازاریابی کُدهای می‌گذاردی مجدد شدند. کدهایی که بین دو کدگذار با هم مشابه بودند به عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه به عنوان «عدم توافق» مشخص شدند و پایایی معادل ۸۱ درصد گزارش گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و بلافاصله پس از هر مصاحبه و در قالب کدگذاری دومرحله‌ای باز^۴ و گزینشی^۵ انجام شد. در این پژوهش پژوهشگر سعی نموده است بر اساس نظرات صاحب‌نظران از پدیده مورد مطالعه (خط مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران): عوامل بازدارنده، عوامل تسهیل‌کننده، عوامل توسعه‌دهنده و پیامدها را استخراج کند و در بخش بحث و نتیجه‌گیری به بررسی گسترده‌تر هر یک از مقوله‌ها بپردازد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: مشخصات نمونه‌های بخش کیفی

ردیف	تخصص	سمت	مدرک تحصیلی	جنسیت	سن
۱	مدیریت ورزشی	هیئت علمی دانشگاه	دکتری	مرد	۵۵
۲	مدیریت ورزشی	هیئت علمی دانشگاه	دکتری	مرد	۶۰
۳	فقه و حقوق	هیئت علمی دانشگاه	دکتری	مرد	۵۸
۴	جامعه‌شناسی	هیئت علمی دانشگاه	دکتری	زن	۵۱
۵	جامعه‌شناسی	هیئت علمی دانشگاه	دکتری	زن	۴۸
۶	مدیریت ورزشی	رئیس فدراسیون	دکتری	مرد	۵۰
۷	مدیریت دولتی	رئیس فدراسیون	کارشناسی ارشد	مرد	۵۲
۸	فیزیولوژی ورزشی	رئیس فدراسیون	دکتری	مرد	۴۷
۱۱	مدیریت ورزشی	مدیر عالی وزارت ورزش و جوانان	دکتری	مرد	۵۲
۱۰	مدیریت	مدیر عالی وزارت ورزش و جوانان	دکتری	زن	۴۷
۱۱	مدیریت ورزشی	مدیر عالی آکادمی	دکتری	مرد	۵۱

- 1 Credibility
- 2 Transferability
- 3 Dependability
- 4 Open coding
- 5 Selective coding

شناسایی شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

و کمیته ملی المپیک				
۱۲	مدیریت ورزشی	مدیر عالی آکادمی و کمیته ملی المپیک	دکتری	مرد ۵۴
۱۳	مدیریت ورزشی	رئیس کمیته انضباطی فوتبال	دکتری	مرد ۴۸
۱۴	مدیریت ورزشی	مدیرکل ورزش و جوانان مازندران	دکتری	مرد ۵۱
۱۵	مدیریت ورزشی	مدیرکل ورزش و جوانان تهران	دکتری	مرد ۴۹
۱۶	مدیریت ورزشی	مدیرکل ورزش و جوانان اصفهان	دکتری	مرد ۴۸
۱۷	مدیریت ورزشی	مدیرکل ورزش و جوانان کردستان	کارشناسی ارشد	مرد ۴۴
۱۸	فقه و حقوق	کارشناس کمیته اخلاق	دکتری	مرد ۵۰
۱۹	الهیات	کارشناس بسیج ورزشکاران	کارشناسی ارشد	مرد ۴۳
۲۰	مدیریت ورزشی	نایب رئیس شورای بین المللی ورزش نظامیان- سبزم	دکتری	مرد ۴۸

پس از تبدیل هر یک از مصاحبه های صوتی به شکل متنی، جملاتی که قابلیت تبدیل به یک کد یا مفهوم را داشتند کدگذاری شدند. هر کد در مورد یک مفهوم مطلبی را بیان می کند که در جدول ۲ نمونه ای از یکی از مصاحبه های انجام شده به نمایش درآمده است:

جدول ۲: نمونه استخراج کد از مصاحبه در مرحله کدگذاری باز

کد مصاحبه شونده	متن مصاحبه	کد باز
مصاحبه شماره ۳	با توجه به اینکه ما در یک کشور اسلامی زندگی می کنیم بنابراین یک اصل خیلی مهم این است که ورزشکاران ما از لحاظ اخلاقی زبان زد باشند و به دور از تقلب، بدقولی، بد رفتاری یا به دور از رفتارهای خشن باشند، چرا که اخلاق یک ورزشکار مسلمان باید همه این ها رو همراه با خدا دوستی، تقوا، عمل صالح، ایمان به خدا و یاور مظلومان را داشته باشد. با توجه به اینکه ما در ایران زندگی می کنیم و همیشه ورزشکاران ما مظهر پهلوانی بوده اند باید همه ورزشکاران این حس جوانمردی را داشته باشند و با زورگویی مبارزه کنند و حق ستم دیده را بگیرند.	«تقلب» «بدقولی» «رفتارهای خشن» «خدا دوستی» «تقوا» «عمل صالح» «ایمان به خدا» «یاری مظلومان» «جوانمردی»
	یکی نکته دیگری که باید در ورزش رعایت شود و مسئله خیلی مهمی است اینکه باید ورزشکاران برای همه تماشاگران و قومیت های مختلفی که در کشور وجود دارند، احترام ویژه ای قائل شوند.	«مبارزه با زورگویی» «گرفتن حق ستم دیده» «احترام به تماشاگران» «احترام به قومیت ها»

در مجموع و پس از کدگذاری مرحله به مرحله مفاهیم به دست آمده برای خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران، تعداد ۱۰۸ کد اولیه غیرتکراری به دست آمد که در قالب ۱۷ مقوله طبقه‌بندی شد. همچنین برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در ورزش ایران تعداد ۶۳ کد اولیه غیرتکراری به دست آمد که در قالب ۱۴ مقوله طبقه‌بندی شد:

جدول ۳: کدهای اولیه و کدبندی متمرکز خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش

ردیف	کد اولیه	مفاهیم
۱	بی‌انضباطی در بین ورزشکاران	عدم اخلاق حرفه‌ای در ورزش
۲	بی‌انضباطی در بین مربیان	
۳	بی‌انضباطی در بین مدیران ورزشی	
۴	بی‌انضباطی در بین داوران	
۵	بی‌انضباطی در بین هواداران و تماشاگران	
۶	عدم وجود ایدئولوژی اخلاقی	
۷	زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی	
۱	احترام به اخلاق پزشکی ورزشی	مبارزه با دوپینگ
۲	احترام به سلامت روانی ورزشکاران	
۳	احترام به سلامت جسمانی ورزشکاران	
۴	احترام به عدالت و قانون	
۱	مراقبت از ورزشکاران	مسئولیت در ورزش
۲	عدم کوتاهی از مسئولیت	
۳	جبران خسارت	
۱	رفتار خارج از شئونات	خطاهای اخلاقی
۲	اهانت و تهمت زدن	
۳	رفتار تند و پرخاشگرانه	
۴	تشویق نامناسب	
۵	انجام حرکات غیرعادی	
۱	تبانی در نتیجه بازی	مبارزه با فساد اخلاقی در ورزش
۲	شرط‌بندی	
۳	دلالتی در ورزش	
۴	تبانی در خرید و فروش بازیکنان	
۵	باند بازی در ورزش	
۱	تعهد به تیم	وجدان کاری در ورزش
۲	تعهد به قرارداد	
۳	عرق به ورزش	

شناسایی شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

احترام به پیشکسوت	۱	تجلیل از پیشکسوتان
	۲	معرفی پیشکسوتان به نسل آینده
	۳	استفاده از تجربیات پیشکسوتان
رعایت انضباط در ورزش	۱	تقلب
	۲	بدقولی
	۳	تاخیر
	۴	غیبت
	۵	رفتارهای نامعقول
	۶	عدم رعایت عملکرد
	۷	رفتارهای خشن
	۸	رفتارهای شرمسارکننده
	۹	رفتارهای تمسخرآمیز
	۱۰	رفتارهای انتقادآمیز
	۱۱	رفتارهای اهانت آمیز
مسئولیت پذیری اجتماعی	۱	حمایت از منافع تیم
	۲	حمایت از منافع رقیب
	۳	رعایت منشورهای اخلاقی
	۴	برخورد عادلانه و بدون تبعیض
	۵	توجه به ورزشکاران نیازمند
	۶	توجه به ورزشکاران مصدوم
	۷	توجه به هنجارها
	۸	توجه به باورها
	۹	احترام به اعتقادات
	۱۰	رعایت شئون اخلاقی
منش ورزشی	۱	احترام به روابط اجتماعی
	۲	احترام به قوانین
	۳	احترام به مسئولان
	۴	احترام به مربیان
	۵	احترام به حریف
	۶	عدم رویکرد منفی به عملکرد ورزشی
توجه به ارزش ها	۱	عدالت و درستی
	۲	آموزش حرفه ای اخلاق به ورزشکاران
	۳	اطلاعات کامل ورزشکاران از ورزش
	۴	اختیار و آزادی عمل به ورزشکاران

	تقلب	۱
	بدقولی	۲
	تاخیر	۳
	غیبت	۴
رعایت انضباط در ورزش	رفتارهای نامعقول	۵
	عدم رعایت عملکرد	۶
	رفتارهای خشن	۷
	رفتارهای شرمسارکننده	۸
	رفتارهای تمسخرآمیز	۹
	رفتارهای انتقادآمیز	۱۰
	رفتارهای اهانت آمیز	۱۱
مسئولیت پذیری اجتماعی	حمایت از منافع تیم	۱
	حمایت از منافع رقبا	۲
	رعایت منشورهای اخلاقی	۳
	برخورد عادلانه و بدون تبعیض	۴
	توجه به ورزشکاران نیازمند	۵
	توجه به ورزشکاران مصدوم	۶
	توجه به هنجارها	۷
	توجه به باورها	۸
	احترام به اعتقادات	۹
	رعایت شئون اخلاقی	۱۰
منش ورزشی	احترام به روابط اجتماعی	۱
	احترام به قوانین	۲
	احترام به مسئولان	۳
	احترام به مربیان	۴
	احترام به حریف	۵
	عدم رویکرد منفی به عملکرد ورزشی	۶
توجه به ارزش‌ها	عدالت و درستی	۱
	آموزش حرفه‌ای اخلاق به ورزشکاران	۲
	اطلاعات کامل ورزشکاران از ورزش	۳
	اختیار و آزادی عمل به ورزشکاران	۴
بازی منصفانه	برد باری در ورزش	۱
	عدم خشونت و تهاجم در ورزش	۲
	به کار نبردن الفاظ زشت	۳

شناسایی شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

	۴	استفاده نکردن از داروهای غیرمجاز (دوپینگ)
	۵	احترام به تماشاگران
	۶	احترام به قومیت ها
	۱	پرهیز از رفتار ناشایسته
	۲	متعهد بودن
	۳	مسئولیت پذیری بودن
	۴	پایبند به تیم
	۵	وقت کشی
ارزش های اجتماعی	۶	رعایت هنجارهای اخلاقی
	۷	رعایت حقوق رقبا
	۸	حفظ روابط
	۹	احترام به روابط نژادی
	۱۰	احترام به روابط جنسیتی
	۱۱	حفظ ارزش ها
	۱۲	عدم نژادپرستی
	۱۳	عدم نابرابری

جدول ۴: کدهای اولیه و کدبندی متمرکز خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش

مفاهیم	کد اولیه	ردیف
	استفاده نکردن از افراد متخصص در ورزش	۱
عدم تخصص -	استفاده نکردن از متخصصان امور فرهنگی	۲
گرایی	سپردن امور فرهنگی به افراد غیرمتخصص	۳
	استفاده نکردن از کارشناس فرهنگی در ورزش	۴
	نگاه ابزاری به ورزش	۱
	نگاه سیاسی به ورزش	۲
	نگاه افراطی به ورزش	۳
نگرش منفی در ورزش	نگاه های بسته به ورزش	۴
	نگاه اقتصادی مدیران به ورزش	۵
	تأکید بر نتیجه	۶
	موفقیت طلبی در ورزش	۷
	واکنش های جزیره ای به ورزش	۸
	عدم پرداختن به جایگاه ورزش در جامعه	۱
عدم آگاهی	عدم شناخت جامعه از مزیت های ورزش	۲

عدم پوشش رسانه‌ای	۱	عدم نگاه جامعه‌شناسانه رسانه‌ها به ورزش
	۲	عدم پرداختن به ورزش در رسانه‌ها
	۳	عدم استفاده از کارشناسان فرهنگی در رسانه ملی
	۴	کم بود مطالب فرهنگی در رسانه‌ها
	۵	عدم فرهنگ‌سازی ورزش از سوی رسانه‌ها
ارزش‌های اخلاقی	۱	احترام و ارزش به پیشکسوتان در ورزش
	۲	احترام و ارزش به مربیان ورزشی
	۳	احترام و ارزش به ورزشکاران
	۴	احترام و ارزش به قواعد ورزش
الگوهای رفتاری	۱	حس انسان دوستی در ورزش
	۲	بردباری و صبوری
	۳	از خود گذشتگی
	۴	روحیه پهلوانی
	۵	حفظ ارزش‌ها
	۶	حفظ هنجارها
توسعه بسترهای اجتماعی	۱	بالا رفتن اسنچام خانوادگی از طریق ورزش
	۲	بهبود روابط اجتماعی از طریق ورزش
	۳	ایجاد روحیه جمعی از طریق ورزش
	۴	حضور فعال در اجتماع از طریق ورزش
	۵	سازگاری با جامعه از طریق ورزش
توسعه بسترهای فرهنگی	۱	فرهنگ‌پذیری از طریق ورزش
	۲	توسعه فرهنگ ورزش
	۳	راهکارهای مناسب فرهنگی
	۴	پیش زمینه‌های فرهنگی
	۵	فرهنگ پیشین
	۶	سابقه و تاریخچه
	۷	فرهنگ و شعور اجتماعی
	۸	فرهنگ سازمانی
موانع زیرساختی		توجه به مقوله فرهنگ
		عدم‌سوگیری در فرهنگ
	۱	نبود فرهنگ حرفه‌ای‌گری در ورزش
	۲	کمبود امکانات ساختاری فرهنگ‌سازی
	۳	کمبود ساختار فرهنگ‌سازی در ورزش
	۴	کم بود امکانات ارتباطی فرهنگ‌سازی

شناسایی شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

۱	استفاده از الگوهای ورزشی بومی	به کارگیری الگوهای بومی فرهنگ سازی
۲	بومی سازی مدل های فرهنگ سازی	
۱	آموزش فرهنگ ورزش در جامعه	بسترهای آموزشی
۲	تعلیم و تربیت فرهنگ ورزش در جامعه	
۳	توانمندسازی نیروی انسانی در حوزه فرهنگ	
۱	احترام با سایر فرهنگ ها	تکریم فرهنگ ها
۲	احترام به اداب و رسوم	
۳	احترام به سنت ها	
۴	احترام به باورها	
۱	سلامت اخلاقی	تقویت هویت دینی
۲	اعتقادات دینی	
۳	اعتقادات مذهبی	
۱	قرار گرفتن ورزش در برنامه زندگی افراد	افزایش مشارکت ورزشی
۲	عادت کردن به ورزش	
۳	قرار گرفتن ورزش در سبد خانوار خانواده	

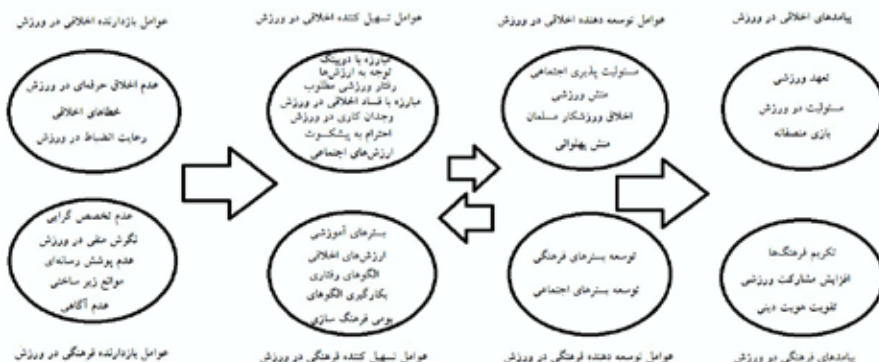
جدول ۵: کدگذاری نظری (گزینشی)

پدیده مورد مطالعه	مقوله اصلی	مفاهیم	نشانهگر
خط مشی - گذاری اخلاقی در ورزش	عوامل بازدارنده	عدم اخلاق حرفه ای در ورزش	P1, P2, P3,P12,P18,P20
		خطاهای اخلاقی	P1, P2, P5, P6, P9,P11,P13
		رعایت انضباط در ورزش	P1, P3, P4, P5, P7,P10,P16,P17
		مبارزه با دوپینگ	P2, P4,P8,P10,P14,P15,P19
		مبارزه با فساد اخلاقی در ورزش	P3, P8,P10,P11,P15,P18
	عوامل تسهیل کننده	توجه به ارزش ها	P1, P8,P9,P12,P13,P17,P18
		رفتار ورزشی مطلوب	P1, P3,P4,P6,P9,P11,P13,P14,P16,P17
		وجدان کاری در ورزش	P3, P8,P10,P11,P15
		احترام به پیشکسوت	P1, P8,P9,P12,P13,P15
		ارزش های اجتماعی	P1, P2, P5, P6, P9,P11,P13
		مسئولیت پذیری اجتماعی	P2, P8,P10P11,12,P13,P18,P19

عوامل توسعه- دهنده	منش ورزشی	P2, P3, P5, P7, P8,P10,P14,P16
	منش پهلوانی	P3, P4, P8,P9,P11,P12,P15,P18,P20
پیامدها	اخلاق ورزشکار مسلمان	P1, P3,P4,P6,P9,P11,P13,P14
	تعهد ورزشی	P1, P2, P3,P12,P18,P20
	بازی منصفانه	P1, P2, P5, P6, P9,P11,P13
	مسئولیت در ورزش	P2, P4,P8,P10,P14,P15
	عدم تخصص گرایی	P1, P2, P3,P12,P18,P20
	نگرش منفی در ورزش	P1, P2, P5, P6, P9,P11,P13
عوامل بازدارنده	عدم آگاهی	P1, P3, P4, P5, P7,P10,P16,P17
	عدم پوشش رسانه‌ای	P2, P4,P8,P10,P14,P15,P19
	موانع زیرساختی	P3, P8,P10,P11,P15,P18
	بسترهای آموزشی	P1, P8,P9,P12,P13,P17,P18
خطمشی- گذاری	بکارگیری الگوهای بومی	P1, P3,P4,P6,P9,P11,P13,P14,P16,P17
فرهنگی در ورزش	فرهنگ سازی	
	ارزش‌های اخلاقی	P3, P8,P10,P11,P15
عوامل توسعه- دهنده	الگوهای رفتاری	P1, P8,P9,P12,P13,P15
	توسعه بسترهای فرهنگی	P2, P8,P10P11,12,P13,P18,P19
پیامدها	توسعه بسترهای اجتماعی	P2, P3, P5, P7, P8,P10,P14,P16
	تکریم فرهنگ‌ها	P1, P2, P3,P12,P18,P20
	تقویت هویت دینی	P1, P2, P5, P6, P9,P11,P13
	افزایش مشارکت ورزشی	P2, P4,P8,P10,P14,P15

با استناد به یافته‌های حاصل از کدگذاری محوری، مقوله‌های فرعی و اصلی در مدل پژوهش قرار گرفتند که در شکل ۱ قابل مشاهده می‌باشد:

شناسایی شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران



شکل ۱: مدل نهایی خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، شناسایی شاخص‌های خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران بود. نتایج حاصل از کدگذاری‌ها نشان داد که خط‌مشی‌گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران بر مبنای عوامل مختلفی قرار دارد. لذا زمانی که مکانیسم اثر این عوامل به‌درستی شناسایی و تشخیص داده شود می‌توان شاهد رشد و بالندگی اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران بود.

نتایج نشان داد که خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران دارای ۱۷ زیر مقوله است و این زیر مقولات در چهار مقوله اصلی (۱) عوامل بازدارنده، (۲) عوامل تسهیل‌کننده، (۳) عوامل توسعه‌دهنده و (۴) پیامدها دسته‌بندی شدند. گفتنی است که چون در مورد پژوهش حاضر مطالعه مرتبطی انجام نشده یا پژوهشگر یافت نکرده، بنابراین در این پژوهش در مورد مقوله‌های به‌دست آمده به صورت کلی بحث خواهد شد. عوامل بازدارنده خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران شامل عدم اخلاق حرفه‌ای در ورزش، خطاهای اخلاقی و رعایت انضباط در ورزش بود. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که اولین گام در دستیابی به سازمان‌های اخلاق مدار، شناسایی و درک صحیح از مفهوم اخلاق حرفه‌ای مدیران و موانع موجود می‌باشد، زیرا شناخت موانع توسعه اخلاق حرفه‌ای مدیران سازمان‌های ورزشی موجب می‌گردد تا تصمیم‌گیران سازمانی دید بهتری پیدا کنند و با بیش‌بیشتری نسبت به کاهش اثر یا حذف این موانع اقدام نمایند. واتسون، هریس و بیلی^۱ (۲۰۲۰) بیان کردند که یکی از متداول‌ترین روابط نقش‌آفرینی چندگانه در بین مربیان حفظ و آموزش اخلاق در بین ورزشکاران است (هریس و بیلی، ۲۰۲۰). می‌توان گفت که یکی از دغدغه‌های ورزش در سطوح حرفه‌ای، قهرمانی و تفریحی، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای اخلاق در ورزش برای همه دست‌اندرکاران از جمله مدیران، مربیان، داوران و ورزشکاران است. جامعه به‌طور کلی و دست

1 Watson, Harris & Bailey

اندرکاران و ورزشکاران به طور اخص نیاز مبرم به توسعه اخلاق دارند. در واقع اخلاق ورزشی در محیط‌های ورزشی و غیرورزشی بسترهای مناسب برای تمرین‌های ضروری اخلاق محسوب می‌شود تا همگی آمادگی ورود به جامعه و محیط‌های زندگی عادی را در حد قابل قبولی بیابند. در این راستا هر گونه مانعی می‌تواند چالش‌هایی را برای انجام این امر خطیر ایجاد نماید.

عوامل تسهیل‌کننده خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران شامل مبارزه با دوپینگ، مبارزه با فساد اخلاقی در ورزش، توجه به ارزش‌ها، رفتار ورزشی مطلوب، وجدان کاری در ورزش، احترام به پیشکسوت و ارزش‌های اجتماعی بود. یکی از مهم‌ترین عوامل تسهیل‌کننده، مبارزه با دوپینگ بود. بیرانوند و همکاران (۱۳۹۹) ۱۳ مولفه را به عنوان علل گرایش به دوپینگ در بین ورزشکاران ملی پوش ایران شناسایی کردند: مشکلات فردی، روانی، مالی، قانون، مدیریتی، مربیان، عملکردی، نگرش فرد، دلایل اجتماعی و فرهنگی، کنترل، ساختاری، منفعت طلبی و رسانه‌ها. زنگنه، ساریخانی و زنگنه (۱۳۹۴) و تجاری و منوچهری (۱۳۹۳) بیان کردند که دوپینگ و مصرف داروهای غیر مجاز توسط ورزشکاران افزایش یافته است. با توجه به این‌که مصرف این قبیل داروها باعث می‌شود ورزشکار از لحاظ جسمی و معنوی آسیب ببیند، لذا قوانین مربوطه مربیان و پزشکان ورزشی را موظف به مراقبت، نظارت و پیشگیری از مصرف داروهای غیرمجاز توسط ورزشکاران کرده‌اند (زنگنه، و همکاران، ۱۳۹۴؛ تجاری و منوچهری، ۱۳۹۳). در تبیین این نتایج می‌توان گفت با توجه به اینکه استفاده از مواد نیروزا برای سلامت مضر است، بنابراین مدیران، دست‌اندرکاران و مربیان به فکر راهکارهای اساسی جهت پیشگیری از این آسیب اجتماعی باشند. در این راستا آگاهی‌سازی ورزشکاران از عوارض خطرناک این مواد با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی می‌تواند کمک‌کننده باشد.

عوامل توسعه‌دهنده خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران شامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، منش ورزشی، منش پهلوانی و اخلاق ورزشکار مسلمان بود. مسئولیت‌پذیری اجتماعی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌دهنده خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران بود. ویتل و همکاران^۱ (۲۰۱۶) بیان کردند که مسئولیت اجتماعی امری حیاتی و ضامن بقای ورزشکاران در جوامع امروزی است (ویتل و همکاران، ۲۰۱۶). در تبیین این نتایج می‌توان گفت که رعایت بعد اخلاقی در ورزش مهم‌ترین و با ارزش‌ترین امر تلقی می‌گردد. بنابراین، انتظار می‌رود در ورزش حرفه‌ای ورزشکاران، مربیان و افراد مرتبط با ورزش فعالیت‌هایشان مطابق با اصول اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول جامعه باشد.

پیامدهای خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران شامل تعهد ورزشی، بازی منصفانه و مسئولیت در ورزش بود. بازی منصفانه مهم‌ترین پیامد خط‌مشی‌گذاری اخلاقی در ورزش ایران بود. احسانی و شجیع

1 Vitell et al.

(۱۳۹۳) بیان کردند بازی منصفانه نمایشی است از نگرش در رفتارهایی در ورزش و اعتقاد به این که ورزش همراه با اخلاق است (احسانی و شجاع، ۱۳۹۳). در تبیین این نتایج می توان گفت که هر جنبه اخلاق در پی اصلاح فرد در داخل میدان ورزشی است، ولی نتیجه مستقیم آن تأمین نظم عمومی است و در این شرایط و با این گونه اعضا و ورزشکاران تعلیم دیده، نظم در جامعه آسان تر برقرار خواهد شد. مربیان آگاه، در کنار وضع قوانین و استانداردهای مشخص برای ورزشکاران و بازی ها، پرورش اخلاقی آنان را در اولویت کاری حرفه ای خود قرار می دهند. به عبارت دیگر، وضع قوانین و استانداردهای ضروری، فقط جنبه فرعی داشته و هدف اصلی این گونه مربیان وظیفه شناس آماده کردن ورزشکاران برای بازی منصفانه در جامعه و زندگی واقعی و بیرون از میدان ورزشی است.

همچنین نتایج نشان داد که خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش ایران دارای ۱۴ زیر مقوله است و این زیر مقولات در چهار مقوله اصلی (۱) عوامل بازدارنده، (۲) عوامل تسهیل کننده، (۳) عوامل توسعه دهنده و (۴) پیامدها دسته بندی شدند. گفتنی است که چون در مورد پژوهش حاضر مطالعه مرتبطی انجام نشده یا پژوهشگر یافت نکرده، بنابراین در این پژوهش در مورد مقوله های به دست آمده به صورت کلی بحث خواهد شد.

عوامل بازدارنده خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش ایران شامل عدم تخصص گرایی، نگرش منفی در ورزش، عدم آگاهی، عدم پوشش رسانه ای و موانع زیرساختی بود. یکی از مهم ترین عوامل بازدارنده خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش ایران، موانع زیر ساختی بود. موانع زیر ساختی شامل نبود فرهنگ حرفه ای گری در ورزش، کمبود امکانات ساختاری فرهنگ سازی، کمبود ساختار فرهنگ سازی در ورزش و کمبود امکانات ارتباطی فرهنگ سازی بود. در تبیین این موارد می توان گفت که توجه به موانع زیرساختی عوامل بازدارنده خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش ایران به بهبود اساسی عملکرد روانی ورزشکاران، مربیان، مدیران و... می انجامد. نبود فرهنگ حرفه ای گری در ورزش باعث عدم شکل گیری فعالیت های گروهی قوی و افزایش بهره وری می شود. بنابراین متولیان ورزش باید این موارد را مد نظر داشته باشند، چرا که با رعایت این موارد در ورزش باعث رشد نوع دوستی و به تبع آن پایین آمدن آسیب های جسمانی در ورزش می شود.

عوامل تسهیل کننده خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش ایران شامل بسترهای آموزشی، به کارگیری الگوهای بومی فرهنگ سازی، ارزش های اخلاقی و الگوهای رفتاری بود. بسترهای آموزشی از مهم ترین عامل تسهیل کننده خط مشی گذاری فرهنگی در ورزش ایران بود که شامل آموزش فرهنگ ورزش در جامعه، تعلیم و تربیت فرهنگ ورزش در جامعه و توانمندسازی نیروی انسانی در حوزه فرهنگ بود. در تبیین این نتایج می توان گفت که فرهنگ بخش جدایی ناپذیر و درهم تنیده در ورزش است که از طرفی متاثر از فرهنگ غالب

است و از طرفی دیگر قابلیت اثرگذاری بر فرهنگ را دارد. پذیرش این دیدگاه که فرهنگ، بخش اصلی و مکمل هر جنبه‌ای از ورزش است ایجاب می‌کند به عوامل اجتماعی و اخلاقی در ورزش توجه شود. بنابراین مدیران و مسئولان باید به بسترهای لازم برای آموزش ورزشکاران مریان توجه داشته باشند تا بتوانند الگویی مناسب برای نوجوانان و جوانان باشند.

عوامل توسعه‌دهنده خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در ورزش ایران شامل توسعه بسترهای فرهنگی و توسعه بسترهای اجتماعی بود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که در میان تمام پدیده‌های اجتماعی، ورزش نیز متأثر از گرایش‌های جامعه می‌باشد. عادات، رفتار ورزشی افراد جامعه، نگرش‌ها و باورهای آنان در مسائل ورزشی، همگی تحت تأثیر متقابل گرایش‌های جامعه و رسانه‌ها قرار گرفته است. منظور از توسعه فرهنگی ورزش، ایجاد یک باور مثبت و همیشگی در میان اقشار مختلف مردم نسبت به مقوله ورزش است. پیامدهای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در ورزش ایران شامل تکریم فرهنگ‌ها، تقویت هویت دینی و افزایش مشارکت ورزشی بود. تقویت هویت دینی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در ورزش ایران است که شامل سلامت اخلاقی، اعتقادات دینی و اعتقادات مذهبی می‌شود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که تقویت هویت دینی اولین گام در جهت توسعه فرهنگی در ورزش به‌ویژه ورزش قهرمانی است و ملاک‌ها و شاخص‌های پژوهش حاضر می‌تواند مبنای اولیه و مقدماتی برای برنامه‌ریزی و اقدام جهت نیل به این هدف باشد. آنچه تاکنون پژوهش‌های مرتبط با فرهنگ و ورزش نشان داده‌اند این است که ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری فراوانی در ورزش قهرمانی وجود دارد؛ در صورتی که نتایج تحقیق حاضر نشان داد با گسترش تکریم فرهنگ‌ها به‌ویژه تقویت هویت دینی بهتر می‌توان به‌طور غیرمستقیم ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری را کاهش داد.

با توجه به اینکه بروز ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری را نخست باید در زیر ساخت‌های اجتماعی و در بطن جامعه جستجو کرد، از این رو به مدیران و مسئولان پیشنهاد می‌شود آموزش فرهنگ و اخلاق در ورزش را از مدراس شروع کنند و موازین اخلاقی را آموزش دهند تا این امر موجب نهادینه شدن اخلاق در ورزشکاران شود. همچنین مدیران و مسئولان ورزشی می‌توانند برای توسعه اخلاق، ورزشکاران بااخلاق را شناسایی و هر ماه از آنها تجلیل کنند. ورزش ایران در چند دهه گذشته پیشرفت کرده، اما به موازات این تحول و توسعه، رعایت موازین رفتارهای اخلاقی در این عرصه چندان جدی گرفته نشده است. به عبارتی، بعد ورزشی و قهرمانی آن برجسته و بعد پرورشی و فرهنگ‌سازی آن فراموش شده است. از این رو، مدیران و مسئولان ورزش می‌توانند با برگزاری همایش‌های علمی- ورزشی همراه با پیوست فرهنگی، دستیابی به شیوه‌های نوین ترویج و توسعه رفتارهای حرفه‌ای و مناسب در میادین بزرگ ورزشی را به ورزشکاران، مریان و داوران آموزش دهند و تا حد زیادی از ناهنجاری‌ها بکاهند.

شناسایی شاخص های خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران

از محدودیت های این پژوهش آن که چون شرکت کنندگان از جامعه آماری مشخصی انتخاب شدند، نتایج پژوهش فقط قابل تعمیم به همین جامعه آماری می باشد. همچنین، حوزه پژوهش محدود به خط مشی گذاری اخلاقی و فرهنگی در ورزش ایران بود. البته محدودیت های خارج از کنترل پژوهشگر نیز می توانستند بر نتایج پژوهش اثر داشته باشند؛ نظیر محدودیت های ساختاری، مقررات و ضوابط سازمان و نوع روابط انسانی در کنار ملاحظات انسانی در پاسخ افراد به سوالات مصاحبه.

منابع

- ابوالحسنی رنجبر، احمد؛ دانشفرد، کرم الله و فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۶). «ارائه الگوی دستور کار خط مشی های اصلاح نظام اداری در ایران». مدیریت دولتی. ۴(۹).
- احسانی، محمد و شجاع، رضا. (۱۳۹۳). اخلاق در ورزش با رویکرد فلسفی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آصفی، احمدعلی؛ خبیری، محمد؛ اسدی دستجردی، حسن. گودرزی، محمود. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل سازمانی موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۰(۲۰)، صص ۶۳-۷۶.
- ایرج پور، علیرضا؛ مجرد، ناهید و دباغ، رضاییه. (۱۳۹۵). «بررسی نقش رسانه های جمعی در توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه ای کشور». مدیریت و توسعه ورزش. ۵(۲)، صص ۳۶-۵۲.
- پورعزت، اصغر و رحیمیان، اشرف. (۱۳۹۱). «ویژگی های خط مشی عمومی برای اداره شهرهای پیچیده». مجله مدیریت دولتی دانشگاه تهران. ۵۱.
- تجاری، فرشاد و منوچهری، جاسم. (۱۳۹۳). مبانی روانی دوپینگ در ورزش از نظریه تا عمل برای ورزشکاران، مربیان و مقامات ورزشی. تهران: انتشارات حتمی و شرکا
- جوادپور، محمد. (۱۳۹۴). «چالش های مدیریت ورزش قهرمانی در ایران». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. ۷(۳۰)، صص ۱۳-۳۴.
- حجی پور، علیرضا؛ حمیدی، مهرداد؛ سجادی، سید نصرالله و خبیری، محمد. (۱۳۹۸). «تدوین مدل رابطه ای خودتعیینی با اخلاق ورزشی ورزشکاران نخبه ایران». مطالعات روانشناسی ورزشی. ۸(۲۷)، صص ۱۹-۴۰.
- حیدری، محمد؛ رضوی، سید محمد حسین؛ امیرنژاد، سعید و محمدی، نصرالله. (۱۳۹۸). «شناسایی موانع ایجاد و یا توسعه اخلاق حرفه ای مدیران سازمان های ورزشی». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۶(۳)، صص ۲۳-۳۵.
- خنیفر، حسین و آقداغی، میثم. (۱۳۹۴). «الگوی مفهومی سطوح تاثیرگذاری آموزه های اسلامی بر خط مشی گذاری فرهنگی». مجله علمی پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی. شماره ۳۳.
- زنگنه، مرتضی؛ ساریخانی، عادل و زنگنه، مسعود. (۱۳۹۴). «مسئولیت کیفری ناشی از تجویز داروهای غیرمجاز (دوپینگ) در ورزش با نگاهی به قوانین ایران و فقه امامیه». مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. ۹(۳۵)، صص ۱۰۹-۱۲۳.
- سازمان تربیت بدنی جمهوری ایران. (۱۳۸۲). طرح جامع ورزش کشور. مرکز ملی مدیریت و توسعه ورزش.
- شریفی، سیدعلیرضا و فاضلی، عبدالرضا. (۱۳۹۱). «واکاوی سیاست گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران». مجلس و راهبرد. شماره ۱۱.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). شاخص های راهبردی، ابعاد و مولفه های فرهنگی. کار گروه شاخص های فرهنگی.
- عابدی، احیا؛ رضوی، سید محمد حسین؛ مرتضی، دوستی و احمدی، سیدعبدالحمید. (۱۳۹۷). «شناسایی ابعاد و رویکردهای توسعه فرهنگی ورزش و عوامل موثر بر آن در ورزش کشور». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۷، ۴۲.
- عبدوی، فاطمه و فخری، فرناز. (۱۳۹۰). «نقش رسانه در توسعه فرهنگ ورزش در اوقات فراغت زنان». فصلنامه پژوهش های ارتباطی. ۱۸(۶۸)، ص ۳۱.

- عراقی، محسن و کاشف، میرمحمد. (۱۳۹۳). «چالش‌های پیش‌روی توسعه ورزش همگانی در ایران و راهبردهای آن». نشریه مدیریت ورزشی. ۴۶(۴)، صص ۶۲۳-۶۵۵.
- علایی، مریم؛ مختاری دینانی، مریم و رضایی پندری، عباس. (۱۳۹۸). «طراحی مدل ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر توسعه اخلاق حرفه‌ای در مربیان زن تیم‌های ملی». اخلاق در علوم و فناوری. ۱۴(۵)، صص ۸۷-۹۲.
- قلی‌زاده، آذر و سیدصالحی، سپیده. (۱۳۹۴). «نقش برنامه‌های شبکه ورزش در ارتقای فرهنگ ورزشی زنان خانه‌دار منطقه پنج تهران». مدیریت فرهنگی. ۹(۲۷)، صص ۲۳-۴۹.
- کشگر، سارا؛ قاسمی، حمید و کارگر، غلامعلی. (۱۳۹۵). «تعریف فرهنگ ورزش و مولفه‌های آن با تکیه بر آرای متخصصان، ورزشکاران و دست‌اندرکاران ورزش کشور». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۱۲(۱)، صص ۱۱-۲۲.
- گودرزی، محمود؛ اسلامی، ایوب و علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۴(۳)، صص ۱۱-۲۷.
- مختاریان پور، مجید. (۱۳۹۶). «طراحی شبکه اجرای تعاملی سیاست‌های فرهنگی کشور». مجله راهبرد فرهنگ. شماره ۴۰.
- منوچهری‌نژاد، محسن؛ همتی‌نژاد مهرعلی؛ رحمتی، محمد مهدی و شریفیان، اسماعیل. (۱۳۹۷). «شناسایی عوامل مؤثر بر نهاده‌سازی فرهنگ ورزش در کودکان و نوجوانان». مدیریت ورزشی. ۴۰(۳)، صص ۱۶۳-۱۷۹.
- هنری، حبیب؛ احمدی، سیدعبدالحمید و مرادی، مهدی. (۱۳۹۱). «بررسی نقش چهارگانه رسانه‌های ورزشی در توسعه ورزش قهرمانی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۴(۱۵)، صص ۱۴۵-۱۵۸.
- الوانی، مهدی. (۱۳۹۵). **تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی**. تهران: انتشارات سمت
- Bjärsholm, D., Gerrevall, P., Linnér, S., Peterson, T., & Schenker, K. (2018). **"Ethical considerations in researching sport and social entrepreneurship"**. European Journal for Sport and Society, 15(3), 216-233.
- De Bosscher, V., Shibli, S., Westerbeek, H., & van Bottenburg, M. (2016). **"Convergence and divergence of elite sport policies: is there a one-size-fits-all model to develop international sporting success?"** Journal of Global Sport Management, 1(3-4), 70-89.
- Dye, T.R. (2011). **Understanding Public Policy**. 11Ed. New Jersey: Upper Saddle River, Pearson Education Prentice-Hall, Inc.
- Elgin, D. J., & Weible, C. M. (2013). **"A Stakeholder Analysis of Colorado Climate and Energy Issues Using Policy Analytical Capacity and the Advocacy Coalition Framework"**. Review of Policy Research, 30(1), 114-133.
- Glaser, B. (1978). **Theoretical sensitivity. Advances in the methodology of grounded theory**.
- Goulding, C. (2002). **Grounded theory: A practical guide for management, business and market researchers**. Sage
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). **"Competing paradigms in qualitative research"**. Handbook of qualitative research, 2(163-194), 105.
- Hadley, S., & Belfiore, E. (2018). **"Cultural democracy and cultural policy"**. Cultural Trends, 27(3), 218-223.
- Henningsen, E., Håkonsen, L., & Løyland, K. (2017). **"From institutions to events—structural change in Norwegian local cultural policy"**. International journal of cultural policy, 23(3), 352-371.
- Houlihan, B. (2002). **Sport, policy and politics: A comparative analysis**. Routledge.
- Howlett, M., McConnell, A., & Perl, A. (2016). **"Weaving the fabric of public policies: comparing and integrating contemporary frameworks for the study of policy processes"**. Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice, 18(3), 273-289.
- Katou, A. A., & Budhwar, P. S. (2010). **"Causal relationship between HRM policies and organisational performance: Evidence from the Greek manufacturing sector"**. European management journal, 28(1), 25-39.
- Lourenço, R. P., & Costa, J. P. (2007). **"Incorporating citizens' views in local policy decision making processes"**. Decision Support Systems, 43(4), 1499-1511.

- Sotiriadou, P., & Shilbury, D. (2009). “**Australian elite athlete development: An organisational perspective**”. Sport Management Review, 12 (3), 137–148.
- Vitell, S. J., King, R. A., Howie, K., Toti, J. F., Albert, L., Hidalgo, E. R., & Yacout, O. (2016). “**Spirituality, moral identity, and consumer ethics: A multi-cultural study**”. Journal of business ethics, 139(1), 147-160.



بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن‌های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق

مینا شکوریان^۱

رضا نیک‌بخش^۲

طیبه سادات زرگر^۳



10.22034/SSYS.2022.2379.2712

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۵/۲۵

هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن‌های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی با رویکرد دوگانه اشتیاق بود. پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است و از لحاظ هدف نیز جزو تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق را تمام کاربران اپلیکیشن استراوا در ایران که در دو رشته دوچرخه‌سواری و دوومیدانی فعال بودند، تشکیل می‌دادند که با استفاده از نرم‌افزار جی پاور، ۴۰۲ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این تحقیق از «مقیاس اشتیاق» والرند و همکاران (۲۰۰۳)، «تأثیرات اجتماعی» ولان و همکاران (۲۰۲۰) و «تحلیل رفتگی در زندگی» کپنهایگ و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شد.

نتایج نشان داد که منافع متقابل بر اشتیاق سازگار تأثیر مثبت معنادار دارد. شناخت بر اشتیاق افراطی تأثیر مثبت معنادار دارد. هنجارهای ذهنی بر منافع متقابل و شناخت تأثیر مثبت معنادار دارد. اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی در زندگی در سطح ۰/۰۱ تأثیر منفی معنادار دارد. در حالی که اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی در زندگی تأثیر معنادار ندارد. اشتیاق سازگار تأثیر منافع متقابل بر تحلیل رفتگی در زندگی را به‌طور کامل میانجی‌گری می‌کند. در حالی که اشتیاق افراطی در تأثیر شناخت بر تحلیل رفتگی در زندگی نقش میانجی معناداری ندارد.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

E-mail: R_nikbakhsh@azad.ac.ir

(نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران

بر اساس نتایج به دست آمده، برنامه ریزی در جهت بهبود حالات خلقی و روانشناختی کاربران همچون بهبود حالات تحلیل رفتگی در زندگی لازم به نظر می رسد و در این مسیر بهره گیری از کارشناسان مجرب و متخصص می تواند زمینه بهبود خدمات را بیش از پیش فراهم آورد.

واژگان کلیدی: تأثیرات اجتماعی، اپلیکیشن های ورزشی، تحلیل رفتگی در زندگی و اشتیاق.

مقدمه

تحلیل رفتگی به عنوان یکی از مسائل مهم و کلیدی در عرصه های مختلف زندگی، نقش مهم و تعیین کننده ای در عملکرد فردی و گروهی دارد (سونگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۱). امروزه تحلیل رفتگی در زندگی هم می تواند ناشی از محیط پیرامون باشد و هم خود به عنوان یک پدیده می تواند بر محیط پیرامون تأثیرگذار باشد (چلی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۸۶). به عبارتی، تحلیل رفتگی در زندگی پدیده ای است که می تواند تمامی ابعاد فردی را تحت شعاع قرار دهد (گریبین و سمپلی^۳، ۲۰۲۱: ۳). تحلیل رفتگی در زندگی یکی از مسائلی است که در محیط های ورزشی نیز کاملاً مشخص و مشهود می باشد؛ به طوری که امروزه تحلیل رفتگی در زندگی ورزشکاران به عنوان یک دغدغه و نگرانی سبب گردیده تا آسیب های جدی در عرصه های ورزشی شکل گیرد (ژانگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۸۹۹). مدیریت ورزشکاران در جهت جلوگیری از تحلیل رفتگی در زندگی به عنوان یک هدف کلیدی همواره مورد توجه محققان مختلفی بوده است و تلاش هایی در جهت جلوگیری از تحلیل رفتگی در زندگی ورزشکاران شکل گرفته و راهکارهای مختلفی در جهت جلوگیری از تحلیل رفتگی در زندگی ورزشکاران ایجاد شده است (چای^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۳؛ بیکالهو و داکوستا^۶، ۲۰۱۸: ۹۰؛ سورکیلا^۷ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۱۶؛ گربر^۸ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۲۰۱).

یکی از راهکارهایی که همواره در محیط های ورزشی مورد توجه بوده، بحث استفاده از اپلیکیشن های ورزشی است. اپلیکیشن های ورزشی به عنوان یکی از نقاط عطف ورزش توانسته است تا نیروهای انگیزشی مناسبی را به محیط های ورزشی ارائه دهد و سبب گردد تا عملکرد ورزشکاران تحت شعاع قرار گیرد (یانگ^۹ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۵۱). بهره گیری از اپلیکیشن های ورزشی می تواند نقش مهم و تعیین کننده ای در موفقیت های ورزشی ورزشکاران داشته باشد (بیتریان^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۶۶). شکل گیری اپلیکیشن های ورزشی یکی از ابزارهای حمایتی در ورزش است (لی^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۶). اگرچه روند توسعه اپلیکیشن های ورزشی مطابق با رشد فناوری در سایر عرصه ها نمی باشد، اما به عنوان یک دغدغه کلیدی می تواند فوائد بی شماری را در عرصه های ورزشی ایجاد نماید (یانگ و همکاران،

1 Song

2 Cheli

3 Gribben & Semple

4 Zhang

5 Chyi

6 Bicalho & DaCosta

7 Sorkkila

8 Gerber

9 Yang

10 Bitrián

11 Lee

۲۰۱۹: ۱۵۱). در واقع، جایگاه اپلیکیشن‌های ورزشی در عرصه‌های امروزی یک جایگاه ارزشمند است که باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد (بایبوتی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۹).

اگرچه هدف اولیه و اصلی اپلیکیشن‌های ورزشی کمک به ورزشکاران در جهت بهبود وضعیت ورزشی شان است، اما رونق آنان سبب گردیده تا امروزه به عنوان یک ابزار انگیزشی در میان ورزشکاران مورد توجه قرار گیرند. این مسئله به واسطه کارکردهای مطلوب اپلیکیشن‌های ورزشی بر مسائل انگیزشی ورزشکاران می‌باشد که یکی از نیازهای روز و کلیدی ورزشکاران می‌باشد (لی و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۱۶). در میان انگیزش‌های ورزشکاران در جهت حضور در محیط‌های ورزشی، اشتیاق نقش مهم و تعیین کننده‌ای دارد. اشتیاق به عنوان یک حس روانشناختی مثبت می‌تواند فوائد بی شماری را داشته باشد و به عنوان نیروی انگیزشی افراد جهت حضور در محیط‌های مختلف به شمار آید (کالو^۲ و همکاران، ۲۰۱۰: ۶۷۸).

والرند^۳ و همکاران (۲۰۰۳) اشتیاق را تمایل شدید افراد نسبت به یک فعالیت تعریف کرده‌اند که افراد آن فعالیت را دوست دارند، مهم تلقی می‌کنند و زمان و انرژی خود را صرف آن می‌نمایند. مدل دوگانه اشتیاق^۴، دو مفهوم منفی و مثبت اشتیاق را نشان می‌دهد (پاراستاتیدو^۵ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲۱): اشتیاق افراطی^۶ زمانی ایجاد می‌شود که فرد برای شرکت در فعالیت مورد علاقه‌اش فشارهای درونی را احساس می‌کند و در واقع خارج از کنترل فرد است. وقتی اشتیاق افراطی در فرد ایجاد می‌شود، فرد برای شرکت در فعالیتی که آن را مهم و لذت بخش تلقی می‌کند، تمایل غیرقابل کنترلی دارد. این اشتیاق نشان می‌دهد که فرد تحت کنترل فعالیتی است که به آن فعالیت اشتیاق دارد. از سوی دیگر، اشتیاق سازگار^۷ (هماهنگ) نیز ایجاد می‌شود که فرد برای شرکت در یک فعالیت احساس آزادی می‌کند و هیچ گونه اجبار یا فشاری را برای ادامه دادن فعالیت احساس نمی‌نماید (والرند و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۵۷). اشتیاق سازگار از درونی سازی خودتعیین^۸ فعالیت در هویت فرد ناشی می‌شود. این فرآیند درونی سازی، سازه فردی جدید را ایجاد می‌کند که می‌تواند طوری درونی سازی شود که با سایر ارکان هویت و شخصیت فرد همسویی داشته باشد (ریان و دسی^۹، ۲۰۰۰: ۵۵). وقتی افراد اشتیاق سازگار دارند، برای شرکت در فعالیت، تمایل غیرقابل کنترلی را تجربه نمی‌کنند، بلکه به صورت کاملاً آزادانه آن را انتخاب می‌کنند. این اشتیاق نشان دهنده جنبه مثبت اشتیاق

1 Baubonyté

2 Calvo

3 Vallerand

4 . Dual Model for Passion

5 . Parastatidou

6 . Obsessive

7 Harmonious

8 Self-determine

9 Ryan & Deci

بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق

است که فرد فعالیتی را که به آن اشتیاق دارد، کنترل می کند. افرادی که دارای اشتیاق افراطی هستند برای دستیابی به پیامدهای خاص فعالیت مورد علاقه شان مانند شناخت اجتماعی^۱ و افزایش عزت نفس^۲ و برای شرکت در آن فعالیت احساس اجبار و فشار می کنند. درحالی که افراد دارای اشتیاق سازگار به جز لذت حاصل از خود فعالیت هیچ پیامدی را از شرکت در آن انتظار ندارند (والرند و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۵۷). توجه به اشتیاق می تواند حضور افراد در محیط های ورزشی را همراه با تعهد و پشتکار مناسب همراه سازد و فوائد بی شماری را در محیط های ورزشی ایجاد نماید (والرند^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۷۵۷).

در تحقیقات مختلفی به این مسئله اشاره شده است. انگوستا و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که بهره گیری از اپلیکیشن های ورزشی می تواند نقش انگیزشی در ابعاد ورزشی داشته باشد. یانگ و همکاران (۲۰۱۹) نیز به کارکردهای ورزشی اپلیکیشن های ورزشی اشاره داشتند. این در حالی است که یکی از نگرانی های مهم در حوزه ورزش بحث تحلیل رفتگی از زندگی می باشد که به صورت جدی مورد بررسی قرار نگرفته است (گریبن و سمپلی، ۲۰۲۱: ۳). از طرفی لویژ^۴ و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی تأثیر منفی معنادار داشت- درحالی که اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی تأثیر مثبت معنادار داشت. ولان و کلوهمسی^۵ (۲۰۲۰) نیز مشخص نمودند که مزایای دوجانبه مثبت حاصل از استفاده از اپلیکیشن ورزشی بر اشتیاق سازگار تأثیر مثبت معنادار دارد، درحالی که مزایای شناختی بر اشتیاق افراطی تأثیر مثبت معناداری داشت. علاوه بر این، اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی در زندگی تأثیر منفی و اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی تأثیر مثبت داشت. اگرچه تحقیقاتی در این زمینه به انجام رسیده است، اما نیاز به تحقیقات جامع به خصوص در فضای ورزشی کشور ایران درک می گردد.

نبود تحقیقات جامع در مورد کارکردهای اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی ورزشکاران و عدم توجه به کارکردهای اشتیاق سبب گردیده است تا امروزه تلاش های گسترده ای برای جلوگیری از تحلیل رفتگی در زندگی صورت نگیرد. این در حالی است که یکی از مسائل مهم در جهت شکل گیری تحلیل رفتگی در زندگی مسائل محیطی می باشد که به نظر می رسد ورزش می تواند نقش مهمی در متنوع سازی این محیط برای ورزشکاران ایجاد نماید. خلا تحقیقاتی در زمینه نقش تأثیرات اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی سبب گردیده است تا امروزه دغدغه علمی و عملی در مورد بهبود وضعیت تحلیل رفتگی در زندگی ایجاد نگردد. از منظر علمی این خلا منجر به نبود شواهد علمی و افزایش ابهامات در این مورد شده است. همچنین از منظر عملی نیز این خلا تحقیقاتی سبب گردیده تا

1 Social recognition

2 Self esteem

3 Vallerand

4 Lopes

5 Whelan & Clohessy

راهکارهای علمی در جهت مقابله با تحلیل رفتگی در زندگی متناسب با نیازها و شرایط موجود محیطی در دست نباشد.

بر پایه آمارها، جمعیتی ۲۴ میلیونی در قالب اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی علایق و لحظه‌های مختلف زندگی شان را از طریق تلفن همراه هوشمند با دوستان و دیگر کاربران به اشتراک می‌گذارند و ارتباطات جدیدی را تجربه می‌کنند (کریمی و همکاران، ۲۰۲۱). باوجود چنین تغییراتی، اما دانش محققان علوم ورزشی نسبت به اثرات آنها بر ابعاد مختلف زندگی اندک است. با توجه به نتایج تحقیقات پیشین و نو بودن روند بررسی اثرات اپلیکیشن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی به‌ویژه تحلیل رفتگی، کمتر تحقیقی در کشور به طور خاص به بررسی اثرات اپلیکیشن‌ها بر حالات خلقی و روانشناختی پرداخته است و انجام پژوهش در این زمینه لازم به نظر می‌رسد. از طرفی در چند سال اخیر، با افزایش تعداد نرم‌افزارهای کاربردی مرتبط با علوم ورزشی و سلامتی، استقبال گروه‌های مختلف جامعه از این نرم‌افزارهای کاربردی رو به افزایش گذاشته و نقش آن‌ها در تغییر رفتارهای مرتبط با سبک زندگی کاربران چشم‌گیر بوده است (مک کی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش مقبولیت نرم‌افزارهای کاربردی مرتبط با علوم ورزشی در بین افراد جوامع مختلف، توانایی این نرم‌افزارها در ارضای نیازهای انگیزشی کاربران خود می‌باشد. بسیاری از محققان بر این باور هستند که طراحان، سازندگان و توسعه‌دهندگان نرم‌افزارهای کاربردی مرتبط با علوم ورزشی باید درک مناسبی از نیازهای ترغیب‌کننده کاربران به استفاده از این نرم‌افزارها داشته باشند. توجه به نیازهای کاربران مانند خودمدیریتی، تعیین هدف، خودآگاهی و ارزیابی شخصی می‌تواند به پذیرش این نرم‌افزارها منجر شود و تمایل به استفاده از آن‌ها را افزایش دهد که این امر پیامدهای مثبتی را برای سازندگان و همچنین استفاده‌کنندگان به همراه دارد (جفری^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). با وجود این، شناسایی عوامل مؤثر بر استفاده از نرم‌افزارهای کاربردی مرتبط با علوم ورزشی در بین کاربران آن‌ها موضوعی بسیار پیچیده است؛ چرا که عوامل مؤثر در استفاده از چنین نرم‌افزارهایی در بین گروه‌های مختلف جامعه متفاوت و متنوع می‌باشد و این امر طراحی و ساخت این نرم‌افزارهای کاربردی را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، با وجود آن‌که نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه نرم‌افزارهای کاربردی موبایلی مرتبط با علوم ورزشی نشان دهنده پتانسیل قابل توجه این نرم‌افزارها در ارتقای سلامتی و بهبود سبک زندگی افراد هستند و میزان استفاده از آن‌ها در حال افزایش است، اما در حال حاضر میزان پذیرش و تمایل به استفاده از این نرم‌افزارهای کاربردی ورزشی متناسب با تعداد آن‌ها، در بین افراد جوامع مختلف در حد مطلوبی قرار ندارد که یکی از مهم‌ترین دلایل آن، نگرانی و تردید کاربران در مورد ویژگی‌های این نرم

1 McKay

2 Jeffrey

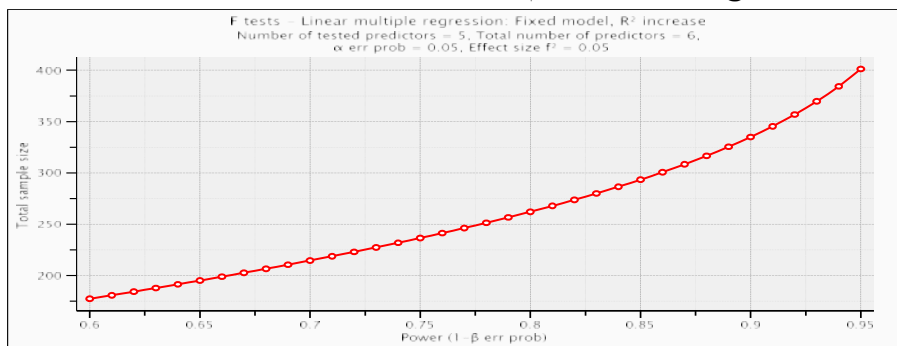
بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق

افزارهای کاربردی ورزشی می باشد (جفری و همکاران، ۲۰۱۹). این مسئله سبب گردیده است تا تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش تأثیرات اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق، سعی در پاسخ به این سؤال داشته باشد:

آیا اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی با توجه به رویکرد دوگانه اشتیاق تأثیرگذار می باشند؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل سازی معادلات ساختاری است و ازلحاظ هدف نیز جزو تحقیقات کاربردی محسوب می شود. داده های این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از پرسش نامه گردآوری شد. جامعه آماری این تحقیق را تمام کاربران اپلیکیشن استراوا در ایران که در دو رشته دوچرخه سواری و دوومیدانی فعال بودند، تشکیل می دادند که تعداد مشخص و آماری از تعداد گروه ها در اپلیکیشن ارائه نشده است. لذا به منظور تعیین حجم نمونه لازم و مطلوب برای تعیین تأثیر متغیرهای مستقل و میانجی بر متغیر وابسته، از نرم افزار جی پاور^۱ نسخه ۳/۱ استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل قدرت نشان داد که نمونه آماری این تحقیق با در نظر گرفتن ضریب تأثیر^۲ ۰/۰۵ طبق قرارداد ضریب تأثیر کوهن^۳ (۱۹۹۰) با اندازه کوچک و خطای آلفای^۴ ۰/۰۵ و توان^۵ ۰/۹۵ به منظور رسیدن به سطح توان دقیق ۰/۹۵، به تعداد ۴۰۲ نفر است. نمونه های آماری با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. شکل ۱، نتایج خروجی مربوط به نرم افزار فوق را نشان می دهد:



شکل ۱: حجم نمونه تحقیق

- 1 Power analysis G*Power
- 2 Effect size
- 3 Cohen
- 4 α err prob
- 5 Power

ابزار تحقیق حاضر شامل پرسشنامه‌های استاندارد زیر بود:

جدول ۱: پرسشنامه اشتیاق به فعالیت بدنی والرند و همکاران (۲۰۰۳)

مقیاس ارزیابی	تعداد سؤالات	ابعاد	پایایی و روایی
هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷)	۱۴	اشتیاق سازگار (سؤالات ۱، ۳، ۵، ۶، ۸ و ۱۰) اشتیاق افراطی (سؤالات ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱ و ۱۲)	تأیید پایایی و روایی توسط جعفری سیاوشانی، نیک‌بخش و صفانیا (۱۳۹۷)

جدول ۲: پرسشنامه تأثیرات اجتماعی ولان و همکاران (۲۰۲۰)

مقیاس ارزیابی	تعداد سؤالات	ابعاد	پایایی
پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵)	۱۲	شناخت (۱ تا ۳) مزایای دوجانبه (۴ تا ۷) هنگارهای ذهنی (۸ تا ۱۲)	تأیید پایایی توسط ولان و همکاران (۲۰۲۰)

جدول ۳: پرسشنامه تحلیل رفتگی در زندگی کنهگان و همکاران (۲۰۰۵)

مقیاس ارزیابی	تعداد سؤالات	ابعاد	پایایی
هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷)	۵	ندارد	تأیید پایایی توسط ولان و همکاران (۲۰۲۰)

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از روش معادلات ساختاری استفاده گردید. تمامی روند تجزیه و تحلیل تحقیق، در قالب نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ و PLS نسخه ۳ انجام گرفت.

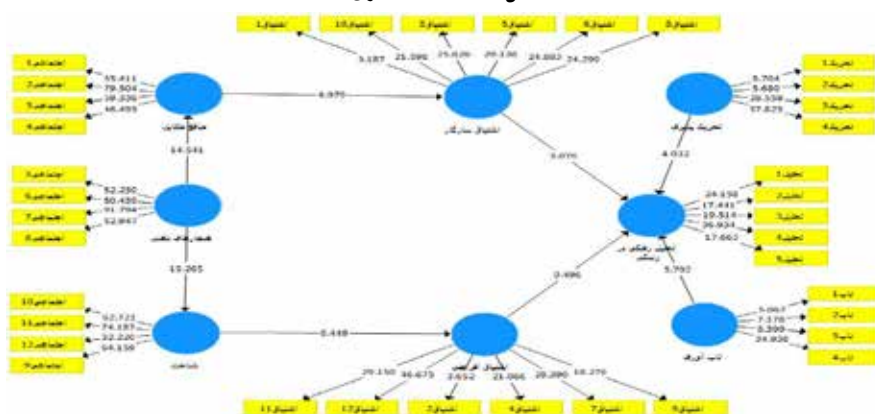
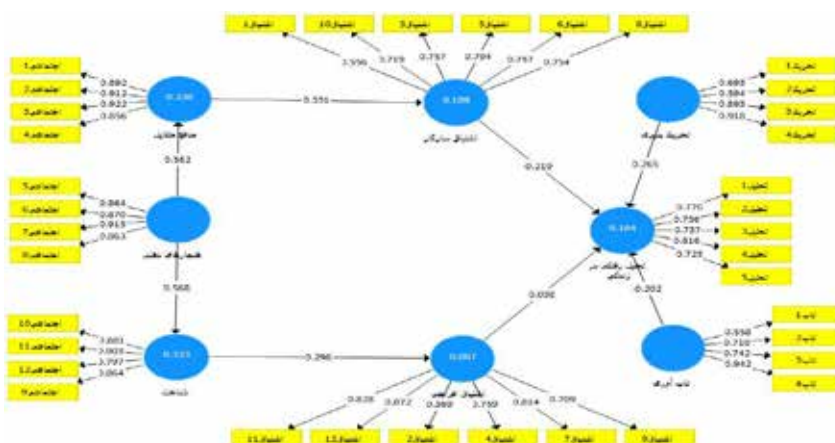
یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی مربوط به نمونه‌های پژوهش در جدول ۴ آورده شده است:

جدول ۴: توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

متغیرها	دامنه سنی	فراوانی	درصد
سن	۲۰ سال و کمتر	۳۷	۹/۲
	۲۱ تا ۲۵ سال	۳۲	۸/۰
	۲۶ تا ۳۰ سال	۶۱	۱۵/۲
	۳۱ تا ۳۵ سال	۱۰۲	۲۵/۴
	۳۶ تا ۴۰ سال	۹۰	۲۲/۴
	۴۱ تا ۴۵ سال	۵۲	۱۲/۹
	بالای ۴۵ سال	۲۸	۷/۰
جنسیت	مرد	۳۲۵	۸۰/۸
	زن	۷۷	۱۹/۲
رشته ورزشی	دو و میدانی	۲۰۷	۵۱/۵
	دوچرخه سواری	۱۹۵	۴۸/۵
	زیر ۵ سال	۱۲۱	۳۰/۱
سابقه ورزشی	۶ تا ۱۰ سال	۱۴۳	۳۵/۶
	۱۱ تا ۱۵ سال	۴۲	۱۰/۴
	بالای ۱۵ سال	۹۶	۲۳/۹
	زیر ۱ سال	۱۷۴	۴۳/۳
سابقه استفاده از اپلیکیشن	۲ سال	۱۰۵	۲۶/۱
	۳ سال	۶۵	۱۶/۲
استراوا	۴ سال	۳۴	۸/۵
	۵ سال	۲۴	۶/۰

با توجه به نتایج شاخص چولگی و کشیدگی، توزیع داده‌های تحقیق حاضر نرمال نبود و این مسئله سبب گردید تا جهت انجام روش معادلات ساختاری از نرم‌افزارهای واریانس‌محور از جمله PLS استفاده شود. شکل ۱ و ۲ مدل تحقیق در حالت بار عاملی و تی را نشان می‌دهد:



جدول ۵: اطلاعات مربوط به مدل تحقیق

روابط	تأثیر	تی	وضعیت
هنجارهای ذهنی بر منافع متقابل	۰/۵۸۲	۱۴/۵۴۱	تأیید
هنجارهای ذهنی بر شناخت	۰/۵۶۸	۱۲/۲۶۵	تأیید
منافع متقابل بر اشتیاق سازگار	۰/۳۳۱	۶/۹۷۹	تأیید
شناخت بر اشتیاق افراطی	۰/۲۹۶	۶/۴۴۹	تأیید
اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی از زندگی	-۰/۲۱۹	۳/۰۷۹	تأیید
اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی از زندگی	۰/۰۳۸	۰/۴۶۹	عدم تأیید

بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق

تاب آوری بر تحلیل رفتگی از زندگی	-۰/۲۰۲	۳/۷۹۲	تأیید
تحریک پذیری بر تحلیل رفتگی از زندگی	۰/۲۶۵	۴/۹۳۲	تأیید

همان طور که نتایج تحقیق نشان داد هنجارهای ذهنی بر منافع متقابل (۰/۵۸۲ = تأثیر؛ ۱۴/۵۴۱ = تی)، هنجارهای ذهنی بر شناخت (۰/۵۶۸ = تأثیر؛ ۱۲/۲۶۵ = تی)، منافع متقابل بر اشتیاق سازگار (۰/۳۳۱ = تأثیر؛ ۶/۹۷۹ = تی)، شناخت بر اشتیاق افراطی (۰/۲۹۶ = تأثیر؛ ۶/۴۴۹ = تی)، اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی از زندگی (۰/۲۱۹ = تأثیر؛ ۳/۰۷۹ = تی)، تاب آوری بر تحلیل رفتگی از زندگی (-۰/۲۰۲ = تأثیر؛ ۳/۷۹۲ = تی) و تحریک پذیری بر تحلیل رفتگی از زندگی (۰/۲۶۵ = تأثیر؛ ۴/۹۳۲ = تی) تأثیر معناداری دارد. جدول ۶، شاخص برازش مدل را به نمایش گذاشته است:

جدول ۶: شاخص های برازش مدل تحقیق

سازه ها	آلفای کرونباخ	ρ_{A}	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس مستخرج (AVE)	ضریب تعیین
اشتیاق افراطی	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۸۷	۰/۵۵	۰/۰۸۸
اشتیاق سازگار	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۸۶	۰/۵۲	۰/۱۱۰
تاب آوری	۰/۷۸	۰/۷۴	۰/۸۳	۰/۵۶	-
تحریک پذیری	۰/۸۱	۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۶۱	-
تحلیل رفتگی در زندگی	۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۵۷	۰/۰۶۳
شناخت	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۲	۰/۷۴	۰/۳۲۳
منافع متقابل	۰/۹۱	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۸۰	۰/۳۳۸
هنجارهای ذهنی	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۷۷	-

مطابق با شاخص های منتخب، مشخص گردید که مدل تحقیق حاضر از برازش مناسبی برخوردار می باشد. همچنین برای بررسی برازش مدل از شاخص GOF استفاده می شود. برای به دست آوردن برازش مدل در ابتدا باید میانگین مقدار اشتراکی متغیر وابسته (۰/۰۶۳) و سپس میانگین مقدار ضریب تعیین متغیر وابسته (۰/۷۷۴) را در نظر گرفت و سپس این مقادیر را در فرمول زیر گذاشت:

$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R\text{quare}}$$

$$GOF = \sqrt{0.774 \times 0.063} =$$

$$GOF = \sqrt{0.048}$$

$$GOF = 0.220$$

در نتیجه مقدار شاخص GOF برابر است با ۰/۲۲۰ که این عدد با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۴۱ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاکی از برازش کلی متوسط می باشد.

بحث و نتیجه گیری

اهمیت و جایگاه تحلیل رفتگی در زندگی به خصوص در میان ورزشکاران سبب گردیده است تا تلاش هایی در جهت کاهش میزان این پدیده در میان ورزشکاران انجام گردد. اگرچه تلاش هایی در جهت بهبود وضعیت محیطی و فردی ورزشکاران انجام شده است، اما روندهای مثبت تری در این زمینه باید انجام گردد؛ به صورتی که بتوان مسیر علمی و مدون تری برای کاهش تحلیل رفتگی در زندگی ورزشکاران ایجاد نمود. با توجه به کاربردها و کارکردهای اپلیکیشن های ورزشی بر محیط ورزشکاران و همچنین کارکردهای اشتیاق، تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش تأثیرات اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق طراحی و اجرا گردید.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که منافع متقابل بر اشتیاق سازگار تأثیر مثبت معنادار دارد. شناخت بر اشتیاق افراطی تأثیر مثبت معنادار دارد. هنجارهای ذهنی بر منافع متقابل و شناخت تأثیر مثبت معنادار دارد. اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی در زندگی در سطح $0/01$ تأثیر منفی معنادار دارد. درحالی که اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی در زندگی تأثیر معنادار ندارد. اشتیاق سازگار تأثیر منافع متقابل بر تحلیل رفتگی در زندگی را به طور کامل میانجیگری می کند. درحالی که اشتیاق افراطی در تأثیر شناخت بر تحلیل رفتگی در زندگی نقش میانجی معناداری ندارد. به عبارتی، توجه به اشتیاق سازگار می تواند منجر به کاهش تحلیل رفتگی در زندگی ورزشکاران گردد. در تحقیقات مختلفی به این مسئله اشاره شده است. انگوستا و همکاران (۲۰۲۰) مشخص نمودند که بهره گیری از اپلیکیشن های ورزشی می تواند نقش انگیزشی در ابعاد ورزشی داشته باشد. یانگ و همکاران (۲۰۱۹) نیز به کارکردهای ورزشی اپلیکیشن های ورزشی اشاره داشتند. این در حالی است که یکی از نگرانی های مهم در حوزه ورزش بحث تحلیل رفتگی در زندگی می باشد که به صورت جدی مورد بررسی قرار نگرفته است (گریبین و سمپلی، ۲۰۲۱: ۳). از طرفی لوپز و همکاران (۲۰۲۰) مشخص نمودند که اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی تأثیر منفی معنادار داشت. درحالی که اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی تأثیر مثبت معنادار داشت. ولان و کلوهمسی (۲۰۲۰) نیز دریافتند که مزایای دوجانبه مثبت حاصل از استفاده از اپلیکیشن ورزشی بر اشتیاق سازگار تأثیر مثبت معنادار دارد درحالی که مزایای شناختی بر اشتیاق افراطی تأثیر مثبت معناداری داشت. علاوه بر این، اشتیاق سازگار بر تحلیل رفتگی در زندگی تأثیر منفی و اشتیاق افراطی بر تحلیل رفتگی تأثیر مثبت داشت. بدون شک اگرچه تحقیقاتی در این زمینه به انجام رسیده است، اما نیاز به تحقیقات جامع به خصوص در فضای ورزشی کشور ایران درک می گردد.

یافته های دیگر نشان داد که اشتیاق سازگار در تأثیر منافع متقابل بر تحلیل رفتگی در زندگی در سطح $0/01$ نقش میانجی معناداری دارد. در تفسیر این یافته می توان چنین ادعان داشت که اهمیتی که یک

بررسی تأثیر اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی بر تحلیل رفتگی در زندگی: رویکرد دوگانه اشتیاق

کاربر برنامه تناسب اندام به جنبه های تأثیرات اجتماعی سیستم می دهد به طور مستقیم بر ادراک او از تحلیل رفتگی زندگی نمی تواند مؤثر باشد. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که رابطه بین تأثیرات اجتماعی و تحلیل رفتگی زندگی غیرمستقیم است و نوع اشتیاقی که یک کاربر برنامه تناسب اندام به ورزش دارد به عنوان یک متغیر واسطه عمل می کند که این امر در اشتیاق سازگار مورد تأیید قرار گرفته و افرادی که دارای اشتیاق سازگار نسبت به فعالیت بدنی هستند، می توانند تحلیل رفتگی در زندگی را تعدیل سازند. بارکلی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «رابطه بین استفاده از اپلیکیشن تناسب اندام و رفتارهای فعالیت بدنی با نقش میانجی هویت ورزشی» انجام دادند. در این تحقیق ۳۱۰ دانشجو شرکت کردند و نتایج مدل سازی معادلات ساختاری نشان داد که استفاده از اپلیکیشن های تناسب اندام بر افزایش میزان فعالیت بدنی تأثیر مثبت معنادار دارد. هوگبرگ^۲ و همکاران (۲۰۱۹) پس از بررسی های خود پی بردند که گیمیفیکیشن بر تجربیات لذت جویانه فعالیت تأثیر مثبت معنادار دارد. در این راستا، ولان و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان «چطور ابعاد اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی می تواند بهزیستی را توسعه و شکل دهد: مدل دوگانه رویکرد اشتیاق» انجام دادند. در این تحقیق ۲۷۲ نفر از دوچرخه سوارانی که کاربر اپلیکیشن استراوا بودند، شرکت کردند و نتایج مدل سازی معادلات ساختاری نشان داد که اشتیاق سازگار تأثیر منافع متقابل بر تحلیل رفتگی در زندگی به طور کامل میانجیگری می کند. بنابراین، یافته های این بخش با نتایج تحقیق ولان و همکاران (۲۰۲۰) همسو می باشد.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که اشتیاق افراطی در تأثیر شناخت بر تحلیل رفتگی در زندگی نقش میانجی معناداری ندارد. این بدان مفهوم است که نوع اشتیاق افراد به فعالیت بدنی و به طور ویژه اشتیاق افراطی نمی تواند تأثیر شناخت بر تحلیل رفتگی را تحت تأثیر قرار دهد. برخلاف یافته های این تحقیق، نتایج مدل سازی معادلات ساختاری پژوهش ولان و همکاران (۲۰۲۰) با عنوان «چطور ابعاد اجتماعی اپلیکیشن های ورزشی می تواند بهزیستی را توسعه و شکل دهد: مدل دوگانه رویکرد اشتیاق» بر روی ۲۷۲ نفر از دوچرخه سوارانی که کاربر اپلیکیشن استراوا بودند، نشان داد که اشتیاق افراطی تأثیر شناخت بر تحلیل رفتگی در زندگی به طور کامل میانجیگری می کند. بنابراین، یافته های این بخش با نتایج تحقیق ولان و همکاران (۲۰۲۰) ناهمسو می باشد. از دلایل احتمالی این ناهمسویی می توان به تفاوت فرهنگی جوامع مختلف اشاره کرد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می گردد تا کاربران اپلیکیشن استراوا با تشکیل گروه های مختلف و به اشتراک گذاری دستاوردهای ورزشی و افزایش تعاملات اجتماعی، میزان اشتیاق سازگار افراد را بهبود بخشند. همچنین پیشنهاد می گردد تا کاربران اپلیکیشن استراوا از طریق توجه به دستاوردهای ورزشی

1 Barkley

2 Högberg

سایر هم‌تیمی‌ها، تجربیات و عواطف مثبت را در آن‌ها ایجاد کنند. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا کاربران اپلیکیشن استراوا با بکارگیری راهبردهای مقابله‌ای از بروز اشتیاق افراطی جلوگیری کنند. همچنین کاربران استراوا با طراحی یک برنامه ورزشی مدون و سازگار کردن تمرینات ورزشی با سایر ابعاد زندگی، میزان اشتیاق سازگار را بهبود بخشند. در عین حال برنامه‌ریزی در جهت بهبود حالات خلقی و روانشناختی کاربران همچون بهبود حالات تحلیل‌رفتگی در زندگی و ارتقای مثبت اندیشی لازم به نظر می‌رسد و در این مسیر بهره‌گیری از کارشناسان مجرب و متخصص می‌تواند زمینه بهبود خدمات را بیش از پیش فراهم آورد. گفتنی است که کاربران اپلیکیشن استراوا را گروه‌های مختلف جنسی و سنی تشکیل می‌دهند. لذا سطح‌بندی و کاربردی نمودن مفاهیم موجود برای هر گروه و ارائه مطالب اختصاصی می‌تواند زمینه دستیابی به اهداف را در مدیریت این اپلیکیشن‌ها فراهم و بهره‌گیری متناسب با نیاز را برای کاربران به همراه داشته باشد.

منابع

- Angosto, S., García-Fernández, J., Valantine, I., & Grimaldi-Puyana, M. (2020). "The intention to use fitness and physical activity apps: a systematic review". *Sustainability*, 12(16), 6641.
- Barkley, J. E., Lepp, A., Santo, A., Glickman, E., & Dowdell, B. (2020). "The relationship between fitness app use and physical activity behavior is mediated by exercise identity". *Computers in Human Behavior*, 108, 106313.
- Baubonytė, S., Deliautaitė, K., Narkevičienė, K. M., & Valantinė, I. (2021). "The Use of Sports Apps for Engaging in Physical Activity". *Baltic Journal of Sport and Health Sciences*, 2(121), 28-33.
- Bicalho, C. C. F., & Da Costa, V. T. (2018). "Burnout in elite athletes: a systematic review". *Cuadernos de Psicología Del Deporte*, 18(1), 89-102.
- Bitrián, P., Buil, I., & Catalán, S. (2020). "Gamification in sport apps: the determinants of users' motivation". *European Journal of Management and Business Economics*, 29 (3), 365-381.
- Calvo, T. G., Cervelló, E., Jiménez, R., Iglesias, D., & Murcia, J. A. M. (2010). "Using self-determination theory to explain sport persistence and dropout in adolescent athletes". *The Spanish journal of psychology*, 13(2), 677-684.
- Cheli, S., Zagonel, V., Oliani, C., Blasi, L., & Fioretto, L. (2021). "Is burnout affecting life satisfaction in oncologists? The moderating role of family concerns in an Italian sample". *Psycho-Oncology*, 30(3), 385-391.
- Chyi, T., Lu, F. J. H., Wang, E. T., Hsu, Y. W., & Chang, K. H. (2018). Prediction of life stress on athletes' burnout: the dual role of perceived stress. *PeerJ*, 6, e4213.
- Gerber, M., Best, S., Meerstetter, F., Walter, M., Ludyga, S., Brand, S., & Gustafsson, H. (2018). "Effects of stress and mental toughness on burnout and depressive symptoms: A prospective study with young elite athletes". *Journal of Science and Medicine in Sport*, 21(12), 1200-1205.
- Gribben, L., & Semple, C. J. (2021). "Factors contributing to burnout and work-life balance in adult oncology nursing: an integrative review". *European Journal of Oncology Nursing*, 50, 1-8.
- Högborg, J., Ramberg, M. O., Gustafsson, A., & Wästlund, E. (2019). "Creating brand engagement through in-store gamified customer experiences". *Journal of Retailing and Consumer Services*, 50, 122-130.
- Lee, S., Kim, S., & Wang, S. (2017). Motivation factors influencing intention of mobile sports apps use by applying the unified theory of acceptance and use of technology (UTAUT). 29(2), 115-127

- Parastatidou, Irini S.; Doganis, Georgios; Theodorakis, Yannis; & Vlachopoulos, Symeon P. (2012). **"Exercising with Passion: Initial Validation of the Passion Scale in Exercise"**. Measurement in Physical Education and Exercise Science, 16(2), 119-134.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). **"Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions"**. Contemporary educational psychology, 25(1), 54-67.
- Song, Y., Jia, Y., Sznajder, K., Ding, J., & Yang, X. (2021). **"Recovery experiences mediate the effect of burnout on life satisfaction among Chinese physicians: a structural equation modeling analysis"**. International Archives of Occupational and Environmental Health, 94(1), 31-41.
- Sorkkila, M., Ryba, T. V., Selänne, H., & Aunola, K. (2020). **"Development of school and sport burnout in adolescent student-athletes: A longitudinal mixed-methods study"**. Journal of research on adolescence, 30, 115-133.
- Vallerand, Robert J.; Blanchard, Céline; Mageau, Geneviève A.; Koestner, Richard; Ratelle, Catherine; Léonard, Maude; Gagné, Marylène; & Marsolais, Josée. (2003). **"Les passions de l'âme: On obsessive and harmonious passion"**. Journal of Personality and Social Psychology, 85(4), 756-767.
- Whelan, E., & Clohessy, T. (2020). **"How the social dimension of fitness apps can enhance and undermine wellbeing: A dual model of passion perspective"**. Information Technology & People. 34 (1), 68-92.
- Yang, C. C., Tang, K. Y., Sia, W. Y., & Chang, J. H. (2019). **"Exploring the Relationship of Sports APPs Users' Motivation, Goal Orientation and Exercise Involvement among College Students in Taiwan"**. In Proceedings of the 2019 3rd International Conference on Education and Multimedia Technology (pp. 150-155).
- Zhang, C. Q., Li, X., Chung, P. K., Huang, Z., Bu, D., Wang, D., & Si, G. (2021). **"The effects of mindfulness on athlete burnout, subjective well-being, and flourishing among elite athletes: A test of multiple mediators"**. Mindfulness, 12(8), 1899-1908.
- Karimi, Behzad, Delavar, Ali, Farhani, Ali Akbar. (2021). **"Instagram: the new experience of seeing and being seen and its consequences"**. Media Quarterly, 32(1), 29-51. doi: 10.22034/bmsp.2021.132232
- McKay, F.H., Wright, A., Shill, J., Stephens, H., & Uccellini, M.(2019). **"Using health and well-being apps for behavior change: A systematic search and rating of apps"**. JMIR MHealth and Uhealth. 7(7), 1-11.
- Jeffrey, B., Bagala, M., Creighton, A., Leavey, T., Nicholls, S., Wood, C., Longman, J., Barker, J., & Sabrina, P. (2019). **"Mobile phone applications and their use in the self-management of Type 2 Diabetes Mellitus: a qualitative study among app users and non-app users"**. Diabetology & Metabolic Syndrome.



طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور

ام البنین ازمشا^۱

ابوالفضل فراهانی^۲

علی محمد صفانیا^۳

شیوا آزاد فدا^۴



10.22034/SSYS.2022.2209.2583

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲

هدف از این پژوهش، طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور بود. روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری پژوهش شامل اساتید و مدیران حوزه علمی ورزش کشور بود. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت برای مدلسازی در نرم افزار smart pls برآورد و با روش قضاوتی نمونه‌گیری انتخاب شد (۱۶۲ نفر). ابزار پژوهش، پرسشنامه مستخرج از مرحله کیفی نظام‌مند بود. روایی ابزار از نظر متخصصان (روایی محتوایی) و شاخص‌های برازش مدل (پایایی و روایی سازه) ارزیابی و تایید گردید. چهار سطح مفهومی مدل و ابعاد شامل اکوسیستمی (ظرفیت‌های نظام علمی، توسعه سیستم ورزش و تحولات علمی ورزش بین‌المللی)، سیستمی (قابلیت‌های بخش اجرایی، صنعت و سیستم علمی ورزش)، ساختاری (مدیریت پژوهشی، تأمین منابع، خدمات پژوهشی و توسعه پژوهش) و کارکردی (کاربست‌پذیری، دامنه و پیامدهای کاربست) است.

یافته‌ها نشان داد که براساس نتایج تحلیل عاملی و مدل‌های اندازه‌گیری، ابعاد متغیرهای مدل به طور معنی‌داری تبیین‌کننده آن‌ها بودند. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که روابط بین متغیرهای مدل معنی‌دار است. شاخص‌های برازش نیز در سطح مطلوبی مورد تأیید قرار گرفتند. براساس نتایج به مدیریت واحدهای پژوهشی در سازمان‌های ورزشی (کمیته پژوهش سازمان‌ها، علوم ورزشی دانشگاه‌ها و...) پیشنهاد می‌شود که کاربست تحقیقات ورزشی را به عنوان یک جریان سیستمی و راهبردی تعریف نمایند و همزمان با ارتقای قابلیت کاربست‌پذیری تحقیقات ورزشی به ظرفیت‌سازی در محیط علمی، اجرایی، صنعتی و اجتماعی ورزش بپردازند.

واژگان کلیدی: علوم ورزشی، کاربرد دانش، مدیریت پژوهشی و الگوی کاربست.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Afarahani@pnu.ac.ir

Afarahani@pnu.ac.ir

۳ استاد، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

ایجاد ارتباط بین دولت، جامعه، دانشگاه و صنعت اهمیت بسیاری دارد؛ به طوری که در «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴» و «برنامه ششم توسعه ایران» نیز بر اقتصاد دانش‌بنیان، تحقیق و توسعه و پاسخگویی مراکز علمی و صنعتی کشور به تقاضای اجتماعی تأکید شده است. ورزش به عنوان بخشی از جامعه و صنعت یا به عنوان یک جامعه و صنعت، فراگیر بوده، جایگاه منحصر به فردی در نهاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور دارد. بنابراین توسعه علمی ورزش، تجاری‌سازی دانش ورزش و پاسخگویی مناسب نظام علمی و فناوری به نیازهای ورزش کشور از اهمیت بالایی برخوردار است (علیزاده گلریزی، ۲۰۱۷). همچنین نظر به تجربه کشور در یک دهه اخیر و روند کند ورود فرهنگ و دستاوردهای پژوهشی به عرصه اقتصادی و وجود فاصله میان صاحبان علم و فناوری و اقتصاد، صاحب‌نظران بر این عقیده استوارتر شده‌اند که اصلاح فرهنگ و نگرش اقتصادی و علمی جامعه یکی از زیرساخت‌های اساسی و الزامات پایه برای موفقیت کشور در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان است. جامعه ورزش بخش بزرگی از نظام اجتماعی و صنعت و رویدادهای ورزش نیز حوزه پویا و فراگیری در اقتصاد کشور است. از این رو به طور بالقوه، ورزش ظرفیت بالایی در جهت دستیابی به اهداف اقتصاد دانش و اقتصاد مقاومتی در کشور دارد. با وجود این، تاکنون نقش آن در این زمینه به طور مشخص مورد بررسی و توجهات علمی و رسانه‌ای نبوده است (امینی، ۲۰۱۷).

در میان فعالیت‌های مختلف علمی و فناوری سازمان‌ها، پژوهش نقشی بی‌بدیل و شگرف بر میزان پیشرفت و بلوغ فنی و فناوریکی آن‌ها دارد. دانش و فناوری، یکی از عوامل بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی نهاد هر کشوری به شمار می‌آید و از جمله منابعی است که می‌توان بدون کاهش و استهلاک از آن استفاده کرد (فراهانی و رضایی، ۲۰۱۱)؛ یعنی برخلاف سایر منابع فیزیکی مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی استفاده از آن از حجمش نمی‌کاهد و می‌توان از آن بارها استفاده کرد. در واقع، با وجود محیط پویا و پیچیده امروزی، چالش‌هایی پیش روی سازمان‌ها قرار می‌گیرند که دیگر با روش‌های سنتی و کلاسیک نمی‌توان به مدیریت و رفع آن‌ها پرداخت و باید از روش‌های نوین استفاده کرد. دستیابی به اطلاعات و راهکارهای جدید از طریق دانش و پژوهش میسر است و سازمان‌هایی که توان علمی و نوآوری مناسبی دارند بهتر می‌توانند عملکرد خود را مدیریت کنند (نام^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، سازمانی که از تسهیم اطلاعات و خلق دانش میان کارکنانش حمایت می‌کند، بیشتر می‌تواند فرایندهای مؤثر و کارآمدی را تعریف نماید و عملکرد سازمانی خود را بهبود بخشد. بنابراین در مدل‌های جدید رشد اقتصادی، دانشی که

1 Nam

البته کاربردی باشد به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بهره‌وری رشد اقتصادی مطرح می‌شود. بنابراین اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر بسزایی در افزایش تولید سرانه و کاهش نابرابری در توزیع درآمد خواهد داشت (راتن^۱، ۲۰۱۹). با توجه به توسعه بالای علوم ورزشی در آموزش عالی وجود تولیدات علمی بالای آن، از یک سو و نیاز به علمی کردن بخش‌های اجرایی، صنعتی و ورزشی توسعه علمی ورزش از سوی دیگر نیازمند کاربست تحقیقات می‌باشد. در جمع‌بندی کلی، بنیان و ظرفیت تحقیقات بنیادی، تحقیقات قابل تجاری شدن و شبکه‌های تحقیقاتی، وجوه مختلفی از تحقیق و توسعه هستند که بدون وجود آن‌ها، حتی در صورت فراهم بودن سرمایه انسانی و پیشرفته‌ترین فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، امکان نوآوری، انجام فعالیت‌های کارآفرینی و درونی کردن دانش در اقتصاد ممکن نیست (ان ام نعیم و آملوس^۲، ۲۰۱۶). به طور کلی آنچه در اقتصاد دانش کلیدی است، گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه به لحاظ کمی، از یک سو و تعمیق این فعالیت‌ها به لحاظ کیفی از سوی دیگر است؛ تنها از این راه است که می‌توان به مزایای اقتصاد دانش دست یافت (هیچما و احمد^۳، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نقش حیاتی و کلیدی در پیشبرد علوم و پیشرفت جوامع دارند.

در این میان، کاربست یافته‌های پژوهشی از اهمیت محوری برخوردار است، چرا که اگر یافته‌های پژوهش مورد استفاده و یا کاربرد قرار نگیرند انجام پژوهش‌ها توجیه اقتصادی ندارد. پژوهش اثربخش و برنامه‌ریزی شده سرلوحه کار تمامی سازمان‌ها و مؤسسات قرار دارد. کاربست پژوهش یکی از مفاهیم بسیار مهم در مدیریت پژوهشی است که به اعتقاد برخی بی‌توجهی به آن، موجب بی‌ثمر ماندن تلاش‌های پژوهشی می‌شود و چگونگی برنامه‌ریزی برای آن در چارچوبی قرار می‌گیرد که به عنوان مدل‌های کاربست شناخته می‌شود (علیزاده گلریزی، ۲۰۱۷). مدیریت پژوهشی به عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای که پیوند میان دو رشته اصلی «مدیریت» و «روش‌شناسی پژوهش‌ها» به خصوص پژوهش‌های انسانی و اجتماعی است، مطرح شده است. کاربست تحقیقات بیانگر سه نوع استفاده ابزاری، مفهومی و فرآیندی از نتایج تحقیقات می‌باشد که برجسته شده و در هریک از این استفاده‌ها مدل‌های کاربست متناسبی معرفی شده‌اند (بشیری و همکاران، ۲۰۱۵). مدل‌های ارتباطات، فشار علم، نشأت گرفته از دانش، حل مسئله، کشش تقاضا، اشاعه، استتار، فرآیند دانش به عمل و مدل‌های تلویحی کاربست ابزاری پژوهش در استفاده ابزاری مطرح هستند. مدل ارزشیابی پاسخ‌گو، مدل کرونباخ، مدل روسی در استفاده مفهومی و مدل استفاده از پژوهش اوتوا، مؤسسات کانادایی پژوهش بهداشتی، چارچوب بافت ادراک کاربر، مشارکتی و مدل ارزشیابی متمرکز بر کاربست، در استفاده فرآیندی مورد معرفی قرار گرفتند. این بررسی می‌تواند زمینه‌ای برای انتخاب مدل‌های کاربست جهت

1 Ratten

2 NM Naim & Amlus

3 Hichema & Ahmed

کاربران متفاوت ایجاد کند. بر اساس گستره مدل‌های کاربردی پژوهش می‌توان چنین برداشت کرد که این مدل‌ها بر اساس شرایط خاص موضوعی و منطق‌هایی به وجود آمده است و بنابراین در هنگام استفاده از آن‌ها نیز باید به خصوصیات خاص مدل‌ها و انطباق با ویژگی‌های سازمانی و محیطی توجه ویژه‌ای داشت (کبیری، ۲۰۰۹).

با وجود این و به رغم صرف هزینه‌های هنگفت، مدیران سازمان‌ها چندان رضایتی از اثربخشی پژوهش‌های انجام شده ندارند. از جمله علل این عدم رضایتمندی را می‌توان در عدم کاربرد نتایج تحقیقات در سازمان دانست. نقطه اصلی هر پژوهشی، کاربرد آن است و تا زمانی که کاربرد پیدا نشود، صرف زمان و هزینه جهت انجام پژوهش، صرفاً اتلاف منابع انسانی و مادی خواهد بود (نقوی و همکاران، ۲۰۱۳). لازمه شناسایی مسائل اساسی و انجام پژوهش‌های اثربخش حول این مسائل، کاربردی نتایج پژوهشی است، زیرا این مقوله به واسطه این که سرمایه‌های دانشی بشر را به حل مسائل واقعی زندگی معطوف می‌کند، می‌تواند مثمر ثمر واقع شود (صفا و همکاران، ۲۰۱۳). به کمک فرایند کاربردی پژوهشی، دغدغه‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف جامعه برطرف می‌شوند، پژوهشگران تلاش خود را به حل مسائل اولویت‌بندی شده جامعه بشری اختصاص می‌دهند و نوعی عقلانیت در استفاده از منابع و ابزار پژوهش تسری پیدا می‌کند. اما امروزه علی‌رغم نقش بسزایی که کاربردی پژوهشی در تبیین و پیشبرد سطح وسیع و متنوعی از فعالیت‌های علمی، پژوهشی و آموزشی دارد، مغفول واقع شده است (بامیر و ستایش، ۲۰۱۹). رابطه میان علم و عمل در علوم انسانی و اجتماعی نسبت به سایر علوم چالش بیشتری دارد و یکی از عمده‌ترین موضوعاتی است که در چند دهه اخیر مباحث و مناقشه‌های بسیاری را به دنبال داشته است. هدایت فرایند پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی از مرحله آغازین تا مرحله اجرا و نهادینه کردن آن همچون هر تغییر و تحول دیگر نیازمند مدیریت است (فراهانی و رضایی، ۲۰۱۱). تحقیقات علوم ورزشی یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید علوم انسانی و اجتماعی کشور است که به دلیل نقش ورزش در جامعه اهمیت بالایی پیدا کرده است. عمده دانشگاه‌های کشور رشته‌های علوم ورزشی را در مقطع تحصیلی کارشناسی و تحصیلات تکمیلی و به صورت گروه آموزشی یا دانشکده دارند. این توسعه رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی سبب شده است تا تحقیقات زیادی به صورت پایان‌نامه، طرح پژوهشی و مقالات در این زمینه انجام شود. اما مشکل موجود در این زمینه عدم کاربرد بیشتر این تحقیقات در دولت، صنعت و جامعه به شیوه‌های مختلف است. از این رو، کاربردی نتایج تحقیقات ورزشی یکی از الزامات توسعه ورزش کشور است که باید به آن توجه شود (افشاری و همکاران، ۲۰۱۹). آن چه که در حوزه مدیریت پژوهش‌های ورزشی بسیار اهمیت دارد، ضرورت رویکرد کاربردگرایی در نیازسنجی پژوهش‌های علوم ورزشی است که زمینه‌ساز ترسیم و کشف چشم‌اندازهای

توسعه علم، فناوری و جامعه و ارتقای کیفی پژوهش‌های علوم انسانی به منظور کاربرست و تجاری‌سازی تحقیقات در توسعه همه جانبه گردد (فراهانی و رضایی، ۲۰۱۱).

جهت تبیین بهتر مسئله پژوهش، لازم است تا تحقیقات پیشین و مرتبط با موضوع پژوهش مرور و نقد شوند. تحقیقات خارجی ابعاد بیشتری از زمینه‌های توسعه علمی و کاربرد دانش در محیط ورزش را بررسی کرده‌اند. راتن^۱ (۲۰۱۹) برای توسعه اکوسیستم کارآفرینی ورزشی، اهمیت عنصر دانش را نسبت به زیرساخت‌ها، سیاست‌ها، فرهنگ و ذینفعان بیشتر می‌داند. نام^۲ و همکاران (۲۰۱۹) کارکرد اقتصاد دانش در رشد و رقابت‌پذیری جهانی کسب‌وکارهای خدمات به ورزشکاران و استعدادهای ورزشی (کره جنوبی) را مورد تأیید قرار دادند. مک‌آدام^۳ و همکاران (۲۰۱۸) نیز تجاری‌سازی فناوری دانشگاه‌ها را بیشتر متأثر از روابط مارپیچ چهارگانه در سطح خرد گزارش کرده‌اند. کورستن و راچر^۴ (۲۰۱۸) نقش دانش و فناوری در توسعه تجاری نوین ورزش را قابل توجه ارزیابی کردند. ویلتی و کوهن^۵ (۲۰۱۶) همکاری تحقیقاتی بین محققان ورزش در حوزه توسعه ورزش را دارای چالش‌های چشم‌انداز سیاسی و سازمانی؛ تأمین امنیت تعهدات از سازمان با منابع محدود؛ مذاکره اهداف متفاوت، اهداف و فهم می‌دانند و انجام ارزیابی‌ها و تحقیقات طولانی‌مدت مهم‌ترین عوامل اثرگذار در این زمینه گزارش کرده‌اند. ان‌ام‌نعیم و آم‌لوس^۶ (۲۰۱۶) در بررسی اولویت‌های پژوهشی موردتقاضا در سازمان‌های تولیدی در مالزی گزارش کردند. که نوآوری، راهبرد محصول، تجربه کارکنان سه معیار دارای اولویت هستند. گرک^۷ (۲۰۱۶) منابع نوآوری در شبکه نوآوری صنعت ورزش استرالیا را شامل دو بخش داخلی و خارجی تعیین کردند که توسط مکانیسم‌های بین‌سازمانی به خوشه‌های صنعتی ورزشی انتقال می‌یابند. عبدالکریم^۸ و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی اولویت‌های سازمان‌های تولیدی در اردن سه معیار عملکرد مالی، اشتراک دانش و بهبود را در اولویت قرار دادند. زاهاریا و کابوراکیس^۹ (۲۰۱۶) هم موانع توسعه علمی صنعت ورزش آمریکا را شامل موانع کاربردی، ساختاری و زیرساختی می‌داند. پیچی و کوهن^{۱۰} (۲۰۱۶) نیز چالش‌های همکاری بین محققان و مدیران در ورزش را شامل عوامل سیاسی و سازمانی؛ تضمین تعهدات، محدودیت منابع؛ ناهم‌سویی اهداف، معیارهای

1 Ratten

2 Nam

3 McAdam

4 Cortsen & Rascher

5 Welty Peachey and Cohen

6 NM Naim & Amlus

7 Gerke

8 Abdulkareem

9 Zaharia & Kaburakis

10 Peachey & Cohen

ارزیابی و زمان همکاری گزارش کرده‌اند. هیچما و احمد^۱ (۲۰۱۵) کیفیت آموزش، آموزش حرفه‌ای، بودجه و زیرساخت‌ها و تحقیقات علمی و ارزیابی عملکرد را در اقتصاد دانش حوزه ورزش الجزایر تعیین کننده گزارش کرده‌اند. وینسنت^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی مدیریت علمی و تحقیقات بازار شرکت ICT گزارش کرد که نیازهای مشتریان و رضایت، قابلیت‌های فناوری و مدیریت، تحلیل و برنامه‌ریزی دارای بیشترین اولویت هستند. برانسا و همکاران^۳ (۲۰۱۳) همکاری دولت، دانشگاه و صنعت در حوزه ورزش برزیل را برای توسعه ضروری می‌دانند.

تحقیقات داخلی دارای جهت‌گیری کلی در زمینه توسعه علمی و پژوهشی حوزه ورزش هستند. در مهم‌ترین تحقیقات، افشاری و همکاران (۲۰۱۹) اثر عوامل راهبردی، روحیه خلاقیت و نوآوری در عوامل انسانی، توانایی انتقال و انتشار فناوری در عوامل فناوریک و افزایش انگیزش افراد فنی در عوامل مدیریتی را بر توانمندی‌های تحقیق و توسعه در پژوهشگاه علوم ورزشی معنی‌دار گزارش کرده است. بامیر و ستایش (۲۰۱۹) تأثیرگذاری پیشرفت علم بر رشد و توسعه ورزش قهرمانی را از طریق ارتباط فراوانی تولیدات، مؤسسات، پژوهشگران با مدال‌های کسب شده معنی‌دار گزارش کردند. پیرجمادی و همکاران (۲۰۱۹) پایداری شرکت‌های ورزشی دانش‌بنیان پایدار را متأثر از عوامل ساختاری، زیرساختی، مدیریتی، همکاری فرابخشی، مالی، نوآوری و بازاریابی دانسته‌اند.

در «سند گزارش برنامه ششم توسعه کشور» برای حوزه ورزش (۲۰۱۷)، منظرهای توسعه علمی را عمدتاً در محورهای ارتباط بین مراکز علمی ورزش با سازمان‌های ورزشی کشور و مراکز خارج از کشور، تولید و تقاضای پژوهش، امکانات و تجهیزات و به‌کارگیری فناوری گزارش شده است. امینی (۲۰۱۷) اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش را شامل سه سطح اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به فرد، اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به سازمان و اقتصاد دانش‌بنیان معطوف به جامعه با پیامدهای توسعه مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، سلامتی، فناورانه و زیست‌محیطی طراحی کرده‌اند. علیزاده گلریزی (۲۰۱۷) بین عوامل مؤثر بر تجاری‌سازی تحقیقات علوم ورزشی به تفکیک گرایش‌های مدیریت ورزشی، فیزیولوژی ورزشی، رفتار حرکتی، آسیب‌شناسی ورزشی و بیومکانیک ورزشی تفاوت معنی‌داری گزارش کرده است. ساعت‌چیان (۲۰۱۵) ارتباط بین دانشکده‌های تربیت بدنی و صنعت ورزش را متأثر از عوامل زمینه‌ای، علمی، ساختاری، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌داند. یوسفی و همکاران (۲۰۱۵) مقایسه تولیدات پژوهشی محققان علوم ورزشی کشور با سطح جهانی را دارای شکاف نسبتاً بالایی گزارش کرده است. خسروی زاده و همکاران (۲۰۱۵) راهکارهایی همچون بهره‌گیری از توان علمی و دستاوردهای مراکز آموزش عالی در ورزش و سرمایه‌گذاری صنعت

1 Hichema & Ahmed

2 Vincent and Others

3 Branca

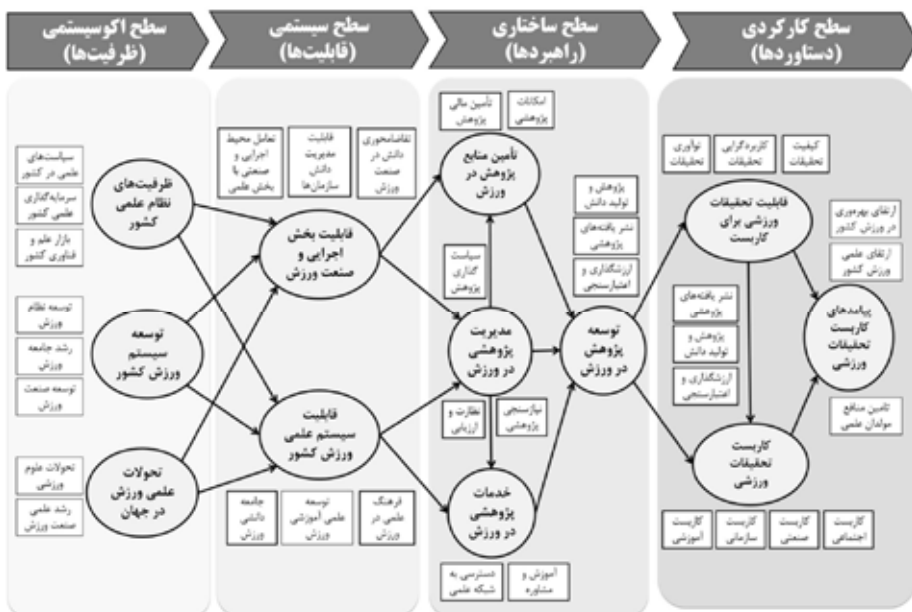
طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور

ورزش بر تحقیقات دانشگاه‌ها را مهم‌ترین راهکار ارتباط بین صنعت ورزش و آموزش عالی دانستند. کوزه چیان و همکاران (۲۰۱۴) در تحلیل و تعیین الگوی تحقیقات میان‌رشته‌ای در تربیت بدنی و علوم ورزشی حوزه‌های میان‌رشته‌ای در علوم ورزشی را شناسایی و ارزیابی کردند. نظری، قنبری و صابونچی (۲۰۱۴) نقش آموزش، سرمایه فکری و انسانی را در رقابت‌پذیری و فرصت‌های اقتصادی صنعت ورزش کشور قابل توجه ارزیابی نموده‌اند. صفا و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که شش عامل سیاستی، زیرساختی، قانونی، تأمین مالی، آموزشی و اطلاع‌رسانی با تجاری‌سازی دانش مرتبط می‌باشند. نقوی و همکاران (۲۰۱۳) مهم‌ترین موانع به‌کارگیری فناوری اطلاعات در پژوهش علوم ورزشی را شامل نبود وحدت رویه بین مدیران و متخصصان برای کاربرد فناوری و برنامه‌ریزی بلندمدت آن گزارش کردند. میزانی و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی مشکلات تدوین پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تربیت بدنی و علوم به ضعف‌های موجود در ابعاد پژوهشی و نوآوری در دانشکده‌های تربیت بدنی تأکید دارند. دستوم و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی ارتباط بین محیط آکادمیک ورزش با صنعت ورزش نشان دادند که به دلیل دولتی بودن دو نهاد و استقلال مالی آن‌ها از هم ساختار دو طرف جهت تعامل مناسب نیست. فراهانی (۲۰۱۰) در بررسی تقاضامحوری پژوهش‌های تربیت بدنی نشان داد که بین وضعیت کمی و کیفی منابع، کیفیت ارتباطی محققان و یافته‌های پژوهشی آنان، مدیریت تحقیقات و کیفیت پژوهش‌ها با تقاضامحور شدن تحقیقات رابطه معنی‌دار وجود دارد. حسینی پور و همکاران (۲۰۱۰) الزامات تجاری‌سازی دانش را در چهار دسته شرایط مداخله‌گر (طراحی مکانیسم اصلاح ساختار و طراحی مکانیسم اصلاح فرهنگ)، شرایط علی (توسعه و ارتقای کشور، حل مسائل جامعه و تولید علم بومی)، بستر حاکم (طراحی مکانیسم‌های مالی و طراحی مکانیسم‌های قانونی) و مقوله اصلی (طراحی مکانیسم‌های مدیریتی) طبق‌بندی کردند.

تحقیقاتی که در زمینه کاربست پژوهش‌های حوزه ورزش انجام شده است عمدتاً بر پایه جنبه‌های تقاضامحور نبودن پژوهش‌ها و موانع به‌کارگیری آن‌ها در مدیریت ورزش بوده و تاکنون تحقیق تخصصی و جامعی به بررسی کاربست تحقیقات علوم ورزشی نپرداخته است. تحقیقات قبلی نیز به صورت اکتشافی و آزمون کمی به بررسی متغیرهای اثرگذار در کاربست تحقیقات نپرداخته‌اند. در عین حال تحلیل وضعیت و ارائه مدل کاربست باید مسیر روشن‌تری در اختیار محققان و مدیران ورزشی برای به‌کارگیری نتایج تحقیقات علمی و دانشگاهی قرار دهد. به طور کلی تحقیقات انجام شده بیشتر به بررسی مشکلات پژوهش در ورزش و ارتباط علمی مراکز دانشگاهی و اجرایی ورزش پرداخته‌اند و به صورت مفهومی، علمی و کلی همکاری کاربست تحقیقات علوم ورزشی مورد بررسی قرار نگرفته است. از آنجا که الگوهای خارجی از لحاظ ساختاری تفاوت زیادی با ساختار داخلی دارد، مدیریت در این زمینه بیشتر تحت تأثیر ساختار ورزش کشور خواهد بود. علاوه بر این مطالعات با موضوع کاربست تحقیقات در ورزش عمدتاً ناظر

به نظریه‌های توسعه کلان علمی است. این شیوه‌ها از آغاز بر پایه‌های نظری استوار بوده است و یا پس از رواج میدانی پشتوانه نظری برخوردار شده است. همچنین بدون کاربرد ماندن حجم عظیم تولیدات علمی حوزه تربیت بدنی و علوم ورزشی در نظام آموزش عالی، از یک طرف و ضعف‌های علمی و فناورانه در صنعت ورزش کشور از سوی دیگر سبب شده است تا توسعه علمی ورزش به‌طور اعم و کاربردی‌سازی تحقیقات ورزش به صورت اخص، مسئله‌ای مهم و ضرورتی راهبردی در ورزش کشور تلقی شود. با وجود این شواهد بین‌المللی، هنوز درک مناسبی از اهمیت علوم ورزشی در ایران وجود ندارد و توسعه علمی، فناوری و پژوهشی ورزش با چالش‌های فراوانی روبروست. این در حالی است که تحقیقات گسترده علمی و استفاده از یافته‌های علوم مختلف برای افزودن توانمندی‌های ورزشی کشورهای پیشرفته، مبین توجه ویژه‌ای است که آنان به امر ورزش معطوف داشته‌اند. بنابراین به عنوان یک گام آغازین، برنامه‌ریزی توسعه علمی ورزش به‌ویژه کاربرست تحقیقات ورزش شناخت ساختارها، عوامل و مسیرهای اثرگذار در این زمینه ضرورت بالایی دارد که تحقیقات قبلی دانش مناسبی در این زمینه به دست نداده‌اند. در عصر تجاری‌سازی بازارهای به هم پیوسته، تحولات فناوری و رقابت روز افزون برای مشارکت در زنجیره ارزش کالاها و خدمات، اقتصاد ورزش کشور با توجه به پتانسیل‌های درونی و موقعیت دیگر رقبا، نیازمند دستیابی به ساختارهای مبتنی بر فناوری، دانش، نوآوری و کارآفرینی می‌باشد و با توجه به عوامل درونی و کارگزاران خود، باید قادر به ترسیم و دستیابی به چشم‌انداز علمی مطلوبی برای خود باشد- البته این امر مستلزم تحقیق و توسعه و کاربردی‌سازی تحقیقات علوم ورزشی است. براساس مرور مبانی نظری، نقد پیشینه پژوهش و ضرورت‌های کاربرست علوم ورزشی، هدف از پژوهش حاضر ارائه مدل مناسب برای تحلیل کاربرست تحقیقات علوم ورزشی می‌باشد.

مدل مفهومی شامل سطوح اکوسیستمی (ظرفیت‌ها)، سیستمی (قابلیت‌ها)، ساختاری (راهبردها) و کارکردی (دستاوردها) می‌باشد. جریان کلی روابط بین متغیرها به صورت توالی مذکور برای سطوح‌های فوق شده است. سطح اکوسیستمی (ظرفیت‌ها) شامل ظرفیت‌های نظام علمی کشور، توسعه سیستم ورزش کشور و تحولات علمی ورزش در جهان بود. منظر ظرفیت‌های نظام علمی کشور مشتمل بر ابعاد سیاست‌های علمی در کشور، سرمایه‌گذاری علمی کشور و بازار علم و فناوری کشور بود. منظر توسعه سیستم ورزش کشور شامل ابعاد توسعه نظام ورزش، رشد جامعه ورزش و توسعه صنعت ورزش می‌باشد. منظر تحولات علمی ورزش در جهان مشتمل بر ابعاد تحولات علوم ورزشی و رشد علمی صنعت ورزش است. روابط علی- معلولی بین متغیرهای اصلی جهت آزمون مدل در نرم‌افزار به صورت شکل زیر تعیین گردید. روابط ترسیم شده ابتدا بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش تعیین شد. سپس توسط مصححان کدگذاری مفهومی تصحیح گردید. در نهایت، روابطی که در نرم‌افزار تأیید شدند ترسیم گردید.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (مستخرج از بخش کیفی اکتشافی نظام‌مند رساله)

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری این تحقیق را تمامی اساتید علوم ورزشی (دانشگاه‌های دولتی که سابقه مدیریت در بخش پژوهشی داشتند) و مسئولان کمیته پژوهشی در سازمان‌های ورزشی تشکیل می‌دادند. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت جهت آزمون مدل به روش هدفمند و در دسترس انتخاب و از آنان نظرخواهی گردید (۱۶۲ نفر). تعداد نمونه براساس تعداد قابل کفایت جهت مدلسازی در نرم افزار **pls** به تعداد ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد سؤالات مربوط به متغیر دارای بیشترین سؤال در مدل (داوری و رضازاده، ۲۰۱۶) برآورد و انتخاب شد. از این رو، به تعداد ۱۱ برابر سؤالات متغیر دارای بیشترین تعداد سؤال (۱۴ سؤال در متغیر قابلیت صنعت ورزش) ۱۵۴ نفر برآورد شد. جهت اطمینان از دریافت تعداد پاسخ‌های مناسب، ۱۷۰ پرسشنامه توزیع شد که از بین ۱۵۸ پرسشنامه دریافتی، ۱۵۱ پرسشنامه به طور کامل پاسخ داده شده بودند و وارد فرایند تحلیل گردیدند.

ابزار پژوهش، پرسشنامه مستخرج فاز کیفی رساله (تبدیل چارچوب کیفی به پرسشنامه) بود. پرسشنامه شامل متغیرها و عوامل تعیین‌کننده بود و در مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (از بسیار کم = ۱ تا بسیار زیاد = ۵) تنظیم شده بود. پرسشنامه تدوین شده جهت بررسی روایی محتوایی یا صوری در اختیار ۶ نفر از اساتید و ۶ نفر از مدیران قرار گرفت. بعد از تایید روایی محتوایی، ابتدا ابزار در یک مطالعه راهنما بین ۳۰ نفر از

جامعه آماری توزیع شد. سپس از طریق روش آلفای کرونباخ، پایایی یا ثبات درونی آن با استفاده از نرم افزار SPSS20 محاسبه ($\alpha=0/85$) و تایید گردید. سپس پرسشنامه‌ها در مرحله اصلی جمع‌آوری شدند و ضریب آلفای کرونباخ این مرحله (نهایی) نیز $0/88$ محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که اکثر سازه‌ها و متغیرهای مرتبط به آن‌ها دارای ثبات درونی بسیار مناسبی هستند. سپس پایایی و روایی سازه به صورت مراحل گزارش شده در قسمت یافته‌ها با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس^۱ تایید گردید. در آمار استنباطی ابتدا بر اساس آزمون چولگی و کشیدگی برای توزیع داده‌های پژوهش، مقدار چولگی و کشیدگی تمام متغیرهای پژوهش بررسی شد- بین ۲ و -۲ قرار داشتند و لذا توزیع داده‌ها نرمال است. در ادامه تجزیه و تحلیل داده‌ها و مدل با استفاده از روش PLS در سه بخش مدل اندازه‌گیری^۲، مدل ساختاری^۳ و مدل کلی انجام شد. متغیرهای مدل در دو دسته متغیرهای پنهان و آشکار تقسیم‌بندی گردیدند- متغیر پنهان نیز در سطوح مختلف به کار برده شد. بخش مدل اندازه‌گیری شامل سؤالات (شاخص‌ها) هر بعد همراه با آن بعد است و روابط میان سؤالات و ابعاد در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بخش مدل ساختاری نیز حاوی تمامی سازه‌های مطرح در مدل اصلی پژوهش است و میزان همبستگی سازه‌ها و روابط میان آن‌ها در این قسمت مورد تمرکز و توجه واقع می‌شود. در بخش مدل کلی که شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری است با تائید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کمی شامل دو بخش توصیفی و استنباطی است. در بخش توصیفی، ویژگی‌های نمونه آماری گزارش شد که شامل ۸۹ استاد و ۶۲ کارشناس و مدیر سازمانی بود. نسبت جنسیتی نمونه شامل ۵۳ زن و ۹۸ مرد به دست آمد. میانگین سنی نمونه برابر با $44/35$ سال و میانگین سابقه شغلی برابر با $13/84$ سال بود. در ادامه برای توصیف متغیرهای پژوهش مطابق جدول زیر، معیار مرکزی (میانگین) و همچنین معیار پراکندگی (انحراف معیار) برای متغیرهای پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت که عامل توسعه سیستم ورزش کشور ($4/15$) و تأمین منابع پژوهش در ورزش ($2/90$) بودند.

نتایج مدل‌سازی شامل دو بخش مربوط به شاخص‌های برازش و ضرایب روابط متغیرهای مدل است. در بخش برازش مدل، اولین شاخص مورد بررسی روایی همگرا بود که معیار متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) ارزیابی و مطلوب (مساوی و بالاتر از $0/5$) گزارش شد. جهت بررسی روایی واگرایی مدل اندازه‌گیری، از معیار فروئل و لاکر و لاتنت استفاده شد و نشان داد که میزان ماتریس برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل است. پایایی ترکیبی (CR) یک شاخص

1 Smart PLS

2 Measurement Model

3 Structural Model

طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور

تحلیل پایایی (قوی تر از آلفای کرونباخ) است که میزان مساوی و بالای ۰/۷ مناسب بیان شده است. مقدار R2 برای برازش سازه‌های درون‌زای (وابسته) مدل محاسبه می‌گردد و دارای سه سطح ضعیف (۰/۱۹)، متوسط (۰/۳۳) و قوی (۰/۶۷) است. معیار Q2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد و در مورد یک سازه درون‌زا قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی (سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵) را مشخص می‌نماید. برای سنجش برازش مدل کلی (هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری) از معیار SRMR استفاده شد که مقدار آن باید از ۰/۱ کمتر باشد. مطابق جدول زیر، میزان شاخص‌های برازش برای متغیرهای مدل در دامنه مطلوبی قرار دارد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیف متغیرها و شاخص‌های برازش مدلسازی

متغیرها	شاخص‌های توصیف						شاخص‌های برازش مدل		
	M	SD	AVE	CR	R2	Q2	SRMR		
ظرفیت‌های نظام علمی کشور	۳/۶۹	۰/۴۷	۰/۵۵	۰/۸۵	یرون زا	۰/۵۱۱			
توسعه سیستم ورزش کشور	۴/۱۵	۰/۴۳	۰/۶۷	۰/۸۸	یرون زا	۰/۰۷۴			
تحولات علمی ورزش در جهان	۳/۸۵	۰/۵۰	۰/۵۴	۰/۹۰	یرون زا	۰/۳۶۱			
قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش	۳/۸۱	۰/۳۰	۰/۶۳	۰/۹۲	۰/۷۱	۰/۰۹۶			
قابلیت سیستم علمی ورزش کشور	۳/۲۴	۰/۴۴	۰/۶۷	۰/۹۳	۰/۵۵	۰/۲۴۱			
مدیریت پژوهشی در ورزش	۳/۱۵	۰/۴۰	۰/۶۴	۰/۹۲	۰/۷۵	۰/۲۱۷			
توسعه پژوهش در ورزش	۳/۶۰	۰/۳۶	۰/۵۴	۰/۸۵	۰/۴۸	۰/۴۴۲	۰/۰۹		
تأمین منابع پژوهش در ورزش	۲/۹۰	۰/۴۷	۰/۵۸	۰/۸۹	۰/۳۳	۰/۲۵۷			
خدمات پژوهشی در ورزش	۳/۴۱	۰/۴۹	۰/۵۷	۰/۸۸	۰/۵۱	۰/۴۱۳			
قابلیت تحقیقات ورزشی برای کاربست	۳/۱۸	۰/۴۵	۰/۶۲	۰/۸۳	۰/۵۱	۰/۴۰۳			
کاربست تحقیقات ورزشی	۳/۳۲	۰/۳۱	۰/۶۴	۰/۸۹	۰/۶۷	۰/۳۴۹			
پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی	۳/۳۲	۰/۴۶	۰/۵۶	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۴۵۷			

براساس جدول و شکل زیر نتایج بخش کمی نشان داد که در مدل معادلات ساختاری پژوهش همه روابط معنی‌دار و شاخص‌های برازش مطلوب هستند و مدل پژوهش از نظر آماری نیز مورد تایید است.

جدول ۲: نتایج آزمون مدل پژوهش در محیط نرم‌افزار به تفکیک دو بخش تحلیل عاملی و تحلیل مسیر

تحلیل عاملی ابعاد متغیرها (مدل اندازه‌گیری)			تحلیل مسیر روابط بین متغیرها (مدل ساختاری)		
متغیر - ابعاد	ضریب اثر	T Values	متغیر - متغیر	ضریب اثر	T values
ظرفیت نظام علمی کشور - سیاست‌های علمی	۰/۷۶	۲۷/۱۳	ظرفیت نظام علمی - صنعت ورزش	۰/۱۵۰	۳/۶۶

ظرفیت نظام علمی -> سرمایه-	۰/۸۱	۳۳/۵۶	ظرفیت نظام علمی -> قابلیت علمی ورزش	۰/۲۲	۳/۸۳
گذاری علمی	۰/۸۵	۵۶/۵۸	توسعه سیستم ورزش -> قابلیت صنعت ورزش	۰/۳۹	۷/۵۳
ظرفیت نظام علمی -> بازار علم و فناوری کشور	۰/۸۹	۸۵/۴۳	توسعه سیستم ورزش -> قابلیت علمی ورزش	۰/۹۰	۳/۶۲
توسعه سیستم ورزش -> رشد جامعه ورزش	۰/۸۳	۳۷/۱۱	تحولات علمی ورزش جهان -> قابلیت صنعت ورزش	۰/۴۰	۴۲۷
توسعه سیستم ورزش -> توسعه صنعت ورزش	۰/۷۶	۳۰/۹۵	تحولات علمی ورزش جهان -> قابلیت علمی ورزش	۰/۴۸	۷/۶۹
تحولات علمی ورزش جهان -> تحولات علوم ورزشی	۰/۹۱	۹۳/۳۱	قابلیت صنعت ورزش -> تامین منابع پژوهش	۰/۳۵	۳/۹۱
تحولات علمی ورزش جهان -> رشد علمی ورزش	۰/۹۲	۱۰۳/۲۸	قابلیت صنعت ورزش -> مدیریت پژوهشی ورزش	۰/۴۳	۷/۵۶
قابلیت صنعت ورزش -> تقاضامحوری دانش ورزش	۰/۸۸	۷۲/۹۲	قابلیت علمی ورزش -> مدیریت پژوهشی ورزش	۰/۴۹	۸/۹۷
قابلیت صنعت ورزش -> مدیریت دانش ورزش	۰/۸۹	۸۲/۷۳	قابلیت علمی ورزش -> خدمات پژوهشی ورزش	۰/۶۸	۱۰/۳۳
قابلیت صنعت ورزش -> تعامل صنعت و دانشگاه	۰/۸۵	۴۸/۴۴	مدیریت پژوهشی ورزش -> تامین منابع پژوهش	۰/۲۵	۲/۷۰
قابلیت سیستم علمی ورزش -> جامعه دانشی ورزش	۰/۹۴	۱۶۹/۷۳	مدیریت پژوهشی ورزش -> خدمات پژوهشی ورزش	۰/۸۳	۳/۴۵
قابلیت علمی ورزش -> علمی آموزشی ورزش	۰/۸۶	۵۵/۵۴	تامین منابع پژوهش ورزش -> توسعه پژوهش ورزش	۰/۲۲	۳/۱۸
قابلیت سیستم علمی ورزش -> فرهنگ علمی ورزش	۰/۸۸	۷۳/۲۲	مدیریت پژوهشی ورزش -> توسعه پژوهش ورزش	۰/۳۷	۷/۰۳
مدیریت پژوهشی ورزش -> سیاست گذاری پژوهش	۰/۸۸	۶۰/۹۳	خدمات پژوهشی ورزش -> پژوهش ورزش	۰/۲۰	۲/۹۷
مدیریت پژوهشی در ورزش -> نیازسنجی پژوهش	۰/۸۷	۵۸/۲۵	توسعه پژوهش ورزش -> قابلیت کاربست تحقیقات	۰/۷۲	۲۷/۵۴
مدیریت پژوهشی در ورزش -> نظارت و ارزیابی	۰/۸۹	۷۷/۵۴	توسعه پژوهش در ورزش -> کاربست تحقیقات	۰/۳۱	۶/۶۶
تامین منابع پژوهش در ورزش -> امکانات پژوهشی	۰/۹۱	۱۱۴/۸۵	قابلیت کاربست تحقیقات	۰/۵۷	۱۴/۰۹

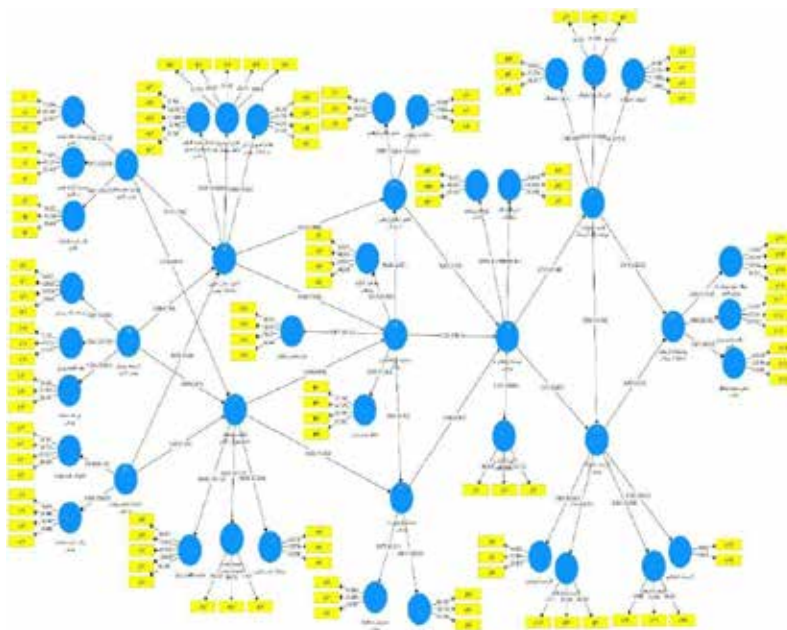
طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور

۱۲/۵۵	۰/۶۱	قابلیت کاربست تحقیقات - پیامدهای کاربست	۱۷۹/۵۴	۰/۹۴	تامین منابع پژوهش در ورزش - تامین مالی پژوهشی
۵/۰۵	۰/۲۶	کاربست تحقیقات ورزشی - پیامدهای کاربست	۶۵/۲۱	۰/۸۸	خدمات پژوهشی ورزش - دسترسی به شبکه علمی
۵۳/۹۶	۰/۸۶	کاربست تحقیقات ورزشی - کاربست آموزشی	۱۳۸/۰۹	۰/۹۴	خدمات پژوهشی در ورزش - آموزش و مشاوره
۲۵/۷۶	۰/۷۸	کاربست تحقیقات ورزشی - کاربست سازمانی	۸۳/۱۶	۰/۹۰	توسعه پژوهش در ورزش - نشریافته‌های پژوهشی
۵۷/۹۱	۰/۸۷	کاربست تحقیقات ورزشی - کاربست صنعتی	۶۰/۳۵	۰/۸۸	توسعه پژوهش در ورزش - پژوهش و تولید دانش
۳۰/۰۴	۰/۷۷	کاربست تحقیقات ورزشی - کاربست اجتماعی	۲۴/۳۸	۰/۶۷	توسعه پژوهش ورزش - ارزشگذاری و اعتبار سنجی
۴۱/۹۱	۰/۸۴	پیامدهای کاربست - ارتقای بهره‌وری ورزش	۲۰/۷۱	۰/۷۴	قابلیت کاربست تحقیقات ورزشی - کیفیت تحقیقات
۳۵/۹۶	۰/۸۲	پیامدهای کاربست تحقیقات - ارتقای علمی ورزش	۶۵/۸۷	۰/۸۷	قابلیت کاربست تحقیقات - کاربردگرایی تحقیقات
۳۸/۸۱	۰/۸۳	پیامدهای کاربست تحقیقات - تامین منابع و مولدان	۵۰/۸	۰/۸۴	قابلیت کاربست تحقیقات - نوآوری تحقیقات

براساس جدول ۳ و شکل ۲، نتایج بخش تحلیل عاملی ابعاد متغیرها نشان داد که ابعاد بازار علم و فناوری کشور (۰/۸۵)، سرمایه‌گذاری علمی در کشور (۰/۸۱) و سیاست‌های علمی در کشور (۰/۷۶) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین ظرفیت نظام علمی کشور بودند. ابعاد توسعه نظام ورزش (۰/۸۹)، رشد جامعه ورزش (۰/۸۳) و توسعه صنعت ورزش (۰/۷۶) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین توسعه سیستم ورزش کشور بودند. ابعاد رشد علمی صنعت ورزش (۰/۹۲) و تحولات علوم ورزشی (۰/۹۱) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین تحولات علمی در جهان ورزش بودند. ابعاد قابلیت مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی (۰/۸۹)، تقاضامحوری دانش در صنعت ورزش (۰/۸۸) و تعامل محیط اجرایی و صنعتی با بخش علمی (۰/۸۵) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش بودند. ابعاد جامعه دانشی ورزش (۰/۹۴)، فرهنگ علمی ورزش کشور (۰/۸۸) و توسعه علمی آموزشی ورزش (۰/۸۶) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین قابلیت سیستم علمی ورزش کشور بودند. ابعاد نظارت و ارزیابی (۰/۸۹)، سیاست‌گذاری پژوهش (۰/۸۸) و نیازسنجی پژوهش (۰/۸۷) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین مدیریت پژوهشی در ورزش بودند. ابعاد تامین مالی پژوهشی (۰/۹۴) و امکانات پژوهشی (۰/۹۱) به یک اندازه دارای نقش معناداری در تبیین تامین منابع پژوهش در ورزش بودند. ابعاد آموزش و مشاوره

(۰/۹۴) و دسترسی به شبکه علمی (۰/۸۸) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین خدمات پژوهشی در ورزش بودند. ابعاد نشر یافته‌های پژوهشی (۰/۹۰)، پژوهش و تولید دانش (۰/۸۸) و ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی (۰/۶۷) به یک اندازه دارای نقش معناداری در تبیین توسعه پژوهش در ورزش بودند. ابعاد کاربردگرایی تحقیقات (۰/۸۷)، نوآوری تحقیقات (۰/۸۴) و کیفیت تحقیقات (۰/۷۴) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین قابلیت تحقیقات ورزشی برای کاربست بودند. ابعاد کاربست صنعتی (۰/۸۷)، کاربست آموزشی (۰/۸۶)، کاربست سازمانی (۰/۷۸) و کاربست اجتماعی (۰/۷۷) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین کاربست تحقیقات ورزشی بودند. ابعاد هر سه بعد، ارتقای بهره‌وری ورزشی در ورزش کشور (۰/۸۴)، تامین منابع و مولدان (۰/۸۳) و ارتقای علمی ورزش کشور (۰/۸۲) به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی بودند.

تحلیل مسیر نشان داد که ظرفیت نظام علمی کشور (با ضریب ۰/۱۵) بر قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش داو (۰/۲۲) بر قابلیت سیستم علمی ورزش کشور اثر معنی‌داری دارد. توسعه سیستم ورزش کشور (۰/۳۹) بر قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش و (۰/۹۰) بر قابلیت سیستم علمی ورزش کشور اثر معنی‌داری دارد. تحولات علمی ورزش در جهان (۰/۴۰) بر قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش و (۰/۴۸) بر قابلیت سیستم علمی ورزش کشور اثر معنی‌داری دارد. قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش (۰/۳۵) بر تامین منابع پژوهش در ورزش و (۰/۴۳) بر مدیریت پژوهشی در ورزش اثر معنی‌داری دارد. قابلیت سیستم علمی ورزش کشور (۰/۴۹) بر مدیریت پژوهشی در ورزش و (۰/۶۸) و خدمات پژوهشی در ورزش اثر معنی‌داری دارد. مدیریت پژوهشی در ورزش (۰/۲۵) بر تامین منابع پژوهش در ورزش و (۰/۸۳) بر خدمات پژوهشی در ورزش اثر معنی‌داری دارد. تامین منابع پژوهش در ورزش (۰/۲۲)، مدیریت پژوهشی در ورزش (۰/۳۷) و خدمات پژوهشی در ورزش (۰/۲۰) اثر معنی‌داری بر توسعه پژوهش در ورزش دارند. توسعه پژوهش در ورزش (۰/۷۲) بر قابلیت تحقیقات ورزشی برای کاربست و (۰/۳۱) بر کاربست تحقیقات ورزشی اثر معنی‌داری دارد. قابلیت تحقیقات ورزشی برای کاربست (۰/۵) بر کاربست تحقیقات ورزشی و (۰/۶۱) بر پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی اثر معنی‌داری دارد. پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی (۰/۲۶) اثر معنی‌داری بر پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی دارد.



شکل ۲: نتایج آزمون مدل پژوهش در محیط نرم افزار اسمارت پی ال اس

بحث و نتیجه گیری

هدف مشخص پژوهش این بود که مدل مناسب برای تحلیل کاربرست تحقیقات ورزشی کشور را پس از طراحی کیفی و تایید آماری، ارائه نماید. برای تفسیر و بررسی مدل ارائه شده ابتدا به تفکیک سطوح مدل و سپس روابط بین متغیرهای این سطوح اقدام گردید. نتایج سطح اکوسیستمی (ظرفیت‌ها) نشان داد که ابعاد بازار علم و فناوری کشور، سرمایه‌گذاری علمی در کشور و سیاست‌های علمی در کشور به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین ظرفیت نظام علمی کشور بودند. ابعاد توسعه نظام ورزش، رشد جامعه ورزش و توسعه صنعت ورزش به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین توسعه سیستم ورزش کشور بودند. ابعاد رشد علمی صنعت ورزش و تحولات علوم ورزشی به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین تحولات علمی در جهان ورزش بودند. در واقع ابعاد منظرهای ظرفیت‌های نظام علمی کشور، توسعه سیستم ورزش کشور و تحولات علمی ورزش در جهان بود. برخی تحقیقات قبلی نیز با نتایج و نتیجه‌گیری این سطح همسویی و انطباق دارند. یوسفی و همکاران (۲۰۱۵) همکاری محققان علوم ورزشی کشور با یکدیگر و با محققان خارج از کشور را برای ارتقای کیفیت تولیدات پژوهشی پیشنهاد کرده‌اند- جهانی دارای شکاف نسبتاً بالایی گزارش کرده است. را و همکاران (۲۰۱۳) همکاری دولت، دانشگاه و صنعت در حوزه ورزش برزیل را برای توسعه ضروری می‌دانند. ویلتی و کوهن (۲۰۱۶) نقش عوامل راهبردی، ساختاری و فرایندی

را بر همکاری‌های علمی در حوزه ورزش مؤثر می‌داند. منظر تحولات علمی ورزش در جهان مشتمل بر ابعاد تحولات علوم ورزشی و رشد علمی صنعت ورزش است. تجمع مفاهیم و شواهد مربوط به این سطح از مدل نشان می‌دهد که پارادایم حاکم در نظام علمی کشور و روند حرکت جهانی در صنعت علم و فناوری موجب شده است تا کاربرد علم و نتایج تحقیقات در ورزش کشور نیازمند تمرکز بر اکتشاف در محیط و اکوسیستم علوم ورزشی و بهره‌برداری از آن در یک رویه ساختاری-کارکردی حوزه مدیریت علمی در ورزش باشد. از این رو، سیستم علمی ورزش کشور برای آنکه بتواند تولید دانش را به کاربرد برساند باید به نظام کلی ورزش، نظام علمی کشور و نظام علم و فناوری ورزش بین‌المللی به عنوان سه محیط نزدیک و اثرگذار بر خود توجه و تعامل داشته باشد، زیرا از یک سو توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ورزش بستر کاربرد علم در آن را فراهم می‌کند و از سوی دیگر سیاست‌ها، منابع و بازار علمی کشور همسو با تحولات علوم ورزشی و صنعت ورزش در جهان بستر علمی شدن ورزش و کاربرد نتایج علمی را تقویت می‌کند.

ابعاد قابلیت مدیریت دانش در سازمان‌های ورزشی، تقاضامحوری دانش در صنعت ورزش و تعامل محیط اجرایی و صنعتی با بخش علمی به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش بودند. ابعاد جامعه دانشی ورزش، فرهنگ علمی ورزش کشور و توسعه علمی آموزشی ورزش به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین قابلیت سیستم علمی ورزش کشور بودند. پس از سطح اکوسیستمی و ظرفیت‌های آن، لازم است تا سیستم علمی ورزش و عوامل وابسته آن مورد توجه قرار بگیرد. در مدل پژوهش، سطح سیستمی (قابلیت‌ها) شامل منظرهای قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش و قابلیت سیستم علمی ورزش کشور است. برخی مطالعات پیشین نیز یافته‌ها و تفسیر این سطح را مورد تأیید قرار می‌دهند. فراهانی (۲۰۱۰) تقاضامحوری، توسعه کمی و کیفی منابع، کیفیت ارتباطی محققان در پژوهش‌های تربیت‌بدنی در توسعه آن مؤثر می‌داند. نقوی و همکاران (۲۰۱۳) وحدت رویه بین مدیران و متخصصان برای کاربرد فناوری و برنامه‌ریزی بلندمدت را مهم‌ترین عامل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباط در تحقیقات ورزشی می‌داند. دستوم و همکاران (۲۰۱۳) و خسروی زاده و همکاران (۲۰۱۵) تعامل و بهره‌مندی دو طرفه دانشگاه و صنعت در حوزه ورزش برای کاربرد علم تولیدی دانشگاه و تأمین نیاز علمی صنعت ضروری می‌داند. این یافته‌ها مبین این است که در واقع شناخت قابلیت‌های سیستم علمی ورزش کشور به تنهایی برای بسترسازی کاربست پژوهش‌ها کافی نیست، بلکه قابلیت‌های پذیرش علم و فناوری در حوزه‌های اجرایی و صنعت ورزش نیز به عنوان مقصد دانش تولید شده مورد ارزیابی قرار بگیرد. حتی مسیر انتقال دانش و فناوری از محیط علمی و آکادمیک به بخش‌های اجرایی و صنعتی نیز لازم به صورت راهبردی و نظام‌مند مورد بررسی قرار بگیرند. به طور مشخص لازم است تا در حوزه‌های اجرایی و صنعت ورزش

طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور

تقاضا برای پژوهش، قابلیت استفاده از پژوهش و مسیر تعامل با محیط علمی و دریافت دانش مشهود و کارآمد باشد. در سیستم علمی نیز علاوه بر آموزش پژوهش، فرهنگ پژوهشی و شبکه کاری از محققان و دانشگران فعال باشد.

ابعاد نظارت و ارزیابی، سیاست‌گذاری پژوهش و نیازسنجی پژوهش به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین مدیریت پژوهشی در ورزش بودند. ابعاد تأمین مالی پژوهشی و امکانات پژوهشی به یک اندازه دارای نقش معناداری در تبیین تامین منابع پژوهش در ورزش بودند. ابعاد آموزش و مشاوره و دسترسی به شبکه علمی به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین خدمات پژوهشی در ورزش بودند. ابعاد نشر یافته‌های پژوهشی، پژوهش و تولید دانش و ارزش‌گذاری و اعتبارسنجی به یک اندازه دارای نقش معناداری در تبیین توسعه پژوهش در ورزش بودند. سه منظر مدیریت پژوهشی در ورزش، تأمین منابع پژوهش در ورزش، خدمات پژوهشی در ورزش و توسعه پژوهش در ورزش تبیین‌کننده سطح ساختاری (راهبردها) هستند. برخی تحقیقات قبلی نیز با نتایج و نتیجه‌گیری این سطح همسویی و انطباق دارند. صفا و همکاران (۲۰۱۳) تجاری‌سازی دانش را عمدتاً مربوط به عوامل مربوط به این سطح می‌دانند (زیرساختی، قانونی، تأمین مالی، آموزشی و اطلاع‌رسانی). در «سند گزارش برنامه ششم توسعه کشور» برای حوزه ورزش (۲۰۱۷) نیز عمدتاً عوامل مرتبط با این سطح مورد توجه قرار گرفته است (همکاری علمی، مدیریت تولید و تقاضا، امکانات و تجهیزات). برخی تحقیقات نیز عملکرد پایدار مراکز علمی ورزشی را متأثر از عوامل فردی، ساختاری، زیرساختی، مدیریتی، همکاری، مالی، نوآوری و بازاریابی دانسته‌اند (افشاری و همکاران، ۲۰۱۹؛ پیرجمادی و همکاران، ۲۰۱۹). زاهاریا و کابوراکیس (۲۰۱۷) توسعه علمی صنعت ورزش آمریکا را عمدتاً متأثر از عوامل زیرساختی و اجرایی می‌دانند. از این رو، با توجه ویژگی‌های سیستم باز پژوهش و فرابخشی بودن آن، لازم است تا همه بخش‌های مدیریت پژوهشی در کشور مانند دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و انجمن‌ها، کمیته‌های پژوهش در سازمان‌های ورزشی و شبکه‌های اطلاعاتی ارتباطی در حوزه علوم ورزشی مشارکت داشته باشند. تقسیم‌کار بین آن‌ها براساس مدل پژوهش در چهار حوزه تأمین منابع، مدیریت، خدمات و فرایند توسعه پژوهش است. مدیریت توسعه علمی ورزش کشور باید با براساس ظرفیت‌ها و قابلیت درون و برون‌سیستمی مشخص شده در دو سطح قبلی از طریق تأمین منابع و خدمات موردنیاز سیستم پژوهشی ورزش کشور میزان و دامنه کاربست تحقیقات ورزشی را به طور مستمر افزایش دهد.

ابعاد کاربردگرایی تحقیقات، نوآوری تحقیقات و کیفیت تحقیقات به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین قابلیت تحقیقات ورزشی برای کاربست بودند. ابعاد کاربست صنعتی، کاربست آموزشی، کاربست سازمانی و کاربست اجتماعی به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین کاربست تحقیقات ورزشی بودند. ابعاد هر سه بعد، ارتقای بهره‌وری ورزشی در ورزش کشور، تامین منابع و مولدان و ارتقای علمی ورزش

کشور به ترتیب دارای نقش معناداری در تبیین پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی بودند. از این رو، منظرهای قابلیت تحقیقات ورزشی برای کاربست، کاربست تحقیقات ورزشی و پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی تبیین‌کننده سطح کارکردی (دستاوردها) هستند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که کاربردی‌سازی تحقیقات ورزش این امکان را ایجاد می‌کند تا در صورت ایجاد پیوندهای پسین و پیشین نیرومند، بر علمی شدن ورزش نیز تأثیرگذار باشد (فراهانی و رضایی صوفی، ۲۰۱۱). بامیر و ستایش (۲۰۱۹) تأثیرگذاری پیشرفت علم بر رشد و توسعه ورزش کشور را قابل توجه گزارش کرده‌اند. بیشتر مطالعات بیان چهار حوزه اصلی تحقیقات پایه‌ای، مشارکتی، انتقال دانش و فناوری را برای کاربست دانش تعریف کرده‌اند. عبدالکریم و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی اولویت‌های سازمان‌های تولیدی در اردن، سه دستاورد مالی، دانشی و بهبود را در اولویت قرار دادند. ان ام نعیم و آملوس (۲۰۱۶) تقاضامحوری پژوهش در صنعت تولیدی مالزی را متأثر از نوآوری، کیفیت محصول و عملکرد کارکنان می‌دانند. کاربست فراگیر تحقیقات ورزشی در این سطح اتفاق می‌افتد. در واقع خروجی سطح ساختاری مدل (مدیریت، منابع، خدمات و توسعه فرایندی پژوهش در ورزش کشور) زمینه‌ساز ارتقای قابلیت‌های کاربست، تحقق کاربست و پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی است. سؤال اصلی در این سطح این است که چه تحقیقاتی کاربرد می‌یابند و چه نوع کاربردی خواهد بود؟

پاسخ‌های موجود و شناسایی شده به این سؤال منطبق بر ابعاد تعیین شده در این سطح مدل است. در واقع تحقیقات باید دارای خاصیت کیفی، نوآوری و مصرفی بودن باشند تا بتوانند در سیستم‌های علمی آموزشی، سازمانی، صنعتی و اجتماعی کاربرد پیدا کنند. دستاوردها و پیامدهای حاصل از توسعه فزاینده و مستمر کاربست تحقیقات ورزشی هم عملکرد سیستم ورزش کشور و هم جایگاه و قابلیت علمی آن را ارتقا می‌دهد. همچنین منافع مراکز و افراد دانشگر و مولد دانش نیز باید تأمین شود تا چرخه کاربست تحقیقات کامل گردد. برخی مطالعات پیشین نیز یافته‌ها و تفسیر این سطح را مورد تأیید قرار می‌دهند.

براساس تحلیل مسیر مشخص شد که ظرفیت نظام علمی کشور و توسعه سیستم ورزش کشور بر قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش و قابلیت سیستم علمی ورزش کشور اثر معنی‌داری دارند. تحولت علمی ورزش در جهان بر قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش و قابلیت سیستم علمی ورزش کشور اثر معنی‌داری دارد. قابلیت بخش اجرایی و صنعت ورزش بر تأمین منابع پژوهش در ورزش و مدیریت پژوهشی در ورزش اثر معنی‌داری دارد. قابلیت سیستم علمی ورزش کشور بر مدیریت پژوهشی در ورزش و خدمات پژوهشی در ورزش اثر معنی‌داری دارد. مدیریت پژوهشی در ورزش بر تأمین منابع پژوهش و خدمات پژوهشی در ورزش اثر معنی‌داری دارد. تأمین منابع پژوهش در ورزش، مدیریت پژوهشی در ورزش و خدمات پژوهشی در ورزش بر توسعه پژوهش در ورزش اثر معنی‌داری دارند. توسعه پژوهش در ورزش

طراحی و آزمون مدل کاربست تحقیقات ورزشی کشور

بر قابلیت کاربست تحقیقات ورزشی و کاربست تحقیقات ورزشی اثر معنی‌داری دارد. قابلیت کاربست تحقیقات بر کاربست تحقیقات ورزشی اثر معنی‌داری دارد. قابلیت کاربست تحقیقات ورزشی و کاربست تحقیقات ورزشی بر پیامدهای کاربست تحقیقات ورزشی اثر معنی‌داری دارند. در واقع چهار سطح مفهومی مدل شامل سطوح اکوسیستمی (ظرفیت‌ها)، سیستمی (قابلیت‌ها)، ساختاری (راهبردها) و کارکردی (دستاوردها) می‌باشد. جریان کلی روابط بین متغیرها به صورت توالی مذکور برای سطح‌های یاد شده است. برخی تحقیقات پیشین نیز به ارائه چارچوب، تئوری و مدل‌های مفهومی در زمینه مدیریت و توسعه علمی با رویکرد کاربست پژوهشی پرداخته‌اند. مدل ارائه شده در تحقیق قبلی مانند حسنقلی پور و همکاران (۲۰۱۰- مدل تجاری‌سازی دانش)، امینی (۲۰۱۷- مدل اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش)، علیزاده گلریزی (۲۰۱۷- مدل تجاری‌سازی تحقیقات)، هیچما و احمد (۲۰۱۵- مدل اقتصاد دانش مؤسسات ورزشی) و کیوتای و همکاران (۲۰۱۷- مدل مدیریت دانش) با چارچوب و مدل این پژوهش همسویی و انطباق دارند و کلیات نتایج آن را مورد تأیید قرار می‌دهند. جریان کلی روابط بین متغیرها از سطح ظرفیت‌های اکوسیستمی به سمت قابلیت‌های سیستمی و سپس راهبردهای ساختاری و دستاوردهای کارکردی است. در واقع لازم است ابتدا انواع ظرفیت‌های موجود در اکوسیستم و قابلیت‌های درون‌سیستم ورزش شناسایی و نظام‌مند شود. سپس چارچوب راهبردی متناسب با آن ارائه گردد تا به دستاوردهای مطلوب در زمینه کاربست یافته‌های پژوهشی منجر شود. از این رو، چارچوب استخراج و تدوین شده در واقع شامل شناخت علمی سیستم ورزش و محیط و مدیریت تحقیقات متناسب با آن است.

براساس کلیات یافته‌ها می‌توان گفت که مدیریت و توسعه کاربست تحقیقات ورزشی، فرایندی سیستماتیک و چندسطحی است که در هر سطح و مرحله دارای ویژگی‌های مختص به خود می‌باشد و از عوامل همبسته خود اثر می‌پذیرند. از این رو، ضرورت دارد تا ارتباط بین عوامل در درون هر سطح و با سایر سطوح در نظر گرفته شوند. به طور مشخص باید گفت که توسعه کاربست تحقیقات ورزشی، یک جریان راهبردی و نظام‌مند است که از طریق ظرفیت‌سازی محیطی درونی و بیرونی سیستم ورزش، ضمن ارتقای قابلیت کاربست پژوهش‌ها، دامنه کاربرد آن‌ها را گسترش می‌دهد تا به پیامدهای موردنظر برسد. در بحث کاربرد نتایج خود این پژوهش نیز می‌توان به ضرورت استفاده از رویکرد مدلسازی کیفی اکتشافی و نظام‌مند در حوزه موضوع پژوهش و جامعه آماری مورد مطالعه پرداخت. نظام علمی آموزشی ورزش کشور از نقش‌های دانشی زیادی تشکیل شده است که در حال تعامل و همکاری با یکدیگر هستند. این سیستم تحت تأثیر بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور با رکود بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. مدیریت در چنین سیستمی بسیار پیچیده و غیرقابل درک خواهد بود. چارچوب‌ها و مدل‌های ارائه شده توسط محققان به کارگزاران و مدیران کمک می‌کنند که با ساده‌سازی کلیات سیستم علمی ورزش به درک بهتری از تمامیت

آن دست یابند. مدل‌های اکتشافی مسائل را بهتر طبقه‌بندی می‌کنند و شانس یافتن پاسخ‌های صحیح را بالا می‌برند تا تصمیم‌گیری بر پایه یافته‌های جزئی و پراکنده بر مبنای چارچوب‌های فکری برخاسته از نظر خبرگان و مبنای علمی قرار بگیرد. همچنین کشف، تبیین و تفسیر داده‌های پژوهشی در چارچوب مدل‌سازی بهتر می‌تواند روابط پدیده‌های علمی را توضیح دهد و درک مکانیسم‌های پژوهشی، تجاری، مدیریتی و ... را آسان‌تر کند. اهمیت مدل ارائه شده در این پژوهش و جایگاه آن در دانش موجود به دلیل فقدان مدل‌های قابل اتکا و دارای مصادیق عینی در نظام علمی و نظام ورزش کشور می‌تواند در صورت وجود تمایلات محیطی در سطح قابل توجهی قرار بگیرد. براساس مدل ارائه شده سازمان‌های متولی توسعه علمی ورزش با وجود توانمندی‌های ساختاری و اجرایی به تنهایی نمی‌توانند اهداف و راهبردها را تحقق بخشند- شواهد فعلی از وضعیت ورزش کشور گویای این مسئله است- زیرا سیستم ورزش یک زمینه پویا با محیط پیچیده و ساختار چندبخشی است و خروجی مطلوب این سیستم نیازمند یک چارچوب راهبردی یکپارچه می‌باشد. استفاده از مدل‌های اکتشافی و جامع‌نگر در ارزیابی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌تواند به کاهش ناکارایی برنامه‌های فعلی و جزیره‌ای عمل کردن در حوزه توسعه اقتصادی ورزش کشور منجر شود.

پیشنهادهای

براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر جهت توسعه کاربست تحقیقات ورزشی در کشور ارائه می‌شود:

۱. براساس منظر ظرفیت‌سازی در مدل، پیشنهاد می‌شود کاربست پژوهش‌های ورزشی از طریق محرک‌های رسانه‌ای، بخشنامه سازمانی و مطالبات محققان و مدیران به گفتمانی در درون و بین نهادهای متولی و ذینفع تبدیل شود.

۲. براساس بُعد فرهنگ علمی در مدل، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ها و مشوق‌های فرهنگ‌سازی کاربردگرایی در بین اساتید و محققان فعال در حوزه ورزش تدوین و انتشار یابد.

۳. آموزش‌های مناسب در زمینه توانمندسازی پژوهشی محققان، اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم ورزشی تعریف شود و به صورت مشارکتی در چارچوب یک تقویم زمانی مشخص ارائه گردند.

۴. براساس منظر منابع پژوهش در مدل، پیشنهاد می‌شود که ارتقای زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و دسترسی به شبکه پژوهشی بین‌المللی در مراکز و سازمان‌های علمی آموزشی ورزشی صورت پذیرد.

۵. ارتباط بین علوم ورزشی دانشگاه با سازمان‌های مصرف‌کننده دانش تولیدی آن‌ها در بخش‌های دولتی، صنعت و جامعه تقویت شود.

۶. مطالعات تطبیقی بین مدیریت پژوهشی و کاربست تحقیقات ورزش کشور با سایر کشورها صورت پذیرد.

۷. براساس منظر مدیریت پژوهشی در مدل، یک سیستم نظارت و هدایت پژوهشی فرابخشی از خبرگان برای نظرات بر مبنای تحقیقاتی ورزشی کشور تشکیل شود و بستر فعالیت آن ظرفیت‌سازی گردد.
۸. ظرفیت‌های علمی بخش ورزش برای سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام علمی و تحقیقاتی کشور مشخص و تبیین شود تا علوم ورزشی در اولویت پایی برای آن‌ها قرار نگیرد.
۹. واحدها و کمیته‌های پژوهشی موجود در سازمان‌های ورزشی به قابلیت نوآوری و تحقیق و توسعه ارتقا پیدا کنند.
۱۰. در آئین‌نامه‌ها، قوانین، اسناد و برنامه‌های مراکز با مدیریت پژوهش در ورزش بازنگری انجام شود و بر کاربست تحقیقات تاکید گردد.

منابع

- Awwad, A., & Akroush, M. N. (2016). "New product development performance success measures: an exploratory research". EuroMed Journal of Business., Vol. 11 Iss 3: 43-54.
- Afshari, Mostafa, Mir Safian, Hamid, Esmaili, Mohsen, Vafae Moghadam, Ali. (2019). "Analysis and application of factors affecting R&D capabilities in the Sports Science Research Institute". Sports Management Studies, (Persian)
- Lizadeh Golrizi, Abolfazl. (2017). "Development of a commercialization model for sports science research". PhD thesis of Payame Noor University, (Persian)
- Amini, Maryam. (2017). "Designing a knowledge-based economy model in sports". Master's thesis, Al-Zahra University, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, (Persian)
- Bamir, M., Setayesh, A. (2019). "Measuring the Impact of Scientific Advancements on Sports Development (Case Study: The Thematic Area of Sports Championship Olympics)". Sport Management Studies, 11(55): 59-70. (Persian)
- Bashiri, J., Gilvari, A., Koulaian, F. (2015). The Application of the Results of Research Projects of the Agricultural Research, Education and Extension Organization as Viewed by the Researchers. Branca, Luis Alberto Batista, Sergio Ricardo Cortines Campos, and Mariza Almeida. (2013). "Interaction Among Universities, Government and Spin-off Companies in a Brazilian Context to Generate Sports Innovation". Journal of technology management & innovation, 8(2): 93-106.
- Cortsen, K., & Rascher, D. (2018). "The Application of Sports Technology and Sports Data for Commercial Purposes". In *The Use of Technology in Sport-Emerging Challenges*. Intech Open.
- Dastoom, S., Ramezani Nezhad, R., benar, N., Rasouli, R. (2013). "Survey of interactions administrative departments and industry sport in Iran Based on the Analysis Documents and structural". Applied Research in Sport Management 2(2), 91-109. (Persian)
- Document of the Sixth Development Plan Report in the Sports Sector. (2017). Ministry of Sports and Youth, Center for Strategic Studies, (Persian)
- Farahani, Abolfazl, Rezaei Sufi Morteza. (2011). **Research Management**. Hatami Publications, Tehran, First Edition
- Farahani, Abolfazl. (2010). **Demonstrative Demand in Physical Education Research with Emphasis on Doctoral Dissertations**. Research Project, Physical Education Research Institute, 2010.
- Gerke, A. (2016). "Towards a network model of innovation in sport—the case of product innovation in nautical sport clusters". Innovation, 2016, 18(3), 270-288.
- hasangholipour, H., Gholipour, A., ghazimahaleh, M., Roshandel Arbatani, T. (2011). "Requirements, necessities and mechanisms of knowledge commercializing in Management Schools/Faculties". Journal of Business Management, 2(4): 211-227. (Persian)

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین مدل راهبردی مناسب (بر مبنای امکان سنجی) در اداره های ورزش و جوانان استان فارس

کمال باقری^۱

مهدی باقری^۲

نادرقلی قورچیان^۳

پریوش جعفری^۴



10.22034/SSYS.2022.1458.2002

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۶/۴

پژوهش حاضر با هدف بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین مدل راهبردی مناسب (بر مبنای امکان سنجی) در اداره های ورزش و جوانان استان فارس انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، با رویکرد کیفی- کمی (آمیخته) و با طرح اکتشافی انجام گرفت. جامعه آماری در بخش کیفی شامل افراد متخصص در حوزه آموزش مجازی و استادان مدیریت آموزشی و در بخش کمی شامل تمامی مدیران و کارکنان اداره های ورزش و جوانان در استان فارس بود. روش نمونه گیری در بخش کیفی، روش هدفمند و در بخش کمی، روش تصادفی طبقه ای بود. نمونه آماری در بخش کیفی با در نظر گرفتن قانون اشباع نظری، تعداد ۲۰ نفر و در بخش کمی، بر اساس روش تمام شماری ۳۲۸ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی، پرسش نامه محقق ساخته بر مبنای مقیاس پنج گزینه ای لیکرت با ۵۷ گویه بود. روایی صوری پرسش نامه با توجه به نظر متخصصان تایید و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد. روش تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی، تحلیل محتوایی استقرایی با بهره گیری از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و گزینشی (انتخابی) بود. در بخش کمی، از تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تاییدی، معادله های ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد.

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۲ دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mbagheri.sbu@gmail.com

۳ استاد، گروه مدیریت آموزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴ دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نتایج نشان داد که ابعاد مدل امکان‌سنجی پیاده‌سازی آموزش‌های مجازی و آنلاین به ترتیب بعد فناوری، پداگوژیکی، مدیریتی و راهبردی، منابع انسانی و پشتیبانی، فرهنگی-اجتماعی و بین‌المللی می‌باشند. در تحلیل عاملی اکتشافی، تاثیر همه ابعاد و مولفه‌ها بر پیاده‌سازی آموزش‌های مجازی تایید شد. براساس نتایج تحلیل عاملی تاییدی، مدل نهایی پژوهش با شاخص‌های برازش و ضرایب استاندارد تایید شد. مقدار شاخص ریشه میانگین مربعات خطاهای برآورد، $0/64$ به دست آمد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد.

واژگان کلیدی: امکان‌سنجی، آموزش مجازی، آموزش آنلاین، رویکرد آمیخته، اداره ورزش و جوانان و استان فارس.

مقدمه

در عصر حاضر یکی از مهمترین اختراعات بشری که تغییرات شگرفی را در زندگی بشریت ایجاد نموده، پیدایش رایانه و به دنبال آن اینترنت بوده که باعث رقم زدن دنیای مجازی و انگیزه‌ای برای سازمان‌ها شده است تا در بخش آموزش مجازی سرمایه‌گذاری کنند؛ اما آنچه اهمیت بحث را روشن‌تر می‌سازد، تلاش برای کسب موفقیت در استفاده از سیستم آموزش مجازی و سنجش میزان موفقیت این سیستم‌هاست. آموزش مجازی می‌تواند بسیاری از معضلات جوامع از جمله نیازهای روزافزون مردم به آموزش، عدم دسترسی یکسان به مراکز آموزشی، کمبود امکانات اقتصادی، کمبود مدرسان مجرب و هزینه‌های گزاف آموزش و ارائه خدمات آموزشی را برطرف نماید (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۸). فناوری‌های جدید، به‌ویژه فناوری‌های مربوط به عرصه اطلاعات و ارتباطات زمینه تحولات سریع و غیرقابل برگشتی را در جهان فراهم آورده است. این پیشرفت‌های جهانی در فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث گسترش وسیع فرصت‌های یادگیری و دسترسی به منابع تحصیلی و آموزشی شده است (ترجمان و سیادت، ۱۳۹۸). به دلیل توسعه و رشد فناوری اطلاعات و آموزش مجازی در سال‌های اخیر، نیاز به هدایت و دخالت مستقیم اساتید در کلاس کاهش یافته و این امر سبب تغییر در نحوه فراگیری و آموزش شده است (جزینی، ۱۳۹۷). پیاده‌سازی و توسعه آموزش مجازی^۱ به نقاط مختلف جغرافیایی اعم از مناطق دورافتاده تنها در سال‌های اخیر و به لطف رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ادغام آن با آموزش و توسعه دانش امکان‌پذیر شده است (مسلنو^۲، ۲۰۱۸). قابلیت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک‌گذاری و توزیع دانش، نقش مهمی در اشتغال‌پذیری و به روز بودن دارند. این اقدام اثربخش توسط بسیاری از سازمان‌های بزرگ تایید و تمجید شده و اشتراک‌گذاری دانش و اطلاعات را تسهیل بخشیده و به طور بالقوه قابلیت بهبود همکاری، بهره‌وری و انتقال سریع‌تر منابع دانشی را ایجاد کرده است (دسکالیو^۳، ۲۰۱۷). اصطلاح آموزش مجازی شامل فهرست بزرگی از کاربردها و عملکردهای آموزشی مبتنی بر وب، آموزش مبتنی بر رایانه، کلاس‌های مجازی و همکاری‌های الکترونیکی است. می‌توان گفت که ترکیب آموزش از راه دور با اینترنت منجر به ابداع روش جدیدی از نحوه تدریس به نام «آموزش (یادگیری) مجازی» شده است. این آموزش مجازی در عین حال که بسیار موثر و کارآمد است، از لحاظ تجاری نیز مقرون به صرفه می‌باشد و به سرعت برای تمامی افراد از هر قشر و موقعیتی قابل دسترسی است. در این روش با استفاده از ارتباط دو طرفه که بستر آن را اینترنت تشکیل می‌دهد، مشکل محدودیت زمانی برطرف شده است و ارتباط میان یاددهنده و یادگیرنده و همچنین همکلاسی‌ها مستقل از زمان و مکان خواهد بود.

1 Virtual Education

2 Masleno

3 Dascalu

فرانچسکی، لی، زاناکیس و هیندز^۱، ۲۰۰۹ به نقل از محمودی و پوردخانی، ۱۳۹۶). اصطلاحات متفاوتی برای آموزش الکترونیکی به کار رفته است؛ نظیر یادگیری الکترونیکی^۲، آموزش مبتنی بر اینترنت^۳ (برخط)، آموزش مبتنی بر کامپیوتر^۴، آموزش مبتنی بر شبکه^۵، آموزش توزیعی^۶، آموزش مبتنی بر وب^۷، آموزش از راه دور^۸، آموزش سیار^۹، درس‌های بهنگام^{۱۰}، یادگیری زنده^{۱۱}، همکاری الکترونیکی^{۱۲}، کلاس‌های مجازی^{۱۳}. دو واژه اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات همواره در کنار آموزش الکترونیک یا مجازی به کار می‌روند، چرا که از پیش‌شرط‌های ضروری این نوع آموزش می‌باشند.

در زمینه امکان‌سنجی پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج کشور انجام گردیده است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی امکان به‌کارگیری آموزش از راه دور برای پرستاران در بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان» به این نتیجه دست یافتند که بیمارستان‌های مورد مطالعه، امکانات لازم برای برگزاری دوره‌های آموزش از راه دور را در سطح متوسط دارند. بنابراین با فراهم شدن زیرساخت‌های فناوریک سازمانی و آموزشی می‌توان با استقرار این سامانه‌ها نقش پررنگی در ارائه آموزش‌های ضمن خدمت از راه دور به پرستاران که نقش حیاتی در ارتقای سلامت بیماران دارند و به علت کمبود وقت امکان شرکت در کلاس‌های حضوری را ندارند ایفا کرد. هاشمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی برگزاری دوره‌های آموزش مجازی مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان نابینا (با تاکید بر نیروی انسانی) در بین تمام معلمان و مدیران دست اندرکار در زمینه آموزش دانش‌آموزان نابینای شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰» به این نتیجه دست یافتند که رابطه مثبت و معناداری بین نگرش معلمان، مدیران و متخصصان با آموزش مجازی مهارت‌های زندگی وجود دارد. نتایج نشان داد که هرچه آموزش مجازی نابینایان بیشتر باشد، مهارت‌های زندگی در آنان بالاتر می‌رود و آموزش مجازی می‌تواند برای یادگیری برخی دروس مدرسه و مهارت‌های زندگی، مورد استفاده نابینایان قرار گیرد. سیدی و حسین زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی

1 Franceschi, Lee, Zanakis & Hinds.

2 E- Learning

3 IBT (Internet-Based Training)

4 CBT (Computer-Based Training)

5 Network learning

6 Distribution training

7 WBT (Web Based Learning)

8 Distance Learning

9 Mobile learning

10 On line Courses

11 On line Learning

12 Electronic Collaboration

13 Virtual Learning

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

استقرار نظام آموزش ضمن خدمت مجازی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی» به این نتیجه دست یافتند که اجرای آموزش مجازی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی در ابعاد نیروی انسانی و فرهنگی امکان پذیر است. شاه ویرن و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی اجرای نظام آموزشی ترکیبی بر اساس الزامات ایزو ۱۰۰۱۵ در شبکه بهداشت و درمان شهر سراب» به این نتیجه دست یافتند که میانگین محاسبه شده از عوامل نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی برای پیاده سازی آموزش های ترکیبی و کمتر از میانگین فرض شده بود و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار بود. این نتایج می تواند مبنای استقرار قرار گرفته و توجه و تقویت عوامل نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی جهت بستر سازی مناسب برای استقرار نظام آموزش های ترکیبی، استفاده از فوائد هر دو روش آموزش مجازی و حضوری را ممکن نماید. پارچه بافی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مطالعه امکان سنجی برگزاری دوره آموزش مجازی در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران» به این نتیجه دست یافتند که این واحد از آمادگی خوبی برای برگزاری دوره های آموزشی مجازی برخوردار است و باید نسبت به برگزاری این دوره ها اقدام نماید. شریف مقدم و ملکیان فرد (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی ارائه آموزش مجازی در رشته های علوم انسانی دوره کارشناسی دانشگاه پیام نور مشهد» به این نتیجه رسیدند که با توجه به یافته ها، زیر ساخت های مورد نیاز برای ارائه آموزش مجازی در حد ضرورت فراهم بودند. بنابراین، امکان ارائه آموزش مجازی در دانشگاه مذکور در وضعیت قابل قبولی است. محمودی و پورخانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی پیش نیازها و امکان سنجی اجرای نظام آموزش الکترونیکی در آموزش عالی» به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان دانشگاه سمنان از آمادگی نسبی و بیشتر از «حداقل آمادگی مورد انتظار» برای شرکت در آموزش الکترونیکی برخوردار هستند- هر چند در برخی عوامل از جمله: «انگیزش»، آمادگی آنها از حداقل آمادگی مورد انتظار کمتر بوده و نیازمند تقویت است. افزون بر این، یافته های پژوهش نشان داد که دانشجویان دانشکده «مهندسی برق و کامپیوتر» نسبت به دیگر دانشکده ها از آمادگی بیشتری برای آموزش الکترونیکی برخوردار هستند. صابری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی به کارگیری نظام آموزشی مجازی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان از دیدگاه اساتید، دانشجویان و کارشناسان ستادی فناوری اطلاعات» به این نتیجه رسیدند که وضعیت امکان به کارگیری نظام آموزش مجازی از لحاظ شرایط و قابلیت، زمینه های کاربردی، عوامل تسهیل کننده در حد مطلوب و عوامل محدود کننده در دانشگاه علوم پزشکی گیلان بالاتر از حد متوسط بود. سلاجقه و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین و اعتبار سنجی مؤلفه ها و شاخص های بین المللی سازی دانشکده های مجازی» به این نتیجه دست یافتند که شاخص ها و مؤلفه های مطلوب بین المللی سازی آموزش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند و سعی شده است زمینه ای

فراهم شود تا با تدوین این شاخص‌های غالب، طراحی دانشکده‌های بین‌المللی مجازی اقدام در جهت تحقق این امر مهم فراهم آید. رحمانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجش و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی با رویکرد تصمیم‌گیری چند معیاره فازی» عوامل مؤثر را از نظر فاکتورهای انسانی، فنی، اجتماعی و سازمانی شناسایی نمایند. ترجمان و سیادت (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان» به این نتیجه دست یافتند که جامعه مورد مطالعه از حیث زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آمادگی لازم جهت استقرار آموزش مجازی را داراست و امکان استقرار آموزش مجازی از نظر نیروی انسانی متخصص در حد متوسط و از لحاظ اقدامات فرهنگی، منابع مالی، پشتیبانی و محتوای الکترونیکی وجود ندارد. در نهایت با توجه به شرایط، امکان استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان وجود ندارد. شارما^۱ (۱۹۹۱) به امکان‌سنجی آموزش از راه دور در فیلیپین پرداخته است. وی در مقاله‌ای تحقیقی که در سمینار کارگاه آموزشی از راه دور در مانیل ارائه کرده است، پس از بحث‌های مقدماتی و بررسی عوامل دخیل نتیجه‌گیری کرده است که کاربرد گسترده آموزش از راه دور در فیلیپین امکان‌پذیر است، زیرا منابع کافی، پرسنل ماهر و الگوهایی که بتوان از میان آن‌ها یکی را برگزید وجود دارد. از طرف دیگر، بازار کافی برای آموزش از راه دور در این کشورها وجود دارد. مارتینز^۲ (۱۹۹۷) تحقیقی با عنوان «امکان‌سنجی استفاده از دوره‌های ارتباط از راه دور در دانشگاه‌های آمریکای لاتین» انجام داده است. این رساله در آمریکای لاتین با هدف سنجش نگرش دانشجویان آمریکای لاتین برای ارائه دوره‌های دوربرد و بررسی امکان‌پذیری اقتصادی اجرای چنین دوره‌هایی، این اقدام را امکان‌سنجی نموده است. یافته‌ها نشان داد در درون دانشگاه‌های آمریکای لاتین در مورد دوره‌های دوربرد نگرش مثبتی وجود دارد و مدیران، راه اندازی دوره‌های دوربرد را به لحاظ اقتصادی در سازمان‌شان امکان‌پذیر می‌دانند. شو^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی به مطالعه امکان‌سنجی توسعه آموزش الکترونیک به عنوان راهکاری برای آموزش مستمر در بین پرستاران سلامت عمومی در تایوان پرداختند. ضمن این مطالعه دلایل پذیرش و یا رد این آموزش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که ۸۸/۸۴ درصد پرستاران به این نوع آموزش گرایش مثبت نشان دادند، چرا که این نوع آموزش از نظر زمان و مکان انعطاف بالایی دارد و ۱۱/۱۶ درصد به دلیل موانع موجود مثل کمبود رایانه‌های شخصی و دسترسی به اینترنت گرایشی به آموزش الکترونیک نداشتند. دیسل^۴ و همکاران (۲۰۱۰) در یک مطالعه به

1 Sharma

2 Martinz

3 shu

4 Dissel

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلایین به منظور تدوین ...

امکان‌سنجی و ارزیابی مدل یادگیری الکترونیکی مبتنی بر اینترنت (وب) برای دانشجویان پزشکی پرداختند. ایشان ضمن تأکید بر این که استفاده از یادگیری الکترونیکی در کنار آموزش به روش سنتی (چهره به چهره) امکانات جدیدی را به وجود می‌آورد و ابزار موثری برای فهم بهتر فراهم خواهد کرد، نظر دانشجویان موردنظر را نیز در این باره مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد ۹۷ درصد افراد جامعه مورد بررسی یادگیری مبتنی بر رایانه را مفید ارزیابی می‌کنند. حسن زاده و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی و سنجش شاخص‌هایی جهت طراحی مدل آموزش الکترونیکی»، شاخص‌های شناسایی شده را معرفی نمودند که بعد مدیریتی شامل برنامه‌ریزی محتوای آموزشی، محیط یادگیری، توزیع اطلاعات، نیروی انسانی متخصص در مدیریت و شاخص‌های بعد فنی شامل زیر ساخت‌های فناوری: (الف) نرم‌افزار. (ب) سخت‌افزار و اینترنت و در نهایت شاخص‌های بعد ارزیابی نیز شامل ارزیابی فراگیران، ارزیابی قوانین یادگیری و ارزیابی توسعه محتوا می‌باشند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که مهمترین شاخص‌های بعد مدیریتی، فنی و ارزیابی در طراحی مدل آموزش الکترونیکی به ترتیب عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی محتوای درسی، اینترنت و ارزیابی فراگیران. خیراندیش (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «الگوی امکان‌سنجی اجرای آموزش مجازی در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران» به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های فنی - فناوری، فرهنگی - اجتماعی، آموزشی، حقوقی - اداری، راهبردی و اقتصادی، عوامل مؤثر و قابل قبول برای ارزیابی اجرای آموزش مجاز بودند. همه مؤلفه‌ها به جز مؤلفه راهبردی از وضعیت مطلوبی برای اجرای آموزش مجازی برخوردار بودند. اجرای آموزش مجازی در مؤلفه‌های فنی - فناوری، فرهنگی - اجتماعی، آموزشی، حقوقی - اداری و اقتصادی، در شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ایران مفید است. چاپ نیک (۲۰۰۰) مدلی را برای ارزیابی نیازهای مربوط به یادگیری الکترونیکی طراحی کرده است که این مدل بیشتر متمرکز بر تفاوت‌های بین دو نوع یادگیری الکترونیکی و یادگیری یاددهنده محور حضوری است؛ به طوری که عوالم کلیدی آن شامل آمادگی فیزیولوژیکی، آمادگی اجتماعی، آمادگی محیطی، آمادگی منابع انسانی، آمادگی مالی، آمادگی در مهارت‌های فناوریانه، صلاحیت‌های فنی، آمادگی تجهیزات و آمادگی محتوایی است. با کمی تفاوت، شررز، اهلرز و ساموئر^۱ (۲۰۱۲) مدلی از آمادگی برای یادگیری الکترونیکی معرفی کرده‌اند که سه سطح را شامل می‌شود: ۱) آمادگی منابع فنی، اقتصادی و انسانی، همچنین منابع آموزشی و محیطی؛ ۲) آمادگی فرهنگی؛ ۳) آمادگی روانی (کرسویل، ۲۰۱۵). خان و ارلی^۲ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «یک چارچوب برای سیستم‌های مبتنی بر وب؛ چارچوبی برای آموزش آموزش مجازی» مدلی را تدوین کرده که شامل ۸ بخش است: ۱- پداگوژی؛ این بعد موضوعاتی شامل

1 Sharz, Ahrz and Samuer

2 Khan and Early

محتوا، شنوندگان، تحلیل رسانه و اهداف، طراحی راهبرد، سازماندهی و روش‌ها و راهبردها و محیط‌های یادگیری الکترونیکی را نشان می‌دهد. ۲- فناوری؛ این بعد شامل برنامه‌ریزی زیرساخت، سخت‌افزار و نرم‌افزار است. ۳- طراحی میانجی (رابط)؛ ابعاد طراحی رابط شامل طراحی سایت و متن، طراحی محتوا، انتقاد و آزمون‌های قابل استفاده است. ۴- ارزشیابی؛ شامل هم‌سنجش یادگیرندگان و هم‌ارزشیابی زیرساخت‌ها و محیط‌های یادگیری است. ۵- مدیریت؛ به حمایت محیط‌های یادگیری و توزیع اطلاعات اشاره دارد. ۶- منابع حمایتی؛ بررسی حمایت‌های آنلاین و منابع موردنیاز به منظور ترویج محیط‌های یادگیری معنادار است. ۷- اخلاق؛ مربوط به نفوذ سیاسی و اجتماعی، تنوع فرهنگی، تعصب (تبعیض)، تنوع جغرافیایی، تنوع یادگیران، دسترسی به اطلاعات، رسوم و موضوعات حقوقی (قانونی) است. ۸- سازمانی؛ به موضوعاتی درباره کارهای مدیریتی، کارهای آکادمیکی و خدمات دانشجویی مربوط به یادگیری الکترونیکی اشاره دارد. آباس و کاپور (۲۰۰۴) ارزیابی آمادگی الکترونیکی چهار گروه مدیران و سیاست‌گذاران، پشتیبانی‌کنندگان و مجریان، مدرسان، و یادگیرندگان را در مالزی مورد بررسی قرار دادند. بررسی این محققان در دو بخش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و ارزیابی آمادگی در ۸ بعد یادگیرندگان، مدیران محتوا و کارکنان، فنی، مالی، محیطی و فرهنگی می‌باشد. مطالعه این گروه نشان داد که مدیران از آمادگی بیشتری نسبت به یادگیرندگان و مدرسان برخوردار هستند و زیرساخت‌های مالی مالزی باید بهبود یابند. فردوسی و لوی^۱ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «توسعه و اعتبارسنجی مدل بررسی تأثیر عوامل شخصی بر تمایل فراگیران به استفاده از سیستم‌های آموزش مجازی» انجام داده‌اند. این مدل شامل عوامل ۱. مقاومت در برابر تغییر؛ ۲. ارزش درک‌شده آموزش مجازی؛ ۳. قابلیت کار با کامپیوتر؛ ۴. نگرش در مورد آموزش مجازی به عنوان عوامل مؤثر بر تمایل به استفاده از آموزش مجازی بوده است. اوینیات و لوبگا^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «مدل ارزیابی آمادگی آموزش الکترونیکی در دانشگاه برتر اوگاندا» دریافت که مدل مناسب ارزیابی آمادگی آموزش الکترونیکی، مدلی است که به پنج مولفه آگاهی، فرهنگ، فناوری، پداگوژی و محتوا توجه کند. در مطالعه انجام شده در دانشگاه میسور هندوستان در سال ۲۰۱۳ از ابزارهایی مشتمل بر سه بخش اطلاعات «جمعیت‌شناختی»، «زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات، منابع انسانی، بودجه و امور مالی» و «آمادگی روانی و محتوایی» به منظور ارزیابی دانشگاه برای برگزاری دوره‌های آموزش مجازی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که در بین دانشکده‌های مختلف، تفاوت معنی‌داری از نظر آمادگی برای اجرا وجود نداشته است. نتایج مطالعه در ترکیه در سال ۲۰۱۱ نشان داد که گام اول برای یادگیری از طریق آموزش الکترونیک، آماده‌سازی از نظر فناوری، انسانی، محتوا و

1 Ferdowsi and Levi

2 Uniat and Lubka

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

موسسه است؛ گام دوم پذیرش آن و گام سوم، تمرین برای یادگیری از طریق آموزش مجازی است. کرو و نینرسون^۱ (۲۰۰۶) آزمونی را برای سنجش موفقیت در یادگیری برخط طراحی کردند و آن را برای دانشجویان به کار بردند. نتایج این تحلیل دلالت بر وجود پنج بعد به عنوان ابعاد آمادگی داشت: مهارت های رایانه ای، مهارت در یادگیری مستقل، مهارت در یادگیری مشارکتی (غیر مستقل)، نیاز به یادگیری برخط و مهارت های علمی (آکادمیکی). در حالی که پژوهش های گوناگون برخی ابعاد را برای سنجش آمادگی در یادگیری برخط پیشنهاد کرده اند، هونگ^۲ و همکاران (۲۰۱۰) اعلام کرده اند که این یافته ها جامع و کامل نبوده است؛ زیرا مهارت هایی چون خودکارآمدی و خودکنترلی یادگیرنده در فضای برخط و الکترونیکی از نظر دور مانده است. آن ها مقیاسی پنج درجه ای برای سنجش میزان آمادگی یادگیرنده در یادگیری برخط معرفی کردند اند که شامل خودکارآمدی در استفاده از اینترنت/ رایانه، مهارت در یادگیری مستقل، مهارت در خودکنترلی، انگیزش برای یادگیری و خودکارآمدی در برقراری ارتباطات برخط است. (هونگ، ۲۰۱۰).

در حال حاضر، فقدان مدلی جامع از پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین در اداره های ورزش و جوانان فارس که بتواند تمامی عوامل موثر بر توانمندسازی و پیشرفت شغلی افراد را شناسایی کند، موجب بروز مشکلات و تنگنانهایی در نظام آموزش کارکنان شده است. در عصر حاضر نظام های آموزشی همواره در معرض اصلاحات و بازنگری قرار دارند. عمده ترین دلایل این اصلاحات همسو کردن نظام آموزشی با تحولات و تغییرات فناوری و تغییر از آموزش سنتی به سوی آموزش مجازی و آنلاین می باشد. به همین منظور، نیاز به اصلاحات در شیوه های کنونی و استفاده از راه حل های نوآورانه و پایدار در روند آموزش و توانمندسازی کارکنان احساس می شود. از ابتدای حرکت از آموزش حضوری و سنتی به سوی اجرای آموزش مجازی و آنلاین در نظام آموزشی کارکنان تاکنون، همواره شاهد بروز مشکلاتی در این زمینه بوده ایم و بر همین اساس اقداماتی در جهت بازبینی و اصلاح فرآیندهای برنامه های آموزشی و متوازن سازی توزیع بین رشته های مختلف شغلی انجام پذیرفته است. با وجود این، براساس مشاهدات عینی از نظام آموزش سنتی کارکنان و بازخوردهای موجود از طرف کارکنان، مدیران و ارزیابان عملکرد، می توان استنباط کرد که هیچ کدام از اهداف مورد نظر محقق نشده و برنامه آموزش سنتی کارکنان همچنان نیازمند بازنگری و اصلاحاتی جدید جهت حرکت به سمت مجازی شدن و دستیابی به کارآمدی لازم است. بر این اساس، نظام آموزش کارکنان نیازمند برنامه جامع پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین می باشد؛ برنامه ای که کاربست آن شناسایی و پرورش استعداد های کارکنان و ایجاد زمینه و ساز و کارهای مناسب برای رشد و بالندگی آنان به عنوان سرمایه های انسانی، تقویت و درونی کردن احساس مسئولیت برای ایفای نقش سازنده در سازمان و

1 Kerr and Ninerson

2 Hong

حمایت از تمامی کارکنان به منظور بهره‌مندی از توانمندی‌ها و قابلیت‌های گوناگون آن‌ها در راستای توانمندسازی و توسعه پایدار در سازمان است. لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال است: مدل مناسب برای پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین در اداره‌های ورزش و جوانان استان فارس کدام است؟

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر، کیفی^۱ - کمی^۲ (آمیخته^۳) و با طرح اکتشافی^۴ دو مرحله‌ای بود. در بخش کیفی از روش نظریه برخاسته از داده^۵ و در بخش کمی از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری در بخش کیفی شامل افراد متخصص در حوزه آموزش مجازی و استادان مدیریت آموزشی و در بخش کمی شامل تمامی مدیران و کارکنان ورزش و جوانان در استان فارس بود. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی، هدفمند^۶ و در بخش کمی، تصادفی طبقه‌ای بود. نمونه آماری در بخش کیفی با در نظر گرفتن قانون اشباع داده‌ها^۷، ۲۰ نفر و در بخش کمی، بر اساس روش تمام شماری، ۳۲۸ نفر بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که براساس نتایج تحلیل داده‌های بخش کیفی بر مبنای مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت در قالب ۵۷ گویه تهیه و تدوین شد. در بخش کیفی برای دستیابی به روایی از چک کردن به وسیله مشارکت‌کنندگان و برای تعیین پایایی، از راهبرد تایید همکاران پژوهشی استفاده گردید. همراه با جمع‌آوری داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های انفرادی، بر رعایت جنبه‌های اخلاقی پژوهش از جمله کسب رضایت افراد مصاحبه‌شونده، اجتناب از هرگونه سوء اثر بر شرکت‌کنندگان، ناشناخته ماندن نام و نشان افراد و اصل محرمانه بودن داده‌ها و اطلاعات توجه شد. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، تحلیل محتوای استقرایی با بهره‌گیری از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و انتخابی بود. برای تعیین روایی^۸ پرسشنامه پژوهش از روایی صوری و محتوایی^۹ و روایی تشخیصی (همگرا و واگرا) استفاده شده است؛ بدین صورت که در قسمت روایی صوری از طریق اجرای آزمایشی بین ۳۰ نفر از اعضای نمونه و روایی محتوایی از طریق قضاوت خبرگان و ثبت نظرات اصلاحی ایشان و اطمینان از این که عبارات مندرج در پرسش‌نامه، تمامی خصیصه‌های مورد نظر پژوهش را می‌سنجد، بررسی و مورد تایید

-
- 1 Qualitative Method
 - 2 Quantitative Method
 - 3 Mixed Method
 - 4 Exploratory Design
 - 5 Grounded Theory
 - 6 Purposeful Sampling
 - 7 Theoretical Saturation
 - 8 Validity
 - 9 Content Validity Index

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

قرار گرفت. برای تعیین روایی تشخیصی (همگرا و واگرا) از معیار روایی همگرا و واگرا که مختص به مدل سازی معادلات ساختاری است و توسط «فرنل و لارکر»^۱ ارائه شده است به واسطه نرم افزار آماری Smart - PLS مورد بررسی قرار گرفت؛ به طوری که در قسمت روایی تشخیصی همگرا از معیار میانگین و واریانس استخراج شده^۲ استفاده گردید. مقدار ملاک برای سطح قبولی میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵ می باشد. در قسمت روایی تشخیصی واگرا، میزان تفاوت بین شاخص های یک سازه با شاخص های سازه های دیگر در مدل مقایسه می شود. این کار از طریق مقایسه جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه ها محاسبه می شود. برای این کار یک ماتریس باید تشکیل داد که مقادیر قطر اصلی ماتریس جذر میانگین واریانس استخراج شده ضرایب هر سازه می باشد و مقادیر پایین و بالای قطر اصلی، ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه های دیگر است. برای بررسی پایایی^۳ پرسشنامه محقق ساخته از آزمون آلفای کرونباخ^۴ استفاده شد که نتیجه اجرای آزمایشی پرسشنامه بر روی ۲۰ نفر از جامعه آماری مقدار ۰/۸۴ به دست آمد که نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه است. روش تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی، تحلیل محتوایی استقرایی با بهره گیری از کدگذاری در سه سطح باز، محوری و انتخابی بود. برای تحلیل داده های جمع آوری شده در بخش کمی از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و LISREL استفاده شد. از نرم افزار SPSS برای تحلیل عاملی اکتشافی و از نرم افزار LISREL برای تحلیل عاملی تاییدی، معادله های ساختاری، تحلیل مسیر و برازش مدل بهره گرفته است.

1 Fernel & Larker

2 Average Variance Extracted

3 Reliability

4 Cronbach's Alpha Test

جدول ۱: روایی و پایایی در بخش کیفی و کمی پژوهش

بخش کیفی پژوهش		بخش کمی پژوهش
روایی (قابلیت اعتبار)	روش	چک کردن داده‌ها به وسیله مشارکت‌کنندگان
	نتیجه	روایی مناسب
پایایی (قابلیت اطمینان)	روش	راهبرد تایید همکاران پژوهشی
	نتیجه	پایایی مناسب

یافته‌های پژوهش

ابعاد پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین کدام‌اند؟ جهت بررسی و پاسخ به این سوال، ابتدا در بخش کیفی، پس از جمع‌آوری، تنظیم و سازماندهی داده‌های حاصل از انجام هر مصاحبه و براساس روش مقایسه مداوم اشتراوس و کوربین^۱، در خصوص استخراج کلمات و نکته‌های کلیدی در قالب شاخص، از متن مصاحبه اقدام گردید. پس از انجام ۲۰ مصاحبه تعداد ۵۷ شاخص استخراج، برچسب‌گذاری و دسته‌بندی شد. سپس نسبت به تحلیل داده‌های کیفی جمع‌آوری شده، از طریق کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ اقدام گردید. در این مرحله با تحلیل شاخص‌های استخراج شده، ۱۸ کد باز به‌دست آمد که در ۶ کد محوری و در قالب ۳ کد انتخابی طبقه‌بندی شد:

1 Eshtraws & Corbin
2 Open Coding
3 Axial Coding
4 Selected Coding

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

مرحله کدگذاری باز ، ۱۸ گزاره مفهومی اولیه



مرحله کدگذاری محوری : ۶ گزاره مقوله اصلی و ۱۳ مقوله فرعی

۱. فناوری: زیرساخت سخت افزاری، زیرساخت نرم افزاری
۲. پداگوژیکی: نوین گرایی در آموزش و افزایش سواد رایانه ای ، ارزشیابی
۳. مدیریتی و راهبردی: نگرش مثبت و توسعه مدیریت تیمی و مشارکتی ، استقرار مدیریت دانش، یادگیری سازمانی و مدیریت راهبردی
۴. منابع انسانی و پشتیبانی: ارتقای فرهنگ سازمانی و اشاعه فرهنگ نتوکراسی (اینترنت گرایی) در سازمان، شناخت آداب و رسوم شبکه ای و رعایت اخلاق در فضای مجازی، رعایت قوانین و مقررات استفاده از فضای مجازی.
۵. فرهنگی و اجتماعی: سرمایه گذاری و تامین بودجه و بازاریابی، جذب نیروی انسانی ماهر و پشتیبانی فنی، سازمانی، آموزشی و...
۶. بین المللی : جهانی شدن و توسعه فن آوری اطلاعات در سطح بین المللی، دستیابی به توسعه پایدار

شکل ۱ : فرایند مدیریت داده ها در دو مرحله کدگذاری

نتایج کدگذاری باز و محوری (جدول ۱)، در سه محور علی (که مستقیماً بر پدیده یادگیری عمیق و اثربخش تاثیر می گذارند و منشا یادگیری منتهی به کیفیت در سیستم آموزش مجازی می شوند)، زمینه ای (ویژگی های زمینه ای که بدون آن ها تحقق کیفیت یادگیری ناممکن می نماید) و محیطی (پدیده کیفیت یادگیری در شرایط محیطی خاص حاصل می آید، شرایط محیطی تاثیر با واسطه بر پدیده کیفیت یادگیری می باشد) ارائه شده است.

مرحله کدگذاری گزینشی (انتخابی)، ۳ گزاره علی، زمینه‌ای و محیطی



۱. علی: فعالیت‌های یاددهی و یادگیری (ارزشیابی هدفمندی از تولید محتوا، ایجاد بسته‌های یادگیری، فعالیت یادگیری، طرح درس)، کنشگران انسانی (توانمندی مدرسان آموزشی، بهسازی نیروی انسانی)، مدیریت (تنظیم بودجه، رفع مشکلات حاضر مدیریتی سازمان، رفع مشکلات زیرساختی سازمان، تصمیم‌گیری‌های متمرکز).
۲. زمینه‌ای: پدیده اصلی (دستیابی به آموزش مجازی و آنلاین جهت بهبود کیفیت و اثربخشی سیستم آموزش کارکنان)، شرایط مداخله‌گر (اینترنت، امکانات سخت‌افزاری، وب ۲ و ۳).

۳. محیط: ...

شکل ۲: فرایند مدیریت داده‌ها در مرحله کدگذاری گزینشی (انتخابی)

سپس، براساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی، نسبت به تهیه و تدوین پرسش‌نامه محقق-ساخته پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی پژوهش اقدام گردید. پس از بررسی روایی، پرسشنامه نهایی با ۵۷ سوال برای کشف مولفه‌ها و محاسبه بارهای عاملی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی^۱ با الگوی مولفه‌های اصلی^۲ (PC) مورد تحلیل قرار گرفت. از روش تحلیل عاملی جهت پی بردن به متغیرهای زیر بنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها استفاده می‌شود. داده‌های اولیه برای تحلیل عاملی، ماتریس همبستگی بین متغیرهاست. در این مرحله از پژوهش چون ما هیچ حدسی از ساختار روابط میان گویه‌ها نداشتیم، لذا از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردیم.

مولفه‌های پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین کدام‌اند؟

به همین منظور ابتدا، برای تشخیص کفایت و شرایط لازم داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی، از آزمون‌های تناسب کایزر-میر-الکین^۳ و بارتلت^۴ استفاده شد. مقدار آماره KMO^۵ در این پژوهش که به عنوان شاخص کفایت متغیرها شناخته می‌شود، ۰/۸۴۶ بوده و چنان‌که از نتایج جدول ۲ پیداست مقدار $KMO > 0/7$ برابر ۰/۸۴۶ است و با توجه به این که مقدار مناسب برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی ۰/۷

1 Exploratory factor analysis (EFA)

2 Principal Components (PC)

3 Kaiser-Meyer-Olkin

4 Bartlett's Test

5 Measure of Sampling Adequacy (KMO)

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

است، لذا داده ها کفایت و شرایط لازم را دارا بودند. بنابر این می توان نتایج حاصل از آزمون کرویت بار تلت با $DF=1596$ ، مقدار $9417/410$ را نشان داد که معنا دار است و با توجه به این داده ها، مجاز به انجام تحلیل عاملی تاییدی خواهیم بود که این به منزله تایید روایی سازه ای پرسش نامه تحقیق می باشد. لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای اندازه گیری ۵ درصد، داده ها همبسته بوده و کفایت و همبستگی لازم جهت اجرای تحلیل عاملی اکتشافی را دارا بودند. بنابراین می توان چنین استنباط کرد که در سطح خطای ۵ درصد و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، فرض صفر تایید نشده و بنابراین فرض یک یعنی کفایت مدل پذیرفته می شود. نتایج آزمون KMO و Bartlett در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: نتایج آزمون کومو (KMO) و بارتلت (Bartlett)

آزمون	مقدار	نتیجه آزمون
KMO	۰/۸۴۶	تایید
کای اسکوتر	۹۴۱۷/۴۱۰	تایید
درجه آزادی	۱۵۹۶	تایید
سطح معناداری	۰/۰۰۱	تایید

با توجه به داده های جدول ۲ مقدار KMO برابر با ۰/۸۴۶ و سطح معناداری آزمون بارتلت نیز برابر با ۰/۰۰۱ (کوچکتر از ۰/۰۵) است که نشان می دهد داده ها برای اجرای تحلیل عاملی در سطح بسیار مناسبی می باشند. در ادامه با انجام تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲، مولفه ها در قالب شش بُعد «فناوری، پداگوژیکی، مدیریتی و راهبردی، منابع انسانی و پشتیبانی، فرهنگی- اجتماعی و بین المللی» برای مدل پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین شناسایی و دسته بندی شدند. بارهای عاملی سوال- های پرسش نامه محقق ساخته، حاصل از اجرای تحلیل عاملی اکتشافی در جدول ۳ و همچنین ابعاد و مولفه های شناسایی شده برای مدل پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین در شکل ۳ آمده است:

جدول ۳: نتایج اجرای تحلیل عاملی اکتشافی بر روی پرسشنامه محقق ساخته

بار عاملی	استاندارد شده	بار عاملی	استاندارد شده	بار عاملی	استاندارد شده
۰/۵۲	وجود تیم های موثر در برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی دوره های آموزشی مجازی	۰/۶۱	وجود سیاست ها و رهنمودهای روشن در زمینه تخلقات کاربران در سامانه آموزش مجازی	۰/۶۱	وجود سیاست ها و رهنمودهای روشن در زمینه تخلقات کاربران در سامانه آموزش مجازی
۰/۴۹	یگانه شدن زبان دانشمندان	۰/۶۲	تدوین آیین نامه اخلاقی و اطلاع رسانی شفاف به کارکنان سازمان	۰/۶۲	تدوین آیین نامه اخلاقی و اطلاع رسانی شفاف به کارکنان سازمان
۰/۶۵	روابط متقابل و بدون تبعیض با فراگیران و همکاران	۰/۵۷	تدوین آیین نامه های کلاس های مجازی	۰/۵۷	تدوین آیین نامه های کلاس های مجازی
۰/۵۱	نظارت و ارزیابی نظام یادگیری الکترونیک	۰/۶۲	نظارت بر تعاملات سیستمی کاربران	۰/۶۲	نظارت بر تعاملات سیستمی کاربران
۰/۵۰	یگانه سازی تجارت رسانه ها ارتباطات علمی دانشگاهی و آموزش در جهان	۰/۸۲	تغییر از تمرکز بر یادگیری به جای تمرکز بر یاددهی	۰/۸۲	تغییر از تمرکز بر یادگیری به جای تمرکز بر یاددهی
۰/۷۶	وجود سیستم های زیربنایی مخابراتی	۰/۷۴	پاسخگویی به سوالات کاربران به صورت آنلاین	۰/۷۴	پاسخگویی به سوالات کاربران به صورت آنلاین
۰/۸۶	تهیه نرم افزارهای امنیتی در سیستم آموزش مجازی مانند ویروس کش ها	۰/۳۶	ارائه راهنما در بخش های مختلف سامانه برای استفاده بهتر	۰/۳۶	ارائه راهنما در بخش های مختلف سامانه برای استفاده بهتر
۰/۴۰	ایجاد سایت اینترنتی در سازمان	۰/۵۴	تغییر الگوی یاددهی و یادگیری حرکت از استادمحوری به دانشجومحوری	۰/۵۴	تغییر الگوی یاددهی و یادگیری حرکت از استادمحوری به دانشجومحوری
۰/۸۶	تهیه نرم افزارهای ارائه دروس به صورت الکترونیکی و مجازی	۰/۷۸	تسریع در مبادله فناوری	۰/۷۸	تسریع در مبادله فناوری
۰/۶۷	داشتن رایانه به تعداد مناسب	۰/۵۹	ادغام بیشتر بازارهای جهانی و حرکت شفاف سرمایه	۰/۵۹	ادغام بیشتر بازارهای جهانی و حرکت شفاف سرمایه
۰/۵۲	داشتن خطوط پرسرعت اینترنت	۰/۵۵	بهره گیری از کارکنان خلاق در تصمیم گیری ها	۰/۵۵	بهره گیری از کارکنان خلاق در تصمیم گیری ها
۰/۶۱	ایجاد شبکه کامپیوتری در سازمان	۰/۶۵	ارائه راهنمایی به فراگیران برای داشتن تعامل موثر به صورت آنلاین	۰/۶۵	ارائه راهنمایی به فراگیران برای داشتن تعامل موثر به صورت آنلاین
۰/۸۱	تهیه نرم افزارهای سیستم آموزش مجازی در سازمان	۰/۶۵	نگرش مثبت مدیران و کارکنان نسبت به استقرار آموزش مجازی	۰/۶۵	نگرش مثبت مدیران و کارکنان نسبت به استقرار آموزش مجازی
۰/۶۰	توجه به آموزش و توسعه منابع انسانی در سطح بین المللی	۰/۳۳		۰/۳۳	

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

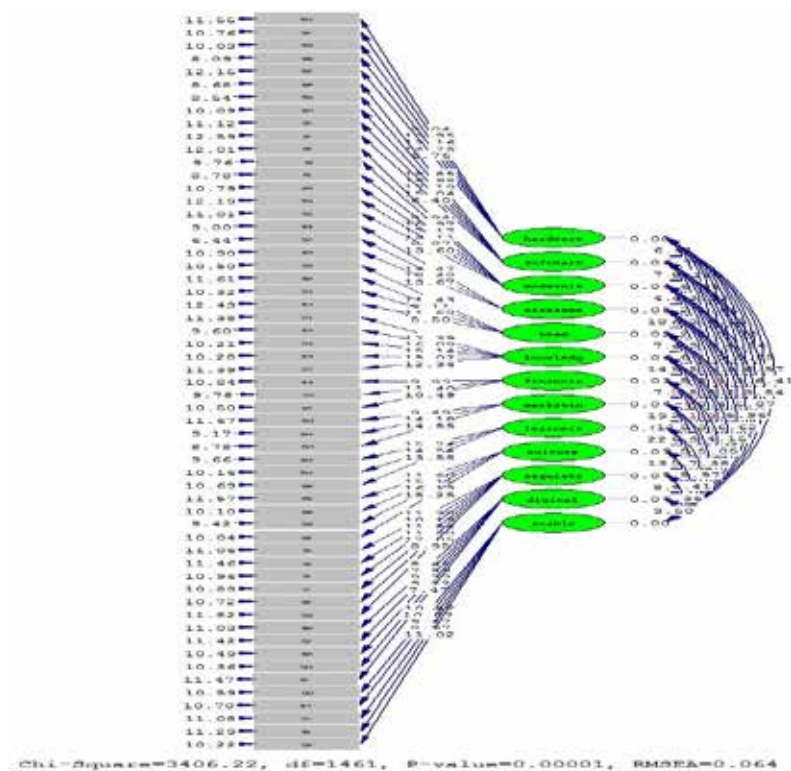
ارتقای فرهنگ سازمانی مدیران و کارکنان از طریق برگزاری دوره های آموزشی ضمن خدمت در زمینه فرهنگ سازمانی	۰/۷۴	تعیین راهبردهای مربوط به نحوه استقرار آموزش مجازی	۰/۷۵
استفاده از کارکنان فنی و ماهر به عنوان کاربران و بازیگران اصلی نظام آموزش مجازی	۰/۵۳	تأکید بر یادگیری سازمانی به جای یادگیری فردی	۰/۷۹
پشتیبانی فنی، آموزشی و سازمانی از کارکنان و دسترسی آنان به منابع و خدمات دیجیتال	۰/۷۴	تهیه برنامه راهبردی و عملیاتی در زمینه استقرار آموزش مجازی در سازمان	۰/۶۵
گسترش نظام اداری الکترونیکی و بدون کاغذ	۰/۷۶	گسترش راه های سهمی شدن و انباشته شدن دانش در سازمان	۰/۷۵
ایجاد بستر فرهنگ استفاده از اینترنت و فناوری اطلاعات در سازمان	۰/۷۶	دارا بودن منابع و امکانات مالی مورد نیاز جهت سرمایه گذاری- های پایه ای	۰/۵۸
پیاده سازی موفقیت آمیز فرصت های دیجیتالی در سطح بین المللی	۰/۵۷	تجارت الکترونیکی و درآمدزایی در فضای مجازی	۰/۶۵
توسعه زیرساخت و توسعه محتوای زبان ملی در اینترنت	۰/۵۶	ظهور جامعه شبکه ای با محوریت رسانه اطلاعات	۰/۴۶
تدوین و اجرای قوانین مرتبط و حمایت دولت از توسعه	۰/۵۳	بازاریابی و گسترش بازارهای آموزشی	۰/۶۰
استفاده از مشاوران بین المللی جهت دستیابی به توسعه پایدار	۰/۶۳	تغییر از آموزش کنترل شده کلاسی به سیستم یادگیری خودسرعتی فارغ از محدودیت های زمانی و مکانی	۰/۷۰
آشناسازی و ایجاد بینش مثبت در مدیران و کارکنان نسبت به آموزش مجازی	۰/۶۲	کاربرد روش های نوین آموزش و ارزشیابی	۰/۴۹
رواج فرهنگ پداگوژیکی جدید (استقلال و خودگردانی فراگیر) به عنوان فرهنگ سازمانی غالب در محیط های یاددهی و یادگیری	۰/۷۰	ارزشیابی اثربخشی دوره های آموزشی برنامه با استفاده از مدل- های مختلف	۰/۸۰
ترویج اصول اخلاقی و رعایت اخلاق در فضای مجازی	۰/۷۶	آشنایی کارکنان با مهارت های پایه ای کار با کامپیوتر	۰/۷۱

۰/۸۷	اعلام به موقع نتایج ارزشیابی به فراگیران
۰/۷۹	شناخت آداب و رسوم شبکه‌ای در فضای مجازی و اینترنت
۰/۷۰	وجود ملاک‌های نمره‌گذاری شفاف برای فراگیران
۰/۷۶	تربیت شهروند جهانی با حفظ ارزش‌های ملی و بومی
۰/۶۴	اتخاذ راهبرد دو جانبه رقابت، همکاری و مشارکت در زمینه استقرار آموزش مجازی



شکل ۳: ابعاد و مولفه‌های مدل پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین

در ادامه جهت آزمون میزان انطباق و هم‌نویایی بین سازه نظری و سازه تجربی پژوهش، از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد. هدف از انجام تحلیل عاملی تاییدی، بررسی میزان انطباق عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند با آنچه براساس مدل نظری مورد انتظار بود، است. در این پژوهش، برای انجام تحلیل عاملی تاییدی، داده‌های کمی جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه محقق-ساخته، با استفاده از نرم‌افزار لیزرل مورد تحلیل قرار گرفت و همه بارهای عاملی مربوط به سازه‌های مدل



نمودار ۲: مدل تحلیل عاملی تاییدی حالت برآورد استاندارد

در حالت تخمین استاندارد، بارهای عاملی نشان داده می شود هر چه بار عاملی بزرگتر و به عدد یک نزدیکتر باشد، به معنای این است که متغیر مشاهده شده (سوال) بهتر می تواند متغیر پنهان را تبیین کند. بار عاملی بین ۰/۳ و ۰/۶ قابل قبول و اگر بیشتر از ۰/۶ باشد، خیلی مطلوب است. براساس نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی مدل نهایی در حالت استاندارد متغیرهای مشاهده شده در حد مطلوب متغیرهای پنهان را تبیین می کنند. همان طور که در نمودارهای ۱ و ۲ نشان داده شده است، مدل پژوهش دارای ۱۳ مولفه و ۵۷ شاخص است که بار عاملی تمام ابعاد و مولفه ها و شاخص های آنها بیشتر از ۰/۳ و در حد قابل قبولی قرار دارد. مقادیر آماره t به دست آمده نیز در تمام مسیرها بزرگتر از ۱/۹۶ است. بنابراین می توان گفت ارتباط معناداری بین هر بعد و مولفه با شاخص های مرتبط به آن وجود دارد. پس از بررسی و تایید الگوی اندازه گیری، برای آزمون فرضیه ها از مدل سازی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد. یکی از اهداف اصلی در استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری، شناخت میزان همخوانی بین داده های تجربی با مدل مفهومی و نظری است. برای شناخت میزان همخوانی داده های تجربی و مدل مفهومی از

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

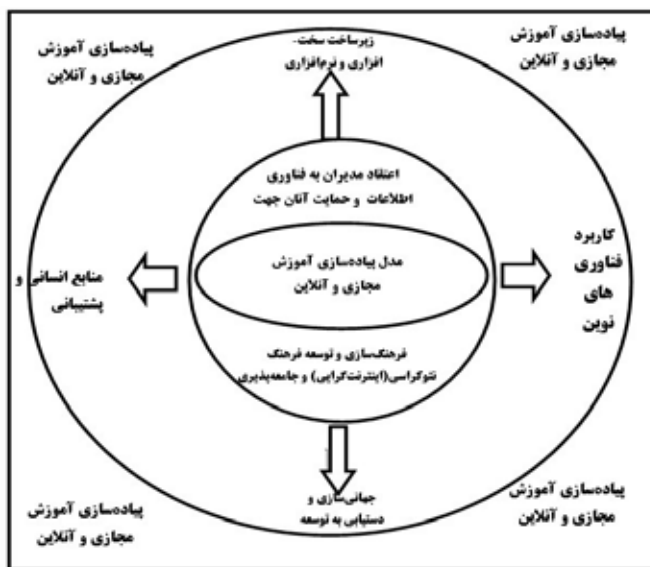
شاخص ها و معیارهایی استفاده می شود که به آن ها شاخص های نیکویی برازش می گویند. در جدول ۴ شاخص های کلی برازش مدل نهایی پژوهش حاضر ارائه شده است:

جدول ۴: شاخص های برازش مدل

نام شاخص	مقدار شاخص محاسبه شده	سطح قابل قبول	نتیجه برازش
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۶۴	< ۰/۰۸	عالی
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (X^2 / df) (3406.22 / 1461)	۲/۳۳۱	< ۵	عالی
نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۳	> ۰/۹۰	عالی
نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۱	> ۰/۸۰	عالی
برازش هنجار یافته (NFI)	۰/۹۴	> ۰/۹۰	عالی
برازش هنجار نیافته (NNFI)	۰/۹۰	> ۰/۹۰	عالی
برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۰	> ۰/۹۰	عالی
برازش افزایش (IFI)	۰/۹۰	> ۰/۹۰	عالی
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)	۰/۰۴۷	< ۰/۰۵	عالی

همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، مقدار مجذور کای با درجه آزادی $df=1461$ برای این مدل $X^2=3406/22$ و سطح معنی داری آن ۰/۰۰۰ برآورد شده که در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی مربوطه برابر با ۲/۷۳۷ به دست آمده است که این مقدار منطبق با سطح قابل قبول که کمتر از ۵ می باشد، است و نشان دهنده برازش قابل قبولی برای مدل است. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برای مدل های خوب ۰/۰۵ است. در صورتی که بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد، برازش قابل قبول، اگر بین ۰/۰۸ تا ۰/۱ باشد، برازش متوسط است و مدلی که در آن این شاخص از ۰/۱ بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. این شاخص در مدل ارائه شده برابر با ۰/۰۶۴ محاسبه شده است که نشان می دهد مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR) برای این مدل ۰/۰۴۷ محاسبه شده است که مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ نشان از تبیین نسبتاً مناسب کوواریانس ها دارد. سایر شاخص ها همچون نیکویی برازش (GFI)، برازش هنجار یافته (NFI)، برازش هنجار نیافته (NNFI) برازش تطبیقی (CFI) و برازش افزایش (IFI) نیز باید بیشتر از ۰/۹۰ و در مورد شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) بیشتر از ۰/۸۰ باشند که در مدل تحقیق این شروط نیز رعایت شده است و میزان آنها به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۹۴، ۰/۹۰، ۰/۹۰، ۰/۹۰، ۰/۸۱ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مقادیر به دست آمده در شاخص های برازش مدل در کل ابعاد و مولفه ها و شاخص ها (تعداد ۶ بعد و ۱۳ مولفه و ۵۷ شاخص) مطابق با استانداردهای قابل قبول است و می توان با اطمینان اظهار نمود که

مدل تحقیق از برآزش مناسبی برخوردار است و داده‌های تجربی در اصطلاح به خوبی با آن منطبق می‌باشند. بر این اساس، می‌توان مدل پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین در اداره ورزش و جوانان فارس را به صورت شکل ۴ نمایش داد:



شکل ۴: مدل پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین

بحث و نتیجه‌گیری

در بخش کیفی پژوهش بر اساس اطلاعات استخراج شده از طریق ادبیات پژوهش و مصاحبه با متخصصان و استادان مدیریت آموزشی با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی) ۶ بعد، ۱۳ مولفه و ۵۷ شاخص جهت پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین در اداره‌های ورزش و جوانان استان فارس شناسایی شد. همچنین در بخش کمی پژوهش نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که مدل پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین دارای شش بعد و سیزده مولفه فناوری (زیرساخت سخت‌افزاری، زیرساخت نرم-افزاری)، پداگوژیکی (نوین‌گرایی در آموزش و افزایش سواد رایانه‌ای و ارزشیابی)، مدیریتی و راهبردی (نگرش مثبت و توسعه مدیریت تیمی و مشارکتی، استقرار مدیریت دانش، یادگیری سازمانی و مدیریت راهبردی)، منابع انسانی و پشتیبانی (ارتقای فرهنگ سازمانی و اشاعه فرهنگ تنویر (اینترنت گرای) در سازمان، شناخت آداب و رسوم شبکه‌ای و رعایت اخلاق در فضای مجازی، رعایت قوانین و مقررات استفاده از فضای مجازی)، فرهنگی و اجتماعی (سرمایه‌گذاری و تامین بودجه و بازاریابی، جذب نیروی انسانی ماهر

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

و پشتیبانی فنی، سازمانی، آموزشی و...)، بین‌المللی (جهانی شدن و توسعه فناوری اطلاعات در سطح بین-المللی، دستیابی به توسعه پایدار) است. نتایج به‌دست آمده از انجام مصاحبه‌ها در بخش کیفی نشان داد که انجام اصلاحات در نظام آموزش کارکنان، امری ضروری است. در بخش کمی پژوهش هم که با هدف تایید و تبیین یافته‌های بخش کیفی انجام پذیرفت، این مطلب تایید گردید. از دلایل نیاز به انجام اصلاحات می‌توان به عدم نگاه جامع و سیستمی به مقوله آموزش مجازی و آنلاین، عدم وجود دیدگاه تعاملی در مورد آموزش مجازی و آنلاین با سایر برنامه‌های نظام آموزشی، عدم وجود مراکز تخصصی آموزش مجازی و آنلاین، نبود تشکیلات منسجم، مشکلات تامین نیروی انسانی ماهر، ناکافی بودن امکانات و ابزار استاندارد برای تحقق اهداف نظام آموزش کارکنان، کمبود پژوهش‌های مرتبط با امر آموزش مجازی و آنلاین، مشکلات موجود در ساختار آموزشی، توزیع نامناسب رشته‌ها و پست‌های سازمانی جهت بهره‌مندی از آموزش، عدم تخصیص و تامین منابع انسانی و مالی مورد نیاز برای پیاده‌سازی و گذر از آموزش سنتی به آموزش مجازی و آنلاین تحصیلی اشاره کرد. مهم‌ترین عامل دستیابی به آموزش مجازی و آنلاین، شناخت کارکنان در تمام ابعاد وجودی آن هاست. دستیابی به توانمندی و ارتقای شغلی کارکنان، نیازمند شناخت و آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی، استعدادها، توانمندی‌ها، محدودیت‌ها و علائق کارکنان است. نتایج تحلیل بخش کیفی و سپس نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد شناخت کارکنان در تمام ابعاد وجودیشان به خصوص شناسایی نیازهای شغلی آنان قدم اول در دستیابی به کارآمدی نظام آموزش کارکنان می‌باشد. در عصر حاضر، با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در بخش‌های مختلف علم، صنعت و فناوری‌های نوین و همچنین تغییرات صورت گرفته در زمینه تامین نیروی کار، صنایع و بازار کار در جستجوی نیروی کار دانش‌مدار با مهارت‌های چندگانه و ارزان‌قیمت هستند. لذا آشنایی و شناخت فرصت‌های شغلی و درک سیستم‌های بازار کار و توجه به نیازهای آینده بازار کار از اولویت‌های نظام آموزش کارکنان است. دلیل این امر، هدف نهایی از آموزش مجازی و آنلاین می‌باشد که به دنبال هموارسازی مسیر توانمندسازی نیروی انسانی کاراست. در بخش کیفی پژوهش بر فرهنگ‌سازی، جامعه‌پذیری، رعایت اخلاق در فضای مجازی، جهانی شدن و دستیابی به توسعه پایدار تاکید شد. بر اساس یافته‌ها، اولین و دومین مولفه که در بعد فناوری قرار گرفته‌اند، با عنوان «مولفه زیرساخت سخت‌افزاری» با ۵ شاخص و «مولفه زیرساخت نرم‌افزاری» با ۵ شاخص شناسایی شدند که مقدار R^2 به‌دست آمده هر کدام به ترتیب ۵/۸ و ۷/۵ درصد است. نتیجه به‌دست آمده با دیدگاه‌های نظری مطرح شده توسط ابراهیمی (۱۳۹۵)، سیادت (۱۳۹۸)، شارما (۱۹۹۱)، شو و همکاران (۲۰۰۷)، چاپ نیک (۲۰۰۰)، خان و ارلی (۲۰۰۱)، آباس و کائور (۲۰۰۴)، فردوسی و لوی (۲۰۱۰)، اونیات و لوبگا (۲۰۱۱)، کر و نینرسون (۲۰۰۶) همسویی دارد. در تبیین یافته‌های به‌دست آمده باید اذعان داشت که برای تحقق استقرار آموزش مجازی لازم است سازمان آمادگی لازم را جهت استقرار از نظر فناوری در بخش سخت‌افزاری و

نرم‌افزاری داشته باشد و این بخش‌ها به لحاظ زیرساخت فنی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. بعد پداگوژیکی بعد دیگری است که در بخش کیفی شناسایی شد. در این بعد به عواملی چون تغییر الگوی یاددهی و یادگیری، تغییر از آموزش کنترل‌شده کلاسی به سیستم یادگیری خودسرعتی فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی، سبک‌های آموزشی جدید (همزمان و غیرهمزمان)، اکولوژی جدید پداگوژیکی، حرکت از استادمحوری به دانشجومحوری، تغییر از تمرکز بر یادگیری به‌جای تمرکز بر یاددهی، روش‌های نوین آموزش و افزایش سواد رایانه‌ای و ارزشیابی تاکید شده است. بر اساس یافته‌ها مولفه‌های سوم و چهارم که در بعد پداگوژیکی قرار گرفته اند، با عنوان «نوین‌گرایی در آموزش و افزایش سواد رایانه‌ای» با ۶ شاخص و «ارزشیابی» با ۳ شاخص شناسایی شدند که مقدار R^2 به دست آمده هر کدام به ترتیب ۶/۸ و ۷/۶ درصد است. نتیجه به‌دست آمده با مطالعات شاهوران (۱۳۹۵)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)، هاشمی (۱۳۹۵)، شارما (۱۹۹۱)، دیسل و همکاران (۲۰۱۰)، شررز، اهلر و ساموئر (۲۰۱۲)، چاپ نیک (۲۰۰۰)، خان و ارلی (۲۰۰۱)، آباس و کائور (۲۰۰۴)، ، اونیات و لوبگا (۲۰۱۱)، کر و نینرسون (۲۰۰۶) و هونگ (۲۰۱۰) همسویی دارد. بعد مدیریتی و راهبردی بعد دیگری است که در بخش کیفی شناسایی شد. مدیریت راهبردی یکی از ارکان مهم و بسیار تاثیرگذار بر سازمان و اهداف آن است و بی شک هیچ نظام اداری بدون مدیریت و رهبری موثر، پاسخگوی مسئولیت‌های روز افزون خود نخواهد بود. در این مرحله باید نیروی انسانی با قابلیت مدیریتی مبتنی بر فناوری اطلاعات تربیت شود. در ضمن باید سیستم‌های اشتراک دانش و نیز فرهنگ آن در میان مردم نهادینه شود، زیرا بستر اجرای هر فنلوری، مولفه مدیریت و رهبری آن است و در صورت بی توجهی به این مرحله، فناوری اثربخش نخواهد بود. افزایش مطالعات مدیریتی کارکنان و مدیران در این زمینه جهت تعیین راهبردهای آموزشی و تهیه برنامه راهبردی و برنامه عملیاتی جهت استقرار آموزش مجازی بسیار ضروری است. بر اساس یافته‌ها مولفه‌های پنجم و ششم در بعد مدیریتی و راهبردی، باعنوان‌های «نگرش مثبت و توسعه مدیریت تیمی و مشارکتی» با ۵ شاخص و «استقرار مدیریت دانش و مدیریت راهبردی» با ۴ شاخص شناسایی شدند که مقدار R^2 به‌دست آمده هر کدام به ترتیب ۴/۲ و ۶/۲ درصد است. نتیجه به‌دست آمده با مطالعات هاشمی (۱۳۹۵)، محمودی و پوردخانی (۱۳۹۶)، شریف مقدم و ملکیان فرد (۱۳۹۱)، مارتینز (۱۹۹۷)، چاپ نیک (۲۰۰۰)، خان و ارلی (۲۰۰۱)، آباس و کائور (۲۰۰۴)، فردوسی و لوی (۲۰۱۰) و کر و نینرسون (۲۰۰۶) همسویی دارد. بعد فرهنگی - اجتماعی، بعد دیگری است که در بخش کیفی شناسایی شد. در این بعد به عواملی چون: ضوابط و مقررات در زمینه تدوین آیین‌نامه‌های آموزشی، آیین‌نامه‌های اخلاقی، تبیین سیاست‌ها و راهبردها و نظارت بر تعاملات سیستمی کاربران، فرهنگ‌سازی و شناخت آداب و رسوم شبکه‌ای روابط متقابل و بدون تبعیض با فراگیران و همکاران، نظارت و ارزیابی نظام یادگیری الکترونیک در زمینه حقوقی مواردی شامل سیاست قوانین حاکم برفضای دیجیتال، ICT ملی درهمه

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

بخش های فناوری اطلاعات و سیاست کاربرد و آموزش کلیدی اقتصاد تاکید شده است. بر اساس یافته ها مولفه های هفتم و هشتم و نهم که در بعد فرهنگی، اخلاقی و حقوقی و اجتماعی قرار گرفته اند با عنوان «ارتقای فرهنگ سازمانی و اشاعه فرهنگ نتوکرایی (اینترنت گرایی)» با ۳ شاخص و «شناخت آداب و رسوم شبکه ای و رعایت اخلاق در فضای مجازی» با ۴ شاخص و «تدوین و رعایت قوانین و مقررات» با ۶ شاخص شناسایی شدند که مقدار R^2 به دست آمده هر کدام به ترتیب ۵/۸ و ۶/۲ و ۴/۲ درصد است. نتیجه به دست آمده با مطالعات صابری و همکاران (۱۳۹۶)، چاپ نیک (۲۰۰۰)، خان و ارلی (۲۰۰۱)، آباس و کائور (۲۰۰۴)، اونیات و لوبگا (۲۰۱۱) و شررز، اهلر و ساموئر (۲۰۱۲) همسویی دارد. تحقق نوآوری، نیازمند حاکمیت فرهنگ مساعد تغییر در سازمان است و مدیر مهمترین نقش را در ایجاد چنین فرهنگی ایفا می کند. از این رو، نظام آموزش کارکنان دولت باید با حساسیت بیشتری با موضوع فراهم ساختن زمینه ذهنی مساعد برای مدیران و تبدیل کردن آنان به نیروهای مؤثر و یاری دهنده جریان تغییر برخورد نماید. اخلاق آموزش مجازی از حوزه های اخلاق حرفه ای است. هدف اخلاق در فناوری اطلاعات و در نتیجه در آموزش مجازی و انواع آن، ایجاد ابزارهایی است که بتوانند با در نظر گرفتن جنبه های اخلاقی مهم در کاربرد و توسعه این سیستم ها به کار گرفته شوند. بعد منابع انسانی و پشتیبانی، بعد دیگری است که در بخش کیفی شناسایی شد. یکی از منابع راهبردی و کلیدی نظام آموزش مجازی، نیروهای انسانی است که باید از دانش، مهارت و نگرش خاصی برخوردار باشند. مولفه بعدی، سرمایه گذاری و تامین بودجه و بازاریابی است که به بودجه و سرمایه گذاری سازمان برای آموزش الکترونیکی بر می گردد. در این بعد به مواردی از قبیل میزان رشد درآمد خالص ملی، سرمایه گذاری خارجی، درآمد سرانه افراد و میزان به کارگیری فاوا در فرایندهای اقتصادی سازمان، اقتصاد شبکه ای و تعامل با شرکای زنجیره ارزش سازمان، شاخص هایی نظیر خرید، فروش، پرداخت و خدمات الکترونیکی، استفاده از مدیریت زنجیره تأمین، مدیریت ارتباط با مشتری و... تاکید می شود بر اساس یافته ها، مولفه های دهم و یازدهم که در بعد توسعه منابع و پشتیبانی قرار گرفته اند، با عنوان «سرمایه گذاری و تامین بودجه و بازاریابی» با ۳ شاخص و «جذب نیروی انسانی ماهر و پشتیبانی فنی، آموزشی و سازمانی» با ۳ شاخص شناسایی شدند که مقدار R^2 به دست آمده هر کدام به ترتیب ۴/۲ و ۵/۵ درصد است. این نتیجه با یافته های مطالعات شارما (۱۹۹۱)، مارتین (۱۹۹۷)، شریف مقدم و ملکیان فرد (۱۳۹۵)، سیادت (۱۳۹۸)، چاپ نیک (۲۰۰۰)، خان و ارلی (۲۰۰۱)، آباس و کائور (۲۰۰۴) و شررز، اهلر و ساموئر (۲۰۱۲) همسویی دارد. با توجه به این که جهت استقرار آموزش مجازی، اینترنت نقش اساسی دارد، یکی از مهارت های کلیدی که کارکنان باید داشته باشند، مهارت کار با اینترنت است. به نظر می رسد برگزاری سمینار، کارگاه، دوره های آموزشی، تهیه بروشور و کتابچه آموزشی و اطلاع رسانی برای ایجاد دانش لازم در کارکنان و توسعه منابع انسانی اداره کل ورزش و جوانان فارس به ویژه در کارشناسان و برنامه ریزان آموزش

ضمن خدمت نقشی سازنده داشته باشند. بعد بین‌المللی، بعد دیگری است که در بخش کیفی شناسایی شد. بر اساس یافته‌ها، مولفه‌های دوازدهم و سیزدهم که در بعد بین‌المللی قرار گرفته‌اند، با عنوان «جهانی شدن و توسعه فناوری اطلاعات در سطح بین‌المللی» با ۵ شاخص و «دستیابی به توسعه پایدار» با ۵ شاخص شناسایی شدند که مقدار R2 به دست آمده هر کدام به ترتیب ۳/۲ و ۳/۹ درصد است. این نتیجه با یافته‌های مطالعه سلاجقه و همکاران (۱۳۹۶) همسویی دارد. به طور کلی، هزاره سوم نویددهنده عصر تازه‌ای است که بر خلاف قرن بیستم که به طور کلی به «قرن اتم» معروف بود، انفجار اطلاعات و دوران واقعیت‌های نامنظم است و به اعتباری می‌توان این عصر را به طور استعاره‌ای در مفهوم «انقلاب انفورماتیک یا اطلاعات» خلاصه کرد که در کلیه سطوح و حوزه‌ها نفوذ کرده و رویکرد انسان را به هستی، فرهنگ و جامعه دستخوش دگرگونی‌های عمیق نموده است. قرن بیست و یکم، منش و ماهیت رایانه‌ای دارد و در حقیقت، واقعیت قرن بیستم به واقعیت مجازی در قرن بیست و یک تبدیل شده و حادثه مجازی‌سازی یکی از مهمترین رویدادهایی است که در قرن بیست و یکم رخ خواهد داد. یکی از ابعاد مهم جهانی شدن، بعد علمی و ارتباطاتی آن است. زمانی که واژه «جهانی شدن» مطرح می‌شود، برای بسیاری از افراد مسئله فناوری و انقلاب ارتباطات را تداعی می‌کند. به عبارت دیگر، برای بسیاری جهانی‌شدن بیانگر تحولات و پیشرفت‌هایی است که در عرصه فناوری ارتباطات به وقوع پیوسته است. مسائلی از قبیل پیشرفت در تولید انواع رایانه و نرم افزارها، عمومیت یافتن و ارزان شدن آن‌ها و توسعه ارتباطات جمعی به مرحله‌ای رسیده است که می‌توان نتیجه گرفت که در فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته‌ایم. به علاوه، انقلاب و توسعه ارتباطات موجب شده است که ارتباط میان مردم و جوامع مختلف به سادگی امکان‌پذیر گردد.

با توجه به مباحث ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که استقرار آموزش مجازی در ابعاد فناوری، پداگوژیکی، مدیریتی و راهبردی، منابع انسانی و پشتیبانی، فرهنگی- اجتماعی و بین‌المللی امکان‌پذیر می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد برای دستیابی به نظام آموزشی کارآمد، انجام پژوهش‌های مستمر و همکاری‌های مطالعاتی با مراکز علمی به طور ویژه باید مد نظر قرار گیرد. در این راستا مطالعه رویکردهای نوین در زمینه آموزش مجازی و آنلاین، مطالعه مدل پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین پیشرو، مطالعه مدل استعدادیابی در نظام- های آموزشی موفق، همکاری‌های مطالعاتی با مراکز علمی و دانشگاهی و ارائه یافته‌های مطالعات به دست- اندرکاران نظام آموزش کارکنان باید در صدر اولویت‌های نظام آموزش کارکنان دولت در کشور قرار گیرد. براساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کیفی و کمی پژوهش، راهبردهایی برای دستیابی به مدل کارآمد پیاده‌سازی آموزش مجازی و آنلاین تعیین گردید که از آن میان می‌توان به بهره‌مندی از ظرفیت تجربی بازنشستگان، برون‌سپاری برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی، ایجاد بستر مناسب جهت استفاده رایگان همه کارکنان در همه مناطق کشور، تامین مالی استادان دوره‌های آموزشی، استانداردسازی نسبت استاد به تعداد

بررسی مولفه ها و شاخص های موثر در پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین به منظور تدوین ...

کارکنان در دوره های آموزشی کارکنان، فراهم سازی امکان حضور ناظران آموزشی در زمان برگزاری تمامی دوره های آموزشی اشاره کرد.

پیشنهادهای

با توجه به تحلیل های بخش کمی و کیفی جهت پیاده سازی آموزش مجازی و آنلاین در اداره های ورزش و جوانان فارس پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

- ساماندهی تشکیلات حوزه فناوری آموزشی و سیستم های آموزش مجازی به گونه ای که متضمن تعامل مستمر مدیر ارشد سازمان و مدیران عملیاتی سازمان باشد و ساز و کارهای مناسب برای تسهیل ارتباط این مدیریت با واحدهای اجرایی سازمان فراهم شود.
- بخش های آموزشی شناخت لازم را از رویکردهای جدید آموزشی نظیر یادگیری مشارکتی، یادگیری خودمدار، مشارکت تعاملی و رویکرد حل مسئله به دست آورند و آنها را به فراگیران و استادان انتقال دهند و مهارت های مربوط به کار گروهی و تعامل با دیگران را تقویت نمایند.
- پیش بینی تمهیدات قانونی و ساختاری مناسب برای کاربری صحیح، آزمون و بازبینی امنیتی سیستم های آموزشی.
- حمایت از زیرساخت ها از جمله مرکز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و تحول اداری در سازمان.
- کاهش موانع ساختاری سیستم آموزش الکترونیک و اقدام برای توانمندسازی سازمان برای پذیرش تغییرات ساختاری ناشی از اجرای طرح با تأکید بر تسهیل ارتباطات میان بخشی، بازمهندسی فرآیندها، افزایش رسمیت و کاهش تمرکز.
- اطلاع رسانی و افزایش آگاهی کارکنان سازمان در سطح استان و ذینفعان (از طریق سیستم اتوماسیون اداری اداره کل) در مورد پیاده سازی و اجرای آموزش های مجازی و آنلاین در سازمان.
- کارشناسان برنامه ریزی آموزشی، تغییرات لازم در اهداف، محتوا و روش های تدریس، ارزیابی و نحوه اعطای مدرک برنامه های سنتی را مورد تجدید نظر قرار دهند و آنها را با آموزش الکترونیکی متناسب سازند.
- اصلاح شیوه های مدیریت مالی و مدیریت انسانی از جمله بودجه بندی اختصاصی در حوزه فناوری آموزشی، استفاده از روش های اقتصاد مهندسی و تحلیل هزینه و منفعت در تعریف و ارزیابی پروژه ها و توانمندسازی و تشویق کاربران برای تعامل با سیستم های جدید از طرق مختلف.
- ایجاد یک واحد تحقیق و توسعه به عنوان کلیدی ترین واحد، بودجه لازم را در اختیار اداره کل ورزش و جوانان فارس قرار دهد و این اداره کل همواره اطلاعات به روز را در زمینه آموزش مجازی به دست آورد، تحلیل نماید و در به کارگیری درست آن اقدام کند.

- منابع

- ابراهیمی، سعید؛ مهدی پور، یوسف؛ علی پور، جهان و بستانی، مرضیه. (۱۳۹۵). «بررسی امکان به کارگیری آموزش از راه دور برای پرستاران در بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان». مجله انفورماتیک سلامت و زیست پزشکی مرکز تحقیقات انفورماتیک پزشکی. دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۰-۱۷.
- باقری مجد، روح اله و صدقی بوکانی، ناصر. (۱۳۹۶). «طراحی الگوی آمادگی آموزش الکترونیکی در نظام آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد». فصلنامه علمی پژوهشی فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی. سال ۷، شماره ۴، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- پارچه بافی، سمانه؛ صفوی، محبوبه؛ مشعوف، سهیلا؛ میرسعیدی، گلنوش؛ عبدالله زرگر، شادی و بخشنده، هومن. (۱۳۹۶). «مطالعه امکان‌سنجی برگزاری دوره‌های آموزشی مجازی در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد واحد علوم پزشکی تهران». مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. دوره ۲۷، شماره ۴، صص ۲۸۲-۲۸۹.
- ترجمان، لیلا و سیادت، سیدحسن. (۱۳۹۸). «امکان‌سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان». فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی.
- جزینی، علیرضا. (۱۳۹۷). «تاثیر دوره‌های آموزش مجازی دانشگاه‌ها و موسسات غیرانتفاعی بر توسعه دانش». فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی. سال ۵، شماره ۱۶، صص ۱۳۳-۱۵۰.
- جعفر پور، محمود. (۱۳۹۱). «مدلی برای پذیرش یادگیری الکترونیکی در دانشگاه‌های ایران». فصلنامه مطالعات مذبذریت فناوری اطلاعات، سال ۱، شماره ۱، صص ۹۱-۱۲۱.
- حسن زاده، علیرضا؛ مشبکی، اصغر و خداکرم زاده، فریده. (۱۳۸۹). «شناسایی و سنجش شاخص‌هایی جهت طراحی مدل آموزش الکترونیکی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- خیراندیش، مهدی. (۱۳۹۰). الگوی امکان‌سنجی اجرای آموزش‌های مجازی در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران. فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۹۰، صص ۱۴۲-۱۳۷.
- رحمانی، فاطمه؛ احمدی، حامد؛ قنبری، الهام و خراسانی کیاسری، سید محمود. (۱۳۹۸). «امکان‌سنجی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی با رویکرد تصمیم‌گیری چند معیاره فازی». نشریه علمی - پژوهشی فناوری آموزش، شماره ۳، صص ۴۲۵-۴۴۰.
- سلجقه، آریتا؛ فرح الهی، مهران؛ موسی پور، نعمت الله و سرمدی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «تبیین و اعتبارسنجی مولفه‌ها و شاخص‌های بین‌المللی سازی دانشکده‌های مجازی». دو ماهنامه علمی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی.
- سیدی، سید ناصر و حسین زاده، امید علی. (۱۳۹۵). «امکان‌سنجی استقرار نظام آموزش ضمن خدمت مجازی در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی». سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم.
- شاه ویرن، عارف؛ زاور، تقی؛ قاسم زاده، ابوالفضل و حضرتیان، فاطمه. (۱۳۹۵). «امکان‌سنجی اجرای نظام آموزش ترکیبی براساس الزامات ایزو ۱۰۰۱۵ در شبکه بهداشت و درمان شهرستان سراب». مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۶۳(۷).
- شریف مقدم، هادی و ملکیان فردانسیه. (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی ارائه آموزش مجازی در رشته‌های علوم انسانی دوره کارشناسی دانشگاه پیام نور مشهد». فصلنامه علوم و مدیریت اطلاعات، سال ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۷.
- صابری، علیا؛ کاظم پور، اسماعیل و پرکار، آرزو. (۱۳۹۷). «امکان‌سنجی به کارگیری نظام آموزش مجازی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان از دیدگاه اساتید، دانشجویان و کارشناسان ستادی فناوری اطلاعات». فصلنامه پژوهش در آموزش علوم پزشکی. (۱).
- محمودی، مهدی و پور خانی، مختار. (۱۳۹۳). «بررسی پیش نیازها و امکان‌سنجی اجرای نظام آموزش الکترونیکی در آموزش عالی». فصلنامه علمی - پژوهشی و مطالعات آموزشی و آموزشگاهی دانشگاه فرهنگیان. سال ۳، شماره ۹.
- نیستانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی آموزشی، راهبردهای بهبود کیفیت در سطح واحد (مدرسه، واحد دانشگاهی و آموزش مجازی). چاپ سوم، اصفهان: انتشارات یارمانا

- هاشمی بخشی، مریم؛ افروز، غلامعلی؛ ارجمند نیا، اکبر و مختاری، سمیه. (۱۳۹۵). «امکان سنجی برگزاری دوره های آموزش مجازی مهارت های زندگی برای دانش آموزان نابینا و با تاکید بر نیروی انسانی در بین تمام معلمان و مدیران دست اندرکار در زمینه آموزش دانش آموزان نابینای شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۰». فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی. سال ۷، شماره ۱۹.
- Abas Z.W., Kaur K. and Harun, H. (2004). **Elearning Readiness in Malaysia 2004**. A Join Study by the Ministry of Energy, Water and Communications (MEWC), Malaysia and Open University Malaysia (OUM).
- Chapnick, S. (2000). **"Are you ready for e-learning? Learning Circuits, ASTD's Online Magazine All about ELearning"**. Retrieved from <http://www.learningcircuits.org/2000/nov2000/Chapnick.htm>.
- Dascalu MI, Bodea CN, Tesila B, Moldoveanu A, de Pablos PO. (2017). **"How social and semantic technologies can sustain employability through knowledge development and positive"**. Behavioral changes. Computers in Human Behavior, 70, 507-517.
- Diessl, Stefanie. Verburg, Frederik A., Hoernlein, Alexander, Schumann, Martin, Iuster, Markus, Reiners, Christoph. (2010). **Evaluation of an internet-based e-learning module to introduce nuclear medicine to medical students a feasibility study**. Nuclear Medicine Communication, 31(12), p.1063-1067.
- Ferdousi, B. & Levy, Y. (2010). **"Development and validation of model to investigate the impact of individual factor on instructors intention to use e – learning systems"**. Interdisciplinary Journal of E- Learning and Learning Object 6. Retrived from <http://www.ljello.Org/Volume6/JeLLOv6p001-021Ferdousi680pdf>.
- Hung, M.L, Chou, C., Chen, C. H. & Own, Z.Y. (2010). **"Learner readiness for online learning, social development and student perceptions"**. Computers & Education, 55(3) m 1080-1090.
- Khan, B. H., & Early, D. (2001). **"A framework for web-based Authoring Systems"**. In B. H. Khan (Ed.) *Web based Training*. Englewood Cliffs, NJ: Educational Technology Publications. (pp. 355-364).
- Kerr, M.S. Rynearson, K. & Kerr, M.C. (2006). **"Student characteristics for online learning success"**. The Internet and Higher Education, 9 (2), 91-104.
- Kuruliswili, S. (2015). **E-Learning Reading of Organization and Employees Intljournal of Electronics and Tele-commuications**, Vol.61.NO. 3, PP.245-250.DOI: 10.1515/ELETEL-2015-0032.
- Maselena A, Sabani N, Huda M, Ahmad R, Jasmi KA, Basiron B. (2018). **Demystifying Learning Analytics in Personalised Learning**. International Journal of Engineering & Technology, 7 (3):1124-1129.
- Martines, Erland Jose. (1997). **"The Feasibility of the Use of Telecommunicated Courses in Latin American Universities"**, Doctorate Thesis, Missouri- Rolla University.
- Mutula, S. M. & Van Brakel, P. (2006). **"An evaluation of e-readiness assessment tools with respect to information access: Towards an integrated information rich tool"**. International Journal of Information Management, Vol. 26: pp. 212–223.
- Onyait, G.O. & T.Lubega, J.T. (2011). **E-learning Readiness Assessment Model: A Case Study of Higher Institutions of Learning in Uganda**. R.Kwan et al.(Eds): ICHL 2011, LNCS 6837, PP. 200-211.
- Sharma, Motilal. (1991). **"Feasibility of Distance Education in the Philippines, Paper Presented at a Seminar-Workshop on Distance Education"**. Manila, Philippines, September.24-27.
- Shu Yu, I-Ju Chen, Kuei-Feng Yang, Tze-Fang Wang, Lee-lan Yen. (2007). **"A feasibility study on the adoption of e-learning for public health nurse continuing education in Taiwan"**. Nurse Education Today. 27(7), p. 755-761.

تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان‌های ورزشی

ایلیا سادات وجدانی طباطبائی^۱

فریبا محمدیان^۲

زهره نوبخت رضائی^۳



10.22034/SSYS.2022.1724.2222

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

در فضای رقابتی امروز، داشتن رفتار سیاسی کسب و کارها را در رسیدن به مزیت رقابتی یاری می‌کند. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان‌های ورزشی بود. راهبرد تحقیق حاضر توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را مدیران فدراسیون‌ها، وزارت ورزش و جوانان و ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها و نیز روسای هیئت‌های ورزشی استان‌ها (۲۵۰ نفر زن و مرد) تشکیل می‌داد که ۱۰۴ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در پژوهش شرکت کردند. به منظور گردآوری داده‌ها از دو روش اسنادی و میدانی بهره‌گیری شد. جهت اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی rho_a و به منظور تعیین روایی از روایی همگرا (میانگین واریانس استخراجی متغیرها) و روایی واگرا (آزمون فورنل و لارکر، بارهای عرضی و آزمون HTMT) استفاده گردید. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS بهره گرفته شد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که رفتار سیاسی بر تصمیم‌گیری مدیران و هویت سازمانی تاثیر منفی و تصمیم‌گیری مدیران بر هویت سازمانی تاثیر مثبت دارد. به طور کلی، رفتارسیاسی مطلوب مدیران در سازمان‌های ورزشی می‌تواند به توسعه خردمندی سیاسی در فرایند تصمیم‌گیری، تغییر و تحول سازمان، افزایش رضایت شغلی، اندازه‌گیری اثربخشی سازمان، به‌کارگیری مدیریت مشارکتی و افزایش قدرت در کارکنان منجر گردد.

واژگان کلیدی: رفتار سیاسی، هویت سازمانی، تصمیم‌گیری، رویکرد سیاسی و وزارت ورزش و جوانان.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

۲ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Faribamohamadian47@gmail.com

۳ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مقدمه

در عصر حاضر سازمان‌ها با تغییرات جدی از جمله تغییرات سریع و غیرقابل پیش‌بینی در محیط کار، رقابت فزاینده جهانی، توسعه و نوآوری‌های گسترده در فناوری اطلاعات، تغییر در ویژگی‌های جمعیت شناختی در نیروی انسانی و مشتریان و تقاضای فزاینده کیفیت و انعطاف‌پذیری در محصولات و خدمات روبه‌رو هستند. در واکنش به این چالش‌ها و در جهت پاسخگویی سریع به تغییرات به وجود آمده، سازمان‌ها باید سطوح بالایی از عملکرد در مدیریت کیفیت، هزینه و سرعت را داشته باشند. در این هنگام سازمان‌ها برای اینکه از قافله رقابت عقب نمانند، توجه خود را معطوف به مدیران سازمانی کرده‌اند و با شجاعت و جسارت خاصی سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در درون سازمان دارند، چرا که مدیریت اثربخش با ایجاد تغییر سروکار دارد (فرید فتحی و ولی زاده، ۱۳۹۸). همچنین، در دنیای امروز نمی‌توان سازمان‌ها را جدای از رفتار سیاسی درون آنها مطالعه کرد. تصور اینکه افراد سازمان تنها برای اهداف و مقاصد سازمان گام بر می‌دارند، بسیار خوشبینانه است. شناخت رفتارهای سیاسی در سازمان، حاصل کمک علوم سیاسی به رفتار سازمانی است (کواک و همکاران^۱، ۲۰۲۰). از سیاست در سازمان، تعبیر مختلفی می‌شود (نقشبندی و میرانی، ۱۳۹۸). بسیاری از اندیشمندان در حوزه رفتار سازمانی، رفتار سیاسی را نه تنها به گونه‌ای ذاتی منفی نمی‌دانند، بلکه بر این باورند که این حوزه برای اعضای یک سازمان یا خود سازمان می‌تواند مفید نیز باشد (نورتور و همکاران^۲، ۲۰۱۵). به‌طور کلی، رفتار سیاسی به یک رفتار خودخدمتی^۳ اشاره دارد که منافع دیگران را تهدید می‌کند و اساساً یک رفتار مبتنی بر نفوذ است که از طریق آن افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها تلاش می‌کنند بر رفتار یا نگرش دیگران (فرد، گروه یا سازمان) در مورد موضوعی نفوذ کنند که مهم و مطلوب است (فرید فتحی و ولی زاده، ۱۳۹۸). محققان معتقدند ماهیت خودخدمتی رفتار سیاسی منجر به تعارض منافع می‌شود که به نوبه خود پیامدهای منفی در پی دارد. علت اصلی تعارض منافع در سازمان‌ها نیز عدم اطمینان است. از آنجا که عدم اطمینان در هر سازمان فعالی وجود دارد، می‌توان چنین رفتاری را در هر سازمانی پیدا کرد (ون گیلز و همکاران^۴، ۲۰۱۷). بنابراین به دلیل وجود این عدم اطمینان‌ها و ابهامات، کارکنان به رفتار سیاسی مبادرت می‌ورزند تا نفع شخصی خود را تأمین کنند و عدم اطمینان سازمانی و پیامدهای منفی حاصل از سیاست‌های سازمانی را کاهش دهند (موسوی و زارع، ۱۳۹۶). به علاوه، بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش موجود، حاکی از آن است که تصمیمات استخدام مانند انتخاب پرسنل، ارزشیابی عملکرد، فرصت‌های آموزشی و ارتقا در اغلب اوقات ماهیتاً سیاسی هستند (ترک زاده و فریدونی، ۱۳۹۷).

1 KOÇAK et al.

2 Nurture et al.

3 Self Service

4 Van gils et al.

تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی

تحقیقات گذشته نشان می دهد که ارتباط منطقی بین کاری که فرد انجام می دهد و پاداشی که دریافت می کند در محیط سیاسی تحریف می شود (نورتور و همکاران، ۲۰۱۵). رفتار سیاسی در تمام ابعاد سازمان از جمله سازماندهی، رهبری، برنامه های تحول سازمانی، رضایت شغلی، بهره وری، حل و فصل تعارض ها، تعهد سازمانی، رسمیت، پیچیدگی، تمرکز و دانش محوری و مانند آنها تاثیر می گذارد (ترک زاده و فریدونی، ۱۳۹۷). وجود زیاد سیاست ها در سازمان نشان دهنده وجود بی عدالتی و توزیع ناعادلانه منابع در میان کارکنان است. کارکنانی که توزیع نامناسب منابع سازمان مانند پاداش ها و شناخت را درک می کنند، ممکن است دچار حس حسادت و رنجش شوند. چنین محیطی ممکن است به کاهش عملکرد کارکنان، سطوح بالاتر استرس و فشار روانی، کاهش رضایت و تعهد شغلی و غیره منجر شود (مختاری و همکاران، ۱۳۹۸). ورزش و چه بسا سازمان ورزشی همواره با سیاست ارتباط دارد. دخالت سیاست در ورزش بسیار گسترده می باشد؛ از انتخاب بازیکن در سطوح ملی گرفته تا حل تعارضات بین بازیکن و مسئولان، سیاست دخالت دارد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۹). در میان سازمان های موجود، فدراسیون های ورزشی از جمله سازمان هایی هستند که مدیران آنها مسئولیت فراوانی چون رعایت جنبه اخلاقی و ارزشی تصمیم های شان درباره اهداف سازمان ها و به کارگیری منابع برای دستیابی به آن اهداف جایگاه ویژه دارند. توسعه کمی و کیفی ورزش در کشور ما نیازمند سازمان های ورزشی اثربخش و مدیران ورزشی لایق، کارآمد و شایسته است. تحقق اثربخشی سازمان های ورزشی در گرو مدیران ورزشی است که به توان آنان، در محیط های خاص بستگی دارد که «سازمان» نامیده می شود (بوسارد و همکاران^۱، ۲۰۲۱). بنابراین با توجه به موارد اشاره شده، رفتار سیاسی برای موفقیت مدیران ورزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به این که مطالعات محدودی در این زمینه انجام شده است، در این مقاله شاخص های سه متغیر رفتار سیاسی، تصمیم گیری مدیران و هویت سازمانی به تفکیک بررسی و نقش رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی بر هر یک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از بعد هدف، کاربردی و از بعد شیوه اجرا، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه مدیران فدراسیون ها، وزارت ورزش و جوانان، ادارات کل ورزش و جوانان استان ها و نیز روسای هیئت های ورزشی استان ها (۲۵۰ مدیر زن و مرد) تشکیل می دادند که ۱۰۴ نفر با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و در تحقیق شرکت نمودند. به منظور اجرای مدل سازی معادله ساختاری واریانس محور، توجه به پیش فرض اساسی این رویکرد حائز اهمیت بود و پیش از اجرای مدل مورد بررسی

1 Broussard et al.

قرار گرفت. یکی از این پیش فرض‌ها، حجم بهینه نمونه بود. مولر^۱ (۱۹۹۹) برای تعیین حجم نمونه از نسبت حجم نمونه به پارامتر آزاد برای برآورد استفاده می‌کند. وی حداقل این نسبت را ۵ به ۱، حد متوسط آن را نسبت ۱۰ به ۱ و حد بالای آن را نسبت ۲۰ به ۱ بیان می‌نماید. در پژوهش حاضر با توجه به حجم جامعه و با مدنظر قراردادن حداقل نسبت حجم نمونه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و پارامترهای آزاد، پیچیدگی مدل، روش برآوردهای پارامترهای آزاد برآورد حداکثر درست‌نمایی (نیاز داشتن به حجم نمونه متوسط)، حجم داده‌های مفقود (کمتر از ۵ درصد) و رابطه نرمالیتی چندمتغیره با حجم نمونه اصل بر این گذاشته شد که حجم نمونه ۱۰۴ نفر به منظور اجرای مدل‌سازی معادله ساختاری کفایت لازم را دارد. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شد. در این پژوهش به منظور اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق از سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی rho_a و به منظور تعیین روایی از روایی همگرا (میانگین واریانس استخراجی متغیرها) و روایی واگرا (آزمون فورنل و لارکر، بارهای عرضی و آزمون HTMT) بهره‌گیری شد. علاوه بر این، به منظور بررسی برازش مدل‌های ساختاری از معیارهای R Squares یا R^2 ، معیار Q^2 ، آزمون معنی‌داری فرضیات (ضریب t) و آزمون β (شدت و جهت) استفاده گردید. با توجه به نتایج آزمون چولگی و کشیدگی که در بازه ۲ و ۲- بودند، می‌توان گفت که داده‌ها از توزیع طبیعی برخوردارند. همه تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نگارش ۲۵ نرم افزار SPSS و نگارش ۳/۰ نرم افزار Smart PLS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان داد که از ۱۰۴ نفر نمونه آماری، بیشتر شرکت‌کنندگان (۶۱/۸ درصد) مرد و بقیه (۳۸/۱ درصد) زن بودند. همچنین بیشتر نمونه‌های پژوهش در محدوده سنی بین ۴۱ تا ۵۰ سال با فراوانی (۳۹/۱ درصد) و کمترین در رده سنی زیر ۳۰ سال با فراوانی (۹/۲ درصد) قرار داشتند. مدرک تحصیلی بیشتر شرکت‌کنندگان (۲۹/۱ درصد) کارشناسی و کمترین مدرک تحصیلی شرکت‌کنندگان (۴/۲ درصد) دکتری بود. بیشترین شرکت‌کنندگان دارای سابقه کاری ۱۱ تا ۱۵ سال (۲۶/۸ درصد) و کمترین شرکت‌کنندگان دارای سابقه کاری زیر ۵ سال (۱۲/۴ درصد) بودند.

جدول ۱: بررسی توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	کشیدگی		چولگی		انحراف معیار	
	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد	آماره	آماره	میانگین
رفتار سیاسی	۰/۴۶۹	۱/۰۸۹	۰/۲۳۷	۱/۲۱۵	۰/۶۷۴۲۹	۲/۳۲۳۵

تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی

۰/۴۶۹	۲/۱۳۹	۰/۲۳۷	-۱/۶۴۵	۰/۶۹۲۴۳	۳/۶۳۷۴	تصمیم گیری مدیران
۰/۴۶۹	۱/۶۹۸	۰/۲۳۷	-۱/۲۵۵	۰/۵۵۳۰۸	۴/۶۵۷۸	هویت سازمانی

مقادیر برآوردشده در جدول ۱ بیانگر آن است که مقادیر میانگین متغیر رفتار سیاسی در نمونه پایین تر از میزان متوسط ۳ قرار دارد که این موضوع نشان می دهد میزان رفتار سیاسی در میان اعضای نمونه، کمتر از حد متوسط است. این در حالی است که مقادیر میانگین متغیرهای تصمیم گیری مدیران و هویت سازمانی در نمونه بالاتر از میزان متوسط ۳ قرار دارد. همچنین نتایج آزمون چولگی و کشیدگی نشان داد که این داده ها در بازه ۲ و ۲- هستند. بنابراین از توزیع طبیعی برخوردارند.

جدول ۲: ضرایب بارهای عاملی پرسشنامه

سوال	بار عاملی	سوال	بار عاملی	سوال	بار عاملی	سوال	بار عاملی
۱	۰/۶۵۵	۱۳	۰/۷۵۲	۲۵	۰/۶۳۹	۳۷	۰/۸۱۵
۲	۰/۷۹۴	۱۴	۰/۷۲۷	۲۶	۰/۸۲۸	۳۸	۰/۶۲
۳	۰/۷۷۹	۱۵	۰/۶۹۴	۲۷	۰/۷۴	۳۹	۰/۷۸۳
۴	۰/۶۸۲	۱۶	۰/۷۶۹	۲۸	۰/۶۷۳	۴۰	۰/۶۷۸
۵	۰/۷۲۲	۱۷	۰/۷۸۹	۲۹	۰/۶۲۷	۴۱	۰/۶۵۲
۶	۰/۶۸۵	۱۸	۰/۷۷۱	۳۰	۰/۷۵۷	۴۲	۰/۶۶۲
۷	۰/۷۳۶	۱۹	۰/۷۱۱	۳۱	۰/۶۷۱	۴۳	۰/۷۱
۸	۰/۷۰۹	۲۰	۰/۷۴۱	۳۲	۰/۷۱۷	۴۴	۰/۶۰۴
۹	۰/۶۳	۲۱	۰/۶۸۸	۳۳	۰/۷۶۸	۴۵	۰/۶۵۶
۱۰	۰/۸۲۶	۲۲	۰/۷۷۶	۳۴	۰/۷۷۴	۴۶	۰/۶۷۴
۱۱	۰/۷۹۳	۲۳	۰/۷۹۷	۳۵	۰/۷۹۷	۴۷	۰/۶۳۳
۱۲	۰/۷۶۲	۲۴	۰/۷۸۴	۳۶	۰/۷۳۱	۴۸	—

مقادیر برآوردشده در جدول ۲ (بارعاملی) بیانگر این است که بارهای عاملی سوالات پرسشنامه های رفتار سیاسی، تصمیم گیری مدیران و هویت سازمانی در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

جدول ۳: میانگین واریانس استخراجی متغیرها

نام متغیر	AVE
رفتار سیاسی	۰/۷۷۲
تصمیم گیری مدیران	۰/۵۹۹
هویت سازمانی	۰/۷۰۸

مطابق با نظر فورنل و لاکر^۱ (۱۹۸۱) میانگین واریانس استخراجی هر متغیر باید بالای ۰/۵ باشد. مقادیر برآوردشده در جدول ۳ نشان می‌دهد که مقدار این ضریب برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۵ است. بر این اساس می‌توان روایی همگرای پرسشنامه تحقیق را مناسب ارزیابی نمود.

جدول ۴: ماتریس همبستگی و جذر متوسط واریانس استخراج شده

هویت سازمانی	تصمیم‌گیری مدیران	رفتار سیاسی	سازه‌ها
		۰/۷۳۷	رفتار سیاسی
	۰/۷۳۱	-۰/۶۷۸	تصمیم‌گیری مدیران
۰/۷۰۸	۰/۶۷۱	-۰/۵۹۵	هویت سازمانی

مقادیر برآوردشده در جدول ۴ بیانگر این است که سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود نسبت به سازه‌های دیگر دارند. به بیان دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

جدول ۵: آزمون چند روش و چند خصیصه (HTMT)

هویت سازمانی	تصمیم‌گیری مدیران	رفتار سیاسی	سازه‌ها
			رفتار سیاسی
		۰/۶۹۸	تصمیم‌گیری مدیران
	۰/۶۶۵	۰/۵۸۲	هویت سازمانی

مقادیر برآوردشده در جدول ۵ بیانگر این است که کلیه زوج متغیرها دارای HTMT کمتر از ۱ می‌باشند که بر این اساس می‌توان گفت که روایی واگرایی مدل پژوهش مورد تایید است.

جدول ۶: روایی متقاطع شاخص اشتراکی

نام متغیر	CVcom
رفتار سیاسی	۰/۴۵۲
تصمیم‌گیری مدیران	۰/۴۳۷
هویت سازمانی	۰/۴۰۹

1 Fornel & Laker

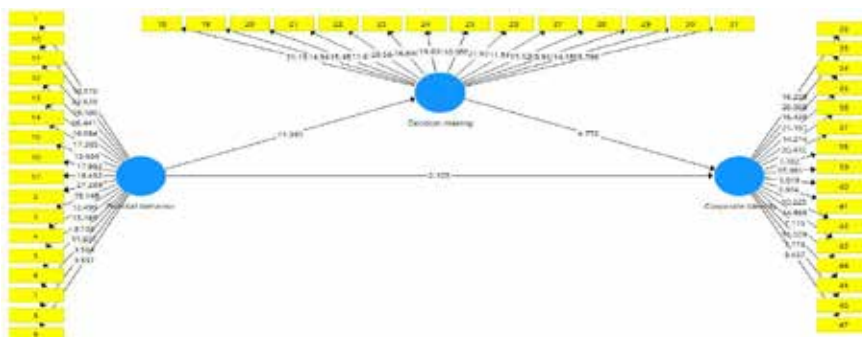
تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی

مقادیر برآوردشده در جدول ۶ حاکی از آن است که کلیه مقادیر CVcom بالاتر از ۰/۳۵ (قوی) هستند. بنابراین می توان ادعا نمود که مدل بیرونی یا اندازه گیری از کیفیت بسیار قوی برخوردار است.

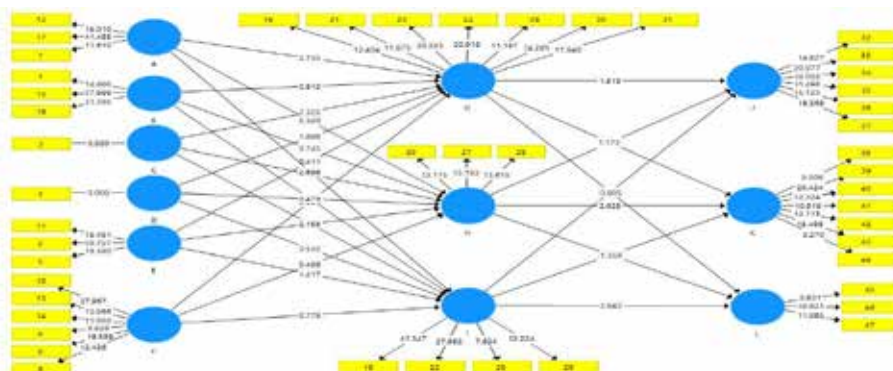
جدول ۷: معیار R^2 و Q^2 هر یک از متغیرهای درونزای مدل

نام متغیر	R^2	Q^2	نتیجه
تصمیم گیری مدیران	۰/۴۵۹	۰/۲۱۵	قوی
هویت سازمانی	۰/۴۸۶	۰/۲۰۴	قوی

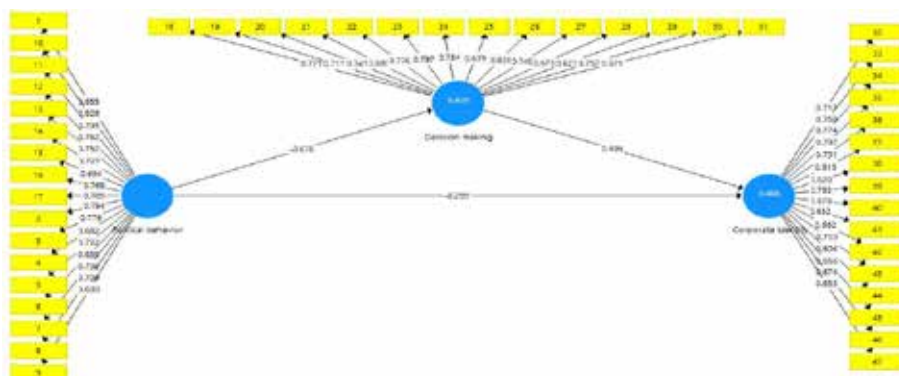
مقادیر برآوردشده در جدول ۷ بیانگر آن است که با توجه به مقادیر به دست آمده برای R^2 و Q^2 برای متغیرهای درونزا و با توجه به مقادیر ملاک، برازش مدل ساختاری به صورت قوی تأیید می شود.



شکل ۱: ضرایب معناداری t مربوط به فرضیات اصلی



شکل ۲: ضرایب معناداری β مربوط به فرضیات فرعی



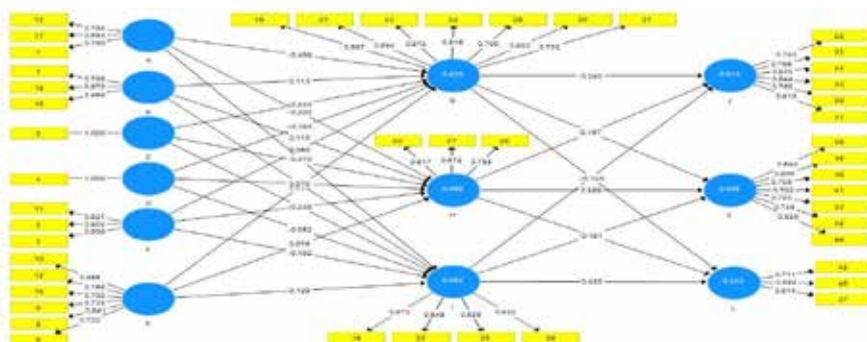
شکل ۳: ضرایب β مربوط به فرضیات اصلی

جدول ۸: نتیجه فرضیه‌های تحقیق بر اساس نتایج مدل‌های ساختاری

نتیجه	ضرایب مسیر	ضرایب معناداری	فرضیات
تأیید	-۰/۶۷۸	۱۱/۳۸۱	رفتار سیاسی بر تصمیم‌گیری مدیران تأثیر دارد.
تأیید	-۰/۲۵۹	۲/۱۰۳	رفتار سیاسی بر هویت سازمانی تأثیر دارد.
تأیید	۰/۴۹۶	۴/۷۷۲	تصمیم‌گیری مدیران بر هویت سازمانی تأثیر دارد.
تأیید	-۰/۴۹۹	۲/۷۳۵	اتلاف سیاسی بر تصمیم‌گیری عقلایی تأثیر دارد.
تأیید	-۰/۴۰۲	۲/۶۸۶	اتلاف سیاسی بر تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر دارد.
تأیید	-۰/۴۷۰	۲/۳۴۰	اتلاف سیاسی بر تصمیم‌گیری تجربی تأثیر دارد.
رد	۰/۱۱۳	۱/۸۱۳	تحقق اهداف فردی بر تصمیم‌گیری عقلایی تأثیر دارد.
تأیید	۰/۱۱۰	۲/۱۵۸	تحقق اهداف فردی بر تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر دارد.
تأیید	۰/۰۷۰	۲/۳۵۵	تحقق اهداف فردی بر تصمیم‌گیری تجربی تأثیر دارد.

تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی

تأیید	۲/۳۲۵	-۰/۲۳۳	استفاده سیاسی از اطلاعات بر تصمیم گیری عقلایی تاثیر دارد.
رد	۱/۱۳۹	-۰/۱۱۳	استفاده سیاسی از اطلاعات بر تصمیم گیری سیاسی تاثیر دارد.
رد	۱/۱۷۳	-۰/۲۴۸	استفاده سیاسی از اطلاعات بر تصمیم گیری تجربی تاثیر دارد.
رد	۱/۴۱۷	-۰/۱۸۰	چاپلوسی بر تصمیم گیری عقلایی تاثیر دارد.
رد	۱/۸۸۸	-۰/۲۳۵	چاپلوسی بر تصمیم گیری سیاسی تاثیر دارد.
رد	۰/۸۰۵	-۰/۰۵۲	چاپلوسی بر تصمیم گیری تجربی تاثیر دارد.
رد	۱/۰۵۵	۰/۰۶۰	کانون کنترل بر تصمیم گیری عقلایی تاثیر دارد.
رد	۰/۵۳۲	-۰/۲۰۴	کانون کنترل بر تصمیم گیری سیاسی تاثیر دارد.
رد	۰/۰۰۴	-۰/۱۹۲	کانون کنترل بر تصمیم گیری تجربی تاثیر دارد.
رد	۰/۴۱۱	۰/۰۰۱	استفاده سیاسی از ادراکات سیاست های سازمانی بر تصمیم گیری عقلایی تاثیر دارد.
رد	۰/۴۰۶	۰/۰۷۶	استفاده سیاسی از ادراکات سیاست های سازمانی بر تصمیم گیری سیاسی تاثیر دارد.
رد	۰/۴۷۹	۰/۱۲۹	استفاده سیاسی از ادراکات سیاست های سازمانی بر تصمیم گیری تجربی تاثیر دارد.
رد	۰/۷۷۹	-۰/۲۴۵	تصمیم گیری عقلایی بر عضویت تاثیر دارد.
رد	۰/۷۴۵	-۰/۱۹۷	تصمیم گیری عقلایی بر وفاداری تاثیر دارد.
رد	۰/۸۱۰	۰/۱۴۵	تصمیم گیری عقلایی بر شباهت تاثیر دارد.
رد	۱/۳۵۹	۰/۳۴۱	تصمیم گیری سیاسی بر عضویت تاثیر دارد.
تأیید	۳/۱۰۷	۰/۳۸۹	تصمیم گیری سیاسی بر وفاداری تاثیر دارد.
تأیید	۲/۶۲۵	۰/۱۸۱	تصمیم گیری سیاسی بر شباهت تاثیر دارد.
تأیید	۲/۸۴۳	۰/۶۸۶	تصمیم گیری تجربی بر عضویت تاثیر دارد.
تأیید	۲/۹۸۲	۰/۴۴۹	تصمیم گیری تجربی بر وفاداری تاثیر دارد.
تأیید	۵/۷۹۶	۰/۴۳۳	تصمیم گیری تجربی بر شباهت تاثیر دارد.



شکل ۴: ضرایب β مربوط به فرضیات فرعی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان‌های ورزشی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که داشتن ارتباط سیاسی با مدیران فدراسیون‌های ورزشی و شبکه‌سازی ارتباطات می‌تواند بخش مهمی از رفتار سیاسی مدیران فدراسیون‌های ورزشی باشد. می‌توان گفت که بین رفتار سیاسی مدیران سازمان‌های ورزشی استان‌ها با تصمیم‌گیری مدیران ارتباط موثری وجود دارد. همچنین حصول مقدار منفی ۰/۶۷۸- برای ضریب مسیر نشان‌دهنده تأثیرگذاری منفی رفتار سیاسی بر تصمیم‌گیری مدیران می‌باشد. این مورد در مطالعه شیخی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) نیز به اثبات رسیده است. آنان نتیجه گرفته‌اند که مشارکت در تصمیم‌گیری در پرتو برداشت از سیاست‌های سازمانی بر رفتار سیاسی تأثیر دارد. نتایج آن‌ها نشان داد که از میان عوامل سازمانی، تمرکز، تأثیر مثبت و رسمیت، عدالت رویه‌ای و مشارکت در تصمیم‌گیری تأثیر منفی بر برداشت از سیاست سازمانی دارند. کلیه عوامل شغلی شامل استقلال، بازخورد، تنوع مهارت و ارتباط با مدیر تأثیر منفی بر برداشت از سیاست سازمانی دارند. ترک زاده و فریدونی (۲۰۱۸) طی مطالعه‌ای نشان دادند میان شیوع انواع جو سازمانی و میزان شیوع رفتارهای سیاسی سازمانی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بوچانان^۱ (۲۰۱۴) نیز به نگرش مدیر، به‌کارگیری قدرت و خودارتقایی به عنوان مولفه‌های تأثیرگذار رفتار سیاسی اشاره کرده است. علاوه بر این، بر اساس نتایج جدول ۸ با توجه به اینکه مقدار آماره t برابر ۲/۱۰۳ (بزرگتر از ۱/۹۶) بوده، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین رفتار سیاسی مدیران سازمان‌های ورزشی استان‌ها با شکل‌گیری هویت سازمانی ارتباط علی وجود دارد. همچنین حصول مقدار منفی ۰/۲۵۹- برای ضریب مسیر نشان‌دهنده تأثیرگذاری منفی رفتار سیاسی بر شکل‌گیری هویت سازمانی می‌باشد. نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیقاتی همچون مشبکی اصفهانی و همکارانش (۱۳۹۸)، الیاسی و همکاران (۱۳۹۷)، عزیزی و همکاران (۱۳۹۶)، نادی و مشایخی (۱۳۹۵)، زبردست و همکاران (۱۳۹۵) و مرادیان (۱۳۹۳) همسو بوده است.

از نقطه نظر ارتباط هر کدام از مولفه‌های رفتار سیاسی شامل ارتقا بر مبنای نگرش، نحوه ارزیابی مدیریت، جایگاه شایسته‌سالاری و ترجیح منافع شخصی با مولفه‌های هویت سازمانی شامل نگرش تعلق-خاطر سازمانی، وابستگی و افتخار به سازمان، تمایل به استقرار فعالیت، دریافت بازخورد مثبت از سازمان، هویت دادن سازمان به فرد، همکاری داوطلبانه با سازمان، اهمیت سرنوشت سازمان، ارزیابی مثبت از سازمان، اهداف مشترک اعضا، اشتراکات با سایر اعضای سازمان و ارزش‌های مشابه با سازمان که در پژوهش کنونی مورد بررسی قرار گرفت، شباهت‌هایی بین تحقیقات پیشین و این پژوهش یافت شد. به عنوان مثال، یافته‌های

1 Buchanan

این تحقیق با نتایج تحقیقات الیاسی و همکارانش (۱۳۹۷)، زبردست و همکارانش (۱۳۹۵)، هادی نژاد (۱۳۸۹)، آبورلو گباراکا و همکاران^۱ (۲۰۱۶) و الیاسی و همکاران (۱۳۹۷) همسوست.

در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده و با توجه به اینکه مقدار آماره t برابر ۴/۷۷۲ (بزرگتر از ۱/۹۶) است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که بین تصمیم گیری مدیریت با شکل گیری هویت سازمانی ارتباط علی وجود دارد. همچنین حصول مقدار مثبت ۰/۴۹۶ برای ضریب مسیر نشان دهنده تاثیرگذاری مثبت تصمیم گیری مدیریت بر شکل گیری هویت سازمانی می باشد. نتایج نشان دادند که در مقایسه با فرایند تصمیم گیری رفتار سیاسی، اتخاذ تصمیمات بر اساس فرایند عقلایی میزان اثربخشی بیشتری در سازمان ایجاد می کند. زمانی که مسئولان و کارشناسان برای گرفتن تصمیمات مهم به دنبال کسب اطلاعات باشند و سعی در جمع آوری اطلاعات مربوط به مسئله یا مشکل یا فرصت ایجاد شده و سپس تصمیم گیری دارند، به طور حتم در مسیر دستیابی به اهداف سازمان و اثربخشی تصمیمات گرفته شده پیشرفت چشم گیری خواهند داشت. همچنین می توان گفت که بین تصمیم گیری مدیران با مولفه های شفافیت هدف، مواجهه با مسئله برای تحقق اهداف سازمانی، شناخت مسئله، جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل داده ها، جمع آوری داده ها بدون سوگیری، بررسی راه حل های متعدد، تجزیه و تحلیل راه حل های متعدد، اولویت بندی راه حل ها براساس اهداف سازمانی، انتخاب ساده ترین راه حل و انتخاب با کیفیت ترین راه حل و شکل گیری هویت سازمانی با مولفه های نگرش تعلق خاطر به سازمان، وابستگی و افتخار به سازمان، تمایل به استمرار فعالیت، دریافت بازخورد مثبت از سازمان، هویت دادن سازمان به فرد، همکاری داوطلبانه با سازمان، اهمیت داشتن سرنوشت سازمان، توصیه سازمان برای کار، ارزیابی مثبت از سازمان، اهداف مشترک سازمان، اشتراک با همکاران و شباهت ارزش ها با هویت سازمان ارتباط وجود دارد. در این راستا، نتایج این پژوهش با یافته های مطالعات علی اصغرپور و همکاران (۱۳۹۷)، پروری و همکاران (۱۳۹۵)، وان گیلز و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، شفیع زاده و گیلوری (۱۳۹۷)، مخلصی (۱۳۹۴) و خلیفه سلطانی و همکارانش (۱۳۹۱) همسوست.

به طور کلی نتایج نشان داد که رفتار سیاسی مطلوب مدیران در سازمان های ورزشی می تواند در توسعه خردمندی سیاسی در فرایند تصمیم گیری، تغییر و تحول سازمان، افزایش رضایت شغلی، اندازه گیری اثربخشی سازمان، به کارگیری مدیریت مشارکتی و افزایش قدرت در کارکنان موثر واقع گردد. همچنین مشخص گردید که بعضی از عوامل مانند ویژگی های فردی که در انحصار کارکنان سازمان قرار دارند و برخی دیگر که در سایه فرهنگ سازمانی یا محیط داخل سازمان به وجود می آیند، در جنبه سازنده رفتارهای سیاسی مدیران سازمان های ورزشی نقش مهمی را ایفا می کنند.

1 Aborlo Gbaraka et al.

2 Van gils et al.

با توجه به نتایج به دست آمده به مدیران پیشنهاد می شود در زمان اتخاذ تصمیمات به پیامدهای طولانی مدت آن برای سازمان توجه گردد. تصمیماتی که آگاهانه و بادقت اتخاذ شوند، می توانند موجب همراهی افراد برای دستیابی به اهداف مشترک سازمانی شوند. همچنین پیشنهاد می شود برای افزایش هویت و تعلق سازمانی، توجه بیشتری به مشارکت و سهم کردن کارمندان در تصمیمات مدیریتی و گزینش آنها بر مبنای متغیرهای رفتار سازمانی صورت گیرد. علاوه بر این، با توجه به ارتباط مثبت هویت سازمانی و رفتار، مدیران می توانند با انتخاب رفتارهای مناسب در شکل گیری نوعی از هویت سازمانی مثبت به کارمندان و سازمان در رسیدن به اهداف سازمانی کمک کنند. این کار نیاز به برنامه ریزی و توجه دقیق دارد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود هنگام تعیین مدیران، افرادی برگزیده شوند که به نقش و نظر کارمندان در تصمیم گیری های سازمانی اهمیت و مشورت با آنها را در فعالیت های خود مدنظر قرار می دهند. به علاوه، پیشنهاد می شود دوره های آموزشی ویژه ای برای مدیران به منظور آشنایی آنان با روش های مناسب افزایش مشارکت کارمندان در تصمیمات و ارتقای رفتارهای سازمانی آنها برگزار گردد تا از این طریق بتوان هویت سازمانی را نیز در این افراد ارتقا داد. با توجه به این که ارتقای هویت سازمانی می تواند بازدهی را بالا ببرد و در توسعه و پیشرفت سازمان موثر باشد، تاکید بر این دو مولفه از جانب مدیران و سازمان ها ضروری است.

برخی محدودیت های این پژوهش عبارت بودند از: ۱- شرکت کنندگان به دلیل اینکه از جامعه آماری مشخصی انتخاب شدند، لذا نتایج پژوهش فقط قابل تعمیم به این جامعه آماری می باشد. ۲- حوزه پژوهش محدود به رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی بود. محدودیت های خارج از کنترل پژوهشگر نیز می توانند بر نتایج پژوهش اثر داشته باشند: ۱- محدودیت های ساختاری، مقررات و ضوابط سازمان و نوع روابط انسانی؛ ۲- ملاحظات انسانی در پاسخ افراد به سوالات پرسش نامه.

منابع

- آقایی، نجف و مرادی، عرفان. (۱۳۹۶). «تعیین روابط علی فرهنگ و سکوت سازمانی: نقش میانجی هویت سازمانی در اداره کل ورزش و جوانان استان البرز». ۴ (۱)، صص ۳۱-۴۰.
- الیاسی، قاسم؛ امیرتاش، علی محمد و صفانی، علی محمد. (۱۳۹۷). «تبیین تاثیر هویت سازمانی بر بهره وری نیروی انسانی با تاکید بر نقش میانجی آوای سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان اداره تربیت بدنی دانشگاه های آزاد اسلامی ایران)». مجله مدیریت بهره وری. ۱۲ (۴۷)، صص ۱۸۹-۲۱۱.
- البرزی، اعظم. (۱۳۹۴). «بررسی تاثیر هویت سازمانی و فرهنگ سازمانی در بروز رفتار شهروندی سازمانی». نشریه مدیریت بهره وری. ۳۶ (۳)، صص ۱۹۹-۲۲۱.

تحلیل رفتار سیاسی مدیران در سازمان های ورزشی

- پروری، پیمان؛ نقدی، اسدالله و سهرابی، روح الله. (۱۳۹۵). «مطالعه رابطه هویت سازمانی و ابعاد سه گانه آن با بدبینی سازمانی کارکنان (مطالعه‌ای بین کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان قزوین)». نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۱۷(۱)، صص ۱۳۷-۱۵۰.
- شفیع زاده، حمید و گیلوری، سعید. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه مشارکت در تصمیم‌گیری و رفتار مدنی سازمانی با هویت سازمانی در مربیان ورزش شهرستان گرمسار». مجله مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۲۱(۲)، صص ۲۱-۳۰.
- عبداللهی، خلیل؛ راسخ، نازنین و قاسمی، حمید. (۱۳۹۹). «تأثیر رفتار سیاسی بر عملکرد کارکنان ستادی وزارت ورزش و جوانان». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۶(۵۰)، صص ۱۷۳-۱۹۳.
- عزیزی، بهادر؛ فهیم دوین، حسن و میرزازاده، زهرا سادات. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه هویت سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی با نقش میانجی هوش هیجانی در کارکنان اداره کل ورزش و جوانان». مجله مدیریت ورزشی. ۹(۴)، صص ۷۱۵-۷۲۶.
- علی مرادیان، سعید؛ باینگانی، بهمن و محمدی فاتح، اصغر. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین هویت سازمانی، جامعه‌پذیری سازمانی و رفتار سیاسی کارکنان در شرکت پرداخت الکترونیک پاسارگاد». اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران. قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- فرح بخش، سعید؛ نیک پی، ایرج و شجاعی، عظیمه. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین رفتار سیاسی مدیران و تعهد سازمانی کارکنان با تعدیل‌گری عدالت سازمانی در دانشگاه لرستان». ۱۲(۳)، صص ۷-۳۷.
- فریدفتحی، اکبر، ولی زاده، رضیه. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل موثر بر رفتار سیاسی مدیران فدراسیون‌های ورزشی». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۶(۴)، صص ۱۱۹-۱۳۰.
- مخلصی، مجید. (۱۳۹۴). «بررسی هویت سازمانی در اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران». کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع، تهران.
- مرتضوی، سعید؛ ناظمی، شمس الدین؛ لگزیان، محمد و جعفریانی، حسن. (۱۳۹۱). «کشف و بازنمایی الگوی بومی رفتار سیاسی مدیران». رویکرد داده بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۸(۱)، صص ۹۹-۱۳۳.
- موسوی، نجم الدین و فرجام، زارع. (۱۳۹۶). «بررسی نقش رفتارهای سیاسی بر بروز رفتارهای منافقانه باتوجه به نقش میانجی معنویت». فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی. ۶(۴)، صص ۱۶۱-۱۸۷.
- نقشبندی، سیدصلاح الدین و میرانی، کاوه. (۱۳۹۸). «اعتباریابی پرسشنامه ادراک رفتارهای سیاسی سازمانی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۱(۵۳)، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- هادی‌زاده مقدم، اکرم؛ رضایی، سیدعابد و اکبری، خدیجه. (۱۳۸۹). «رهافت راهبردی تاکتیک‌های سیاسی در سازمان». مطالعات مدیریت راهبردی. ۱(۳)، صص ۸۹-۱۰۶.
- Aborlo Gbaraka, Kpakol. Nkiru Judipate, Obiora. Seth Accra, Jaja. (2016). **Employee participation and organizational identification: implication of the mediating effect of organizational culture**. 8(11). 2222-1905
- Broussard, R., Heath, W., & Barnidge, M. (2021). **"Incidental exposure to political content in sports media: antecedents and effects on political discussion and participation"**. The Communication Review, 1-21.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). **Structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistics**.
- KOÇAK, D. (2020). **"The Relationship between Political Behavior Perception and Prosocial Motivation-Mediating Role of Organizational Trust"**. Business & Management Studies: An International Journal, 8(1), 329-350.
- Mueller, R. O. (1999). **"Basic principles of structural equation modeling: An introduction to LISREL and EQS"**. Springer Science & Business Media.
- Nurture, covenant; Naqdi, Assadollah and Sohrabi, Ruhollah. (2015). **"Study of the Relationship between Organizational Identity and Its Three Dimensions with Organizational Pessimism of**

Employees (A Study between Employees of Sports and Youth Departments of Qazvin Province)". Journal of Human Resource Management in Sports, Vol. 7, No. 2: 137-150.

- Turkzadeh, Jafar, Fereydoni, Faezeh. (2018). **"Predicting the prevalence of organizational political behaviors in different organizational atmospheres"**. Applied Sociology.29 (3), 117-138.
- Van gils, S. Hogg, M.A, Van quaquebeke, N. et al. (2017). **"When organizational identification elicits moral decision-making: A matter of the right climate"**. J bus ethics 142, 155-168.

مستندسازی دانش تجربی مدیران ورزشی: رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران

علیرضا زارع^۱

بهزاد ایزدی^۲

دنی راشر^۳

جیف دیکسون^۴



10.22034/SSYS.2022.1922.2365

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۸/۱

هدف این پژوهش، مستندسازی دانش تجربی مدیران ورزشی با رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران بود. روش پژوهش، مطالعه موردی کیفی است و مشارکت‌کنندگان، مدیران ورزشی کشور هستند. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری، آگاهی‌دهندگان کلیدی (شامل ۱۳ نفر) برای شناسایی چارچوب مدل توسعه اقتصادی انتخاب شدند و با آنها مصاحبه به عمل آمد. ابزار مورد استفاده برای شناسایی عوامل مدل توسعه اقتصادی، مصاحبه نیمه ساخت‌مند (با گروه‌های کانونی) و مطالعه اسناد بوده است. برای تأمین روایی و پایایی مطالعه از روش ارزیابی لینکلن و گوبا استفاده شد. مدل پارادایمی این پژوهش بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین طراحی گردید. در این پژوهش چهار مقوله ایجاد اسپین اف‌های ورزشی، برون‌سپاری در نهادهای ورزشی، جمع‌سپاری در نهادهای ورزشی و توسعه بلاک چین‌های ورزشی که می‌تواند بر توسعه اقتصادی تأثیر بگذارد به عنوان مقوله‌های مربوط به شرایط علی شناسایی شدند. توسعه زیرساخت‌های ورزشی، توسعه گردشگر ورزشی، ترانفسر بازیکنان و مربیان، میزبانی رویدادهای ورزشی، کمک‌های بین‌المللی، حقوق بین‌المللی و محبوبیت ورزش به عنوان عوامل اصلی زمینه‌ای هستند و دو مقوله عوامل تحریم‌ها و عوامل عدم فضای باز اقتصادی به عنوان مقوله‌های مداخله‌گر در نظر گرفته شدند. بنابراین توجه به بستری جهت پیاده‌سازی زیرساخت‌های ورزشی، توسعه گردشگر ورزشی، ترانفسر بازیکنان و مربیان، میزبانی رویدادهای ورزشی، کمک‌های بین‌المللی، حقوق بین‌المللی و محبوبیت ورزش می‌تواند شرایطی جهت توسعه اقتصادی در ورزش را فراهم نماید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی اقتصادی، توسعه، اقتصاد، ورزش و پارادایم.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

E-mail: B.biz_adi@uok.ac.ir

۲ دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

۳ استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه سان فرانسیسکو، آمریکا

۴ دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه لاتروب، استرالیا

مقدمه

ساختار و کارکرد یک نظام اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین ارکان هر نظام حکومتی، نقش به‌سزایی در شکل‌دهی سایر ابعاد آن نظیر فرهنگ، سیاست، معیشت و مدل پیشرفت دارد. پدیده‌هایی مثل فقر و ثروت، عدالت و بی‌عدالتی و نظایر آن همگی تحت تأثیر نوع، ساختار و محتوای نظام اقتصادی قرار دارند. از این رو، مطالعه و ارزیابی مستمر نظام‌های اقتصادی، نقش مؤثری در تعیین جهت‌گیری‌های هر کشور دارد. در کشور ما، قانون اساسی، نظام اقتصادی را به سه رکن اصلی اقتصاد دولتی، اقتصاد تعاونی و اقتصاد بخش خصوصی تقسیم کرده و کلیه فعالیت‌های اقتصادی در درون این بستر سه‌گانه انجام می‌شود (میمنت آبادی، ۱۳۹۹: ۷۹۸). توسعه اقتصادی برای رشد پایدار هر جامعه، امری حائز اهمیت است (جوکونویک، لالیچ، میلوانیویچ و سیمونویچ^۱، ۲۰۱۷: ۱۴۲). توسعه اقتصادی عبارت است از: افزایش مداوم ظرفیت تولید یک جامعه که بر اساس فناوری پیشرونده پی‌ریزی شده باشد (سیلوستر و تیرکا^۲، ۲۰۱۹: ۳۲۷). یکی از حوزه‌های مهم در هر جامعه‌ای ورزش می‌باشد که نقشی مهم و اساسی را می‌تواند در سازمان‌ها ایفا نماید. اثرات مستقیم اقتصادی ورزش، اثراتی مانند تولید کالاها و خدمات ورزشی، صادرات و واردات، هزینه‌های خانوار، ایجاد اماکن و تسهیلات، تبلیغات، مشارکت در بازار بورس، پوشش رسانه‌ای، اشتغال، جذب گردشگر و حامیان مالی را شامل می‌شود و اثرات اقتصادی غیرمستقیم ورزش نیز در زمینه‌هایی چون ارتقای سلامتی جامعه، کاهش هزینه‌های درمان و به تبع آن توسعه برنامه‌های ملی سلامت، کاهش بزهکاری‌ها، کاهش غیبت کارکنان و افزایش عملکرد و بهره‌وری آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد (یوئن^۳، ۲۰۰۸: ۳۰).

ورزش یکی از صنایع مهم در عرصه بین‌المللی می‌باشد که امروزه کمک‌های فراوانی به اقتصاد جوامع مختلف کرده است. رشد ورزش در تمامی عرصه‌ها و گسترش آن در تمامی گروه‌ها سبب گردیده است تا صنعت ورزش به عنوان یک صنعت مهم در جهان شناخته گردد. گستردگی ورزش باعث شده است تا امروزه شاهد شکل‌گیری صنعت ورزش به صورت گسترده باشیم (میر، تان، لیم و چوانگ^۴، ۲۰۱۸: ۴۵۹). محمدی عسگرآبادی، عیدی و عباسی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «تحلیل تماتیک عوامل موثر بر توسعه اقتصاد ورزش ایران» دریافته‌اند که بر مبنای یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، عوامل مختلفی بر توسعه اقتصاد ورزش تأثیرگذار هستند این عوامل در قالب ۶ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند: توسعه ورزش، عوامل تجاری اقتصادی، فعالیت‌های تجاری، الزامات حقوقی - حمایتی، الزامات مدیریتی و میزبانی

1 Jokanović

2 Silvestre & Țircă

3 Yuen

4 . Meier, Tan, Lim & Chuang

رویدادهای بین‌المللی که این ۶ مورد خود شامل ۱۳ مفهوم و ۴۵ عامل یا کد باز هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش نتیجه می‌گیریم برای توسعه اقتصاد ورزش ایران باید بر مقوله‌های استخراجی از این پژوهش متمرکز شد که در این صورت می‌توانیم اقتصادی پویا در زمینه ورزش داشته باشیم. سو^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه پایداری اقتصادی گردشگری بر اساس یادگیری ماشین» به این نتیجه رسید که توسعه پایداری اقتصادی سبب می‌شود گردشگری داخلی رشد کند، تورم و نرخ بیکاری کاهش یابد و بر میزان سرمایه‌گذاری در کشور افزوده شود. همچنین برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت باعث توسعه پایداری اقتصادی می‌شود. آلونسودو سانتوس و کالابویگ‌مورنو^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «مدیریت، بازاریابی و توسعه اقتصادی در سازمان‌های ورزشی» دریافتند که گذشته و تاریخچه سازمان‌های ورزشی می‌تواند باعث توسعه اقتصادی در ورزش شود. بعضی از سازمان‌ها با گذشته خوب باعث می‌شوند که تماشاگران برای رویدادهای ورزشی بلیط بازی‌ها را خریداری و باعث رونق اقتصادی گردند. پیداکو^۳ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و توسعه اقتصادی در برگزاری رویدادهای ورزشی» به این نتیجه رسید که ورزش یکی از مهمترین جاذبه‌های هر کشوری برای جذب گردشگر است و رویدادهای ورزشی ۳/۱ درصد از تولید ناخالص کشور را در بر می‌گیرد و اهمیت به این بخش می‌تواند باعث توسعه اقتصادی گردد. یو وی کودینوا^۴ (۲۰۲۰) با شناسایی تغییرات مثبت در زندگی ورزشی، نیازها و علایق و نفوذ نیروهای بازار در زمینه ورزش را تجزیه و تحلیل کردند. آنها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که اقتصاد و ورزش با هم مرتبط هستند و توسعه بخش ورزشی نه تنها در تولید کالاهای ورزشی، بلکه بر اقتصاد به طور کلی با تامین نیروی کار بیشتر، تاثیر مثبتی دارد- به‌علاوه، درگیری در ورزش باعث افزایش کیفیت زندگی می‌گردد. ژانگ، کیم، ماسترومارتینو، کیان و نورایت^۵ (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «گردشگری ورزشی و توسعه اقتصاد اقتصاد منطقه‌ای» بیان کردند که ورزش جایگاه مهمی را در سبک زندگی مدرن به خود اختصاص داده است و هم باعث سلامتی مردم و هم موجب رشد دیگر صنایع مرتبط با ورزش می‌شود. گردشگری ورزشی نمونه‌ای از توسعه اقتصادی منطقه‌ای است. مردم تجهیزات متنوع مرتبط با ورزش را در طول گردشگری ورزشی می‌خرند. محصولات مورد نیاز برای گردشگری ورزشی می‌تواند بازار فیزیکی و غیرفیزیکی ایجاد کند که هم به اقتصاد منطقه کمک کند و هم بهبود محیط زیستی را به‌همراه داشته باشد. هونگ^۶ (۲۰۱۱) در مقاله خود اثرات المپیک پکن در رشد و توسعه اقتصادی چین را مطالعه کرد. ابتدا به مباحث نظری در

1 Su

2 Alonso Dos Santos & Calabuig Moreno

3 Pedauga

4 Vianna & Mollick

5 Zhang, Kim, Mastromartino Qian & Nauright

6 Huang

مورد المپیک و نقش آن در توسعه کشور میزبان پرداخت و سپس چند دوره از المپیک و رشد اقتصادی کشورهای میزبان را مورد بررسی قرار داد و در پایان به نقش این رویداد مهم و جهانی (المپیک ۲۰۰۸ چین) بر اقتصاد چین اشاره کرد. از المپیک ۱۹۶۴ توکیو تا المپیک ۲۰۰۸ پکن (۱۲ دوره)، در ۷ دوره، رشد اقتصادی نسبت به رویداد گذشته، افزایش و در بقیه موارد کاهش یافته است. چاپلت و امانوئل^۱ (۲۰۰۵) در مقاله خود با عنوان «ورزش و توسعه اقتصادی» بیان می‌کند که در گذشته‌های دور، ورزش به عنوان یک فعالیت اوقات فراغت توسط تعداد زیادی از مردم عادی انجام می‌شد. در قرن بیستم ورزش به یک پدیده اجتماعی برای توده مردم مبدل گردید و در کشورهای صنعتی، ورزش به عنوان یکی از شاخه‌های اقتصادی مطرح شد که هم اکنون ۲ درصد تولید ناخالص داخلی را به تنهایی عهده دار است. در چالش امروزی، ورزش به عنوان یک فاکتور اقتصادی در کشورهای درحال توسعه مطرح شده است. به عنوان مثال، برای برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال در آفریقای جنوبی، میلیون‌ها دلار هزینه گردید، اما درآمد سرشاری که از راه‌های مختلف به دست آمد، قابل قیاس با هزینه‌ها نبود؛ مانند درآمد سرشاری که از طریق رسانه و پخش تلویزیونی به دست می‌آید یا گردشگری که به صورت فعالی راه اندازی می‌شود- چه در مسابقات و چه بعد از آن و مواردی از این قبیل. خلاصه اینکه در دراز مدت، اثرات اقتصادی مثبتی بر روی این کشور خواهد گذاشت. ماهونی، لویچ و برادی^۲ (۲۰۱۹) پس از بررسی‌های خود پی بردند که استفاده از رسانه‌های اجتماعی و قابلیت‌های آن یکی از راهکارهای مهم و عملیاتی در مسیر بهبود صنعت ورزش می‌باشد. توسعه، یکی از مسائل مهم در هر کشوری است. تمامی تلاش کشورها در جهت دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف می‌باشد (پیداگو، ۲۰۲۰). شاخص‌های توسعه در حوزه‌های مختلف متفاوت است. این مسئله در کشورهای گوناگون نیز متفاوت می‌باشد. بنابراین شاخص‌های توسعه را باید به صورت بومی در ابعاد و مدل‌های مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار داد. در مسیر توسعه اقتصادی صنعت ورزش نیاز است تا متغیرهای پایداری اقتصادی به صورت منسجم مورد استفاده قرار گیرد. جهت توسعه صنعت با استفاده از پایداری اقتصادی، ارتقای زیرساخت‌های اولیه در این زمینه ضروری می‌باشد. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت برخی جنبه‌های زیرساختی در این حوزه است. از طرفی عوامل دیگری در این مورد مهم می‌باشد که در محیط‌های مختلفی به صورت گوناگون نمایان می‌گردند. با توجه به تحقیقات انجام شده مشخص گردید که توسعه اقتصادی در صنعت ورزش نیازمند عوامل مختلفی است که این عوامل در فضای فعلی صنعت ورزش کشور به صورت کامل مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است. فقدان بررسی‌ها در زمینه عوامل موثر بر توسعه اقتصادی در صنعت ورزش سبب گردیده است تا امروزه در مسیر برنامه‌ریزی و گسترش توسعه پایداری

1 Chappelet

2 Mahoney, Lovich & Brady

مستند سازی دانش تجربی مدیران ورزشی: رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران

کمترین استفاده از توسعه اقتصادی صورت پذیرد. فقدان تحقیقات جامع در مورد توسعه اقتصادی در صنعت ورزش ایران سبب گردیده است تا امروزه برنامه ریزی مناسبی جهت بهره گیری و استفاده از اقتصاد در ورزش انجام نگردد و صنعت ورزش در کشور به توفیق چندانی دست نیابد. به عبارتی، اقتصاد ایران نتوانسته است از ظرفیت های صنعت ورزش در مسیر شکوفایی اقتصادی کشور بهره لازم را ببرد (شریفیان، یوسفی و قهرمان تبریزی، ۱۳۹۵: ۷۵). شاخص های توسعه اقتصادی صنعت ورزش در تحقیقات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. محمدی، کلاته، رضوی و فارسبیجانی (۱۳۹۸) این شاخص ها را شامل توسعه نهادی، ساختار و مالکیت، توسعه رسانه ای، توسعه علمی- پژوهشی، توسعه هواداران و درآمد حاصل از آن، توسعه نیروی انسانی، توسعه امکانات و زیرساخت ورزشی، توسعه حقوقی و قانونی، توسعه بنگاه های صادرات تولیدات ورزشی و توسعه و گسترش شبکه های اجتماعی دانسته اند. بدین ترتیب، تحقیق حاضر با هدف ارائه مدل توسعه اقتصادی در صنعت ورزش، سعی در پاسخگویی به این سوال داشته است:

مدل توسعه اقتصادی در صنعت ورزش چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش، مطالعه موردی کیفی است و مشارکت کنندگان مدیران ورزشی کشور هستند. با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری، آگاهی دهندگان کلیدی (شامل ۱۳ نفر) برای شناسایی چارچوب مدل توسعه اقتصادی انتخاب شدند و با آنها مصاحبه به عمل آمد. خبرگی این افراد به واسطه بررسی چندین شاخص شامل سوابق فعالیت در حوزه اقتصاد، سوابق تحصیلی مرتبط با موضوع و همچنین سوابق پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. ابزار مورد استفاده برای شناسایی عوامل مدل توسعه اقتصادی، مصاحبه نیمه ساختمند (با گروه های کانونی) و مطالعه اسناد بوده است. برای تامین روایی از بررسی معیارهای اعتبار (باورپذیری)، انتقال پذیری و تأییدپذیری و جهت بررسی پایایی از بررسی معیار اطمینان پذیری استفاده شد. این معیارها با توجه به روش ارزیابی لینکلن و گوبا^۱ مورد استفاده قرار گرفت. بدین منظور چهار معیار اعتبار (باورپذیری)، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تأییدپذیری برای ارزیابی در نظر گرفته شد و برای دستیابی به هریک از این معیارها، اقدامات زیر صورت گرفت:

اعتبار پذیری: معادل روایی در پژوهش های کمی است. بدین منظور، پرسش ها را اساتید راهنما و مشاور تأیید کردند که میزان موثق بودن داده های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داد.

انتقال پذیری: جایگزین اعتبار بیرونی در پژوهش های کمی است. برای این منظور یافته های پژوهشی توسط دو متخصص اقتصادی که در پژوهش مشارکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت.

اطمینان‌پذیری: معادل پایایی در پژوهش کمی است و به منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت برداری‌ها ثبت و ضبط شد.

تأیید‌پذیری: به معنای پرهیز از سوگیری است. بدین منظور تمامی مراحل به دقت ثبت و ضبط شد و همه مستندات به صورت پیوست در اختیار و تأیید اساتید قرار گرفت.

برای اخذ مجوز مورد نیاز برای انجام مصاحبه با افراد کانونی، اقداماتی صورت گرفت که در این بخش پس از جلب همکاری صاحب نظران کلیدی برای مصاحبه و جلب اعتماد آنان برای دادن اطلاعات لازم، در زمان مقرر مراجعه و اطلاعات لازم گردآوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها با روش تحلیل داده بنیاد انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری پژوهش در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۱: یافته‌های توصیفی پژوهش

درصد	فراوانی	گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت شناختی
۱۰۰	۱۳	مرد	جنسیت
۴۶/۱۵	۶	مدیران باشگاه‌ها	بخش کیفی
۱۵/۳۹	۲	نمایندگان مجلس	پژوهش
۱۵/۳۹	۲	کارآفرینان ورزشی	مرتبه علمی
۲۳/۰۷	۳	مدیران ستادی	

نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که نمونه‌های بخش کیفی پژوهش شامل ۱۰۰ درصد مرد بودند. همچنین از این میان نمونه‌های پژوهش، مدیران باشگاه‌ها با ۴۶/۱۵ درصد بیشترین تعداد را داشتند. داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرایند کدگذاری، تحلیل شد. مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری (مدل پارادایمی استراس و کوربین) و کدگذاری گزینشی (انتخاب یک مقوله محوری به عنوان مقوله اصلی و مشخص کردن ارتباط بین هر یک از مقوله‌های محوری) انجام شد و با عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین پایان یافت. نتایج حاصل از ۱۳ مصاحبه که تا حد اشباع نظری ادامه یافت، از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و انتخابی در قالب پنج مؤلفه کلی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده اصلی، اقدامات و پیامدها شکل گرفت.

کدگذاری باز

نمونه ای از کدگذاری باز، در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: نمونه ای از کدگذاری باز

کدگذاری باز حاصل از یک نمونه به دست آمده از مصاحبه ها	
بستر مناسب برای نقل و انتقال مربی و بازیکن های ورزشی اگر به درستی فراهم شود از یک سو باعث افزایش سطوح و ارتباطات ورزشی ما می شود و از سوی دیگر، رشد اقتصادی را برای کشور به ارمغان می آورد. درآمدی که از طریق ترانسفر در اختیار باشگاه قرار می گیرد باعث کمک به توسعه ورزش می شود.	توسعه اقتصادی (۱)، رشد اقتصادی (۲)، رشد اقتصادی (۳)
توسعه رویدادهای ورزشی و بهره مند ساختن کشور از برگزاری رویداد بین المللی باعث افزایش و کمک به توسعه گردشگر ورزشی و توسعه فرهنگ ملی کشور می شود. همچنین نگرش به برگزاری رویدادهای ورزشی تاثیر چشمگیری در نگرش به مسائل توسعه پایدار در ورزش خواهد داشت. توجه به جنبه های مختلف برگزاری رویدادهای ورزشی سبب می گردد تا بتوان ضمن ارتقای جنبه های اقتصادی، شرایط استفاده ابرازی از توسعه سرمایه گذاری و ارتقای ارتباطات مختلف ورزشی را در پی داشت.	توسعه اقتصادی (۱)، رشد اقتصادی (۲)، رشد اقتصادی (۳)، توسعه اقتصادی (۴)، رشد اقتصادی (۵)

کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، مقوله ها و زیرمقوله ها را با توجه به ابعاد و مشخصات آنها با یکدیگر مرتبط می سازد. برای کشف نحوه ارتباط مقوله ها با یکدیگر از ابزار تحلیلی استراوس و کوربین^۱ استفاده شد. ابزار اصلی این ابزار تحلیلی شامل شرایط، عمل ها، عکس العمل ها و پیامدها است.

شرایط علی

در این پژوهش چهار مقوله ایجاد اسپین اف های^۲ ورزشی، برون سپاری در نهادهای ورزشی، جمع سپاری در نهادهای ورزشی و توسعه بلاک چین های ورزشی می توانند بر توسعه اقتصادی تأثیر بگذارند. مقوله های مربوط به شرایط علی در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳: مقوله ها و مفاهیم مرتبط با شرایط علی

مقوله فرعی	مفاهیم اصلی
توسعه اقتصادی (۱)، رشد اقتصادی (۲)، رشد اقتصادی (۳)	✓ تسريع در بهره برداری های تجاری از فناوری های دانش محور ✓ تسريع در انتقال مجوز به اثر (محصول یا خدمات ورزشی) ✓ بهره برداری تجاری از فناوری های دانش محور ✓ ایجاد حق انحصاری

1 Strauss & Corbin

2 spin-offs

✓ رسیدن به مهارت‌های زیاد در صنعت ورزش	ورزشی پرونیسپاری در نهادهای
✓ افزایش انعطاف‌پذیری در نهادهای ورزشی	
✓ فرصت‌های کسب و کار جدید در ورزش	
✓ نیروی انسانی کارآمد	
✓ وجود سیستم کنترل	ورزشی جمع‌سپاری در نهادهای
✓ افزایش سرعت در جمع‌آوری وجوه در ورزش بدون نیاز به هزینه‌های اولیه	
✓ سرمایه‌آوران ورزشی می‌توانند به وفادارترین سرمایه‌گذاران در ورزش تبدیل شوند	
✓ راهی برای آزمودن واکنش عموم نسبت به ایده یا محصول در ورزش کشور	
✓ اشتراک‌گذاری ایده‌ها در ورزش	ورزشی توسعه‌ی بلایک‌چین‌های
✓ بازاریابی و جلب توجه رسانه‌ها	
✓ ایجاد شفافیت در ورزش	
✓ ایجاد پایداری اجتماعی	
✓ افزایش اعتمادسازی	
✓ سود رسانی به اعضا	
✓ ارتقای عملکرد محیطی	
✓ کاهش کار مجدد	

شرایط زمینه‌ای

در این پژوهش توسعه زیرساخت‌های ورزشی، توسعه گردشگر ورزشی، ترانفسر بازیکنان و مربیان، میزبانی رویدادهای ورزشی، کمک‌های بین‌المللی، حقوق بین‌المللی و محبوبیت ورزش عوامل اصلی زمینه‌ای هستند که در جدول ۴ نشان داده شده‌اند:

جدول ۴: مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با شرایط زمینه‌ای

مفاهیم اصلی	مقوله فرعی
✓ گسترش مشارکت بخش‌های غیره دولتی	ورزشی زیرساخت‌های توسعه
✓ دسترسی همه جامعه به تجهیزات	
✓ توسعه دسترسی به تجهیزات	
✓ استاندارد کردن تجهیزات ورزشی	
✓ دست‌یابی به کران پایین شاخص‌های استاندارد کشور	ورزشی توسعه گردشگر
✓ ترویج کیفیت و ایمنی در ورزش	
✓ ترویج استفاده از منابع فرآیندها و فرآورده‌های استاندارد در ورزش	
✓ بهره‌گیری از نظام جامع ارزیابی در ورزش	

مستند سازی دانش تجربی مدیران ورزشی: رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران

میزبانی رویدادهای ورزشی	تأمین مالی	تأمین حقوق	محبوبیت ورزش
✓ گسترش مشارکت بخش های غیردولتی در تأمین منابع مالی ورزش	✓ ترویج فرهنگ هزینه کردن برای ورزش	✓ آموزش حقوق بین المللی در ثبت قراردادهای ورزشی	✓ ارتباط بالای ورزش و جانشین مناسب برای فعالیت های دیپلماتیک
✓ به تأمین امنیت اقتصادی ورزش	✓ گسترش تسهیلات مالی صنعت ورزش	✓ کنترل و آموزش مسائل دوپینگ	✓ افزایش روزافزون جذابیت های ورزشی
✓ دسترسی عادلانه همه اقشار جامعه به ورزش	✓ به روزرسانی قوانین و مقررات	✓ کمک های مالی فدراسیون های بین المللی	✓ افزایش قدرت ورزش در ارتباط های جهانی
✓ حل و فصل سریع کم هزینه و عادلانه دعاوی ورزشی	✓ به ترویج دانش حقوقی در محیط ورزش	✓ گرفتن وام های بین المللی	✓ محبوبیت ورزش در بین طرفداران
✓ گسترش حمای های قانونی از دست اندرکاران ورزش	✓ دست یابی به امنیت اجتماعی و اقتصادی در عرصه ورزش	✓ کمک های مالی IOC به کمیته المپیک کشور	
✓ کمک های مالی بین المللی			

در این پژوهش دو مقوله عوامل تحریم ها و عوامل عدم فضای باز اقتصادی به عنوان مقوله های مداخله گر در نظر گرفته شده و در جدول ۵ نشان داده شده اند:

جدول ۵: مقوله ها و مفاهیم مرتبط با شرایط مداخله گر

مقوله فرعی	مفاهیم اصلی
شرایط مداخله گر	✓ تحریم های بین المللی
	✓ عدم تعامل سازمان های بین المللی جهت تعامل با سازمان های ایرانی و معامله
	✓ فقدان اعتماد به سازمان های بین المللی
	✓ نفوذ گروه های سیاسی به سازمان ها
	✓ دغدغه های مالی گسترده سازمان ها

عوامل عدم فضای باز اقتصادی	✓ عدم علاقه مدیران ارشد به ارائه فضای باز اقتصادی ✓ عدم توجه به کارکنان در مسائل آموزشی در سازمان ✓ فرآیندهای ناکارآمد اقتصادی ✓ عدم نگرش مثبت به افزایش دامنه فعالیت اقتصادی ✓ عدم شفافیت فرآیندهای اقتصادی ✓ ضعف در تبدیل انواع دانش در سازمان ✓ فقدان امنیت شغلی مدیران ورزشی ✓ ضعف سیستم های ارزیابی در سازمان های ورزشی ✓ مهارت پایین سازمان های ورزشی جهت ایجاد بنگاه های اقتصادی بین المللی

مقوله محوری

مقوله محوری حاصل از شرایط علی، دموکراسی اقتصادی، اقتصاد اشتراکی، اقتصاد سبز، اقتصاد اجتماعی و رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است. جدول ۶ مقوله محوری را نشان می دهد:

جدول ۶: مقوله ها و مفاهیم مرتبط با مقوله محوری

مقوله فرعی	مفاهیم اصلی
مقوله محوری	✓ احیای حقوق قانونی باشگاه ها، نهادهای ورزشی و ورزشکاران ✓ استفاده نکردن دولت از ورزش به عنوان ابزار سیاسی ✓ ایجاد شوراها و اتحادیه های ورزشی
	✓ الزامات سازمان های ورزشی به رعایت منافع ورزشکاران، مربیان و تماشاگران ✓ ایجاد زیرساخت فنی مناسب برای به کارگیری اقتصاد اشتراکی ✓ آگاه سازی افراد دیگر از فرصت های اقتصاد اشتراکی ✓ تشویق و حمایت از کارآفرینان و سرمایه گذاران در حوزه اقتصاد اشتراکی
اقتصاد اشتراکی	✓ ارائه خدمات جدید در ورزش ✓ توانایی خلق ایده های جدید ✓ ایجاد نظام پایداری سبز در ورزش ✓ استفاده از فناوری های کنترل الودگی ✓ ایجاد فضاهای ورزشی تجدیدپذیر
	✓ توسعه حمل و نقل های پاک برای تماشاگران ورزشی ✓ ایجاد جنبش ها و انجمن های عمومی در ورزش ✓ آماده سازی فضای فکری در ورزش جهت اقتصاد اجتماعی ✓ توجه فدراسیون های ورزشی به منافع جامعه ✓ ایجاد واحدهای خاص برای داوطلبان در ساختار ورزش کشور
اقتصاد سبز	
اقتصاد اجتماعی	

مستند سازی دانش تجربی مدیران ورزشی: رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران

ارزش قلب مفهوم توسعه اقتصادی به شناخت و احصای نقاط راهبردی در نظام اقتصادی در ورزش کشور، اشراف حداکثری بر فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصادی در ورزش، سازوکار بازگشت درآمدهای ارزی حاصل از تجارت و رویدادهای ورزشی، اشراف حداکثری بر تکیه‌گاه‌های پولی و بانکی بازیگران نظام بین‌المللی، طراحی سازوکارهای حقوقی جهت تسهیل حضور ج.ا.ایران در رویدادهای ورزشی منطقه‌ای و جهانی در قوانین داخلی افزایش گردش اقتصادی در ورزش کشور، ارتقای سطح رقابت‌پذیری، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد و رشد بهره‌وری عوامل تولید، مشارکت بخش خصوصی، جذب هدفمند سرمایه‌های خارجی به منظور جذب دانش مدیریت و فناوری‌های پیشرفت، یکپارچه‌سازی و هماهنگی نهادهای متولی دیپلماسی تجاری در راستای کاهش موازی‌کاری، تربیت دیپلمات‌های تجاری، اتصال به زنجیره ارزش‌های جهانی بود. جدول ۷ مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به راهبردها را نشان می‌دهد:

جدول ۷: مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با راهبردها

مقوله فرعی	مفاهیم اصلی
رشد و توسعه دیپلماسی اقتصادی در ورزش	✓ شناخت و احصای نقاط راهبردی در نظام اقتصادی در ورزش کشور
	✓ اشراف حداکثری بر فرصت‌ها و تهدیدات‌های اقتصادی در ورزش
	✓ سازوکار بازگشت درآمدهای ارزی حاصل از تجارت و رویدادهای ورزشی
	✓ اشراف حداکثری بر تکیه‌گاه‌های پولی و بانکی بازیگران نظام بین‌المللی
	✓ طراحی سازوکارهای حقوقی جهت تسهیل حضور ج.ا.ایران در رویدادهای ورزشی منطقه‌ای و جهانی در قوانین داخلی
	✓ افزایش گردش اقتصادی در ورزش کشور
	✓ ارتقای سطح رقابت‌پذیری
	✓ تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد و رشد بهره‌وری عوامل تولید
	✓ مشارکت بخش خصوصی
	✓ جذب هدفمند سرمایه‌های خارجی به منظور جذب دانش مدیریت و فناوری‌های پیشرفته
	✓ یکپارچه‌سازی و هماهنگی نهادهای متولی دیپلماسی تجاری در راستای کاهش موازی‌کاری
	✓ تربیت دیپلمات‌های تجاری
	✓ اتصال به زنجیره ارزش‌های جهانی

پیامدها

با توجه به کدگذاری باز، مفاهیم مربوط به پیامدهای مدل استخراج شدند. سپس با توجه به حرکت رفت و برگشت میان تم‌ها و مفاهیم، مقوله‌های اصلی استخراج و نامگذاری شدند. جدول ۸ به مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به پیامدها می‌پردازد:

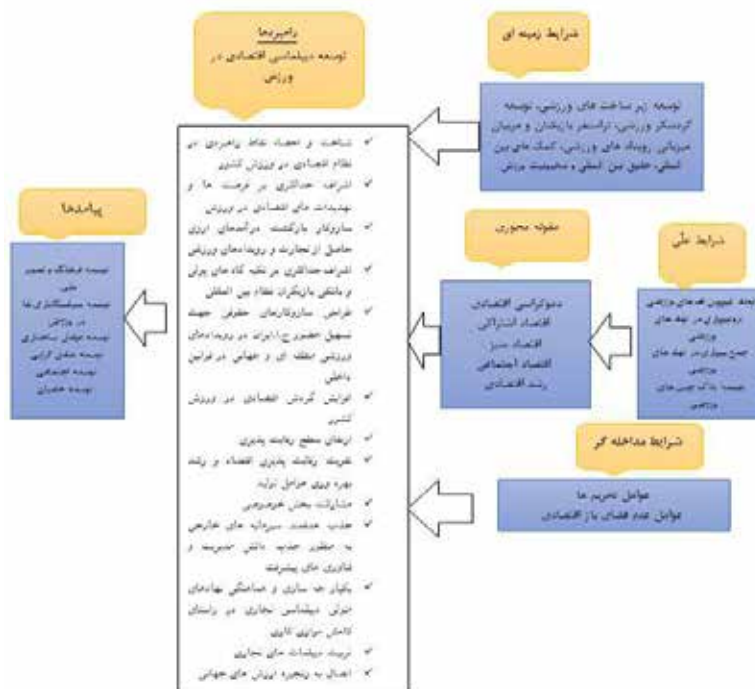
جدول ۸: مقوله‌ها و مفاهیم مرتبط با پیامدها

مقوله فرعی	مفاهیم اصلی
توسعه فرهنگی و تصویر ملی	✓ شناسایی بسترهای لازم در عرصه رسانه و ارتباطات جمعی بین‌الملل با رویکرد بازاریابی و بازرگانی
	✓ پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های تجاری ناظر بر تعاملات میان فرهنگی ملت‌ها
توسعه سیاست‌گذاری‌ها در	✓ طراحی زنجیره تبلیغ بین‌المللی
	✓ افزایش قدرت سازمان‌های ورزشی
توسعه عوامل ساختاری	✓ افزایش نقش نهادها و کنشگران غیردولتی
	✓ کاهش نقش انحصاری دولت‌ها
توسعه تعامل‌گرایی	✓ تغییرات در فناوری ارتباطی و اطلاعاتی
	✓ اشتغال‌زایی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ توسعه زیرساخت‌ها و امکانات
	✓ افزایش سطح دانش
توسعه تعامل‌گرایی	✓ توریست ورزشی
	✓ توسعه صادرات محصولات و خدمات ورزشی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ ورود به بازارهای جدید
	✓ تعداد همایش‌ها و سمینارهای ورزشی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ افزایش سفرهای بین‌المللی در زمینه ورزش
	✓ افزایش مسابقات ورزشی دوستانه برای حفظ و گسترش ارتباطات سیاسی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ رد و بدل شدن بازیکنان و مربیان
	✓ زمینه‌سازی ایجاد روابط بین‌المللی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ معرفی سیاست خارجی کشورها
	✓ شکل‌دهی افکار عمومی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ دستیابی به ساختار پاسخگو، شفاف، هماهنگ و منعطف برای سطوح مختلف ورزش کشور
	✓ تمرکز در سیاست‌گذاری و نظارت ملی و عد تمرکز در مدیریت اجرایی و اجرا
توسعه تعامل‌گرایی	✓ توجیه وجودی نهادها بر مبنای منطق هزینه فایده در هر سطح
	✓ ساختار نهادهای ورزشی بر مبنای بیشترین مشارکت ملی و مردمی
توسعه تعامل‌گرایی	✓ بیشترین انعطاف تشکیلاتی به کمک ساختار تشکیلاتی ترکیبی برای نهادهای ورزشی

توسعه پایدار	✓	افزایش نفوذ و قدرت سازمان‌های ورزشی کشور در سطح جهانی
	✓	کسب میزبانی رویدادهای بین‌المللی
	✓	جذب حامیان ورزشی بین‌المللی
	✓	توسعه رسانه‌های ورزشی داخلی
	✓	توسعه جذب گردشگران ورزشی

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی، نتایج گام‌های قبلی کدگذاری را به کار می‌برد، مقوله‌های اصلی را انتخاب می‌کند، آن را به شکل نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد، ارتباطات را اعتبار می‌بخشد و مقوله‌هایی را که نیاز به بسط و توسعه بیشتری دارند را توسعه می‌دهد. مدل پارادایمی این تحقیق بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین طراحی شد. مدل پارادایمی پژوهش به شرح شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: مدل پارادایمی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت مسائل اقتصادی در ورزش سبب گردیده است تا نیاز به ارائه مدل‌هایی در مسیر توسعه اقتصادی در ورزش به خصوص در فضای فعلی کشور ایران درک شود. تحقیق حاضر با هدف مستندسازی

دانش تجربی مدیران ورزشی با رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران طراحی و اجرا گردید. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که اهمیت ایجاد اسپین اف های ورزشی، برون سپاری در نهادهای ورزشی، جمع سپاری در نهادهای ورزشی و توسعه بلاک چین های ورزشی به عنوان عوامل علی بیش از پیش اهمیت توسعه اقتصادی در ورزش را نشان می دهد. ماین و چوی^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود مشخص نمودند که در مسیر توسعه مسائل اقتصادی در ورزش نیازمند ایجاد شاخه های گسترده از سازمان ها و شرکت های مختلفی هستیم. به نظر می رسد ایجاد اسپین اف های ورزشی، برون سپاری در نهادهای ورزشی، جمع سپاری در نهادهای ورزشی و توسعه بلاک چین های ورزشی می تواند به صورت مناسبی بسترهای مطلوبی جهت ایجاد درآمدهای پایدار در ورزش را فراهم نماید. شرایط علی شناسایی شده در این تحقیق می تواند دغدغه توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران را بیش از پیش مشخص نماید.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در مسیر توسعه اقتصادی در ورزش ایران، توسعه زیرساخت های ورزشی، توسعه گردشگر ورزشی، ترانفسر بازیکنان و مربیان، میزبانی رویدادهای ورزشی، کمک های بین المللی، حقوق بین المللی و محبوبیت ورزش به عنوان عوامل زمینه ای اهمیت دارند. ژانگ^۲ (۲۰۱۸) مشخص نمود که توجه به مسائل مربوط به گردشگری می تواند زمینه توسعه صنعت ورزش را فراهم کند. دیور^۳ (۲۰۱۴) نیز مشخص نمود که محبوبیت های ورزش در سطح بین المللی و حوزه های گسترده آن در ورزش می تواند زمینه ساز توسعه اقتصادی در ورزش گردد.

چمینیور، کریشنان و ناندی^۴ (۲۰۱۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که اسپین آف های دانشگاهی باعث افزایش بهره وری و کارایی، کاهش هزینه های مالی و توسعه و رشد اقتصادی شود. کیم، بوی و جونگ^۵ (۲۰۲۱) نیز مشخص نمودند که درآمدهای ناشی از نقل و انتقالات بازیکنان باعث شکل گیری درآمدهای پایدار در ورزش شده است. هولیهان و ژنگ^۶ (۲۰۱۵) نیز دریافتند که زیرساخت های ورزشی می تواند ضمن کمک به بهبود کیفیت ورزش، باعث ایجاد منابع مالی در ورزش گردد. پس می توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات ژانگ (۲۰۱۸)، دیوز (۲۰۱۴)، چمینیور، کریشنان و ناندی (۲۰۱۴)، هولیهان و ژنگ (۲۰۱۵) و کیم، بوی و جونگ (۲۰۲۱) همسوست. در تفسیر این مسئله باید گفت که وجود الزامات اولیه در ورزش خود می تواند زمینه توسعه اقتصادی ورزش را فراهم نماید. نمی توان انتظار داشت که مسائل اقتصادی خود به خود در ورزش شکل بگیرد و این امر

1 Min & Choi

2 Zhang

3 Deos

4 Chemmanur, Krishnan & Nandy

5 Kim, Bui & Jung

6 Houlihan & Zheng

مستند سازی دانش تجربی مدیران ورزشی: رویکرد کلان به توسعه اقتصادی در ورزش کشور ایران

نیازمند توجه به زیرساخت‌های مناسب در این حوزه است. توسعه زیرساخت‌های ورزشی، توسعه گردشگر ورزشی، ترانسفر بازیکنان و مربیان، میزبانی رویدادهای ورزشی، کمک‌های بین‌المللی، حقوق بین‌المللی و محبوبیت ورزش می‌تواند ضمن بهبود الزامات در حوزه ورزش، شرایطی را جهت توسعه زیرساخت‌های ورزشی در مسیر توسعه اقتصادی در ورزش را فراهم نماید. بدون شک توجه به عوامل زمینه‌ای شناسایی شده می‌تواند زیرساخت‌های مناسبی در ورزش جهت ایجاد منابع اقتصادی فراهم نماید.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در مسیر توسعه اقتصادی در ورزش ایران، عوامل تحریم‌ها و عدم فضای باز اقتصادی به عنوان عوامل مداخله‌گر دخالت دارند. عوامل مداخله‌گر به واسطه ایجاد موانعی در این حوزه سبب می‌گردد تا مسیر توسعه اقتصادی در ورزش ایران دچار مشکلات شدیدی شود. افشاری، اسمعیلی، رحمانی و محمدحسن (۱۳۹۹) در تحقیق خود دریافتند که مشکلات مربوط به تحریم‌های بین‌المللی سبب خدشه بر مسیر توسعه اقتصادی در ورزش ایران شده است. فارخودینوو و اساوینن (۲۰۲۱) نیز اشاره داشتند که با توجه به اینکه توسعه اقتصادی نیازمند برخورداری از یک فضای باز خلاقانه دارد، نبود بستر مناسبی در این زمینه می‌تواند آسیب‌هایی را به حوزه اقتصادی وارد نماید. پس می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات اسمعیلی، رحمانی و محمدحسن (۱۳۹۹) و فارخودینوو و اساوینن (۲۰۲۱) همسوست. در تفسیر این مسئله باید گفت که فضای اقتصادی نیازمند تعاملات داخلی و خارجی است، در حالی که تحریم‌های بین‌المللی و عدم فضای باز اقتصادی تعاملات داخلی و خارجی ورزش را تحت شعاع قرار می‌دهد. به عبارتی، عوامل مداخله‌گر شناسایی شده نقش کلیدی در مسیر توسعه اقتصادی ورزش ایران دارند و محدودیت‌هایی را در این زمینه ایجاد می‌کنند. پس برای توسعه اقتصادی در ورزش ایران باید ضمن توجه به عوامل مداخله‌گر موجود، بستری را جهت کاهش تأثیرات این عوامل در فضای ورزشی کشور ایجاد کرد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر می‌توان انتظار داشت که با پیاده‌سازی عوامل زمینه‌ای و مدیریت عوامل مداخله‌گر، بسنر توسعه اقتصادی ورزش ایران، توسعه فرهنگ و تصویر ملی، توسعه سیاست‌گذاری‌ها در ورزش، توسعه عوامل ساختاری، توسعه تعامل‌گرایی، توسعه اجتماعی و توسعه حامیان فراهم شود. پیشنهاد می‌گردد تا با اشراف حداکثری بر فرصت‌ها و تهدیدات اقتصادی در ورزش و شناسایی گذرگاه‌های اقتصادی در سطح داخلی و خارجی، از این مسیر به عنوان ظرفیتی جهت توسعه خدمات ورزشی به سایر کشورها استفاده کرد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا طراحی سازوکارهای حقوقی جهت تسهیل حضور ج.ا.ایران در رویدادهای ورزشی منطقه‌ای و جهانی و همچنین بستری جهت حضور افراد و گروه‌های صاحب نفوذ در سطح بین‌المللی مدنظر قرار گیرد. با توجه به اینکه توسعه فناوری، توسعه سرمایه‌گذاری در ورزش و توسعه حامیان تأثیر زیادی بر سایر

معیارهای توسعه اقتصادی صنعت ورزش دارند، پیشنهاد می شود مدیران سازمان های ورزشی، برای پیاده سازی دیپلماسی اقتصادی در ورزش به معیار پیامدها توجه کنند. با ارائه مدلی به منظور تبیین توسعه اقتصادی در ورزش، به مدیران سازمان های ورزشی توصیه می شود این مدل را در عمل به کار گیرند. برای توسعه پژوهش در زمینه توسعه اقتصادی در ورزش پیشنهاد می شود پژوهش های بیشتری پیرامون این موضوع و ارتباط آن با سایر مفاهیم مدیریت انجام شود. با توجه به اذعان محققان قبلی در زمینه تأثیر توسعه اقتصادی در ورزش بر سود سازمان ها و شرکت های خصوصی در ورزش پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده، ارتباط توسعه اقتصادی صنعت ورزش با کاربرد اقتصاد اشتراکی با سود سازمان ها و شرکت های خصوصی نشان داده شود.

منابع

- افشاری، مصطفی؛ اسمعیلی، محسن؛ رحمانی، مریم و محمدحسن، فهیمه. (۱۳۹۹). «تحریم و ورزش: تحلیل اثرگذاری تحریم بر ورزش ایران». پژوهش های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. ۱۲ (۳)، صص ۷۵-۸۸.
- شریفیان، اسماعیل؛ یوسفی، محمدحسین و قهرمان تبریزی، کوروش. (۱۳۹۵). «موانع درون بخشی صنعت ورزش در رقابت با کالاهای ورزشی خارجی». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱ (۱۷)، صص ۷۳-۸۲.
- محمدی عسگرآبادی، مسعود؛ عبدی، حسین و عباسی، همایون. (۱۳۹۹). «تحلیل تمایک عوامل موثر بر توسعه اقتصاد ورزش ایران». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، دوره ۹، شماره ۴، صص ۷۰-۷۹.
- محمدی، فروغ؛ کلاته، معصومه؛ رضوی، سیدمحمدحسین و فارسیجانی، حسن. (۱۳۹۸). «طراحی مدل کیفی توسعه اقتصادی صنعت ورزش ایران با رویکرد تولید در کلاس جهانی». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۸ (۱)، صص ۶۹-۸۴.
- میمنت آبادی، امیر؛ حسینی، شمس الدین؛ پدرام، عبدالرحیم و خلیلیان، صادق. (۱۳۹۹). «سناریوهای دهه آینده نظام اقتصادی تعاونی- های کشور». نشریه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی اسران، شماره ۴، صص ۷۹۷-۸۱۶.
- Alonso Dos Santos, M., Calabuig Moreno, F. (2020). **Management, marketing and economy in sports organizations**. 28, 175-179
- Chappelet, J, Emmanuel, B. (2005). **Strategic and performance management of Olympic sport organisations**. Human Kinetics.
- Chemmanur, T. J., Krishnan, K., & Nandy, D. K. (2014). "The effects of corporate spin-offs on productivity". Journal of Corporate Finance, 27, 72-98.
- Deos, A. (2014). "Sport and relational public diplomacy: the case of New Zealand and Rugby World Cup 2011". Sport in Society, 17(9), 1170-1186.
- Farkhoutdinov, I. N. I., & Isavnin, A. G. (2021). "Restructuring Outsourcing: Classification and Methodical Approach to Evaluating Expediency and Economic Effect". International Journal of Financial Research, 12(2), 274-283.
- Houlihan, B., & Zheng, J. (2015). "Small states: sport and politics at the margin". International journal of sport policy and politics, 7(3), 329-344.
- Huang, L. (2011). "Research on effect of Beijing post-olympic sports industry to China's economic development". Energy Procedia, 5, 2097-2102.
- Jokanović, B., Lalic, B., Milovančević, M., Simeunović, N., & Marković, D. (2017). "Economic development evaluation based on science and patents". Physica: A Statistical Mechanics and its Applications, 481, 141-145.
- Kim, Y., Bui, K. H. N., & Jung, J. J. (2021). "Data-driven exploratory approach on player valuation in football transfer market". Concurrency and Computation: Practice and Experience, 33(3), 53-60.

- Mahoney, T. Q., Lovich, J., & Brady, L. (2019). **Social Media Strategy in the Sporting Goods Industry**. Potential Application for Brooks Sports, Inc.
- Meier, M., Tan, K. H., Lim, M. K., & Chung, L. (2018). **“Unlocking innovation in the sport industry through additive manufacturing”**. Business Process Management Journal. 456-475.
- Min, D., & Choi, Y. (2019). **“Sport cooperation in divided Korea: an overstated role of sport diplomacy in South Korea”**. Sport in Society, 22(8), 1382-1395.
- Pedauga, L. E., Pardo-Fanjul, A., Redondo, J. C., & Izquierdo, J. M. (2020). **“Assessing the economic contribution of sports tourism events: A regional social accounting matrix analysis approach”**. Tourism Economics. 4, 15-22.
- Silvestre, B.S. & Țîrcă, D.M. (2019). **“Innovations for sustainable development: Moving toward a sustainable future”**. Journal of Cleaner Production, 208, 325-332.
- Su, X. (2020). **“Simulation of economic development of tourism industry based on FPGA and machine learning”**. Microprocessors and Microsystems, 103523.
- Vianna, A. C., & Mollick, A. V. (2018). **“Institutions: Key variable for economic development in Latin America”**. Journal of Economics and Business, 96, 42-58.
- Yuen, B. (2008). **“Sport and urban development in Singapore”**. Cities, 25(1), 29-36.
- Zhang, F. (2018). **“Research on Sports Tourism to Regional Economic Development from the Perspective of Ecotourism”**. In 2018 International Conference on Education, Economics and Social Science, 140-143.
- Zhang, J. J., Kim, E., Mastromartino, B., Qian, T. Y., & Nauright, J. (2018). **“The sport industry in growing economies: critical issues and challenges”**. International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 19(2), 110-126.

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی کشور

محمد نوروزیان^۱

مژگان خدامرادپور^۲

مظفر یکتایار^۳

هیرش سلطان‌پناه^۴



10.22034/SSYS.2022.1765.2250

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۳

هدف این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر ارزیابی فدراسیون‌های ورزشی کشور است. روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع اکتشافی بود. جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان و کارشناسان دارای سابقه تدریس دانشگاهی و فعالان حوزه مطالعات راهبردی، مدیران فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی، کارشناسان فدراسیون‌های ورزشی، مسئولان ادارات ورزش و جوانان، سیاست‌گذاران و مشاوران ورزشی بود. اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری برابر با ۱۶ نفر به‌دست آمد. روش نمونه‌گیری به‌صورت غیر احتمالی با انتخاب هدفمند بود. ابزار اندازه‌گیری، مصاحبه باز بود و داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی با کمک نرم‌افزار Maxqda نسخه ۲۰۲۰ تحلیل شد.

بر مبنای تحلیل داده‌ها ۶۲ مفهوم اولیه و ۹ مقوله اصلی شناسایی شد. شاخص‌های شناسایی شده شامل عوامل مدیریتی، مالی، توسعه زیرساخت‌های ورزش، توسعه منابع کالبدی و تجهیزاتی، عوامل آموزشی، امور پشتیبانی و برنامه‌ریزی، فناوری اطلاعات، کنترل و نظارت و عوامل فرهنگی بود. در نهایت با توجه به روند روبه رشد ورزش در عرصه جهانی می‌توان گفت که مدیران روشن‌بین فدراسیون‌ها باید در توسعه برنامه‌های خود این معیارها را مورد توجه قرار دهند و با ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد موجب هوشمندی سیستم و برانگیختن افراد در جهت رفتار مطلوب باشند.

واژگان کلیدی: فدراسیون‌های ورزشی، ارزیابی عملکرد و مطالعه کیفی.

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، واحد سمنجن، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنجن، ایران

۲ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد سمنجن، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنجن، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mozghnir1@yahoo.com

۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد سمنجن، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنجن، ایران

۴ استادیار، گروه مدیریت، واحد سمنجن، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنجن، ایران

مقدمه

مؤسسات، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی با هر مأموریت، رسالت، اهداف و چشم‌اندازی که دارند، در نهایت در یک قلمرو ملی یا بین‌المللی عمل می‌کنند و ملزم به پاسخگویی به مشتریان، ارباب رجوع و ذی‌نفعان هستند و تا زمانی که هدف‌شان سودآوری و رضایت مشتری است و هدف خود را اجرای کامل و دقیق وظایف قانونی و کمک به تحقق اهداف توسعه و تعالی کشور می‌دانند، باید در قبال این مسئولیت پاسخگو باشند (آلونسو و همکاران^۱، ۲۰۰۹). کیفیت و اثربخشی مدیریت و عملکرد آن عامل تعیین‌کننده و حیاتی در تحقق برنامه‌های توسعه و رفاه جامعه است. بنابراین بررسی نتایج عملکرد، فرایند مهم راهبردی تلقی می‌شود (اسکندری دستگیری و همکاران، ۱۳۹۶). ارزیابی عملکرد سازمانی به فرایند سنجش جامع عملکرد و در قالب عباراتی نظیر کارآیی، اثربخشی، معنی‌داری، توانمندسازی، قابلیت پاسخگویی در چارچوب اصول و مفاهیمی برای تحقق اهداف و وظایف سازمانی، ساختاری، برنامه‌ای و توسعه بلندمدت سازمان اطلاق می‌شود (اسفندیار و همکاران، ۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد برای سوق دادن سیستم‌ها به سمت استفاده صحیح و بهینه از منابع بسیار کمک‌کننده است. اطلاع از عملکرد واحد تحت نظارت مدیر یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند مدیر را در تصمیم‌گیری‌های مناسب یاری دهد. به کمک این شاخص مدیر می‌تواند درباره تجدید یا توسعه واحد تصمیم‌گیری کند (آسمیلد^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). علاوه بر این، ارزیابی عملکرد در سیستم‌ها به ایجاد حس رقابت بین واحدها منجر شده، بر عملکرد کلی سیستم تأثیر مثبت خواهد گذاشت. فایده بسیار مهم دیگر اندازه‌گیری عملکرد سیستم، چگونگی تخصیص بودجه یا درآمدها و پاداش‌ها به واحدهاست. واضح است که اندازه کارایی به‌دست آمده می‌تواند الگوی مفیدی در این زمینه فراهم کند (نژاد سجادی و سلیمانی دامنه، ۱۳۹۳).

از طرف دیگر، سازمان‌ها برای توسعه، رشد و پایداری در عرصه رقابت امروزی به نوعی سیستم ارزیابی عملکرد نیاز دارند تا بتوانند در قالب آن کارایی و اثربخشی خود را بسنجند. امروزه هیچکس در اهمیت و نقش ارزیابی عملکرد شکی ندارد. در حقیقت اعمال مدیریت بدون ارزیابی به‌سختی امکان‌پذیر است. ارزیابی عملکرد این امکان را فراهم می‌سازد تا سازمان با کاهش ضعف‌ها و افزایش قوت‌ها شرایط را برای بهبود مستمر فراهم کند (هنری و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از گام‌های اساسی در ارزیابی عملکرد هر سازمان طراحی و تدوین نظام ارزیابی آن سازمان است که تاکنون در تحقیقات زیادی و در سازمان‌های مختلف به آن پرداخته شده است (نژاد سجادی و سلیمانی دامنه، ۱۳۹۳).

1 Alonso

2 Asmild

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

ورزش نیز به عنوان یکی از چند صنعت برتر دنیا با توجه به گردش مالی بسیار زیادی که دارد، نیازمند سیستم نظارت و ارزیابی دقیق تری است. بنابراین در حوزه مدیریت ورزش نیاز جدی به یک روش قابل اعتماد برای ارزیابی عملکرد سازمان های ورزشی وجود دارد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۳). پیروزی، کسب مدال، رکورد و... شاخص هایی هستند که معمولاً برای سنجش کارایی و اثربخشی سازمان های ورزشی به کار می روند. سازمان های ورزشی نیز علاقه مندند عملکرد خود را در راستای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده اندازه گیری کنند. ولی سنجش واقعی و کامل عملکرد هنگامی انجام می گیرد که علاوه بر این شاخص ها از روش های دیگری در این زمینه استفاده شود (عبدالملکان، ۱۳۹۳).

ورزش به عنوان یک قدرت مؤثر در توسعه اجتماعی و اقتصادی، با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نقش مهمی در اقتصاد و سیاست کشورها دارد. عملکرد ورزشی، پدیده ای است مرتبط با تحلیل مدیریت که برای عملکرد بهتر ورزشی و برتری در مدیریت آن، ورزش را باید به مثابه یک سیستم نگریست و به عناصر کلیدی آن به عنوان یک سیستم یکپارچه توجه کرد (میرفخرالدینی و همکاران، ۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد در سازمان های ورزشی یکی از مقوله های مهم مورد توجه بسیاری از کارشناسان و مدیران این سازمان ها بوده است، چرا که این سازمان ها نیازمند، شناسایی وضع موجود خود به منظور توسعه برنامه های بهبود در راستای دستیابی به وضع مطلوب خود هستند (چادویک^۱، ۲۰۰۹). مطالعات جدیدی در حوزه سازمان های ورزشی انجام گرفته، اما رویکرد جامعی که بتواند این گونه سازمان ها را از ابعاد گوناگون ارزیابی کند، کمتر ارائه شده است. از این رو، سیستم اندازه گیری عملکرد مناسب، عاملی مهم برای برنامه ریزی مؤثر و کنترل سازمان های ورزشی است و می تواند به مدیریت در نظارت بر عملکرد، افزایش انگیزش، بهبود ارتباطات و تشخیص مشکلات کمک شایانی کند (هوزلر و همکاران، ۲۰۰۸). اگرچه پژوهش های زیادی در زمینه ارزیابی عملکرد سازمان های مختلف انجام شده است، اما در سازمان های ورزشی پژوهش های زیادی به چشم نمی خورد.

سازمان های ورزشی برای اطمینان از مطلوبیت فعالیت های که دارند، به خصوص در محیط های پویا نظیر اماکن ورزشی نیاز فراوانی به نظام ارزیابی عملکرد دارند. نظام ارزیابی اشاره به موضوعاتی مانند ارزشیابی از اعمال، روش ها، فرآیندها و ورودی ها و ستاندها (درونداد و بروندادهايش) دارد. از آنجا که فدراسیون ها هدایت گر امور ورزش هستند و از اولویت ویژه ای برخوردارند، طراحی مدل الگوی ارزیابی عملکرد فدراسیون ها باید در رأس کارها قرار گیرد. ارزیابی عملکرد برای ایجاد شفافیت، پاسخگویی و عملکرد کارا و مؤثر یک سازمان و نیز برای تصمیمات اداری و توسعه نیروی انسانی لازم و ضروری می باشد و باید آن را به گونه ای انجام دهند که پاسخگویی را افزایش دهد و منجر به اثربخشی سازمان گردد (وانگ

و همکاران^۱، ۲۰۰۹). فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران، مؤسسات عمومی غیردولتی اند که به عنوان مرجع تصمیم‌گیری در هر رشته ورزشی فعالیت می‌کنند. با وجود اهمیت ارزیابی عملکرد در فدراسیون‌های ورزشی به عنوان بالاترین مرجع در هر رشته ورزشی، تاکنون تحقیقات زیادی پیرامون تدوین نظامی برای ارزیابی عملکرد این واحدها انجام نشده و گاه براساس دیدگاهی عمومی، عملکرد فدراسیون‌ها با توجه به موفقیت یا شکست آنها در زمین‌های ورزشی و در رقابت‌هایی از قبیل بازی‌های المپیک، بازی‌های آسیایی و جام‌های جهانی ارزیابی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۲). این نوع نگاه به عملکرد فدراسیون‌ها به قضاوت‌های نادرست در مورد ارزیابی عملکرد این واحدها منجر شده و توجه به جنبه‌های دیگر عملکردی همانند موفقیت در توسعه ورزش با توجه به منابع موجود، میزان بهره‌وری، کارایی و میزان توسعه زیرساخت‌های ورزش را تحت شعاع قرار داده است، اما در اینجا باید یادآور شد که عملکرد ورزشی تنها بخشی از عملکرد سازمان‌های ورزشی را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت تدوین نظامی برای ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها به عنوان ابزاری قدرتمند برای تعیین میزان دستیابی آنها به اهداف از پیش تعیین شده و و نیز خود ارزیابی فدراسیون‌ها ضروری به نظر می‌رسد. یکی از ابزارهایی که اغلب در ارزیابی استفاده می‌شود، شاخص است که نقشی مهمی در اصلاح عملکرد نظام مورد ارزیابی دارد (نژاد سجادی و سلیمانی دامنه، ۱۳۹۳). با نظارت و ارزیابی می‌توان میزان دستیابی به اهداف، مقایسه برنامه با استانداردها، تعیین ارزش و رتبه هر جنبه از برنامه و میزان اثر بخشی آن را شناخت (مادلا و همکاران^۲، ۲۰۰۵). سیستم‌های سیستم‌های ارزیابی عملکرد موجب هوشمندی سیستم و برانگیختن افراد در جهت رفتار مطلوب می‌شوند و بخش اصلی تدوین و اجرای سیاست سازمانی محسوب می‌گردند. ارزیابی عملکرد سازمان با شیوه‌ای درست و علمی موجب تشخیص نارسایی‌ها و ضعف‌ها، بهبود و اصلاح اختلالات زیان آور، افزایش بهره‌وری و رشد و ارتقای کیفی امور، پرورش استعدادها، کارکنان و تقویت انگیزش آنها، ایجاد فرصت رقابت سالم، برقراری نظام شایستگی و بهبود مدیریت خواهد شد. شاخص‌های ارزیابی به تشخیص راه کمک می‌کنند و انتخاب راه صحیح و رسیدن به مقصد را میسر می‌سازند (احمدی، ۱۳۹۲). سازمان‌های امروزی به‌خوبی دریافته‌اند که ۸۰ درصد ارزش‌افزایی آنها از طریق دارایی‌های نامشهودشان شامل سرمایه‌های انسانی (دانش و مهارت‌های کارکنان)، سرمایه‌های سازمانی (فرهنگ سازمان و ارزش‌های حاکم بر آن) و سرمایه‌های اطلاعاتی (منابع اطلاعاتی و داده‌های آماری) ایجاد می‌شود و دیگر نمی‌توانند صرفاً با اتکا به دارایی‌های مشهود، ارزیابی عملکرد و در پی آن مدیریت عملکرد جامعی انجام دهند (کاپلان و همکاران^۳، ۲۰۰۶). بنابراین از روش‌های ارزیابی عملکرد به عنوان ابزاری جهت کنترل اجرای راهبردهای خود استفاده

1 Vank et al.

2 Madela et al.

3 Kaplan et al.

می نمایند و همواره به دنبال راه حلی جامع برای تغییر و بهبود سازمان خود هستند و روشی را که کوچک، مستمر، کم هزینه، قابل درک و فهم مشترک برای کارکنان، ارتباط دهنده فرآیندها و کارکنان، برآورده کننده خواسته های ذینفعان و توسعه کارکنان باشد و از تجربه و دانش کارکنان استفاده نماید و آنها را در فرآیند ارزیابی عملکرد مشارکت نماید، جستجو می نمایند. کنترل، نظارت و ارزیابی در مرکز هر فعالیت و برنامه اجرایی قرار دارد (بولتون^۱، ۲۰۰۳). طی دو دهه اخیر، مدیریت عملکرد سازمانی با تبدیل شدن به یکی از موضوع های مورد توجه و جذاب، هم در زمینه های تحقیقاتی و هم در زمینه های کاربردی، به بروز نوآوری های بسیاری منجر شده است. امروزه سنجش موفق سازمانی و اجرای مؤثر راهبردها برای موفقیت آینده به چالشی برای مدیران، پژوهشگران و مشاوران تبدیل گردیده است (سیگارتسلینر و همکاران^۲، ۲۰۱۸)؛ به طوری که مدیران ارشد همواره در جست و جوی راه حلی برای حصول اطمینان از اجرای راهبردهای خود بوده اند و در این میان روش های ارزیابی عملکرد را به عنوان ابزاری برای کنترل اجرای راهبردهای خود برگزیده اند (لی^۳، ۲۰۰۷). مصفا (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی استان گیلان با رویکرد کارت امتیازی متوازن»، چارچوبی را برای ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی استان گیلان طراحی کردند و سپس شاخص های ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی استان گیلان را امتیازدهی و استانداردسازی نمودند. نتایج نشان داد بیشترین امتیاز مربوط به عامل فرآیندهای داخلی و بیشترین استاندارد درصد افزایش نسبت به سال گذشته مربوط به عامل مالی بود. نتایج پژوهش اسکندری دستگیری و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از آن بود که بین مولفه های ارزیابی عملکرد ارتباط مستقیمی وجود دارد و همبستگی بین مولفه باعث بالا رفتن و بهبود کارایی فدراسیون های ورزشی می شود. کریمی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین و پیاده سازی مدل ترکیبی کارت امتیازی متوازن و تحلیل پوششی داده ها در ارزیابی عملکرد و رتبه بندی هیئت های ورزشی» بیان کردند پس از پیاده سازی مدل کارت امتیازی متوازن و تحلیل پوششی داده ها، هیئت های تکواندو، کاراته، شطرنج و دوومیدانی براساس کارایی بالاترین رتبه را به خود اختصاص دادند. ارزیابی متوازن و حفظ تعادل بین جنبه های کارت امتیازی متوازن، خطی بودن مدل، جامع نگری، انعطاف پذیری مدل و قدرت تفکیک بالا از مزایای مدل پیشنهادی هستند. بنابراین، با توجه به این برتری ها، بهره گیری از فرایند تبیین شده می تواند در ارزیابی عملکرد و رتبه بندی هیئت های ورزشی بسیار کارآمد باشد. همچنین محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی براساس شاخص بنیاد مدیریت کیفیت اروپا (مطالعه موردی: فدراسیون قایق رانی)» بیان کردند که می توان گفت شرایط در عوامل مرتبط با توانمندسازی، نسبتاً مناسب است و در معیارهای رهبری، خط مشی،

1 Bolton

2 Sieghartsleitner et al.

3 Lee

راهبرد و فرایند و در معیارهای کارکنان، شراکت‌ها و منابع، بیانگر صحت این ادعا می‌باشند- این درحالی است که شرایط تمامی معیارهای نتایج، ضعیف ارزیابی می‌شود. علاوه بر این و بر مبنای نتایج، بالاترین هم- بستگی بین خط‌مشی‌ها و راهبردها و متغیر اصلی وجود دارد و پایین‌ترین هم‌بستگی نیز بین کارکنان و نتایج کلیدی عملکرد مشاهده می‌شود. نژادسجادی و سلیمانی دامنه (۱۳۹۳) طی پژوهشی دریافتند که اولویت‌بندی در میان چهار معیار کلی ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها امور پشتیبانی و برنامه‌ریزی، توسعه زیرساخت‌های ورزش، امور فنی و ورزشی و توسعه منابع کالبدی و تجهیزاتی به ترتیب در اولویت‌های اول تا چهارم قرار گرفته‌اند. همچنین ظریفی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «طراحی و سنجش نظام ارزیابی عملکرد منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان براساس تکنیک طراحی مبتنی بر بدیهیات» بیان کردند که سه عامل گزینش کارمندان، شاخص‌های عملکردی منابع انسانی، حفظ کارمندان و خرده مقیاس‌های آن‌ها برای طراحی و سنجش نظام ارزیابی عملکرد منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان مناسب می‌باشند. همچنین هیچ یک از سؤالات این مؤلفه‌ها از مدل پژوهش حذف نشدند. لذا این وزارت‌خانه با توجه به نتایج پژوهش باید امکان شناسایی زمینه‌های نظام ارزیابی عملکرد را میسر سازد و به شناسایی فرصت‌ها و محدودیت‌های آن کمک نماید. با توجه به اهمیت موارد یادشده و از آنجایی که در زمینه ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها و ارائه الگوی ارزیابی عملکرد در کشورمان پژوهش‌های کمتری انجام شده است، انجام دادن پژوهش حاضر ضروری می‌نمود و محقق امیدوار است گوشه‌ای از عملکرد موجود در فدراسیون‌های جمهوری اسلامی ایران را مورد کنکاش قرار دهد. بر این اساس می‌توان گفت تدوین نظامی برای ارزیابی عملکرد سازمان‌های ورزشی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تعیین میزان دستیابی آن‌ها به اهداف از پیش تعیین‌شده و نیز خود ارزیابی سازمان‌های ورزشی ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، سازمان‌های ورزشی نقش حیاتی و بسیار مهمی در توسعه ورزش دارند. لذا برای رسیدن به اهداف خود نیازمند به یک سیستم ارزیابی عملکرد مناسب هستند. با توجه به این که تا کنون اقدام علمی منسجمی در جهت ارزیابی عملکرد سازمان‌های ورزشی کشور نشده و ارزیابی‌های موجود بیشتر به‌صورت تجربی و بر مبنای چند سؤال باز صورت گرفته، امید آن داریم که نتایج آن بتواند عملکرد فدراسیون‌ها را ارزیابی کند و الگوی مناسب و خوبی را برای ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها در اختیار مسئولان وزارت ورزش و جوانان قرار دهد.

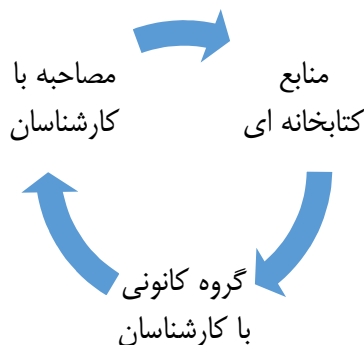
روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش کیفی بود که با نظریه داده‌بنیاد و رویکرد گلیزر^۱ انجام گرفت؛ به این صورت که عوامل مستخرج شده از مصاحبه‌های انجام گرفته، استخراج گردید. هدف استفاده از رهیافت تحقیق کیفی در مطالعه حاضر، شناسایی عوامل موثر بر ارزیابی فدراسیون‌های ورزشی کشور بود که از روش

1 Glaizer

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد، برای مصاحبه، یک پروتکل با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش تهیه گردید که در ابتدا مورد تایید اساتید و خبرگان حوزه قرار گرفت. مصاحبه ها از متخصصان، کارشناسان دارای سابقه تدریس دانشگاهی و فعالان حوزه مطالعات راهبردی، مدیران فدراسیون ها و هیئت های ورزشی، کارشناسان فدراسیون ها و هیئت های ورزشی، کارکنان و مسئولان ادارات ورزش و جوانان، سیاست گذاران و مشاوران ورزشی انجام شد. رشته تحصیلی و داشتن تالیفات علمی مرتبط با موضوع، دارا بودن سمت های مدیریتی و تجارب اجرایی در حوزه ورزش از جمله شاخص های انتخاب فهرست اولیه صاحب نظران بود. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری غیراحتمالی^۱ با انتخاب هدفمند و با حداکثر تنوع یا ناهمگونی بود. اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری برابر با ۱۶ نفر بود. همچنین در این تحقیق جمع آوری اطلاعات به شکل کتابخانه ای و میدانی انجام گرفت. برای گردآوری اطلاعات ابتدا ادبیات و پیشینه تحقیق با استفاده از کتب، مجلات، پایان نامه های مربوط، آیین نامه و اسناد مرتبط و سایت های اینترنتی مورد بررسی قرار گرفت. پس از تهیه راهنمای مصاحبه به نمونه آماری مراجعه شد و داده های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه های باز جمع آوری شد. گفتنی است به جهت نو بودن تحقیق و محدودیت احتمالی داده ها، از رویکرد مثلث سازی^۲ استفاده شد. مثلث سازی به فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون جهت جمع آوری اطلاعات در تحقیق اطلاق می شود (اسکینر و همکاران^۳، ۲۰۱۴). با توجه به استفاده از شیوه مثلث سازی (استفاده از منابع چندگانه) در این تحقیق از موارد منابع متنوع به منظور جمع آوری اطلاعات استفاده شد.



شکل ۱: فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون جهت جمع آوری اطلاعات

-
- 1 . Non probability
 - 2 . Triangulation
 - 3 . Skinner et al.

علاوه بر این، در پژوهش حاضر جهت سنجش روایی از معیارهای اسکینر و همکاران (۲۰۱۴) استفاده شد که در جدول ۱ به آن اشاره گردیده است:

جدول ۱: روش‌های اطمینان از روایی

روش‌های اطمینان از روایی	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری طولانی مدت	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق
مشاهده پایدار	مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت‌کنندگان
بازرسی مجدد مسیرکسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به‌دست آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت توسط محقق و یک همکار (دانشجوی دکتری) آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن با مشارکت‌کنندگان	بررسی اطلاعات به‌دست‌آمد به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در مورد نتایج
مثلث‌سازی	استفاده از منابع متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها
مقایسه مستمر	مقایسه داده‌های به‌دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به‌صورت مستمر در تمام طول تحقیق

برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک متخصص مدیریت ورزشی که در مراحل انجام پژوهش حضور داشت و از آگاهی مناسبی در مورد این پژوهش برخوردار بود، درخواست شد تا به عنوان همکار در کدگذاری تحقیق شرکت کند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری به همکار تحقیق انتقال داده شد. سپس محققان به همراه همکار، به عنوان نمونه دو مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری کردند و درصد توافق درون موضوعی محاسبه شد که با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق درون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تعداد کل کدهای که به ثبت رسیده است معادل ۶۲ کد و تعداد کل توافقات بین کدها معادل ۲۵ می‌باشد. همچنین، پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش معادل ۸۰/۰ درصد به دست آمد. لذا با توجه به این که میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان گفت که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب می‌باشد.

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

جدول ۲: محاسبه پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	کدهای مورد توافق	کدهای عدم توافق	پایایی
۱	۶	۲۹	۱۲	۷	۰/۸۲
۲	۱۱	۳۳	۱۳	۹	۰/۷۸
	جمع	۶۲	۲۵	۱۶	۰/۸۰

سرانجام جهت تجزیه و تحلیل داده ها در مرحله کیفی از تحلیل مضمون استفاده شد. گفتنی است کلیه تحلیل های آماری با کمک نرم افزار مکس کیودای^۱ نسخه ۲۰۲۰ انجام گرفت.

یافته های پژوهش

جدول ۳: توصیف ویژگی های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

ردیف	سن	جنسیت	شغل	مدرک تحصیلی
۱	۴۲	مرد	کارشناس وزارت ورزش	کارشناسی ارشد
۲	۵۶	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای مدیریت ورزشی
۳	۵۵	زن	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	مدیریت ورزشی
۴	۴۵	مرد	کارشناس و مسئول فدراسیون ها در وزارت ورزش	کارشناسی ارشد
۵	۵۵	زن	دبیر کل فدراسیون	دانشجوی دکتری تربیت بدنی
۶	۴۲	زن	مدیرکل اداره ورزش و جوانان	دانشجو دکتری تربیت بدنی
۷	۵۹	مرد	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	دکترای مدیریت ورزشی
۸	۶۲	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای مدیریت ورزشی
۹	۵۴	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای مدیریت ورزشی
۱۰	۴۹	زن	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	دکترای مدیریت راهبردی
۱۱	۴۶	مرد	کارشناس فدراسیون	دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی
۱۲	۶۴	زن	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای ورزشی
۱۳	۵۲	زن	رئیس فدراسیون	دانشجو دکتری تربیت بدنی
۱۴	۴۸	مرد	کارشناس وزارت ورزش	کارشناسی ارشد
۱۵	۵۶	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای مدیریت ورزشی
۱۶	۵۵	مرد	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	دکترای مدیریت ورزشی

در پژوهش حاضر بعد از ۱۶ مصاحبه اشباع نظری حاصل گردید. با انجام مصاحبه با این افراد، تشخیص محقق و گروه تحقیق این بود که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست.

جدول ۴: یافته‌های ارائه شده

نشانگر	کد اولیه	کدبندی محوری	کدبندی اصلی
P2,p4,p8	همهانگ شدن با اهداف سازمان	مدیریتی	
P4,p12	تدوین و اولویت‌بندی اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت		
P3,p13	میزان استفاده از نظرات هیئت‌های استانی در تدوین و اصلاح آئین‌نامه‌ها		
P3,p16	نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت مالی جهت استفاده از بهینه از منابع		
P3,p8,p9	میزان ایجاد روحیه کار گروهی در میان هیئت‌ها و فدراسیون		
P8,p9,p11	ایجاد فضای ورزشی خاص بانوان و امتیازات خاص در جهت حضور بیشتر بانوان		
P10,p1	تدوین برنامه‌ها جهت جذب افراد داوطلب		
P2,p7,p9	تدوین برنامه‌های استعدادیابی در تمام استان‌ها		
P13	تدوین برنامه‌ها جهت گسترش فعالیت‌های ورزش همگانی در مراکز عمومی، پارک‌ها، دانشگاه‌ها و دیگر سازمان‌ها		
P5,p9	نحوه میزان سیاست‌گذاری فدراسیون در بخش خصوصی		
P7, P9	مشارکت و همکاری فدراسیون با دیگر سازمان‌ها مانند سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و دیگر سازمان‌ها	مالی	ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها
P1,P2	توجه به درآمد و کنترل هزینه		
P3,p9	کسب درآمد از پخش تلویزیونی		
P8,p12	میزان حمایت مالی ارگان‌ها و سازمان‌ها از فدراسیون در سال		
P10,p14	تعداد فعالیت‌های بازرگانی، تبلیغاتی و تولیدی به منظور تقویت بنیه مالی فدراسیون		
P2	میزان عواید حاصل از ارائه برنامه‌های ورزشی و آموزشی در سال		
P13,p14	اخذ کمک‌های بلا عوض در جهت ارتقا و بهبود خلاءهای فدراسیون		
P1, P4	میزان دریافتی‌ها از فدراسیون‌های قاره‌ای و جهانی		

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

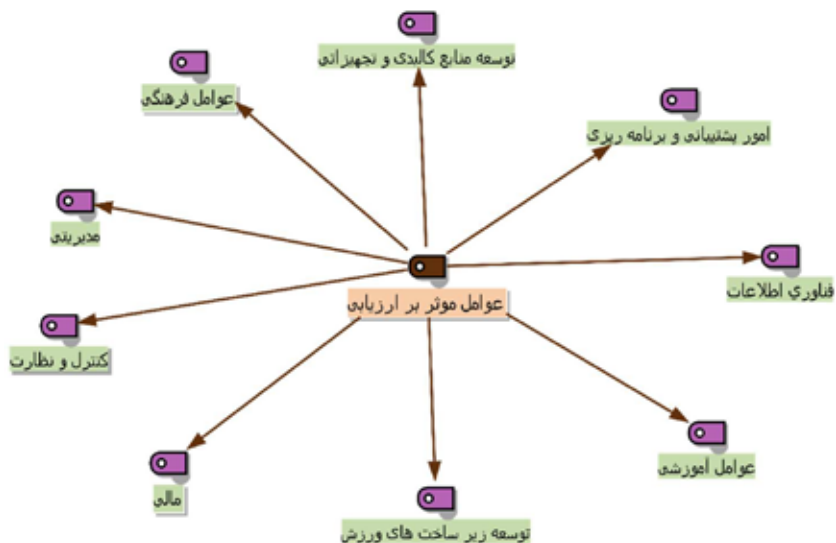
	میزان درآمدها حاصل از برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزشی	P10, P13
	درآمدهای حاصل از بستن قراردادهای حامیان مالی	P,7P10
	کیفیت و کمیت دستورالعمل های فنی و مالی	P1,p16
	رشد تعداد ورزشکاران سازمان یافته در فدراسیون	P1,p9
توسعه زیر	ارتقای دانش علمی و عملی مربیان	P7,p16
ساخت های	توسعه سرانه ورزشی در فدراسیون	P4,p6,p12
ورزش	رشد میزان سرمایه گذاری در رشته مورد نظر	P10, P24
	بالا بردن کیفیت برگزاری دوره های آموزشی	P2,p9
	کیفیت و کمیت دستورالعمل های فنی و مالی	P2,p14
	توسعه سرانه ورزشی افراد در رشته مورد نظر	P2,p14,p15
توسعه منابع	میزان بهره وری از امکانات موجود	P7,p15
کالبدی و	میزان استاندارد سازی وسایل و تجهیزات	P4,p9,p14
تجهیزاتی	میزان توسعه امکانات اردویی فدراسیون	P6,p8,p13
	رشد تجهیزات ورزشی در فدراسیون	P9
	تعداد مدارس ورزشی راه اندازی شده برای توسعه قهرمان - پروری	P14,p15
	به کارگیری مربیان سطح بالای بین المللی برای آموزش	P3,p7,p13
	برگزاری دوره های آموزشی جهت ارتقای بخش مدیریتی در سال	P8,P12
	نحوه اطلاع رسانی فدراسیون در مورد قوانین تغییر یافته به مربیان، داوران و بازیکنان	P4,12,P16
عوامل آموزشی	برگزاری کلاس های آموزشی مدیران و مسئولان با هدف بالا بردن سطح کیفیت و کاربرد شیوه های علمی در فدراسیون	P2,P8,P16
	برگزاری کلاس های تئوری دانشگاهی مانند روانشناسی ورزشی، تغذیه ورزشی، آسیب شناسی ورزشی و ...	P4,P7,P16
	تعداد برگزاری کارگاه و کلاس های مختلف IT برای مدیران و مسئولان و دست اندکاران اجرایی	P7,P16
	برقراری سیستم نظارت و ارزیابی	P2,P15
امور پشتیبانی و	داشتن برنامه ریزی راهبردی	P1,P6,P13
برنامه ریزی	برنامه و اهداف سالانه پشتیبانی	P11,P14
	پایگاه های قهرمانی فعال	P10,P16
	استانداردهای رایج در عملکرد (TGM)	P12

	اجرای برنامه‌های وزارت ورزش و جوانان	P9,P13
	میزان استفاده بهینه از فناوری اطلاعات برای تقویت و پیشبرد اهداف فدراسیون	P2,P7,P13
	کیفیت راه‌اندازی سایت تخصصی فدراسیون و به روزرسانی سایت	P2,P7,P11
	میزان استفاده از رسانه‌ها برای انعکاس اخبار جهت رسانه عمومی	P1,P7,P10
فناوری اطلاعات	میزان استفاده از رسانه جهت اطلاع‌رسانی برای پیشبرد ابعاد همگانی	P2,P4,P14
	وجود سامانه مدیریت اطلاعات هیئت‌ها و تجهیزات ورزشی استان‌ها	P1,P8
	میزان تهیه الکترونیکی آمار ورزشکاران مربیان، داوران، قهرمانان و پیشکسوتان	P2,P11
	کیفیت مطلوب فضا و امکانات دفتری، اداری و رایانه‌ای برای فدراسیون	P9,P13
	تشویق و معرفی هیئت‌های برتر و ایجاد انگیزه در بین آنها	P8,P12
	میزان طراحی و ایجاد نظام نگهداری و تعمیر تجهیزات و تسهیلات	P4,12,P16
	ایجاد و گسترش نظام ارزیابی عملکرد مسابقات داخلی	P2,P8,P16
کنترل و نظارت	ایجاد و گسترش نظام ایمنی در ورزش و مسابقات فدراسیون	P4,P7,P16
	میزان استانداردسازی لازم در مورد تجهیزات و وسایل طبق مقررات فدراسیون بین‌المللی	P7,P16
	میزان رضایت ورزشکاران، مسئولان و کارکنان از خدمات رفاهی	P10
	پاسخگویی به موقع به شکایات ورزشکاران و هیئت‌ها	P1,P9,P16
	میزان برنامه‌ریزی جهت غنی‌سازی اوقات فراغت سالمندان جامعه	P7,P12
عوامل فرهنگی	برنامه‌ریزی فرهنگی جهت نهادینه کردن و گسترش ورزش در جامعه	P16
	برنامه‌ریزی جهت غنی‌سازی اوقات فراغت بانوان	P4,P14

نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی نشان داد که عوامل موثر بر ارزیابی فدراسیون‌های ورزشی کشور از ۹ عامل و ۶۲ کد مستخرج از مصاحبه‌ها تشکیل شده است.

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. همچنین این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط میان عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون‌ها را نمایان می‌کند (کریوگر و نیومن، ۲۰۰۶). این فرایند در شکل ۲ نمایان است:



شکل ۲: مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مدیریت و پایداری سازمان به عنوان مهمترین اولویت سازمان‌های دولتی و خصوصی در سطح جهان مطرح است. پژوهش‌های مختلف نشان داده است که بین مدیریت مناسب، خدمات با کیفیت بالا و پایداری سازمانی ارتباط ناگسستنی وجود دارد (میلر و همکاران، ۲۰۰۶). مدیریت در نهادهای ورزشی از جمله فدراسیون‌ها در غلبه بر موانع ارائه خدمات ورزشی مورد نیاز جامعه و سلامت همگانی و توسعه ورزش قهرمانی به روشی عادلانه، اثربخش، کارآمد و با کیفیت بالا که رضایتمندی جامعه و ورزشکاران را نیز به دنبال داشته باشد، نقشی حیاتی ایفا می‌نماید. در نظام‌های ورزشی با توجه به فقر حرکتی جامعه و تغییرات سریع اجتماعی، اقتصادی، فناوری، پیشرفت صنعت ورزش و شاخص‌های مهمی مانند اثربخشی و کارآیی اهمیت مدیریت از پیش آشکار شده است. توسعه مدیریت بر مبنای این مفهوم قرار دارد که سازمان‌ها زمانی رشد می‌کنند و تقویت می‌شوند و به بلوغ می‌رسند، از نظر قابلیت‌های مدیریتی چند مرحله را پشت سر می‌گذارند. درک این مراحل به ما کمک می‌کند تا قابلیت‌های مدیریتی

موجود در سازمان را به‌طور نظام‌مند ارزیابی کنیم و اقدامات مهمی برای توسعه سازمان طراحی و اجرا نماییم. سازمان‌های موفق به‌طور دایم خود را ارزیابی می‌کنند تا مناسب با تقاضاهای جدید و تحولاتی محیطی اقدامات مدیریتی خود را بهبود بخشند. ارزیابی مدیریت به مدیران کمک می‌کند تا دریابند که در هریک از زمینه‌های مدیریتی در چه مرحله‌ای از طیف توسعه مدیریت قرار دارند و اهداف روشنی را برای بهبود قابلیت‌های مدیریتی خود تعیین کنند (هلفن بینگ و همکاران، ۲۰۰۲). تدوین برنامه‌های استعدادیابی از مهمترین عوامل در شاخص مدیریت به حساب می‌آید که با تحقیق نژادسجادی و سلیمانی دامنه (۱۳۹۳) همخوانی دارد. نقش آموزش و پرورش در ایجاد تحول در نونهالان، نوجوانان و جوانان و جامعه بر کسی پوشیده نیست. آموزش و پرورش به عنوان ارکان کلیدی در نهادهای ورزش در کشور نقش مهمی بازی می‌کند و این موضوع با نتایج تحقیق مبینی بر همکاری و مشارکت فدراسیون با آموزش و پرورش همخوانی دارد- تحقیق رضوی و همکاران (۱۳۸۷) نیز این موضوع را تایید می‌نماید. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که سازمان‌های ورزشی باید برنامه و تقویم ورزشی ارائه دهند. اسلیک و هینگ^۱ (۲۰۱۸) اشاره می‌کنند که برنامه‌ریزی بلندمدت اجازه می‌دهد که سازمان‌های ورزشی ملی نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کنند و از طریق برگزاری جلسات و استفاده از نظرات هیئت‌های استانی در برنامه‌ریزی و مدیریت فدراسیون‌های ورزشی ارزیابی به عمل آورند. بر طبق نظریه رنسیس لیکرت در نظام مدیریتی چهارگانه که امروزه در سازمان‌ها قابل اجراست، سازمان می‌تواند فعالیت‌های خود را بهتر و بیشتر ادامه دهد و این حرکت انگیزه مدیران و رؤسای هیئت‌ها را به مقدار قابل توجهی افزایش می‌بخشد و از فرسودگی شغلی کارکنان می‌کاهد. یافته‌های تحقیق صدیقی (۱۳۹۰) این موضوع را پررنگ می‌سازد. بنا بر مطالعات روس (۲۰۱۶) بهترین راه حل برنامه‌ریزی در سطح بالای سازمان نیست، بلکه مشارکت افراد به نمایندگی از مجموعه کامل سازمان کار در جلسات و کار گروهی است. تدوین و برنامه‌ریزی جهت گسترش ورزش همگانی همچنان که در اساسنامه فدراسیون‌ها تاکید شده، مراکز عمومی پارک‌ها، دانشگاه‌ها و استان‌ها و شهرداری‌ها و ... در پیشبرد این هدف نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. هدف این بخش در ارزیابی مدیریت با نتایج تحقیق جلالی و آقایی (۱۳۹۸) همخوانی دارد.

سازمان‌ها از دیرباز در اندیشه استفاده مفید، کارا و ثمربخش از امکانات و منابع مالی در دسترس خود بوده اند. در عصر کنونی این امر بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. همه ارگان‌ها بر تاثیرات شاخص مالی در دستیابی به اهداف سازمان و عملکرد سازمان‌ها واقف هستند. اولویت دومی که از نتایج این تحقیق به‌دست آمد بر شاخص مالی تاکید می‌کند. برنارد و باس (۲۰۱۴) موفقیت یا عدم موفقیت ورزشی را نتیجه چندین عامل از جمله منابع مالی، اجتماعی و جمعیت یک کشور می‌داند. نژادسجادی و

1 Slik & Hing

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

سلیمانی دامنه (۱۳۹۳) و هاوولز اس (۲۰۱۸) نیز به پشتیبانی و حمایت همه جانبه وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک تاکید نموده‌اند. در مطالعه مونیانگوگا (۲۰۰۷) برای دستیابی به رسالت و عملکرد موثر کارآمد فدراسیون ملی روندا، به مکانیزم توسعه بودجه مانند شناسایی حامیان مالی، سازماندهی و جمع‌آوری کمک‌های مردمی و افزایش تعداد اعضا و ارائه یارانه‌های دولتی اشاره شده است. بوسچر و بینگم (۲۰۱۸) سرمایه‌گذاری را یک عامل بسیار مهم در دستیابی به بالاترین سطح موفقیت ورزشی بین‌المللی می‌دانند. این نشان می‌دهد که فدراسیون و نهادهای مربوطه باید با برنامه‌ریزی مالی مدون و اختصاص منابع مالی و یارانه‌ها و حمایت مالی در صدد بهبود این شاخص باشند. همچنین وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک باید منابع مالی بیشتری را در اختیار فدراسیون‌ها قرار دهند؛ به‌طوری‌که بوچر و کوته (۲۰۱۲) بودجه را مانند موتوری می‌داند که فرآیند مدیریت هر سازمان ورزشی را هدایت می‌کند. در این زمینه می‌توان به نتایج پژوهش افرینش خاکی (۱۳۸۳) اشاره کرد که دریافت یکی از شاخص‌های مهم موفقیت برای سازمان‌های ورزشی شاخص قهرمانی در رشته است که باید برای بهبود این شاخص سطح دانش علمی و فنی مربیان را ارتقا داد و مراحل استعدادیابی با توجه به الگوهای موفق صورت پذیرد. بنابراین سازمان تربیت بدنی و فدراسیون‌های ورزشی برای حضور موفق در عرصه جهانی ورزش باید توجه به این امور را سرلوحه فعالیت‌ها و برنامه‌های خود قرار دهند. فدراسیون‌ها با ارزیابی از شاخص قهرمانی می‌توانند موقعیت خود را محک زند و با استفاده از نتایج و بازخورد آنها مسیر ترقی خود را هموارتر سازند.

امروزه آموزش به عنوان یکی از مکانیزم‌های اصلی توسعه منابع انسانی در حوزه سازمان‌ها مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و مسئولان و مدیران آموزش قرار گرفته است. آنچه به‌ویژه در سازمان‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است، جهت‌گیری فعالیت‌های آموزشی به سمت دیدگاه‌های سیستمی و نگرش‌های راهبردی می‌باشد که ضرورت آن با توجه به شرایط نوین جهانی، فناوری‌های پیچیده، سرمایه دانش و تغییر در مشاغل دو چندان می‌نماید. تلفیق و تمرکز نگرش سیستمی و جهت‌گیری راهبردی با کارکردهای اصلی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی آموزشی، چرخه آموزش در سازمان‌ها را هدفمند، عقلایی، پویا و انعطاف‌پذیر می‌نماید. آموزش نقش اساسی در تحول و به‌روز کردن هر نظام سازمانی دارد. نقش این عامل در سازمان‌های ورزشی و نیز توسعه قهرمانی به‌وفور یافت می‌شود. کنترل، فعالیت است که ضمن آن عملیات پیش‌بینی شده با عملیات انجام‌شده مقایسه می‌گردد و در صورت وجود اختلاف و انحراف بین آنچه باید باشد و آنچه که هست، به رفع و اصلاح آنها اقدام می‌شود. شاید به جرات بتوان گفت که انجام هر فعالیتی در سازمان قرین توفیق نخواهد بود مگر آنکه کنترل‌های لازم به عمل آمده باشد. به کمک کنترل است که مدیریت نسبت به نحوه تحقق هدف‌ها و انجام عملیات آگاهی می‌یابد و

قدرت پیگیری و در صورت لزوم، سنجش و اصلاح آنها را پیدا می‌کند. کنترل، ابزار کارآمد مدیران در رده‌های مختلف سازمان از مراتب عالی تا رده‌های سرپرستی است و لزوم آن را در مراتب مختلف به‌سادگی می‌توان احساس کرد. شاید مهمترین مسئله‌ای که وجود کنترل را ضروری می‌سازد، آن است که پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های عملیاتی در سازمان همواره با درصدی از خطا توأم است و برای رفع این خطاها و اصلاح عملیات، کنترل تنها راه چاره است. از آنجا که فرد جزء اساسی از سیستم کنترل در سازمان است، بحث‌هایی که به آن خواهیم پرداخت حاوی مرزبندی‌های دقیقی بین کنترل برنامه‌ها و کنترل افراد در سازمان است. مدیران همواره بر این نکته تأکید داشته باشند که یک مکانیزم کنترلی در قالب نظارت و ارزشیابی بر فعالیت‌ها تضمین‌کننده و حافظ بقای اهداف سازمان است. از این رو، اندازه‌گیری عملکرد به عنوان چراغ راه و هدایتگر کلیه فعالیت‌های مدیریتی مطرح است و رشد و توسعه پایدار سازمان‌ها و موسسات کشور و پیامدهای آن یعنی رشد اقتصاد ملی مرهون سنجش، اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل، مقایسه و انجام اقدامات لازم و ضروری در این زمینه است. یکی دیگر از موارد مورد بحث، موضوع فناوری اطلاعات و ارتباطات است. پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات، تمامی عرصه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و تربیت‌بدنی هم به‌عنوان یک موضوع اساسی در جامعه، از این قاعده مستثنی نیست. به‌کارگیری این سیستم‌ها باعث می‌شود فرآیندهای سازمان با سرعت و دقت بیشتر و هزینه کمتری انجام شود. همچنین استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی عملیاتی موجب نظام‌مند شدن داده‌های سازمان می‌گردد. این موضوع در حیطه سازمان‌های ورزشی از جمله فدراسیون‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا به علت گستردگی عملیات بخش ورزشی، تنوع فعالیت‌ها و تغییرات زود هنگام داده‌ها اغلب جمع‌آوری و پردازش داده‌های ورزشی با دشواری فراوان همراه است. این مقوله در کشورهای پیشرفته نیز مورد توجه است (افرینش خاکی، ۱۳۸۸). گزارش‌های متنوع نشان می‌دهند که این سیستم‌ها ابزار خوبی برای تجزیه و تحلیل عملکرد گذشته و اصلاح روندها به‌شمار می‌آیند. طبق «سند تفصیلی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور» (۱۳۸۶)، کاربرد اطلاعات و ارتباطات در ورزش را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: الف) بهبود عملکردهای نهادهای ورزشی شامل سیستم‌های عملیاتی و اطلاعاتی، شبکه‌های ارتباطی، سهولت توزیع اطلاعات و خدمات و آموزش الکترونیک؛ ب) بروز پدیده‌ای نو در ورزش شامل ورزش مجازی (به‌کارگیری مجموعه‌ای از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها برای شبیه‌سازی محیط واقعی ورزش) و نرم‌افزارهای تحلیل حرکت (سازمان تربیت بدنی، ۱۳۸۶). نادریان جهرمی در تحقیق خود (۱۳۸۶) فناوری و اطلاعات را یکی از عوامل موثر در افزایش میزان بهره‌وری در سازمان‌های ورزشی معرفی کرد. تحقیق حاجی انزهایی (۱۳۹۵) نیز به بهره‌گیری از سیستم فناوری اطلاعات اشاره داشته است. در سال‌های اخیر جذابیت مسابقات ورزشی موجب افزایش محبوبیت ورزش در جوامع گردیده که همین مسئله ارتباط ورزش و

مطالعه کیفی عوامل موثر بر ارزیابی عملکرد فدراسیون های ورزشی کشور

رسانه را در پی داشته است (هنری و همکاران، ۱۳۹۶). رسانه های جمعی در شکل دهی ساختار ذهنی افراد جامعه موثرند. از سوی دیگر، رفتار افراد را سامان می بخشد و موجب می شوند که افراد در مورد پدیده های اجتماعی، رفتاری کاملاً حساب شده از خود بروز دهند (زو و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به اهمیت این امر و نقش حساس و تاثیرگذار رسانه های جمعی باید نهادینه کردن فناوری اطلاعات و ارتباطات در این حوزه و تدوین راهبرد مدیریت اثربخش و تعامل مؤلفه های اصلی یعنی متولیان اصلی امر ورزش (وزارت ورزش و جوانان، سازمان تربیت بدنی، فدراسیون ها و رسانه ها) فراهم گردد.

در یک بررسی اجمالی چنین نتیجه می گیریم جوامع و سازمان های مختلف، به شیوه های گوناگون به طراحی ساختارهای نظارتی برای سازمان اقدام می کنند تا ساختارهای مذکور، کنترل و نظارت بر برنامه ها و افراد را تسهیل نمایند. آنچه باعث شده تا جوامع انسانی، نظام های اجتماعی، به ویژه سازمان ها در روند تکاملی خود به کنترل و روش های مختلف نظارت روی آورند، ضرورت پیشگیری و ممانعت از انحراف از هدف و حصول اطمینان از صحت حرکت همه عوامل جامعه با سازمان به سمت اهداف تعیین شده می باشد. با توجه به روند روبه رشد ورزش در عرصه جهانی، مدیران روشن بین فدراسیون ها باید در توسعه برنامه های خود این معیار را در راس قرار دهند و با ارزیابی و اندازه گیری عملکرد، زمینه هوشمندی سیستم و برانگیختن افراد در جهت رفتار مطلوب را فراهم آورند. در حقیقت، هدف اصلی ارزیابی باید راهنمایی و ارشاد سازمان باشد که به این ترتیب درجه کارآمدی و بازده کار سازمان بالا خواهد رفت. همچنین پیشنهاد می شود که مدیران و مسئولان فدراسیون های ورزشی به تدوین طرح های اجرایی، حمایت، اجرا و نظارت بر آن در استان ها توجه کافی داشته باشند.

منابع

- احمدی، سمیرا. (۱۳۹۲). «تدوین شاخص های ارزیابی عملکرد هیئت های ورزشی ووشو». پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تربیت بدنی. دانشگاه بیرجند.
- اسفندیار، اسماعیل؛ جهانگیرفرد، مجید و حسینی، سیدمهدی. (۱۳۹۴). «ارزیابی عملکرد سازمان های دولتی (بر اساس مدل تعالی سازمانی بالدریج) و بررسی رابطه آن با سلامت اداری کارکنان دستگاه های دولتی فیروزکوه». پژوهشگر (مدیریت). دوره ۱۲، شماره ۳۷، صص ۱۱۵-۱۳۸.
- اسکندری دستگیری، سمین؛ امیرتاش، علی محمد و صفانیا، علی محمد. (۱۳۹۶). «ارزیابی عملکرد منتخبی از فدراسیون های ورزشی ایران با استفاده از تحلیل پوششی داده ها با رویکرد سیستم های فازی». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۳۶-۲۳.
- اسکندری دستگیری، سمین؛ امیرتاش، علی محمد و صفانیا، علی محمد. (۱۳۹۷). «رابطه مؤلفه های ارزیابی عملکرد در کارایی فدراسیون های ورزشی». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. (۴)، صص ۱۹-۲۶.
- آفرینش خاکی، اکبر. (۱۳۸۳). «چگونگی توسعه و ارزیابی ورزش همگانی در کشور و مقایسه نظرات در گروه های مطالعه». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

- حاجی انزاهایی، زهرا. (۱۳۹۵). «بررسی ساختار سازمانی و عملکرد فدراسیون هندبال و مقایسه آن با فدراسیون آلمان و ارائه الگوی بیهنه». دومین همایش ملی توسعه فناوری در ورزش.
- جلالی، طاه و آقایی، نجف. (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد مربیان و بازیکنان تیم‌های ملی فوتبال ایران با استفاده از روش بازخورد ۳۶۰ درجه و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی». مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۱۷(۱)، صص ۱۹-۴۴.
- رضوی، سید محمدحسین؛ صداقتی، سعید و بلوریان، محسن. (۱۳۸۷). «تبیین جامعه وضعیت ساختاری و فرایند کانون‌های ورزشی دانش‌آموزان و مقایسه آن با برخی کشورهای منتخب». نشریه حرکت. شماره ۳۶، صص ۱۹۳-۲۱۲.
- شفیع، شهرام؛ کهنل، مهدی؛ منتظرعلیه، مهدی و رادی نیا، غلامرضا. (۱۳۹۳). «شناسایی، وزن‌دهی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد باشگاه‌های ورزشی». دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، ش ۱ (پیاپی ۴)، صص ۹۸-۸۳.
- صدقی، سعید. (۱۳۹۰). «طراحی مدل ارزیابی عملکرد مدیر در سازمان‌های تولیدی، رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها». رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- ظریفی، مجتبی؛ بحرالعلوم، حسن؛ اندام، رضا و شیخ، رضا. (۱۳۹۸). «طراحی و سنجش نظام ارزیابی عملکرد منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان براساس تکنیک طراحی مبتنی بر بدیهیات». مطالعات مدیریت ورزشی.
- عبدالملکان، منصور. (۱۳۹۳). «ارزیابی بنادر ایران با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آمل.
- کاوسی، اسماعیل. (۱۳۸۹). «نقش برنامه‌ریزی راهبردی در توسعه منابع انسانی». فصلنامه مدیریت دولتی. شماره ۱۳، صص ۲۵-۳۹.
- کریمی، خاطره؛ سلیمی، مهدی و سلطان حسینی، محمد. (۱۳۹۸). «تبیین و پیاده‌سازی مدل ترکیبی کارت امتیازی متوازن و تحلیل پوششی داده‌ها در ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی هیئت‌های ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۱(۵۴)، صص ۲۰۵-۲۴۲.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ و ۲ مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- محمدی، لیلا؛ هنری، حبیب و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۵). «ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی براساس شاخص بنیاد مدیریت کیفیت اروپا (مطالعه موردی: فدراسیون قایق‌رانی)». مطالعات مدیریت ورزشی. ۸(۳۵)، صص ۱۶۳-۱۸۲.
- مصفا، پگاه. (۱۳۹۳). «طراحی نظام ارزیابی عملکرد هیئت‌های ورزشی استان گیلان با رویکرد کارت امتیازی متوازن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.
- میرفخرالدینی، حیدر؛ پیمان‌فر، محمدحسن؛ خطیبی، عقدا، عبدالنبی و علیمحمدی، حسین. (۱۳۹۲). «ارزیابی عملکرد سازمان‌های ورزشی با استفاده از مدل منسجم BSC – TOPSIS (مطالعه موردی: اداره کل تربیت بدنی استان یزد)». مدیریت ورزشی. شماره ۱۶، صص ۷۷-۹۶.
- نادریان جهرمی، مسعود؛ امیرحسینی، سید احسان و سلطان حسینی، محمد. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل موثر بر افزایش بهره‌وری سازمان-های ورزشی شهر اصفهان». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۴، صص ۵۵-۶۸.
- نژاد سجادی، سید احمد و سلیمانی دامنه، جهانگیر. (۱۳۹۳). «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی ایران با استفاده از مدل AHP». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶(۲۳)، صص ۱۷۹-۱۹۲.
- هنری، حبیب؛ محمدی، لیلا؛ غفوری، فرزاد و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۲). «کاربرد روش PCA در ارزیابی عملکرد فدراسیون‌های ورزشی براساس رویکردهای EFQM». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۱(۲)، صص ۱۹-۲۹.
- همتی نژاد، مهرعلی؛ قلی زاده، محمدحسن؛ رمضانی نژاد، رحیم و میرکاظمی، سیده عدرا. (۱۳۸۹). «اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد ادارات تربیت بدنی دانشگاه‌ها». نشریه پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲۷، صص ۱۲۷-۱۳۸.
- Alonso, Angé B. Fernandez Patricio, S. (2009). "The Balanced Scorecard of Investment in Sport: Proposal for Change". Rivista Di Diritto Ed Economia Dello Sport. ISSN 1825-7485. Vol. V, Fasc. 1. Pp: 21-36.

- Asmild, M., Paradi, J. C., Pastor, J. T. (2009). **"Centralized resource allocation BCC models"**. Omega. 1(37): 40-49.
- Bernards, E. & Robinson, L. (2014). **"A Framework for Understanding the Performance of National Governing Bodies of Sport"**. European Sport Management Quarterly, Volume 7, Issue 3, pages: 249-268.
- Bolton, Mike. (2003). **"Public sector performance measurement: delivering greater accountability"**. Work study, volume 52; No1.
- Bocher, E. & Kote, L. (2005). **"A Framework for Understanding the Performance of National Governing Bodies of Sport"**. European Sport Management Quarterly, Volume 7, Issue 3, pages :249-268
- Boscher, J., Bingem, R. (2018). **"Developing empirical research in accounting: an example informed by a habermasian approach"**. Accounting, Auditing and Accountability Journal, 10 (5), 622–648.
- Chadwick, S. (2009). **"From outside lane to inside track: sport management research in the twenty – first century"**. Management Decision, 47(1). PP: 191-203
- Helfenbeing, S., Sacca, S., Brooks, R. (2002). **"Assessing the Management Capabilities of your organization"**. Boston: A Compendium of the Manager series, p. 567-86.
- Hozler, Marc. And Patina de Lancer, Julnes. (2002). **"promoting the utilization of performance measures in public organizations: An empirical study of factor affecting adoption and implementation"**. Public administration review, Vol, 61; issue 6. p. 67-76.
- Kaplan, Robert .S. and David P. Norton. (2006). **Translating Strategy in to Action: The Balanced Scorecard**. Translated by Molmasi, Ramin and Jamile Seify, First Edition, Tehran, Published by Iran s Commercial Studies and Research Institute
- Kreuger, L., & Neuman, W. L. (2006). **Social work research methods: qualitative and quantitative approaches: with Research Navigator**. Pearson/Allyn and Bacon.
- Lee, Y. H. (2007). **"Evaluating Management Efficiency of Korean Professional Teams Using Data Envelopment Analysis (DEA)"**. International Journal of Applied Sports Sciences, 21(2): 93-112.
- Madella A. Bayle E. Tome J. (2015). **"The organisational performance of national swimming federations in Mediterranean countries: A comparative approach"**. European Journal of Sport Science, Volume 5, Issue 4 , pages: 207-220.
- Miller J, Wolff J. (2006). **"Management strategies for improving family planning services: the family planning manager compendium. Ohio: Family Planning Management Development"**. Management Sciences for Health. p. 1-26
- Monyangoga, C., (2007). **Equity: Why Employee Ownership is Good for Business**. Harvard Business School Press, Boston, MA
- Ross, S. and Milz. (2016). **"Locus of responsibility"**. Ethical behavior in sport international Journal of physical Educational, PP: 26-19N. J.: Prentice Hall, pp5-35.
- Skinner, J., Edwards, A., and Corbett, B. (2014). **Research methods for sport management**. Routledge.
- Sling, D. K., & Wonders, A. (2018). **"Developing elite athletes: A content analysis of US national governing body systems"**. International Journal of Applied Sports Sciences, 18(2), 121–144.
- Sieghartsleitner, R. G., Zuber, C., Zibung, M. R., & Conzelmann, A. (2018). **Prognostic validity of a subjective coach assessment and motor performance tests for talent selection in football: science boosts coaches' eye!**
- Vang, Hoecke Jo. De Knop, Paul. Schoukens, Hugo. (2009). **"A decade of quality and performance management in Flemish organised sport"**. International Journal of Sport Management and Marketing, Volume 6, Number 3, pages: 308 – 329
- Winand, M. Zintz,Th. Bayle,E. Robinson L. (2010). **"Organizational performance of Olympic sport governing bodies: dealing with measurement and priorities"**. Managing Leisure 15, pages: 279–307.
- Zhou, Xiao-min. (2008). **"A Research on Obstacles in Development and Appraisal Factors in Sports Associations"**. Journal of Beijing Sport University , Issue 2.

آرش گچی^۱فرزاد غفوری^۲غلامعلی کارگر^۳

10.22034/SSYS.2022.1263.1874

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۲

هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی نقش عوامل سطوح کلان، میانی و خرد در توسعه ورزش قهرمانی است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، توسعه‌ای و بر اساس روش مطالعه از نوع پیمایش می‌باشد که گردآوری داده‌ها به صورت میدانی انجام شد. در بخش نظرسنجی، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ۵۶ سؤال پیرامون شاخص‌های توسعه در سطوح کلان، میانی و خرد و همین‌طور عوامل توسعه مرتبط با فدراسیون‌ها بود که روایی (صوری، محتوایی و غیره) آن با نظر اساتید و متخصصان و روایی سازه آن با تحلیل عامل تأییدی و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.872$) تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، علاوه بر شاخص‌های توصیفی، از تحلیل عاملی تأییدی برای تأیید گویه‌های پرسش‌نامه، از آزمون تی تک نمونه و آزمون فریدمن برای مقایسه میانگین و رتبه‌بندی عوامل استفاده گردید. مقایسه میانگین عوامل نشان داد که بیش‌ترین میانگین و اثرگذاری به ترتیب مربوط به سطح خرد، میانی، فدراسیون و سطح کلان می‌باشد. بخش عمده مشکلات توسعه ورزش قهرمانی مربوط به عوامل موجود در سطح خرد می‌باشد، اما در سطح میانی با توجه ویژه به ورزش مدارس و ورزش بانوان می‌توان به توسعه ورزش قهرمانی کمک کرد. فدراسیون‌های ورزشی نیز با انتخاب صحیح رئیس فدراسیون، ایجاد اماکن ورزشی استاندارد و... می‌توانند توسعه ورزش قهرمانی را یاری رسانند. لازم است به رفع مشکلات سطح کلان مثل نسبت مدال-آوری به جمعیت، توزیع صحیح بودجه در ورزش و... اهتمام ویژه شود.

واژگان کلیدی: سطوح کلان، فدراسیون‌های ورزشی، توسعه ورزش، ورزش قهرمانی و

ورزشکاران نخبه.

۱ کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده

E-mail: Arashgachi1371@gmail.com

مسئول)

۲ دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳ دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

اهمیت ورزش در دنیای کنونی بر هیچ کس پوشیده نیست و رابطه آن با مقولاتی همچون توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، صلح، مشارکت و محیط زیست، اثرات ژرفی را بر وضعیت جوامع معاصر بر جای نهاده است (قائدی و همکاران، ۱۳۹۵). صنعت جهانی ورزش اخیراً سریع‌تر از همه تولیدات ناخالص در حال رشد است (فاکتر و گیب^۱، ۲۰۱۷)

ورزش^۲، امروزه به عنوان یک نهاد اجتماعی در دنیا و از جمله در ایران پذیرفته شده و با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. گسترش ورزش قهرمانی و البته همگانی باید سرلوحه دراز مدت وزارت ورزش و جوانان قرار گیرد و هماهنگ با گرایش جهانی، لازم است ورزش همگانی و ورزش قهرمانی توسعه یابند. دولت‌ها تمایل دارند برای ورزش قهرمانی سرمایه‌گذاری کنند (کشاوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰). یکی از موارد مهم و مورد توجه برنامه‌ریزان ورزشی، فتح سکوهای بین‌المللی و افتخارآفرینی در ورزش است که از راه سرمایه‌گذاری روی تیم‌های ملی می‌توانند به آن نائل شوند (دهقان قهرخی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۵). در ایران نیز ورزش از اهمیت خاصی برخوردار است به ویژه ورزش قهرمانی^۳ که دارای اهمیت بیشتری نسبت به ورزش همگانی است (نوفرسی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷). ورزش قهرمانی عبارت است از: بازی‌ها و ورزش‌های رقابتی و سازمان‌یافته که برای رسیدن به اهداف و کسب نتیجه و رتبه بهتر انجام می‌گیرد و افراد ماهر و نخبه در آن شرکت می‌کنند (دی بوسچر^۴، ۲۰۱۱: ۱۱۶). ورزش قهرمانی موجب زبازشدن نام ملت‌های پیروز در سطح جهان و ارتقای هویت ملی می‌شود (محمدخانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰). پیروزی-های بین‌المللی به‌ویژه موفقیت در بازی‌های المپیک در عرصه ورزش، به طور فزاینده‌ای موجب رشد و توسعه در بسیاری از کشورها شده است (علیدوست قهرخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹-۹۶). هم‌چنین، می‌توان اذعان داشت که توسعه ورزش ملی، بخش مهمی از توسعه اقتصادی-اجتماعی ملی است (دی بوسچر، ۲۰۱۱: ۱۱۸). برتری و موفقیت ورزشکاران نخبه^۵ در عرصه بین‌المللی هویت و شخصیت ویژه‌ای به آن کشور می‌دهد. بر همین اساس، دولت‌ها تمایل بیشتری دارند با سرمایه‌گذاری مالی زیاد، موفقیت ورزشکاران نخبه خود را در عرصه بین‌المللی فراهم کنند. به هر حال بخشی از توسعه ورزش با توسعه ورزش قهرمانی و پرورش ورزشکاران نخبه گره خورده است (رمضانی‌نژاد، هژبری، ۱۳۹۶: ۲۳۶). شاید نتوان به‌سادگی اثرات گسترده ورزش را که به‌صورت فزاینده‌ای بر ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

1 Faulkner & Gabe

2 Sport

3 Championship Sports

4 De Bosscher et al.

5 Elite athletes

جامعه تأثیرگذار است برشمرده، اما مواردی همچون ایجاد اشتغال (جوهرن چان^۱، ۲۰۱۰)، بهبود سلامت (کاهش هزینه‌های درمان) (لکسونن^۲ و همکاران، ۲۰۰۹)، افزایش غرور ملی (کاوت‌سوس^۳، ۲۰۱۲)، افزایش افزایش به‌زیستی (کیفیت زندگی) (کش‌دانکن^۴ و همکاران، ۲۰۱۳)، کاهش میزان جرم و جنایت و بزه‌کاری (کارسو^۵، ۲۰۱۱)، کاهش مصرف مواد مخدر و سیگار (نادمین^۶، ۲۰۱۰)، افزایش امید به زندگی (لی‌شیروما^۷، شیروما^۸، ۲۰۱۲)، رشد اقتصادی منطقه‌ای (برقچی و همکاران^۹، ۲۰۰۹)، بهبود چهره کشورها در عرصه بین‌المللی و جهانی (کول^۹، ۲۰۰۹) و همچنین وسیله‌ای برای کسب اعتبار اجتماعی در سطح محلی، ملی یا جامعه جهانی را می‌توان برشمرد. همچنین در سطح جهانی کسب اعتبار از طریق ورزش به‌ویژه برای کشورهای کوچک یا کشورهای تازه استقلال یافته از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد که سبب معرفی شدن این کشورها به جهانیان می‌گردد (قائدی و همکاران، ۱۳۹۵). امروزه، کشورها دریافته‌اند که توسعه ورزش قهرمانی و بهره‌گیری از مزایای مستقیم و غیرمستقیم آن بدون برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب ورزش قهرمانی میسر نمی‌باشد. بنابراین، ورزش قهرمانی مانند هر نظام دیگری نیازمند تدوین اهداف کلان، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی است تا ضمن آگاهی از مسیر حرکت بتواند از هرگونه دوباره‌کاری، بیراهه‌رفتن و هدررفت منابع مالی، انسانی، فیزیکی و اطلاعاتی خود اجتناب ورزد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲-۱۷۳). یکی از سازمان‌های مهم که دارای شخصیت حقوقی است و به‌موجب منشور المپیک با مراعات شئون اسلامی و مقتضیات ملی به‌عنوان بالاترین مرجع ذی‌صلاح در هر رشته ورزشی فعالیت می‌کند، فدراسیون ورزشی^{۱۰} است. در اساسنامه این فدراسیون‌ها، هدف‌های راهبردی و عملیاتی متنوعی قرار دارد که فدراسیون را ملزم می‌کند در راستای رسیدن به آن‌ها تلاش مستمر داشته باشد. یکی از این اهداف توسعه ورزش می‌باشد (دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۱۷). در مورد توسعه ورزش و ورزش قهرمانی مطالعات و تحقیقاتی انجام گرفته و به‌دنبال آن کارشناسان، اساتید و... نظرات و پیشنهادهای فراوانی ارائه دادند، اما هم‌چنان کشور ما نتوانسته به موفقیت‌های مطرحی در عرصه جهانی و المپیک دست یابد که خلاصه‌ای از نتایج رقابت ورزشکاران

1 Chan, J.

2 Laaksonen et al.

3 Kavetsos

4 Cash, Duncan et al.

5 Caruso

6 Nademin

7 Lee, I., Shiroma

8 Barghchi et al.

9 Cull

10 Sports Federation

ایرانی از اولین حضور در المپیک (۱۹۴۸ لندن) تا آخرین حضور (۲۰۱۶ ریو) ارائه می‌شود (سایت کمیته ملی المپیک^۱) (جدول ۱)

جدول ۱: نتایج حضور ایران در مسابقات المپیک تابستانی

سال	میزبان	تعداد ورزشکاران	مجموع مدال	رتبه	سال	میزبان	تعداد ورزشکاران	مجموع مدال	رتبه
۱۹۴۸	لندن	۳۶	۱	۳۴	۱۹۸۴	لس آنجلس	-	-	-
۱۹۵۲	هلسینکی	۲۲	۷	۳۰	۱۹۸۸	سئول	۲۷	۱	۳۶
۱۹۵۶	ملبورن	۱۷	۵	۱۴	۱۹۹۲	بارسلون	۴۰	۳	۴۴
۱۹۶۰	رم	۲۵	۴	۲۷	۱۹۹۶	آتلانتا	۱۸	۳	۳۴
۱۹۶۴	توکیو	۶۳	۲	۳۴	۲۰۰۰	سیدنی	۳۵	۴	۲۷
۱۹۶۸	مکزیکوسیتی	۱۴	۵	۱۹	۲۰۰۴	آتن	۳۸	۶	۲۹
۱۹۷۲	مونپخ	۵۰	۳	۲۸	۲۰۰۸	پکن	۵۵	۲	۵۱
۱۹۷۶	مونترآل	۸۶	۲	۳۳	۲۰۱۲	لندن	۵۳	۱۲	۱۷
۱۹۸۰	مسکو	-	-	-	۲۰۱۶	ریو	۶۲	۸	۲۵

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بیش‌ترین تعداد مدال در المپیک ۲۰۱۲ لندن با ۱۲ مدال (۴ طلا، ۳ نقره و ۳ برنز) و کمترین مدال در المپیک ۱۹۶۸ لندن (۱ برنز) و ۱۹۸۸ سئول (۱ نقره) بوده است. در جهان امروز پیشرفت و توسعه کشورها بر مبنای علم و دانش استوار است. در واقع در امر توسعه ورزش قهرمانی سه سطح وجود دارد که بسیار مهم هستند و شناسایی شاخص‌های آن تأثیر به‌سزایی در جهت رشد و پیشرفت ورزش قهرمانی و ورزشکاران نخبه دارد. (تاجیک‌اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۸-۹) عوامل موفقیت سطح بالا در ورزش را به سه سطح زیر طبقه‌بندی می‌شوند (شکل ۱):

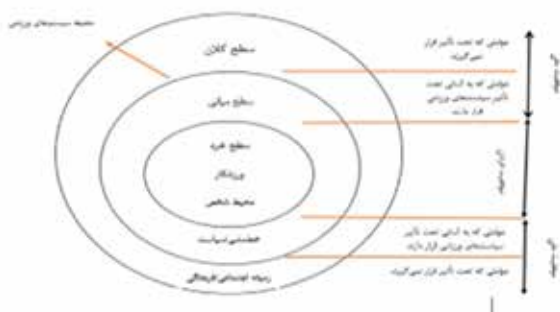
1 <http://www.olympic.ir>

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

سطح کلان: زمینه اجتماعی و فرهنگی که مردم در آن زندگی می‌کنند؛ رفاه اقتصادی، جمعیت، زمینه جغرافیایی و اقلیمی، درجه شهری‌سازی، نظام سیاسی و نظام فرهنگی.

سطح میانی: سیاست‌های ورزشی و سیاست؛ این سطح که سیاست‌های ورزشی در آن به‌خوبی در نظر گرفته شده ممکن است بر عملکرد بلندمدت تأثیر بگذارد.

سطح خرد: ورزشکاران فردی (کیفیت ژنتیکی) و محیط نزدیک آن‌ها (به‌عنوان مثال، والدین، دوستان و مربیان)؛ در سطح خرد، برخی از عوامل می‌توانند کنترل شوند (مانند تکنیک‌ها یا تاکتیک‌های آموزشی) و برخی نمی‌توانند کنترل شوند (مانند ژنتیک). این سه سطح در تعامل هستند و هیچ فاکتوری نمی‌تواند کاملاً از محیط‌های اجتماعی و فرهنگی درون کشور جدا شود. درواقع هم‌پوشانی بین سطح خرد و کلان وجود دارد (دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۸۶-۱۸۸).



شکل ۱: مدل ارتباط بین عوامل تعیین‌کننده موفقیت فردی و ملی (دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۰۶)

متولیان ورزش به‌ویژه ورزش قهرمانی با سیاست‌گذاری‌های ورزشی به‌طور مستقیم تنها می‌توانند بر عوامل سطح میانی اثرگذار باشند (دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۰۹). یکی از عناصر مهم در تمام تلاش‌های گذشته برای مدل‌سازی سیاست‌های ورزشی بر موفقیت‌ها، دخالت ورزشکاران و مربیان به‌عنوان مؤسسات کلیدی است که مسئول موفقیت برای ملت خود هستند. این نوع مطالعه در سطح خرد قرار می‌گیرد. (دی-بوسچر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۸۶-۱۸۷).

در تحقیق اریک و سوتیرادو^۱ (۲۰۲۰) نتایج نشان داد که عوامل قبل از اینکه ورزشکاران نخبه شوند به‌عنوان عوامل توسعه ورزشی آنان کمک می‌کند و تجارب ورزشکاران در دوران قبل از نخبگی یا ورزش پایه باعث افزایش عملکرد آنها در دورانی که ورزشکار نخبه محسوب می‌شوند بسیار به آنها کمک

می‌کند. دنا و سوتریادو^۱ (۲۰۱۹) دریافتند که عوامل موجود در سطح کلان می‌تواند به مدیران ورزشی در درک دیدگاه، فلسفه و عملکرد مربیان در سطح خرد کمک کند و استفاده از این رویکرد چند سطحی می‌تواند به مربیان زن نخبه در جهت تاثیر عوامل موثر بر مربیگری زنان ورزشکار نخبه کمک نماید. در تحقیقی دی‌بوسچر و همکاران، به این نتیجه رسیدند ملتهایی که بودجه ورزشی کم‌تری دارند، تمایل به اولویت‌بندی بیش‌تر دارند و باعث ایجاد یک توافق منفی بین توزیع بودجه در داخل کشور و موفقیت ورزشی می‌شود. همین‌طور بخش دیگر نتایج نشان‌دهنده این موضوع بود که کشورهایی که تنوع بودجه‌ای بیشتری دارند، در دامنه گسترده‌تری از ورزش‌ها موفق می‌شوند (دی‌بوسچر و همکاران، ۲۰۱۸). ژانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۳) تأثیر ساختار طراحی‌شده را برای سطوح اجرایی فعالیت‌های ورزشی در کلیه سنین مهم دانسته و به اهمیت توسعه ورزش‌های پایه اشاره نموده‌اند. ملایی و حمیدی (۱۳۹۹) دریافتند که نتایج این تحقیق می‌تواند چشم‌اندازی متفاوت پیش روی مدیران ورزش در بخش قهرمانی قرار دهد. ثبات در دوره تصدی مدیریتی، فرصت لازم را برای اجرای برنامه‌ها فراهم می‌کند؛ شایسته‌سالاری در انتخاب منابع انسانی، اهرم‌های اجرایی را برای مدیر فراهم می‌کند؛ میزبانی رویداد باعث توسعه زیرساخت‌ها و توجه مسئولان به ورزش می‌شود و با توجه به اهمیت جهانی رشد ورزش زنان، باید به پتانسیل زنان در ورزش توجه کرد. باقری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود دریافتند که مشکلات مدیریت کلان جامعه به‌ویژه حوزه اقتصادی اثر تعیین‌کننده‌ای بر تصمیم ورزشکاران نخبه به مهاجرت دارد، اما به نظر می‌رسد با رفع مشکلات حرفه‌ای و مدیریتی ورزش، تا حدود زیادی می‌توان دغدغه اقتصادی ورزشکاران را رفع و انگیزه لازم را برای ماندگاری در کشور ایجاد کرد. میرشکاران و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود دریافتند که توسعه ورزش قهرمانی زنان نیازمند بهبود وضعیت اجتماعی، زیرساخت‌های اولیه و عوامل فنی است که به نظر می‌رسد موضوعات اجتماعی عواملی زیربنایی‌تر هستند. از این رو، لازم است برای تسریع روند توسعه ورزش زنان، تعاملات با گروه‌های ذی‌نفوذ داخلی و نهادهای بین‌المللی و سپس همکاری‌های بین‌بخشی مورد توجه قرار گیرد. بهنام و آذر (۱۳۹۸) در تحقیق خود دریافتند که اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان غربی با به‌کارگیری تکنیک BSC می‌تواند علاوه بر پیوند دادن فاصله تدوین راهبرد و اجرای راهبرد، مسیر تحقق اهداف آرمانی را هموار سازد و در نهایت با هدفمند کردن برنامه‌های سازمان موجبات توسعه هر چه بیشتر ورزش قهرمانی و حرفه‌ای استان را فراهم سازد. با توجه به نکات یاد شده، هنوز پژوهشی به‌صورت جامع و کامل که شامل همه جوانب مربوط به توسعه ورزش باشد و بتواند در جهت توسعه آن نقش حائز اهمیتی ایفا کند انجام نشده است. کسب موفقیت و توسعه ورزش قهرمانی برای سیاست‌گذاران و مردم جامعه ما خیلی مهم است. اگرچه

1 Donna & Sotiriadou

2 Zhang

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

نمی‌توان برای شرایط اقتصادی نیز نقش قاطع و قابل انکاری را متصور نبود، چرا که پیگیری نتیجه رویدادهای ورزشی بین‌المللی طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که کشورهایی در صدر مسابقات المپیک قرار دارند که از درجه توسعه یافتگی بسیار بالایی برخوردار هستند و درآمد سرانه آنها در زمره بالاترین ارقام است (کاشی و کریم‌نیا، ۱۳۹۵: ۵۲). نکته مهم‌تر این است که ورزش قهرمانی در جامعه ما که کشوری در حال توسعه می‌باشد، در وضعیتی گلخانه‌ای و زودگذر قرار دارد. درواقع، موفقیت‌های ورزشی به‌نحوی ذاتی و استعدادی بوده و نتیجه اثربخشی یک سیستم نیست. از آنجا که استعدادیابی برای توسعه ورزش قهرمانی یکی از عوامل مهم می‌باشد و در سطح خرد عوامل جای داده شده است و رشد ورزش در کشورهای پیشرفته به دلیل استعدادیابی درست و مدون می‌باشد و با توجه به نتایج و تعداد مدال‌های کشورمان نسبت به جمعیت موجود می‌توان پی برد که ایران در زمینه استعدادیابی با کشورهای توسعه‌یافته فاصله زیادی دارد و این مسئله به یک عزم و اراده جدی در تمام سطوح مدیریتی از مدیریت کلان گرفته تا مدیریت سطوح پایین در جهت شناسایی عواملی که مانع ایجاد یک سیستم کارآمد برای افزایش سرعت پیشرفت استعدادیابی و نخبه‌پروری در سطح سازمانی می‌شود، نیاز دارد. به همین سبب پژوهش حاضر به‌دنبال این است که با ارزیابی نقش سطوح سه‌گانه (کلان، میانی و خرد) در توسعه ورزش قهرمانی با توجه به نقش فدراسیون‌ها گامی مؤثر در راستای توسعه ورزش قهرمانی کشور بردارد. این تحقیق به تمامی جنبه‌های توسعه ورزش قهرمانی پرداخته و به دنبال راهکارهایی مناسب با نظر اعضا و کارکنان وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌ها برای توسعه ورزش قهرمانی در کشور است. توسعه ورزش قهرمانی در یک کشور نیاز به کمک همه عوامل مدیریتی و اجرایی آن کشور برای رسیدن به اهداف دارد و این اهداف فقط با کمک یک برنامه‌ریزی معین و مدون انجام می‌پذیرد که تمامی این موارد در پژوهش حاضر مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد= در حالی که هرکدام از این موارد به صورت جداگانه در پژوهش‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است:

آیا سطوح سه‌گانه (کلان، میان و خرد) در توسعه ورزش قهرمانی مؤثر هستند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف توسعه‌ای و بر اساس روش از نوع مطالعات پیمایشی می‌باشد. گردآوری داده‌ها به صورت میدانی انجام پذیرفت و جامعه آماری پژوهش را مدیران ورزشی، ۲۵ نفر از اساتید مدیریت ورزشی که دارای تجربیات پژوهشی، مدیریتی و یا مشورتی در حوزه‌های مربوطه (توسعه، ورزش قهرمانی، سطوح سه‌گانه)، ۲۰۰ نفر اعضا و کارکنان وزارت ورزش، ۱۰۰ نفر از کمیته ملی المپیک، ۷۵ نفر از فدراسیون‌ها ($N \geq 400$) مستقر در شهر تهران تشکیل می‌دادند. نمونه‌گیری بر اساس روش تصادفی طبقه‌ای صورت گرفت و حجم نمونه با مراجعه به جدول مورگان، ۱۸۶ نفر تعیین شد. در نهایت از مجموع

پرسش‌نامه‌های ارسالی، موارد دارای نقص از کار حذف شدند و تعداد ۱۴۹ پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعه حاضر به دلیل عدم وجود پرسش‌نامه استاندارد مطابق با اهداف تحقیق در بخش پیمایشی از ابزار محقق‌ساخته (پرسش‌نامه) استفاده شد. آماده‌سازی و تدوین سؤالات پرسش‌نامه بر مبنای مطالعات و چارچوب‌های نظری صورت گرفت. پرسش‌نامه مذکور شامل ۵۵ سؤال پیرامون شاخص‌های توسعه در سطوح کلان، میانی و خرد بود. سؤالات پرسش‌نامه بر اساس مقیاس لیکرت تدوین و به هریک از شاخص‌ها ارزش عددی ۵ تا ۱ (=خیلی کم و ۵=خیلی زیاد) اختصاص داده شد. پس از تهیه پرسش‌نامه اولیه توسط محقق بر مبنای مطالعات نظری، پرسش‌نامه طی چندین مرحله در اختیار کارشناسان و خبرگان حوزه مدیریت ورزشی قرار گرفت. سرانجام، روایی (صوری و محتوایی) آن توسط نظر اساتید و متخصصان و اعمال اصلاحات یادشده از جانب آن‌ها تأیید شد و برای تعیین روایی سازه از تحلیل عامل تأییدی استفاده گردید. با توجه به این‌که گویه‌ها برای اولین بار طرح شده بود، علیرغم آزمون مقدماتی، پس از انجام پیمایش تنها گویه‌هایی برای تحلیل نهایی حفظ شد که از پایایی لازم برخوردار و مقدار ضریب آلفای آن‌ها بیش از ۰/۷ بود. بقیه گویه‌ها به دلیل ضعف پایایی از تحلیل نهایی حذف شدند. همچنین ضریب پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷۲ تعیین گردید. برای توصیف هریک از متغیرهای پژوهش مانند سن، جنس، تحصیلات و ... از آمار توصیفی در قالب جدول و شاخص‌های گرایش به مرکز بهره‌گیری شد. همچنین از آزمون تحلیل عاملی تأییدی برای تحلیل هریک از عوامل استفاده گردید- رابطه عامل‌ها (متغیرهای پنهان) با گویه‌ها (متغیرهای مشاهده‌پذیر)- و برای بررسی فرضیات پژوهش از آزمون‌های تی تک نمونه بهره‌گیری شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS 20 و LISREL8/8 استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش حاضر از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. نتایج گویای آن بود که متغیرهای پژوهش حاضر از توزیع نرمالی برخوردار هستند.

جدول ۲: توزیع فراوانی جنسیت، سن و تحصیلات اعضای نمونه آماری

سن	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	جنسیت	مرد	زن	کل
۱۰ تا ۲۰ سال	۹	۶	دیپلم	۳۱	۸ / ۲۰	تعداد	۹۰	۵۹	۱۴۹
۲۱ تا ۳۰ سال	۶۰	۴۰/۳	کارشناسی	۵۷	۳ / ۳۸	درصد	۶۰/۴	۳۹/۶	۱۰۰
۳۱ تا ۴۰ سال	۶۵	۴۳/۶	کارشناسی ارشد	۵۰	۶ / ۳۳	-----	-----	-----	---

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

سن	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	جنسیت	مرد	زن	کل
۴۱ تا ۵۰ سال	۱۲	۸/۱	دکتری	۱۱	۷/۴	-----	-----	-----	---
۵۱ تا ۶۰ سال	۳	۲	کل	۱۴۹	۱۰۰	-----	-----	-----	---
کل	۱۴۹	۱۰۰	-----	-----	---	-----	-----	-----	---

در جدول ۲، اطلاعات مربوط به فراوانی جنسیت، سن و تحصیلات اعضای گروه نمونه نشان داده شده است. بر این اساس از بین اعضای حاضر در پژوهش ۹۰ نفر مرد و ۵۹ نفر زن می باشند. همچنین دامنه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با ۶۵ نفر بیشترین و ۵۷ نفر دارای تحصیلات کارشناسی بیشترین نفرات پاسخگو را دارا بودند. میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۷۲ تعیین شد که در سطح خیلی خوب قرار می گیرد.

جدول ۳: آزمون t تک نمونه‌ای عوامل تحقیق

شاخص	درجه آزادی	میانگین مشاهده شده	میانگین نظری	t مقدار	(سطح معنی داری) sig	کران پایین	کران بالا
عوامل کلان	۱۴۹	۴۴/۸۸	۳۹	۱۱/۶۳۲	۰/۰۰۱	۴/۸۸	۶/۸۸
عوامل میانی	۱۴۹	۵۲/۸۶	۴۸	۱۱/۴۷۸	۰/۰۰۱	۴/۰۲	۵/۷۰
عوامل خرد	۱۴۹	۷۹/۷۴	۷۰	۱۶/۶۹۶	۰/۰۰۱	۸/۵۹	۱۰/۹۰
فدراسیون‌ها	۱۴۹	۴۹/۱۹	۴۵	۸/۹۸۴	۰/۰۰۱	۳/۲۷	۵/۱۲

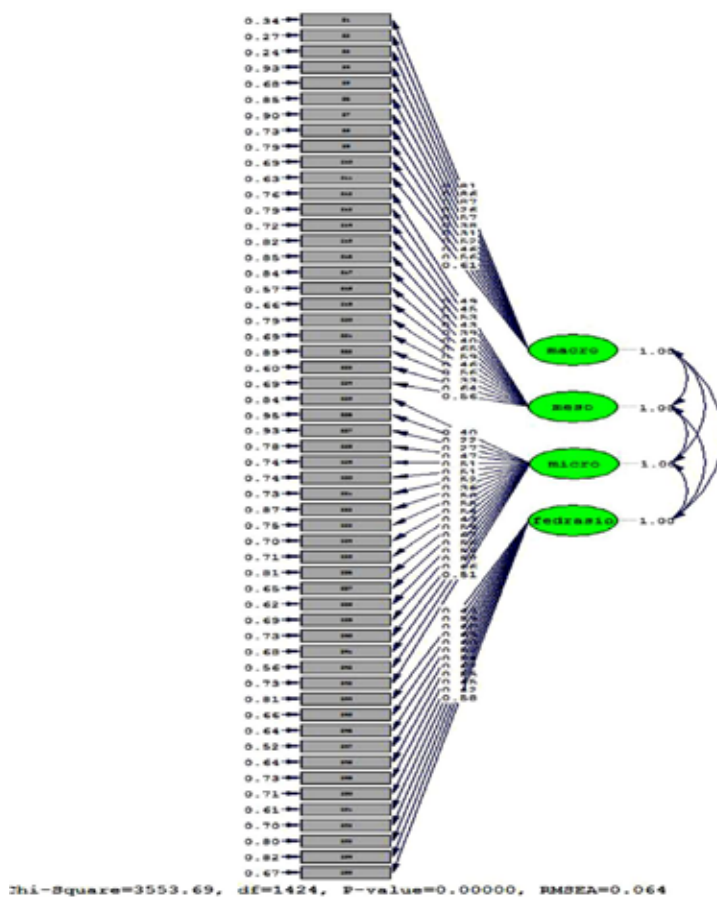
در جدول فوق نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی نقش عوامل کلان در توسعه ورزش قهرمانی ارائه گردیده است. با توجه به نتایج به دست آمده، میانگین مشاهده شده عوامل کلان برابر با ۴۴/۸۸، عوامل میانی ۵۲/۸۶، عوامل خرد برابر ۷۹/۷۴ و فدراسیون‌های ورزشی برابر ۴۹/۱۹ می باشد که از مقدار میانگین نظری یعنی ۳۹ برای عوامل کلان، ۴۸ عوامل میانی، ۷۰ عوامل خرد و ۴۵ فدراسیون‌های ورزشی بیشتر است. مقدار آماره t با درجه آزادی ۱۴۸ عوامل کلان برابر با ۱۱/۶۳۲، عوامل میانی ۱۱/۴۷۸، عوامل خرد ۱۶/۶۹۶ و فدراسیون‌های ورزشی برابر ۸/۹۸۴ است. همچنین سطح معنی داری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۱ می باشد که از مقدار ۰/۰۵ کمتر است. پس می توان گفت میانگین مشاهده شده با میانگین نظری برابر نیست و با توجه به مقدار میانگین مشاهده شده از آن بیشتر است. به عبارت دیگر، از نظر پاسخ دهندگان، نقش عوامل کلان، میانی، خرد و فدراسیون‌های ورزشی در توسعه ورزش قهرمانی تأثیرگذار است.

جدول ۴: رتبه‌بندی عوامل

شاخص	میانگین رتبه
عوامل کلان	۱/۳۴
عوامل میانی	۲/۷۸
عوامل خرد	۴/۰۰
فدراسیون‌های ورزشی	۱/۸۸

جدول فوق وضعیت رتبه‌بندی شاخص‌ها (عوامل کلان، میانی، خرد و فدراسیون‌های ورزشی) را نشان می‌دهد. میانگین رتبه^۱ هرکدام از شاخص‌ها در جدول ۴ گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۴/۰۰) به عوامل خرد در نمره‌دهی اختصاص دارد و این بدان معناست که مهم‌ترین عامل در توسعه ورزش قهرمانی از نظر پاسخ‌دهندگان عوامل خرد است. بعد از ویژگی فوق، مهم‌ترین عوامل در توسعه ورزش قهرمانی به ترتیب شامل شاخص‌های عوامل میانی، فدراسیون‌های ورزشی و عوامل کلان می‌شود.

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی



شکل ۲: تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه توسعه ورزش قهرمانی در حالت مقادیر ضرایب استاندارد

اعداد موجود بر روی مسیرها نشانگر مقدار t -Value برای هر مسیر می‌باشد. برای بررسی معنادار بودن بارهای عاملی لازم است تا مقدار t هر مسیر بالاتر از $1/96$ شود. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، کلیه مقادیر t مربوط به پارامترهای مدل شامل بارهای عاملی و خطاهای استاندارد معنی‌دار و بزرگتر از $1/96$ می‌باشند و نشان‌دهنده مناسب بودن مدل اندازه‌گیری است.

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل عاملی

شاخص برازش	دامنه مورد قبول	مقدار مشاهده شده	ارزیابی شاخص برازش
χ^2/df	≤ 3	۲/۴۹	مناسب
RMSEA	$< 0/08$	۰/۰۶۴	مناسب
SRMR	$< 0/08$	۰/۰۷۱	مناسب
CFI	$> 0/9$	۰/۹۳	مناسب
IFI	$> 0/9$	۰/۹۳	مناسب
NNFI	$> 0/9$	۰/۹۲	مناسب

شاخص نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) برازش مدل را تأیید می‌کند χ^2/df که این عدد کمتر از ۳ است و به معنی برازش مدل با داده‌هاست. تقریب خطای ریشه مجذور میانگین ($RMSEA^1$) برابر ۰/۰۶۴ و ریشه دوم میانگین مربعات باقی مانده ($SRMR^2$) برابر با ۰/۰۷۱ است که از میزان ملاک (۰/۰۸) کوچکتر است و در نتیجه برازش مدل را تأیید می‌کند. در نهایت شاخص‌های NNFI، CFI، IFI نیز از ملاک مورد نظر (۰/۹) بزرگتر هستند و برازنده بودن مدل را تأیید می‌نمایند.

جدول ۶: بارهای عاملی سوالات مربوط به پرسش‌نامه توسعه ورزش قهرمانی در تحلیل عاملی تاییدی

سطح کلان سوالات	سطح معناداری	سطح مبانی سوالات	سطح معناداری	سطح فرد سوالات	سطح معناداری	سطح سوالات	قدراسیون‌های ورزشی	سطح معناداری
۱	۱۱/۷۴	۱۲	۵/۹۸	۲۵	۴/۸۳	۴۴	۰/۴۳	
۲	۱۲/۶۶	۱۳	۵/۴۴	۲۶	۲/۵۰	۴۵	۰/۵۹	
۳	۱۳/۰۴	۱۴	۶/۵۱	۲۷	۳/۱۳	۴۶	۰/۶۰	
				۲۸	۵/۷۳	۴۷	۰/۶۹	
				۲۹	۶/۳۲	۴۸	۰/۶۰	

1 Root Mean Square Error of Approximation

2 Standardized Root Mean Square Residual

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

۰/۵۲	۴۹	۶/۳۳	۳۰				
۰/۵۴	۵۰	۶/۵۰	۳۱	۵/۰۹	۱۵	۳/۰۲	۴
۰/۶۲	۵۱	۴/۲۳	۳۲				
۰/۵۵	۵۲	۶/۱۸	۳۳				
۰/۴۵	۵۳	۶/۹۱	۳۴	۴/۶۲	۱۶	۷/۲۶	۵
۰/۴۲	۵۴	۶/۷۷	۳۵				
۰/۵۸	۵۵	۵/۲۲	۳۶	۴/۷۸	۱۷	۴/۶۶	۶
--	--	۷/۵۳	۳۷	۸/۴۱	۱۸	۳/۴۷	۷
--	--	۷/۹۱	۳۸	۷/۳۴	۱۹	۶/۵۶	۸
--	--	۷/۰۵	۳۹	۵/۵۱	۲۰	۵/۷۱	۹
--	--	۶/۴۵	۴۰	۶/۹۰	۲۱		
--	--	۷/۱۷	۴۱	۳/۸۳	۲۲	۷/۰۷	۱۰
--	--	۸/۶۹	۴۲	۸/۱۲	۲۳		
--	--	۶/۳۷	۴۳	۶/۸۹	۲۴	۷/۹۰	۱۱

بحث و نتیجه گیری

اصولاً توسعه یک امر کلی و دارای جنبه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی فناوری، پزشکی، ورزشی و غیره است. از سوی دیگر، شواهد و تجربیات مؤید این واقعیت است که ورزش می تواند به عنوان ابزاری بسیار مؤثر و کارآمد و در عین حال کم هزینه در جهت تحقق اهداف مربوط به توسعه به کار گرفته شود.

با توجه به نتایج آزمون نقش عوامل سطوح کلان در توسعه ورزش قهرمانی، تخصیص بودجه کافی برای زیرساخت ها، سرمایه گذاری برای دوره های چهارساله با اهداف تعیین شده، میزان بودجه اختصاص داده شده به ورزش قهرمانی در نهادهای دولتی، فراهم سازی شرایط برای زندگی بعد از ورزش، سیاست های تدوین شده عوامل قانونگذار (مجلس و سازمان برنامه و بودجه)، تعداد مدال های کسب شده در رقابت ها با توجه به سطح آن ها، فرصت کافی برای حضور ورزشکاران نخبه در رقابت های بین المللی، عضویت افراد در کمیته بین المللی المپیک و کسب کرسی در مراجع بین المللی، میزبانی رویدادهای بین المللی، نقش نهادهای حکومتی (رهبری و ریاست جمهوری) و جمعیت بیش تر به ترتیب بیش ترین اهمیت را در بین مؤلفه های این سطح داشتند. این یافته ها با برخی از نتایج تحقیق کشر و قاسمی (۱۳۸۷)، خاکپور و همکاران (۱۳۸۸)، عسکریان و همکاران (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۴)، رضائی نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۰)، بروئرز و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۱)، اندرسون و همکاران^۲

1 Brouwers et al.

2 Anderson et al.

(۲۰۱۲) و ویلیام و همکاران^۱ (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. با توجه به نتایج تحقیقات، ورزش تأثیرات متفاوتی از جمله اقتصادی، سیاسی و... بر جامعه دارد و به‌عنوان یک صنعت در دنیای امروزه مطرح است. هم‌چنین ورزش قهرمانی همواره مورد توجه و علاقه مردم و مسئولان کشور می‌باشد. به همین دلیل هرساله سعی می‌شود بودجه قابل توجهی به ورزش قهرمانی اختصاص داده شود (قره‌خانلو، ۱۳۸۷). از طرفی باید بودجه اختصاص داده‌شده مناسب برای زیرساخت‌ها تأمین شود و با یک برنامه مدون بتوان در جهت دستیابی به اهداف تعیین‌شده حرکت کرد. همین‌طور که اشاره شد کشورهای درحال توسعه به‌واسطه تحولات جهانی با مسائلی همچون کاهش شدید کمک‌های دولتی به بخش ورزش، نداشتن برنامه‌های منسجم، ضعف ارتباطات و فقدان فرآیندی برای جذب مشارکت دیگران در سازمان‌های ورزشی مواجه شده‌اند (سیدکریمی و فاتحی، ۱۳۹۵) که این موضوع باعث محدودیت‌هایی در رشد و توسعه ورزش آن‌ها شده است. لذا بخش خصوصی می‌تواند کمک شایانی در این زمینه داشته باشد.

با توجه به نتایج آزمون نقش عوامل سطوح میانی در توسعه ورزش قهرمانی، یافته‌ها حاکی از این بود که توجه ویژه به ورزش مدارس به‌عنوان پایه ورزش قهرمانی، توسعه مشارکت بانوان در ورزش، برنامه‌ریزی جامع برای شناسایی و تأمین نیازهای خاص هر رشته ورزشی، افزایش تعداد تیم‌ها و باشگاه‌های حرفه‌ای در کشور، توسعه امکانات ورزشی سطح نخبگان، ایجاد و توسعه مراکز آموزش ملی، توسعه ورزش دانشگاهی، دسترسی به ورزش و امکانات آن برای عموم، تعداد مشارکت‌کنندگان ورزشی در سطوح مختلف (عمومی، باشگاهی و ملی)، همکاری با ادارات منطقه‌ای و باشگاه‌ها، وجود شبکه ارتباطی مناسب جهت ارتباط با سازمان‌های بالادست، استفاده از نتایج تحقیقات علمی، پایان‌نامه‌ها و مقالات، توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و اتحادیه‌های ورزشی به ترتیب دارای بیش‌ترین اهمیت در بین گویه‌ها می‌باشند. این نتایج با برخی از یافته‌های صادقی و میرغفوری (۱۳۸۸)، خاکپور و همکاران (۱۳۸۸)، میناوند و همکاران (۱۳۹۲)، سیدعامری و همکاران (۱۳۹۴)، پورکیانی و همکاران (۱۳۹۶)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۱۰)، بروئرز و همکاران (۲۰۱۴)، سوتیریادو و همکاران^۲ (۲۰۱۷) و ویلیام و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. با توجه به رویکرد از پایین به بالا در توسعه ورزش، ابتدا باید به ورزش عمومی پرداخته شود و سپس به سطوح ورزش قهرمانی دست یافت (رضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴). درواقع، از ورزش همگانی به‌عنوان پایه ورزش قهرمانی یاد می‌شود. پس تعداد مشارکت‌کنندگان ورزشی و هم‌چنین دسترسی به ورزش و امکانات آن برای عموم باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. از طرفی بر اساس مدل توسعه ورزش که در پایین‌ترین سطح آن فقط به پایه (مدارس سطوح ابتدایی و راهنمایی) اشاره می‌شود، در جامعه ما با

1 William et al.

2 Sotiriadou et al.

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

توجه به جمعیت دانش آموزی باید اهمیت خاصی برای آن قائل گردید. از سوی دیگر، توسعه مشارکت ورزش بانوان در جامعه ما طی چند سال گذشته با گسترش چشم گیری همراه بوده که به دنبال آن شاهد موفقیت بانوان در عرصه های مختلف ورزشی بوده ایم. از این رو مسئولان باید با رایزنی های مناسب امکان حضور بیشتر بانوان در مسابقات را با حفظ شئونات و فرهنگ ایرانی فراهم آورند.

نتایج آزمون نشان داد که نقش عوامل سطوح خرد در توسعه ورزش قهرمانی، آشکار شدن استعداد های اولیه از طریق مدارس، توسعه استعداد های شناسایی شده، وجود سیستم مؤثر برای تجزیه و تحلیل آماری و نظارت بر پیشرفت استعداد ها، برگزاری اردوها و کمپ های تمرینی و آموزشی با باشگاه های حرفه ای یا ملی جهت ارتباط با نخبگان، آموزش تخصصی، منظم و طولانی مدت از دوران کودکی تا بزرگسالی، ارتباط مناسب بین مربیان و ورزشکاران، بهره گیری از مربیان تمام وقت با حقوق مکفی، سطح و تعداد کارشناسان در دسترس، تعهد و فداکاری مربیان، کیفیت و کمیت مربیان، حمایت های چند بُعدی (مشاوره روان شناسی، پزشکی ورزشی و تغذیه)، محیط اجتماعی و فرهنگی که فرد در آن زندگی می کند، ویژگی های فردی و ژنتیکی، پشتیبانی مالی برای مراکز آموزشی و درمانی، تعصب و غرور ملی و داشتن حس مسئولیت اجتماعی، به ترتیب دارای بیش ترین اهمیت می باشند. نتایج فوق با برخی یافته های پژوهش کشر و قاسمی (۱۳۸۷)، میناوند و همکاران (۱۳۹۲)، عسکریان و همکاران (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۴)، رمضانی نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۰)، بروئرز و همکاران (۲۰۱۴)، لوزانو و میوزانو^۱ (۲۰۱۶)، مان و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، داد و نیوانز^۳ (۲۰۱۸) و ویلیام و همکاران (۲۰۱۸) همسوست. زمانی که بخش زیادی از بودجه و امکانات مناسب به ورزش سطوح پایه برای تولید ورزشکاران نخبه اختصاص داده می شود، در واقع به نوعی از رویکرد پایین به بالا تبعیت کرده ایم که توجه آن به ورزش پایه و افزایش مشارکت می باشد (نادری نسب و همکاران، ۱۳۹۰). به همین دلیل باید فرآیند استعدادیابی در جامعه ما در مراحل مختلفی از جمله استعدادیابی در سطح آموزشگاهی، منطقه ای و ملی برگزار شود و به صورت مستمر پیگیری شود. بسیاری از افراد علیرغم داشتن توانایی و استعداد در رشته ورزشی خاص، به دلیل شناسایی و غربال نشدن از سایرین نمی توانند مسیر پیشرفت و ترقی را طی کنند. همچنین در اجرای فرآیند استعدادیابی باید از توان متخصصان علوم ورزشی و فارغ التحصیلان دانشگاهی بهره برد.

نقش فدراسیون های ورزشی در توسعه ورزش قهرمانی، نحوه انتخاب رئیس فدراسیون ها (صلاحیت علمی و فنی)، ارتباط فدراسیون ها با کنفدراسیون های مربوطه و سازمان ها، ساختار فدراسیون ها

1 Louzada, & Maiorano

2 Mann et al.

3 Dodd & Newans

(رسمی/ غیررسمی)، ایجاد یا داشتن اماکن و فضاهای ورزشی دارای استاندارد بین‌المللی، همکاری با ارگان‌های مربوطه جهت تجهیز و دارا بودن شرایط بین‌المللی برای برگزاری مسابقات (حمل‌ونقل، فرودگاه‌ها، هتل و...)، ارتباط متناسب و متقابل با رسانه‌ها، اعطای میزبانی مسابقات به استان‌ها برای انجام مسابقات ملی، برگزاری کلاس‌های آموزش و ارتقای مربیگری، برگزاری کلاس‌های داوری، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی مناسب و به‌روز در مورد ورزشکاران سطح قهرمانی، برگزاری سمینارها و همایش‌های ملی و بین‌المللی، بیشترین اهمیت را دارا می‌باشند. نتایج حاضر با برخی از نتایج تحقیق قاسمی و کشگر (۱۳۸۷)، صادقی و میرغفوری (۱۳۸۸)، خاکپور و همکاران (۱۳۸۸)، میناوند و همکاران (۱۳۹۲)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۴)، پورکیانی و همکاران (۱۳۹۶)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۱۰) و سوتیریادو و همکاران (۲۰۱۷) همخوان می‌باشد. رؤسای فدراسیون‌ها به‌طور ویژه و کارکنان آن، همواره سیاست‌های فدراسیون‌های جهانی را دنبال می‌کنند. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مدیران در بخش ورزش، رؤسای فدراسیون‌های ورزشی هستند که در عملکرد آن‌ها، برابند عملکرد وزارت ورزش و جوانان قابل مشاهده است و آیین تمام‌نمایی از دستاوردهای این وزارتخانه است؛ به‌طوری که موفقیت‌های برنامه‌های راهبردی سازمان ورزشی در فدراسیون‌های ورزشی نمایان می‌شود (سوتیریادو، ۲۰۱۷). بنابراین، داشتن رؤسای توانمند و متخصص یک ضرورت است. از سوی دیگر، نتایج آزمون فریدمن مبنی بر تفاوت نقش عوامل کلان، میانی و خرد در توسعه ورزش قهرمانی نشان داد مقدار مجذور کای به‌دست آمده با درجه آزادی ۳ برابر با ۳۶۶/۵۴۶ است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۴/۰۰) به سطح خرد اختصاص دارد و این بدین معناست که مهم‌ترین عامل در توسعه ورزش قهرمانی از نظر پاسخ‌دهندگان سطح خرد است. این نتایج با بخشی از یافته‌های پژوهش کشگر و قاسمی (۱۳۸۷)، صادقی و میرغفوری (۱۳۸۸)، خاکپور و همکاران (۱۳۸۸)، میناوند و همکاران (۱۳۹۲)، عسکریان و همکاران (۱۳۹۴)، سیدعامری و همکاران (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۴)، پورکیانی و همکاران (۱۳۹۶)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۱۱)، دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۱۷)، دکستر^۱ (۲۰۱۴)، دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۱۵)، لوزانو میوزانو (۲۰۱۶)، سوتیریادو و همکاران (۲۰۱۷)، مان و همکاران (۲۰۱۷)، ویلیام و همکاران (۲۰۱۸) و داد و نیوانز (۲۰۱۸) همخوان و با برخی از یافته‌های دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۰۶)، دی‌بوسچر و همکاران (۲۰۰۹) و ویلیام و همکاران (۲۰۱۸) ناهمسو می‌باشد. از جمله دلایل ناهمسو بودن آن می‌توان به جامعه آماری اشاره کرد، چرا که جامعه آماری آنان متشکل از ورزشکاران و مربیان ورزشی بوده، اما جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از رؤسا و کارکنان فدراسیون‌ها، اعضای هیئت علمی و... می‌باشد. از طرف دیگر در یافته‌های آنان به این موضوع اشاره شد که علی‌رغم صرف هزینه‌های زیاد در

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

ورزش قهرمانی هنوز موفقیت چندانی در میادین مختلف کسب نکرده‌اند که این امر را می‌توان در جامعه مورد بررسی قرار داد که شامل بعضی از کشورهای در حال توسعه (سودان، نیجریه، هند و...) بود، چرا که در کشورهای در حال توسعه برنامه مداوم و منسجمی برای اجرای فعالیت‌های ورزشی تدوین نشده و توزیع ثروت به صورت عادلانه اتفاق نمی‌افتد، در حالی که در کشورهای توسعه یافته بودجه برای امور مختلف از جمله ورزش قهرمانی با توجه به برنامه‌های دقیق و از پیش تعریف شده اختصاص داده می‌شود (دی‌بوسچر، ۲۰۱۷). یافته‌های این پژوهش بیان‌گر این بود که بیش‌ترین نقش در توسعه ورزش قهرمانی مربوط به عوامل سطح خرد است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت عواملی که در سطح کلان هستند مانند جمعیت، تعداد مدال‌های کسب شده و بودجه در کشورهای توسعه یافته با توجه به توزیع مناسب امکانات و فضاهای ورزشی در سراسر کشور و همین‌طور جمعیت متناسب با بودجه و امکانات می‌باشد و به نوعی ارتباط بین جمعیت و کسب مدال، رابطه مثبتی می‌باشد - می‌توان به کشورهای چین، آمریکا، ژاپن و بریتانیا اشاره کرد که همواره در رقابت‌های جهانی و المپیک بیش‌ترین مدال را کسب می‌کنند، اما در جوامع در حال توسعه نظیر هند، نروژ و ایران که دارای جمعیت زیاد و صرف هزینه‌های زیاد در ورزش قهرمانی هستند، موفقیت چشم‌گیری به دست نمی‌آید. ریشه این امر را می‌توان در عدم توزیع ثروت و امکانات بین بخش‌های مختلف، عدم مشارکت بخش خصوصی، مداخله سیاست در ورزش و همچنین نبود برنامه‌های بلندمدت ورزشی جهت دستیابی به موفقیت در سطوح بالا دانست.

سازمان‌های ورزشی همانند سازمان‌های غیرورزشی در معرض تغییر و تحولات محیطی و جهانی قرار دارند و با مسائل ویژه خود دست به گریبان‌اند. با توجه به این موضوع که ورزش قهرمانی ایران در زمینه عوامل خرد و میانی دارای شرایط مناسبی است و فدراسیون‌ها تا حدودی نقش خود را در توسعه به‌خوبی ایفا می‌کنند، باید با تدوین برنامه‌ها و راهکارهای مناسب به دنبال افزایش عوامل سطح کلان بود، چرا که با توجه جمعیت جوان ایران، سرمایه‌های مادی و تجهیزاتی می‌تواند منجر به موفقیت در عرصه‌های جهانی شود.

در مجموع بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که تحقیقی کیفی در زمینه نقش سطوح کلان، میانی و خرد در توسعه ورزش قهرمانی به صورت مجزا انجام گیرد. همچنین پژوهشی در مورد نقش ورزش دانشگاهی و آموزشگاهی در توسعه ورزش و بررسی وضعیت معیشتی، کیفیت زندگی و امنیت شغلی ورزشکاران نخبه صورت پذیرد.

منابع

- باقری، هادی؛ قوام صفت، موسی و حاصلی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مهاجرت ورزشکاران نخبه در ایران». مدیریت منابع انسانی در ورزش. دوره ۲، شماره ۶، صص ۲۵۷-۲۷۶.

- پورکیانی، محمد؛ حمیدی، مهرداد؛ گودرزی، محمود و خیبری، محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه‌ای و قهرمانی بر توسعه ورزش». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۴۲.
- تاجیک، اسماعیل و کاریست، عزیزالله. (۱۳۷۷). «یافته‌های تحقیقات: بن‌بست‌ها و راهکارها». پژوهش‌نامه آموزشی. شماره ۸.
- حسینی، سیدشاهو؛ حمیدی، مهرداد؛ قربانپانرجبی، آسیه و سجادی، سیدنصرالله. (۱۳۹۲). «شناسایی قوت‌ها و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای استعدادیابی در ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران و تنگناها و چالش‌های فراوری آن». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۱۷.
- خاکپور، براتعلی و باوانپوری، علیرضا. (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد». مجله دانش و توسعه علمی-پژوهشی. سال ۱۶، شماره ۲۷.
- خداداد کاشی، فرهاد و کریم‌نیا، الهام. (۱۳۳۵). «بررسی تاثیر عوامل‌های اقتصادی و اجتماعی بر موفقیت ورزشی کشورها در بازی‌های المپیک (۱۹۹۶-۲۰۱۲)». فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. شماره ۲۵.
- رمضانی‌نژاد، رحیم و هژبری، کاظم. (۱۳۹۶). «مبانی توسعه ورزش و کاربرد آن در ورزش ایران». مجلس و راهبرد. شماره ۹۱.
- رمضانی‌نژاد، رحیم؛ رحمتی، محمدمهدی؛ میریوسفی، سیدجلیل و سجادی، سیداحمد. (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل و ملاک‌های موثر در توسعه فرهنگی در ورزش قهرمانی». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۴۰.
- رمضانی‌نژاد، رحیم؛ یاسوری، مجید؛ جوادی‌پور، محمد و ملانی، مینا. (۱۳۹۷). «مقایسه و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی استان‌های ایران در حوزه ورزش قهرمانی». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۴۸.
- سیدکریمی، احمد و فاتحی، بیان. (۱۳۹۵). «تدوین راهبرد توسعه ورزش مدارس جمهوری اسلامی ایران». مطالعات تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دوره ۱، شماره ۲.
- صادقی‌ارانی، زهرا و میرغفوری، سید حبیب‌الله. (۱۳۸۸). «تجزیه و تحلیل وضعیت توسعه‌یافتگی ورزشی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵». پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۲۴.
- طلوعی‌آذر، بهنام و محسن، جواد. (۱۳۹۸). «تدوین برنامه‌های عملیاتی توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای استان آذربایجان غربی با استفاده از تکنیک BSC». سومین کنگره ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت. گیلان، دانشگاه گیلان.
- عسکریان، فریبا؛ جعفری، افشار و فخری، فرناز. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر عملکرد ورزش قهرمانی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۹.
- علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم؛ جلالی‌فراهانی، مجید؛ گودرزی، محمود و نادران، الیاس. (۱۳۹۲). «تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۰.
- غفرانی، محسن؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سیدنصرالله؛ جلالی‌فراهانی، مجید و مقرنسی، مهدی. (۱۳۸۸). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان سیستان و بلوچستان». حرکت. شماره ۳۹.
- فراهانی، ابوالفضل؛ کشاورز، لقمان و صادقی، علی. (۱۳۹۴). «تدوین راهبردهای توسعه ورزش قهرمانی ایران». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ۵، شماره ۳.
- قاسمی، سیدحمید و کشکر، سارا. (۱۳۸۷). «نقش مطبوعات در توسعه ورزش ایران». تربیت‌بدنی و علوم ورزشی. شماره ۳.
- قائدی، علی؛ غفوری، فرزاد و کارگر، غلامعلی. (۱۳۹۵). «بررسی نقش ورزش قهرمانی بر شاخص‌های توسعه اجتماعی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱۵، صص ۳۵-۴۷.
- کشاورز، لقمان؛ فراهانی، ابوالفضل و محمدخانی، جواد. (۱۳۹۶). «تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار مدیران ورزشی قهرمانی ایران با رویکرد برنامه‌ریزی سناریو». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. دوره ۵، شماره ۱.
- ملایی سفیددشتی، افشین و حمیدی، مهرداد. (۱۳۹۹). «آینده‌نگاری توسعه ورزش قهرمانی ایران در افق ۱۴۱۶». مدیریت و توسعه ورزش. دوره ۹، شماره ۱، صص ۸۱-۹۰.

ارزیابی نقش سطوح سه گانه (کلان، میانی و خرد) مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی

- منكرسى، شهرام؛ صفانيا، على محمد و قاسمى، حميد. (۱۳۹۴). «شناسايى چالش هاى ورزش قهرمانى ايران در رشته هاى پرمداى المپيكي». مطالعات راهبردى ورزش و جوانان. دوره ۱۴، شماره ۲۷.
- ميرشكاران، زهره؛ بحرالعلوم، حسن و باقرى، هادى. (۱۳۹۸). «بررسى عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانى زنان ايران». پژوهش هاى معاصر در مديريت ورزشى. دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۱-۱۴.
- ميناوند، محمدقلی؛ باقری، سعید و عباسزاده مشکینی، محمود. (۱۳۹۲). «تدوین راهبردهای توسعه ورزش همگانی از طریق شبکه ورزش سیما». فصلنامه رادیو-تلویزیون. سال ۱۰، شماره ۲۳.
- نادری نسب، مهدی؛ احسانی، محمد؛ خیبرى، محمد و امیرى، مجتبى. (۱۳۹۰). «تعیین رویکردهای مناسب توسعه فوتبال جمهوری اسلامى ايران و مقایسه آن با رویکردهای چند کشور منتخب». مديريت ورزشى. شماره ۲۶.
- نوفرستى، کیانوش؛ غفرانى، محسن و صابرى، على. (۱۳۹۶). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش قهرمانى فوتبال استان سیستان و بلوچستان». مطالعات تربیت بدنى و علوم ورزشى. دوره ۲، شماره ۳.
- دهقان قهرخى، امین. (۱۳۸۹). «ارزیابی عملکرد مربیان تیم های ملی والیبال با استفاده از بازخورد ۳۶۰ درجه». رساله کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنى، دانشگاه تهران.
- فخرى، فرناز. (۱۳۹۱). «بررسى عوامل مؤثر بر توسعه و عملکرد ورزش قهرمانى در ايران». رساله دکتري، دانشگاه تبریز.
- کوهى ملانى، مینا. (۱۳۹۳). «بررسى عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانى استان هاى ايران و ارائه الگوی پیشنهادى». رساله دکتري، دانشگاه گیلان.
- ---- (). "Affecting the coaching of elite women athletes". **Managing Sport and Leisure**, 24:5, 307-320.
- Andersen, S.S. & Rongland, L.T. (2012). Nordic Elite Sport. Same Ambitions different tracks. Oslo: Universiteits for laget.
- Barghchi, M. Omar, D. & Aman, M. (2009). "Cities, Sports facilities developments, and hosting events". **European Journal of Social Sciences**, 10(2), 288-97. (Persian).
- Böhlke, N. & Robinson, L. (2009). "Benchmarking of elite sport systems". **Management decision**, 47(1), 67-84.
- Brouwers, J. Sotiriadou, P. & De Bosscher, V. (2015). "Sport-specific policies and factors that influence international success: The case of tennis". **Sport Management Review**, 18(3), 343-358.
- Caruso, R. (2011). "Crime and sport participation: Evidence from Italian regions over the period 1997-2003". **The Journal of Socio-Economics**, 40(5), 455-63.
- Cash, S.W. Duncan, G. E. Beresford, S. A., McTiernan, A. & Patrick, D. L. (2013). "Increases in physical activity may affect quality of life differently in men and women: The PACE project". **Quall Life Res**, 22(9), 2381-88.
- Chan, J. (2010). "Economic value of sport". **Master dissertation. University of Pretoria.**
- Cull, N J. (2009). Public diplomacy: Lessons from the Past. **Figueroa Press, Los Angeles. First Edition. P 28.**
- De Bosscher, V, Sotiriadou, P. Brouwers, J. & Cuskelly, G. (2017). "The role of interorganizational relationships on elite athlete development processes". **Journal of Sport Management**, 31(1), 61.
- De Bosscher, V, Bottenburg, M. Shibli, S. (2006). "A conceptual framework for analyzing sports policy factors leading to international sporting success". **European Sport Management quarterly**, 6 (2), p: 185- 215.
- De Bosscher, V., Bingham, J. Shibli, S. (2015). "An international comparison of the sports policy factors leading to international sporting success (spliss2) in 15 nations". **Vub.ac.be. p: 1-24.**
- De Bosscher, V. De Knop, P. Van Bottenburg, M. Shibli, S. & Bingham, J. (2009). "Explaining international sporting success: An international comparison of elite sport systems and policies in six countries". **Sport management review**, 12(3), 113-136.

- De Bosscher, V. Shibli, S. Van Bottenburg, M. De Knop, P. & Truyens, J. (2010). "Developing a method for comparing the elite sport systems and policies of nations: a mixed research methods approach". *Journal of sport management*, 24(5), 567-600.
- De Bosscher, V. Shilbury, D. Theeboom, M. Van Hoecke, J. & De Knop, P. (2011). "Effectiveness of national elite sport policies: A multidimensional approach applied to the case of Flanders". *European sport management quarterly*, 11(2), 115-141.
- De Bosscher, V. van Bottenburg, M. Shibli, S. & De Knop, P. (2013). "Managing high performance sport at the national policy level". *In managing high performance sport*, (pp. 77-96). Routledge.
- Dexter, J. (2014). "Analysis of the Perceived Leadership Styles and Levels of Satisfaction of Selected Junior College Athletic Directors and Head Coaches". *United States sports Academy, Sport Journal*, Vol.5, and No.2.
- Dodd, K. D. & Newans, T. J. (2018). "Talent identification for soccer: Physiological aspects". *Journal of science and medicine in sport*, 21(10), 1073-1078.
- Donna, de Haan. & Popi, Sotiriadou. (2019). An analysis of the multi-level factors.
- Eric, W. MacIntosh & Popi Sotiriadou. (2020). "The Role of the Commonwealth Youth Games in Pre-elite Athlete Development". *Journal of Sport Management Volume 34 (2020): Issue 3 pages 260-269*.
- Faulkner, A. & Gabe, J. (2017). "Where biomedicalisation and magic meet: Therapeutic innovations of elite sports injury in British professional football and cycling". *Social Science & Medicine*, 178, 136-143.
- Godarzi, M. & Khabiri, M. (2017). "Analyzing the Role of Championship and Professional Sport on Sport Development". *Sport Management Studies*, 9 (42): 55-72. (Persian).
- Green, M. (2007). "Olympic glory or grassroots development? Sporty policy priorities in Australia, Canada and United Kingdom, 1960-2006". *International Journal of history of sport*. 24: 921-953.
- Houlihan, B. and A. White. (2012). "The Politics of Sport Development: Development of Sport or Development through Sport".
- Kavetsos, G. (2012). "National pride: War minus the shooting". *Social Indicators Research*, 106(1), 173-185.
- Laaksonen, M. Piha, K. Martikainen, P. & Rahkonen, O. (2009). "Health related behaviors and sickness absence from work". *J Occup Environ Med*, 66(12), 840-7.
- Lee, I. Shiroma, E. J. Lobelo, F. Puska, P., Blair, S. N. & Katzmarzyk, P. T. (2012). "For the Lancet Physical Activity Serie Working Group. Effect of physical inactivity on major non-communicable diseases worldwide: An analysis of burden of disease and life expectancy". *The Lancet*, 380(9838): 219-29.
- Louzada, F. Maiorano, A. C. & Ara, A. (2016). "ISports: A web-oriented expert system for talent identification in soccer". *Expert Systems with Applications*, 44, 400-412.
- Mann, D. L. Dehghansai, N. & Baker, J. (2017). "Searching for the elusive gift: advances in talent identification in sport". *Current Opinion in Psychology*, 16, 128-133.
- Monazami, m, Alam, Sh, & Shaetab boshehri, N. (2012). "Determination of effective factors on the development of physical education and women's sports in Islamic Republic of Iran". *Sport management quarterly*, 10, 71-92. (Persian).
- Ghafouri, F. (2011). "Analysis of effective factors in the development of public sport in Tehran citizens". *National Conference on Recreation of the Tehran Municipality. Tehran*.
- Nademin, M. E. Napolitano, M. A. Xanthopoulos, M. S. Fava, J. L. Richardson, E. & Marcus, B. (2010). "Smoking cessation in college-aged women: A qualitative analysis of factors important to this population". *Addiction Research and Theory*, 18(6), 649-66.
- Sotiriadou, K. Quick, S. Shilbury, D. (2017). "Sport for some: Elite versus mass participation". *International Journal of Sport Management*. 7: 50-66.
- Willem, A. Girginov, V. & Toohey, K. (2018). "Governing bodies of sport as knowledge brokers in Sport-for-All communities of practice". *Sport Management Review*.
- Zhang, J. & Bao, Y. (2013). "My views on the development of China's sports". *Journal of Hebei Institute of Physical Education*, 2, 33.

شناسایی و تحلیل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر موثر

بر اشتغال پایدار دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران

علی خالدی فرد^۱

سیده ناهید شتاب پوشهری^۲

امین خطیبی^۳

صدیقه حیدری نژاد^۴



10.22034/SSYS.2022.1904.2354

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۳۱

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر موثر بر ایجاد اشتغال پایدار دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران و در چارچوب رویکرد کیفی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان آگاه به موضوع تحقیق بود. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته صورت گرفت که بعد از ۱۶ مصاحبه به اشباع نظری رسید. برای سنجش اعتبار، انتقال و تایید ذیری، یافته‌های پژوهش به مشارکت‌کنندگان ارائه و نقطه‌نظرهای آن‌ها اعمال شد. از روش توافق درون موضوعی برای قابلیت اعتماد استفاده گردید که ۰/۸۲ گزارش شد. یافته‌های مربوط به عوامل زمینه‌ای (بستر ساز) بیانگر ۲۹ مفهوم اصلی و ۴ مقوله فرعی شامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، عوامل اقتصادی و مالی، ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت، صلاحیت حرفه‌ای در ورزش و یافته‌های مربوط به عوامل مداخله‌گر (تاثیرگذار) بیانگر ۲۷ مفهوم اصلی و ۵ مقوله فرعی شامل عوامل فناوری، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، بازسازی جایگاه علوم ورزشی و ارتباطات و شبکه‌سازی بود.

در جمع‌بندی کلی پژوهش حاضر، باید گفت که امروزه توجه به مقوله اشتغال پایدار دانش‌آموختگان آموزش عالی دیگر تنها یک مقوله فرعی برای دانشگاه و آموزش عالی نیست، بلکه به یک مسئله اساسی برای سیاست‌گذاران و مسئولان عالی کشور تبدیل شده است. لذا به منظور اتخاذ تصمیم صحیح در زمینه ایجاد و توسعه اشتغال‌زایی پایدار برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی توسط دست‌اندرکاران حوزه ورزش، نیاز به شناسایی عوامل زمینه‌ای و محیطی ضروری و مهیا نمودن این شرایط می‌باشد.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
E-mail: Ali_khaledi65@yahoo.com

۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۴ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

واژگان کلیدی: اشتغال پایدار، صنعت ورزش، علوم ورزشی، عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر.

مقدمه

امروزه با تحولات عظیمی که در صنعت، خدمات و اقتصاد کشورها صورت گرفته است، یکی از نیازهای اساسی رشد انسان، داشتن شغلی است که علاوه بر تأمین نیازهای مادی بتواند نیازهای روحی او را نیز برآورده کند. این درحالی است که برخوردار نبودن از شغلی مناسب می‌تواند مانع رشد و تکامل فردی شود و در نتیجه، باعث بروز انواع آسیب‌های روحی و روانی گردد (رضوی، برومند و عظیمی، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، کار و اشتغال به‌عنوان یک چالش به یکی از مشکلات اساسی دولت‌ها تبدیل شده و گسترش بی‌رویه آموزش عالی، رشد تقاضا و مقوله برابری فرصت‌ها، به این چالش افزوده و موجب بیکاری و ناهنجاری اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی گردیده است. در این میان و در سال‌های اخیر، کشور ایران با مشکلات فراوانی در زمینه اشتغال مواجه بوده است؛ به‌طوری که موضوع اشتغال و توانمندی‌های شغلی دانش‌آموختگان در زمره تهدیدهای امنیتی و در تقابل با توسعه ملی قرار گرفته است (رضوی، برومند و عظیمی، ۱۳۹۹). این درحالی است که یکی از اهداف توسعه هر کشوری، اشتغال مؤثر نیروی انسانی به‌ویژه دانش‌آموختگان آموزش عالی است و آموزش عالی باید قادر به تربیت افراد آگاه، توانمند و متخصص باشد (تجری و همکاران، ۱۳۹۸). از طرفی، اشتغال و استفاده از ظرفیت‌های انسانی یکی از دغدغه‌های اصلی تمام جوامع است، چرا که عدم استفاده از ظرفیت‌های بالقوه انسانی نه‌تنها از طریق افزایش آمار بیکاری، تهدیدی برای مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها است، بلکه عدم استفاده از این ظرفیت‌ها به‌معنی عدم بهره‌وری در سطح ملی محسوب می‌شود (شرفی و همکاران، ۱۳۹۸). در این میان، مطالعه بازار کار در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بیشتر کشورهای دنیا با مسائل و مشکلات اشتغال درگیرند، ولی تعدد عوامل مشکل‌آفرین و ناشناخته بودن برخی از آن‌ها در کشورهای جهان سوم موجب پیچیده‌تر شدن موضوع گردیده است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، موضوع اشتغال در ارتباط مستقیم با توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است و به روند توسعه و پیشرفت جامعه و موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه بستگی دارد (شرفی و همکاران، ۱۳۹۸). براساس راهبرد آموزش فنی و حرفه‌ای سازمان یونسکو (۲۰۲۱ - ۲۰۱۶) افزایش بیکاری جوانان یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی جوامع امروز جهان است و به‌طور مشابه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته و درحال توسعه، در طول دهه آینده، باید حداقل ۴۷۵ میلیون شغل جدید برای جذب ۷۳ میلیون جوان در حال حاضر بیکار و ۴۰ میلیون نفر برای ورود سالانه جدید در بازار کار به‌وجود آورد (یونسکو، ۲۰۱۶). در این میان، اشتغال دانش‌آموختگان یکی از مهم‌ترین انتظارات جامعه و مباحث روز است که در اسناد ملی و سیاست‌های دولت در جهت کاهش بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی بر آن تأکید می‌شود (شریفی اسدی و همکاران، ۱۳۹۸).

اما آنچه که در مورد بازار کار ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اشتغال پایدار و میزان استمرار فرصت‌های شغلی است. اشتغال پایدار به معنی ثبات و استمرار فرصت‌های شغلی و حمایت از افراد به منظور ماندن و پیشرفت در یک شغل تعریف شده است (فیض‌پور و محدث، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، اشتغال پایدار و موثر دانش‌آموختگان آموزش عالی به این معناست که دانش‌آموختگان بتوانند شغل مناسب خود را پیدا کنند، از طریق شغل خود بتوانند برای خود، سازمان خود و کشور خود مفید باشند، بین دانش، مهارت و گرایش‌های مورد نیاز برای تصدی شغل موجود و دانش، مهارت و گرایش‌های دانش‌آموخته آموزش عالی تطبیق لازم وجود داشته باشد و در شغل خود یادگیرنده، خلاق و نوآور و دارای بهره‌وری لازم در فعالیت مربوطه باشند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳). براساس گزارش مرکز آمار ایران^۱ (۱۳۹۹)، بیش از ۲/۴ میلیون نفر فاقد شغل در کشور وجود دارد که سهم شایان توجهی از آنان را دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل می‌دهند. در این میان، یکی از رشته‌های دانشگاهی که با وجود داشتن ظرفیت فراوان به منظور ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان دانشگاهی و جذب نیروهای متخصص، مشکل بیکاری و برخوردار نبودن از دورنمایی روشن در زمینه اشتغال در آن وجود دارد، رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی است (برومند و همکاران، ۱۳۹۰). نبود بازار کار برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی در نظام آموزش عالی از یک‌طرف و ضعف‌های علمی و فناوری در صنعت ورزش و سازمان‌های ورزشی در کشور از سوی دیگر، سبب شده است تا توسعه علمی و اقتصادی ورزش به‌طور اعم و اشتغال دانش‌آموختگان در ورزش به‌صورت اخص، مسئله‌ای مهم و راهبردی تلقی شود. از این‌رو، بازنگری در سیستم آموزش، هدایت و اشتغال دانش‌آموختگان علوم ورزشی و تحلیل محیط اشتغال در ورزش کشور ضرورت دارد (رضوی، برومند و عظیمی، ۱۳۹۹). تاکنون، آماری دقیق و رسمی از دانش‌آموختگان علوم ورزشی بیکار در کشور ارائه نشده است، اما براساس گزارش کارگروه اشتغال در ورزش، بیش از ۱۰۰ هزار فارغ‌التحصیل حوزه علوم ورزشی در کشور وجود دارد (پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۹، الف). از طرفی، طبق مطالعات انجام شده در سال ۱۳۹۹، آمار دانش‌آموختگان علوم ورزشی از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی ایران طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۷، حدود ۱۱۵ هزار نفر برآورد شده است (پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۹، ب). این در حالی است که ورزش یکی از ابزارهای تاثیرگذار در هدایت نیروهای اجتماعی جهت تحقق توسعه پایدار به ویژه در جوامع با رشد جمعیت بالاست که توان ایجاد ارزش افزوده بیشتری نسبت به سایر عوامل را دارد. همچنین، ورزش یکی از اصلی‌ترین ابزار توجه به انسان به‌عنوان محور توسعه پایدار و عاملی برای مقابله با پیامدهای منفی شهرنشینی محسوب می‌شود (وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴).

۱ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹

از سوی دیگر، یکی از ابزارهای مهم برای بهبود شاخص های توسعه یافتگی کشور، بهره گیری از اقتصاد ورزش است؛ زیرا ورزش نه تنها در سطح ملی یک صنعت درآمدزاست، بلکه می تواند به توسعه اقتصادهای محلی و کوچک کمک بسیار فراوانی کند (امینی، اتقیا و نوروزی، ۱۳۹۹). بررسی ها و تجربیات کشورهای مختلف مشخص کرده است که "ایجاد فرصت های شغلی" از مهم ترین اثرات مستقیم اقتصادی صنعت ورزش به شمار می رود و همین موضوع باعث شده تا بعضی از کشورها به دنبال برآورد تعداد فرصت های شغلی ایجاد شده توسط صنعت ورزش و سهم ورزش از کل اشتغال در کشور خود باشند. به عنوان مثال، سهم صنعت ورزش از کل اشتغال در هنگ کنگ ۲/۵ درصد، استرالیا ۲/۷ درصد، اسکاتلند ۱/۹ درصد و نیوزلند ۱/۳ درصد اعلام شده است (وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۴). همچنین، طبق گزارش وب سایت یورواستات^۱ (۲۰۱۹)، بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷، تقریباً در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا اشتغال در ورزش به ویژه در بین دانش آموختگان آموزش عالی با سرعت زیادی افزایش یافته؛ به طوری که نرخ اشتغال در حوزه ورزش از ۰/۷ به ۰/۸ درصد از کل اشتغال اتحادیه اروپا رسیده است که در این میان، سهم کشورهای انگلستان و آلمان بیشتر بوده است. از طرفی، جوانان سهم قابل توجهی در اشتغال ورزشی داشتند و ۳۷ درصد این افراد از تحصیلات عالیه دانشگاهی نیز برخوردار بودند. همچنین در گزارشی دیگر از وب سایت یورواستات (۲۰۲۰)، شاغلان حوزه ورزش در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۱۹، بیش از ۱/۳ میلیون نفر تخمین می زند که نسبت به سال ۲۰۱۴، معادل ۲۰۰ هزار نفر شاغل رشد داشته است. از طرفی، طبق مطالعات انجام شده در سال ۱۳۹۹، تعداد شاغلان در صنعت ورزش کانادا حدود ۹۴۶ هزار نفر در آلمان، حدود ۶۰۴ هزار نفر در فرانسه، حدود ۲۹۵ هزار نفر در انگلستان، حدود ۲۶۱ هزار نفر در ایتالیا، حدود ۲۱۳ هزار نفر و در استرالیا حدود ۱۶۳ هزار نفر گزارش شده است؛ در حالی که مجموع نیروی انسانی شاغل در حوزه ورزش کشور (شامل وزارت ورزش و جوانان؛ معلمان و اساتید ورزش؛ بازیکنان حرفه ای؛ داوران، مربیان، پزشکان، تکنسین ها و ماساژورها؛ شاغلان در ورزش سایر وزارتخانه ها و نهادها و مؤسسات؛ باشگاه های ورزشی خصوصی و دولتی؛ فدراسیون ها و هیئت های ورزشی و شرکت ها و تولیدی های ورزشی) بالغ بر ۱۶۴ هزار نفر برآورد شده است (پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۹، ب). علاوه بر این، ایجاد خدمات و محصولات ورزشی متناسب با گروه ها با هر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمونه گستردگی زیاد صنعت ورزش است (مکنیف^۲، ۲۰۱۹). به طور مثال، در بسیاری از جوامع صنعت ورزش به عنوان یکی از راه کارهای توسعه اقتصادی یاد می شود؛

1 Eurostat

2 McNiff

به عبارتی، صنعت ورزش در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نقش مهمی در مسائل مالی و اقتصادی دارد (کیم^۱، ۲۰۲۰).

به علاوه، صنعت ورزش یکی از صنایع مهم در عرصه بین المللی است که امروزه کمک های فراوانی به اقتصاد جوامع گوناگون کرده است. رشد ورزش در تمامی عرصه ها و گسترش آن در تمامی گروه ها سبب شده است تا صنعت ورزش به عنوان یکی از صنایع مهم در جهان شناخته شود. گستردگی ورزش باعث شده است تا امروز شاهد شکل گیری صنعت ورزش به صورت گسترده باشیم (میر، تان، لین و چونگ^۲، ۲۰۱۸). به طور مثال، بازار جهانی ورزش در سال ۲۰۱۸ به ارزش تقریبی ۴۸۸/۵ میلیارد دلار رسیده است که این رشد در مقایسه با سال ۲۰۱۴ دارای نرخ رشد سالانه ۴/۳ درصد است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۲ با نرخ رشد احتمالی ۵/۹ درصد به ارزش تقریبی ۶۱۴/۱ میلیارد دلار برسد. این موضوع نشان می دهد که صنعت ورزش به عنوان یک صنعت مهم و کلیدی در بسیاری از کشورها استفاده شده است (کوکولاکاکیس و گراتون^۳، ۲۰۱۹). همچنین، طبق مطالعات انجام گرفته، سهم صنعت ورزش از تولید ناخالص داخلی کشورها به صورت کلی بین ۰/۷۵ تا ۴/۴ درصد متغیر بوده است (رضایی و صالحی پور، ۱۳۹۷). به عبارتی، در کشورهای توسعه یافته ارزش افزوده صنعت ورزش بخش چشم گیری از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد و نقش مهمی در ایجاد درآمد، در اشتغال، تفریح و سرگرمی دارد (عاشوری، ۱۳۹۷)، این در حالی است که سهم صنعت ورزش در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۵ به مقدار ۰/۵ درصد و در سال ۱۳۹۶ به مقدار ۰/۶ درصد گزارش شده- که به طور معناداری کمتر از شاخص جهانی است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۷). از طرفی، طبق مطالعات انجام شده در سال ۱۳۹۹، ارزش دارایی یا درآمد سالانه ورزش در ایران حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان در مقابل کل تولید ناخالص داخلی کشور^۴ (GDP) تخمین زده شده است (پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۹، ب). با توجه به مطالب بیان شده، می توان نتیجه گرفت که جنبه های اقتصادی ورزش امروزه در جهان بسیار گسترش یافته (نصیرزاده، ۱۳۹۲) و از طرفی، امروزه ورزش جایگاهی مناسب و متنوع برای ایجاد اشتغال و فعالیت های اقتصادی دارد که با شناخت زمینه های کاری در آن می توان فرصت های جدیدی را به جوانان و جامعه معرفی کرد تا از آن برای پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی بهره گرفت (برومند، ۱۳۹۰). بر این اساس، یکی از دغدغه ها و درگیری های ذهنی مسئولان شناخت عوامل زمینه ای و مداخله گر مؤثر بر اشتغال پایدار دانش آموختگان آموزش عالی است. در این راستا، مرکز پژوهش های مجلس (۱۳۹۳)، در گزارش خود نشان داد که دانش آموختگان دانشگاهی در

1 Kim

2 Meier, Tan, Lim & Chung

3 Kokolakis & Gratton

4 Gross domestic product

شناسایی و تحلیل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر موثر بر اشتغال پایدار دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران

ایران، به دلیل «ضعف ساختاری نظام اقتصادی، دانش‌بری پایین فعالیت‌های اقتصادی، سطح پایین فناوری و نوآوری، ضعف کارآفرینی مبتنی بر دانش، کیفیت پایین آموزش عالی، ضعف مهارت‌های اشتغال‌پذیری و کارآفرینی، عدم تطبیق عرضه و تقاضای سرمایه انسانی و سیاست‌های نامناسب در اقتصاد و آموزش عالی، اشتغال و کارآفرینی اثربخشی در اقتصاد کشور ندارند.

رستمی (۱۳۹۵) «عدم تناسب محتوای آموزشی با نیازهای بازار کار، کیفیت پایین دوره‌های کارآموزی، ضعف مشاوره شغلی و عدم حمایت دولت از اشتغال و کارآفرینی» را چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان علوم ورزشی بیان نمود. قربانی (۱۳۹۷) مقوله‌های «شرایط جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و توانایی کارآفرینان ورزشی» را به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های عوامل زمینه‌ای در اشتغال‌زایی در ورزش معرفی کرد. تقیان دینانی (۱۳۹۷) به ترتیب عوامل «اقتصادی، فنی، فردی، سیاسی و اجتماعی-آموزشی» را در راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای ورزشی دانش‌آموختگان علوم ورزشی موثر دانست. تجری و همکاران (۱۳۹۸) مقوله‌های «سیاست‌گذاری، فضا و امکانات آموزشی، بومی‌سازی، اقتصاد و مسائل مالی، توسعه فرهنگی کارآفرینی؛ دوری از سیاست‌زدگی، جلوگیری از توسعه کمی رشته، افزایش مسئولیت‌پذیری دانشگاه، منع موازی‌کاری، برندسازی، اعتبارسنجی، تحقیقات کاربردی، آسیب‌شناسی، مدیریت استعداد، ویژگی‌های شخصیتی، ارتباطات و شبکه‌سازی و بازسازی جایگاه دانشگاه و رشته» را به ترتیب به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان علوم تربیتی شناسایی نمودند. خسرومنش و همکاران (۱۳۹۸) مقوله‌های «مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیستمی، ضعف صنعت کالا و تجهیزات ورزشی، مشکلات اماکن ورزشی و رقبای ورزش» را به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های مداخله‌گر صنعت ورزش ایران معرفی نمودند. شرفی و همکاران (۱۳۹۸) عوامل «ساختاری و نهادی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زیست محیطی، آموزش و فناوری» را به عنوان عوامل موثر بر اشتغال پایدار معرفی نمودند. نیازی، نظری و عظیم‌زاده (۱۳۹۹) مقوله‌های «ویژگی شخصیتی افراد، آموزش، عوامل سیاسی، جذب منابع مالی، تفکر راهبردی مدیران و همکاری بین دستگاهی» را به ترتیب به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر توسعه پایدار کارآفرینی ورزشی شناسایی نمودند. قربانی و صفری (۱۳۹۹) مقوله‌های «بسترها و زیرساخت‌های پشتیبان، ضعف در تفکر کارآفرینی و حمایت مدیریتی، نفوذ ناکافی ورزش در جامعه، حمایت اجتماعی، نیروی انسانی متخصص، قصد کارآفرینی، حمایت مالی و عوامل سیاسی، اقتصادی و مدیریتی» را به ترتیب به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در توسعه مشاغل ورزشی ایران معرفی نمودند. نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۹) «تطبیق رشته‌های دانشگاهی با مشاغل متنوع ورزشی، جهت‌دادن به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی به موضوعات کارآفرینی و فناوری اطلاعات در ورزش، ایجاد، دانش، توانش و نگرش مثبت به کارآفرینی، آموزش مبانی کارآفرینی، تجارت الکترونیکی و فرآوری تجارت در

حوزه ورزش و استارت‌آپ‌های ورزشی، ارتقای زیرساخت‌های فناوری کشور در حوزه ورزش، حمایت اقتصادی دولت از کسب‌وکارهای ورزشی، راه‌اندازی منطقه صنعتی مختص تولیدات و تجهیزات ورزشی، آموزش راه‌اندازی کسب‌وکارها و مشاغل ورزشی، ایجاد و حمایت از توسعه مراکز تحقیق و توسعه و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه ورزش، همکاری علمی ورزشی با کشورهای پیشرفته در حوزه ورزش، ارتباط مؤثر صنعت، خدمات و دانشگاه در حوزه ورزش، برگزاری کارگاه‌های اثربخش کارآفرینی در ورزش، نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در ورزش، تاکید بر سواد اطلاعاتی، تکریم نظام‌دار دانشجویان کارآفرین، تاکید بر نوآوری‌های بومی در کارآفرینی و داشتن اراده و پشتکار، مدیریت زمان، انگیزه فعالیت و شناسایی فرصت‌ها و داشتن ابتکار عمل» را به‌عنوان مهم‌ترین راه‌کارهای ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی معرفی نمودند. رضوی و همکاران (۱۴۰۰) بیان نمودند که اکوسیستم اشتغال دانش‌آموختگان علوم ورزشی از نظام‌مندی و کارآمدی مناسبی برخوردار نیست. موری هانتز^۱ (۲۰۱۹) دلیل اصلی بیکاری فارغ-التحصیلان آموزش عالی مالزی را عدم تطابق مدارک تحصیلی آن‌ها با نیازهای بازار کار معرفی نمود و تجدید نظر در آموزش عالی و تمایل به آموزش فنی و حرفه‌ای را توصیه می‌کند. راتن^۲ (۲۰۱۹) اختصاص منابع مالی به توسعه صنعت ورزش را مهم‌ترین راهبرد ایجاد و توسعه اشتغال‌زایی در ورزش معرفی نمود. گوس^۳ (۲۰۱۹) پس از بررسی رشد اقتصادی و اشتغال در کشورهای شرق آسیا از عدم اشتغال‌زایی مناسب و قابل توجه به دلیل رشد اقتصادی پایین و نبود منابع مالی کافی در این کشورها خبر داد. آهونن^۴ (۲۰۱۹) حمایت دولت از شرکت‌های کارآفرین و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در زمینه ورزش‌های قهرمانی را موجب توسعه کارآفرینی ورزشی معرفی نمود، این در حالی است که یکی از حوزه‌های مهم در زمینه ایجاد اشتغال جوانان کشور، حوزه ورزش می‌باشد که با توجه به پتانسیل بالای آن می‌تواند جهت دستیابی به سیاست‌های اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری نقش بسیار مهمی را ایفا نماید (پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۹، ب). به‌نظر می‌رسد در برابر راهبرد موجود که اشتغال‌زایی را در قالب راه‌حل‌های مقطعی و غیرپایدار دنبال می‌کند، نیاز به تغییر راهبردی در این زمینه احساس شده و نیاز به اتخاذ راهبرد ایجاد و توسعه اشتغال پایدار به شدت احساس می‌گردد. از این‌رو، اگر میزان بازدهی دانش‌آموختگان علوم ورزشی و جذب آن‌ها در مشاغل وابسته به این رشته و همچنین، محتوای دروس و آموخته‌های ایشان با نیاز جامعه و بازار کار همخوانی داشته باشد، می‌توان به کارایی و بهره‌وری رشته علوم ورزشی در جامعه امیدوار بود (قربانی، ۱۳۹۲). پس ضرورت دارد به شناسایی و تحلیل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر موثر بر ایجاد اشتغال پایدار

1 Murray Hunter

2 Ratten

3 Ghose

4 Ahonen

شناسایی و تحلیل عوامل زمینه ای و مداخله گر موثر بر اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی ایران

برای این قشر مهم از جامعه حساس بود. اگرچه مسئله اشتغال از دیرباز مورد توجه پژوهشگران کشور قرار گرفته است، اما پژوهش های اندکی در چارچوب ادبیات اشتغال پایدار دانش آموختگان دانشگاهی به طور اعم و دانش آموختگان علوم ورزشی به طور اخص انجام گرفته است. بنابراین، باتوجه به وضعیت نامطلوب اشتغال دانش آموختگان علوم ورزشی، لزوم برنامه ریزی و سیاست گذاری درست در این بخش نمایان است. به طور کلی، صنعت ورزش در جهان جایگاهی متنوع برای فعالیتهای اقتصادی و ایجاد اشتغال پایدار پیدا کرده است. با وجود این پتانسیل در صنعت ورزش و با توجه به نرخ بیکاری در کشور، پیش بینی می شود که در این حوزه چالش هایی وجود دارد. از این رو، محقق قصد دارد تا با شناسایی عوامل زمینه ای و مداخله گر تاثیرگذار بر ایجاد اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی ایران و از طریق اکتشاف، استخراج و تحلیل شاخص ها و ابعاد مرتبط با موضوع بتواند از یک سو موجبات بهره مندی سیاست گذاران و دست اندرکاران حوزه ورزش از نتایج حاصل در راستای اصلاح محیط اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی را فراهم نماید- که این امر به نوبه خود منجر به ایجاد و توسعه اشتغال زایی پایدار در صنعت ورزش خواهد شد- و از سوی دیگر، به سایر پژوهشگران مدیریت ورزشی که نیازمند تفکر سیستمی در حوزه اشتغال پایدار دانش آموختگان تربیت بدنی و علوم ورزشی هستند، کمک نماید تا از آن استفاده کنند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به روش کیفی و از نوع نظریه زمینه ای یا مبنایی است. جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان، سیاست گذاران و صاحب نظران آشنا با موضوع اشتغال در ورزش است که اساتید مدیریت ورزشی، مدیران ارشد اجرایی حوزه ورزش مانند مدیران عالی در وزارت ورزش و جوانان، کارگروه اشتغال در ورزش و سازمان ورزش شهرداری تهران و مدیران ارشد اجرایی حوزه اشتغال مانند کمیسیون راهبردی مجلس شورای اسلامی کشور را در بر می گیرد (جدول ۲) که مورد مصاحبه کیفی قرار گرفتند. روش نمونه گیری در این تحقیق، هدفمند به شیوه گلوله برفی بود که تا مرحله اشباع نظری مفاهیم- یعنی تا حدی که بینش و بصیرتی جدید به زعم تشخیص و دسته بندی محقق حاصل نیاید- پیش رفت (۱۶ نفر). ابزار تحقیق، مصاحبه های کیفی عمیق و نیمه سازمان یافته (باز و انعطاف پذیر) بود. در این روش تحقیق، آزمایش و اعتبارسنجی هیچ فرضیه ای از پیش تعیین نمی شود و پژوهشگران کیفی، مسئولیت و نقش تفسیر داده ها مبتنی بر تکرارپذیری مقوله ای و بسامد بیشتر مقولات و تفسیر دیده ها، شنیده ها و خوانده ها را بر عهده می گیرند. روایی در پژوهش کیفی، بیشتر بر روی صحت داده ها (روایی درونی) تاکید دارد تا معنایی که در مطالعات کمی به کار می رود. اگر مصاحبه شوندگان (مشارکت کنندگان در پژوهش) یافته های پژوهش را مورد تأیید قرار دهند، می توان نسبت به روایی پژوهش بیشتر مطمئن گردید. در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه شوندگان و قرار دادن آن ها در مسیر پژوهش- به طوری که بر نحوه

پاسخ‌گویی آن‌ها تأثیر نگذارد- در جهت افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از انجام هر مصاحبه، اطلاعات به دست آمده تا آن مرحله ارائه شد و در صورتی که مصاحبه‌شونده نکاتی را نسبت به آن‌ها داشت، مورد بحث قرار گرفت. این کار پس از انجام مصاحبه نیز انجام شد تا مصاحبه خالی از هرگونه پیش فرض و جهت‌گیری انجام شود. همچنین، در پژوهش حاضر جهت بررسی پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها از روش پایایی درون موضوعی استفاده شد که بدین منظور از یک متخصص مدیریت ورزشی با سابقه انجام کار کیفی درخواست شد تا با عنوان همکار پژوهش شرکت کند. سپس محقق به کمک همکار، سه مصاحبه را در فاصله یک ماه کدگذاری کردند. نتایج نشان داد که تعداد کل کدها در این سه مصاحبه برابر با ۸۷ مورد و تعداد توافق برابر ۳۶ است. سپس با استفاده از فرمول (تعداد کل توافقات $\div$ تعداد کل کدها ضربدر ۱۰۰)، درصد توافق درون موضوعی محاسبه گردید. باتوجه به اینکه پایایی کل ۸۲ درصد محاسبه گردید و این میزان پایایی بیش از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۱):

جدول ۱: نتایج پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	پایایی
۳	۳۵	۱۵	۰/۸۵
۵	۲۲	۹	۰/۸۱
۱۳	۳۰	۱۲	۰/۸۰
مجموع	۸۷	۳۶	۰/۸۲

یافته‌های پژوهش

در جدول ۲ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است:

جدول ۲: توزیع فراوانی مصاحبه‌شوندگان بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۲	٪۷۵
	زن	۴	٪۲۵
تحصیلات	دکتری	۱۶	٪۱۰۰
	اعضای هیئت علمی علوم ورزشی	۱۰	٪۶۲
تخصص	مدیران ارشد اجرایی حوزه ورزش	۳	٪۱۹
	مدیران ارشد اجرایی حوزه اشتغال	۳	٪۱۹

در مرحله کدگذاری باز ابتدا متن مصاحبه‌ها تحلیل محتوای عرفی شدند؛ یعنی متن مصاحبه‌ها به صورت خط به خط تجزیه و تحلیل شدند. مفاهیم نامربوط و نامناسب حذف، جملات و مفاهیم کلیدی استخراج و مفاهیم مشابه درهم ادغام گردیدند. سپس، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابهی که در مرحله کدگذاری باز شناسایی شده بودند، دسته‌بندی گردیدند و براساس تقارب و مشابهت مفاهیم،

شناسایی و تحلیل عوامل زمینه ای و مداخله گر موثر بر اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی ایران

زیرطبقات شکل گرفتند. در نهایت، زیرطبقات تشکیل شده براساس مدل نظریه برپایه^۱، طبقات اصلی را به وجود آوردند. در مجموع، تعداد ۵۶ مفهوم اصلی شناسایی که در ۲ مقوله اصلی و ۹ مقوله فرعی در قالب جدول ۳، دسته بندی شدند:

جدول ۳: نحوه شکل گیری مفاهیم و مقولات ب دست آمده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی

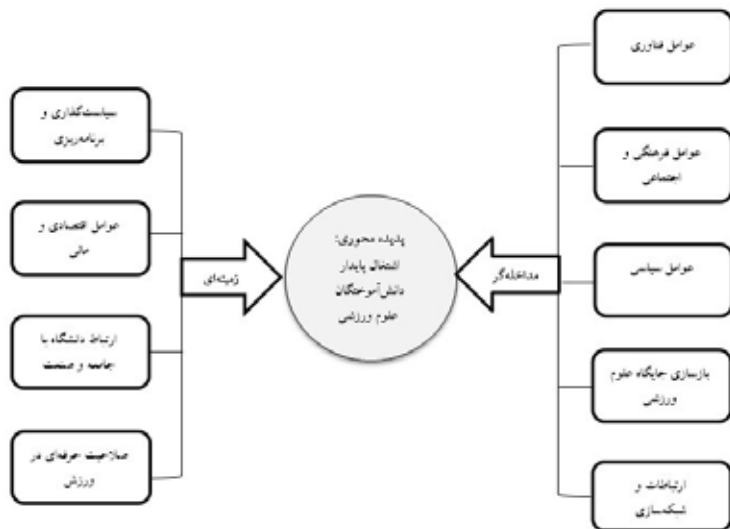
مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم اصلی
عوامل زمینه ای	سیاست گذاری و برنامه ریزی	عدم تطابق اسناد بالادستی با سیاست های اشتغال دانش آموختگان
		فقدان متولی مشخص پیگیری امور اشتغال در ورزش
		عدم ارائه خط مشی کارآفرینی در سند چشم انداز ورزش
		طرح جامع تأسیس مراکز سنجش، مشاوره و تجویز برنامه تمرینی
		راه اندازی نظام جامع باشگاه داری و خدمات ورزشی
		تدوین و اجرای طرح جامع تعریف و طبقه بندی مشاغل ورزشی
		استفاده از تجربه های موفق دیگر کشورها در حوزه اشتغال در ورزش
		تعدد نهادها و مراکز سیاست گذاری اشتغال در صنعت ورزش
		ارائه برنامه جامع و عملیاتی اشتغال در صنعت ورزش
		ایجاد ثبات در سیاست گذاری های اشتغال دانش آموختگان
عوامل اقتصادی و مالی	عوامل اقتصادی و مالی	تحریم های بین المللی بر بخش های مختلف اقتصاد کشور
		تقاضای پایین اقتصاد و بازار کار برای دانش آموختگان علوم ورزشی
		دانش بری پایین فعالیت های اقتصادی و کارآفرینی در ایران
		پایین بودن سهولت انجام کسب و کار و کارآفرینی در اقتصاد ایران
		عدم شفافیت مالی و پرداخت های عادلانه در صنعت ورزش
		تأسیس بانک ورزش جهت حمایت مالی از اشتغال در ورزش
		لزوم ارتباط دانشگاه با صنعت به عنوان موتور محرک توسعه دانش و فناوری
		توسعه تعاملات برون سپاری دانشکده های علوم ورزشی با سایر سازمان ها
		آموزش نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز صنعت ورزش
		لزوم تجاری سازی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه ها
عوامل زمینه ای	ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت	لزوم تحقیقات مشترک بین دانشگاه، صنعت و سازمان های ورزشی
		تدوین طرح مهارت آموزی دانشجویان علوم ورزشی در محیط کار واقعی
		ارتقای بهره وری و فناوری دانش آموختگان از طریق جذب در صنعت ورزش
		مدیریت منابع در صنعت ورزش
		مدیریت تغییر، تحول و تعارض در صنعت ورزش
		مدیریت دانشی و بهره وری در صنعت ورزش
		صلاحیت حرفه ای
		در ورزش

قانون‌مداری، اخلاق‌گرایی و حرفه‌ای‌گرایی در صنعت ورزش		
نظام‌مند شدن مدیریت صنعت ورزش		
عوامل فناوری و فناوری	تعریف دوره‌های کاربردی در چارچوب نظام صلاحیت حرفه‌ای در ورزش	
	حمایت از استارت‌آپ‌های ورزشی با توسعه اکوسیستم نوآوری	
	تشکیل واحدهای فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان در صنعت ورزش	
	توسعه برگزاری نمایشگاه‌های sportex در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای	
عوامل فرهنگی و اجتماعی	توسعه برگزاری فستیوال نوآوری‌های صنعت ورزش و توانبخشی	
	برگزاری رویدادهای از ایده تا اجرا و استارت‌آپ ویکند‌های ورزشی	
	نقش مهم رسانه‌ها در آگاهی‌رسانی و تبلیغات اشتغال در ورزش	
	فضای مطلوب فرهنگی و اجتماعی جهت رشد خدمات ورزشی	
بهبود آگاهی جامعه از فوائد ورزش در نظام سلامت و اشتغال جوانان		عوامل مداخله‌گر
منزلت اجتماعی شغل‌های ورزشی به‌عنوان ارزش در جامعه		
نبود جایگاه ورزش در اولویت اشتغال‌زایی سیاست‌مداران		
عدم آگاهی دولت‌مردان از اهمیت صنعت ورزش در اشتغال‌زایی		
عوامل سیاسی	عدم‌ارتباط و هماهنگی مناسب بین دولت، دانشگاه و صنعت ورزش	
	ضعف دیپلماسی اقتصادی ورزشی در یافتن بازارهای جدید	
	دخالت غیرحرفه‌ای افراد و جریانات سیاسی در حوزه ورزش	
	ضعف مدیریت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه صنعت ورزش	
عدم درک صحیح از جایگاه واقعی علوم ورزشی در جامعه		
بازسازی جایگاه رشته علوم ورزشی	توسعه قابلیت‌های علوم ورزشی از طریق تبلیغات و آگاه‌سازی	
	تدوین طرح توانمندسازی و اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان علوم ورزشی	
	توسعه کمی و نامتناسب علوم ورزشی با نیازمندی‌ها و الگوی توسعه کشور	
	لزوم استفاده از ظرفیت علوم ورزشی در نظام سلامت جامعه	
تأسیس انجمن دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران		عوامل مداخله‌گر
ایجاد شبکه ارتباط و تعامل بین دانش‌آموختگان علوم ورزشی		
ارتباطات و شبکه‌سازی	اطلاع‌رسانی به دانش‌آموختگان علوم ورزشی در مورد نیازهای بازار کار	
	شبکه‌سازی میان دانشکده‌های علوم ورزشی موفق در زمینه اشتغال	
	توجه به دیپلماسی ورزشی و توسعه ارتباطات بین‌المللی	
	برگزاری نشست‌های تخصصی اشتغال در ورزش	

در شکل ۱، مدل داده‌بنیاد عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر موثر بر اشتغال پایدار دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران نشان داده شده است. در پژوهش حاضر تعداد ۲۹ مفهوم اصلی به‌عنوان عوامل زمینه‌ای شناسایی گردید که در قالب ۴ مقوله فرعی قرار داده شده اند (جدول ۳). ازطرفی، همان‌گونه که در جدول

شناسایی و تحلیل عوامل زمینه ای و مداخله گر موثر بر اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی ایران

۳، قابل مشاهده است تعداد ۲۷ مفهوم اصلی به عنوان عوامل مداخله گر شناسایی گردید که در قالب ۵ مقوله فرعی دسته بندی شدند.



شکل ۱: شناسایی عوامل زمینه ای و مداخله گر موثر بر اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی ایران

بحث و نتیجه گیری

آمارها، اطلاعات و پژوهش های انجام شده در مورد وضعیت اشتغال کشور حاکی از افزایش روزافزون نرخ بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی در سال های اخیر است (وزارت علوم، ۱۳۹۸). از طرفی، بدون در نظر گرفتن عوامل محیطی، اقتصاد و اجتماعی نمی توان به توسعه پایدار اندیشید (جلیچا و کتاو، ۲۰۱۷). از این رو، بازنگری در سیستم آموزش، هدایت و اشتغال دانش آموختگان علوم ورزشی و تحلیل محیط اشتغال در ورزش کشور ضرورت دارد (رضوی و همکاران، ۱۴۰۰). در این میان، عوامل زمینه ای مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می آیند تا مجموعه اوضاع و احوال و مسائلی را پدید آورند که اشخاص با عمل و تعاملات خاص به آنها پاسخ می دهند (تجری و همکاران، ۱۳۹۸).

به عبارتی، شرایط زمینه ای شامل مقوله هایی می شوند که بستر لازم را برای خلق و ایجاد اشتغال پایدار در صنعت ورزش برای دانش آموختگان علوم ورزشی فراهم می کنند. در این راستا، نتایج پژوهش در حوزه عوامل زمینه ای نشان دهنده مولفه های متعددی است؛ از جمله «سیاست گذاری و برنامه ریزی مناسب در حوزه اشتغال پایدار دانش آموختگان دانشگاهی» به منظور ایجاد حمایت های همه جانبه ضروری به نظر

می‌رسد. بر این اساس، با توجه به اینکه یکی از دغدغه‌های اصلی دانش‌آموختگان آموزش عالی در جامعه موضوع اشتغال آنان است، شرایط حاضر را می‌توان حساس‌ترین مقطع زمانی به لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و توجه به امر اشتغال کشور دانست (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۷). بی‌تردید، تحقق حداکثری ایجاد و توسعه اشتغال پایدار برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران در گروی هماهنگی سیاست‌های آموزش عالی با سیاست‌های اقتصادی، اشتغال، علم و فناوری و همچنین سیاست‌های صنعتی و تجاری است. لذا در راستای تحقق آن، تدوین برنامه جامع اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان علوم ورزشی ضروری است تا از حرکت‌های جزیره‌ای و پراکنده و فاقد خاصیت هم‌افزایی در ایجاد اشتغال پایدار در صنعت ورزش اجتناب نمود. از این‌رو، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولت باید بحث اشتغال پایدار به‌عنوان محوری‌ترین مسئله کشور مورد توجه قرار گیرد. از طرفی، در این حوزه نباید مقوله «عوامل اقتصادی و مالی» را نادیده گرفت، چرا که مصاحبه‌ها نشان دادند که شرایط اقتصادی و مالی جامعه و کشور در ایجاد اشتغال پایدار مهم و تاثیرگذارند. در این راستا، گوس (۲۰۱۹) پس از بررسی رشد اقتصادی و اشتغال در کشورهای شرق آسیا، از عدم اشتغال‌زایی مناسب و قابل توجه به دلیل رشد اقتصادی پایین و نبود منابع مالی کافی در این کشورها خبر داد. همچنین، در بررسی فضای کسب‌وکار ایران مواردی همچون تحریم‌ها، وضع تعرفه‌های سنگین دوجانبه با بعضی کشورها یا کالاها، مشکلات بانکی و نقل و انتقال پول و همچنین تعلل در پیوستن کشورمان به سازمان تجارت جهانی^۱ (WTO)، از جمله عوامل مؤثر در نامناسب بودن فضای کسب‌وکار از بُعد خارجی و مهم‌ترین عامل داخلی در نبود رونق کسب‌وکار و رکود فراگیر در اقتصاد کشور است (نیازی، نظری و عظیم‌زاده، ۱۳۹۹). در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۹ که توسط مجمع جهانی اقتصاد^۲ (WEF) منتشر شده است، ایران در رکن "ثبات اقتصاد کلان" در بین ۱۴۱ کشور، رتبه ۱۳۴ را داراست که بدترین وضعیت را نشان می‌دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸). البته، معضل بیکاری فعلی کشور لزوماً فقط به نوسانات فصلی و دوره‌ای اقتصاد مرتبط نیست و جنبه ساختاری نیز دارد. لذا تمهیدات و راه‌حل‌های موقت اگر بدون توجه به اصلاحات ساختاری اعمال گردد، جز اینکه این معضل را در آینده تشدید نماید، نتیجه دیگری نخواهد داشت (ذبیحی، شجاعی و حامی، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، مقوله «ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت» نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه ارتباط صنعت و دانشگاه به‌عنوان موتور محرک توسعه دانش و فناوری محسوب می‌شود. همچنین، برقراری ارتباط منسجم و سازمان‌یافته بین دانشگاه، جامعه و صنعت یکی از نیازهای اساسی کشور است و این مهم تأثیرات جدی بر هدفمند بودن آموزش‌ها و اشتغال دانش‌آموختگان خواهد داشت (وزارت علوم، ۱۳۹۸). در همین راستا گفته می‌شود، برای تضمین انتقال روان

1 World Trade Organization

2 World Economic Forum

دانش آموختگان از دنیای تحصیل به دنیای کار، مهارت‌ها و نگرش‌های دانشجویان از دانش نظری آن‌ها مهم‌تر است (آدریانس، بیجزمز و گرون^۱، ۲۰۱۹). در این میان به‌طور مثال، در کشورهای اروپایی و آمریکا، ارتباط دانشگاه با صنعت نسبتاً به‌صورت گسترده شکل گرفته است. این ارتباط مستقیماً و در بعضی دیگر از طریق واسطه‌هایی مثل شوراهای ملی تحقیقاتی و یا مراکز ملی تحقیقاتی انجام می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، در فرانسه این ارتباط بیشتر از طریق «مرکز ملی تحقیقات»، در ایتالیا این وظیفه به‌عهده «شورای ملی تحقیقات»، در سوئیس «بنیاد ملی علوم»، در دانمارک «شورای ملی شش گانه»، در مالزی «فدراسیون تولیدکنندگان مالزیایی»، در سنگاپور «طرح همکاری تحقیق و توسعه» و در تابلند «هیئت توسعه علوم و فناوری» صورت می‌پذیرد. در کشور سوئیس همکاری دانشگاه و صنعت، اساس اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد. در این میان، مجاورت دانشگاه‌ها با شرکت‌های تولیدی در بسیاری از صنایع، نمونه بارزی از همکاری دانشگاه و صنعت در این کشور است. در کشور آلمان نیز دانشگاه با جامعه ارتباط ریشه‌داری دارد. خدمات مشاوره‌ای برای کاهش آلودگی محیط زیست، انتقال فناوری از دانشگاه به صنعت، نمونه‌سازی و ارائه آموزش‌های لازم، تحقیق در زمینه فن‌آوری مناسب برای صنایع موجود در هر منطقه، احداث و راه‌اندازی واحدهای جدید تولیدی برحسب تقاضا، از جمله همکاری‌های دانشگاه با جامعه و صنعت در این کشور می‌باشد. همچنین، در کشور سنگاپور که یک کشور تازه صنعتی شده می‌باشد، ارتباط قوی بین دانشگاه و صنعت به‌منظور تسهیل تبادلات و تعاملات فناوری وجود دارد. این کشور به‌دلیل سرمایه‌گذاری قابل توجه در توسعه نیروی انسانی صاحب نام می‌باشد. از طرفی، حمایت‌های مالی از پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین صنعت و دانشگاه نیز به‌عنوان مشوقی برای تعامل بیش‌تر این دو بخش محسوب می‌شود. همچنین، در بسیاری از کشورها مثل استرالیا و ترکیه، تخفیف‌های مالیاتی در ازای ارتباط آموزشی و تحقیقاتی، سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و توسعه و مشاوره بنگاه‌ها با دانشگاه‌ها از سیاست‌ها و برنامه‌های مهم می‌باشد. بر این اساس، کشورمان در حال حاضر نیازمند رشد و توسعه متوازن و هماهنگ است تا در سایه آن بتواند زندگی بهتر و توأم با رفاه و آرامش بیشتر را برای جمعیت خود فراهم آورد. از این‌رو، دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای علمی کشور، بار پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه را برعهده دارند و باید تلاشی همه‌جانبه در رفع مشکلات از خود نشان دهند. در این میان، پژوهش‌های انجام شده در مورد وضعیت اشتغال کشور حاکی از وجود فاصله و شکاف بین بخش صنعت و آموزش‌های دانشگاهی و عدم انطباق این آموزش‌ها با نیازهای بازار کار می‌باشد. بنابراین، ساماندهی دوره‌های مهارت‌افزایی، کارآموزی دانشجویان و پیمایش مستمر اشتغال دانش آموختگان دانشگاهی، گام مؤثری در جهت کاهش شکاف بین حوزه صنعت و

دانشگاه و ایجاد زمینه جهت حضور هرچه بیش‌تر دانش‌آموختگان آموزش عالی در محیط‌های صنعتی، تجاری و بازار کار می‌باشد.

لازم است هماهنگی و انطباق بین توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و تخصصی دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها با نیازهای کشور و بازار کار بیش از پیش مورد توجه واقع شود. همچنین، ضرورت توجه به توانمندسازی دانش‌آموختگان دانشگاهی براساس مهارت‌های ارتباطی و تخصصی نیز هرچه بیش‌تر احساس می‌شود (وزارت علوم، ۱۳۹۸). علاوه بر این، نظام صلاحیت حرفه‌ای گامی در جهت طبقه‌بندی، توصیف و توسعه صلاحیت‌هاست که به استانداردسازی و ارزیابی نتایج یادگیری کمک می‌نماید. در این راستا، به‌منظور تحقق مقوله «نظام صلاحیت حرفه‌ای در ورزش» باید اقدامات، سازوکارها و تعاملات بین نهادهای که منجر به ایجاد، توسعه و به رسمیت شناختن یک صلاحیت می‌شود ساماندهی گردد. نتایج این بخش از پژوهش با مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳)، رستمی (۱۳۹۵)، تجری و همکاران (۱۳۹۸)، قربانی و صفری (۱۳۹۹)، نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۹)، شرفی و همکاران (۱۳۹۸)، موری هانتر (۲۰۱۹) با تاکید بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و لزوم ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت، پژوهش قربانی (۱۳۹۷)، تقیان دینانی (۱۳۹۷)، تجری و همکاران (۱۳۹۸)، خسرومنش و همکاران (۱۳۹۸)، شرفی و همکاران (۱۳۹۸)، قربانی و صفری (۱۳۹۹)، نیازی و همکاران (۱۳۹۹)، نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۹)، راتن (۲۰۱۹) و گوس (۲۰۱۹) با تاکید بر عوامل اقتصادی و مالی، به‌منظور بهبود اشتغال پایدار دانش‌آموختگان علوم ورزشی همسو می‌باشد. از سوی دیگر، عوامل مداخله‌گر، شرایط وسیع و عامی هستند که به‌عنوان تسهیل‌گر و یا محدودکننده عمل می‌کنند (تجری و همکاران، ۱۳۹۸). به‌عبارتی، شرایط مداخله‌گر مقوله‌هایی هستند که ریشه در شرایط بسترساز (زمینه‌ای) دارند و بر مقوله محوری تاثیر می‌گذارند (خسرومنش و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، نتایج پژوهش در حوزه عوامل مداخله‌گر، نشان‌دهنده مولفه‌های مهم متعددی از جمله مقوله «عوامل فناوری» است. باید گفت که مهمترین تفاوت دنیای امروز با دیروز، سرعت تحولات فناورانه است که با تغییر در قلمرو به‌کارگیری و تجاری‌سازی فناوری همراه است (اسمعیلی، ۱۳۹۷). از طرفی در دنیای امروز، رابطه‌ای مستقیم بین فناوری و پیشرفت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر کشور برقرار است؛ به‌طوری که می‌توان گفت فناوری عامل اساسی برای ثروت، دانایی و توانایی کشورها و ابزاری قدرتمند در توسعه ملی به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، با توجه به تحریم‌های بین‌المللی موجود و عدم وجود امکان انتقال فناوری از سایر کشورها، نیاز به خلق دانش و بهره‌گیری از آن در توسعه فناوری، صنعت و تولید داخلی بسیار احساس می‌شود (وزارت علوم، ۱۳۹۸). علاوه بر این، پایداری اشتغال در جامعه مستلزم حرکت روی ریل فناوری و فراگیری سواد مهارتی است (تقیان دینانی، ۱۳۹۷). از این‌رو، توجه ویژه به

فناوری نوین در حوزه ورزش و حرکت به سوی تولید محصولات و کالاهای ورزشی باید از راهبردهای مؤسسات علمی و سازمان های ورزشی کشور باشد (اسمعیلی، ۱۳۹۷).

در مورد مقوله «عوامل فرهنگی و اجتماعی» می توان به مفاهیمی همچون: نقش مهم رسانه ها در آگاهی رسانی و تبلیغات در زمینه اشتغال در ورزش، فضای مطلوب فرهنگی و اجتماعی جهت رشد و توسعه خدمات ورزشی، نگرش مثبت جامعه به ارائه خدمات نوین ورزشی، بهبود آگاهی جامعه از فوائد ورزش در نظام سلامت، وجود منزلت اجتماعی شغل های ورزشی به عنوان ارزش در جامعه و توسعه فرهنگ ورزش و اشتغال زایی در صنعت ورزش اشاره کرد (جدول ۳). در کنار این عوامل، «شاخص های سیاسی» مانند نبود جایگاه ورزش در اولویت اشتغال زایی سیاستمداران، عدم آگاهی دولت مردان از اهمیت صنعت ورزش در اشتغال زایی، ضعف دیپلماسی اقتصادی ورزشی در یافتن بازارهای جدید، دخالت غیرحرفه ای افراد و جریان های سیاسی در حوزه ورزش و ضعف مدیریت همکاری های بین المللی در حوزه صنعت ورزش نیز مطرح می باشد (جدول ۳). هو، چن و تزنگ^۱ (۲۰۱۶) دریافتند که سیاست های دولتی نقش مهمی در توسعه پایداری صنعت ورزش در شرایط گوناگون دارند. آنان بیان نمودند که سیاست های دولتی عاملی درگیر با سایر حوزه های پایداری صنعت ورزش هستند. از طرفی، تحریم های سیاسی و اقتصادی یک جانبه و چندجانبه ای که از سوی سازمان ها و کشورهای مختلف بر کشور اعمال شده، تعادل بازار کار را مختل کرده است و این مورد برای کشور ایران که همواره از سوی سازمان ها و کشورهای مختلف مورد تحریم واقع شده بسیار حائز اهمیت است (عزتی، حیدری و مرادی، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، لزوم توجه به مقوله «بازسازی جایگاه رشته علوم ورزشی» و توسعه قابلیت های آن در جامعه، به دلیل عدم درک صحیح از جایگاه واقعی علوم ورزشی در جامعه، توسعه کمی و نامتناسب علوم ورزشی با نیازمندی ها و الگوی توسعه کشور نیز مورد نیاز است که در این زمینه می توان به تدوین طرح توانمندسازی و اشتغال پذیری دانش آموختگان علوم ورزشی، لزوم استفاده از ظرفیت علوم ورزشی در نظام سلامت جامعه و توسعه قابلیت های علوم ورزشی از طریق تبلیغات و آگاه سازی اشاره نمود (جدول ۳). علاوه بر این، باید به مقوله «ارتباطات و شبکه سازی» نیز توجه داشت. در این راستا، قابلیت شبکه ای به توسعه روابط و قابلیت های ایجاد شبکه کسب و کار جهت حفظ روابط موجود با مشتری و شرکت های دیگر، تقویت روابط مشتری با شرکت های دیگر، گسترش روابط بلندمدت و به دست آوردن روابط جدید با مشتریان و شرکت ها اشاره دارد (بیانچی و ماتیوس^۲، ۲۰۱۶). لذا ایجاد نظام اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به ذی نفعان در مورد وضعیت اشتغال هر یک از رشته های دانشگاهی و همچنین رصد آمار و اطلاعات رشته های آموزشی می تواند در کاهش نرخ بیکاری دانش آموختگان

1 Hu, Chen & Tzeng

2 Bianchi & Mathews

دانشگاهی مؤثر باشد (وزارت علوم، ۱۳۹۸). نتایج این بخش از پژوهش با مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳)، شرفی و همکاران (۱۳۹۸)، نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۹) با تاکید بر جایگاه حوزه فناوری، پژوهش رستمی (۱۳۹۵)، تقیان دینانی (۱۳۹۷)، نیازی و همکاران (۱۳۹۹) و قربانی و صفری (۱۳۹۹) با تاکید بر جایگاه عوامل سیاسی، پژوهش تجری و همکاران (۱۳۹۸)، نیازی و همکاران (۱۳۹۹) و نادریان جهرمی و پژوهان (۱۳۹۹) با تاکید بر جایگاه ارتباطات، تعامل و شبکه‌سازی و لزوم بازسازی جایگاه رشته تحصیلی در جامعه همخوان می‌باشد. در جمع‌بندی کلی پژوهش حاضر، گفتنی است که امروزه توجه به مقوله اشتغال پایدار برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی، دیگر تنها یک مقوله فرعی برای دانشگاه و آموزش عالی نیست، بلکه به یک مسئله اساسی برای سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران و مسئولان عالی حوزه ورزش و اشتغال کشور تبدیل شده است. به همین منظور سعی شده است تا با رویکرد متفاوتی به این موضوع نگریسته شود. پس به منظور ایجاد و توسعه اشتغال پایدار برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی ایران، نیاز به مهیا بودن شرایط زمینه‌ای و محیطی ضروری می‌باشد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که با توجه به افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی طی چند سال گذشته، با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های دقیق و مناسب و بهره‌گیری از تجربه‌های موفق دیگر کشورها در حوزه اشتغال در ورزش و تقویت مدیریت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه صنعت ورزش، جلوگیری از دخالت افراد غیرحرفه‌ای و جریانات سیاسی در حوزه ورزش، همچنین تدوین و اجرای طرح جامع تعریف و طبقه‌بندی مشاغل ورزشی، ارائه برنامه جامع و عملیاتی اشتغال در صنعت ورزش و ارائه خط‌مشی کارآفرینی در سند چشم‌انداز ورزش، توسعه تقاضای اقتصادی و بازار کار برای دانش‌آموختگان علوم ورزشی، بهبود شرایط راه‌اندازی کسب‌وکار و کارآفرینی در اقتصاد ورزش، حمایت تسهیلاتی از اشتغال دانش‌آموختگان علوم ورزشی از طریق تأسیس موسسه‌ای مالی مانند بانک ورزش در کشور، تقویت ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت ورزش و تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه‌ها در حوزه علوم ورزشی، تحقیقات مشترک بین دانشگاه، سازمان‌های ورزشی و صنعت ورزش، ارتقای بهره‌وری و فنآوری دانشجویان و دانش‌آموختگان علوم ورزشی از طریق جذب در صنعت ورزش، تدوین طرح مهارت‌آموزی دانشجویان علوم ورزشی در محیط کار واقعی براساس استانداردهای بین‌المللی، حمایت از ایجاد و توسعه پلتفرم‌ها، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان در صنعت ورزش، بهره‌گیری از نقش مهم رسانه‌ها در آگاهی‌رسانی از فوائد ورزش در نظام سلامت و قدرت اشتغال‌زایی و کارآفرینی صنعت ورزش برای جوانان به‌ویژه دانش‌آموختگان علوم ورزشی، ضروری است. از طرفی، ایجاد هماهنگی‌های لازم بین سیاست‌های آموزش عالی و سایر حوزه‌ها از جمله اشتغال، علم و فناوری و اقتصاد در گروی اصلاح سیاست‌های اشتغال، توسعه صنعت ورزش و هدفمند نمودن سیاست‌های مالی و تجاری حوزه ورزش به سمت توسعه فعالیت‌های تخصص‌بر است.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر به سیاست‌گذاران حوزه ورزش کشور به‌ویژه وزارت ورزش و جوانان ارائه می‌شود:

- راه‌اندازی «نظام جامع باشگاه‌داری و خدمات ورزشی» و همچنین تأسیس مراکز سنجش، مشاوره و تجویز برنامه تمرینی تحت نظارت وزارت ورزش و جوانان با اولویت به‌کارگیری دانش‌آموختگان علوم ورزشی؛
- در اولویت قرار دادن دانش‌آموختگان علوم ورزشی در مزایده‌ها و مناقصه‌های اماکن ورزشی کشور؛
- اجرای حرفه‌ای‌گرایی در مدیریت ورزش کشور و حذف نگاه سیاسی و امنیتی از صنعت ورزش؛
- تدوین و اجرای طرح جامع تعریف و طبقه‌بندی مشاغل ورزشی با هماهنگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛
- بهبود و ارتقای مدیریت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه صنعت ورزش و تقویت دیپلماسی اقتصادی ورزشی در یافتن بازارهای جدید؛
- ایجاد مراکز تخصصی کارایی در صنعت ورزش تحت نظارت وزارت ورزش و جوانان و معرفی فرصت‌های شغلی بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی به دانش‌آموختگان علوم ورزشی؛
- برگزاری همایش‌ها، سمینارها و نشست‌های تخصصی اشتغال در ورزش با همکاری مراکز علمی ورزشی کشور؛
- حمایت همه‌جانبه از استارت‌آپ‌های ورزشی و برگزاری رویدادها از ایده تا اجرا و استارت‌آپ و یکنندهای ورزشی در کشور؛
- تأسیس «بانک ورزش» وابسته به وزارت ورزش و جوانان جهت حمایت مالی و اعتباری از اشتغال‌زایی پایدار در ورزش.

منابع

- اسمعیلی، محسن. (۱۳۹۷). «طراحی الگوی تجاری‌سازی محصولات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی». طرح پژوهشی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- امینی، مریم؛ انقیاء، ناهید و نوروزی سیدحسینی، رسول. (۱۳۹۹). «شناسایی مؤلفه‌ها و سطوح اقتصاد دانش‌بنیان در ورزش». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۲، شماره ۶۰، صص ۴۱-۶۰.
- برومند دولق، محمدرضا. (۱۳۹۰). «طراحی الگوی راهبردی اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران». رساله دکتری، دانشگاه گیلان.
- برومند، محمد رضا؛ همتی‌نژاد، مهر علی؛ رمضان‌نژاد، رحیم؛ رضوی، سید محمد حسین و ملک اخلاق، اسماعیل. (۱۳۹۰). «بررسی موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۷، شماره ۱۴، صص ۵۱-۷۲.

- تجری، مجتبی؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ مهرعلی‌زاده، پداله و علیزاده ثانی، محسن. (۱۳۹۸). «طراحی الگویی به‌منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تأکید بر رویکرد اشتغال‌زایی». مشاوره شغلی و سازمانی. دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۴۵-۸۷.
- پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی. (۱۳۹۹) الف. «اولین نشست کارگروه مشترک اشتغال در ورزش». تهران، ایران.
<https://ssrc.ac.ir/fa/news/713>
- پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی. (۱۳۹۹) ب. «نشست تخصصی اشتغال در ورزش». تهران، ایران.
<https://ssrc.ac.ir/fa/news/671>
- تقیان دینانی، بهاره. (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای ورزشی در دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- جهانگیری، شیدا؛ برادران، مسعود؛ خسروی‌پور، بهمن و غنیان، منصور. (۱۳۹۱). «تحلیل نقش آموزش عالی در اشتغال دانش‌آموختگان (با تأکید بر کارآفرینی)». اولین همایش ملی کارآفرینی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران.
- خسرومنش، رحیم؛ خبیری، محمد؛ خنیفر، حسین؛ علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم و زارعی‌متین، حسن. (۱۳۹۸). «طراحی مدل مفهومی صنعت ورزش ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۱، شماره ۵۷، صص ۱۷-۳۸.
- ذبیحی، حسین؛ شجاعی، وحید و حامی، محمد. (۱۳۹۸). «تأثیر سواد مهارتی و جهت‌گیری کارآفرینانه بر موفقیت کسب‌وکارهای ورزشی». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. شماره ۲۲، صص ۷۹-۸۸.
- رستمی، محمد. (۱۳۹۵). «سرنوشت شغلی و چالش‌های اشتغال و کارآفرینی دانش‌آموختگان دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رضایی، شمس‌الدین و صالحی‌پور، مژگان. (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه صنعت ورزش ایران با رویکرد داده‌بنیاد». مدیریت منابع انسانی در ورزش. سال ۶، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۷.
- رضوی، سیدمحمد-حسین؛ برومند، محمدرضا و عظیمی دلارستانی، عادل. (۱۳۹۹). «بررسی وضعیت امید به اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته تحصیلی تربیت بدنی و علوم ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۲، شماره ۶۱، صص ۱۷۱-۱۹۰.
- رضوی، سید محمد-حسین؛ برومند، محمد رضا؛ فضلی‌درزی، اعظم و عظیمی دلارستانی، عادل. (۱۴۰۰). «نظام اشتغال دانش‌آموختگان تربیت بدنی و علوم ورزشی با رویکرد خصوصی‌سازی». گزارش طرح پژوهشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران.
<https://ssrc.ac.ir/fa/news/808>
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۹۷). گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ایران در سال ۱۳۹۶. جلد سوم: بخش ۱۷، فصل ۶۱، ورزش و جوانان، صص ۵۴۷-۵۶۲.
- شریفی اسدی ملقه، فاطمه؛ خراسانی، اباصلت؛ فتحی واجارگاه، کورش و صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۸). «تعیین مولفه‌های اشتغال-پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی با رویکرد آمیخته اکتشافی». دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی. سال ۷، شماره ۱۳، صص ۲۹-۵۲.
- شرفی، مرضیه؛ ضیاء، بابک؛ سمیعی، روح‌الله و مستقیمی، محمدرضا. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل مؤثر در اشتغال با رویکرد کارآفرینی پایدار مبتنی بر سیاست‌های کلی اشتغال، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری». مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی. شماره ۳، صص ۳۷-۶۰.
- عاشوری، تقی. (۱۳۹۷). «طراحی مدل فرصت‌های کارآفرینی شغلی در صنعت ورزش ایران (مطالعه موردی: بخش خدمات ورزشی)». رساله دکتری، دانشگاه مازندران.
- عزتی، مرتضی؛ حیدری، حسن و مریدی، پروین. (۱۳۹۸). «برآورد تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر اشتغال بخش کشاورزی». مدیریت بازار کار ایران، شماره ۵۱، صص ۱۰۵-۱۳۷.
- فیض‌پور، محمد علی و محدث، سجاد. (۱۳۹۷). «اشتغال پایدار در بازار کار ایران». دومین همایش تولید ملی و اشتغال پایدار و راهکارها. دانشگاه آیت الله بروجردی، لرستان، ایران.

شناسایی و تحلیل عوامل زمینه ای و مداخله گر موثر بر اشتغال پایدار دانش آموختگان علوم ورزشی ایران

- قربانی قهرخی، لیدا. (۱۳۹۲). «تعیین عوامل موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان کارشناس ارشد رشته تربیت بدنی دانشگاه های دولتی و غیردولتی». رساله دکتری، دانشگاه پیام نور.
- قربانی، محمدحسین. (۱۳۹۷). «راه کارهای اشتغالزایی در ورزش استان خراسان جنوبی با رویکرد اقتصاد مقاومتی». پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- قربانی، محمدحسین و صفری جعفرلو، حمیدرضا. (۱۳۹۹). «الگوی توسعه مشاغل ورزشی در ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۵۵-۷۲.
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۸). «وضعیت ایران در گزارش رقابت پذیری جهانی سال ۲۰۱۹». مدیریت بازار کار ایران. شماره ۴۲، صص ۱۹۵-۱۹۸.
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۳). «تحلیلی بر چالش های اشتغال دانش آموختگان دانشگاهی». کد موضوعی: ۲۱۰، شماره مسلسل: ۱۴۱۶۸، صص ۱-۱۶.
- نادریان جهرمی، مسعود و پژوهان، فاطمه. (۱۳۹۹). «تحلیل نقش آموزش کارآفرینی در اشتغال فارغ التحصیلان رشته علوم ورزشی». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۲۵-۱۳۷.
- نصیرزاده، عبدالمهدی. (۱۳۹۲). «طراحی و تبیین الگوی فرآیندی پیش بینی کارآفرینی دانش آموختگان دانشکده های تربیت بدنی کشور». رساله دکتری، دانشگاه پیام نور.
- نبازی، پریسا؛ نظری، رسول و عظیمزاده، سید مرتضی. (۱۳۹۹). «ارائه مدل توسعه پایدار کارآفرینی ورزشی ایران از منظر تفکر راهبردی براساس نظریه داده بنیاد». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. شماره ۲۹، صص ۸۷-۱۰۳.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ج.ا.ایران. (۱۳۹۸). گزارش عملکرد حوزه ارتباط با جامعه و صنعت. تهران: ایران.
- وزارت ورزش و جوانان ج.ا.ایران. (۱۳۹۴). گزارش برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ورزش. معاونت توسعه منابع و پشتیبانی، صص ۱-۲۰۹.
- Adriaansen, J. Bismans, P. Groen, A. (2019). "Monitoring Generic Skills Development in a Bachelor European Studies". Journal of Contemporary European Research. 15(1): 110-127.
- Ahonen, A. (2019). "Entrepreneurial growth in elite team sport SME's in Finland". Journal of Entrepreneurship and Public Policy. 8(1): 22-39.
- Bianchi, C. Mathews, S. (2016). "Internet marketing and export market growth in Chile". Journal of Business Research. 2(69):426-434.
- Eurostat (2019). Employment in sport. http://ec.europa.eu/eurostat/statisticsexplained/index.php/Employment_in_sport.
- Eurostat. (2020). Employment in sport. https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php?title=Employment_in_sport
- Ghose, A. K. (2019). "Economic Growth and Employment in South Asia". In Chaturvedi S., Saha S. (eds) Manufacturing and Jobs in South Asia. South Asia Economic and Policy Studies. Springer, Singapore. Pp. 197- 211.
- Hu, K. H. Chen, F. H. & Tzeng, G. H. (2016). "Evaluating the improvement of sustainability of sports industry policy based on MADM". Sustainability, 8(7): 591- 606.
- Kassu, Jilcha; Daniel, Kitaw. (2017). "Industrial occupational safety and health innovation for sustainable development". Engineering Science and Technology, an International Journal. 20: 372-380.
- Kim, M. (2020). "How Phil Knight made Nike a leader in the sport industry: Examining the success factors". Journal of Sport in Society, 6(2): 1-12.
- Kokolakis T. Gratton, C. (2019). "The economic value of sport". In Ed. The SAGE handbook of sports economics. 5(1): 11-26.
- McNiff, J. (2019). "Managing sport business: An introduction". International Journal of Sport Communication, 12(2): 6-295.
- Meier, M., Tan, K. H., Lim, M. K., & Chung, L. (2018). "Unlocking innovation in the sport industry through additive manufacturing". Journal of Business Process Management, 25(3): 75-

456.

- Murray, Hunter. (2019). **“Malaysia faces youth unemployment crisis”**. ON LINE opinion Australia’s e-journal of social and political debate.
www.onlineopinion.com.au/print.asp?article=20515.
- Ratten, V. (2019). **“Understanding the emergence of sport entrepreneurship: policy considerations and agenda setting”**. Journal of Entrepreneurship and Public Policy, 8(1):1-4.
- UNESCO. (2016). **Strategy for Technical and Vocational Education and Training (TVET) (2016-2021)**. 1-15.

شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور

سلمان علوی^۱

احمد محمودی^۲

فرزاد غفوری^۳

احمد گرامی^۴



10.22034/SSYS.2022.1715.2209

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

هدف از تحقیق حاضر، شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور بود. تحقیق حاضر به شیوه کیفی انجام شد. در این مطالعه توصیفی-کاربردی، از رویکرد تحلیل تماتیک استفاده گردید. جامعه آماری را کلیه صاحب نظران در حیطه مسئولیت اجتماعی در ورزش، در سه گروه علمی، اجرایی و ورزشی تشکیل می دادند. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام شد و با ۱۶ مصاحبه، اشباع نظری صورت گرفت.

در بخش راهکارهای توسعه مسئولیت اجتماعی، تعداد ۵۰ کد باز به دست آمد که در ۹ مقوله محوری قرار گرفتند. در نهایت نیز از مقوله های یاد شده، ۷ مفهوم تبلیغاتی- رسانه ای، سیاست گذاری، تحقیقاتی، انگیزشی، فرهنگ سازی، توسعه فردی و ارتباطات به دست آمد. در بخش پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی، تعداد ۵۲ کد باز به دست آمد که در ۱۳ مقوله محوری قرار گرفتند. در نهایت نیز از مقوله های یاد شده، ۵ مفهوم توسعه پایدار، توسعه ورزشی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه فردی- سازمانی به دست آمد.

با توجه به پیامدهای ارزشمندی که مسئولیت های اجتماعی ورزشکاران برای جامعه دارد، پیشنهاد تشکیل «انجمن مسئولیت اجتماعی» در کلیه سازمان های ورزشی ارائه می شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، بشردوستی، مسئولیت اجتماعی و ورزشکار مشهور.

^۱ کارشناس ارشد، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Ah.mahmoudi@ut.ac.ir

^۳ دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۴ کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه غیر دولتی- غیرانتفاعی ایوان کی، تهران، ایران

مقدمه

مسئله‌ای که امروزه در بعد اجتماعی ورزش مطرح شده و توانسته نظر سازمان‌های ورزشی و افراد را به خود مشغول کند، مسئولیت اجتماعی است. مسئولیت اجتماعی به عنوان بخشی از روابط داوطلبانه شرکت با جامعه و یا ذینفعان اجتماعی برای به حداقل رساندن و یا حذف اثرات مضر و به حداکثر رساندن مزایای طولانی مدت به جامعه می‌باشد. این بدان معناست که مسئولیت اجتماعی راهی است برای مدیریت و پاسخگویی به تقاضاهای اجتماعی و ذینفع (واکر و پرنٲ^۱، ۲۰۱۰: ۱۹۹). ورزش، عملکرد و تاثیر قابل توجهی در مقابله با مسائل اجتماعی دارد که این مسئله موجب یکپارچگی ورزش و مسئولیت اجتماعی شده است (ابراهیم و المرشد^۲، ۲۰۱۴: ۴). به همین دلیل سازمان‌های ورزشی و ذینفعان در حال توسعه درک خود از دارایی‌های ارزشمندی هستند که ورزش می‌تواند به وسیله مسئولیت اجتماعی عرضه کند (سو^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۱۱). صنعت ورزش دارای عناصر بی‌نظیری برای اثرگذاری حوزه‌های مختلف اجتماعی است. ورزش با ویژگی‌هایی چون جذابیت و دسترسی بین‌المللی، پخش رسانه‌ای جمعی و جذب‌کنندگی جوانان می‌تواند موجب بهبود ارتباطات و مشارکت گروهی، اثرات مثبت بر سلامت و تندرستی، جذب و پذیرش فرهنگی و آگاهی زیست محیطی بشود (ابراهیم و المرشد، ۲۰۱۴: ۴). همچنین می‌توان از ورزش در مسائلی چون توسعه فردی، ارتقای سلامت و پیشگیری از بیماری، ترویج برابری جنسیتی، ادغام اجتماعی و توسعه سرمایه اجتماعی، ایجاد صلح و پیشگیری و حل و فصل درگیری، کمک و تسکین پس از بیماری و عادی‌سازی زندگی، توسعه اقتصادی، ارتباطات و بسیج اجتماعی استفاده کرد. در این راستا «صندوق کودکان سازمان ملل متحد»^۴ به برنامه‌های مبتنی بر ورزش برای بهبود زندگی کودکان و تقویت جوامع در سراسر جهان اشاره کرده است (انگوانیا^۵، ۲۰۱۰: ۱).

اخیراً مطالعات مرتبط با مسئولیت اجتماعی در مدیریت ورزشی توسعه یافته است که بیشتر آنها به توسعه مسئولیت اجتماعی در لیگ‌ها، تیم‌ها و یا ادارات دولتی پرداخته‌اند و برخی دیگر به تعریف و ظواهر مختلف مسئولیت اجتماعی در ورزش و برخی دیگر تاثیر مسئولیت اجتماعی ورزشی در جامعه و سازمان‌های ورزشی را مورد بررسی قرار داده‌اند (فلوتر^۶ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۴۷). به عنوان مثال، واکر و پرنٲ^۷ (۲۰۱۰) دریافته‌اند که برنامه‌های مسئولیت اجتماعی تیم‌های ان‌اف‌ال^۸ تاثیر مثبتی بر شهرت و رفتار

1 walker & parent

2 Ibrahim & Almarshed

3 Su

4 UNICEF

5 Ngwanya

6 Flöter

7 Walker & Parent

8 NFL

مصرفی کالا دارد. بابیاک و ولف^۱ (۲۰۱۳) مجموعه‌ای از مسئولیت‌های اجتماعی ورزشی را مطرح کرده‌اند که ابتکارات مسئولیت اجتماعی سازمان‌های ورزشی را در شش طبقه روابط کاری، مدیریت و پایداری محیط زیست، حاکمیت شرکتی، تنوع و عدالت، بشردوستی و روابط اجتماعی تقسیم کرده‌اند (روو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۳). بریت بارس و هریس (۲۰۰۷) استدلال کردند که افزایش آگاهی و ادغام مسئولیت اجتماعی در تجارت فوتبال موجب پرورش رقابت‌پذیری و افزایش ارزش برای سهامداران می‌شود. همچنین شینبام و لاسی^۳ (۲۰۱۵) نشان دادند که ارتباط قوی بین مسئولیت اجتماعی یک شرکت و پشتیبانی مصرف‌کنندگان وجود دارد. در مطالعات داخل کشور نیز افروزه و همکاران (۱۳۹۵ الف) در تحقیقی حیطه‌ها و عوامل موثر بر مسئولیت اجتماعی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران را در ۶ مقوله فرهنگی اخلاقی، اقتصادی، فنی، قانونی، سیاسی و ساختاری مرتبط با چالش‌های مسئولیت اجتماعی تقسیم‌بندی کردند. افروزه و همکاران (۱۳۹۵ ب) پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران را شامل شایستگی، درونگرایی با ثبات در قالب مولفه توسعه فنی، فرهنگ‌سازی و مشروعیت‌بخشی در قالب مولفه توسعه فرهنگ اخلاقی، سالم‌سازی، هم‌سان‌سازی و مفرح‌سازی در قالب توسعه اجتماعی و اشتغال و عدالت اجتماعی و نیز ارتقای برند در قالب توسعه اقتصادی می‌دانند. آزادی و جوانی (۱۳۹۷) در پایان مطالعه خود، اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر برند شخصی ورزشکاران با نقش میانجی شهرت و دل‌بستگی به برند را تایید کردند. مکی‌زاده و آئین جمشید (۱۳۹۷) نیز اثربخشی راه‌اندازی و صحنه‌گذاری پویای بشردوستانه توسط چهره‌های مشهور ورزشی در شبکه‌های اجتماعی را تایید کردند. می‌توان چنین استدلال کرد که مسئولیت اجتماعی به عنوان یک جنبه مهم در تمامی ابعاد ورزش وجود دارد. به عنوان مثال، فدراسیون‌های ورزشی می‌توانند ابتکارات مسئولیت اجتماعی را پیاده‌سازی کنند، لیگ‌های حرفه‌ای ورزشی می‌توانند به‌طور فزاینده‌ای برنامه‌های لیگ‌های مختلف را برای حل مشکلات اجتماعی مورد استفاده قرار دهند، باشگاه‌های مختلف ورزشی می‌توانند در انواع مختلف فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت کنند، ورزشکاران نیز می‌توانند از طریق بنیادهای خیریه و کسب و کارهای ورزشی در مسئولیت اجتماعی شرکت نمایند (فلیزوز و فیشن^۴، ۲۰۱۱: ۲۰۱۱). ورزشکاران مشهور نیز به انجام فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند که انجام این فعالیت‌ها نه تنها برای هدف شغلی ورزشکار، بلکه برای خدمت به اجتماع و در مقیاس بزرگتر به جامعه صورت می‌گیرد. در تحقیق حاضر به شخصی ورزشکار مشهور گفته می‌شود که معمولاً در یک یا چند رشته ورزشی، در یک جامعه یا فرهنگ دارای سرشناسی و محبوبیت باشد. به واسطه توجه زیاد رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون،

1 Babiak & Wolfe

2 Rowe

3 Scheinbaum & Lacey

4 Filizöz & Fişne

اینترنت و نشریات به وقایع مرتبط با ورزشکاران مشهور، اغلب چنین شخصی به راحتی از طریق مردم و به ویژه قشر جوان قابل شناسایی است. گفتنی است که یک ورزشکار ممکن است به واسطه فعالیت‌های حرفه‌ای و تکنیکی خود، رفتارهای اجتماعی و بشردوستانه، ثروت، مسائل غیر اخلاقی و امثال این موارد به مشهوریت رسیده باشد. در این راستا علوی و همکاران (۱۳۹۹) مسئولیت‌های اجتماعی ورزشکاران مشهور را در هشت بعد مسئولیت سیاسی، اقتصادی، قانونی، اجتماعی، بشردوستی، زیست محیطی، رسانه‌ای- خبری و آموزشی- ورزشی معرفی کردند. قنبرپورنصرتی و آصفی (۱۳۹۹) تحقیقی با هدف اعتباریابی پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی لی در بین دانشجویان دختر ورزشکار انجام دادند. نتایج تناسب مدل دو عاملی ۱۴ سوالی نسخه اصلی را تأیید کرد و پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی از روایی و پایایی لازم در بین دانشجویان ورزشکار برخوردار بود. نتایج تحقیق لی و بابیاک^۱ (۲۰۱۹) نشان داد که رفتارهای خیرخواهانه ورزشکار که پیش از یک تخلف یا رسوایی رخ داده است، می‌تواند اثرات منفی تخلف او را کاهش دهد، اما زمانی که ورزشکار عمیقاً در فعالیت‌های خیرخواهانه شرکت داشته باشد. این پدیده^۲ و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی با تمرکز بر مسئولیت اجتماعی و بسیج خیرخواهانه ورزشکاران حرفه‌ای برای رفع نیازهای فوری اجتماعی در بحران کوید ۱۹ انجام دادند که در نهایت مسئولیت‌های آنان را در سه حیطه افزایش آگاهی و حمایت، فراخوانی به اقدام و تعامل و اشتراک اطلاعات و ارتباطات دانستند. در تکمیل و راستای تحقیقات یاد شده، این سوال به وجود می‌آید که انجام مسئولیت‌های اجتماعی توسط ورزشکاران مشهور، چه پیامدهایی برای جامعه دارد؟ چه سازمان‌ها و افرادی از آنها منتفع می‌شوند؟ پس از تصدیق فوائد مسئولیت اجتماعی، چگونه می‌توان در راستای ارتقای آن گام برداشت؟ چه سازمان‌ها و افرادی و چگونه می‌توانند مسئولیت‌های اجتماعی را در بین ورزشکاران مشهور توسعه دهند؟ مرور پیشینه تحقیق گویای آن است که تاکنون تحقیقی به منظور پاسخ‌دهی به سوالات فوق انجام نشده است که این خود گواهی بر جنبه نوآوری و اهمیت نظری تحقیق حاضر است. لذا می‌توان از نتایج این مطالعه در تکمیل مبانی نظری مسئولیت اجتماعی و ورزش سود برد. در قالب عمل نیز می‌توان راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی را به ورزشکاران مشهور، مدیران و سازمان‌های ذی‌ربط گوشزد کرد. همچنین می‌توان با نظر به نتایج حاصل از این پژوهش، در جهت سیاست‌گذاری و نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در صنعت ورزش (به طور عام) و در بین ستارگان ورزشی (به طور خاص) گام برداشت. لذا این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ برای این سوال است:

پیامدها و راهکارهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور کدامند؟

1 Lee & Babiak

2 Abuín-Penas

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به شیوه کیفی انجام شد و از لحاظ هدف، کاربردی با ماهیت اکتشافی بود. جهت دستیابی به نتایج تحقیق از روش تحلیل مضمونی^۱ استفاده شد. تجزیه و تحلیل مضمونی یک روش کیفی انعطاف پذیر برای دستیابی به "الگوها" یا "مضامین" است که شرکت کنندگان در گفتمان خود برقرار می کنند (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶: ۸۲). این روش با جمع آوری داده ها آغاز شد و سپس با رونویسی، خواندن، بازخوانی، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها ادامه یافت. برای انجام تجزیه و تحلیل موضوعی از روش شش مرحله ای استفاده شد: ۱. مصاحبه ها به صورت کامل رونویسی شد و نویسندگان برای آشنایی با متن، آن را دو بار مطالعه کردند؛ ۲. پس از مطالعه دقیق متن، در بخش دوم به ایجاد کدهای اولیه پرداخته شد که این بخش به صورت نوشتن یادداشت بر روی متن و حواشی متن انجام پذیرفت؛ ۳. در بخش سوم کدهای اولیه در قالب مضامین مرتب شدند؛ ۴. سپس مضامین به دست آمده از متن، در گروه های مشابه و منسجمی دسته بندی شدند؛ ۵. در گام پنجم، شبکه های مضامین رسم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل شدند؛ ۶. در نهایت تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق، صورت گرفت (براون و کلارک^۳، ۲۰۰۶: ۸۳). جامعه آماری پژوهش اعضای هیئت علمی رشته علوم اجتماعی (۳ نفر)، اعضای هیئت علمی مدیریت ورزشی (۵ نفر)، مدیران و کارشناسان ورزشی صاحب نظر (۳ نفر) و ورزشکاران مشهور (۵ نفر) بودند. نمونه گیری به صورت هدفمند^۴ انجام شد که با ۱۶ مصاحبه، به اشباع نظری رسید. ابزار تحقیق مصاحبه نیمه ساختاریافته^۵ با خبرگان بود. ابتدا فهرستی مقدماتی به عنوان سئوالات مصاحبه و ابزار اولیه گردآوری داده ها تنظیم شد و سپس به عنوان راهنمای مصاحبه، قبل از انجام مصاحبه با هر یک از صاحب نظران، برای آنان ارسال شد. سئوالات اولیه مصاحبه با توجه به پیشینه تحقیق و اهداف مورد نظر تدوین شدند و وابسته به شرایط مصاحبه، سئوالات دیگری نیز اضافه شد. مصاحبه با توصیف ویژگی های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان شروع و سپس سئوالات اصلی پژوهش ارائه شد. در پایان مصاحبه با سئوالاتی باز مانند "فکر می کنید مطلبی هست که به آن در این حوزه نپرداخته اید؟" خاتمه یافت. مدت زمان مصاحبه بین ۲۰ الی ۳۰ دقیقه بود. پس از اخذ مصاحبه ها، به شیوه تحلیل مضمون، راه کارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور استخراج گردید. به طور کلی تحلیل مضمون به دنبال استخراج مضامین و مفاهیم موجود در مصاحبه بوده و شبکه مضامین که در پایان ساخته می شود، منجر به ساختار دادن به این مضامین می شود. در این راستا تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها انجام پذیرفت: مرحله اول: تجزیه و توصیف مصاحبه ها (مکتوب کردن مصاحبه ها،

1 Thematic analysis

2 Braun & Clarke

3 Braun & Clarke

4 purposive sampling

5 Semi-structured

ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جستجو شناخت مضامین؛ مرحله دوم: تشریح و تفسیر متن (ترسیم شبکه مضامین، تحلیل شبکه مضامین)؛ مرحله سوم: ترکیب و ادغام متن (تدوین گزارش). به منظور بررسی روایی و پایایی از مقبولیت^۱، قابلیت انتقال^۲، تاییدپذیری^۳ و پایایی بازآزمون^۴ استفاده گردید. پیتنی و پارکر^۵ (۲۰۰۹) سه روش الف) منابع داده متعدد، ب) تحلیلگران متعدد و ج) روش های متعدد را برای افزایش مقبولیت پژوهش کیفی پیشنهاد کردند که در این پژوهش از روش تحلیلگران متعدد استفاده گردید. در این راستا، در روند اخذ مصاحبه و تحلیل داده ها از یک دانشجوی مقطع دکترای مدیریت ورزشی که از موضوع تحقیق مطلع بود، یاری گرفته شد. هر چند پیتنی و پارکر (۲۰۰۹) اعتقاد دارند که قابلیت انتقال خارج از توانایی پژوهشگر کیفی است، اما می توان با استخراج و ارائه حداکثری یافته ها تا حدودی این بخش از روایی تحقیق را نیز تأمین کرد که در این پژوهش با مرور متعدد مصاحبه ها و استخراج حداکثری و غیر تکراری مطالب سعی بر اجرای این توصیه شد. همچنین در مطالعه ای اشاره شده است که می توان با ارائه جزئیات و ویژگی های جمعیت شناختی شرکت کنندگان مانند سن، جنس، سابقه کار، تحصیلات و سایر موارد، به بهبود قابلیت انتقال کمک کرد (طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶۶) که در تحقیق حاضر برخی از ویژگی های جمعیت شناختی شرکت کنندگان گزارش شده است. استومل و ویلس^۶ (۲۰۰۴) بیان می کنند که جهت تاییدپذیری، پژوهشگر می تواند یادداشت ها و مصاحبه ها را ثبت و ضبط کند و همچنین تمام روند پژوهش و مسیر تصمیمات خود در طی پژوهش را در گزارش بیان نماید که در این پژوهش سعی بر انجام حداکثری این موارد شده است. در تحقیق حاضر از پایایی باز آزمون^۷ برای محاسبه پایایی مصاحبه های انجام گرفته، استفاده شده است. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری های انجام گرفته توسط پژوهشگر به ترتیب زیر است:

$$\text{درصد پایایی} = \frac{2 \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

از بین مصاحبه های انجام گرفته، تعداد ۳ مصاحبه به صورت تصادفی انتخاب شد و هر کدام از آن ها دو بار در یک فاصله زمانی ۳۰ روزه (یک ماه) توسط پژوهشگر کدگذاری شدند. در این راستا استملر^۸ (۲۰۰۱) در پژوهش خود میزان پایایی بیشتر از ۶۰ صدم را مورد تأیید و قابل قبول بیان نمود (استومل و ویلس، ۲۰۰۴: ۷). نتایج حاصل از کدگذاری ها در جدول ۱ آمده است:

-
- 1 Credibility
 - 2 Transferability
 - 3 Dependability
 - 4 test – Retest
 - 5 Pitney & Parker
 - 6 Stommel & Wills
 - 7 test – Retest
 - 8 Stemler

جدول ۱: محاسبه پایایی مصاحبه‌ها به روش باز آزمون

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل گدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	P _۱	۳۱	۱۴	۳	۹۰٪
۲	P _۶	۲۶	۱۰	۶	۷۷٪
۳	P _{۱۱}	۱۹	۸	۳	۸۴٪
	کل	۷۶	۳۲	۱۲	۸۴٪

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود تعداد کل گدها در دو فاصله زمانی ۳۰ روزه برابر ۷۶، تعداد کل توافقات بین گدها در این دو زمان برابر ۳۲ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۱۲ بود. پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول یاد شده، برابر ۸۴ صدم است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ صدم است (استومل و ویلس، ۲۰۰۴؛ ۷)، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید و قابل قبول است.

یافته‌های پژوهش

در جدول زیر توصیف مختصری از ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش که در قالب: جنسیت، سن، سطح تحصیلات، سابقه اجرایی (مربوط به اساتید و مدیران) یا سابقه فعالیت ورزشی (در مورد ورزشکاران) و حوزه فعالیت آنان (اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی، اعضای هیئت علمی رشته علوم اجتماعی، مدیران و کارشناسان ورزشی صاحب‌نظر و ورزشکاران مشهور) ارائه گردید:

جدول ۲: توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن	سطح تحصیلات	تجربه اجرایی یا ورزشی	اسناد مدیریت ورزشی	اسناد علوم اجتماعی	مدیر و کارشناس ورزشی	ورزشکار مشهور
P1	مرد	۳۳	دکتری	۳ سال	x	-	-	-
P2	مرد	۵۵	دکتری	۲۵ سال	x	-	-	-
P3	مرد	۳۲	دکتری	۴ سال	-	-	x	-
P4	مرد	۲۵	کارشناسی ارشد	۱۰ سال	-	-	-	x
P5	زن	۳۸	کارشناسی ارشد	۱۲ سال	-	-	-	x
P6	مرد	۳۵	دکتری	۴ سال	x	-	-	-
P7	مرد	۴۶	دکتری	۱۲ سال	-	x	-	-

-	-	x	-	۱۱ سال	دکتری	۴۰	مرد	P8
-	-	-	x	۲۰ سال	دکتری	۵۳	زن	P9
-	-	-	x	۱۵ سال	دکتری	۴۹	زن	P10
x	-	-	-	۱۵ سال	دانشجوی دکتری	۳۱	مرد	P11
x	-	-	-	۱۱ سال	دانشجوی دکتری	۳۰	زن	P12
x	-	-	-	۱۷ سال	دانشجوی دکتری	۳۵	مرد	P13
-	-	x	-	۱۲ سال	دکتری	۴۳	زن	P14
-	x	-	-	۲۴ سال	کارشناسی ارشد	۵۱	مرد	P15
-	x	-	-	۷ سال	کارشناسی	۳۵	زن	P16

در جدول ۲، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق (مقوله فرعی، مقوله اصلی و مفهوم) پیرامون شناسایی راهکارهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور نمایش داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی تعداد ۵۰ مقوله فرعی به‌دست آمد که در ۹ مقوله اصلی قرار گرفت. در نهایت نیز از مقوله‌های به‌دست آمده، ۷ مفهوم تبلیغاتی- رسانه‌ای (۵ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی)، سیاست‌گذاری (۱۴ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی)، تحقیقاتی (۷ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی)، انگیزشی (۴ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی)، فرهنگ‌سازی (۱۲ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی)، توسعه فردی (۴ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی) و ارتباطات (۴ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی) به‌دست آمد.

جدول ۳: مقوله‌های فرعی، اصلی و مفهوم‌های راهکارهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور

مفهوم	مقوله اصلی	مقوله فرعی
تبلیغاتی - رسانه‌ای	صحه‌گذاری به وسیله رسانه	ساخت فیلم یا انیمیشن از اقدامات اجتماعی ورزشکاران رسانه‌ای کردن فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران دعوت و معرفی ورزشکاران با اخلاق و فعال در حوزه‌های اجتماعی به رسانه ساخت و نصب تابلوهای شهری از فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران وجود اشعار و جملات در مکان‌های ورزشی با هدف تداعی مسئولیت‌های اجتماعی تدوین خط‌مشی به وسیله آیین‌نامه‌های رفتار ورزشکاران مشخص شدن حدود و مرزهای مسئولیت اجتماعی ورزشکاران تدوین منشور اخلاقی توسط فدراسیون‌های ورزشی الزامات وزارت ورزش، فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها و سایر متولیان ورزش
سیاست‌گذاری (تدوین)	الزامات (خط‌مشی) قانون‌گذاری	

الزامات مراجع بین‌المللی	
تسهیل قوانین دولتی	
بازنگری و تسهیل سیاست‌ها جهت ورود ورزشکاران به عرصه‌های مختلف اجتماعی	
تخصیص بودجه مناسب جهت بسط مسئولیت اجتماعی ورزشکاران	
تشکیل نهادهای NGO به منظور سازماندهی و توسعه مسئولیت اجتماعی	
استخدام مشاور در زمینه مسائل اجتماعی در سازمان ورزشی	
الزامات (خط‌مشی) ساختاری	همکاری مشترک بین سازمان‌های متولی ورزش و بنیادهای اجتماعی
	ایجاد پست سازمانی در سازمان (موظف به رسیدگی به مسائل اجتماعی سازمان)
	تشکیل کمیته‌ها و سازماندهی مدیران جهت اجرایی شدن مسئولیت اجتماعی
	ایجاد سازمان‌های دولتی متولی مسائل اجتماعی در ورزش
	تدوین برنامه‌های راهبردی با توجه به شرایط کنونی جامعه
تحقیقات گسترده و ارائه تعاریف و معیارهای شفاف از مسئولیت اجتماعی ورزشکاران	
تحقیقاتی	شناسایی موانع توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران
	شناسایی ابعاد مسئولیت اجتماعی ورزشکاران و ارائه الگوی مشخص
	شناسایی پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران
تحقیقات بنیادی (پایه‌ای)	شناسایی سازمان‌های موثر در توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران و شناسایی نقش آنها
	تفکیک مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی با فردی (شناسایی تشابهات و تفاوت‌ها)
	حمایت دولتی از ورزشکاران با اخلاق (ارائه تشویقاتی چون معافیت مالیاتی، کاهش یا معافیت خدمت سربازی، امتیاز برای ورود به دانشگاه‌ها)
انگیزشی راهبردهای حمایتی	تشویق، ترغیب و حمایت باشگاهی (از سوی مدیران، مربیان و غیره) از ورزشکاران با اخلاق (مانند: ملاحظه کردن در زمان عقد قراردادهای مالی)
	اهدای جوایز به ورزشکاران با اخلاق به وسیله متولیان ورزش
	ایجاد جشنواره سالانه با هدف معرفی ورزشکاران با اخلاق
نمایه‌سازی نتایج مسئولیت اجتماعی ورزشکاران (مثلا در سایتی زیر نظر وزارت ورزش)	
آموزش ارزش‌های اجتماعی به صورت غیر مستقیم	آموزش و نهادینه سازی مفهوم مسئولیت اجتماعی در بین متولیان ورزش
	بهره‌گیری از مربیان متخصص و آموزش‌دیده در مسائل اجتماعی
	پروورش حس همدلی، نوع‌دوستی، تعلق و تعهد بین ورزشکاران (توسط سازمان‌های متولی ورزش)
فرهنگ-سازي	درگیر کردن ورزشکاران با مسائل اجتماعی (مانند حضور تیم ورزشی در خانه سالمندان یا مراکز نگهداری بیماران خاص)

ارتقای ظرفیت‌های اعتقادی و اجتماعی مدیران سازمان‌های ورزشی		
اشاعه مفهوم مسئولیت‌های اجتماعی در آموزه‌های دینی، مدارس و به طور کلی در جامعه		
پرداختن و تشریح ابعاد مسئولیت اجتماعی برای ورزشکاران در قالب کارگاه‌های آموزشی		
آموزش ارزش‌های اجتماعی به صورت مستقیم	انعکاس محاسن مشارکت اجتماعی بین ورزشکاران آموزش در ورزش پایه (مانند آکادمی‌ها و مدارس فوتبال) برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری مسئولیت‌های اجتماعی توسط متولیان مسابقات ورزشی مانند سازمان لیگ	
آموزش ارزش‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، صداقت، احترام به دیگران در قالب فعالیت ورزشی		
آشنایی ورزشکار با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه آگاهی ورزشکار از مسائل روز جامعه		
توسعه فردی	درک اجتماعی	آگاهی و درک روشن ورزشکار از مفاهیم و اهداف مسئولیت اجتماعی ارتباط مستقیم با مسائل اجتماعی (مانند ارتباط نزدیک با کودکان کار، بزهکاران و)
الگوپردازی از ورزشکاران کشورهای پیشرفته الگوگیری از سایر اقشار معروف جامعه (مانند هنرمندان)		
ایجاد تعامل با سایر ارتباطات	ایجاد ارتباط با افراد جامعه شناس (مانند شرکت دادن اعضای تیم در سمینارهای اجتماعی)	ایجاد ارتباط با افراد مشهور سینما یا سایر بخش‌های هنر
در جدول ۳ تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق (مقوله فرعی، مقوله اصلی و مفهوم) پیرامون شناسایی پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور نمایش داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی تعداد ۵۲ مقوله فرعی به‌دست آمد که در ۱۳ مقوله اصلی قرار گرفت. در نهایت نیز از مقوله‌های به‌دست آمده، ۵ مفهوم توسعه پایدار (۱۳ مقوله فرعی و ۳ مقوله اصلی)، توسعه ورزشی (۸ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی)، توسعه سیاسی (۵ مقوله فرعی و ۱ مقوله اصلی)، توسعه فرهنگی (۱۶ مقوله فرعی و ۵ مقوله اصلی) و توسعه فردی- سازمانی (۱۰ مقوله فرعی و ۲ مقوله اصلی) به‌دست آمد.		
جدول ۴: مقوله‌های فرعی، اصلی و مفهوم‌های پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور		
مفهوم	مقوله اصلی	مقوله فرعی

توسعه اقتصادی	رونق اقتصاد جامعه محلی	توسعه پایدار	توسعه اجتماعی
	شکوفایی و بهبود اقتصاد کشور		
	ترویج تولید و استفاده از کالاهای داخلی		
توسعه پایدار	الگوگیری کودکان	توسعه اجتماعی	توسعه اجتماعی
	الگوگیری جامعه از رفتار اجتماعی آنها		
	جهت‌دهی به زندگی کودکان		
توسعه پایدار	ایجاد حس برابری و انگیزه بخشی	توسعه اجتماعی	توسعه اجتماعی
	بهبود سلامت و کیفیت زندگی جامعه		
	توسعه ارزش‌های انسانی و اجتماعی در جامعه		
توسعه زیست محیطی	توسعه امید، شور و نشاط اجتماعی	توسعه زیست محیطی	توسعه زیست محیطی
	کاهش آلودگی‌های زیست محیطی		
	بهبود سواد زیست محیطی جامعه و به‌خصوص اهالی ورزش		
توسعه ورزش همگانی و قهرمانی	مصرف بهینه منابع طبیعی (مانند نفت، گاز و ...)	توسعه ورزش همگانی و قهرمانی	توسعه ورزشی
	بسط مهارت‌های ورزشی به جامعه و توسعه رشته ورزشی ورزشکار		
	رونق صنعت ورزش		
توسعه ورزشی	تثبیت وفاداری هواداران	توسعه ورزشی	توسعه ورزشی
	افزایش اعتماد مردم به ورزش		
	افزایش مشارکت ورزشی		
توسعه ورزشی	کشف استعدادهای ورزشی	توسعه ورزشی	توسعه ورزشی
	نظام‌مندی و جهت یافتن ورزش پایه		
	فراهم شدن امکان یادگیری مهارت‌های ورزشی برای اقشار محروم جامعه		
توسعه سیاسی	ایجاد همدلی و اتحاد ملی	توسعه همبستگی و انسجام ملی	توسعه فرهنگی
	ایجاد غرور ملی		
	حفظ سمبل‌ها و سنت کشور		
اخلاقی	جهت‌دهی بهتر به اهداف و برنامه‌های کشور	اخلاقی	توسعه فرهنگی
	کمک به اجرای بهتر سیاست‌های ملی		
	گرایش جامعه به رفتارهای اخلاقی		
توسعه فرهنگی	کاهش منازعات اخلاقی ورزش	توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی
	توسعه بازی جوانمردانه		
	ترویج قانون‌مداری و احترام به هنجارهای اجتماعی		
توسعه فرهنگی	تسهیل اجرای قوانین و مقررات در جامعه	توسعه فرهنگی	توسعه فرهنگی
	کاهش فساد در ورزش به طور خاص و در جامعه به طور عام		
	ترویج بازی عادلانه و جوانمردانه		

کاهش بزهکاری‌های اجتماعی	
رونق مکان‌های فرهنگی و هنری	
توسعه ارزش‌های اجتماعی (مانند، صداقت، دوستی، همکاری و ...)	فرهنگ سازی
کاهش معضلات اجتماعی مانند اعتیاد، کودکان کار و	
روی‌آوری جامعه به معنویت (به‌خصوص افراد نوجوان و جوان)	مذهبی
توسعه مکان‌ها و امور مذهبی	
افزایش کمک‌های مردمی در حوادث	
افزایش آگاهی جامعه از موضوعاتی اجتماعی مانند کودکان کار،	بشر دوستی
بیماران، حوادث طبیعی و ...	
بهبود کیفیت زندگی اقشار آسیب‌پذیر	
ایجاد دید مثبت جامعه نسبت به ورزشکار	
افزایش مشهوریت ورزشکار	
ارتقای ارزش برند ورزشکار و ماندگاری نام او	پیشرفت در بعد فردی
توسعه اقتصادی ورزشکار	
ایجاد حس برابری و صمیمیت بین فرد و هوادار	
افزایش روی‌آوری و اعتماد هواداران به ورزشکار	توسعه فردی-سازمانی
افزایش محبوبیت اجتماعی باشگاه	
بهبود ارزش برند باشگاه	پیشرفت در بعد
توسعه اقتصادی باشگاه	سازمانی
گرایش بیشتر حامیان به باشگاه	

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر، شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور می‌باشد. در مورد راهکارهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور، تعداد ۵۰ کد باز به دست آمد که در ۹ مقوله محوری قرار گرفت. در نهایت نیز از مقوله‌های به‌دست آمده، ۷ مفهوم تبلیغاتی رسانه‌ای، سیاست‌گذاری، تحقیقاتی، انگیزشی، فرهنگ‌سازی، توسعه فردی و ارتباطات به‌دست آمد. در این راستا به برخی از تحقیقات مرتبط که به روش‌های ترویج مسئولیت اجتماعی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود. به عنوان مثال، در مطالعه کلاته عربی (۱۳۹۵) به این موارد اشاره شده است: ۱. ترویج وجدان اخلاقی مدیران شرکت، ۲. ترویج چارچوبی اخلاقی برای مسئولیت اجتماعی، ۳. تقویت رهنمودهای دولتی و نظارت قانون، ۴. نظارت محیط اجتماعی، ۵. پرورش انگیزش کارآفرین اقتصادی جهت اعطای کمک‌های خیریه. در تحقیق روحانی (۱۳۹۵) نیز به شش مرحله جهت استقرار و نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در سازمان اشاره شده است: الف) بازبینی وضعیت موجود؛ ب) ایجاد آگاهی و تعهد؛ ج) تعریف دقیق محدوده اقدامات؛ چ)

شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور

شناسایی ذینفعان و تبیین خواسته‌ها و انتظارات آنان؛ ه) برنامه‌ریزی و تعریف تمهیدات بهبود؛ خ) ارائه چارچوب گزارش سالانه مسئولیت‌پذیری اجتماعی. همچنین در تحقیقی گزارش شده است که مدیران می‌توانند با این موارد رفتار اخلاقی را در سازمان توسعه دهند: استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی با استانداردهای اخلاقی بالا؛ تعیین کدهای اخلاقی و قواعد تصمیم‌گیری؛ هدایت و رهبری غیرمستقیم به وسیله نمونه‌های خوب و شاخص؛ تعیین اهداف شغلی واقعی و لحاظ نمودن اخلاقیات در ارزیابی‌های عملکرد؛ مهیا نمودن آموزش اخلاقیات؛ اجرای ممیزی و حسابرسی‌های اجتماعی مستقل؛ حمایت از افرادی که با دوراهی‌های اخلاقی مواجه می‌شوند (طاهری‌گودرزی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۴۵). شربتیان و میامی (۱۳۹۱) نیز گزارش کردند که برخی از راهکارهای توسعه مسئولیت‌های اجتماعی تأکید بر احترام و تأیید، پیروی هنجارها و رفتارهای اجتماعی و اخلاقی مشترک، اجرای الگوهای عملی، رفتاری و اخلاقی، برانگیختن مسئولیت‌پذیری مدنی، مشارکت فعال در تمام عرصه‌ها، رشد مهارت‌های زندگی و غیره می‌باشد که جامعه‌پذیری مسئولیت‌های اجتماعی را دائماً استمرار می‌بخشد.

بعد اول به صحنه‌گذاری به وسیله رسانه اشاره دارد که مفاهیمی مانند ساخت فیلم یا انیمیشن از اقدامات اجتماعی ورزشکاران، رسانه‌ای کردن فعالیت‌های اجتماعی ورزشکاران، دعوت و معرفی ورزشکاران با اخلاق و فعال در حوزه‌های اجتماعی به رسانه و غیره اشاره داشت. رسانه‌ها از طریق معرفی هنجارهای خاص اجتماعی و الگوها می‌توانند باعث هم‌نوایی، هم‌سویی و به نوعی فرهنگ‌سازی در بین افراد جامعه شوند. از آنجا که افراد اجتماع به‌طور گسترده‌ای با رسانه‌ها در ارتباط هستند، از طریق آن‌ها می‌اندیشند، دنیا را از رهگذر آن‌ها می‌شناسند و رفتارهای خود را بر اساس الگوهای برگرفته از آن‌ها سامان می‌دهند. با توجه به این موارد رسانه می‌تواند موجب توسعه و نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در بین ورزشکاران مشهور شود.

در بُعد سیاست‌گذاری با مقوله‌های محوری الزامات قانون‌گذاری و الزامات ساختاری روبه‌رو می‌شویم که به مفاهیمی چون الزامات وزارت ورزش، فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها و سایر متولیان ورزش، تدوین منشور اخلاقی توسط فدراسیون‌های ورزشی، الزامات مراجع بین‌المللی، استخدام مشاور در زمینه مسائل اجتماعی در سازمان ورزشی، تشکیل کمیته‌ها و سازماندهی مدیران جهت اجرایی شدن مسئولیت اجتماعی و غیره اشاره داشت. این یافته به این موضوع اشاره دارد که قبل از هر چیز باید تعاریف مشخصی از مسئولیت اجتماعی برای ورزشکاران وجود داشته باشد. از طرف دیگر باید حد و مرزها را مشخص کرد، چراکه گاهی اوقات برخی از فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند برخلاف قانون باشد که نتیجه آن ایجاد مشکل برای ورزشکار یا تیم ورزشی خواهد شد. علاوه بر این، سازمان‌های ورزشی ملی و بین‌المللی می‌توانند باشگاه‌های ورزشی و ورزشکاران را ملزم به انجام فعالیت‌های اجتماعی کنند.

بعد تحقیقاتی به مواردی مانند تدوین برنامه‌های راهبردی با توجه به شرایط کنونی جامعه، شناسایی موانع توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران، شناسایی سازمان‌های موثر در توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران و شناسایی نقش آنها و غیره اشاره داشت. در تبیین این یافته باید اشاره کرد که لازمه فعالیت در هر حوزه، انجام تحقیقات مستمر جهت شناسایی جنبه‌های مجهول می‌باشد. با تحقیقات مربوط به مسئولیت اجتماعی می‌توان چارچوب‌های منسجم و نظام‌مندی شکل داد، سازمان‌های درگیر و همچنین حوزه‌های مربوط به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی را شناسایی کرد.

بعد انگیزشی به راهبردهای حمایتی جهت توسعه مسئولیت اجتماعی اشاره دارد. بدین منظور به راه‌کارهایی مانند حمایت‌های دولت از ورزشکاران، حمایت‌های باشگاه‌ها و به طور کلی متولیان ورزش و غیره اشاره شد. انگیزه‌های افراد می‌تواند از دو منبع حاصل شود: یکی منبع درونی که خود فرد نقش حمایت‌کننده و عامل انگیزش را ایفا می‌کند و دیگری منبع بیرونی است که این منبع می‌تواند یک فرد یا یک سازمان باشد. در ارتباط با مولفه تحقیق بیشتر بعد بیرونی انگیزش مطرح می‌باشد که نقش دولت، باشگاه‌ها و سایر متولیان ورزش پررنگ است.

در بعد فرهنگ‌سازی می‌توان به آموزش ارزش‌های اجتماعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره کرد که مواردی چون نمایه‌سازی نتایج مسئولیت اجتماعی ورزشکاران، آموزش و نهادینه‌سازی مفهوم مسئولیت اجتماعی در بین متولیان ورزش، پرورش حس همدلی، نوع‌دوستی، تعلق و تعهد بین ورزشکاران، انعکاس محاسن مشارکت اجتماعی بین ورزشکاران، آموزش در ورزش پایه و غیره را یادآور می‌شود. برخلاف یافته بعد توسعه فردی که بر نقش ورزشکار در کسب اطلاعات از مسئولیت اجتماعی و مسائل روزمره اجتماعی تاکید دارد، در این یافته تاکید اصلی بر ایجاد فرهنگ مسئولیت اجتماعی در ورزشکاران می‌باشد که عموماً توسط سازمان‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد. این سازمان‌ها در تلاش هستند که انجام مسئولیت اجتماعی را در ورزشکار نهادینه‌سازی کنند که این مورد می‌تواند به صورت آگاه‌سازی و تغییر تفکر ورزشکار انجام شود و یا به صورت عملیاتی ورزشکار را در فعالیت‌های خیرخوانه و بشردوستانه درگیر کنند.

بعد توسعه فردی به درک اجتماعی ورزشکار اشاره دارد که می‌توان مواردی مثل میزان آشنایی ورزشکار با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، آگاهی وی از مسائل روز جامعه و آگاهی از مفاهیم مرتبط با مسئولیت اجتماعی اشاره کرد. این یافته بدان معناست که ورزشکاران برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی، باید ابتدا آگاهی لازم از چگونگی اجرای مسئولیت اجتماعی داشته باشند و از طرفی دیگر اطلاعات کافی درمورد مسائل روزمره اجتماعی داشته باشند.

آخرین بُعد ارتباطات می‌باشد که به تعاملات با سایر اقشار و صنایع اشاره دارد. به‌طور جزئی‌تر می‌توان به الگوگیری ورزشکاران از ورزشکاران کشورهای مدرن، هنرمندان (به‌خصوص اهالی سینما) و همچنین به ارتباطات با جامعه‌شناسان و خبرگان مسئولیت اجتماعی اشاره داشت. در تبیین این یافته می‌توان به حضور فعال اهالی سایر صنایع مانند هنرمندان اشاره کرد. پس از وقوع هر حادثه طبیعی یا هر اتفاق اجتماعی یا سیاسی، می‌توان حضور فعال هنرمندان مانند هنرپیشگان تلویزیون را در انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شاهد بود. به نظر می‌رسد که اهالی هنر نیز به واسطه معروفیتشان، فعالیت‌های بسیاری در حوزه مسئولیت اجتماعی انجام می‌دهند که ورزشکاران نیز می‌توانند از آنها الگوبرداری کنند. در زمینه پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور، تعداد ۵۲ کد باز به دست آمد که در ۱۳ مقوله محوری قرار گرفت. در نهایت نیز از مقوله‌های به‌دست آمده، ۵ مفهوم توسعه پایدار، توسعه ورزشی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه فردی- سازمانی حاصل شد.

بُعد توسعه پایدار به سه مقوله محوری توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی تقسیم شد که در بُعد اقتصادی مواردی چون: رونق اقتصاد جامعه محلی، شکوفایی و بهبود اقتصاد کشور و ترویج تولید و استفاده از کالاهای داخلی؛ در بعد اجتماعی بهبود سلامت و کیفیت زندگی جامعه، توسعه ارزش‌های انسانی و اجتماعی در جامعه، توسعه امید، شور و نشاط اجتماعی و غیره و در بعد زیست محیطی به مواردی چون: کاهش آلودگی‌های زیست محیطی، بهبود سواد زیست محیطی جامعه به‌خصوص اهالی ورزش و مصرف بهینه منابع طبیعی (مانند نفت، گاز و غیره) اشاره شد. در کل، پیامدهای مربوط به توسعه پایدار به سه بخش اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ورزشکاران مشهور به واسطه مقبولیت و محبوبیتی که در جامعه دارند، قابلیت صحنه‌گذاری بالایی دارند. هنگامی که ورزشکار مشهور از کالاهای ساخت داخل کشور حمایت می‌کند و یا در کمپین‌های حمایت از محیط زیست شرکت می‌نماید، هواداران نیز از آنها پیروی خواهند کرد که نتیجه آن چیز جز بهبود اقتصادی و زیست محیطی نخواهد بود. از طرف دیگر، ورزشکاران مشهور الگوهای رفتاری بسیار مهم برای اقشار مختلف جامعه- به‌خصوص کودکان- هستند لذا هنگامی که ورزشکاران رفتارهای معقول و اخلاق‌مدار از خود نشان می‌دهند، اقشار مختلف جامعه نیز از آنها پیروی خواهند کرد که این مسئله به توسعه اجتماعی منجر خواهد شد. همخوان با این نتیجه، تحقیق شربان (۲۰۱۳) نشان داد که شرکت‌ها با مشارکت در برنامه‌های زیست محیطی توانسته‌اند اعتماد متقابل مصرف‌کنندگان را به خود جلب کنند و با انجام مسئولیت اجتماعی نه تنها موجب ارتقای شرکت که با دخالت مؤثر در زندگی اجتماعی، به ابزاری واقعی برای حمایت

از توسعه اقتصادی تبدیل می‌شوند. همچنین بریت برس و هریس^۱ (۲۰۰۸) بیان کردند که فوتبال یک بنگاه انسانی است که از طریق فعالیت‌های اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی را ارتقا می‌دهد و ارزش‌های فرهنگی را نیز از طریق مشارکت افزایش می‌بخشد. همچنین فوتبال یک بنگاه عملیاتی است که می‌تواند تنش‌های اجتماعی را کاهش دهد. کولیپراس^۲ (۲۰۱۲) از نتایج انجام مسئولیت‌های اجتماعی باشگاه‌های فوتبال به رفاه اجتماعی، آگاهی، توسعه اجتماعی، تسکین درد و مشارکت اجتماعی اشاره کرده است. در مطالعه‌ای دیگر، احترام به محیط زیست یکی از پیامدهای مسئولیت اجتماعی خوانده شده است (کوثر، ۱۳۹۰: ۵۲). در راستا با یافته حاضر می‌توان به تحقیق افروزه و همکاران (۱۳۹۵ ب) اشاره کرد که با تحقیق حاضر همسو می‌باشد. در پایان مطالعه آنها، ۳۳ نشان‌سناسایی شد که در قالب چهار مؤلفه توسعه فنی (با دو مقوله فرعی شایستگی و توانمندسازی و درون‌گرایی باثبات)، توسعه فرهنگی- اخلاقی (با دو مقوله فرعی فرهنگ‌سازی و مشروعیت‌بخشی)، توسعه اجتماعی (با مقوله‌های فرعی سالم‌سازی محیطی، همسازی اجتماعی و مفرح‌سازی اجتماعی) و بعد اقتصادی (با مقوله‌های فرعی اشتغال‌زایی و عدالت اجتماعی و ارتقای برند) قرار گرفتند. ابعاد اصلی تحقیق یاد شده با تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد، اما در مقوله‌های محوری و کدهای باز تفاوت‌هایی وجود دارد که دلیل احتمالی آن تغییرات مربوط به جامعه هدف یا تفاوت در نام‌گذاری‌های ابعاد می‌باشد. لذا این امکان وجود دارد که این دو تحقیق را در یک راستا و تکمیل‌کننده یکدیگر خواند.

بعد ورزشی به مقوله‌های فرعی توسعه ورزش قهرمانی و همگانی و توسعه ورزش آموزشی تقسیم شد که این دو مقوله به مواردی مانند رونق صنعت ورزش، تثبیت وفاداری هواداران، کشف استعدادها و ورزشی، نظام‌مندی و جهت یافتن ورزش پایه و غیره اشاره داشت. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی ورزشکار، انجام برنامه‌های اجتماعی مبتنی بر ورزش می‌باشد. در این راستا ورزشکاران می‌توانند در فعالیت‌هایی مانند ارائه آموزش رایگان مهارت‌های ورزشی به کودکان یا اقشار محروم، ایجاد آکادمی یا مدارس مرتبط با رشته ورزشی خود، تاسیس موسسات آموزشی- ورزشی برای کودکان بی سرپرست، کمک به استعدادیابی و جهت‌دهی ورزشی و حضور در ایستگاه‌های ورزش همگانی اشاره کرد. این فعالیت‌های مبتنی بر ورزش موجب علاقه‌مند کردن اقشار مختلف به ورزش و موجب تسهیل مشارکت ورزشی شهروندان می‌شود. علاوه بر این، با حضور مداوم ورزشکار در ایستگاه‌های ورزش- به‌ویژه ورزش همگانی- نوعی صحه‌گذاری ورزشی صورت می‌گیرد که امکان توسعه ورزش را فراهم می‌کند.

بعد توسعه سیاسی که محور اصلی آن توسعه همبستگی و انسجام ملی بود، به کدهای ایجاد همدلی و اتحاد ملی، ایجاد غرور ملی، جهت‌دهی بهتر به اهداف و برنامه‌های کشور و کمک به اجرای بهتر سیاست‌های ملی

1 Breitbarth & Harris

2 Kolyperas

ختم شد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که فرد ورزشکار در دو حالت می‌تواند در فعالیتهای سیاسی مشارکت داشته باشد: حالت اول مربوط به مسائل سیاسی داخل کشور می‌باشد که برخی از ورزشکاران مشهور مانند تختی، علی‌رضا دبیر و رسول خادم در گذشته نیز در آن فعالیت داشته‌اند. این فعالیت‌ها شامل مواردی مانند نقش آفرینی به عنوان مشاور برای سیاستمداران و حمایت از کاندیدای سیاسی است که می‌تواند نتیجه آن جهت‌دهی بهتر به اهداف و برنامه‌های کشور باشد. در ابعاد بین‌المللی نیز ورزشکاران با موفقیت‌های که به دست می‌آورند و یا رفتاری که در عرصه‌های بین‌المللی از خود نشان می‌دهند، به نوعی مسئولیت سیاسی خود را ایفا می‌کنند که نتیجه آن چیزی جز ایجاد غرور ملی و بهبود نام کشور نیست. در این راستا کوثر (۱۳۹۰) بیان کرده است که می‌توان به وسیله مسئولیت اجتماعی نقش تصمیم‌گیری در سطح کلان و دولت ایفا کرد و اصلاحات اقتصادی در ساختار دولت ایجاد نمود (کوثر، ۱۳۹۰: ۵۶).

بعد فرهنگی که حاوی ابعاد اخلاقی، قانونی، فرهنگ‌سازی، مذهبی و بشردوستی می‌باشد، به مواردی از جمله: گرایش جامعه به رفتارهای اخلاقی، ترویج قانون‌مداری و احترام به هنجارهای اجتماعی، کاهش بزهکاری‌های اجتماعی، توسعه مکان‌ها و امور مذهبی، افزایش کمک‌های مردمی در حوادث و غیره اشاره دارد. در تبیین این یافته باید گفت که هواداران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌ها و رفتارهای ورزشکاران مشهور تاثیر می‌گیرند. ورزشکاران مشهور می‌توانند با رعایت رفتارهای اخلاقی در ملا عام، تاثیرات بسیاری در بعد فرهنگی بگذارند. به عنوان مثال، ورزشکار می‌تواند از انجام رفتارهای غیراخلاقی در زمین بازی و یا در سطح شهر خودداری کند یا توجه ویژه‌ای به نحوه پوشش و لباس و نیز برخورد در زمین بازی و در جامعه داشته باشد. نتیجه انجام این مسئولیت‌های اجتماعی، تمایل جامعه به انجام رفتارهای اخلاقی و قانونی خواهد بود. در این راستا می‌توان به مطالعه کوثر (۱۳۹۰) اشاره کرد که دریافت مسئولیت اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش بیکاری، کاهش فقر، توسعه منابع انسانی، حمایت از مصرف‌کننده، رعایت حقوق انسانی و به طور کلی مشارکت اجتماعی شود (کوثر، ۱۳۹۰: ۵۶).

در بعد توسعه فردی- سازمانی به پیامدهایی مانند توسعه اقتصادی ورزشکار، ارتقای ارزش برند ورزشکار و ماندگاری نام او، افزایش محبوبیت اجتماعی باشگاه، بهبود ارزش برند باشگاه و غیره اشاره شد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با توجه به توسعه شبکه‌های اجتماعی، اکثر فعالیت‌های ورزشکاران به سرعت انتشار می‌یابد. هنگامی که هواداران از فعالیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه ورزشکار مطلع شوند، ورزشکار مورد حمایت بیشتر قرار می‌گیرد که نتیجه آن چیزی جز مشهوریت بیشتر ورزشکار نخواهد بود. مشهوریت بیشتر نیز می‌تواند به بهبود برند ورزشکار بینجامد که نتیجه آن بستن قرارداد بهتر با باشگاه‌ها خواهد بود. لذا این مورد موجب توسعه اقتصادی ورزشکار می‌شود. می‌توان گفت که جهت‌گیری به سمت جامعه اثر مثبتی بر شهرت سازمانی دارد و نتایج بالقوه از مسئولیت اجتماعی سازمان به سمت ایجاد ارزش‌های اقتصادی

هدایت می‌شود (هامان^۱ و همکاران: ۳۸). با این حال، یافته‌های پژوهش اکسترجت^۲ (۲۰۰۴) و لین^۳ و همکاران (۲۰۰۹) نتایج متفاوتی را گزارش کرده‌اند. اکسترجت (۲۰۰۴) مسئولیت اجتماعی را عاملی مثبت و معنادار برای رسیدن به موفقیت مالی تیم‌های حرفه‌ای ورزشی ندانست، این در صورتی است که لین و همکاران (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت مسئولیت اجتماعی تأثیر بسیار مثبتی بر عملکرد مالی نداشته باشد، ولی در بلندمدت با کاهش ریسک درک‌شده توسط مصرف‌کنندگان، مزیت مالی شایان توجهی برای شرکت در پی دارد. همچنین انگوانیا (۲۰۱۰) امیدوار بود با توسعه مسئولیت‌های اجتماعی، به بهبود عملکرد شرکت از طریق جذب و افزایش مشتریان، افزایش سود مالی و منافع ناملموس دیگر و برآوردن احتیاجات جامعه نایل شود. برخی دیگر از محققان نیز به ارتقای ارزش برند باشگاه‌های ورزشی از طریق مسئولیت اجتماعی اشاره کردند. بلوم رود^۴ و همکاران (۲۰۱۲) گزارش دادند که انجام فعالیت‌های اجتماعی اخلاق‌مدارانه موجب افزایش ارزش برند تیم‌های ورزشی اروپایی می‌شود. شت و بابیاک (۲۰۱۰) نیز به تأثیر فعالیت‌های نوع‌دوستانه روی ارزش برند اشاره کرده‌اند. هامیل و مارو^۵ (۲۰۱۱) نیز بیان کردند با افزایش فعالیت‌های اجتماعی باشگاه، مشارکت افزایش می‌یابد و بهبود نسبی نیز در ساختار شرکت مشهود خواهد بود و در نتیجه باشگاه از نظر اقتصادی هم ارتقا می‌یابد. در این زمینه بریت برس و هریس^۶ (۲۰۰۷) گزارش دادند که فعالیت‌های اجتماعی باشگاه‌های فوتبال به ارزش‌های اقتصادی، فرهنگی و انسانی تبدیل می‌شود و از طریق این ارزش‌ها باشگاه به مزیت‌های رقابتی، شرکت در مسابقات، سود و ماندگاری نایل می‌گردد. مسئولیت اجتماعی سازمان به طور فزاینده‌ای در جهان سازمان‌ها با اهمیت شده است. به خصوص، سازمان‌های با شهرت بد علاقه‌مندند که تصویر منفی خود را از طریق فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی تغییر دهند (یون^۷ و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۷۸).

به طور کلی در مطالعه حاضر به ارائه راه‌کارهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور و پیامدهای آن اشاره گردید. می‌توان با نظر به نتایج حاصل از این پژوهش، در جهت سیاست‌گذاری و نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در صنعت ورزش (به طور عام) و در بین ستارگان ورزشی (به طور خاص) گام برداشت که در این راستا نیاز به تدوین برنامه‌های راهبردی و قوانین مدون می‌باشد. پس پیشنهاد تاسیس کمیته یا انجمنی متولی توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران در کلیه ارگان‌های ورزشی مانند وزارت

1 Hammann

2 Extejt

3 Lin

4 Blumrodt

5 Hamil & Morrow

6 Breitbarth & Harris

7 Yoon

شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور

ورزش، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌های ورزشی و غیره می‌شود. همچنین، پیشنهاد می‌گردد که نتایج این تحقیق در اختیار ذی‌نفعان ورزش (باشگاه‌ها، سازمان‌ها، مدیران، برندهای ورزشی و غیره) قرار گیرد که بسط نتایج می‌تواند به صورت برگزاری سمینار و کارگاه‌های آموزشی باشد. به سازمان‌های متولی ورزش و سایر سازمان‌های ذی‌ربط پیشنهاد می‌شود که راهبردهای حمایتی و تشویقی مانند اهدای جوایز، معافیت‌های مالیاتی و یا معافیت از خدمت را برای ورزشکاران با اخلاق و افراد فعال در مسائل اجتماعی اتخاذ کنند. بازنگری و تسهیل سیاست‌ها و قوانین حاکم جهت ورود ورزشکاران به عرصه‌های مختلف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- آزادی، رسول و جوانی، وحیده. (۱۳۹۷). «اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر برند شخصی ورزشکاران با نقش میانجی شهرت و دبستگی به برند (مطالعه موردی: علی دایی)». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۵۱)، صص ۲۴۷-۲۶۶.
- افروزه، محمدصادق؛ مظفری، سیدامیراحمد؛ آقایی، نجف و صفاری، مرجان. (۱۳۹۵ الف). «شناسایی حیطه‌ها و عوامل موثر بر مسئولیت اجتماعی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران». مدیریت و توسعه ورزش. ۵(۲)، صص ۸۹-۹۹.
- افروزه، محمدصادق؛ مظفری، سید امیر احمد؛ آقایی، نجف و صفاری، مرجان. (۱۳۹۵ ب). «تدوین الگوی پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران». مدیریت ورزشی. ۸(۶)، صص ۹۹۷-۹۹۷.
- روحانی، شیمیا. (۱۳۹۵). «بررسی ارتباط حمایت سازمانی ادراک‌شده با ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هویت اجتماعی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- شریبتان، محمدحسن و میامی، حسن. (۱۳۹۱). «تأملی بر فرآیند جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان». مهندسی فرهنگی. ۷(۷۳)، صص ۵۴-۷۱.
- طباطبایی، امیر؛ پرخیده، حسنی؛ مرتضوی، حامد و طباطبایی، جهر. (۱۳۹۲). «راهبردهایی برای ارتقای دقت علمی در تحقیقات کیفی». مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. ۵(۳)، صص ۶۶۳-۶۷۰.
- طاهری گودرزی، حجت؛ غیائی‌فر، سودابه و رضوانی‌زاده، ایمان. (۱۳۹۳). مدیریت سرمایه اجتماعی و مسئولیت اجتماعی. تهران: انتشارات فوژان
- علوی، سلمان؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۹). «شناسایی ابعاد مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲(۵۹)، صص ۱۵۳-۱۷۶.
- قنبرپورنصرتی، امیر و آصفی، احمدعلی. (۱۳۹۹). «اعتباریابی پرسشنامه مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی لی در بین دانشجویان دختر ورزشکار». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. (در فهرست مقالات آماده چاپ).
- کوثر، زهرا. (۱۳۹۰). «رابطه دولت الکترونیک با مسئولیت اجتماعی سازمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلاته عربی، فاطمه. (۱۳۹۵). «بررسی اثر مسئولیت اجتماعی شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها (مورد مطالعه: صنایع غذایی، دارویی، شیمیایی و خودرو پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۹۴)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی ارشاد دماوند.
- مکی‌زاده، وحید و آیین جمشید، سیاوش. (۱۳۹۷). «مدل اثربخشی فعالیت‌های بشردوستانه چهره‌های ورزشی در شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: پویش کمک به زلزله‌زدگان غرب کشور)». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۵۱)، صص ۴۷-۷۲.

- Abuin-Penas, J., Babiak, K., & Martínez-Patiño, M. J. (2020). **"Athlete's philanthropy and social responsibility communication on social media during COVID-19"**.
- Babiak, K., & Wolfe, R. (2013). **Perspectives on social responsibility in sport. Handbook of Sport and Corporate Social Responsibility**. London: Routledge Publications
- Breitbarth, T., & Harris, P. (2008). **"The role of corporate social responsibility in the football business: Towards the development of a conceptual model"**. *European Sport Management Quarterly*, 8(2), 179-206.
- Breitbarth, T., & Harris, P. (2007). **"Conceptualizing the role of corporate social responsibility in professional football"**. Ponencia presentada en Anzmac.
- Blumrodt, J., Bryson, D., & Flanagan, J. (2012). **"European football teams' CSR engagement impacts on customer-based brand equity"**. *Journal of Consumer Marketing*, 29(7), 482-493.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). **"Using thematic analysis in psychology"**. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Extejt, M. M. (2004). **"Philanthropy and professional sport teams"**. *International Journal of Sport Management*, 5(3), 215-228.
- Filizöz, B., & Fişne, M. (2011). **"Corporate social responsibility: a study of striking corporate social responsibility practices in sport management"**. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 24, 1405-1417.
- Flöter, T., Benkenstein, M., & Uhrich, S. (2016). **"Communicating CSR-linked sponsorship: Examining the influence of three different types of message sources"**. *Sport Management Review*, 19(2), 146-156.
- Hamil, S., Morrow, S. (2011). **"Corporate social responsibility in the Scottish Premier League: Context and motivation"**. *European Sport Management Quarterly*, 11(2):143-70.
- Hammann, E.M., Habisch, A. & Pechlanern, H. (2009). **"Values that create value: socially responsible business practices in SMEs-empirical evidence from German companies"**. *Business ethics: a European review*, 18(1), 37-51.
- Ibrahim, H., & Almarshed, S. O. (2014). **"Sporting Event as a Corporate Social Responsibility Strategy"**. *Procedia Economics and Finance*, 11(2014), 3-14.
- Kolyperas, D. (2012). **"Corporate and social responsibility in professional football club organizations"**. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 10(1): 83-103.
- Lee, J. S., & Babiak, K. (2019). **"Does your left hand know what your right hand is doing? Impacts of athletes' pre-transgression philanthropic behavior on consumer post-transgression evaluation"**. *Sport Management Review*, 22(4), 553-565.
- Lin, C. H., Yang, H. L., & Liou, D. Y. (2009). **"The impact of corporate social responsibility on financial performance: Evidence from business in Taiwan"**. *Technology in Society*, 31(1), 56-63.
- Ngwenya, Z. Z. (2010). **"The value drivers of investing in sport-based corporate social responsibility initiatives"**. Gordon Institute of Business Science: University of Pretoria, South Africa. Retrieved September, 26, 2014.
- Pitney, W. A., & Parker, J. (2009). **Qualitative research in physical activity and the health professions**. Champaign, IL: Human Kinetics
- Rowe, K., Karg, A., & Sherry, E. (2018). **"Community-oriented practice: Examining corporate social responsibility and development activities in professional sport."** *Sport Management Review*.
- Stommel, M., & Wills, C. (2004). **Clinical research: Concepts and principles for advanced practice nurses**. Lippincott Williams & Wilkins
- Scheinbaum, A. C., & Lacey, R. (2015). **"Event social responsibility: A note to improve outcomes for sponsors and events"**. *Journal of business research*, 68(9), 1982-1986.
- Şerban, C. (2013). **"Social marketing and privately held companies: the impact of corporate social responsibility activities on Romanian consumers"**. *Journal of food products marketing*, 19(2), 81-92.
- Su, L., Pan, Y., & Chen, X. (2017). **"Corporate social responsibility: Findings from the Chinese hospitality industry"**. *Journal of retailing and consumer services*, 34, 240-247.
- Walker, M., & Parent, M. M. (2010). **"Toward an integrated framework of corporate social responsibility, responsiveness, and citizenship in sport"**. *Sport Management Review*, 13(3), 198-213.

- Yoon, T. Gurhan-canli, Z. & Schwarz, N. (2006). **“The effect of corporate social responsibility (CSR) activities on companies with bad reputation”**. Journal of consumer psychology, 16(4), 377-390.

واکاوی دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

احسان اسداللهی^۱

رضا حیدری^۲

احمد نظری ترشیزی^۳

مهدی طالب‌پور^۴



10.22034/SSYS.2022.1873.2328

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۶

با توسعه چشمگیر ورزش در دهه‌های اخیر و تبدیل آن به یک صنعت بزرگ و پرمخاطب، مباحث حقوقی مربوط به آن نیز غامض‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. سوابق نشان می‌دهد که پرونده‌های حقوقی کشور ایران در اکثر موارد در محاکم بین‌المللی شکست خورده‌اند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، واکاوی دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی است. پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از نوع آمیخته و با چارچوب پارادایم تفسیری اثبات‌گرایی بود. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با متخصصان آشنا به مسائل حقوق ورزشی انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت گلوله‌برفی بود که تعداد ۲۸ مصاحبه به صورت مجازی برگزار شد.

بر مبنای نتایج حاصل از تحلیل روش‌شناسی کیو، یافته‌ها نشان داد که شش عامل عدم تخصص‌گرایی، مشکلات آموزشی و اطلاعاتی، خلاءهای قانونی و قراردادی، مشکلات ساختاری ورزش کشور، سیستم دلالتان و دست‌های پشت پرده و در نهایت مشکلات نظارتی و تنبیهی از جمله عوامل موثر بر شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی بودند. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مدیران، مسئولان و دست‌اندرکاران سازمان‌ها و باشگاه‌های ورزشی با توجه به دلایل شناخته شده می‌توانند به عنوان پلی برای حرکت به سمت موفقیت در پرونده‌های حقوقی در دعاوی بین‌المللی ورزشی استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: پرونده‌های حقوقی، دعاوی بین‌المللی، عدم تخصص‌گرایی و خلاءهای قانونی و قراردادی.

۱ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، موسسه آموزش عالی سناباد گلپه‌ار، گلپه‌ار، ایران

۲ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۴ استاد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

نگاه به ورزش به صورت یک ضرورت و نیاز اجتماعی درآمده و نشاط جامعه در گرو آن است و باید در ترویج آن کوشید، چرا که گرایش به ورزش از تباه شدن نسل جوان و منحرف شدن آن جلوگیری می‌نماید و زمینه غنی‌ساختن اوقات فراغت آن‌ها را فراهم خواهد کرد (باقرنیا و ساقیان، ۱۳۹۶). در جهان امروزی، ورزش بین‌المللی به ساختاری عظیم و به بزرگ‌ترین اتفاق بین‌المللی از حیث تجمع ملیت‌های گوناگون در یک محل (به هنگام برگزاری المپیک‌ها و مسابقات مختلف) تبدیل شده است. این تشکیلات وسیع و عظیم در جهان کنونی بیش از پیش نیازمند نظام حقوقی منسجم و تاثیرگذار برای فراهم کردن عدالت و رفع اختلافات در عرصه کنش‌ها و فعالیت‌های ورزشی می‌باشد (فوستر^۱، ۲۰۱۹). با توجه به اهمیت ورزش در جامعه کنونی و نیز منافع زیادی که بر آن مترتب است، بررسی مسائل ورزشی از دیدگاه حقوق و قانون دارای ارزشی بالا و نیازمند طرح در محاکم ملی و بین‌المللی می‌باشد تا زمینه ضرر، جرمه و تعلیق یک ورزشکار، مربی، باشگاه، فدراسیون یا ورزش یک کشور فراهم نشود (علی‌دوست قهفرخی، ۱۳۹۸). این موضوع اهمیت مطالعه حقوق و آگاهی از علم حقوق ورزشی و حتی حقوق بین‌الملل در ورزش را برجسته می‌سازد و حقوقدانان را به توجه و تحلیل روابط و رویدادهای ورزشی و خطرهای ناشی از آن وا داشته است (نهاوندی و پورکیانی، ۱۳۹۹). علم حقوق برای تعیین حقوق افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد و با همه جنبه‌های زندگی سرو کار دارد که ورزش هم از آن مستثنی نیست (شعبانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵). منظور از حقوق ورزشی، مجموعه مقرراتی است که بر تمامی امور ورزش اعم از ورزشکاران، مدیران ستادی ورزش، پزشکان ورزشی، سازندگان لوازم ورزشی و فروشندگان لوازم فنی، تماشاگران، مدیریت و بالاخره کارکنان سازمان‌های ورزشی حاکم است (سوری و همکاران، ۱۳۹۸). حقوق ورزشی ذاتی بین‌المللی دارد، زیرا تمامی افراد و سازمان‌های ورزشی با وجود فعالیت‌های ملی، هدفی بین‌المللی را دنبال می‌کنند که متأسفانه به علت تفاوت ساختارهای حقوقی هنوز تعریف جامعی از حقوق ورزشی جهانی وجود ندارد و تنها این حوادث و پرونده‌ها با توجه به یک سری اصول پذیرفته شده قانونی و بر اساس چارچوب سیستم‌های قانونی دولت‌ها بررسی می‌شود (آنتیا^۲، ۲۰۲۱). امروزه، نظام حقوق بین‌الملل ورزش جایگاه خود را در مجموعه حقوق بین‌الملل عمومی به خوبی تثبیت نموده است. حقوق بین‌الملل ورزش روشن‌گر چگونگی مشارکت در کنش‌ها و تکاپوهای ورزشی می‌باشد. مجموعه مقرراتی که شالوده و بنیان اصلی این رژیم محسوب می‌شوند، جایگاه نسبتاً قابل قبولی در میان دولت‌ها یافته‌اند؛ چنان که خلق رویه دیوان داوری ورزش و تبعیت این دیوان از مقررات مزبور نمودی خارجی از خواست

1 Foster

2 Antia

واکاوای دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

و اراده افراد، دولت‌ها، فدراسیون‌های ملی و بین‌المللی و دیگر نهادهای دخیل در امر ورزش در مسیر همگرایی در این حوزه به حساب می‌آید (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۷).

بیشتر سازمان‌های ورزشی خصوصی هستند. در نتیجه بیشتر اختلاف‌های سازمان‌های ورزشی بر مبنای اصول قراردادی حل و فصل می‌شود. سیستم‌های قضایی و اصول حقوقی مختلف برای حل اختلاف‌ها از سوی جامعه ورزش به کار گرفته می‌شود، اما با وجود تفاوت‌هایی که قوانین کشورها و حتی رشته‌های ورزشی با یکدیگر دارند، امکان دادرسی منصفانه فراهم نیست (دادگر و همکاران، ۱۳۹۷) که این موضوع ضرورت داشتن حاکمیت مناسب در هر ورزش را جهت وضع قوانین و مقررات، نظم‌بخشی و رسیدگی به تعارضات و اختلاف‌ها می‌رساند و این وظیفه ارگان‌های حاکم بر ورزش در سطح ملی و بین‌المللی است (دیاکونو و همکاران^۱، ۲۰۲۱). در اوایل دهه ۸۰ میلادی اختلافات ورزشی روند روزافزونی پیدا کرده بود و گسترش ورزش حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی، فدراسیون‌ها و سازمان‌های مربوطه سبب شد که تعداد و کیفیت دعاوی و اختلافات ورزشی تغییر کند. در این شرایط کمبود یک نهاد بی‌طرف و متخصص بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات ورزشی احساس شد (وکیل و اسکندری، ۱۳۹۵). لذا در سال ۱۹۸۳ اساسنامه اولیه «دیوان داوری ورزش» (CAS)^۲ توسط کمیته بین‌المللی المپیک مورد تصویب قرار گرفت (معماری و همکاران، ۱۳۹۸). «دیوان بین‌المللی داوری ورزش» از زمان تأسیس آن به واقع توانسته است اعتماد جامعه ورزشی بین‌المللی را جلب نماید و به‌طور گسترده‌ای مورد تأیید و مراجعه قرار گیرد؛ به‌طوری که امروزه کمتر سازمان ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی صلاحیت این دیوان را به عنوان مرجع تجدیدنظر تصمیمات نپذیرفته است (جودی^۳، ۲۰۲۰). موضوعاتی که این دیوان به حل و فصل آن‌ها می‌پردازد، طیف گسترده‌ای از بازی‌های المپیک و سایر تورنمنت‌های ورزشی تا انواع اختلافات فوتبالی، مسائل مربوط به دوپینگ و محرومیت‌ها و قراردادهای تجاری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. البته در این بین، پرونده‌های فوتبالی بخش عمده رسیدگی‌های دیوان داوری ورزش را تشکیل می‌دهند؛ به‌طوری که بر اساس آمار تعداد این پرونده‌ها تقریباً با مجموع تمام ورزش‌های دیگر برابری می‌نماید و حدود نیمی از پرونده‌های دیوان در مورد تجدید نظر از تصمیمات فیفا بوده است (چنپراگادا^۴، ۲۰۲۰). با توجه به این مطالب، مسئله حائز اهمیت آن است که این دیوان جهت بررسی پرونده‌های واصله، قوانین و مقررات و سازوکار خاصی دارد که اگر بدان توجهی نشود و یا به‌موقع اقدام و پیگیری نشود، احتمال عدم موفقیت در آن پرونده‌ها افزایش می‌یابد (ضیایی و جوادی، ۱۳۹۸) - چنان‌که در پرونده‌های ورزشی کشورمان، از این حوزه بارها و بارها

1 Diaconu

2 Court of Arbitration for Sport (CAS)

3 Jodi

4 Chennapragada

ضربه خورده‌ایم. بنابراین می‌توان گفت که دادگاه‌ها درگیر آنالیز چارچوب حقوقی برای رخدادهای پرونده‌های ورزشی اعم از داخلی و بین‌المللی و سایر موارد هستند که دانستن آن‌ها برای افراد ورزشی و حقوقدانان ورزشی الزامی است. حفظ اصل استقلال ورزش و در عین حال جلوگیری از هرج و مرج و بروز جرم یا تخلف در آن دو چندان اهمیت دارد و از جهتی با وجود تلاش برای تثبیت قوانین ورزشی، اجرای آن در کشورها معضل دیگری است (جاز و همکاران^۱، ۲۰۱۱). در پرونده‌های ورزشی گاهی تشخیص نوع حقوقی یا کیفری بودن آن بسیار دشوار است، زیرا در ورزش اصل رضایت پذیرفته شده و در عین حال شکل‌گیری رویه معانی قضایی بیشتر از پرونده‌های ورزشی ناشی از تصمیم‌گیری‌های دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزشی است که به عنوان حقوق ورزشی به تأیید بیشتر کشورها رسیده است (لاکومسکی^۲، ۲۰۲۱). با این حال این دادگاه اصول قانونی مشخصی را برای بازی جوانمردانه، رقابت سالم و حاکم بر قوانین فنی اعلام کرده است که بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ورزشی آن را پذیرفته و اعلام کرده‌اند محکمه داوری باید بر مبنای آن قوانین، نزاع بین طرفین را حل و فصل کند و در صورت سکوت در تعیین قانون، پرونده را با توجه به قوانین که نزدیک به پرونده است، حل و فصل نماید. اما این به معنی توجه صرف به قوانین ملی نیست، بلکه اجازه تجزیه قوانین با توجه به این اصول پذیرفته شده، قانونی است که در تمامی ساختارهای حقوقی دنیا اعلام شده است؛ از جمله اصل آزادی اراده در قراردادهای حسن نیت، مهم بودن و غیره (نهاوندی و پوریانی، ۱۳۹۹). با توجه به بروز اختلافات ورزشی گسترده، درگیری‌های اقتصادی فی مابین و لزوم ارجاع این اختلافات به نهاد داوری ورزش، ضرورت آموزش و تفهیم قوانین حاکم آیین‌نامه‌های انضباطی و حقوق افراد ورزشی می‌تواند گاهی در جلوگیری از این مشکلات و یا حل عادلانه پرونده‌های حقوقی موثر باشد (کیسنراس^۳، ۲۰۲۰). برقراری انضباط در قلمرو هر رشته ورزشی از جهت وادار ساختن افراد ورزشی به اطاعت از تصمیمات در رعایت حدود و اصول فعالیت‌های ورزشی و رعایت شالوده اصول اخلاقی در جهت حفظ و صیانت ورزشکاران و هواداران از وقایع و صدمات پیش‌بینی نشده است و متأسفانه یکی از بزرگترین معضلات جامعه ورزشی ایران آگاه نبودن افراد ورزشی از حقوق تکالیف قوانین حاکم بر ورزش است. در سطح بالاتر حقوقدانان کشور نیز به تعداد انگشت‌شمار در این حیطه دارای تخصص یا مشغول به فعالیت هستند (نجفی، ۱۳۹۸). به عنوان نمونه، در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، فقط در رشته وزنه‌برداری ۲۵ پرونده دوپینگ (استفاده از مواد نیروزا) به وجود آمد که متأسفانه ۶ سال طول کشید تا در سال ۲۰۱۸ ایران بتواند به حق خود برسد و قهرمان المپیک ایران بتواند طلا یا نقره کسب کند (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۷). از طرفی نبود آگاهی افراد ورزشی از حقوق خود و بروز دعوای متعدد در دادگاه کس به

1 Jose et al.

2 Łukomski

3 Cisneros

علت کمبود حقوقدانان ورزشی متخصص سبب شد که برای کمک گرفتن از حقوقدانان ورزشی اروپایی، ایران متحمل هزینه‌های سنگینی شود که خود معضل دیگری است (شهبازی و برلیان، ۱۳۹۶).

با نگاهی به بعضی از دعاوی مطرح شده مربوط به ورزش کشورمان در محاکم بین‌المللی و علل و نتایج آن در سال‌های اخیر، می‌توان به اهمیت موضوع مورد مطالعه پی برد. مطابق با آمار تیم حقوقی فدراسیون فوتبال در انتهای سال ۱۳۹۹، ۵۲ پرونده باز در فیفا داریم و ۱۹ باشگاه درگیر هستند که چیزی حدود چهار تا پنج میلیون دلار هزینه شکایت‌هایی است که بازیکنان و مربیان خارجی از باشگاه‌های کشور به فیفا کرده‌اند (ایلنا، ۱۳۹۹). فرایند رسیدگی به این شکایت‌ها به صورتی است که شکایت‌کننده شکایت خود را به فیفا انجام می‌دهد و آن‌ها با باشگاه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. معمولاً این دادگاه‌ها برای رسیدگی به شکایت بازیکنان و مربیان مختلف دو طرف را فرا می‌خواند و از آنها درخواست می‌کند که مستندات خود را در این باره ارائه کنند. باشگاه‌های ما در حال حاضر دچار مشکل شده‌اند، چون مدیرانی که در این باشگاه‌ها مدیریت می‌کنند، اکثراً وارث بدهی‌های قبلی هستند. باشگاه‌های ما به هشدارهای فیفا توجه نمی‌کنند و بدهی‌هایی که در حال حاضر برای باشگاه‌ها به بار آمده حاصل عدم‌توجه کافی و ناتوانی منابع مالی باشگاه‌هاست. فیفا پس از شکایت بازیکنان و مربیان سعی می‌کند که به باشگاه‌ها فرصت بدهد و باشگاه‌ها هم باید از خودشان دفاع و بدهی بازیکنان یا مربیان سابق خود را پرداخت کنند. در صورتی که باشگاه‌ها نتوانند بدهی بازیکنان‌شان را پرداخت کنند، ابتدا از نقل و انتقالات محروم می‌شوند. اگر باز هم توجهی به پرداخت حق و حقوق بازیکنان نکنند، از آن تیم کسر امتیاز صورت می‌گیرد. در صورتی که باشگاه‌ها همچنان نتوانند پولی به بازیکنان یا مربیان شاکی بدهند، سقوط به دسته پایین‌تر، جریمه باشگاه خاطی خواهد بود. از ۵۲ پرونده‌ای که مربوط به مربیان و بازیکنان خارجی در فیفاست، ۱۰ پرونده در ابتدای پیگیری است و مراحل اولیه و مستندسازی را طی می‌کند، ۳۲ پرونده به حکم رسیده و ۱۰ پرونده در حال بررسی است. از این تعداد، ۱۱ پرونده باز است که برخی به مرحله صدور حکم رسیده است. در جدیدترین اتفاق، تیم فوتبال کشورمان باید بازی‌های مقدماتی جام جهانی را در میزبانی یکی از کشورهای رقیب خود یعنی بحرین باشد و همچنین میزبانی رقابت‌های مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا به کشورهای هند، عربستان (دو میزبانی) و امارات واگذار شده است که مقامات ایرانی اعتراضات و شکایت خود را به محاکم بین‌المللی مربوطه اعلام داشته‌اند- اما این شکایات یا اعتراضات از لحاظ حقوقی چگونه مطرح شده است و چه نتیجه‌ای را در برخواهد داشت. همچنین مارک ویلموتس، سرمربی بلژیکی سابق تیم ملی فوتبال ایران پس از جدایی از این تیم با شکایت به فیفا خواستار دریافت غرامت شد و فدراسیون فوتبال ایران به پرداخت بیش از ۶ میلیون یورو محکوم شد؛ یعنی ایران باید حدود ۱۶۵ میلیارد تومان بابت مربی که رسماً پنج ماه سرمربی بود و عملاً یک ماه فقط در کشور بود و هدایت تیم ملی را در چهار بازی رسمی در اختیار داشت، بپردازد که این پرونده هم در

دادگاه بین‌المللی حکمیت ورزشی در حال پیگیری است. اخیراً فدراسیون جودو که به دلیل شکست مصلحتی یکی از ورزشکاران کشورمان در برابر نماینده بلژیک در مسابقات جهانی توکیو (برای اینکه در ادامه مسابقات در مقابل نماینده رژیم صهیونیستی قرار نگیرد) تعلیق شده بود که با پیگیری‌های حقوقی از دادگاه عالی ورزش حکمی گرفته شد که تعلیق جودوی کشورمان را شکست و مجدداً پرونده ایران برای این که از زوایای دیگر مورد بررسی قرار گیرد، به فدراسیون جهانی جودو برگشت داده شد که کسب نتیجه نهایی هنوز هم مستلزم پیگیری‌های حقوقی است. این مصداق‌ها همگی بخشی از پرونده‌های حقوقی ورزش ایران در محاکم بین‌المللی هستند که به علل مختلفی به وجود آمده‌اند-این بحثی جداگانه است- متنی در حل و فصل این پرونده‌ها به نفع کشورمان باید کار حقوقی متناسب و به موقع انجام و از مراجع مختلف پیگیری شود تا شکست پرونده‌های حقوقی مربوط به ورزش ایران کاهش یابد یا با ضرر کمتری همراه باشد. با توجه به مطالب گفته شده و سوابق موجود، ضرورت پرداختن اصولی به مسائل حقوقی پیرامون بازیکنان، تیم‌ها، باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها در محیط بین‌المللی ورزش در جهت احقاق حق خود در دعاوی مطرح شده برجسته می‌گردد که بی تردید، شناخت دلایل شکست پرونده‌های حقوقی فعلی دارای اهمیت می‌باشد (ایلنا، ۱۳۹۹).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه حقوق ورزشی توانسته است تا حدودی اهمیت زمینه مورد مطالعه را برجسته سازد. لیندهولم^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی بیان کرد که آشنایی با قوانین، مفهوم قضاوت و مدل‌های مربوط به داوری در محاکم بین‌المللی ورزش می‌تواند به درک احکام دیوان داوری ورزش و نقش آن در توسعه نظم حقوقی فراملی در ورزش کمک کند که در نهایت منجر به توسعه عدالت در قضاوت پرونده‌ها خواهد شد. دیاکونو و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای فضای قانونی موجود در دادگاه حکمیت ورزش (CAS)، مقررات بین‌المللی و ملی و همچنین مقررات ورزشی، موارد اثبات استاندارد جرم، انواع شواهد و نحوه مجازات را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که توجه به این موارد در طرح دعاوی محاکم بین‌المللی مهم و اثرگذار است. لاکومسکی (۲۰۲۱) در پژوهشی دیگر دلایل لازم برای بررسی پرونده‌های مربوط به قراردادهای فوتبالی را شناسایی نمود که مهمترین آن‌ها سردرگمی و عدم اطمینان در مورد وضعیت حقوقی کشور باشگاه مقصد، اختلاف بین فرهنگ‌ها و وجود موافقت‌نامه‌های انتقال بین‌المللی بود. وی همچنین دریافت که نهادهای قضایی و داوری فوتبال بین توافقی‌نامه‌های اولیه، پیش‌نویس قراردادها و قراردادهای نهایی و مذاکره سهل‌انگارانه و غیرمنصفانه تفاوت قائل شده‌اند. در پژوهشی دیگر چن‌پراگادا (۲۰۲۰) نشان داد که تلاش‌های مشترک بین کمیته بین‌المللی پارالمپیک به عنوان یک سازمان ورزشی و دولت هند می‌تواند در محاکم بین‌المللی ورزشی به نفع آن‌ها باشد. فوستر (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای نشان داد

1 Lindholm

واکاوای دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

که حقوق جهانی ورزش نیاز به مقررات بین‌المللی و شفافیت دارد تا بتوان در تصمیماتشان عدالت را شاهد بود- این موضوع خود نیازمند همکاری فدراسیون‌ها و سازمان‌های قضایی کشورهاست. همچنین در پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور، نهاوندی و پورکیانی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که تباری، شرط‌بندی، فرار مالیاتی، کلاهبرداری، ارتشا، خشونت‌های غیرمعارف ورزشی و غیره از جمله تخلفات و جرائمی هستند که در عرصه ورزش به وقوع می‌پیوندند و واکنش تماشاگران، مسئولان و متصدیان ورزشی را در محاکم انضباطی و حقوقی برمی‌انگیزد. سوری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی نشان دادند که مهم‌ترین موانع و شیوه‌های (راه‌حل‌های) توسعه ابعاد نظام حقوقی ورزش در ایران به ترتیب آموزشی، قانونی و منابع انسانی و همچنین مهم‌ترین راه‌حل‌های توسعه حقوق ورزشی به ترتیب منابع انسانی، آموزشی و قانونی بودند که نشان‌دهنده این است که با وجود تمامی اقدامات صورت گرفته، دانش حقوق ورزشی کشور از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و تا رسیدن به وضع مطلوب و استاندارد فاصله زیادی وجود دارد. در پژوهشی دیگر معماری و همکاران (۱۳۹۸) الگوی اکتشافی حقوق تجارت در ورزش حرفه‌ای را شناسایی نمودند که شامل بازده عامل قراردادهای حقوقی، مقررات بین‌المللی، صحه‌گذاری، بازاریابی کمین، قانون استخدام، قانون ضد تراس، مالکیت فکری، آژانس ورزشی، رابطه واسطه‌گری، رسانه ورزشی و اقتصاد بود که رعایت این الگو می‌تواند ایجاد مسائل و مشکلات حقوقی را کاهش دهد. نظریان مادوانی و رجب حسنی (۱۳۹۶) نیز در مطالعه‌ای نشان دادند که عامل انسانی (فردی) در اولویت اول و عامل سازمانی در اولویت دوم و عامل فیزیکی (امکان و تجهیزات) در اولویت سوم اثرگذاری در ایجاد دادرسی‌های مرتبط با فعالیت‌های ورزشی قرار دارند. شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی از موانع ساختاری - مدیریتی، موانع علمی - آموزشی، موانع نیروی انسانی و موانع قانونی و حقوقی را به عنوان موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی یاد کردند. مصطفی پورانزلی و کاشف (۱۳۹۵) هم در پژوهشی دریافتند که افراد درگیر در ورزش به میزان کافی از مسئولیت‌های حقوقی آگاه نیستند که این می‌تواند یکی از دلایل اصلی باز شدن پرونده‌های حقوقی باشد. در یک تحقیق دیگر توسط بنیان و کاشف (۱۳۹۳) با موضوع «تفاوت آگاهی‌های حقوقی و مسئولیت مدنی مربیان ورزش زن و مرد در رویدادهای ورزشی»، تفاوت معناداری میان آگاهی‌های حقوقی به تفکیک زن و مرد مشاهده شد. همچنین مدرک تحصیلی عاملی برای افزایش آگاهی‌های حقوقی در این پژوهش معرفی گردید. تاج و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی آگاهی از قوانین ورزشی در مربیان و مدیران ورزشی» ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات حقوقی در زمینه ورزش را در عدم آگاهی مربیان و مدیران ورزش اعلام کردند.

با وجود مشکلات زیاد در عرصه فعالیت‌های ورزشی، پرونده‌های حقوقی ورزشی نظیر رانندخواهی، قراردادهای غیر قانونی، ناتوانی در ارائه اعتراضات به ناداوری‌ها و غیره که ناشی از عدم آشنایی

با حقوق ورزشی می باشد، رو به افزایش است (جلیلیان و رومیانی، ۱۳۹۷). همچنین با توجه به تعدد رویه‌های قضایی دادگاه حکمیت ورزش، هزینه‌های گزاف وکلای اروپایی و عدم‌اشراف به مسائل حقوق بین‌الملل در ورزش کشور، متأسفانه در بیشتر پرونده‌های حقوقی با شکست مواجه شده‌ایم که اهمیت بررسی دلایل این شکست‌ها برجسته می‌گردد. بررسی ادبیات پژوهش نشان‌دهنده این است که تا کنون در زمینه دلایل واگذاری پرونده‌های حقوقی ورزش ایران مطالعه‌ای صورت نپذیرفته است که لزوم انجام پژوهش حاضر را دوچندان می‌نماید، زیرا همواره بررسی علت‌های بروز یک مشکل از تکرار آن در آینده می‌کاهد. لذا محققان در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال هستند:

دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه این پژوهش به دنبال واکاوی دلایل باخت پرونده‌های حقوقی ورزشی کشور می‌باشد، از روش‌شناسی کیو بهره گرفته شد. به همین دلیل این پژوهش از تحقیقات پارادایم تفسیری محسوب می‌شود و چون سنجش متغیرهای از پیش تعیین شده به وسیله معیارهای کمی (همانند تحلیل عاملی اکتشافی) صورت می‌پذیرد، به عنوان پارادایمی اثبات‌گرایانه مطرح می‌شود. در نتیجه چارچوب کلی این پژوهش، از نوع پارادایم تفسیری - اثبات‌گرایی است. از منظر هدف، تحقیقی کاربردی است و به دلیل جمع‌آوری اطلاعات که توسط معیارهای کیفی صورت گرفته و مرحله شناسایی الگوهای ذهنی که با معیارهای کمی می‌باشد، از نوع تحقیقات آمیخته محسوب می‌شود. روش‌شناسی کیو جهت درک راحت سلیقه‌ها و دیدگاه‌های افراد به کار برده می‌شود؛ افرادی را که دارای ذهنیت مشترکی هستند، شناسایی می‌کند و بر پایه تحلیل‌های آماری استوار است. جامعیت عبارات نمونه کیو با فضای گفتمان روایی، مطالعه کیو را شکل می‌دهد. به بیان بهتر، محقق از خود باید این پرسش را داشته باشد که آیا عباراتی که گردآوری کرده است از جامعیت و وسعت خوبی برخوردار هستند تا ذهنیت‌های مختلفی را ایجاد کنند (یاسینی و همکاران، ۱۳۹۵).

در پژوهش حاضر روش کیو در ۵ مرحله اجرا شده است (وست^۱، ۲۰۱۴):

۱- ایجاد کردن فضای گفتمان و مجموعه‌های کیو

۲- انتخاب و گزینش مشارکت‌کنندگان و ارزش‌گذاری کیو

۳- تکمیل ارزش‌گذاری نمودارهای کیو

۴- تکمیل داده‌ها

۵- تفسیر عامل‌ها و الگوهای ذهنی

واکاوی دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

در اولین مرحله، از منابع کتابخانه‌ای، نوشتاری، مقالات و مصاحبه‌های عمیق با ۱۰ نفر از متخصصان مدیریت ورزشی، حقوق، حقوق ورزشی، مدیران باشگاه‌های ورزشی و افراد آشنا به مسائل پرونده‌های حقوق ورزشی جهت مشخص نمودن عبارات کیو استفاده شد. روش نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی بود و مصاحبه‌ها همگی به صورت مجازی بود. میانگین زمان مصاحبه‌ها ۳۰ دقیقه بود که از بین ۱۰ نفر مصاحبه‌شونده، بیشترین زمان مصاحبه ۵۵ دقیقه و کمترین زمان مصاحبه ۲۰ دقیقه بود. سوالات مورد استفاده در مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و باز بود که در نهایت عبارات استخراج شد و مجدداً به تأیید افراد مصاحبه‌شونده رسید. مطالعات کیو به ۲۰ الی ۶۰ عبارت نیازمند است؛ اگرچه هیچ معیار قطعی برای این تعداد گزارش نشده است (یاسینی و همکاران، ۱۳۹۵). از میان ۴۹ گزاره به دست آمده از مبانی نظری و مصاحبه‌ها، در نهایت ۳۱ گزاره تأیید شد که در جدول ۱ قابل مشاهده است.

بعد از این مرحله، نوبت به شناسایی ذهنیت‌ها با روش کمی و به کمک تکنیک تحلیل عاملی کیو رسید. همانند تعداد عبارات نامشخص در روش‌شناسی کیو برای تعداد مشارکت‌کنندگان در انجام پژوهش کیو نیز ملاک قطعی وجود ندارد و می‌تواند شامل تعداد متفاوتی مشارکت‌کننده باشد. با این حال تعداد مشارکت‌کنندگان در مقالات مختلفی بین ۱۰ الی ۵۰ نفر گزارش شده است (خداداد حسینی، نجات و هاشمی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر تعداد مشارکت‌کنندگان ۳۲ نفر بود که عبارات کیو را مرتب نمودند. مشارکت‌کنندگان شامل همان طیف قبلی بودند که به صورت غیراحتمالی انتخاب شدند. از این تعداد، ۴ نفر از مشارکت‌کنندگان که اطلاعات آنها قابل تحلیل نبود از تحقیق کنار گذاشته شدند و در نهایت تحلیل عاملی کیو بر روی ۲۸ نفر انجام شد.

جدول ۱: عبارات کیو در پژوهش حاضر

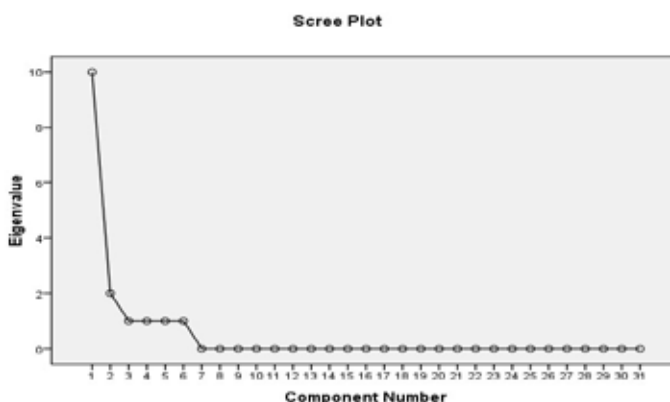
کد عبارت	عوامل کیو	منبع مورد استفاده
۱	وجود افراد ذینفع و دلالتان در پشت پرده قراردادها	* مصاحبه
۲	دخالت نهادهای غیر تخصصی از قبیل نظامیان و سیاسیون در ورزش کشور	* مصاحبه
۳	سواد حقوقی کم ذینفعان	* مصاحبه
۴	وجود مدیران ناکارآمد ورزشی در باشگاه‌ها	* مصاحبه
۵	عدم استفاده از وکلا و حقوقدانان سایر کشورها	* مصاحبه
۶	نبود رشته حقوق ورزشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها	* مصاحبه
۷	عدم شفافیت فرآیندها و رویه‌ها	* مصاحبه
۸	عدم تعهد به موقع به قراردادها توسط باشگاه‌های ورزشی داخل کشور	* مصاحبه
۹	عدم پرورش نیروی انسانی متخصص داخلی در زمینه حقوق ورزشی	* مصاحبه

۱۰	تبانی درون سازمانی جهت کسب منافع بیشتر از قراردادهای توسط باشگاهها و سازمانهای ورزشی *
۱۱	عدم آموزش و پرورش حقوقدانان بینالمللی ورزشی *
۱۲	نداشتن وکلای متبحر در سطح بینالمللی *
۱۳	نفوذ شبکههای ارتباطات غیررسمی به سازمانهای ورزشی *
۱۴	فقدان ساختار حقوقی لازم در فدراسیونهای ورزشی *
۱۵	ضعف سازوکار کنترل و نظارت بیرونی *
۱۶	وجود بندها و تبصرههای زیاد به نفع طرف مقابل *
۱۷	مشکلات مربوط به برند ضعیف ملی ایران در عرصههای بینالمللی *
۱۸	عدم مشارکت و مداخله صاحب نظران حقوقی بهویژه در حوزه حقوق قراردادهای و مناسبات بینالمللی *
۱۹	ضعف نظام اطلاع رسانی و دسترسی به اطلاعات ورزش کشور *
۲۰	قدرت زیاد دلالان در ورزش کشور *
۲۱	عدم آشنایی به زبان انگلیسی در میان مدیران ورزشی *
۲۲	مجازات کم خاطیان و مفسدان ورزشی با وجود آشکار شدن *
۲۳	عادی شدن شکست در پروندهها و دزدی سیستماتیک *
۲۴	عدم شفافیت قراردادهای ثبت شده بین عموم *
۲۵	عدم آگاهی از قوانین بینالمللی و بهروز در ورزش *
۲۶	نیروی انسانی ضعیف در بخشهای حقوقی ورزش کشور *
۲۷	وجود توافقهای پنهان و قراردادهای زیرمیزی توسط دلالان *
۲۸	ارزش کم پول ملی *
۲۹	ساختار نامناسب باشگاههای ورزشی بهخصوص فوتبال *
۳۰	عدم اراده فدراسیون فوتبال در جلوگیری از مشکلات احتمالی *
۳۱	دولتی بودن بسیاری از سازمانها و باشگاههای ورزشی *

با استفاده از چرخش واریماکس^۱ و تحلیل عاملی اکتشافی، عوامل بالا با استفاده از نرم افزار SPSS دسته بندی و اولویت بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

برای مشخص کردن تعداد مطلوب مولفه‌ها در روش‌شناسی کیو نمودار سنگ‌ریزه مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تغییرات مقادیر ویژه در ارتباط با عامل‌ها توسط این نمودار نشان داده می‌شود. با توجه به نظر و دیدگاه خبرگان، در مجموع ۶ عامل بالاتر از عدد ۱ شناسایی شدند که این شش عامل حدود ۸۴/۳۸۴ درصد از کل عامل‌ها را پوشش می‌دهند (شکل ۲).



شکل ۲: نمودار سنگ‌ریزه (اسکری) الگوهای ذهنی خبرگان در مورد دلایل شکست پرونده‌های حقوقی در دعاوی بین‌المللی ورزشی

فرآیند تحلیل کیو

به مثابه تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی کیو نیز از دو مرحله تشکیل می‌شود؛ در مرحله اول عامل‌ها استخراج شده و در مرحله دوم چرخش عامل‌ها به‌طوری که قابل تفسیر باشند، انجام می‌گردد. البته انجام مرحله دوم زمانی ضرورت دارد که تفسیر عامل‌های مرحله دوم به آسانی ممکن نباشد؛ یعنی به عنوان ذهنیت‌های مشخصی نتوان آن‌ها را تعریف کرد. برای انجام مرحله ابتدایی تحلیل عاملی کیو روش مولفه‌های اصلی، از رایج‌ترین شیوه‌های استخراج عامل‌ها می‌باشد. میزان واریانس هر الگوی ذهنی و مقدار ویژه آن در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: میزان واریانس تبیین‌شده هر عامل یا الگوی ذهنی و مقدار ویژه آن

تعداد الگوهای ذهنی پژوهش			چرخش متعامد عامل‌ها	
			درصد واریانس	واریانس تجمعی
			جمع کل	
الگوی ذهنی اول: عدم تخصص‌گرایی			۲۴/۰۷۳	۲۴/۰۷۳
الگوی ذهنی دوم: مشکلات آموزشی و اطلاعاتی			۱۷/۷۴۱	۴۱/۸۱۴
الگوی ذهنی سوم: خلاءهای قانونی و قراردادی			۱۵/۸۵۸	۵۷/۳۷۲

۶۹/۵۴۶	۱۱/۸۷۴	۳/۶۸۱	الگوی ذهنی چهارم: مشکلات ساختاری ورزش
۷۹/۲۴۴	۹/۶۹۸	۳/۰۰۶	الگوی ذهنی پنجم: سیستم دلالت و دست‌های پشت پرده
۸۴/۳۸۴	۵/۱۴۰	۱/۵۹۳	الگوی ذهنی ششم: مشکلات نظارتی و تنبیهی

از شیوه‌های معمول چرخش متعامد عوامل می‌توان به شیوه واریماکس اشاره نمود. در پژوهش حاضر نیز جهت قابل تفسیر بودن عوامل، از چرخش متعامد واریماکس استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ قابل مشاهده است:

جدول ۳: دسته‌بندی الگوهای ذهنی شش‌گانه مشارکت‌کنندگان (ماتریس تحلیل عاملی)

الگوهای ذهنی	الگوهای ذهنی					
	الگوی ذهنی ۱	الگوی ذهنی ۲	الگوی ذهنی ۳	الگوی ذهنی ۴	الگوی ذهنی ۵	الگوی ذهنی ۶
M1	-۰/۱۳۶	-۰/۱۳۹	۰/۱۳۵	-۰/۱۹۴	۰/۰۵۶	۰/۹۱۹
M2	۰/۰۵۹	-۰/۱۵۱	-۰/۰۲۷	۰/۱۱۵	۰/۹۴۷	۰/۰۶۹
M3	۰/۸۸۷	-۰/۰۹۸	۰/۰۶۶	-۰/۱۴۷	۰/۰۹۵	۰/۱۱۴
M4	۰/۰۰۴	-۰/۰۲۹	۰/۹۷۰	-۰/۰۲۴	-۰/۰۹۶	۰/۰۷۶
M5	-۰/۰۰۷	-۰/۰۲۹	۰/۹۵۲	۰/۰۰۱	-۰/۱۴۷	-۰/۰۳۳
M6	۰/۱۹۷	۰/۷۶۳	۰/۲۷۱	-۰/۳۹۶	۰/۰۱۴	-۰/۱۲۵
M7	۰/۰۷۱	-۰/۳۳۲	-۰/۱۲۱	۰/۸۴۰	۰/۰۳۱	-۰/۲۱۵
M8	-۰/۲۰۳	-۰/۰۶۶	۰/۰۶۹	۰/۹۲۷	۰/۱۶۰	-۰/۰۶۸
M9	-۰/۰۳۶	۰/۸۳۸	-۰/۱۷۱	۰/۰۳۲	-۰/۰۹۵	۰/۲۸۹
M10	۰/۹۴۷	۰/۰۲۸	-۰/۰۱۳	-۰/۰۰۲	۰/۱۵۰	-۰/۰۹۴
M11	-۰/۰۱۸	۰/۷۰۵	-۰/۰۵۱	-۰/۱۲۶	-۰/۰۲۱	۰/۲۲۳
M12	-۰/۳۴۲	-۰/۰۴۶	-۰/۰۱۱	-۰/۳۲۹	۰/۰۲۹	۰/۹۱۶
M13	-۰/۱۱۱	-۰/۱۳۵	۰/۰۹۰	-۰/۲۰۸	۰/۰۲۷	۰/۶۳۸
M14	۰/۰۸۰	-۰/۱۷۶	-۰/۰۹۴	۰/۲۰۴	۰/۸۹۷	۰/۰۱۴
M15	۰/۰۱۵	-۰/۰۲۱	-۰/۱۷۰	۰/۰۳۰	۰/۹۲۵	-۰/۰۲۲
M16	-۰/۲۲۸	۰/۲۲۱	۰/۱۸۱	۰/۶۳۷	۰/۴۹۲	-۰/۰۳۶
M17	-۰/۱۱۷	۰/۰۹۸	۰/۶۸۲	۰/۰۰۲	-۰/۰۷۰	۰/۰۱۱
M18	۰/۶۰۱	۰/۱۵۲	-۰/۴۰۳	۰/۴۳۶	۰/۰۴۹	-۰/۰۵۸
M19	-۰/۳۵۶	-۰/۰۴۲	۰/۹۴۳	-۰/۰۸۲	-۰/۱۱۳	۰/۱۳۹
M20	-۰/۰۸۴	۰/۸۳۸	۰/۰۵۶	۰/۰۸۳	۰/۰۶۳	۰/۱۴۶
M21	۰/۹۱۷	۰/۰۳۰	۰/۰۳۳	-۰/۰۹۳	-۰/۲۷۷	-۰/۰۴۰
M22	-۰/۱۳۴	۰/۱۱۸	-۰/۰۷۹	-۰/۰۹۲	۰/۸۴۱	۰/۲۰۳
M23	۰/۶۴۴	۰/۰۸۱	-۰/۱۶۲	-۰/۰۱۳	-۰/۰۵۳	۰/۳۱۳
M24	۰/۷۴۵	-۰/۰۴۵	۰/۱۱۰	۰/۲۷۱	-۰/۰۴۳	-۰/۱۶۹

واکاوای دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

M25	۰/۱۶۳	۰/۸۲۷	-۰/۱۴۴	-۰/۰۰۴	-۰/۰۲۹	۰/۰۶۴
M26	۰/۲۰۵	۰/۰۳۴	۰/۹۵۳	-۰/۰۲۷	۰/۰۱۰	-۰/۱۴۷
M27	۰/۹۱۵	-۰/۳۳۲	-۰/۱۰۵	۰/۱۰۶	-۰/۰۸۲	-۰/۴۷۱
M28	۰/۱۰۷	۰/۶۲۲	-۰/۱۰۰	۰/۰۸۹	-۰/۰۱۴	-۰/۱۲۵

در مطالعه حاضر هدف از انجام و مطالعه کیو و جهت تفسیرپذیر بودن عوامل، تعداد شش ذهنیت متفاوت (الگوی ذهنی) در مورد موانع سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای کشور شناسایی شدند و به خاطر عقاید مشترک و اشتراک نظرات در قالب‌های مجزا قرار گرفتند. در جدول ۴ الگوهای ذهنی ساخته شده از نمونه‌های کیو و مشارکت‌کنندگان در هر الگوی ذهنی به ترتیب نشان داده شده است:

جدول ۴: الگوهای ذهنی ساخته‌شده از نمونه‌های کیو به ترتیب اولویت و مشارکت‌کنندگان در هر الگوی ذهنی

الگوی ذهنی	عوامل کیو	کدهای کیو	خبرگان
عدم تخصص گرایشی	دخالت نهادهای غیرتخصصی از قبیل نظامیان و سیاسیون در ورزش کشور	Q2	
	وجود مدیران ناکارآمد ورزشی در باشگاه‌ها	Q4	M3, M10,
	عدم استفاده از وکلا و حقوقدانان سایر کشورها	Q5	M18,
	نداشتن وکلای متبحر در سطح بین‌المللی	Q12	M21, M23,
	عدم مشارکت و مداخله صاحب‌نظران حقوقی به‌ویژه در حوزه حقوق قراردادهای و مناسبات بین‌المللی	Q18	M24, M27
	نیروی انسانی ضعیف در بخش‌های حقوقی ورزش کشور	Q26	
	سواد حقوقی کم ذینفعان	Q3	
	نبود رشته حقوق ورزشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها	Q6	
	عدم پرورش نیروی انسانی متخصص داخلی در زمینه حقوق ورزشی	Q9	M6, M9,
	عدم آموزش و پرورش حقوقدانان بین‌المللی ورزشی	Q11	M11, M20,
مشکلات آموزشی و اطلاعاتی	عدم آشنایی به زبان انگلیسی در میان مدیران	Q21	M25,
	عدم آگاهی از قوانین بین‌المللی و به‌روز در ورزش	Q25	M28
	عدم شفافیت فرآیندها و رویه‌ها	Q7	
	عدم تعهد به موقع به قراردادهای توسط باشگاه‌های ورزشی داخل کشور	Q8	M4, M5,
	تبانی درون‌سازمانی جهت کسب منافع بیشتر از قراردادهای توسط باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی	Q10	M17, M26
خلاهای قانونی و قراردادی			

مشکلات ساختاری ورزش	وجود بندها و تبصره‌های زیاد به نفع طرف مقابل	Q16	
	عدم شفافیت قراردادهای ثبت شده بین عموم	Q24	
	فقدان ساختار حقوقی لازم در فدراسیون‌ها	Q14	
	مشکلات مربوط به برند ضعیف ملی ایران در عرصه‌های بین‌المللی	Q17	M7,
	ارزش کم پول ملی	Q28	M8,
	ساختار نامناسب باشگاه‌های ورزشی مخصوصا فوتبال	Q29	M16,
دلالان و دست‌های پنهان	دولتی بودن بسیاری از سازمان‌ها و باشگاه‌های ورزشی	Q31	M19
	وجود افراد ذینفع و دلالان در پشت پرده قراردادها	Q1	
	نفوذ شبکه‌های ارتباطات غیررسمی به سازمان‌های ورزشی	Q13	M2,M1
	قدرت زیاد دلالان در ورزش کشور	Q20	4,
	وجود توافقات پنهان و قراردادهای زیرمیزی توسط دلالان	Q27	M15,
			M22
مشکلات نظارتی و تنبیهی	ضعف سازوکار کنترل و نظارت بیرونی	Q15	
	ضعف نظام اطلاع‌رسانی و دسترسی به اطلاعات ورزش کشور	Q19	M1,
	مجازات کم خاطیان و مفسدان ورزشی با وجود آشکار شدن	Q22	M12,
	عادی شدن شکست در پرونده‌ها و دزدی سیستماتیک	Q23	M13
	عدم اراده فدراسیون‌ها در جلوگیری از مشکلات احتمالی	Q30	

با توجه به موارد یاد شده و بر اساس امتیازات داده شده از سوی خبرگان به عوامل کیو و همچنین مصاحبه‌ها و نحوه ارزش‌گذاری کارت‌ها در نمودار کیو از سوی خبرگان، تحلیل و تفسیر عقاید و دیدگاه‌های هر الگوی ذهنی صورت گرفته است. این الگوهای ذهنی به شرح شکل ۳ می باشد:



شکل ۳: الگوهای ذهنی شناسایی شده

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه ورزش از نوع همگانی فراتر رفته و به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای تبدیل شده است. با افزایش ابعاد مالی فعالیت‌های مختلف در صنعت ورزش نظیر دستمزدها و پرداخت‌هایی که به ورزشکاران و مربیان صورت می‌گیرد، سرمایه‌گذاری‌هایی که حامیان مالی باشگاه‌های ورزشی در جریان مسابقات انجام می‌دهند، مبالغی که با عنوان حق پخش مسابقات بین رسانه‌ها و مجریان برگزاری مسابقات رد و بدل می‌شود و همکاری‌های تجاری که در مورد حق شهرت ستارگان ورزشی ترتیب داده می‌شود، گزافه نیست اگر ادعا کنیم که در حال شکل‌گیری شاخه جدیدی از اختلافات حقوقی هستیم. در این رهگذر آنچه حداقل در کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که همپای پیشرفت ورزش و وجود مسائل جدید ورزشی، حقوق و قوانین ورزشی پیشرفت ننموده است؛ به نحوی که ابهامات و خلأهای فراوانی در زمینه مسائل مختلف ورزشی از منظر حقوق ورزشی در کشور وجود دارد که سبب عدم موفقیت پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی بوده است. پس باید به دنبال آسیب‌شناسی این معضل برآمد تا با ارائه راهکارهای اجرایی در جهت بهبود وضعیت موجود حرکت کرد (وکیل، ۱۳۹۵؛ نادریان، ۱۳۹۳). پژوهش حاضر به دنبال واکاوای دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی بود. بر مبنای نتایج

حاصل از روش‌شناسی کیو، شش عامل عدم تخصص‌گرایی، مشکلات آموزشی و اطلاعاتی، خلاءهای قانونی و قراردادی، مشکلات ساختاری ورزش کشور، سیستم دلالتان و دست‌های پشت پرده و در نهایت مشکلات نظارتی و تنبیهی از جمله عوامل موثر بر شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی بود که در ادامه در مورد هرکدام مباحثی ارائه خواهد شد.

یکی از الگوهای ذهنی شناخته شده بر مبنای نتایج پژوهش حاضر عدم تخصص‌گرایی بود که از دلایل اصلی شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی به شمار می‌رود. بر پایه این الگوی ذهنی عدم موفقیت پرونده‌های حقوقی ایران از دخالت نهادهای غیرتخصصی از قبیل نظامیان و سیاسیون در ورزش کشور، وجود مدیران ناکارآمد ورزشی در باشگاه‌ها، عدم استفاده از وکلا و حقوقدانان سایر کشورها، نداشتن وکلای متبحر در سطح بین‌المللی، عدم مشارکت و مداخله صاحب‌نظران حقوقی به‌ویژه در حوزه حقوق قراردادهای و مناسبات بین‌المللی و نیروی انسانی ضعیف در بخش‌های حقوقی ورزش کشور نشأت می‌گیرد. نتایج پژوهش‌های سوری و همکاران (۱۳۹۸)، نظریان مادوانی و رجب حسینی (۱۳۹۶)، شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، بنیان و کاشف (۱۳۹۳) و تاج و همکاران (۱۳۹۱) این بخش از یافته‌های پژوهش را تأیید می‌کند. شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان کردند بیشتر مدیران و مربیان در باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای، نسبت به وظایف و مسئولیت‌های قانونی خود در برابر ورزشکاران و سایر ذینفعان از آگاهی و آشنایی سطح پایینی برخوردارند و این امر سبب بروز مشکلاتی به‌ویژه در زمینه تدوین قراردادهای گردیده است و هر ساله شاهد مشکلاتی در این زمینه در عرصه ورزش هستیم. همچنین آن‌ها بیان کردند که لازم است مدیران با قوانین و مقررات ورزشی آشنا شوند و یا از متخصصان حقوق ورزشی به عنوان مشاور بهره‌جویند. مصطفی پورانزلی و کاشف (۱۳۹۵) هم در پژوهشی دریافتند که افراد درگیر در ورزش به میزان کافی از مسئولیت‌های حقوقی آگاه نیستند که این می‌تواند یکی از دلایل اصلی باز شدن پرونده‌های حقوقی باشد. در پژوهشی دیگر نیز تاج و همکاران (۱۳۹۱) بسیاری از مسائل و مشکلات حقوقی در زمینه ورزش را عدم آگاهی مربیان و مدیران ورزش اعلام کردند. از آنجا که در سال‌های اخیر میزان و نوع حضور و به تبع آن میزان دادخواهی‌های قضایی شرکت‌کنندگان و فعالان حوزه ورزش رو به فزونی نهاده است، ضرورت اطلاع از قواعد حقوقی به منظور اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از وقوع حادثه یا برائت از مسئولیت در صورت تحقق آن، برای همه اهالی ورزش به ویژه مدیران ورزشی به نحو ملموسی احساس می‌شود (نظریان مادوانی، ۱۳۹۵). در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش در این بخش می‌توان بیان کرد که توجه به ارتقا و توسعه دانش حقوقی مدیران ورزشی، بهره‌گیری از حقوقدانان خبره و ماهر در سازمان‌ها و باشگاه‌های ورزشی که مشاور مدیران ورزشی باشند، تربیت وکلا و حقوقدان‌های ورزشی از طریق اعزام به دوره‌های حقوق ورزشی بین‌المللی و بورس گرفتن در سایر

دانشگاه‌های خارج از کشور در حوزه حقوق ورزشی و کمرنگ کردن ردپای افراد غیرمتخصص و سیاست‌پسندان که کمتر به مباحث ورزشی اشراف دارند، از جمله راهکارهایی است که با توجه به الگوی ذهنی عدم-تخصص‌گرایی می‌توان به آن‌ها اشاره داشت.

در ادامه نتایج پژوهش الگوی ذهنی مشکلات آموزشی و اطلاعاتی در حوزه حقوق ورزشی شامل کمی سواد حقوقی ذینفعان، نبود رشته حقوق ورزشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها، عدم پرورش نیروی انسانی متخصص داخلی در زمینه حقوق ورزشی، عدم آموزش و پرورش حقوقدانان بین‌المللی ورزشی، عدم آشنایی به زبان انگلیسی در میان مدیران ورزشی و عدم آگاهی از قوانین بین‌المللی و به‌روز در ورزش است که عدم موفقیت پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی را به دنبال داشته است. این بخش از نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش سوری و همکاران (۱۳۹۸)، شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵)، نادریان و رهبری (۱۳۹۳)، لیندهولم (۲۰۲۱) و فوستر (۲۰۱۹) همسوست. لیندهولم^۱ (۲۰۲۱) بیان می‌کند که آشنایی با قوانین، مفهوم قضاوت و مدل‌های مربوط به داوری در محاکم بین‌المللی ورزش به درک احکام دیوان داوری ورزش و نقش آن در توسعه نظم حقوقی فراملی در ورزش کمک می‌کند و در نهایت منجر به توسعه عدالت در قضاوت پرونده‌های ورزشی خواهد شد. همچنین شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) موانع علمی آموزشی نظیر فقدان منابع علمی کافی در زمینه حقوق ورزشی، عدم اهتمام کافی به درس حقوق ورزشی در دانشکده‌های تربیت بدنی و حقوق و همچنین پایین بودن دانش حقوقی فعالان عرصه ورزش، کمبود نیروی انسانی متخصص حقوق ورزشی و عدم آشنایی کافی افراد دخیل در ورزش با قراردادهای ورزشی را از عوامل موثر بر عدم توسعه حقوق ورزشی در ایران بیان کردند. در پژوهشی دیگر نادریان و رهبری (۱۳۹۳) دریافتند به دلیل کاستی‌های محرز در قوانین مربوط به ورزش در حقوق ایران و نیاز جامعه، ایجاد رشته حقوق ورزش در کشور ضرورت دارد. همچنین ایشان بر سر راه‌اندازی رشته حقوق ورزشی در دانشکده‌ها یا گروه‌های آموزشی حقوق با ترکیبی از دروس حقوق و ورزش توافق داشتند، اما متأسفانه، با وجود توسعه فراوان گرایش‌های مربوط به رشته تربیت بدنی و حقوق، هنوز اقدامی برای ایجاد گرایشی با عنوان "حقوق ورزشی" باوجود مخاطبان بی‌شماری که دارد، صورت نپذیرفته است. مربیان ورزشی، معلمان تربیت بدنی و مشاوران حقوقی ورزشی از جمله نیروی انسانی مهم سازمان‌های ورزشی به‌شمار می‌روند که با آموزش صحیح در زمینه حقوق ورزشی می‌توانند از بروز بسیاری از حوادث ورزشی و تشکیل پرونده‌های ورزشی پیشگیری نمایند. همچنین در کشور ما جای خالی وکلای ورزشی و قضات ورزشی در عرصه ورزش به شدت احساس می‌شود (شعبانی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵). با عنایت به نتایج این بخش از پژوهش، می‌توان به تربیت نیروی انسانی متخصص در حقوق ورزشی و همچنین آموزش

1 Lindholm

کاربرد حقوق ورزشی برای مخاطبان از طریق رسانه‌های ورزشی، تألیف منابع علمی روزآمد برای ارتقای دانش حقوق ورزشی، برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی به منظور ارتقای دانش حقوقی فعالان عرصه ورزش و آموزش کاربرد حقوق ورزشی برای مخاطبان از طریق رسانه‌های ورزشی، تامین نیروی انسانی خبره، آموزش و تربیت نیروی متخصص در زمینه حقوق ورزشی به عنوان راهکارهای برای توسعه حقوق ورزشی در کشور و به دنبال آن موفقیت در پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزش اشاره کرد. همچنین با توجه به نو و جدید بودن رشته حقوق ورزشی در ایران، نیاز به تدوین کتاب‌ها و مقاله‌های گوناگون و نیز تحقیقات منسجم و تدوین آیین‌نامه‌های مدون برای بهبود و توسعه علوم حقوقی ورزش احساس می‌شود.

خلاءهای قانونی و قراردادی به عنوان یکی دیگر از الگوهای ذهنی شناخته شده در پژوهش حاضر شامل عدم شفافیت فرآیندها و رویه‌ها، عدم تعهد به موقع به قراردادها توسط باشگاه‌های ورزشی داخل کشور، تبانی درون‌سازمانی جهت کسب منافع بیشتر از قراردادها توسط باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی، وجود بندها و تبصره‌های زیاد به نفع طرف مقابل و عدم شفافیت قراردادهای ثبت شده بین عموم بود که چرایی شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی را تبیین می‌کند. نتایج پژوهش‌های دیاکانو و همکاران (۲۰۲۱)، لاکومسکی (۲۰۲۱)، لیندهولم (۲۰۲۱)، فوستر (۲۰۱۹)، سوری و همکاران (۱۳۹۸)، معماری و همکاران (۱۳۹۸) و شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) نیز با نتایج این بخش از پژوهش حاضر همخوانی دارد و آن‌ها را تأیید می‌کند. فوستر (۲۰۱۹) در پژوهشی بیان کرد که حقوق جهانی ورزش نیاز به مقررات بین‌المللی و شفافیت دارد تا بتوان در تصمیمات عدالت را شاهد بود و این موضوع نیاز به همکاری فدراسیون‌ها و سازمان‌های قضایی کشورها دارد. همچنین شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی عدم انطباق کافی مقررات داخلی ورزش با قوانین و مقررات بین‌المللی، عدم وجود یا ناکافی بودن آیین‌نامه‌های انضباطی مدون در رشته‌های مختلف و پراکندگی و ابهام در قوانین و عدم وجود قوانین و مقررات جامع و شفاف در زمینه حقوق ورزشی را به عنوان موانع نهادینه شدن حقوق ورزشی در کشور بیان کردند. با عنایت به نتایج پژوهش حاضر و مباحثی که مطرح شد، تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های انضباطی شفاف در سازمان‌های ورزشی، بررسی جامع و کامل قراردادها و بندهای موجود در قراردادها توسط خبرگان حقوقی و جلوگیری از فساد و تبانی از جمله راهکارهایی است که می‌توان در جهت کاهش شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی به آن‌ها اشاره داشت.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، مشکلات ساختاری ورزش یکی دیگر از الگوهای ذهنی شناسایی شده در راستای شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی بود که شامل فقدان ساختار حقوقی لازم در فدراسیون‌های ورزشی، مشکلات مربوط به برند ضعیف ملی ایران در عرصه‌های بین‌المللی،

واکاوی دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

ارزش کم پول ملی، ساختار نامناسب باشگاه‌های ورزشی به‌خصوص فوتبال و دولتی بودن بسیاری از سازمان‌ها و باشگاه‌های ورزشی می‌باشد. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های لاکومسکی (۲۰۲۱) و شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود موانع ساختاری را از جمله موانع نهادینه‌سازی حقوق ورزشی در کشور بیان کردند. ایشان همچنین عدم وجود یا ناکافی بودن کمیته‌های انضباطی در فدراسیون‌های رشته‌های مختلف ورزشی را از جمله موانع ساختاری بیان کردند. دلدار و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان کردند که باشگاه‌های ورزشی به هنگام عقد قراردادها، مالی، حقوقدان‌های ورزشی را استخدام کنند. با عنایت به نتایج پژوهش، پر واضح است که فدراسیون‌های رشته‌های مختلف ورزشی به‌خصوص فدراسیون فوتبال، در ساختار سازمانی خود به یک واحد حقوقی مستقل که شامل حقوقدانان ورزشی و غیرورزشی خبره و آگاه نسبت به قوانین نیاز دارند تا بر روی مقررات و قوانین و قراردادهایی که منعقد می‌شود، نظارت داشته باشند. همچنین به‌واسطه مجادلات سیاسی و تحریم‌های ناعادلانه‌ای که متوجه کشور است، ارزش پول ملی تنزل پیدا کرده و برند ملی ایران ضعیف شده که نیاز است مدیران و مسئولان ورزشی، تأثیرات این تهدیدها را بکاهند. همچنین ساختار دولتی بسیاری از باشگاه‌های ورزشی کشور یکی دیگر از دلایلی است که چالش‌هایی را بر سر راه مباحث حقوقی قرار داده است. بیرون آمدن ساختار باشگاه‌های فوتبال ایران از وابستگی مالی به دولت و توجه مدیران باشگاه‌ها به ایجاد راهبردهایی کلان برای واگذاری باشگاه‌ها به بخش خصوصی از راهکارهایی می‌باشد که باید در دستور کار مدیران ورزشی قرار بگیرد. اگر مسئولان دولتی و ورزشی ما بستر را برای واگذاری باشگاه‌های ورزشی به ویژه فوتبال بتدریج آماده و آن‌ها را به سرمایه‌گذاران خصوصی بسپارند، قطعاً فوتبال ملی و به‌خصوص باشگاهی در مدت ده تا پانزده سال آینده جایگاهی بسیار مناسب‌تر و بالاتر از شرایط فعلی خواهد داشت و استقبال سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای ورود به عرصه باشگاه‌داری منوط به رفع موانع خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال و شفاف‌سازی در اداره باشگاه‌های ورزشی می‌باشد.

همچنین الگوی ذهنی سیستم دلالان و دست‌های پشت پرده به عنوان یکی دیگر از عوامل موثر بر عدم موفقیت پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی شناسایی شد که شاخص‌هایی همانند وجود افراد ذینفع و دلالان در پشت پرده قراردادها، نفوذ شبکه‌های ارتباطات غیررسمی به سازمان‌های ورزشی، قدرت زیاد دلالان در ورزش کشور و وجود توافق‌های پنهان و قراردادهای زیرمیزی توسط دلالان این الگوی ذهنی را می‌سازند. نتایج این بخش از پژوهش حاضر، با یافته‌های پژوهش معماری و همکاران (۱۳۹۸) و شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. شعبانی مقدم و همکاران (۱۳۹۵) شیوع فساد و دلالی در ورزش را به عنوان یکی از دلایل عدم موفقیت در نهادینه‌سازی حقوق ورزشی کشور اعلام کردند. پر واضح

است که مقوله دلالی و واسطه‌گری سایه سنگینی بر ورزش کشور ایجاد کرده است. حضور دلالان مسئله دیگری است که گریبان باشگاه‌های ورزشی کشور به‌خصوص فوتبال را گرفته است و در بیشتر مواقع با برهم زدن توافق مالی میان دلال و مربیانی که توانسته‌اند به اهداف خود و قرارداد با باشگاه برسند، هم‌راه است. با این اوصاف باید اثر سازمان‌های غیررسمی نظیر ارتباطات مربی با بازیکنان، بازیکنان با بازیکنان یا با دلالان، سیاسی بازی‌ها و غیره را کنترل و کاهش داد تا مشکلی حقوقی متوجه باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی نباشد.

در نهایت اینکه مشکلات نظارتی و تنبیهی به عنوان یکی دیگر از الگوهای ذهنی در پژوهش حاضر شناسایی شد که این الگوی ذهنی برآمده از شاخص‌هایی همچون ضعف سازوکار کنترل و نظارت بیرونی، ضعف نظام اطلاع‌رسانی و دسترسی به اطلاعات ورزش کشور، مجازات کم خاطیان و مفسدان ورزشی با وجود آشکار شدن، عادی شدن شکست در پرونده‌ها و دزدی سیستماتیک و عدم اراده فدراسیون‌ها در جلوگیری از مشکلات احتمالی می‌باشد. در مطالعه‌ای فوستر (۲۰۱۹) بیان می‌کند که همکاری فدراسیون‌ها و سازمان‌های قضایی کشورها می‌تواند به شفافیت قوانین و رأی‌های صادره در دعاوی ورزشی کمک کند. به دنبال این آسیب‌های شناسایی شده که متوجه پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی است، نظارت و کنترل مستمر روش‌ها، فرایندها و قوانین و مقررات ورزشی، امری اجتناب ناپذیر است که باید در دستور کار متولیان امر قرار بگیرد. همچنین ایجاد یک بانک اطلاعاتی گسترده و قوی در ورزش کشور که در دسترس همگان باشد و از این طریق شفاف‌سازی صورت بگیرد، از الزاماتی است که باید به آن عمل کرد. در وهله آخر برخورد سخت و جدی با خاطیان، هنجارشکنان و مفسدان حاضر در صحنه‌های ورزشی از دیگر راهکارهایی است که می‌تواند پلی برای حرکت به سمت موفقیت در پرونده‌های حقوقی در دعاوی بین‌المللی ورزشی باشد.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که با توسعه چشمگیر ورزش در دهه‌های اخیر و تبدیل آن به یک صنعت بزرگ و پرمخاطب، مباحث حقوقی مربوط به آن نیز غامض‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. عرصه ورزش باتوجه به شرایط و مقتضیات منحصربه‌فرد خویش، از قواعد حقوقی ویژه‌ای برخوردار است که در بسیاری از ابعاد اساساً آن را از دادگاه‌ها و محاکم عمومی متمایز می‌سازد. پس در نهایت با نگاهی به آسیب‌های شناسایی شده در این پژوهش در راستای شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات و موانعی که ورزش کشور در حوزه حقوق ورزشی با آن مواجه است در وهله اول موانع و مشکلات پایه‌ای و زمینه‌ای همچون آگاهی کم ذینفعان ورزشی نسبت به حقوق ورزشی بین‌الملل است که ناشی از ضعف در آموزش و عدم به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص می‌باشد و در وهله بعدی، مشکلات ساختاری ورزش کشور همچون ساختار سازمان‌ها و باشگاه‌های ورزشی و در

واکاوای دلایل شکست پرونده‌های حقوقی ایران در دعاوی بین‌المللی ورزشی

درجه بعدی مسائل سیاسی که متوجه کشورمان است و به نوعی ورزش و حقوق ورزشی در ایران را تحت تأثیر خود قراردادده است. پس برای پیشگیری از بروز مشکلات حقوقی و موفقیت در پرونده‌های حقوقی ورزش، تشکیل دادگاه‌های تخصصی و نهادهای حکمیت به منظور رسیدگی به پرونده‌های ورزشی، تدوین قوانین جامع مالی در ورزش، مبارزه با دلالی و فساد و واسطه‌گری، ایجاد کمیته‌های انضباطی با ترکیب حقوقی مناسب برای فدراسیون‌های مختلف ورزشی، روی کار آمدن مدیران ورزشی و مسلط به قوانین و مقررات و حقوق ورزشی، بهره‌گیری از وکلای و حقوقدانان خبره و ماهر به عنوان مشاور در کنار مدیران ورزشی، ایجاد رشته حقوق ورزشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها، شفاف‌سازی در قراردادها و برگزاری دوره‌های آموزشی و همایش‌ها در حوزه حقوق ورزشی و دعوت از شخصیت‌های بین‌المللی برای به اشتراک گذاشتن تجاربشان در حوزه حقوق و پرونده‌های ورزشی از جمله راهکارهایی است که با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز رو به رو بود که از آن میان می‌توان به شرایط بحران کرونا و دسترسی سخت به مشارکت‌کنندگان جهت انجام مصاحبه و کمرنگ بودن مطالعات حوزه حقوق ورزشی نسبت به سایر حوزه‌های ورزش جهت گردآوری مبانی نظری و پیشینه تحقیقات اشاره کرد.

منابع

- ایلنا. خبرگزاری کار ایران. (۱۳۹۹). «آخرین جزئیات پرونده ویلموتس از زبان اعضای تیم حقوقی فدراسیون فوتبال». کد خبر: ۹۵۰۸۳۰. <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-950830>
- باقرنیا، حمید و ساقیان، مهدی. (۱۳۹۶). «ضرورت تأسیس فدراسیون حقوق ورزشی و نقش آن در پیشگیری از جرایم ورزشی». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۳۵، صص ۱۹۷-۲۱۰.
- بنیان، عباس و کاشف، مجید. (۱۳۹۳). «تفاوت آگاهی‌های حقوقی و مسئولیت مدنی مربیان ورزش زن و مرد در رویدادهای ورزشی». فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۲(۴)، صص ۷۹-۹۰.
- جلیلیان، فریبا و رومیانی، محبوبه. (۱۳۹۷). «مسئولیت مدنی در جامعه ورزشی در حقوق موضوعه ایران». فصلنامه علمی حقوقی قانون یار. ۲(۷۷) //ف صص ۲۵۱-۲۶۵.
- دادگر، علی؛ زاهدی، مهدی؛ زمانی، سید قاسم و شهبازی، آرامش. (۱۳۹۷). «تأملی بر نقش و عملکرد دادگاه فوری دیوان حکمیت ورزش و اقدامات آن در خلال بازی‌های المپیک ۲۰۱۶». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۷(۴۰)، صص ۵۹-۷۴.
- دلدار، ابراهیم؛ کارگر، غلامعلی و غفوری، فرزاد. (۱۳۹۵). «بررسی موانع اقتصادی خصوصی‌سازی باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور». مدیریت و توسعه ورزش. ۲(۲)، صص ۵۳-۶۸.
- سوری، ابوذر؛ همتی نژاد، مهرعلی؛ بنار، نوشین و رستمی چکالسر، عباداله. (۱۳۹۸). «تعیین موانع و شیوه‌های توسعه ابعاد نظام حقوق ورزشی کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. انتشار آنلاین.
- شعبانی مقدم، کیوان؛ ذکایی، حسین و حسن زاده، محمد تقی. (۱۳۹۵). «شناسایی و اولوی بندی موانع و راهکارهای توسعه حقوق ورزشی در ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۳۴، صص ۹-۲۰.

- شهبازی، آرامش و برلیان، پویا. (۱۳۹۷). «دوپینگ در حقوق بی الملل ورزشی و جایگاه دیوان داوری ورزش در تنسيق رویه بی المللی در این زمینه». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۷(۳۹)، صص ۱-۲۵.
- ضیایی، سید یاسر و جوادی، سعیده. (۱۳۹۸). «حمایت از مالکیت فکری در حقوق بین الملل سرمایه گذاری خارجی». مطالعات حقوقی. ۱۱(۲)، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۸). «تحلیل موانع حقوقی و قانونی اثرگذار بر اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در فوتبال حرفه ای جمهوری اسلامی ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۱(۳)، صص ۴۱۱-۴۲۸.
- مصطفی پور انزلی، شاهین و کاشف، سید محمد. (۱۳۹۵). «التزام عملی مربیان ورزشی به مسئولیت های حقوقی از دیدگاه ورزشکاران». نشریه مدیریت ورزشی. ۸(۴)، صص ۵۴۱-۵۵۴.
- معماری، ژاله؛ سعادت، مهسا و دهقانی، فرشته. (۱۳۹۸). «بازشناسی و مدل سازی حوزه ها و زیرساخت های حقوق تجارت در ورزش حرفه ای ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۱(۳)، صص ۴۸۳-۵۲۰.
- نادریان، مسعود و رهبری، سمیه. (۱۳۹۳). «امکان سنجی تاسیس رشته کارشناسی ارشد حقوق ورزشی در دانشگاه های ایران». فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی. ۶(۴)، صص ۱۹-۳۲.
- نجفی، سینا. (۱۳۹۸). «نگاهی نو به مبانی نظری ضوابط و اصول مسئولیت کیفری حقوق ورزشی». پژوهش های حقوقی قانون یار. ۲(۷)، صص ۲۱۷-۲۳۷.
- نظریان مادوانی، عباس و رجب حسینی، آمنه. (۱۳۹۶). «تحلیل عوامل فردی و سازمانی موثر در دادخواهی های ورزشی». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۴(۲)، صص ۵۳-۶۷.
- نهایندی، مسعود و پوریانی، محمد حسین (۱۳۹۹). «بررسی سیاست کیفری ایران در موضوع جرائم و تخلفات ورزشی». مطالعات حقوق. ۱۰(۴۳)، صص ۲۰۱-۲۱۰.
- وکیل، امیر ساعد و اسکندری، امیر ارسلان. (۱۳۹۵). «تشکیل نهاد داوری ملی ورزش در پرتو جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات ورزشی». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۵(۳۱)، صص ۱-۱۹.
- ویژه، محمد رضا. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر روابط دولت و نظم حقوقی». مطالعات حقوقی. ۵(۱)، صص ۱۴۷-۱۷۳.
- Anita M. Moorman. (2021). **Sport Law a Managerial Approach**. Routledge
- Chennapragada, S., Jain, S. (2020). **“Demystifying India’s Paralympic movement: overview of legislation, sport governance and ground realities”**. International Sports Law Journal, 20: 191–202. <https://doi.org/10.1007/s40318-020-00168-6>
- Cisneros, Ben. (2020). **“Challenging the call: Should sports governing bodies be subject to judicial review?”** International Sports Law Journal, 20:18–35.
- Diaconu, M., Kuwelkar, S. & Kuhn, A. (2021). **“The court of arbitration for sport jurisprudence on match-fixing: a legal update”**. International Sports Law Journal, 20: 18-35. <https://doi.org/10.1007/s40318-021-00181-3>.
- Foster, K. (2019). **“Global Sports Law Revisited”**. Entertainment and Sports Law Journal, 17(4):1–14.
- Jodi S. Balsam. (2020). **“Criminalizing Match-Fixing as America Legalizes Sports Gambling”**. Marquette Sports Law Review, 31(1): 1-35
- Jose, L. Arias., Francisco, M., Argudo., Jose I. Alonso. (2011). **“Review of rule modification in sport”**. Journal of Sports Science and Medicine, 10: 1-8.
- Lindholm, J. (2021). **“A legit supreme court of world sports? The CAS(e) for reform”**. International Sports Law Journal, 21(1): 1–5.
- Łukomski, J. (2021). **“On the finalisation of international football transfers and professional football players’ contracts”**. International Sports Law Journal, 20: 157–179. <https://doi.org/10.1007/s40318-020-00170-y>
- Taj AA, Naghavi M, Siavashani FJ. (2012). **“The determination of sport coaches and manager”**. Knowledge with sport laws, 2(5): 38–44.

طراحی نقشه و جاری سازی راهبردهای منابع انسانی

در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC

سمیه عمادی^۱

سیداحسان امیرحسینی^۲

جلال یاراحمدی^۳



10.22034/SSYS.2022.1185.1815

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

هدف از این پژوهش، طراحی نقشه و جاری سازی راهبردهای منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد کارت امتیازی متوازن بود. روش پژوهش، توصیفی و به لحاظ هدف، کاربردی بود. داده های تحقیق به روش پیمایشی و به صورت کمی و کیفی گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، شامل مسئولان و کارشناسان ستادی حوزه منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان و مدیران کل ورزش و جوانان استان ها برابر با ۶۵ نفر و در بخش کیفی تعداد ۱۲ نفر از خبرگان بود. به دلیل محدودیت اعضا، نمونه آماری با جامعه برابر (تمام شمار) در نظر گرفته شد. ابزار تحقیق، پرسش نامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ تأیید گردید ($\alpha = 0.85$). برای تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی از روش استقرای منطقی و جلسات شورای راهبردی و در بخش توصیفی و کمی از آلفای کرونباخ، درصد فراوانی و کای خی دو استفاده شد. یافته ها نشان داد که در نظام مدیریت منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان، ۴ منظر (بهره وری، ذینفعان، فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری)، ۲۶ هدف راهبردی، ۳۲ سنجه و ۳۹ اقدام و ابتکار وجود دارد. با توجه به نتایج، تمرکز بر اهداف توانمندسازی منابع انسانی، افزایش مدرسان کارگاه های آموزشی، توسعه کمی و کیفی کارگاه ها، توسعه ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی و بهره برداری از جدیدترین یافته های علمی مربوط به منابع انسانی، دستیابی به دیگر اهداف در مناظر فرایندهای داخلی، ذینفعان و بهره وری را تسهیل خواهد کرد.

واژگان کلیدی: راهبرد، جاری سازی، منابع انسانی و وزارت ورزش و جوانان.

۱ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Sou_emadi@yahoo.com

۲ دانشیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

۳ استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، ایران

مقدمه

در جهان رقابتی امروز، آنچه مقوله تحول را حیات می‌بخشد و بقای سازمان را تضمین می‌کند، منابع انسانی است. منابع انسانی، سهم به‌سزایی در موفقیت یا شکست سازمان خواهد داشت. با آغاز هزاره سوم، هر روز، نقش منابع انسانی پررنگ‌تر شده و اکنون از آن به عنوان تنها عامل کسب موفقیت و مزیت رقابتی پایدار در سازمان یاد می‌شود (هاشمی و پور امین زاده، ۱۳۹۰)؛ به گونه‌ای که تحقیقات متعدد، میزان توفیق و ماندگاری سازمان‌ها در عرصه‌های رقابت بین‌المللی و پیشتازی در عرصه‌های خدماتی، اقتصادی و فناوری را مرهون پرداختن به توسعه منابع انسانی به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی سازمان تلقی کرده‌اند (اتزر، ۲۰۰۵ به نقل از خلیل نژاد و مهری، ۱۳۹۵). تا آن جا که رشد و توسعه سازمان‌ها در گرو به‌کارگیری صحیح منابع انسانی است. سازمان‌ها به نقش و اهمیت نیروی انسانی پی برده و به این مهم رسیده‌اند که نیروی انسانی به عنوان ارزشمندترین منبع از منابع سازمان، نقش عمده و موثری را در توسعه سازمان ایفا می‌کند. با مشاهده دستاوردهای جوامع پیشرفته، یکی از مهم‌ترین نکات حائز اهمیت در رسیدن به قله‌های رفیع را باید اجرای راهبرد مدون منابع انسانی در راستای راهبرد سازمان دانست (پاسدار و گروسی، ۱۳۹۴). می‌توان اذعان کرد که عملکرد واقعی مدیریت منابع انسانی با محیط داخل و خارج سازمان و هماهنگی میان این محیط‌ها ارتباط مستقیمی دارد (کوفمن^۱، ۲۰۱۵).

باتوجه به اینکه منابع انسانی، منبع راهبردی برای سازمان‌ها محسوب می‌شود، جزء مهم و لاینفک مباحث برنامه‌ریزی راهبردی است و بیشتر برنامه‌ریزی‌های سازمانی و منابع انسانی ماهیت راهبردی دارند. از عمده‌ترین عواملی که موجب نگرش جدید در برنامه‌ریزی راهبردی منابع انسانی شده است، روند تغییرات و دگرگونی‌های فناورانه، اجتماعی و اقتصادی در محیط داخلی و خارجی سازمان‌هاست که همواره با آن مواجه‌اند (راستگو و همکاران، ۱۳۹۳). چنانچه سازمان‌ها می‌خواهند همسو با این تغییرات باشند، باید نگرش جامع و راهبردی داشته باشند و الزامات گوناگونی را مد نظر قرار دهند. از طرفی همسوسازی و مشارکت مدیران حوزه‌های مختلف منابع انسانی با مدیریت ارشد سازمان موجب توسعه منابع انسانی خواهد شد که این امر، مستلزم طراحی توسعه منابع انسانی است (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۵). هرچند راهبرد، بحث خیلی مهمی را در مدیریت سازمان‌ها ایجاد کرده است، اما بررسی‌ها و تحقیقات نشانگر این است که بسیاری از برنامه‌ها صرفاً در مرحله تدوین بوده و به صورت دستورالعمل باقی مانده است (نیون^۲، ۲۰۰۷).

از دیرباز عملیاتی کردن راهبرد سازمانی و ارائه نظام مشخص و مدرن جهت جاری‌سازی راهبرد، از چالش‌های مهم مدیران و سازمان‌ها در سراسر جهان محسوب می‌شود (کاپلان و نورتون^۳،

1 Kaufman

2 Nyon

3 Kaplan & Norton

۲۰۰۶). از طرفی نقشه راهبردی برای پیوند دادن فرآیند با نتایج دلخواه و نیز برای ارزیابی، اندازه‌گیری و بهبود فرآیندهای حیاتی برای موفقیت و هدف قرار دادن سرمایه‌گذاری انسانی، اطلاعاتی و سازمانی مورد توجه قرار می‌گیرد (هیمدال^۱، ۲۰۱۰). نقشه راهبرد، ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان شفاف‌سازی راهبرد را در سازمان ارتقا داد. نقشه راهبرد برای تجسم، توصیف و چگونگی تبدیل دارایی‌های نامشهود به دارایی‌های مشهود عمل می‌نماید. این ابزار نشان می‌دهد که کارمندان چگونه می‌توانند فعالیت‌های خود را با راهبردهای سازمان هماهنگ نمایند (کاپلان، ۲۰۱۵).

در وزارت ورزش و جوانان تحقیقاتی در زمینه مدیریت راهبردی و منابع انسانی انجام شده است که به چند مورد اشاره می‌گردد. گودرزی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی موانع اجرای برنامه‌های راهبردی در وزارت ورزش و جوانان ایران دریافتند که موانع مدیریتی و برنامه‌ریزی، بیشترین نقش بازدارندگی را در اجرای راهبردها ایفا می‌کنند. بیگمی و همکاران (۱۳۹۷) در طراحی مدل تاثیر سیاست‌های مدیریت منابع انسانی و پیامدهای آن بر عملکرد سازمانی وزارت ورزش و جوانان دریافتند که عملکرد سازمانی این وزارتخانه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم متأثر از سیاست‌های مدیریت منابع انسانی است. معصومی و همکاران (۱۳۹۵) در شناسایی و اولویت‌بندی موانع مدیریت راهبردی در وزارت ورزش و جوانان دریافتند که عوامل مدیریتی، نیروی انسانی و تخصیص منابع، مهم‌ترین موانع در اجرای مدیریت راهبردی وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها می‌باشند.

برخورداری سازمان‌ها از جمله سازمان‌های ورزشی از برنامه راهبردی و همچنین بهره‌مندی از روش علمی و اصولی اجرای برنامه، کمک بسیاری به توسعه سازمان خواهد کرد. راهبردهای اغلب سازمان‌هایی که از نقشه راهبرد و شیوه عملیاتی نمودن راهبرد بهره نمی‌برند، در حد تدوین و یا دستورالعمل باقی خواهد ماند. از طرفی شواهد نشان می‌دهد که سازمان‌هایی که از روش اجرای و نقشه راهبرد بهره برده‌اند، موفق‌تر عمل کرده‌اند. در همین رابطه لاکاتوس و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی بیان کردند که عملکرد تصمیمات باشگاه‌های ورزشی باید در چارچوب مدیریت راهبردی و ایجاد سیستم کنترل و مدیریت عملکرد باشد و یکی از ابزارهایی که عملکرد باشگاه‌ها را در اجرای راهبرد ارزیابی می‌کند، کارت امتیازی متوازن می‌باشد. گیوسادو و همکاران^۳ (۲۰۱۶) اشاره داشتند که برای جاری‌سازی باید راهبرد را به برنامه‌های اجرایی، پروژه‌ها و معیارهای کلیدی ترجمه کرد. بین لایه راهبردی سازمان‌ها و لایه عملیاتی آن‌ها شکاف عمیقی وجود دارد. در اثر این شکاف، اقدامات عملیاتی و تصمیم‌گیری‌های روزمره از جهت‌گیری راهبردی سازمان جدا می‌شوند و در مسیری متفاوت و گاه متضاد جریان می‌یابند. از این رو، باید لایه راهبردی با لایه

1 Heimdahl

2 Lakatos and et al.

3 Quesado and et al.

اجرایی سازمان پیوند بخورد. این پیوند می‌تواند از طریق یک ابزار پرکاربرد مدیریتی به نام «کارت امتیازی متوازن» صورت پذیرد (گیوسادو و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۷-۵۵). پیتر و همکاران (۲۰۱۹) در اجرای کارت امتیازی متوازن و تاثیر آن دریافتند که اهداف راهبرد تاثیر معناداری بر عملکرد منابع انسانی سازمان دارند و با تعیین شاخص‌ها و سنجه‌ها می‌توان به اهداف اصلی سازمان دست یافت. نیوپلویج^۱ (۲۰۱۵) با استفاده از کارت امتیازی متوازن در جاری‌سازی راهبردها برای حمایت از توسعه ورزش و تفریحات سالم در شهر لوبلین دریافت که ورزش این شهر دارای چهار منظر مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و یادگیری و رشد است و نیازمند استفاده از شاخص‌های تابع و هادی یا مالی و غیرمالی است (نیوپلویج، ۲۰۱۵: ۹۵-۱۰۳). کوزما و انودی^۲ (۲۰۱۴) در تحقیقی بیان کردند که مدیران باشگاه‌ها نیاز به فهم پیچیدگی‌های ارتباط بین کسب موفقیت در داخل میدان ورزش و خارج از آن دارند. رویکرد کارت امتیازی متوازن چهارچوب مطلوبی برای چنین تحلیلی فراهم می‌آورد. نتایج این تحقیق منجر به ایجاد مدلی در زمینه اهداف راهبردی و توازن بین انتظارات ذینفعان هم در کسب نتایج مطلوب ورزشی و هم در کسب موفقیت-های تجاری شد. رودریگوئز و همکاران^۳ (۲۰۱۰) با استفاده از کارت امتیازی متوازن پیاده‌سازی و نقشه راهبردی سازمان خدمات ورزشی شهرداری گرانا‌دای اسپانیا را با در نظر گرفتن منظرهای مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری طراحی کردند (رودریگوئز و همکاران، ۲۰۱۰). انجمن داکو‌رم انگلیس^۴ (۲۰۰۹) با توجه به برگزاری المپیک ۲۰۱۲ لندن، راهبرد بهره‌مندی از بازی‌های المپیک را تدوین کرد و به منظور اجرای راهبردهای تدوین شده با روش ارزیابی متوازن از چهار منظر مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و یادگیری و رشد استفاده کرد. انجمن یاد شده اعتقاد دارد که چهار منظر فوق توانایی کنترل راهبرد را دارند. در داخل کشور نیز تحقیقاتی در زمینه پیاده‌سازی راهبرد در سازمان‌های ورزشی انجام گرفته است که تعدادی از آن‌ها مرور خواهد شد. عمادی و همکاران (۱۳۹۹) در طراحی راهبرد منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان به راهبردهای ایجاد و توسعه نظام داوطلبی و جذب نیروهای افتخاری، طراحی شاخص‌های گرینش نیرو و جذب و نگهداری کارکنان کارآمد، طراحی و توسعه نظام شفاف‌سازی خدمات رفاهی و توزیع عادلانه امکانات و خدمات، استقرار و تحکیم نظام شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران، طراحی و تدوین استانداردها و شاخص‌های ویژه ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان، توسعه شفاف‌سازی و نظام‌مند کردن تعدیل نیرو، توسعه سنجیده نظام توانمندسازی مدیران و کارکنان و توسعه تعاملات و مراودات با مراکز علمی و پژوهشی به منظور بهره‌برداری از جدیدترین یافته‌های علمی دست یافتند. خالقی بابایی و کشاورز

1 Nieplowicz

2 Kozma & Onodi

3 Rodríguez and et al.

4 Plan DstD

(۱۳۹۷) در پیاده سازی راهبردهای ورزش قهرمانی ایران با رویکرد کارت امتیازی متوازن به چهار منظر مالی، فرایندهای داخلی، یادگیری و رشد و ارتباطات دست یافتند. در مجموع، تعداد ۳۷ هدف راهبردی، ۸۱ سنجه و ۱۰۸ اقدام و ابتکار تدوین کردند (خالقی بابایی و کشاورز، ۱۳۹۷: ۱۱-۲). حق مدد میلانی و جنانی (۱۳۹۶) در تدوین و اولویت بندی راهبرد منابع انسانی اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی دریافتند که گویه های منظر رشد و یادگیری باید بیشتر مورد توجه مسئولان این اداره قرار گیرند. فدراسیون ووشو جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵) جهت تسهیل اجرای راهبردهای خود ۲۷ هدف راهبردی (هدف کلی) ۲۸ سنجه (عنوان کمی طرح) و ۶۸ اقدام در قالب مناظر چهارگانه کاپلان تدوین کردند (فدراسیون ووشو جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵). کاراوند و رضائی (۱۳۹۶) در تحقیقی دریافتند که میزان عملکرد مالی، عملکرد فرایندهای داخلی، ارزیابی عملکرد مشتریان و عملکرد رشد و یادگیری در منابع انسانی شرکت برق منطقه ای خوزستان از وضعیت مناسبی برخوردار بوده است و متغیر ارزیابی عملکرد مشتریان بالاترین اهمیت را در راهبردهای منابع انسانی از نظر پاسخگویان داشت. نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «راهکارهای اجرایی راهبردهای اداره کل ورزش و جوانان کرمان» به چهار منظر مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری دست یافتند. نتایج نشان داد که اداره کل ورزش و جوانان کرمان دارای ۱۴ راهبرد در منظرهای مختلف، ۲۹ هدف راهبردی، ۸۴ سنجه و ۱۱۲ اقدام و ابتکار می باشد (نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵-۱).

بررسی های نشان می دهد که ضرورت وجود برنامه راهبردی برای سازمان های ورزشی انکارناپذیر است و استفاده از کارت امتیازی متوازن به منظور اجرای برنامه راهبردی مورد توجه بسیاری از سازمان های ورزشی و غیرورزشی قرار گرفته است و با اجرای برنامه به نتایج موفقیت آمیزی دست یافته اند. در این زمینه نیز با توجه به اهمیت و جایگاهی که منابع انسانی وزارت ورزش جمهوری اسلامی دارد و همچنین موانع و چالش های یادشده، وزارت ورزش و جوانان باید از نوعی برنامه بهره گیرد که آینده نگر و محیط گرا باشد تا با شناسایی عوامل محیطی و تاثیر آن بر منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان و نحوه تعامل با آنها را در درازمدت مشخص نماید. در همین راستا پیش از این تحقیق، در پژوهشی دیگر، برنامه راهبردی توسعه نظام مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان تدوین و تعداد ۸ راهبرد طراحی شده است. بیم آن می رود که راهبردها در مرحله تدوین بماند و یا ممکن است مسئولان وزارت ورزش و جوانان در بهره گیری از این راهبردها با چالش و تاخیر مواجه شوند. از این رو، ارائه شیوه اجرای این راهبردها لازم و ضروری بود. یکی از شیوه های متداول جاری سازی راهبرد، بهره گیری از تکنیک BSC می باشد. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال طراحی نقشه راهبردی و مدل جاری سازی راهبردهای منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با روش کارت امتیازی متوازن بود تا با تعیین منظرها، تعیین سنجه ها و اقدامات و ابتکارات و همچنین طراحی

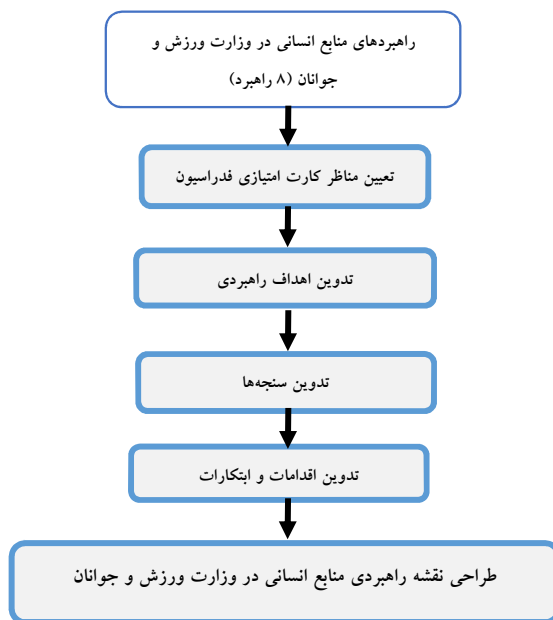
نقشه راهبردی نظام منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان، اجرای راهبردها را تسهیل و مسئولان وزارت ورزش و جوانان را در این زمینه یاری نماید.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف، کاربردی و در حیطه مطالعات راهبردی بود. اطلاعات تحقیق به صورت کمی و کیفی جمع‌آوری گردید. تعیین مناظر منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان، تعیین اهداف راهبردی، سنجه‌ها و اقدام و ابتکارات توسط نمونه کیفی و تعیین منظر هر یک از راهبردها توسط نمونه کمی و کیفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، شامل مسئولان و کارشناسان ستادی حوزه منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان (۳۴ نفر) و مدیران کل ورزش و جوانان استان‌ها (۳۱ نفر)- در مجموع برابر با ۶۵ نفر- و در بخش کیفی برابر با ۱۲ نفر (شامل ۵ نفر از خبرگان، ۴ نفر مدیران و کارشناسان نظام آموزش منابع انسانی و ۲ نفر از اساتید مدیریت ورزش) بود که بر اساس سابقه، تخصص، تسلط نظری، دسترسی و تمایل به همکاری به صورت هدفمند انتخاب شدند. به دلیل محدودیت اعضا، جامعه آماری به صورت تمام‌شمار به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. اطلاعات لازم از طریق مطالعه مبانی نظری، وصول ۶۱ پرسشنامه تعیین مناظر به منظور تعیین منظر هر یک از راهبردها از جامعه کمی تحقیق و جمع‌بندی در جلسه شورای راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان به‌دست آمد. داده‌های اولیه در هر مرحله در گروه کانونی (شورای راهبردی) مورد بحث و تبادل نظر اعضا قرار گرفت و نهایی شد. شورای راهبری منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان شامل ۵ نفر از مدیران و کارشناسان حوزه منابع انسانی و امور اداری، ۲ نفر از مدیران کل ورزش و جوانان استان‌ها و ۳ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاهی- در مجموع برابر با ۱۰ نفر- بود که در آن داده‌های حاصل از نظرات خبرگان (نمونه کیفی تحقیق) و نمونه کمی، جمع‌بندی و نهایی گردید. با توجه به این که پیش از تحقیق حاضر، برنامه راهبردی منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان تدوین شده بود و تعداد ۸ راهبرد جهت توسعه منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان طراحی گردیده بود، ابتدا با بهره‌گیری از نظرات نمونه کیفی تحقیق (خبرگان) مناظر تعیین و در جلسه شورای راهبردی تصویب گردید. سپس راهبردها در فرم تعیین مناظر BSC درج گردید و به‌صورت پرسش‌نامه محقق‌ساخته در اختیار نمونه کمی تحقیق قرار گرفت که روایی آن توسط ۱۰ نفر از اساتید رشته مدیریت ورزشی دانشگاه و پایایی با آزمون آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/85$) تایید شد. سپس علاوه بر نظر اکثریت نمونه کمی، برای تعیین مناظر هر راهبرد از آزمون کای خی دو استفاده گردید. داده‌های تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه‌ای، اینترنتی و روش پرسش‌نامه و همچنین تعداد ۱۲ مصاحبه عمیق کیفی از نمونه کیفی تحقیق در زمینه تعیین اهداف راهبردی و سنجه‌ها و تدوین اقدامات و ابتکارات، برای هر کدام از راهبردها تا حد اشباع نظری انجام شد. منظر هر راهبرد، بر اساس نظر اکثریت نمونه کمی تحقیق

طراحی نقشه و جاری سازی راهبرد های منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC

(درصد فراوانی) و آزمون کای خی دو مشخص گردید. در بخش کمی از آزمون آلفای کرونباخ، درصد فراوانی و کای خی دو استفاده شد و با بهره گیری از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش کیفی از روش استقرای منطقی به منظور مفهوم سازی استفاده شد. سپس جمع بندی نظرات خبرگان در مورد مناظر، اهداف راهبردی، سنجه ها و اقدامات و ابتکارات در جلسات شورای راهبردی حوزه منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان (گروه کانونی) مطرح و نهایی شد. مراحل انجام تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: فرایند انجام تحقیق

یافته های پژوهش

در بخش کمی تحقیق، ۹۲ درصد از نمونه آماری، مرد و ۸ درصد زن بودند. ۲۴ درصد از نمونه دارای مدرک دکترا و یا دانشجوی دکترا، ۴۴ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۳۲ درصد دارای مدرک لیسانس بودند. ۶۹ درصد از نمونه آماری تحقیق دارای سابقه کار بالاتر از ده سال و ۳۱ درصد دارای سابقه کمتر از ده سال مدیریت در وزارت ورزش و جوانان بودند.

در بخش کیفی تحقیق (خبرگان)، ۸۵/۷ درصد مرد و ۱۴/۳ درصد زن بودند. ۴۲/۸۵ درصد دارای مدرک دکترا، ۴۲/۸۵ دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۴/۳ دارای مدرک لیسانس بودند. ۹۲/۸۵ درصد دارای

سابقه بیش از ده سال مدیریت در ورزش و جوانان و ۷/۱۵ درصد از خبرگان، کمتر از ده سال سابقه مدیریت در وزارت ورزش و جوانان داشت.

با توجه به این که پیش از تحقیق حاضر، طی پژوهشی برنامه‌ریزی راهبردی منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان تدوین و تعداد ۸ راهبرد جهت توسعه منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان ارائه شده بود، نیاز به تدوین شیوه اجرای آن بود. بنابراین جهت پیاده‌سازی راهبردها از روش کارت امتیازی متوازن استفاده گردید. ابتدا با نظر خبرگان و جمع‌بندی در جلسه شورای راهبردی، مناظر تعیین گردید. سپس فرم تعیین مناظر با درج راهبردها در آن در اختیار نمونه کمی تحقیق قرار گرفت و با نظر بیشتر نمونه تحقیق (درصد فراوانی)، منظر هر یک از راهبردها تعیین گردید. همچنین در این تحقیق از آزمون کای خی دو نیز برای تعیین منظر راهبردهای منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان استفاده گردید و در نهایت مناظر و این که هر راهبرد در کدام منظر قرار می‌گیرد در شورای راهبری تأیید شد. نتایج در جدول ۱ آمده است:

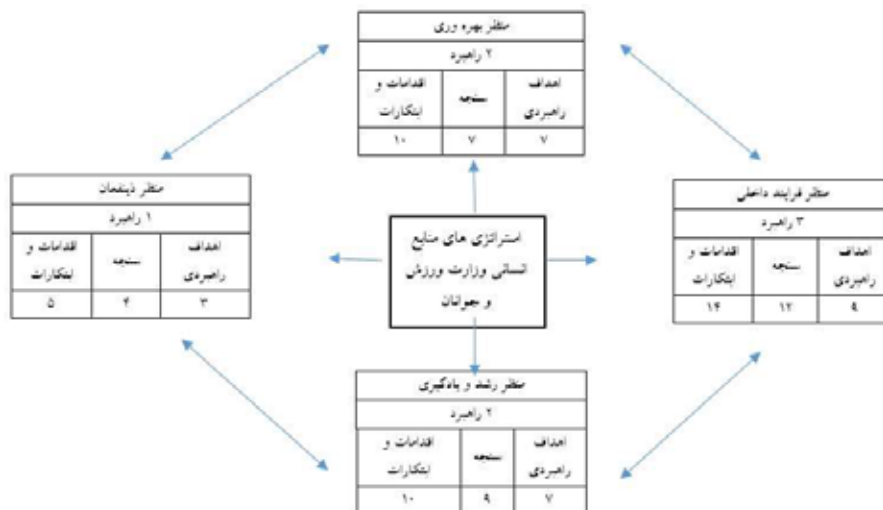
جدول ۱: نتایج آزمون مجذور کای خی دو برای تعیین منظرهای منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان

منظر	راهبرد	مجذور کای	درجه آزادی	سطح معناداری
بهره‌وری	ایجاد و توسعه نظام داوطلبی و جذب نیروهای افتخاری	۷۵/۶۷۱	۲	۰/۰۰۱
	طراحی شاخص‌های گرینش نیرو و جذب و نگهداری کارکنان	۷۳/۳۱۶	۲	۰/۰۰۱
	کارآمد			
ذینفعان	طراحی و توسعه نظام شفاف‌سازی خدمات رفاهی و توزیع عادلانه امکانات و خدمات	۴۱/۷۲۲	۲	۰/۰۰۱
	استقرار و تحکیم نظام شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران	۱۱/۱۹۰	۲	۰/۰۰۱
فراایندهای داخلی	طراحی و تدوین استانداردها و شاخص‌های ویژه ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان	۴۳/۷۲۲	۲	۰/۰۰۱
	توسعه شفاف‌سازی و نظام‌مند کردن تعدیل نیرو	۲۳/۴۰۵	۱	۰/۰۰۱
رشد و یادگیری	توسعه سنجیده نظام توانمندسازی مدیران و کارکنان	۷۲/۶۳۳	۲	۰/۰۰۱
	توسعه تعاملات و مراودات با مراکز علمی و پژوهشی به منظور بهره‌برداری از جدیدترین یافته‌های علمی	۷۱/۲۰۳	۱	۰/۰۰۱

جدول ۱ نشان می‌دهد بر اساس آزمون استنباطی مجذور کای، درجه آزادی و سطح معناداری، تفاوت آماری معناداری بین گزینه‌های مختلف وجود دارد (در حد $\alpha = 5\%$). بنابراین می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه گرفت وزارت ورزش و جوانان ۲ راهبرد در منظر بهره‌وری، ۱ راهبرد در منظر ذینفعان، ۳ راهبرد در منظر فراایندهای داخلی و ۲ راهبرد در منظر رشد و یادگیری وجود دارد. در نتیجه منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان دارای چهار منظر بهره‌وری، ذینفعان، فراایندهای داخلی و رشد و یادگیری است.

طراحی نقشه و جاری سازی راهبرد های منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC

پس از تعیین مناظر و تعیین منظر هر یک از راهبردها با نظرخواهی از خبرگان و استفاده از روش استقرای منطقی، اهداف راهبردی و سنجه های هر یک از مناظر تعیین و در جلسات شورای راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان نهایی گردید و در نهایت، اقدامات و ابتکاراتی که به دستیابی به اهداف راهبردی منجر می گردد، تدوین شد. مدل تحقیق و تعداد راهبرد، اهداف راهبردی، سنجه و اقدامات و ابتکارات در شکل ۲ درج گردیده است:



شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش

شکل ۲ نشان می‌دهد که منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان دارای ۸ راهبرد، ۲۶ هدف راهبردی، ۳۲ سنجه و ۳۹ اقدام و ابتکار است. به منظور تشریح آن‌ها، جزئیات بیشتر در جداول بعدی ارائه می‌گردد. یافته‌های تحقیق نشان داد که جهت پیاده‌سازی راهبرد قرار گرفته در منظر بهره‌وری، ۷ هدف راهبردی، ۷ سنجه و معیار و ۱۰ اقدام و ابتکار به‌دست آمد. نتایج تعیین اهداف راهبردی، سنجه و اقدامات منظر بهره‌وری در جدول ۲ درج گردیده است:

جدول ۲: اهداف راهبردی، سنجه‌ها، اقدامات و ابتکارات وزارت ورزش و جوانان در منظر بهره‌وری

راهبرد	اهداف راهبردی	سنجه‌ها	اقدامات و ابتکارات
توسعه و بهبود ظرفیت‌های نیروهای انسانی	- توسعه نهضت داوطلبی	- تعداد نیروهای افتخاری در ادارات ورزش و جوانان	- ظرفیت‌سنجی و احصای تعداد نیروهای مورد نیاز
	- افزایش جذب نیروهای داوطلب در امور جوانان	- تعداد نیروهای داوطلبی در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی	- تعیین و تبیین عوامل انگیزشی جهت ترغیب و تشویق داوطلبان
	- افزایش جذب نیروهای داوطلب در حوزه ورزش	- تعداد نیروهای داوطلبی در حوزه فرهنگی و سمن‌ها	- فراخوان از طریق رسانه، سایت و فضای مجازی
	- افزایش جذب نیروهای افتخاری کارآمد	- تعداد نیروهای افتخاری کارآمد	- گزینش نیروهای داوطلب افتخاری براساس نیاز و صلاحیت متقاضیان
			- برگزاری دوره آموزشی و کارآموزی به منظور توانمندسازی نیروها
			- مطالعه تطبیقی سازمان‌های مشابه و بهره‌برداری از آن‌ها
	- افزایش شاخص‌های گزینش نیرو	- تعداد شاخص‌های گزینش نیرو	- طراحی و احصای شاخص‌هایی جهت تخصص‌های مختلف مورد نیاز
	- افزایش ارزیابی گزینش نیرو	- تعداد ارزیابی‌های علمی و اصولی گزینش نیرو	- شناسایی شاخص‌هایی جهت ارزیابی و گزینش نیرو
	- افزایش گزینش منابع انسانی کارآمد	- درصد کارمندان توانمند گزینش‌شده نسبت به کل	- ارائه طرح جامع و تبیین معیارها و شاخص‌های گزینش نیرو

یافته‌های تحقیق نشان داد که جهت پیاده‌سازی راهبرد قرار گرفته در منظر ذینفعان، ۳ هدف راهبردی، ۴ سنجه و معیار و ۵ اقدام و ابتکار تدوین شده است. نتایج تعیین اهداف راهبردی، سنجه و اقدامات منظر ذینفعان در جدول ۳ درج گردیده است:

طراحی نقشه و جاری سازی راهبرد های منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC

جدول ۳: اهداف راهبردی، سنجه ها و اقدامات و ابتکارات ورزش و جوانان در منظر ذینفعان

راهبرد	اهداف راهبردی	سنجه ها	اقدامات و ابتکارات
توزیع عادلانه امکانات و خدمات رفاهی و تفریحی و توسعه نظام شفاف سازی خدمات	- افزایش شفاف سازی در خدمات رفاهی کارکنان رسمی	- میزان شفافیت خدمات به کارکنان	- احصا و شناسایی ظرفیت ها و امکانات
	- رعایت عدالت در توزیع امکانات و خدمات به کارکنان رسمی	- میزان رعایت عدالت در توزیع امکانات و خدمات	- احصای بهره مندی نیروها از ظرفیت ها و امکانات
	- افزایش خدمات و امکانات به نیروهای افتخاری	- میزان خدمات و امکانات به نیروهای افتخاری	- مطالعه تطبیقی سازمان های مشابه در زمینه استفاده از امکانات و خدمات
	- افزایش خدمات و امکانات به نیروهای افتخاری	- میزان توزیع خدمات و امکانات به نیروهای رسمی	- ایجاد طرحی جامع و شفاف جهت توزیع عادلانه امکانات و خدمات
			- ابلاغ و اجرای طرح

یافته های تحقیق در جدول ۳ نشان داد که جهت پیاده سازی راهبردهای قرار گرفته در منظر فرایند داخلی، ۹ هدف راهبردی، ۱۲ سنجه و ۱۴ اقدام و ابتکار تعیین شده است. نتایج تعیین اهداف راهبردی، سنجه و اقدامات منظر فرایندهای داخلی در جدول ۴ درج گردیده است:

جدول ۴: اهداف راهبردی، سنجه ها و ابتکارات ورزش و جوانان در منظر فرایند داخلی

راهبرد	اهداف راهبردی	سنجه ها	اقدامات و ابتکارات
استقرار و تحکیم نظام شایسته سالاری در انتصاب مدیران	- افزایش مطالعه جهت احصای معیار شایستگی مدیران	- تعداد مطالعات تطبیقی سازمان های مشابه	- مطالعه و بررسی سازمان های مشابه و موفق
	- احراز معیارهای شایستگی مدیران	- تعداد مطالعات و بررسی های درون سازمانی جهت احصاء شایستگی های مورد نیاز	- احصا و تدوین معیارها و شاخص های مورد نیاز جهت مسئولیت های مختلف
	- افزایش انتصاب در راستای شایسته سالاری	- تعداد استانداردها و معیارهای شایسته سالاری	- ارائه راهکار جهت کاهش دخالت مسئولان غیرورزشی و سیاسی در انتصاب مدیران
		- میزان کاربرد شایسته سالاری در انتصابات مدیران	- نظارت و ارزیابی دقیق در انتصاب مدیران و تحکیم شایسته سالاری

اهداف راهبرد	اهداف راهبردی	سنجدها	اقدامات و ابتکارات	مدیران و کارکنان	تدوین استاندارد و شاخص های ویژه	ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان
توسعه شفافیت سازی و نظام مند کردن تدبیر نیرو	- طراحی معیارها و ضوابط دقیق تعدیل نیرو بر اساس برنامه راهبردی	- میزان شفافیت در تعدیل نیرو	- برگزاری دوره های آموزش ممیزین، تعیین میزان پیشرفت سالانه و احراز برنامه راهبردی	- تعداد شاخص های ارزیابی مهم برگرفته از برنامه راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان	- افزایش ممیزین و ارزیابان ویژه ارزیابی مدیران و کارکنان	- ارزیابی مهم برگرفته از برنامه راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان
	- کاهش اعمال سلیقه در تعدیل نیرو	- درصد اعمال سلیقه در تعدیل نیرو	- اعزام تیم های ارزیابی به استان ها، تجلیل از بخش های موفق	- تعداد ارزیابی و نظارت های میدانی از بخش های ورزش قهرمانی و همگانی	- افزایش ارزیابی و نظارت های میدانی از بخش های ورزش قهرمانی و همگانی	- افزایش ارزیابی و نظارت های میدانی از بخش های ورزش قهرمانی و همگانی
توسعه شفافیت سازی و نظام مند کردن تدبیر نیرو	- ارائه راهکار جهت کاهش سلیقه ای در تعدیل نیرو	- تعداد راهکارهای نظام مند تعدیل نیرو	- طراحی و اجرای راهکار جهت تعدیل نیرو در راستای تخصص های مورد نیاز	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو
	- ارائه راهکار جهت کاهش سلیقه ای در تعدیل نیرو	- تعداد راهکارهای نظام مند تعدیل نیرو	- طراحی و اجرای راهکار جهت تعدیل نیرو در راستای تخصص های مورد نیاز	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو
توسعه شفافیت سازی و نظام مند کردن تدبیر نیرو	- ارائه راهکار جهت کاهش سلیقه ای در تعدیل نیرو	- تعداد راهکارهای نظام مند تعدیل نیرو	- طراحی و اجرای راهکار جهت تعدیل نیرو در راستای تخصص های مورد نیاز	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو
	- ارائه راهکار جهت کاهش سلیقه ای در تعدیل نیرو	- تعداد راهکارهای نظام مند تعدیل نیرو	- طراحی و اجرای راهکار جهت تعدیل نیرو در راستای تخصص های مورد نیاز	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو	- طراحی ملزومات شفاف سازی تعدیل نیرو

یافته های تحقیق در جدول ۴ نشان داد که جهت پیاده سازی راهبردهای قرار گرفته در منظر رشد و یادگیری، ۷ هدف راهبردی، ۹ سنجده و معیار و ۱۰ اقدام و ابتکار تعیین شده است. نتایج تعیین اهداف راهبردی، سنجده و اقدامات منظر رشد و یادگیری در جدول ۵ درج گردیده است:

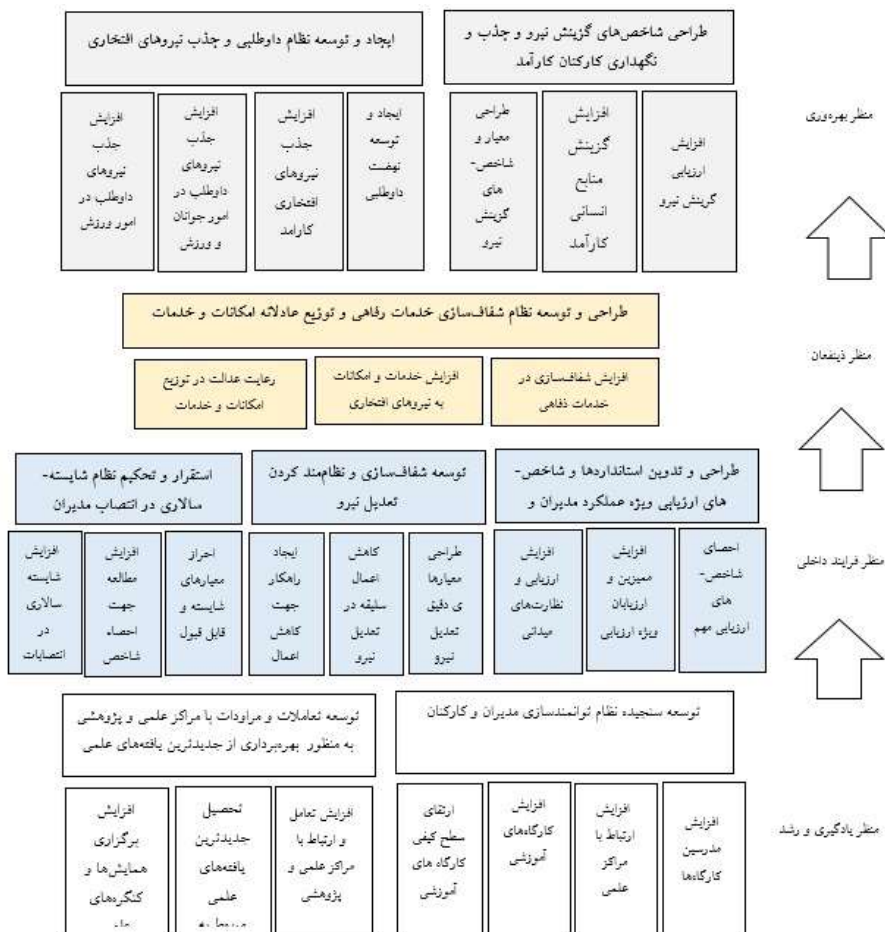
جدول ۵: اهداف راهبردی، سنجده ها و ابتکارات وزارت ورزش و جوانان در منظر رشد و یادگیری

اهداف راهبردی	سنجدها	اقدامات و ابتکارات
- توجیه اهمیت توانمندسازی	- تعداد جلسات توجیهی اهمیت توانمندسازی	- برگزاری مستمر دوره های آموزشی کیفی کارکنان
- افزایش مدرسان کارگاه های مختلف آموزشی		

طراحی نقشه و جاری سازی راهبرد های منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC

جدیدترین یافته های علمی به پژوهشی و مطالعات و اقدامات با ابعاد بسیار گسترده	- افزایش کارگاه های آموزشی	- تعداد مدرسان کارگاه های	- برگزاری دوره های آموزشی
	- افزایش سطح کیفی کارگاه های آموزشی	- مختلف آموزشی	- تخصصی مدیران
		- تعداد کارگاه های آموزشی برگزار شده در طول سال	- برگزاری همایش ها و کنگره های علمی
		- درصد کیفیت کارگاه های آموزشی	- به روزرسانی اطلاعات علمی مدرسان
			- مطالعه تطبیقی سازمان های مشابه با این وزارتخانه به منظور استفاده از تجارب آنها
	- افزایش تعامل و ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی	- میزان مطالعات تطبیقی	- شرکت مدرسان در همایش ها و کنگره های منابع انسانی دیگر سازمان ها
	- افزایش بهره برداری از جدیدترین یافته های علمی	- تعداد مکاتبات و جلسات با مراکز علمی و پژوهشی به منظور افزایش کیفیت آموزشی	- تعامل و ارتباط با مراکز علمی پژوهشی و استفاده از جدیدترین یافته های علمی
	- افزایش برگزاری همایش ها و کنگره های علمی مرتبط با توسعه منابع انسانی	- تعداد همایش ها و کنگره های علمی برگزار شده مرتبط با توسعه منابع انسانی در هر سال	- انجام هماهنگی های لازم جهت برنامه های مشترک با مراکز علمی و پژوهشی
		- تعداد برنامه های هماهنگ شده	- برگزاری همایش های مشترک با مراکز علمی و پژوهشی
			- استفاده از اساتید دانشگاه و مدرسان برون سازمانی

با توجه به یافته های تحقیق در بخش جاری سازی راهبردها به روش کارت امتیازی متوازن، منابع انسانی ورزش و جوانان دارای ۴ منظر، ۲۶ هدف راهبردی، ۳۲ سنجه و ۳۹ اقدام ابتکار می باشد. در نقشه طراحی شده راهبردهای هر منظر و همچنین اهداف راهبردی تعیین شده برای هر راهبرد و منظر به تفکیک در چارچوب نقشه زیر ترسیم شده است. شکل ۳ نقشه راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان را نشان می دهد:



شکل ۳: نقشه راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان با رویکرد کارت امتیازی متوازن (BSC)

در طراحی نقشه راهبردی با استفاده از روش کارت امتیازی متوازن، سیستم اثرگذاری از منظر رشد و یادگیری به سمت منظر مالی (در این پژوهش به سمت منظر بهره‌وری) است، زیرا اگر دستیابی به اهداف راهبردی قرار گرفته در منظر رشد و یادگیری محقق شود، اجرا و پیاده‌سازی اهداف راهبرد منظر فرایندهای داخلی تسهیل و به راحتی، اهداف تعیین شده در دیگر مناظر محقق خواهد شد. بنابراین در وهله اول، اهداف منظر رشد و یادگیری اهمیت دارند و سپس اهداف فرایندهای داخلی مورد توجه هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، طراحی نقشه و جاری‌سازی راهبردهای توسعه نظام مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با روش کارت امتیازی متوازن بود. در برنامه راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش

و جوانان تعداد ۸ راهبرد تدوین گردیده است. چنانچه مدل اجرایی راهبردها ارائه نگردد، مدیران به ندرت قادر هستند که برنامه راهبردی را اجرا نمایند و حتی ممکن است که برنامه راهبردی در حد تدوین و دستورالعمل باقی بماند و نتوانند آن را عملیاتی نمایند. بنابراین ارائه شیوه جاری سازی راهبردها ضروری است. در این تحقیق به منظور پیاده سازی راهبردها از روش کارت امتیازی متوازن استفاده شده است. کاپلان اولین گام در تدوین اجرای راهبردها را تعیین منظرهای سازمان می داند (کاپلان، ۱۳۹۰). یافته های پژوهش نشان داد که منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان دارای چهار منظر بهره وری، ذینفعان، فرایندهای داخلی و رشد و یادگیری می باشد و همچنین دو راهبرد در منظر رشد و یادگیری، سه راهبرد در منظر فرایند داخلی، یک راهبرد در منظر ذینفعان و دو راهبرد در منظر بهره وری قرار دارند. یافته های پژوهش با مدل پیشنهادی کاپلان و نورتون (۱۹۹۲) و یافته های نیوپلویج (۲۰۱۵)، رودریگوئز و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، خالقی بابایی و کشاورز (۱۳۹۷)، نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۳) و الگوی اجرایی راهبردهای فدراسیون ووشو (۱۳۹۵) که به چهار منظر مالی، مشتری، فرایندهای داخلی و یادگیری و رشد دست یافتند، به لحاظ تعداد منظر همخوانی دارد. اما در پژوهش حاضر به جای منظر مالی، منظر بهره وری و به جای منظر مشتری، منظر ذینفعان به دست آمده است که در این زمینه با نتایج پژوهش های یاد شده همخوانی ندارد. این عدم همخوانی به دلیل تفاوت در ماهیت فعالیت سازمان های مورد مطالعه با منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان می باشد، زیرا رویکرد فعالیت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان رویکرد درآمدزایی و مالی نیست و رویکرد توسعه خدمات-رسانی به جامعه از طریق توسعه ورزش و امور فرهنگی مربوط به جوانان دارد. حال این که عمده تحقیقات کاپلان و نورتون، در شرکت های دولتی و خصوصی که به تولید، مشتری، افزایش درآمد و در نهایت بقای شرکت توجه دارد، صورت گرفته است. از این رو در این تحقیق به جای منظر مشتری، منظر ذینفعان و به جای منظر مالی، منظر بهره وری حاصل شده است. به نظر می رسد با مشخص شدن مناظر، امکان تعیین اهداف راهبردی و در ادامه تعیین سنجه های منطقی برای اندازه گیری میزان اجرای راهبردها در وزارت ورزش و جوانان فراهم آید. در واقع، تفکیک راهبردها در مناظر چهارگانه یاد شده این امکان را برای مسئولان ورزش و جوانان فراهم خواهد آورد که راهبردها به اهداف راهبردی مناسب ترجمه شده و از کلی گویی پرهیز و به فرایندهای عملیاتی نزدیک شود- علاوه بر ایجاد زمینه مناسب برای تدوین سنجه های منابع انسانی وزارتخانه، مبنا و اساس تعیین چارچوب کاری مطابق با شرایط و وضعیت واقعی ورزش کشور در سطوح مختلف ملی و بین المللی فراهم آید.

با توجه به یافته ها، تعداد ۲۶ هدف راهبردی در مناظر چهارگانه (بهره وری ۷، ذینفعان ۳، فرایندهای داخلی ۹ و یادگیری و رشد ۷ هدف راهبردی) به دست آمد. پیتر و همکاران (۲۰۱۹) در اجرای کارت امتیازی

1 Rodríguez Bolívar, López Hernández. & Ortiz Rodríguez

متوازن و تاثیر آن دریافتند که اهداف راهبرد تاثیر معناداری بر عملکرد منابع انسانی سازمان دارند. یافته‌های تحقیق بیانگر تعادل نسبی بین تعداد اهداف تعیین شده هر راهبرد در مناظر مختلف بود و تعداد، تنوع و تناسب این تحقیق با یافته‌های الگوی اجرایی ارائه شده راهبردهای فدراسیون ووشو (۱۳۹۵) همسو و همخوان است. در واقع چنین به نظر می‌رسد که اهداف راهبردی مناسبی مانند احصای شاخص‌های ارزیابی مهم برگرفته از برنامه راهبردی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان، افزایش ممیزین و ارزیابان ویژه ارزیابی مدیران و کارکنان، افزایش ارزیابی و نظارت‌های میدانی از بخش‌های ورزش قهرمانی و همگانی، افزایش تعامل و ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی، تحصیل جدیدترین یافته‌های علمی مربوط به منابع انسانی، افزایش برگزاری همایش‌ها و کنگره‌های علمی مرتبط با توسعه منابع انسانی، احراز معیارهای شایستگی مدیران و افزایش انتصاب در راستای شایسته‌سالاری به منظور توسعه منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان تعیین گردید که اهداف یادشده با اهداف تعیین شده در تحقیق نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۳) و الگوی اجرایی راهبردهای فدراسیون ووشو (۱۳۹۵) همخوانی دارد. همچنین اهداف راهبردی توسعه نظام مدیریت منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان، این قابلیت را به وجود می‌آورد تا راهبردها را به اهداف عملیاتی و قابل-سنجش تبدیل نماید.

براساس نتایج تحقیق، سنجه‌های مربوط به اجرای راهبردهای منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان برای کنترل دستیابی به راهبردها و اهداف راهبردی این فدراسیون ۳۲ مورد بود. در منظر بهره‌وری ۷ سنجه، در منظر ذینفعان ۴ سنجه، در منظر فرایندهای داخلی ۱۲ سنجه و در منظر رشد و یادگیری ۹ سنجه وجود دارد. پیترو و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند که با تعیین شاخص‌ها و سنجه‌ها می‌توان به اهداف اصلی سازمان دست یافت. نوع و سختیت سنجه‌های یادشده با برخی از سنجه‌های تحقیق الگوی اجرایی ارائه شده راهبردهای فدراسیون ووشو (۱۳۹۵) همسوست. با مقایسه سنجه‌های پژوهش حاضر با سنجه‌های یادشده در ادبیات پیشینه می‌توان اذعان کرد که علاوه بر همخوانی یافته‌های این پژوهش با موارد گفته شده، از هر دو سنجه تابع و هادی استفاده شده است. از این رو می‌توان دریافت که این پژوهش توجه کافی را به جوانب مختلف توسعه منابع انسانی و تعداد و تناسب سنجه‌ها با اهداف راهبردی داشته است. بنابراین، چنین رویکردی این اطمینان را برای مدیران به وجود خواهد آورد که در صورت ضعف و کاستی در اجرای برنامه‌ها، بازخورد کافی جهت اصلاح وجود دارد. به طور کلی می‌توان اذعان کرد که سنجه‌های به دست آمده در نظام مدیریت منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان این قابلیت را دارد که میزان پیشرفت و دستیابی به چشم انداز و رسالت این وزارتخانه را اندازه‌گیری نماید و افق‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، سنجه‌های ارزیابی‌کننده، آموزش، یادگیری و بهبود، ارزیابی عملکرد، مالی و عملیاتی در آنها وجود دارد.

در بخش پایانی یافته‌های این پژوهش، مشخص گردید که در مدل اجرای راهبردهای توسعه نظام مدیریت منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان، ۳۹ برنامه عملیاتی وجود دارد. گیوسادو و همکاران^۱ (۲۰۱۶) اشاره داشتند که برای جاری سازی، باید لایه راهبردی با لایه اجرایی (اقدامات) سازمان پیوند بخورد. از سوی دیگر، نتایج پژوهش با یافته‌های تحقیق نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۳) و الگوی اجرایی راهبردهای فدراسیون ووشو (۱۳۹۵) که با تدوین اقدامات و ابتکاراتی مشابه، دستیابی به اهداف تعیین شده در سازمان ورزشی را تسهیل کرده، همخوان است. به عنوان نمونه، در منظر رشد و یادگیری همچون برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی کیفی کارکنان، برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی مدیران، مطالعه تطبیقی سازمان‌های مشابه با این وزارتخانه به منظور استفاده از تجارب آنها، شرکت مدرسان در همایش‌ها و کنگره‌های منابع انسانی دیگر سازمان‌ها، تعامل و ارتباط با مراکز علمی پژوهشی و استفاده از جدیدترین یافته‌های علمی و برگزاری همایش‌های مشترک با مراکز علمی و پژوهشی، دستیابی به اهدافی همچون افزایش مدرسان کارگاه‌های مختلف آموزشی، افزایش کارگاه‌های آموزشی، افزایش سطح کیفی کارگاه‌های آموزشی و افزایش بهره‌برداری از جدیدترین یافته‌های علمی مربوط به منابع انسانی را ممکن خواهد کرد. در واقع می‌توان گفت که کارت امتیازی متوازن این زمینه را برای نظام مدیریت منابع انسانی در وزارتخانه به وجود می‌آورد که اقدامات، ابتکارات و برنامه‌های عملیاتی متناسب و متوازن با هر منظر، هر راهبرد و هر هدف راهبردی را تعیین کند و پاسخگوی سؤالاتی از قبیل چه کاری باید انجام شود؟ چطور باید اجرا شود؟ چه زمانی و چه کسی انجام دهد؟ باشد. به طور کلی تدوین این اقدامات، وزارت ورزش و جوانان را از وظایف هر بخش و زمان و شیوه اجرای آنها را برای موفقیت در عرصه‌های بین‌المللی آگاه می‌سازد. راهبردهای نظام توسعه منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان برای تسهیل اجرا شدن نیازمند یک مدل اجرایی است که مدل کارت امتیازی حاضر که دارای اهداف راهبردی، سنجها و اقدامات و ابتکارات مناسب می‌باشد، این امکان را به مسئولان وزارتخانه خواهد داد که بتوانند راهبردهای تدوین شده را اجرا نمایند و ورزش کشور را در مسیر توسعه پایدار و پیشرفت قرار دهند و بیم اجرا نشدن برنامه‌ها را نخواهند داشت.

آنچه فاصله میان تدوین راهبرد و اجرای آن را پر می‌کند، نقشه راهبرد است. نقشه راهبرد عبارت است از: یک ساختار منطقی و جامع و یک برنامه کار برای تشریح، سنجش و همراستاسازی دارایی‌های نامشهود برای رسیدن به عملکرد برتر. در نقشه راهبردی ترسیم شده پژوهش حاضر، علاوه بر وجود روابط علت و معلولی بین چهار منظر بهره‌وری، ذینفعان، فرآیندهای داخلی و رشد و یادگیری، روابط علت و معلولی بین اهداف راهبردی مختلف وزارت ورزش و جوانان ایجاد شده است. از این نظر نقشه راهبردی تدوین شده با الگوی پیشنهاد کاپلان و نورتون (۲۰۰۴) از جهت تعداد مناظر، همخوانی دارد. همچنین

1 Quesado and et al.

نقشه ترسیم شده با نقشه راهبردی سازمان ورزش شهرداری تهران که توسط نژاد سجادی (۱۳۹۰) طراحی شده، مطابقت دارد. نقشه راهبرد، تصویری از چگونگی روابط علت و معلولی و شیوه اجرا را نشان می‌دهد. در نقشه حاصل شده از تکنیک کارت امتیازی متوازن، سلسله مراتب اثرگذاری از منظر رشد و یادگیری (در واقع پایین نقشه) به سمت منظر مالی (در این تحقیق، منظر بهره‌وری) می‌باشد. وزارت ورزش و جوانان برای دستیابی به اهداف خود و همچنین سامان‌دهی ادارات کل استان‌ها در راستای مأموریت‌ها، نیازمند مدل یا نقشه‌ای بود که بتواند واحدها و حوزه‌های مختلف وزارتخانه را به یکدیگر متصل کند و با ارتباطی که میان بخش‌های گوناگون برقرار می‌سازد، ضمن همسوسازی تمام فعالیت‌ها در جهت پیشبرد راهبردها، زمینه را برای شکوفایی ورزش کشور فراهم آورد. منابع انسانی در هر سازمانی، مهم‌ترین دارایی محسوب می‌شود. می‌توان گفت ارتباط تنگاتنگی بین مدیریت راهبردی و منابع انسانی و اثربخشی سازمان وجود دارد. توفیق وزارت ورزش و جوانان در رسیدن به اهداف راهبردی تدوین شده و اجرای نقشه راهبردی به طور مستقیم به داشتن و استفاده مؤثر از منابع انسانی آن بستگی دارد. مدیران باید به این واقعیت اهتمام داشته باشند که با توجه به تغییر شرایط محیطی و همچنین برای پیشگیری از اشتباهات احتمالی ممکن است آنچه که در سال‌های قبل انجام و منجر به موفقیت سازمان شده است، دیگر کاربرد چندانی برای هدایت سازمان در شرایط و وضعیت کنونی نداشته باشد. بنابراین، توصیه می‌شود مدیران این وزارتخانه با بررسی شرایط حاکم بر ورزش کشور، از نقشه راهبردی و اهداف راهبردی تدوین شده در این تحقیق برای سازماندهی مجدد امور کارکنان وزارتخانه بهره‌گیرند و این سازمان را به سازمانی راهبردمحور تبدیل کنند.

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد که مسئولان حوزه منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان در وهله اول نسبت به انجام اقدامات و ابتکارات لازم در زمینه دستیابی به اهداف راهبردی منظر رشد و یادگیری از قبیل توجیه اهمیت توانمندسازی برای تصمیم‌گیران اصلی وزارتخانه، افزایش مدرسان کارگاه‌های مختلف آموزشی، افزایش کارگاه‌های آموزشی، افزایش سطح کیفی کارگاه‌های آموزشی، افزایش تعامل و ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی، افزایش بهره‌برداری از جدیدترین یافته‌های علمی مربوط به منابع انسانی و افزایش برگزاری همایش‌ها و کنگره‌های علمی مرتبط با توسعه منابع انسانی اقدام لازم را انجام دهند.

همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد مسئولان حوزه منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان به دنبال ارائه راهکار تحقق واقعی تعدیل نیرو متناسب با نیاز واقعی باشند و راهکارهایی جهت تعدیل نیرو در راستای تخصص‌های مورد نیاز را طراحی و اجرا کنند. همچنین با توجه به یافته‌ها پیشنهاد می‌گردد که وزارت ورزش و جوانان برای جذب نیرو از روش‌های گزینش نیروهای داوطلب افتخاری براساس نیاز و صلاحیت متقاضیان، استفاده کند و نهضت داوطلبی را بیش از پیش توسعه دهد. برخورداری

طراحی نقشه و جاری سازی راهبرد های منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد BSC

مدیران و مدرسان توسعه منابع انسانی از جدیدترین علوم روز دنیا، ضرورتی انکارناپذیر است بنابراین با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد می‌گردد که این وزارتخانه برگزاری همایش‌های مشترک با مراکز علمی و پژوهشی و شرکت مدرسان در همایش‌ها و کنگره‌های منابع انسانی دیگر سازمان‌ها را مد نظر قرار دهد.

منابع

- بیگمی، زهرا؛ حمیدی، مهرزاد؛ سجادی، سید نصرالله و هنری، حبیب. (۱۳۹۷). «مدل تأثیر سیاست‌های مدیریت منابع انسانی و پیامدهای آن بر عملکرد سازمانی وزارت ورزش و جوانان SWOT». مدیریت منابع انسانی در ورزش. سال ۵، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۸۵.
- پاسدار، پروان و گروسی، امیر. (۱۳۹۴). «تدوین راهبردهای منابع انسانی با ماتریس SWOT». کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱.
- حق مدد میلانی، گیتا و جتانی، حمید. (۱۳۹۶). «تدوین و اولویت‌بندی راهبرد منابع انسانی اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی». سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
- خالقی بابایی، سارا و کشاورز، لقمان. (۱۳۹۷). «پیاده‌سازی راهبردهای توسعه ورزش قهرمانی ایران با رویکرد کارت امتیازی متوازن». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۶، صص ۱۱-۲.
- خراسانی، اباصلت؛ عموزاد، محمد و ملامحمدی، اعظم. (۱۳۹۵). «اعتباریابی مدل تعالی آموزش و توسعه منابع انسانی ایران». آموزش و توسعه منابع انسانی. ۳ (۸)، صص ۱-۲۷.
- خلیل‌نژاد، شهرام و مهری، امیر. (۱۳۹۵). «نقش مدیریت دانش در توسعه منابع انسانی». فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی. سال ۳، شماره ۹.
- راستگو، سمانه؛ میرکاظمی، سیده عذرا و خراشادی زاده، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت عوامل مدیریتی مؤثر بر بهره‌وری نیروی انسانی در فدراسیون‌های ورزشی ایران». دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت چالش‌ها و راهکارها. شیراز، مرکز همایش‌های علمی همایش نگار.
- عمادی، سمیه؛ امیرحسینی، سید احسان و حمیدی، مهرزاد. (۱۳۹۹). «طراحی و تدوین برنامه راهبردی نظام مدیریت منابع انسانی در وزارت ورزش و جوانان». دو ماهنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱۱ (۲)، ص ۴۲.
- فدراسیون ورزش و ووشو. (۱۳۹۵). «برنامه‌ریزی راهبردی و مدل اجرایی فدراسیون ووشو جمهوری اسلامی ایران». کمیته راهبردی فدراسیون ووشو جمهوری اسلامی ایران.
- کاراوند، امید و رضائی و رامین. (۱۳۹۶). «تعیین و اولویت‌بندی راهبردهای منابع انسانی بر اساس مدل کارت امتیازی متوازن». اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.
- گودرزی، محمود؛ قربانی، محمدحسین و صفری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «شناسایی و الگوبرداری از موانع اجرای برنامه‌های راهبردی در وزارت ورزش و جوانان ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۱۳، صص ۱۳-۳۱.
- معصومی، حسن؛ غریباق زندی، حسن؛ کیا کجوری، داود و عمادی، سید رسول. (۱۳۹۵). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع مدیریت راهبردی در وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی با استفاده از روش تصمیم‌گیری آنتروپی-فازی». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۱۲، شماره ۲۳، صص ۲۹۵-۳۱۷.
- نصیرزاده، عبدالمهدی؛ فراهانی، ابوالفضل و خضری، حمید. (۱۳۹۳). «تدوین راهکارهای اجرایی راهبردهای اداره کل ورزش و جوانان استان کرمان با رویکرد روش کارت امتیازی متوازن». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ۳، شماره ۲ (۱۰)، صص ۱-۲۵.

- هاشمی؛ سید حامد و پورامین زاد، سعیده. (۱۳۹۰). «چالش‌های فراوری توسعه منابع انسانی و راهکارهای رفع آن». کار و جامعه. شماره ۱۳۶.
- Heimdahl, I. (2010). **"Implementing a balanced scorecard and strategy map to enhance"**. Master Art Degree' In Management, the college of ST scholastic, Duluth,MN. S
- Kaplan, R., & Norton, D. P. (2015). **Balanced Scorecard Success: The KaplanNorton Collection** (4 Books). Harvard Business Review Press.
- Kaplan, R.S., Norton, D.P. (2006). **"Alignment: Using the balance scorecard to create corporate synergies"**. Harvard business review, pp, 228-231.
- Kaufman, B. (2015). **"Market competition, HRM, and firm performance: The conventional paradigm critiqued and reformulated"**. Human Resource Management Review, 25: 107–125.
- Kozma, M. & Onodi, A. K. (2014). **"Measuring business performance in sport". How the balanced scorecard approach can help sports organisations n operating along strategic objectives?"** forum on economics and business, 17(3) p: 17- 40.
- Lakatos, V., Erdey, L., Szűcs, N., Rózsa, A., & Nagy, A. (2019). **"Establishment of the Customer Perspective of the Balanced Scorecard System at Sports Enterprises through the Example of a Hungarian Football Club"**. Applied Studies in Agribusiness and Commerce, 13(1-2), 5-16.
- Neon, P. R. (2007). **Balanced-Step Evaluation Guide for Design and Implementation**. Bakhtiari Parviz Translators, Gholi Sanamollah, Khazaei Anahita, Mashayekhi Shima, First Edition, Industrial Management Organization Publication.
- Nieplowicz, M. (2015). **"The use of the balanced scorecard in the implementation of the strategy to support the development of sport and recreation in the city of Lublin"**. Quantitative Methods in Accounting and Finance, p: 95-103.
- Peter, U., Hazeline, A., Umar, A. & Ahmad, H. (2019). **"The Implementation of Balance Scorecard and Its Impact on Performance: Case of Universiti Utara Malaysia"**. International Journal of Accounting & Finance Review, <https://doi.org/10.46281/ijaftr.v4i1.226>
- **Plan DstD. 2008-2011.** (2099). Available from: www.dacorum.gov.uk/pdf/dac-sports-quart-report.Pdf, 2009/08/19.
- Quesado, P. R., Aibar-Guzmán, B., & Rodrigues, L. L. (2016). **"Extrinsic and intrinsic factors in the Balanced Scorecard adoption: An empirical study in Portuguese organizations"**. European Journal of Management and Business Economics, 25(2), 47-55.
- Rodríguez Bolívar, M. P., López Hernández, A. M., & Ortiz Rodríguez, D. (2010). **Implementing the balanced scorecard in public sector agencies: An experience in municipal sport service.**

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

موعود بنیادی فرد^۱

ابراهیم علی دوست قهفرخی^۲

امین دهقان قهفرخی^۳

مجید جلالی فراهانی^۴



10.22034/SSYS.2022.1102.1754

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۹/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

هدف از پژوهش حاضر، تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فوتبال ایران است. روش تحقیق از نوع مطالعات راهبردی و زمینه‌یابی بوده که به شکل میدانی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی بود. بخش کیفی شامل شورای راهبری و اعضای هیئت رئیسه فدراسیون، اعضای کمیته و دپارتمان داوران فدراسیون فوتبال به تعداد ۲۱ نفر بود که باتوجه به محدودیت جامعه آماری، تمام جامعه به صورت کل شمار به عنوان نمونه مورد استفاده قرار گرفت. بخش کمی شامل کلیه داوران ملی و بین‌المللی (مرد و زن) به تعداد ۲۵۵ نفر بود. باتوجه به محدودیت اعضای جامعه، تعداد نمونه این تحقیق با تعداد جامعه برابر می‌باشد و نمونه‌گیری به صورت کل شمار صورت گرفت. نحوه جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی، برگزاری جلسات شورای راهبردی، مصاحبه با نخبگان داوری و استفاده از پرسش-نامه باز جهت بررسی وضعیت موجود کمیته داوران فدراسیون فوتبال، جستجوی اسناد بالادستی و اینترنتی در بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق با هدف شناخت وضعیت مطلوب برای تدوین برنامه راهبردی بود. در بخش کمی، پرسش‌نامه پژوهش با کمک متخصصان مدیریت و داوری فوتبال به روش محقق‌ساخته طراحی شد. روایی پرسش‌نامه از طریق نظر استادان و خبرگان و پایایی (با آزمون آلفای کرونباخ ۹۳ درصد) تأیید گردید. پس از تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید، نسبت به تشکیل ماتریس ارزیابی هریک از عوامل داخلی و خارجی اقدام و محرز شد که کمیته داوران فدراسیون فوتبال در موقعیت ST یا رقابتی قرار دارد و تعداد ۱۰ راهبرد شامل ۱ راهبرد تهاجمی، ۶ راهبرد رقابتی، ۱ راهبرد محافظه کارانه و ۲ راهبرد تدافعی جهت تبدیل نقاط ضعف به قوت و تهدیدها به فرصت‌ها برای توسعه کمیته داوران فدراسیون

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، پردیس البرز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Mooud.bonyadifard@yahoo.com

۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فوتبال ارائه شده است. براساس ارزیابی نمرات راهبردهای کمیته داوران فدراسیون فوتبال در ماتریس برنامه- ریزی راهبردی (QSPM)، راهبرد ایجاد نظام جبران خدمات به عنوان بهترین راهبرد انتخاب گردید. **واژگان کلیدی:** برنامه‌ریزی راهبردی، فدراسیون فوتبال و کمیته داوران.

مقدمه

در عصر حاضر فوتبال به عنوان پرطرفدارترین رشته ورزشی در دنیا معرفی شده است (پینا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۰)، اما از آنجا که فوتبال تبدیل به یک صنعت بسیار با اهمیت شده است (کان^۲ و همکاران، ۲۰۱۴: ۷۵۷)، این بازی در تعداد زیادی از کشورها تأثیرات اقتصادی قابل توجهی را به وجود می آورد (گولک و ییلماز^۳، ۲۰۱۶: ۱) و تعداد زیادی از باشگاه های فوتبال که ارزشی بیش از ۱ میلیون دلار آمریکا دارند در این ورزش سرمایه گذاری می کنند (کی پی ام جی^۴، ۲۰۱۶: ۸).

علاوه بر اینکه که بازیکنان و مربیان بیشترین توجه را در این رشته ورزشی به خود جلب می کنند، داوران نیز نقش به سزایی را ایفا می کنند که به طور فزاینده ای مورد اذعان همگان قرار گرفته است (ویکر و فریک^۵، ۲۰۱۶: ۱۳۰). داور فردی است که رقابت را با قوانین سازگار می کند و بدون اختلاف و درگیری به پایان می رساند (تری کلی^۶، ۲۰۱۹: ۱۰۶). داوران مسئول هر بازی فوتبال هستند (پینا و همکاران، ۲۰۱۸). داوران که مقامات فوتبال هستند، از طرف همه تحت فشار شدید قرار می گیرند تا تصمیم های خود را به صورت منصفانه، صحیح و درست بگیرند (داوسون^۷ و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۳۵). در بسیاری از کشورها بازی فوتبال انجام می شود و قوانین این بازی در سطوح مختلف جهان از فینال جام جهانی تا بازی بین جوانان یا کودکان در یک روستای دور افتاده یکسان است (برد بین المللی فوتبال، ۲۰۱۹). اگر قضاوت به درستی انجام شود، نتیجه رقابت با توجه به مهارت و برتری تاکتیکی مشخص می شود. در غیر این صورت، دیگر عوامل محیطی ممکن است در نتیجه رقابت تأثیر بگذارد و ورزشکاران و تماشاگران از یک مسابقه چالش - برانگیز لذت نخواهند برد. در فوتبال، مدیریت و یکپارچگی بازی توسط یک داور و دو کمک داور مورد نظارت قرار می گیرد. هدف از داوری فوتبال، عملکرد صحیح در زمین بازی است (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). از طرفی انتظارات و رضایت یک سهامدار در بازی فوتبال بستگی به تصمیمات داور دارد (کان و همکاران، ۲۰۱۴: ۷۵۷). تصمیمات اشتباه داوران ممکن است در اثر خطای انسانی، بی کفایتی و یا بی توجهی آگاهانه باشد، اما این تصمیم ها می تواند عواقب اقتصادی بزرگی داشته باشند. از این رو، داوران فوتبال به ویژه داوران نخبه و بین المللی به شدت زیر نظر هستند و این بررسی برای انتقاد است و نه ستایش عملکرد آنها (جانسن^۸، ۲۰۱۵: ۲۵). برد بین المللی فوتبال (IFAB) در حال توسعه راهکارهای جدید برای بهبود

1 Pina

2 Can

3 Gulec & Yilmaz

4 KPMG

5 Wicker & Frick

6 Terekli

7 Dawson

8 Johansen

عملکرد داوران است و با توجه به اهمیت عملکرد داوران، بودجه ویژه‌ای را برای توسعه آموزش و پرورش داوران نخبه اختصاص داد. (کاتیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱). همچنین فیفا در پی آن است که با کاهش اشتباهات متداول داوران، از تصمیماتی که داوران در یک بازی فوتبال می‌گیرند، اطمینان پیدا کند (پینا و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۰). عوامل زیادی قضاوت داوران را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از جمله این عوامل می‌توان به عوامل محیطی، فردی، ساختاری، اجرایی، اقتصادی، امکانات و تجهیزات اشاره کرد (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۷). با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی روزمره داوران، آنها نیاز به یک رهبری موثر، اهدافی روشن و همچنین یک سیستم پشتیبانی قوی برای آموزش، آمادگی و عملکرد مناسب خود در زمین بازی دارند (وب^۲ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۰۷).

امروزه سازمان‌های ورزشی همانند سازمان‌های غیرورزشی در معرض تغییر و تحولات محیطی و جهانی قرار دارند (ترکلی و همکاران، ۲۱۹: ۱۰۵). با توجه به حرفه‌ای شدن فوتبال و تحقیقاتی پیرامون داوری، به نظر می‌رسد داوری فوتبال بیش از یک حرفه جانبی هم برای خود داوران و هم برای دست اندرکاران ورزش فوتبال درک شده است و داوران عمدتاً به دلیل محدودیت‌های مالی به شغل دیگری روی می‌آورند. لذا غلامیان و همکاران (۱۳۸۸) با بررسی فرسودگی ناشی از قضاوت در داوران ملی و بین‌المللی فوتبال ایران و رابطه آن با میزان استرس، نشان دادند که ۷۳ درصد داوران مورد بررسی، شغل دولتی دارند و تمامی افراد، داوری را به مثابه حرفه جانبی برگزیده‌اند. ایوانکوویچ (۱۳۸۱) دریافت که روش آموزشی داوران فوتبال ایران کمبودهایی دارد که باید روش‌های آموزشی آنها از لحاظ کمی و کیفی ارتقا یابد. زئون (۲۰۰۳) به این نتیجه رسید که به سبب انگیزه داوران جوان‌تر، اعتماد و دادن فرصت به آنها در مسابقات حرفه‌ای فوتبال، تا حدودی از اشتباهات فاحش داوری می‌کاهد- به شرطی که داور جوان شرایط لازم را داشته باشد.

برایان (۲۰۰۴) به این نتیجه رسید که رفاه اجتماعی داوران لیگ برتر فوتبال انگلستان وضعیت مطلوبی دارد و دلیل مناسبی برای عملکرد ضعیف برخی از داوران نیست. لین (۲۰۰۷) به این نتیجه رسید که بهره‌گیری از تمرینات و فناوری‌های نوین، تا حد زیادی از تصمیمات اشتباه داوران فوتبال می‌کاهد. یونگ (۲۰۰۷) در مقاله پژوهشی خود مهم‌ترین دلیل عدم پیشرفت داوران فوتبال در کشور چین را به نبود انگیزه در بین آنها نسبت داد.

گولک و ایلماز (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «یک بازی جدی برای بهبود مهارت‌های تصمیم‌گیری و سطح دانش داوران فوتبال ترکیه بر اساس قوانین بازی» یک چارچوب آموزشی مبتنی بر ارزیابی ایجاد

1 Catteeuw

2 Webb

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

کرد که از طریق آن توانایی تصمیم‌گیری داوران فوتبال در شرایط بحرانی بهبود می‌یابد. وسترتن و بارت (۲۰۱۸) در پژوهشی دیگر بیان کردند افزایش داوران اضافی موجب بهبود عملکرد داوران در بازی می‌شود. همچنین یوفا و سایر سازمان‌های ورزشی را به آموزش بیشتر و مجهز کردن بیشتر داوران فوتبال توصیه می‌نماید.

در پژوهشی دیگر کهیش و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی ارتباط بین سبک مدیریت مدیران با عملکرد شغلی داوران لیگ برتر فوتبال به این نتیجه رسیدند که مسئولان فدراسیون فوتبال و کمیته داوران کشور باید ناظران و داوران را ترغیب کنند که مشکلات را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهند و فنون تصمیم‌گیری را پیاده کنند. همچنین در جهت رسیدن به هدف فوق، بهره‌گیری از کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با عنوان «نیازسنجی حل مسئله در داوری» می‌تواند برای داوران راه‌گشا باشد. علاوه بر این، داوران موفق را شناسایی و مورد تشویق قرار دهند تا شاهد تاثیرات مثبت این فرایند بر روی عملکرد نیروی انسانی و سازمان باشیم. پینا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی جامع به بررسی کلیه مطالعات صورت گرفته در زمینه داوری فوتبال پرداختند. آنها دریافتند که نیاز به گسترش دامنه تحقیقات تجربی در داوری فوتبال و استفاده از موضوعات مختلف و پوشش بخش‌های مختلف حرفه داوری و همچنین نیاز به توسعه مدل‌های نظری در مورد عملکرد داوران فوتبال است که می‌تواند در آموزش و توسعه داور فوتبال دنیا مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌های عبدی و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که داوران ایرانی زیر پوشش بیمه خدمات درمانی حوادث ورزشی و داوران انگلیسی تحت پوشش بیمه عمومی حوادث و بیمه شخصی حوادث (بیمه تکمیلی) قرار دارند. همچنین آنها در مقایسه وضعیت دوره‌های آموزشی داوری فوتبال در ایران و انگلستان، علاوه بر کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی مختلف که برای داوران فوتبال در ایران و انگلستان برگزار می‌شود، به این نتیجه رسیدند که ایران ۱ و انگلستان ۴ نشریه آموزشی دارند. همچنین انگلستان دارای آکادمی داوری، ۱۲۰ گروه داوری برای انجام تمرینات آمادگی جسمانی به شکل هدفمند و سازماندهی شده است که ایران فاقد آن است.

فدراسیون فوتبال ایرلند^۱ در برنامه راهبردی داوران برای سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ بیان کرد که رسالت اتحادیه فوتبال ایرلند (FAI) ترویج، پرورش و توسعه فوتبال در ایرلند می‌باشد که "داوری" بخش اساسی این امر است. اهداف این راهبرد مطابق با ماموریت FAI به گونه‌ای تنظیم شده است که دستیابی به اهداف راهبردی را تسهیل و پشتیبانی می‌کند. به دنبال تحقیقات گسترده، تجزیه و تحلیل داده‌ها و مشاوره در تمام سطوح فوتبال، بهترین اهداف این راهبرد عبارت است از: استخدام داوران، حمایت و پشتیبانی، حفظ و نگهداری، ارتقا و توسعه و حمایت‌های دولت و نظارت بر عملکرد.

1 Football Association of Ireland

در بررسی برنامه راهبردی فدراسیون فوتبال به عنوان سند بالا دستی که با عنوان «بررسی وضعیت موجود فوتبال جمهوری اسلامی ایران و تعیین موقعیت راهبردی فوتبال کشور» انجام شده است، نتایج حاصل از جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های فوتبال جمهوری اسلامی ایران نشان داد که وضعیت موجود فوتبال ایران نامناسب و حاکی از غلبه قوت‌ها بر ضعف‌ها و تهدیدها بر فرصت‌هاست که موقعیت راهبردی WT را برای فوتبال ایران به وجود آورده است. بررسی فوتبال در حال رشد و وضعیت رقبایی چون نیوزیلند و چین نشان داد که آنها وضعیت بهتری نسبت به کشور ما دارند و لزوم تدوین راهبرد تدافعی برای جلوگیری از بدتر شدن وضعیت موجود برای ما بسیار ضروری است. وضعیت داوران در بحث داوران، عملکرد کمیته/دپارتمان داوران در طول سال‌های اخیر قابل توجه بوده است. هم اکنون ۷ داور و ۹ کمک داور بین‌المللی در کشور داریم و حدود ۶۰۰ نفر داور ملی نیز در فوتبال فعالیت می‌کنند. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، ۱۸ راهبرد تدوین شده است که شامل ۸ راهبرد SO، ۴ راهبرد WO، ۲ راهبرد WT و ۴ راهبرد ST می‌باشند (نادری نسب و همکاران، ۱۳۹۰: ۵).

از دیدگاه سنتی، عوامل متعددی مانند مربیان، بازیکنان و تماشاگران در موفقیت یا شکست تیم‌های ورزشی دخالت دارند، اما امروزه مشخص شده که عامل مهم و تأثیرگذار دیگر در سرنوشت تیم‌ها در رشته‌های مختلف ورزشی، داور یا قاضی میدان می‌باشد. داوران در رشته پرطرفدار فوتبال کانون توجه رسانه‌ها و تماشاگران و یکی از مهم‌ترین عوامل در سرنوشت و موفقیت تیم‌ها به‌شمار می‌آیند. داوران در مستطیل سبز با استفاده از شاخص‌های مختلفی چون اجرای قوانین به طور منصفانه، داشتن آمادگی جسمانی مناسب در طول دوران قضاوت، داشتن شخصیت بالای داوری، روانشناسی بازی و در نهایت مدیریت کردن جریان بازی و یا همان عقل سلیم که امروزه به عنوان قانون هجدهم فوتبال از طرف قشر داوری پذیرفته شده است، سعی در برگزاری عدالت و شادابی که جزو اهداف ورزش است را دارند. همه شاخص‌های یاد شده به‌طور زنجیروار به هم مربوط می‌باشند و نقص هر کدام به گونه‌ای ممکن است در اهداف ورزش خلل ایجاد کند که این موضوع خود بر نقش بالای داوران در ورزش حرفه‌ای صحنه می‌گذارد (فدراسیون بین‌المللی فوتبال، ۱۳۸۵).

راهبرد تعیین اهداف پایه و بلندمدت برای یک سازمان و همچنین تصویب دوره‌های فعالیت و تخصیص منابع برای دستیابی به آن اهداف است (چندلر^۱، ۱۹۹۰). راهبرد مربوط به کسانی است که مسئولیت ایجاد راهبردی برای شرکت‌ها، کسب و کارها و یا سازمان‌های خود را دارند (نیکولز^۲، ۲۰۱۶).

1 Chandler

2 Nickols

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

یکی از بهترین مدل‌های انتخاب راهبرد، مدل سوات است. ماتریکس SWOT به عنوان یک ابزار تصمیم‌گیری محسوب می‌شود. واژه سوات مخفف نقاط قوت (S)، نقاط ضعف (W)، فرصت‌ها (O) و تهدیدها (T) می‌باشد. قوت‌ها و ضعف‌ها عوامل داخلی هستند، در حالی که فرصت‌ها و تهدیدها عوامل خارجی محسوب می‌شوند و برنامه راهبردی موفق یک سازمان باید بر روی نقاط قوت و فرصت‌ها تمرکز کند و سعی نماید تا نقاط ضعف را حل کند و تهدیدها را کاهش دهد.

تدوین یک برنامه راهبردی، علاوه بر اینکه چشم‌انداز، مأموریت و اهداف بلندمدت کمیته داوران فدراسیون فوتبال را مشخص می‌کند، موجب ایجاد یک درک مناسب از وضعیت کنونی کمیته و محیط پیرامونی آن می‌شود. این طرح، بستر مناسب را برای دستیابی به اهداف کمیته داوران فدراسیون فراهم می‌کند. مثل معروفی است که می‌گوید «آن کس که نمی‌داند به کجا می‌رود، از هر مسیری برود به جایی نخواهد رسید». بنابراین اگر یک سیستم فاقد هدف باشد، نمی‌داند به کجا خواهد رفت و اگر سیستم مشخص باشد، ولی برنامه‌ریزی نداشته باشد، نمی‌داند چگونه به هدف خود برسد (دراکر^۱، ۱۹۹۶).

مهمترین مسئله در رشد و توسعه ورزش کشور وجود یک برنامه موثر راهبردی است. کمیته داوران فدراسیون فوتبال نیز همانند هر سیستم دیگر نیازمند تدوین برنامه مدون راهبردی است تا ضمن آگاهی از مسیر حرکت بتواند از هر گونه دوباره‌کاری، بیراهه رفتن و به هدر رفتن منابع مالی و انسانی خود اجتناب کند. از این رو بجاست که برنامه جامعی برای پیشبرد اهداف کلان، توسعه اصولی‌تر داوران و استعدادها، کسب جایگاه بهتر در عرصه بین‌المللی و افزایش بهره‌وری تدوین شود. بنابراین برای تدوین برنامه واقعی و عملیاتی برای داوران فوتبال کشور باید ارزیابی دقیقی از وضعیت موجود داوران فوتبال کشور داشته باشیم تا با آسیب‌شناسی و مشخص ساختن قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و تعیین موقعیت راهبردی کمیته داوران فوتبال کشور بتوانیم برای دستیابی به وضعیت مطلوب برنامه‌ای واقع‌گرایانه و عملی طراحی کنیم. با توجه به ضرورت وجود برنامه‌ریزی مدون راهبردی مطلوب، محقق در صدد پاسخگویی به این سوال است:

برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فوتبال ایران است. روش تحقیق حاضر از نوع مطالعات راهبردی و زمینه‌یابی بود که به شکل میدانی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی بود. بخش کیفی شامل شورای راهبردی و اعضای هیئت رئیسه فدراسیون، اعضای کمیته و دپارتمان داوران فدراسیون فوتبال به تعداد ۲۱ نفر بود که با توجه

به محدودیت جامعه آماری، تمام جامعه به صورت کل شمار به عنوان نمونه مورد استفاده قرار گرفت. بخش کمی شامل کلیه داوران ملی و بین‌المللی (مرد و زن) به تعداد ۲۵۵ نفر بود که با توجه به محدودیت اعضای جامعه، تعداد نمونه با تعداد جامعه برابر شد و نمونه‌گیری به صورت کل شمار صورت گرفت. نحوه جمع‌آوری اطلاعات به روش‌های میدانی، بررسی اسناد بالا دستی، پرسش‌نامه، انجام مصاحبه و برگزاری جلسات شورای راهبردی صورت گرفت. در ضمن از پرسش‌نامه باز و مصاحبه برای کسب نظرات خبرگان داوری در مورد شناسایی SWOT، تبیین مأموریت، چشم انداز، ارزش‌های محوری، حوزه‌های کلیدی عملکرد، موقعیت راهبردی و اولویت‌بندی راهبرد ها بهره‌گیری شد و در نهایت برای بررسی و تصویب نهایی از نظرات اعضای شورای راهبردی استفاده گردید. در بخش کیفی ابتدا جلساتی با روسای محترم کمیته داوران و دیپارتمان داوری جهت بررسی وضعیت موجود کمیته داوران فدراسیون فوتبال برگزار گردید که در آن کلیات برنامه راهبردی مطرح و چارچوب برنامه و زمان تدوین برنامه مشخص و مورد تایید قرار گرفت. جامعه آماری به صورت هدفمند مشخص گردید. بعد از آن به تعیین نخبگان و صاحب‌نظران (اعضای شورای راهبردی) و گروه کانونی مبادرت شد. سپس با جستجو در اسناد بالادستی (برنامه راهبردی فدراسیون فوتبال) و اینترنت به بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق و تعدادی برنامه راهبردی ورزش کشورهای مختلف با هدف شناخت وضعیت مطلوب برای تدوین برنامه راهبردی و اجرای آن اقدام گردید. از پرسش‌نامه باز و فرم‌های مربوطه با استفاده از نظرات پرسش‌شوندگان اطلاعات جمع‌آوری شد. به این ترتیب بعد از مصاحبه، بحث و بررسی و تبادل نظر و تشکیل جلسات متعدد با گروه کانونی حوزه اطلاعات درست بسته‌بندی شد و در نهایت با تشکیل جلسه و نظرخواهی از اعضای شورای راهبردی کار نهایی گردید.

در بخش کمی، پس از بررسی وضعیت موجود و انجام مصاحبه با خبرگان داوری فوتبال کشور فهرست مقدماتی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای داوری فوتبال کشور استخراج گردید. سپس پرسش‌نامه پژوهش توسط متخصصان مدیریت ورزشی و داوری فوتبال بررسی و بازنگری و در دو بخش طراحی شد. بخش اول در برگیرنده اطلاعات فردی و بخش دوم مربوط به بررسی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای داوری فوتبال کشور بود که در چهار قسمت در طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت تهیه شد:

- ۱- نقاط قوت (۱۴ سوال)، ۲- نقاط ضعف (۱۰ سوال)، ۳- فرصت‌ها (۷ سوال) و ۴- تهدیدها (۱۶ سوال).

برای تعیین قابلیت روایی پرسشنامه، نظر استادان، متخصصان و خبرگان در مورد پرسش‌نامه طراحی شده، مورد توجه قرار گرفت و اصلاحات مورد نظر انجام گردید. همچنین پایایی پرسش‌نامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ ۹۳ درصد به دست آمد. سپس پرسش‌نامه مذکور در بین کلیه داوران فوتبال کشور توزیع گردید و تعداد ۲۵۵ عدد پرسشنامه دریافت شد.

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

برای تدوین راهبردهای داوری فوتبال ایران از چارچوب جامع تدوین راهبرد استفاده شده است. (اعرابی، ۱۳۸۵) روش های ارائه شده در این چارچوب برای انواع سازمان ها مناسب است و به محققان کمک می کند که راهبردها را شناسایی، ارزیابی و گزینش کنند. این چارچوب در سه مرحله صورت می پذیرد (فرد آر، ۱۳۸۸)

۱- مرحله ورودی: در این مرحله اطلاعات و عوامل اصلی مورد نیاز از داخل و خارج سازمان برای تدوین راهبرد، شناسایی و مشخص می شود. این مرحله شامل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (^۱IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (^۲EFE) است.

۲- مرحله تطبیق: در این مرحله عوامل اصلی داخلی (قوت ها و ضعف ها) و عوامل اصلی خارجی (فرصت ها و تهدیدها) با استفاده از ابزارهایی همچون ماتریس سوات (^۳SWOT) و ماتریس داخلی و خارجی (^۴IE) تطبیق داده می شوند تا راهبردهایی شناسایی شوند که در راستای ماموریت سازمان و متناسب با عوامل داخلی و خارجی باشند.

۳- مرحله تصمیم گیری: در این مرحله با استفاده از ماتریس برنامه راهبرد کمی (^۵QSPM)، گزینه های مختلف راهبردهای شناسایی شده در مرحله تطبیق، مورد ارزیابی و قضاوت قرار می گیرند و جذابیت نسبی آنها تعیین می شود.

جدول ۱: چارچوب تدوین راهبرد

تعیین ماموریت و تهیه بیانیه ماموریت سازمان	مرحله شروع
ماتریس ارزیابی عوامل داخلی	مرحله ورودی
ماتریس ارزیابی عوامل خارجی	
ماتریس سوات	مرحله تطبیق و مقایسه
ماتریس داخلی و خارجی	
ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی	مرحله تصمیم گیری

دراین تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی به منظور رتبه بندی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها، از آزمون رتبه ای (فریدمن) استفاده گردید.

1 Internal Factor Evaluation

2 External Factor Evaluation

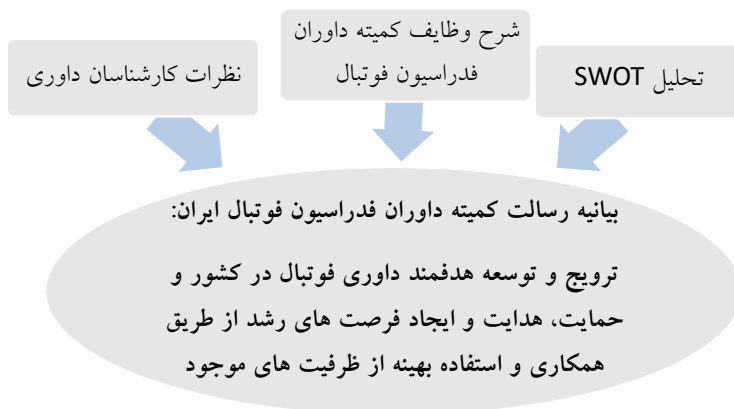
3 Strengths & Weaknesses & Opportunities & Threats

4 Internal – External Matrix

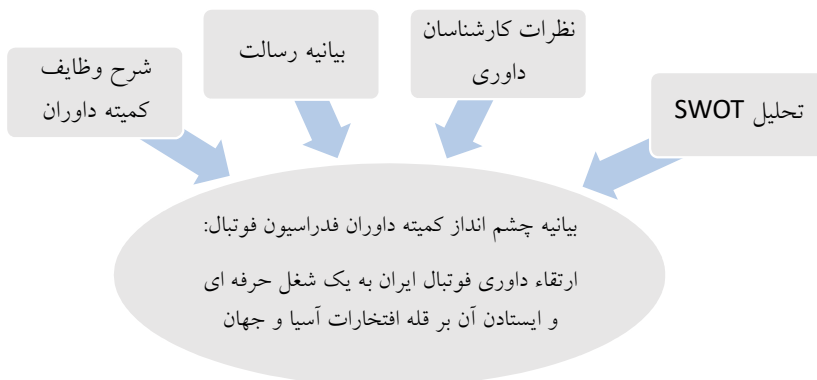
5 Quantitative Strategic Planning Matrix

یافته‌های پژوهش

در این بخش بر اساس فرآیند جامع راهبردی مورد استفاده در تحقیق، بیانیه رسالت، بیانیه چشم-انداز، ارزش‌های محوری، حوزه‌های کلیدی عملکرد، موقعیت راهبرد، تدوین راهبردها و الویت‌بندی راهبرد-های مورد نظر در بخش داوری فوتبال تدوین شده است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در منابع مختلف و همچنین نظر شورای راهبردی، بیانیه چشم‌انداز، ارزش‌های محوری و حوزه‌های کلیدی عملکرد کمیته داوران فدراسیون فوتبال به شرح زیر تصویب شد:



شکل ۱: بیانیه رسالت کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

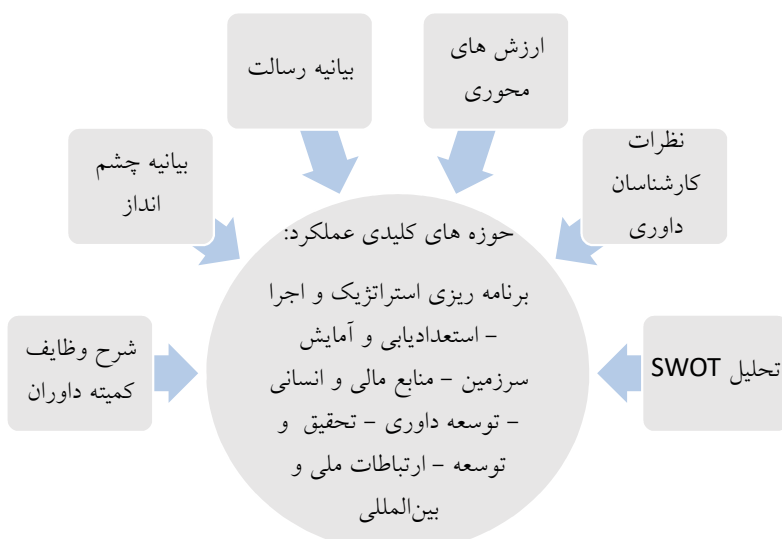


شکل ۲: بیانیه چشم‌انداز کمیته داوران فدراسیون فوتبال

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران



شکل ۳: ارزش های محوری کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران



شکل ۴: حوزه های کلیدی عملکرد کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

پس از مشخص شدن چشم انداز، مأموریت، ارزش های محوری، حوزه های کلیدی عملکرد، قوت-ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها، برای تعیین جایگاه راهبردی داوری فوتبال کشور ماتریس ارزیابی عوامل

داخلی و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی تشکیل شد. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی: برای ارزیابی عوامل محیط درونی داوری فوتبال کشور از ماتریس ارزیابی عوامل درونی استفاده شد. نتایج نشان داد مجموع نمرات ماتریس عوامل درونی ۲/۵۱ می‌باشد که حاکی از آن است که داوری فوتبال از لحاظ درونی دارای قوت است.

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

رتبه X	ضریب اهمیت	رتبه	میانگین	قوت‌ها	
۰/۱۴۴	۰/۰۴۸	۳	۳/۰۲	حداکثر تعداد داور ممکن (مرد و زن) در فهرست بین‌المللی (فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی)	S1
۰/۱۶۲	۰/۰۵۴	۳	۳/۶۶	کسب عناوین افتخارآمیز توسط داوران و قضاوت مسابقات مهم بین‌المللی (آسیایی و جهانی)	S2
۰/۱۵	۰/۰۵۰	۳	۳/۲۷	وجود دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مشخص جهت آموزش و برگزاری کلاس‌های ارتقای داوری	S3
۰/۱۵۳	۰/۰۵۱	۳	۳/۲۸	هماهنگی و همراهی بین اعضای کمیته داوران با مسئولان بلندپایه فدراسیون	S4
۰/۱۵۳	۰/۰۵۱	۳	۳/۳۰	استفاده از افراد با سابقه و مرتبط در راس امور به منظور سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان	S5
۰/۱۶۸	۰/۰۵۶	۳	۳/۸۶	رشد تحصیلات و سطح علمی داوران در سال‌های اخیر	S6
۰/۱۶۲	۰/۰۵۴	۳	۳/۶۲	امکان استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته و دسترسی سریع داوران به تغییرات قوانین	S7
۰/۱۵۳	۰/۰۵۱	۳	۳/۳۰	توجه ویژه به جوانان و سرمایه‌گذاری روی افراد مستعد	S8
۰/۱۵۶	۰/۰۵۲	۳	۳/۴۴	دارا بودن ذخیره ارزشمند انسانی، کارآمد، متعهد، خبره و با تجربه در عرصه داوری	S9
۰/۱۵۹	۰/۰۵۳	۳	۳/۴۸	وجود پیشکسوتان خبره داوری، اساتید متخصص و کارآمد در سطح داوری کشور	S10
۰/۱۳۲	۰/۰۴۴	۳	۳/۶۱	ارسال به موقع ابلاغ‌های داوری	S11
۰/۱۱۷	۰/۰۳۹	۳	۳/۱۵	برگزاری مراسم تجلیل از داوران برتر توسط حامی مالی (حامی مالی)	S12
۰/۱۳۸	۰/۰۴۶	۳	۳/۸۰	رعایت مسائل اخلاقی و رفتارهای اجتماعی توسط داوران در سطح جامعه	S13
۰/۱۳۵	۰/۰۴۵	۳	۳/۷۱	دوری از هیاهوی رسانه‌ای و جنجال‌های سیاسی و تمرکز بر امر قضاوت	S14
				ضعف‌ها	

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۱	۴/۱۳	دستمزد کم و حق الزحمه ناکافی داوران	W1
۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	۱	۴/۲۱	مشکلات در نحوه و زمان پرداخت دستمزدها	W2
۰/۰۵۸	۰/۰۲۹	۲	۳/۸۷	مشکلات مربوط به کیفیت سیستم حمل و نقل داوران با توجه به وسعت جغرافیایی کشور	W3
۰/۰۵۶	۰/۰۲۸	۲	۳/۸۲	فقدان مراکز استعدادیابی در زمینه داوری فوتبال در سطح کشور و استانها	W4
۰/۰۵۴	۰/۰۲۷	۲	۳/۶۹	فقدان برنامه جامع و راهبردی با قابلیت اجرایی در کمیته داوران	W5
۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	۱	۴/۰۹	ارزیابی نادرست و سلیقه ای ناظران داوری و به روز نبودن برخی از آنان	W6
۰/۰۵۶	۰/۰۲۸	۲	۳/۸۴	وجود اختلافات بین کمیته و دپارتمان داوری و عدم اجرای درست و تداخل وظایف	W7
۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	۱	۴/۲۴	عدم اختصاص درآمد حامی مالی به کمیته داوری و داوران	W8
۰/۰۳۰	۰/۰۳۰	۱	۴/۰۱	استفاده بعضی داوران از روابط برای قضاوت در سطوح بالا	W9
۰/۰۵۲	۰/۰۲۶	۲	۳/۶۳	برخورد ناصحیح بعضی از اعضای دپارتمان و کمیته با داوران	W10
۲/۵۱	۱			جمع	

ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی: برای ارزیابی عوامل محیط بیرونی داوری فوتبال کشور از ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی استفاده شد. نتایج نشان داد مجموع نمرات ماتریس عوامل ۱/۷۸ می باشد که حاکی از آن است که داوری فوتبال از نظر محیط بیرونی در شرایط تهدید قرار دارد.

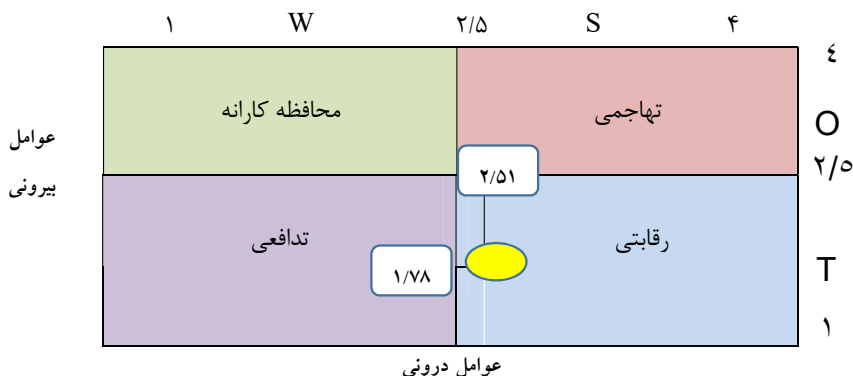
جدول ۳: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

فرصتها	میانگین	رتبه	ضریب اهمیت	رتبه اهمیت
O1 امکان استفاده از سیستم VAR (ورود و توسعه فناوری در داوری)	۳/۴۲	۳	۰/۰۳۸	۰/۱۱۴
O2 افزایش اعتبار و اعتماد نسبت به سطح قضاوت داوران ایران (به دلیل درخشش در جام جهانی و آسیا)	۳/۸۱	۳	۰/۰۴۳	۰/۱۲۹
O3 کیفیت نسبتاً پایین سطح داوران سایر کشورهای آسیایی و فرصت مناسب برای رقابت	۳/۵۸	۳	۰/۰۴۰	۰/۱۲
O4 سیاست کمیته داوران AFC به جوان گرایی در قشر داوری	۳/۶۴	۳	۰/۰۴۱	۰/۱۲۳
O5 درآمدزایی از طریق فراهم بودن فرصت تبلیغات و حمایت مالی در سطح داوری فوتبال کشور	۳/۱۳	۳	۰/۰۳۵	۰/۱۰۵

۰/۱۱۷	۰/۰۳۹	۳	۳/۵۳	پخش مستقیم بازی‌ها از شبکه های مختلف صداوسیما	O6
۰/۱۰۲	۰/۰۳۴	۳	۳/۰۲	آماده کرده بستر تبلیغات فردی داوران در رسانه ها و جراید	O7
تهدیدها					
۰/۰۰۸	۰/۰۴۰	۲	۳/۵۴	سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها	T1
۰/۰۸۸	۰/۰۴۴	۲	۳/۸۹	وضعیت شغلی داوران برای گرفتن مرخصی (همکاری نکردن برخی سازمان‌ها)	T2
۰/۰۸۶	۰/۰۴۳	۲	۳/۸۵	نفوذ و دخالت مقامات کشورهای حوزه خلیج فارس در امور داوری آسیا	T3
۰/۰۴۷	۰/۰۴۷	۱	۴/۱۷	فقدان کرسی در کمیته داوران AFC	T4
۰/۰۸۶	۰/۰۴۳	۲	۳/۸۸	وسعت جغرافیایی ایران و مشکلات حمل و نقل	T5
۰/۰۴۶	۰/۰۴۶	۱	۴/۰۹	عدم حمایت مناسب کمیته‌های انضباطی و اخلاق از داوران	T6
۰/۰۴۵	۰/۰۴۵	۱	۴/۰۲	ایجاد حواشی بسیار توسط رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی برای داوران	T7
۰/۰۴۶	۰/۰۴۶	۱	۴/۰۹	کمبود توجه ارکان فدراسیون به حوزه داوری	T8
۰/۰۸۴	۰/۰۴۲	۲	۳/۷۴	وجود اختلافات عدیده بین پیشکسوتان و بزرگان داوری و کشاندن آن به رسانه‌ها	T9
۰/۰۴۵	۰/۰۴۵	۱	۴/۰۵	عدم وجود زمینه لازم برای حرفه‌ای شدن داوران فوتبال	T10
۰/۰۴۵	۰/۰۴۵	۱	۴/۰۵	عدم دیدگاه مناسب بازیکنان، مربیان و تماشاگران نسبت به تخصصی بودن حرفه داوری فوتبال	T11
۰/۰۴۸	۰/۰۴۸	۱	۴/۲۷	وجود فرهنگ نامناسب هواداری بین تماشاگران (فحاشی، توهین و ...)	T12
۰/۰۷۶	۰/۰۳۸	۲	۳/۳۸	تهدید داوران از طرف افراد ناشناس	T13
۰/۰۵۱	۰/۰۵۱	۱	۴/۵۸	اختلاف زیاد بین درآمد مالی بازیکنان با داوران	T14
۰/۰۵۲	۰/۰۵۲	۱	۴/۶۲	شناخته نشدن داوری به عنوان شغل رسمی و عدم بیمه شغلی داوران	T15
۰/۰۴۵	۰/۰۴۵	۱	۴/۰۴	حضور ناکافی نیروهای امنیتی در ورزشگاه به‌ویژه در مسابقات سطوح پایین‌تر	T16
۱/۷۸	۱			جمع	

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

ماتریس داخلی و خارجی: ماتریس داخلی و خارجی حاکی از آن است که داوری فوتبال ایران از لحاظ موقعیت راهبردی در منطقه ST قرار دارد. به عبارت دیگر، سازمان از مزیت‌هایی که در قوت‌ها نهفته است، در جهت مقابله با تهدیدها استفاده می‌نماید.



جدول ۴: راهبردهای کمیته داوران فدراسیون فوتبال

ردیف	راهبردهای ST	راهبردها
۱	اتخاذ رویکرد حرفه‌ای به داوری فوتبال	ST1 : S1,S9,T10,T11,T14,T15
۲	توسعه ارتباطات بین‌المللی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی	ST2 : S1,S2,T1,T3,T4
۳	توسعه کمی و کیفی داوران بین‌المللی	ST3 : S1,S2,T1,T3,T4
۴	تعامل با مراکز آکادمیک و دانش بنیان نمودن رشته داوری فوتبال	ST4 : S6,S8,S9,T1,T8,T10,T11
۵	طراحی نظام ارزیابی عملکرد و توسعه سیستم اطلاعات داوری فوتبال کشور	ST5 : S3,S7,S11,T1,T5,T8,T10
۶	توسعه و پرورش مدرسان و ناظران داوری مورد نیاز کمیته داوران	ST6 : S9,S10,T1,T9
راهبردهای WT		
۱	ایجاد نظام جبران خدمات	WT1 : W1,W2,W8,T8,T14,T15
۲	طراحی مکانیزم مبتنی بر عدالت جهت گزینش داوران لیگ‌های مختلف کشور	WT2 : W6,W7,W9,W10,T1,T5,T10
راهبرد SO		

SO1 : S3,S8,S9,O2,O3,O4

۱ اتخاذ رویکرد مدیریت استعداد در داوری فوتبال کشور

راهبردهای WO

توسعه امکانات و تجهیزات داوری جهت کمک به

WO1 : W8,O1

قضاوت

طبق یافته‌های تحقیق یکی از تکنیک‌ها و ابزارهای بسیار شایع در ارزیابی گزینه‌های راهبردی و مشخص نمودن جذابیت نسبی راهبردها که در مرحله تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، برنامه‌ریزی راهبردی کمی می‌باشد. این ماتریس مشخص می‌نماید کدام یک از گزینه‌های راهبردی انتخاب شده، مناسب تر می‌باشد و در واقع این راهبردها را اولویت‌بندی می‌نماید. با مقایسه مجموع نمره‌های جذابیت هر یک از راهبردها بر اساس جدول زیر می‌توان آنها را به ترتیب از نمره جذابیت بالا به نمره جذابیت پایین اولویت‌بندی نمود.

جدول ۵: ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی (QSPM)

	WO1	SO1	WT2	WT1	ST6	ST5	ST4	ST3	ST2	ST1	مجموع
گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی	گزینه‌های راهبردی
S1	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S2	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S3	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S4	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S5	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S6	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S7	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S8	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S9	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S10	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S11	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S12	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S13	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
S14	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
W1	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
W2	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
W3	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
W4	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+

نهم	اتخاذ رویکرد حرفه‌ای به داوری فوتبال	۴/۲۵۵
دهم	توسعه امکانات و تجهیزات داوری جهت کمک به قضاوت	۳/۹۹۲

بر اساس ارزیابی نمرات راهبردهای کمیته داوران فدراسیون فوتبال در ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی، راهبرد ایجاد نظام جبران خدمات به عنوان بهترین راهبرد انتخاب شد.

بحث و نتیجه‌گیری

مهمترین مسئله در رشد و توسعه ورزش کشور، وجود یک برنامه موثر راهبردی است. کمیته داوران فدراسیون فوتبال نیز همانند هر سیستم دیگر نیازمند تدوین برنامه مدون راهبردی است تا ضمن آگاهی از مسیر حرکت بتواند از هر گونه دوباره‌کاری، بیراهه رفتن و به هدر رفتن منابع مالی و انسانی خود اجتناب کند. هدف از پژوهش حاضر، تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فوتبال ایران بود.

بر اساس یافته‌های تحقیق بیانیه رسالت، تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران به این شرح، ترویج و توسعه هدفمند داوری فوتبال در کشور و حمایت، هدایت و ایجاد فرصت‌های رشد از طریق همکاری و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود تعیین گردید.

بر اساس یافته‌های تحقیق بیانیه چشم انداز کمیته داوران فدراسیون فوتبال تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران به این شرح، ارتقای داوری فوتبال ایران به یک شغل حرفه‌ای و ایستادن آن بر قله افتخارات آسیا و جهان تعیین گردید.

بر اساس یافته‌های تحقیق ارزش‌های محوری کمیته داوران فدراسیون فوتبال عبارت‌اند از:

- حفظ، ارتقا و توسعه ارزش‌های انسانی و اخلاقی، مدیریت کارآمد و اثر بخش، حمایت از داوران، توسعه سرمایه انسانی، نوآوری و خلاقیت، تعهد و وجدان کاری.
- بر اساس یافته‌های تحقیق حوزه‌های کلیدی عملکرد کمیته داوران فدراسیون فوتبال عبارت‌اند از:

- برنامه‌ریزی راهبردی و اجرا، استعدادیابی و آمایش سرزمین، منابع مالی و انسانی، توسعه داوری، تحقیق و توسعه، ارتباطات ملی و بین‌المللی.

بر اساس یافته‌های این پژوهش نمره ارزیابی ماتریس عوامل داخلی و خارجی حاکی از آن است که کمیته داوران فدراسیون فوتبال از لحاظ موقعیت راهبردی در موقعیت ST یا رقابتی قرار دارد، به عبارت دیگر، می‌توان گفت استفاده خوب از نقاط قوت برای از بین بردن یا کاهش تاثیر تهدیدها (باسیت و همکاران،

تدوین برنامه راهبردی کمیته داوران فدراسیون فوتبال ایران

۲۰۱۸) مورد تاکید است. با توجه به موقعیت راهبردی مذکور بیشتر راهبردهای کمیته داوران از این منطقه طراحی شده است.

براساس داده‌های تحقیق و تحلیل SWOT، ۱۰ راهبرد برای کمیته داوران فدراسیون فوتبال شامل ۱ راهبرد تهاجمی، ۶ راهبرد رقابتی، ۱ راهبرد محافظه‌کارانه و ۲ راهبرد تدافعی جهت تبدیل نقاط ضعف به قوت و تهدیدها به فرصت‌ها برای توسعه کمیته داوران فدراسیون فوتبال ارائه شد.

راهبرد SO1: اتخاذ رویکرد مدیریت استعداد در داوری فوتبال کشور

این راهبرد از ترکیب قوت‌های وجود دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مشخص جهت آموزش و برگزاری کلاس‌های ارتقای داوری، توجه ویژه به جوانان و سرمایه‌گذاری روی افراد مستعد، دارا بودن ذخیره ارزشمند انسانی، کارآمد، متعهد، خبره و با تجربه در عرصه داوری به همراه فرصت‌های افزایش اعتبار و اعتماد نسبت به سطح قضاوت داوران ایران (به دلیل درخشش در جام جهانی و آسیا)، کیفیت نسبتاً پایین سطح داوران سایر کشورهای آسیایی و فرصت مناسب برای رقابت، سیاست کمیته داوران AFC به جوان‌گرایی در قشر داوری حاصل گردید.

امروزه کشورهای پیشرو و موفق در زمینه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، نگاه ویژه‌ای به استعدادیابی و ورزش مدارس دارند و از همان طفولیت و خردسالی، کودکان را به رشته‌هایی که در آن استعداد و توانمندی دارند هدایت می‌کنند. در واقع نظام استعدادیابی اساس و پایه ورزش قهرمانی در تمامی رشته‌هاست که داوران مسابقات ورزشی به‌خصوص داوران فوتبال نیز از این قاعده مستثنی نیستند. با وجود افراد به‌ویژه جوانان بسیار مستعد در زمینه داوری و وجود ارتباطات موثر با مدارس و دانشگاه‌ها می‌توان با بهره‌برداری از الگوهای مطلوب در این زمینه، راهبرد مدیریت استعدادیابی داوری فوتبال را طراحی و تدوین نمود تا در کنار شناسایی استعدادهای برتر و نخبه در جهت پرورش و توانمندسازی آن‌ها گام‌های مناسب و موثری برداشت.

راهبرد ST1: اتخاذ رویکرد حرفه‌ای به داوری فوتبال

این راهبرد از ترکیب قوت‌های حداکثر تعداد داور ممکن (مرد و زن) در فهرست بین‌المللی (فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی)، دارا بودن ذخیره ارزشمند انسانی، کارآمد، متعهد، خبره و با تجربه در عرصه داوری و تهدیدهای عدم وجود زمینه لازم برای حرفه‌ای شدن داوران فوتبال، عدم دیدگاه مناسب بازیکنان، مربیان و تماشاگران نسبت به تخصصی بودن حرفه داوری فوتبال، اختلاف زیاد بین درآمد مالی بازیکنان با داوران، شناخته نشدن داوری به عنوان شغل رسمی و عدم بیمه شغلی داوران حاصل گردید.

امروزه تغییرات بسیار چشمگیری در فوتبال حرفه‌ای به وجود آمده و آن را از یک ورزش صرف به یک صنعت یا تجارت بین‌المللی تبدیل کرده است. در بیشتر کشورهای پیشرفته، به دلیل رشد روزافزون فوتبال، به خصوص در زمینه‌های اقتصادی و تجاری، از این ورزش با عنوان «صنعت فوتبال» نامبرده می‌شود و به طبع آن دستمزدهای مربیان و بازیکنان افزایش بسیار زیادی داشته است، ولی متأسفانه در ایران داوران به عنوان یکی از ارکان اساسی مسابقه از درآمد بسیار پایینی برخوردار می‌باشند که اصلاً با درآمد بازیکنان و مربیان قابل مقایسه نیست. به همین جهت داوران مجبورند شغل دیگری داشته باشند و قضاوت و داوری برای آنها به عنوان شغل دوم محسوب می‌شود. پس باتوجه به شواهد موجود امکان دارد داوران به دلیل داشتن مشغله‌های متفاوت وقت کمتری را برای انجام امورات داوری از جمله تمرینات آمادگی جسمانی، به‌روز بودن نسبت به قوانین داوری و... صرف نمایند. لذا پیشنهاد می‌شود فدراسیون فوتبال با تدوین چارچوبی مشخص نسبت به فراهم کردن شرایط حرفه‌ای و تمام‌وقت شدن داوران فوتبال اقدام نماید تا داوران با آسودگی خاطر بیشتر به انجام امورات داوری خود بپردازند. بی شک، اتخاذ این گونه تصمیمات تأثیر به‌سزایی بر روند داوری کشور خواهد داشت- کما این که در بسیاری از کشورهای پیشرفته در حوزه فوتبال تعدادی از داوران به صورت حرفه‌ای و تمام وقت در خدمت فدراسیون فوتبال آن کشور فعالیت می‌نمایند.

راهبرد ST2: توسعه ارتباطات بین‌المللی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی

این راهبرد از ترکیب قوت‌های حداکثر تعداد داور ممکن (مرد و زن) در فهرست بین‌المللی (فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی)، کسب عناوین افتخارآمیز توسط داوران و قضاوت مسابقات مهم بین‌المللی (آسیایی و جهانی) و تهدیدهای سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها، نفوذ و دخالت مقامات کشورهای حوزه خلیج فارس در امور داوری آسیا و کمبود کرسی در کمیته داوران AFC حاصل گردید.

گسترش و توسعه روابط بین‌المللی باعث و زمینه‌ساز آن می‌شود که فدراسیون فوتبال نقش موثر و پر رنگ‌تری در ارتقا و رشد داوری کشور در سطح منطقه، آسیا و جهان اعمال کند و باعث شکوفایی داوری فوتبال در کشور گردد. با توجه به فقدان کرسی‌های بین‌المللی در AFC و FIFA تلاش در جهت دستیابی، نگهداری و ارتقای کرسی‌های بین‌المللی با استفاده از ظرفیت‌های موجود، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. به همین منظور تقویت و پشتیبانی واحد روابط بین‌الملل فدراسیون و استفاده از افراد متخصص و

با تجربه در این بخش، حفظ ثبات مدیریتی، میزبانی و برگزاری کنگره‌های بین‌المللی فوتبال به خصوص در زمینه داوری می‌تواند موثر و مفید فایده باشد.

راهبرد ST3: توسعه کمی و کیفی داوران بین‌المللی

این راهبرد از ترکیب قوت‌های حداکثر تعداد داور ممکن (مرد و زن) در فهرست بین‌المللی (فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی)، کسب عناوین افتخارآمیز توسط داوران و قضاوت مسابقات مهم بین‌المللی (آسیایی و جهانی) و تهدیدهای سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها، نفوذ و دخالت مقامات کشورهای حوزه خلیج فارس در امور داوری آسیا و کمبود کرسی در کمیته داوران AFC حاصل گردید.

افزایش کمی و کیفی در بخش‌های مختلف یک سازمان مستلزم توسعه زیرساخت‌ها، امکانات و تجهیزات و توسعه منابع مالی و انسانی است. با توجه به نتایج این تحقیق، کشور ایران دارای حداکثر تعداد داور ممکن در فهرست بین‌المللی می‌باشد و قضاوت‌های مسابقات مهم آسیایی و جهانی به تیم داوری ایران سپرده شده است، ولی در حال حاضر فقط ۲ داور و ۴ کمک داور در سطح مسابقات رده A آسیا از ایران قضاوت می‌کنند که این کافی نیست، چرا که تعداد داوران سطح A کشورهای دیگر آسیایی از جمله کره جنوبی، ژاپن، قطر، استرالیا، ازبکستان، سنگاپور و... از ایران بیشتر است. پس ضروری است کمیته داوران فدراسیون فوتبال نسبت به انجام رایزنی‌های لازم با ارکان داوری FIFA و AFC اقدام نماید و زمینه را جهت افزایش داوران سطح اول آسیا و جهان فراهم نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود نسبت به برگزاری همایش‌های بین‌المللی داوری در ایران اقدام شود تا امکان حضور ارکان داوری آسیا و جهان در ایران فراهم گردد و بتوان رایزنی‌های لازم را در کشور انجام داد. همچنین ضروری است که فدراسیون فوتبال ایران هر چه زودتر صاحب کرسی در کمیته داوران AFC و FIFA شود تا از حق داوران ایرانی در مجامع جهانی دفاع شود.

راهبرد ST4: تعامل با مراکز آکادمیک و دانش‌بنیان نمودن رشته داوری فوتبال

این راهبرد از ترکیب قوت‌های رشد تحصیلات و سطح علمی داوران در سال‌های اخیر، توجه ویژه به جوانان و سرمایه‌گذاری روی افراد مستعد، دارا بودن ذخیره ارزشمند انسانی، کارآمد، متعهد، خبره و با تجربه در عرصه داوری و تهدیدهای سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها، کمبود توجه ارکان فدراسیون به حوزه داوری، عدم وجود زمینه لازم برای حرفه‌ای شدن داوران فوتبال و عدم دیدگاه مناسب بازیکنان، مربیان و تماشاگران نسبت به تخصصی بودن حرفه داوری فوتبال حاصل گردید.

در دنیای امروز، پیشرفت و توسعه کشورها بر پایه علم و دانش بنا شده است. پژوهش باید اساس همه حرکت‌های و تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد (مظفری و همکاران، ۱۳۹۱). موفقیت در این زمینه‌ها زمانی پدیدار می‌شود که چارچوب پژوهشی نظام‌مند با راهبردها و سیاست‌های مشخص ایجاد و پشتیبانی شود. در سال‌های اخیر با ازدیاد دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی در گرایش‌های مختلف علوم ورزشی پتانسیل بالا و بالقوه‌ای در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های این بخش ایجاد شده است. با تقویت و هدایت این پژوهش‌ها، برگزاری همایش‌های علمی و با توجه به شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در این مطالعه و نیز موارد موجود از سایر کشورها، این گونه برداشت می‌شود که شکل‌گیری این راهبرد بتواند نقش بسزایی در توسعه داوری فوتبال کشور ایفا کند. همچنین با توجه به اینکه جامعه دانش‌آموزی و دانشجویی وسیع و گسترده است و وجود توانمندی‌های بسیار زیاد در ورزش دانشگاهی کشور، کمیته داوران فدراسیون فوتبال می‌تواند با تعامل و همکاری فدراسیون ورزش دانشجویی و وزارت آموزش و پرورش از این پتانسیل بالقوه استفاده نماید و با برگزاری دوره‌های آموزشی و قرار دادن واحد داوری فوتبال برای دانشجویان در جهت توسعه و پیشرفت داوری فوتبال و به بار نشستن این راهبرد گامی موثر بردارد.

راهبرد ST5: طراحی نظام ارزیابی عملکرد و توسعه سیستم اطلاعات داوری فوتبال کشور

این راهبرد از ترکیب قوت‌های وجود دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مشخص جهت آموزش و برگزاری کلاس‌های ارتقای داوری، امکان استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته و دسترسی سریع داوران به تغییرات قوانین، ارسال به موقع ابلاغ‌های داوری و تهدیدهای سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها، وسعت جغرافیایی ایران و مشکلات حمل و نقل، کمبود توجه ارکان فدراسیون به حوزه داوری و عدم وجود زمینه لازم برای حرفه‌ای شدن داوران فوتبال حاصل گردید.

بدون داشتن مدیریت و ارزیابی عملکرد، اجرای برنامه امکان‌پذیر نمی‌باشد. در حال حاضر از مدل‌های گوناگون ارزیابی عملکرد مانند BSC و EFQM در سازمان‌های متعدد استفاده و بهره‌برداری می‌شود. بر این اساس، لازم است با تدوین معیارها و دستورالعمل‌های سنجش عملکرد داوران، ناظران و مدرسان داوری، طراحی اهداف کمی کمیته داوران فدراسیون فوتبال و تهیه اساسنامه تشویق و تجلیل از آنها، گام‌های نتیجه‌بخشی در اجرای برنامه توسعه و پیشرفت کمیته داوران انجام گیرد. با توجه به نتایج این پژوهش، کمیته داوران فدراسیون فوتبال باید نسبت به طراحی مکانیزم سیستم جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات (تعداد داور، ناظر، مدرس و ...) از پایین‌ترین سطوح داوری فدراسیون و به‌روز شدن اطلاعات دریافتی اقدام

نماید تا در صورت نیاز به سهولت بتوان به آنها دسترسی پیدا کرد. همچنین می‌توان با راه اندازی نرم‌افزار و شبکه اینترنتی جهت ثبت و ارسال گزارشات داوران و ناظران و ارائه برخی خدمات فدراسیون به صورت الکترونیک (صدور ابلاغ، مدارک مسابقات و ...) به سهولت کار و عدم استفاده از سیستم سنتی و استفاده از کاغذ اقدام نماید.

راهبرد ST6: توسعه و پرورش مدرسان و ناظران داوری مورد نیاز کمیته داوران

این راهبرد از ترکیب قوت‌های دارا بودن ذخیره ارزشمند انسانی، کارآمد، متعهد، خبره و با تجربه در عرصه داوری، وجود پیشکسوتان خبره داوری، اساتید متخصص و کارآمد در سطح داوری کشور و تهدیدهای سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها، وجود اختلافات عدیده بین پیشکسوتان و بزرگان داوری و کشاندن آن به رسانه‌ها حاصل گردید.

در زمینه آموزش و پرورش داوران، استفاده از مدیران راهبردمحور، مدرسان مجرب و کارآزموده، ناظران متعهد و متخصص امری ناگزیر خواهد بود. در جهت پیاده‌سازی راهبرد مورد نظر، لازم است کمیته داوران فدراسیون فوتبال برنامه مدونی را برای شناسایی، جذب، حفظ و نگهداری، آموزش، ارزیابی و پشتیبانی ویژه هر یک از منابع انسانی به‌خصوص مدرسان و ناظران داوری فوتبال با یک نگرش برنامه‌محور طراحی و تدوین نماید. تردیدی وجود ندارد که برای افزایش سطح کیفی آموزش داوران باید سطح دانش فنی مدرسان و ناظران ارتقا پیدا کند. با توجه به پویایی علوم ورزشی و پیشرفت‌های روزانه علمی نباید مدرسان و ناظران دانش آموخته را به حال خود رها کرد، بلکه باید زمینه به‌روز شدن اطلاعات فنی و علمی ایشان را از طریق همکاری روزافزون با مراکز بین‌المللی داوری فوتبال و اساتید دانشگاهی فراهم آورد. کمیته داوران فدراسیون فوتبال می‌تواند با برگزاری کارگاه‌های علمی - آموزشی، ارتقای همایش‌ها، افزایش تعداد کلاس‌های دانش‌افزایی و بازآموزی و استفاده از اساتید دانشگاهی، شالوده اساسی را برای پرورش و رشد مدرسان و ناظران سراسر کشور فراهم کند. عملکرد داوران ایرانی در سطح ملی و بین‌المللی هم می‌تواند بیانگر آن باشد که مدرسان و ناظران داوری ایران از نظر فنی در چه سطح از توانایی هستند. یکی از راهکارهایی که کمیته داوران فدراسیون فوتبال برای افزایش توان فنی مدرسان و ناظران داوری فوتبال می‌تواند به‌کار گیرد، برقراری ارتباط‌های موثر و گسترده با کشورهای پیشرفته، تبادل اطلاعات و بهره‌مندی از توان علمی و فنی این کشورها برای آموزش است.

راهبرد WO1: توسعه امکانات و تجهیزات داوری جهت کمک به قضاوت

این راهبرد از ترکیب ضعف عدم اختصاص درآمد حامی مالی به کمیته داوری و داوران و فرصت امکان استفاده از سیستم VAR (ورود و توسعه فناوری در داوری) حاصل گردید. کاملاً واضح است که مدیریت و پیاده‌سازی شایسته و پیروزمند برنامه‌های کمیته داوران فدراسیون فوتبال متضمن فراهم آوردن مجموعه‌ای از شرایط و امکانات است. در نوک پیکان همه این شرایط، ایجاد، توسعه، بهره‌برداری مطلوب و فراهم ساختن تجهیزات و تسهیلات لازم به منظور دسترسی آسان داوران فوتبال لازم است - که این خود نیازمند تامین بودجه مورد نیاز می‌باشد. اگرچه کمیته داوران فدراسیون فوتبال دارای حامی مالی است، اما این بودجه برای توسعه، آموزش و گسترش داوری فوتبال در اختیار این کمیته گذاشته نمی‌شود. با توجه به اقتصاد دولتی حاکم بر ورزش کشور و عد تحقق دستیابی به منابع مالی FIFA و AFC به واسطه تحریم‌ها، فدراسیون فوتبال باید به دنبال راهکارهایی برای بهبود توان مالی خود باشد تا کمیته داوران نیز بتواند از منابع مالی حامیان خود در جهت فراهم‌آوری تجهیزات و امکانات مورد نیاز داوران اقدام نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود فدراسیون فوتبال با انجام مکاتبات و رایزنی با FIFA در جهت تامین تجهیزات مورد نیاز داوری از جمله سیستم رادیویی، ساعت پلار و ... اقدام نماید. امروزه در برخی از مسابقات رشته‌های ورزشی از فناوری استفاده می‌شود که اخیراً نیز در فوتبال استفاده از سیستم کمک داور ویدیویی VAR به قانون تبدیل گردیده و کشورها باید این سیستم را در فوتبال خود پیاده‌سازی نمایند. لذا پیشنهاد می‌شود فدراسیون فوتبال با رایزنی با وزارت ورزش و جوانان و همچنین تامین منابع مالی از طریق حامی مالی نسبت به فراهم‌سازی سیستم مذکور جهت استفاده در مسابقات لیگ برتر اقدام نماید، چرا که عدم وجود آن باعث عقب ماندن فوتبال کشور از فوتبال روز دنیا می‌گردد.

راهبرد WT1: ایجاد نظام جبران خدمات

این راهبرد از ترکیب ضعف‌های دستمزد کم و حق‌الزحمه ناکافی داوران، مشکلات در نحوه و زمان پرداخت دستمزدها، عدم اختصاص درآمد حامی مالی به کمیته داوری و داوران و تهدیدهای کمبود توجه ارکان فدراسیون به حوزه داوری، اختلاف زیاد بین درآمد مالی بازیکنان با داوران، شناخته نشدن داوری به عنوان شغل رسمی و عدم بیمه شغلی داوران حاصل گردید. از دیدگاه مدیران، جبران خدمات کارمندان امری ضروری است و نه تنها باعث تشویق کارمندان می‌شود، بلکه کارایی آنان را نیز بهبود می‌بخشد. پاداش و مزایای خوب می‌تواند به جذب و حفظ کارمندان کمک کند. کارمندان انتظار دارند که پاداش و دستمزد آنها منصفانه باشد و هزینه‌های زندگی آن‌ها را پوشش دهد و با تورم هماهنگی داشته باشد. طرح جبران

خدمات کارمندان به ارزش‌ها و فرهنگ‌های شرکت نیز توجه می‌کند. کارمندان معمولاً به آنچه شرکت به آن‌ها می‌پردازد توجه دارند. در بسیاری از موارد، افراد بر اساس پاداشی که دریافت می‌کنند، رفتار می‌نمایند. طرح جبران خدمات کارمندان، برای تحقق ارزش‌های سازمان ضروری است. به عنوان مثال، اگر کیفیت برای شرکت یک ارزش باشد، باید از طریق سیستم جبران خدمات کارمندان در مواردی که کار آن‌ها به بهبود کیفیت منجر می‌شود، از آن‌ها قدردانی گردد. با توجه به یافته‌های این تحقیق، متأسفانه جبران خدمات داوران به گونه مطلوب انجام نمی‌گیرد که این امر باعث کاهش انگیزه داوران شده است - در حالی که در سایر کشورهای صاحب فوتبال آسیا و حوزه خلیج فارس داوران از دستمزدهای بسیار بالا و امکانات رفاهی بسیار مناسبی برخوردارند. از این رو پیشنهاد می‌گردد فدراسیون فوتبال نسبت به افزایش و پرداخت دستمزدها به صورت ماهیانه، بیمه شغلی داوران، اعطای وام‌های کم بهره از طریق ریزنی با حامی مالی و ارائه تسهیلات رفاهی دیگر به داوران اقدام نماید تا باعث افزایش انگیزه و رشد و شکوفایی داوران در میدان داخلی و خارجی گردد.

راهبرد WT2: طراحی مکانیزم مبتنی بر عدالت جهت گزینش داوران لیگ‌های مختلف کشور

این راهبرد از ترکیب ضعف‌های ارزیابی نادرست و سلیقه‌ای ناظران داوری و به‌روز نبودن برخی از آنان، وجود اختلافات بین کمیته و دپارتمان داوری و عدم اجرای درست و تداخل وظایف، استفاده بعضی داوران از روابط برای قضاوت در سطوح بالا، برخورد ناصحیح بعضی از اعضای دپارتمان و کمیته با داوران و تهدیدهای سرمایه‌گذاری و پیشرفت حوزه داوری در سایر کشورها، وسعت جغرافیایی ایران و مشکلات حمل و نقل و عدم وجود زمینه لازم برای حرفه‌ای شدن داوران فوتبال حاصل گردید. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، نحوه چیدمان و ارتقای داوران متأسفانه به صورت سیستماتیک و نظام‌مند نمی‌باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود کمیته داوران فدراسیون فوتبال نسبت به طراحی نرم افزار چیدمان داوری اقدام نماید تا در گزینش و چینش داوران و کاهش خطاها و اشتباهات ممکن کمک نماید. همچنین با تدوین آیین نامه‌های منسجم و عملیاتی جهت تعریف جایگاه داوران در لیگ‌های مختلف و چگونگی ارتقای آنها اقدام نماید تا بتواند عدالت را در مورد فرد فرد داوران سراسر کشور عملی نماید.

منابع

- اسکندری، امین؛ پرومند، محمدرضا؛ فضلی درزی، اعظم و مرادی، مسعود. (۱۳۹۴). «تأثیر عوامل امکانات و تجهیزات، شرایط زمانی و جوی بر عملکرد داوران فوتبال در لیگ‌های ایران». کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. استانبول.

- اعرابی، محمد؛ آقازاده، هاشم و نظامی وند چگینی، هوشنگ. (۱۳۸۵). *دستنامه برنامه‌ریزی راهبردی*. چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ایوانکوویچ، برانکو. (۱۳۸۱). «*تجزیه و تحلیل وضعیت فوتبال ایران*». اولین همایش علم و فوتبال. تهران.
- دیوید، ف. آ. (۱۳۸۸). *مدیریت راهبرد*. وارسیان ع و اعرابی، س. م. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- رفیعی، امید؛ علی دوست قهفرخی، ابراهیم و جعفری حجین، افسر. ۱۳۹۷. «*عوامل بازدارنده موثر بر نحوه قضاوت داوران فوتبال ایران*». پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. دوره ۱۴، شماره ۲۷، صص ۱۵۵-۱۶۵
- نادری نسب، مهدی؛ احسانی، محمد؛ خیبری، محمد؛ امیری، مجتبی و قره خانی، حسن. (۱۳۸۹). «*بررسی وضعیت موجود فوتبال جمهوری اسلامی ایران و تعیین موقعیت راهبردی فوتبال کشور*». مدیریت ورزشی. شماره ۹، صص ۲۷-۵.
- عبدی، حامد؛ جلالی فراهانی، مجید و سجادی، سید نصراله. (۱۳۸۹). «*مطالعه تطبیقی وضعیت داوری فوتبال در ایران و انگلستان*». مدیریت ورزشی. شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۳۵.
- غلامیان، جواد؛ گلزار، سمیه؛ حسینی، مهسا و طالب پور، مهدی. (۱۳۸۸). «*بررسی فرسودگی ناشی از قضاوت در داوران ملی و بین‌المللی فوتبال ایران و رابطه آن با میزان استرس*». نشریه مدیریت ورزشی. ۱، صص ۱۴۱-۱۵۷.
- فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA). سایت فدراسیون. www.FIFA.Com
- کهایش، ایمان؛ رستگارمنش، حسن؛ رفیعی دهبیدی، وحید و کهایش، آرام. (۱۳۹۷). «*بررسی ارتباط بین سبک مدیریت مدیران با عملکرد شغلی داوران لیگ برتر فوتبال*». دومین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت. اهواز.
- مظفری، امیراحمد؛ الهی، علیرضا عباسی، شهامت؛ احدپور، هنگامه و رضایی، زین‌العابدین. (۱۳۹۱). «*راهبردهای توسعه نظام ورزش قهرمانی ایران*». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی پژوهشکده تربیت بدنی. شماره ۱۳، صص ۳۳-۴۸.
- Abdel-Basset, M., Mohamed, M., & Smarandache, F. (2018). "An extension of neutrosophic AHP-SWOT analysis for strategic planning and decision-making". *Symmetry*, 10(4), 116-134
- Bryan, David. (2004). "The study of social welfare of football's referees in European countries league". www.uefa.com
- Can, Y., Bayansalduz, M., Soyer, F., & Pacali, S. (2014). "Turkish adaptation of soccer referee decision satisfaction scale (SRDSS)". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 152, 756-760.
- Catteeuw, P., Gilis, B., Garcia-Aranda, J. M., Tresaco, F., Wagemans, J., & Helsen, W. (2010). "Offside decision making in the 2002 and 2006 FIFA World Cups". *Journal of sports sciences*, 28(10), 1027-1032.
- Chandler, A. D. (1990). *Strategy and structure: Chapters in the history of the industrial enterprise*. (Vol. 120). MIT press.
- Dawson, P., Dobson, S., Goddard, J., & Wilson, J. (2007). "Are Football Referees Really Biased and Inconsistent? Evidence on the Incidence of Disciplinary Sanction in the English Premier League". *Journal of the Royal Statistical Society: Series A-Statistics in Society*, 170(1), 231-250.
- Drucker, P. (1996). *The Practice of Management*. New York: Harper Collins, Elsevier, London. P: 19-37.
- Football Association of Ireland © 2001 - 2019. All Rights Reserved, 2020-2025 FAI Referee Strategic Plan officially launches Football Association of Ireland .
- Gulec, U., & Yilmaz, M. (2016). "A serious game for improving the decision making skills and knowledge levels of Turkish football referees according to the laws of the game". SpringerPlus, 5(1), 622.
- IFAB. (2019). *Laws of the Game 2019/20*. Zurich: The International Football Association Board.

- Johansen, B. T. (2015). **“Reasons for officiating soccer: the role of passion-based motivations among Norwegian elite and non-elite referees”**. Movement & Sport Sciences-Science & Motricité, (87), 23-30.
- KPMG (2016). **Football clubs' valuation: The European elite 2016**.
- Lain, Andy. (2007). **“Effect of crowded stadium on football's referees designs”**. www.fifa.com.
- Nickols, F. (2016). **“Strategy, strategic management, strategic planning and strategic thinking”**. Management Journal, 1(1), 4-7
- Pina, J. A., Passos, A., Araujo, D., & Maynard, M. T. (2018). **“Football refereeing: An integrative review”**. Psychology of Sport and Exercise, 35, 10-26.
- Terekli, M. S., & Çobanoglu, H. O. (2019). **“Mental Education of Football Referees: Mental Suitcase of Modern Football Referees”**. International Education Studies, 12(3), 105-115.
- Verstraeten, O., and S. Baert (2018). **“Twelve Eyes See More than Eight. Referee Bias and the Introduction of Additional Assistant Referees in Soccer”**. GLO Discussion Paper Series, 313.
- Webb, T., Wagstaff, C. R., Rayner, M., & Thelwell, R. (2016). **“Leading elite association football referees: Challenges in the cross-cultural organization of a geographically dispersed group”**. Managing Sport and Leisure, 21(3), 105-123.
- Wicker, P., & Frick, B. (2016). **“Recruitment and retention of referees in nonprofit sport organizations: The trickle-down effect of role models”**. VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations, 27(3), 1304-1322.
- Weston, M., Castagna, C., & Impellizzeri, F. M. (2010). **“Ageing and physical match performance in English Premier League soccer referees”**. Journal of Science and Medicine in Sport, 13, 96-100.
- Wilson, J. (2010). **“Soccer could use instant replay, but not at expense of sports flow”**. [online].available
- Yong, Jee. (2007). **“The influence of motivation on professional athletes function”**. Journal of science and medicine in sport, PP:322-332
- Zeon, Breivik. (2003). **“The study of referees fouls in professional football matches”**. Journal of sport management, PP:256-263

طراحی مدلی مناسب در ورزش سوارکاری ایران

علی چوری^۱

سید محمدحسین رضوی^۲

مرتضی دوستی^۳

فرزام فرزاد^۴



10.22034/SSYS.2022.1180.1814

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۷/۱۹

شناسایی روندها و پیشران‌های اصلی موثر و شناخت مدلی مناسب می‌تواند در آینده ورزش سوارکاری و صنعت اسب تاثیرگذار باشد. لذا هدف از پژوهش حاضر، طراحی الگوی مناسب در ورزش سوارکاری است. بدین منظور یک طرح آمیخته اکتشافی در دو فاز کیفی (۲۶ نفر) به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و فاز کمی (۳۹۵ نفر) با استفاده از نمونه‌برداری تصادفی ساده انجام گرفت. جامعه پژوهش شامل افراد آگاه در حوزه صنعت اسب و سوارکاری بودند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق‌ساخته با ۸ پیشران مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، علم و فناوری، قانونی، محیط زیست، کالبدی و صنعت اسب در قالب مقیاس لیکرت ۵ ارزشی استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار smartPLS بهره‌گیری شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که در پیشران‌های مدیریتی $t = 4.470; \beta = 0.189; P < 0.01$ پیشران اقتصادی $t = 3.903; \beta = 0.199; P < 0.01$ مهمترین مولفه‌های اصلی تبیین‌کننده الگوی مسیر در ورزش سوارکاری بودند. لذا با توجه به نتایج تحقیقات حاضر تهیه پروفایل مناسب از روندهای موثر در قالب پیشران‌های یادشده و همچنین هماهنگی بین سازمان‌ها ازجمله وزارت ورزش جوانان، وزارت جهاد کشاورزی و فدراسیون سوارکاری می‌توان آینده درخشانی را در حوزه صنعت اسب و سوارکاری متصور شد.

واژگان کلیدی: طراحی مدل، صنعت اسب و ورزش سوارکاری.

^۱ استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Alichorli@yahoo.com

^۲ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

^۳ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

^۴ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

مقدمه

ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، نقش اساسی در زندگی بشر دارد. ورزش به عنوان یک فرهنگ و هویت ملی شناخته شده است. امروزه ورزش را با ورزش‌های همگانی، پرورشی، قهرمانی و حرفه‌ای در جوامع می‌شناسند (کاشف، سید عامری، احمدی و معرفت، ۱۳۹۷) و دی بوسچر و همکاران، ۲۰۱۵). حضور اسب در فرهنگ کهن و تاریخ نمایان است. با توجه به اینکه در اسلام به سوارکاری زیاد تاکید شده، در حال حاضر به عنوان یک رشته ورزشی مهیج در ایران محسوب می‌گردد. ورزش سوارکاری از زمان‌های گذشته با دو کاربرد استفاده در کار و تفریح رواج داشته است. پیشرفت جوامع و علفه‌ای که انسان‌ها به بعضی حیوانات از جمله اسب دارند، باعث شده است که در کنار تفریح و پر کردن اوقات فراغت به ورزش سوارکاری رو آورند. سوارکاری از جمله ورزش‌هایی است که سابقه طولانی در ایران دارد و طی چند دهه گذشته به آن توجه خاصی شده است، اما متأسفانه در تمام نقاط کشور از جایگاه مناسب اجتماعی و اقتصادی خوبی برخوردار نیست. اسب در مناطق محدودی از ایران جایگاه خاص خود را دارد. در لرستان در مراسم مختلف از اسب استفاده می‌شود. در خراسان اسب در بین مردم این منطقه طرفدارهای خاص خودش را دارد و با برگزاری جشنواره‌های زیبایی اسب بر جذابیت آن می‌افزاید. در استان گلستان برگزاری مسابقات کورس در مجموعه سوارکاری و برگزاری جشنواره اسب‌های ورزشی طرفداران بی‌شماری از تمام کشور را دارد (مخدومی، پورغفور لتگروودی، مازندرانی و میربهبهانی، ۱۳۹۰).

صنعت اسب به عنوان یک صنعت پول ساز برای کشورهای همچون آمریکا، استرالیا و بیشتر کشورهای اروپایی است و با توجه به شیوه نگهداری استاندارد، به لحاظ اقتصادی برای کشورها شناخته شده است. تبلیغات و رسانه‌های جمعی با نمایش و برگزاری جشنواره‌های مربوط به اسب به نوعی بازاری برای این صنعت ایجاد کردند. در کشورهای همچون انگلستان، صنعت اسب عامل مهم رونق اقتصادی است. در این کشور راهبردهای ده ساله برای توسعه صنعت اسب، بهداشت و رفاه اسب و حفظ نژادهای بومی و اصیل تدوین شده و در حال اجراست. کشور انگلستان در سال‌های اخیر دارای ۵۰۰۰ مرکز پرورش اسب است که این امر ضمن ایجاد اشتغال‌زایی برای بیش از ۲۵۰۰۰ نفر، توانسته سودی اقتصادی برابر با ۴ میلیارد پوند ایجاد کند. همچنین از صنعت اسب به عنوان عامل اقتصادی به‌ویژه در شکوفایی و رونق اقتصادی مناطق روستایی بهره می‌گیرد. میزان تأثیر صنعت اسب بر تولید ناخالص داخلی آمریکا بیش از ۱۰۱ میلیارد دلار برآورد شده است. اسپانیا با داشتن ۵۰۰ هزار راس اسب و ۹ هزار پرورش‌دهنده در کنار ۵۰ هزار کسب‌وکار مرتبط با اسب، نشان از اهمیت بخش اسب در این کشور اروپایی دارد (مولادوست و

مقدسی، ۱۳۹۴). کشورهایی همچون آلمان و فرانسه که جمعیت زیادی از اسب‌های ورزشی دارند، اغلب صادرکننده اسب هستند، در حالی که کشورهای کم جمعیت واردات اسب را انجام می‌دهند. رولت و همکاران^۱، (۲۰۱۷) اذعان داشتند صنعت اسب‌های ورزشی به عنوان عامل اقتصادی در دنیا مطرح شده و با توجه به ارزش سودآور این صنعت در حوزه اقتصاد، هر کشور می‌تواند دخیل باشد. پهلوانزاده و محمدی استادکلایه (۱۳۹۰) بیان کردند که کشور ما می‌تواند در پرورش اسب و سوارکاری نقش بسیار مهمی را در شرایط اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند. دولت نیز از این دو لحاظ به عنوان یک رشته ورزشی تفریحی و اشتغال‌زایی به این صنعت اهمیت داده است و برای گسترش فعالیت‌های مرتبط با اسب تلاش می‌کند. مولادوست و همکاران (۱۳۹۷) تاکید داشتند که این ورزش نه تنها به عنوان یک رقابت سالم و مفید است، بلکه به عنوان سرگرمی و به منظور گذراندن اوقات فراغت مورد توجه اقشار مختلف جامعه قرار دارد- ولی نسبت به بسیاری از ورزش‌ها پر هزینه می‌باشد. اسب ترکمن و عرب ایرانی طرفداران بیشتری نسبت به نژادهای دره‌شوری، کرد، کاسپین و... دارد.

مسابقه سنتی سوارکاری از رویدادهای ورزشی شناخته شده است که در کشورهایی همچون آمریکا، انگلستان، استرالیا و دبی به عنوان پرتعدادترین و پرونق‌ترین ورزش شناخته شده است (کارکن و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به جایگاه ورزش سوارکاری در کشورهای مختلف، این ورزش توانسته محبوبیت بیشتری را به خود اختصاص دهد. در ایالات متحده هر سال ۳۰ میلیون نفر سوار اسب می‌شوند که این به نوعی جذاب و مفرح بودن این ورزش را بیان می‌کند. کشورهایی همچون آلمان و فرانسه که جمعیت زیادی از اسب‌های ورزشی دارند، اغلب صادرکننده اسب هستند- در حالی که کشورهای کم جمعیت واردات اسب را انجام می‌دهند (کنیون، آلدردیگ و فیلیپسون^۲، ۲۰۰۴). در تحقیقی کارکن و همکاران (۱۳۹۲) بیان کردند ورزش اسب‌سواری و توسعه آن به شکل حرفه‌ای در منطقه خلیج فارس به‌خصوص در میان کشورهای همسایه، تقریباً به یک دهه اخیر باز می‌گردد. در این میان دبی با ارتقای سطح این ورزش به استانداردهای جهانی تبدیل به یکی از قطب‌های اصلی اسب‌سواری در جهان شده است. همچنین مسابقات اسبدوانی از بزرگ‌ترین رویدادهای ورزشی در سطح جهان و از جذاب‌ترین ورزش‌ها در کشورهای آمریکا، استرالیا، انگلستان و دبی می‌باشد. اسبدوانی از پرونق‌ترین ورزش‌ها در این کشورها به‌شمار می‌رود و سالانه مسابقات زیادی در تمام فصول در این کشورها برگزار می‌شود و توانسته گردشگران

1 Roult and et

2 Koenen, Aldridge, Philipsson

زیادی را به خود جذب کند. مسابقات سالیانه کنتاکی و بریدرکاپ دو رویداد مهم اسبدوانی است که به صورت سالانه در آمریکا برگزار می‌شود. ورزش سوارکاری در استرالیا نیز از جایگاه ویژه و اصالت خوبی برخوردار است. شهر ملبورن از دیدگاه ورزشی بسیار فعال است و بزرگترین مسابقات اسبدوانی استرالیا با نام «ملبورن کاپ» در این شهر برگزار می‌شود. مسابقات اسبدوانی در ایران نیز برگزار می‌شود. استان گلستان و منطقه ترکمن صحرا که یکی از مقاصد گردشگری ورزشی کشور در زمینه برگزاری مسابقات اسبدوانی با سه پیست بین‌المللی و ملی است، طرفداران زیادی در منطقه دارد و از توانمندی‌ها و جاذبه‌های مهم گردشگری ورزشی استان گلستان جهت توسعه گردشگری ورزشی و جذب تعداد زیادی گردشگر محسوب می‌شود. همچنین یکی از مهمترین عوامل جهت جذب نیروی انسانی از جمله گردشگر داخلی و خارجی در اماکن ورزشی سوارکاری رعایت استانداردهای بهداشتی، ایمنی و محیط زیست می‌باشد. جواد ممشلی و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «ارائه مدل یکپارچه مدیریت (HSE¹) در اماکن ورزشی» دریافتند که با استقرار فناوری‌های مرتبط در سازمان‌ها و اماکن ورزشی الزامات بهداشتی، ایمنی و محیط زیستی بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از چالش‌های بزرگ در صنعت اسب و سوارکاری ایران عدم مدیریت یکپارچه و هماهنگی بین سازمان‌هایی از جمله وزارت جهاد کشاورزی جهت پرورش، اصلاح نژاد، واردات و صادرات و فدراسیون سوارکاری جهت آموزش چابکسوار و اسب‌های ورزشی و اعزام به مسابقات است، چرا که کشورهای از جمله آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و حتی کشورهای منطقه قطر و امارات توانسته‌اند ورزش‌های سوارکاری و مسابقات المپیک را از فعالیت‌های صنعت اسب جدا و مدیریت جداگانه‌ای برای بخش صنعت اسب و مسابقات اسبدوانی به نام «جاکی کلاب»^۲ معرفی کنند. در ایران آمار و اطلاعاتی در زمینه تولید، پرورش، تبارنامه کل اسب‌ها با نژادهای مختلف، ورود و خروج سالانه اسب‌ها به کشور، میکروچیپ گذاری، شرط‌بندی‌های غیر مجاز در مسابقات اسبدوانی و پژوهش‌های کاربردی در این صنعت و ورزش سوارکاری وجود ندارد، اما می‌توان در آینده با ورود دانشگاهیان بخش امور دام و متخصص ژنتیک اسب بیشتر مشکلات در این صنعت را مرتفع کرد. چالش بزرگ دیگر در این حوزه، عدم تعادل بین تقاضا و عرضه اسب‌ها به علت مشکلات مدیریتی در دو سازمان مدعی برای متولی صنعت اسب و ورزش سوارکاری است که این عدم تعادل با عدم تقارن اطلاعات مربوط به ویژگی‌ها، شرایط جسمی و سطح آموزش و تدارک اسب‌ها که

1 Environment, safety, health

2 Jockey Club

می تواند باعث کاهش چشمگیر تنوع زیستی در معرض توسعه پایدار صنعت اسب شود. همچنین اهمیت ندادن به برگزاری جشنواره های اسب های ورزشی و بازارهای محلی، منطقه ای و بین المللی برای گسترش فرهنگ، تبلیغ و توسعه برند اسب اصیل ایرانی و از همه مهمتر جذب گردشگر داخلی و خارجی در رشد منافع اقتصادی (سیگوداتیر، ۲۰۱۸) از طریق صنعت اسب کشور ما دارای ضعف عمده است. با توجه به پیشینه ورزشی و قهرمانی رشته سوارکاری و اسبدوانی که حتی نتوانسته ایم در مسابقات المپیک حضور پیدا کنیم، اهمیت برنامه ریزی راهبردی و آینده نگری در حوزه صنعت اسب و رشته های سوارکاری داخلی در زمینه های مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، علم و فنلوری، محیط زیست و کالبدی آشکار است. به نظر می رسد به منظور شناخت و آگاهی از روش های توسعه ورزش سوارکاری در کشور، نیاز به فعالیت های پژوهشی می باشد. بسیاری از تحقیقات موجود صرفا به بررسی وضعیت ورزش های چوگان و بیماری های ناشی از اسب در کشور پرداخته اند، درحالی که لازم است مطالعات جامعی توسط محققان کشورمان برای شناخت عوامل موثر و استفاده از یک مدل مفهومی برای ورزش سوارکاری و حوزه صنعت اسب صورت گیرد.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات میدانی است که به صورت آمیخته اکتشافی^۱ در دو فاز کیفی و کمی انجام شد. در فاز اول تحقیق به صورت کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با استفاده از نمونه گیری گلوله برفی^۲ تا دستیابی به اشباع نظری با خبرگان در حوزه صنعت اسب و سوارکاری ($N=26$) داده ها جمع آوری شد. بعد از استخراج روندهای حاصل از مرحله قبلی، روش دلفی در دو راند اجرا شد. روایی مرحله دلفی نیز از طریق ضریب توافق (بالای ۶۰ درصد) محاسبه و مورد تایید قرار گرفت. با توجه پژوهش های اندک در زمینه سوارکاری، پس از مصاحبه ۲۶، یک جلسه گروه کانونی در قالب بحث آزاد و گروهی به صورت هدفمند و هدایت شده متشکل از ۹ نفر از افراد متخصص و اساتید دانشگاه فعال در حوزه صنعت اسب در جامعه کیفی پژوهش تشکیل گردید تا به شناسایی کامل و تایید روندها از حوزه مورد نظر منجر شود. پس از شناسایی روندهای کلی مفاهیم، موارد مشابه و مشترک با یکدیگر مقایسه و در قالب پیشران های اصلی تحقیق قرار گرفتند. همچنین ممیزی فاز کیفی پژوهش با استفاده از روش پایایی کدگذار به شکل انتخاب دو مصاحبه در فاصله زمانی مشخص (۳۰ روز) حاکی از پایایی مطلوب اطلاعات مستخرج

1 Sequential-Exploratory Mixed Method Design

2 Snowfall Sampling

از فاز کیفی پژوهش بود ($\alpha=0/79-0/80$). در مرحله کمی پژوهش، از میان جامعه نامحدود شامل تولید کنندگان، اعضای فدراسیون، اعضای امور دام وزارت جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی، چابکسواران، مربیان، مہتران و تماشاگران خیرہ در حوزه صنعت اسب و سوارکاری، تعداد ۳۹۵ بہ عنوان نمونہ آماری و بہ صورت تصادفی سادہ برای تحلیل انتخاب شدند. پرسش نامہ اولیہ با توجہ بہ مرحلہ کیفی تدوین گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامہ بہ تایید ہفت نفر از اساتید رسید و روایی سازہ با استفادہ از تحلیل عاملی تاییدی مورد تایید قرار گرفت. پس از اطمینان شاخص ہای پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای گویہ ہای پرسش نامہ کہ بالاتر از ۰/۷ بودند، پرسشنامہ تحقیق در قالب ۶۰ روند در ۸ پیشران مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، علم و فناوری، قانونی، محیط زیست، کالبدی و صنعت اسب در قالب مقیاس لیکرت پنج ارزشی (۱: کاملاً مخالفم و یا بہ ندرت و ۵: کاملاً موافقم و یا اکثر مواقع) در اختیار نمونہ ہا قرار گرفت. برای تحلیل دادہ ہا در بخش کمی از آمار توصیفی و استنباطی با استفادہ از نرم افزار spss25 و برای تحلیل الگوی پژوهش از روش معادلات ساختاری با استفادہ از نرم افزار PLS-2 استفادہ گردید.

یافته های پژوهش

ویژگی های جمعیت شناختی در این پژوهش شامل جنس، سن، تحصیلات و زمینہ فعالیت (وضعیت شغلی در حوزه صنعت اسب و سوارکاری) بود کہ در دو مرحلہ کیفی و کمی اجرا شد.

جدول ۱: ویژگی های جمعیت شناختی در بخش آمار توصیفی

مراحل	کیفی		کمی	
ویژگی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۳	۸۸/۴۶	۳۰/۷
	زن	۳	۱۱/۵۴	۸۸
	زیر ۳۵	۴	۱۵/۳۸	۷۵
سن	۳۶-۴۵	۸	۳۰/۷۷	۱۰/۷
	۴۶-۵۵	۹	۳۴/۶۱	۱۲/۷
	بالای ۵۶	۵	۱۹/۲۳	۸۶
تحصیلات	دیپلم	۳	۱۱/۵۳	۵۲
	لیسانس	۷	۲۶/۹۲	۱۶/۷
	فوق لیسانس	۱۱	۴۲/۳۱	۱۲/۷
	دکتری	۵	۱۹/۲۳	۴۹
	تولید کننده	۶	۲۳/۰۷	۶۴

طراحی مدلی مناسب در ورزش سوارکاری ایران

۲/۵	۱۰	۱۵/۳۸	۴	فدراسیون	زمینه فعالیت
۶/۳	۲۵	۱۵/۳۸	۴	مدرس	
۵/۱	۲۰	۷/۹۶	۲	مدیریت دام	
۱۲/۷	۵۰	۱۹/۲۳	۵	مربی	
۶/۶	۲۶	۷/۹۶	۲	چابکسوار	
۲/۰	۸	۷/۹۶	۲	دامپزشک	
۴۸/۶	۱۹۲	۳/۴۸	۱	تماشاگر	

یافته‌ها در بخش آمار توصیفی در جدول ۱ نشان داد ۷۷/۷ درصد از حجم نمونه در مرحله کمی و ۸۸/۴۶ درصد در مرحله کیفی به مردان تعلق داشت. گروه‌های سنی شرکت‌کننده بین ۴۶ تا ۵۵ سال بیشترین حجم نمونه را با ۳۲/۲ درصد در مرحله کمی و ۳۴/۶۱ در مرحله کیفی به خود اختصاص دادند. افراد با تحصیلات لیسانس و فوق‌لیسانس در مرحله کمی و کیفی به ترتیب بیشترین حجم نمونه را با ۴۲/۳ و ۴۲/۳۱ درصد داشتند. همچنین افراد تماشاگر و تولیدکننده در مرحله کمی و کیفی به ترتیب بیشترین حجم نمونه را با ۴۸/۶ و ۲۳/۰۷ به خود اختصاص دادند.

جدول ۲: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی سازه‌های تحقیق

سازه	میانگین	میانه	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	انحراف معیار
عوامل اقتصادی	۳/۹۲	۳/۹۲	۲/۱۲	۵/۰۰	۰/۷۱۵
عوامل زیست محیطی	۲/۸۶	۳/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۱/۰۸۸
توسعه صنعت اسب	۳/۸۵	۳/۷۶	۲/۰۰	۵/۰۰	۰/۷۰۳
عوامل قانونی	۳/۷۲	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۰/۹۰۲
عوامل مدیریتی	۳/۰۲	۲/۹۴	۱/۶۳	۴/۸۸	۰/۸۴۰
عوامل کالبدی	۲/۶۷	۲/۶۷	۱/۰۰	۴/۶۷	۰/۹۰۶
عوامل اجتماعی و فرهنگی	۲/۸۶	۲/۷۷	۱/۴۴	۴/۸۲	۰/۸۳۸
عوامل فناوری	۳/۷۶	۳/۷۷	۲/۰	۵/۰	۰/۷۴۸

جدول ۲ نشان می‌دهد بیشترین میانگین مربوط به عوامل توسعه صنعت اسب (۳/۸۵) و کمترین میانگین مربوط به عوامل کالبدی (۲/۶۷) می‌باشد.

جدول ۳، شاخص مرکزی و عدم پراکندگی بین سازه‌های تحقیق را نشان می‌دهد. روایی مدل اندازه‌گیری با روایی همگرا و روایی افتراقی سنجیده شده است. همچنین نتایج ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری سازه‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج ارزیابی برازش الگوی تفهیمی پژوهش بر اساس شاخص‌های سه‌گانه لاکر و فورنل

سازه ها	سوال	بارعاملی	T	AVE	CR	X
عوامل مدیریتی	Q1-Q15	۰/۶۸Q≥	۱۹/۹۷۱(۱/۹۶۴±)	۰/۷۸۱	۰/۹۸۲	۰/۹۸۰
عوامل فرهنگی و اجتماعی	Q16-Q24	۰/۶۹Q≥	۴۱/۳۹۸(۱/۹۶۴±)	۰/۷۲۵	۰/۹۵۹	۰/۹۵۲
عوامل اقتصادی	Q25-Q33	۰/۸۴Q≥	۵۳/۱۲(۱/۹۶۴±)	۰/۸۷۳	۰/۹۸۴	۰/۹۸۲
عوامل فناوری	Q34-Q37	≥۰/۹Q	۸۱/۴۸(۱/۹۶۴±)	۰/۹۰۱	۰/۹۷۳	۰/۹۶۳
عوامل قانونی	Q38-Q45	۰/۸Q≥	۲۹/۱۶(۱/۹۶۴±)	۰/۸۲۰	۰/۹۷۳	۰/۹۶۹
عوامل زیست محیطی	Q46-Q50	۰/۸۹Q≥	۶۳/۹۹(۱/۹۶۴±)	۰/۹۱۰	۰/۹۸۱	۰/۹۷۵
عوامل کالبدی	Q51-Q56	۰/۷۳Q≥	۲۰/۷۲(۱/۹۶۴±)	۰/۷۱۸	۰/۹۳۸	۰/۹۲۱
عوامل توسعه صنعت اسب	Q57-Q60	۰/۸۵Q≥	۷۰/۹۸(۱/۹۶۴±)	۰/۸۲۰	۰/۹۴۸	۰/۹۲۷

بر مبنای جدول ۳، اگر بار عاملی و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ باشند، روایی همگرا تایید می‌شود. بارهای عاملی متغیرهای مشاهده‌شده روی سازه‌های مرتبط بیشتر از حداقل مقدار قابل قبول بوده و همه آن‌ها در سطح خطای ۱ درصد معنادار هستند. مقادیر میانگین واریانس استخراج شده برای همه سازه‌ها، بالاتر از ۰/۵ است. در نتیجه روایی همگرایی همه سازه‌ها تأیید می‌شود. همچنین پایایی ترکیبی به دست آمده بیشتر از ۰/۹ برای تمامی سازه‌ها نشان می‌دهد که سازگاری درونی سازه‌های مورد مطالعه، مقادیر مطلوبی دارند (هنسلر، رینگل و سینکوویچ، ۲۰۰۹). در کنار ارزیابی روایی همگرا و پایایی، ارزیابی کامل ابزار اندازه‌گیری به بررسی روایی و اگر نیاز دارد. معیار فرنل و لارکر (۱۹۸۱) برای ارزیابی روایی و اگر سازه‌ها به کار رفته است؛ به این معنی که ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده یک سازه خاص باید از ضریب همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها بزرگتر باشد (ریگدان، رینگل، سارست و گودرگان، ۲۰۱۱، هنسلر، رینگل و سینکوویچ، ۲۰۰۹)، به این ترتیب که هر سازه (متغیر مکنون) نسبت به سایر سازه‌ها با مجموعه شاخص خودشان، بیشترین واریانس را با مجموعه شاخص‌های مربوط به خود به

اشتراک می‌گذارد (هنسلر و همکاران، ۲۰۰۹). جدول ۳ نتایج روایی واگرا با معیار فرنل و لارکر (۱۹۸۱) برای سازه‌های تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول ۴: روایی افتراقی سازه‌ها

سازه‌ها	مدیریتی	اجتماعی فرهنگی	اقتصادی	فناوری	قانونی	محیط زیست	کالبدی	صنعت اسب
عوامل اقتصادی	۰/۹۳۴							
عوامل زیست محیطی	۰/۰۶۱	۰/۹۵۴						
توسعه صنعت اسب	۰/۲۴۱	۰/۱۹۲	۰/۹۰۶					
عوامل قانونی	-۰/۰۵۲	-۰/۰۴۷	۰/۲۱۱	۰/۹۰۵				
عوامل مدیریتی	۰/۱۱۴	۰/۰۹۳	۰/۴۱۱	۰/۱۷۳	۰/۸۸۴			
عوامل کالبدی	-۰/۰۲۱	۰/۰۴۲	۰/۳۴۳	۰/۱۳۶	۰/۵۵۷	۰/۸۴۷		
عوامل اجتماعی و فرهنگی	۰/۰۸۰	۰/۰۳۷	۰/۳۲۲	۰/۰۲۸	۰/۴۲۳	۰/۴۳۰	۰/۸۵۱	
عوامل علم و فناوری	۰/۱۱۲	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳۱	۰/۰۲۳	۰/۰۵۸	۰/۰۵۳	۰/۰۴۸	۰/۹۴۹

* مقادیر قطری جذر AVE را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده برای تمامی سازه‌ها، بیشتر از همبستگی با سایر سازه‌هاست. به عبارت دیگر، معیار فرنل و لارکر (۱۹۸۱) در تمامی سازه‌ها محقق شده است. بنابراین روایی افتراقی سازه‌ها تأیید می‌گردد. همچنین این جدول نشان می‌دهد بین سازه‌ها همخطی وجود ندارد، چون ضرایب همبستگی کمتر از ۰/۷ هستند.

در ارزیابی مدل ساختاری، معناداری ضرایب مسیر مدل تحقیق با ۵۰۰۰ نمونه‌گیری متوالی با حجم ۳۹۵ نفر، مطابق نظر هایر، رینگل و سارست (۲۰۱۱) ارزیابی شد. اصلی‌ترین معیار در ارزیابی مدل ساختاری، ضریب تعیین می‌باشد که به مقدار واریانس تبیین شده توسط سازه‌های برون‌زا اشاره دارد (هایر، سارست، رینگل و منا، ۲۰۱۲). در نهایت قابلیت پیش‌بینی مدل نیز با استفاده از آزمون ناپارامتری استون گیسر مورد ارزیابی قرار گرفت. در آزمون استون گیسر دو مقدار (مقادیر Q^2) ارائه می‌شود: افزونگی با روایی متقاطع^۱ و اشتراک با روایی متقاطع^۲. مقدار افزونگی با روایی متقاطع به ارزیابی مدل ساختاری و مقدار اشتراک با

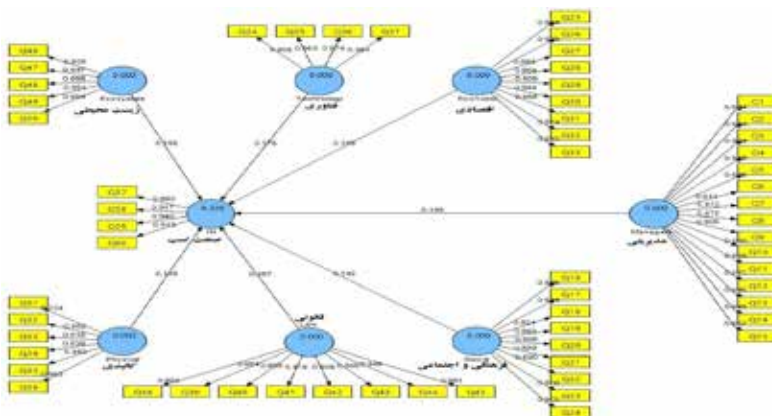
1 Cross-Validated Redundancy (CV.Red)
2 Cross-Validated Communalilty (Cv.Com)

روایی متقاطع به ارزیابی مدل سنجش می‌پردازد. پیش‌بینی به وسیله افزونگی با روایی متقاطع کاملاً متناسب با رویکرد حداقل مربعات جزئی در مدل معادلات ساختاری است (هایر و همکاران، ۲۰۱۲). Q^2 مثبت و بزرگ، نشان از قابلیت بالای پیش‌بینی مدل دارد و مقادیر Q^2 منفی نشان‌دهنده تخمین بسیار ضعیف متغیر پنهان است (وونگ، ۲۰۱۳). ضرایب تعیین و مقادیر Q^2 ، ضرایب مسیر و مقادیر آماره تی مدل تحقیق به ترتیب در جدول ۵ و اشکال ۱ و ۲ نشان داده شده است:

جدول ۵: مقادیر ضرایب تعیین و افزونگی با روایی متقاطع

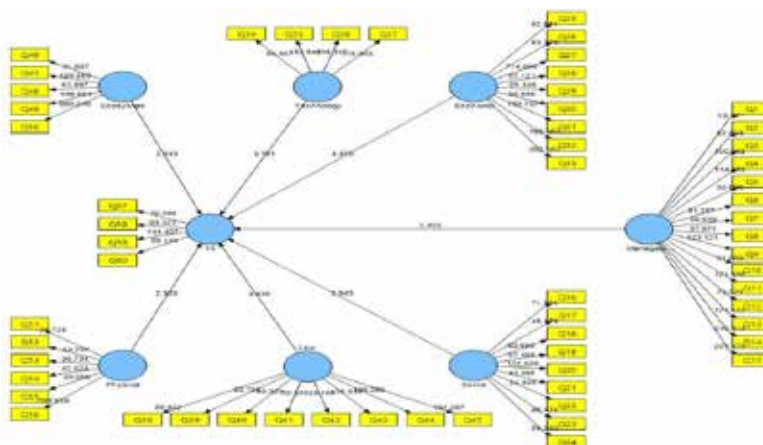
سازه‌ها	ضریب تعیین (R^2)	CV.Red
توسعه صنعت اسب	۰/۳۲۶	۰/۲۶۷

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد ۳۲/۶ درصد از تغییرات سازه توسعه صنعت اسب، توسط سازه‌های واردشونده به آن تبیین می‌شود. مقدار CV.Red نیز منفی نبوده و حداقل مقادیر لازم برای پیش-بینی، برآورده شده است.



شکل ۱: ضرایب مسیر مدل تحقیق

طراحی مدلی مناسب در ورزش سوارکاری ایران



شکل ۲: مقادیر آماره تی مدل تحقیق

تأثیر پیشران‌ها با استفاده از آماره تی

در این بخش، سوالات تحقیق به وسیله آماره تی مورد آزمون قرار گرفته‌اند. چنانچه مقدار آماره تی برای مسیری (سوال) بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این مسیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و تأثیرگذاری موردنظر تایید می‌شود. جدول ۶، نتایج حاصل از آزمون تی را نشان می‌دهد:

جدول ۶: نتایج آزمون تی؛ بررسی سوالات تحقیق

سوال	سازه		ضریب مسیر (β)	آماره تی	تأثیرگذاری
	مستقل	وابسته			
۱	عوامل اقتصادی	توسعه صنعت اسب	۰/۱۸۹	۴/۴۷۰	دارد
۲	عوامل زیست محیطی		۰/۱۵۵	۳/۸۴۳	دارد
۳	عوامل قانونی		۰/۱۶۷	۳/۸۲۶	دارد
۴	عوامل مدیریتی		۰/۱۹۹	۳/۹۰۳	دارد
۵	عوامل کالبدی		۰/۱۳۵	۲/۹۲۰	دارد
۶	عوامل اجتماعی و فرهنگی		۰/۱۴۵	۲/۹۴۳	دارد
۷	عوامل علم و فناوری		۰/۱۷۶	۳/۷۹۱	دارد

همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود در سطح خطای ۱ درصد، سازه «عوامل اقتصادی» بر سازه «توسعه صنعت اسب» تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t = 4.470$; $\beta = 0.189$; $P < 0.01$). سازه «عوامل زیست محیطی» بر سازه «توسعه صنعت اسب» در سطح خطای ۱ درصد تأثیر مثبت و معنادار دارد.

($t = 3.843; \beta = 0.155; P < 0.01$) «عوامل قانونی» در سطح خطای ۱ درصد بر سازه «توسعه صنعت اسب» تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t = 3.826; \beta = 0.167; P < 0.01$). سازه «عوامل مدیریتی» در سطح خطای ۱ درصد بر سازه «توسعه صنعت اسب» تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t = 3.903; \beta = 0.199; P < 0.01$). سازه «عوامل فیزیکی» در سطح خطای ۱ درصد بر سازه «توسعه صنعت اسب» تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t = 2.920; \beta = 0.135; P < 0.01$). سازه «عوامل اجتماعی و فرهنگی» در سطح خطای ۱ درصد بر سازه «توسعه صنعت اسب» تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t = 2.943; \beta = 0.145; P < 0.01$). «عوامل فناوری» در سطح خطای ۱ درصد بر سازه «توسعه صنعت اسب» تأثیر مثبت و معنادار دارد ($t = 3.791; \beta = 0.176; P < 0.01$).

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، طراحی مدل با توجه به عوامل موثر بر آینده ورزش سوارکاری می باشد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری الگوی پژوهش نشان داد که پیشران (عوامل) اقتصادی، مدیریتی، زیست محیطی، قانونی، علم و فناوری، فرهنگی و اجتماعی و کالبدی به ترتیب بیشترین تأثیر را در حوزه ورزش سوارکاری و صنعت اسب داشتند. با توجه به نتایج این تحقیق عوامل موثر (روند) در قالب پیشران های اصلی تحقیق مورد بحث قرار گرفتند.

مطابق با اولین مسیر الگوی پژوهش پیشران "اقتصادی" بیشترین نقش را در تبیین عوامل موثر صنعت اسب و سوارکاری ایفا می کند. در تبیین این مسئله می توان اظهار داشت که یکی از موارد اصلی تأثیرگذار مرتبط با این پیشران، صادرات و واردات، خرید و فروش اسب های ورزشی و پیش بینی ها در مسابقات سوارکاری است. از این رو می توان دریافت که یکی از روندهای موثر بر آینده ورزش سوارکاری، فضای حمایتی کسب و کار کارآفرینان از سوی دولت در توسعه پرورش اسب و نقش آن در اشتغالزایی است که در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته نقش محوری دارد. از جمله راهکارهای توسعه کسب و کار کارآفرینی می توان به شناسایی فرصت های کارآفرینی در ورزش سوارکاری از جمله توسعه کسب و کار روستایی برای نگهداری و تربیت اسب های ورزشی (مدارس طبیعت و تعاونی بانوان)، بازارچه داد و ستد بر اساس میزان تناسب، نهادینه شدن علم در جامعه و افزایش سطح مهارت و تخصص افراد با تشکیل سمینارهای کاربایی، اتخاذ سیاست منع ورود نژادهای خارجی فاقد برند به داخل کشور از سوی دولت، اعطای وام هایی با سود کم، وجود دفتر کارآفرینی و گسترش بیمه کسب و کارهای کارآفرینی در ورزش

سوارکاری اشاره کرد. در همین راستا، مندعلیزاده (۲۰۱۸) و عاشوری و همکاران (۱۳۹۶) نیز با تأکید بر توانمندی‌های صنعت ورزش در فعال کردن بنگاه‌های اقتصادی مولد معتقدند برنامه‌ریزی در زمینه کسب و کار در ورزش باید به صورت هوشمندانه و منطقی مدنظر قرار گیرد، زیرا روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، نشان از تحت تأثیر بودن اقتصاد از کارآفرینی و نقش محوری آن دارد و توسعه ورزش کشور از جمله ورزش سوارکاری در گرو رشد اقتصادی این حوزه است که رشد اقتصاد حوزه ورزش بدون توسعه علمی و پژوهشی میسر نخواهد بود. این پدیده نوظهور نیازمند برنامه‌ریزی و توجه بسیار زیاد به آن می‌باشد تا بتوان هم مشکلات اشتغال را در کشور حل نمود و هم شاهد رشد اقتصادی حوزه ورزش بود. لذا با توجه به اظهارات جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش، وجود پیست‌های بین‌المللی متعدد در کشور به‌ویژه سه پیست بین‌المللی در استان گلستان به همراه موقعیت توپولوژیک ویژه استان گلستان در همسایگی کشورهای فعال در صنعت اسب در مجاورت دریای خزر و فعال بودن بسیاری از مراکز پرورش اسب در این استان و استان‌های فعال صنعت اسب، ظرفیت توانمندی در فعال کردن بنگاه‌های متنوعی از کسب و کارهای کوچک و متوسط مرتبط با صنعت اسب و تبدیل شدن به قطب صنعت اسب کشور وجود دارد که این امر مستلزم بسترسازی مناسب از طریق ایجاد هماهنگی بین کمیته کارآفرینی وزارت ورزش با فدراسیون اسب سواری و همچنین پیش‌بینی سیاست‌های تشویقی از سوی نهادهای قانون‌گذار می‌باشد.

روند موثر دیگر بر آینده ورزش سوارکاری روند اهمیت و رشد اقتصادی در صنعت اسب است. صنعت اسب به عنوان یک صنعت پول‌ساز برای کشورهای پیشرو همچون امریکا، استرالیا و کشورهای منطقه از جمله روسیه، ترکیه و ترکمنستان به معنای واقعی کلمه صنعت در این کشورها تعریف شده است (پهلوان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). مهمترین چالش موجود در این زمینه از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که علیرغم وجود نژادهای اصیل سیلیمی و مادیان در ایران، کشور ما در این صنعت واردکننده محض می‌باشد و با ادامه این روند، در آینده آسیب جدی به تولیدکنندگان اسب در داخل و وضعیت اقتصادی کشور وارد خواهد شد. پس ضروری است که دولت با تدوین مقررات کاربری نژاد داخلی اسب، نسبت به تضمین فروش اسب‌های تولید شده در بازار داخلی و ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان اسب اصیل ایرانی اقدامات لازم از جمله برطرف کردن مشکلات قرنطینه اسب و تسهیل در صادرات را به عمل آورد. برای شناسایی و فروش اسب‌های داخلی سالانه می‌توان بازار بین‌المللی و منطقه‌ای حراج در کشور برگزار گردد که ارزآوری از طریق صنعت اسب و کمک به رشد تولید ناخالص با تأکید بر نژادهای داخلی را به همراه خواهد داشت. روسیه در ۳۰ سال گذشته با برگزاری جشنواره اسب خالص ترکمن و نژاد آخال‌تکه (اکوپروس)، ضمن

فروش و جذب تولیدکننده‌ها و سرمایه‌گذاران جدید از کشورهای مختلف، توانسته انحصار مالکیت این محصول تجاری را به نام خود ثبت کند. به نظر می‌رسد تلاش هیئت‌های سوارکاری استان‌های فعال در صنعت اسب در راستای ارتقای کمی و کیفی برگزاری فستیوال‌های اسب از قبیل فستیوال اسب ترکمن در صوفیان، راهبردی کاربردی جهت شناساندن ظرفیت اسب کشور به بازارهای بین‌المللی و ورود به تجارتی رقابتی در خارج از مرزهای کشور باشد که این یافته‌ها با نتایج پژوهش مولادوست و مقدسی (۱۳۹۴) و کارکن و همکاران (۱۳۹۲) در زمینه مطالعه تطبیقی رشد اقتصادی کشورهای مختلف در رشته سوارکاری و صنعت اسب همسو بود/ نتایج پژوهش تطبیقی آنها نشان داد که علاقه‌مندان زیادی برای نگهداری و پرورش اسب‌های ورزشی وجود دارد و این صنعت به شکل وزارت‌خانه کاملاً مجزا و در بعضی کشورها زیر نظر وزارت اقتصادی فعالیت دارد.

آنچه که مسلم است این حوزه از صنعت ورزش نیز همانند سایر حوزه‌های ورزش، علیرغم وجود ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی، به دلیل عدم وجود برنامه‌ای جامع به صورت بایسته‌ای مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است و فعالان و متخصصان این صنعت فقط به تصرف بخش کوچک و ناچیزی از بازار آسیایی قناعت کرده‌اند. آنچنان که مندعلی زاده (۲۰۱۸) و توروکلا^۱ (۲۰۱۳) در بررسی پیامدهای مالی این صنعت اظهار داشته‌اند ناتوانی مدیران در جذب حامی مالی، نبود درآمد کافی در هیئت سوارکاری برای برگزاری مسابقات و عدم توجه به جذب گردشگر برای تماشای مسابقات سوارکاری از جمله مواردی هستند که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد. امروزه در کشور ما با توجه به مسائل سیاسی و شرایط خاص اقتصادی، صادرات در صنعت اسب وجود ندارد، ولی در آینده می‌تواند آسیب بسیار جدی به این صنعت و اقتصاد وارد نماید و باعث کاهش رشد تولید ناخالص داخلی گردد. به اعتقاد تورن و همکاران (۲۰۱۶) نیز یکی از فعالیت‌های مهم اقتصادی که می‌تواند رشد تولید ناخالص داخلی کشورها را ارتقا بخشد، صادرات در صنعت اسب است، اما اهمیت دادن به بخش خدماتی و رفاه بازار داخلی اسب را در درجه اول و بازار بین‌المللی را در درجه دوم به عنوان «پتانسیل‌های اقتصاد ملی» معرفی کرد. به نظر می‌رسد یکی از نکات مهم در ایجاد صنعت اسب پویا در کشورمان توجه به این مقوله می‌باشد که متولیان آن کسانی باشند که به اسب‌ها علاقه دارند، نه به کسب و کارشان. بنابراین پرورش اسب و سوارکاری می‌تواند نقش مهمی را با توجه به پتانسیل بالای درآمدی در آینده اقتصاد کشور ایفا نماید. از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که می‌توان در صنعت اسب به آن

پرداخت، خوشه‌های کسب و کار، مدارس طبیعت و بازار داد و ستد به‌خصوص در روستاها با پشتوانه علم و فناوری است که این امر گامی بزرگ در جهت اشتغال‌زایی با محوریت اسب‌های ورزشی می‌باشد. با توجه به تحقیقات و مصاحبه‌ها، یک اسب می‌تواند حداقل برای دو الی سه نفر ایجاد اشتغال کند که در تایید آن قمی و همکاران (۱۳۸۸) برخی از راهکارهای اشتغال‌زایی را بر اساس کاربرد علم و فناوری، بهبود فضای کسب و کار و تاکید بر آموزش‌های تقاضامحور، ایجاد ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیازهای بازار کار، متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌گیری از فرصت‌های بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات معرفی کرده‌اند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر توجه به نقش پیشران مدیریتی در صنعت اسب می‌باشد. بررسی نتایج پژوهش در پیشران مدیریت حاکی از آن بود که روند ایجاد نظام جامع و وجود ابزارهای لازم استعدادیابی، روند توسعه صنعت گردشگری فعال در حوزه صنعت اسب جهت بهره‌برداری از منافع اقتصادی، تسهیل روال قانونی قرنطینه توسط سازمان دامپزشکی و دولت و تسهیل در قوانین و مقررات بین‌المللی صادرات و واردات اسب، تصویب سیاست‌های حمایتی برای ورود بخش خصوصی (شناسایی سرمایه‌گذار خصوصی و ایجاد انگیزه برای ورود) و تکمیل شجره کامل اسب‌های اصیل در روند زمانی آینده توسط سازمان مربوطه بیشترین اهمیت را دارا می‌باشند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که امروزه در ورزش مطرح است و در آینده کاربرد فراوانی در ورزش قهرمانی می‌تواند داشته باشد، فرآیند کشف ورزشکاران با استعداد است. ایران از لحاظ استعداد نیروی انسانی بسیار غنی است و می‌توان با ابزارهای مناسب استعدادیابی و استعدادپروری به نتایج مطلوب در ورزش قهرمانی از جمله ورزش سوارکاری دست یافت. فدراسیون سوارکاری باید با توجه به وظایف اصلی که در این زمینه دارد، نقش پررنگ‌تری در زمینه شناخت استعدادیابی در بین نوجوان و جوانان داشته باشد. استعدادیابی ورزشی در کشور هنوز به‌صورت کاملاً سنتی و بدون استفاده از ابزارهای روز دنیا و با استفاده از مشاهده میدانی صورت می‌گیرد. کشف افراد بااستعداد در سنین پایین و سپس هدایت آن‌ها طبق یک نظام معین، دارای پیامدهای مثبتی مثل افزایش احتمال رسیدن ورزشکاران مستعد به اوج اجرای ورزشی است. استان گلستان یکی از استان‌هایی است که استعدادهای فراوانی در ورزش سوارکاری و اسبدوانی دارد و این را از حضور تعداد زیاد چابک‌سواران این استان در سطوح مختلف سوارکاری کشور می‌توان دریافت. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق قرلسفلو و همکاران (۱۳۹۴) و سقایی (۱۳۸۸) همسوست. دی بوسچر و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی بر عواملی چون سرمایه‌گذاری سازمان‌های ورزشی برای شناسایی استعدادهای احتمالی ورزشی در آینده را از طریق

سیاست‌گذاری مناسب و مدل‌های ارزیابی استعدادیابی در سنین پایه و آگاهی سازمان‌ها از سطوح فیزیولوژی، روانشناسی و مهارت‌های آموزشی ورزشکاران تاکید کردند. در ورزش سوارکاری باید ساختار رقابت‌ها از سنین پایین طبقه بندی گردد و سن و سال عامل محدود کننده نیست؛ این بدین معناست که سوارکاران می‌توانند در المپیک‌های بیشماری از فرصت پیش آمده برای رقابت استفاده کنند. بنابراین شناخت دقیق سازمان‌های متولی از روش‌های انتخاب استعدادیابی و استفاده از مربیان کارآمد و موثر در جهت استعدادپروری می‌تواند ورزشکاران را از سنین پایین تا مرحله حرفه‌ای شدن رهنمون سازد. بنابراین باید کمک حامیان مالی که از راه خرید و فروش اسب و سوارکار درآمدزایی می‌کنند و بیشتر درآمدهای آنها از راه اختلاط نژادهای برترشان با اسب‌های دیگران است، جلب گردد. دی‌هان (۲۰۱۷) نیز در تحقیق خود بر یک روش استعدادیابی و سیستم‌های توسعه‌یافته قوی و منحصر به فرد در زمینه اسب و سوارکار در کنار شناسایی استعدادها و پرورش آنها تا مرحله مدال‌آوری المپیک از طریق حمایت مالی برای تربیت سوارکار شایسته در یک رشته و اسب‌های با پتانسیل بالا برای موفقیت تاکید کرده است. لذا توجه به ایجاد ساختارهای مدیریتی کارا از طریق ایجاد هماهنگی بین فدراسیون، سازمان جهاد کشاورزی و همچنین وزارت صنعت، معدن و تجارت به همراه سایر نهادهای قانون‌گذار برای ایجاد شبکه‌ای مشترک، هماهنگ و همسو در زمینه بسترسازی صادرات اسب و حتی در نظر گرفتن رایزن فرهنگی و فعال نمودن کمیته روابط بین‌الملل فدراسیون اسب سواری در معرفی چابک‌سوران و مربیان آگاه و مستعد در صنعت اسب، اقداماتی اساسی در برخورداری از صنعت پویای اسب در ایران می‌باشد که این مباحث در راستای پیشران فرهنگی - اجتماعی در پژوهش حاضر نیز مورد توجه است.

اما مهمترین مزیت صنعت اسب، وجود ظرفیت‌های بالقوه و بی‌نظیر در ایجاد تجارب گردشگری بی‌نظیر می‌باشد؛ چنان‌که یافته‌های تحقیق نشان داد که یکی از روندهای تاثیرگذار بر پیشران اقتصادی، گردشگری ورزشی با محوریت اسب است. لذا تقویت صنعت گردشگری و گردشگری ورزشی با توجه به رشد صنعت اسب مورد توجه است. ضروری به نظر می‌رسد که افزایش امکانات ورزشی، ساخت و تجهیز سایت‌های تخصصی و تکامل سریع فناوری گردشگری ورزشی رشته سوارکاری در مناطق مختلف اقلیمی کشور با توجه به تفاوت‌های محیطی، برگزاری بازار اسب با نژادهای مختلف و صنایع مرتبط با اسب‌های داخلی جهت جذب گردشگر مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا قزلسفلو (۱۳۹۴) با اشاره به وجود ریشه‌های تاریخی و فرهنگی بسیار غنی در ورزش‌های بومی و سنتی استان گلستان، وجود تشابهات فرهنگی با کشورهای حاشیه دریای خزر در زمینه اسب را فرصتی استثنایی و بی‌نظیر در توسعه و ایجاد صنعت

پایداری از گردشگری ورزشی اسب‌مدار می‌داند. لذا برنامه‌ریزی راهبردی مسئولان و سیاست‌گذاران بخش گردشگری، تعامل برخی سازمان‌ها از جمله وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون سوارکاری، سازمان محیط زیست، سازمان میراث فرهنگی و شهرداری‌ها در جهت هدایت صنعت گردشگری ورزشی به عنوان عاملی جهت کسب درآمد و منافع اقتصادی ضروری است. علاوه بر آن در گردشگری مبتنی بر اسب، اسب‌ها به عنوان بخشی از محصول گردشگری، جاذبه اصلی را به عهده دارند. از این رو، کیفیت اسب و نژاد آن در ایجاد جذابیت اولین اصل بنیادین در گردشگری مبتنی بر اسب اهمیت دارد. اصالت نژادی و همخوانی کیفیت اسب با فعالیت‌های گردشگری مرتبط از ارکان اصلی شکل‌گیری دقیق گردشگری اسب است. نتایج این پژوهش با یافته‌های هلگادوتیر (۲۰۱۵)، کارکن و همکاران (۱۳۹۲) و خواجه‌پور و دوستی (۱۳۹۶) در این زمینه همسو بود.

گردشگری سوارکاری به دلیل تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی و روابط سیاسی می‌تواند جریان مثبتی از گردشگر ملی را فراهم نماید. ورود و جذب گردشگر بین‌المللی به شدت از عوامل امنیت، کیفیت خدمات - به ویژه خدمات ارزی بین‌المللی، عوامل فرهنگی، ثبات سیاسی و بسترسازی ورود توریسم خانوادگی تاثیر می‌پذیرد که توجه به این عوامل در قالب عوامل داخلی و خارجی گردشگری سوارکاری با نتایج قزلسفلو و همکاران (۱۳۹۶) همسویی داشت. با توجه به همجواری ایران با کشورهای فعال در صنعت اسب، از طریق تبلیغات مناسب و برندسازی اسب‌های ورزشی می‌توان به عنوان مرکز اصلی گردشگری در منطقه برای جذب گردشگر بین‌المللی اقدام کرد. این نتایج با یافته‌های قره‌باش (۱۳۹۵) و امین‌سایاکر و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی داشت. سیگورادوتیر (۲۰۱۸) نیز عواملی را که باعث جذب گردشگر اسب می‌شود تفریحات سالم سوارکاری با مسافت‌های مناسب، شرکت در رقابت‌های سوارکاری از جمله درساز، پرش اسب، رویدادهای سه روزه، کورس، اسب‌درمانی و مسابقات زیبایی اسب برشمرده است که اگر سازمان‌های متولی در صنعت گردشگری و صنعت اسب فعال باشند می‌توانند در آینده گردشگران زیادی را در این صنعت جذب و رشد اقتصادی را هموار سازند. از جمله کشورهایی که توانسته‌اند برای آینده در جهت جذب گردشگر اسب و توسعه رشته‌های سوارکاری عمل کنند، ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری اسب مانند ایتالیا، ایسلند، فرانسه و ایرلند - که به عنوان «سرزمین اسب» شناخته می‌شود - هستند. وی معتقد است که ایجاد تصویر و توسعه محصولات گردشگری منحصر به فرد برای ایجاد مزیت رقابتی و تجارت به عنوان مقاصد مهم در این صنعت است که می‌تواند فرصت‌هایی را در جهت توسعه، رفاه و نوع‌آوری در محصولات گردشگری اسب از سوی کارآفرینان و حمایت بخش خصوصی ایجاد کند.

یکی از مشکلات آینده حوزه صنعت اسب، صادرات اسب‌های اصیل ایرانی است. با اینکه اسب ایرانی در تمام دنیا شناخته شده است، اما به دلیل عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی و سوءمدیریت در زمینه قرنطینه از سوی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی کشور، متولیان امر حوزه صنعت اسب کشور در حال حاضر نتوانسته‌اند صادرات اسب‌های اصیل ایرانی را به دیگر نقاط جهان مهیا سازند (مولادوست و همکاران ۱۳۹۷) - در صورتی که اسب‌های با نژادهای مختلف و بدون برند به راحتی وارد کشور می‌شوند. بنابراین سازمان‌های متولی از جمله فدراسیون سوارکاری و سازمان دامپزشکی وزارت جهاد کشاورزی و در نهایت دولت باید در جهت تسهیل روند و شکل‌گیری قانونی آیت‌های قرنطینه برای استان‌های اسب‌خیز، برنامه‌ریزی مدون و مجزایی داشته باشند تا به چرخه اقتصادی و رشد تولید ناخالص داخلی و ملی کمک شود و ضمن بهبود صادرات از طریق اسب‌های اصیل ایرانی، زمینه شناسایی اسب اصیل ایرانی به کشورهای خارجی و شرکت و آمادگی در مسابقات بین‌المللی فراهم آید. این نتایج با تحقیقات مولادوست و همکاران (۱۳۹۷) و قره‌باش (۱۳۹۵) همسو بود. پیشنهاد می‌شود سازمان دامپزشکی وزارت جهاد کشاورزی در جهت تسهیل مراحل فعالیت‌های قرنطینه، از جمله: کنترل و تجهیزات تشخیص بیماری‌های عفونی، ایجاد مرکز درمانی و دانشکده‌های تخصصی دامپزشکی، تعیین نژادهای خالص، ساخت قرنطینه استانی، افزایش اسب‌های با شرایط صادرات و... شرایط را برای خروج و صادرات اسب‌های ایرانی تسهیل نماید. حمایت دولت نسبت به تخصیص بودجه جداگانه در موارد یاد شده می‌تواند شرایط را برای صادرات اسب‌های داخلی هموار کند.

از سوی دیگر، مطالعه وضعیت صنعت اسب در کشورهای پیشرو از قبیل دبی، امارات، استرالیا و کانادا حاکی از آن است که ورود بخش خصوصی به ورزش می‌تواند نقش موثری در توسعه ورزش قهرمانی و حصول کارآیی اقتصادی و اجتماعی بیشتر رشته سوارکاری و همچنین افزایش بهره‌وری از اماکن و تجهیزات ورزشی و اشتغالزایی در این رشته داشته باشد. امروزه بیشتر اماکن ورزشی دولتی و استادیوم‌های سوارکاری، مانژها، اصطبل‌ها و پیست‌ها به دلیل کمبود بودجه از شرایط کیفی، کارآیی و بهره‌وری مطلوبی برخوردار نیستند که این وضعیت باعث کاهش خدمات و برگزاری رویدادهای ورزشی سوارکاری بوسیله این موسسات شده است. ضروری است که سیاست‌های حمایتی از طرف دولت وضع گردد تا سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادهای خصوصی در صنعت ورزش سوارکاری مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی مشارکت نمایند. کوچک سازی دولت در برنامه خصوصی‌سازی نتیجه عدم رقابت دولت، واگذاری بخش اعظمی از فعالیت‌های دولت و واگذاری بخش کم‌بازده و راکد ورزشی به بخش خصوصی است. همچنین باید

سیاست‌هایی اعمال گردد که وزارت ورزش و جوانان و شرکت تجهیز و توسعه برای اجاره و دراختیار گذاشتن اماکن و استادیوم‌ها با فدراسیون سوارکاری بیشتر در تعامل باشد و مرکز تحقیقات مدیریت امور دام وزارت جهاد کشاورزی نیز در واگذاری و شناسایی (میکروچیپ‌گذاری)، شناسنامه‌دار کردن اسب‌های ورزشی به بخش خصوصی از جمله انجمن‌های صنفی و یا نهادهای تخصصی دیگر تلاش نماید- متأسفانه ائتلاف منابع مالی بر اثر فقدان مدیریت یکپارچه در بین سازمان‌های متولی ورزش سوارکاری به چشم می‌خورد. نتایج در بخش خصوصی‌سازی ورزش قهرمانی با یافته‌های رضوی و همکاران (۱۳۸۵) مبنی بر واگذاری ورزش قهرمانی از بخش دولتی به بخش غیردولتی مثل کمیته ملی المپیک و نتایج توماسینی و همکاران (۲۰۰۴) که یکی از راه‌های موفقیت در ورزش سوارکاری را توجه به روند توسعه خصوصی‌سازی می‌دانند، همخوانی داشت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که پیشران محیط‌زیست می‌تواند بر روی صنعت اسب تاثیرگذار باشد. فضاهای ورزشی یکی از عرصه‌های فعالیت گسترده انسانی است و می‌تواند نقش مهمی در فرآیند حفظ محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌های محیطی داشته باشد که با طراحی هوشمندانه از انرژی پاک، کیفیت محیط‌زیست در اماکن مرتبط با صنعت اسب را می‌توان حفظ نمود و در کاهش مصرف منابع تجدیدناپذیر و بهینه‌سازی مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر موثر واقع شد. علاوه بر آن با مطالعه آثار زیست‌محیطی از زمین‌ها، تاسیسات و اماکن در رشته سوارکاری از لحاظ ایمنی، سلامت و بهداشتی محیط‌زیست به‌طور کامل در برنامه‌ریزی‌های راهبردی سازمان‌های متولی قرار گیرد. یافته‌های تحقیق با نتایج تحقیق جواد ممشلی (۲۰۱۹) با عنوان «ارائه مدل یکپارچه مدیریت در اماکن ورزشی» همسویی داشت. استفاده از معماری پایدار، معماری سبز و یا معماری زیست‌محیطی اماکن ورزشی سوارکاری در جهانی که انسان در اکوسیستم‌های شکننده و حساس قرار دارد، امری ضروری و راهبردی به‌نظر می‌رسد. وزارت ورزش و جوانان باید در جهت جانمایی، طراحی و ساخت اماکن ورزشی سوارکاری در راستای کمک به محیط‌زیست به سمت سبز شدن در همه استان‌های کشور گام موثر بردارد که سامانه مدیریت ایمنی، بهداشت و محیط زیست یکی از کاملترین و موثرترین سامانه‌های مدیریتی است که با تکیه بر آن می‌توان محیطی را ایجاد نمود که تمامی عوامل آسیب‌رسان شناسایی، ارزیابی، حذف یا کنترل گردد و شرایط سلامت، ایمنی و محیط زیست در اماکن ورزشی تضمین شود.

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که محدودیت‌هایی از جمله عدم حضور در مسابقات جهانی و المپیک و عدم صادرات اسب اصیل ایرانی به دلیل عدم احداث قرنطینه ملی

می‌تواند آینده اقتصاد صنعت اسب و ورزش سوارکاری را تحت تاثیر (منفی) قرار دهد که این ضعف در مدیریت ناشی از عدم تدوین و تصویب مقررات صادرات و واردات اسب در کشور می‌باشد. تدوین مقررات در آینده می‌تواند از ورود و خروج غیرقانونی اسب‌هایی که شرایط لازم و آیت‌های قانونی قرنطینه را ندارند جلوگیری کند و ورود سیل‌های اسب‌هایی که شرایط ژنتیکی و فیزیولوژیکی مناسب را ندارند، می‌تواند آسیب جدی به آینده ورزش سوارکاری و تولیدکنندگان اسب‌های داخلی وارد نماید. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به قوانین موجود در اسناد بالادستی کشور و لزوم عدم موازی‌کاری در سازمان‌های متولی، فدراسیون سوارکاری و وزارت جهاد کشاورزی با تدوین نظام یکپارچه و تعاملی شرایط را برای ورود اسب‌ها با تبارنامه قوی و برگزاری مسابقات بین‌المللی در داخل کشور را فراهم کنند. بی شک، این روند می‌تواند جایگاه ورزش سوارکاری ایران و همچنین شناسایی اسب اصیل ایرانی در جهت رونق اقتصادی را در سطح بین‌الملل بهبود بخشد.

منابع

- Amir S, Osman MM, Bachok S, Ibrahim M. (2015). "Sustaining local community economy through tourism: Melaka UNESCO world heritage city". *Procedia Environmental Sciences*, Jan 1; 28: 443-52.
- Ashouri, T., Dousti, M., Razavi, S. M. H., & Hosseini, S. A. (2017). "Content analysis research of sport entrepreneurship in Iran". 6 (23) 2, 75-86. (Persian)
- De Bosscher, V., Shibli, S., Westerbeek, H., & Van Bottenburg, M. (2015). **Successful elite sport policies: an international comparison of the sports policy factors leading to international sporting success (SPLISS 2.0) in 15 nations**. Meyer & Meyer Sport.
- De Haan, D. M. (2017). "A Review of the Appropriateness of Existing Micro-and Meso-level Models of Athlete Development within Equestrian Sport". *International Journal of Human Movement and Sports Sciences*, 5(1), 1-8.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). "Structural equation models with unobservable variables and measurement error". *Algebra and statistics*.
- Gharehbash, A. M. (2016). "Role of horse training in tourism development and job creation in Golestan province". *The Second National Conference in Iran's macroeconomics*, 1-5. (Persian)
- Ghezelseflou, H. R., Kalateh Seifari, M., Chourli, A., Qorbanzadeh, Q. (2015). "Study of sport tourism absorption challenges of Golestan province in local games of anniversary". *Sport Management and Motion Behavior Bulletin*, 11 (23), 211-218. (Persian)
- Ghezelseflou, H. R., Razavi M, H, Kalateh Seifari, M, Esfahani, N. (2017). "Designing a Behavioral Tendency Model for Indigenous and Traditional Sports Tourists Based on Ecotourism Capabilities". *Journal of Sport Management and Development*, Volume 7, Number 1 - Issue 13 Page 88-108 (Persian)
- Hair, J. F., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2011). "PLS-SEM: Indeed a silver bullet". *Journal of Marketing theory and Practice*, 19(2), 139-152.
- Hair, J. F., Sarstedt, M., Ringle, C. M., & Mena, J. A. (2012). "An assessment of the use of partial least squares structural equation modeling in marketing research". *Journal of the academy of marketing science*, 40(3), 414-433.

- Helgadóttir, G. (2015). **"Horse round-ups: harvest festival and/or tourism magnet.Cheval, Tourisme & Sociétés/Horse, Tourism & Societies"**. Mondes du Tourisme, special issue-hors série, June, 216-223.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). **"The use of partial least squares path modeling in international marketing"**. In *New challenges to international marketing* (pp. 277-319). Emerald Group Publishing Limited.
- Mamashli, J., Dousti, M., Tabesh, S., Farzan, F., & Abdavi, F. (2019). **"Provision of an Integrated Health, Safety, and Environment Management Model in Sports Facilities in Iran"**. Journal Homepage, Arch Hyg Sci 2019, 8(4), 268-298.
- Karkon, L., Asadi, H., & Zeitonli, A. (2013). **"The Impact of Horse Racing Sport on the Development of Sport Tourism in Golestan Province"**. Sport Management Studies, 9-17. (Persian)
- Kashef, S M; Seyed Ameri, Mir H-Ahmadi, M- Marefat, D. (2018). **"Strategic model of development of championship sport East Azarbaijan Province Using Method SWOT and BSC"**. Journal of Applied Research in Sport Management, Issue 24, the period 6, 27-38. (Persian)
- Khajehpour, A., Dousti, M. (2016). **"Study of role of management relationship with costumers in developing sports tourism industry from perspective of women laboring Olympiad's athletes and employers"**. Planning and Tourisn Development, 5 (17), 115-127. (Persian)
- Koenen, E. P. C., Aldridge, L. I., & Philipsson, J. (2004). **"An overview of breeding objectives for warm blood sport horses"**. Livestock Production Science, 88(1-2), 77-84.
- Makhdomi, M. A., Pourghafour Langroudi, P., Mazandarani, E., & Mirbehbahani, J. (2011). **"Horse in Iranian culture"**. Conference of Horse Industry and Horse keeping in Iran, 124-127. (Persian)
- Moladoust, K., Shah Amiri, R., Bahador, H. (2017). **"Development and Development of Polarity Tourism Based on Event Tourism (Case Study: Caserone Polo Strait)"**. Journal of Heritage and Tourism, Volume 2, Number 8; pp, 52-37. (Persian)
- Moladoust, K. Samani Qotbabadi, S, Zakarian, A. (2016). **"Identifying and Prioritizing the Problems of Polo Sport Tourism in Iran"**. Journal of Tourism Space, Volume, 6 Issue, and 22 pp. 109-126. (Persian)
- Moladoust, K., & Moghaddasi, R. (2015). **Elaboration of ways of caspiyan horse industry development; government's fundamental responsibilities, hygiene and veterinary.** 25-29. (Persian)
- Mondalizadeh, Z. (2018). **"Entrepreneurship Challenges in Sport Colleges"**. Journal of Entrepreneurship, Business and Economics, 6(2), 12-28.
- Pahlevanzadeh, H., & Mohammadi Ostadkalayeh, A. (2011). **"Study of opportunities and challenges of horse training in Golestan province tourism development"**. National Conference of Horse Riding, 137-142. (Persian)
- Qomi; Sh, Asadi; H, Chabchian, A. S. (2009). **Familiarity or Self-Employment Practices**. Second Edition. Tehran: Payame Noor University. (Persian)
- Razavi, s, m, h. (2005). **"To privatize and reform the structure of the championship sport in the country"**. Harakat Journal, 27(27): 19-31. (Persian)
- Rigdon, E. E., Ringle, C. M., Sarstedt, M., & Gudergan, S. P. (2011). **"Assessing heterogeneity in customer satisfaction studies: across industry similarities and within industry differences"**. In *Measurement and Research Methods in International Marketing* (pp. 169-194). Emerald Group Publishing Limited.
- Roul, R., Lavigne, M. A., & Auger, D. (2017). **"The horse racing industry in Canada: current status and prospects"**. Managing Sport and Leisure, 22(1), 19-32.
- Saqqae, M. (2008). **"Needs analysis of ecotourism in Iran: tourism and stable development"**. A collection of International Conference of Geography. Azad University of Shahr-e-Rey, 43-56. (Persian)

- Sigurðardóttir, I. (2018). **“Wellness and equestrian tourism–new kind of adventure?”** Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism, 18(4), 377-392.
- Tomasini, N. (2005). **“NCAA corporate sponsor objectives: Are there differences between divisions”**. Sport Marketing Quarterly, 13, pp: 53 - 264 .
- Torkkola, J. (2013). **“Seeing the world from horseback: An overview of Hungarian and Finnish equestrian tourism with special focus on Akác-tanya Farm”**.
- Türen, U., Gökmen, Y., & Keser, A. (2016). **“National ICT, economic freedom and human development: a cross-country dynamic panel data analysis”**. Researchers World, 7(2), 1.
- Wong, K. K. K. (2013). **“Partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) techniques using SmartPLS”**. Marketing Bulletin, 24(1), 1-32.

شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش کشور

رسول منعم^۱

غلامرضا شعبانی بهار^۲

سیروس احمدی^۳



10.22034/SSYS.2022.1448.1998

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش کشور بود. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی به صورت آمیخته ترکیبی کیفی-کمی است که داده‌های آن به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید. جامعه آماری پژوهش شامل ۵۰۰ نفر از مربیان ورزشی کشور و نمونه آماری آن شامل ۲۴۰ نفر از مربیان ورزشی کشور بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری برای جمع‌آوری داده‌ها، «پرسش‌نامه بهینه‌سازی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش» بود که روایی صوری پرسش‌نامه توسط ۱۵ نفر از اساتید مدیریت ورزشی تأیید گردید. پایایی آن هم با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/971$) مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزار SPSS و PLS تحلیل شدند.

نتایج همبستگی بین شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور نشان داد که همبستگی درونی بالایی در میان شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور وجود دارد. نتایج آزمون فریدمن و نتایج آزمون تعقیبی ویلکاکسون (با تصحیح بنفورتی) نشان داد که اولین رتبه مربوط به شاخص‌های فنی، دومین رتبه مربوط به شاخص‌های آموزشی، سومین رتبه به صورت مشترک مربوط به شاخص‌های روانشناسی و شاخص‌های شخصیتی-اجتماعی است که با همدیگر تفاوت معناداری نداشته‌اند و چهارمین رتبه مربوط به شاخص‌های مدیریتی می‌باشد. نتایج آزمون دوجمله‌ای شاخص‌های ارزیابی مربیان نشان داد که وضعیت شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور بالاتر از میزان متوسط قرار داشته‌اند که از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/01$). این نتایج نشان‌دهنده این است که شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور در سطح مطلوبی قرار دارد.

واژگان کلیدی: شاخص‌های ارزیابی، آموزشی، فنی، مدیریتی و رهبری، روانشناسی و شخصیتی-اجتماعی.

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۲ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Shabani1345@gmail.com

۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

مقدمه

تحولات شگرف دانش مدیریت در طی سالیان اخیر، وجود نظام ارزیابی را به امری اجتناب‌ناپذیر برای سازمان‌ها تبدیل نموده و فقدان سیستمی کارآمد جهت سنجش عملکرد در ابعاد مختلف سازمانی را به عنوان یکی از علائم ناکارآمدی سازمان‌ها معرفی کرده است (سلیمی، ۱۳۹۰). ارزیابی عملکرد، مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که به منظور بهینه‌سازی استفاده از امکانات و منابع در جهت دستیابی به هدف‌ها، با شیوه‌ای اقتصادی توأم با کارایی و اثر بخشی صورت می‌گیرد. از طریق ارزیابی عملکرد است که می‌توان نقاط قوت و ضعف کسب و کار، فعالیت‌ها و فرآیندها را شناخت، سیستم را برای مواجه شدن با نیازها و الزامات مشتریان بهتر آماده نمود و فرصت‌های بهبود عملیات، ایجاد محصولات، خدمات و فرآیندهای جدید را شناسایی نمود (ژئو^۱، ۲۰۱۷). ارزیابی عملکرد، یکی از موثرترین ابزارهای ارتقای کارآمدی، توانمندسازی و بهسازی منابع انسانی است. اگر این ابزار بخوبی طراحی و به نحو صحیح مورد استفاده قرار گیرد، وسیله مناسبی برای تشویق، آموزش، توسعه و بهسازی خواهد بود. مباحثی مانند شایسته‌سالاری، توانمندسازی مدیران، پرداخت بر مبنای عملکرد به مدیران و حوزه‌های فعالیت مربوطه و...، از جمله مسائلی هستند که تمام سازمان‌ها ناگزیرند توجه ویژه‌ای به آنها داشته باشند. ارزیابی عملکرد شاید عمده‌ترین ابزار جهت حرکت به سمت تحقق مباحث فوق در حوزه مدیران باشد (موحدمنش، ۱۳۹۴). یکی از عوامل مهم در موفقیت تیم‌های ورزشی، نقش مربی آن تیم می‌باشد. یک مربی کارآمد با استفاده از دانش و تجربه خود می‌تواند موجب توسعه عملکرد ورزشکاران و در نهایت تیم خود شود (هنری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). مربیان از عوامل مهم در موفقیت و شکست تیم‌های ورزشی محسوب می‌شوند (مارتینز، ۲۰۱۴: ۳۲۲). به همین دلیل انتخاب مربیان زبده، بسیار مهم و مستلزم داشتن معیارها و ویژگی‌هایی است که با استفاده از آنها می‌توان مناسب‌ترین افراد را برای هدایت و رهبری تیم برگزید (فونگ^۲، ۲۰۱۳: ۱۳). مربیان به طور مداوم تحت ارزیابی‌های محیط خارجی (رسانه و تماشاگران) و داخلی (مدیران باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی) هستند. ارزیابی عملکرد به صورت شناسایی، سنجش و مدیریت عملکرد افراد در سازمان‌ها و دادن بازخورد و هدایت آنها به عملکرد بهتر و بالاتر تعریف شده است (استون^۳، ۲۰۱۸: ۶۰). منظور از ارزیابی عملکرد، فرآیندی است که به وسیله آن مدیران و کارکنان در فواصل معینی و به‌طور رسمی بر اساس شاخص‌ها و

1 Xu

2 Fung

3 Stone

معیارهای عملکردی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. شناخت مدیران قوی و اعطای پاداش به آنها و از این طریق، ایجاد انگیزه برای بهبود عملکرد آنان و سایر کارکنان، از جمله علل اصلی ارزیابی عملکرد است (خاتمی، ۱۳۹۴). بازرگان (۱۳۹۵) بیان داشت که نشانگر یا شاخص، مشخصه‌ای است که به‌صورت کاملاً کمی و عینی یا دقیق و جزئی جهت قضاوت درباره ملاک‌ها به کار می‌رود و وضعیت یک یا چند عامل را آشکار می‌سازد. یکی از اقدامات اولیه در ارزیابی عملکرد، تعیین نشانگرها یا شاخص‌ها می‌باشد که اولین گام در تصمیم‌گیری درست محسوب می‌شود و می‌تواند راهنما و ابزاری کارآمد برای انتخاب مربیان و سرمربیان خبره باشد (نوشادی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). به طور کلی شاخص‌ها قادرند جنبه‌های اصلی و کلیدی یک سیستم را به طور صریح و روشن نشان دهند و مشخص سازند که چه بخش‌هایی از نظام مورد ارزیابی به اقدامات اصلاحی نیاز دارد. بنابراین شاخص‌ها در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، مدیریت را قادر می‌سازند تا بهره‌وری سازمان را با تقویت شاخص‌ها افزایش دهد (مرکز مطالعات و تحقیقات و ارزشیابی آموزشی، ۱۳۹۵: ۱۵). در ارزیابی عملکرد، تنها جستجو برای دستیابی به نقاط ضعف و کاستی‌ها نیست، بلکه در آن هم نقاط قوت و توانایی‌ها و هم نقاط ضعف و کاستی‌ها شناسایی می‌شود. شناخت استعدادها و توانایی‌ها نقش به‌سزایی در افزایش کارایی سازمان‌ها دارد و با توجه به توانایی‌های شناخته‌شده می‌توان تصمیمات معقول و صحیح‌تری اتخاذ نمود. بنابراین ارزیابی عملکرد مدیران، کارایی و موفقیت سازمان‌ها را به دنبال خواهد داشت و همچنین به رشد و تکامل و توسعه و پیشرفت کارکنان سازمان کمک خواهد کرد (رفیع‌زاده؛ رونق، ۱۳۹۲). موفقیت یک تیم ورزشی به عوامل متعددی از جمله نیروی انسانی ماهر بستگی دارد. با توجه به هدف‌گرا بودن سازمان‌ها، به طور اعم و تیم‌های ورزشی به‌طور اخص، جهت نیل به اهداف تیم و باشگاه باید از نیروهای انسانی به مثابه عنصر اصلی استفاده بهینه و مطلوب کرد (برادلی^۱، ۲۰۱۱). از جمله منابع انسانی مهم و از عوامل عمده و اثرگذار بهره‌وری و یا موفقیت تیم و باشگاه ورزشی، مربی است که در باشگاه‌های ورزشی، مغز متفکر و پویای تیم است و در تعیین سرنوشت و کسب بالاترین بازده ممکن، نقش و اهمیت غیرقابل انکاری دارد (ریحانی، ۱۳۸۹).

ویژگی‌ها و خصوصیات متعددی برای مربی کارآمد و اثربخش مطرح شده است. در همین مورد، گرو^۲ (۲۰۱۲) ارائه بازخورد، تشویق، پاداش، حل مشکلات، مبارزه طلبی و توسعه عملکرد را مهم‌ترین ویژگی‌های یک مربی می‌داند (گرو، ۲۰۱۲: ۴۰). ویژگی‌های مربی موفق و کارآمد را گوش دادن، رهبری

1 Bradley

2 Gerver

کردن، معلم بودن، هدایت کردن، مشاور بودن و الگو بودن می‌دانند (رمضانی‌نژاد و صاحبکاران، ۱۳۹۴). در خصوص مربیگری، ویژگی‌ها و خصوصیات متعددی برای یک مربی کارآمد و اثر بخش مطرح شده است. یک مربی موفق و کارآمد دارای مشخصه‌های ویژه‌ای می‌باشد که از آن جمله می‌توان به آگاهی از فنون و قوانین رشته ورزشی خود، توانایی ایجاد انگیزه در ورزشکاران و برخورد صحیح با پیروزی و شکست، راهنمایی و هدایت بازیکنان، آگاهی از اعمال بدن، آشنایی با آسیب‌های ورزشی، مدیریت و تجزیه و تحلیل مهارت‌های بازیکنان اشاره کرد (دودل^۱، ۲۰۱۷: ۱۹). مارتینز (۲۰۱۴) ویژگی‌های مورد نیاز مربی را به ۱۵ عامل تقسیم کرده که شامل آگاهی از علوم ورزشی، استفاده از بهترین شیوه مربیگری، تنظیم اولویت‌ها در تدوین اهداف و برنامه‌ها، داشتن انگیزه، توانایی انتقال فکر، آشنایی با مهارت‌های ارتباطی، آشنایی با اصول تشویق، استفاده از مهارت‌های انگیزشی، سازماندهی و برنامه‌ریزی تمرین، ارزشیابی از فعالیت خود و ورزشکاران و برنامه‌های اجرا شده، آشنایی با اصول آموزش مهارت و نحوه یادگیری ورزشکاران است. تحقیقات بسیاری در مورد تدوین شاخص‌های ارزیابی مربیان در داخل و خارج از کشور انجام شده است. انجمن مربیان بریتیش کلمبیا^۲ (۲۰۱۷) شش مؤلفه مهارت‌های سازمانی و تشکیلاتی، مهارت‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباط شخصی، مهارت‌های ارتباط گروهی، مهارت‌های مدیریتی و ایمنی و مهارت‌های شخصیتی مربی را برای ارزیابی مربیان شناسایی کرد. بارون^۳ (۲۰۱۹) به این نتیجه رسید که مربیان لیگ‌های ورزشی می‌شبانگان از دانش کافی در زمینه کمک‌های اولیه و آسیب‌های ورزشی برخوردار نیستند (بارون، ۲۰۱۹: ۶۰). سانتوس^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی دیگری، نتایج خودارزیابی ۳۴۳ مربی نشان داد که شایستگی‌های مرتبط با برنامه‌ریزی سالانه (۳/۵۸ درصد)، شایستگی‌های مرتبط با تشخیص موقعیت‌های تمرین و مسابقه (۴/۰۷ درصد) و شایستگی‌های آموزش شخصی و مربیگری (۳/۶۹) از شایستگی‌های اصلی هر مربی هستند. همچنین پنگ و مینگ (۲۰۱۸) با بررسی شاخص‌های ارزیابی تیم‌های ووشو، نشان دادند سیستم ارزیابی عملکرد تیم‌های ووشو در سطح اول خود، دارای چهار شاخص مدیریت تمرینات، مدیریت تدارکات تیم، مدیریت رقابت و مدیریت بازیکنان تیم است. همچنین تعداد ۱۷ زیر معیار نیز در سطح دوم قرار گرفت (پنگ و مینگ، ۲۰۱۸: ۸۵). پیشرفت مربیان و افزایش دانش آنان در گرو ایجاد شرایط مناسب نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. شناخت این شرایط به پژوهش‌ها و مطالعات در زمینه مربیگری نیاز دارد. یکی از این

1 Dowdell

2 Coaches' Association of British Columbia

3 Barron

4 Santos

شرایط مربوط به ارزیابی عملکرد در حرفه مربیگری است که تاکنون مطالعات کافی در این زمینه صورت نگرفته است. هر چند به نظر می‌رسد که ارزیابی عملکرد مربیان به منظور همگامی با رشد و توسعه رشته‌های مختلف در جهان از ضروریات حتمی و نیازهای اساسی، تیم‌های ورزشی کشور باشد. لذا انجام این پژوهش گامی در راستای بهینه‌سازی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش سراسر کشور به شمار می‌آید تا از این طریق بتوان اطلاعات مناسبی را برای تصمیم‌گیری مسئولان به‌دست آورد و ضمن استفاده از شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش سراسر کشور، بستر لازم برای ارتقای سطح عملکرد مربیان فراهم شود. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش سراسر کشور را مورد بررسی قرار دهد و با شناسایی مهمترین عوامل ارزیابی عملکرد مربیان و اولویت‌بندی کردن آنها، به شناسایی تفاوت موجود بین نظرات مربیان و بازیکنان بپردازد و بازخوردهای لازم را فراهم و نیازهای توسعه‌ای آن‌ها را مشخص کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و به‌صورت آمیخته ترکیبی کیفی-کمی است که داده‌های آن به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مربیان حرفه‌ای ورزشی کشور در سال ۱۳۹۷ به تعداد ۵۰۰ نفر بود. به دلیل استفاده از روش مدل معادلات ساختاری^۱ (SEM) و به منظور برازندگی مدل، حجم نمونه در پژوهش حاضر ۲۴۰ نفر به تصاوافی تعیین گردید. ابزار اندازه‌گیری متغیرهای این پژوهش در فاز اول، مصاحبه عمیق و در فاز دوم پرسشنامه محقق‌ساخته ۴۷ سوالی بود که بر اساس شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش سراسر کشور در فاز اول از طریق مصاحبه تهیه شد و پیش از توزیع، روایی و پایایی آن مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. این پرسشنامه شامل ۴۷ سؤال ۵ گزینه‌ای است و پنج مؤلفه (۱) شاخص‌های آموزشی (سؤالات ۱-۱۰)؛ (۲) شاخص‌های فنی (سؤالات ۱۱-۲۳)؛ (۳) شاخص‌های مدیریتی و رهبری (سؤالات ۲۴-۲۹)؛ (۴) شاخص‌های روانشناسی (سؤالات ۳۰-۳۸)؛ (۵) و شاخص‌های شخصیتی-اجتماعی (سؤالات ۱-۱۳) را می‌سنجد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید. همچنین از نرم افزار SPSS و PLS جهت تأثیر عوامل مذکور بهره‌گیری شد. در این تحقیق پرسش‌نامه‌ها بین ۲۴۰ نفر از مربیان ورزشی کشور توزیع شد. پس از جمع‌آوری، کلیه پرسش‌نامه‌ها کددهی و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها وارد رایانه

1 Structural Equal Model (SEM)

شد. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، با استفاده از روش روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار اساتید متخصص مدیریت ورزشی قرار گرفت و نظرات اصلاحی ایشان در طراحی نهایی پرسشنامه منظور گردید. همچنین با توجه به این که پرسشنامه استفاده شده در این پژوهش از نوع محقق ساخته می باشد، روایی این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد که روایی پرسشنامه (روایی سازه) در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار می باشد و مقدار kmo آن برابر ۰/۷۴۵ برآورد گردید.

جدول ۱: تعیین روایی پرسشنامه (روایی سازه)

	پرسشنامه
Kmo	۰/۷۴۵
Bartlett's test	۴/۱۸۹
Sig	۰/۰۰۱

برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج حاصل از آزمون پایایی برای شاخص های آموزشی برابر با ۰/۸۹۷، شاخص های فنی برابر با ۰/۹۰۸، شاخص های مدیریتی و رهبری برابر با ۰/۸۸۸، شاخص های روانشناسی برابر با ۰/۸۵۶، شاخص های آموزشی برابر با ۰/۸۹۵ و پایایی کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۷۱ به دست آمد.

یافته های پژوهش

جدول ۲: یافته های توصیفی در مورد متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	کجی	کشیدگی
شاخص های ارزیابی	۲۴۰	۱۹۳/۱۹	۲۲/۲۶	۱۱۱	۲۳۵	-۰/۷۵	۱/۳۱
شاخص های آموزشی	۲۴۰	۴۰/۰۵	۶/۱	۲۳	۵۰	-۰/۲۷۷	-۰/۵۱۱
شاخص های فنی	۲۴۰	۵۲/۵۳	۶/۸۲	۲۹	۶۵	-۰/۴۵۵	۰/۳۴
شاخص های مدیریتی	۲۴۰	۲۵/۳۷	۳/۳	۱۵	۳۰	-۰/۶۳۱	۰/۱۰۱
شاخص های روانشناسی	۲۴۰	۳۷/۴۴	۵/۳۸	۱۹	۴۵	-۰/۹۶۱	۱/۲۴
شاخص های شخصیتی- اجتماعی	۲۴۰	۳۷/۲۵	۴/۴۹	۲۳	۴۵	-۰/۵۳۱	۰/۴۹۱

نتایج جدول ۲، نشان دهنده اطلاعات توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر) متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

شناسایی و اولویت بندی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش کشور

جدول ۳: نتایج همبستگی بین شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور

متغیرها	شاخص ارزیابی	شاخص آموزشی شاخص فنی	شاخص‌های مدیریتی	شاخص‌های روانشناسی	شاخص‌های شخصیتی
شاخص ارزیابی	۱				
شاخص آموزشی	۰/۸۳***	۱			
شاخص فنی	۰/۹۱**	۰/۸۸**	۱		
شاخص‌های مدیریتی	۰/۸۳***	۰/۵۴***	۰/۶۸**	۱	
شاخص‌های روانشناسی	۰/۸۴***	۰/۵۷**	۰/۶۶**	۰/۸۲**	۱
شاخص‌های شخصیتی	۰/۸۲**	۰/۵۵**	۰/۶۵**	۰/۷۱**	۰/۶۵**

نتایج جدول فوق همبستگی بین شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که همبستگی درونی بالایی در میان شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور وجود دارد. نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین شاخص‌های فنی و شاخص‌های کلی ارزیابی همبستگی بالای ۰/۹۱ وجود دارد.

جدول ۴: اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور

گروه‌ها	میانگین رتبه	آماره خی دو	df	سطح معنی داری
شاخص‌های فنی	۴/۹۹			
شاخص‌های آموزشی	۳/۴۶			
شاخص‌های روانشناسی	۲/۸۲	۸۰۰/۷۵۴	۴	**۰/۰۰۱
شاخص‌های شخصیتی-اجتماعی	۲/۷۳			
شاخص‌های مدیریتی	۱			

$P < 0/01$

نتایج آزمون فریدمن و نتایج آزمون تعقیبی ویلکاکسون (با تصحیح بنفورنی) نشان داد که اولین رتبه مربوط به شاخص‌های فنی، دومین رتبه مربوط به شاخص‌های آموزشی و سومین رتبه به صورت مشترک مربوط به شاخص‌های روانشناسی و شاخص‌های شخصیتی-اجتماعی است که با همدیگر تفاوت معناداری نداشته‌اند و چهارمین رتبه مربوط به شاخص‌های مدیریتی می‌باشد.

جدول ۵: نتایج آزمون دوجمله‌ای برای متغیر شاخص‌های کلی ارزیابی

شاخص	گروه‌ها	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت مقایسه شده	P-value

شاخص‌های	کمتر یا مساوی ۱۴۱	۶	۰/۰۲۵	۰/۵۰	۰/۰۰۰
ارزیابی	بیشتر از ۱۴۱	۲۳۴	۰/۹۷۵		
	کل	۲۴۰	۱		

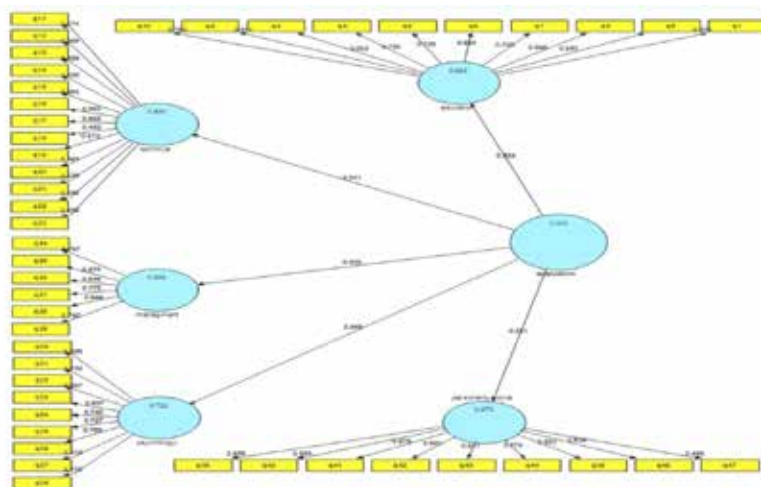
$$* P < 0/05, ** P < 0/01$$

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که تعداد ۶ نفر (۰/۰۲۵) از افراد نمونه نمره شاخص‌های ارزیابی آن‌ها کمتر از میانگین نظری (۱۴۱) بوده و تعداد ۲۳۴ نفر (۰/۹۷۵) نمره بالاتر از میانگین نظری (۱۴۱) گرفته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وضعیت شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور بالاتر از میزان متوسط قرار داشته‌اند که از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/01$). این نتایج نشان‌دهنده این است که شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور در سطح مطلوبی قرار دارد.

جدول ۶: تدوین مدل اندازه‌گیری شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور

رابطه مورد بررسی	بارعاملی	t-value	R ²	سطح معناداری
شاخص آموزشی ← شاخص ارزیابی	۰/۸۳	۴۲/۹۶	۰/۶۸۸	۰/۰۱
شاخص فنی ← شاخص ارزیابی	۰/۹۱	۵۹/۶۸	۰/۸۲۸	۰/۰۱
شاخص‌های مدیریتی ← شاخص ارزیابی	۰/۸۳	۳۷/۲۲	۰/۶۸۸	۰/۰۱
شاخص‌های روانشناسی ← شاخص ارزیابی	۰/۸۴۹	۳۳/۴۳	۰/۸۲	۰/۰۱
شاخص‌های شخصیتی - اجتماعی ← شاخص ارزیابی	۰/۸۲	۳۴/۲۶	۰/۶۷۲	۰/۰۱

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که شاخص‌های فنی با اندازه اثر ۰/۹۱ و در سطح $p < ۰/۰۱$ بالاترین اثر معنادار را بر شاخص ارزیابی داشته است. همچنین دیگر شاخص‌های ارزیابی از بار عاملی بالا در بررسی شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور دارند.



شکل ۱: ضرایب استاندارد مدل اندازه گیری شاخص های ارزیابی مربیان کشور

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف شناسایی و اولویت بندی شاخص های ارزیابی مربیان ورزش کشور به مرحله اجرا گذاشته شد تا با شناخت دقیق تر شاخص های ارزیابی، راه برای ارزیابی و انتخاب بهتر مربیان هموار گردد. طبق یافته های پژوهش پنج عامل آموزشی، فنی، مدیریتی، روانشناسی و شخصیتی - اجتماعی به عنوان شاخص های ارزیابی مربیان انتخاب شدند. پژوهش های زیادی به بررسی شاخص های ارزیابی عملکرد مربیان پرداخته اند که یافته های این پژوهش با یافته های رمضانی نژاد و همکاران (۱۳۹۳) در والیبال هفت شاخص و اسدی و همکاران (۱۳۹۲) در شطرنج هفت شاخص همخوان می باشد، ولی با یافته های صاحبکاران و همکاران (۱۳۹۴) در والیبال شش شاخص، هنری و همکاران (۱۳۹۲) در فوتبال چهار شاخص، رمضانی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در شاخص های مربیان از دیدگاه کارشناسان هشت شاخص، روحانی و همکاران (۱۳۹۲) در فوتبال پنج شاخص، دهقانی قهفرخی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش بازخورد ۳۶۰ درجه در والیبال چهار شاخص، کاظمی پور و همکاران (۱۳۹۲) نه شاخص، معماری و همکاران (۱۳۹۱) در مربیان ملی کشور پنج شاخص، عبدالملکی و همکاران (۲۰۱۵) در مربیان گلبال پنج شاخص، میرزا^۱ و همکاران

1 Myers

(۲۰۱۷) پنج شاخص، پینگ و مینگ^۱ (۲۰۱۸) در ووشو چهار شاخص، سانتوس^۲ (۲۰۱۸) سه شاخص و مارتینز^۳ (۲۰۱۴) یازده شاخص ناهمخوان می‌باشد. البته بسیاری از شاخص‌های ارزیابی مربیان در این تحقیق با شاخص‌های تبیین‌شده در تحقیقات فوق دارای پوشش و همخوانی می‌باشد که این موضوع تا حدودی نشان‌دهنده یکسان بودن اهمیت این عوامل در ارزیابی مربیان است. در پژوهش حاضر دو عامل شخصیتی و اجتماعی در هم ادغام شده و شاخص فنی و روان‌شناسی ورزشی که از عوامل عمده و مهم در ارزیابی مربیان می‌باشد، شناسایی شد. در همین رابطه محققان بسیار زیادی تلاش کردند که این موضوع را با عنوان شاخص‌های ارزیابی مربیان بررسی کنند؛ چنان‌که کوگا (۲۰۱۷) توانست ۲۴ شایستگی مربیان را به ۴ حوزه اصلی طبقه‌بندی کند که عامل دانش و مهارت‌های مربی و عامل سیستم یا بازیکن تقریباً مشابه با دو ملاک تحقیق حاضر بود. همچنین در این تحقیق داشتن ظاهر حرفه‌ای، هدایت و حفظ موقعیت حرفه‌ای و مدیریت و رهبری بر تمرینات اولویت داشتند که با تحقیق حاضر همخوانی داشتند. در پژوهش حاضر علاوه بر عوامل مذکور، دو شاخص آموزشی و مدیریتی رهبری از عوامل عمده بهینه‌سازی شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش کشور شناسایی شد که در پژوهش‌های دیگر این عوامل با توجه به متغیرهای تبیین‌کننده آن با اسامی مختلفی معرفی شده است. بنابراین به نظر می‌رسد تفاوت در طبقه‌بندی عوامل در پژوهش‌های مختلف، ممکن است به دلیل متغیرهای جدید و تعداد سؤالات پرسش‌نامه، ترکیب مربیان رشته‌های ورزشی مختلف، تنوع عامل‌ها و یا ماهیت رشته‌های ورزشی باشد. بنابراین بهره‌گیری مربیان از مهارت‌های مهم و مشخص از جمله مهارت‌های فنی، مدیریتی و رهبری آموزشی جز با استفاده از ابزارهای ارتباطی میسر نمی‌شود. بنابراین همان‌گونه که در دسته‌بندی ذهنی پاسخگویان به سؤالات این تحقیق می‌توان دریافت آنان همسو با نظرات سایر محققان به توانایی زیاد مربیان در، بهره‌گیری از این مهارت اعتقاد دارند و آن را یکی از ویژگی‌های مثبت وی برشمره‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که همبستگی درونی بالایی در میان شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور وجود دارد. نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین شاخص‌های فنی و شاخص‌های کلی ارزیابی همبستگی بالایی (۰/۹۱) وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های طالب‌پور و اسماعیلی (۱۳۸۶)، شفیعی (۱۳۸۶)، رضانی‌نژاد (۱۳۹۳) و مایرز و همکاران (۲۰۱۷) همسو می‌باشد. بسیاری از مطالعات ورزشی انجام گرفته به مطالعه و پژوهش

1 Peng & Ming

2 Santos

3 Martens

حول محور مربیان و نقش‌های بسیاری که آنها در کار خود ایفا می‌کنند، پرداخته‌اند. همه این پژوهش‌ها در نشان دادن شیوه‌هایی که به وسیله آن‌ها مربیان ورزشی راهبردهایی را برای بهبود عملکرد ورزشکاران به کار می‌برند، توافق دارند. در واقع، مربیان وظیفه مهم هدایت و پرورش ورزشکاران فردی و تیمی را در زمینه‌های متفاوتی از مدرسه گرفته تا تیم‌ها و ورزشکاران جهت شرکت در مسابقات بین‌المللی آماده می‌شوند، بر عهده دارند- این نکته خود بر اهمیت مطالعه این امر که مربیان چگونه ارزیابی می‌شوند، صحنه می‌گذارد. چنان‌که کاشیون و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند مربیگری بخشی از واقعیت‌های پیچیده‌ای است که مرتبط با محیط‌های ورزشی و همچنین مشتمل هستند بر روابط و تعاملاتی با افرادی از سنین، طبقه، جنس، تجارب و فلسفه‌ها، نژادها و ارش‌های متفاوت و بنابراین آنچه که مورد بحث واقع شده است مربیان موجوداتی اجتماعی هستند که در محیطی اجتماعی فعالیت می‌کنند. پس باید که فهمیده و تشریح شوند و در نهایت مورد ارزیابی قرار گیرند (یورک^۱، ۲۰۱۵). با در نظر گرفتن این مهم امروزه ارزیابی مربیان از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین با نتایج تحقیق مک‌لین و چلادورای^۲ (۲۰۱۰) با هدف ایجاد مقیاس ارزیابی عملکرد مربیان که مدلی شش بعدی را ارائه کردند، همسوست. آنها در تحقیق خود مدلی ارائه کردند که عبارت‌اند از: رفتارهای وظیفه‌ای مستقیم، رفتارهای وظیفه‌ای غیرمستقیم، محصولات شخصی و تیمی، رفتارهای ابقای اداری و رفتارهای روابط عمومی. این محققان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که این ابعاد به‌خوبی ابعاد متمایز عملکرد را اندازه‌گیری و تبیین می‌کنند (مک‌لین و چلادورای، ۲۰۱۰). مقایسه یافته آزمودنی‌ها نشان داد که از دیدگاه کلی، شاخص‌های ارزیابی مربیان به ترتیب شامل شاخص فنی، شاخص‌های روانشناسی، شاخص آموزشی، شاخص‌های مدیریتی و شاخص‌های شخصیتی به ترتیب برابر با $\beta=0/91$ ، $\beta=0/84$ ، $\beta=0/83$ ، $\beta=0/82$ است. علاوه بر این، مشخص شد که شاخص‌های فنی مهم‌ترین شاخص ارزیابی مربیان از نظر آزمودنی‌ها بود که همبستگی درونی بالایی با دیگر شاخص‌های ارزیابی مربیان دارد و بدین معناست که مربیان باید جهت بهینه‌سازی ارزیابی خود و همچنین تیم تحت رهبری خود آنها را در زمینه‌های توانایی در آنالیز مسابقات ورزشی، استفاده از تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و تئوری‌های پیشرفته ورزشی، توانایی در شناسایی استعدادها و برتر ورزشی، توانایی در ارزیابی ویژگی‌های فنی ورزشکاران، دانش در تجزیه و تحلیل عملکرد ورزشکار و توانایی در طراحی و اجرای برنامه‌های تمرینی مناسب در کسب نتیجه مطلوب حرفه خود بهبود دهند- چرا که این عوامل در کسب نتایج بهتر نقش مهمی ایفا کرده و برای بهینه‌سازی شاخص‌های ارزیابی مربیان نیز مهم است.

1 York

2 McLean & Chelladurai

نتایج آزمون فریدمن و نتایج آزمون تعقیبی ویلکاکسون (با تصحیح بنفورنی) نشان داد که اولین رتبه مربوط به شاخص‌های فنی با میانگین رتبه ۴/۹۹، دومین رتبه مربوط به شاخص‌های آموزشی با میانگین رتبه ۳/۴۶، سومین رتبه به صورت مشترک مربوط به شاخص‌های روانشناسی و شاخص‌های شخصیتی - اجتماعی با میانگین رتبه ۲/۸۲ است که با همدیگر تفاوت معناداری نداشته‌اند و چهارمین رتبه مربوط به شاخص‌های مدیریتی با میانگین رتبه ۱ می‌باشد. همچنین نتایج آزمون ویلکاکسون نشان می‌دهد که بین تمامی شاخص‌های ارزیابی مربیان کشور از نظر رتبه‌بندی تفاوت معناداری به جز شاخص‌های روانشناسی و شخصیتی با همدیگر وجود دارد ($p < 0/01$). نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش سادگی (۱۳۹۶)، هنری و همکاران (۱۳۹۲) و روحانی و همکاران (۱۳۹۲) که در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که مربیان در اولویت‌بندی معیارهای انتخاب دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند و در مورد اولویت‌بندی معیارهای انتخاب اختلاف نظر دارند، همسو می‌باشد. یافته مهم این است که مربیان اولویت مشابهی را برای ابعاد شاخص‌های ارزیابی مربیان در نظر گرفته‌اند. مربیان، شاخص‌های فنی را به عنوان مهم‌ترین ملاک ارزیابی عملکرد مربیان انتخاب کردند. این ملاک توانایی‌های خاص یا مهارت‌هایی را در بر می‌گیرد که به‌طور مستقیم در برنامه روزانه و تمرینی استفاده می‌شود. برخورداری از اعتماد به نفس، خود باوری، نحوه ارتباط کلامی و رو در رو با ورزشکاران، استفاده از دانش ورزشی و اصول روانشناسی از گویه‌های پراهمیت در قالب رفتارهای کاری و فنی مربی است. به نظر می‌رسد خودباوری به کیفیت ارتباط مربی با خود و نحوه ارتباط با دیگران تأثیر می‌گذارد. روابط اجتماعی، موضوعی مهم در مربیگری است و به رسالت حرفه‌ای و اجتماعی مربیان مربوط می‌شود و کاملاً قابل توجه است که از نظر گروه‌های آزمودنی بااهمیت باشد، زیرا رفتار مربی به‌طور مستقیم بر رفتار ورزشکاران اثر می‌گذارد (گرانث و پلاسچک، ۲۰۱۵). در این مطالعه شاخص‌های مدیریتی در اولویت آخر قرار داشت. فرایند شناخت و شناسایی تیم و داشتن طرح و برنامه برای جذب ورزشکار جدید از گزینه‌های مهم و استفاده از آمار و اطلاعات، مدیریت تیم و همکاری با سایر بخش‌های باشگاه و تیم و توانایی ارتباط با رسانه‌ها از گویه‌های این ملاک بودند. توانایی نوشتن مطالب برای نشریات و روزنامه‌ها کمترین اهمیت را در این بعد داشت. احتمالاً از دیدگاه مربیان، این موارد ارتباط موضوعی و کاری مستقیم با مربیگری نداشت. البته در کشور ما شاید این ویژگی کم اهمیت باشد، ولی اگر مربیان فنی و نخبه بتوانند تجارب و تحلیل‌های خود را به صورت مکتوب در کلاس‌های آموزشی و توجیهی در اختیار ورزشکاران قرار دهند یا مسائل رشته ورزشی خود را به‌صورت گزارش و تحلیل به رسانه‌ها اعلام کنند، این تعامل و ارتباط می‌تواند شایستگی‌های فنی آنان را بیشتر آشکار کند. مربیان به لحاظ پر بودن ساعات کاری متمادی

در طول روز به تمرین و آموزش در سالن‌ها یا استادیوم‌های ورزشی سپری می‌کنند و در نتیجه اوقات فراغت لازم و کافی را ندارند تا بتوانند با نشریات یا مطبوعات همکاری لازم را انجام دهند یا در سایر فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی باشگاه مشارکت کنند یا چنین شرح وظائفی برای مربیان وجود ندارد.

یافته‌های آزمون دوجمله‌ای برای متغیر شاخص‌های ارزیابی نشان داد که تعداد ۶ نفر (۰/۰۲۵) از افراد نمونه نمره شاخص‌های ارزیابی آن‌ها کمتر از میانگین نظری (۱۴۱) بوده و تعداد ۲۳۴ نفر (۰/۹۷۵) نمره بالاتر از میانگین نظری (۱۴۱) گرفته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که وضعیت شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور بالاتر از میزان متوسط قرار داشته‌اند که از نظر آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/01$). این نتایج نشان‌دهنده این است که شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزشی کشور در سطح مطلوبی قرار دارد. نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش مایرز و همکاران^۱ (۲۰۱۳) و رضانی‌نژاد (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. ادوارد (۲۰۱۵) در این باره بیان می‌کند که یک مربی باید دانش لازم برای مربیگری را داشته باشد. وی دانش مربیگری را در زمینه‌های آناتومی و فیزیولوژی انسانی، توسعه مهارت، تکنیک‌های تمرین و مربیگری، مهارت‌های پایه مدیریتی و سازماندهی، توسعه قدرت، استقامت، انعطاف‌پذیری، سرعت و روانشناسی مربیگری و کار تیمی مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین لارسون (۲۰۱۰) به ویژگی‌های یک مربی موفق و کارآمد اشاره می‌کند: ۱) آگاهی از فنون، روش‌ها، تاکتیک‌ها و قوانین در رشته ورزشی خود؛ ۲) توانایی تجزیه و تحلیل مهارت‌های بازیکنان. بر این اساس و با توجه به شاخص‌های ارزیابی مربیان ورزش سراسر کشور در شاخص مهارت‌های فنی باید گفت که پاسخ دهندگان، شایستگی‌های شغلی را به خوبی می‌شناسند و می‌دانند که در دنیای ورزش، مربیان باید ویژگی‌های فنی را در خود رشد و ارتقا دهند. از طرف دیگر، همه دست‌اندرکاران ورزش مانند مدیران، رسانه‌ها و خود ورزشکاران باید شایستگی‌ها و مهارت‌های فنی مربیان را مورد بررسی و قضاوت قرار دهند و تا حد امکان از بررسی سایر ویژگی‌های غیرمرتبط با عملکرد بپرهیزند. در حقیقت قدرت فنی مربی شاخص پذیرفته‌شده‌ای برای دست‌اندرکاران و متخصصان مدیریت و روانشناسی ورزش است. همچنین به نظر می‌رسد که این عامل بستر مناسبی را برای رشد و ارتقای سطح حرفه‌ای و فنی ورزشکاران فراهم می‌کند و زمینه‌ساز موفقیت و کامیابی فردی و تیمی می‌شود که البته آموزش و رشد ورزشکاران نیز به توانایی تخصصی و فنی مربی وابسته باشد.

با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که پژوهش حاضر معیارهایی را برای انتخاب مربیان و ارزیابی آنان یافته است که می‌تواند به عنوان شاخص‌های ارزیابی مربیان از سوی مدیران و مسئولان ورزش کشور مورد استفاده قرار گیرد و با ارزیابی بهینه و سودمند گامی مؤثر در رشد و توسعه ورزشکاران و مربیان برداشته شود. البته هنوز به درستی معیارهای ارزیابی مربیان به صورت مدون تدوین نشده است و بسیاری از مربیان به‌طور عادی انتخاب و به کار خویش در طی سالیان متمادی ادامه می‌دهند. شاید بتوان با این تحقیق گوشه‌ای از معیارهای ارزیابی مربیان را ترسیم نمود، اما لازم است تحقیقات کامل‌تری با تمرکز بر ورزش حرفه‌ای و هریک از تیم‌های ورزشی صورت گیرد تا شاخص و ملاک‌های فنی‌تری شناسایی شود.

منابع

- اسدی، حسن؛ ابراهیم زاده، محمد نقی؛ حمیدی، مهرزاد و سعید آذری، زهرا. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین معیارهای انتخاب مربیان تیم‌های ملی شطرنج». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۳ (۵)، صص ۲۹-۴۴.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۵). «ارزشیابی آموزشی مفاهیم، الگوها و فرایندهای عملیاتی». چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات وزیری خاتمی. (۱۳۹۴). «بررسی و رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد بانک ملی با استفاده از مدل کارت امتیاز متوازن و AHP فازی با تأکید بر شاخص‌های مالی». ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری. شماره ۱۴، صص ۴۳-۶۵.
- دهقان قهرخی، امین؛ گودرزی، محمود؛ جلالی فراهانی، مجید و منظمی، امیرحسین. (۱۳۹۷). «ارزشیابی عملکرد مربیان تیم‌های ملی والیبال ایران با استفاده از روش بازخورد ۳۶۰ درجه». پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. ۵ (۲)، صص ۹-۲۴.
- رمضانی نژاد، رحیم؛ صاحبکاران، محمد علی؛ آقائی خلیق، ایرج؛ اردمه، محمد و اکبر، مرتضی. (۱۳۹۳). «تحلیل عاملی شاخص‌های ارزیابی عملکرد مربیان زن لیگ برتر والیبال ایران». مطالعات مبانی مدیریت ورزشی. سال ۱، شماره ۲، صص ۱۱-۲۴.
- روحانی، میثم؛ طالب پور، مهدی؛ رمضانی نژاد، رحیم و بنار، نوشین. (۱۳۹۴). «تحلیل عاملی شاخص‌های ارزیابی عملکرد مربیان حرفه‌ای فوتبال ایران». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۲ (۵)، صص ۳۵-۴۸.
- ریحانی، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل استرس‌زای مربیان حرفه‌ای فوتبال ایران». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه گیلان.
- سادگی، غلامرضا. (۱۳۹۶). «شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد مربیان فوتبال استان خوزستان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سلیمی، مهدی. (۱۳۹۰). «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد تیم‌های لیگ برتر والیبال ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- صاحبکاران، محمد علی و رمضانی نژاد، رحیم. (۱۳۹۴). «شاخص‌های ارزیابی عملکرد سرمربیان حرفه‌ای لیگ برتر والیبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۳، صص ۱۵-۳۲.
- کاظمی‌پور، احمد؛ مهدی‌پور، عبدالرحمن و ازمشا، طاهره. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین شاخص‌های انتخاب سرمربی تیم ملی فوتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۲، صص ۵۱-۷۲.
- مرکز مطالعات و تحقیقات ورزشی. (۱۳۹۵). «ارزشیابی کلان عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری براساس شاخص‌های اختصاصی ۱۳۹۰-۱۳۹۳». تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- موحدمتش، ویدا. (۱۳۹۴). «ارائه چارچوبی جهت ارزیابی عملکرد مدیران با استفاده از تاپسیس فازی و تحلیل پوششی داده‌های فازی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- نصیری، خسرو؛ خبیری، محمد؛ سجادی، نصراله و کاظم‌نژاد، انوشیران. (۱۳۸۸). «تحلیل و مدل‌سازی ارزیابی مربیان تیم‌های ملی والیبال ایران». نشریه مدیریت ورزشی حرکت. شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- نوشادی، بهزاد. (۱۳۹۴). «موفقیت در مربیگری حرفه‌ای». چاپ اول، تهران: انتشارات زانینس
- هنری، حبیب؛ مرادی، مهدی؛ احمدی، عبدالحمید و سررشته داری، محمد. (۱۳۹۲). «رتبه‌بندی شاخص‌های انتخاب مربیان تیم‌های ملی فوتبال ایران». پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. ۵ (۲)، صص ۳۳-۴۵.
- Barron, M. (2019). "First Aid and Injury Prevention Knowledge of Youth Basketball, Football, and Soccer Coaches". International Journal of Coaching Science, 3, (1), 55-67.
- Bradley, S. (2011). "Performance appraisal of sports coaches: A New Zealand analysis". New Zealand Journal of Industrial Relations, 26, (2), 235.
- Coaches' Association of British Columbia. (2017). Available on: [Http// www.coachesbc.com](http://www.coachesbc.com)
- Dowdell, T. (2017). "Characteristics of Effective Gymnastics coaching". Gymnastics Journal, Vol.2.issue.1.PP:15-24.
- Fung, L. (2013). "Assessment: Coaching Efficacy as Indicators of Coach Education Program Needs, Athletic Insight". The Online of Sport Psychology, 5(1): PP: 12-18.
- Gerver. (2012). **Coaching, Winning Strategies for Individuals and Teams**. Textbook.
- Grant M.H.; Pluschke, M. (2015). "Criteria for Evaluating High School Coaches". IAA, 32(1): 14-15.
- Maclean, J.C., Chelladurai, P. (1996). "Dimensions of Coaching Performance Development of a Scale". Journal of sport management, 9: 194-207.
- Martens, R. (2014). **Successful coaching**. Human Kinetics. Third edition, 12. PP: 320-335.
- Myers, N.D., Feltz, D.L., Maier, K.S., Wolf, E.W., & Reackase, M.D. (2017). "Athletes' Evaluation of Their Head Coaches Coaching Competency". Research Quarterly for Exercise and Sport, 77(1): 21-111.
- Peng, Y and L., Ming. (2018). "Evaluation Index System on Performance Management of Universities High-Level Wushu". Proceedings of the seventh International Conference on Innovation & management, pp: 814-818.
- Santos, S. (2018). "Coaches' perceptions of competence and acknowledgement of training needs related to professional competences". Journal of Sports Science and Medicine, pp: 62-70
- Stone, R. J. (2018). **Human resource management**. John Wiley & Sons, Australia
- Xu, J.Y. (2017). "Performance Assessment of Professional Sports Clubs with Balanced Score-Card and AHP". Sport Science Research, 28(1):26-28.
- York, R. (2015). "Measuring and evaluating coaching performance using a 360 feedback process: a development and pilot Study". Dissertation for master of applied science, submitted at Deakin University.

مدل‌یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان

با رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

پدیده بلوری‌زاده^۱

فرشاد تجاری^۲

علی زارعی^۳

محمدرضا اسمعیلی^۴



10.22034/SSYS.2022.1488.2027

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۵/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۰

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تجربه بازیکنان بسکتبال بانوان ایران از سوءرفتار در رابطه مربی- ورزشکار و تاثیر آن بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری است. این مطالعه به روش توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمام ورزشکاران زن تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات لیگ دسته یک و سوپرلیگ بسکتبال با تعداد ۲۳۰ نفر از ۲۱ تیم (۱۱ تیم در لیگ برتر و ۱۰ تیم در لیگ دسته ۱) بود و نمونه‌گیری به شیوه در دسترس و تمام‌شمار انجام شد. به منظور بررسی و مطالعه اهداف پژوهش، از سه پرسشنامه- «پرسشنامه سوءرفتار» بلوری‌زاده (۲۰۱۳) با ۱۶ گویه ($\alpha = 0/88$)، «پرسشنامه رابطه مربی- ورزشکار» جووت و تومانیس (۲۰۰۴) با ۱۱ گویه ($\alpha = 0/88$) و «مقیاس ادراک اثربخشی مربیگری» کاواسانو و همکاران (۲۰۰۸) با ۲۴ گویه ($\alpha = 0/92$) - و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید.

نتایج معادلات ساختاری نشان داد که سوءرفتار مربیان اثرات منفی بر ابعاد ساختاری رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری می‌گذارد ($\beta = -0/59$) و ($\beta = -0/492$). با این حال، تاثیر متقابل دو مؤلفه رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری بر سوءرفتار مربیان تایید نگردید. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای رابطه مربی- ورزشکار بر روی ادراک ورزشکار از اثربخشی مربیگری ($\beta = 0/78$) تاثیر مثبت

^۱ دکترای مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد، مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Far.Tojari@iauctb.ac.ir

^۳ دانشیار، مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دارد. این مطالعه بینشی را برای مربیان در مورد حفاظت از ورزشکاران در مقابل سوءرفتار فراهم می‌آورد که بتوانند ارتباط خود را با ورزشکاران بهبود بخشند و ورزشکاران نیز درک مثبتی از اثربخشی مربیگری داشته باشند.

واژگان کلیدی: سوءرفتار، رابطه مربی- ورزشکار و اثربخشی مربیگری.

مقدمه

ماموریت کمیته بین‌المللی المپیک، قرار دادن ورزشکاران و منافع آن‌ها در قلب جنبش المپیک است. ترویج ورزش به دور از آزار و سوءاستفاده اعم از جسمی و ذهنی و مبتنی بر محافظت از سلامت جسم و ذهن در فضای تمرین و رقابت از سوی سازمان‌های به رسمیت شناخته شده کمیته بین‌المللی المپیک باید حمایت شود و عدم‌پابندی و پذیرش آن نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حمایت از حقوق بشر و قوانین اخلاقی کمیته بین‌المللی المپیک و پارالمپیک محسوب می‌شود. حفاظت و حمایت از ورزشکاران در برابر آزار و اذیت و سوءرفتار^۱ در ورزش، در اصول بنیادی جهانی برای مدیریت مطلوب المپیک و جنبش‌های ورزشی گنجانده شده است. این اصول در سال ۲۰۰۸ تشریح شد و دستورالعمل‌های مربوط به حفاظت از ورزشکاران در مقابل اذیت و آزار و سوءاستفاده، برگرفته از مجمع بین‌المللی ورزشکاران ۲۰۱۵ و قوانین اخلاقی کمیته بین‌المللی المپیک ۲۰۱۶ توسط هیئت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک تصویب شد، در دستور کار المپیک ۲۰۲۰ تکیه قرار گرفت و کمیته‌های وابسته به المپیک مکلف شدند تا به آن‌ها پابند شوند. درعین حال، کمیته بین‌المللی المپیک تمامی کمیته‌های ملی المپیک زیر مجموعه خود را ملزم به تشکیل «شورای حفاظت از ورزشکاران در مقابل آزار، اذیت و سوءرفتار در ورزش» کرده است (مونت جوی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۷۶).

اولین مطالعات در مورد خشونت و سوءرفتار بیشتر در حوزه کودکان و زنان و محیط کار صورت گرفته است. از اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، با برخی گزارشات مبنی بر تعارض علیه ورزشکاران، به‌ویژه ورزشکاران زن، این مطالعات در حوزه ورزش نیز به شکل گسترده‌تری آغاز شد (فستینگ^۳، ۲۰۰۵). اولین پایش در کانادا بر روی جامعه آماری از ورزشکاران بازنشسته و فعال حرفه‌ای ($N=1200$) انجام گرفت و نتایج پژوهش بر بروز بدرفتاری‌ها و تعارضات جنسی به ورزشکاران صحنه گذاشت (فستینگ، ۲۰۰۵). در پی ازدیاد علاقمندی مجامع بین‌المللی به این موضوع در ورزش، استرلینگ^۴ (۲۰۰۹: ۱۰۹۱) در مقاله‌ای تعریف و چارچوبی مفهومی برای بدرفتاری در ورزش ارائه داد. بر مبنای تعریف او، بدرفتاری شامل رفتارهایی است که با قصد و نیت آشکار و یا پنهان برای وارد کردن آسیب فیزیکی، روانی، اجتماعی به فرد دیگر صورت می‌گیرد و به اشکال مختلف در محیط‌های ورزشی تجربه می‌شود

1 Abuse

2 Mountjoy

3 Fasting

4 Stirling

(استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر^۱، ۲۰۱۳: ۸۷) مربیان، والدین، مدیران، داوران و ورزشکاران همگی از جمله قربانیان و یا مقدمه‌سازان بدرفتاری محسوب می‌شوند (استرلینگ، ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷). بدرفتاری، با توجه به ماهیت ارتباط بین افراد به دو دسته ارتباطی و غیرارتباطی تقسیم می‌شود. بدرفتاری غیرارتباطی، باتوجه به عمق رابطه، به اشکال مختلفی مانند آزار و اذیت، زورگویی، استعمار یا انحراف و یا ارتباط غیرانتقادی بروز می‌کند (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر، ۲۰۰۸: ۸۹). بدرفتاری ارتباطی را «سوءرفتار» نیز می‌نامند و شامل چهار زیرمجموعه است: سوءرفتار جسمانی، سوءرفتار جنسی، سوءرفتار عاطفی و بی‌توجهی. این چهار شکل از بدرفتاری را در اصطلاح «ناهنجاری‌های ارتباطی» می‌نامند، چرا که در شرایط نقش‌های ارتباطی بروز می‌کنند. نمونه‌های این گونه روابط در ورزش مواردی مانند ارتباط ورزشکاران با والدین، مربیان، و هم‌تیمی‌ها در نقش راهنما را شامل می‌شود. در هر دو شکل از بدرفتاری عدم توازن در قدرت از عوامل بسیار مؤثر در تحریک چنین رفتارهایی از سوی مربیان است (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ کر و استرلینگ، ۲۰۱۹: ۳۶۷؛ لافرنیر^۲، جوت^۳، والراند^۴ و کاربونو^۵، ۲۰۱۱: ۱۴۴۲). سوءرفتار مربی شامل الگوهای تکرارشونده از اتفاقات و رفتارهایی است که تلویحا پیام بی‌ارزشی، ناخواسته‌بودن، بی‌اهمیت‌بودن، ابزاری برای لذت جنسی بودن، ضعیف و مستحق تنبیه بدنی بودن را به ورزشکار القا می‌کند.

سوءرفتار عاطفی، به هرگونه اقدام غیرجسمی عمدی، توهین آمیز و سرکوبگرانه‌ای گفته می‌شود که با هدف آسیب رساندن به شخص صورت می‌گیرد (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۹-۱۰۹۱؛ الیاسون، ۲۰۱۹؛ استرلینگ و کر، ۲۰۰۸: ۸۹؛ گوین^۶، ۲۰۱۱: ۵۰۳). هرگونه آسیب جسمی و غیرجسمی به ورزشکار که معمولاً به صورت غیرتصادفی و عمدی صورت می‌گیرد، ازجمله انواع تنبیه‌ها مانند تمرین‌های بدنی زیاده از حد (بدون ضرب و شتم) و یا تنبیه بدنی (همراه با ضرب و شتم)، سوءرفتار جسمی محسوب می‌شود (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷؛ مک میهان^۷

1 Kerr
2 Lafrenière
3 Jowett
4 Vallerand
5 Carboneau
6 Gavin
7 McMahon

و مک گنون^۱، ۲۰۱۹: ۲۸؛ استفورد^۲، الکساندر^۳ و فرای^۴، ۲۰۱۳: ۲۸۷؛ هگی وارا^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۱؛ یابه^۶ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۹۷).

سوءرفتار جنسی به هر گونه تعامل جنسی با شخص یا اشخاص در هر سنی بر خلاف میل و رضایت قربانی یا به شیوه‌ای تهاجمی، تهدیدی، با هدف بهره‌برداری یا با هدف سوءاستفاده (مانند کلیشه‌های تبعیض‌آمیز و توهین آمیز، شوخی‌های جنسی، ارعاب، رویکردها و اقدامات جنسی) اطلاق می‌شود که به دو صورت لمسی و غیر لمسی اتفاق می‌افتد (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ تیمپکا^۷ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱). بی‌توجهی، به محرومیت همه‌جانبه از توجه اشاره دارد و شامل بی‌توجهی منفعل یا منفعل/تهاجمی نسبت به نیازها، تربیت و سلامت فرد، کمک‌رسانی و راهنمایی کردن به فرد است که در آینده سبب آسیب‌های جسمی و روحی یا عاطفی به فرد می‌شود (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ ورتومن^۸ و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۲۳). فورتیر^۹، پرنٹ^{۱۰} و لسارد^{۱۱} (۲۰۲۰: ۴) بی‌توجهی را یک آسیب جدی و از اساسی‌ترین صدمات می‌دانند.

این سوءرفتارها، عواملی استرس‌زا برای ورزشکاران هستند و تأثیرات منفی بر روابط مربی-ورزشکار خواهند گذاشت (آدی^{۱۲} و جووت، ۲۰۱۰: ۲۷۵۰) و در نهایت می‌تواند به عملکرد ورزشکار آسیب برساند (کاوانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱؛ کارلتون^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۰۹؛ دیویس^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۸۵)، در حالی که رهبری و مربیگری موفق مستلزم ایجاد رابطه‌ای با کیفیت با ورزشکار است (لیزینسکین^{۱۵}، ۲۰۱۸: ۷۴). در نتایج پژوهش‌های جاری بر روی مربیان و رهبران دارای سبک همراه با سوءرفتار (همپسون^{۱۶} و جووت، ۲۰۱۴: ۲۵۴؛ کارلتون، ۲۰۱۵:

1 McGannon

2 Stafford

3 Alexander

4 Fry

5 Hagiwara

6 Yabe

7 Timpka

8 Vertommen

9 Fortier

10 Parent

11 Lessard

12 Adie

13 Carleton

14 Davis

15 Lisinskiene

16 Hampson

۴۰۹؛ لیزینسکین، ۲۰۱۸: ۷۴)، این سبک رهبری بسیار مخرب شناخته شده است که می‌تواند تأثیرات منفی نه تنها بر ورزشکاران، بلکه بر طرفداران و نیز تیم‌ها داشته باشد (سامرلی^۱، ۲۰۱۹: ۱؛ جووت و آرتور^۲، ۲۰۱۹: ۴۱۹). بنابراین، یک رابطه با کیفیت و سالم میان مربی و ورزشکار که دوجانبه نیز باشد، می‌تواند نقشی حیاتی در دستاوردهای دو طرف داشته باشد (کارلتون و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۰۹؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۸۵).

جووت و همکارانش معتقدند که در ساختار رابطه مربی- ورزشکار، میان مربی و ورزشکار یک رابطه منحصر به فرد و ویژه شکل می‌گیرد که در آن تمام احساسات، افکار و رفتارهای دو طرف مشترک و به هم مرتبط و وابسته هستند (جووت و آرتور، ۲۰۱۶: ۴۱۹). آن‌ها سازه‌های بین‌فردی صمیمیت^۳، تعهد^۴ و مکمل‌بودن^۵ را برای تعریف عملیاتی احساسات، تفکرات و رفتارهای مربیان و ورزشکاران به کار بردند (که به مدل 3C معروف است). این سازه‌ها به صورت مستقل در پژوهش‌ها و تئوری‌های بین‌فردی به شکل کلی بررسی شده‌اند. با وجود این، شامل بودن‌شان در یک الگوی ارتباطی همبسته در راستای تعریف رابطه مربی- ورزشکار است که به هم پیوستگی احساسات، تفکرات و رفتارهای اعضای رابطه را مبنا قرار می‌دهد. صمیمیت، به احساس پیوستگی عاطفی، اعتماد، احترام و قدردانی در روابط مربی- ورزشکار گفته می‌شود. تعهد، به نوعی تمایل ورزشکار و مربی برای حفظ همکاری طولانی مدت است و مکمل‌بودن به تعامل مشترک آن‌ها در حین تمرینات و رقابت‌ها گفته می‌شود. این سه عامل مؤثر بودن رابطه مربی- ورزشکار را نشان می‌دهند (جووت و آرتور، ۲۰۱۹: ۴۱۹).

در نتایج تحقیقات پژوهشگرانی که نقش عمده‌ای در خلق ادبیات مربوط به روابط مربی- ورزشکار داشته‌اند، همبستگی میان رفتار مربیان و کیفیت ارتباطشان با ورزشکاران گزارش شده است (استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷؛ مک ماهون و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۸). رابطه مربی- ورزشکار پدیده‌ای پیچیده است که از متغیرهای متفاوت تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. درک عملی این پیچیدگی از سوی مربیان و ورزشکاران به آن‌ها کمک می‌کند که روابط را توسعه بخشند و عملکرد و رضایتمندی را به حداکثر برسانند (جووت و آرتور، ۲۰۱۶: ۴۱۹). پژوهش‌ها اشاره می‌کنند که یک تعامل بین‌فردی منفی، سوءرفتار و بی‌توجهی، باعث تحلیل‌رفتگی در بین ورزشکاران (دفریز^۶ و

-
- 1 Summerley
 - 2 Arthur
 - 3 Closeness
 - 4 Commitment
 - 5 Complimentarity
 - 6 DeFreese

اسمیت^۱، ۲۰۱۴: ۶۱۹) و مانع اثربخشی هر دو طرف یعنی مربی و ورزشکار می شود (جووت و تومانیس، ۲۰۰۴: ۲۴۵؛ کاوانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱؛ جووت و آرتور، ۲۰۱۹: ۴۱۹). در حالی که یک رابطه ادراک شده با کیفیت، بین مربی و ورزشکار باعث ارتقای عملکرد ورزشکار (مونت جوی، ۲۰۲۰: ۳۶۷) و انگیزه (استرلینگ ۲۰۰۹: ۱۰۹۱؛ لانگستف^۲ و جرویس^۳، ۲۰۱۶: ۲۷۶؛ هانا^۴ و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۷۹)، اثربخشی جمعی بیشتر (هملین^۵ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۴؛ نیکولز^۶ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۶-) و اثربخشی مربیگری (بویسن^۷، ۲۰۱۸: ۶) می شود.

اثربخشی مربیگری، بر اساس مدل سودمندی مربیگری ساخته شده است و برگرفته از اصول تئوری خودسودمندی بندورا^۸ (۱۹۹۷) است. در این تئوری، بندورا خودسودمندی را به عنوان «اعتماد به توانایی های شخص در به کارگیری شیوه ها و اقدامات برای نیل به اهداف تعیین شده» تعریف می کند. سپس، فلتز^۹ و همکاران (۱۹۹۹: ۷۶۵) الگوی "مدل سودمندی مربیگری" را معرفی کردند که بر مبنای آن سودمندی مربیگری به اعتقاد مربیان به میزانی تاثیرگذاری بر عملکرد و رشد ورزشکارانشان اشاره دارد. براساس مدل سودمندی مربیگری، اثربخشی مربیگری به توانایی مربیان در به کارگیری دانش، کفایت و مهارت هایشان در جهت پیشبرد سطح عملکرد و بهبود اجراهای بعدی ورزشکاران اطلاق می شود. درعین حال، ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربی منوط به این مهم است که تا چه اندازه نتیجه و پیشرفت شان را ناشی از توانایی و صلاحیت مربی برمی شمارند (بویسن، ۲۰۱۸: ۶).

فلتز و همکاران (۱۹۹۹: ۷۶۵) چهار عامل اصلی را در سودمندی مربیگری معرفی کردند: سودمندی در ارتباط با راهبرد بازی^{۱۰}، سودمندی در ارتباط با توانایی انگیزه بخش^{۱۱}، سودمندی در ارتباط با توانایی آموزش تکنیک^{۱۲} و سودمندی در ارتباط با توانایی شخصیت سازی^{۱۳}. این ها، شاخص اعتماد مربیان را به توانایی هایشان در جذب بازیکنان مناسب برای تیم، اتخاذ تصمیمات تاکتیکی صحیح، و هدایت تیم در جهت کسب نتیجه ای موفقیت آمیز

1 Smith

2 Longstaff

3 Gervis

4 Hannah

5 Hamlin

6 Nicholls

7 Boysen

8 Bandora

9 Feltz

10 Game Strategy

11 Motivation

12 Technique

13 Character Building

در رقابت‌ها، افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در بازیکنان، ایجاد انسجام در تیم، آموزش و تعلیم مهارت‌های جدید به بازیکنان، نظارت و اصلاح تکنیک‌های آموخته‌شده و سوق دادن ورزشکار به سمت خودسازی و رشد مثبت شخصیتی دربرمی‌گیرد (بویسن، ۲۰۱۸: ۶).

کسب نتایج موفقیت‌آمیز در ورزش یک فرآیند متداوم و فعال است که به عوامل بسیاری بستگی دارد که تمرین تنها یکی از آنان است. در سطوح رقابتی، مربیان و ورزشکاران با توجه به وظیفه و جایگاهشان زمان زیادی را در کنارهم صرف تمرین، مسابقه، هدایت و مربیگری می‌کنند. دیدگاه برد به هر قیمت- که اغلب در ورزش رقابتی و قهرمانی مشاهده می‌شود- سبب هنجارسازی برخی رفتارها و عقاید در جامعه ورزش و گرایش برخی مربیان به استفاده از رفتارهای قدرت طلبانه برای کسب نتیجه شده است که از آن‌ها با عنوان «سوءرفتار» نام برده می‌شود. چنین دیدگاهی، علاوه بر مزایایی که برای تیم‌های ورزشی و ورزشکاران دارد، با تبعاتی نیز بر ورزشکاران مترتب است. ورزشکاران برای کسب برتری در ورزش به تحمل بار روانی و فیزیولوژیکی وحشتناکی واداشته می‌شوند؛ به گونه‌ای که خط میان سوءرفتار و تمرین نامشخص شده است (هملین و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۴).

امروزه، برنامه‌های حفاظت از ورزشکاران علیه آزار و اذیت و سوءرفتار و سوءاستفاده که به ابتکار کمیته بین‌المللی المپیک به همه فدراسیون‌ها و سازمان‌های مرتبط ابلاغ شده است، بر بروز این رفتارها در همه کشورهای جهان و در همه رشته‌های ورزشی و در همه سطوح صحنه می‌گذارد و احتمال وقوع آن را در برخی از رشته‌های ورزشی بیش از سایرین می‌داند (فستینگ، ۲۰۰۵). عدم دریافت گزارش در مورد سوءرفتار به معنای نبود آن نیست، بلکه نشان از آن است که هنوز تحقیقات و بررسی در این زمینه یا صورت نگرفته و یا امکان انجام تحقیق میسر نبوده است. از آنجا که ورزشکاران نیز مشمول قوانین حقوق بشر می‌شوند، باید از حقوق اساسی از جمله احترام به کرامت انسانی آن‌ها، آسایش جسمی و روانی‌شان، محافظت از سلامتی و ایمنی‌شان، اتکا به نفس و حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن مسائل‌شان بهره‌مند باشند. در عین حال که تجربه چنین رفتارهایی اثرات منفی بسیاری بر جسم و روح و عملکرد ورزشکار می‌گذارد، روابط بین فردی وی، از جمله روابطش با مربی را تحت شعاع قرار می‌دهد و ممکن است به انزوا، محرومیت اجتماعی و حتی اتخاذ رفتارهای پرخطر از جمله خودکشی منجر شود.

علاوه بر آن، هدف در مربیگری ایجاد تغییرات رفتاری در ورزشکاران است و مربیان به عنوان تنها نمونه‌های در دسترس این ورزشکاران در محیط تمرین و رقابت باید نسبت به رفتارهای خود آگاه باشند تا از یک سو، الگوی مناسبی را بر مبنای رفتارهای شایسته و توجه‌گرایانه و حمایتگر در اختیارشان قرار دهند و از سوی دیگر، ورزشکاران

پذیرای آموزش‌های ایشان باشند. بر همین اساس، استفاده از راهبردهای روش‌شناختی بسیار مهم است، زیرا امکانی را فراهم می‌آورد که در مورد تاثیر رفتار مربیان بر ادراک ورزشکاران از روابطشان با مربی و درپی آن، ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیان در الزام به تعهدات‌شان در کسب نتایج شفاف‌سازی صورت پذیرد. تحقیقات کیفی و مطالعات موردی در مقیاس‌های کوچک‌تر تا به امروز، زمینه را برای شناسایی مشکلات رفتاری در فضای ورزش قهرمانی فراهم کرده است، اما نیاز به مطالعات کمی برای مقایسه داده‌ها در مقیاس بزرگتر احساس می‌شود تا مسیر برای تدوین راهبردها و خط‌مشی‌های روش‌شناختی در مورد تاثیر الگوهای رفتاری آسیب‌زا از سوی مربیان مهیا شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی مدلی از ارتباط سوءرفتار مربیان با روابط آنها با ورزشکاران و تاثیر این ارتباط و نوع رفتار بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری در الزام به تعهدات‌شان در کسب نتایج انجام گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها توصیفی می‌باشد که به شکل میدانی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل همه بازیکنان بسکتبال‌یست لیگ دسته یک و سوپر لیگ ایران از ۲۱ تیم شامل ۱۱ تیم در لیگ برتر با مجموع ۱۳۲ بازیکن و ۱۰ تیم در لیگ دسته ۱ با مجموع ۹۸ بازیکن است. روش نمونه‌گیری تمام‌شمار است و ۲۳۰ بازیکن در مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سابقه ارتباط مربی و ورزشکار از هفت ماه تا یازده سال با بازده متوسط ارتباط ۳/۷۷ سال در نظر گرفته شد. با توجه به قوانین کشوری، در سطح باشگاهی ورزشکاران زن تنها می‌توانند توسط مربیان زن آموزش ببینند. بنابراین، جنسیت شرکت‌کنندگان و مربیان آنها یکسان است.

مقیاس سوءرفتار (CAS) که توسط بلوری زاده در سال ۲۰۱۳ طراحی و تایید شده است، برای بررسی سوءرفتار استفاده شد. (بلوری زاده، ۲۰۱۳). این ابزار دارای ۱۶ گویه و بر اساس مقیاس ۵ ارزشی لیکرت، از عدد ۱ ("اصلاً موافق نیستم") تا عدد ۵ ("کاملاً موافقم")، و از چهار بعد سوءرفتار عاطفی، سوءرفتار جسمی، سوءرفتار جنسی و بی‌توجهی تشکیل شده است.

پرسشنامه رابطه مربی-ورزشکار (CART-Q) که توسط جوت و تومانیس در سال ۲۰۰۴ تهیه و تأیید شده است، به فارسی ترجمه شده و توسط بالزاده (۲۰۱۱) قابلیت اطمینان آن برای جامعه ایران مورد آزمایش قرار گرفته و تأیید شده است، جهت بررسی رابطه مربی-ورزشکار بهره گرفته شد. این پرسشنامه ۱۱ گویه‌ای در مقیاس

۷ ارزشی لیکرت برای اندازه‌گیری جنبه‌های عاطفی، شناختی و رفتاری رابطه مربی و ورزشکار ساخته شده و از سه متغیر صمیمیت، تعهد و مکمل بودن تشکیل گردیده است.

برای بررسی اثر بخشی مربیگری، از مقیاس ۲۴ موردی اثر بخشی مربیگری کاواسانو و همکاران (۲۰۰۸)، که بر اساس پرسشنامه خودکارآمدی فلنز (۱۹۹۹) ساخته شده است، در ۴ بعد انگیزه، راهبرد بازی، تکنیک و ساختاردهی شخصیت استفاده گردید.

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی بود. برای تحلیل داده‌های توصیفی از روش آماری توصیفی استفاده شد و از این طریق فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار محاسبه گردید. جهت تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها از چولگی استفاده شد. هم‌چنین، برای بررسی روابط بین متغیرها، اطلاعات به دست آمده از طریق ضریب همبستگی پیرسون و مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

۲۳۰ بازیکن از ۲۱ تیم شامل ۱۱ تیم در لیگ برتر با مجموع ۱۳۲ بازیکن و ۱۰ تیم در لیگ دسته یک با مجموع ۹۸ بازیکن به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند که از این تعداد ۵۷ درصد از بازیکنان در مسابقات لیگ برتر و ۴۳ درصد از بازیکنان در مسابقات لیگ دسته ۱ بانوان بازی می‌کردند. نتایج یافته‌های توصیفی نشان داد که از لحاظ وضعیت سنی، بیشترین فراوانی به تعداد ۹۰ نفر به دامنه سنی ۲۵-۲۱ سال (حدود ۳۹ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۲۵ نفر به دامنه سنی بالای ۳۱ سال (حدود ۶ درصد) تعلق داشت. از لحاظ وضعیت تاهل، از بین افراد نمونه، تعداد نفر مجرد (حدود ۱۰ درصد) و تعداد ۲۰۵ نفر متاهل (حدود ۸۹ درصد) بودند. از لحاظ وضعیت تحصیلی، بیشترین فراوانی به تعداد ۱۲۲ نفر دارای مدرک کارشناسی (حدود ۵۳ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۳ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری (حدود ۱/۳ درصد) بودند. از لحاظ سابقه ورزشی بیشترین فراوانی به تعداد ۹۵ نفر به دامنه ۱۰-۶ سال (حدود ۴۱ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۱ نفر به دامنه بالای ۲۰ سال (حدود ۰/۴ درصد) بودند (جدول ۱).

جدول ۱: ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان

متغیر	سن	مدرک تحصیلی	وضعیت تاهل	سابقه رقابتی (سال)

۳	ادراک ورزشکار از اثربخشی مربیگری	۱۸۸	۴۶/۲۳	۰/۹۲	۳۷۹/۶۶
	انگیزه	۴۸/۲۵	۱۲/۹۲		
	راهبرد بازی	۵۶/۱۷	۱۵/۵۵		
	تکنیک	۴۹/۴۱	۱۳/۱۱		
	شخصیت سازی	۳۴/۱۶	۴۶/۲۳		

0.01 < p . * ; 0.01 < p ** ;

نتایج همبستگی دومتغیره پیرسون نشان داد که بین سوءرفتار مربیان و رابطه مربی-ورزشکار همبستگی منفی وجود دارد ($r = -0.827$, $p < 0.001$). سوء رفتار مربیان با اثربخشی مربیگری درک شده نیز دارای همبستگی منفی بود ($r = -0.49$, $p < 0.001$). مهمترین رابطه بین متغیرها، هم بستگی مثبت بین رابطه مربی-ورزشکار و درک بازیکنان از اثربخشی مربیگری بود ($r = 0.827$, $p < 0.001$). بدین ترتیب، بررسی روابط متقابل متغیرها نشان داد که متغیر سوءرفتار مربیان با هردو متغیر، روابط مربی- ورزشکار و درک بازیکنان از اثربخشی مربیگری، همبستگی منفی دارند؛ این در حالی است که رابطه مربی- ورزشکار با درک بازیکنان از اثربخشی مربیگری دارای همبستگی مثبتند. همچنین، به منظور بررسی پیروی داده‌ها از توزیع نرمال داده شاخص چولگی و کشیدگی بررسی شد و میزان چولگی و کشیدگی در بازه ± 2 قرار داشت. بنابراین، توزیع داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار بود.

نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم نشان داد که بارهای عاملی سوالات این مقیاس بالای ۰/۴ و از میزان قابل قبولی برخوردار است. این مدل در واقع تمامی معادلات اندازه‌گیری مرتبه اول و دوم (بارهای عاملی) را با استفاده از آماره t ، آزمون می‌کند. تمامی ضرایب برازش در آستانه مورد قبول قرار دارند. ضرایب NNFI، NFI، CFI همگی بالاتر از ۰/۹ قرار داشته و RMSEA و SRMR نیز کمتر از ۰/۰۸ هستند. در مرحله بعد، پایایی و روایی مدل مورد محاسبه قرار می‌گیرد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: شاخص‌های برازش اصلاح‌شده آزمون مقیاس

شاخص برازش	مقدار
χ^2/df	۱/۷۵
CFI	۰/۹۵
NFI	۰/۹۰

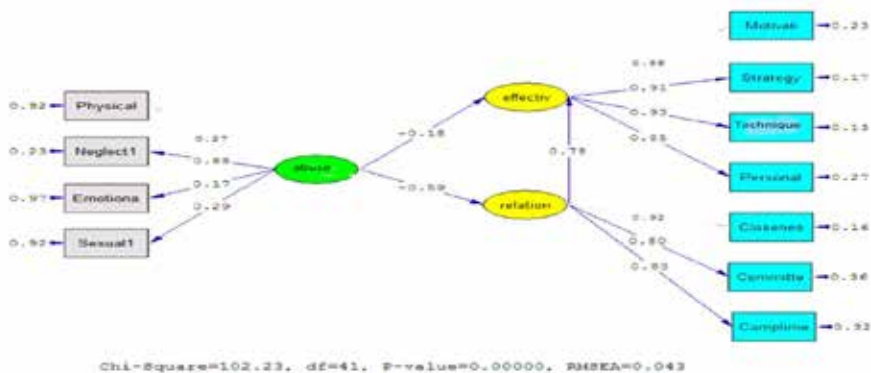
مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی-ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

۰/۹۴	NNFI
۰/۰۶۶	RMSEA
۰/۰۷۲	SRMR

مدل بررسی شده در تحلیل عاملی تاییدی، دارای ۳ متغیر مکنون است: یک متغیر برونزا (سوءرفتار مربیان) و دو متغیر درونزا (رابطه مربی-ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده). شکل ۱ میزان تاثیر متغیر مکنون برونزا بر متغیرهای مکنون درونزا را نشان می دهد. آزمون مجذور کای عملکرد اندازه نمونه و از نظر مفهومی تفاوت میان مشاهدات و ماتریس های کواریانس مدل را نشان می دهد. اگر این مقدار ناچیز باشد، آزمایش تایید می کند که مدل بازتابی مناسب از ماتریس کواریانس نمونه است. با وجود این، مقادیر مجذور کای به اندازه نمونه حساس است و اتکای محض به این آمار در تفسیر نهایی مشکل ساز خواهد بود. بر همین اساس، مجذور کای استاندارد شده، از مجذور کای تقسیم بر درجه آزادی به دست می آید. مقادیر کوچکتر از ۳/۰ نشان دهنده کفایت مدل هستند.

از شاخص های مناسب دیگری مانند شاخص برازش مقایسه ای (CFI)، شاخص برازش استاندارد (NFI)، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) و باقیمانده ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR) نیز برای برآورد کیفیت مدل استفاده شد. مقدار قابل قبول برای CFI و NFI باید ۰/۹۰ یا بالاتر، برای RMSEA باید بین ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ با فاصله اطمینان و SRMR زیر ۰/۰۸ باشد تا برازش مدل قابل قبول شود (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱: ۳۹) با توجه به حساس بودن مجذور کای به اندازه نمونه، اگر اندازه نمونه بزرگتر از ۲۰۰ باشد یا دیگر شاخص ها برای مدل قابل قبول باشد، محققان از این مقدار چشم پوشی می کنند. مجذور کای نسبی یا استاندارد، شاخص مناسبی است که نسبت مجذور کای بر درجه آزادی (χ^2/df) را نشان می دهد و بیشتر برای کاهش وابستگی اندازه نمونه استفاده می شود.

همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، نتایج SEM حاکی از معناداری رابطه منفی سوءرفتار مربیان بر رابطه مربی-ورزشکار با ضریب تاثیر ۰/۵۹- ($\beta = -0.59, p < 0.001$) و معناداری رابطه سوء رفتار مربیان و اثربخشی مربیگری ادراک شده با ضریب تاثیر ۰/۱۸- ($\beta = -0.18, p < 0.001$) و نیز معناداری رابطه مربی-ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده با ضریب تاثیر ۰/۷۸ ($\beta = 0.78, p < 0.001$) است.



شکل ۱: مدل آزمون شده در حالت ضرایب تاثیر استاندارد

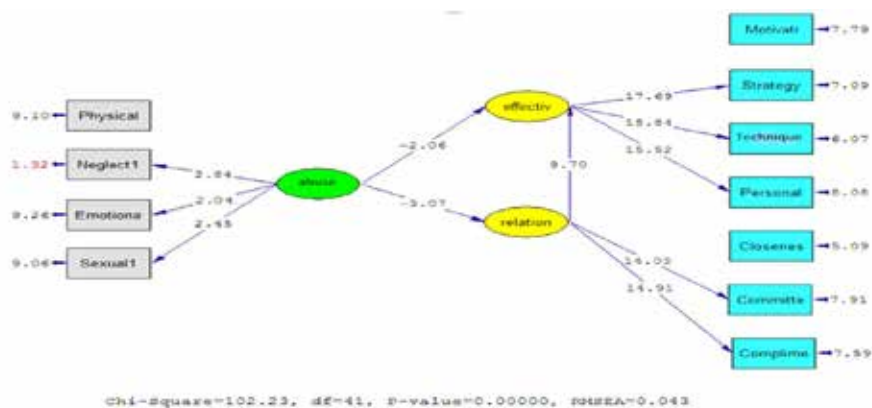
شاخص برازش استاندارد = ۰/۹۵؛ شاخص برازش غیراستاندارد = ۰/۹۶؛ شاخص برازش تطبیقی = ۰/۹۷؛ جذر میانگین مجذور خطای تخمینی = ۰/۰۴۳؛ مجذور کای = ۱۰۲/۲۳؛ درجه آزادی = ۴۱. تمام پارامترها استاندارد و معنی دار هستند ($p < ۰/۰۰۱$).

در جدول ۴، مقادیر به دست آمده از آزمون‌های آماری تحلیل مسیر در پژوهش حاضر گزارش شده‌اند. با توجه به این نتایج، تمامی شاخص‌های برازش در حد مطلوبی قرار دارند و می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون‌شده برازش مناسبی با داده‌های گردآوری شده دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون‌های آماری تحلیل مسیر

P	t	β	
۰/۰۱ <	۲/۰۶-	۰/۵۹-	سوء رفتار مربی و رابطه مربی - ورزشکار
۰/۰۱ <	۳/۷۰-	۰/۱۸-	سوء رفتار مربی و اثربخشی مربیگری ادراک شده
۰/۰۱ <	۹/۷۰	۰/۷۸	رابطه مربی - ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوء رفتار مربیان با رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری



شکل ۲: مدل آزمون شده در تحلیل مسیر تاییدی

بعد از یافتن مدل متناسب و قابل قبول، در مرحله بعد مقدار t با تقسیم تخمین پارامتر بر خطای استاندارد، برای مشخص کردن تخمین پارامترهای مهم محاسبه شد. وقتی مقدار t از سطح ۰/۰۵، به مقدار ۱/۹۶ و از سطح ۰/۰۱، به مقدار ۲/۵۶ تجاوز می‌کند، تخمین پارامترها بسیار مهم و معنی‌دار هستند. نتیجه واریانس قابل توجهی را از سطح ۰/۰۱ بین نتایج نشان داد که این مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است ($p < ۰/۰۰۱$)، $N=۲۰۳$ ، $\chi^2(df=۴۱)$ و سایر شاخص‌های مناسب، در محدوده قابل قبول قرار داشتند.

($SRMR=۰/۰۴۶$ ، $RMSEA(90\%CI)=۰/۰۴۳$ ، $NNFI=۰/۹۶$ ، $NFI=۰/۹۵$ ، $CFI=۰/۹۷$ ، $\chi^2/df=۲/۴۹$)

بنابراین با توجه به تعداد قابل قبول نمونه‌ها و مقادیر پذیرفته شده برای مجذور کای مانند دیگر مقیاس‌ها بدیهی بود که نیازی به آزمایش بیشتر مدل‌های جایگزین نبود و مدل فرضی متناسب خوبی را ارائه می‌داد. نتایج این آزمون در جدول ۵ گزارش شده است:

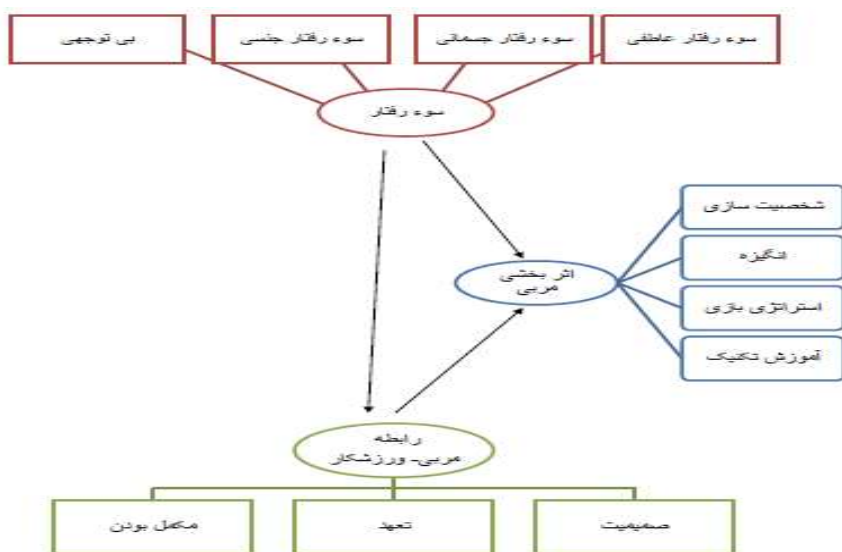
جدول ۵: نتایج آزمون‌های آماری تحلیل مسیر تاییدی

p	t	B	
۰/۰۰۱<	۲/۰۶-	۰/۵۹-	سوء رفتار مربی و رابطه مربی- ورزشکار
۰/۰۰۱<	۳/۷۰-	۰/۱۸-	سوء رفتار مربی و اثربخشی مربیگری ادراک شده
۰/۰۰۱<	۹/۷۰	۰/۷۸	رابطه مربی- ورزشکار و اثربخشی مربیگری ادراک شده

بنابراین، نتایج مطالعه، مدل مطرح شده را تایید می‌کند (شکل ۳). این مدل بیان می‌کند که نحوه تعامل مربیان و رفتار آنها در مقابل ورزشکاران، رابطه‌ای که با آنها می‌سازند را شکل می‌دهد.

شکل ۳: مدل سوء رفتار مربیان، ارتباط مربی- ورزشکار و بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط سوء رفتار مربیان بر رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری پرداخته شده است. نتایج مطالعه نشان داد که سوء رفتار مربی رابطه منفی و معنی داری بر رابطه مربی- ورزشکار دارد. باتوجه به این یافته‌ها، متغیرهای سوء رفتار عاطفی، سوء رفتار جسمی،



سوء رفتار جنسی و بی توجهی می‌توانند با ۹۵ درصد اطمینان پیش‌بینی‌کننده‌های معنی داری برای رابطه مربی- ورزشکار یعنی صمیمیت، تعهد و مکمل بودن باشند. از میان این چهار متغیر، بی توجهی بیشترین سهم را در پیش‌بینی مؤلفه رابطه مربی- ورزشکار دارد. به همین منوال، متغیرهای سوء رفتار می‌توانند با ۹۵ درصد اطمینان پیش‌بینی‌کننده‌های معنی داری برای ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری یعنی تخصص سازی، راهبرد بازی، انگیزه بخشی و تکنیک باشند.

مدل یابی ساختاری ارتباط میان سوءرفتار مربیان با رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری

رابطه مربی- ورزشکار رابطه مثبت و معنی‌داری بر ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری دارد. بنابراین، ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری با ۹۵ درصد اطمینان از روی مطالعه رابطه مربی- ورزشکار در سه متغیر نزدیکی، تعهد و مکمل بودن، قابل پیش‌بینی است. هر سه این متغیرها، سهم نسبتاً برابری را در پیش‌بینی مؤلفه ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که ورزشکاران به وجود سوءرفتار از سوی مربیان خود اذعان داشتند. بر اساس این نتایج، سوءرفتار مربی تأثیر مثبتی بر رابطه مربی- ورزشکار و ادراک ورزشکاران از اثربخشی مربیگری مربیان ندارد. با این حال، یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم این رفتارهای مربیان، ورزشکاران کماکان آن‌ها را در امر مربیگری اثربخش تلقی کرده‌اند. از آن‌جا که اثربخشی مربیگری ورزش با نتایج موفقیت‌آمیز ورزشکار در تعامل است، چنین به نظر می‌رسد که ورزشکاران موفقیت و پیشرفت خود را در بسکتبال نتیجه رفتارها و شیوه‌های مربیگری مربیان خود و ناشی از اثربخش بودن مربیگری می‌دانند (بویسن، ۲۰۱۸: ۶) و بنابراین، با استفاده از اثربخش بودن فرآیند مربیگری، سوءرفتارهای مربیان را توجیه می‌کنند (بویسن، ۲۰۱۸: ۶؛ تیمپکا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱).

سوءرفتار به صورت الگویی از خشونت فیزیکی، جنسی و عاطفی یا بی‌توجهی توسط فرد صاحب قدرت (مثل والدین و مربی) است که منجر به آسیب واقعی یا بالقوه در ورزشکار می‌گردد. این مطلب روشن است که ورزشکاران، به‌لحاظ تجربه سوءرفتار، اذیت و آزار و زورگویی آسیب‌پذیرند (استرلینگ و کر، ۲۰۱۳: ۸۷). رفتارهای مربی که در پژوهش‌ها با عنوان «سوءرفتار» تعریف می‌شوند، از سوی ورزشکاران کاملاً طبیعی و رفتارهایی به‌نجار تلقی می‌شوند. در نتیجه، اغلب ورزشکاران علی‌رغم تجربه چنین رفتارهایی در مربیگری، آن‌ها را سوءتعبیر نمی‌کنند (سولستاد^۱ و استراندبو^۲، ۲۰۱۹: ۶۲۵؛ استفورد و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۸۷)؛ اما داده‌ها نشان دادند که این دست تجربه‌های ورزشکاران از سوءرفتار مربیان نیز تأثیری منفی بر

1 Solstad

2 Strandbu

رابطه‌شان با مربی باقی گذاشته است (هانا و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۷۹؛ ایزوآرد-گوتور^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۰؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۹۸۵). و از آن جا که سطوح سودمندی مربیگری (همچنین سودمندی ورزشکار) از کیفیت رابطه مربی - ورزشکار تاثیر می‌پذیرد (بویسن، ۲۰۱۸: ۶؛ آدی و جووت، ۲۰۱۰: ۲۷۵۰) اثربخشی مربیگری تنها منوط به کاربرد مؤثر مجموعه‌ای از فرآیندهای متداوم نیست، بلکه به تعاملات میان مربی و ورزشکار و نیز شرایط وابسته است (ایزوآرد-گوتور و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۱۰؛ جوهانسون^۲، ۲۰۱۷: هاگی‌وارا و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۱).

سوءرفتار مربیان به نوعی نقض حقوق بشر تلقی می‌شود و باید به هر قیمتی از آن جلوگیری شود (ماریتز^۳، داست^۴ و رسیک^۵، ۲۰۱۴: ۷۳۷)، چرا که عواقب فوق‌العاده مضر آن بر جنبه‌های مختلف روانشناسی، جامعه‌شناختی و همچنین جنبه‌های عملکردی برای ورزشکاران و بازیکنان تایید شده است (مونت‌جوی، ۲۰۲۰: ۳۶۷). علی‌رغم تعهد کشورها به معاهده سازمان ملل در مورد اهمیت حقوق و سلامت و امنیت فردی و افزایش نگرانی جهانی در مورد نقض آن‌ها (دفریز و اسمیت، ۲۰۱۴: ۶۱۹) به نظر می‌رسد که بخش ورزش عجله‌ای برای پیگیری و اجرای دستورالعمل‌های این معاهده از خود نشان نمی‌دهد، حتی با وجودی که پرونده‌های خبرسازی مبتنی بر اعمال سوءرفتار مربیان علیه ورزشکاران، به ویژه در سطوح نخبه، مطرح و تشکیل شد (هارتیل^۶ و لنگ^۷، ۲۰۱۵: ۴۷۹).

ورزشکاران شخصی‌ترین رابطه را در ارتباط با مربیشان در طول دوران ورزشی شان تجربه می‌کنند و اغلب از مربیان‌شان برای روابط آینده شان الگو برداری می‌کنند. اما برای مربیان بسیار سخت است که از رفتارهای مؤثر مبتنی بر همدلی، دادن توجه، احترام، پشتیبانی، حمایت، پذیرش، پاسخ‌گویی، دوستی، همکاری (جوهانسون، ۲۰۱۷: ریند^۸ و جووت، ۲۰۱۰: ۱۰۶؛ استرلینگ، ۲۰۰۹: ۱۰۹۱) الگو برداری کنند و

1 Isoard-Gauthier

2 Johansson

3 Mawritz

4 Dust

5 Resick

6 Hartill

7 Lang

8 Rhind

از تمرینات مربیگری سستی که تنها برپایه پیشرفت‌های فیزیکی، تکنیکی و تاکتیکی ورزشکار است، فراتر بروند و افق‌های جدیدی را برای ایجاد یک همکاری فیزیکی و روانشناسی عادی با ورزشکارانشان و یک رابطه مربی-ورزشکار با کیفیت امتحان کنند (بالزاده، ۲۰۱۱: ۱۱۹؛ الکساندر، بلوم^۱ و تیلور^۲، ۲۰۲۰: ۴۸). علاوه بر این، کیفیت ارتباط بین ورزشکاران و مربیان آنها قلب فرآیند مربیگری است و تأثیر مستقیمی بر عملکرد ورزشکاران در تمام سطوح فنی، تاکتیکی، راهبردی، انگیزشی و نیاز به پیشرفت همه جانبه دارد. برای پیشرفت در این زمینه‌ها، ورزشکاران باید در کنار داشتن استعداد لازم، درک کنند که به سطح دانش مربی در حد قهرمانی احترام بگذارند و او را در اجرا و ارتقای عملکردشان موثر بدانند (الکساندر و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۸).

امروزه سوءرفتار در ورزش در سطح جهانی به رسمیت شناخته شده است (سامرلی، ۲۰۱۹: ۱؛ تیمپکا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱؛ سولستاد و استراندبو، ۲۰۱۹: ۶۲۵؛ مک هنری^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱؛ هارتیل و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۷۹؛ پرنت و فرانتر، ۲۰۱۸: ۲۲۷). اگرچه هنوز سوءرفتار در محیط‌های ورزشی موضوع جدیدی است، اما شواهد کافی برای پیشگیری از میزان آنها و تدوین آیین‌نامه‌های رفتاری برای محافظت در برابر سوءرفتار نسبت به ورزشکاران وجود دارد. قبل از انجام اقدامات پیشگیرانه، ابتدا باید از رواج این گونه رفتارها اطمینان حاصل کرد. اگرچه تحقیقات کیفی، تجربیات سوءرفتار ورزشکاران را به دقت مورد بررسی قرار داده و داده‌های عمیقی را در این باره ارائه می‌دهند، اما ممکن است برای جمعیت بزرگتر توانایی پیش‌بینی و تعمیم نداشته باشد.

بخش اعظم ادبیات مربوط به سوءرفتار تنها دربردارنده شکل‌های مختلف سوءرفتار تجربه‌شده توسط ورزشکاران و بینش در مورد پیامدهای چنین رفتارهایی بر سلامت روانی و عملکردی قربانیان است (لافترینیر و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۴؛ کارلتون، ۲۰۱۶: ۴۰۹) که اغلب از مطالعات کیفی گزارش شده و گذشته‌نگر است. مقایسه مطالعات مختلف در ورزش به دلیل تفاوت در عواملی مانند تعریف، اخلاق و

1 Bloom

2 Taylor

3 McHenry

فرهنگ، روایی و اعتبار، ترس از گزارش و غیره کار ساده‌ای نیست و با توجه به فراوانی و ماهیت پیچیده مسئله سوءرفتار مربیان در ورزش‌های رقابتی، این مطالعه به‌طور عمده با هدف بررسی الگویی انجام شده است که تاثیرات سوءرفتار مربیان بر کیفیت روابط با ورزشکاران و درک ورزشکار از اثربخشی مربیگری را به شکل کمی پیش‌بینی می‌کند. این مطالعه بر روی نمونه‌ای از بازیکنان در سطح باشگاهی انجام شد که در زمان مطالعه هنوز درگیر ورزش بودند و در نتیجه حال‌نگر محسوب می‌شود و اطلاعات زمان وقوع را بررسی می‌کند.

سوءرفتار را نمی‌توان به عنوان یک رویداد واحد قلمداد کرد. سوءرفتار تجربه‌ای است که می‌تواند افراد درگیر با آن را با پیامدهای جسمی و عاطفی (یابه^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ ویلینسکی^۲ و مک‌کاب^۳، ۲۰۲۱) مانند خود ارزیابی پایین (لیزینسکین، ۲۰۱۸؛ لافرنیر و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۴)، عزت نفس پایین، اختلال در خوردن غذا، ازدست دادن عملکرد یا کنار گذاشتن ورزش (لوپز^۴، دورن^۵ و پوسیگ^۶، ۲۰۱۹: ۱۳۰) یا حتی افکار خودکشی (یمپکا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱) تحت تاثیر قرار دهد.

جدا از رفتارهای خود آسیب زننده که باعث انصراف ورزشکار از ورزش مورد علاقه‌اش می‌شود، مورد آزار و سوءرفتار واقع شدن، به ارتباط میان فرد قربانی و فرد آسیب‌زننده (در اینجا مربی) آسیب وارد می‌سازد و قربانی اعتمادش را به مربی به عنوان پشتوانه‌ای برای پیشرفت از دست می‌دهد (کاوانا و همکاران، ۲۰۲۰: ۱)، اگرچه ممکن است سوءرفتار و آسیب برای به‌دست آوردن عملکرد رقابتی ضروری به نظر برسد، اما از بین رفتن اعتماد ورزشکار، برای رابطه مربی- ورزشکار مضر است (جرویس و همکاران، ۲۰۱۶: ۷۷۲) و قبل از اینکه صدمه‌ای به ورزشکار وارد شود باید تشخیص داده و با آن برخورد شود.

تحقیق در حوزه آزار و اذیت و سوءرفتار در کشور ما بسیار نوپاست، اما با توجه به نقشی که الگوهای مربیگری به دور از رفتارهای سوء و آسیب زننده در حفظ سلامت و عملکرد ورزشکاران بازی

1 Yabe

2 Wilinsky

3 McCabe

4 Lopez

5 Dohrn

6 Posig

می‌کند و به منظور پیشگیری از مشکلات ناشی از این گونه رفتارها، لزوم تحقیقات بیشتر را پررنگ می‌کند، به ویژه اکنون که نگاه مجامع بین‌المللی نیز بیش از پیش به سمت حفاظت از ورزشکاران جلب شده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش در مورد بروز این گونه رفتارها و تأثیرات آن بر متغیرهای موفقیت ورزشی و سلامت جسم و روان ورزشکاران هر دو جنس (زن و مرد) نیز تسری یابد، زیرا آزار و اذیت و سوءرفتار در ورزش تنها منوط به ورزشکاران زن نیست و گزارشات متعددی از وقوع این رفتارها علیه ورزشکاران مرد نیز به دست آمده است.

علاوه بر این، با توجه به گزارشات متعدد از سوءرفتار مربیان در رشته‌های ورزشی انفرادی، توصیه می‌شود بروز این رفتارها و متغیرهای متأثر از آن‌ها در کسب نتایج در رشته‌های ورزشی انفرادی نیز مورد بررسی قرار گیرند، زیرا عوامل تأثیرگذار در پیشرفت و کسب موفقیت در رشته‌های ورزشی گروهی و انفرادی، گرچه مشابه‌اند، اما می‌توانند بسیار متفاوت باشند.

آموزش مفاهیم به مربیان و در اختیار قراردادن شیوه‌نامه‌ها و خط‌مشی‌ها، علاوه بر این که مربیان را در اتخاذ شیوه‌های رفتاری مطلوب و به دور از خشونت و رفتارهای سوء علیه ورزشکاران و نیز استحکام یک رابطه مبتنی بر تعهد، صمیمیت و مکمل بودن با ورزشکار توانمند می‌سازد، بلکه می‌تواند موجب ادراک مثبت ورزشکاران از اثربخشی مربیگری خود شود. بنابراین برگزاری سمینارها و وبینارهای آموزشی برای مربیان و سایر ذینفعان در همه سازمان‌های ورزشی (دولتی و غیردولتی)، یکنواختی جهان شمولی را در مورد تعاریف آزار و اذیت و سوءرفتار به دست می‌دهد که می‌تواند مربیان را در تعدیل رفتارهای خود در حرفه مربیگری و نیز مواجهه با افشای آزار و اذیت و سوءرفتار علیه ورزشکاران تجهیز کند. از طریق این آموزش‌ها می‌توان مرزهای مشخص ارتباطی میان مربی و ورزشکار را به شکل رسمی و نظام‌مند تعریف و محیط‌های در اصطلاح پرخطر مرتبط با سوءرفتار (مانند مسافرت و یا رختکن) را شناسایی کرد و خط‌مشی‌های حفاظت از ورزشکاران، روش‌های اجرایی و نظارت و ارزیابی اجرا و اثربخشی این خط‌مشی‌ها و ترویج ورزش ایمن از سوی سازمان‌های تصمیم‌گیرنده را تدوین کرد و در نتیجه بسیاری از این مخاطرات را کاهش داد.

از آنجا که سوءرفتار موضوع مطالعاتی جدیدی است، پیشینه‌چندانی در ایران در این باب وجود ندارد و با وجودی که این مسئله به نو بودن موضوع کمک می‌کند، محدودیتی برای محقق محسوب گردید. علاوه بر این، به

دلیل محدودیت‌های موجود در ورزش زنان برای به کارگیری مربیان مرد، در پژوهش حاضر نیز امکان بررسی ادراک ورزشکاران زن از اثربخشی مربیگری ورزش مربیان مرد وجود نداشته است. از دیگر محدودیت‌ها ترس از طرد شدگی از سوی مربی و حذف از تیم در صورت افشای مطالب، ممکن است مانع از پاسخ شفاف برخی بازیکنان به سوالات شده باشد.

منابع

- Adie, J. W., & Jowett, S. (2010). **"Meta-perceptions of the coach-athlete relationship, achievement goals, and intrinsic motivation among sport participants"**. Journal of Applied Social Psychology, 40(11):2750-73.
- Alexander, D., Bloom, G. A., & Taylor, S. L. (2020). **"Female Paralympic athlete views of effective and ineffective coaching practices"**. Journal of Applied Sport Psychology, 32(1):48-63.
- Aubert, B. A., Revard, S. & Patry, M. (2004). **"A transaction cost model of IT outsourcing"**. Information and management, 41(7): 921-932
- Balzadeh, A., Tohari, F., Kamkaril, K. (2011). **"Standarization of Cocahe -athleth Relationship. Questionnaire. E (CART-Q) "**. Olympic, 19: 3, 119-131.
- Bandura, A. (1997). **Self-efficacy: the exercise of control**. New York Freeman
- Boloorizach, P. (2013). **"Structural equation modeling of the relation between coaches' Abuse, coach-athlete relationship and perceived coaching effectiveness"**. (Doctoral dissertation, Azad University-Central Tehran. School of Physican Education and Sports).
- Boysen, S. M. (2018). **"Coaching Effectiveness: Coach and Coachee Characteristics that Lead to Success"**. Philosophy of Coaching: An International Journal Vol. 3, No. 2, November 2018, 6-26.
- Carleton, E. L., Barling, J., Christie, A. M., Trivisonno, M., Tulloch, K., & Beauchamp, M. R. (2016). **"Scarred for the Rest of My Career? Career-Long Effects of Abusive Leadership on Professional Athlete Aggression and Task Performance"**. Journal of Sport and Exercise Psychology, 11;38(4):409-422.
- Davis, L., Appleby, R., Davis, P., Wetherell, M., & Gustafsson, H. (2018). **"The role of coach-athlete relationship quality in team sport athletes' psychophysiological exhaustion: implications for physical and cognitive performance"**. Journal of sports science, 36(17):1985-92.
- DeFreese, J. D., & Smith, A. L. (2014). **"Athlete social support, negative social interactions, and psychological health across a competitive sport season"**. Journal of sport and exercise psychology, 36(6):619-30.
- Eliasson, I. (2019). **"Emotional abuse in children's sport – coaches and children's perspectives"**. In proceedings of 16th EASS Conference. Norway.
- Fasting, K. (2005). **"Research on Sexual Harassment and Abuse in Sport"**. Idrottsforum.org.[Nordic Sport Science Forum] (www.idrottsforum.org 2005-04-05).
- Feltz, D. L., Chase, M. A., Moritz, S. E., & Sullivan, P. J. (1999). **"A conceptual model of coaching efficacy: Preliminary investigation and instrument development"**. Journal of educational psychology, 91(4):765.
- Fornell C, Larcker DF. **"Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error"**. Journal of Marketing Research.18(1):39-50.
- Fortier K, Parent S, Lessard G. (2020). **"Child maltreatment in sport: smashing the wall of silence: a narrative review of physical, sexual, psychological abuses and neglect"**. British Journal of Sports Medicine, 54:4-7.

- Gavin, H. (2011). **"Sticks and stones may break my bones: The effects of emotional abuse"**. Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma, 20(5):503-29.
- Gervis, M. **"An investigation into the emotional responses of child athletes to their coach's behaviour from a child maltreatment perspective"**. Doctoral dissertation, Brunel University School of Sport and Education.
- Hagiwara, Y., Sekiguchi, T., Yabe, Y., Momma, H., Tsuchiya, M., Kanazawa, K., ... & Nagatomi, R. (2018). **"The characteristics of coaches that verbally and physically abuse young baseball players using a self-reported questionnaire"**. Journal of Orthopaedic Science. 24(2):361-367
- Hamlin, M. J., Wilkes, D., Elliot, C. A., Lizamore, C. A., & Kathiravel, Y. (2019). **"Monitoring Training Loads and Perceived Stress in Young Elite University Athletes"**. Frontiers in physiology, 10, 34.
- Hampson, R., & Jowett, S. (2014). **"Effects of coach leadership and coach-athlete relationship on collective efficacy"**. Scandinavian journal of medicine & science in sports. Apr;24(2):454-60.
- Hannah, S. T., Schaubroeck, J. M., Peng, A. C., Lord, R. G., Trevino, L. K., Kozlowski, S. W., Avolio, B. J., Dimotakis, N., & Doty, J. (2013). **"Joint influences of individual and work unit abusive supervision on ethical intentions and behaviors: A moderated mediation model"**. Journal of Applied Psychology, 98(4):579.
- Hannah, S. T., Schaubroeck, J. M., Peng, A. C., Lord, R. G., Trevino, L. K., Kozlowski, S. W., Avolio, B. J., Dimotakis, N., & Doty, J. (2013). **"Joint influences of individual and work unit abusive supervision on ethical intentions and behaviors: A moderated mediation model"**. Journal of Applied Psychology, 98(4):579.
- Hartill, M. & Lang, M. (2018). **"Reports of child protection and safeguarding concerns in sport and leisure settings: An analysis of English local authority data between 2010 and 2015"**. Leisure Studies, 35, 479-499
- Hutcheson, G. D., & Sofroniou, N. (1999). **The multivariate social scientist: Introductory statistics using generalized linear models**. Sage
- Isoard-Gautheur, S., Trouilloud, D., Gustafsson, H., & Guillet-Descas, E. (2016). **"Associations between the perceived quality of the coach-athlete relationship and athlete burnout: An examination of the mediating role of achievement goals"**. Psychology of Sport and Exercise. 2:210-7.
- Jewett, S., Ntoumanis, N. (2004). **"The Coach-Athlete Relationship Questionnaire (CART-Q) Development and initial validation"**. Scandinavian Journal of Medicine and Science in Sport. 14(4):245-57
- Jowett, S. (2007). **"Interdependence analysis and the 3 +1Cs in the coach-athlete relationship"**. In S. Jowett & D. Lavelle (Eds.), *Social psychology in sport* (15-28). Champaign, IL: Human Kinetics.
- Jowett, S., & Arthur, C. (2016). **"Effective coaching: The links between coach leadership and coach-athlete relationship—From theory to research to practice"**. In M. H. Anshel, T. A. Petrie, & J. A. Steinfeldt (Eds.), *APA handbooks in psychology series. APA handbook of sport and exercise psychology, Sport psychology*. American Psychological Association. 2019; 1:419-449.
- Johansson, S. (2017). **"Sexual Relationships between Athletes and Coaches: Love, Sexual Consent, and Abuse"**. Doctoral dissertation, Gymnastik-och idrottshögskolan, GIH.
- Kavanagh, E., Adams, A., Lock, D., Stewart, C., & Cleland, J. (2020). **"Managing abuse in sport: An introduction to the special issue"**. Sport Management Review, 0: 1-9.
- Kavussanu, M., Boardley, I. D., Jutkiewicz, N., Vincent, S., and Ring, C. (2008). **"Coaching Efficacy and Coaching Effectiveness: examining their predictors and comparing coaches' and athletes' reports"**. The Sport Psychologist. 383-404.
- Kerr, G.A. & Stirling, A.E. (2008). **"Child protection in sport: implications of an athlete-centered philosophy"**. Quest, 60: 307-323.

- Kerr, G. & Stirlin, A. (2019). **"Where is safeguarding in sport psychology research and practice?"** Journal of Applied Sport Psychology, 31, 367-384
- Lafreniere, M., Jowett, S., Vallerand, R., & Donahue, E., & Lorimer, R. (2008). **"Passion in Sport: On the quality of the coach-athlete relationship"**. Journal of Sport & Exercise Psychology, 30, 541-560.
- Lafrenière, M. A., Jowett, S., Vallerand, R. J., & Carboneau, N. (2011). **"Passion for coaching and the quality of the coach-athlete relationship: The mediating role of coaching behaviors"**. Psychology of Sport and Exercise, 12(2):144-152.
- Lisinskiene A. (2018). **"The effect of a 6-month coach educational program on strengthening coach-athlete interpersonal relationships in individual youth sport"**. Sports, 6(3):74.
- Longstaff, F., & Gervis, M. (2016). **"The Use of Counselling Principles and Skills to Develop Practitioner-Athlete Relationships by Practitioners Who Provide Sport Psychology Support"**. Sport Psychologist, 30(3), 276-289.
- Lopez, Y. P., Dohrn, S., & Posig, M. (2019). **"The effect of abusive leadership by coaches on Division I student-athletes' performance: The moderating role of core self-evaluations"**. Sport Management Review, 23(1): 130-141.
- Mawritz, M. B., Dust, S. B. & Resick, C. J. (2014). **"Hostile climate, abusive supervision, and employee coping: Does conscientiousness matter?"** Journal of Applied Psychology, 99(4):737.
- McHenry, L. K., Cochran, J. L., Zakrajsek, R. A. & Fisher, L. A. (2019). **"Elite figure skaters' experiences of harm in the coach-athlete relationship: A person-centered theory perspective"**. Journal of Applied Sport Psychology, 18:1-21.
- McMahon, J., & McGannon, K. R. (2019). **"Acting out what is inside of us: Self-management strategies of an abused ex-athlete"**. Sport Management Review, 23(1): 28-38.
- Mountjoy M, Vertommen T, Burrows K, et al . (2020). **"SafeSport: safeguarding initiatives at the Youth Olympic Games 2018"**. British Journal of Sports Medicine. 54:176-182.
- Mountjoy M. (2020). **"Time2Act: Harassment and abuse in elite youth sport cultur"**. British Journal of Sports Medicine, 54:367-368.
- Nicholls, A. R., Levy, A. R., Jones, L., Meir, R., Radcliffe, J. N., & Perry, J. L. (2016). **"Committed relationships and enhanced threat levels: perceptions of coach behavior, the coach-athlete relationship, stress appraisals, and coping among athletes"**. International Journal of Sports Science & Coaching, 11(1):16-26.
- Parent, S. & Fortier, K. (2018). **"Comprehensive overview of the problem of violence against athletes in sport"**. Journal of Sport & Social Issues, 42: 227-246
- Rhind, D. J., & Jowett, S. (2010). **"Relationship maintenance strategies in the coach-athlete relationship: The development of the COMPASS model"**. Journal of applied sport psychology, 22(1):106-21.
- Solstad, G. M, & Strandbu, A. (2019). **"Culturally framing 'safe sport': on political mobilisation against abuse in Zambian sport"**. International Journal of Sport Policy and Politics, 11(4):625-637.
- Stafford, A., & Alexander, K., & Fry, D. (2013). **"Playing through pain: Children and young people's experiences of physical aggression and violence in sport"**. Child abuse review, 22(4):287-99.
- Stirling, A. E. (2009). **"Definition and constituents of maltreatment in sport: establishing a conceptual framework for research practitioners"**. British journal of sports medicine, 43(14), 1091-1099.
- Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2008). **"Elite female swimmers' experiences of emotional abuse across time"**. Journal of Emotional Abuse. 7(4), 89-113.
- Stirling, A. E., & Kerr, G. A. (2013). **"The perceived effects of elite athletes' experiences of emotional abuse in the coach-athlete relationship"**. International Journal of Sport Exercise Psychology, 11(1), 87-100.

- Stirling, A. & Ker, G.(2014). **“Initiating and sustaining emotional abuse in the coach-athlete relationship: An ecological transactional model of vulnerability”**. Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma, 23, 116-135
- Summerley, R. (2019). **“The Development of Sports: A Comparative Analysis of the Early Institutionalization of Traditional Sports and E-Sports”**. Games and Culture, 15(10):1-22.
- Timpka, T., Spreco, A., Dahlstrom, O., et al. (2020). **“Suicidal thoughts (ideation) among elite athletics (track and field) athletes: associations with sports participation, psychological resourcefulness and having been a victim of sexual and/or physical abuse”**. British Journal of Sports Medicine. 0:1-9.
- Vertommen, T., Kampen, J., Schipper-van Veldhoven, N., Wouters, K., Uzieblo, K., & Van Den Eede, F. (2017). **“Profiling perpetrators of interpersonal violence against children in sport based on a victim survey”**. Child abuse and neglect, 63, 172-182.
- Vertommen, T., Schipper-van Veldhoven, N., Wouters, K., Kampen, J. K., Brackenridge, C. H., Rhind, D. J., . . . Van Den Eede, F. (2016). **“Interpersonal violence against children in sport in the Netherlands and Belgium”**. Child abuse and neglect, 51, 223-236.
- Wilinsky, C., McCabe, A. (2020). **“A review of emotional and sexual abuse of elite child athletes by their coaches”**. Sports Coaching Review.
- Yabe, Y., Hagiwara, Y., Sekiguchi, T., Momma, H., Tsuchiya, M., Kuroki, K., . . . Yoshida, S. (2018). **“The Characteristics of Coaches that Verbally or Physically Abuse Young Athletes”**. The Tohoku journal of experimental medicine, 244(4), 297-304.
- Yaghmaie, F. (2003). **“Content validity and its estimation”**. Journal of Medical Education, 3(1): 25-27.

مدل مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی

ناصر گل محمدی^۱

احمدرضا عسکری^۲

مجید خوروش^۳



10.22034/SSYS.2022.1726.2218

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۸

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی جامع مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی انجام شد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه صاحب‌نظران و متخصصان در حیطه نظری تحقیق و مدیران ارشد ورزشی با سابقه اجرایی گسترده در برگزاری رویدادها در سازمان‌های ورزشی بود. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات به شیوه گلوله برفی تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت و تعداد ۱۴ مصاحبه فردی نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت.

یافته‌ها نشان داد راهبردهای مبتنی بر توجه به الگوی منابع و زیرساخت‌ها، عوامل بسترساز (تخصص و ویژگی‌های کارکنان و کادر، مدیریت سازمان، انعطاف‌پذیری و سرعت سازمانی و ارزشیابی از بحران) و عوامل مداخله‌گر (قوانین کلان، زیرساخت‌های موجود و مدیریت کلان) پیامدهای سیاست‌گذاری راهبردی، مدیریت کارآمد، ارزشیابی، تغییر، تطبیق و سازماندهی را در پی خواهد داشت. در زمینه مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی قبل، حین و بعد از وقوع بحران، منابع و زیرساخت‌ها عامل و مسئله مهمی است که در مدل مدیریت بحران نقشی کلیدی و محوری دارد و بر این اساس می‌توان از مدل طراحی شده در زمینه مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی کمک گرفت.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، رویدادهای ورزشی، مدیریت سازمانی، سیاست‌گذاری راهبردی، تطبیق و سازماندهی.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران
۲ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Ahmadreza.askari@mau.ac.ir

۳ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران

مقدمه

در عصر حاضر، رویدادها نشان‌دهنده یک بخش عمده و متمایز در تمام صنایع در جهان می‌باشند (آماتو^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه رویدادها عامل مهمی در جوامع انسانی به‌شمار می‌روند؛ به‌طوری‌که آلن^۲ و همکاران (۲۰۱۲) اذعان داشته‌اند که رویدادها به صنعت تبدیل شده‌اند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۴). در فرهنگ معتبر فارسی معین، از واقعه، پیشامد یا حادثه به عنوان معانی رویداد نام برده‌اند (سقای و خوشه بست، ۱۳۹۷). رویداد، پدیده‌ای موقتی است که می‌تواند با برنامه‌ریزی یا بدون آن باشد و مدت زمان مشخصی دارد. همچنین با افزایش زمان فراغت و تفریح، انواع رویدادهای عمومی، علمی، اجتماعی، هنری و ورزشی نیز افزایش یافته است (گلن^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). رویدادهای ورزشی یکی از انواع رویدادهاست که بخش مهم و در حال رشدی از صنعت رویداد محسوب می‌شود. برای اولین بار ایده برگزاری مسابقات و رویدادهای ورزشی به صورت منسجم و بین ملل مختلف از سوی پیروکوبرتن^۴ مطرح شد و المپیک به عنوان یک رویداد بزرگ ورزشی پایه‌ریزی شد (اتقیا، ۱۳۹۶). تاریخ نشان می‌دهد که رویدادهای ورزشی نقش مهمی در توسعه جوامع داشته‌اند و افراد مهم در این حیطه این پدیده را در مقابل تمام ناملایمات اداره می‌کنند تا صنعت رویدادهای ورزشی را به جایگاه کنونی برسانند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵).

رویدادهای ورزشی طیف‌های کاملاً متفاوتی دارند و هر نوع از رویدادها در بردارنده فرصت‌ها و چالش‌هایی برای سازمان‌دهندگانشان هستند. رویدادها بر اساس اندازه برگزاری‌شان، از رویدادهای منطقه‌ای کوچک تا ابر رویدادهایی مانند المپیک و جام جهانی، متفاوت می‌باشند. همچنین رویدادها از نظر گروه‌هایی که در آن‌ها حضور پیدا می‌کنند مانند تماشاگران و ورزشکاران، با یکدیگر تفاوت دارند (کو و لی^۵، ۲۰۱۹). صرف‌نظر از نوع و اندازه رویداد، برنامه‌ریزی رویداد نیازمند افرادی است که بتوانند رویداد را طراحی و منابع مادی و انسانی را مدیریت و به صورت راهبردی برنامه‌ریزی کنند. همچنین زمان را به‌صورت کارآمدی مدیریت و بودجه و امور مالی را پیش‌بینی نمایند. افرادی که این نوع از مهارت‌ها را داشته باشند، می‌توانند به صورت کارآمدی رویداد ورزشی یا غیرورزشی را مدیریت کنند (عیدی و یوسفی، ۱۳۹۵).

1 Amato
2 Alen
3 Gelen,
4 Peier Dokoberten
5 Koo & Lee

برنامه‌ریزی رویدادهای ورزشی در زمانی که باید تصمیمات مختلف اتخاذ شوند، پیچیده و سخت می‌گردد (بهرامی و عسگری، ۱۳۹۵). همچنین این برنامه‌ریزی‌ها در زمانی که باید افراد مختلف در این تصمیمات مدنظر قرار گیرند، سخت‌تر هم می‌شود. این وضعیت در شرایطی که ذینفعان متعدد (کمیته‌های سازماندهی، شرکت کنندگان، گروه‌های قانونی، تاسیسات و اماکن، حامیان مالی و غیره) وجود داشته باشند و وظایف مختلفی باید انجام شود، پیچیده‌تر می‌گردد (خداداد کاشی و کریم نیا، ۱۳۹۷). چالش سازمان-دهندگان رویداد، منعطف بودن برای برطرف کردن نیازهای گروه‌ها و ورزش‌های متفاوت است (استوارت و راینر^۱، ۲۰۱۶). در این میان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سازمان‌دهندگان رویدادهای ورزشی، مواجهه با بحران^۲ها و ریسک^۳های احتمالی است که ممکن است قبل، حین و بعد از برگزاری رویدادهای ورزشی به وقوع بپیوندد.

وجود حساسیت بالا برای شناسایی و رسیدگی به ریسک‌های بالقوه مرتبط با یک رویداد، ضروری و حائز اهمیت است (گیولانوتی و کلاسر^۴، ۲۰۱۱). کوکوب و گمیچو^۵ (۲۰۱۶) «مدیریت ریسک» را به عنوان کاهش یا حذف ریسک مصدومیت، مرگ و مسئولیت‌های بالقوه بعدی که از طریق ارتباط با برنامه‌ها و خدمات ورزش و تفریحات سالم اتفاق می‌افتد، تعریف می‌کنند. ما و سون^۶ (۲۰۱۵) ادعا می‌کنند که مدیریت ریسک «به‌کارگیری روش‌های منطقی و مسئولیت محتاطانه در به حداقل رساندن تهدیدات» است. همچنین آرنولد^۷ و همکاران (۲۰۱۱) مدیریت ریسک را دارای ماهیتی پیشگیرانه می‌دانند که در آن تعیین می‌شود که چه تهدیدات بالقوه‌ای در بازی وجود دارد که باید آن‌ها را در مرحله برنامه‌ریزی لحاظ کرد. مدیریت ریسک در ساده‌ترین شکل به عنوان «فرآیند مدیریت ریسک‌های قابل شناسایی و بیمه نمودن ریسک‌هایی که نمی‌توان مدیریت کرد» تعریف شده است (اندرسون^۸، ۲۰۰۸).

«دفتر راهبرد بین‌المللی کاهش فجایع»^۹ وابسته به سازمان ملل متحد، در جدیدترین بیانیه خود بحران را ازهم‌گسیختگی جدی در عملکردهای یک جامعه که منجر به ایجاد خسارات انسانی، سرمایه‌ای و

1 Stewart & Rayner

2 Crisis

3 Risk

4 Giulianotti & Klauser

5 Kokobe & Gemechu

6 Ma & Sun

7 Arnold

8 Andersen

9 United Nations Office for Disaster Risk Reduction

یا زیست محیطی می‌گردد، تعریف کرده است (دلون^۱، ۲۰۰۷). به این ترتیب در صورتی به حادثه‌ای «بحران» اطلاق می‌شود که سازگاری با آن با توجه به منابع موجود فراتر از توان جامعه باشد. از این دیدگاه، وقوع حوادث معمولاً ناشی از اثرات منفی مخاطراتی^۲ است که به خوبی مدیریت نشده‌اند (کومبس و لافر^۳، ۲۰۱۸). همچنین بحران را واقعه‌ای ناگهانی ناشی از بلایای طبیعی یا آشوب‌ها و عملیات تروریستی که باعث آشفتگی و ایجاد خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی عظیم در اساس روابط و فعالیت‌های معمول جامعه می‌شود تعریف کرده‌اند (گنورگ و پرات^۴ ۲۰۱۲؛ آنتی ساروج^۵، ۲۰۲۰).

به منظور مقابله با بحران‌های احتمالی، مجموعه اقدامات مورد نیاز با هدف کاهش آسیب‌پذیری و خطر، در چرخه‌ای گرد هم آمده‌اند. این چرخه به اقدامات پیش از وقوع، هنگام و پس از وقوع سانحه تقسیم می‌شود و فرض بر این است که با هر بار وقوع سانحه، یک درجه آسیب‌پذیری کاهش یافته و در صورت تکرار این دور، رسیدن به آسیب‌پذیری بسیار پایین، دور از انتظار نخواهد بود (حسینی و امیدواری، ۱۳۹۲). اقدامات پیش از وقوع بحران شامل سه مرحله پیشگیری، کاهش اثرات و تخفیف خطر و آمادگی می‌باشد. در هنگام وقوع بحران نیز مقابله اضطراری اعم از پاسخگویی، جست و جو، نجات و امداد صورت می‌گیرد. همچنین به اقدامات پس از وقوع بحران، بازتوانی گویند. عملیات بازتوانی شامل دو مرحله ساماندهی و بازسازی است (حسینی و امیدواری، ۱۳۹۷).

در جهت مهار حوادث غیرمترقبه و آمادگی برای مقابله با بحران، وجود سیستمی به نام «سیستم مدیریت بحران» ضروری است. این سیستم مدیریتی باید با برنامه‌ریزی دقیق و تشکیل کمیته‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها، به پیش‌بینی احتمال وقوع بحران و پیشگیری از آن و همچنین تحلیل بحران به‌وجود آمده و چگونگی مقابله با آن، برآورد خسارت مادی و معنوی و در نهایت ایجاد تعادل و بازگرداندن شرایط پیشین بپردازد (پاکباز خسرو شاهی، ۱۳۹۷). مدیریت بحران، طیفی از فعالیت‌های طراحی‌شده برای تداوم کنترل بر بحران و شرایط اضطراری و فراهم آوردن چارچوبی برای کمک به افراد در معرض خطر یا بازیابی اثرات ناشی از بحران‌هاست (کومبس^۶، ۲۰۰۸). به عقیده هیلز^۷ (۲۰۱۸) از

1 Devlin

2 Hazards

3 Coombs & Laufer

4 George & Pratt

5 Anita Saroj

6 Oombs

7 Hilss

ضروریات مدیریت بحران، اتخاذ راهبرد انعطاف‌پذیر^۱ است؛ به این معنا که در مراحل مختلف وقوع یک بحران باید از راهبرد متناسب با آن مرحله استفاده کرد. راهبرد کلی مدیریت بحران قبل از وقوع، راهبرد کنشی است؛ یعنی مدیریت بحران برآن است که با پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، جلوگیری و یا حجم آن را مهار کند و یا کاهش دهد. در حین بحران، راهبرد واکنشی پیشنهاد می‌شود؛ یعنی بیش از هر چیز بر عملیات امداد و نجات پافشاری می‌شود و در نهایت برای مرحله پس از بحران، دو نوع راهبرد تعاملی و گزینشی پیشنهاد می‌گردد. راهبرد تعاملی بر تجربه اندوزی از بحران‌های قبلی و برنامه‌های مقابله با بحران تأکید دارد و راهبرد گزینشی برای مقاله با بحران‌هایی است که احتمال وقوع آنها بیشتر است (یاوری گهر و منصوری موید، ۱۳۹۶).

در راستای افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری و تسهیل مدیریت بحران، نیاز به یک برنامه جامع می‌باشد (لافر^۲، ۲۰۱۵). مدیریت بحران جامع عبارت است از: فرآیند برنامه‌ریزی، عملکرد و اقدامات اجرایی که توسط دستگاه‌های دولتی، غیر دولتی و عمومی پیرامون شناخت و کاهش سطح مخاطرات و مدیریت عملیات مقابله و بازسازی و بازتوانی منطقه آسیب دیده، صورت می‌پذیرد (جهانگیری، ۱۳۹۲). در این فرآیند با مشاهده پیش‌نشانگرها و تجزیه و تحلیل آنها و منابع اطلاعاتی در دسترس تلاش می‌شود به‌صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای موجود از بحران، پیشگیری شود و یا در صورت بروز آنها با آمادگی لازم در جهت کاهش خسارات جانی و مالی به مقابله سریع پرداخته تا شرایط به وضعیت عادی باز گردد (لئونگ و همکاران^۳، ۲۰۰۸).

مدیریت بحران، نقش کنترل بحران و کاهش آثار سو آن و عبور از بحران را دارد. در این حیطه و پیرامون مدیریت بحران، پژوهش‌های زیادی در ایران و در علوم مختلف صورت پذیرفته است؛ از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش خسرو شاهی (۱۳۹۷) با عنوان «طراحی الگوی مدیریت بحران در رسانه» اشاره کرد که نقش الگوی رسانه و سایت‌های مبتنی بر آن را در امر بحران نشان داد. پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در مورد مدیریت بحران و ساماندهی و کاهش آسیب‌پذیری شریان‌های حیاتی که با نگاهی تحلیلی، کنترل و مدیریت در این زمینه را بررسی نمود. پژوهش یاوری گهر و منصوری موید (۱۳۹۶) پیرامون مدیریت بحران و صنعت گردشگری که پیشگیری از مدیریت بحران با یک نگاه جامع را بررسی کرد.

1 Flexible Strategy

2 Laufer

3 Leong

همچنین پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) درباره مدل‌سازی پهنه‌های اسکان در مدیریت بحران زلزله با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری که رویکرد بهینه بر اساس مدل‌های موجود را ارائه نمود. بر اساس بررسی‌ها و تحقیقات انجام شده، در مورد مبحث اصلی این گفتار که رویدادهای ورزشی می‌باشد، پژوهشی چون پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۱) که بحران در استادیوم‌های فوتبال را با نگاهی زیرساختی بررسی نمودند، صورت پذیرفته است، اما پژوهشی جهت ارائه الگوی جامع مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی به چشم نمی‌خورد. عمده پژوهش‌ها مبتنی بر یک واکاوی سطحی و رابطه‌ای است و مدلی جامع در این زمینه مشاهده نمی‌گردد. از این رو، این مسئله را می‌توان یک خلاء تحقیقاتی در بحث مدیریت ورزش و مدیریت رویدادهای ورزشی دانست.

با توجه به شرایط سیاسی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز موقعیت ژئوپلیتیکی آن و نوع تعاملات موجود در عرصه بین‌الملل، دغدغه همه مسئولان بصیر و عالم حوزه مدیریت بحران در کشور، برداشتن گام‌های موثر در زمینه الگوسازی، تدوین و طراحی، زمینه‌سازی، اجرا و توسعه مدل‌های مدیریتی بحران در حیطه‌های مختلف کشور است که این امر الزاماً با بهره‌گیری از توان علمی و فرصت‌های طلایی موجود در قبل از بروز بحران‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

در این راستا و با توجه به اهمیت روز افزون رویدادهای ورزشی و توسعه آن در کشورمان و جمعیت بی‌شماری که در قالب‌های مختلف از رویدادهای گوناگون ورزشی استفاده می‌نمایند، ایجاد الگویی واحد در سطح ملی برای گام برداشتن نظام‌مند در حوزه مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی کشورمان، احساس شد. لذا هدف از انجام این فعالیت پژوهشی، طراحی الگوی جامع مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی می‌باشد. با توجه به کمبود مطالعات کیفی در این زمینه، ضعف در ریشه‌شناسی مسئله مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی احساس و اهمیت موضوع ادراک گردید. بدین‌منظور در پژوهش حاضر با درک این ضرورت، سعی شد با استفاده از رویکرد مبتنی بر روش‌شناسی تفسیرگرایی برخاسته از داده، مسئله و فرایند مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی تحلیل گردد و چرایی این الگو مشخص شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر مبنای موضوع و شیوه تبیین یافته‌های مورد هدف آن، در حیطه تحقیقات کیفی قرار دارد و روش کیفی مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی نظریه برخاسته از داده‌هاست که هدف اساسی آن با توجه به مطالب به‌دست آمده شکل‌دهی خرده نظریه در حیطه‌های مربوط بر مبنای اطلاعات به‌دست آمده است.

به منظور انجام نمونه‌گیری در مرحله نخست پژوهش، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. در نمونه‌گیری نظری، از نمونه‌هایی مصاحبه به عمل آمد که از لحاظ هدف‌های پژوهش دارای اطلاعات غنی بودند. این روش نمونه‌گیری وقتی خاتمه می‌یابد که هر مقوله به اشباع نظری برسد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). در خلال طراحی فرایند انجام مصاحبه تمامی مصاحبه‌ها با افراد به صورت رو در رو و فردی در زمان‌های مختلف انجام گرفت. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۴۵ الی ۶۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها تا کسب توصیف مناسبی از موضوعات مربوط به پژوهش ادامه یافت و در تمامی مصاحبه‌ها از دستگاه ضبط استفاده گردید. همه مصاحبه‌ها توسط خود پژوهشگر انجام شد. پژوهشگر هدف مطالعه، محتوای فرم رضایت و سؤال‌های مصاحبه را به صورت کلی برای افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها توضیح داد و تلاش کرد تا توالی و ترتیب سؤال‌ها تقریباً برای همه شرکت‌کنندگان یکسان باشد. تمامی مصاحبه‌ها با افراد در زمان‌های مختلف و عموماً در مکان کاری آنها انجام پذیرفت. سؤالات مصاحبه در سه محور اصلی چستی الگوی مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی؛ شرایط و عوامل شکل‌گیری مدیریت بحران و راهبردها و پیامدهای شکل‌گیری الگوی مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی انجام پذیرفت. در ابتدای امر پس از معرفی اولیه و مشخص‌سازی موضوع پژوهش و توضیح رشته و موضوع توسط پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان در هر محور به چند سؤال پاسخ می‌دادند که پژوهشگر در بخش‌هایی که پاسخ‌ها واضح و شفاف نبودند، مداخلات اندک و سؤالات بیشتری جهت تشریح و تبیین مسئله را به کار گرفت. برای تحلیل یافته‌ها در این پژوهش از الگوی سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده گردید. بنابراین تحلیل داده‌ها از این طریق انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، از طریق کاوش در مصاحبه‌ها و نگاه عمیق به آن‌ها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها شناسایی شد. در مجموع ۲۲۹ نشانگر (گزاره معنایی) و ۳۸ مقوله اصلی به دست آمد. در مرحله بعد، یکی از مقوله‌ها که بیشترین ارتباط را با سایر مقوله‌ها داشت به عنوان پدیده اصلی انتخاب شد و محققان توانستند ارتباط آن مقوله و سایر عناصر الگوی تدوین نظریه برخاسته از داده را تبیین نمایند. همچنین در مرحله پایانی که «کدگذاری گزینشی» نام دارد، با استفاده از گزاره‌ها، روابط میان مقوله‌ها که به واسطه تحلیل داده‌ها، به دست آمده بود به شکل حکایت‌گونه درآمد و بدین ترتیب نظریه میانی در مورد مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی تدوین شد.

برای اعتبار بخشی به یافته‌ها در این پژوهش سه راهبرد به کار گرفته شد:

- ۱) مرور همتا: با استفاده از این راهبرد، پژوهشگر از نظر دیگر محققانی که در حیطه این رویکرد و روش و مفهوم مورد بررسی اطلاعاتی دارند کمک می‌گیرد و نظرات آنان در مورد کدگذاری‌ها، شکل مصاحبه

و دیگر موارد و نیز بررسی مقایسه‌ای ممکن می‌گرداند تا صحت فرایند انجام شده مورد تأیید قرار بگیرد. در این زمینه محقق پیشنهادهای دیگران را درباره نحوه انجام مصاحبه‌ها یا نحوه ارائه نتایج و ادراکات محققانی که دارای دیدگاه‌های متفاوت با دیگران هستند مطالعه می‌کند و تصمیم می‌گیرد کدام بخش از دیدگاه‌های ایشان را در پژوهش دخالت دهد. در این پژوهش نیز مطابق همین اصل از همکاری دو نفر از افراد متخصص و همکار که در حیطه مورد نظر دارای سوابق پژوهشی و اجرایی بودند کمک گرفته شد و بر اساس نظرات و نقدهای آنان تغییرات لازم به عمل آمد.

۲) شیوه یادداشت برداری و انجام پژوهش: یک روش برای کمک به ایجاد اطمینان، توضیح چگونگی دنبال کردن مراحل پژوهش و تهیه یادداشت‌هاست. یادداشت‌های همراه با فکر یا یادداشت‌هایی که در آنها پژوهشگر افکار خود را هنگام جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ثبت کرده باشد، به خواننده اجازه می‌دهد تا دریابد که محقق چگونه به نتایج خود دست یافته است. در این زمینه محقق هنگام مصاحبه‌ها نکاتی در مورد تأکید، نوع گفتار و برجسته شدن مسائل یادداشت‌برداری می‌کرد و نقاط مهم دیگری نیز که در تحلیل یافته‌ها قابل بررسی و استفاده بودند ثبت می‌گردید.

۳) گروه کانونی: گروهی متشکل از نمونه‌های مشارکت‌کننده در پژوهش، برای تأیید فرایند حاصل از تحلیل داده‌ها به تبادل نظر پرداخته و محقق با جمع‌بندی نظرات ایشان در مورد فرایند به‌دست آمده به اصلاح و بازبینی فرایند پرداخته است.

مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل کلیه افراد متخصص و صاحب‌نظر در زمینه موضوع پژوهش (اساتید برجسته ورزشی متخصص در حوزه رویدادهای ورزشی و مدیریت بحران، خبرگان و صاحب‌نظران مدیریت ورزشی کشور، مسئولان اجرایی برگزارای رویدادها و مدیران رویداد) بودند که ابتدا به صورت هدفمند و در ادامه به روش گلوله برفی (ارجاع زنجیره‌ای) انتخاب شدند و این روند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. اشباع نظری در این زمینه پس از مصاحبه با ۱۴ نفر حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل کلیه افراد متخصص و صاحب‌نظر در زمینه موضوع پژوهش بودند که ویژگی‌های توصیفی آنها در جدول ۱ گزارش شده است:

جدول ۱: ویژگی‌های توصیفی افراد مشارکت‌کننده در تحقیق

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه فعالیت	وضعیت شغلی	نوع فعالیت در حیطه
۱	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت

۲	مرد	دکتری تربیت بدنی	۱۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۳	زن	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۴	مرد	دکتری تربیت بدنی	۱۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۵	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۶	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۷	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۸	زن	دکتری تربیت بدنی	۵ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۹	مرد	ارشد تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۱۰	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۱۱	مرد	ارشد تربیت بدنی	۱۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۱۲	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۱۳	مرد	دکتری تربیت بدنی	۱۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت
۱۴	مرد	دکتری تربیت بدنی	۲۰ سال به بالا	رسمی	تمام وقت

▪ پدیده اصلی (مقوله محوری)

برای انتخاب و شناخت پدیده محوری، محقق هر یک از مقوله‌ها را جداگانه بررسی نمود و به بررسی ارتباطی آن با دیگر مقوله‌ها پرداخت و با ملاک‌های انتخاب پدیده اصلی مقایسه کرد. مقوله‌هایی که ظرفیت استفاده در این زمینه و ارتباطی با دیگر مقولات را نداشتند، در این بخش رد شدند. پس از بررسی مقوله‌ها از زوایای مختلف و ارتباطی مشخص گردید که مبحث منابع و زیر ساخت‌ها مقوله‌ای است که در ارتباط با هر پدیده منتج به شکل‌گیری مدیریت بحران شده و اثرات آن مشاهده می‌شود و خود مصاحبه-شوندگان نیز در مصاحبه به صورت مکرر از نقش منابع و زیر ساخت‌ها برای مدیریت، کنترل، پیشگیری، اقدام و اصلاح نام می‌بردند. بر همین اساس مقوله محوری در این پدیده، منابع و زیر ساخت‌ها بود.

▪ عوامل علی

عوامل علی مجموعه عواملی است که به صورت کلی بر اساس شکل‌گیری مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی اشاره دارد (معروفی و همکاران، ۱۳۹۸). در جدول ۲ به صورت مختصری به عوامل علی اشاره شده است:

جدول ۲: کدگذاری عوامل علی

ابعاد پژوهش	مقوله	مفاهیم مهم
عوامل علی	پیش از بحران	ایجاد ایمنی و امنیت
		وجود کمک‌های اولیه مورد نیاز
		مستندسازی و آموزش تجربیات و دستاوردهای پیشین
		الگوبرداری موارد مشترک
		مدیریت تشخیص و راهبردی
	حین بحران	بهره‌مندی از منابع انسانی
		شناخت بحران
		برنامه‌ریزی استفاده از تجارب قبل
		تعامل با بحران و افراد
		مشورت با افراد صاحب‌نظر
پس از بحران	ارزیابی بحران	
	آمادگی	
	ایجاد شرایط و حالت اضطراری	
	اطلاع رسانی صحیح بحران	
	هماهنگی	
	تعامل با رسانه	
	اصلاح و بازسازی	
	درس گرفتن از بحران	
		کنترل و آرام سازی شرایط

با توجه به اطلاعات جدول ۲، عوامل علی در مدیریت بحران به سه مقوله پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران تقسیم می‌شود. یک بحران، آسیب‌های گسترده‌ای را ایجاد می‌کند و واکنش به آن و مدیریت آن در سه سطح اساسی پیش، حین و پس از بحران است. مدیریت پیش از بحران مهمترین بعد کنترل و مدیریت یک بحران می‌باشد که با پیشگیری و جلوگیری از وقوع بحران در قالب یک کار مدیریتی و یک ساختار اساسی مدیریت افزا در این زمینه ایجاد و فراهم می‌گردد.

حین بحران دوره‌ای است که در آن بحران به وقوع پیوسته است. مدیریت در حین بحران به منظور کاهش و به حداقل رساندن آسیب‌ها در ابعاد انسانی، مالی و الکترونیکی است و هدف اساسی آن کنترل

شرایط و سعی در کاهش مخاطرات می‌باشد و چنانچه مدیریت علمی و عملیاتی مناسب وجود نداشته باشد، خسارت های مالی و انسانی ناشی از بحران چندین برابر خواهد بود. بخش پس از بحران دوره‌ای است که در آن بحران به وقوع پیوسته است و آسیب و مشکلات تا حد زیادی فروکش نموده است. یکی از مهمترین اقدامات در این مرحله برنامه‌ریزی است.

▪ شرایط واسطه‌ای (مداخله گر)

شرایط واسطه‌ای در روش نظریه برخاسته از داده‌ها شامل مقولاتی است که به صورت مستقیم بر راهبردها اثر می‌گذارند. به عبارتی، عواملی که به واسطه مداخله آن‌ها کنش‌ها و تعاملات حاصل از پدیده اصلی به عمل می‌آید (بازرگان، ۱۳۹۴؛ ادیب و همکاران، ۱۳۹۰). در بررسی عوامل اثرگذار بر الگوی مدیریت بحران بر مبنای الگوی عوامل مداخله‌گر، محقق به این عوامل رسید:

قوانین کلان: قوانین کلان اشاره به الگوی سیاست‌های کلی تبیین شده در این زمینه دارد که بر اساس قوانین اجتماعی و سیاسی در این زمینه بیان شد.

زیرساخت‌های موجود: زیرساخت‌های موجود اشاره به منابع و پتانسیل‌های برقرار در شرایط فعلی و نیز ابزار موجود در زمینه موردنظر دارد.

مدیریت کلان: مدیریت کلان اشاره به الگوی مدیریت کل در یک ساختار معین و مشخص شده دارد.

▪ عوامل بستر ساز (زمینه‌ای)

عوامل بستر ساز یا محیطی عواملی هستند که به صورت غیرمستقیم بر راهبردهای نظریه برخاسته از داده‌ها اثرگذارند. محل حوادث شرایط پیرامونی و نزدیک و ساختار مرتبط، زمینه و... که کنش بین عوامل و در نتیجه راهبرد را موجب می‌گردد در دسته این عوامل قرار دارد. مهمترین عوامل شناسایی شده در این زمینه در مدل تحقیق به شکل زیر به دست آمد:

تخصص و ویژگی‌های کارکنان و کادر: مهمترین عامل بهره‌وری در سازمان و جامعه، منابع انسانی است. یکی از مسائل مهم در اجرای هر نقش و شغلی به نیروی انسانی و کادر اجرایی بر می‌گردد و فعالیت و تخصص این گروه زمینه اجرائیات هر مسئله‌ای مهم و اساسی است. همه کارکنان باید به درستی آموزش ببینند و درک درستی از بحران و شرایط بحرانی داشته باشند و نیز به وظایف خود در این شرایط آگاه باشند.

مدیریت سازمان: مدیریت سازمان اشاره به الگوی مدیریتی در امور سازمان و به صورت مشخص تر مدیریت بخش مورد نظر دارد و در سطحی پایین تر از مدیریت کلان قرار می گیرد که سیاست های کلی را اجرا و ارائه می کند.

انعطاف پذیری و سرعت سازمانی: مسئله انعطاف پذیری سازمانی به الگوی تطبیق شرایط سازمان بر اساس موقعیت اشاره دارد که زمینه یک تطبیق پذیری بر اساس نیاز را ایجاد می کند.

ارزشیابی از بحران: در این زمینه مصاحبه شونده شماره ۸ بیان کرد:

«بینید بحران وقتی در رویداد ورزشی شکل گرفت، سریع باید فهمید مدلش چیه، چه الگویی داره، پیامدش چیه و چطور میشه جلوش رو گرفت و اثرش رو کم کرد. این فقط تو خود بحران نیستا، اصلا قبل اینکه بحرانی شکل بگیره هم باید مداوم ارزیابی و تحلیل کرد».

■ راهبردها

راهبردها در نظریه برخاسته از داده ها اشاره به اقدامات یا تعامل های ویژه ای دارد که از پدیده اصلی حاصل می شود (بازرگان، ۱۳۹۴؛ معروفی و همکاران، ۱۳۹۸). در این پژوهش از بررسی داده های حاصله راهبردهای زیر استخراج گردید:

قانون گرایی و سیاست گذاری: قانون گرایی و سیاست گذاری به صورت کلی اشاره به تدوین و ابلاغ قوانینی حمایتی جهت بر طرف سازی موانع و مشکلات و اجرا شدن هر چه بهتر فرایند در این زمینه دارد.

آموزش های دوره ای و تحلیل: این مقوله اشاره به آموزش های ضمن خدمت و برنامه ریزی بر اساس این مسئله در زمینه کارکنان و انتخاب صحیح بر اساس آنان دارد.

ارزشیابی مداوم از شرایط: در این زمینه مصاحبه شونده شماره ۷ بیان نمود:

«باید از شرایط رویدادهای ورزشی تو آب و هوای مختلف، تو شرایط سیاسی و اجتماعی و همه ابعاد به صورت مداوم تحلیل انجام بشه تا بر حسب شرایط بشه بهترین گزینه، پیشگیری، آمادگی و اقدام رو انجام داد».

داشتن برنامه های مختلف: مصاحبه شونده شماره ۱۴ بیان نمود:

«در امر اجرا، پیشگیری و کنترل بحران در رویدادهای ورزشی به خصوص تو بخش حین بحران اینه که طرح A و B داشته باشیم. نه فقط این دوتا که چند تا برنامه باید برای وقوع و جلوگیری و کنترل بحران پیش بینی کرد».

هماهنگی ساختاری: هماهنگی به صورت کلی اشاره به ارتباط بین ابعاد درگیر در مدیریت هر امری دارد. به روز بودن: در این زمینه مصاحبه شونده شماره ۱ بیان کرد:

«برای ایجاد مدیریت بحران و کنترل و مقابله، سازمان و امکاناتش باید بروز باشد و بر اساس شرایط بهترین امکانات و منابع را به کار گرفت».

▪ پیامد

پیامدها در نظریه برخاسته از داده‌ها نتایجی است که در اثر راهبردها ایجاد می‌گردد (ادیب و همکاران، ۱۳۹۰؛ معروفی و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس یک بررسی کلی تقویت زیر ساخت‌ها و شاخص‌های مرتبط با منابع، عاملی مهم در مدیریت بحران و الگوی صحیح آن در رویدادهای ورزشی می‌باشد که با پیاده سازی راهبردها اثراتی چند شامل موارد زیر را شاهد خواهیم بود. مهمترین پیامدها در این زمینه به شرح زیر بود:

سیاست‌گذاری راهبردی: این مقوله اشاره به رویکرد اجرا و تبیین سیاست‌های هر امری متناسب با نیاز و شرایط مربوط به آن دارد.

مدیریت کارآمد (نیازسنجی و انتخاب متناسب با نیاز): نیازسنجی و انتخاب به شناخت مسئله و ارزیابی نیازهای دوره‌ای بر اساس ضوابط خاص اشاره دارد و بر اساس این نیازهای شناسایی شده می‌توان انتخاب‌های صحیح و کارآمد در این زمینه را به عمل آورد.

ارزشیابی و تغییر: بر اساس این ملاک بر حسب نیاز ارزشیابی مداوم از شرایط به‌عمل می‌آید و با بهره‌گیری از الگوهای شناخته شده فرد بهترین الگو را به کار می‌گیرد.

تطبیق و سازماندهی: این مقوله اشاره به شناخت مسئله و هماهنگی با آن دارد که در اثر هماهنگی ساختاری بین اجزای سازمان و نیز به کارگیری برنامه‌های مختلف حاصل می‌گردد.



شکل ۱: مدل مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی

بحث و نتیجه گیری

نقش زیرساخت‌ها در هدایت و سرعت توسعه یک کشور غیرقابل انکار است. همان‌طور که پایه و اساس در یک ساختمان مهم است، جایگاه زیرساخت و همچنین قابلیت اطمینان به آن برای توسعه همه کشورها اهمیت دارد. بدیهی است که رشد اقتصادی یک کشور با توسعه زیرساخت‌های آن ارتباط تنگاتنگ دارد. یک پایه زیربنایی دقیق، کلید توسعه اجتماعی و اقتصادی دولت است و به عنوان یک آهنربا برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در یک دولت عمل می‌کند و در نتیجه به عنوان یک مزیت رقابتی تلقی می‌شود. دسترسی به زیرساخت‌های کافی و کارآمد نه تنها باعث پیشرفت صنعتی شدن می‌گردد، بلکه کیفیت زندگی مردم را نیز بهبود می‌بخشد (عرفان نیا و همکاران، ۱۳۹۸). این موضوع همان‌طور که در تمامی

بخش‌های تجارت، سیاست و کنترل اساس یک سازمان و جامعه می‌باشد، در بخش بحران، مدیریت آن و الگوی مربوط به آن نیز نقشی اساسی دارد. مهمترین پایه مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی به منظور پیشگیری، کنترل و مداخله در آن به مقوله اتکا به منابع و زیر ساخت‌های موجود در این حیطه بر می‌گردد و بر همین اساس اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مفهوم در مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی معطوف به منابع و زیرساخت‌ها می‌باشد و این تحقیق نیز این مقوله را کلیدی‌ترین محور در این زمینه قلمداد نمود.

نتایج این بخش با یافته‌های فراهانی و همکاران (۱۳۹۷) که نشان دادند چندین عامل بحران‌زا در حیطه ورزش ایران وجود دارد که براساس اولویت ضعف برنامه‌ریزی، نگرش نامناسب جامعه، ضعف نیروی انسانی، ضعف هماهنگی، مشکلات زیرساختی، مسائل مالی، مشکلات ساختاری و قانونی، ضعف نظام ارتباطی و عملکرد ضعیف رسانه‌ها هستند و نیز یافته‌های نایت و همکاران (۲۰۱۹)؛ رضانی و همکاران (۱۳۹۳) و... همسویی و همراستایی در نتایج به‌دست آمده را دارد و گواه بر این موضوع است که برای امر هدایت، کنترل و پیشگیری بحران در رویدادهای ورزشی باید یک نگاه جامع به مسئله مورد نظر داشت. در مرحله پیش از بحران در امر مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی، گفتنی است که عوامل مدیریتی یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی است که عدم توجه و یا قصور در آن در برگزاری مسابقات ورزشی خود سبب وقوع بحران خواهد شد. در این زمینه نیز اتکا به زیر ساخت‌ها و منابع، مسئله مهمی است که زمینه پیشگیری از بروز بحران بر اساس منابع و ساختار موجود را فراهم می‌آورد. همچنین در این مرحله برنامه‌ریزی اصولی و کارآمد بسیار مهم است. برنامه‌ریزی، فرآیند آماده‌سازی فعال قبل از یک رویداد است. برای توسعه و اجرای برنامه‌های مهم و پیشگیری، پاسخ و بازسازی در شرایط اضطراری، برنامه‌ریزی‌های ضعیف یا بدون هدف نتایج مؤثری بر سیستم مدیریت امنیت ورزشی یا رویدادها نخواهد داشت. در مرحله بحران وجود منابع و امکانات اجرایی، کنترل و کاهش خسارت و آسیب به هر نحو را فراهم می‌آورد و در مرحله پس از بحران منابع و زیرساخت سرعت اصلاح، بهبود و تغییر شرایط را ایجاد می‌کند. بر این مبنا منابع و زیرساخت‌ها عامل و مسئله مهمی است که در مدل مدیریت بحران نقشی کلیدی و محوری دارد.

برای ایجاد یک مدیریت کارآمد بحران در برگزار رویدادهای ورزشی باید یک ساختار چند وجهی در زمینه پیش، حین و پس از بحران تدوین کرد و بر اساس دستورالعمل‌های تبیین شده هر دوره، الگوی مؤثر را به کار گرفت. بی تردید هر دوره از این مراحل نیاز به یک توجه چند بعدی در ابعاد کلان و خرد دارد تا بتوان با به‌کارگیری سیاست‌های کلی و مشخص، رویکردی کارآمد و تخصصی به مسئله را پیاده

نمود. به کارگیری چنین مدل کارآمدی در زمینه برگزاری رویدادهای ورزشی و در امر مدیریت بحران در این حیطه راهبردهای مفید و تخصصی در ارتباط با منابع انسانی، نیازهای سازمانی، سیاستهای کلان و... در بر خواهد داشت و پیامدهای سیاست گذاری راهبردی، مدیریت کارآمد، ارزشیابی و تغییر و تطبیق و سازماندهی را موجب می گردد. در مورد بحث مدیریت کارآمد باید در نظر داشت که امنیت افراد در شرایط بحرانی در رویدادهای ورزشی ممکن است به صورت بالقوه در خطر باشد. لذا اتخاذ تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه از سوی مسئولان، مدیران و متصدیان ضروری است. یافته های پژوهش نشان داد که عامل مدیریت و برنامه ریزی، یکی از مؤلفه های تأثیرگذار بر مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی است و در تبیین عامل مدیریت و برنامه ریزی رویداد، مؤلفه هایی چون مدیریت منابع انسانی، مدیریت برگزاری رویداد، همکاری سازمان های مشارکت کننده در رویداد نقش مؤثر دارند.

در یک جمع بندی کلی مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی مقوله ای چند بعدی و در ارتباط با متغیرهای بسیاری است که ضرورت توجه ویژه و تخصصی با سیاست های مشخص به آن را طلب می کند. بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می گردد:

- با توجه به اهمیت مسئله مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی پیشنهاد می گردد این الگوی مدیریتی از افرادی با سابقه تجربی و دارای تخصص در امر مورد نظر استفاده نماید تا امکان موفقیت و کنترل در این زمینه افزایش یابد.
- با توجه به ضرورت به روز بودن و الگوبرداری از نمونه های موفق مدیریت بحران در برگزاری مسابقات ورزشی، پیشنهاد می گردد به صورت مداوم برنامه های مبتنی بر پژوهش های جدید در این زمینه مورد بررسی کادر اجرایی و تخصصی قرار گیرد.
- با توجه به نقش کارکنان و کادر اجرایی در زمینه مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی و برگزاری آن، پیشنهاد می گردد برای جذب و به کارگیری نیروی کار در این زمینه ارزیابی های تخصصی و بررسی از منظر هوشی و دیگر ساختارها جهت جذب و به کارگیری اجرا گردد.
- با توجه به نقش آموزش های دوره ای و ضمن خدمت در به روز بودن و افزایش موفقیت در مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی، پیشنهاد می گردد سازمان متولی به صورت سالانه و فصلی برنامه های مورد نیاز و دانش روز مبتنی بر آن را از طریق افراد متخصص و کاربلد به مدیران و کارکنان شاغل در این بخش آموزش دهد.

- با توجه به اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری راهبردی و سیاست کلان در امر مدیریت بحران در برگزاری رویدادهای ورزشی، پیشنهاد می‌گردد سازمان مورد نظر قوانین تسهیل‌گرایانه خویش را به وزارت متبوع و دیگر بخش‌های مرتبط با این حوزه ارائه نماید و با بیان نقشه عملیاتی در تأیید و تشریح قوانین در این زمینه گام بردارد.
- با توجه به اهمیت و ضرورت ارزشیابی مداوم در مدیریت بحران در رویدادهای ورزشی در زمینه برگزاری آن؛ پیشنهاد می‌گردد واحد ارزشیابی و سنجش کیفیت به صورت مستقل و تحت نظارت سازمان اصلی در امور برگزاری مسابقات به صورت تخصصی دایر گردد و نظارت دائم و پیگیرانه‌ای در این زمینه داشته باشد.
- با توجه به ضرورت وجود ایمنی و داشتن طرح مداخله‌ای در زمان بحران در برگزاری مسابقات ورزشی، پیشنهاد می‌گردد در تمامی ورزشگاه‌های مهم دایر بر برگزاری مسابقات، سیستم ورود و خروج اضطراری و مکان خاص مرتبط با نیروهای امدادی و اجرایی در این زمینه به کار گرفته و پیاده گردد.
- با توجه به اینکه منابع و زیر ساخت‌ها در مدیریت بحران در برگزاری مسابقات ورزشی مقوله محوری در پژوهش بود، می‌توان گفت توجه و در نظر گرفتن تمهیدات لازم در این زمینه می‌تواند باعث پیشگیری از وقوع بحران و یا بهبود شرایط در هنگام وقوع گردد.
- همچنین یکی از محدودیت‌های پژوهش‌های کیفی، امکان تفاسیر مختلف از پدیده موردبررسی است و طبعاً تفسیر صورت گرفته از پدیده مورد مطالعه در این پژوهش، تنها یکی از تفاسیر ممکن و پذیرفتنی در مورد آن است.
- این پژوهش با استفاده از روش نظریه داده بنیاد اجرا شد. از این رو، پیشنهاد می‌شود از روش‌های دیگر استفاده و نتایج را با نتایج پژوهش حاضر مقایسه، نقد و آن را پالایش نمایند.

منابع

- ابراهیمی، حمید؛ رسولی، علی اکبر و مختاری، داوود. (۱۳۹۶). «مدل‌سازی پهنه‌های اسکان موقت در مدیریت بحران زلزله با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری فازی-مبنا (مطالعه موردی: شهر مرنده)». جغرافیا و برنامه‌ریزی. سال ۲۱، شماره ۶۱، صص ۱-۱۸.
- انقیاء، ناهید. (۱۳۹۶). مدیریت مسابقات و رویدادهای ورزشی. چاپ سوم، تهران: نشر دانشگاه الزهرا
- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق کیفی. چاپ سوم، تهران: نشر و تبلیغ بشری و تحفه

- اسدی، نوید؛ سجادی، سید نصرالله؛ گودرزی، محمود و مرادی، آرام. (۱۳۹۴). «تبیین شایستگی های مدیران رویدادهای ورزشی». مدیریت ورزشی. دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۷۴.
- باززگان، عباس. (۱۳۹۴). «مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته». تهران: انتشارات دیدار
- بهرامی، شهاب و عسگری، بهمن. (۱۳۹۵). «تأثیر عملکرد کشورهای جهان در رویدادهای بزرگ ورزشی بر عملکرد آنها در بازی های المپیک». نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۳، صص ۳۹۵-۴۰۷.
- پاکباز خسروشاهی، علی. (۱۳۹۷). «طراحی الگوی مدیریت بحران در رسانه». نشریه رسانه. شماره ۳، پیاپی ۱۱۲، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- جهانگیری، کتابون و خردمند، مهناز. (۱۳۹۲). «ارزیابی آسیب پذیری سازه های مراکز آموزشی در برابر زلزله و شناسایی اماکن امن جهت سرپناه اضطراری پس از زلزله». امداد و نجات. سال ۳، شماره ۲، صص ۲۶-۳۸.
- حسینی، علی و امیدواری، فرشیده. (۱۳۹۲). «مبانی بازسازی پس از سانحه». تهران: نشر عصرکنکاش
- حسینی، علی و امیدواری، فرشیده. (۱۳۹۷). «واکاوی نقش طراحی شهری در چرخه مدیریت بحران». معماری شناسی، شماره ۲، صص ۱-۸.
- خدادادکاشی، فرهاد و کریم نیا، الهام. (۱۳۹۷). «ارزیابی میزان رقابت و انحصار در بازی های المپیک بر مبنای شاخص تمرکز: ۱۹۹۶-۲۰۱۶». پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. شماره ۴، پیاپی ۲۴، صص ۹۳-۱۰۳.
- رحیمی، ق.؛ امیرتاش، ع. و خبیری، م. (۱۳۸۱). «بررسی مدیریت ایمنی در ورزشگاه های فوتبال کشور از دیدگاه تماشاگران، بازیکنان و مدیران اجرایی». پژوهش در علوم ورزشی. (۴۱)، صص ۳۹-۵۲.
- رمضانی، جواد؛ رضوی، سید محمد جواد و حسینی، حیدر. (۱۳۹۳). «ارتباط بین هوش هیجانی و راهبرد مدیریت بحران (مطالعه موردی: اداره کل ورزش و جوانان استان یزد)». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۷، صص ۱۸۵-۱۹۸.
- سقایی، مهدی و خوشه بست، فرزانه. (۱۳۹۷). «تحلیل راهبردی گردشگری رویداد در ایران (مورد شناسی: جشنواره طلای سرخ شهرستان قائنات)». جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای. شماره ۲۷، صص ۷۵-۹۴.
- عبدی، حسین و یوسفی، بهرام. (۱۳۹۵). «تحلیل سوات میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۳۹، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- عرفان نیا، امین؛ خیراندیش، مسعود و محمدی خیاره، محسن. (۱۳۹۸). «اهمیت زیرساخت اقتصادی و اجتماعی در توسعه اقتصادی». چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تاکید بر بازاریابی منطقه ای و جهانی. تهران.
- فراهانی، ابوالفضل؛ کشاورز، لقمان و مروی اصفهانی، ناهید. (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل بحران در ورزش همگانی». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۵۱-۶۷.
- قاسمی، حمید؛ کشگر، سارا و نوربخش، مهوش. (۱۳۹۵). «اصول سازمان و مدیریت ورزش». تهران: نشر علم و حرکت
- معروفی، یحیی و حسینی، حسین. (۲۰۱۹). «کاوش برنامه درسی اجرا شده دروس تربیتی: نظریه های داده بنیاد». پژوهش های برنامه درسی. (۱)۹، صص ۷۵-۱۱۲.
- موسوی، میر نجف؛ باقری، علی؛ مقیمی، مهدی و کیانی، جواد. (۱۳۹۷). «راه کارهای ساماندهی و کاهش آسیب پذیری شریان های حیاتی با رویکرد مدیریت بحران (مورد مطالعه: محور ارتباطی یزد - شیراز)». پژوهشنامه جغرافیای انتظامی. سال ۶، شماره ۲۲، صص ۲۹-۶۲.
- یآوری گهر، فاطمه و منصوری مؤید، فرشته. (۱۳۹۶). «مدیریت بحران در صنعت گردشگری». مطالعات مدیریت گردشگری. سال ۱۲، شماره ۴۰، صص ۲۱-۴۰.

- Allen, J. (2012). **Events management**. 2nd Edition. United Kingdom: Butterworth-Heinmann Publication
- Anita, Saroj, Sukomal, Paul. (2020). **"Use of social media in crisis management: A survey"**. International Journal of Disaster Risk Reduction, Volume 48, Article 101584. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2020.101584>.
- Amato, F., Moscato, V., Picariello, A., Sperli, G. (2019). **"Extreme events management using multimedia social networks"**. Future Generation Computer Systems, Volume 94, Pages 444-452.
- Andersen, T. J. (2008). **"The performance relationship of effective risk management: Exploring the firm-specific investment rationale"**. Long Range Planning, 41(2): 155-176.
- Arnold, V., Benford, T., Canada, J., Sutton, S.G. (2011). **"The role of strategic enterprise risk management and organizational flexibility in easing new regulatory compliance"**. International Journal of Accounting Information Systems, 12(3), 171-188.
- Coombs, T., Laufer, D. (2018). **"Global Crisis Management – Current Research and Future Directions"**. Journal of International Management, Volume 24, Issue 3, Pages 199-203.
- Coombs, W. T. (2008). **"The future of crisis communication from an international perspective"**. In Nolting, T., Tieben, A. (Eds.), *Krisenmanagement in der Mediengesellschaft (Arbeitstitel) Potenziale und Perspektiven in der Krisenkommunikation*. VS-Verlag, Wiesbaden, Germany, pp. 275–287.
- Devlin, S. (2007). **Crisis Management Planning and Execution**. Auerbach Publications
- Gelen, B., Allen, J., Tole, W., Haris, R., McDonel, I. (2012). **Events management**. 3rd Edition. United Kingdom: Butterworth-Heinmann Publication, p: 40.
- George, A. M., Pratt, C. B. (2012). **Case Studies in Crisis Communication: International Perspectives on Hits and Misses**. Routledge, New York
- Giulianiotti R, Klauser F. (2011). **"Introduction: Security and surveillance at sport mega events"**. Urban Studies, 48(15):3157-68.
- Hills, Alice, (2018). **"Insidious Environments: Creeping Dependencies and Urban Vulnerabilitie"**. Journal of Contingencies and Crisis Management, Volme 13. Issue1, Pages 213-228.
- Knight, H. R., Hartman, K. L., Bennett, A. (2019). **"Gun Violence, eSports, and Global Crises: A Proposed Model for Sport Crisis Communication Practitioners"**. Journal of Global Sport Management, Published online: Volume 19, Issue 1, Pages 121-141.
- Kokobe S.A., Gemechu, D. (2016). **"Risk Management Techniques and Financial Performance of Insurance Companies"**. Int J Account Res, 4: 127.
- Koo, J., Lee, Y. (2019). **"Sponsor-event congruence effects: The moderating role of sport involvement and mediating role of sponsor attitudes"**. Sport Management Review, Volume 22, Issue 2, Pages 222-234.
- Laufer, D. (2015). **"Emerging issues in crisis management"**. Bus. Horiz. 58 (2), 135–234.
- Leong, S.M., Cote, J.A., Ang, S.H., Tan, S.J., Jung, K., Kau, A.K., Pornpitakpan, C. (2008). **"Understanding consumer animosity in an international crisis: nature, antecedents, and consequences"**. J. Int. Bus. Stud. 39, 996–1009.
- Ma, J., Sun, J. (2015). **Complex Dynamics of a MC–MS Pricing Model for a Risk-Averse Supply Chain with After-Sale Investment**. Commun Nonlinear Sci Numer Simulat.
- Stewart, A., & Rayner, S. (2016). **"Planning mega-event legacies: Uncomfortable knowledge for host cities"**. Planning Perspectives, 31(2), 157–179.

ارزیابی و رتبه‌بندی کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور با استفاده از الگوی BCC (تحلیل پوششی داده‌ها)

سید محمدعلی گویا^۱

محمد حامی^۲

وحید شجاعی^۳



10.22034/SSYS.2022.1917.2364

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۷/۱۲

هدف از تحقیق حاضر، تعیین کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور با استفاده از مدل BCC بود. تحقیق حاضر از منظر پارادایم از نوع تحقیقات فرائیبات، رویکرد کمی، از لحاظ هدف کاربردی و تکنیک مورد استفاده در تحقیق تحلیل پوششی داده‌ها بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۱ هیئت کاراته فعال در استان‌های کشور و ابزار مورد استفاده پرسشنامه پنج‌ارزشی در قالب روش فازی بود.

نتایج تحقیق حاکی از آن بود که در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ خروجی «ورزش قهرمانی» نقش بیشتری در تعیین میزان کارایی هیئت‌ها داشته است. در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز خروجی «ورزش همگانی» نقش بیشتری در میزان کارایی هیئت‌ها داشت. با حذف این خروجی‌ها میانگین کارایی هیئت‌ها با کاهش بیشتری مواجه شده است. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین خروجی‌های هیئت‌ها با میزان کارایی BCC هیئت‌ها ارتباط معنی‌دار وجود داشت.

پیشنهاد می‌شود که مدیران و متصدیان هیئت‌های استانی کاراته کشور با تلاش در جهت ارتقای میزان بودجه خود از طریق کسب اعتبارات دولتی و نیز جذب حامیان مالی، میزان بودجه سازمان تحت امر خود را ارتقا بخشند و بر کارایی آن بیفزایند. همچنین، با جذب و آموزش کارکنان، مربیان، داوران و سایر منابع انسانی توانمند، کارایی خود را افزایش دهند. در نهایت، تعامل مناسب آن‌ها با ادارات ورزش و جوانان استان متبوع و نیز فدراسیون کاراته می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سرانه ورزشی مربوط به این رشته گردد.

واژگان کلیدی: کارایی، تحلیل پوششی داده‌ها، الگوی BCC، ورزش قهرمانی و بودجه.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mohammadhami@yahoo.com

۳ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

مقدمه

امروزه روش‌های زیادی برای ارزیابی کارایی وجود دارد. ارزیابی عملکرد و کارایی سازمان‌های ورزشی علاوه بر اینکه وضعیت سازمان را از لحاظ رفاهی بهبود می‌بخشد، منجر به موفقیت سازمان‌های ورزشی می‌شود و سازمان را از لحاظ درآمدی و اقتصادی نیز در مسیر توسعه قرار می‌دهد (اسکاربالیوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). کارایی یک مفهوم مدیریتی است که سابقه طولانی در علم مدیریت دارد (وایتزل^۲، ۲۰۰۲) و نشان می‌دهد که سازمان چگونه از منابع خود در راستای تولید نسبت به بهترین عملکرد در مقطعی از زمان استفاده کرده است (پیرس^۳، ۱۹۹۶). کارایی یکی از شاخص‌های کلیدی ارزیابی عملکرد است که در نتیجه ارزیابی مستمر واحدها، قابل سنجش خواهد بود (زبرانک^۴، ۲۰۱۳). مفهوم کارایی بسته به اطلاعاتی که واحد خاص به آن نیاز دارد و نوع فعالیتی که در آن مشغول است، می‌تواند به روش‌های مختلفی تعریف شود (ناوراک^۵، ۲۰۱۵). در گذشته روش‌های سنتی بسیاری برای سنجش کارایی وجود داشته است که عمدتاً بسیار وقت‌گیر و غیرقابل اتکا بوده است. بنابراین روش‌های غیرپارامتریکی در قرن حاضر رواج پیدا کرد که از آن به عنوان «تحلیل پوششی داده‌ها» یاد می‌شود- این روش یک روش تخمین ریاضی محسوب می‌گردد (استولا^۶، ۲۰۱۱). مدل‌های بسیاری برای ارزیابی کارایی سازمان وجود دارند که باید یکی از آنها را برای سنجش کارایی سازمان‌ها استفاده کرد (نواک و ماتوزکی^۷، ۲۰۱۴). در مقایسه بین همه روش‌ها، تجزیه و تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) برای سازماندهی و تجزیه و تحلیل داده‌ها بهترین روش است. بنابراین DEA بیش از سایر ابزارها در ارزیابی کارایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان یک روش مناسب برای مقایسه واحدهای تصمیم‌گیری در نظر گرفته می‌شود (آجالی و صفری، ۲۰۱۲، ویو و همکاران^۸، ۲۰۰۶). DEA یکی از تکنیک‌های قدرتمند مدیریتی است که ابزاری در اختیار مدیران قرار می‌دهد تا بتوانند به وسیله آن عملکرد شرکت خود را در قبال سایر رقبا محک بزنند و براساس نتایج آن

1 Skarbalius

2 Witzel

3 Pierce

4 zbranek

5 Nawrocki

6 Stola

7 Nowak, K., & Matuszyk

8 Wu et al.

برای آینده ای بهتر تصمیم گیری کنند (مزا و همکاران^۱، ۲۰۱۵). تحلیل پوششی داده ها یک رویکرد "جهت گیری داده" برای ارزیابی عملکرد مجموعه ای از واحدها به نام DMUs است که چندین ورودی را به چندین خروجی تبدیل می کند (کوپر و همکاران^۲، ۲۰۱۱). عمده تحقیقات مربوط به کارایی، به بهبود وضعیت اقتصادی و منابع در سازمان ها اشاره دارند (کاپیگا^۳، ۲۰۰۹). تجزیه و تحلیل منابع یک سازمان به روش تحلیل پوششی داده ها، چشم اندازی را برای سازمان ها تدوین می کند که سازمان ها نسبت به معایب و مزایای خود مقایسه درستی را داشته باشند (الساید و شابان^۴، ۲۰۱۷). یکی از مدل هایی که توسط چارنز و همکاران برای روش DEA معرفی شده، مدل BCC می باشد. مدل های BCC امکان بازگشت به ارزیابی های مقیاس را ممکن می سازند. بنابراین، مدل BCC به «متغیر بازگشت به مقیاس» (VRS) نیز گفته می شود و از مدل CCR متمایز می گردد که از آن به عنوان «مدل بازگشت به مقیاس» (CRS) استفاده می شود. (شریفی و رضاییان، ۲۰۱۶). این مدل زمانی مناسب است که کلیه واحدها در مقیاس بهینه کار می کنند و راندمان فنی را اندازه می گیرند که هم کارایی فنی و هم مقیاس خالص را شامل می شود (امین^۵، ۲۰۱۷). بازده فنی خالص بازده در تبدیل ورودی به خروجی را نشان می دهد در حالی که راندمان مقیاس بیانگر این است که آیا DMU در اندازه مطلوب خود کار می کند؛ به طوری که هرگونه تغییر در اندازه آن باعث می شود واحد کمتر شود (امروز نژاد و یانگ^۶، ۲۰۱۸). ارزش تقسیم مقیاس با تقسیم بازده ناخالص با راندمان فنی به دست می آید. با این حال، محدودیت های خاص ممکن است باعث شود DMU ها به دور از مقیاس بهینه کار کنند. منظور از واحدهای تصمیم گیرنده عبارت است از: یک واحد سازمانی یا یک سازمان مجزا که توسط فردی به نام «مسئول» یا «رئیس» یا «مدیر» اداره می شود به شرط آنکه این سازمان یا واحد سازمانی دارای فرایند سیستمی باشد؛ یعنی تعدادی عوامل تولید در آن واحد اداره می شود. این سازمان یا واحد سازمانی، به شرط آنکه سازمانی به کار گرفته شوند تا تعدادی محصول به دست آید (زارعی محمودآبادی و رضوی، ۲۰۱۹). ورزش از نظر ارزیابی و ارزیابی عملکرد همواره مورد توجه جدی قرار گرفته و تیم ها، بازیکنان، باشگاه ها و سازمان های ورزشی با روش های مختلف رتبه بندی و ارزیابی می شوند. در عین حال ورزش اصول دنیای تجارت را کپی کرده و از جنبه های

1 Meza et al.

2 Cooper et al.

3 Capiga

4 Elsayed, A., & Shabaan

5 Amin

6 emrouznejad, A. & Yang

مختلف مانند بازیکنان، مربیان، مدیران و سرپرستان مدام حقوق می‌گیرند. بازی‌ها و ورزش‌ها به محصولات برند تبدیل شده‌اند، هواداران مشتری و وابستگی خود را به ورزش نشان می‌دهند و بخش خصوصی در ورزش تاسیس شده است که به تابه‌ای از اقتصاد ورزشی تبدیل می‌شود (باهات و همکاران^۱، ۲۰۱۹). ماهیت‌های متغیر ورزش را می‌توان در هیئت‌های ورزشی از طریق فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند مشاهده کرد (گیرگینف و ساندانسکی^۲، ۲۰۰۸). هیئت‌های ورزشی در واقع محلی برای مشارکت ورزشکاران در سیاست‌گذاری‌های ورزش ملی نیز محسوب می‌شوند (بلوت و همکاران^۳، ۲۰۱۶). فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی نه تنها متولی سیاست‌ها، قوانین و مقررات ورزشی خود هستند، بلکه فعالیت‌های تجاری از جمله رویدادهای مهم ورزشی و قراردادهای تجاری را نیز مدیریت می‌کنند (کلوژن و بایل^۴، ۲۰۱۷). سادگی فهم و اجرای DEA و در کنار آن دقت بالا و کاربرد وسیع آن در زمینه‌های مختلف باعث شده است پژوهشگران زیادی از این روش برای دست یافتن به اهداف خود استفاده کنند (آدونسی و همکاران^۵، ۲۰۰۹). برای بازی‌های المپیک آتن دو نوع رتبه‌بندی توسط دو ملو، مزا و داسیلوا^۵ (۲۰۰۸) مشخص شد. در مرحله اول آنها هر رشته ورزشی را به طور مستقل و در مرحله دوم، اهمیت هر ورزش را با توجه به تعداد ملل شرکت‌کننده در هر رویداد اندازه‌گیری کردند. راندمان مدیریتی ۸ تیم بیس بال کره‌ای توسط کانگ، لی و سیهونگ^۶ (۲۰۰۷) برای فصل ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار گرفت. آنها نتیجه گرفتند که در بین تیم‌های بیس بال کره کسری مالی و عدم حضور هواداران وجود دارد. نتایج تحقیق رادوانوویچ و همکاران^۷ (۲۰۱۳) نشان داد که تمام بازیکنان NBA در محدوده کارایی از ۷۰ درصد الی ۱۱۶ درصد قرار داشتند و ۷ بازیکن دارای نمره کارایی بیش از ۱۰۰ درصد بودند که بازده واقعی را نشان می‌دادند. لوئیس، لاک و سکستون^۸ (۲۰۰۹) در تحقیقی با استفاده از روش DEA نشان دادند که کارایی نقش مهمی را برای حضور تیم‌ها در MLB بازی می‌کند. نتایج تحقیق میچل و ولز^۹ (۲۰۱۲) نشان داد که حدود یک سوم اعضای حاضر HOF باید توسط بازیکنان شایسته‌تری حذف شوند. علاوه بر این، برای درج بازیکنان در

1 Bhat et al.

2 Girginoy, & Sandanski

3 Belot et al.

4 Clausen & Bayle

5 de Mello, Meza and da Silva

6 Kang & Lee & Sihyeong

7 Radovanovic

8 Lewis & Lock & Sexton

9 Miceli & Volz

HOF، حداقل درصد آرا باید ۸۱ درصد باشد. لی و همکاران^۱ (۲۰۱۵) با استفاده از دو مرحله DEA، عملکرد ۸۵ کشور را که حداقل ۱ مدال در بازی های المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن کسب کرده اند ارزیابی نمودند (لی و همکاران، ۲۰۱۵). راندمان اقتصادی ۴۸ باشگاه اروپایی توسط پیاتونین^۲ و همکاران (۲۰۱۶) بررسی شد و نتایج نشان داد که ثروتمندترین باشگاه ها به دلیل دسترسی به همه مسابقات و منابع درآمد، کارآمدتر بودند. باهات^۳ (۲۰۱۹) اظهار داشت که DEA بهترین شیوه برای ارزیابی کارایی در ورزش است و جهت و مسیر بهبود کارها را برای سازمان های ورزشی به ارمغان می آورد (باهات و همکاران، ۲۰۱۹).

از آنجا که هیئت های کاراته استان های کشور هم سازمان هایی خدماتی به شمار می روند، تعیین شاخص های کارایی و اندازه گیری کارایی آن ها به دلیل تنوع فعالیت ها و گستردگی مخاطبان آنها از اهمیت و پیچیدگی فراوانی برخوردار است. با توجه به این که کاراته کشورمان حاصل دسترنج استان های کشور و هیئت های کاراته استانی است، ضرورت این تحقیق در آن است که استان های کارا و ناکارا را مشخص می نماید و فدراسیون کاراته را در جهت تخصیص منابع مالی و انسانی به هیئت های تابعه یاری می رساند.

اهمیت و ضرورت ارزیابی عملکرد هیئت های کاراته استان ها و استفاده از بازتاب و تأثیرات ناشی از فعالیت های انجام شده هنگامی بیشتر می شود که برنامه ریزی راهبردی و عملکرد مبتنی بر اهداف و سیاست های کلان در زمینه ورزش کاراته در کشور مورد توجه باشد. بررسی عملکرد هیئت های کاراته استان ها به روش علمی تحلیل پوششی داده ها می تواند به مدیران وزارت ورزش و جوانان و روسای فدراسیون کاراته در تخصیص صحیح منابع و امکانات به هیئت های استانی کمک کند و هیئت های استانی موفق و ناموفق در استفاده از منابع اختصاص داده شده را مشخص نماید. مقایسه وضعیت هر هیئت استانی با سایر هیئت های استان ها می تواند باعث ایجاد رقابت سالم بین این هیئت ها شود. همچنین بررسی رابطه بین میزان کارایی هیئت های کاراته استان ها با سایر متغیرهای مرتبط با این هیئت ها مانند بودجه و ... و بررسی تفاوت های موجود در میزان کارایی هیئت ها می تواند به شناخت بهتر علل کارآمدی هیئت های استانی کارا و ناکارآمدی احتمالی هیئت های کاراته استان ها کمک نماید. با توجه به نقش مهم هیئت های کاراته استان ها در توسعه و گسترش ورزش کاراته در سطح کشور و توجه به این نکته که استفاده صحیح و کارآمد آنها از منابع اختصاص داده شده از اهمیت به سزایی برخوردار است، در این پژوهش بر اساس

1 Li et al.

2 Pyatunin

3 Bhat

رسالت و اهداف هیئت‌های کاراته استان‌ها، ابتدا شاخص‌های اندازه‌گیری کارایی هیئت‌های کاراته استان‌ها مشخص شد و سپس با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی هیئت‌های کاراته استان‌ها مورد بررسی قرار گرفت. هیئت‌های کاراته استان‌ها از چندین ورودی استفاده می‌کنند و فعالیت‌های مختلفی را به عنوان خدمات ورزشی و فعالیت‌های بدنی به جامعه ارائه می‌نمایند. از این رو، پژوهشگر قصد دارد به سوال‌های زیر پاسخ دهد:

شاخص‌های ورودی و خروجی اندازه‌گیری کارایی هیئت‌های کاراته استان‌ها کدام‌اند؟
آیا هیئت‌های کاراته استان‌ها به صورت کارآمد عمل می‌کنند و میزان کارایی این هیئت‌ها چه اندازه است؟
رتبه هیئت‌های کاراته استان‌ها از نظر میزان کارایی چگونه است؟
مطلوب‌ترین (تأثیرگذارترین) ورودی‌ها و خروجی‌های هیئت‌های کاراته استان‌های کشور کدام‌اند؟
آیا بین ورودی‌ها و خروجی‌های هیئت‌های کاراته استان‌ها با میزان کارایی آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

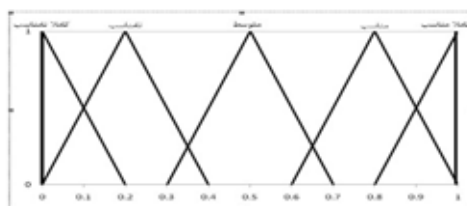
هدف از این تحقیق، تجزیه و تحلیل پوششی داده‌ها با استفاده از مدل BCC به منظور ارزیابی کارایی هیئت‌های کاراته فعال در کشور بود. تحقیق حاضر از منظر پارادایم از نوع تحقیقات فرائیبات و رویکرد تحقیق کمی است. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و تکنیک مورد استفاده در تحقیق تحلیل پوششی داده‌هاست. نوع فرضیات در این تحقیق به صورت توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۱ هیئت کاراته فعال در کشور بود که داده‌های لازم از طریق روسای هیئت‌ها جمع‌آوری شد. با توجه به هدف پژوهش، داده‌های مربوط به فعالیت‌های هیئت‌های کاراته فعال در کشور در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ جمع‌آوری شد که تعداد نمونه با گستره جامعه برابر بود. ابزار مورد استفاده در این تحقیق که در واقع شاخص‌های ورودی‌ها (ماهیت هزینه) و خروجی داده‌ها (ماهیت تولید) بودند، در قالب پرسشنامه پنج ارزشی و روش فازی مورد ارزیابی قرار گرفت. گویه‌ها و مولفه‌های پرسشنامه تحقیق با مراجعه به شرح وظایف، ورودی‌ها و خروجی‌های هیئت‌ها استخراج گردید و پس از تایید روایی محتوایی و ظاهری در قالب فرم‌های CVI و CVR توسط گروه کانونی تحقیق شامل اساتید راهنما و مشاور و دو تن از اساتید حوزه مدیریت ورزشی مورد تایید قرار گرفت. در نهایت این کارشناسان شامل ۱۰ تن از روسای هیئت‌های کاراته و هیئت‌های استانی، ۱۰ تن از مربیان بین‌المللی در کشور و ۱۰ تن از قهرمانان ورزشی کشور (که

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC



شکل ۱: فازی زدایی میانگین فازی (بوجدزیف، ۱۳۸۱).

همگی دارای تحصیلات و تجارب در زمینه مدیریت ورزشی بودند) نسبت به اهمیت هر کدام از شاخص های ورودی و خروجی اظهار نظر کردند؛ بدین صورت که در این پرسش نامه از کارشناسان خواسته شد تا شاخصی را که به نظر آنها مهم بوده و در پرسشنامه نیامده را بیان کنند. یافته های حاصل از این پرسشنامه با استفاده از طیف ۵ مقیاسی فازی در بازه ۰-۱ و روش میانگین فازی بوجدزیف تحلیل شد (شکل ۱).



شکل ۲: طیف ۵ مقیاسی فازی در بازه {۰-۱} (کاهرامان، ۲۰۰۷)

پس از انجام مطالعات میدانی و کتابخانه ای برای شناسایی کلی شاخص های مورد نیاز اندازه گیری کارایی هیئت های کاراته استان های کشور، به منظور تعیین شاخص های ورودی و خروجی اندازه گیری کارایی هیئت های کاراته استان های کشور، از نظرات ۳۰ نفر از متخصصان و صاحب نظران رشته کاراته استفاده شد. به این منظور پرسشنامه تعیین شاخص های ورودی و خروجی پژوهش آماده شد و با نظر خواهی از این کارشناسان و تجزیه و تحلیل پرسشنامه، شاخص های ورودی و خروجی برای تعیین میزان کارایی هیئت های کاراته استان های کشور تعیین گردید. پس از انتخاب شاخص ها، چک لیست مربوط به جمع آوری داده های هیئت های کاراته استان های کشور آماده شد و پس از انجام هماهنگی های لازم و کسب مجوز از اداره کل ورزش و جوانان استان ها، برای هیئت های کاراته استان های کشور ارسال شد. سپس چک لیست های تکمیل شده توسط هیئت های کاراته استان های کشور برای استفاده در الگوی تحلیل پوششی اندازه گیری کارایی به کار رفت. ابتدا ارزش گذاری لازم برای متغیرهایی که دارای چند سطح بودند، انجام گرفت و سپس داده ها با استفاده از الگوی اساسی BCC در روش تحلیل پوششی داده ها (DEA) به منظور محاسبه میزان کارایی

هیئت‌های کاراته استان‌های کشور استفاده شد. الگوی BCC همانند الگوی CCR است، ولی در شکل پوششی آن محدودیت $\sum_{j=1}^n \lambda_j = 1$ به سایر محدودیت‌های الگوی CCR اضافه شد و در نتیجه در شکل مضربی آن نیز متغیرهای متناظر با آن محدودیت به الگو افزوده گردید. با توجه به قیود اضافه شده در الگوی BCC، کارایی حاصل در BCC بیشتر از کارایی در الگوی CCR می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت که کارایی CCR هیچوقت از کارایی BCC بیشتر نیست. لذا اگر یک واحد تصمیم‌گیرنده (DMU) در الگوی CCR کارا باشد، حتماً در الگوی BCC نیز کارا خواهد بود- اما عکس این موضوع صادق نیست (دانشور ۱۳۸۳).

پایایی پرسش‌نامه با استفاده از فرمول تعیین ضریب آلفای کرونباخ، 0.87 محاسبه گردید که نشان‌دهنده پایایی مناسب پرسشنامه بود. پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه با استفاده از روش فازی، ورودی‌ها و خروجی‌های مناسب (با میزان اهمیت بالاتر از 0.7) به منظور تعیین میزان کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور تعیین شدند. تعداد ورودی‌ها (۳ ورودی) و خروجی‌های (۶ خروجی) به کار رفته برای روش تحلیل پوششی داده‌ها با توجه به تعداد واحدهای تحت بررسی محدود شد و از قاعده زیر تبعیت می‌کرد. به همین دلیل عدد 0.7 انتخاب شد تا مناسب‌ترین شاخص‌ها در الگو به کار روند.

{ورودی‌ها + خروجی‌ها} * ۳ > تعداد DMU (واحد مورد بررسی)

{۳ + ۶} * ۳ > تعداد DMU (۳۱ استان)

$$27 > 31$$

از آنجا که برخی از ورودی‌ها و خروجی‌های به کار رفته در الگو دارای چند سطح بودند و ارزش هر سطح نسبت به سطح دیگر تفاوت داشت، پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور ارزش‌گذاری متغیرها از طیف‌های سه مقیاسی و پنج مقیاسی در بازه ۰ تا ۱۰ استفاده شد. طیف‌های فازی را در بازه‌های مختلف می‌توان به کاربرد؛ از جمله بازه ۰ تا ۱۰ که برای تحلیل نظرات کارشناسان استفاده شد (چن و هوانگ، ۱۹۹۲، کاهرامان، ۲۰۰۷) و همچنین بازه ۰ تا ۱۰ که در این بخش مورد استفاده قرار گرفت (یه، ۲۰۰۰). برای انجام این کار ابتدا از اعداد فازی میانگین گرفته شد. سپس هر کدام از این میانگین‌ها در داده‌های به دست آمده از هیئت‌های کاراته استان‌های کشور (مربوط به همان سطح) ضرب شد و سپس این اعداد با هم

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

جمع شد و عدد نهایی مربوط به هر کدام از ورودی ها و خروجی های پژوهش به دست آمد. جدول های ۱ و

۲، میانگین اعداد فازی طیف سه مقیاسی و پنج مقیاسی را در بازه ۰ تا ۱۰ نشان می دهند:

جدول ۱: طیف سه مقیاسی فازی در بازه ۰ تا ۱۰

سطح	عدد فازی	میانگین فازی
خیلی کم	(۰، ۰، ۳)	۱
کم	(۰، ۳، ۵)	۲/۶
متوسط	(۳، ۵، ۷)	۵
زیاد	(۵، ۷، ۱۰)	۷/۳
خیلی زیاد	(۷، ۱۰، ۱۰)	۹

جدول ۲: طیف پنج مقیاسی فازی در بازه ۰ تا ۱۰

سطح	عدد فازی	میانگین فازی
کم	(۰، ۰، ۳، ۴)	۱/۸
متوسط	(۲، ۵، ۸)	۵
زیاد	(۶، ۸، ۱۰، ۱۰)	۸/۳

در ادامه همچنین از الگوی رتبه بندی اندرسون و پیترسون^۱ (اندرسون ۱۹۹۳) در تحلیل پوششی

داده ها برای رتبه بندی هیئت های کاراته استان های کشور بهره گیری شد و برای تعیین تاثیرگذارترین و

مطلوب ترین ورودی و خروجی در میزان کارایی هیئت های کاراته از آزمون تحلیل حساسیت^۲ در DEA

استفاده گردید.^۳

یافته های پژوهش

پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه ها با استفاده از روش فازی، به منظور تعیین میزان کارایی هیئت ها،

ورودی ها و خروجی های مناسب با میزان اهمیت بالاتر از ۰/۷ انتخاب شدند. چون تعداد ورودی ها و خروجی -

های به کاررفته برای الگو با توجه به تعداد واحدهای تحت بررسی محدود می شود و باید از قاعده زیر تبعیت

1 Anderson & Peterson

2 Sensitivity Analysis

کند، به همین دلیل عدد ۰/۷ انتخاب شد تا مناسب ترین شاخص‌ها در الگو به کار روند. جدول ۳ نتایج حاصل از پاسخ به ۲۹ پرسشنامه مربوط به نظرات خبرگان در مورد ورودی‌ها و خروجی‌های مهم را نشان می‌دهد:

جدول ۳: ورودی‌ها و خروجی‌های مهم از دیدگاه خبرگان

میزان اهمیت	تعداد پاسخ‌ها با توجه به میزان اهمیت					شاخص‌های ورودی و خروجی
	کاملاً نامناسب	نامناسب	متوسط	مناسب	کاملاً مناسب	
۰/۸۶۲۷	۰	۱	۲	۵	۲۱	کارکنان
۰/۹۳۸۹	۰	۰	۰	۲	۲۷	بودجه
۰/۸۱۶۵	۰	۲	۳	۷	۱۷	سرايه ورزشی
۰/۸۶۳۲	۰	۱	۲	۷	۱۹	ورزش همگانی
۰/۸۸۹۱	۰	۱	۲	۴	۲۲	ورزش قهرمانی
۰/۵۱۶۰	۵	۵	۷	۷	۵	ورزش حرفه‌ای
۰/۴۳۴۴	۸	۵	۷	۸	۱	ورزش پرورشی
۰/۸۳۶۵	۰	۱	۱	۱۵	۱۲	آموزش ورزشی
۰/۷۳۲۰	۲	۳	۲	۱۱	۱۱	پژوهش ورزشی
۰/۸۴۹۰	۰	۱	۳	۷	۱۸	خروجی‌ها رویدادهای ورزشی
۰/۷۳۳۹	۱	۵	۲	۵	۱۶	هیئت‌های کاراته فعال

ضرایب اهمیت در شاخص‌های ورودی نشان می‌دهد که شاخص «بودجه» با ضریب اهمیت ۰/۹۳۸۹ مهمترین و پس از آن شاخص «کارکنان» با ضریب اهمیت ۰/۸۶۲۷ و شاخص «سرايه ورزشی» با ضریب اهمیت ۰/۸۱۶۵ قرار دارند. در مورد شاخص‌های ورودی «کارکنان»، «بودجه» و «سرايه ورزشی» باید توجه داشت که مولفه بیان‌کننده برای شاخص‌های ورودی در واقع خود همان شاخص بود. برای مثال، شاخص ورودی «کارکنان» با تعداد کارکنان مشخص می‌شد. به همین دلیل نیازی به بیان مولفه برای این شاخص‌ها نبود.

جدول ۴: میزان اهمیت مولفه‌های مربوط به خروجی‌ها از دیدگاه کارشناسان

تعداد پاسخ‌ها با توجه به میزان اهمیت

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

میزان اهمیت	کاملا نامناسب	نامناسب	متوسط	مناسب	کاملا مناسب	مؤلفه های مربوط به شاخص های خروجی
۰/۸۱۳۶	۰	۱	۴	۱۲	۱۲	زنان مشارکت کننده در ورزش همگانی کاراته
۰/۸۷۶۷	۰	۰	۰	۱۵	۱۴	مردان مشارکت کننده در ورزش همگانی کاراته
۰/۷۳۳۵	۰	۲	۶	۹	۱۱	تعداد ورزشکاران شرکت کننده در اردوهای تیم ملی کاراته
۰/۸۲۹۰	۰	۱	۴	۱۱	۱۳	تعداد ورزشکاران عضو تیم ملی کاراته
۰/۸۴۵۹	۰	۰	۴	۱۰	۱۵	مدال های کسب شده در سطح ملی
۰/۷۶۳۹	۰	۴	۳	۸	۱۴	مدال های کسب شده در سطح بین المللی
۰/۷۷۸۹	۱	۲	۳	۱۱	۱۲	برگزاری دوره های آموزش مربیگری کاراته
۰/۸۳۴۲	۰	۲	۳	۱۰	۱۴	تعداد نفرات اعزامی به دوره های مربیگری فدراسیون کاراته
۰/۸۰۳۶	۱	۱	۳	۱۱	۱۳	برگزاری دوره های آموزش داوری کاراته
۰/۷۷۸۹	۱	۲	۴	۰	۱۴	تعداد نفرات اعزامی به دوره های داوری فدراسیون کاراته
۰/۸۲۴۰	۱	۱	۲	۱۰	۱۵	برگزاری دوره های تخصصی ورزشی
۰/۷۹۶۵	۱	۱	۴	۹	۱۴	تعداد شرکت کنندگان در دوره های تخصصی
۰/۶۴۱۱	۳	۲	۹	۷	۸	حمایت و انجام طرح های تحقیقاتی در زمینه کاراته
۰/۵۷۲۳	۳	۵	۸	۸	۵	همایش های علمی برگزار شده در زمینه ورزش کاراته
۰/۸۶۵۸	۰	۰	۵	۴	۲۰	تعداد مسابقات کاراته برگزار شده در سطح استان
۰/۸۲۰۹	۰	۲	۴	۵	۱۸	میزبانی مسابقات داخلی کاراته در استان
۰/۷۴۵۴	۲	۳	۴	۵	۱۵	میزبانی مسابقات بین المللی کاراته در استان
۰/۸۴۵۹	۰	۱	۴	۵	۱۹	اعزام تیم های ورزشی استان به مسابقات داخلی
۰/۷۳۵۰	۱	۳	۴	۱۱	۱۰	اعزام تیم های ورزشی استان به رقابت های بین المللی
۰/۷۳۴۸	۱	۵	۳	۴	۱۶	نسبت هیئت های ورزشی کاراته فعال در سطح استان به تعداد شهرهای استان

جدول ۵: ورودی‌ها و خروجی‌های هیئت‌های کاراته استان‌های کشور و مولفه‌های بیان‌کننده آنها

متغیرهای پژوهش	مولفه‌های بیان‌کننده برای ورودی‌ها و خروجی‌ها	واحد
۱- کارکنان	جمع کارکنان هیئت کاراته استان و هیئت‌های شهرستان‌های تابعه	تعداد
۲- بودجه	جمع بودجه جاری، درآمدهای آزمون کمربند، فروش احکام، کلاس‌های آموزشی، حق شرکت در مسابقات	تومان
ورودی‌ها	جمع سرانه ورزشی سرپوشیده استان (متعلق به هیئت‌ها) و سرانه ورزشی سرپوشیده استان متعلق به ادارات ورزش و جوانان استان که هیئت‌ها از آن استفاده می‌کنند	متر مربع
۱- ورزش همگانی	جمع مردان و زنان مشارکت‌کننده در برنامه‌های ورزش همگانی کاراته ۱- ورزشکاران کاراته استان، شرکت‌کننده در اردوهای تیم ملی، ۲- ورزشکاران استان عضو تیم ملی، ۳- مدال‌های کسب شده ورزشکاران استان در مسابقات داخلی، ۴- مدال‌های کسب شده ورزشکاران استان در رقابت‌های بین‌المللی.	تعداد
۲- ورزش قهرمانی	ورزشکاران استان عضو تیم ملی، ۳- مدال‌های کسب شده ورزشکاران استان در مسابقات داخلی، ۴- مدال‌های کسب شده ورزشکاران استان در رقابت‌های بین‌المللی.	تعداد
۳- آموزش ورزشی	۱- آموزش مربیگری، ۲- آموزش داوری.	تعداد
خروجی‌ها	۱- دوره‌های تخصصی ورزشی، ۲- تعداد شرکت‌کنندگان در دوره‌های تخصصی	تعداد
۴- پژوهش ورزشی	۱- تعداد مسابقات استانی برگزار شده، ۲- میزبانی رقابت‌های کاراته داخلی و بین‌المللی، ۳- اعزام تیم‌های ورزشی استان به رقابت‌های کاراته داخلی و تورنمنت بین‌المللی	تعداد
۵- رویدادهای ورزشی	نسبت تعداد هیئت‌های ورزشی کاراته فعال در استان به تعداد شهرهای استان در پایان سال قبل	درصد
۶- هیئت‌های کاراته فعال		

در ادامه و به منظور فازی سازی ورودی‌ها و خروجی‌ها همانطور که در روش شناسی تحقیق گفته شد به ارزش‌گذاری ورودی‌های اول (کارکنان) و بودجه از سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ و ورودی سرانه ورزشی در این بازه پرداخته شد. همچنین به فازی‌سازی خروجی‌ها (ورزش همگانی، ورزش قهرمانی، آموزش ورزشی، پژوهش ورزشی و رویداد ورزشی) نیز مبادرت گردید. نتایج توصیفی مربوط به داده‌های ارزش-گذاری شده در جدول ۶ آمده است:

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

جدول ۶: میانگین داده های ارزش گذاری شده کل هیئت های کاراته استان ها در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸

کارکنان (تعداد)	بودجه (میلیون تومان)	سرنانه ورزشی (متر مربع)	ورزش همگانی (تعداد)	ورزش قهرمانی (تعداد)	آموزش ورزشی (تعداد)	پژوهش ورزشی (تعداد)	رویداد ورزشی (تعداد)	هیئت های کاراته فعال (درصد)
میانگین	۵۶/۹۹	۳۷/۶۳۹	۰/۶۷۸۹	۱۴۰۰/۱۵	۲۴۴/۵۲	۹۰/۹۲	۸۱/۲۹	۵۵۶۶/۴۹
انحراف	۱۲/۳۵	۸/۸۹	۰/۱۲۵۲	۲۲۶/۱۲	۴۴/۵۴	۱۸/۲۰	۵۲/۱۵	۲۰/۲۵
استاندارد								
میانگین	۴۱/۷۵	۲۸/۲۵۶	۰/۵۹۰۱	۷۷۶/۱۹	۸۷/۷۸	۶۱/۰۱	۷۴/۷۸	۵۳۲۲/۴۶
انحراف	۱۳/۲۶	۱۳/۷۹	۰/۱۳۳۹	۴۳۵/۱۸	۳۹/۱۵	۲۶/۹۶	۴۹/۱۸	۳۲۷۴/۵۶
استاندارد								
میانگین	۳۶/۶۷	۲۷/۶۸۲	۰/۶۰۵۹	۷۵۱/۵۸	۷۵/۷۵	۵۴/۳۷	۶۰/۰۵	۴۰۴۴/۹۲
انحراف	۱۰/۱۹	۱۴/۶۶	۰/۰۷۵۸	۳۷۵/۶۹	۴۱/۷۴	۲۴/۳۵	۴۷/۱۰	۱۲۸۹/۶۷
استاندارد								
میانگین	۳۹/۵۳	۳۴/۴۱۲	۰/۶۰۶۶	۷۵۲/۴۳	۸۵/۴۸	۵۵/۶۶	۶۳/۸۵	۴۶۶۵/۰۱
انحراف	۱۴/۱۸	۱۵/۸۷	۰/۰۸۹۶	۲۵۴/۴۹	۳۷/۱۳	۳۱/۶۷	۴۸/۴۰	۲۹۸۷/۴۱
استاندارد								
میانگین	۵۲/۳۱	۳۳/۱۰۶	۰/۵۹۷۴	۷۹۲/۰۰	۹۳/۹۲	۶۳/۶۹	۷۱/۳۸	۶۲۵۱/۱۲
انحراف	۱۶/۲۶	۱۴/۹۶	۰/۰۷۵۴	۳۶۱/۵۵	۴۰/۴۹	۲۰/۸۲	۵۰/۸۵	۳۱۶۲/۱۳
استاندارد								

در ادامه میانگین کل داده های ارزش گذاری شده هیئت های کاراته استان های کشور در فاصله

سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ در جدول ۷ آمده است:

جدول ۷: آمار توصیفی مربوط به میانگین کل داده‌های ارزش‌گذاری شده هیئت‌های کاراته استان‌های کشور در فاصله

سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۸

استان	کارکنان	بودجه	نمرانه ورزشی	ورزش همگانی	ورزش قهرمانی	آموزش ورزشی	پژوهش ورزشی	رویداد ورزشی	ورزش پروورشی
۱ آذربایجان شرقی	۳۶/۸	۳۵/۲۲۱	۰/۶۲۱۷	۹۰۲	۳۶/۱	۶۱/۳	۶۷	۵۲۱۷	۵۲/۹
۲ آذربایجان غربی	۴۲/۱	۳۲/۳۴۲	۰/۵۵۳۱	۸۹۵	۳۴/۷	۵۲/۱	۸۵	۵۹۱۵	۷۵/۱
۳ اردبیل	۳۵/۷	۲۲/۴۵۱	۰/۴۱۶۷	۴۴۰	۷/۶	۴۶/۷	۴۰	۴۱۱۷	۵۳/۵
۴ اصفهان	۸۶/۵	۵۰/۶۷۱	۰/۵۶۵۱	۲۱۱۲	۵۵/۱	۷۶/۱	۲۰۱	۶۲۱۹	۶۵/۷
۵ البرز	۴۸/۰	۳۹/۲۱۷	۰/۶۶۲۰	۶۸۹	۹۶/۹	۷۶/۴	۴۹	۵۳۲۲	۹۰/۰
۶ ایلام	۳۶/۵	۳۵/۴۳۰	۰/۴۲۷۵	۸۲۱	۳۱/۷	۵۱/۳	۶۶	۷۶۷۱	۴۷/۵
۷ بوشهر	۳۱/۳	۳۲/۵۳۱	۰/۵۱۰۰	۷۷۱	۳۲/۴	۴۵/۱	۴۵	۴۰۲۸	۶۶/۵
۸ تهران	۹۲/۳	۶۶/۲۱۳	۰/۶۱۶۲	۲۵۳۶	۳۰۵/۰	۲۰۷/۶	۳۷۵	۱۰۵۱۳	۷۶/۷
۹ چهارمحال و بختیاری	۳۲/۴	۲۱/۵۱۴	۰/۴۱۷۵	۴۷۱	۲۰/۰	۴۰/۱	۳۱	۲۱۰۳	۴۵/۱
۱۰ خراسان- جنوبی	۳۶/۱	۱۴/۰۱۰	۰/۵۶۹۱	۴۳۰	۹/۱	۶۰/۷	۴۹	۲۰۰۸	۶۲/۷
۱۱ خراسان- رضوی	۷۹/۷	۵۴/۹۵۶	۰/۷۰۵۰	۲۵۰۱	۲۸۵/۶	۲۰۰/۱	۵۵	۹۹۲۵	۸۶/۵
۱۲ خراسان- شمالی	۴۵/۹	۳۷/۴۱۵	۰/۷۱۶۲	۲۴۳۲	۲۰۹/۸	۷۵/۳	۴۰	۱۰۰۱۲	۹۵/۷
۱۳ خوزستان	۶۷/۶	۴۰/۱۷۲	۰/۶۷۱۲	۸۰۱	۲۶۶/۷	۶۳/۷	۷۲	۷۱۱۳	۶۱/۳
۱۴ زنجان	۴۱/۰	۳۵/۲۱۷	۰/۶۱۶۲	۷۵۲	۹۲/۹	۶۱/۴	۵۴	۵۱۱۷	۸۳/۰
۱۵ سمنان	۳۴/۸	۱۸/۵۶۸	۰/۵۲۷۹	۶۷۵	۶۱/۷	۵۹/۷	۴۸	۴۷۱۲	۷۹/۰
۱۶ سیستان و بلوچستان	۴۲/۱	۲۰/۴۸۱	۰/۳۱۸۲	۳۹۰	۱۶/۱	۴۱/۵	۱۹	۱۰۱۲	۴۱/۳

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

۱۷	فارس	۸۹/۲	۵۱/۴۲۶	۰/۸۳۲۲	۲۴۷۳	۲۵۳/۸	۱۰۲/۸	۳۴۰	۸۳۴۷	۷۰/۳
۱۸	قزوین	۳۰/۹	۳۷/۲۱۲	۰/۷۷۵۱	۶۳۵	۲۶۶/۷	۷۶/۹	۷۱	۶۳۱۲	۱۰۰
۱۹	قم	۲۸/۱	۹/۳۵۰	۰/۴۴۱۳	۲۱۲	۹۱/۳	۴۱/۷	۲۵	۲۱۲۷	۱۰۰
۲۰	کردستان	۳۶/۸	۲۲/۴۵۲	۰/۳۱۱۷	۵۵۷	۹۱/۷	۶۲/۹	۴۷	۵۲۱۲	۷۱/۷
۲۱	کرمان	۶۹/۲	۳۵/۳۶۱	۰/۵۱۱۳	۱۰۳۶	۷۷/۵	۸۵/۶	۶۲	۷۲۱۳	۷۶/۱
۲۲	کرمانشاه	۵۱/۰	۳۱/۸۳۵	۰/۵۴۳۲	۲۰۱۷	۸۱/۲	۷۲/۱	۲۵۲	۶۳۱۷	۷۲/۱
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲/۶	۲۰/۶۳۲	۰/۴۵۱۴	۳۱۳	۲۲/۵	۳۲/۹	۳۱	۱۰۲۰	۴۳/۷
۲۴	گلستان	۴۹/۶	۳۹/۳۱۲	۰/۶۱۶۷	۸۶۶	۲۱۷/۶	۷۲/۱	۹۲	۶۳۱۹	۸۱/۶
۲۵	گیلان	۷۲/۵	۴۲/۴۳۵	۰/۶۲۶۶	۹۱۲	۶۱/۳	۵۴/۹	۶۷	۵۷۲۸	۶۷/۱
۲۶	لرستان	۵۶/۷	۴۰/۶۵۰	۰/۶۹۱۲	۲۰۱۰	۱۰۹/۶	۴۷/۵	۵۴	۶۲۰۹	۷۳/۳
۲۷	مازندران	۷۲/۰	۲۶/۱۲۸	۰/۵۹۱۵	۹۴۶	۲۲۲/۷	۹۱/۳	۱۰۲	۸۵۷۸	۹۲/۷
۲۸	مرکزی	۳۵/۱	۳۱/۱۶۹	۰/۵۳۷۵	۵۱۷	۵۱/۳	۵۱/۹	۵۲	۵۱۷۵	۶۴/۳
۲۹	هرمزگان	۳۰/۲	۲۷/۲۲۰	۰/۵۴۹۱	۵۰۳	۴۱/۳	۴۷/۶	۴۱	۴۲۹۸	۴۲/۸
۳۰	همدان	۵۱/۲	۴۰/۵۶۲	۰/۶۲۶۱	۷۱۲	۶۲/۷	۵۲/۱	۴۵	۵۵۹۰	۷۹/۷
۳۱	یزد	۴۶/۷	۳۴/۶۲۷	۰/۵۷۳۲	۸۲۲	۷۷/۹	۷۷/۹	۶۹	۵۷۰۳	۶۲/۱
-	میانگین کل	۴۰/۴۵	۲۸/۲۱۹	۰/۵۶۰۹	۸۳۸/۶۷	۹۰/۲۹	۶۴/۷۳	۷/۸۷	۵۷۲/۰۰	۷/۳۵
-	انحراف استاندارد	۱۹/۹۰	۱۴/۷۴۱	۰/۱۱۵۳	۳۸۵/۸۰	۶۰/۶۱	۲۱/۳۴	۵/۶۴	۲۳۶/۱۴	۱/۰۶
								۹	۴	۸

«کارکنان» دارای میانگین ۴۰/۴۵ و انحراف استاندارد ۱۹/۹۰، «بودجه» دارای میانگین ۲۸/۲۱۹ میلیون تومان و انحراف استاندارد ۱۴/۷۴۱، «سرانه ورزشی» دارای میانگین ۰/۵۶۰۹ و انحراف استاندارد ۰/۱۱۵۳، «ورزش همگانی» دارای میانگین ۸۳۸/۶۷ و انحراف استاندارد ۳۸۵/۸۰، «ورزش قهرمانی» دارای میانگین ۹۰/۲۹ و انحراف استاندارد ۶۰/۶۱، «آموزش ورزشی» دارای میانگین ۶۴/۷۳ و انحراف استاندارد ۲۱/۳۴، «پژوهش ورزشی» دارای میانگین ۷۴/۸۷ و انحراف استاندارد ۵۹/۶۴، «رویداد ورزشی» دارای میانگین ۵۷۲۱/۰۰ و انحراف استاندارد ۲۳۶۴/۱۴، «هیئت های کاراته فعال» دارای میانگین ۷۰/۳۵ و انحراف استاندارد ۱۸/۰۶ بودند. برای پاسخگویی به این سوال از الگوی CCR خروجی محور در تحلیل پوششی داده ها استفاده شد. نتایج مربوط به میزان کارایی هیئت ها در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ در جدول ۸ آمده است:

جدول ۸: نتایج کارایی هیئت‌های کاراته استان‌ها بر اساس الگوی BCC در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸

استان	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
۱ آذربایجان شرقی	۰/۷۶۱۶	۰/۷۱۲۱	۰/۹۶۲۳	۰/۸۰۲۵	۰/۸۵۵۳
۲ آذربایجان غربی	۱	۰/۹۹۱۰	۱	۰/۹۱۱۶	۱
۳ اردبیل	۰/۶۱۱۶	۰/۵۸۱۲	۰/۶۸۲۰	۰/۶۸۱۲	۰/۷۰۷۷
۴ اصفهان	۱	۱	۱	۰/۹۸۳۲	۱
۵ البرز	۱	۱	۱	۱	۱
۶ ایلام	۱	۱	۱	۱	۱
۷ بوشهر	۰/۶۳۷۰	۰/۶۸۱۳	۰/۷۳۹۳	۰/۷۶۴۹	۰/۵۸۳۱
۸ تهران	۱	۱	۱	۱	۱
۹ چهارمحال و بختیاری	۰/۵۶۸۴	۰/۷۱۱۲	۰/۶۷۹۶	۰/۵۲۱۱	۰/۶۳۷۳
۱۰ خراسان جنوبی	۰/۵۱۳۷	۰/۴۷۷۰	۰/۵۳۲۷	۰/۵۵۸۹	۰/۵۰۱۸
۱۱ خراسان رضوی	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲ خراسان شمالی	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳ خوزستان	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴ زنجان	۰/۹۵۱۷	۱	۰/۷۸۷۸	۱	۰/۸۵۱۰
۱۵ سمنان	۰/۸۶۷۳	۰/۹۰۵۰	۰/۶۹۶۷	۰/۷۰۳۸	۰/۸۳۵۶
۱۶ سیستان و بلوچستان	۰/۴۶۳۶	۰/۴۳۱۸	۰/۵۲۳۴	۰/۴۴۰۳	۰/۵۱۹۲
۱۷ فارس	۱	۱	۱	۱	۱
۱۸ قزوین	۱	۱	۱	۱	۱
۱۹ قم	۰/۸۶۴۵	۰/۸۰۷۵	۰/۷۷۹۹	۱	۱
۲۰ کردستان	۰/۹۹۲۱	۰/۹۴۶۴	۱	۰/۷۹۱۸	۱
۲۱ کرمان	۰/۹۱۳۵	۰/۹۰۴۷	۰/۸۴۷۵	۱	۱
۲۲ کرمانشاه	۰/۹۸۰۱	۱	۱	۱	۱
۲۳ کهگیلویه و بویراحمد	۰/۴۶۴۴	۰/۴۸۰۷	۰/۴۷۱۴	۰/۵۲۸۷	۰/۶۳۰۴
۲۴ گلستان	۱	۱	۱	۰/۸۴۱۱	۱

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

۲۵	گیلان	۱	۱	۰/۷۲۳۰	۰/۹۹۱۰	۱
۲۶	لرستان	۱	۱	۰/۸۹۹۳	۱	۱
۲۷	مازندران	۱	۱	۰/۸۶۴۷	۱	۱
۲۸	مرکزی	۰/۹۸۲۶	۱	۰/۹۵۲۵	۱	۰/۹۲۹۶
۲۹	هرمزگان	۰/۵۲۰۴	۰/۵۶۴۶	۰/۵۰۳۴	۰/۴۸۸۸	۰/۵۲۵۹
۳۰	همدان	۱	۱	۰/۹۶۴۶	۰/۸۴۳۹	۱
۳۱	یزد	۱	۱	۰/۹۹۵۰	۰/۹۸۵۴	۱
-	میانگین	۰/۸۷۴۸	۰/۸۷۹۱	۰/۸۵۷۵	۰/۸۶۵۹	۰/۸۹۲۲
-	انحراف استاندارد	۰/۲۰۸۶	۰/۲۰۶۵	۰/۱۹۱۴	۰/۲۰۱۹	۰/۱۹۲۰

نتایج مربوط به کارایی هیئت های کاراته استان های کشور بر اساس الگوی BCC در سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۸ نشان داد که هیئت های کاراته آذربایجان غربی، اصفهان، البرز، ایلام، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، فارس، قزوین، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان و مازندران در بیشتر سال ها از کارایی لازم برخوردار بودند. در ادامه به منظور رتبه بندی هیئت های کاراته استان های کشور از الگوی اندرسون - پیترسون استفاده گردید (جدول ۹).

جدول ۹: رتبه بندی هیئت های کاراته استان ها در سال ۱۳۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷ و ۹۸ بر اساس الگوی AP

رتبه	استان	نمره	استان	نمره	استان	نمره	استان	نمره	استان	نمره
۱	تهران	۷۵۵۰	خراسان	۳۳۳۹	خراسان	۴۵۴۲	فارس	۶۶۱۰	تهران	۹۷۲۸
		۲	رضوی	۲	رضوی	۳		۲		۴
۲	ایلام	۱۳۲۳	خراسان	۱۲۶۵	تهران	۷۹۸۵	تهران	۵۱۳۰	خراسان	۹۳۷۹
		۲	شمالی	۲		۲		۲	شمالی	۳
۳	خراسان	۹۲۰۹	تهران	۹۷۴۱	اصفهان	۶۱۰۵	خراسان	۹۴۳۰	خراسان	۳۵۶۶
	شمالی	۱		۱		۲	رضوی	۱	رضوی	۲
۴	خوزستان	۳۳۸۴	فارس	۹۴۲۷	فارس	۹۷۳۴	خراسان	۵۱۲۸	فارس	۹۱۳۸
		۱		۱		۱	شمالی	۱		۱
۵	فارس	۱۸۱۲	قزوین	۸۹۲۵	لرستان	۹۲۲۸	مازندران	۱۶۱۵	مازندران	۵۰۷۸
		۱		۱		۱		۱		۱

۴۱۰۷/	خوزستان	۱۰۴۵/	لرستان	۸۹۰۲/	یزد	۶۰۳۲/	کردستان	۱	مازندران	۶
۱		۱		۱		۱				
۳۹۲۵/	قزوین	۱	خوزستان	۸۶۲۶/	گلستان	۵۶۶۰/	البرز	۱	لرستان	۷
۱				۱		۱				
۳۶۲۹/	کردستان	۱	قزوین	۷۳۵۴/	قزوین	۳۷۴۱/	کرمانشاه	۱	گلستان	۸
۱				۱		۱				
۲۰۲۹/	گیلان	۱	کرمانشاه	۳۳۹۱/	مازندران	۲۰۶۱/	خوزستان	۱	مرکزی	۹
۱				۱		۱				
۱۹۷۱/	گلستان	۱	کرمان	۲۴۵۳/	گیلان	۲۰۱۲/	اصفهان	۱	خراسان رضوی	۱۰
۱				۱		۱				
۱۷۲۱/	اصفهان	۱	البرز	۱۳۰۵/	خراسان شمالی	۱۲۳۵/	ایلام	۱	اصفهان	۱۱
۱				۱		۱				
۱۶۶۹/	ایلام	۱	ایلام	۱	خوزستان	۱۰۴۹/	آذربایجان غربی	۱	زنجان	۱۲
۱						۱				
۱۵۵۳/	قم	۱	قم	۱	البرز	۱	گلستان	۱	قزوین	۱۳
۱										
۱۱۲۶/	کرمان	۱	زنجان	۱	آذربایجان غربی	۱	یزد	۹۸۵۰/	کرمانشاه	۱۴
۱										
۱۰۹۴/	کرمانشاه	۱	مرکزی	۱	ایلام	۱	همدان	۹۵۴۶/	یزد	۱۵
۱										
	البرز	۹۸۱۰/	گیلان	۱	همدان	۱	آذربایجان شرقی	۹۵۲۳/	همدان	۱۶
	آذربایجان غربی	۹۷۵۴/	یزد	۹۹۲۱/	کردستان	۱	مرکزی	۹۴۲۵/	گیلان	۱۷
	همدان	۹۷۳۲/	اصفهان	۹۸۲۶/	مرکزی	۱	لرستان	۸۸۹۳/	البرز	۱۸
	لرستان	۹۰۱۶/	آذربایجان غربی	۹۸۰۱/	کرمانشاه	۹۹۰۰/	مازندران	۸۵۴۷/	آذربایجان غربی	۱۹
	یزد	۸۳۳۹/	همدان	۹۵۱۷/	زنجان	۹۳۶۴/	کرمان	۸۳۷۵/	کردستان	۲۰

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

۲۱	سمنان	۷۷۷۸	زنجان	۸۹۵۰	کرمان	۹۱۳۵	گلستان	۸۳۱۱	مرکزی	۹۱۹۶
۲۲	کرمان	۷۶۹۹	قم	۸۹۴۷	سمنان	۸۶۷۳	آذربایجا	۷۹۲۵	آذربایجا	۸۴۵۳
۲۳	قم	۷۲۹۳	بوشهر	۷۹۷۵	قم	۸۶۴۵	کردستان	۷۸۱۸	زنجان	۸۴۱۰
۲۴	آذربایجا	۷۱۳۰	گیلان	۷۰۲۱	آذربایجا	۷۶۱۶	بوشهر	۷۵۴۹	سمنان	۸۲۵۶
۲۵	چهارمحا ل و بختیاری	۶۸۶۷	سمنان	۷۰۱۲	بوشهر	۶۳۷۰	سمنان	۶۹۳۸	اردبیل	۶۹۷۷
۲۶	بوشهر	۶۷۲۰	اردبیل	۶۷۱۳	اردبیل	۶۱۱۶	اردبیل	۶۷۱۲	چهارمحا ل و بختیاری کهگیلویه	۶۲۷۳
۲۷	اردبیل	۶۶۹۶	چهارمحا ل و بختیاری	۵۷۱۲	چهارمحا ل و بختیاری	۵۶۸۴	خراسان جنوبی	۵۴۸۹	و بویراحمد	۶۲۰۴
۲۸	هرمزگان	۵۲۲۷	خراسان جنوبی	۵۵۴۶	هرمزگان	۵۲۰۴	و بویراحمد	۵۱۸۷	بوشهر	۵۷۳۱
۲۹	کهگیلویه و بویراحمد	۵۱۳۴	سیستان و بلوچست ان	۴۷۰۷	خراسان جنوبی	۵۱۳۷	چهارمحا ل و بختیاری	۵۱۱۱	هرمزگان	۵۱۵۹
۳۰	خراسان جنوبی	۴۹۳۴	هرمزگان	۴۶۷۰	و بویراحمد	۴۶۴۴	هرمزگان	۴۷۸۸	سیستان و بلوچست ان	۵۰۹۲

سیستان	کهرگیلویه	سیستان	سیستان	سیستان
و ۴۶۱۴	و ۴۲۱۸	و ۴۶۳۶	و ۴۳۰۳	خراسان ۴۹۱۸/
بلوچست	بويراحم	بلوچست	بلوچست	جنوبی
ان	د	ان	ان	

نتایج جدول ۹ نشان‌دهنده این است که در سال ۱۳۹۴ استان‌های تهران، ایلام، خراسان شمالی، در سال ۹۵ استان‌های خراسان رضوی، شمالی و تهران، در سال ۱۳۹۶ استان‌های خراسان رضوی، تهران و اصفهان، در سال ۱۳۹۷ استان‌های فارس، تهران و خراسان رضوی و در سال ۱۳۹۸ استان‌های تهران، خراسان شمالی و خراسان رضوی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را کسب کردند.

به منظور تعیین مطلوب‌ترین ورودی‌های مورد استفاده هیئت‌ها و مطلوب‌ترین خروجی‌هایی که توسط هیئت‌ها ارائه شده است، از آزمون‌های تحلیل حساسیت استفاده شد. نتایج مربوط به آزمون‌های تحلیل حساسیت ورودی‌ها و خروجی‌های هیئت‌های کاراته استان‌های کشور به منظور تعیین ورودی‌ها و خروجی‌هایی که نقش بیشتری در میزان کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور داشتند در جدول ۱۰ آمده است. در این جدول‌ها میزان کارایی هیئت‌های کاراته پس از حذف هر کدام از ورودی‌ها و خروجی‌ها آمده است:

جدول ۱۰: نتایج آزمون تحلیل حساسیت ورودی‌ها در الگوی BCC

۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
متغیر حذف شده	تعداد واحد ناکارا	تعداد واحد ناکارا	تعداد واحد ناکارا	تعداد واحد ناکارا
کارکنان	۱۶	۱۴	۲۰	۱۸
بودجه	۲۰	۱۹	۲۳	۲۲
سرانه ورزشی	۱۷	۱۶	۲۱	۲۰

در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ در الگوی BCC ورودی «بودجه»، نقش بیشتری در تعیین میزان کارایی هیئت‌ها داشته است. با حذف این ورودی میانگین کارایی هیئت‌ها با کاهش بیشتری مواجه شده است. در الگوی BCC این ورودی به عنوان تأثیرگذارترین ورودی در میزان کارایی هیئت‌ها محسوب می‌شود.

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

جدول ۱۱: نتایج آزمون تحلیل حساسیت خروجی ها در الگوی CCR

متغیر حذف شده	۱۳۹۴		۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸	
	ب.ب.ب.	تعداد واحد ناکارا	ب.ب.ب.	تعداد واحد ناکارا	ب.ب.ب.	تعداد واحد ناکارا	ب.ب.ب.	تعداد واحد ناکارا	ب.ب.ب.	تعداد واحد ناکارا
ورزش همگانی	۰/۸۴۳۱	۱۸	۰/۸۴۷۴	۱۶	۰/۸۲۵۸	۱۹	۰/۸۲۵۰	۲۱	۰/۸۵۱۳	۱۴
ورزش قهرمانی	۰/۸۳۳۹	۱۹	۰/۸۳۸۲	۱۷	۰/۸۱۶۶	۲۱	۰/۸۳۴۲	۲۰	۰/۸۶۰۵	۱۴
آموزش ورزشی	۰/۸۴۹۵	۱۸	۰/۸۵۳۸	۱۵	۰/۸۳۲۲	۱۹	۰/۸۴۰۶	۱۹	۰/۸۶۶۹	۱۳
پژوهش ورزشی	۰/۸۵۴۲	۱۵	۰/۸۵۸۵	۱۳	۰/۸۳۶۹	۱۸	۰/۸۴۵۳	۱۷	۰/۸۷۱۶	۱۱
رویداد ورزشی	۰/۸۴۷۴	۱۶	۰/۸۵۱۷	۱۵	۰/۸۳۰۱	۲۰	۰/۸۳۸۵	۱۹	۰/۸۶۴۸	۱۳
هیئت کاراته فعال	۰/۸۴۸۷	۱۷	۰/۸۵۳۰	۱۴	۰/۸۳۱۴	۲۰	۰/۸۳۹۸	۱۸	۰/۸۶۶۱	۱۲

در الگوی BCC در سال های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ خروجی «ورزش قهرمانی» نقش بیشتری در تعیین میزان کارایی هیئت ها داشته است. در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز خروجی «ورزش همگانی کاراته» نقش بیشتری در میزان کارایی هیئت ها داشت. با حذف این خروجی ها میانگین کارایی هیئت ها با کاهش بیشتری مواجه شده است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲: نتایج آزمون کالموگروف اسمیرنوف در مورد طبیعی بودن توزیع داده ها

شاخص آماری متغیرها	تعداد	آماره Z	سطح معنی داری
کارکنان	۳۱	۰/۹۷۲	۰/۳۰۱
بودجه	۳۱	۰/۷۲۰	۰/۶۷۹

۰/۹۴۶	۰/۵۲۵	۳۱	سرانه ورزشی
۰/۷۴۰	۰/۶۸۳	۳۱	ورزش همگانی
۰/۵۱۴	۰/۸۱۹	۳۱	ورزش قهرمانی
۰/۴۸۷	۰/۸۳۶	۳۱	آموزش ورزشی
۰/۰۵۴	۱/۵۶۶	۳۱	پژوهش ورزشی
۰/۶۵۹	۰/۷۳۱	۳۱	رویداد ورزشی
۰/۹۹۶	۰/۴۱۱	۳۱	هیئت کاراته فعال
۰/۰۷۰	۱/۲۴۹	۳۱	میانگین نمرات BCC

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که میانگین داده‌های ارزش‌گذاری شده هیئت‌ها در طول پنج سال از توزیع طبیعی برخوردار بود. بنابراین از آزمون همبستگی پیرسون به منظور تبیین ارتباط بین میانگین ورودی‌های هیئت‌ها با میانگین کارایی BCC این هیئت‌ها استفاده گردید (جدول ۱۳).

جدول ۱۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ورودی‌ها و میانگین کارایی CCR

شاخص آماری ورودی‌ها	تعداد	مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری
کارکنان	۳۱	۰/۶۳۹	۰/۰۰۲
بودجه	۳۱	۰/۷۴۲	۰/۰۰۰۱
سرانه ورزشی	۳۱	۰/۶۲۷	۰/۰۰۳

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین میانگین ورودی‌های هیئت‌ها با میانگین کارایی هیئت‌ها در الگوی BCC ارتباط معنی‌دار وجود داشت.

جدول ۱۴: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین خروجی‌ها و میانگین کارایی BCC

شاخص آماری خروجی‌ها	تعداد	مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری
ورزش همگانی	۳۱	۰/۷۲۵	۰/۰۰۰۱
ورزش قهرمانی	۳۱	۰/۷۸۲	۰/۰۰۰۱
آموزش ورزشی	۳۱	۰/۶۷۸	۰/۰۰۱
پژوهش ورزشی	۳۱	۰/۵۲۳	۰/۰۲۰
رویداد ورزشی	۳۱	۰/۸۶۶	۰/۰۰۰۱
هیئت کاراته فعال	۳۱	۰/۶۹۸	۰/۰۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین میانگین خروجی های هیئت ها با میانگین کارایی هیئت ها در الگوی BCC ارتباط معنی دار وجود داشت.

بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش پیرامون میزان کارایی هیئت های کاراته در الگوی BCC نشان داد که در هر سال و در هر الگو تعدادی از هیئت ها دارای کارایی برابر با یک و کامل برخوردار بودند. به منظور رتبه بندی هیئت های کاراته و تعیین کارآمدترین هیئت ها از الگوی پیشنهاد شده به وسیله اندرسون و پیترسون استفاده شد. نتایج به کارگیری الگوی اندرسون و پیترسون نشان داد که در سال ۱۳۹۴ هیئت کاراته استان خراسان رضوی در الگوی BCC با نمره ۳/۴۵۴۲ کارآمدترین هیئت کاراته استان های کشور و هیئت های کاراته استان های تهران با نمره ۲/۷۹۸۵ و اصفهان با نمره ۲/۶۱۰۵ در رتبه های دوم و سوم قرار داشتند. همچنین، در این سال هیئت های کاراته استان های خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد و سیستان و بلوچستان در پایین ترین رتبه ها قرار گرفتند. در سال ۱۳۹۵ هیئت کاراته استان خراسان رضوی در الگوی BCC با نمره ۲/۳۳۳۹ کارآمدترین هیئت کاراته استان های کشور و نیز هیئت های کاراته استان های ایلام با نمره ۲/۱۲۶۵ و خراسان شمالی با نمره ۱/۹۷۴۱ در رتبه های دوم و سوم قرار داشتند؛ در حالی که هیئت های کاراته استان های کهگیلویه و بویر احمد، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان در پایین ترین رتبه ها بودند. در ادامه مشخص شد که در سال ۱۳۹۶ هیئت کاراته استان تهران در الگوی BCC با نمره ۲/۷۵۵۰ کارآمدترین هیئت کاراته استان های کشور و هیئت های کاراته استان های ایلام با نمره ۲/۱۳۲۳ و خراسان شمالی با نمره ۱/۹۲۰۹ در رتبه های دوم و سوم قرار داشتند. در این سال، هیئت های کاراته استان های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کهگیلویه و بویر احمد در پایین ترین رتبه ها بودند. به همین ترتیب، نتایج به کارگیری الگوی اندرسون و پیترسون نشان داد که در سال ۱۳۹۷ در الگوی BCC هیئت کاراته استان فارس با نمره ۲/۶۶۱۰ کارآمدترین هیئت کاراته استان های کشور و هیئت های کاراته استان های تهران با نمره ۲/۵۱۳۰ و خراسان رضوی با نمره ۱/۹۴۳۰ در رتبه های دوم و سوم قرار گرفتند و هیئت های کاراته استان های چهارمحال و بختیاری، هرمزگان و سیستان و بلوچستان در پایین ترین رتبه ها بودند. در نهایت، در سال ۱۳۹۸ هیئت کاراته استان تهران در الگوی BCC با نمره ۴/۹۷۲۸ کارآمدترین هیئت کاراته و هیئت های کاراته استان های خراسان شمالی با نمره ۳/۹۳۷۹ و خراسان رضوی با نمره ۲/۳۵۶۶ در رتبه های دوم و سوم قرار داشتند، در حالی که هیئت های کاراته استان های هرمزگان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی در پایین ترین رتبه ها بودند. نتیجه به دست آمده با یافته تحقیق ادبی فیروزجاه (۱۳۹۱) بجز در مورد استان تهران، با نتایج تحقیق حاضر همخوانی ندارد.

باید توجه داشت که در تحقیق ادبی فیروز جاه (۱۳۹۱) اولاً کارایی ادارات کل ورزش و جوانان استان‌های کشور مورد بررسی قرار گرفته است و ثانیاً، تحقیق نام برده در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است که این موارد می‌تواند بر ناهمسویی آن را دلالت کند. به هر حال، در بیشتر رتبه‌بندی‌های انجام شده هیئت‌های کاراته استان‌های کشور، استان تهران و خراسان رضوی در رتبه‌های اول قرار داشتند که این امر می‌تواند از آنجا ناشی شود که اولاً شهر تهران به عنوان پایتخت ایران در استان تهران قرار داشته و فدراسیون کاراته نیز در آنجا مستقر است؛ ثانیاً، استان خراسان رضوی از قطب‌های کاراته کشور محسوب و بیشتر مسابقات، اردوهای تیم ملی، کلاس‌های برگزار شده برای ارتقای سطح مربیان و داوران و ... در این استان‌ها برگزار می‌گردد و این امر خود می‌تواند فرصت‌های بیشتری را برای همکاری و فعالیت بیشتر در اختیار هیئت کاراته استان‌های تهران و خراسان رضوی قرار دهد.

در بخش دیگر تحقیق، نتایج نشان‌دهنده تأثیرگذاری بیشتر متغیر ورودی «بودجه» بر کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور است که این امر باید مورد توجه فدراسیون کاراته و هیئت‌های استانی قرار بگیرد. همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، کارایی نشان می‌دهد که سازمان چگونه از منابع خود در راستای تولید نسبت به بهترین عملکرد در مقطعی از زمان استفاده کرده است (پیرس، ۱۹۹۶) و یکی از شاخص‌های کلیدی ارزیابی عملکرد است که در نتیجه ارزیابی مستمر واحدها، قابل سنجش خواهد بود (زیرانکا، ۲۰۱۳). بنابراین، از آنجا که ورودی «بودجه» نقش مهمی در کارایی هیئت‌های کاراته استان‌ها دارد، توجه بیشتر به این ورودی و تهیه بهتر و بیشتر منابع مالی و استفاده بهتر از «بودجه» می‌تواند کارایی هیئت‌ها را در ارائه خدمات ورزشی بهبود بخشد. هیئت‌های کاراته استان‌ها با برنامه‌ریزی برای کسب منابع مالی بیشتر و استفاده بهتر از بودجه ورزشی موجود هیئت می‌توانند نتیجه بهتری در زمینه کارایی به‌دست بیاورند. لذا به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی دقیق‌تر و بهتر به منظور فراهم نمودن منابع مالی از طریق بخش‌های خصوصی و دولتی موجب توسعه بیشتر ورزش کاراته در سطح استان‌های کشور می‌شود. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که خروجی «ورزش قهرمانی» تأثیرگذارترین خروجی در الگوی BCC در تعیین میزان کارایی هیئت‌های کاراته استان‌ها بود و پس از آن خروجی «ورزش همگانی» قرار داشت. از آنجا که یکی از مهم‌ترین اهداف هیئت‌های کاراته استان‌ها به تبعیت از فدراسیون ملی کاراته، معرفی قهرمانان رشته ورزشی مذکور بوده و همچنین، امروزه بحث ورزش قهرمانی بیش از سایر حوزه‌ها مد نظر مدیران قرار گرفته و لذا این مدیران اغلب موفقیت خود را در گرو تعداد قهرمانان ورزشی و مدال‌های کسب‌شده در رقابت‌های مختلف ملی و بین‌المللی می‌بینند، لذا منطقی است که خروجی «ورزش قهرمانی» تأثیرگذارترین خروجی در الگوی BCC

ارزیابی و رتبه بندی کارایی هیئت های کاراته استان های کشور با استفاده از الگوی BCC

در تعیین میزان کارایی هیئت های کاراته استان ها باشد. حال آنکه برخی از هیئت های کاراته استان ها توجه کمتری نسبت به امر پژوهش و برگزاری دوره های تخصصی ورزشی در سطح استان از خود نشان دادند که این امر در نهایت موجب شد- که در نتیجه بررسی کلی، خروجی «پژوهش ورزشی» به عنوان کم اثرترین خروجی در میزان کارایی هیئت های کاراته استان های کشور شناخته شود. این امر شاید به این دلیل باشد که روسای هیئت ها و مربیان استان ها، دوره های تخصصی ورزشی را لازمه پیشرفت کاراته استان های کشور نمی دانند، بلکه همانطور که پیشتر نیز بیان شد، ملاک موفقیت خود را در معرفی قهرمانان ورزشی و ملی می بینند؛ در صورتی که آگاهی مربیان و ورزشکاران کاراته از مسائل علمی ورزشی در زمینه های تغذیه ورزشی، فیزیولوژی ورزشی، علم تمرین، مدیریت ورزشی، آناتومی، حرکات اصلاحی و ... می تواند کمک شایانی به پیشرفت ورزشکاران و در نتیجه بالا بردن کارایی هیئت ها نماید.

یافته های پژوهش در مورد ارتباط بین میانگین ورودی های مورد استفاده هیئت ها یعنی، «کارکنان»، «بودجه» و «سرانه ورزشی» با میانگین کارایی در الگوی BCC نشان داد که بین میانگین تمامی ورودی ها با میانگین کارایی BCC ارتباط مستقیم وجود داشت. نتیجه به دست آمده با یافته تحقیق ادبی فیروزجاه (۱۳۹۱) ناهمسو بود که این ناهمسوئی می تواند ناشی از جوامع مختلف تحقیق و نیز سال انجام این تحقیق باشد. در توضیح این ناهمسوئی باید توجه داشت که در سال های اخیر، استفاده از منابع انسانی متخصص، علمی و تحصیل کرده بیش از سال های ابتدایی دهه ۹۰ بوده است که این موضوع می تواند نتیجه تحقیق ادبی فیروزجاه (۱۳۹۱) مبنی بر ارتباط معکوس بین ورودی «کارکنان» با میانگین کارایی BCC ادارات کل ورزش و جوانان کشور را توجیه نماید. همچنین، باید توجه داشت که ملاک ارزیابی کارایی هیئت های ورزشی با ملاک ارزیابی کارایی ادارات ورزش و جوانان متفاوت است که این امر نیز می تواند ناهمسوئی موجود را توجیه نماید. به هر حال، از بین ورودی های الگوی BCC، ورودی «بودجه» با ضریب همبستگی ۰/۷۴۲ بیشترین میزان ارتباط را با کارایی BCC داشت؛ این امر بدان معنی است که افزایش مقدار بودجه هیئت ها با افزایش میزان کارایی در الگوی BCC همراه است و لذا استان هایی که از بودجه بیشتری برخوردار بودند، دارای کارایی کلی بیشتری نیز بودند. همچنین، ارتباط معنادار بین میانگین ورودی های سرانه ورزشی و کارکنان با میانگین کارایی در الگوی BCC از این فرض حمایت می کند که افزایش و یا کاهش در ورودی های سرانه ورزشی و کارکنان هیئت ها با افزایش و یا کاهش در میزان کارایی هیئت ها در الگوی BCC همراه است که این موضوع نیز امری منطقی است، چرا که کارکنان یا منابع انسانی هیئت های ورزشی از جمله مربیان و داوران کاراته به عنوان مهم ترین منابع این سازمان ها، اهمیت بسزایی در کارایی هیئت های کاراته دارند و از طرف

دیگر، میزان سرانه ورزشی می‌تواند زمینه ساز فعالیت هرچه بیشتر مردم در فعالیتهای ورزشی از جمله کاراته باشد. لذا انتظار می‌رود با افزایش سرانه ورزشی هر استانی، میزان ورزشکاران از جمله کاراته‌کاهای نیز در آن استان‌ها افزایش یابد که طبیعتاً با افزایش تعداد ورزشکاران در یک رشته ورزشی همچون کاراته، احتمال کشف و معرفی قهرمانان ورزشی آن نیز افزایش خواهد یافت.

در نهایت، یافته‌های مربوط به ارتباط بین میانگین خروجی‌های هیئت‌های کاراته با میانگین کارایی آنها در الگوی BCC نشان داد که بین خروجی‌های «ورزش همگانی»، «ورزش قهرمانی»، «آموزش ورزشی»، «پژوهش ورزشی»، «رویدادهای ورزشی» و «هیئت کاراته فعال» با کارایی هیئت‌های کاراته در الگوی BCC ارتباط معنی دار وجود دارد. لذا این نتیجه از این فرض حمایت می‌کند که افزایش یا کاهش خروجی‌های «ورزش همگانی»، «ورزش قهرمانی»، «آموزش ورزشی»، «پژوهش ورزشی»، «رویدادهای ورزشی» و «هیئت کاراته فعال» هیئت‌ها با افزایش یا کاهش کارایی این هیئت‌ها همراه است که این موضوع امری منطقی به نظر می‌رسد، چرا که با افزایش کارایی یک هیئت ورزشی، انتظار ارتقای وضعیت خروجی‌های آن همچون «ورزش همگانی»، «ورزش قهرمانی»، «آموزش ورزشی»، «پژوهش ورزشی»، «رویدادهای ورزشی» و «هیئت کاراته فعال» امری بدیهی و قابل انتظار است. حال آنکه، بیشترین میزان این ارتباط بین خروجی‌های «رویدادهای ورزشی» و «ورزش قهرمانی» با میزان کارایی BCC وجود داشت؛ این بدان معنی است که هیئت‌های کاراته استان‌هایی که کارایی بالاتری دارند، درصد بیشتری از مردم در برنامه‌های ورزش همگانی کاراته شرکت می‌کنند، رویداد ورزشی بیشتری در زمینه ورزش کاراته را در استان خود برگزار می‌کنند و در نهایت، در امر قهرمان پروری و کسب مدال در مسابقات داخلی و بین المللی نتایج بهتری کسب می‌نمایند. در یک نتیجه گیری کلی، می‌توان گفت که سه عامل بودجه، کارکنان (منابع انسانی) و سرانه ورزشی به عنوان ورودی‌های اصلی کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور می‌توانند نقش بسزایی در کارایی این هیئت‌ها داشته باشند و خروجی‌هایی نظیر «ورزش همگانی»، «ورزش قهرمانی»، «آموزش ورزشی»، «پژوهش ورزشی»، «رویدادهای ورزشی» و «هیئت کاراته فعال» را برای آن‌ها به ارمغان بیاورند. نتیجه به دست آمده نیز مویید این موضوع بود که هیئت‌های استانی دارای ورودی‌های بهتر از کارایی بالاتری برخوردار بودند و همچنین، هیئت‌های کاراته کارآتر خروجی‌های بهتری داشتند. لذا پیشنهاد می‌شود که مدیران و متصدیان هیئت‌های استانی کاراته کشور با تلاش در جهت ارتقای میزان بودجه خود از طریق کسب اعتبارات دولتی و نیز جذب حامیان مالی، میزان بودجه سازمان تحت امر خود را ارتقا ببخشند و بر کارایی آن بیفزایند. همچنین، با جذب و آموزش کارکنان، مربیان، داوران و سایر منابع انسانی توانمند، تلاش

نمایند که کارایی خود را ارتقا دهند. در نهایت، تعامل مناسب آن‌ها با ادارات ورزش و جوانان استان متبوع و نیز فدراسیون کاراته می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سرانه ورزشی مربوط به این رشته گردد.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که اگرچه مهم‌ترین خروجی متاثر از کارایی هیئت‌های کاراته استان‌های کشور را ورزش قهرمانی و در واقع معرفی قهرمانان ملی و بین‌المللی و کسب مدال‌های ورزشی تشکیل می‌دهد، اما علاوه بر کارایی، ضروری است که مدیران و سایر دست‌اندرکاران این هیئت‌ها به اثربخشی هیئت نیز توجه داشته باشند، چرا که علاوه بر ورزش قهرمانی، حمایت و توسعه سایر حوزه‌های ورزش شامل ورزش آموزشی، ورزش همگانی و ورزش حرفه‌ای نیز باید مد نظر قرار گیرند و برای ارتقای آن‌ها نیز برنامه‌های مناسبی پیش بینی گردد.

منابع

- ادبی فیروزجاه، جواد. (۱۳۹۱). «تعیین میزان کارایی ادارات کل استانی وزارت ورزش و جوانان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها». رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Amin, G. R. & Sharma, S. (2017). "Cricket team selection using data envelopment analysis". *European Journal of Sport Science*, 14(S1), 369–376.
- Anderson, D., Peterson, S. (1993). **Quantitative Methods for Business**. South Western College Publishing
- Bhat, Z. U. H., Sultana, D., & Dar, Q. F. (2019). "A comprehensive review of data envelopment analysis (DEA). Approach in sports". *Journal of Sports Economics & Management*, 9(2), 82-109.
- Capiga, M. (2009). "Determinanty i pomiar efektywności działania banku". *Prace Naukowe/Akademia Ekonomiczna w Katowicach*, 43-78.
- De Mello, J. C. B. S., Meza, L. A., & da Silva, B. B. (2008). Some rankings for the Athens.
- Elsayed, A., & Shabaan, K. N. (2017). "Evaluate and analysis efficiency of safaga port using DEA-CCR, BCC and SBM models-comparison with DP world sokhna". In *IOP Conf. Ser. Mater. Sci. Eng* (Vol. 245).
- Emrouznejad, A. & Yang, G. (2018). "A survey and analysis of the first 40 years of scholarly literature in DEA: 1978-2016". *Socio-Economic Planning Sciences*, 61, 4–8.
- Cooper, W.W., Ruiz, J.L., & Sirvent, I. (2011). "Choice and uses of DEA weights". In: *Cooper W.W., Seiford, L.M., Zhu, J., editors. Handbook on data envelopment analysis*. New York: Springer.
- Girginov, V., & Sandanski, I. (2008). "Understanding the changing nature of sports organisations in transforming societies". *Sport Management Review*, 11(1), 21–50.
- Belot, M., Winand, M., & Kolyperas, D. (2016). "How do international sport federations communicate through social media: A content Analysis of FIFA's Twitter Communications". *EURAM 2016: Manageable Cooperation?* 1.6.-4.6.2016, Paris. Retrieved from: <http://2016.euramfullpaper.org/program/search.asp?qs=Dimitrios%20Kolyperas>
- Clausen, J., & Bayle, E. (2017). "Major sport events at the centre of international sport federations' resource strategy". In *M. Dodds, K. Heisey, & A. Ahonen (Eds.), Routledge handbook of international sport business* (pp. 37–53). New York, NY: Routledge.
- Kang, J. H., Lee, Y. H., & Sihyeong, K. (2007). "Evaluating management efficiency of Korean professional baseball teams using data envelopment analysis (DEA)". *Journal of Sport and Health Science*, 5, 125–134.

- Lewis, H. F., Lock, K. A., & Sexton, T. R. (2009). **“Organizational capability, efficiency, and effectiveness in Major League Baseball: 1901 – 2002”**. European Journal of Operational Research, 197(2), 731–740.
- Li, Y., Lei, X., Dai, Q., & Liang, L. (2015). **“Performance evaluation of participating nations”**. Journal of Operational Research, 243(3), 964–973.
- Meza, L. A., Valério, R. P., & de Mello, J. C. C. S. (2015). **“Assessing the efficiency of sports in using financial resources with DEA models”**. Procedia Computer Science, 55, 1151-1159.
- Miceli, T. J. & Volz, B. D. (2012). **“Debating immortality: application of data envelopment analysis to voting for the baseball hall of fame”**. Managerial and Decision Economics, 33(3), 177–188.
- Nowak, K., & Matuszyk, A. (2014). **“Analiza możliwości zastosowania metody DEA w modelach scoringowych”**. Studia Ekonomiczne /Uniwersytet Ekonomiczny w Katowicach, 186(1), 113–126.
- Nawrocki, T.L. (2015). **“The use of fuzzy logic in the enterprises business efficiency assessment”**. In: T. Dud ycz, G. Osbert-Pichincha, B. Brycz (red.), *The Essence and Measurement of Organizational Efficiency. Springer Proceedings in Business and Economics*. Olympic Games using DEA models with a constant input. Investigacao Operacional,
- Pierce. (1996). **“Efficiency Progress in the Newsothwale Government”**. Internet www.treesury.nsw.gov.edu.
- Pyatunin, A. V., Vishnyakova, A. B., Sherstneva, N. L., Mironova, S. P., Dneprov, S. A., & Grabozdin, Y. P. (2016). **“The economic efficiency of european football clubs – data envelopment analysis (DEA) approach”**. International Journal of Environmental and Science Education, 11(15), 7515–7534.
- Radovanović, S., Radojičić, M., Jeremić, V., & Savić, G. (2013). **“A novel approach in evaluating efficiency of basketball players’ Management”**. Journal for Theory and Practice Management, 67, 37–45.
- Sharifi, M., & Rezaeian, J. (2016). **“Efficiency evaluation of Mazandaran industrial parks by using neuro-DEA approach”**. International Journal of Industrial and Systems Engineering, 23(1), 111-123.
- Skarbalius, A., Vidūnaitė, G., Kniubaitė, A., Rėklaitienė, D., & Simanavičius, A. (2019). **“IMPORTANCE OF SPORT PERFORMANCE MONITORING FOR SPORTS ORGANIZATION”**. Transformations in Business & Economics, 18(2).
- Stola, E. (2011). **Efektywność techniczna a efektywność finansowa banków komercyjnych. Zeszyty Naukowe Uniwersytetu Szczecińskiego. Finanse, Rynki Finansowe, Ubezpieczenia**, (37), 141-152.
- Udoney Olugu, Ezutah, Yew Wong, Kuan. (2009). **“Supply chain Performance Evaluation: Trends and Challenges”**. American J. of Engineering and Applied sciences.
- Witzel, M., (2002). **“A Short History of Efficiency”**. Business Strategy Review, 13(4), 38-47.
- Wu, J., Zhou, Z., & Liang, L. (2010). **“Measuring the performance of nations at Beijing summer olympics using integer-valued DEA model”**. Journal of Sports Economics, 11(5), 549–566.
- Zarei Mahmoudabadi, M., razavi, S. (2019). **“Performance Evaluation of Iranian Sports Federations in the Rio 2016 Olympic Games with Data Envelopment Analysis (DEA) Approach”**. Sport Management and Development, 8(4), 221-230. doi: 10.22124/jsmd.2019.3959
- zbrank, peter. (2013). **“Data Envelopment Analysis as a Tool for Evaluation of Employees Performance”**. Acta Economical et Informatica.

ارائه الگوی تعاملی نقش‌های رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا با استفاده از رویکرد دیمتل



10.22034/SSYS.2022.1956.2388

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

محمدحسن قزلی^۱لیلا جمشیدیان^۲مهرزاد مقدسی^۳

هدف این پژوهش، ارائه الگوی تعاملی نقش‌های رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا با استفاده از رویکرد دیمتل بود. تحقیق حاضر از جمله تحقیقات آمیخته می باشد که با روش‌های کیفی و کمی انجام گردید و با توجه به کاربرد آن در حوزه ورزش در زمره تحقیقات کاربردی به شمار می آید. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر به صورت میدانی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی نخبگان آگاه به موضوع پژوهش تشکیل می دادند که از آن میان، تعداد ۱۴ نفر به عنوان نمونه مشخص گردیدند. ابزار گردآوری تحقیق حاضر در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته می باشد. همچنین با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، عواملی شناسایی گردید که از آنها به عنوان ابزار گردآوری داده‌های تحقیق در بخش کمی استفاده شد. این پرسشنامه در دو بخش کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سؤال‌های آن بر اساس روش دیمتل طراحی شده بود. روایی این پرسشنامه با توجه به بررسی نظرات خبرگان مورد تایید قرار گرفت. پایایی کلی این پرسشنامه نیز پس از محاسبه آلفای کرونباخ، به میزان ۰/۸۵ به دست آمد. کلیه فرایند تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در نرم افزار Excel انجام شد.

نتایج تحقیق نشان داد که در مجموع ۶ نقش کلی انگیزشی، اطلاع‌رسانی، آموزشی، علمی، اجتماعی و فرهنگی از جمله نقش‌های مهم رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا می باشد. همچنین نقش‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و علمی به عنوان نقش‌های علی و نقش‌های انگیزشی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان نقش‌های معلولی مشخص گردیدند.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۲ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Layla1234@yahoo.com

۳ دانشیار، فیزیواوری ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

واژگان کلیدی: الگوی تعاملی، نقش‌های رسانه، مشارکت ورزشی، دوران پساکرونا و رویکرد دیمتل.

مقدمه

رسانه به عنوان یکی از تاثیرگذارترین ابزارها در جهان امروزی شناخته می‌شود (ونر^۱، ۲۰۲۱: ۴۱). بهره‌گیری از رسانه‌ها در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی از دیرباز مورد توجه بوده است (رازاک و جوزف^۲، ۲۰۲۱: ۲۹۳). رسانه‌های گروهی یکی از ابزارهای اساسی برای بررسی مسائل اجتماعی، اطلاع رسانی، آموزشی و عامل بسیار مؤثری در شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی به شمار می‌آیند و به نظر می‌رسد رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی می‌توانند نقش مهمی در روشنگری مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان ایفا نمایند و در صورت عملکرد صحیح مانع سوگیری آنها به سوی تفریحات ناسالم شوند. فرهنگ حاکم بر مردم متأثر از عوامل مختلف اجتماعی است. این عوامل می‌توانند باورها، نگرش‌ها و عملکردها را تحت تأثیر خود قرار دهند. یکی از پدیده‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و آحاد مردم را تقریباً تحت تأثیر قرار داده است، تربیت بدنی و ورزش است. رسانه‌های گروهی عامل بسیار مؤثری در شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی به شمار می‌روند که در بخش ورزشی، محتوای برنامه‌ها و مطالب درج شده در آن می‌توانند تأثیر به‌سزایی در پیشرفت و بهبود وضعیت کشور داشته باشند (باباپور، ۱۳۹۹: ۶۱). زندگی در سایه برخورداری از فناوری‌های متنوع همچون تلفن همراه، اینترنت، ماهواره و فشارهای اجتماعی روز به روز منجر به توسعه بیشتر محیط‌های کار مجازی شده و سبب گردیده که فعالیت‌های تبلیغی از طریق اینترنت یا تلفن همراه بیش از پیش توسعه یابد. امروزه رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای ارتباط با مخاطبان سازمان تلقی می‌شود و سازمان‌ها به دنبال راهکاری هستند که با صرف کمترین هزینه، اثرگذاری بیشتری بر مشتری داشته باشند. بیهوده نیست که به رغم هزینه‌های نسبتاً بالای تبلیغات، از آن به عنوان «سرمایه‌گذاری» و نه «هزینه» نام برده می‌شود. این ابزار کارآمد امروز دیگر تنها مختص به خرید و فروش نیست، بلکه یکی از مهمترین ابزارهای انتقال پیام یا معرفی یک هدف و خدمت نیز به شمار می‌رود (دهقان، ۱۳۹۸: ۸۶). ورزش و فعالیت‌های جسمانی به عنوان واقعیتهای اجتماعی، از زمان‌های دور در جوامع بشری وجود داشته و جزئی از زندگی روزمره انسان‌ها را تشکیل داده است. با وجود فوائد بسیار زیادی که ورزش و فعالیت بدنی برای انسان و جامعه به ارمغان می‌آورد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جوامع امروزی، رواج فرهنگ بی‌حرکی و راحت‌طلبی در میان انسان‌هاست. صنعتی شدن جوامع و ورود به فناوری‌های متنوع و مختلف تمامی ابعاد زندگی انسان از جمله تحرک او را متأثر کرده است. تاریخ بیانگر

1 Wenner

2 Razack & Joseph

تمایل درونی انسان به فعالیت‌های جسمانی است. در جوامع بدوی یا فرهنگ باستانی، برنامه‌های تربیت بدنی سازمان‌یافته وجود نداشت، ولی فعالیت‌های بدنی جزء لاینفک زندگی روزمره را تشکیل می‌داد. امروزه ورزش ابزاری مهم در دست دولت‌ها برای هدایت مردم به سوی اهداف برنامه‌ریزی شده است، زیرا عمده‌ترین وسیله تربیت همگانی در جامعه معاصر در کشورهای پیشرفته، صنعت ورزش است (اکبری، ۱۳۹۶). ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و انگیزشی، افراد را در یک شبکه اجتماعی که دارای روابط اجتماعی پیچیده است، به تعامل و کنش متقابل واداشته و عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و بازنمایی‌هایی معنادار قرن حاضر شده است (لوینگر و هیل، ۲۰۲۰: ۸۵۸).

بنابراین سلامت و تندرستی افراد صرفاً شامل حالت سلامتی کامل از لحاظ جسمانی نیست؛ بلکه ابعاد سلامت روانی، اجتماعی، قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی، عادلانه و مناسب را نیز در بر می‌گیرد (گیلور^۱، ۲۰۱۵، ۲۵۷). «انجمن کانادایی بهداشت روانی» نیز این مفهوم را در سه قسمت تعریف کرده است: قسمت اول، شامل نگرش‌های مربوط به خود که دربردارنده تسلط بر هیجان‌های خود، آگاهی از ضعف‌های خود و رضایت از خوشی‌های ساده است؛ قسمت دوم، نگرش‌های مربوط به دیگران که شامل علاقه به دوستی‌های طولانی و صمیمی، احساس تعلق به یک گروه و احساس مسئولیت در محیط انسانی و مادی است؛ قسمت سوم، نگرش‌های مربوط به زندگی که شامل پذیرش مسئولیت‌ها، انگیزه توسعه امکانات و علایق خود، توانایی اخذ تصمیم‌های شخصی و انگیزه خوب کار کردن است (یعقوبی، ۲۰۱۱: ۲۰۴). یکی از چالش‌هایی که امروزه حوزه ورزش با آن مواجه می‌باشد، شیوع ویروس کرونا می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عواقب شیوع ویروس کرونا، ایجاد اضطراب اجتماعی در سرتاسر جهان است. این امر نگرانی‌های جدی برای شهروندان در همه کشورها حتی در جوامع بدون شیوع، ایجاد کرده است. احساس ناامیدی به‌ویژه در میان خانواده‌ها نشان می‌دهد که چگونه جوامع ما در مواجهه با خطرات آسیب‌پذیر هستند. مخاطرات اجتماعی یخشی از زندگی روزمره هستند (لوینگر و هیل^۲، ۲۰۲۰: ۸۵۸). شیوع کروناویروس نشان می‌دهد که مخاطرات اجتماعی منجر به آسیب اجتماعی می‌شود- اگرچه زنان باردار، خانواده‌های دارای فرزند، افراد مسن‌تر، افراد دارای معلولیت و افراد کم‌درآمد از آسیب‌های نامتناسبی در اپیدمی و بلایای طبیعی رنج می‌برند. در مورد

1 Gilor

2 Levinger & Hill

اپیدمی کرونا همه گروه‌های جوامع احساس خطر می‌کنند. لذا در مخاطرات اجتماعی نیاز است تا سرمایه-گذاری‌های بزرگی در جهت مطالعه بر روی دانش و ارتباطات مربوط به مخاطرات، عمدتاً با هدف مدیریت تضاد عقاید از نظر بزرگنمایی خطرات و اضطراب و بدگمانی جامعه در مورد بهداشت عمومی و امنیت شخصی صورت گیرد (اونس^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۸۸). شیوع ویروس کرونا به عنوان یک نگرانی سبب گردیده است تا سیستم‌های مشارکت ورزشی افراد تحت شعاع قرار گیرد. الیوت^۲ و همکاران (۲۰۲۱) مشخص نمودند که کرونا منجر به نگرانی شده که این مسئله سیستم‌های ورزشی را تحت شعاع قرار داده است. کرونا منجر به ایجاد ترسی شده که مشارکت ورزشی را کاهش داده است. ترس شکل گرفته شده به واسطه کرونا سبب گردیده است تا افراد در مورد حضور در ورزش ابهام اساسی داشته باشند (سیمونز^۳ و همکاران، ۲۰۲۱: ۳). لوینگر و هیل (۲۰۲۰) دریافتند که شیوع کرونا منجر به بی‌اعتمادی به محیط‌های ورزشی شده است. ارتقای سیستم‌های حمایتی از ورزش و ایجاد یک محیط ایمن در جهت مقابله با کرونا و سایر ویروس‌ها می‌تواند یکی از مسائل انگیزشی در جهت عادی‌سازی مشارکت ورزشی باشد (الیوت و همکاران، ۲۰۲۱: ۳). مولتز^۴ و همکاران (۲۰۲۱) مشخص نمودند که امروزه تجارب ایجاد شده از شیوع ویروس کرونا سبب گردیده است تا محیط‌های ورزشی سیستم‌های بهداشتی را به صورت جدی تری دنبال نمایند، اما نبود اطلاع‌رسانی در این زمینه موجب شده تا همچنان نگرانی‌هایی در این مورد ایجاد گردد. هایس^۵ (۲۰۲۰) اشاره داشت که رسانه‌ها نقش مهمی در اطلاع‌رسانی در جهت کاهش نگرانی‌ها در مورد شیوع ویروس کرونا در محیط‌های ورزشی دارند. رسانه‌ها به واسطه ارائه حقایقی در حوزه ورزش می‌توانند سیستم‌های بهداشتی موجود در ورزش را گزارش نمایند و سبب کاهش نگرانی‌هایی در حوزه ورزش گردند (مولتز و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۴). اگرچه کارکردهای مهم رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا کاملاً مشهود می‌باشد، اما روند بهبود آن و عوامل تاثیرگذار بر بهبود این نقش همچنان مبهم است؛ به طوری که خلا تحقیقاتی در این حوزه سبب گردیده تا مشکلات اساسی در مسیر ارتقای نقش رسانه‌ها بر بهبود عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا درک گردد. خلا تحقیقاتی موجود در این حوزه همچنان باعث شده است تا دغدغه و ضرورت توجه به رسانه‌ها در جهت

1 Evans

2 Elliott

3 Symons

4 Mutz

5 Hayes

عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا درک نگردد و روش های مقابله ای جهت بهبود نقش رسانه ها در این حوزه ایجاد نگردد. این خلا از دو منظر علمی و عملی سبب شده تا روند بهبود عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا درک نگردد. پس تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی تعاملی نقش های رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا با استفاده از رویکرد دیمتل سعی در پاسخ به این سوال دارد:

الگوی تعاملی نقش های رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا با استفاده از رویکرد دیمتل چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از جمله تحقیقات آمیخته می باشد که به روش کیفی و کمی انجام گردید و با توجه به کاربرد آن در حوزه ورزش از جمله تحقیقات کاربردی به شمار می آید. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر میدانی بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی نخبگان آگاه به موضوع پژوهش تشکیل می دادند که از این بین، تعدادی به صورت هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند. این نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت تعداد ۱۴ نفر به عنوان نمونه مشخص گردیدند. به عبارتی، با توجه به ماهیت روش کمی پژوهش (رویکرد دیمتل) که نیاز به خبرگان و افراد آگاه به موضوع پژوهش دارد، جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی و کمی یکسان بود؛ بدین صورت که در روش دیمتل با توجه به حضور متخصصان، تعداد نمونه ها محدود به متخصصان حقیقی می باشد. با این توجه تعداد نمونه در بخش کیفی و کمی یکسان بود. این افراد شامل متخصصانی بودند که در مورد موضوع تحقیق اشراف کامل داشتند؛ اشراف آنان به واسطه پژوهش های آنان در حوزه مدنظر، سوابق تحصیلی آنان و همچنین سوابق اجرایی آنان مورد ارزیابی قرار گرفت. پس از بررسی های انجام شده افرادی که مطابق با شاخص های مدنظر در حوزه رسانه، ورزش همگانی و ویروس کرونا اشراف داشتند، به عنوان نمونه تحقیق (۱۴ نفر) مشخص شدند.

ابزار گردآوری داده های تحقیق در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. همچنین با توجه به مصاحبه های انجام شده، عواملی شناسایی گردید که از آنها به عنوان ابزار گردآوری تحقیق در بخش کمی استفاده شد. این پرسشنامه در دو بخش کلی ویژگی های جمعیت شناختی و سؤال های آن با توجه روش دیمتل طراحی شده بود. روایی این پرسشنامه با توجه به نظرات خبرگان مورد تایید قرار گرفت. میزان پایایی کلی این پرسشنامه نیز پس از محاسبه آلفای کرونباخ، به مقدار ۰/۸۵ مشخص گردید. همچنین در قسمت تجزیه و تحلیل کمی تحقیق، از روش دیمتل استفاده شد. به علت اینکه روش دیمتل روابط میان عوامل را

مورد بررسی قرار می‌دهد و مشخص می‌نماید که تاثیر بر یک عامل سبب تاثیرگذاری بر سایر عوامل می‌گردد از روش فوق جهت مطالعه و تحلیل عوامل موثر بر بهبود نقش رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا با استفاده از رویکرد دیمتل استفاده گردید. کلیه فرایند تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در نرم افزار EXEL انجام شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری تحقیق در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۱: یافته‌های توصیفی تحقیق

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	گروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۸	۵۷/۱
	زن	۶	۴۲/۹
رده سنی	زیر ۳۰ سال	۳	۲۱/۴
	۳۰-۴۰ سال	۵	۳۵/۷
	بالای ۴۰ سال	۶	۴۲/۹

نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که نمونه‌های پژوهش شامل ۵۷/۱ درصد مرد و ۴۲/۹ درصد زن بودند و افراد با رده سنی بالاتر از ۴۰ سال با ۴۲/۹ درصد بیشترین فراوانی را داشتند. جدول ۲، مقوله‌های حاصل از کدگذاری باز را به نمایش گذاشته است:

جدول ۲: کدگذاری باز

مقوله‌ها	فراوانی
ایجاد برنامه‌های جذاب در جهت ترغیب عموم	۹
تاکید بر سلامت جسمانی	۹
تاکید بر سلامت روانی	۹
جذاب سازی فعالیت‌های ورزشی	۸
مستندسازی فعالیت‌های ورزشی انجام شده	۷
کاهش ترس جهت حضور در فعالیت‌های ورزشی	۹
ایجاد کمپین‌های مجازی	۹
نمایش حضور گروه‌های مختلف جامعه در ورزش	۱۰
ارتقای خوشنامی ورزش در سطح جامعه	۹
پوشش فعالیت‌های ورزشی تدارک دیده در سطح جامعه	۸
ایجاد اخبار در مورد وضعیت حقیقی فضاها و ورزشی	۹

۱۲	ایجاد هماهنگی میان برنامه‌های ورزشی تدارک دیده‌شده
۱۰	دسترسی عمومی به فعالیت‌های رسانه‌ای ویژه ورزش
۱۱	ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی در مورد فعالیت‌های ورزشی
۸	ارائه آمارهای حقیقی در مورد وضعیت بهداشتی امکان ورزشی
۹	پخش برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش
۹	آموزش در جهت خودارزیابی جسمی و ذهنی افراد جامعه
۱۰	دسته‌بندی مطالب و محتوا در زمینه فعالیت‌های ورزشی در دوران پساکرونا
۹	ایجاد محتوای علمی در مورد اهمیت ورزش
۹	نمایش فعالیت‌های صحیح ورزشی
۱۰	ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در مورد ورزش
۱۱	ایجاد سامانه‌های پرسش و پاسخ دوسویه در مورد فعالیت‌های ورزشی
۱۲	ایجاد میزگردهای علمی در حوزه مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا
۱۲	ایجاد گروه‌های اجتماعی مجازی در جهت تدارک برنامه‌های ورزشی
۱۲	ایجاد اعتماد اجتماعی در سطح جامعه
۱۱	ایجاد همبستگی اجتماعی در حوزه ورزش
۱۳	ارتقای تعاملات اجتماعی در ورزش
۸	ترغیب و تشدید فرهنگ مشارکت ورزشی
۹	پرورش روحیه مشارکت ورزشی
۹	هویت‌دهی به فعالیت‌های ورزشی
۸	ایجاد مصرف‌گرایی در حوزه ورزش

مطابق با نتایج جدول ۲، تعداد ۳۱ مقوله پس از انجام مصاحبه‌های پژوهش و کدگذاری باز استخراج گردید. جدول ۳، کدگذاری محوری انجام شده در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:

جدول ۳: کدگذاری محوری

ابعاد کلی	مقوله‌ها
نقش انگیزشی	ایجاد برنامه‌های جذاب در جهت ترغیب عموم
	تاکید بر سلامت جسمانی
	تاکید بر سلامت روانی
	جذاب‌سازی فعالیت‌های ورزشی
	مستندسازی فعالیت‌های ورزشی انجام شده
	کاهش ترس جهت حضور در فعالیت‌های ورزشی

ایجاد کمپین‌های مجازی	
نمایش حضور گروه‌های مختلف جامعه در ورزش	
ارتقای خوشنمایی ورزش در سطح جامعه	
پوشش فعالیت‌های ورزشی تدارک دیده در سطح جامعه	
ایجاد اخبار در مورد وضعیت حقیقی فضاهای ورزشی	
ایجاد هماهنگی میان برنامه‌های ورزشی تدارک دیده شده	
دسترسی عمومی به فعالیت‌های رسانه‌ای ویژه ورزش	نقش اطلاع‌رسانی
ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی در مورد فعالیت‌های ورزشی	
ارائه آمارهای حقیقی درباره وضعیت بهداشتی امکان ورزشی	
بخش برنامه‌های آموزشی در حوزه ورزش	
آموزش در جهت خودارزیابی جسمی و ذهنی افراد جامعه	
دسته‌بندی مطالب و محتوا در مورد فعالیت‌های ورزشی در	نقش آموزشی
دوران پسا کرونا	
ایجاد محتوای علمی در مورد اهمیت ورزش	
نمایش فعالیت‌های صحیح فعالیت‌های ورزشی	
ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در مورد ورزش	
ایجاد سامانه‌های پرسش و پاسخ دوسویه در مورد فعالیت‌های	نقش علمی
ورزشی	
ایجاد میزگردهای علمی در حوزه مشارکت ورزشی در دوران	
پسا کرونا	
ایجاد گروه‌های اجتماعی مجازی در جهت تدارک برنامه‌های	
ورزشی	
ایجاد اعتماد اجتماعی در سطح جامعه	نقش اجتماعی
ایجاد همبستگی اجتماعی در حوزه ورزش	
ارتقای تعاملات اجتماعی در ورزش	
ترغیب و تشدید فرهنگ مشارکت ورزشی	
پرورش روحیه مشارکت ورزشی	
هویت‌دهی به فعالیت‌های ورزشی	نقش فرهنگی
ایجاد مصرف‌گرایی در حوزه ورزش	

نتایج تحقیق نشان داد که در مجموع ۶ نقش کلی شامل نقش انگیزشی، نقش اطلاع‌رسانی، نقش آموزشی، نقش علمی، نقش اجتماعی و نقش فرهنگی از جمله نقش‌های رسانه در جهت‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا می‌باشد. جهت شناسایی روابط میان نقش‌های شناسایی شده از روش دیمتل استفاده شد. در مرحله اول باید روابط میان نقش‌های شناسایی شده مشخص گردد. بدین منظور از ماتریس ارتباطات کل استفاده گردید (سی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). جدول ۴ ماتریس ارتباطات کل را نشان می‌دهد:

جدول ۴: ماتریس ارتباطات کل

انگیزشی	فرهنگی	علمی	آموزشی	اطلاع‌رسانی	اجتماعی
انگیزشی	۳/۰۹۳	۳/۱۲۶	۳/۲۱۸	۳/۲۴۵	۲/۵۱۵
فرهنگی	۳/۴۱۷	۳/۲۲۶	۳/۳۲۶	۳/۲۴۷	۲/۶۳۰
علمی	۳/۴۵۳	۳/۴۵۹	۲/۵۵۹	۲/۷۱۹	۲/۸۹۲
آموزشی	۳/۵۷۶	۳/۵۶۱	۳/۶۶۹	۳/۱۲۴	۳/۰۲۲
اطلاع‌رسانی	۳/۵۴۸	۳/۵۲۶	۳/۶۱۵	۳/۸۱۵	۲/۹۸۱
اجتماعی	۲/۵۳۵	۳/۱۲۴	۳/۲۴۷	۳/۱۴۸	۲/۰۲۱

برای محاسبه ماتریس روابط داخلی باید ارزش آستانه محاسبه شود. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف‌نظر و شبکه روابط قابل اعتنا یا همان نقشه شبکه روابط را ترسیم کرد. تنها روابطی که مقادیر آنها در ماتریس T از مقدار آستانه بزرگتر باشد، در نقشه شبکه روابط نمایش داده خواهد شد. برای محاسبه مقدار آستانه روابط کافی است تا میانگین مقادیر ماتریس T محاسبه شود. بعد از آنکه شدت آستانه تعیین گردید، تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از آستانه باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود.

مقدار آستانه در این تحقیق برابر ۳/۳۸۷ است. تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از ۳/۳۸۷ باشد، صفر شده است؛ یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین الگوی روابط معنی‌دار به صورت جدول زیر است. جهت سهولت در نگارش نمودار الگوی روابط عوامل با اختصار در جدول ۵ به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۵: جدول الگوی روابط معنی‌دار

انگیزشی	فرهنگی	علمی	آموزشی	اطلاع‌رسانی	اجتماعی

ارائه الگوی تعاملی نقش‌های رسانه در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا

انگیزشی	۰	۰	۰	۰	۰
فرهنگی	۳/۴۱۷	۰	۰	۰	۳/۶۵۶
علمی	۳/۴۵۳	۳/۴۵۹	۰	۰	۳/۹۳۹
آموزشی	۳/۵۷۶	۳/۵۶۱	۳/۶۶۹	۰	۴/۰۴۱
اطلاع‌رسانی	۳/۵۴۸	۳/۵۲۶	۳/۶۱۵	۳/۸۱۵	۳/۹۹۴
اجتماعی	۰	۰	۰	۰	۰

در ادامه تحلیل دیمتال باید مجموع سطرها و ستون‌های ماتریس T مشخص گردد. مجموع سطرها (D) و ستون‌ها (R) با توجه به فرمول‌های زیر به دست می‌آید:

$$D = \sum_{j=1}^n T_{ij}$$

$$R = \sum_{i=1}^n T_{ij}$$

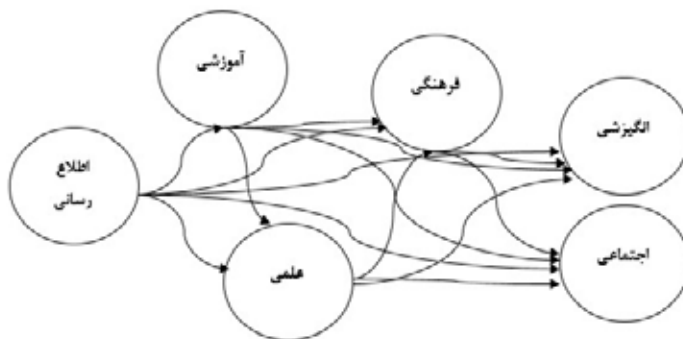
سپس با توجه به D و R ، مقادیر $D+R$ و $D-R$ به دست آورده می‌شود که به ترتیب نشان‌دهنده میزان تعامل و قدرت تاثیرگذاری عوامل هستند. خروجی نهایی روش دیمتال در جدول ۶ به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۶: نتایج روش دیمتال

عوامل	میزان اثرگذاری	میزان اثرپذیری	وضعیت کلی	اثر شبکه	نوع عامل
انگیزشی	۲۲/۴۸۰	۲۳/۰۶۳	۴۳/۰۶۳	-۰/۵۸۳	معلولی
فرهنگی	۱۹/۸۴۴	۲۰/۴۲۳	۴۰/۲۶۸	-۰/۵۷۹	معلولی
علمی	۲۰/۵۳۳	۲۰/۴۲۳	۴۰/۹۵۷	۰/۱۰۹	علی
آموزشی	۲۲/۷۱۹	۲۲/۰۵۵	۴۴/۷۷۵	۰/۶۶۳	علی
اطلاع‌رسانی	۲۲/۰۲۴	۲۱/۰۳۹	۴۳/۰۶۳	۰/۹۸۵	علی
اجتماعی	۲۲/۶۰۹	۲۳/۲۰۵	۴۵/۸۱۴	-۰/۵۹۶	معلولی

با توجه به نتایج جدول بالا مشخص گردید که نقش‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و علمی به عنوان نقش‌های علی و نقش‌های انگیزشی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان نقش‌های معلولی مشخص گردید. نمودار

۱، نقشه شبکه روابط نقش‌های رسانه در جهت عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا را نشان می‌دهد:



نمودار ۱: نقشه شبکه روابط

مطابق با این الگو مشخص گردید که نقش اطلاع‌رسانی از اهمیت زیادی در جهت عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا برخوردار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

کاهش نگرانی‌ها در حوزه ورزش، یک مسئله مهم در دوران پساکروناست؛ به صورتی که ارتقای سیستم‌های حمایتی در جهت عادی‌سازی مشارکت ورزشی افراد در محیط‌های ورزشی در دوران پساکرونا به صورت جدی درک می‌گردد. این مسئله سبب گردیده است تا بهره‌گیری از ظرفیت برخی مسائل از جمله رسانه‌ها نمود یابد. با این توجه تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی تعاملی نقش‌های رسانه در جهت عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا با استفاده از رویکرد دیمتل طراحی و اجرا گردید. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در مجموع ۶ نقش کلی شامل نقش انگیزشی، نقش اطلاع‌رسانی، نقش آموزشی، نقش علمی، نقش اجتماعی و نقش فرهنگی از جمله نقش‌های رسانه در جهت عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا می‌باشد.

در تحقیقات مختلفی به این مسئله اشاره شده است. هایس (۲۰۲۰) مشخص نمود که کارکردهای رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های مجازی در جهت پیشبرد اهداف مربوط به ورزش می‌تواند زمینه کاهش نگرانی‌ها در مورد حضور افراد در ورزش را فراهم نماید. یافته‌های تحقیق حاضر در مورد نقش‌های مختلف رسانه از جمله انگیزشی، نقش اطلاع‌رسانی، نقش آموزشی، نقش علمی، نقش اجتماعی و نقش فرهنگی در

جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا با نتایج تحقیقات مختلفی از جمله مولتز و همکاران (۲۰۲۱)، الیوت و همکاران (۲۰۲۱) و لوینگر و هیل (۲۰۲۰) همسو می باشد. به نظر می رسد گسترش رسانه ها در زندگی تمامی افراد و وجود مخاطبان بی شمار رسانه در حوزه های مختلف سبب گردیده است تا رسانه از جایگاه مهمی در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا و هم نقش های مختلفی از جمله نقش اطلاع رسانی، نقش آموزشی، نقش علمی، نقش اجتماعی و نقش فرهنگی در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا برخوردار باشند. بدون شک اهمیت رسانه در جهان امروزی و همچنین وجود مخاطبان گسترده آن در سطح بین المللی موجب شده است تا رسانه ها جایگاه مهم و ارزشمندی بیابند.

مطابق با نتایج مشخص گردید که نقش های اطلاع رسانی، آموزشی و علمی به عنوان نقش های علی و نقش های انگیزشی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان نقش های معلولی هستند. به عبارتی، تمرکز بر نقش های اطلاع رسانی، آموزشی و علمی رسانه ها می تواند زمینه عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا را فراهم نماید. شاربپی^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، بل^۲ و هوقس^۳ و همکاران (۲۰۲۰) مشخص نمودند که اطلاع رسانی یکی از کارکردهای مهم رسانه هاست که می تواند زمینه جدی جهت بهبود وضعیت مشارکت ورزشی افراد را فراهم نماید. مولتز و همکاران (۲۰۲۱) نیز دریافتند که آموزش یکی از کارکردهای مهم رسانه می باشد که می تواند زمینه ورزش افراد را در حین دوران کرونا ایجاد کند. یکی از مسائل مهمی که رسانه ها در دوران کرونا توانسته اند ایجاد نمایند، نقش علمی بود که سبب بهبود دانش افراد شد (کلونجر^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). بهره گیری از این نقش می تواند زمینه جهت بهبود فعالیت های ورزشی افراد را فراهم نماید.

به نظر می رسد نقش های اطلاع رسانی، آموزشی و علمی سبب می گردد تا افراد از دانش و آگاهی لازم در جهت عادی سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پساکرونا برخوردار باشند که این مسئله بدون شک منجر به کاهش نگرانی های افراد از حضور در ورزش می گردد. بدون شک دوران پساکرونا دورانی خواهد بود که افراد همچنان وسواس و استرس هایی جهت حضور در ورزش خواهند داشت که این مسئله باید به صورت جدی از سوی متولیان ورزشی دنبال شود. به عبارتی، نقش های اطلاع رسانی، آموزشی و

1 Sharpe

2 Bell

3 Hughes

4 Clevenger

علمی به واسطه تاثیرگذاری بر سیستم‌های علمی و دانشی افراد می‌تواند زمینه ایجاد و بسترسازی سایر نقش‌ها از جمله انگیزشی، فرهنگی و اجتماعی را نیز فراهم نماید. این مسئله سبب گردیده است تا نقش‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و علمی به عنوان نقش‌های علی و نقش‌های انگیزشی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان نقش‌های معلولی بروز یابند. به عبارتی، تمرکز بر نقش‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و علمی رسانه‌ها می‌تواند زمینه عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا را فراهم نماید. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با افزایش پوشش فعالیت‌های ورزشی تدارک دیده‌شده در سطح جامعه؛ آموزش خودارزیابی جسمی و ذهنی افراد جامعه؛ ایجاد محتوای علمی پیرامون اهمیت ورزش و برگزاری میزگردهای علمی در حوزه مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا، شرایط ارتقای سیستم‌های دانشی افراد جهت عادی‌سازی جریان مشارکت ورزشی در دوران پسا کرونا فراهم شود.

منابع

- اکبری، بهرام؛ عسگریان، فریبا؛ جعفری، سلمان و اکبری، نسیم. (۱۳۹۶). «تاثیر عوامل اجتماعی- اقتصادی بر میزان مشارکت خانوارهای مراغه». نشریه مدیریت و توسعه ورزش. سال ۶، شماره ۱، پیاپی ۱۰، صص ۱۰۵-۱۱۶.
- باباپور، لیل و قدیمی، سجاد. (۱۳۹۹). «بررسی نقش شبکه تلویزیونی ورزش بر مشارکت ورزشی مردم». جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی. دوره ۶، شماره ۱۵، صص ۵۹-۸۷.
- دهقان، سیدامین؛ ایمان‌زاده، مسعود؛ نامور، مجید و پورپناهی، محمد. (۱۳۹۸). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه مشارکت بخش خصوصی در ورزش». فصلنامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. دوره ۷، شماره ۱، صص ۸۵-۹۶.
- Bell, T. R. (2021). "Sports Center: A case study of media framing US sport as the COVID-19 epicenter". International Journal of Sport Communication, 14(2), 298-317.
- Clevenger, S. M., Rick, O., & Bustad, J. (2020). "Critiquing anthropocentric media coverage of the Covid-19 sport: hiatus". International Journal of Sport Communication, 13(3), 559-565.
- Elliott, S., Drummond, M. J., Prichard, I., Eime, R., Drummond, C., & Mason, R. (2021). "Understanding the impact of COVID-19 on youth sport in Australia and consequences for future participation and retention". BMC public health, 21(1), 1-16.
- Evans, A. B., Blackwell, J., Dolan, P., Fahlén, J., Hoekman, R., Lenneis, V., ... & Wilcock, L. (2020). "Sport in the face of the COVID-19 pandemic: towards an agenda for research in the sociology of sport". European Journal for Sport and Society, 17(2), 85-95.
- Gulam, A. (2016). "Role of mass media in sports communication". International Journal of Advanced Educational Research, 1(5), 51-53.
- Hayes, M. (2020). "Social media and inspiring physical activity during COVID-19 and beyond". Managing Sport and Leisure, 1-8.
- Hughes, D., Saw, R., Perera, N. K. P., Mooney, M., Walleit, A., Cooke, J., ... & Broderick, C. (2020). "The Australian Institute of Sport framework for rebooting sport in a COVID-19 environment". Journal of Science and Medicine in Sport, 23(7), 639-663.
- Levinger, P., & Hill, K. D. (2020). "The impact of mass media campaigns on physical activity participation on a global scale: lessons learned from the COVID-19 pandemic". Journal of Physical Activity and Health, 17(9), 857-858.

- Mutz, M., Müller, J., & Reimers, A. K. (2021). **"Use of digital media for home-based sports activities during the COVID-19 pandemic: Results from the German SPOVID survey"**. International Journal of Environmental Research and Public Health, 18(9), 4409.
- Razack, S., & Joseph, J. (2021). **"Misogynoir in women's sport media: Race, nation, and diaspora in the representation of Naomi Osaka"**. Media, Culture & Society, 43(2), 291-308.
- Si, S. L., You, X. Y., Liu, H. C., & Zhang, P. (2018). **"DEMATEL technique: A systematic review of the state-of-the-art literature on methodologies and applications"**. Mathematical Problems in Engineering.
- Sharpe, S., Mountifield, C., & Filo, K. (2020). **"The social media response from athletes and sport organizations to COVID-19: An altruistic tone"**. International Journal of Sport Communication, 13(3), 474-483.
- Symons, K., Breitbarth, T., Zubcevic-Basic, N., Wilson, K., Sherry, E., & Karg, A. (2021). **"The (UN) level playing field: sport media during COVID-19"**. European Sport Management Quarterly, 1-17.
- Wenner, L. A. (2021). **"Media, sports, and society"**. In *Research Handbook on Sports and Society*. Edward Elgar Publishing.

نقش ورزشی در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

امیرمحمد هدایتی^۱

محمد سنایی^۲

محمدعلی نودهی^۳



10.22034/SSYS.2022.1889.2341

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۵

سالمندی دوره حساسی از زندگی است و توجه به کیفیت زندگی سالمندان به خصوص در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا اهمیت زیادی دارد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان بود. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه سالمندان بالای ۶۰ سال استان خراسان شمالی بودند. نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد و تعداد نمونه‌های تحقیق ۱۶۸ نفر بود. برای گردآوری داده‌های این تحقیق از پرسشنامه SF-36 بهره‌گیری شد. به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف و آزمون یومن ویتنی و فریدمن استفاده گردید. تمام عملیات آماری با استفاده از نرم افزار Spss 22 در سطح معناداری $P \leq 0/05$ انجام شد.

سالمندان فعال نسبت به سالمندان غیرفعال در شاخص‌های مشکلات جسمانی، مشکلات عاطفی، محدودیت عملکرد بدنی، انرژی و سرزندگی، سلامت روانی، سلامت عمومی، و درد بدنی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند، ولی در شاخص عملکرد اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نشد. سلامت روانی و سلامت عمومی به عنوان مهمترین ابعاد کیفیت زندگی سالمندان شناخته شد.

با توجه اهمیت فعال بودن افراد در دوران شیوع ویروس کرونا، ورزش کردن و فعالیت بدنی منظم می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی سالمندان تاثیر بسزایی داشته باشد؛ زیرا ورزش کردن می‌تواند سیستم ایمنی بدن را تقویت کند و به بهبود سطح تندرستی و جلوگیری از ابتلا به ویروس کرونا نیز کمک نماید. همچنین، پرداختن به فعالیت‌های جسمانی موجب بروز تغییرات مثبت در ویژگی‌های مختلف جسمانی، روانی،

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد آیت الله امین، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

۲ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M.sanace.2020@gmail.com

۳ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

اجتماعی و معنوی افراد می‌شود که برآیند این اثرات، ارتقای سطح کیفیت زندگی افراد را در پی دارد. لذا پیشنهاد می‌شود که خانواده‌هایی که افراد سالمند دارند و نیز مراکز نگهداری سالمندان نسبت به تشویق سالمندان به انجام فعالیت‌های بدنی اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: سالمندی، کیفیت زندگی، فعالیت بدنی و ویروس کرونا.

مقدمه

سالمندی یکی از دوران‌های طبیعی زندگی هر فرد و پدیده‌ای اجتناب ناپذیر است که سبب افزایش نرخ ناتوانی و وابستگی در جمعیت می‌شود (امیدوار، باباخانی، راشدی و فروغان، ۱۳۹۹: ۴۲). امروزه تقریباً بیش از ۳۱ کشور جهان هر یک بیش از ۲ میلیون سالمند بالای ۶۰ سال دارند که به تعداد این کشورها افزوده می‌شود. در ایران نیز نسبت جمعیت سالمندان، با توجه به کاهش میزان تولد و افزایش طول عمر، به سرعت در حال افزایش می‌باشد. در حدود ۶۰ درصد هزینه‌های مراقبت بهداشتی، ۳۵ درصد از ترخیص‌های بیمارستانی و ۴۰ درصد از روزهای بستری در بیمارستان‌ها را سالمندان به خود اختصاص می‌دهند. نشان داده شده است مشکلات و مسائل متعددی که به‌طور فیزیولوژیک در سنین بالا رخ می‌دهد، در کاهش کیفیت زندگی در طول دوره سالمندی تأثیر دارد (احمدی، نودهی، اسمعیلی، صدرالهی، ۱۳۹۶: ۲۶۴). مقوله کیفیت زندگی در قشرهای مختلف، به‌خصوص برای افراد سالمند که شرایط جسمی، روحی و روانی ویژه‌ای دارند و با تنیدگی‌های ناشی از آن شرایط خاص مواجه هستند، اهمیت زیادی دارد. سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر است و توجه به مسائل و نیازهای این دوران یک ضرورت اجتماعی است. با در نظر داشتن نیازهای خاص این دوران، توجه به رفتارهای ارتقادهنده سلامت و کیفیت زندگی در سالمندان امر بسیار مهمی است که اغلب مورد غفلت واقع می‌شود (سهرابی، عابدان زاده، شتاب بوشهری، پارسایی و جهانبخش، ۱۳۹۵: ۵۴۰). به عقیده پراون (۲۰۱۴)^۱ در روند درمان و مراقبت از سالمندان باید به عوامل مؤثر در کیفیت زندگی آنان توجه شود. راهکارهای مراقبتی و درمانی زمانی مفید و مؤثر است که کیفیت زندگی سالمندان را بهبود بخشد. یکی از مواردی که شاید توانسته باشد به طور اساسی در افزایش کیفیت زندگی سالمندان نقش داشته باشد، فعالیت بدنی منظم و مداوم است. ویوم و سافنبوم^۲ (۲۰۱۹) گزارش کردند که فعالیت بدنی با توجه به مزایای سلامتی رفتار، امروزه در تحقیقات حوزه سلامت مورد توجه فراوان قرار گرفته و نشان داده‌اند که پرداختن به فعالیت‌های بدنی با احساس بهزیستی و کیفیت زندگی بالاتر، سلامتی عضلات، استخوان‌ها و مفاصل و نیز کاهش خطر ابتلا به دیابت، بیماری‌های قلبی عروقی و برخی سرطان‌ها همراه است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۶) گزارش کردند که با توجه به افزایش تعداد سالمندان، توجه به ابعاد مختلف کیفیت زندگی آنان اهمیت فراوانی دارد و پرداختن به فعالیت‌های بدنی منظم می‌تواند به عنوان یکی

1 Brown

2 Wiium & Säfvenbom

از راهکارهای بهبود وضعیت کیفیت زندگی سالمندان مورد توجه قرار گیرد. ین و لین^۱ (۲۰۱۸) در نتیجه بررسی‌های خود گزارش کردند که سالمندان می‌توانند با افزایش مشارکت در فعالیت‌های بدنی، نمرات بهتری در مؤلفه‌های ذهنی، عملکرد اجتماعی و عاطفی نسبت به افراد کم تحرک به‌دست آورند و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی خود را ارتقا دهند. رزاقی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که انجام فعالیت بدنی و داشتن تحرک کافی در دوران سالمندی می‌تواند موجب بهبود هوش هیجانی، بهزیستی روان‌شناختی و در کل سلامت روانی و کیفیت زندگی سالمندان گردد. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) بیان کردند که می‌توان از برنامه‌های ورزشی و فعالیت بدنی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده ابعاد کیفیت- زندگی سالمندان به‌ویژه افرادی که در معرض انزوای اجتماعی و تنهایی هستند، نام برد.

با توجه به یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در حوزه سالمندی، امروزه ورزش کردن یکی از مؤثرترین روش‌های پیشگیری از اختلالات دوران سالمندی است. ورزش و تحرک موجب به‌تأخیرانداختن دوران سالمندی می‌شود و سالمندانی که ورزش می‌کنند از سلامتی و نشاط بیشتری برخوردارند (شاه، پاراجاپاتی، پاتل و سونالیآ،^۲ ۲۰۱۷: ۱۰۲). با این وجود، بروز برخی از مشکلات و حوادث غیرمنتظره می‌تواند شرایط حضور افراد در اماکن عمومی و ورزشی را تحت تأثیر قرار دهد و در روند ورزش کردن و پرداختن افراد به فعالیت‌های بدنی اختلال ایجاد کند که این اتفاق با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی اماکن ورزشی کاملاً نمود پیدا کرد (صفانیا و برهمن، ۱۳۹۹: ۱۲۶).

یکی از مهمترین عواقب شیوع و همه‌گیری ویروس کرونا، ایجاد نگرانی و اضطراب اجتماعی در سرتاسر جهان است. این امر نگرانی‌هایی جدی برای شهروندان در همه کشورها حتی در جوامع بدون شیوع ویروس کرونا ایجاد کرده است (احمدی، اصفهانی‌نیا، نودهی، و احمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۰) این نگرانی در محیط‌های ورزشی هم به خوبی مشهود است؛ زیرا در روزهای آغازین شیوع بیماری کوید-۱۹ بیشتر فعالیت‌های ورزشی به حالت تعلیق درآمد. به اعتقاد اپیدمیولوژیست‌ها، اصلی‌ترین محیط‌های مستعد برای انتقال و اپیدمی شدن ویروس‌ها، محیط‌هایی هستند که تعاملات بدنی در آن‌ها زیاد است (بولتس، بیوجین، ریچاردوس و ووتن،^۳ ۲۰۱۵: ۲۰۹)؛ این خصیصه یکی از ویژگی‌های مهم محیط‌های ورزشی است. بنابراین، به نظر می‌رسد محیط‌های ورزشی و ورزشکاران جزو اصلی‌ترین افراد مستعد برای انتقال ویروس‌ها و

1 Yen & Lin

2 Shah, Prajapati, Patel & Sonaliya

3 Bults, Beaujean, Richardus & Voeten,

نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

درگیری با آنها هستند و کارشناسان مربوطه به افراد توصیه کردند که به منظور استفاده از مزایای ورزش برای سلامت جسمی و روانی، از حضور در اماکن عمومی خودداری و فعالیت‌های ورزشی خود را به انجام تمرینات بدنی در محیط خانه محدود کنند (نوروزی سیدحسینی، ۱۳۹۹: ۲۴۵). حمامی و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود بیان کردند که شیوع ویروس کرونا شکل کلی ورزش را دچار تغییر کرده است و با شکل‌گیری قرنطینه خانگی، خانه محیط اصلی برای انجام فعالیت ورزشی است که یکی از آثار کرونا به حساب می‌آید و شعار «فعال ماندن در خان» را مورد تأکید قرار دادند. پارنل^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود با عنوان «کرونا و ورزش» به بررسی تأثیرات کرونا در ورزش پرداختند و بیان کردند که کرونا باعث شده است که نحوه پرداختن به فعالیت‌های ورزشی با تغییرات بنیادین مواجه شود و به دلیل مسائل بهداشتی، ورزش کردن در خانه مورد توجه قرار گیرد. طبیبی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی پارادایم توسعه بهبود فرهنگ ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا پرداختند و گزارش کردند که شیوع کرونا ویروس منجر به توسعه جو فرهنگی ورزش در خانواده شده است و توسعه ورزش‌های خانگی در دوران قرنطینه خانگی، بهبود تندرستی و سلامت جسمی و نیز افزایش میزان نشاط، شادابی و صمیمیت افراد را به همراه داشته است.

براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، سرعت در حال رشد جمعیت افراد مسن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بدان معنی است که همه آنها در معرض خطر چالش کیفیت زندگی خود قرار دارند. چالش قرن بیست و یکم تأخیر در شروع ناتوانی و تضمین کیفیت مطلوب برای افراد مسن است. سازمان بهداشت جهانی اخیراً به کشورهای عضو هشدار داده است که افزایش تعداد سالمندان و پیر شدن جامعه، افزایش سطح بیماری‌های مزمن و کاهش سطح رفاه را به همراه خواهد داشت و لذا از این مسئله برای تبدیل شدن به یک چالش مهم بهداشت عمومی در جهان استفاده می‌کنند (سازمان بهداشت جهانی^۲، ۲۰۱۶). افزایش جمعیت سالمندان در ایران نیز مانند کشورهای دیگر به علت کاهش مولید، بهبود وضعیت بهداشت و افزایش امید به زندگی، ضرورت توجه به مسئله بهداشت، سلامت، تأمین آسایش و رفاه سالمندان در جامعه و همچنین رفع احتیاجات و مشکلات این قشر از جامعه را امری ضروری کرده است (جورکش و نظری، ۱۳۹۸: ۳۵). به منظور بهبود وضعیت کیفیت زندگی سالمندان باید مطالعات و برنامه‌ریزی‌های مختلفی در ابعاد گوناگون زندگی این قشر از افراد جامعه صورت پذیرد. از طرف دیگر، پزشکان و متخصصان

1. Parnell

2 World Health Organization

علوم سلامت همواره توصیه می‌کنند که پیشگیری بهتر از درمان است. یافتن راهکارهای بهبود وضعیت سلامت و تندرستی افراد خواه در بُعد جسمانی و خواه در بُعد روحی و روانی که در نهایت منجر به افزایش سطح کیفیت زندگی افراد می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از ابتلای افراد به بیماری‌ها داشته باشد. همان گونه که تحقیقات علمی نشان داده اند، ورزش کردن یکی از مؤثرترین روش‌های پیشگیری از اختلالات دوران سالمندی است. ورزش و تحرک موجب به تأخیر انداختن دوران سالمندی می‌شود. سالمندانی که ورزش می‌کنند سلامتی و نشاط بیشتری دارند و لذا این ضرورت احساس می‌شود که در شرایط فعلی که شیوع ویروس کرونا و اجرا محدودیت‌ها و فاصله گذاری‌های اجتماعی موجب شده است تا امکان حضور سالمندان در اماکن ورزشی و پارک‌ها برای پرداختن به فعالیت‌های بدنی و ورزشی وجود نداشته باشد، موضوع ورزش کردن در منزل و در شرایط قرنطینه خانگی جدی گرفته شود. به نظر می‌رسد علیرغم پشت سر گذاشتن چندین مرحله از اوج گیری شیوع ویروس کرونا، هنوز هم حضور در اماکن ورزشی عمومی با خطر فراوانی همراه است و ورزش کردن در خانه می‌تواند در این زمینه کمک کننده باشد. از طرفی، تحقیقات نشان داده است که با وجود اینکه افراد در هر سنی در معرض ابتلا به بیماری کووید ۱۹ قرار دارند، با توجه به تجربه بیماری سارس و مرس که مشابه کووید ۱۹ هستند، احتمال ابتلا به عفونت‌های شدید، عوارض، ناتوانی و مرگومیر در سالمندان بیشتر است (کونز و مینر^۱، ۲۰۲۰). «مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آمریکا» گزارش داد اگرچه ۱۷ درصد از کل جمعیت ایالات متحده را افراد مسن‌تر از ۶۵ سال تشکیل می‌دهند، اما ۳۱ درصد از افراد مبتلا به کووید ۱۹، ۴۵ درصد از بستری‌ها، ۵۳ درصد از افراد بستری در بخش‌های مراقبت ویژه و ۸۰ درصد مرگومیر ناشی از این بیماری در سالمندان دیده می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که احتمالاً سالمندان بیشتر در معرض خطر ابتلا به کووید ۱۹ هستند و پیامدهای بدتری را تجربه می‌کنند (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰). بر همین اساس ضرورت توجه به ابعاد توسعه سلامت و کیفیت زندگی سالمندان بیشتر احساس می‌شود و بررسی پژوهش‌هایی که با بروز بحران شیوع ویروس کرونا در سطح کشورهای مختلف انجام شده است، نشان داد که پژوهشی که به ابعاد کیفیت زندگی سالمندان با تاکید بر فعالیت‌های بدنی و ورزشی در دوران قرنطینه پرداخته باشد انجام نشده است. از طرفی، ماندن در قرنطینه خانگی بدون برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه سطح تندرستی افراد چه به لحاظ جسمانی و چه به لحاظ روانشناختی می‌تواند عواقب ناگواری را به همراه داشته باشد و این مسئله اهمیت موضوع را در حوزه

1 Kuntz & Minder

نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

سالمندان که در مرحله حساسی از زندگی به سر می‌برند، دوچندان کرده است. بنابراین لزوم برنامه‌ریزی جامع، مدون و علمی به منظور توسعه میزان مشارکت افراد سالمند در فعالیت‌های بدنی و ورزشی احساس می‌شود. بدون شک، یافته‌های حاصل از این تحقیق از این جهت دارای اهمیت است که می‌تواند موجب هدایت بیشتر سالمندان به حضور در برنامه‌های ورزشی شود و از این جهت سلامت جسمانی و روحی و روانی افراد که در مجموع موجب بهبود کیفیت زندگی آنان خواهد شد ارتقا یابد. از طرف دیگر، افزایش مشارکت سالمندان در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند میزان مراجعه آنان به مراکز درمانی را کاهش دهد و از این جهت هزینه‌های پزشکی خانواده‌ها به منظور معاینه و درمان بیماری‌ها کاهش خواهد یافت. لذا هدف از انجام تحقیق حاضر، مقایسه کیفیت زندگی سالمندان فعال و غیرفعال با تاکید بر نقش ورزش در قرنطینه خانگی ناشی از شیوع کووید-۱۹ بود.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی پیمایشی و شیوه گردآوری داده‌ها، به صورت میدانی بود. جامعه آماری این تحقیق کلیه سالمندان بالای ۶۰ سال استان خراسان شمالی بودند که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنان حدود ۵۳ هزار نفر بود. روش نمونه‌گیری این مطالعه به صورت نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. بدین منظور، محقق و همکاران به امکان مدنظر این تحقیق (مراکز نگهداری سالمندان و كانون بازنشستگان) که محل تجمع سالمندان می‌باشند مراجعه و پس از مصاحبه‌ای کوتاه با افراد حاضر، آن‌هایی را که برای همکاری ابراز تمایل نمودند، به عنوان نمونه انتخاب کردند که در نهایت تعداد ۱۶۸ نفر با تیم تحقیق همکاری کردند. ملاک ورود به این مطالعه داشتن سن بالای ۶۰ سال، داشتن ملیت ایرانی، توانایی تکلم به زبان فارسی، فقدان وجود بیماری روانی شناخته شده (سایکوز)، داشتن هوشیاری کامل در زمان مطالعه، وجود توانایی برقراری ارتباط و قدرت پاسخگویی به سؤالات مطالعه و ساکن بودن در استان خراسان شمالی بود. ملاک خروج، انصراف نمونه از پاسخگویی به پرسشنامه در حین انجام کار و مصاحبه بود.

پرسشنامه برای هر فرد جداگانه و با رعایت حریم خصوصی تکمیل شد. سالمندانی که از توانایی خواندن و نوشتن برخوردار نبودند به روش مصاحبه‌ای هر یک از پرسشنامه‌ها برای آن‌ها قرائت شد و گویه‌های پرسشنامه بر اساس نظر و انتخاب وی پر شد. سالمندانی که از توانایی خواندن و نوشتن برخوردار بودند، پرسشنامه در اختیار آنان قرار داده شد تا نسبت به پر کردن گویه‌های آن اقدام نمایند و در همان مقطع زمانی حضور پرشگر فرم‌های پرسشنامه جمع‌آوری شد. اگر پرسشنامه‌ای اطلاعات ناقص داشت از شرکت‌کننده خواسته شد نسبت به تکمیل اطلاعات اقدام کند. به منظور بررسی میزان فعالیت‌های بدنی

سالمندان حاضر در این پژوهش، از آزمودنی‌های تحقیق خواسته شد که میزان پرداختن خود به فعالیت‌های بدنی و ورزشی در طول هفته را در پرسشنامه مشخص نمایند. بر این اساس سالمندان در دو گروه فعال و غیرفعال گروه‌بندی شدند؛ به نحوی که گروه سالمندان فعال شامل افرادی بود که حداقل دو جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در هفته به انجام فعالیت‌های بدنی و ورزشی در محل زندگی در دوران قرنطینه می پرداختند. گروه غیرفعال را افرادی تشکیل دادند که طبق اظهار خود، در طول هفته فعالیت‌های بدنی و ورزشی خاصی را انجام نمی دادند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات چندبخشی شامل اطلاعات جمعیت‌شناسی و پرسشنامه کیفیت زندگی ۳۶ سؤال (SF-36) بود. پرسشنامه مذکور ازجمله ابزار معتبر و استاندارد برای سنجش وضعیت کیفیت زندگی افراد می‌باشد که در آن بر فعالیت‌های بدنی آزمودنی‌ها تأکید شده است و از این لحاظ که تحقیق حاضر بر کیفیت زندگی سالمندان با تأکید بر فعالیت‌های بدنی آزمودنی‌ها می‌پردازد، برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. این پرسشنامه خود گزارشی که عمدتاً جهت بررسی کیفیت زندگی و سلامت استفاده می‌شود توسط ویر و شربورن^۱ (۱۹۹۲) ساخته شد و دارای ۳۶ عبارت است و ۸ قلمرو عملکرد جسمی، عملکرد اجتماعی، ایفای نقش جسمی، ایفای نقش هیجانی، سلامت روانی، سرزندگی، درد بدنی و سلامت عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پرسشنامه SF-36 استاندارد بوده و در بسیاری از تحقیقات به کاربرده شده و روایی و پایایی آن نیز مورد اثبات قرار گرفته است. این ابزار یکی از ابزارهای معتبر بررسی کیفیت زندگی می‌باشد که از زمان انتشار آن در سال ۱۹۹۰ تاکنون در بیش از ۵۰ کشور ازجمله ایران استانداردسازی شده است. مدت زمان پاسخ به این پرسشنامه برای افراد عادی ۱۵ - ۵ دقیقه است (نودهی مقدم، رشید، حسینی اجداد نیای و حسین زاده، ۱۳۹۸: ۱۷)، در مطالعات متعددی روایی و پایایی این پرسشنامه در ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است. احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، نودهی مقدم و همکاران (۱۳۹۸) و غیرتی قاسم آبادی و موسوی بزاز (۱۳۹۹) در تحقیق خود روایی و پایایی این پرسشنامه را تایید کردند. پرسشنامه در این تحقیق با توجه به رویکرد فعالیت بدنی مورد بازبینی قرار گرفت و برای تعیین پایایی این پرسشنامه در تحقیق حاضر، از روش آزمون-آزمون مجدداً استفاده گردید. بدین منظور ابتدا پرسشنامه به ۱۰ نفر از نمونه‌های تحقیق داده شد و پس از تکمیل پرسشنامه، یک هفته بعد مجدداً پرسشنامه جهت پاسخگویی به همان افراد ارائه گردید و ضریب همبستگی پیرسون بین دو مرحله پاسخگویی محاسبه گردید و با به دست

1 Ware & Sherbourne

2 Test-Retest

نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

آمدن $I=0/89$ پایایی این ابزار تأیید شد. با توجه به پیچیدگی نمره‌گذاری این پرسشنامه نمره‌گذاری کامل آن‌که در چندین مرحله صورت می‌گیرد نمره بالاتر به منزله کیفیت زندگی بهتر است. پس از نمره‌گذاری ۸ زیرمقیاس زیر برای این پرسشنامه به دست خواهد آمد. هشت زیرمقیاس این پرسشنامه محدودیت عملکرد بدنی، مشکلات جسمانی، مشکلات عاطفی، انرژی/سرزندگی، سلامت روانی، عملکرد اجتماعی، درد و سلامت عمومی است. همچنین از ادغام زیرمقیاس‌ها دو زیرمقیاس کلی با نام‌های «سلامت جسمی» و «سلامت روانی» به دست می‌آید. برای به دست آوردن ۸ زیرمقیاس باید سؤالات مربوط به هر زیرمقیاس را جمع و سپس تقسیم بر تعداد سؤالات نمود. بنابراین نمرات هر زیرمقیاس بین ۰ تا ۱۰۰ خواهد بود. به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، نتایج حاصل از تحقیق در دو سطح آماری توصیفی و استنباطی ارائه گردیده است. در مرحله اول به منظور تحلیل توصیفی، از جداول فراوانی، درصد و میانگین جهت توصیف نمونه‌های آماری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها با توجه به فرضیه‌های تحقیق و مقیاس به کار رفته، از آزمون‌هایی همچون کولموگروف اسمیرنوف، یومن ویتنی و فریدمن استفاده شد. سطح معناداری $0/05 \leq P$ در نظر گرفته شد و تمام عملیات آماری با استفاده از نرم‌افزار Spss-22 انجام شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی مربوط به نمونه‌های تحقیق در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱: توصیف مشخصات فردی سالمندان فعال و غیرفعال در قرنطینه خانگی کووید-۱۹

آزمودنی‌ها		فعال		غیرفعال		مجموع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۶۱	۳۶/۳۱	۱۰۷	۶۳/۶۹	۱۶۸	۱۰۰		
سن (انحراف معیار $\pm$ میانگین)		۶۶/۴۷ $\pm$ ۴/۲۸		۶۵/۱۹ $\pm$ ۵/۳۶			
قد (انحراف معیار $\pm$ میانگین)		۱۶۵/۴۹ $\pm$ ۵/۰۸		۱۶۴/۲۱ $\pm$ ۴/۵۷			
وزن (انحراف معیار $\pm$ میانگین)		۶۴/۵۰ $\pm$ ۴/۲۸		۶۵/۳۰ $\pm$ ۴/۱۹			

به منظور بررسی نرمال بودن یا غیر نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگراف-اسمیرنوف^۱

(K-S) استفاده شد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از $(\alpha=0/05)$ یعنی $(\text{sig} < \alpha)$ به دست آمد، لذا

1 Kolmogorov-Smirnov (k-s)

فرض نرمال بودن توزیع مشاهدات رد شد. بنابراین، برای مقایسه وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی افراد، آزمون ناپارامتریک یومن ویتنی مورد استفاده قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ مشاهده می‌شود:

جدول ۲: مقایسه وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی سالمندان فعال و غیرفعال در قرنطینه خانگی کووید-۱۹

شاخص‌های کیفیت زندگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	یومن ویتنی	Z	معنی‌داری
مشکلات جسمانی	۶۱	۴۸/۶	۱۵/۸	۲۲۱۸/۴	-۲/۱۹	۰/۰۱۹*
	۱۰۷	۶۷/۴	۱۲/۶			
مشکلات عاطفی	۶۱	۴۴/۳	۱۱/۳	۲۱۶۷/۹	-۲/۴۷	۰/۰۰۱*
	۱۰۷	۶۳/۵	۱۵/۷			
محدودیت عملکرد بدنی	۶۱	۳۲/۸	۱۷/۲	۲۳۰۹/۱	-۰/۶۴	۰/۰۰۳*
	۱۰۷	۵۲/۹	۱۲/۵			
انرژی و سرزندگی	۶۱	۶۰/۳	۱۶/۴	۲۱۳۵/۷	-۳/۱۳	۰/۰۰۴*
	۱۰۷	۴۹/۱	۱۴/۷			
سلامت روانی	۶۱	۵۸/۷	۱۳/۲	۲۲۰۷/۸	-۱/۶۸	۰/۰۲۷*
	۱۰۷	۴۴/۳	۱۲/۹			
عملکرد اجتماعی	۶۱	۵۰/۲	۱۵/۳	۲۲۶۱/۳	-۰/۴۲	۰/۰۴۸*
	۱۰۷	۴۸/۶	۱۴/۴			
سلامت عمومی	۶۱	۵۹/۱	۱۷/۶	۲۳۱۹/۶	-۲/۲۹	۰/۰۰۸*
	۱۰۷	۴۲/۸	۱۳/۵			
درد بدنی	۶۱	۴۸/۸	۱۶/۷	۲۲۳۶/۴	-۱/۱۶	۰/۰۰۵*
	۱۰۷	۶۱/۴	۱۲/۸			

*در سطح ۵٪ $P \leq$ معنادار است.

نتایج آزمون من ویتنی یو نشان داد زیرمقیاس‌های محدودیت عملکرد بدنی ($P=0/019$)، مشکلات جسمانی ($P=0/001$)، مشکلات عاطفی ($P=0/003$)، انرژی/سرزندگی ($P=0/004$)، سلامت روانی ($P=0/027$)، درد ($P=0/008$) و سلامت عمومی ($P=0/005$) کیفیت زندگی سالمندان فعال در دوران قرنطینه خانگی اختلاف معناداری با کیفیت زندگی سالمندان غیرفعال داشت. (جدول ۲). با توجه به اهداف تحقیق رتبه‌بندی ابعاد کیفیت زندگی سالمندان مورد توجه بود که بدین منظور از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳: رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی سالمندان در دوران قرنطینه خانگی

ردیف	شاخص	میانگین رتبه	تعداد	خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	سلامت روانی	۵ / ۴۵	۱۶۸	۳۶۷ / ۲۱۴	۷	۰/۰۰۱
۲	انرژی و سرزندگی	۵ / ۲۳				
۳	سلامت عمومی	۵ / ۰۶				
۴	مشکلات عاطفی	۴ / ۸۵				
۵	مشکلات جسمانی	۴ / ۴۲				
۶	محدودیت عملکرد بدنی	۴ / ۱۷				
۷	درد بدنی	۳ / ۸۸				
۸	عملکرد اجتماعی	۳ / ۶۹				

با توجه به یافته‌های جدول ۳ می‌توان مشاهده نمود که بین شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی سالمندان تحقیق حاضر تفاوت معناداری وجود دارد و مولفه‌های هشتگانه کیفیت زندگی از رتبه یکسانی برخوردار نیستند. با توجه به یافته‌های جدول، مولفه سلامت روانی با میانگین رتبه‌ای ۵ / ۴۵، بالاترین و عملکرد اجتماعی با میانگین رتبه‌ای ۳ / ۶۹، پایین‌ترین رتبه را در بین مولفه‌های مختلف کیفیت زندگی سالمندان به دست آوردند.

بحث و نتیجه‌گیری

بیماری کووید ۱۹ بر همه جنبه‌های زندگی بشر از جمله مسائل روان‌شناختی تأثیر گذاشته است. پس از اینکه نتایج مطالعات نشان داد سالمندان در برابر این ویروس در معرض خطر بیشتری هستند، سازمان بهداشت جهانی و دولت‌ها به سالمندان توصیه کردند که برای پیشگیری از ابتلا در خانه بمانند، فاصله اجتماعی را رعایت کنند و از دیدار با دوستان و خانواده خودداری کنند (بروک و جکسون^۱، ۲۰۲۰). در حالی که جداسازی سالمندان برای امنیت جسمی آن‌ها ضروری است، اجرای آن بدون نظارت، مدیریت و حمایت‌های لازم باعث افزایش تنهایی، بدتر شدن وضعیت روحی، به خطر انداختن استقلال سالمندان و تأثیر بر سلامت کلی آن‌ها خواهد شد (بانجرین^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). بدون شک فاصله گرفتن از اجتماع و قرنطینه کردن خود در خانه برای همه افراد به خصوص سالمندان یک تجربه ناخوشایند است و باعث ایجاد

1 Brooke & Jackson

2 Banjerin

استرس در این گروه می‌شود. در این شرایط آن‌ها ممکن است احساس کنند که طرد شده‌اند و دیگران آن‌ها را فراموش کرده‌اند. این شرایط باعث بدتر شدن وضعیت سالمندانی می‌شود که از قبل دچار انزوای اجتماعی یا اختلالات شناختی مانند آلزایمر و دمانس بوده‌اند و ممکن است باعث ایجاد یا تشدید اضطراب، ترس، بی‌قراری و استرس در آن‌ها شود (جیلوها، ۲۰۲۰). این شرایط برای سالمندانی که درخانه به تنهایی زندگی می‌کنند و تنها ارتباط آن‌ها با افراد بیرون از خانه، هنگام مراجعه به مراکز درمانی، پارک‌ها، مراکز خرید و اماکن مذهبی بوده نیز بدتر است. انزوای اجتماعی ناشی از قرنطینه می‌تواند باعث پیامدهای زیادی در حیطه سلامت روان سالمندان از جمله اختلالات استرس حاد، تحریک‌پذیری، بی‌خوابی، پریشانی، اختلالات خلقی مانند افسردگی، ترس و وحشت، اضطراب و استرس ناشی از مسائل مالی، سرخوردگی، احساس تنهایی، کمبود امکانات و ارتباطات ضعیف شود. هر قدر که دوران قرنطینه بیشتر طول بکشد، پیامدهای روانی ناشی از آن نیز افزایش خواهد یافت و سالمندان در تهیه اقلام مورد نیاز خود مانند مواد غذایی و دارویی و انجام فعالیت‌های روزمره خود بیشتر دچار مشکل خواهند شد. سالمندان معمولاً به اقتضای وضعیت سنی و جسمی شان معمولاً فعالیت بدنی کاری کمتری دارند که باعث می‌شود ساعات متعددی را بدون انجام فعالیت بدنی بگذرانند. نداشتن فعالیت بدنی در چنین اوقاتی به بروز عوارض نامطلوب جسمانی و روحی منجر می‌شود. اگر آنها بتوانند اوقات فراغت خود را به صورت کاملاً برنامه‌ریزی شده بگذرانند، می‌توانند کیفیت زندگی مطلوبی را برای خود فراهم آورند. با شیوع ویروس کرونا، اماکن ورزشی به حالت تعطیل درآمدند و افراد مختلف در جامعه، به خصوص سالمندان ناگزیر به قرنطینه خانگی شدند و همین مسئله، مشکلات ناشی از کم تحرکی را به صورت جدی تری مطرح کرد. به همین دلیل، پژوهش حاضر باهدف مقایسه وضعیت کیفیت زندگی سالمند فعال و غیرفعال با تاکید بر نقش ورزش در دوران قرنطینه خانگی ناشی از شیوع کووید-۱۹ انجام شد. پس از اخذ رضایت‌نامه، وضعیت کیفیت زندگی افراد با استفاده از پرسشنامه استاندارد سنجش کیفیت زندگی SF-36 بررسی شد و نتایج نشان داد که سالمندان فعال نسبت به سالمندان غیرفعال در شاخص‌های محدودیت عملکرد بدنی، مشکلات جسمانی، مشکلات عاطفی، انرژی و سرزندگی، سلامت روانی، درد و سلامت عمومی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند، ولی در شاخص عملکرد اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نشد. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر، مشخص گردید

سالمندانی که در دوران قرنطینه خانگی به لحاظ بدنی فعال بودند و فعالیت‌های ورزشی و نرمش‌های خانگی را انجام می‌دادند، نسبت به سالمندان غیرفعال به‌طورکلی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. با گسترش کوید-۱۹، کشورهای مختلف با یک بحران جدی مواجه شدند و شیوع ویروس کرونا موجب بروز تغییرات زیادی در سبک زندگی افراد شد و ایجاد محدودیت‌های اجتماعی و قرنطینه خانگی موجب شد تا میزان تحرک بدنی افراد به‌طور چشمگیری کاهش یافت و خطر کم تحرکی برای افراد جامعه و به خصوص افراد سالمند بیشتر نمود پیدا کرد. معمولاً افراد سالمند به دلیل شرایط سنی، مشکلات جسمانی و روحی- روانی مختلفی را نیز تحمل می‌کنند. قرنطینه خانگی ناشی از شیوع کرونا ویروس می‌تواند پیامدهای منفی فروانی را برای این افراد به همراه داشته باشد. بر این اساس، یکی از توصیه‌هایی که کارشناسان و متخصصان علوم پزشکی و ورزشی در این دوران داشته‌اند، پرداختن به ورزش و فعالیت‌های بدنی بوده است، زیرا ورزش کردن می‌تواند سیستم ایمنی بدن را تقویت کند و به بهبود سطح تندرستی و جلوگیری از ابتلا به ویروس کرونا نیز کمک نماید. لذا با توجه به شرایط بوجود آمده، ورزش کردن در محیط خانه و به همراه افراد خانواده مورد تاکید قرار گرفته است (طیبی و همکاران، ۱۳۹۹). در همین رابطه، کنستانت^۱ و همکاران (۲۰۲۰) تحقیقی با عنوان «ورزش در ایام قرنطینه: تجزیه و تحلیل تأثیر کوید-۱۹ بر سطوح و الگوهای ورزش در میان سالمندان بلژیک» انجام دادند و اذعان داشتند که کشورهای سراسر جهان برای مقابله با کرونا ویروس قرنطینه را اعمال کردند. این قرنطینه‌ها امکانات ورزشی افراد را به شدت محدود کرد. در همان زمان، کارشناسان توصیه کردند که سالمندان برای جلوگیری از مشکلات سلامتی در آینده، باید در زمان قرنطینه نیز فعالیت بدنی خود را حفظ کنند. در میان افرادی که قبل از شیوع کوید-۱۹ فعالیت زیادی داشتند، افراد بالای ۵۵ سال، کسانی که تحصیلات پایینی داشتند، کسانی که با دوستان یا در باشگاه ورزشی ورزش می‌کردند و کسانی که از ابزارهای آنلاین برای ورزش استفاده نمی‌کردند، خود گزارش کردند در طول قرنطینه کمتر ورزش می‌کردند. داشتن زمان کمتر، نشستن بیشتر و از دست دادن روش‌های معمول برای فعالیت بدنی و نبود عنصر رقابتی ورزش، دلایل اصلی کاهش تمرینات در طول دوران قرنطینه خانگی خود گزارش شده بود. با توجه به اهمیت فعالیت‌های بدنی برای بهبود سطح کیفی زندگی افراد سالمند و از طرفی، خطرات سلامتی مرتبط با عدم تحرک بدنی، پیشنهاد شد که دولت‌ها باید در نظر بگیرند که چگونه

1 Constandt

می‌توانند افراد کم تحرک را در طول قرنطینه به ورزش تشویق کنند و شرایط مناسب را برای ارتقای سطح فعالیت‌های بدنی افراد در دوران قرنطینه ایجاد نمایند.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد سالمندانی که در دوران قرنطینه خانگی ناشی از شیوع ویروس کرونا به طور منظم به ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌پرداختند، نتایج بهتری را در شاخص کیفیت زندگی کسب کردند؛ به طوری که کیفیت زندگی افراد گروه فعال با کیفیت زندگی افراد غیرفعال اختلاف معناداری داشت و متوسط کیفیت زندگی سالمندان فعال بالاتر از سالمندان غیرفعال بود. در واقع، تأثیر مثبت فعالیت‌های بدنی بر کیفیت زندگی افراد ناشی از اثرات مثبت فعالیت در شخص به وجود می‌آید؛ زیرا پرداختن به فعالیت‌های جسمانی موجب بروز تغییرات مثبت در ویژگی‌های مختلف جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی افراد می‌شود که برآیند این اثرات، سبب ارتقای سطح کیفیت زندگی افراد می‌گردد (طاهری و ایراندوست، ۱۳۹۸؛ امین شکروی و همکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های تحقیق طیبی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که افرادی که در دوران قرنطینه خانگی به ورزش کردن در محیط خانه می‌پردازند، از وضعیت تندرستی و سلامت جسمانی بهتری برخوردار هستند و به لحاظ روحی روانی نیز نتایج پژوهش آنان نشان داد که ورزش کردن در دوران شیوع کرونا، نشاط، شادابی و صمیمیت برای افراد به همراه می‌آورد. گئوتال^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نیز تحقیقی با عنوان «تأثیر قرنطینه خانگی بر فعالیت بدنی در میان سالمندانی که در خانه در طول بیماری همه گیر COVID-19 زندگی می‌کنند» انجام دادند و گزارش کردند که اگرچه افراد مسن به دلیل اینکه بیشتر در معرض ابتلا به بیماری کروناویروس (COVID-19) هستند، باید در خانه بمانند، اما باید از یک شیوه زندگی بی‌تحرک اجتناب کنند. فعالیت بدنی برای افراد مسن مهم است، به ویژه برای حفظ سطح استقلال، سلامت روانی و رفاه آنها و لذا، پرداختن به فعالیت‌های بدنی در طول دوره همه‌گیری ویروس کرونا برای سالمندان ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر با یافته‌های سایر تحقیقات از جمله: گئوتال و همکاران (۲۰۲۰) در مورد تأثیر مثبت ورزش کردن در دوران قرنطینه خانگی بر سلامت جسمی و روانی سالمندان؛ کنستانت و همکاران (۲۰۲۰) درباره اهمیت ورزش کردن سالمندان در دوران قرنطینه خانگی؛ طاهری و ایراندوست (۱۳۹۹) در مورد تأثیر مثبت ورزش بر ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی سالمندان؛ احمدی و همکاران (۱۳۹۶) درباره تأثیر مثبت ورزش بر سلامت عاطفی و جسمانی سالمندان و نیز نودهی مقدم و همکاران

1 Goethals

نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

(۱۳۹۸) در مورد نقش مثبت و تاثیرگذار فعالیتهای ورزشی بر بهبود کیفیت زندگی سالمندان همسو می- باشد.

در رابطه با مولفه های مختلف شاخص کیفیت زندگی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ورزش کردن افراد در دوران قرنطینه موجب شده است که سالمندان فعال نسبت به سالمندان غیرفعال در شاخص های محدودیت عملکرد بدنی، مشکلات جسمانی، مشکلات عاطفی، انرژی و سرزندگی، سلامت روانی، درد و سلامت عمومی از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. در رابطه با مولفه های کیفیت زندگی می توان اذعان نمود که سالمندانی که به انجام ورزش و فعالیتهای بدنی منظم می پردازند با محدودیت های جسمانی کمتری مواجه هستند و در نتیجه مشکلات جسمی آنان در مقایسه با آزمودنی های غیرفعال به طور معناداری کمتر است. در این زمینه می توان اذعان کرد که پرداختن به فعالیتهای ورزشی موجب بهبود سطح تندرستی و سلامت جسمانی می شود و افراد فعال در مقایسه با افراد غیرفعال، به میزان کمتری از مشکلات جسمانی از جمله چاقی و اضافه وزن، امراض قلبی عروقی، بیماری های ریوی، مشکلات استخوانی- عضلانی و ... رنج می برند. با افزایش سن، نقش ورزش و فعالیتهای بدنی در تأمین سلامت جسمانی بیشتر و پر رنگ تر می شود. آنچه مسلم است، انجام فعالیتهای بدنی و ورزشی منظم موجب بهبود آمادگی جسمانی و فاکتورهای تشکیل دهنده آن همچون استقامت قلبی عروقی، استقامت عضلانی، قدرت، تعادل و ... می شود و به همین دلیل نیز سالمندانی که در دوران قرنطینه خانگی به طور منظم به انجام ورزش ها و تمرینات بدنی پرداخته اند، به لحاظ عملکرد بدنی در شرایط بهتری قرار دارند که یافته های تحقیق حاضر نیز همین مطلب را نشان داد و سالمندان فعال دارای نمرات بهتری در مولفه عملکرد بدنی بودند و محدودیت های کمتری در عملکرد بدنی خود داشتند. فعالیت جسمانی با اثراتی که در ویژگی ها و توانایی های بدن افراد ایجاد می کند به عنوان یک مانع در برابر بیماری ها عمل کرده و باعث ارتقای وضعیت جسمانی می گردد و معمولاً افرادی که از توانایی بهتر و بالاتری برخوردار می باشند از سازش، هماهنگی و رضایتمندی بیشتری در زندگی برخوردار می باشند که منجر می شود تا سلامت افراد از بعد عاطفی و روانی ارتقا پیدا کند. از مولفه های کیفیت زندگی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، سلامت عاطفی بود و یافته های تحقیق در این زمینه مشخص کرد که میانگین نمران شاخص سلامت عاطفی در سالمندان فعال در مقایسه با سالمندان غیرفعال بالاتر بود. در همین رابطه، یافته های سایر تحقیقات از جمله: احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، شاه (۲۰۱۷)، حسن پور دهکردی و همکاران (۱۳۸۶) و رضانی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) نیز نشان داد که پرداختن به فعالیتهای بدنی و ورزشی تاثیر مثبت و معناداری بر سلامت عاطفی افراد دارد که با یافته های

پژوهش حاضر همسو بود. همچنین، با توجه به یافته‌های تحقیق، سالمندان فعال در مقایسه با سالمندان غیرفعال از مؤلفه انرژی و سرزندگی بالاتری برخوردار بودند. به گزارش باتاگلیا^۱ و همکاران (۲۰۱۶) انجام فعالیت‌های ورزشی و بدنی برای سالمندان جنبه سرگرمی و تفریحی دارد و برای آنان ایجاد نشاط می‌کند و تقویت بعد روحی روانی را به همراه دارد. یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) یکی از انگیزه‌های ورزش کردن زنان میانسال را احساس لذت و سرحالی بیان کردند. سیندی^۲ و همکاران (۲۰۰۸) نیز انگیزه‌های اصلی زنان میانسال چینی برای شرکت در برنامه‌های ورزشی را علاقه و لذت بردن از فعالیت‌ها دانستند. همچنین، سالمندان فعال، به دلیل کسب آمادگی جسمانی و عملکرد بدنی بهتر، مشکل درد جسمانی کمتری داشتند و از سلامت عمومی بالاتری برخوردار بودند. یافته‌های علمی در حوزه پزشکی نیز امروزه به اهمیت ورزش و فعالیت‌های بدنی در پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری‌ها تاکید دارند و توصیه پزشکان جهت درمان بسیاری از امراض جسمی و نیز بیماری‌های روحی روانی، پرداختن به ورزش و فعالیت بدنی است. معمولاً افرادی که به طور منظم به ورزش کردن می‌پردازند، سالم‌تر از افراد غیرفعال هستند، بنابراین، احساس درد کمتر سالمندان فعال در مقایسه با سالمندان غیرفعال نیز طبیعی به نظر می‌رسد. هرچند که با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، سالمندان فعال در مقایسه با سالمندان غیرفعال نمرات بهتری را در مولفه‌های مختلف کیفیت زندگی به دست آوردند، لیکن در مولفه عملکرد اجتماعی، تفاوت معناداری بین دو گروه فعال و غیرفعال مشاهده نشد. می‌توان گفت که ورزش کردن به صورت انفرادی گرچه تأثیرات فراوانی را به همراه دارد، اما نمی‌تواند بر شاخص عملکرد اجتماعی کیفیت زندگی تأثیر معناداری را داشته باشد و سالمندان فعال مورد مطالعه در تحقیق حاضر به دلیل اینکه در قرنطینه خانگی به سر می‌بردند و فعالیت‌های بدنی را به صورت انفرادی انجام می‌دادند، نمرات کسب شده در این مولفه برای دو گروه تفاوت معناداری را نشان نداده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که شرکت کردن افراد در فعالیت‌های ورزشی اگر به صورت ورزش‌های گروهی و دسته‌جمعی باشد می‌تواند بر مؤلفه عملکرد جسمانی سالمندان تأثیرگذار باشد. یافته‌های تحقیق احمدی و همکاران (۱۳۹۶) نیز با نتایج تحقیق حاضر همسو بود.

از جمله پیامدهای مثبت ورزش و فعالیت‌های بدنی، تقویت بعد روحی روانی در افراد به دلیل ایجاد نشاط و سرزندگی است که در همین رابطه یافته‌های تحقیق حاضر نیز نشان داد که سالمندان فعال در مقایسه با سالمندان غیرفعال از سلامت روانی بالاتری برخوردار بودند. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیق

1 Battaglia

2 Cindy

نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

امیدوار و همکاران (۲۰۲۰)، سهرابی و همکاران (۲۰۱۷) و ین و لین (۲۰۱۸) همخوانی دارد. مسلم است که تحرک، فعالیت، نشاط و طراوت جسمانی به نشاط و شادابی روانی و ایجاد حالت سرخوش و احساس مثبت منجر خواهد شد. ورزش علاوه بر جسم، اثرات مفیدی بر ذهن و حالات هیجانی انسان دارد. امروزه هر برنامه کاهش استرس قطعاً تعدادی حرکات ورزشی از دودین‌های شدید تا حرکات ایستا، همانند یوگا و تمرینات تنفسی را شامل می‌شود. به گزارش «انجمن ملی بهداشت روان آمریکا»، ورزش با کاهش اضطراب همراه است، افسردگی خفیف تا متوسط را کاهش می‌دهد و شاخص‌های مختلف استرس را کم می‌کند و در نتیجه موجب ارتقای سطح کیفیت زندگی می‌گردد.

شیوع ویروس کرونا با ایجاد محدودیت‌هایی در زندگی با هدف کاهش تعداد بیماران، شرایط ورزش در بیرون از خانه را محدود کرده است. با این وجود، فعالیت بدنی به قدری برای سلامت جسم و روح ما ضروری است که حتماً باید برای آن برنامه منظمی داشته باشیم. در شرایط کنونی که امکان انجام ورزش در بیرون خانه کم شده است، فعال بودن تا حد امکان، اهمیت بسیار زیادی دارد. در این شرایط، حتی فعالیت‌های کوچک هم مفید هستند. به عنوان نمونه، پس از مدتی نشستن از جا برخیزیم و حدود ۵ دقیقه در منزل قدم بزنیم. همین کار کمک می‌کند فشار از روی یک سری خاص از عضلات برداشته شود و برعکس، عضلات دیگر که بی‌حرکت بودند به فعالیت پردازند. حداقل میزان فعالیت بدنی لازم برای سلامتی بیشتر در سنین مختلف تفاوت‌هایی دارد. بنا بر توصیه سازمان بهداشت جهانی، فعالیت‌های بدنی در دوران قرنطینه خانگی به منظور حفظ سطح تندرستی ضروری هستند و افراد در سنین مختلف، به‌ویژه در دوران سالمندی باید توجه ویژه‌ای به سبک زندگی فعال داشته باشند تا بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. مطالعات مختلفی که با شیوع ویروس کرونا در زمینه سالمندی صورت گرفت نیز به دلیل محدودیت‌های حفظ فاصله اجتماعی و تعطیلی اماکن ورزشی، اهمیت موضوع فعالیت‌های بدنی در منزل را مورد توجه قرار دادند و بر نقش ورزش در خانه به منظور ارتقای سطح سلامت جسمی، روانی و در نتیجه بهبود سطح کیفیت زندگی افراد سالمند تاکید کردند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سالمندانی که در دوران قرنطینه خانگی ناشی از شیوع ویروس کرونا فعالیت‌های بدنی منظم را انجام می‌دادند از کیفیت زندگی بالاتری نسبت به سالمندان غیرفعال برخوردار بودند. پرداختن به فعالیت‌های بدنی منظم در گروه آزمودنی‌های فعال، موجب کسب نمرات بالاتری در مقایسه با گروه غیرفعال در مؤلفه‌های مختلف کیفیت زندگی شامل سلامت عملکرد بدنی، سلامت جسمانی، سلامت عاطفی، انرژی/سرزندگی، سلامت روانی، درد و سلامت عمومی گردید. با توجه به یافته‌های این تحقیق و محدودیت‌های ایجاد شده ناشی از شیوع کرونا و تغییر سبک زندگی افراد و به وجود آمدن پدیده‌ای به نام «قرنطینه خانگی»، ورزش کردن و انجام فعالیت‌های

بدنی به عنوان ابزاری مناسب جهت ارتقای سلامتی افراد سالمند توصیه می‌گردد. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد خانواده‌هایی که در آن‌ها افراد سالمند حضور دارند به مسئله ورزش و فعالیت بدنی سالمندان توجه داشته باشند و آنان را در جهت شرکت در برنامه‌های منظم فعالیت بدنی ترغیب نمایند. مسئولان و دست‌اندرکاران ورزش نیز می‌توانند با همکاری اصحاب رسانه نسبت به تولید محتوا در زمینه فعالیت‌های بدنی مناسب برای سالمندان و نیز آگاهی بخشی در زمینه مزایای حاصل از شرکت کردن این افراد در برنامه‌های ورزشی، در جهت فرهنگ‌سازی برای توسعه ورزش‌های خانگی برای سالمندان اقدامات موثری را انجام دهند.

منابع

- ابراهیمی، زینت؛ اسماعیل‌زاده قندهاری، محمدرضا و ویسی، کورش. (۱۳۹۸). «تأثیر مداخله ورزشی مبتنی بر برنامه‌های بین‌نسلی بر کیفیت زندگی سالمندان». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۴(۴)، صص ۴۰۶-۴۲۱.
- احمدی، مجتبی؛ نودهی، محمدعلی؛ اسمعیلی، محسن و صدرالهی، علی. (۱۳۹۶). «مقایسه کیفیت زندگی زنان سالمند فعال و غیرفعال با تأکید بر فعالیت‌های بدنی». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۲(۳)، صص ۲۶۲-۲۷۵.
- احمدی، مهدی؛ اصفهانی‌نیا، اکرم؛ نودهی، محمد علی و احمدی، مجتبی. (۱۳۹۹). «تدوین چارچوب راهکارهای کنترل و جبران ضررهای مالی در صنعت ورزش (مطالعه موردی: شیوع ویروس کرونا در ایران)». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۱۰(۲۰)، صص ۹۷-۱۱۰.
- اصغری مقدم، محمدعلی و فقیهی، سمانه. (۱۳۸۲). «اعتبار و پایایی پرسشنامه زمینه‌یابی سلامت (فرم کوتاه ۳۶ سوالی) در دو نمونه ایرانی». روانشناسی بالینی و شخصیت. ۱(۱)، صص ۱-۱۰.
- امیدوار، الهه؛ باباخانی، وحیده؛ راشدی، وحید و فروغان، مهشید. (۱۳۹۹). «رابطه نیازهای روانشناختی، اجتماعی و آموزشی با سلامت عمومی مراقبین غیررسمی سالمندان مبتلا به دمانس». مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. ۱۲(۳)، صص ۴۰-۴۶.
- امین شکروی، فرخنده؛ الحانی، فاطمه؛ کاظم نژاد، انوشیروان و وحدانی‌نیا، مریم سادات. (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط پیاده‌روی منظم با سلامت جسمی و روانی زنان». مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. ۲(۴۶)، صص ۱۷۷-۱۸۰.
- جورکش، سارا و نظری، رسول. (۱۳۹۸). «تبیین الگوی ورزش سالمندی ایران». مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. ۱۱(۱)، صص ۳۲-۴۳.
- خسروی زاده، اسفندیار؛ خلجی، حسن و شوندی، نادر. (۱۳۹۲). «وضعیت فعالیت جسمانی، کیفیت زندگی کاری و استرس شغلی کارمندان دانشگاه اراک». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۳(۶)، صص ۶۱-۷۲.
- حسن‌پور دهکردی، علی؛ مسعودی، رضا؛ نادری‌پور، ارسلان و پورمیررضا کلهری، رضا. (۱۳۸۶). «تأثیر برنامه ورزشی بر کیفیت زندگی سالمندان شهرستان شهرکرد». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۲(۴)، صص ۴۳۷-۴۴۴.
- رزاقی، سیما؛ پارسایی، سجاد و صانمی، اسماعیل. (۱۳۹۸). «مطالعه نقش میانجی فعالیت بدنی در ارتباط بین هوش هیجانی و بهزیستی روان‌شناختی در سالمندان شهر اهواز». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۴(۴)، صص ۳۹۲-۴۰۵.

نقش ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا بر وضعیت کیفیت زندگی سالمندان

- رضائی‌نژاد، رحیم؛ واعظ موسوی، سیدمحمدکاظم و مختاری، رباب. (۱۳۸۹). «مقایسه کیفیت زندگی افراد شرکت‌کننده و غیرشرکت‌کننده در ورزش همگانی». نشریه مدیریت ورزشی. ۲(۷)، صص ۹۳-۱۱۰.
- سهرابی، مهدی؛ عابدان زاده، رسول؛ شتاب بوشهری، ناهید؛ پارسایی، سجاد و جهانبخش، حمیده (۱۳۹۵). «ارتباط بین بهزیستی روان‌شناختی و استحکام روانی در سالمندان: نقش میانجی فعالیت بدنی». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۱(۴)، صص ۵۳۸-۵۴۹.
- صفائیا، علی محمد و برهمند، رها. (۱۳۹۹). «ارزیابی اثرات ویروس کرونا در صنعت ورزش». فصلنامه روان‌شناسی تربیتی. ۱۶(۵۵)، صص ۱۲۳-۱۳۵.
- صدرالهی، علی؛ خلیلی، زهرا؛ حسینیان؛ معصومه و مسعودی علوی، نگین. (۱۳۹۴). «ارزیابی مصرف انرژی معادل متابولیک بر اساس الگوی فعالیت جسمانی هفتگی سالمندان». فصلنامه پرستاری سالمندان. ۱(۴)، صص ۹-۲۳.
- طاهری، مرتضی و ایران دوست، خدیجه. (۱۳۹۸). «تأثیر مکمل یاری امگا-۳ و تمرینات عملکردی بر ظرفیت‌های روانی حرکتی زنان سالمند شهر قزوین». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۴(۱)، صص ۲-۱۳.
- طبیبی، بهمن؛ اسدی، فریده و جنانی، حمید. (۱۳۹۹). «پارادایم توسعه بهبود فرهنگ ورزش در خانه در زمان شیوع ویروس کرونا». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲(۶۲)، صص ۲۶۵-۲۹۰.
- مرادی، میلاد؛ نواب، الهام؛ شریفی، فرشاده؛ نمدی، بهاره و رحیمی دوست، مهیار. (۱۴۰۰). «مروری بر اثرات پاندمی کووید - ۱۹ بر سالمندان». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۶(۱)، صص ۲-۲۹.
- نودهی مقدم، افسون؛ رشید، نفیسه؛ حسینی اجداد نیاکی، سید جلیل و حسین زاده، سمانه. (۱۳۹۸). «بررسی کیفیت زندگی و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهر مشهد در سال ۱۳۹۶». سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۴(۳)، صص ۳۱۰-۳۱۹.
- نوروزی سید حسینی، رسول. (۱۳۹۹). «درک تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹: رویکردی پدیدارشناسانه». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲(۶۱)، صص ۲۱۷-۲۴۰.
- یوسفی، بهرام؛ یوسف؛ احمدی، بهشت و تأییبی، وحید. (۱۳۹۱). «تحلیل مسیر ارتباط فعالیت جسمانی با کیفیت زندگی و رضایت از زندگی معلمان زن میانسال شهر کرمانشاه». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی، ۲(۳)، صص ۶۵-۷۶.
- Banerjee, D., D'Cruz, M.M., Rao, T.S. (2020). "Coronavirus disease 2019 and the elderly: Focus on psychosocial well-being, agism, and abuse prevention-An advocacy review". Journal of Geriatric Mental Health, 7(1):4. [DOI:10.4103/jgmh.jgmh_16_20]
- Battaglia, G., Bellafiore, M., Alesi, M., Paoli, A., Bianco, A., Palma, A. (2016). "Effects of an adapted physical activity program on psychophysical health in elderly women". Clinical Interventions in Aging, 11:1009.
- Brooke, J, Jackson, D. (2020). "Older people and COVID-19: Isolation, risk and ageism". Journal of Clinical Nursing, 29(13-14):2044-6. [DOI:10.1111/jocn.15274] [PMID]
- Brown, DR, C.D., Workman, L.M., Carlson, S.A., Brown, D.W. (2014). "Physical activity and health-related quality of life: US adults with and without limitations". Quality of Life Research, 23(10): 2673-80. doi: 10.1007/s11136-014-0739-z.
- Bults, M., Beaujean, D. J. M. A., Richardus, J. H., & Voeten, H. A. C. M. (2015). "Perceptions and behavioral responses of the general public during the 2009 influenza A (H1N1) pandemic: A systematic review". Disaster Med Public Health Preparedness, 2015; 9: 207-19.
- Cindy, H. P. Sit, John, H. Kerr, & Irene, T. F. (2008). "Wong. Motives for and barriers to physical activity participation in middle-aged Chinese women". Psychology of Sport and Exercise, 9, 266-83.
- Constantd, B.; Thibaut, E.; De Bosscher, V.; Scheerder, J.; Ricour, M.; Willem, A. (2020). "Exercising in Times of Lockdown: An Analysis of the Impact of COVID-19 on Levels and

- Patterns of Exercise among Adults in Belgium**". *Int. J. Environ. Res. Public Health* 2020, 17, 4144. <https://doi.org/10.3390/ijerph17114144>.
- Jiloha, R. (2020). **"COVID-19 and mental health. Epidemiology International"**. 5(1):7-9. [DOI:10.24321/2455.7048.202002]
 - Goethals, L., Barth, N., Guyot, J., Hupin, D., Celarier, T., Bongue, B. (2020). **"Impact of home quarantine on physical activity among older adults living at home during the COVID-19 pandemic: qualitative interview study"**. *JMIR Aging*, 3(1):e19007.
 - Gheirati GhasemAbadi, A., Mousavi Bazaz, M. (2020). **"Quality of Life and Its Related Factors in Hypertensive Patients"**. *JNKUMS*, 12 (2) :80-87.
 - Hammami, A. Harrabi, B. Mohr, M. Krustup, P. (2020). **"Physical activity and coronavirus disease 2019 (COVID-19): specific recommendations for home-based physical training"**. *Managing Sport and Leisure*, 10, 15-22.
 - Kunz, R., Minder, M. (2020). **"COVID-19 pandemic: Palliative care for elderly and frail patients at home and in residential and nursing homes"**. *Swiss Medical Weekly*, 150:w20235. [DOI:10.4414/smw.2020.20235] [PMID]
 - Parnell, D., Widdop, P., Bond, A., & Wilson, R. (2020). **"COVID-19, networks and sport"**. *Managing Sport and Leisure*, 2020; 15, 1-7.
 - Shah, V.R., C.D., Prajapati, A.C., Patel, M.M., Sonaliya, K.N. (2017). **"Quality of life among elderly population residing in urban field practice area of a tertiary care institute of Ahmedabad city, Gujarat"**. *J Family Med Prim Care*, 6:101-5.
 - Ware, Jr J.E., Sherbourne, C.D. (1992). **"The MOS 36-item short-form health survey (SF-36): I. Conceptual framework and item selection"**. *Medical care*, 473-83.
 - World Health Organization. (2016). **"Physical Activity and Older Adults"**. http://www.who.int/dietphysicalactivity/factsheet_olderadults/en/ Accessed 1st Jun 2016.
 - Wium, N., Säfvenbom, R. (2019). **"Participation in Organized Sports and Self-Organized Physical Activity: Associations with Developmental Factors"**. *Int J Environ Res Public Health*, 6(4). pii: E585. doi: 10.3390/ijerph16040585.
 - Yen, H.Y., Lin, L.J. (2018). **"Quality of life in older adults: Benefits from the productive engagement in physical activity"**. *Journal of Exercise Science & Fitness*. 16(2): 49-54.

مطالعه طراحی و تدوین مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای: آزمون تئوری داده بنیاد با روش آمیخته

جواد پذیرش^۱

شهاب بهرامی^۲

حمید قاسمی^۳

نازنین راسخ^۴



تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲

هدف این پژوهش، مطالعه طراحی و تدوین مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای: آزمون تئوری داده بنیاد با روش آمیخته بود. روش پژوهش آمیخته و جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی شامل نخبگان حوزه اقتصادی و حقوقی در ورزش بود که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری انتخاب نمونه‌ها انجام شد. جامعه آماری در بخش کمی علاوه بر نخبگان اقتصادی و حقوقی در ورزش، برخی مدیران ارشد سازمان‌های ورزشی دولتی و خصوصی کشور شامل مدیران وزارت ورزش و جوانان، فدارسیون‌های ورزشی و سازمان ورزش شهرداری و همچنین برخی مدیران ارشد باشگاه‌های حرفه‌ای کشور ایران بود (۲۷۶ نفر). ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی صوری پرسشنامه با بررسی نظرات خبرگان، روایی سازه با استفاده از آزمون تحلیل عاملی و پایایی آن با توجه به محاسبه آلفای کرونباخ (آلفای کلی = ۰/۸۵) مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کیفی از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و انتخابی، نتایج در قالب پنج مؤلفه کلی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده اصلی، اقدامات و پیامدها به دست آمد و بر اساس آن، مدل پارادایمی ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای طراحی شد. نتایج کمی پژوهش نشان داد که مقدار t هر عامل تأثیر معناداری دارد و تمامی چارچوب ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای مورد تأیید است و مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار می‌باشد.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Bahrami_sh@yahoo.com

۳ دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، ایران

۴ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران

واژگان کلیدی: مدل، جرائم اقتصادی، ابعاد حقوقی و ورزش حرفه‌ای.

مقدمه

صنعت ورزش یکی از صنایع مهم در عرصه بین‌المللی می‌باشد که امروزه کمک‌های فراوانی به اقتصاد جوامع مختلف کرده است. رشد ورزش در تمامی عرصه‌ها و گسترش آن در تمامی گروه‌ها سبب گردیده تا صنعت ورزش به عنوان یک صنعت مهم در جهان شناخته شود. گستردگی ورزش موجب شده تا امروزه شاهد شکل‌گیری صنعت ورزش به صورت گسترده باشیم (میر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۵). استفاده از ظرفیت‌های صنعت ورزش می‌تواند سبب رشد شاخص‌های اقتصادی در کشورهای مختلف باشد. بررسی آمارهای موجود در مورد صنعت ورزش نشان‌گر این واقعیت است که هر ساله شاهد روز افزون صنعت ورزش می‌باشیم. حیطه‌های مختلف صنعت ورزش امروزه شاهد پیشرفت‌های گسترده‌ای شده است. امروزه صنعت پزشکی ورزشی تنها در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰ میلیارد دلار به واسطه ۸۲۶۹۷ کسب و کار درآمد ایجاد کرده است. درآمد صنعت ورزش در امریکای شمالی از ۶۰/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۷۳/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسید. از طرفی گسترش رسانه‌ها و فضاهای مجازی سبب گردیده است تا صنعت ورزش و رسانه نیز ارتباطات تنگاتنگی با یکدیگر داشته باشند. از طرفی رسانه‌ها و فضای مجازی سبب بهبود و ارتقای درآمد صنعت ورزش شده اند. همچنین، صنعت ورزش سبب افزایش درآمد در رسانه‌ها شده؛ به طوری که پیش‌بینی شده است درآمد رسانه‌ها به واسطه صنعت ورزش از ۱۴/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۲۰/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ برسد که این مسئله رشدی به میزان ۷/۲ درصد را شامل می‌شود (ژانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۱۱).

در جوامع امروزی سیاست مالی یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی است و پایداری سیاست مالی یکی از نگرانی‌های عمده سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای جهان است، زیرا سیاست مالی ناپایدار می‌تواند حجم سرمایه‌گذاری و در نتیجه، رشد اقتصادی پایدار را تحدید کند (هوانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۳). در متون اقتصاد کلان، بر سیاست‌های پولی و مالی در جهت رسیدن به اهداف اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و پایداری اقتصادی، بسیار تأکید می‌شود. سیاست‌گذاران اقتصادی در هر جامعه‌ای با سیاست‌های پولی (در اختیار بانک مرکزی) و مالی (در کنترل دولت) قادرند اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهند. با توجه به نقش مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های پولی و مالی در دوره‌های بیکاری، مازاد

1 Meier

2 Zhang

3 huang

ظرفیت، کاهش و افزایش‌های تقاضا، تورم وقتی در کشورهای درحال توسعه بازار پولی منظم و سرپرستی- شده‌ای وجود ندارد، این کشورها مجبورند منابع داخلی را با سیاست‌های مالی تجهیز کنند (روبیو و کاراسکوگالگو^۱، ۲۰۱۴: ۳۲۷). رشد منابع مالی و اهمیت دسترسی به منابع مالی سبب گردیده است تا امروزه عارضه‌ای به نام «جرائم اقتصادی» ایجاد گردد.

جرائم اقتصادی، اعمالی هستند که به منافع اقتصادی جامعه صدمه وارد می‌کنند. جرائم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی، بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می‌نمایند. امروزه جرائم اقتصادی مشکل فراگیر و بزرگی برای همه جوامع است. مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی مستلزم شناخت دقیقی از جرائم اقتصادی و مالی است (دستگردی و بدری، ۱۳۹۷: ۲۵). در جرائم اقتصادی، نتیجه مجرمانه یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی است که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرائم را مطرح می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۶۴). پژوهش‌ها در زمینه جرائم اقتصادی محدود می‌باشد. رضانی و عبدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود که با هدف شناخت خلأهای قانونی برای مبارزه با جرائم اقتصادی در حقوق ایران انجام گرفت، پی بردند که به علت نبود قانون‌گذاران متعدد و تخصصی در کشور؛ قوانین روشن و مدونی در زمینه برخورد با جرائم اقتصادی در کشور ایران به مرحله اجرا در نیامده است. احسانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود که با هدف مدیریت جرم شناختی مبارزه با تبانی در رقابت ورزشی انجام گرفت، اشاره داشتند که مفاهیم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نیز مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر، در شمار مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری جرم تبانی در امور ورزشی است. شریعتی و عبدالحسینی (۱۳۹۶) در پژوهش خود که با هدف بررسی سیاست جنایی ایران در جرم‌انگاری مفاسد اقتصادی انجام گرفت، دریافتند که جرائم اقتصادی آثار و پیامدهای متعددی دارند که بر اقتصاد، سیاست، اجتماع، نظام و ... مؤثر هستند. مفاسد اقتصادی هم در بحث دولتی مطرح می‌شود و هم در مباحث غیردولتی. رشا، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و .. از مهمترین مصادیق مفاسد اقتصادی در حقوق کیفری ایران می‌باشند. حسن پور (۱۳۹۴) در پژوهش خود که با هدف شناخت کاستی‌های جرائم اقتصادی در سیاست کیفری ایران انجام گرفت، پی برد که تعدد نهادهای قانون‌گذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم‌انگاری و ... حکایت از کاستی‌هایی در حوزه سیاست کیفری ما در قبال مفاسد اقتصادی دارد.

1 Rubio & Carrasco-Gallego

خلیلی (۱۳۹۴) در پژوهش خود که با هدف چگونگی حل اختلافات قراردادی میان بازیکنان و باشگاه‌های ورزشی عرصه فوتبال انجام گرفت، دریافت که حل و فصل اختلافات ورزشی به ویژه اختلافات قراردادی میان بازیکنان و باشگاه‌های ورزشی حوزه فوتبال به دلیل قدمت و سابقه تاریخی این رشته ورزشی و نفوذ قابل توجه آن در ابعاد گوناگون روابط انسانی از اهمیتی غیرقابل انکار برخوردار می‌باشد. دعاوی ورزشی به دلیل ماهیت ویژه خود و وجود افراد مشهوری که به عنوان طرفین آن قرار می‌گیرند و لزوم حفظ شخصیت و آبروی آنها و عدم رسیدگی به موقع و فوری به مسائل تخصصی ورزش در دادگاه‌های عمومی باید به طور خاص رسیدگی شوند. به اختصار می‌توان گفت اختلافات ورزشی حوزه فوتبال امروزه در مراجع حقوقی فدراسیون‌های داخلی یا بین‌المللی و دادگاه حکمیت ورزش مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. پروانه و پرنون (۱۳۹۳) در پژوهش خود که با هدف بررسی جرائم و تخلفات ورزشی در قوانین ایران انجام گرفت، پی بردند که کاستی‌هایی در قوانین و مقررات جهت پاسخ به جرائم و تخلفات ورزشی در قوانین ایران وجود دارد.

از میان پژوهش‌های خارجی، لازاروس و اوکولوری^۱ (۲۰۱۹) در پژوهش خود که با هدف رشد جرائم اقتصادی در کشور نیجریه انجام گرفت، دریافتند که خلاء حقوقی و ضعف در قوانین موجود سبب گردیده است تا جرائم اقتصادی به‌خصوص در ابعاد سایبری در کشور نیجریه رشد پیدا کند و کنترل این جرائم با سرعت کندی انجام گردد. السادیپانی و داولیویرامدیروس^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خود که با هدف بررسی جرائم اقتصادی و نقش سازمان‌ها و شرکت‌ها در مدیریت این جرائم انجام گرفت، پی بردند که ضعف‌های حقوقی در قوانین و مقررات سبب گردیده است تا شرکت‌ها و سازمان‌ها در غالب فعالیت‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی، ورود به مدیریت جرائم اقتصادی نداشته باشند. کورتین^۳ (۲۰۱۸) در پژوهش خود که با هدف جرم‌شناسی انتقادی از ورزش کشتی حرفه ای تفریحی انجام گرفت، دریافت که وجود آسیب‌های فیزیکی و روحی به این ورزشکاران به علت وجود فشارهای غیرمنطقی بر آنان سبب گردیده است تا امروزه خلا حقوقی و قانونی در قبال نحوه برخورد با این ورزشکاران و منفعت‌های مالی کسب شده از سوی افراد و سازمان‌های فعال در این زمینه کاملاً مشخص گردد. دوی^۴ (۲۰۱۷) در پژوهش خود که با هدف ضرورت تدوین قانون اسلام بر قراردادهای تجاری بانکی اندونزی برای پیش‌بینی توسعه اقتصاد اسلامی

1 Lazarus, S., & Okolorie

2 Alcadipani & de Oliveira Medeiros

3 Corteen

4 Devi

و عصر جهانی سازی انجام گرفت، پی بردند که اصلاح قوانین اسلامی در برخی جنبه های اقتصادی و گسترش آن در سایر حوزه ها سبب می گردد تا بتوان به بهبود برخی جنبه های تجاری مطابق با قوانین اقتصاد اسلامی اقدام نمود. بارزیکینا^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود که با هدف شناخت گرایش های جهانی اصلاح جنایات اقتصادی انجام گرفت، پی بردند که رشد جرائم اقتصادی در سطح بین المللی سبب گردیده است تا امروزه تلاش های سازمان های متولی جهت ارتقا و بهبود مدیریت در زمینه جرائم اقتصادی ایجاد گردد. وینستین^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود که با هدف بررسی وضعیت حقوقی، اقتصادی و روان شناختی ورزشکاران انجام گرفت، اشاره داشتند که وجود برخی شرط بندی ها و مشکلات اقتصادی در ورزش سبب گردیده است تا ورزشکاران از وضعیت ورزش رضایت مناسبی نداشته باشند.

جرائم اقتصادی یکی از عمده ترین بخش های قانون کیفری را به خود اختصاص داده است. با وجود این، قانون گذار تاکنون آن را به عنوان بخشی مستقل به رسمیت نشناخته است. مبارزه با مفاسد اقتصادی مسئله و بحث روز جامعه ماست که متأسفانه هر از چندگاهی اخبار نگران کننده ای از شیوع آن در حوزه های مختلف اجتماعی به گوش می رسد (حسن پور، ۱۳۹۴: ۲۵). جرائم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می کند. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب های عدیده، نسبت به نظام های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می نماید - درحالی که نظام حقوقی به ویژه حقوق کیفری ایران تبیین حصری و تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرائم ندارد. قانون جدید مجازات اسلامی برای نخستین بار مفهومی از جرم اقتصادی را ارائه کرده است. اما به دلیل ابهام در مصادیق، عدم جامعیت مصادیق و فقدان معیار خاص مصادیق برای تمایز جرائم اقتصادی از سایر جرائم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است (شریف نیا و آهنگرانی، ۱۳۹۶: ۳۱).

وجود مشکلات اقتصادی در هر حوزه ای مشخص است. ورزش نیز به علت برخورداری از حجم مبادلات پولی بالا، دارای جرائم اقتصادی در سطوح مختلف می باشد. وجود جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای ایران سبب گردیده است تا امروزه باشگاه ها و تیم های ورزشی و همچنین ورزشکاران دچار مشکلاتی در این مورد گردند. از طرفی شکل گیری جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای ایران به علت فقدان قوانین و مقررات حقوقی مدون به صورت کامل مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است. به عبارتی، وجود

1 Barzykina

2 Weinstein

خلا در زمینه ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای ایران، سبب گردیده است تا در فضای حاضر جرائم اقتصادی مختلفی ایجاد گردد اما عملاً برخورد قانونی و حقوقی در این مورد انجام نشود. از طرفی عدم توجه قانون‌گذاران به جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای سبب گردیده است تا امروزه فضای ورزش حرفه ای دچار آلودگی های مالی و اقتصادی شود. ورزش حرفه ای همواره تحت تاثیر جریان ورود و خروج منابع مالی گسترده بوده و در سالیان اخیر این مسئله بیش از پیش رشد داشته است. رشد منابع مالی سبب گردیده است تا جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای بیشتر خود را نشان دهد. از طرفی آثار مشکلات اقتصادی در ورزش حرفه ای، تنها گریبان گیر این ورزش نمی باشد و با توجه به وجود مخاطبان گسترده، سبب گردیده است تا مشکلات اجتماعی و فرهنگی ایجاد نماید و سبب بروز بی اعتمادی عمومی گردد. به این ترتیب، مدیریت جرائم اقتصادی و کاهش و کنترل آن به عنوان یکی از مسائل مهم و کلیدی مورد توجه دولت ها قرار گرفته است. به نظر می رسد با توجه به وجود مخاطبان گسترده در ورزش حرفه ای، کنترل جرائم اقتصادی به عنوان یک نگرانی عمومی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. تاثیرگذاری های ورزش در ابعاد اجتماعی سبب گردیده است تا پاک سازی فضای ورزش حرفه ای به عنوان یک پیامد اجتماعی و فرهنگی در سایر حوزه های ملی نیز تاثیرگذار باشد. این مسئله تا حد زیادی ناشی از نبود مدل های جامع در حوزه جرائم اقتصادی در ورزش می باشد. به عبارتی، نبود مدل های بومی و جامع در زمینه ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای سبب گردیده است تا در مرحله اول دغدغه کافی در مورد کنترل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای وجود نداشته باشد. از طرفی نبود مدل های جامع در این حوزه سبب گردیده است تا دانش کافی و تخصصی در مورد ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای شکل نگیرد. این مسئله روند مدیریت و کنترل جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای را تحت شعاع قرار داده است. همچنین نبود مدل های جامع در این حوزه سبب گردیده است تا راهکارهایی عملیاتی در راستای وضعیت جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای، شکل نگیرد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مطالعه ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای طراحی و اجرا گردید و از مدل مفهومی برخاسته از روش استراوس و کوربین استفاده شد. پس سوالات تحقیق حاضر این است:

شرایط علی در ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای چیست؟

شرایط زمینه ای در ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای چیست؟

شرایط مداخله گر در ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای چیست؟

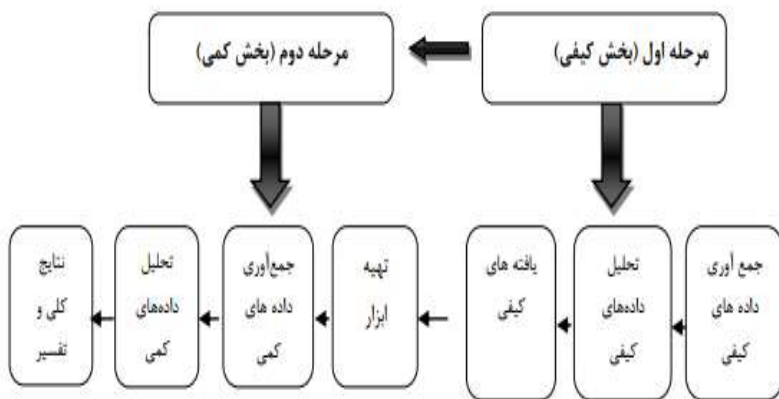
راهبردهای بهبود ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای چیست؟

پیامدهای بهبود ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای چیست؟

مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

با توجه اینکه هدف پژوهش حاضر مطالعه عمیق چارچوب مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای کشور است، طرح آن از طرح‌های ترکیبی است و روش آن، با توجه به اینکه از قبل الگویی وجود نداشته و پژوهشگر درصدد کشف این الگو بوده است، از مدل‌های ترکیبی اکتشافی متوالی (کیفی - کمی) است و چون در پی ساخت ابزاری^۱ (کرسول و پلانکلارک^۲، ۲۰۰۷) برای سنجش مطالعه عمیق چارچوب مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای کشور بر اساس داده‌های بخش کیفی است، از نوع اکتشافی متوالی - ابزار سازی است. شکل ۱ فرایند تحقیق را نشان داده است:



شکل ۱: فرآیند تحقیق ترکیبی اکتشافی متوالی از نوع ابزارسازی (اقتباس از کرسول و پلانکلارک، ۲۰۰۷)

جامعه آماری در بخش کیفی شامل نخبگان حوزه اقتصادی و حقوقی در ورزش بود. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری اقدام به نمونه‌گیری در بخش کیفی گردید. در نهایت پس از انجام مصاحبه‌های تحقیق در مصاحبه ۲۰ام اشباع نظری شکل گرفت. جهت اطمینان از وجود اشباع

1 Sequential exploratory mixed method- Instrument development

2 Creswell & Plano Clark

نظری مصاحبه ۲۱ ام نیز انجام گردید. در نهایت نمونه‌های بخش کیفی شامل ۲۱ نفر از نخبگان حوزه اقتصادی و حقوقی در ورزش بودند.

جامعه آماری در بخش کمی، علاوه بر نخبگان اقتصادی و حقوقی در ورزش، برخی مدیران ارشد سازمان‌های ورزشی دولتی و خصوصی کشور ایران شامل مدیران وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌های ورزشی و سازمان ورزش شهرداری و همچنین برخی مدیران ارشد باشگاه‌های حرفه ای کشور ایران شامل ۲۷۶ نفر (۲۵ نفر از مدیران وزارت ورزش و جوانان، ۲۰۱ از مدیران (روسا، نائب رئیس و اعضای هیئت رئیسه) فدراسیون‌های ورزشی، ۲۰ نفر از مدیران سازمان ورزش شهرداری و ۳۰ نفر از مدیران ارشد باشگاه‌های حرفه‌ای کشور ایران) بودند. با توجه به محدود بودن جامعه آماری، تمامی جامعه آماری به عنوان نمونه پژوهش در بخش کمی قرار گرفتند. بنابراین روش نمونه گیری در بخش کمی به صورت تمام شمار بود. در نهایت پس از پخش و جمع آوری پرسشنامه‌های پژوهش، تعداد ۲۱۴ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار مورد استفاده برای شناسایی عوامل مدل حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای کشور، مصاحبه نیمه ساختمند (با گروه‌های کانونی) و مطالعه اسناد بوده است. برای تأمین روایی و پایایی مطالعه از روش ارزیابی لینکلن و گوبا استفاده شد. بدین منظور چهار معیار اعتبار (باورپذیری)، انتقال‌پذیری، اطمینان-پذیری و تأییدپذیری برای ارزیابی در نظر گرفته شد و برای دستیابی به هریک از این معیارها، اقدامات زیر انجام گرفت:

اعتبارپذیری: معادل روایی در پژوهش‌های کمی است. بدین منظور، پرسش‌ها را اساتید راهنما و مشاور تأیید کردند که میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است.

انتقال‌پذیری: جایگزین اعتبار بیرونی در پژوهش‌های کمی است. برای این منظور یافته‌های پژوهشی توسط دو متخصص مدیریت ورزشی که در پژوهش مشارکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفتند.

اطمینان‌پذیری: معادل پایایی در پژوهش کمی است و به منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت برداری‌ها ثبت و ضبط شد.

تأییدپذیری: به معنای پرهیز از سوگیری است. بدین منظور تمامی مراحل به دقت ثبت و ضبط شد و همه مستندات به صورت پیوست در اختیار و تأیید اساتید قرار گرفت.

برای اخذ مجوز مورد نیاز برای انجام دادن مصاحبه با افراد کانونی، اقداماتی صورت گرفت که در این بخش پس از جلب همکاری صاحب نظران کلیدی برای مصاحبه و جلب اعتماد آنان رای دادن اطلاعات لازم، در زمان مقرر مراجعه و اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده، با روش تحلیل داده بنیاد انجام گرفته است. خروجی بخش کیفی منجر به ایجاد پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای شد. این پرسشنامه دارای ۷۹ سوال بود که سوالات آن با توجه به خروجی بخش کیفی طراحی شده بود. برای بررسی روایی صوری از نظر هشت تن از اساتید مدیریت ورزشی بهره گرفته شد. همچنین روایی همگرا، میانگین واریانس استخراج شده و آلفای کرونباخ مولفه‌های تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. برقراری روایی همگرا و مطلوب مدل حاکی از اعتبار مناسب ابزار اندازه‌گیری در جامعه مورد مطالعه دارد.

جدول ۱: پایایی و روایی همگرایی

متغیرهای پژوهش	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
شرایط علی	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۳
شرایط زمینه‌ای	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۷۸
پدیده اصلی	۰/۸۶	۰/۸۱	۰/۷۹
شرایط مداخله‌گر	۰/۸۰	۰/۸۶	۰/۷۱
راهبردها	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۸۳
پیامدها	۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۸۰

همان طور که در جدول ۱ مشخص است همه متغیرها پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ و میانگین واریانس استخراج شده بالای ۰/۵ را کسب نموده‌اند. می‌توان پایایی و روایی همگرایی پژوهش حاضر را تأیید نمود. پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده الگوی مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای با توجه به اینکه به صورت مدل سلسله مراتبی آورده شده، به صورت دستی محاسبه گردیده است. تحلیل نتایج این مطالعه به روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos ۲۰ و SPSS20 انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرایند کدگذاری، تحلیل شد. مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری (مدل پارادایمی استراس و کوربین) و کدگذاری گزینشی (انتخاب یک مقوله محوری به عنوان مقوله اصلی و مشخص کردن ارتباط بین هر یک از مقوله‌های محوری) انجام و به

مطالعه طراحی و تدوین مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای

عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین پایان یافت. نتایج حاصل از ۲۱ مصاحبه که تا حد اشباع نظری ادامه یافت، از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و انتخابی در قالب پنج مؤلفه کلی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده اصلی، راهبردها و پیامدها انجام شد. جدول ۲ نتایج مربوط به بخش کیفی را به نمایش گذاشته است:

جدول ۲: کدگذاری بخش کیفی

ابعاد کلی	مقولات
	عوامل مدیریتی
	✓ آگاهی و داشتن تجربه هنگام مواجه شدن با جرائم اقتصادی
	✓ داشتن برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت مقابله با جرائم اقتصادی در ورزش
	✓ پیش بینی بودجه لازم برای آمادگی منابع انسانی
	✓ آموزش منابع انسانی در ورزش برای دوره‌های آشنایی با جرائم اقتصادی
	✓ آشنایی مدیران ورزشی با اقتصاد و تخلفات اقتصادی
	فرهنگی
	✓ وجود باورهای قلبی در زمینه راه اندازی و اقتصاد سالم در ورزش حرفه‌ای کشور
	✓ نگرش کلان نسبت به مقوله اقتصاد سالم
	✓ ایجاد فرهنگ و نگرش‌های اقتصاد سالم در جامعه
شرایط علی	✓ ایجاد نهادهای نظارتی و مدنی که مسئول این گونه فعالیت‌ها در جامعه
	✓ نهادینه شدن فرهنگ توسعه اقتصاد سالم
	✓ تفکر اقتصاد سالم در جامعه
	اطلاعاتی
	✓ رصد اطلاعاتی از فعالیت‌های اقتصادی در ورزش کشور و خارج از کشور
	✓ مطالعه فرایند جرائم اقتصادی در رویدادهای ورزشی سایر کشورها
	✓ مطالعه فرایند جرائم اقتصادی در بخش‌های مختلف کشور
	✓ ایجاد ارتباط مستمر و همکاری با دستگاه‌های اطلاعاتی سایر کشورها
	✓ تهیه بانک اطلاعاتی از فعالیت‌های اقتصادی مخالف با ورزش پاک
	پیشینه همکاری‌های ملی و بین‌المللی
	✓ بازگو نمودن تجارب مثبت سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی از مبارزه با جرائم اقتصادی
	✓ مستندسازی تجارب قبلی مبارزه با جرائم اقتصادی ملی و بین‌المللی سازمان‌های ورزشی

۱. ارائه گزارشات کارکنان مبنی بر فعالیتهای انجام شده در سازمانها بر اساس رویکرد مبارزه با جرائم

اقتصادی

عوامل فردی

- شرایط زمینه- ✓ وظیفه شناسی کارکنان و مدیران
- ای ✓ برخورداری دانش تخصصی در خصوص قوانین اقتصاد بین المللی
- ✓ روحیه تلاشگر کارکنان و مدیران
- ✓ توانایی کارکنان و مدیران جهت استفاده از پتانسیلها و فرصتهای شکل گرفته شده

قوانین و مقررات سازمانی

- ✓ شناخت از قوانین و مقررات سازمانهای ملی و بین المللی پیرامون سازمانهای ورزشی
- ✓ ایجاد استانداردها و دستورالعملهای جامع در سازمانهای ورزشی جهت حمایت و مدیریت جرائم

اقتصادی

- ✓ توجه به جرائم اقتصادی در وضع مقررات جدید سازمانی
- ✓ حمایت قانونگذاران از اقتصاد سالم در تصمیم گیریهای خود

حمایت های سازمانی

- ✓ حمایت مدیران از توسعه مبارزه با جرائم اقتصادی
- ✓ وجود کرسیهای مشورتی جهت توسعه مبارزه با جرائم اقتصادی در سازمان
- ✓ ایجاد نظام پیشنهادات در سازمان در زمینه مبارزه با جرائم اقتصادی

دانش تخصصی

- ✓ دانش مدیران نسبت به مبارزه با جرائم اقتصادی
- ✓ مهارت کارکنان جهت ایجاد ارتباطات ملی و بین المللی
- ✓ آگاهی از اطلاعات حقیقی موجود در محیط خود

عوامل کلان

- ✓ تحریمهای بین المللی
- ✓ عدم تعامل سازمانهای بین المللی جهت تعامل با سازمانهای ایرانی

- ✓ فقدان اعتماد به سازمانهای بین المللی
- ✓ نفوذ گروههای سیاسی به سازمانها
- ✓ دغدغههای مالی گسترده سازمانها
- ✓ چندشغله بودن مدیران سازمانها

شرایط مداخله
گر

عوامل خرد

- ✓ عدم علاقه مدیران ارشد به ارائه فضای باز
- ✓ عدم توجه به کارکنان در مسائل آموزشی در سازمان

✓	فرآیندهای ناکارآمد سازمانی	
✓	عدم نگرش مثبت به افزایش دامنه فعالیت اقتصادی سازمان‌ها	
✓	عدم شفافیت فرآیندهای سازمانی	
✓	ضعف در تبدیل انواع دانش اقتصادی در سازمان	
✓	فقدان امنیت شغلی	
✓	ضعف سیستم‌های ارزیابی در سازمان‌ها	
✓	مهارت پایین سازمان‌های ورزشی جهت ایجاد ارتباطات بین‌المللی	
✓	قانون مالکیت فکری	
✓	کسب اعتبار ملی و بین‌المللی	
✓	قرارداد حقوقی	
✓	مقررات بین‌المللی	پدیده اصلی
✓	عوامل اقتصادی	(ابعاد حقوقی)
✓	تدوین چارچوب قانونی	جرائم
✓	اصلاح قانون مالیات و قانون کار	اقتصادی در
✓	نظارت و بازرسی‌های مستمر	ورزش حرفه-
✓	قانون آژانس‌های ورزشی	(ای)
✓	قانون ضدترانست	
✓	آموزش و تشویق سیستم گزارش‌دهی جرائم اقتصادی و گسترش فرهنگ همکاری با پلیس در زمینه کشف، شناسایی و تعقیب جرائم اقتصادی	
✓	ایجاد توافق نامه بین‌المللی بین سازمان‌های ورزشی کشورهای مختلف	
✓	تدوین قوانین مناسب و انجام اصلاحات ضروری در مقررات جاری کشورها در زمینه برخورد مناسب	
✓	توسل به همکاری همه جانبه بین‌المللی در زمینه پیشگیری، کشف و تعقیب مرتکبین این حوزه و گسترش مطالعات تطبیقی و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های جدید حقوقی.	
✓	منسجم ساختن و تسهیل در اجرای قوانین با مشورت گروه‌های مربوط به دیگر کشورها، به منظور آگاهی از آخرین پیشرفت‌ها در زمینه جرائم اقتصادی در ورزش	
✓	ابداع روش‌های تازه و آموزش آن‌ها به ماموران پژوهش و تعقیب جرائم اقتصادی	راهنماها
✓	ترویج فرهنگ اخلاق کار در فضای اطلاعاتی	
✓	بهره‌گیری از تدابیر امنیتی پیشگیرانه به منظور به حداقل رساندن خسارات ناشی از تهاجمات جرائم اقتصادی در ورزش	
✓	پیشگیری اجتماعی	
✓	استفاده از محیط خانواده	

✓ ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و توانایی انتخاب گزینه‌های سالم

✓ استفاده از تدابیر کاربری صحیح

✓ اتخاذ تدابیر آموزشی

پیش‌گیری وضعی

کاهش وضعیت‌های جرم‌زا یا وضعیت‌های موجود در آستانه جرم یا وضعیت‌هایی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌آورد.

✓ افزایش خطر دستگیری مجرم و یا بالا بردن هزینه کیفری ارتکاب جرم برای مجرم.

✓ تدابیر محدودکننده یا سلب‌کننده

✓ تدابیر نظارتی

✓ تدابیر صدور مجوز

تدابیر امنیتی و برخورد کارشناسانه عوامل اجرایی

✓ بهبود بخشیدن به حفاظت‌های فنی از طریق اجرای استانداردها

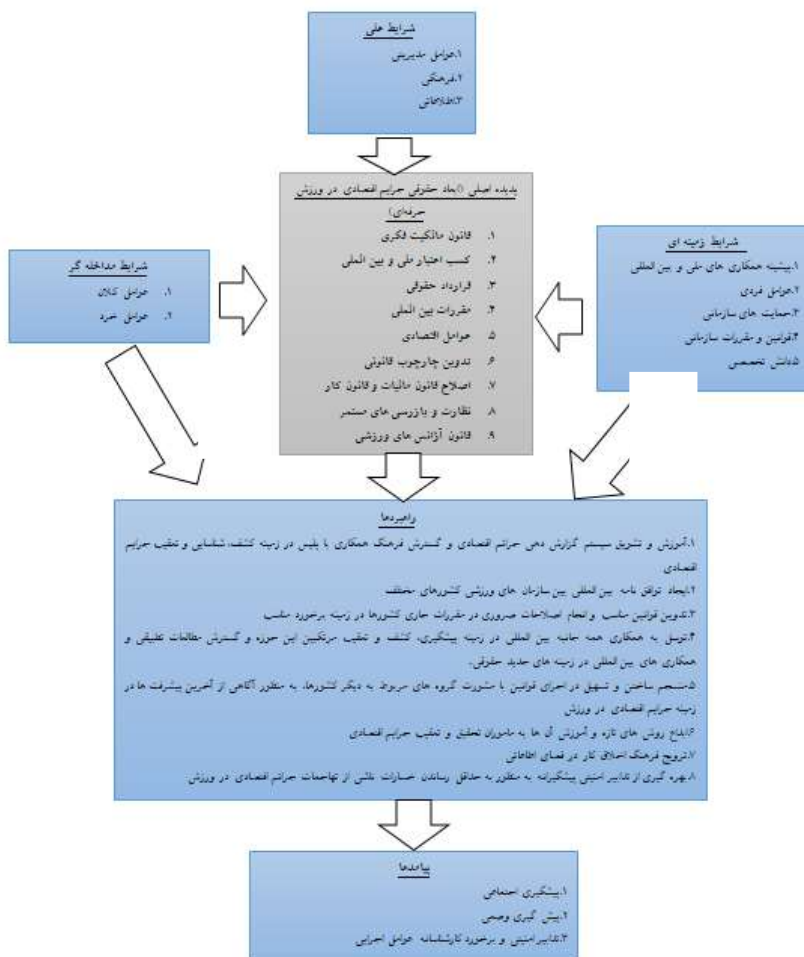
✓ آموزش و کسب آگاهی‌های لازم به کارمندان و کارشناسان

✓ داشتن اطلاعات ارتباط با آخرین تهدیدات جرائم اقتصادی

✓ اشاعه فرهنگ امنیت اطاعات و همکاری متقابل در بین افراد و نهادهای ورزشی کشور

با توجه به نتایج بخش کیفی، مدل مفهومی پژوهش شکل گرفت. شکل ۲ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد:

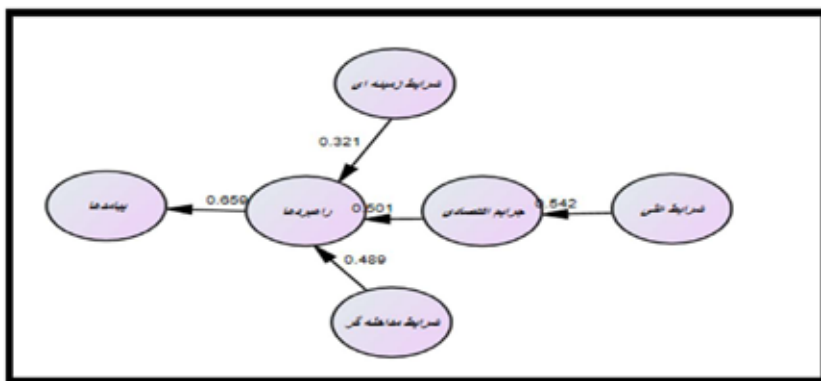
مطالعه طراحی و تدوین مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای



شکل ۲: مدل پارادایمی (ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای)

مطابق با نتایج کیفی، تعداد ۷۹ گویه شناسایی گردید که این گویه‌ها در بخش‌های مختلفی شامل شرایط علی، پدیده اصلی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تقسیم گردیدند. جهت بررسی ساختار عاملی، چارچوب مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای از روش تحلیل مسیر استفاده گردید. پس از محاسبه مقدار تی هر عامل مشخص گردید که تمامی چارچوب مدل ابعاد

حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای تأثیر معناداری دارند. شکل ۳ مدل آماری پژوهش حاضر را به نمایش گذاشته است:



شکل ۳: مدل ساختاری پژوهش

مطابق با مدل تحقیق، اثرات میان متغیرهای تحقیق در جدول ۳ به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۳: اثرات متغیرها بر مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای

متغیرها	مقدار آماره تی	سطح معناداری	اثر مستقیم
شرایط علی	۱۳/۵۶۴	۰/۰۰۱	۰/۵۴۲
شرایط زمینه‌ای	۱۰/۴۳۲	۰/۰۰۱	۰/۳۲۱
جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای	۱۶/۴۳۲	۰/۰۰۱	۰/۵۰۱
شرایط مداخله‌گر	۱۳/۷۶۵	۰/۰۰۱	۰/۴۸۹
راهبردها	۱۸/۴۳۱	۰/۰۰۱	۰/۶۵۹

همان طور که جدول ۳ نشان می‌دهد تمامی متغیرها دارای اثر معناداری می‌باشد. جدول ۴ نتایج

مربوط به شاخص‌های برازش مدل تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌ها	مقدار مجاز	اعداد به دست آمده	نتیجه
نسبت کای دو به درجه آزادی $DF / (X^2) Chi-square$	X^2/df	۳/۰۱۴	برازش مناسب
RMSEA	$0.05 > 0.08$	۰/۰۷۳	برازش مناسب
CFI	بیشتر از ۰/۹۰	۰/۹۰۰	برازش مناسب

برازش مناسب	۰/۹۲۱	بیشتر از ۰/۹۰	TLI یا NNFI
برازش مناسب	۰/۹۰۱	بیشتر از ۰/۹۰	IFI
برازش مناسب	۰/۰۳۴	کمتر از ۰/۰۵	RMR
کفایت حجم نمونه	۲۱۴	در سطح ۰/۰۵	HOELTER

مطابق با نتایج بررسی شاخص‌های برازش تحقیق، مشخص گردید که مدل تحقیق از برازش

مناسبتی برخوردار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت توجه به جرائم اقتصادی به‌خصوص در حوزه ورزش سبب گردید تا تحقیق حاضر با هدف طراحی و تدوین مدل ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای انجام شود. مطابق با نتایج تحقیق حاضر مشخص گردید که جنبه‌های مدیریتی، فرهنگی و اطلاعاتی به عنوان شرایط علی هستند. بدون شک آثار نامطلوب جرائم اقتصادی در ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی سبب گردیده است تا ضرورت توجه به این جرائم و کنترل آن به‌خصوص در ورزش حرفه‌ای بیش از پیش مشخص گردد. موری^۱ (۲۰۲۰) اشاره داشت که آثار نامطلوب اجتماعی ناشی از جرائم اقتصادی و تأثیرات منفی آن در سطح جامعه سبب گردیده است تا ضرورت کنترل آن بیش از پیش مشخص گردد. به نظر می‌رسد محبوبیت ورزش حرفه‌ای و مخاطبان گسترده آن موجب شده تا در مسیر ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای جنبه‌های مدیریتی، فرهنگی و اطلاعاتی به عنوان شرایط علی تأثیرگذار باشند.

نتایج تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که پیشینه همکاری‌های ملی و بین‌المللی، عوامل فردی، قوانین و مقررات سازمانی، حمایت‌های سازمانی و دانش تخصصی به عنوان عوامل زمینه‌ای به شمار می‌آیند. نتایج همچنین مشخص نمود که عوامل خرد و کلانی به عنوان عوامل مداخله‌گر در ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای تأثیرگذارند. فورتی و ویسکونتی^۲ (۲۰۱۹) اشاره داشتند که همواره مشکلات سیاسی در جهت کنترل جرائم اقتصادی وجود دارد. مایتروفانوف، پریتولا، نلدوا، کالیمبت و مدنسو^۳ (۲۰۲۰) نیز مشخص نمودند که جهت بهبود کنترل‌ها در جرائم اقتصادی نیاز است تا تحولات عمده‌ای در مسائل فردی، مدیریتی، حقوقی و علمی ایجاد گردد تا زیرساخت‌های کنترل جرائم اقتصادی بیش از پیش درک گردد. بدون شک در مسیر بهبود و کنترل جرائم اقتصادی نیاز است تا به مسائل فردی توجه بیشتری گردد

1 Murray

2 Forti & Visconti

3 Mytrofanov, Prytula, Neledva, Kalimbet & Medentsev

و حمایت‌های سازمانی به واسطه بهبود دانش علمی در این حوزه ایجاد گردد. از طرفی مشکلات خرد از جمله تحریم‌های بین‌المللی، عدم تعامل سازمان‌های بین‌المللی جهت تعامل با سازمان‌های ایرانی، فقدان اعتماد به سازمان‌های بین‌المللی، نفوذ گروه‌های سیاسی به سازمان‌ها، دغدغه‌های مالی گسترده سازمان‌ها و چندشغله بودن مدیران سازمان‌ها و همچنین مشکلات کلانی از جمله عدم علاقه مدیران ارشد به ارائه فضای باز، عدم توجه به کارکنان در مسائل آموزشی در سازمان، فرآیندهای ناکارآمد سازمانی، عدم نگرش مثبت به افزایش دامنه فعالیت اقتصادی سازمان‌ها، عدم شفافیت فرآیندهای سازمانی، ضعف در تبدیل انواع دانش اقتصادی در سازمان، فقدان امنیت شغلی، ضعف سیستم‌های ارزیابی در سازمان‌ها و مهارت پایین سازمان‌های ورزشی جهت ایجاد ارتباطات بین‌المللی به عنوان عوامل کلان سبب گردیده است تا سیاست‌گذاری برای جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای تحت تاثیر قرار گیرد.

جرائم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام سطوح نظام اجتماعی را دچار چالش می‌کند و باید این دسته از جرائم با چالش‌های جنایی جامعی کنترل شود. فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند درحالی که نظام حقوقی به ویژه حقوق کیفری ایران تبیین حصری و تدبیر خاصی در برابر این دسته از جرائم ندارد. قانون جدید مجازات اسلامی برای نخستین بار مفهومی از جرم اقتصادی ارائه کرده است. اما به دلیل ابهام در مصادیق، عدم جامعیت مصادیق و فقدان معیار خاص مصادیق برای تمیز جرائم اقتصادی از سایر جرائم، این مفهوم بیش از آنکه به نفع نظام حقوقی باشد به نفع مجرمان اقتصادی واقعی است (شریف نیا و آهنگرانی، ۱۳۹۶: ۲۵). وجود مشکلات اقتصادی در هر حوزه‌ای مشخص می‌باشد. ورزش نیز به علت برخورداری از حجم مبادلات پولی بالا، دارای جرائم اقتصادی در سطوح مختلف می‌باشد. وجود جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای ایران سبب گردیده است تا امروزه باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی و همچنین ورزشکاران دچار مشکلاتی در این زمینه گردند. از طرفی شکل‌گیری جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای ایران به علت فقدان قوانین و مقررات حقوقی مدون به صورت کامل مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است. به عبارتی، وجود خلأ در ابعاد حقوقی جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای ایران، سبب گردیده است تا در فضای حاضر جرائم اقتصادی مختلفی ایجاد گردد اما عملاً برخورد قانونی و حقوقی در این زمینه نباشد. از طرفی عدم توجه قانون‌گذاران به جرائم اقتصادی در ورزش حرفه‌ای سبب گردیده است تا امروزه فضای ورزش حرفه‌ای دچار آلودگی‌های مالی و اقتصادی گردد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های

السادپانی و داوولیویرامدیروس^۱ (۲۰۱۹)، لازاروس و اوکولوری^۲ (۲۰۱۹)، دوی^۳ (۲۰۱۷)، بارزیکینا^۴ (۲۰۱۶)، خلیلی (۱۳۹۴)، حسن پور (۱۳۹۴) همخوان می باشد. همچنین لازاروس و اوکولوری^۵ (۲۰۱۹) در پژوهش خود که با هدف رشد جرائم اقتصادی در کشور نیجریه انجام گرفت، پی بردند که خلا حقوقی و ضعف در قوانین موجود سبب گردیده است تا جرائم اقتصادی به خصوص در ابعاد سایبری در کشور نیجریه رشد پیدا کنند و کنترل این جرائم با سرعت کندی انجام گردد. رضانی و عبدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود که با هدف شناخت خلاءهای قانونی برای مبارزه با جرائم اقتصادی در حقوق ایران انجام گرفت، دریافتند که به علت نبود قانون گذاران متعدد و تخصصی در کشور؛ قوانین روشن و مدونی جهت برخورد با جرائم اقتصادی در کشور ایران به مرحله اجرا در نیامده است. حسن پور (۱۳۹۴) در پژوهش خود که با هدف شناخت کاستی های جرائم اقتصادی در سیاست کیفری ایران انجام گرفت، پی برد که تعدد نهادهای قانون گذار و منابع قانونی، مسامحه در تدوین قوانین و جرم انگاری و... حکایت از کاستی هایی در حوزه سیاست کیفری ما در قبال مفاسد اقتصادی دارد. السادیپانی و داوولیویرامدیروس^۶ (۲۰۱۹) در پژوهش خود که با هدف بررسی جرائم اقتصادی و نقش سازمان ها و شرکت ها در مدیریت این جرائم انجام گرفت، دریافتند که ضعف های حقوقی در قوانین و مقررات سبب گردیده است تا شرکت ها و سازمان ها در غالب فعالیت های مربوط به مسئولیت اجتماعی، ورود به مدیریت جرائم اقتصادی نداشته باشند.

در مسیر کنترل و مدیریت جرائم اقتصادی در ورزش حرفه ای، تحقیق حاضر راهبردهایی را ارائه نمود. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می گردد تا راهبردهای شناسایی شده شامل آموزش و تشویق سیستم گزارش دهی جرائم اقتصادی و گسترش فرهنگ همکاری با پلیس در زمینه کشف، شناسایی و تعقیب جرائم اقتصادی، ایجاد توافق نامه بین المللی بین سازمان های ورزشی کشورهای مختلف، تدوین قوانین مناسب و انجام اصلاحات ضروری در مقررات جاری کشورها در زمینه برخورد مناسب، توسل به همکاری همه جانبه بین المللی در زمینه پیشگیری، کشف و تعقیب مرتکبین این حوزه و گسترش مطالعات تطبیقی و همکاری های بین المللی در زمینه های جدید حقوقی، منسجم ساختن و تسهیل در اجرای قوانین با مشورت گروه های مربوط به دیگر کشورها، به منظور آگاهی از آخرین پیشرفت ها در زمینه جرائم اقتصادی در ورزش،

1 Alcadipani & de Oliveira Medeiros

2 Lazarus, S., & Okolorie

3 Devi

4 Barzykina

5 Lazarus, S., & Okolorie

6 Alcadipani & de Oliveira Medeiros

ابداع روش‌های تازه و آموزش آن‌ها به ماموران پژوهش و تعقیب جرائم اقتصادی، ترویج فرهنگ اخلاق کار در فضای اطلاعاتی و بهره‌گیری از تدابیر امنیتی پیشگیرانه به منظور به حداقل رساندن خسارات ناشی از تهاجمات جرائم اقتصادی در ورزش اجرایی گردد.

منابع

- پروانه، مریم و پرنون، یونس. (۱۳۹۳). «بررسی جرائم و تخلفات ورزشی در قوانین ایران». نخستین همایش ملی الکترونیکی رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، بصورت الکترونیکی، موسسه آموزشی پژوهشی هزاره سوم.
- حسن پور، امین. (۱۳۹۴). «کاستی‌های جرائم اقتصادی در سیاست کیفری ایران». نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران. تهران، مرکز همایش‌های توسعه ایران.
- شریف‌نیا، محمد حسن و آهنگرانی، محمدحسن. (۱۳۹۶). «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی». دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران، موسسه پژوهشی مدیریت مدیر.
- شریعتی، زینب و عبدالحسینی، حسین. (۱۳۹۶). «بررسی سیاست جنایی ایران در جرم انگاری مقاصد اقتصادی». اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی و امنیت اجتماعی. تهران، دانشگاه آل طه - معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز.
- رمضانی، فرشاد و عبدی، سمیه. (۱۳۹۷). «خلاءهای قانونی برای مبارزه با جرائم اقتصادی در حقوق ایران». کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی. خوی، دانشگاه آزاد اسلامی زرگان - آموزش عالی علامه خویی وابسته به وزارت علوم پژوهش و فناوری.
- دستگردی، ایمان و بدری، حسن. (۱۳۹۷). «بررسی جرائم اقتصادی از ابعاد اقتصادی اجتماعی و مجازات جرائم اقتصادی». کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری مطالعات حقوقی و اجتماعی. خوی، دانشگاه آزاد اسلامی زرگان - آموزش عالی علامه خویی وابسته به وزارت علوم پژوهش و فناوری.
- طباطبایی، مریم السادات. (۱۳۹۳). «پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی، اولین همایش ملی وکالت». اخلاق، فقه و حقوق، میبد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد.
- Alcadipani, R., & de Oliveira Medeiros, C. R. (2019). "When Corporations Cause Harm: A Critical View of Corporate Social Irresponsibility and Corporate Crimes". Journal of Business Ethics, 1-13.
- Asgarian, F; Faraji dana, A; Godarzi, M; Jafary, A. (2005). "Study of Economic Status of Iran's Sports Industry in 1998 and 2001". Move, 24(24), 25-43.
- Barzykina, G. (2016). "Global tendencies of economic crimes' modification". Економічний часопис-XXI, 157(3-4 (1)), 12-14.
- Coates, D., & Humphreys, B. R. (2007). "Ticket prices, concessions and attendance at professional sporting events". International Journal of Sport Finance, 2(3), 161.
- Corteen, K. M. (2018). "A critical criminology of professional wrestling and sports entertainment". The Popular Culture Studies Journal: Special Edition-Professional Wrestling, 6(1), 138-154.
- Devi, G. (2017). "The urgency of the codification of Islamic law on contracts in Indonesian banking business to anticipate the development of Islamic economy and globalization era". International Journal of Economic Research, 14(5), 235-251.
- Forti, G., & Visconti, A. (2019). "From Economic Crime to Corporate Violence: The Multifaceted Harms of Corporate Crime". The Handbook of White-Collar Crime, 64-80.

- Huang, J., Roberts, H., & Tan, E. K. (2018). **"The Impact of Media Sentiment on Firm Risk"**. Corporate Investment and Financial Policies.
- Lazarus, S., & Okolorie, G. U. (2019). **"The bifurcation of the Nigerian cybercriminals: Narratives of the Economic and Financial Crimes Commission (EFCC) agents"**. Telematics and Informatics, 40, 14-26.
- Meier, M., Tan, K. H., Lim, M. K., & Chung, L. (2018). **"Unlocking innovation in the sport industry through additive manufacturing"**. Business Process Management Journal.
- Murray, K. (2020). **"When opportunity knocks: mobilizing capabilities on serious organized economic crime"**. Public Money & Management, 40(5), 397-406.
- Mytrofanov, I., Prytula, A., Neledva, N., Kalimbet, I., & Medentsev, A. (2020). **"Interconnection and Reciprocal Influences between a State's Economy and Economic Crime: Before a Problem Statement"**. Journal of Economics and Economic Education Research, 21(1), 1-9.
- Rubio, M., & Carrasco-Gallego, J. A. (2014). **"Macroprudential and monetary policies: Implications for financial stability and welfare"**. Journal of Banking & Finance, 49, 326-336.
- Weinstein, A., Klein, L. D., & Dannon, P. N. (2015). **"A comparison of the status, legal, economic, and psychological characteristics of types of adult male gamblers"**. Journal of gambling studies, 31(3), 987-994.
- Yuen, B. (2008). **"Sport and urban development in Singapore"**. Cities, 25(1), 29-36.
- Zhang, J. J., Kim, E., Mastromartino, B., Qian, T. Y., & Nauright, J. (2018). **"The sport industry in growing economies: critical issues and challenges"**. International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 19(2), 110-126.

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

تریفه پیامی^۱

جعفر برقی مقدم^۲

محمد رحیم نجف‌زاده^۳

حبیب محمدپوریقینی^۴



10.22034/SSYS.2022.2085.2489

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۹

هدف از این پژوهش، طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران با استفاده از نظریه داده بنیاد بود. روش تحقیق تحلیلی بود که بدین منظور از روش‌شناسی کیفی استفاده شد. راهبرد تحقیق، استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها بود. مشارکت‌کنندگان در تحقیق ۱۶ نفر شامل اساتید حوزه بازاریابی ورزشی، مسئولان باشگاه‌ها و سازمان لیگ و راهبرد نمونه‌گیری در بخش کیفی هدفمند و با حداکثر تنوع یا ناهمگونی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و کدگذاری استفاده شد. ابزار تحقیق مصاحبه باز بود و نتایج بر مبنای سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد ارتقای جایگاه نشان تجاری لیگ برتر، هویت با ثبات برند، مدیریت ارتباط مشتریان، منافع مالی معرف‌های عوامل علی بودند. پدیده محوری از عوامل بهبود ارزش ویژه برند، ارزیابی عملکرد، اعتبار نام تجاری برند لیگ تشکیل شده است. عوامل زمینه‌ای شامل جایگاه سازی برند لیگ، عوامل اجتماعی، برقرای تعادل رقابتی در لیگ، زیر ساخت‌های ملی برند لیگ بود. همچنین عوامل مداخله‌گر شامل عامل‌های تغییر و پیشرفت فناوری‌های مرتبط، عوامل باشگاهی، ضعف‌های نظارتی، ضعف نیروی انسانی، پاسخ‌گویی، ویژگی‌های مشتریان بود. راهکارهای حقوقی و قانونی، راهکارهای مدیریتی مناسب، برقراری ارتباطات و تعاملات مناسب، برگزاری مسابقات با توجه به استانداردهای روز دنیا، تقویت عوامل تسهیل‌کننده برگزاری، تناسب برند و لوگو با لیگ راهبردهای برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران را تشکیل دادند. در نهایت آینده‌نگری برند لیگ برتر، تثبیت موقعیت برند لیگ، به‌وجود آمدن رابطه برند لیگ

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Barghi@iaut.ac.ir

۳ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۴ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

و طرفداران، ایجاد تعهد برند، مدیریت صحیح برند پیامدهای حاصل از پژوهش حاضر را تشکیل دادند.
واژگان کلیدی: لیگ برتر فوتبال، برند و نظریه برخاسته از داده‌ها.

مقدمه

در کسب و کارهای امروزی، استفاده از برند و مدیریت آن یکی از شاخص‌های مهمی محسوب می‌شود که به بهبود وضعیت بازاریابی و اقتصاد می‌انجامد (کارلسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). به اعتقاد اکر (۱۹۹۱) برند با مشتری سخن می‌گوید و این کار را نه تنها با استفاده از معنی و مفهوم لغوی، بلکه مهم تر از آن، با استفاده از عواملی انجام می‌دهد که در طول زمان به نحوی با آن درآمیخته و در جامعه به صورت هویتی اجتماعی و شناخته شده شکل یافته است. به بیان دیگر، برندها کمک می‌کنند تا مصرف‌کنندگان محصولات و خدمات را به یاد آورند و تصویرها (تصویری از محصول، خدمات و سازمان فراهم آورنده) را در حافظه خود تثبیت نمایند. برندها می‌توانند با کمک به خلق تصاویر مثبت از محصول، خدمت یا شرکت و ایجاد اعتبار برای آنها، ثروت بسازند؛ یعنی چیزی که می‌تواند تمامی تلاش‌های بازاریابی شرکت‌ها را دربرگیرد (گلادان و فانک^۲، ۲۰۰۱). برند یکی از مهمترین دارایی‌های نامشهود هر سازمان است که طی چند دهه اخیر مورد توجه سازمان‌ها قرار گرفته است. طراحی و ساخت برندهای قدرتمند از اولویت‌های اصلی سازمان‌های موفق به حساب می‌آید، زیرا طبق باور عمومی برندهای موفق قابلیت ایجاد مزیت دارند و این همان توانی است که مورد توجه تمامی سازمان‌ها به خصوص سازمان‌های ورزشی قرار گرفته است (کونز^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). تحقیقات نشان می‌دهد که تصویر برند بر روی ادراکات مشتریان از کیفیت محصولات و خدمات، تأثیر دارد و اعتبار شرکت بر روی ادراک مشتری و وفاداری او مؤثر است به ویژه علائم تجاری و قدرت آن در بازاریابی ورزشی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود و حساسیت مشتری بسیار زیاد است و انعطاف پذیری در آن کم و کوچکترین کم توجهی باعث هدر رفتن همه تلاش‌های بازاریابی می‌شود. از گذشته تاکنون، روند روبه رشدی در برندسازی حاکم بوده است و هدف برندسازی، ایجاد وضعیتی مطلوب برای برند سازمان از طریق ذینفعان مختلف آن می‌باشد. این موضوع باعث شده است راهبردهای برند در راهبرد کلان سازمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شوند (والش^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). از منظر مدیریت برند، ضروری است که یک تصویر کلی از جایگاه برند، ارزش‌های برند و ارتباطات آن در تمامی تعاریف فرآیندهای مرتبط با حوزه جذب و نگهداری منابع انسانی، ساختارهای سازمانی و... ایجاد و با مدیریت هوشمند حفظ و نگهداری گردد تا اینکه در هنگام مراجعه فرد به سازمان، فرآیندهای درونی سازمان نیز

1 Carlson

2 Gladden and Funk

3 Kunz

4 Walsh

مؤید تصویر ارائه شده قبلی باشد و فرد همواره سازمان را متعهد به رعایت ارزش‌های وعده داده شده، مشاهده نماید (شووامی^۱، ۲۰۱۶).

صنعت ورزش با توجه به سودآوری و افزایش چشمگیر علاقمندان به آن، به حوزه‌ای با اهمیت تبدیل شده و توجهات را به خود جلب نموده است. امروزه باشگاه‌های ورزشی به برندهایی تبدیل شده‌اند که علاوه بر زمین مسابقه، در خارج از آن هم در حال رقابت با هم هستند (میربابایی و همکاران، ۱۳۹۵). از این رو، آنها برای موفقیت در این عرصه، از راهبردهای مختلفی سود می‌برند که یکی از آنها توسعه برند ورزشی است. برندها در صنعت ورزش باید بر اساس مفاهیمی شکل گیرد که برای اعضای بازار هدف، معنادار و شناخته شده باشد. برند یک سازمان ورزشی، تجارب کلی تجاری سازمان است که باید به مشتریان این امکان داده شود که همواره از برند انتظار تجربه مشابه با تجارب کلی سازمان را داشته باشند و اگر چه این امر کاری بس دشوار و طاقت فرساست، اما تنها راهی است که برای طرفداران وفادار برند، ارزش ایجاد می‌کند (یوسف^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). امروزه جهانی شدن از اهداف ویژه برندهای ورزشی است و به طور کلی باشگاه‌های ورزشی لیگ‌های حرفه‌ای تمایل بیشتری برای برندسازی و توسعه برند در سطح ملی و بین‌المللی دارند (کارلسون و همکاران، ۲۰۱۹). با بررسی برخی از برندهای ورزشی می‌توان مشاهده نمود که امروزه برندهای ورزشی قدرتمند و حتی تعدادی از آنها مانند افسانه‌ها شده‌اند. آنها مزایا و امتیازات چشم‌گیری از تصویر و ارزشی که دارند، به دست می‌آورند و علاوه بر این، موفقیت آنها بر پایه توانایی آنها در تقویت ادراک مشتریان از نمادهای مرتبط با برند آنهاست. برندینگ به عنوان یک راهبرد نفوذ برای سازمان‌های ورزشی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود و یکی از مهمترین دارایی‌های تیم‌ها و فعالان صنعت ورزش می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت برندینگ جدیدترین بازی در صنعت ورزش است (یوسف و همکاران، ۲۰۱۷).

امروزه تیم‌های ورزشی و باشگاه‌ها نیز مانند کلیه برندهای ورزشی باید برای پویایی سازمان خود تلاش کنند و بتوانند برندی در حال توسعه تولید نمایند تا از ورشکستگی و رویدادهای نامطلوب بازار ورزشی مصون بمانند. هزینه‌های بیش از حد، وابستگی و عدم وجود برند در حال رشد از مهم‌ترین عوامل انحلال و ورشکستگی در برندها و تیم‌های ورزشی است (فلوریا^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). آنچه در تیم‌های

1 Shuvami

2 Yusaf

3 Florea

ورزشی حائز اهمیت است، این موضوع است که برند تیم‌های ورزشی کمتر تحت تاثیر نتایج تیم است و در صورت وفاداری هواداران کمتر مورد انحلال و آسیب و کاهش ارزش برند واقع می شود. به عبارتی، در شرایطی که سازمان‌های ورزشی و مالکان تیم‌های ورزشی ممکن است دچار آسیب‌ها و مشکلات سازمانی و افول اقتصادی شوند، برند توسعه یافته در تیم‌های ورزشی می تواند تیم‌های ورزشی و سازمان‌های وابسته به آنها را از ورشکستگی نجات دهد و زمینه رشد دوباره و بازیابی سازمان را فراهم نماید (یوسف و همکاران، ۲۰۱۷). اگرچه در مقابل نتایج ضعیف تیم و مشکلات سازمانی واکنش‌های هواداران تیم‌ها از جمله خشم، اعتراض و عصبانیت وجود دارد. از این رو، برند تیم می تواند در مدیریت این مسائل کمک کننده باشد و در بهبود وضعیت سازمان‌های ورزشی مربوط به تیم ورزشی یاری کننده مدیران سازمان گردد (فلوریا و همکاران، ۲۰۱۸).

لیگ‌های ورزشی نیز بخشی قابل توجهی را در صنعت ورزش تشکیل می دهند که برندسازی در حوزه لیگ‌های ورزشی می تواند توجه رسانه‌های زیادی را به سمت لیگ‌ها معطوف کند؛ به طوری که می توان رویدادها، مسابقات، تورنمنت‌ها و لیگ‌های ورزشی را برندهای توسعه یافته و بعضاً در حال توسعه در صنعت ورزش دانست. مدیریت برند در لیگ‌های ورزشی در رشته‌های ورزشی مانند فوتبال، راگبی، بیسبال، حاکی، کریکت و بوکس را می توان در جهان ورزش امروز مشاهده نمود که نشان می دهد لیگ‌های ورزشی می توانند به عنوان برندهایی معرفی شوند که در درون آنها برندهای متعددی توسعه یابد که این امر، خود زمینه جذب حامیان مالی، حامیان قدرتمند رسانه‌ای و بهبود ارتباطات را رقم می زند (بالولی و همکاران، ۲۰۱۵). امروزه رویدادها و لیگ‌های ورزشی علاوه بر اینکه خود برندهایی در حال رقابت با یکدیگر می باشند، زمینه رشد برندهای دیگری از جمله برندینگ شهری، برندهای صنایع غیر مرتبط با ورزش و همچنین برندهای ورزشی را نیز سبب می شوند (ژانگ و ژیاوبین ژائو، ۲۰۱۹). توسعه برندهای لیگ در صنعت ورزش زمینه توسعه محصولات متعدد مرتبط با لیگ و بهبود توسعه بازار ورزشی و دستیابی به مصرف کنندگان جدید را فراهم می کند که از این منظر ارزش برندسازی برای لیگ‌های ورزشی را دوچندان می نماید (کانکل و همکاران، ۲۰۱۴). می توانیم مشاهده کنیم که امروزه برای دستیابی به مشتریان و مصرف کنندگان بیشتر، لیگ‌های ورزشی برندسازی مجدد و برنامه ریزی‌های راهبردی را در دستور کار خود قرار داده اند تا بتوانند از طریق افزایش ارزش برند لیگ، از مزایای متعدد آن استفاده نمایند (کانکل و همکاران، ۲۰۱۴). با بررسی

لیگ‌های معتبر ورزشی در سراسر جهان می‌توان مشاهده نمود که بسیاری از لیگ‌های معتبر ورزشی جهان در حال پروژه‌های برندسازی و کمپین‌های توسعه برند برای لیگ می‌باشد که از آن میان لیگ‌های فوتبال آمریکا (MLS)، لیگ فوتبال استرالیا و لیگ‌های ایالات متحده آمریکا را می‌توان نام برد. لذا لازم است تا لیگ‌های ورزشی با برندسازی از طریق برنامه‌ریزی، تحقیق و توسعه، کمپین‌های برندینگ و راهکارهای متعدد، زمینه توسعه لیگ‌های ورزشی را برای توسعه برند و افزایش ارزش برند، در دستور کار خود قرار دهند (کانکل و همکاران، ۲۰۱۴). لیگ برتر فوتبال ایران نیز با توجه به توسعه ورزش حرفه‌ای در سطح آسیا و پیشرفت کشورمان در فوتبال در سطح جهانی لازم است تا برای برندسازی الگوی مناسبی داشته باشند تا زمینه توسعه برند به صورت حرفه‌ای در این لیگ برتر فوتبال فراهم شود (عبدالله زاده و تکی، ۱۳۹۶).

نتایج پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد برندسازی در لیگ برتر بسکتبال ایران شامل ۷ عامل بود: لیگ بسکتبال ایران، فلسفه و ماهیت ورزش بسکتبال، ماهیت ورزش، نیروهای خارجی، مشتریان برند، ارتباطات و بازاریابی. کانکل و همکاران^۱ (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیدند ۱۷ عامل تشکیل دهنده تداعی برند لیگ‌های ورزشی است: محیط، غرور در جامعه، رقابت، تفریح، آموزش، هیجان، نمایش بازی، عملکرد، توسعه و پرورش بازیکنان جوان، رقابت طلبی، جامعه‌پذیری، تیم خاص و سنت. نتایج نشان داد تداعی‌های شناسایی شده با نتایج نگرشی و رفتاری لیگ‌های ورزشی مرتبط است. همچنین ریشیلو^۲ (۲۰۱۸) تحقیقی را با عنوان «یک راهبرد برند سازی برای ورزش برای شهرها، مناطق و کشورها» انجام داد. یافته‌های تحقیق نشان داد ورزش در راستای توسعه برند شهرها، مناطق و کشورها می‌تواند موثر باشد و برندسازی از طریق ورزش امکان‌پذیر است.

با توجه به اهمیت موضوع برند و توجه به آن در فضاهای غیرورزشی، کمبودهای موجود در این زمینه و نداشتن مدلی برای برندینگ در لیگ‌های برتر به‌خصوص در رشته‌های دارای ظرفیت مانند فوتبال و اثرات قابل توجه برندینگ در بازاریابی ورزشی کشور و لیگ برتر فوتبال، می‌توان گفت که در صنعت ورزش به طور عام و در رشته فوتبال به طور خاص این موضوع آن طور که باید مورد توجه مسئولان و پژوهشگران قرار نگرفته و پژوهش‌های جامعی در این زمینه انجام نشده که اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند (ریشیلو، ۲۰۱۸). نتایج حاصل از انجام این پژوهش و طراحی الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال می‌تواند مورد استفاده افراد و نهادهایی همچون: سازمان لیگ برتر فوتبال، باشگاه‌های حاضر در

1 Kunkel Funk& Hill

2 Rishiluo

لیگ برتر فوتبال، فدراسیون فوتبال، حامیان مالی لیگ برتر، سرمایه گذاران و ... قرار گیرد و گامی هرچند کوچک در جهت بهبود شرایط ورزش کشور بردارد (رجب زاده و همکاران، ۱۳۹۹). طراحی الگوی برندسازی در لیگ برتر فوتبال باعث شناخته شدن این لیگ، جذب سرمایه‌های بیشتر، تمایل تیم‌های بهتر و باکیفیت برای حضور در لیگ، حضور بازیکنان خارجی قدرتمندتر، تمایل رسانه ای بالاتر، هواداران وفادارتر و در نهایت کسب درآمد بالاتر برای لیگ و فدراسیون فوتبال خواهد شد (فانک و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین عدم بهره‌مندی از الگوی صحیح برندسازی سازمان‌های ورزشی، رشته‌های در حال رقابت در عرصه‌های بین‌المللی همانند فوتبال را با مشکلات متعددی روبه رو می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تضعیف رابطه فرهنگی و سیاسی، ناتوانی در حفظ شرایط رقابتی، عدم استقبال تماشاگران و گسستن رابطه عاطفی (فلوریا و همکاران، ۲۰۱۷). از آنجا که کشور ما کشوری در حال توسعه و ورزش فوتبال نیز رو به حرفه ای شدن و توسعه می‌باشد و در مسابقات بین‌المللی و آسیایی موفقیت‌های بین‌المللی توسط تیم‌های باشگاهی فوتبال ایران کسب شده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹) و با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه و اهمیت روزافزون مدیریت برند در لیگ و باشگاه‌های ورزشی و در رشته فوتبال، باید سعی بر درک این موضوع داشت که به چه شیوه‌ای می‌توان برند لیگ برتر فوتبال ایران را مدیریت کرد و آن را ارتقا داد. کسب شناخت نسبت به این موضوع که ارزش برند لیگ برتر ایران در حال حاضر به چه میزان است یا چگونه باید تعیین شود، مسئله‌ای است که نیاز به بررسی و شناسایی متغیرهای مختص این لیگ دارد. بنابراین، محقق در این پژوهش سعی دارد برای درک و تبیین مدل برندسازی با بررسی برند لیگ برتر فوتبال ایران (به عنوان چتر برندی که برندهای باشگاهی را در بر می‌گیرد) با استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهدات و ... مدل جامعی را در این زمینه با استفاده از روش کیفی ارائه نماید. محقق با توجه به اختصاصی بودن شرایط هر لیگ و تفاوت مدل‌های موجود در سایر رشته‌ها و همچنین با توجه به انجام کارهای مشابه در سطوح کلان و راهبردی در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

عوامل تشکیل دهنده برند لیگ برتر فوتبال ایران کدام‌اند؟

شرایط فعلی برندسازی در لیگ برتر چگونه است؟

چه مدلی را می‌توان با توجه به متغیرهای شناسایی شده ترسیم کرد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش کیفی و راهبرد تحقیق در این مطالعه تحلیل داده بنیاد به روش اشتراوس و کوربین بود. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید حوزه بازاریابی ورزشی، مسئولان باشگاه و سازمان لیگ بودند. رشته تحصیلی و داشتن تالیفات علمی مرتبط با برند، دارا بودن سمت‌های مدیریتی و تجارب اجرایی در عرصه برند ورزشی و عرصه سازمان لیگ و باشگاه‌ها از جمله شاخص‌های انتخاب فهرست اولیه صاحب‌نظران بود. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری غیر احتمالی^۱، با انتخاب هدفمند و با حداکثر تنوع یا ناهمگونی بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به کفایت نظری ادامه یافت- وقتی کفایت نظری حاصل شود، هیچ نوع داده اضافی نمی‌توان یافت که پژوهشگر به وسیله آن بتواند خواص یا ویژگی‌ها (مقوله‌ها) را تدوین کند و به موازاتی که داده‌های مشابه را جمع‌آوری می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان می‌یابد که یک مقوله به کفایت رسیده است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۸). از این رو، تعداد مشارکت کنندگان در مصاحبه ۱۶ نفر بود. برای گردآوری اطلاعات ابتدا ادبیات و پیشنهاد تحقیق با استفاده از کتب، مجلات، پایان‌نامه‌های مربوط، آیین‌نامه و اسناد مرتبط و سایت‌های اینترنتی موردبررسی قرار گرفت. پس از تهیه راهنمای مصاحبه به نمونه آماری مراجعه شد و داده‌های موردنیاز با استفاده از مصاحبه‌های باز جمع‌آوری گردید. طول مدت مصاحبه‌ها ۳۰-۹۰ دقیقه بود و مصاحبه‌ها توسط دستگاه ضبط دیجیتالی ثبت شد. قبل از مصاحبه با افراد به منظور حداکثر مشارکت متخصصان و استادان، نامه‌ای همراه با جزئیات اساسی اهداف مطالعه و سؤال‌ها مرتبط با آن توسط E-mail به مشارکت‌کنندگان ارسال شد و از آن‌ها جهت ملاقات حضوری دعوت گردید. برای تحلیل مصاحبه‌ها از رویکرد ویرایشی^۲ و تئوری مبتنی بر داده^۳ گلاسر و اشتراوس که یکی از رویکردهای تحلیل داده‌ها در مصاحبه‌هاست، استفاده شد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۸).

نخستین گام در ساخت نظریه زمینه‌ای انجام کدبندی باز است. کدگذاری باز شامل تعداد کدهای اولیه می‌باشد که شناسایی شده و با توجه به مفاهیم آن‌ها دسته‌بندی می‌شود (کریوگر و نیومن^۴، ۲۰۰۶). مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده از مرحله کدگذاری باز، در الگوی کدگذاری^۵ جای می‌گیرد. الگوی کدگذاری، روابط بین مقوله‌هایی مانند شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، مقوله محوری، شرایط مداخله‌گر،

1 Non probability
2 Editing approach
3 Grounded Theory
4 Krioger & Niumn
5 Coding paradigm

راهبردها و پیامدها را ترسیم می‌کند (دانایی فرد، ۱۳۹۸). در نهایت مرحله سوم یا کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد که مدل نهایی پژوهش شکل می‌گیرد و ارائه می‌شود.

گفتنی است که به جهت نو بودن تحقیق و محدودیت احتمالی داده‌ها، از رویکرد مثلث سازی^۱ استفاده شد. مثلث سازی به فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون جهت جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق اطلاق می‌شود (اسکینر، ادواردز و کوربت^۲، ۲۰۱۴). با توجه به استفاده از شیوه مثلث سازی (استفاده از منابع چندگانه شامل منابع کتابخانه‌ای، گروه کانونی با کارشناسان و مصاحبه با متخصصان) در این تحقیق از منابع متنوع به منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. علاوه بر این، جهت سنجش روایی از معیارهای اسکینر، ادواردز و کوربت (۲۰۱۴) استفاده شد (جدول ۱):

جدول ۱: روش‌های اطمینان از روایی

روش‌ها	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری طولانی مدت	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق
مشاهده پایدار	مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت‌کنندگان
بازرسی مجدد مسیر	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به دست آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت توسط محقق و یک همکار (دانشجوی دکتری) آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن	بررسی اطلاعات به دست آمده به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در مورد نتایج
مثلث‌سازی	استفاده از منابع متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها
مقایسه مستمر	مقایسه داده‌های به دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به صورت مستمر در تمام طول تحقیق

برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک متخصص مدیریت ورزشی که در مراحل انجام پژوهش حضور داشته و از آگاهی مناسبی پیرامون این پژوهش برخوردار بود، درخواست شد تا به عنوان همکار در کدگذاری تحقیق شرکت کند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری به همکار تحقیق انتقال داده شد. سپس محققان به همراه همکار، به عنوان نمونه دو مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری کردند و درصد توافق درون موضوعی با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

1 Triangulation

2 Skinner et al.

$$\text{درصد توافق درون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل گدها}} \times 100\%$$

طبق جدول ۲، تعداد کل کدهای به ثبت رسیده معادل ۴۱ کد و تعداد کل توافقات بین کدها معادل ۱۶ می‌باشد. همچنین، پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش معادل ۷۸ درصد است. لذا با توجه به این که میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان گفت که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب می‌باشد.

جدول ۲: محاسبه پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	کدهای مورد توافق	کدهای عدم توافق	پایایی
۱	۴	۱۰	۴	۲	۰/۸۰
۲	۹	۱۵	۶	۳	۰/۸۰
۳	۱۲	۱۶	۶	۴	۰/۷۵
جمع		۴۱	۱۶	۹	۰/۷۸

گفتنی است کلیه تحلیل‌های آماری با کمک نرم‌افزار Maxqda نسخه ۲۰۲۰ انجام گرفت. نرم‌افزار Maxqda، نرم‌افزاری پیشرفته جهت تجزیه و تحلیل کیفی داده‌هاست که در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی و غیره کاربرد بسیار دارد. این نرم‌افزار برای دانشجویان، پژوهشگران، اساتید و مؤسسات تحقیقاتی که خواهان به‌کارگیری روش‌های تحقیق کیفی از جمله: روش نظریه زمینه‌ای یا داده بنیاد و روش تحلیل محتوا هستند، بسیار کارگشا می‌باشد. با بهره‌گیری از این نرم‌افزار می‌توان پژوهش‌های کیفی را با زمان کمتر، دقت و سهولت بیشتر به انجام رساند (بهشتی، ۱۳۹۷).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از ۱۶ نمونه تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه شد. با انجام مصاحبه با این افراد، تشخیص محقق و گروه تحقیق این بود که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست.

جدول ۳: مشخصات نمونه‌های بخش کیفی

ردیف	سن	جنسیت	شغل	مدرک تحصیلی
۱	۴۲	مرد	مدیر باشگاه	کارشناسی ارشد
۲	۵۶	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای مدیریت ورزشی

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

۳	۵۵	زن	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	مدیریت بازاریابی و رسانه ورزشی
۴	۴۵	مرد	عضو کمیته بازاریابی سازمان	کارشناسی ارشد
۵	۵۵	زن	مسئول بازاریابی سازمان لیگ	دانشجوی دکترا
۶	۴۲	مرد	کارشناس فدارسیون	دانشجو دکترا
۷	۵۹	مرد	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	مدیریت بازاریابی
۸	۶۲	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	مدیریت بازاریابی
۹	۵۴	مرد	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	مدیریت ورزشی
۱۰	۴۹	زن	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	دکترا مدیریت بازاریابی ورزشی
۱۱	۴۶	مرد	مدیر عامل باشگاه	دانشجوی دکتری مدیریت
۱۲	۶۴	زن	هیئت علمی دانشگاه (دانشیار)	دکترای ورزشی
۱۳	۵۲	مرد	مسئول کمیته بازاریابی باشگاه	دانشجو دکترا
۱۴	۴۸	مرد	مسئول کمیته بازاریابی باشگاه	کارشناسی ارشد
۱۵	۵۶	مرد	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	دکترای مدیریت رسانه
۱۶	۵۵	مرد	هیئت علمی دانشگاه (استادیار)	دکترا مدیریت ورزشی

با استناد به کدگذاری مرحله اول که به «کدبندی اولیه» معروف است و از طریق بازبینی مصاحبه‌های انجام گرفته با صاحب‌نظران، ۱۶۴ کدباز شناسایی گردید. حال که کلیه داده‌ها کدگذاری شده و کدها یا مفاهیم اولیه متعددی ساخته شدند، مرحله دوم کدگذاری داده‌ها با نام «کدگذاری محوری» انجام شد. نتایج به دست آمده در جدول ۴ نشان داد که عوامل علی مؤثر بر الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران از ۴ مولفه و ۲۲ کد مستخرج شده تشکیل گردیده است:

جدول ۴: کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز) عوامل علی

کد اولیه (باز)	کد محوری	کد گزینشی
وجود شاخص‌های ارزش‌یابی نشان تجاری برند لیگ		
شناسایی مزایای ماموس و ناملموس نشان تجاری		
ایجاد تصویری منطبق با هویت برند	ارتقای جایگاه نشان	
نشان تجاری به عنوان دارایی با ارزش لیگ	تجاری لیگ برتر	عوامل علی
داشتن وجهه ملی در بین جامعه		
برخورداری از هویتی تغییرناپذیر و یا با تغییراتی اندک در طول زمان	هویت با ثبات برند	

برخورداری از هویت حسّی مطلوب		
تعریف هویت بر مبنای توسعه		
حفظ اصالت		
عدم حذف مؤلفه‌های اصلی موفقیت برند در طول زمان		
حفظ و نگهداری از ویژگی‌های خود در شرایط در حال تغییر و استمرار		
آن		
حفظ شرایط خود در برابر رقبا، شخصیت با ثبات		
مدیریت ارتباط مشتریان	ارتباط با مشتری	
	حفظ مشتری	
	جذب مشتری	
	وفاداری مشتری	
	تقویت اعتماد مشتری	
منافع مالی	افزایش کارایی خدمات	
	توسعه منابع مالی	
	جلوگیری از هزینه‌های مازاد	
	کاهش ریسک مالی	
	بهبود کارایی خدمات	

نتایج به دست آمده در جدول ۵ نشان داد که پدیده‌های محوری موثر بر الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران از ۳ مولفه و ۱۴ کد مستخرج شده تشکیل گردیده است:		
جدول ۵: کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز) پدیده‌های محوری		
کد اولیه (باز)	کد محوری	کد گزینشی
آگاهی از برند	بهبود ارزش ویژه برند	پدیده محوری
تداعی برند		
تصویر برند		
کیفیت درک شده	ارزیابی عملکرد	پدیده محوری
سنجش توان عرضه		
محاسبه سهم اولویت برند برای هر برند در هر طبقه محصول		
سیستم ارزیابی عملکرد مبتنی بر پایداری و توسعه		
محاسبه سهم بدون اولویت برند در بازار		
محاسبه نرخ رشد متوسط برای هر برند خواه مثبت و یا منفی		

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

امتیاز ارتقادهنده خالص برند		
هم سویی با نیازها و انتظارات		
اعتبار نام تجاری	تقویت جایگاه نشان تجاری برند لیگ	
برند لیگ	ایجاد مبنایی برای طبقه‌بندی مشتریان	
زمینه سازی برای ایجاد نشان تجاری معتبر		
نتایج به دست آمده در جدول ۶ نشان داد که عوامل زمینه‌ای مؤثر بر الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران از ۴ مولفه و ۲۳ کد مستخرج شده تشکیل گردیده است:		
جدول ۶: کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز) عوامل زمینه‌ای		
کد اولیه (باز)	کد محوری	کد گزینشی
انتخاب درست جامعه هدف		
تشخیص درست ویژگی‌های برند در جامعه مورد نظر		
تشخیص درست مشخصات جامعه هدف	جایگاه سازی برند	
موقعیت‌یابی	لیگ	
تشخیص درست موقعیت شرکت در میان رقبا		
ارزیابی چرخه عمر محصول		
توجه به عدالت اجتماعی در جامعه و بین نسل‌ها		
برنامه‌ریزی کارآمد برای منابع لیگ		
برنامه‌ریزی مسیر بهینه‌سازی	عوامل اجتماعی	
تقرب به مشتریان لیگ		
ارائه تصویر مطلوب از لیگ		عوامل زمینه ای
توزیع بازیکنان خوب و فنی بین تیم‌ها		
رقابت متعادل		
نزدیک بودن سطح تیم‌ها با یکدیگر	برقرای تعادل رقابتی	
غیر قابل پیش‌بینی بودن نتیجه بازی	در لیگ	
رقابت تنگاتنگ		
توزیع مناسب امکانات		
پخش رسانه‌ای متعادل و شانس برابر تیم‌ها		
امکانات هتلینگ ملی	زیر ساخت های ملی	
داشتن وضعیت حمل و نقل مناسب	برند لیگ	
تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری فوتبال ملی		

قابلیت مدیریت و برگزاری رویدادهای بین المللی		
به وجود آمدن شرکت های متخصص در بین المللی سازی برند لیگ		
نتایج به دست آمده در جدول ۷ نشان داد که عوامل مداخله گر مؤثر الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران از ۶ مولفه و ۳۴ کد مستخرج شده تشکیل گردیده است:		
جدول ۷: کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز) عوامل مداخله گر		
کد اولیه (باز)	کد محوری	کد گزینشی
تغییر ویژگی های فناوری در عصر حاضر		
تغییر در مهارت ها و تخصص های مورد نیاز	تغییر و پیشرفت	
تغییر در نحوه ارائه خدمات	فناوری های مرتبط	
عدم کارایی مناسب فناوری های موجود		
هزینه بردار بودن بهره گیری از فناوری های مناسب جدید		
عدم رعایت قوانین حرفه ای سازی در باشگاه ها		
عدم درآمدزایی باشگاه های فوتبال		
عدم ثبات مدیریت در باشگاه های فوتبال		
بی اعتمادی باشگاه ها به سازمان لیگ	عوامل باشگاهی	
عدم تجاری بودن باشگاه های فوتبال لیگ برتر		
فساد در تیم های فوتبال		
بی اخلاقی بازیکنان و مربیان	عوامل مداخله گر	
مدیریت ضعیف باشگاه های فوتبال		
حضور بازیکنان بی کیفیت در باشگاه ها		
عدم نظارت بر عملکرد باشگاه ها		
عدم برخورد نامناسب با مشکلات اخلاقی بازیکنان و کادر فنی		
عدم برخورد سریع سازمان لیگ با حواشی موجود	ضعف های نظارتی	
عدم برخورد مناسب با رسانه های حاشیه ساز برای سازمان لیگ		
نفوذ بالای دلالان فوتبالی در تصمیمات تیم ها		
سندسازی و عدم صداقت در مباحث مالی		
ضعف داوران در قضاوت مسابقات		
ضعف روابط عمومی سازمان لیگ در رسانه های مجازی	ضعف نیروی انسانی	
عدم شایستگی کادر اجرایی سازمان لیگ		
عدم استفاده از خبرگان ورزشی		

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

بی‌انگیزه بودن مسئولان اجرایی لیگ	
سواد پایین مربیان شاغل در لیگ	
ارتقای پاسخ‌گویی مطلوب	
جلوگیری از رویگردانی مشتریان	پاسخ‌گویی
افزایش ارزش ادراک شده	
ایجاد انگیزه برای مراجعه مجدد	
دانش مشتری	
تجربه مشتری	
تفاوت و تغییر در الگوهای ارتباطی	ویژگی های مشتریان
تفاوت و تغییر در الگوهای تصمیم‌گیری	

نتایج به دست آمده در جدول ۸ نشان داد که راهبردهای مؤثر بر الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران از ۶ مولفه و ۴۴ کد مستخرج شده تشکیل گردیده است:		
جدول ۸: کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز) راهبردها		
کد اولیه (باز)	کد محوری	کد گزینشی

ثبت رسمی برند باشگاه‌ها		
تدوین شرایط ورود باشگاه‌ها به مسابقات لیگ برتر		
اجرای مناسب قوانین از سوی مجریان لیگ	راهکارهای حقوقی و قانونی	
تسهیم باشگاه‌ها در قانون‌گذاری مسابقات به شکل اثرگذار		
تدوین آیین‌نامه جامع برای برگزاری مسابقات		
اجرای قانون کپی‌رایت برای استفاده از لوگوی سازمان لیگ		
برنامه‌ریزی جامع برای برندسازی سازمان لیگ		
شایسته‌سالاری در مسئولیت‌ها		
تغییر دیدگاه حکومت به فوتبال		
توجه به بازخورد های مردمی		
واگذاری برخی از مسئولیت‌ها به باشگاه‌ها	راهکارهای مدیریتی مناسب	
برگزاری مسابقات لیگ توسط اتحادیه باشگاه‌های کشور		
اجرای تمامی مراحل برگزاری مسابقات توسط سازمان لیگ		
خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال		
الگو گرفتن از لیگ‌های معتبر دنیا		راهبردها
استفاده از مدیران فوتبالی در بدنه باشگاه‌ها		

	استفاده از مسکات‌های هم‌هویت با برند سازمان لیگ
	برقراری ارتباط با مخاطبان از طریق مسکات
	تعامل مناسب با رسانه‌های جمعی
برقراری ارتباطات و تعاملات مناسب	فعال‌سازی شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی
	تعامل مناسب با خبرنگاران در برگزاری مسابقات
	طراحی مناسب سایت سازمان لیگ
	همکاری با نهادهای علمی برای کشف نقاط ضعف و قوت سازمان لیگ
	عقد قرارداد بین سازمان لیگ و شرکت‌های خدماتی جهانی
	رعایت عدالت برای تیم‌ها به‌طور یکسان
	طراحی کاپ قهرمانی مخصوص برای مسابقات مختلف
	طراحی تشریفات مخصوص برگزاری مسابقات
برگزاری مسابقات با توجه به استانداردهای روز دنیا	طراحی شعار مخصوص مسابقات
	طراحی مناسب جشن قهرمانی مسابقات
	برگزاری مسابقات در روزهای ثابت
	برگزاری مسابقات در اوقات مناسب
	برگزاری برنامه‌های سرگرم‌کننده قبل و بین دو نیمه مسابقات
	تقویت تصویربرداری و نحوه پخش مسابقات لیگ
	حل مشکل ورود بانوان به ورزشگاه‌ها
	شفاف‌سازی قراردادهای باشگاه‌ها
تقویت عوامل تسهیل کننده برگزاری لیگ	بهبود وضعیت زیرساخت‌های برگزاری مسابقات در چند سال اخیر
	برنامه ریزی مدون برگزاری مسابقات در ابتدای فصل
	برگزاری مداوم مسابقات در طول سال
	موفقیت تیم‌های باشگاهی کشور در چند سال اخیر در آسیا
	تبلیغات محیطی سازمان لیگ در مسابقات
	ساده بودن لوگوی سازمان لیگ
تناسب برند و لوگو با لیگ	استفاده از نشان‌های ملی در لوگوی سازمان لیگ
	گویا و مناسب بودن لوگوی فعلی سازمان لیگ
	نمایش لوگوی سازمان لیگ در خلال پخش مسابقات

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

نتایج به دست آمده در جدول ۹ نشان داد که پیامدهای حاصل از الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران از ۵ مولفه و ۲۷ کد مستخرج شده تشکیل گردیده است:

جدول ۹: کدهای اولیه و کدبندی ثانویه (متمرکز) پیامدها

کد اولیه (باز)	کد محوری	کد گزینشی
در نظر گرفتن منافع بلند مدت	اینده نگری برند لیگ برتر	
نگاه بلندمدت به مدیریت برند		
برخورداری از افق‌های بلندمدت		
نگاه به آیندگان و نسل‌های آینده		
ایجاد تفکری بلندمدت نسبت به پایداری در برندسازی	تصبیت موقعیت برند لیگ	
توضیح دقیق برند		
توضیح قیمت برند		
توضیح ارزش درک شده		
تصمیم‌گیری در مورد ویژگی‌های بصری و احساسی برند	به‌وجود آمدن رابطه برند لیگ و طرفداران	
تثبیت جایگاه برند لیگ در بین برندهای معتبر ورزشی		
طبقه‌بندی باشگاه (طبقه اجتماعی و سرمایه‌ای)		
توجه به قدرت گروه‌های مرجع و پایگاه‌های هواداری		
رفتار طرفداران در داخل و خارج ورزشگاه	ایجاد تعهد برند	پیامدها
کیفیت میزبانی از هواداران (قبل، حین و پس از مسابقه)		
فراوانی، گستردگی جغرافیایی و وفاداری هواداران		
مزیت‌های منحصر بفرد طرفداران		
مشتریان وفادار		
تمایل مشتریان به برند		
بهبود عقاید مشتری نسبت به برند مورد نظر		
کسب لذت از سوی مشتریان		
عدم تصمیم‌گیری خودسرانه در میان مدیران در راستای دستیابی به هدف	مدیریت صحیح برند	
نحوه استقرار تبلیغات		
عدم سطحی‌نگری به برند		
طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی صحیح و به موقع		

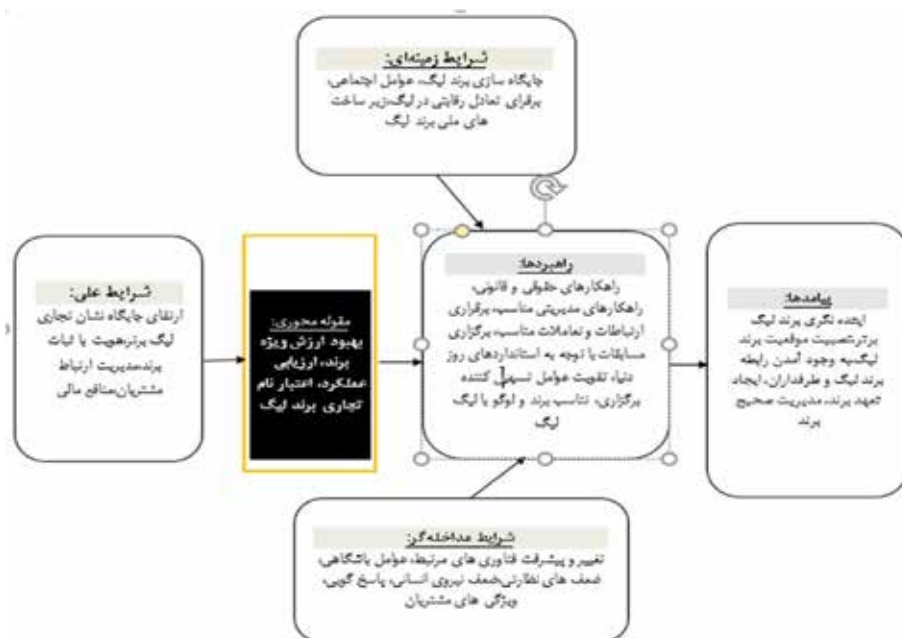
استفاده مؤثر از منابع

اجرای سیستم مدیریت زنجیره تأمین پایدار

برنامه ریزی مدون و منسجم لیگ، برگزاری منظم

با توجه به کدگذاری‌های محوری صورت گرفته، مدل پارادیمی به روش داده بنیاد و شیوه

استراس و کوربین، به شرح زیر می باشد:



شکل ۱: مدل پارادیمی برگرفته برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران

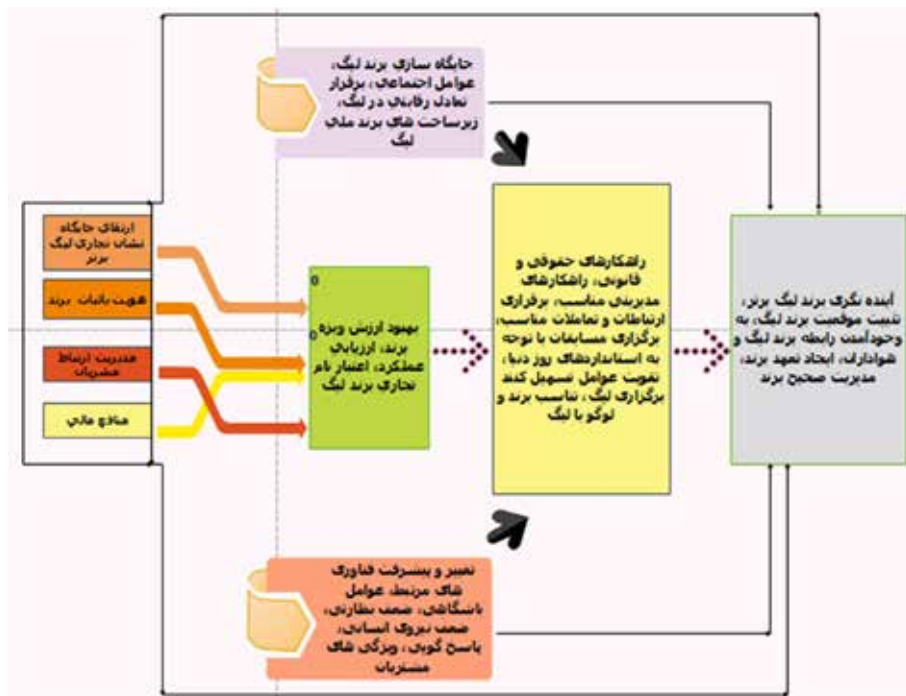
در این مرحله از پژوهش، کدگذاری گزینشی و مدل نهایی ارائه می گردد. در مرحله کدگذاری گزینشی یا انتخابی، شکل گیری و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه ها تشریح می شود. در این قسمت کدگذاری های محوری به صورت ترکیبی و محتوای هر یک از آنها در قالب کدهای نظری قرار داده شدند که در جدول زیر ارائه گردید:

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

جدول ۱۰: کدگذاری نظری (گزینشی) الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران

مقوله اصلی	مقوله محوری
عوامل علی	ارتقای جایگاه نشان تجاری لیگ برتر
	هویت با ثبات برند
	مدیریت ارتباط مشتریان
	منافع مالی
پدیده محوری	بهبود ارزش ویژه برند
	ارزیابی عملکرد
	اعتبار نام تجاری برند لیگ
	جایگاه‌سازی برند لیگ
عوامل زمینه‌ای	عوامل اجتماعی
	برقراری تعادل رقابتی در لیگ
	زیرساخت‌های ملی برند لیگ
	تغییر و پیشرفت فناوری‌های مرتبط
عوامل مداخله‌ای	عوامل باشگاهی
	ضعف‌های نظارتی
	ضعف نیروی انسانی
	پاسخ‌گویی
راهبردها	ویژگی‌های مشتریان
	راهکارهای حقوقی و قانونی
	راهکارهای مدیریتی مناسب
	برقراری ارتباطات و تعاملات مناسب
پیامدها	برگزاری مسابقات با توجه به استانداردهای روز دنیا
	تقویت عوامل تسهیل‌کننده برگزاری لیگ
	تناسب برند و لوگو با لیگ
	اینده‌نگری برند لیگ برتر
	تثبیت موقعیت برند لیگ
	به‌وجود آمدن رابطه برند لیگ و طرفداران
	ایجاد تعهد برند
	مدیریت صحیح برند

براساس ترکیب لایه‌های ارائه شده در جداول قبل، مدل نهایی تحقیق به شرح زیر به دست آمد:



شکل ۲: الگوی نهایی الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، ارائه الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بود. به منظور ارائه یک مدل نظام مند و شماتیک از یافته‌های برخاسته از داده‌های کدگذاری شده، از رویکرد نظام مند نظریه داده بنیاد که توسط اشتراوس^۱ و کوربین^۲ (۱۹۹۸) ارائه شده، استفاده گردید. مدل نظام مند از لایه‌های تفکیک شده‌ای حاصل شده است و براساس قرار گرفتن این لایه‌ها در کنار هم، مدل نهایی تحقیق ارائه و سپس این لایه‌ها به تفکیک کدهای حاصل بررسی و تحلیل می‌گردد. منظور از شرایط علی، مقوله‌هایی مربوط به شرایطی

1 Straos

2 Corbin

است که بر مقوله محوری الگوی برندسازی لیگ برتر فوتبال تأثیر می‌گذارد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۹۸). هویت باثبات، یکی از عوامل علی است که با مشخصه‌های برخورداری از هویتی تغییرناپذیر و یا با تغییراتی اندک در طول زمان، برخورداری از هویت حسی مطلوب، تعریف هویت بر مبنای توسعه، حفظ اصالت، عدم حذف مؤلفه‌های اصلی موفقیت برند در طول زمان، حفظ و نگهداری از ویژگی‌های خود در شرایط در حال تغییر و استمرار آن، حفظ شرایط خود در برابر رقبا و شخصیت با ثبات تعریف می‌شود. هویت برند یعنی برداشت و درک مخاطب از برند ارائه شده از همان لحظه ابتدایی که در مورد آن می‌شنود تا وقتی که لوگوی آن را می‌بیند یا دیدن تبلیغات اینترنتی یا محیطی. در واقع شناخت، احساس و تجربیاتی که یک برند می‌خواهد از محصولات و خدماتش در ذهن مخاطب به‌وجود آورد، هویت یک برند را شکل می‌دهد. در خلق تجربه برندی موفق برای مخاطبان، رعایت اصول هویت برند بسیار موثر است. توسعه و بهبود هویت برند در طی سال‌ها و با تمرکز بر رعایت یکپارچگی در تدوین و اجرای فعالیت‌های برندسازی امکان‌پذیر است. معمولاً وقتی حرفی از برند به میان می‌آید، شکل لوگوی برند تداعی می‌شود. دلیل این امر آن است که لوگو به گونه‌ای تداعی‌کننده تجربه شما از برند است. در حالی که راه‌های بسیار دیگری هم برای خلق تجربه برند وجود دارد. این یافته با نتیجه مطالعات رزم‌پوش (۱۳۹۵) و طباطبایی‌نسب و ضرابخانه (۱۳۹۳) همخوان است، چون این پژوهشگران نیز معتقد هستند که هویت برند در واقع جان مایه و پایه و اساس هر شرکتی است و سازمان‌ها با تعریف آن پیامشان را به شرکا، مشتریان و کارمندان خود می‌رسانند. سازمان‌ها ترجیح می‌دهند که به رابطه طولانی با مشتری‌های موجود و حفظ ارزش‌های بلندمدت با مشتریان فعلی در راستای عوامل انتخاب برند توجه کنند تا این که به تولید و افزایش انتقال‌های جدید توسط مشتریان جدید دست یابند. بنابراین، به تجدیدنظر در تئوری بازاریابی قدیمی و راهبردهای کاربردی جدید نیاز است. از سویی، باید بر عواملی تمرکز کنند که موفقیت در بخش برند را با توجه به کارایی خدمات و جلوگیری از تحمیل هزینه‌های مازاد در صنعت ورزش به‌خصوص رشته ورزشی فوتبال در سطح لیگ برتر تحت الشعاع قرار می‌دهد. در واقع سازمان لیگ از طریق اندازه‌گیری فرایندهای مؤثر بر برند خود، می‌تواند از صحت فرایندهای بازاریابی خود اطمینان حاصل کند و این فرایندها را به منظور تأثیرگذاری مناسب روی پیامدهای راهبردی طراحی‌شده در جهت ارائه الگوی برند لیگ برتر فوتبال بهبود دهد. همچنین از طریق مدیریت ارتباط با مشتری که یکی دیگر از عوامل علی شناسایی شده بود، می‌توان ارتباط درست و قابل قبولی با مشتریان که همان تماشاگران و هواداران فوتبال

می باشند، برقرار کرد و با توجه به نیازهای آنها و برآورده ساختن این نیازها، در حفظ و نگهداری و همچنین جلب اعتماد بیشتر آنها گام مثبتی برداشت.

پدید محوری، یک صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرآیند می‌باشد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر پدیده‌های محوری شامل عوامل بهبود ارزش ویژه برند، ارزیابی عملکرد و اعتبار نام تجاری برند لیگ بود. ارزیابی عملکرد در ظهور پدیده مورد نظر که الگوی برند می‌باشد، نقش دارد. شالتز و بلاک^۱ (۲۰۱۵) ضمن تأیید اینکه ارزیابی عملکرد یک شاخص اثرگذار بر ارائه الگو و توسعه برند است، بیان می‌کنند که هر برند در بازار برای اینکه به توسعه برسد باید اولویت برندینگ و نرخ رشد خود را ارزیابی کند. همچنین لازم است امتیاز ارتقا دهنده حاصل برند که گزارش مصرف‌کنندگان در مورد میزان تمایل آنان به معرفی برند به دوستان، شرکا و غیره است، ارزیابی شود؛ چرا که با ارزیابی میزان نفوذ برند در مصرف‌کنندگان و در عین حال میزان پیشرفت آن در بازار، بازخوردی نصیب شرکت می‌شود که در طرح‌ریزی برنامه برای ارائه الگوی برند به شرکت کمک می‌کند. عامل دیگر، بهبود ارزش ویژه برند است. ضروری است که برای بهبود ارزش ویژه برند لیگ اقداماتی صورت گیرد که کیفیت آن بالا برود و برای مشتریان که همان هواداران هستند، قابل درک باشد. این عامل می‌تواند تصویر ایجاد شده از برند در ذهن هوادار را ابقا سازد و منجر به آگاهی از برند و تبلیغ آن نیز بشود.

منظور از شرایط زمینه‌ای، شرایط خاصی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). هدف غایی از تدوین شرایط زمینه‌ای در این پژوهش، تأکید بر نقش نظریه‌های سرمایه‌گذاری و بهبود و بازبینی در کیفیت خدمات با توجه به فضای رقابتی در وضعیت متلاطم امروزی است. یکی از عوامل شناسایی شده در بخش عوامل زمینه‌ای، جایگاه‌سازی برند است. منظور از جایگاه‌سازی این است که جامعه هدف به درستی انتخاب و ویژگی‌های برند در جامعه مورد نظر به درستی تشخیص داده شود. همچنین مشخصات جامعه هدف به درستی شناسایی شود، موقعیتیابی انجام گیرد، موقعیت شرکت در میان رقبا مشخص گردد و چرخه عمر محصول ارزیابی شود. نتایج به دست آمده در بخش زمینه‌ای با یافته‌های مطالعه وادیچرا و ساراوانان^۲ (۲۰۱۵) همخوان است. به علت اینکه در مطالعه مذکور شاخص‌های جایگاه‌سازی به عنوان یکی از اقسام الگوسازی برند و پایداری آن برشمرده شده است. همچنین بعد اجتماعی به توانایی شناسایی و یا شناخته شدن با یک گروه اشاره دارد. در این راستا گرد (۲۰۰۰) به نقل

1 Schultz & Block

2 Vadichra & Caravan

از برگستوم و همکاران (۲۰۱۰) معتقد است خریداران، خریده‌های خود را براساس بعد اجتماعی انجام می‌دهند. آن‌ها برندی را که هویت اجتماعی آنان را نشان می‌دهد، خریداری می‌نمایند. نام تجاری یا یک لوگو، نمادی از یک گروه اجتماعی را به دنبال دارد. یک مثال خوب، نایک و صدای خش‌خش معروف آن است. این نمادها و برندها منجر به برقراری یک ارتباط میان مصرف‌کنندگان برندهای مشابه می‌گردد. به علاوه گوپتا در سال ۲۰۱۰ براین اعتقاد بود که با در نظر گرفتن پایداری اجتماعی بسیاری از شرکت‌ها موتور اصلی توسعه جوامع خود هستند، آن‌ها هم از طریق بهبود و گسترش در راستای جوامع ملی، محلی و ناحیه‌ای. انگیزه‌های آنان نه تنها زندگی روزانه بسیاری از جوامع را تغییر می‌دهد، بلکه برند را با ارزش‌هایی از قبیل نوآوری، کارآفرینی و آینده‌گرایی آشنا می‌سازد و به سمت منابع انرژی جایگزین علیرغم تمرکز کسب و کار اصلی آنان بر منابع انرژی غیرقابل جایگزین هدایت می‌نماید. همچنین والمارت معتقد است که از طرح‌هایی مثل آموزش مهارت‌های بازار محور برای کارکنان، طرح‌های ایمنی کارگر و برنامه‌های توانمندسازی زنان استفاده کرده است. نکته هم از طرح‌های مشابه که بر کمبود آب، رفاه جوامع نزدیک کارخانه و مدیریت زمین که به حقوق مردم محلی احترام می‌گذارد، استفاده می‌کند. بانسال^۱ در سال ۲۰۰۵ بیان نمود که بعد اجتماعی بر ایجاد ارزش و بهبود عملکرد مالی فعالیت‌های شرکت متمرکز می‌شود. یکی دیگر از عوامل، زیرساخت‌ها بودند. زیرساخت از عواملی مانند امکانات هتلینگ تشکیل شده است. از این رو باید بسترهای ارائه امکانات رفاهی مناسب و همچنین قابلیت برگزاری رویدادهای آسپایی و بین‌المللی که مهمترین آن مسابقات جام باشگاه‌های آسیاست که هر ساله تیم‌های ایرانی در آن شرکت می‌کنند، به بهترین شکل ممکن فراهم شود. از این رو، وجود زیرساخت‌های مناسب برای بالابردن وجهه لیگ ایران امری ضروری است.

منظور از شرایط مداخله‌گر، شرایطی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۹۸). بسیاری از افرادی که حتی خود را طرفدار تیم‌های لیگ برتری می‌دانند، هیچ تصویری از برند سازمان لیگ در ذهن خود ندارند که این موضوع به دلیل ضعف مدیران در معرفی مناسب این برند می‌باشد. برند سازمان لیگ همچنین به درستی از سوی مسئولان سازمان لیگ مورد حفاظت قرار نگرفته است. اجازه حاشیه‌سازی‌ها و خرابکاری‌ها در لیگ برتر ایران به آسانی بر اعتبار برند سازمان لیگ لطمه وارد می‌کند که مسئولان سازمان لیگ با غفلت از این موارد زمینه‌ساز خلق برندی ضعیف را فراهم آورده

1 Bansal

اند. افزون بر این، رفتارهای نامناسب مدیران سازمان لیگ نیز که بیشتر اوقات خود عامل ایجاد حاشیه‌های رسانه‌ای هستند، با تاثیر منفی بر برند سازمان لیگ همراه بوده و آن را تضعیف نموده است. استفاده از مدیران نالایق در سازمان لیگ برتر فوتبال کشور هم ممکن است دلیل ایجاد این حاشیه‌ها باشد. به اذعان بیشتر نمونه‌های تحقیق، برخی از مسئولان سازمان لیگ در حد و اندازه این مسابقات نیستند و به همین دلیل از مدیریت صحیح این سازمان و این مسابقات عاجزند. همچنین این مدیران با درک نادرست خود از برند سازمان لیگ، احساس می‌کنند که برند تنها یک نام است و احتیاجی به محافظت و توسعه ندارد. ناآگاهی مدیران سازمان لیگ در بحث برندینگ باعث تضعیف روزافزون شهرت و اعتبار این برند شده است. عامل بازدارنده دیگر، ضعف در مسابقات لیگ می‌باشد. سازمان لیگ در برگزاری مسابقات ضعف‌های مشهودی دارد که یکی از آن‌ها ضعف سازمان لیگ در انجام کارهای فرهنگی است. سازمان لیگ در بحث کارهای فرهنگی در مقایسه با لیگ‌های دیگر بسیار ضعیف عمل می‌کند که یکی از دلایلی است که برند سازی مجدد سازمان لیگ ایران با چالش روبه‌رو شده است. عدم توجه به مسئولیت اجتماعی از سوی سازمان لیگ، عامل بازدارنده دیگری است که از سوی سازمان لیگ مورد توجه قرار نگرفته است. انجام کارهای خارج از حیطه وظایف این سازمان در قالب برنامه‌های مسئولیت اجتماعی می‌تواند تاثیر بسیار مثبت و سازنده‌ای در برند سازمان لیگ داشته باشد. ارتباطات ضعیف لیگ و باشگاه‌ها با لیگ‌های خارجی نیز عاملی است که از صادر کردن وجهه و برند سازمان لیگ و شناساندن این برند در بیرون از مرزهای کشور جلوگیری نموده است و در نهایت انحصاری بودن حق پخش بازی‌ها بزرگترین مشکل اجرایی در برگزاری لیگ می‌باشد که مسئولیت مستقیم آن با سازمان لیگ است. سازمان لیگ بنابر قوانین و نفوذهای دولتی، توانایی فروش پخش مسابقات را به رسانه‌های خارجی ندارد و صدا و سیما به صورت انحصاری اقدام به خرید و پخش مسابقات می‌کند که این مورد هم از نظر اقتصادی و هم از نظر وجهه عمومی باعث مشکلات زیادی برای سازمان لیگ می‌شود. همچنین در میان عوامل مداخله‌گر نباید از ویژگی‌های مشتریان غافل شد. هر مشتری دارای تجربه خاصی است و باید نیازها و خواسته‌های عموم مشتریان را در نظر گرفت و درصدد رفع آن قدم برداشت.

منظور از راهبردها، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی است که از پدیده محوری منتج می‌شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۹۸). نتایج تحقیق نشان داد راهبردهای برندسازی سازمان لیگ ایران شامل راهکارهای مدیریتی، راهکارهای ارتباطی و برگزاری مناسب مسابقات می‌باشد. در مورد راهکارهای مدیریتی باید بیان داشت در وهله اول برندسازی مجدد سازمان لیگ نیازمند برنامه‌ریزی جامع است که

طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده بنیاد

طبق آن دورنمای برندسازی لیگ و وضعیت فعلی آن مشخص و تقسیم وظایف گردد. آنچه در این میان به پیشبرد این عملیات کمک می‌کند، شایسته‌سالاری در مسئولیت‌هاست. باید از افراد کاردان و با تجربه و نیز دارای تخصص مربوطه در جای خود استفاده نمود تا ضمن سرعت‌دهی به فرآیند کار، کیفیت اجرا نیز بالا رود. از طرفی مسلماً تا همراهی حکومت و مردم نباشد، برندسازی مجدد تحقق نخواهد یافت. لذا باید به تغییر دیدگاه‌های کنونی دولتمردان پیرامون فوتبال و سوق دادن نظر آنان به سمت برندسازی مجدد لیگ فوتبال پرداخت. در این میان، توجه به بازخوردهای مردم و توجیه نمودن آنان نیز می‌تواند به موفقیت این عملیات کمک شایانی نماید، زیرا مردم مخاطبان اصلی فوتبال هستند و بدون وجود مردمی که به تماشای رقابت‌ها بپردازند، فوتبال معنی و مفهومی نخواهد داشت. گام دیگر در راهکار مدیریتی، واگذاری برخی از مسئولیت‌ها به باشگاه‌ها می‌باشد؛ بدین صورت باشگاه‌ها موظف خواهند بود در قبال آن بخش از عملکردشان که تفویض اختیار شده است، پاسخگو باشند و مسئولیت نتیجه کار را خود به عهده گیرند که این خود سبب ارتقای کیفیت عملکرد باشگاه‌ها خواهد شد. راهکار دیگر در بخش مدیریتی، برگزاری مسابقات لیگ توسط اتحادیه باشگاه‌های کشور است. با زیر نظر رفتن برگزاری مسابقات لیگ توسط اتحادیه باشگاه‌های کشور می‌توان شاهد افزایش کیفیت مسابقات و جلوگیری از اعتراضات تیم‌ها شد. این در حالی است که اجرای تمامی مراحل برگزاری مسابقات باید توسط سازمان لیگ و تحت نظارت این سازمان باشد. گام دیگر در برندسازی مجدد سازمان لیگ، خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال است. خصوصی‌سازی در برگیرنده از هدررفت منابع و بودجه‌های زیادی که امروزه از خزانه دولت برای باشگاه‌های فوتبال صرف می‌شود، منجر به بهبود عملکرد تیم‌ها و در نتیجه پیشبرد وظایف سازمان لیگ فوتبال خواهد شد. بدین منظور می‌توان از لیگ‌های معتبر دنیا الگو گرفت و از تکرار مدام اشتباهاتی که در لیگ داخلی اتفاق می‌افتد، جلوگیری نمود. همچنین استفاده از مدیران فوتبالی در بدنه باشگاه‌ها می‌تواند یک راهکار مدیریتی بسیار با اهمیت باشد، چرا که وجود افراد غیرفوتبالی و ناآشنا با فوتبال به جز ایجاد وقفه و مشکلات برای فوتبال کشور چیز دیگری به ارمغان نخواهد داشت. مدیران فوتبالی و آشنا به مشکلات بدنه فوتبال کشور می‌توانند در برندسازی مجدد سازمان لیگ فوتبال کشور بسیار موثر واقع شوند و به پیشبرد هرچه بیشتر فوتبال کشور کمک کنند. یکی دیگر از راهکارهای برندسازی مجدد سازمان لیگ، راهکارهای ارتباطی است. در این باره باید گفت استفاده از مسکات‌های هم‌هویت با برند سازمان لیگ می‌تواند در این زمینه موثر واقع شود، زیرا این مسکات‌ها به نوعی انتقال‌دهنده پیام و هویت به سازمان‌ها هستند که می‌توانند تاثیرگذاری خوبی بر مخاطب داشته باشند. همچنین تعامل مناسب با

رسانه‌های جمعی و پاسخ‌دهی به اذهان عمومی از طریق این رسانه‌ها منجر به تسهیل برندسازی مجدد سازمان لیگ می‌شود، چون تا زمانی که رسانه و مردم توجیه شده باشند و حمایت آنان وجود داشته باشد، این روند با سرعت بیشتر پیش خواهد رفت. این درحالی است که امروزه با وجود پیام‌رسان‌های مختلفی که اخبار را زودتر از رسانه‌ها و حتی سریع‌تر از آن نشر می‌دهند باید بدان‌ها نیز توجه نمود و با فعال‌سازی شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی این اخبار و همراهی را در آنجا نیز اطلاع رسانی نمود. هر چند که تعامل مناسب با خبرنگاران در برگزاری مسابقات نیز می‌تواند به بازتاب خبری توسط آنان چه در رسانه و چه در فضای مجازی کمک شایانی بکند. یکی دیگر از راهکارهای ارتباطی در برند سازی مجدد سازمان لیگ، طراحی مناسب سایت سازمان لیگ است؛ سایتی که جذب‌کننده مخاطبان و ارائه دهنده اطلاعات به‌روزی باشد که مخاطب فوتبالی به دنبال آن است. سایتی که در آن به انتقادات و پیشنهادها پاسخ داده شود و پیگیری شکایات نیز تا رسیدن به نتیجه امکان‌پذیر باشد. از طرفی با توجه به شایسته‌سالاری که پیش‌تر بیان شد، سازمان لیگ باید از دستاوردهای علمی پژوهشگران در این زمینه استفاده کند تا بتواند نقاط ضعف و قوت سازمان خود را تشخیص دهد و در جهت رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت خود برآید. همچنین می‌تواند جهت ارتقای عملکرد خود و تسریع روند برند سازی مجدد با شرکت‌های خدماتی جهانی قرارداد ببندد و از خدمات و تجربیات آنان جهت پیشبرد امور سازمانی خود بهره گیرد. سومین راهکار برندسازی مجدد سازمان لیگ، برگزاری مناسب مسابقات می‌باشد. باید گفت که رعایت عدالت برای تیم‌ها، اولین قدم برای جلوگیری از اعتراضات و افزایش کیفیت مسابقات می‌باشد. برای این منظور جدای از اینکه تیم‌ها از چه شهری و در چه رده‌ای هستند، باید شرایط برگزاری رقابت برای همه آن‌ها یکسان باشد. همچنین طراحی کاپ قهرمانی مخصوص برای مسابقات مختلف در هر دوره می‌تواند با تزریق روح تازه‌ای در تیم‌ها و ایجاد اشتیاق در آنان، به پررنگ تر شدن حضور و خدمات سازمان لیگ کمک کند. طراحی تشریفات مخصوص برگزاری مسابقات- به گونه‌ای که مخاطبان را به وجد آورد- نیز راهکاری دیگر می‌باشد. همچنین طراحی شعار مخصوص مسابقات نیز راه دیگری برای القای جوی هیجان انگیز برای بازیکنان و تماشاگران است و پلی ارتباطی بین مردم، باشگاه‌های فوتبال و سازمان لیگ به‌شمار می‌آید. از طرفی، توجه به طراحی مناسب جشن قهرمانی مسابقات، برگزاری مسابقات در روزهای ثابت و برگزاری مسابقات در اوقات مناسب که منجر به افزایش تماشاگران فوتبال می‌شود نیز یک راهکار مناسب برای برندسازی مجدد سازمان لیگ است. برگزار برنامه‌های فرهنگی در قالب اقدامات سرگرم‌کننده قبل و بین دو نیمه مسابقات نیز منجر به بهبود کیفیت رقابت‌ها، جلوگیری از پرخاشگری‌ها و افزایش رضایت

تماشگران خواهد شد. تقویت تصویربرداری و نحوه پخش مسابقات لیگ که مخاطبان خانگی را هم باخود همراه سازد و کارشناسی‌های بعدی بر روی خطاهای داوری را بهبود بخشد نیز می‌تواند در پیرنگ شدن نقش سازمان لیگ در رقابت‌ها کمک کند. اما راهکاری دیگر که می‌تواند برای برندسازی سازمان لیگ نقش اساسی ایفا کند، حل مشکل ورود بانوان به ورزشگاه‌هاست. سازمان لیگ برای اینکه بتواند از سازمان‌های خدماتی جهانی و تجربیات و خدمات آنان استفاده کند باید بتواند ابتدا همگام با آنان پیش رود و ممانعت از ورود زنان به باشگاه‌های ورزشی مانعی بر سر راه پیشبرد لیگ فوتبال به شمار می‌آید؛ مانعی که برای کمک به برندسازی مجدد سازمان لیگ، باید به دست خود سازمان لیگ حل و فصل شود و بانوان بتوانند از حق خود برای تماشای رقابت‌ها بهره ببرند ضمن اینکه امنیت آنان حفظ شود. در نهایت تناسب برند و لوگو با لیگ، آخرین راهبرد برای برندسازی سازمان لیگ است. لوگوی سازمان لیگ با حفظ سادگی و استفاده از نشان‌های ملی در طراحی آن هم نمایشگر وجهه ملی کشور ایران می‌باشد. چون پیچیدگی خاصی برای مخاطبان ندارد، مورد پذیرش آنان است و می‌تواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کنند. همچنین سازمان لیگ با نمایش لوگوی خود در خلال پخش مسابقات، توانسته است تا حدود زیادی آن را در سال‌های گذشته به هواداران و کسانی که فوتبال را دنبال می‌کنند، بشناساند.

منظور از پیامدها، خروجی حاصل از استخدام راهبردهاست (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۹۸). یکی از پیامدهای شناسایی‌شده در پژوهش حاضر، آینده‌نگری برند لیگ برتر است. منظور از تعیین هدف، آن انگیزه‌ای است که در حمایت از ارائه الگوی برند وجود دارد. در نظر گرفتن منافع بلندمدت، یکی از عوامل موثر آینده‌نگری در حوزه برند است که باید با توجه به آن برنامه‌ریزی کرد که این امر زمانی تحقق می‌یابد که عمر مدیریت آن به اندازه کافی باشد. از این رو، چنین اقتضا می‌کند که دوره چرخه مدیریت حداقل ۵ ساله باشد تا در آن تفکر پایداری برند به وجود بیاید. در همین راستا چابسکی و همکاران در سال ۲۰۱۱ بیان نمودند که مدیران اگر خواهان ایجاد تصویر از برند خود در ذهن همگان هستند، همواره باید مسائل مرتبط با پایداری را با تلاش‌های خود یکی سازند. بلز و پیتی^۱ در سال ۲۰۰۹ بیان نمودند که تعدادی از برندهای پایداری نسل اول در بازار با شکست روبه‌رو گشتند؛ آن هم به این علت که شرکت‌ها بیش از حد بر ویژگی‌های اجتماعی-زیست‌محیطی مثبت محصول تأکید کرده‌اند- این در حالی است که آنان تمرکز بر سایر ویژگی‌های محصول از قبیل عملکرد، طراحی، نوآوری، هویت برند، فعالیت‌های بازاریابی و غیره

1 Belz & Peti

را نادیده گرفته‌اند. در نتیجه، بسیاری از محصولات قادر به رقابت در مقابل این قبیل محصولات متداول نخواهند بود. به نظر می‌رسد به منظور ایجاد و موقعیت‌گیری برندهای پایداری قوی، لازم است نه تنها مسئولیت اجتماعی و نظارت محیطی تقویت شود، بلکه اقداماتی هم برای مدیریت برند، نوآوری، تصویر برند، هویت برند، آینده‌نگری و فعالیت‌های بازاریابی انجام شود. در واقع این شاخص‌ها الزاماتی هستند که در فرآیند برندسازی باید مورد توجه قرار گیرند و گام به گام برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود تا به صورت یک سیکل ادامه‌دار همواره در حال ایجاد و تکامل باشند. آنچه که باید در این پژوهش بدان اشاره گردد این است که تمامی اینها گام‌هایی هستند که اگر به درستی برای آن‌ها برنامه‌ریزی شود و اجرایی گردند منجر به پایداری برند خواهند شد.

آخرین پیامدی که از دیدگاه صاحب‌نظران می‌توان برای تعامل‌ها و راهبردهای الگوی برند ورزشی متصور شد، بحث تعهد است. تعهد یکی از اقسام ارتباط مشتری با برند است که در کنار اعتماد و رضایت‌مندی آنان ایجاد می‌شود و موجب ارتقای ارزش ویژه برند و تصویر برند نزد مشتریان خواهد گردید. میتوز، سون و واچراوسینگگان^۱ (۲۰۱۴) معتقدند که تعهد یکی از برآوردهای پایداری و توسعه برند است و منجر به خرید مجدد یا تشویق مجدد به سوی خرید محصول و یا خدمت مورد نظر در آینده می‌گردد.

منابع

- بهشتی، صمد. (۲۰۱۶). تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی با نرم افزار maxqda. چاپ سوم، تهران: انتشارات متفرقه
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل. (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی، صفار
- رجب زاده، رضا؛ طالب پور، مهدی؛ حدادیان، علیرضا و جباری نوقابی، مهدی. (۱۳۹۷). «تبیین اثر ارزش ویژه برند، تصویر برند و تعهد هوادار بر برندسازی بی‌المللی باشگاه‌های برتر فوتبال کشور». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۱.
- رزم پوش، مرتضی. (۱۳۹۵). «اثر شخصیت برند و تبلیغات بازرگانی بر توسعه برند (بررسی موردی: مصرف‌کنندگان کفش پیاده‌روی تن تاک)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- رضایی، زهر؛ سجادی، سید نصرالله؛ الهی، علیرضا و رسولی، مهدی. (۱۳۹۹). «طراحی الگوی برندسازی لیگ برتر بسکتبال ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. Doi: 10.22089/smrj.2018.6333.229
- طباطبایی‌نسب، سید محمد و ضرابخانه، فرزاد. (۱۳۹۳). «نقش هویت برند مقصد در توسعه ارزش ویژه برند (مقصد مورد مطالعه: شهر اصفهان)». کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار، راهکارها و چالش‌ها با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری.

1 Matthews, Son & Watchravesringkan

- عبدالله زاده، عادل و تکی، همیلا. (۱۳۹۶). «بررسی ارزش ویژه برند تیم والیبال کاله مازندران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۴۳.
- میربابایی، سیده رقیه. (۱۳۹۵). «تاثیر تصویر ذهنی برند ورزشی آدیداس بر ارزش ویژه برند و رفتار خرید مصرف‌کننده». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه شمال.
- Ballouli, K.etal. (2015). **“The delicate art of rebranding a minor league baseball franchise: Practices, pitfalls, and payoffs of rebranding the Winston-Salem Warthogs”**. Sport Management Review, [http:// dx.doi.org/10.1016/j.smr.2015.04.001](http://dx.doi.org/10.1016/j.smr.2015.04.001)
- Carlson, B. D., Todd Donovan, D., & Cumiskey, K. J. (2019). **“Consumer-brand relationships in sport: brand personality and identification”**. International Journal of Retail & Distribution Management, 37(4), 370–384. Doi:10.1108/09590550910948592
- Florea, D.-L., Barbu, C. M., & Barbu, M. C. R. (2018). **“A model of fans’ reaction to resurrected brands of sport organizations”**. International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 19(2), 127–146. Doi:10.1108/ijsms-08-2017-0073
- Gladden, J. M., & Funk, D. C. (2001). **“Understanding Brand Loyalty in Professional Sport: Examining the Link between Brand Associations and Brand Loyalty”**. International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 3(1), 54–81. Doi:10.1108/ijsms-03-01-2001-b006
- Gupta, S., Czinkota, M., & Melewar, T. C. (2013). **“Embedding knowledge and value of a brand into sustainability for differentiation”**. Journal of World Business, 48(3), 287-296.
- Kreuger, L., & Neuman, W. L. (2006). **Social work research methods: qualitative and quantitative approaches: with Research Navigator**. Pearson/Allyn and Bacon.
- Kunkel, Z. D., & Dadvand, A. (2020). **“Investigating the relationship between brand development and company image; (case study: Nivea products)”**. Kuwait Chapter of the Arabian Journal of Business and Management Review, 3(10), 23.
- Kunkel, T. (2014). **“Exploring sport brand development strategies to strengthen consumer involvement with the product– The case of the Australian A-League”**. Sport Management Review. [http:// dx.Doi.org/10.1016/j.smr.2014.01.004](http://dx.doi.org/10.1016/j.smr.2014.01.004)
- Kunz, R., Elsässer, F., & Santomier, J. (2016). **“Sport-related branded entertainment: the Red Bull phenomenon”**. Sport, Business and Management: An International Journal, 6(5). doi:10.1108/sbm-06-2016-0023
- Matthews, D. R., Son, J., & Watchravesringkan, K. (2014). **“An exploration of brand equity antecedents concerning brand loyalty: A cognitive, affective, and conative perspective”**. Journal of Business and Retail Management Research, 9(1).
- Richelieu, A. (2018). **A sport-oriented place branding strategy for cities, regions and countries**. Sport, Business and Management: An International Journal. Doi:10.1108/sbm-02-2018-0010
- Schultz, D. E., & Block, M. P. (2015). **“Beyond brand loyalty: Brand sustainability”**. Journal of Marketing Communications, 21(5), 340-355.
- Shuv-Ami, A. (2016). **“A new market brand equity model (MBE)”**. Euro Med Journal of Business, 11(3), 322–346. doi:10.1108/emjb-05-2015-0025
- Skinner, J., Edwards, A., & Corbett, B. (2014). **Research methods for sport management**. Routledge
- Vadicherla, T., & Saravanan, D. (2015). **“Sustainable Measures Taken by Brands, Retailers, and Manufacturers”**. In *Roadmap to Sustainable Textiles and Clothing* (pp. 109-135). Singapore.
- Walsh, P., Rhenwrick, I., Williams, A., & Waldburger, A. (2014). **“Team brand extension or licensed product? Examining consumer awareness of two distinct brand strategies”**. Sport, Business and Management: An International Journal, 4(2), 96–108. doi:10.1108/sbm-02-2012-0007
- Yousaf, A., Gupta, A., & Mishra, A. (2017). **“Sport team brand-equity index: a new measurement”**. Journal of Indian Business Research, 9(2), 169–188. Doi:10.1108/jibr-07-2016-0069

- Zhang, L., Xiaobin Zhao, S (2019). “City branding and the Olympic effect: A case study of Beijing”. Cities 26, 245–254.

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

لیلا طالب‌زاده^۱

حمید جتانی^۲

محبوب شیخ‌علی‌زاده^۳

محمد رحیم نجف‌زاده^۴



10.22034/SSYS.2022.2007.2424

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

هدف این پژوهش، تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های خصوصی بدنسازی شمال‌غرب کشور بود. تحقیق حاضر از نوع همبستگی بر پایه مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش، مشتریان باشگاه‌های خصوصی بدنسازی شمال‌غرب کشور بودند. ۳۶۲ نفر از مشتریان، پرسشنامه محقق‌ساخته ارزش ادراک شده و پرسشنامه‌های استاندارد «رضایت مشتری» ليو (۲۰۰۸) و «وفاداری مشتری» ليو (۲۰۰۸) را به‌طور داوطلبانه تکمیل نمودند. روایی پرسشنامه‌ها از طریق روایی همگرا و واگرا و پایایی آنها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تایید شد. سودآوری باشگاه‌ها از طریق جمع‌آوری داده‌ها از مدیران باشگاه‌های ورزشی و با فرمول ارائه شده شرکت مایکروسافت، محاسبه گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل معادلات ساختاری مبتنی بر روش حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس استفاده شد.

نتایج نشان داد ارزش ادراک شده بر سودآوری باشگاه‌ها ($t=4/22, \beta=0/10, P=0/001$)، رضایت مشتری ($t=11/719, \beta=0/547, P=0/001$) و وفاداری مشتری ($t=4/188, \beta=0/178, P=0/001$) تاثیر مستقیم و معناداری دارد. ارزش ادراک‌شده از طریق رضایت و وفاداری مشتری بر سودآوری باشگاه‌ها تاثیر غیرمستقیم و معناداری دارد.

با توجه به نتایج، در کل می‌توان گفت که مدیران باشگاه‌های بدنسازی خصوصی باید تلاش کنند

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده

E-mail: Janani@iaut.ac.ir

مسئول)

۳ استادیار مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

۴ استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

از طریق توجه به نیازها و خواسته‌های مشتریان و برآوردن کردن آنها موجبات افزایش قصدحضور مجدد مشتریان و در نهایت افزایش سودآوری باشگاه‌ها را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: ارزش ادراک‌شده، رضایت مشتری، سودآوری باشگاه و وفاداری مشتری.

مقدمه

سازمان‌های امروزی در دوران اقتصاد مشتری‌مدار فعالیت می‌کنند که در آن، مشتری حاکم واقعی بازار است. توجه به مشتری از دغدغه‌های اصلی سازمان‌هاست و تلاش می‌کنند تا مشتری را جذب و حفظ و او را به مشتری دائم و وفادار تبدیل نمایند (آنابیل و ویتور^۱، ۲۰۱۳: ۱۱۱). چنانچه سازمان‌های فعال در بازار رقابتی نتوانند مشتریان خود را حفظ کنند، سهم بازار خود را از دست می‌دهند و قادر به بقای خود نخواهند بود (جهانیان، صالحی و حسینی، ۱۳۹۷: ۸۸). سازمان‌ها دریافته‌اند که از دست دادن یک مشتری، منجر به از دست دادن کل جریان خریدهای مشتری در آینده می‌شود (شفیعی، سیفی و محمدی، ۱۳۹۷: ۳۲) که یکی از دلایل ایجاد این فرایند به مدیریت ارتباط با مشتریان مرتبط می‌شود. مدیریت ارتباط با مشتری را می‌توان فرایند جذب مشتری جدید، نگهداری مشتریان موجود و سرمایه‌گذاری بر روی مشتریان بالقوه تعریف نمود تا بدین ترتیب فضای مناسب برای تعامل هر چه بیشتر با مشتریان فراهم شود. مدیریت ارتباط با مشتری یعنی مشارکت دادن مشتریان از مرحله دستیابی به آنها با ایجاد ارزش تا مرحله آموختن از آنها. چرخه مدیریت ارتباط با مشتری شامل اطلاعات به‌دست‌آمده از مشتریان، ایجاد ارزش و التاثر برای مشتریان، ایجاد مشتریان وفادار، دستیابی به مشتریان جدید و کسب سود بیشتر معرفی شده است. بنابراین بر اساس پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت سودآوری مشتری برای سازمان نیاز به مدیریت چرخه ارتباط با مشتری است که در برگیرنده متغیرهایی همانند ارزش ادراک شده مشتری، رضایت و وفاداری مشتری می‌باشد. ارزش ادراک شده به معنی منفعتی است که مشتری در قبال هزینه پرداخت‌شده، به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، به معنی کل سودمندی حاصل از یک محصول است مبنی بر اینکه از جانب مشتری چه چیزی دریافت و چه چیزی پرداخت شده باشد (اسکیلدسنا و کریستنسنا^۲، ۲۰۰۸: ۸۴۴). ارزش ادراک شده به عنوان یکی از عوامل درونی از مهمترین عوامل مؤثر در رفتار خرید است که عبارت است از فهم ارزش‌های فردی، نگرش‌ها، نیازها و انتظارات مصرف کنندگان ورزش از طریق مشاهده، جمع‌آوری، ارزیابی و تفسیر نشانه‌هایی که آنها بروز می‌دهند (علیزاده، محرم زاده و الهی، ۱۳۹۸: ۳). نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از این است که ارزش ادراک‌شده، رضایت مشتری و خریدهای آینده را افزایش می‌دهد (جنکینز^۳، ۲۰۱۰؛ به نقل از رنجبریان، رشیدکابلی، صنایعی و حدادیان، ۱۳۹۱: ۵۷). رضایت مشتری،

1 Anabila & Vitor

2 Eskildsena & Kristensena

3 Jenkins

به احساس خشنودی و خرسندی مشتری در نتیجه برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها پیرامون محصول یا خدماتی خاص، اطلاق می‌شود (تسی و ویلتون^۱، ۱۹۸۸: ۲۰۴). از این رو، می‌توان اذعان نمود رضایتمندی متغیری است که با انتظارات مرتبط است و اهمیت بسیار زیادی در تعیین میزان وفاداری مشتریان دارد (نظری، قره و اسدالهی، ۱۳۹۸: ۳۹)؛ به طوری که اگر بخواهیم از مرز رضایت مشتری بالاتر رویم و به مشتریان کاملاً راضی برسیم، پدیده وفاداری شکل می‌گیرد. در واقع، وفاداری صفت خاص مشتریان کاملاً راضی است و این نوع مشتریان به خرید خود ادامه می‌دهند (علی‌یاری، محمودی و سوادی، ۱۳۹۷: ۱۷). وفاداری، تعهد به خرید مجدد محصول یا خدمات ترجیح داده شده است؛ به نحوی که به همراه خرید مجدد، تبلیغ هم برای محصول توسط مشتری انجام می‌پذیرد (کسیو-سیلوا، ریویلا-کاماچو، وگا-وازکویز و پالاسیوس-فلورنسیو^۲، ۲۰۱۵: ۲). وفاداری مشتری یکی از بهترین مقیاس‌های موفقیت هر سازمان است. بنابراین توسعه، حفظ و ارتقای وفاداری مشتری یکی از حوزه‌های تمرکز کلیدی در اغلب فعالیت‌های بازاریابی سازمان‌هاست (نیادزایو و خواجه‌زاده^۳، ۲۰۱۶: ۲۶۳). بعد از ایجاد رضایت و وفاداری در مشتریان در مدیریت ارتباط با مشتری، سودآوری مشتری برای سازمان مطرح می‌گردد. سودآوری مشتری از حاصل کسر هزینه از درآمدی که یک مشتری خاص در یک دوره زمانی مشخص برای سازمان ایجاد می‌نماید به دست می‌آید (ترپسترا و وریتتن^۴، ۲۰۱۴: ۱). کارواچه-فرانکو^۵، الوارز-ریسکو^۶، کارواچه-فرانکو، کارواچه-فرانکو، ایسترادا-مرینو^۷ و ویلاوبوس-الوارز^۸ (۲۰۲۱) در تحقیق خود با بررسی ۳۸۱ گردشگر داخلی و خارجی در شهر لیما پرو به این نتیجه دست یافتند که ارزش ادراک‌شده (احساسی-اجتماعی و اقتصادی-عملکردی) بر رضایت و وفاداری گردشگرها تاثیر معناداری دارد. رنجریان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود بر روی مشتریان فروشگاه‌های رنجیره‌ای شهر تهران به این نتیجه رسیدند که ارزش ادراک‌شده و کیفیت درک‌شده از طریق متغیر میانجی رضایت مشتری بر قصد خرید مجدد مشتریان تاثیر مثبت و معناداری دارد. تران و لی^۹ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با بررسی ۲۲۰ مشتری فروشگاه‌های رفاه در ویتنام به این نتیجه رسیدند

1 Tse & Wilton

2 Cossío-Silva, Revilla-Camacho, Vega-Vázquez & Palacios-Florencio

3 Nyadzayo & Khajehzadeh

4 Trepstra & Verbeeten

5 Carvache-Franco

6 Alvarez-Risco

7 Estrada-Merino

8 Villalobos-Alvarez

9 Tran & Le

که ارزش ادراک شده به صورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق رضایت مشتری بر مقاصد رفتاری مشتریان تاثیر مثبت و معناداری می گذارد. کاونگ^۱ (۲۰۲۰) و کاونگ (۲۰۲۰) در پژوهش‌های خود، با بررسی تماشاگران سینما و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات فروشگاه‌های مد در ویتنام به این نتیجه دست یافتند که ارزش ادراک شده از طریق رضایت مشتری بر تمایلات رفتاری و قصد خرید مشتریان، تاثیر مثبت و معناداری دارد. مقدسی، شیخعلی زاده و فرجی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با بررسی ۹۰ نفر از کارشناسان، مدیران و سرپرستان باشگاه‌های ورزشی استان اردبیل به این نتیجه رسیدند که پیامدهای خصوصی سازی (گسترش مالکیت، افزایش کیفیت خدمات، افزایش رضایت مشتریان، کارآیی واحدهای مدیریتی) و تبلیغات (استفاده از انواع روش‌های تبلیغاتی، تبلیغات گسترده در فصول مختلف سال، صحنه‌گذاری از طریق مربیان متخصص و نام آشنا در تبلیغات) بر درآمدزایی باشگاه‌های ورزشی تاثیر مثبت و معناداری دارد. بای، سلیمانی مقدم و شریعتی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با بررسی ۱۵۳ نفر از مدیران باشگاه‌های بدنسازی شهر کرمانشاه به این نتیجه رسیدند که بازارگرایی (مشتری‌گرایی، رقیب‌گرایی و هماهنگی بین وظایف) با سودآوری کسب و کار ارتباط مثبت و معناداری دارد. علیزاده، محرم زاده و الهی (۱۳۹۸) در تحقیق خود با بررسی ۴۰۲ نفر از تماشاگران تیم فوتبال تراکتور سازی تبریز به این نتیجه رسیدند که ارزش ادراک شده بر وفاداری (رفتاری و نگرشی) و رفتار خرید تماشاگران (حضور مجدد، خرید و میزان هزینه‌کرد) تاثیر مثبت و معناداری دارد. سلطانی و بی‌نیاز (۱۳۹۸) در پژوهش خود با بررسی نظرات ۱۰۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و کارشناسان فوتبال دریافتند که منابع سازمانی (منابع انسانی، منابع ارتباطی و اطلاعاتی، منابع مالی و امکانات ورزشی) و مزیت رقابتی (کیفیت و پاسخگویی به مشتری) در سودآوری باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران تاثیر مثبت و معناداری دارند. شفیعی، سیفی و محمدی (۱۳۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که اجرای اثربخش مدیریت ارتباط با مشتری بر افزایش رضایت و سودآوری مشتریان تاثیر مثبت و معناداری دارد. عسکریان و اکبرزاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود، با بررسی ۳۸۴ نفر از مشتریان کالاهای ورزشی در شهر تبریز دریافتند که ارزش ادراک شده بر قصد خرید مجدد مشتریان تاثیر مثبت و معناداری دارد. محمودی، سجادی و گودرزی (۱۳۹۴) در تحقیق خود بر روی ۴۱۷ نفر از مشتریان باشگاه‌های بدنسازی و مراکز آمادگی جسمانی و ایروبیک شهر تهران به این نتیجه رسیدند که کیفیت خدمات و رضایت‌مندی با وفاداری مشتریان ارتباط مثبت و معناداری دارد. سعیدی، عمادحسینی و فرزام (۱۳۹۴) در پژوهش خود بر روی ۳۴۱ نفر از بانوان

باشگاه‌های استان مازندران نیز به این نتیجه دست یافتند که کیفیت خدمات بر رضایتمندی و وفاداری مشتریان ورزشی تاثیر مثبت و معناداری دارد. اسمعیلی، احسانی، کوزه‌چیان و هنری (۱۳۹۳) با بررسی ۲۱۷ نفر از مشتریان مراکز تفریحی-ورزشی آبی کشور به دریافتند که کیفیت خدمات بر ارزش ادراک‌شده، رفتار مصرف‌کننده، رضایت و وفاداری مشتریان تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین ارزش ادراک‌شده، رضایت مشتری و وفاداری مشتری بر رفتار مصرف‌کننده تاثیر مثبت و معناداری دارد. گاناریس، تزمپلیکاس و چاتزپیانایوتو^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود، به این نتیجه دست یافتند که ارزش ادراک‌شده مشتری از طریق رضایت و وفاداری مشتری بر قصد خرید مجدد و بیش خریدی مشتری تاثیر مثبت و معناداری دارد. گارلند^۲ (۲۰۰۲) هم با توجه به بررسی‌های خود گزارش داد که رضایت مشتری بر وفاداری مشتری اثرگذار است و وفاداری مشتری بر سودآوری مشتری برای سازمان اثر مثبت دارد (به نقل از اصالو و خدامی، ۱۳۹۴: ۱۷). باشگاه‌های ورزشی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و به عنوان موسسات و یا شرکت‌هایی برای بقا و ادامه حیات خود نیازمند سودآوری مشتریان می‌باشند. امروزه باشگاه‌های ورزشی در ساختار ورزش سراسر دنیا، اساس رشد و توسعه ورزش‌های مختلف هستند؛ به‌طوری که قهرمانان و نخبگان ورزشی در دل این باشگاه‌ها رشد و پرورش می‌یابند و همچنین، مکانی را برای گستره افراد جامعه فراهم می‌آورند تا زندگی سالم، بانشاط و پرتحرکی را تجربه کنند (رابینسون^۳، ۲۰۱۰: ۳۷). همان‌طور که بیان شد، در باشگاه‌های ورزشی خصوصی مشتریان ورزشی به‌عنوان مهمترین دارایی محسوب می‌شوند (جابری، سلطان حسینی، نادریان جهرمی و خزائی پول، ۱۳۹۳: ۴۷۶). اوزتایشی، سزگین و اوزوک^۴ (۲۰۱۱) نیز مطرح می‌کنند که در باشگاه‌های خصوصی، شرایط رقابتی فزاینده و شرایط اقتصادی نوین و توسعه ارتباطات قوی با مشتریان از اهمیت بیشتری برخوردار شده است؛ به طوری که بیشتر باشگاه‌های ورزشی جنبه تجاری پیدا کرده‌اند- برخی از مشتریان برای آنها سودآور و برخی غیرسودآور هستند. با توجه به چالش ایجاد شده در محیط کسب و کارها در شرایط پاندمی کووید- ۱۹ (کرونا) طی دو سال اخیر، حضور مشتریان در باشگاه‌های ورزشی کاهش یافته و به تبع آن سودآوری باشگاه‌ها هم افت محسوسی پیدا کرده است. بنابراین توجه به ارزش‌ها و خواسته‌های نوظهور مشتریان در شرایط شیوع ویروس کرونا، حفظ و ایجاد رضایت و وفاداری مشتریان می‌تواند مورد تاکید باشگاه‌های ورزشی و کسب و کارهای حال و آینده باشد، چرا که هزینه جذب مشتری

1 Gounaris, Tzempelikos, & Chatzipanagiotou

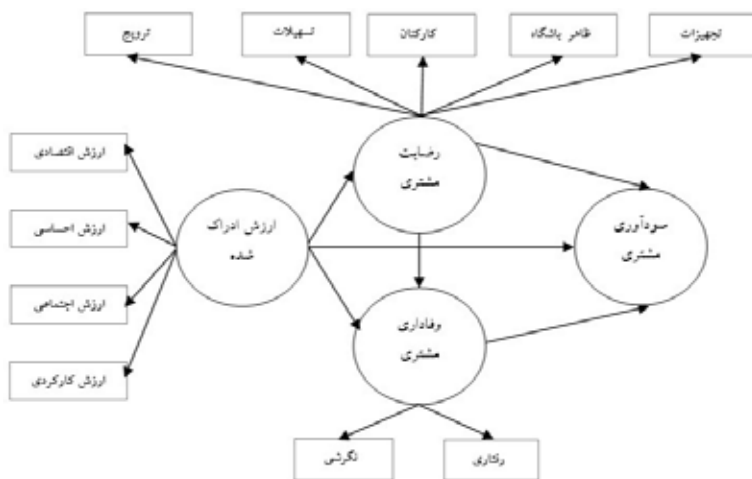
2 Garland

3 Robinson

4 Öztayşi, Sezgin, & Özok

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

جدید، بسیار بیشتر از هزینه حفظ مشتری موجود است و فقدان اطلاعات از مشتریان جدید، انتخاب مشتریان هدف را دشوار و باعث ناکارآمدی تلاش‌های بازاریابی می‌شود (هوانگ، جانگ و سوح^۱، ۲۰۰۴: ۱۸۱؛ تینابو^۲، ۲۰۱۱: ۱۲۳). نگاهی به مطالعات و تحقیقات انجام یافته در حوزه بازاریابی خدمات ورزشی و تاثیر آن بر مشتریان باشگاه‌های ورزشی مبین آن است که مطالعه گسترده و دامنه‌داری را نمی‌توان در این زمینه یافت. در واقع در مطالعات مختلف، توجه کمی به تحقیقاتی شده است که میزان سودآوری باشگاه‌های خصوصی ورزشی را با توجه به متغیرهایی همچون ارزش ادراک شده، رضایت و وفاداری مشتری بررسی کرده باشند و در صورت بررسی هم به ارزیابی ارتباط بین متغیرها به صورت مجزا و بدون ملاحظه متغیرهای میانجی پرداخته شده است. بررسی انجام شده درباره این موضوع نشان از تحقیقات پراکنده در کشور دارد که اغلب جز چند تحقیق معدود، اغلب در صنایع غیر ورزشی صورت گرفته و تلاش‌های اندکی به منظور تبیین رابطه این متغیرها در حوزه صنعت ورزش انجام شده است. مدل اولیه پژوهش، با بررسی مبانی نظری و تحقیقات انجام یافته داخل و خارج کشور استخراج شده است. (نمودار ۱) لذا هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های ورزشی خصوصی شمال غرب کشور مبتنی بر ارزش ادراک شده با رضایت و وفاداری مشتریان بود.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

1 Hwang Jung, & Suh

2 Tinabo

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی و بر پایه مدل‌سازی معادلات ساختاری بود که به‌صورت پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، مشتریان باشگاه‌های خصوصی بدنسازی (باشگاه‌های فعال و دارای مجوز از اداره کل ورزش و جوانان استان‌های شمال‌غرب کشور بود) شمال‌غرب کشور (شامل استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان و کردستان) بودند. برای انتخاب مشتریان در مرحله اول از مرکز پنج استان یاد شده، ۴ باشگاه خصوصی بدنسازی از نقاط مختلف هر شهر به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی در بین مشتریان آن‌ها توزیع گردید. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری مشتریان، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد حجم نمونه به تعداد ۳۸۴ نفر برآورد شد. برای جلوگیری از ریزش نمونه‌ها، تعداد ۵۰۰ پرسشنامه به‌صورت تصادفی در بین مشتریان باشگاه‌های مورد نظر توزیع گردید. تعداد ۳۹۰ پرسشنامه به پژوهشگر عودت داده شد که با بررسی پرسشنامه‌های بدون نقص، تحلیل داده‌ها بر اساس ۳۶۲ پرسشنامه بدون ایراد صورت گرفت.

ابزارهای پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته ارزش ادراک‌شده مشتری و پرسشنامه‌های استاندارد رضایت مشتری و وفاداری مشتری استفاده گردید. سودآوری باشگاه‌ها نیز از طریق جمع‌آوری داده‌ها از مدیران باشگاه‌های ورزشی و با فرمول ارائه‌شده شرکت مایکروسافت^۱ محاسبه شد.

پرسشنامه ارزش ادراک‌شده: برای جمع‌آوری داده‌ها پیرامون متغیر ارزش ادراک‌شده از پرسشنامه محقق‌ساخته که ترکیبی از پرسشنامه‌های به‌کار رفته در پژوهش‌های رویگ، گارسیا، تنا و مونزونیس^۲ (۲۰۰۶)، هانسن، ساموئلسن و سیلست^۳ (۲۰۰۸)، فیول کالاریسا، بیگنی آلکانیز، مولینر تنا و گارسیا^۴ (۲۰۰۹)، هیوم و مورت^۵ (۲۰۱۰) و خان و کدیر^۶ (۲۰۱۱) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ گویه در چهار مولفه؛ ارزش اقتصادی (۳ گویه) (فیول کالاریسا و همکاران، ۲۰۰۹؛ هیوم و مورت، ۲۰۱۰)، ارزش احساسی (۶ گویه) (رویگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ هانسن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کالاریسا فیول و همکاران، ۲۰۰۹)، ارزش

1 Microsoft Corporation

2 Roig, Garcia, Tena, & Monzonis

3 Hansen, Samuelsen, & Silseth

4 Fiol Callarisa, Bigne Alcañiz, Moliner Tena, & García

5 Hume & Mort

6 Khan & Kadir

اجتماعی (۵ گویه) (رویک و همکاران، ۲۰۰۶؛ خان و کدیر، ۲۰۱۱؛ فیول کالاریسا و همکاران، ۲۰۰۹) و ارزش کارکردی (۷ گویه) (رویک و همکاران، ۲۰۰۶؛ هانسن و همکاران، ۲۰۰۸؛ فیول کالاریسا و همکاران، ۲۰۰۹) در مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ امتیاز، مخالفم = ۲، ممتنع = ۳، موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد. روایی پرسشنامه توسط هفت نفر از اساتید مدیریت ورزشی و بازاریابی ورزشی بررسی و مورد تایید قرار گرفت. در این پژوهش از تحلیل عاملی برای محاسبه بارهای عاملی مولفه‌های پرسشنامه استفاده شد و نتایج نشان داد که بار عاملی کلیه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ و قابل قبول می‌باشد. همچنین در این پژوهش، روایی همگرایی پرسشنامه‌ها توسط معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برابر ۰/۵۰۴ و پایایی پرسشنامه با روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۳۸ و با روش پایایی ترکیبی (CR) برابر ۰/۹۴۵ محاسبه شد.

پرسشنامه رضایت مشتری: از پرسشنامه استاندارد «رضایت مشتری» لیو (۲۰۰۸) استفاده شد (لیو و چن^۱، ۲۰۱۲: ۱۳۷). این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه در پنج مولفه: ظاهر باشگاه (۴ گویه)؛ کارکنان (۵ گویه)؛ تسهیلات (۳ گویه)؛ ترویج (۳ گویه) و تجهیزات موجود (۵ گویه) در مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ امتیاز، مخالفم = ۲، ممتنع = ۳، موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد. محمودی، یونسی، متقی شهری و شهلایی باقری (۱۳۹۵) در پژوهش خود به استانداردسازی نسخه فارسی این پرسشنامه پرداخته و روایی سازه و ساختار عاملی این پرسشنامه را مورد تایید گزارش نموده‌اند- پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰۶ به دست آمد. در این پژوهش از تحلیل عاملی برای محاسبه بارهای عاملی گویه‌های پرسشنامه استفاده شد. نتایج نشان داد که بار عاملی کلیه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ و قابل قبول می‌باشد. همچنین در این پژوهش روایی همگرایی پرسشنامه مذکور توسط معیار AVE برابر ۰/۵۵۶ و پایایی پرسشنامه با روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۵۷ و با روش پایایی ترکیبی (CR) برابر ۰/۹۶۱ محاسبه شد.

پرسشنامه وفاداری مشتری: از پرسشنامه استاندارد «وفاداری مشتری» لیو (۲۰۰۸) استفاده شد (لیو و چن^۱، ۲۰۱۲: ۱۳۷). این پرسشنامه شامل ۸ گویه در دو مولفه: وفاداری نگرشی (۴ گویه) و وفاداری رفتاری (۴ گویه) در مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ امتیاز، مخالفم = ۲، ممتنع = ۳، موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵) می‌باشد. محمودی، هنری و اسلامی (۱۳۹۵) در پژوهش خود روایی پرسشنامه را تایید نموده و پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ را برابر ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش از تحلیل عاملی برای

1 Liu & Chen

محاسبه بارهای عاملی مولفه‌های پرسشنامه استفاده شد. نتایج نشان داد که بار عاملی کلیه مولفه‌ها بالاتر از ۰/۶ و قابل قبول می‌باشد. همچنین در این پژوهش روایی همگرای این پرسشنامه توسط معیار AVE برابر ۰/۷۰۸ و پایایی آن با روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۴۱ و با روش پایایی ترکیبی (CR) برابر ۰/۹۵۱ محاسبه شد.

سودآوری باشگاه و روش محاسبه: ابتدا اطلاعات مربوط به ۱- سود ناخالص باشگاه با سه سوال باز (کل درآمد باشگاه در سال مورد نظر، کل هزینه‌های فروش (هزینه‌های جاری خدمات و پشتیبانی و سایر هزینه‌های عملیاتی)، ۲- کل هزینه‌های جذب با سه سوال باز (هزینه‌های جذب مستقیم مشتری، هزینه بازاریابی برای جذب مشتری و هزینه خاتمه مشتری) از مدیران باشگاه‌های مورد مطالعه جمع‌آوری شد. سپس با استفاده از فرمول ارائه شده توسط شرکت مایکروسافت سودآوری هر باشگاه محاسبه گردید. (هزینه خاتمه با مشتری+هزینه بازاریابی برای جذب مشتری+هزینه جذب مستقیم مشتری) - (کل هزینه‌های فروش - کل درآمد باشگاه در سال مورد نظر) = سودآوری باشگاه

در این پژوهش روایی صوری و محتوایی هر سه پرسشنامه توسط هفت نفر از اساتید مدیریت ورزشی و بازاریابی ورزشی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. برای برازش و آزمودن فرضیه‌ها با استفاده از الگوهای ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم افزار Smart PLS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی به‌دست‌آمده نشان داد ۶۸ درصد مشتریان مرد و ۳۲ درصد زن می‌باشند. به لحاظ تحصیلات بیشتر شرکت‌کنندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (۴۱/۴ درصد) بودند. میانگین سنی و انحراف استاندارد مشتریان مورد بررسی برابر $30/28 \pm 9/56$ بود.

برازش الگوی اندازه‌گیری

برای بررسی الگوی اندازه‌گیری از دو معیار پایایی و روایی همگرا بهره‌گیری شد. برای سنجش پایایی الگو از بارهای عاملی، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده گردید. بار عاملی مقدار عددی است که میزان شدت رابطه میان یک متغیر مکنون (سازه) و متغیر آشکار (شاخص) مربوطه را طی فرایند تحلیل مسیر مشخص می‌کند. بررسی بارهای عاملی نشان می‌دهد که بارهای عاملی گویه‌های مربوط به متغیرهای ارزش ادراک‌شده، رضایت و وفاداری مشتری از اعتبار قابل قبولی برخوردار هستند. (جدول ۱)

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

جدول ۱: سنجش پایایی مدل از طریق بارهای عاملی در مدل ارائه شده

متغیر	مولفه	گویه	بارعاملی
ارزش ادراک شده	ارزش اقتصادی	اول	۰/۷۴۹
		دوم	۰/۷۷۳
		سوم	۰/۶۸۷
	ارزش احساسی	اول	۰/۶۶۴
		دوم	۰/۶۵۰
		سوم	۰/۶۶۷
ارزش اجتماعی	ارزش اجتماعی	چهارم	۰/۷۵۹
		پنجم	۰/۷۳۴
		ششم	۰/۷۳۲
	ارزش اجتماعی	اول	۰/۸۲۵
		دوم	۰/۷۵۸
		سوم	۰/۸۱۱
رضایت مشتری	ارزش کارکردی	چهارم	۰/۶۱۹
		پنجم	۰/۷۱۸
		اول	۰/۸۱۸
	ظاهر باشگاه	دوم	۰/۷۹۸
		سوم	۰/۸۲۷
		چهارم	۰/۷۸۱
کارکنان	ظاهر باشگاه	پنجم	۰/۸۲۲
		ششم	۰/۸۰۳
		هفتم	۰/۸۲۴
	رضایت مشتری	اول	۰/۸۲۳
		دوم	۰/۸۴۹
		سوم	۰/۸۷۰
	کارکنان	چهارم	۰/۸۵۳
		اول	۰/۸۰۹
		دوم	۰/۸۴۶
		سوم	۰/۸۳۶
		چهارم	۰/۸۰۲

۰/۷۶۷	پنجم	
۰/۸۷۰	اول	
۰/۸۷۱	دوم	تسهیلات
۰/۸۳۵	سوم	
۰/۸۸۲	اول	
۰/۸۷۴	دوم	ترویج
۰/۸۵۷	سوم	
۰/۷۵۰	اول	
۰/۶۹۱	دوم	
۰/۸۳۴	سوم	تجهیزات موجود
۰/۸۲۹	چهارم	
۰/۸۶۶	پنجم	
۰/۸۷۹	اول	
۰/۸۸۵	دوم	نگرشی
۰/۸۹۰	سوم	
۰/۸۶۰	چهارم	
۰/۸۳۴	اول	وفاداری مشتری
۰/۸۸۴	دوم	
۰/۸۷۹	سوم	رفتاری
۰/۸۳۸	چهارم	
۱	اول	سودآوری مشتری

روایی واگرا، معیار دیگری برای برازش مدل بیرونی است که نشان می‌دهد شاخص‌های یک متغیر به چه میزان با شاخص‌های متغیرهای دیگر متفاوت است (مختاری، خدای و اصائلو، ۱۴۰۰: ۱۹۸). همبستگی متغیرهای مکنون در جدول ۲ نشان داده شده است. چنانچه در ماتریس همبستگی متغیرهای مکنون، جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه بیشتر از همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد، روایی واگرای مدل تایید می‌شود (فورنل و لاکر^۱، ۱۹۸۱). بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، همبستگی هر سازه با خودش بیش از همبستگی آن با سایر سازه‌هاست. (جدول ۲)

¹ Fornell & Larcker

جدول ۲: همبستگی متغیرهای مکنون و روایی واگرا

سازه	وفاداری مشتری	رضایت مشتری	ارزش ادراک شده	سودآوری
وفاداری مشتری	۰/۸۴۱			
رضایت مشتری	۰/۶۶۴	۰/۷۴۵		
ارزش ادراک شده	۰/۴۶۶	۰/۵۳۶	۰/۷۱۰	
سودآوری	۰/۹۰۰	۰/۶۹۸	۰/۵۲۷	۱

برای سنجش پایایی مدل از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۱ استفاده شد. آلفای کرونباخ معیاری برای سنجش پایایی و سنجهای مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری) محسوب می‌شود. پایداری درونی نشانگر میزان همبستگی بین یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲: ۷۹). پایایی ترکیبی به‌عنوان معیار مدرن‌تری نسبت به آلفای کرونباخ در تحلیل رویکرد حداقل مربعات جزئی می‌باشد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه بصورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. با توجه به جدول ۳ مشخص می‌شود مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها دارای مقدار مناسب هستند (بالتر از ۰/۷). پس می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی مدل اندازه‌گیری را تایید کرد (جدول ۳).

معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگراست که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. نتایج به‌دست‌آمده برای میانگین واریانس استخراج شده^۲ نیز حاکی از آن است که متغیرهای مکنون این پژوهش دارای روایی همگرای مناسبی هستند. به عبارت دیگر، همبستگی بالایی بین هر سازه با شاخص‌های خود وجود دارد (بالتر از ۰/۵). در نتیجه مدل‌های اندازه‌گیری از برازش قوی برخوردار می‌باشند و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تایید می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳: سنجش پایایی مدل متغیرهای مکنون

متغیرهای مکنون	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی (AVE)
ارزش ادراک شده	۰/۹۳۸	۰/۹۴۵	۰/۵۰۴
رضایت مشتری	۰/۹۵۷	۰/۹۶۱	۰/۵۵۶
وفاداری مشتری	۰/۹۴۱	۰/۹۵۱	۰/۷۰۸
سودآوری مشتری	۱	۱	۱

1 Combined Reliability

2 Average Variance Extracted

۰/۵۴۴	۰/۷۸۱	۰/۷۱۲	ارزش اقتصادی
۰/۵۱۰	۰/۸۵۳	۰/۷۹۳	ارزش احساسی
۰/۵۶۲	۰/۸۶۴	۰/۸۰۲	ارزش اجتماعی
۰/۶۵۷	۰/۹۳۰	۰/۹۱۳	ارزش کارکردی
۰/۷۲۱	۰/۹۱۲	۰/۸۷۱	ظاهر باشگاه
۰/۶۶۰	۰/۹۰۷	۰/۸۷۱	کارکنان
۰/۷۳۷	۰/۸۹۴	۰/۸۲۲	تسهیلات
۰/۷۵۸	۰/۹۰۴	۰/۸۴۱	ترویج
۰/۶۳۵	۰/۸۹۶	۰/۸۵۴	تجهیزات موجود
۰/۷۷۲	۰/۹۳۱	۰/۹۰۲	وفاداری نگرشی
۰/۷۳۸	۰/۹۱۸	۰/۸۸۱	وفاداری رفتاری

برازش مدل ساختاری

برای بررسی برازش مدل ساختاری با روش حداقل مربعات جزئی در این پژوهش، از ضریب تعیین و ارتباط پیش‌بین استفاده شد. ضریب تعیین معیاری است که برای متصل کردن بخش‌های اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل معادلات ساختاری به‌کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا (ملاک) می‌گذارد. ضریب ارتباط پیش‌بین معیاری است که قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند. مطابق با جدول ۴ مقادیر ضریب تعیین برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است. هر چه مقادیر ضریب تعیین مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر الگو می‌باشد. با توجه به نتایج، مناسب بودن برازش قوی مدل ساختاری تایید می‌شود. همچنین مقادیر ارتباط پیش‌بین مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل می‌توان گفت که تناسب پیش‌بین مدل ساختاری پژوهش تایید می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴: ضرایب تعیین و پیش‌بین متغیرهای درون‌زا

متغیرهای درون‌زا	ضریب تعیین	ارتباط پیش‌بین
رضایت مشتری	۰/۲۸۷	۰/۱۴۸
وفاداری مشتری	۰/۴۵۸	۰/۳۰۱
سودآوری مشتری	۰/۸۳۵	۰/۸۱۵

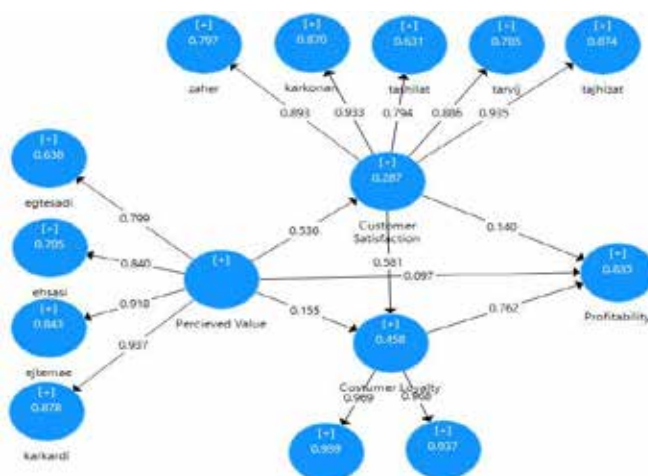
برازش مدل کلی

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار جی.او.اف که تننهاوس و همکارانش^۱ عرضه کردند، به دست آمد (تننهاوس، آماتو، ایسپوسیت وینزی، ۲۰۰۴: ۱). جی.او.اف^۲ به عنوان یک شاخص نیکویی برازش برای اعتبار کل مدل حداقل مربعات جزئی می‌باشد (هیر، هالت، رینگل و سارستت^۳، ۱۳۹۵: ۲۲۸). با توجه به اینکه سه مقدار ضعیف (۰/۱)، متوسط (۰/۲۵) و قوی (۰/۳۶) برای جی.او.اف معرفی شده است (وتزلس، اودکرکن-اشرودر و وان اوپن^۴، ۲۰۰۹: ۱۸۷)، حاصل شدن مقدار ۰/۴۷۱ برای جی.او.اف نشان از برازش کلی قوی مدل پژوهش می‌باشد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش در مدل ارائه شده

الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS نشان می‌دهد که پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، می‌توان به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخت و به یافته‌های پژوهش رسید.



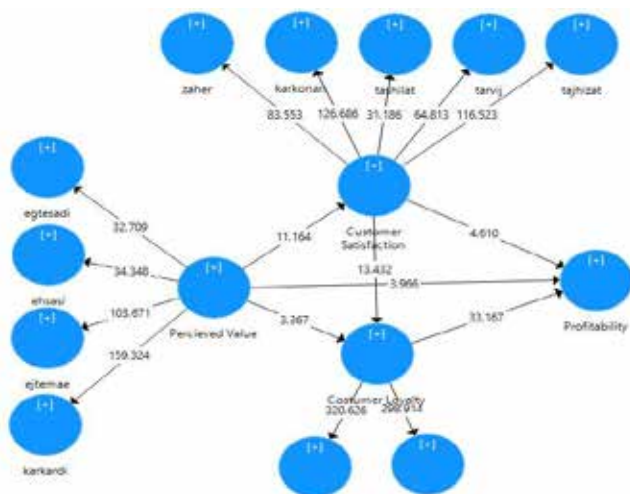
نمودار ۲: ضرایب استاندارد شده مسیرهای فرضیه‌های مدل

1 Tenenhaus, Amato, & Esposito Vinzi

2 GOF

3 Hair, Hult, Ringle, & Sarstedt

4 Wetzels, Odekerken-Schroder, & Van Oppen



نمودار ۳: ضرایب t مسیرهای مربوط به فرضیه‌های مدل

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از روش معادلات ساختاری استفاده شد و در ادامه به کمک ضریب رگرسیون و t -value آزمون فرضیه‌ها انجام گرفت. ضریب مسیر نشان‌دهنده رابطه علی، شدت و جهت رابطه بین دو سازه می‌باشد که در بازه -1 تا $+1$ قرار دارد. اگر این ضریب برابر با عدد صفر شود، نشان می‌دهد که بین دو سازه رابطه علی خطی وجود ندارد. اگر مثبت باشد نشان می‌دهد که با افزایش متغیر پیش‌بین، متغیر ملاک نیز افزایش می‌یابد و اگر منفی باشد، نشان می‌دهد که با افزایش متغیر پیش‌بین، متغیر ملاک کاهش می‌یابد. برازش مدل با مقادیر t -value به این صورت است که این مقادیر باید در بازه بیشتر از $1/96+$ باشد تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن آنها را تایید کرد. با توجه به مقدار ضرایب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها (جدول ۵)، هشت فرضیه مدل تایید می‌شود. مقدار ضریب معناداری فرضیه اول (تاثیر ارزش ادراک‌شده بر سودآوری مشتری) برابر $3/966$ ، فرضیه دوم (تاثیر ارزش ادراک‌شده بر رضایت مشتری) برابر $11/164$ و فرضیه سوم (تاثیر ارزش ادراک‌شده بر وفاداری مشتری) برابر $3/367$ به دست آمده است و نشان می‌دهد که ارزش ادراک‌شده بر سودآوری مشتری، رضایت و وفاداری مشتری تاثیر مستقیم و معناداری دارد. مقدار ضریب معناداری برای فرضیه چهارم (تاثیر رضایت مشتری بر سودآوری مشتری) برابر $4/610$ و برای فرضیه پنجم (تاثیر وفاداری مشتری بر سودآوری مشتری) برابر $33/167$ است. این مطلب حاکی از تایید فرضیه‌های چهارم و پنجم است و نشان می‌دهد رضایت مشتری و وفاداری مشتری بر سودآوری مشتری تاثیرگذار است. با توجه به تایید شدن فرضیه دوم و سوم

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

تحقیق، فرضیه هفتم تحقیق-یعنی میانجی بودن رضایت مشتری در رابطه بین ارزش ادراک شده و سودآوری مشتری و فرضیه هشتم تحقیق-یعنی میانجی بودن وفاداری مشتری در رابطه بین ارزش ادراک شده و سودآوری مشتری- تایید می شود.

جدول ۵: نتایج تحلیل آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش	ضریب مسیر استاندارد (β)	t	P-Value	نتیجه آزمون فرضیه پژوهش (H_1)
ارزش ادراک شده ← سودآوری مشتری	۰/۰۹۷	۳/۹۶۶	۰/۰۰۱	تایید
ارزش ادراک شده ← رضایت مشتری	۰/۵۳۶	۱۱/۱۶۴	۰/۰۰۱	تایید
ارزش ادراک شده ← وفاداری مشتری	۰/۱۵۵	۳/۳۶۷	۰/۰۰۱	تایید
رضایت مشتری ← سودآوری مشتری	۰/۱۴۰	۴/۶۱۰	۰/۰۰۱	تایید
وفاداری مشتری ← سودآوری مشتری	۰/۷۶۲	۳۳/۱۶۷	۰/۰۰۱	تایید
رضایت مشتری ← وفاداری مشتری	۰/۵۸۱	۱۳/۴۳۲	۰/۰۰۱	تایید
تاثیر ارزش ادراک شده از طریق رضایت مشتری	۰/۰۷۴	۴/۰۲۹	۰/۰۰۱	تایید
تاثیر ارزش ادراک شده از طریق وفاداری مشتری	۰/۱۱۸	۳/۳۴۱	۰/۰۰۱	تایید
تاثیر ارزش ادراک شده از طریق رضایت و وفاداری	۰/۲۳۷	۸/۴۷۹	۰/۰۰۱	تایید
تاثیر رضایت مشتری از طریق سودآوری مشتری	۰/۴۴۳	۱۲/۴۳۸	۰/۰۰۱	تایید

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های ورزشی خصوصی شمال غرب کشور مبتنی بر ارزش ادراک شده، رضایت و وفاداری مشتری انجام شد. نتایج نشان داد که ارزش ادراک شده بر سودآوری باشگاه‌ها تاثیر مثبت و معناداری دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های کاوینگ (۲۰۲۰)، تران و لی (۲۰۲۰)، عزیزاده و همکاران (۱۳۹۸)، شفیع و همکاران (۱۳۹۷)، احمدی الوار و پوراشرف (۱۳۹۶)، عسکریان و اکبرزاده (۱۳۹۵)، گاناریس و همکاران (۲۰۰۷)، فکورثقیه، حدادیان و کلیدری (۱۳۹۴) و کو، وو و دنگ^۱ (۲۰۰۹) هم‌راستا می‌باشد. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد یکی از عواملی که در حفظ و افزایش مشتریان و در نتیجه سودآوری و موفقیت شرکت‌ها و سازمان‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، ارزش ادراک شده خدمات می‌باشد (احمدی الوار و پوراشرف، ۱۳۹۶: ۳۱). مشتری زمانی که ارزش بهتر و بالاتری دریافت می‌کند، نسبت به باشگاه ورزشی مورد نظر، وفادار خواهد ماند. بنابراین مشتری به‌طور پیوسته زمانی اقدام به خرید یا دریافت خدمات می‌نماید که احساس کند محصول خریداری شده یا خدمات دریافتی دارای بیشترین ارزش است. لذا باشگاه‌های ورزشی باید تلاش کنند که مشتریان، احساس دریافت بیشترین ارزش را از خدمات آنها داشته باشند. در این راستا ایجاد یک رابطه بلندمدت و تعاملی با مشتریان موجب می‌شود که مشتریان وفادار باقی بمانند و کمتری از دست بروند. نتایج بیشتر تحقیقات نشان داده است که نه تنها هزینه جذب مشتری جدید بیشتر از هزینه‌های نگهداشت مشتریان فعلی است، بلکه حفظ مشتریان وفادار در بلندمدت

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

منجر به سودآوری مشتریان برای شرکت (نامی، رحیمی و قندوار^۱، ۲۰۱۷: ۱۶۹) یا باشگاه ورزشی خواهد شد. همچنین باید توجه داشت که در دوران پاندمی ویروس کرونا، توجه به ارزش ادراک شده مشتری، اهمیت زیاد و حیاتی پیدا کرده و خواسته‌های جدید و نوظهوری در ارزش‌های مورد تقاضای مشتریان به وجود آورده است. لذا به مدیران باشگاه‌های ورزشی مورد مطالعه پیشنهاد می‌شود که به خواسته‌ها و نیازهای مشتریان که متناسب با شرایط همه‌گیری کرونا ایجاد شده توجه کافی نمایند و در تلاش برای برآورده کردن این نوع نیازها باشند. مدیران باشگاه‌های خصوصی بدنسازی در دوران پاندمی کرونا باید برنامه‌هایی در جهت ارائه خدمات مناسب با لحاظ نمودن پروتکل‌های بهداشتی از طریق تعداد کم و مناسب مشتریان در سانس‌های تمرینی، رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در مکان‌های تمرینی و نظارت و کنترل بیشتر در این زمینه، اجبار به استفاده از ماسک و کنترل دقیق این مورد، تهیه مناسب مکان‌های تمرینی، ضدعفونی مستمر و مداوم و رعایت بهداشت مکان‌های تمرین و سرویس‌های بهداشتی، پایش مستمر وضعیت سلامتی مشتریان از نظر ابتلا به ویروس کرونا و عدم اجازه به حضور مشتریان مشکوک مبتلا به کرونا تا زمان بهبودی کامل، آموزش به مشتریان در مورد نحوه حضور در سالن‌ها و تمرینات و رعایت موارد بهداشتی داشته باشند.

نتایج نشان داد که ارزش ادراک‌شده از طریق رضایت مشتریان بر سودآوری باشگاه‌های خصوصی شمال‌غرب کشور تاثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، ارزش درک‌شده بالاتر می‌تواند به افزایش رضایتمندی مشتری و در نتیجه منجر به افزایش سودآوری برای باشگاه ورزشی شود. این نتیجه با نتایج به دست آمده از تحقیقات کارواچه-فرانکو و همکاران (۲۰۲۱)، کاونگ (۲۰۲۰)، تران و لی (۲۰۲۰)، شفیع و همکاران (۱۳۹۷)، گاناریس و همکاران (۲۰۱۴)، فکورقیه و همکاران (۱۳۹۴)، رنجبریان و همکاران (۱۳۹۱) و کو و همکاران (۲۰۰۹) هم‌راستا می‌باشد. بر همین اساس رضایتمندی مشتری به شدت تحت تأثیر انتظارات و توقعات مشتری می‌باشد و اختلاف میان کیفیت مشاهده شده و ارزش ادراک‌شده با کیفیت و ارزش مورد انتظار، به عنوان یک پیش‌بین قوی برای رضایت مشتری می‌باشد (حسینی، کاشف و حیدری، ۱۳۹۶: ۱۱۲). وقتی مشتریان، درک بالایی از ارزش‌های دریافتی دارند و سطح رضایت‌شان از باشگاه ورزشی بالاست، احتمال بیشتری وجود دارد که در آینده مجدد به باشگاه ورزشی مراجعه و از خدمات باشگاه استفاده نمایند و همچنین دوستان و آشنایان خود را تشویق و ترغیب کنند تا به باشگاه‌های ورزشی خصوصی مراجعه و از خدمات آنها استفاده کنند (رنجبریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵). از این رو، پیشنهاد می‌شود برای افزایش ارزش درک‌شده بین خدمات دریافت‌شده و هزینه‌های پرداخت‌شده توسط مشتریان باشگاه‌های ورزشی خصوصی، تعادل برقرار شود. درباره منافع استفاده از خدمات باشگاه ورزشی، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی شود. قیمت‌ها به صورت منطقی تعیین شوند و قوانین و سیاست‌های باشگاه ورزشی، شفاف و قابل درک باشند.

نتایج نشان داد که ارزش ادراک‌شده از طریق رضایت و وفاداری بر سودآوری باشگاه‌های خصوصی شمال‌غرب کشور تاثیر مثبت و معناداری دارد. این نتیجه با نتایج به دست آمده از تحقیقات علیزاده و همکاران (۱۳۹۸)، گاناریس و همکاران (۲۰۱۴) و گارلند (۲۰۱۲) هم‌راستا می‌باشد. وفاداری خود به خود به وجود نمی‌آید. وفاداری تا وقتی ادامه دارد که مشتری احساس کند از مراجعه به باشگاه ورزشی دیگر، فایده‌های بیشتر، که شامل ارزش و کیفیت بالاتر نسبت به قیمت فروش محصولات یا خدمات است، نصیب او نمی‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). چن، چانگ و لین^۲ (۲۰۱۲) با توجه به پژوهش خود بیان می‌کنند که یک مشتری وفادار علاوه بر آن که بارها و بارها جهت خرید مجدد محصولات یا استفاده مجدد از خدمات به سازمان رجوع می‌کند، به عنوان یک عامل مضاعف در زمینه تبلیغ محصولات و خدمات سازمان از طریق توصیه و سفارش به سایرین،

1 Naami, Rahimi, & Ghandvar

2 Chen, Chang, & Lin

نقش حائز اهمیتی در ارتقای میزان سودآوری دارد. تسای، چو و کوا^۱ (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود بیان کردند که یکی از مهم‌ترین اهداف مدیریت بازاریابی ایجاد رابطه و تعامل بلندمدت با مشتریان در راستای جلب رضایت و وفاداری آنها و در نهایت سودآوری سازمان است. نجفی، حسینیان و باقری (۱۳۹۵) نیز اظهار داشتند که پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد سطوح بالای رضایت مشتری و حفظ مشتری (وفاداری) به شدت به یکدیگر وابسته و این دو عامل در سودآوری باشگاه‌ها مؤثر هستند. به‌طور کلی با توجه به یافته‌های پژوهش، مشتری وفادار یک منبع درآمدی برای باشگاه فراهم می‌آورد، باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و در نتیجه منجر به سودآوری باشگاه می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌شود همیشه ارزش بالاتری به مشتری ارائه شود تا وفاداری مشتریان حفظ و تقویت گردد. تاکید بر ارزش ادراک‌شده و به عبارتی توجه به نیازها و برآورده کردن خواسته و تقاضای مشتریان می‌تواند باعث افزایش رضایت و بهبود وفاداری آنان شود. بر این اساس، مدیران باشگاه‌های ورزشی خصوصی باید به منظور افزایش رضایت و وفاداری مشتریان، در جهت بهبود ارائه ارزش به مشتریان گام بردارند.

به‌طور کلی با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که ارزش ادراک‌شده مشتری در تعامل با دو متغیر رضایت مشتری و وفاداری مشتری بر سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی تاثیرگذار است. این بدان معنا است که باشگاه‌های بدنسازی خصوصی از طریق افزایش ارزش ادراک‌شده مشتری می‌توانند رضایت مشتریان را افزایش دهند و به‌دنبال آن وفاداری مشتریان را زیاد و مشتریان وفادار بیشتری ایجاد نمایند و از این طریق سودآوری باشگاه‌های بدنسازی را افزایش دهند. در حالی که امروزه باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی در کشور ما از جمله سالن‌های بدنسازی بیشتر به شکل سنتی اداره می‌شوند و این بخش‌های ورزشی کمتر به ارزش و اهمیت اقدامات بازاریابی و نقش مشتریان در کسب سودآوری و موفقیت خود پی‌برده‌اند (بای و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۸). بنابراین باشگاه‌های ورزشی در صورتی موفق خواهند شد که بتوانند تعداد مشتریان وفادار خود را افزایش دهند و در اصطلاح مشتریان تمام عمر برای خود ایجاد نمایند. در مدیریت ارتباط با مشتری نیز اولویت اول باشگاه‌های ورزشی، حفظ مشتریان فعلی و ایجاد رابطه بلندمدت برای دستیابی به سودآوری ثابت است. لذا برنامه‌ریزی جهت شناخت و برآوردن ارزش ادراک‌شده مشتریان، افزایش رضایت‌مندی و وفادار سازی آنها نه تنها بقای باشگاه‌های ورزشی خصوصی را تضمین می‌کند، بلکه ضامن رشد و شکوفایی آن نیز خواهد بود.

منابع

- احمدی الوار، زهرا و پوراشرف، یاسان اله. (۱۳۹۶). «بررسی ارتباط بین ارزش ادراک‌شده مشتری با عملکرد مشتری». فصلنامه مدیریت توسعه و تحول. (۳۰)، صص ۳۱-۴۰.
- احسانی، محمد؛ فلاحی، احمد؛ کوزه چیان، هاشم و خبیری، محمد. (۱۳۹۵). «حمایت مالی از لیگ برتر فوتبال ایران از دیدگاه شرکت‌های حامی». پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. دوره ۸، شماره ۴، صص ۹-۲۲.
- بای، ناصر؛ سلیمانی مقدم، رضا و شریعتی، جمال‌الدین. (۱۳۹۷). «مطالعه نقش بازاریابی در سودآوری کسب و کار سالن‌های بدنسازی شهر کرمانشاه». نشریه مدیریت ورزشی. (۱۱)۱۰، صص ۱۴۹-۱۶۲. doi: 10.22059/jsm.2016.58927
- پورزنگار، جلیل. (۱۳۹۹). «مطالعه رضایت ورزشکاران از کیفیت خدمات‌دهی در باشگاه‌های ورزشی رزمی استان گیلان». مطالعات تربیت بدنی و علوم ورزشی. دوره ۵، شماره ۳، صص ۱-۱۶.
- جهانپان، سعید؛ محمودصالحی، مهدی و حسینی، مهشید. (۱۳۹۷). «به‌کارگیری روش هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت زمان مبنا به منظور رتبه‌بندی مشتریان سودآور». پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری. (۱۳)، صص ۸۵-۱۱۱.
- جباری، اکبر؛ سلطان حسینی، محمد؛ نادریان جهرمی، مسعود و خزایی پول، جواد. (۱۳۹۳). «ارائه مدلی برای توسعه وفاداری به برند تیم های لیگ برتر فوتبال ایران با روش مدل‌سازی معادلات». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۲۲.
- داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۳). «مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS ساختاری». مدیریت ورزشی. سال ۶، شماره ۳، پیاپی ۲۲.

تدوین مدل سودآوری باشگاه‌های بدنسازی خصوصی

- رنجبریان، بهرام؛ رشیدکابلی، مجید؛ صناعی، علی و حدادیان، علیرضا. (۱۳۹۱). «تحلیل رابطه بین ارزش درک‌شده، کیفیت درک‌شده، رضایت مشتری و قصد خرید مجدد در فروشگاه‌های زنجیره‌ای تهران». نشریه مدیریت بازرگانی. دوره ۴، شماره ۱۱، صص ۵۵-۷۰.
- شفیعی، محمد؛ سیفی، محسن و محمدی، مرجان. (۱۳۹۷). «تاثیر مدیریت ارتباط با مشتری بر بهبود فرآیندهای داخلی، رضایت مشتریان و سودآوری (مورد مطالعه: شعب سازمان تامین اجتماعی اصفهان)». راهبردهای بازرگانی. ۲۵ (دوره جدید)، (۱۲)، صص ۳۱-۴۸.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=481707>
- عسکریان، فریبا و اکبرزاده، بهزاد. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین ارزش ادراک‌شده برندهای ورزشی و قصد خرید مجدد مشتریان». مدیریت و توسعه ورزش. ۵(۱)، صص ۲۱۷-۲۳۳.
- علی یاری، مصطفی؛ محمودی، ابراهیم و سودی، مهدی. (۱۳۹۸). «تحلیل سطح رضایت و وفاداری استفاده‌کنندگان از محصولات و خدمات باشگاه‌های طراز اول تهران بر اساس مدل ECSI». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۴۱، صص ۱۹۱-۲۱۰.
- علیزاده، موسی؛ محرم زاده، مهرداد و الهی، علیرضا. (۱۳۹۸). «تبیین مدل تاثیر ارزش ادراک‌شده بر وفاداری و رفتار خرید تماشاگران: مطالعه موردی: تماشاگران تراکتورسازی تبریز». دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۹(۱۷)، صص ۱-۱۳.
- غفوری یزدی، مهدی؛ خبیری، محمد؛ علی دوست قهقرخی، ابراهیم و شریف زاده، محمد جواد. (۱۴۰۰). «شناسایی راهبردهای تامین مالی در ورزش حرفه‌ای ایران». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال ۹، شماره ۴، ۳۶، پیاپی، صص ۲۳-۴۰.
- نظری، رسول؛ قره، محمد علی و اسداللهی، شیوا. (۱۳۹۸). «ارائه مدل رابطه بین خلاقیت مدیران و مدیریت ارتباط با مشتری و نقش آن بر وفاداری مشتری باشگاه‌های ورزشی». مجله پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۷(۲۸)، صص ۳۷-۴۴.
- محمودی، احمد؛ سجادی، سید نصرالله و گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). «بررسی تاثیر کیفیت خدمات و رضایت‌مندی بر وفاداری مشتریان در باشگاه‌های ورزشی بدنسازی و ایروبیک». مدیریت ورزشی. دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۱-۵۱.
- محمودی، محسن؛ فروغی پور، حمید؛ نیکروان، محمد و آقایی، نجف. (۱۴۰۰). «تاثیر اعتماد، حريم خصوصی و کیفیت خدمات در موفقیت مدیریت الکترونیکی ارتباط با مشتری در باشگاه‌های بدنسازی با نقش میانجی‌گری وفاداری». فصلنامه علوم ورزش.
- Anabila, P., Vitor, D. (2013). "Customer Relationship Management: A Key to Organizational Survival and Customer Loyalty in Ghana's Banking Industry". International Journal of Marketing Studies, 5(1): 107-117.
- Blake, J., Fourie, S., & Goldman, M. (2019). "The relationship between sports sponsorships and corporate financial returns in South Africa". International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 20(1), 2-25.
- Bouchet, A., Doellman, T. W., Troilo, M., & Walkup, B. R. (2015). "The Impact of International Football Matches on Primary Sponsors and Shareholder Wealth". Journal of Sport Management, 29(2), 200-210.
- Cossio-Silva, F. J., Revilla-Camacho, M. Á., Vega-Vázquez, M., Palacios-Florencio, B. (2015). "Value co-creation and customer loyalty". Journal of Business Research, 69: 1621-1625.
- Carvache-Franco, M., Alvarez-Risco, A., Carvache-Franco, O., Carvache-Franco, W., Estrada-Merino, A., & Villalobos-Alvarez, D. (2021). "Perceived value and its influence on satisfaction and loyalty in a coastal city: a study from Lima, Peru". Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events, 1-16.
- Huth, C. (2018). "Back to traditional stadium names: Fans' role in financing naming rights through crowdfunding". Sport, Business and Management: An International Journal, 8(3), 214-234
- Hair Joe, Sarstedt Marko, Lucas Hopkins, Volker (2014). "Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM): An Emerging Tool for Business Research". <https://www.researchgate.net/publication/258046807>
- Nyadzayo, M. W., Khajehzadeh, S. (2016). "The antecedents of customer loyalty: A moderated mediation model of customer relationship management quality and brand image". Journal of Retailing and Consumer Services, 30: 262-270.
- Moqaddasi, Z., Sheikhalizadeh, M., Faraji, R. (2020). "The Effect of Privatization and Advertising on Sports Clubs Revenue in Ardabil Province". Sport Management and Development, 9(1), 188-204. doi: 10.22124/jsmd.2020.4150
- Mokhtari, L., Khoddami, S., & Osanlou, B. (2021). "The impact of the experience of gamification marketing activities on the dimensions of brand appeal: focusing on the role of brand value". Journal of Business Management, 13(1), 184-208
- Trepstra, M., & Verbeeten, F. H. M. (2014). "Customer satisfaction: Cost driver or value driver? Empirical evidence from the financial services industry". European Management Journal, 32: 499-508.
- Wetzels, M.; Odekerken-Schroder, G. & Van Oppen, C. (2009). "Using PLS Path Modeling for Assessing Hierarchical Construct Models: Guidelines and Empirical Illustration". MIS Quarterly, 33(1): 177.
- Öztaysi B., Sezgin S.A. & Özok A.F. (2011). "A measurement tool for customer relationship management processes". Industrial Management & Data Systems, 111, (6), 943 – 960.



10.22034/ssys.2022.705

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۳۱

این پژوهش با هدف طراحی مدل الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل ۱۵ نفر از خبرگان (شامل کارشناسان و متخصصان رشته‌های مدیریت، بازاریابی و مدیریت ورزشی) و در بخش کمی شامل کلیه ورزشکاران زن استان قزوین بود که طبق آمار تعدادشان ۵۷۱۰ نفر بود. در نهایت، تعداد ۳۶۰ نفر به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با خبرگان و در مرحله کمی روش نظرخواهی و میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بود. برای تحلیل کمی از آزمون‌های تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده گردید. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Spss23 و PIs بهره‌گیری شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد مدل پژوهش دارای ۵ بعد (فردی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و آمیخته بازاریابی) و ۲۳ شاخص است که بار عاملی تمام ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها بیشتر از ۰/۳ و در حد قابل قبولی قرار دارد. در نهایت رفتار مصرف‌کننده نقش‌های مختلفی را در برمی‌گیرد و مصرف‌کننده می‌تواند در زمان‌های مختلف حداقل هر یک از سه نقش تأثیرگذار، خریدار و مصرف‌کننده را ایفا کند.

واژگان کلیدی: طراحی مدل، الگوی مصرفی بانوان و کالاهای ورزشی.

^۱دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۲استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Nima.majedi@gmail.com

^۳استادیار، مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مقدمه

امروزه ورزش به عنوان یک بخش اقتصادی چه از بعد عملی و چه تماشایی در تولید و مصرف کالاها، خدمات ورزشی و توسعه اقتصادی جوامع مختلف نقش اساسی دارد. همان گونه که ورزش در توسعه انسانی نقش اساسی بر عهده دارد، در توسعه اقتصادی نیز منشأ اثر است، پتانسیل اقتصادی ورزش به واسطه کارکرد اقتصادی آن برجسته می شود. کارکرد اقتصادی ورزش از فعالیت هایی نظیر تولید کالاهای ورزشی، رویدادهای ورزشی، ارائه خدمات ورزشی و رسانه ها و ورزش نشأت می گیرد. به عنوان مثال، در کشور انگلستان ارزش افزوده فعالیت های ورزشی در حدود ۱/۷ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد که این سهم از درآمدهای حاصل از ورزش با درآمدهای حاصل از صنعت خودرو و صنایع غذایی قابل مقایسه است. علاوه بر اینکه ورزش به عنوان یک نیروی اقتصادی منشأ اثر است، به عنوان یک کاتالیست و عامل شتاب دهنده بالقوه برای توسعه اقتصادی نیز در نظر گرفته می شود (جهانپنده و همکاران، ۱۳۹۴).

پیتز، فیلدینگ و مایلر^۱ اجزای صنعت ورزش را بر اساس انواع محصولات و مشتریان به سه بخش عملکرد، تولیدات و توسعه ورزشی تقسیم نموده اند: عملکرد ورزشی در برگیرنده امور مربوط به شرکت کنندگان و تماشاگران ورزشی است. بخش تولیدات ورزشی، کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز جهت ایجاد و یا تسهیل بخش عملکرد ورزشی را فراهم می کند. بخش توسعه ورزشی، به کالاها و خدماتی که به پیشبرد تولیدات و عملکرد ورزشی یاری می رسانند اطلاق می شود (پیتز، فیلدینگ و مایلر، ۱۹۹۷).

در قرن حاضر به هیچ وجه نمی توان از اهمیت اقتصادی و آثار مستقیم و غیرمستقیم ورزش و تفریحات سالم در توسعه جوامع مختلف چشم پوشی کرد. دانش و اطلاعات حاصل از بررسی آثار اقتصادی این صنعت مهم ترین ابزار تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های صحیح اقتصادی هر کشور در این بخش محسوب می شود (عبدالعلی و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر، ورزش با ایجاد مکانیسم های مؤثر به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد تأثیر گذاشته که این تأثیرات شامل موارد زیر می باشد:

- ورزش باعث افزایش سطح سلامت و تندرستی در میان افراد جامعه می شود و افزایش سطح سلامت با تأثیر بر سرمایه انسانی و نیز سرمایه اجتماعی، سبب افزایش سطح بهره وری اقتصادی در بخش های تولیدی و خدماتی می گردد.
- گسترش ورزش سبب افزایش سطح سلامت می شود و هزینه های بهداشتی، درمانی و هزینه های جانبی آن را در جامعه کاهش می دهد.
- افزایش چشمگیر شاغلان در بخش ورزش که بر روند جاری اقتصاد حاکم بر کشورها، به خصوص کشورهای پیشرفته تأثیر گذاشته و از حجم بیکاران در حال افزایش کاسته است.
- از ورزش به عنوان ابزاری مؤثر برای بازاریابی و فروش کالاهای ورزشی و غیرورزشی استفاده می شود.
- سرمایه های پولی و مالی به بازارهای داخلی از طریق برگزاری مسابقات ورزشی در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی وارد می شود (ساندرسون^۲، ۲۰۰۰).

از دیگر فواید اقتصادی مستقیم ورزش، تأثیر این صنعت بر مبادلات خارجی کشورهاست که موجب شده سهم این صنعت از تجارت جهانی به ۲/۵ درصد برسد. اقتصاد روبه رشد کشورهایی مانند آمریکا شرایط بسیار خوبی را برای صنعت و تجارت ورزشی ایجاد کرده است. هرچند واردات و صادرات کالاهای ورزشی سهم ناچیز ۰/۴ تا ۰/۲ درصد از GDP کشورها

1 Pitts & Stattler

2 Sanderson

طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی

را به خود اختصاص می‌دهد، با این حال میزان مبادلات بین‌المللی کالاهای ورزشی هر کشور با میزان توسعه ورزش و صنعت آن کشور تناسب دارد. مطالعات انجام شده در سال ۱۹۹۰ حاکی از آن است که بزرگ‌ترین بازار تجهیزات ورزشی جهان با ۳۷/۵۳۷ میلیارد دلار مختص کشور آمریکا است. همچنین ارزش جهانی تجهیزات ورزشی در سال ۱۹۹۷ حدود ۹۰ میلیارد دلار تخمین زده شده که نسبت به سال ۱۹۹۶ حدود ۵ درصد رشد داشته است. این در حالی است که ۱۰ کشور پیشرفته بیش از ۸۰ درصد بازار جهانی و ۷۵ درصد تجارت بین‌المللی این صنعت را از آن خود کرده‌اند: آمریکا ۳۰ درصد، اروپا ۳۳ درصد، ژاپن ۲۲ درصد و کانادا ۳ درصد بازار تجهیزات ورزشی را دارا هستند و تنها ۱۲ درصد باقی مربوط به دیگر کشورهاست (آندروف و همکاران^۱، ۱۳۸۰). بی‌تردید تنها راه موفقیت شرکت‌ها در عرضه تجارت بین‌المللی این است که سازمان‌ها تبدیل به سازمان‌های کلاس جهانی شوند. شون برگر اولین کسی بود که در سال ۱۹۸۲ از واژه «تولید در کلاس جهانی» استفاده نمود و این نشان از نو بودن این مفهوم دارد و در سال ۱۹۸۶ بحث خود را با عنوان «درس‌هایی از ساده‌سازی» ارائه کرد. شون برگر به شکل جالبی تولید در کلاس جهانی را به شعار بازی‌های المپیک یعنی «سریع‌تر و بالاتر و قوی‌تر» تشبیه نمود. معادل آن در کلاس جهانی، بهبود مستمر و سریع است (سید صالحی و کاظمی، ۱۳۹۴). به بیانی دیگر، مدیریت در کلاس جهانی که از آن به عنوان «انقلاب صنعتی مدیریتی قرن بیست و یکم» نام می‌برند، نگرش جهانی نسبت به بازار و روابط با مشتریان در تولید و ساخت محصولات است، تولید در کلاس جهانی، زمانی رخ خواهد داد که سازمان‌ها شاخص‌های زیر را به طور هم‌زمان داشته باشند (ساندپ^۲، ۲۰۱۶).

رفتار مصرف‌کننده ورزشی شامل فرایندهای روانی و اجتماعی گوناگونی است که پیش و پس از فعالیت‌های مخاطبان در گرایش به محصولات ورزشی مختلف وجود دارد. اینکه مخاطبان ورزشی چگونه فکر می‌کنند، چگونه رفتار می‌کنند، چگونه تصمیم می‌گیرند، چه عواملی بر گرایش آنان به محصولات مختلف ورزشی تأثیر می‌گذارد و سؤالات دیگری از این دست، کلید توسعه برنامه‌های بازاریابی مؤثر به‌منظور رسیدن سازمان‌ها و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی به اهداف از پیش تعیین نشده است. بنابراین، نکته کلیدی موفقیت راهبردهای بازاریابی، هم از جنبه محلی و هم از جنبه جهانی، درک رفتار مصرف‌کننده است. این مسئله هم برای شرکت‌ها و هم سازمان‌های غیرانتفاعی و هم برای سازمان‌های دولتی که قوانین مربوط به بازاریابی را تدوین می‌کنند، کاربرد دارد (امیرحسینی و همکاران، ۱۳۹۶). پس از دهه ۱۹۵۰، بهره‌گیری ورزش از رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون، سبب اقبال بی‌سابقه نمونه از ورزش شد. در نتیجه، ورزش به‌عنوان کسب و کار بخشی از نمونه رواج یافت. کسب و کار ورزش، نیازمند مجموعه‌ای از ملازمات سازمانی، حقوقی و اجرایی بود. در برخی جوامع، این ملازمات فراهم و ورزش به یک صنعت بدل شد. از این‌رو، سهم ورزش در برخی ملل به حدود ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص ملی رسید. این دستاوردها سبب شده است که برخی کشورها به توسعه ورزش از منظر توسعه یک صنعت می‌نگرند و به آن به‌عنوان وسیله‌ای برای رونق اقتصادی امید دارند (سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران). امروزه ورزش از انجام فعالیت بدنی صرف فراتر رفته و در کشورهای مختلف، بسیار توسعه یافته است؛ چنان‌که ورزش در بیشتر کشورها همچون تجارت و صنعت به شمار می‌رود و دولت‌مردان در کشورهای پیشرفته ورزش را یک تجارت و صنعت مهم در کنار سایر صنایع به حساب می‌آورند. ورزش حرفه‌ای به‌عنوان یکی از حیطه‌های متنوع و گوناگون ورزش امروزی، نقش بسزایی در پیشبرد صنعت ورزش داشته است؛ به‌طوری که عنایت به ورزش حرفه‌ای، کمک شایان و قابل توجهی به اقتصاد بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کرده است (الهی و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه صنعت ۱۵۲ میلیارد دلاری ورزش در آمریکا، با رشد ۵۰ درصدی در طول

1 Andreff et al.

2 Sandip

یک دهه و اشتغال ۲۴۰۰۰ نفر به طور مستقیم و ۴/۵ میلیون نفر به طور غیرمستقیم، به عنوان یکی از ۱۰ صنعت برتر در ایالات متحده آمریکا، به سرعت در حال رشد است (معماری، ۱۳۸۷).

شیلبری، فرکینز و هیتکسون^۱ (۲۰۱۳) اشاره کردند که در بیست سال اخیر عمده مطالعات در زمینه ورزش فهرمانی، تماشاگران و طرفداران با تفریحات بوده است و کمتر ورزش، به عنوان فرصتی برای درگیری و مشارکت مردم در توده های شرکت کننده و رفتار مصرفی آن ها مطالعه شده است. این تمرکز بر مشارکت افراد، فرصت هایی را برای مدیران و محققان فراهم می سازد تا با توجه به افزایش شیوع مشکلات ناشی از بی تحرکی، نسبت به چگونگی افزایش مشارکت در فعالیت بدنی ملاحظات بیشتری انجام دهند (دورسج و همکاران^۲، ۲۰۱۶). بر اساس تعریف، مصرف کننده شخص یا سازمانی است که خرید کالاها و خدمات را به صورت تکراری یا غیرتکراری انجام می دهد یا از آن ها استفاده می کند، مانند خریدن کتاب و لباس، تهیه بلیت یک مسابقه ورزشی، رفتن به سینما یا باشگاه ورزشی، خریدن روزنامه یا بازدید از صفحات اینترنت. بر اساس تعریف بالا، مصرف کننده فرد یا سازمانی است که برای مصرف یا تملک شخصی کالاها و خدمات را خریداری می کند. مصرف کنندگان ورزشی هسته اصلی بازاریابی ورزشی را تشکیل می دهند، چراکه پایه اصلی علم بازاریابی و رفتار مصرف کننده بر شناخت مصرف کنندگان و توانایی فراهم ساختن رضایت آنان بنا شده است (ایمه و همکاران^۳، ۲۰۱۵).

اما بر طبق نظر آیزن در نظریه رفتار برنامه ریزی شده، مهم ترین تعیین کننده رفتار مصرفی، قصد رفتاری است و هر قدر قصد رفتاری بیشتر شود، امکان بروز رفتار بیشتر می گردد. بنابراین قصد رفتاری اگر به دقت مورد بررسی قرار گیرد، می تواند به تعیین رفتارهای مصرف کنندگان در آینده بپردازد. نویسندگان نیاز به تحقیقات بیشتر را مطرح کرده اند و در نهایت جیمز و تریل^۴ (۲۰۰۸) مقیاس ۴ عاملی را برای تعیین قصد رفتاری استفاده می کنند.

خرید به عنوان یک بعد مشخص و فراگیر سبک زندگی مصرف کننده، یک پدیده شایع در بازار است و به همین دلیل در کانون توجه فعالیت های بازاریابی قرار گرفته است (روک و گاردنر^۵، ۱۹۹۳). در واقع رفتار خرید به عنوان یک موضوع مهم در حوزه تحقیقات مصرف کننده شناخته شده است درک کامل تر ماهیت خرید و عوامل مؤثر بر آن، نشانه ها و اطلاعاتی را برای خرده فروشان، تجار، آگهی دهندگان، بازاریابان و حتی مصرف کنندگان درباره متغیرهایی که انگیزه و رفتار خرید خریداران را تحت تأثیر قرار می دهند، فراهم می آورد (لیت کلی^۶، ۲۰۰۲).

مجموعه ای از تحقیقات بر عوامل تأثیرگذار بر رفتار مصرف کننده در کشورها، جوامع و فرهنگ های مختلف پرداخته اند. گاهی اوقات، تمایز از طریق یک حوزه جغرافیایی کوچک تر از مرزهای کشوری مشخص می گردد. گروه های اجتماعی مورد تأیید یک فرد باعث شکل گیری عوامل لازم برای تصمیم خرید می گردند. رضایت و وفاداری مشتری دو عامل فردی هستند که بر رفتار مصرف کننده تأثیر می گذارند. تأثیرات این دو فاکتور بر انتخاب خدمات آنلاین و آفلاین مورد توجه شانکار و همکارانش^۷ (۲۰۰۳) قرار گرفت؛ یافته های این تحقیق نشان می دهد که سطوح رضایت مشتری از خدمات آنلاین مشابه با خدمات آفلاین است. هرچند، وفاداری به ارائه دهنده خدمات در مورد آنلاین بیشتر است. به نظر می رسد که رابطه ای دوطرفه بین رضایت و وفاداری مشتری وجود دارد؛ به طوری که افزایش در رضایت مشتری باعث تقویت مثبت وفاداری وی

1 Schilburry, Farkins and Heatxon
2 Dorsch et al.
3 Emma et al.
4 James and Trail
5 Rouk & Ghurdner
6 Leigh Coley
7 Shankar et al.

طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی

می‌گردد و برعکس. این رابطه دوجانبه در خدمات آنلاین قدرتمندتر است. تأثیرات قدرتمندتر انتخاب‌های آنلاین ظاهراً به علت راحت بودن دسترسی به اطلاعات آنلاین است تا اطلاعات آفلاین. فاکتورهای روان‌شناسی شامل سطح اعتماد مشتری نسبت به مالک فروشگاه یا مسئول فروش محصول می‌گردد (شانکار و همکاران، ۲۰۰۳)

دولت‌ها می‌توانند بر اساس اولویت‌های مصرفی زنان، الگوهای پایدارتر مصرفی را بنا کنند و اقتصاد و جامعه را بهره‌مند سازند. تصمیمات مصرفی زنان در مورد غذا، لباس، دارو، کالاهای خانگی، آموزش و غیره در دستیابی به رفاه خانواده و تأثیرات اکولوژیکی مرتبط با آن، کلیدی است. ما به درک بهتر رفتارهای مصرفی زنان و مردان نیاز داریم و همچنین به فهم بهتر تأثیراتی که زنان می‌توانند بر رفتار مصرفی مردان در خانواده داشته باشند. ابتکاراتی که می‌توانند مصرف پایدار را در محصولات خاص مانند انرژی و حمل و نقل تشویق کنند، باید به سمت سبک زندگی، نگرش‌ها و تمایلات گروه‌های مصرف‌کنندگان جهت داده شوند (ریاحی، ۱۳۹۲). تحقیقات نشان داده که زنان از دخالت دولتی در بازار برای رقم زدن رفتار مصرفی پایدار حمایت می‌کنند. آن‌ها از ایجاد محدودیت بر روی کالاهای ناپایدار، قیمت‌های کمتر برای کالاهای دوستدار محیط‌زیست و برچسب زنی بر روی کالاها برای متمایز کردن موادی که به لحاظ زیست‌محیطی و اجتماعی پایدارتر تولید شده‌اند، حمایت می‌کنند. زنان در خانه از سیاست‌های دولتی برای مصرف سبزتر انرژی تبعیت می‌کنند و به رفتارهای هم‌جهت با بازیافت گرایش دارند (ون، ۲۰۰۷). معمولاً هر مصرف‌کننده در روز خریدهای زیادی می‌کند و در این باره تصمیمات متعددی می‌گیرد. بیشتر سازمان‌هایی که درباره رفتار خرید مصرف‌کننده به تحقیق می‌پردازند، می‌کوشند درباره آنچه مصرف‌کنندگان می‌خرند، شیوه و تعداد خرید، مکان خرید و علت خرید پاسخ‌های مناسبی بیابند. بنابراین پژوهشگر به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است:

چه ابعاد، مؤلفه و شاخص‌هایی بر مصرف بانوان در حوزه کالاهای ورزشی وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق ترکیبی از دو نوع تحقیق اکتشافی و تبیینی بوده و به همین سبب از روش ترکیبی کیفی- کمی در آن بهره برده است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش با توجه به ماهیت و اهداف تحقیق و به لحاظ ویژگی در نحوه جمع‌آوری اطلاعات پیرامون موضوع مورد نظر، به شکل آمیخته بوده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل ۱۵ نفر از خبرگان (شامل کارشناسان و متخصصان رشته‌های مدیریت، بازاریابی و مدیریت ورزشی) و در بخش کمی، مشارکت‌کنندگان در تحقیق بانوان ورزشکار قهرمان (قهرمانی مسابقات در رده‌های ملی) به تعداد ۳۶۰ نفر بودند. در روش جمع‌آوری اطلاعات در مرحله کیفی علاوه بر رجوع به ادبیات و مبانی نظری موجود، از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و در مرحله کمی از روش نظرخواهی و میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. محقق بر آن بود تا با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با خبرگان به شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گرها، راهبردها و پیامدها و در نهایت ارائه الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی بپردازد و با بهره‌مندی از ابزار پرسشنامه، از نظرات و دیدگاه‌های آزمودنی‌ها پیرامون اعتبار مدل پیشنهادی ارائه الگوی مصرفی بانوان در ورزش آگاهی یابد. در بخش کیفی در حین مراحل کدگذاری سه‌گانه، ابزار تحلیلی پارادایم مطابق مدل اشتراوس و کوربین، استفاده گردید و به‌منظور تأیید علمی پژوهش، از دو ابزار بازرسی خارجی (صاحب‌نظران) و اعتبارسنجی توسط مشارکت‌کنندگان بهره‌گیری شد. در بخش کمی از پرسشنامه محقق‌ساخته و به‌منظور بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS۲۲ و AMOS استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

در این جا به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به سؤالات و اهداف تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی پرداخته می شود. برای آشنایی بیشتر با ماهیت متغیرهای تحقیق و شناسایی الگوهای حاکم بر داده‌ها، ابتدا نتایج آنالیز توصیفی بررسی می گردد. ۳۶۰ نفر از بانوان ورزشکار استان قزوین به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. نتایج خصوصیات سنی زنان نشان داد بیشترین تعداد مربوط به گروه رده سنی کمتر از ۲۰ سال و کمترین تعداد مربوط به گروه رده سنی ۵۰ سال و بیشتر بوده است. در بخش تأهل، بیشترین تعداد مربوط به گروه متأهل و کمترین تعداد مربوط به گروه مجرد بوده است. در بخش تحصیلات بیشترین تعداد مربوط به گروه دیپلم و کمترین تعداد مربوط به گروه دکترا بوده است و در نهایت بیشترین تعداد مربوط به گروه دارای سابقه ورزشی بین ۶ تا ۱۰ سال و کمترین تعداد مربوط به گروه دارای سابقه ورزشی بیشتر از ۲۵ سال بوده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش

متغیر	آیتم	تعداد	درصد
سن	کمتر از ۲۰ سال	۱۰۸	۳۰/۰
	بین ۲۰ تا ۲۹ سال	۹۴	۳۶/۱۱
	بین ۳۰ تا ۳۹ سال	۹۲	۲۵/۵۵
	بین ۴۰ تا ۴۹ سال	۴۴	۱۲/۲۲
تأهل	۵۰ سال و بیشتر	۲۲	۶/۱۲
	مجرد	۱۰۱	۲۸/۱
	متأهل	۲۵۹	۷۱/۹
	زیر دیپلم	۶۲	۱۷/۲
تحصیلات	دیپلم	۱۱۱	۳۰/۸
	فوق دیپلم	۵۶	۱۵/۵
	لیسانس	۷۹	۲۱/۹
	فوق لیسانس	۴۱	۱۱/۴
سابقه ورزشی	دکترا	۱۱	۳/۲
	بین ۱ تا ۵ سال	۶۱	۱۶/۹
	بین ۶ تا ۱۰ سال	۸۶	۲۳/۸
	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۶۹	۱۹/۱
	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۷۴	۲۰/۵
	بین ۲۱ تا ۲۵ سال	۴۹	۱۳/۶
	بیشتر از ۲۵ سال	۲۱	۶/۱

جدول ۲: کدگذاری باز و محوری

کدگذاری باز مفاهیم مستخرج	کدگذاری محوری	کد (مصاحبه شونده)
۱. سطح درآمد مصرف کننده	فردی	Q1, Q2, Q4, Q6, Q7, Q9, Q10, Q12, Q14
۲. جنسیت مصرف کننده		Q4, Q5, Q6, Q12, Q13, Q14
۳. سن مصرف کننده		Q1, Q2, Q3, Q4, Q6, Q9, Q10, Q13

۴. سطح تحصيلات مصرف‌کننده	Q2, Q4, Q5, Q8, Q9, Q10, Q11, Q13, Q14	
۵. میزان اعتقادات مذهبی	Q3, Q4, Q5, Q6, Q10, Q12, Q13	
۶. سطح فرهنگي مصرف‌کننده	Q1, Q5, Q7, Q8, Q9, Q11, Q13	فرهنگي
۷. محیط زندگي مصرف‌کننده	Q1, Q4, Q5, Q7, Q11, Q13, Q14	
۸. سطح خانوادگي	Q1, Q2, Q3, Q4, Q5, Q6, Q9, Q10, Q11, Q12, Q13	
۹. وجود گروه‌های مرجع	Q5, Q7, Q8, Q9, Q11, Q13, Q14	اجتماعي
۱۰. طبقه اجتماعي مصرف‌کننده	Q1, Q2, Q4, Q6, Q7, Q9, Q10, Q12, Q14	
۱۱. دیدگاه رهبران آینده	Q4, Q5, Q6, Q12, Q13, Q14	
۱۲. نگرش مصرف‌کننده	Q1, Q2, Q3, Q4, Q6, Q9, Q10, Q13	
۱۳. میزان هیجانات موجود در مصرف‌کننده	Q2, Q4, Q5, Q8, Q9, Q10, Q11, Q13, Q14	
۱۴. میزان انگیزش مصرف‌کننده	Q1, Q5, Q7, Q8, Q9, Q11, Q13	
۱۵. میزان درک مصرف‌کننده	Q2, Q4, Q5, Q8, Q9, Q10, Q11, Q13, Q14	
۱۶. نوع شخصیت مصرف‌کننده	Q3, Q4, Q5, Q6, Q10, Q12, Q13	رواني
۱۷. میزان تجربیات گذشته	Q1, Q5, Q7, Q8, Q9, Q11, Q13	
۱۸. قیمت محصول	Q4, Q5, Q6, Q7, Q8, Q11, Q12	
۱۹. نوع محصول ارائه شده	Q1, Q2, Q3, Q4, Q5, Q6, Q7, Q8, Q9, Q10, Q11, Q12, Q13, Q14	
۲۰. مجازي توزیع کالا	Q3, Q5, Q6, Q8, Q9, Q12, Q14	
۲۱. نوع و میزان تبلیغات محصول	Q3, Q4, Q5, Q6, Q8, Q10, Q11, Q13	آمیخته
۲۲. نوع و شخصیت برند و محصول	Q2, Q5, Q6, Q9, Q11, Q12, Q13	بازاریابی
۲۳. کیفیت خدمات در محصولات ارائه شده	Q2, Q4, Q5, Q8, Q9, Q10, Q11, Q13, Q14	

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری، به استخراج ۵ بُعد از ۲۳ مفهوم منجر شده است:

- بعد فردی: استخراج شده از ۴ مفهوم

- بعد فرهنگی: استخراج شده از ۳ مفهوم

- بعد اجتماعی: استخراج شده از ۴ مفهوم

- بعد روانی: استخراج شده از ۶ مفهوم

- بعد آمیخته بازاریابی: استخراج شده از ۶ مفهوم (شکل ۱).

جدول ۳: آزمون نرمال بودن داده‌ها

نتیجه	کلموگروف - اسمیرنوف			آزمون چولگی و کشیدگی	
	مؤلفه	k-s	Sig	کجی	کشیدگی
فردی	۰/۱۵۴	۰/۱۳۰	۰/۳۸۳	-۱/۰۹۶	۰/۰۵ > P و نرمال است.
فرهنگی	۰/۱۰۶	۰/۰۹۰	۰/۰۵۲	-۰/۹۷۶	۰/۰۵ > P و نرمال است.
اجتماعی	۰/۰۷۸	۰/۳۶۹	-۰/۱۸۹	-۰/۸۳۳	۰/۰۵ > P و نرمال است.
روانی	۰/۱۳۴	۰/۱۱۶	-۰/۸۶۵	-۰/۱۳۰	۰/۰۵ > P و نرمال است.
آمیخته بازاریابی	۰/۱۱۸	۰/۱۲۳	-۰/۵۹۶	-۰/۳۶	۰/۰۵ > P و نرمال است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری‌های به‌دست‌آمده در همه مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان H_0 را پذیرفت و بیان داشت که داده‌های تحقیق از ویژگی نرمال تبعیت می‌کند و باید از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده کرد. با انجام تحلیل عاملی روی ۲۳ مؤلفه شناسایی شده، ۵ عامل به‌عنوان ابعاد الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی شناسایی و با توجه به ادبیات موضوع نام‌گذاری شدند که شرح آن‌ها در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۴: ابعاد شناسایی شده برای الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی و مؤلفه‌های بار شده بر آن‌ها

ابعاد الگوی مصرفی بانوان	مؤلفه‌های الگوی مصرفی
۱. فردی	سطح درآمد مصرف‌کننده
	جنسیت مصرف‌کننده
	سن مصرف‌کننده
۲. فرهنگی	سطح تحصیلات مصرف‌کننده
	میزان اعتقادات مذهبی
	سطح فرهنگی مصرف‌کننده
۳. اجتماعی	محیط زندگی مصرف‌کننده
	سطح خانوادگی
	وجود گروه‌های مرجع
	طبقه اجتماعی مصرف‌کننده
	دیدگاه رهبران آینده
۴. روانی	نگرش مصرف‌کننده
	میزان هیجانات موجود در مصرف‌کننده
	میزان انگیزش مصرف‌کننده
	میزان درک مصرف‌کننده
	نوع شخصیت مصرف‌کننده
۵. آمیخته بازاریابی	میزان تجربیات گذشته
	قیمت محصول
	نوع محصول ارائه شده
	مجاری توزیع کالا
	نوع و میزان تبلیغات محصول
نوع و شخصیت برند و محصول	
کیفیت خدمات در محصولات ارائه شده	

با توجه به ادبیات موضوع، مصاحبه‌ها و همچنین نتایج تحلیل اکتشافی مؤلفه شناسایی و استخراج شد که برای تعیین ساختار عاملی و تأیید روایی هریک این متغیرها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. در ادامه نتایج تحلیل عاملی تأییدی به تفکیک ابعاد ارائه می‌شود:

طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی

جدول ۵: بارعاملی متغیرهای پژوهش

نتیجه	P-value	R ²	مقدار t	بار عاملی استاندارد شده	شماره شاخص (متغیر آشکار)	بعد (متغیر پنهان ۱)
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۳۳	۹/۱۹	۰/۵۷	۱. سطح درآمد مصرف کننده	سبک زندگی
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۴۱	۱۰/۵۲	۰/۶۴	۲. جنسیت مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۵۰	۱۱/۹۹	۰/۷۱	۳. سن مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۶۹	۱۴/۸۷	۰/۸۳	۴. سطح تحصیلات مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۱۹	۶/۷۲	۰/۴۴	۵. میزان اعتقادات مذهبی	فرهنگ
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۲۸	۸/۳۵	۰/۵۰	۶. سطح فرهنگی مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۷۰	۱۵/۹۰	۰/۸۴	۷. محیط زندگی مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۷۱	۱۶/۰۵	۰/۸۵	۸. سطح خانوادگی	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۷۸	۱۷/۲۰	۰/۸۸	۹. وجود گروه های مرجع	سبک زندگی
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۱۹	۷/۰۱	۰/۴۴	۱۰. طبقه اجتماعی مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۴۲	۱۰/۹۹	۰/۶۵	۱۱. دیدگاه رهبران آینده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۶۳	۱۴/۵۵	۰/۸۰	۱۲. نگرش مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۶۴	۱۴/۶۳	۰/۸۱	۱۳. میزان هیجانات موجود در مصرف کننده	سبک زندگی
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۲۷	۹/۱۴	۰/۵۳	۱۴. میزان انگیزش مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۲۲	۷/۳۸	۰/۴۶	۱۵. میزان درک مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۶۰	۱۴/۰۲	۰/۷۸	۱۶. نوع شخصیت مصرف کننده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۱۴	۵/۸۹	۰/۳۸	۱۷. میزان تجربیات گذشته	سبک زندگی
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۵۲	۱۲/۳۷	۰/۷۲	۱۸. قیمت محصول	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۶۴	۱۴/۲۹	۰/۸۰	۱۹. نوع محصول ارائه شده	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۴۲	۱۰/۷۷	۰/۶۵	۲۰. مجازی توزیع کالا	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۲۴	۷/۷۴	۰/۴۹	۲۱. نوع و میزان تبلیغات محصول	سبک زندگی
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۳۴	۹/۴۸	۰/۵۸	۲۲. نوع و شخصیت برند و محصول	
معنادار	< ۰/۰۵	۰/۲۰	۷/۲۱	۰/۵۵	کیفیت خدمات در محصولات ارائه شده	

همان طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، مدل پژوهش دارای ۵ بعد و ۲۳ شاخص است که بار عاملی تمام

ابعاد و مؤلفه ها و شاخص های آنها بیشتر از ۰/۳ و در حد قابل قبولی قرار دارد. مقادیر آماره آبه دست آمده نیز در تمام مسیرها

بزرگ تر از ۱/۹۶ است. بنابراین می توان گفت ارتباط معناداری بین هر بعد و مؤلفه با شاخص های مرتبط به آن وجود دارد.

جدول ۶: شاخص های برازش مدل

نام شاخص	مقدار شاخص محاسبه شده	سطح قابل قبول	نتیجه برازش
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۷۴	< ۰/۰۸	عالی
نسبت کای اسکور به درجه آزادی (X ² / df)	۲/۲۴	< ۵	عالی
(۳۴۵۶۸۷ / ۱۵۳۸)			
نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۲	> ۰/۹۰	عالی
نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۶	> ۰/۸۰	عالی

برازش هنجار یافته (NFI)	۰/۹۳	>۰/۹۰	عالی
برازش هنجار نیافته (NNFI)	۰/۹۳	>۰/۹۰	عالی
برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۰	>۰/۹۰	عالی
برازش افزایش (IFI)	۰/۹۰	>۰/۹۰	عالی
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)	۰/۰۳۹	<۰/۰۵	عالی

همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده است، مقدار مجذور کای با درجه آزادی $df=1538$ برای این مدل $3456/87$ و $X^2=$ سطح معنی داری آن $0/000$ برآورد شده که در سطح $0/05$ معنی دار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی مربوطه برابر با $2/24$ به دست آمده است که این مقدار منطبق با سطح قابل قبول (کمتر از ۵) می باشد و نشان دهنده برازش قابل قبولی برای مدل است. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برای مدل های خوب $0/05$ است. در صورتی که بین $0/05$ تا $0/08$ باشد، برازش قابل قبول، اگر بین $0/08$ تا $0/1$ باشد، برازش متوسط است و مدلی که در آن این شاخص از $0/1$ بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. این شاخص در مدل ارائه شده برابر با $0/074$ محاسبه شده که نشان می دهد مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR) برای این مدل $0/039$ محاسبه شده است که مقدار کوچک تر از $0/05$ نشان از تبیین نسبتاً مناسب کوواریانس ها دارد. سایر شاخص ها همچون نیکویی برازش (GFI)، برازش هنجار یافته (NFI)، برازش هنجار نیافته (NNFI) برازش تطبیقی (CFI) و برازش افزایش (IFI) نیز بایستی بیشتر از $0/90$ و در مورد شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) بیشتر از $0/80$ بودند که در مدل تحقیق این شروط نیز رعایت شده و میزان آن ها به ترتیب برابر با $0/92$ ، $0/93$ ، $0/93$ ، $0/90$ ، $0/90$ ، $0/86$ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مقادیر به دست آمده در شاخص های برازش مدل در کل ابعاد و مؤلفه ها و شاخص ها (تعداد ۲ بعد و ۱۴ مؤلفه و ۷۴ شاخص) مطابق با استانداردهای قابل قبول است و می توان با اطمینان اظهار نمود که مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است و داده های تجربی در اصطلاح به خوبی با آن منطبق می باشند.

طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی



بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی (مطالعه موردی: بانوان ورزشکار استان قزوین) انجام پذیرفت. یافته‌ها نشان داد نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری، به استخراج ۵ بُعد از ۲۳ مفهوم منجر شده که هر یک از این ابعاد عبارت‌اند از: بعد فردی: استخراج شده از ۴ مفهوم - بعد فرهنگی: استخراج شده از ۳ مفهوم - بعد اجتماعی: استخراج شده از ۴ مفهوم - بعد روانی: استخراج شده از ۶ مفهوم - بعد آمیخته بازاریابی: استخراج شده از ۶ مفهوم. در نهایت نتایج حاصل از تحلیل عاملی پاسخ‌های ۳۶۰ نفر از نمونه مورد مطالعه نشانگر ۵ مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی از بین ۲۳ شاخص بود و ۶۹/۸۷۴ درصد کل واریانس توسط این ۱۳ مؤلفه تبیین می‌شود. مدل پژوهش دارای ۵ بُعد و ۲۳ شاخص است که بار عاملی تمام ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها بیشتر از ۰/۳ و در حد قابل قبولی قرار دارد. مقادیر آماره t به‌دست آمده نیز در تمام مسیرها بزرگتر از ۱/۹۶ بود. بنابراین می‌توان گفت ارتباط معناداری بین هر بُعد و مؤلفه با شاخص‌های مرتبط به آن وجود دارد.

در نهایت با توجه مقدار مجذور کای با درجه آزادی ۱۵۳۸ $df=$ برای این مدل $2X 3456/87$ و سطح معنی‌داری $0/000$ برآورد شده که در سطح $0/05$ معنی‌دار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی مربوطه برابر با $2/24$ به‌دست آمده

است که این مقدار منطبق با سطح قابل قبول (کمتر از ۵) می‌باشد و نشان دهنده این است که شاخص‌های برازش مدل در کل ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها (تعداد ۵ بعد - فردی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و آمیخته بازاریابی - و ۲۳ شاخص) مطابق با استانداردهای قابل قبول است و می‌توان با اطمینان اظهار نمود که مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است و داده‌های تجربی در اصطلاح به خوبی با آن منطبق می‌باشند. نتایج به دست آمده از این تحقیق با نتایج تحقیقات خارجی هپ، اسکول - گریزمان، پیتز و اچنیتز (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «بینش تجربه مشتری در فروشگاه‌های خرده‌فروشی ورزشی» انجام دادند، همسوست. نتایج حاکی از آن است که تجربه مشتری در فروشگاه تأثیر قابل توجهی در رضایت مشتری از خرده‌فروش ورزشی و میزان تمایل آن‌ها به توصیه فروشگاه به دوستان خود دارد که به‌نوبه خود تحت تأثیر رضایت مشتری از خرده‌فروش است. چاران و نیشانت (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «مطالعه رفتار مشتری نسبت به خرید پوشاک ورزشی» به این نتیجه رسیدند که یافته‌ها الگوی خرید مصرف‌کنندگان ورزشی را نشان می‌دهد که به‌نوبه خود به بازاریابان و خرده‌فروشان کمک می‌کند تا راهبردهای بازاریابی و همچنین ترکیب بازاریابی را جذب و جذب کنند. ویشنگ چپو، تچو کیم و دووون وون (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی قصد مصرف‌کنندگان خرید اینترنتی وسایل ورزشی کاربردی از مدل رفتار هدفمند ایچ» نشان دادند که نگرش، هنجار ذهنی، احساسات مثبت و منفی پیش‌بینی شده تأثیر مهمی در تمایل مصرف‌کنندگان به خرید اینترنتی کالاهای ورزشی دارد. یی و سیدک (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای دریافتند که نام برند، کیفیت محصول، قیمت، ترویج، تنوع محصول، کیفیت خدمات و محیط فروشگاه بر رفتار خرید مصرف‌کنندگان پوشاک ورزشی تأثیر گذارند و لی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اثرگذار بر قصد خرید کالاهای تیم ورزشی» به این نتیجه رسیدند که قصد خرید کالای تیم ورزشی به‌طور معنی‌داری با ارزش‌های فردی، هویت تیمی، نگرش نسبت به محصول برند، شهرت و نشان محصول، توقعات و خریدهای قبلی و رضایت خاطری افراد ارتباط دارد.

از میان تحقیقات داخلی، احمد تاری وردی و همکاران (۱۳۹۷) چهار عامل ۱- ترویج، ۲- قیمت، ۳- مکان و ۴- محصول را از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری مشتریان ورزشی با رویکرد آمیخته بازاریابی می‌دانند. عادل افکار (۱۳۹۶) اظهار می‌دارد نگرش نسبت به کالا تأثیر مثبت و معناداری بر قصد خرید مصرف‌کنندگان ورزشی دارد. جماعت و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که آمیخته بازاریابی، عوامل روان‌شناختی و عوامل محیطی تأثیر مثبت معناداری بر رفتار مصرف ورزش همگانی دارند. عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۶) عوامل مربوط به آمیخته بازاریابی، عوامل شخصی، عوامل روانی، عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی را از عوامل مؤثر بر رفتار مصرف‌کنندگان محصولات ورزشی می‌دانند. محمدیان و کریمی (۱۳۹۵)، درویشی و همکاران (۱۳۹۴)، نجف زاده و همکاران (۱۳۹۴) و بهنام و طوسی (۱۳۹۴) در تحقیقی ابراز داشتند که نگرش به تبلیغ اثر مستقیم مثبتی بر قصد آینده مصرف‌کننده دارد. همچنین، انگیزتگی بر قصد آینده مصرف‌کننده تأثیر غیرمستقیم قوی‌ای دارد. بر اساس نتایج این پژوهش، برای ایجاد رفتارهای خرید مثبت در مصرف‌کنندگان خدمات ورزشی، فهم انگیزتگی، لذت و نگرش مصرف‌کننده به تبلیغ توسط بازاریابان و مدیران ضروری است.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت رفتار مصرف‌کننده نقش‌های مختلفی را در برمی‌گیرد: مصرف‌کننده می‌تواند در زمان‌های مختلف حداقل هر یک از سه نقش تأثیرگذار، خریدار و مصرف‌کننده را ایفا کند. همچنین رفتار مصرف‌کننده تحت تأثیر عوامل خارجی زیادی مانند طبقات اجتماعی و عوامل اجتماعی قرار دارد که این تأثیرات می‌تواند کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت باشد. از این‌رو، رفتار مصرف‌کننده تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز قرار می‌گیرد. این عوامل اجتماعی از گروه‌های کوچک، افراد خانواده و جایگاه و نقش اجتماعی مصرف‌کننده تشکیل می‌شوند. شرکت‌ها باید هنگام تدوین خط‌مشی‌های بازاریابی خود این عوامل را دقیقاً مدنظر قرار دهند، زیرا این عوامل به‌شدت بر واکنش‌های مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارند.

طراحی الگوی مصرفی بانوان در حوزه کالاهای ورزشی

صنعت ورزش، بخش‌هایی مانند کالاهای ورزشی، بازاریابی، سرپرستی اجرا و حمایت مالی، ورزش‌های حرفه‌ای، پوشاک ورزشی، رسانه‌های ورزشی و ورزش‌های تفریحی را در برمی‌گیرد. صنعت سلامت به‌عنوان یکی از صنایع مرتبط با ورزش مورد ملاحظه بوده و تجارت ناشی از مشارکت در فعالیت بدنی شامل تولیدات، آموزش، کالاها و خدمات است. باید خاطرنشان کرد که خدمات ارائه شده در بخش سلامتی و تندرستی و مصرف محصولات آن به‌عنوان یک صنعت مشخص و متمایز مورد نظر قرار گرفته است. از این‌رو، مدیران ورزشی باید اهتمام خویش را در کسب رضایت مشتریان و ارائه خدمات کیفی به کار گیرند. هرچه خدمات کیفی و ویژه بهبود یابد، بر میزان رفتار مشتریان کالاهای ورزشی تأثیر بیشتری می‌گذارد. لذا با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود قوانین و مقررات مناسب برای اصلاح الگوی مصرف و هدایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به سمت الگوی مصرف بهینه وضع و تقویت شود. با استفاده از ابزارهای مختلف (رسانه‌های عمومی) الگوهای مصرف بهینه بانوان در حوزه کالاهای ورزشی تبلیغ گردد. به‌منظور شناسایی قابلیت‌ها و کیفیت مورد نیاز کالاهای ورزشی برای الگوی مصرفی بانوان، وجود مشوق‌های لازم برای بانوان ورزشکار مصرف‌کننده کالای ورزشی نیازسنجی شود و همچنین شعارهای الگوی مصرفی اسلامی در حوزه کالاهای ورزشی برای بانوان بر اساس برنامه و واقعیت اجرایی شود. در نهایت به محققان آتی نیز پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه این پژوهش به ورزشکاران بانوی استان قزوین محدود شده است، پژوهش‌های مشابه در سایر شهرها و استان‌ها حتی بدون توجه به جنسیت اجرا و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود وضعیت موجود و مطلوب الگوی مصرف کالاهای ورزشی در سایر استان‌ها و در بین تمامی ورزشکاران زن و مرد- حتی حرفه‌ای و آماتور- هم بررسی و با نتایج این پژوهش مقایسه گردد.

منابع

- ابراهیمی، عبدالرحیم. (۱۳۹۲). «شناختی از هشت الگوی بازاریابی». مطالعات بهبود مدیریت و تحول. ۳، ۱۲، صص ۶۹-۸۳.
- امیرحسینی، سید احسان؛ روشنی، فاطمه و فتحی، فریبرز. (۱۳۹۶). «تأثیر سردرگمی مصرف‌کننده بر تعویق تصمیم‌گیری و وفاداری به برند پوشاک ورزشی». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۳، صص ۸۷-۱۰۰.
- امیرشاهی، میر احمد؛ حیدر زاده، کامبیز و دبستانی، فاطمه. (۱۳۹۰). «تأثیر نوگرایی مصرف‌کنندگان بر سبک‌های تصمیم‌گیری خرید». دو فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین. ۱، ۱، صص ۱-۲۶.
- جهان‌دیده، محمدعلی؛ حسینی، سید عماد و رضائی‌نژاد، رحیم. (۱۳۹۴). «بررسی سبک‌های تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان لوازم ورزشی». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۵، صص ۱۰.
- درینی، ولی محمد؛ تابان، محمد؛ نامدار جویمی، احسان و احمدی، علیرضا. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه تصویر ذهنی مشتری از فروشگاه‌های ورزشی با ارزش خرید مشتری (مورد مطالعه: فروشگاه‌های لوازم ورزشی در شهر ایلام)». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۴، صص ۸۷-۹۹.
- روستا، احمد؛ ونوس، داور و ابراهیمی، عبدالحمید. (۱۳۹۰). مدیریت بازاریابی. تهران: انتشارات سمت
- ریاحی، اکبر. (۱۳۹۲). «بررسی سبک‌های تصمیم‌گیری مشتریان زن تحصیل‌کرده جوان، هنگام خرید محصولات شوینده و پاک‌کننده بر اساس مدل اسپرولز و کندال (مطالعه موردی: فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه منطقه غرب تهران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
- سالاری نهند ابراهیم؛ مغنی، حیدر و کاظمی، مصطفی. (۱۳۹۴). «نقش یادگیری در رفتار مصرف‌کننده، با تأکید بر روش شرطی‌سازی کلاسیک: یک مطالعه مروری». دومین کنفرانس ملی تحقیقات بازاریابی. تهران، موسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
- سلطانی نژاد، نیما؛ حقیقی، محمد؛ خنیفر، احسان و سلطانی نژاد، اسماء. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر ابعاد تبلیغات کلامی بر ترجیح خرید دانشجویان: نقش تعدیل‌گر نوگرایی مصرف‌کننده (مطالعه موردی: محصولات گوشی تلفن همراه شرکت سونی)». فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین. ۴، ۴، صص ۲۱-۴۲.
- سید صالحی، سید علیرضا و کاظمی، مهناز. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر رفتار انتخابی مصرف‌کننده با توجه به محصولات سبز مبتنی بر تئوری ارزش مصرف». مجله مدیریت بازاریابی. ۲۶.
- صالحی، علی. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین فرهنگ و رفتار مصرف‌کننده». پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۵ شماره ۲۵.
- صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۴). روانشناسی تغییر نگرش و رفتار مصرف‌کنندگان انرژی. تهران: انتشارات آگاه

- طباطبائی نسب، محمد و ارجمند، خدیجه. (۱۳۹۳). «خوشه‌بندی مشتریان بر اساس سبک خرید و ارتباط آن با ابعاد نوجویی ذاتی و ابعاد شخصیتی نو». مدیریت بازرگانی. ۶، ۲، صص ۳۳۷-۳۵۸.
- عابدین نسب، حامد. (۱۳۹۴). «تأثیر نوگرایی مصرف‌کنندگان محصولات سالم و ارگانیک بر سبک‌های تصمیم‌گیری خرید (مطالعه موردی: فروشگاه خانه به خانه)». دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
- عبدالملی، حسین؛ میرزاده، زهراسادات و علی دوست قهقرخی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر رفتار مصرف‌کنندگان محصولات ورزشی با استفاده از AHP». مدیریت ورزشی. ۳، صص ۴۷۱-۴۸۸.
- عسگر حلوی، علی. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم خرید مشتریان فروشگاه‌های زنجیره‌ای سپه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی.
- قاسمی نژاد، یاسر و شاه میری، فرهاد. (۱۳۹۲). «ارائه چارچوب مفهومی برای انتخاب ایده محصول جدید نوآورانه». فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد. ۹، ص ۳۴.
- محسنین، شهریار. (۱۳۹۴). «بررسی سبک‌های تصمیم‌گیری مشتریان در خرید محصولات لوازم‌خانگی». چشم‌انداز مدیریت بازرگانی. ۳، ص ۲.
- مرادی، طاهره و سیافی شریفی، سیدعلی. (۱۳۹۵). «محصول، تولید کالا، کیفیت و رضایتمندی مشتریان، بازاریابی آمیخته در رقابت بازاریابی». کنفرانس بین‌المللی مدیریت تغییر و تحول.
- مومنی، منصور و فعال قیومی، علی. (۱۳۹۰). «تحلیل‌های آماری با استفاده از اس پی اس اس». تهران: انتشارات کتاب نو.
- نجف زاده، فرح لقا؛ زارعی، علی؛ تجاری، فرشاد و رستمی، مهدی. (۱۳۹۴). «ارائه مدل مفهومی رفتار خرید مصرف‌کنندگان ورزشی کشور». کنفرانس سالیانه مدیریت و اقتصاد کسب‌وکار.
- Andrew, T. Ching, Tülin Erdem. Michael, P. Keane, A. (2014). "Simple method to estimate the roles of learning, inventories and category consideration in consumer choice". The Journal of Choice Modelling, 13.
- Annemijin F.van Gorp. (2017). "The impact of facilities and service-based competition on internet services provision in the Canadian broadband market". Telematics & informatics, 27, 217-230.
- Bae, Richard. (2004). "An Investigation of Decision-Making Styles of Consumers". Journal of Business Research, 35, 26-37.
- Bae, Sungwon. (2004). "Shopping pattern Differences of Physically Active Korean and American University Consumers for Athletic Apparel". PhD dissertation, Department of Sport Management, Recreation Management and Physical Education, Florida State University.
- Batkoska, Liljana. Koseska, Elena. (2012). "The Impact of Cognitive Learning on Consumer Behaviour". Procedia-Social and Behavioral Sciences, 44.
- Canabal, M. E. (2001). "Decision Making Styles of Young South Indian Consumers: An Exploratory Study". College Student Journal, 36, 1, 12-19.
- Chen. Ya-Ping & Chung-Li. Chou. (2006). "An Exploration of Discrepancy in Overseas Purchase Decisions of Participants for Tour Study through Consumer Innovativeness: Shopping Goods taken as an Example". Thesis for the Degree of Master, Department of Business Administration, Chaoyang University of Technology.
- Couture, A. Arcand, M., Sénécal, S., & Ouellet, J. F. (2015). "The Influence of Tourism Innovativeness on Online Consumer Behavior". Journal of Travel Research, 54(1), 66-79.
- Edwards, M. et al. (2000). "NGOs in a global future: Marrying local delivery to world wide leverage". NGOs Conference.
- Fan, Zhuo, Xiao, Hoo. (1998). "Chinese consumer Decision-Making Styles". Journal of Business Recherche, 63, 45-51.
- Jisana, T, K. (2014). "CONSUMER BEHAVIOUR MODELS: AN OVERVIEW". Sai Om Journal of Commerce & Management, Volume 1, Issue 5 (May, 2014).
- Kotler, P.H., Armstrong, G. (2012). Principles of Marketing. 14th Edition. Pearson Education Inc
- Kotler, P.H., Keller, K. (2012). Marketing Management. 14th Edition. Pearson Education Inc
- Leo, C., Bennett, R., and, Härtel, C. (2005). "Cross-Cultural Differences in Consumer Decision Making Styles". Cross Cultural Management Journal, 12, (3) 32-51.
- Lysonski, S., Durvasula, S., and Zotos, Y. (1996). "Consumer Decision-Making Styles: A Multi-Country Investigation". European Journal of Marketing, 30, (12), 10-21.
- Park. Ji Eun, Jun Yu & Joyce, Xin Zhou. (2010). "Consumer innovativeness and shopping styles". Journal of Consumer Marketing, 27/5, 437- 446.
- Paul, J., & Rana, J. (2012). "Consumer behavior and purchase intention for organic food." Journal of Consumer Marketing, 29(6), 412-422.
- Scarlett Wesley, melodyietew, Arch, G. (2006). "Wood side coosomer decision-making styles and mall shopping behavior". Journal of Business research, 59, 535-548.
- Walsh, G., T. Hennig-Thurau, V. Mitchell, and K. Wiedmann. (2001). "Consumers' decision-making style as a basis for market segmentation". Journal of Targeting, Measurement, and Analysis for Marketing, 10, (Y), 117-131.
- Williams, P. (2014). "Emotions and Consumer Behavior". Journal of Consumer Research, 40(5), 8 - 9.

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

سیده فاطمه بدیعی نامقی^۱

زین العابدین فلاح^۲

طاهر بهلکه^۳



10.22034/SSYS.2022.1958.2389

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱

هدف از این پژوهش، مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی بود. طرح کلی پژوهش آمیخته کیفی- کمی بود که بخش کیفی به روش داده بنیاد با استفاده از مصاحبه نیمه ساختارمند با ۱۳ نفر از متخصصان ورزشی و فعالان گردشگری ورزشی به روش نمونه‌گیری هدفمند و در حد اشباع نظری انجام شد. در بخش کمی به روش توصیفی- پیمایشی، از میان جامعه آماری گردشگران تورهای داخلی ۳۲۰ نفر با استفاده از جدول مورگان و نمونه‌گیری در دسترس و از میان گردشگران تورهای خارجی ۱۰۰ نفر به روش در دسترس- تصادفی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از ترکیب بخش کیفی و پیشینه تحقیق- دارای ۴۵ گویه در قالب ۸ عامل- مصاحبه گردید. همچنین روایی و پایایی بخش کیفی و کمی مورد تأیید قرار گرفت.

با توجه به یافته‌های بخش کیفی، ۸ عامل حمل و نقل، زیرساخت‌ها، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، مدیریتی، اقتصادی و اقامتی به عنوان مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی شناسایی شدند. در بخش کمی عوامل شناسایی شده با توجه به بار عاملی به ترتیب عوامل مدیریتی، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، اقتصادی، اقامتی، زیرساخت‌ها و حمل و نقل رتبه‌بندی شدند. همچنین مقایسه دو گروه تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی نشان داد که عوامل بلیت‌فروشی، حمل و نقل، اقتصادی و ایمنی و امنیتی در گروه مربوط به تورهای گردشگری رویدادهای داخلی و عوامل مدیریتی، اقامتی و فرهنگی در گروه مرتبط با تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی از بالاترین اهمیت برخوردارند.

واژگان کلیدی: تورهای گردشگری، چالش‌ها، ایمنی و اقامت.

۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۲ دانشیار، مدیریت ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Fallah_z@yahoo.com

۳ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

مقدمه

گردشگری از دیرباز مورد توجه اقوام و ملت‌های مختلف بوده است و بنا به دلایل مختلف به شهرها و کشورهای دیگر سفر کرده‌اند و گواه آن سفرنامه‌های متعددی است که به رشته تحریر درآمده است. با این حال، از ابتدا قرن بیستم با پیشرفت در حمل و نقل و فناوری ارتباطات، شاهد توسعه جهانی هرچه بیشتر گردشگری هستیم (یانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱). یکی از انواع رو به رشد و پرطرفدار گردشگری، گردشگری ورزشی است که مورد توجه گردشگران قرار گرفته است. گردشگری ورزشی از ادغام دو صنعت مهم گردشگری و ورزش ایجاد شده است. این دو صنعت به فعالیت‌های مهمی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده‌اند و نقش مهمی در بازار داخلی کشورها دارند. گردشگری ورزشی شامل آن دسته از فعالیت‌های مرتبط با سفر است که فرد یا افرادی محل زندگی خود را باهدف تماشا یا شرکت در رویدادهای ورزشی (حرفه‌ای و تفریحی) یا انجام فعالیت بدنی و تمرین ورزشی خارج از محل زندگی یا کمک یا حمایت شخصی از ورزشکاران در مسابقات و فعالیت‌های آموزشی ترک می‌کنند (شلمر^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۶). گردشگری ورزشی ترکیبی از تفریح، فعالیت بدنی، تماشای مسابقات ورزشی و برقراری ارتباط با علاقه‌مندان به ورزش است (جیان^۳، ۲۰۱۴: ۱۳۲).

صنعت گردشگری ورزشی سهم عمده‌ای از درآمدهای صنعت گردشگری جهان را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که جهان (۲۰۱۴) ادعا کرده است که درآمد گردشگری ورزشی ۳۲ درصد از کل درآمد گردشگری جهان را تشکیل می‌دهد. بر اساس اطلاعات موجود درآمد کشورهای پیشرفته جهان از محل گردشگری ورزشی سالانه چیزی بیش از ۲۰ میلیارد دلار است، اما ایران با وجود جاذبه‌های بی‌نظیر گردشگری و طبیعی و داشتن آثار تاریخی چندین هزار ساله و از طرفی با وجود صرف هزینه‌های هنگفت از سوی وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها و سایر نهادهای مرتبط با برگزاری رویدادهای ورزشی ملی و بین‌المللی، تاکنون بهره‌چندانی از این حوزه نبرده است (ناطق و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۹). البته موانع متعددی برای این ناکامی‌ها و عدم توسعه گردشگری ورزشی ایران بیان شده است. از جمله موانع توسعه گردشگری ورزشی ایران می‌توان به موانع اداری-مدیریتی، امکانات و تجهیزات، فردی، مالی و اقتصادی، امنیتی، روستاها و اطلاعات رسانی (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۱)، موانع مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، عوامل مدیریتی، زیرساختی، فرهنگی-سیاسی و ارتباطی-تبلیغاتی (امینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹)، ضعف بازاریابی و تبلیغات، عوامل برنامه‌ریزی و مدیریتی، ضعف آموزشی، عوامل زیر بنایی و خدماتی، موانع اقتصادی و موانع سیاسی (علوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴)، موانع مدیریتی، زیرساختی و اطلاعاتی-ارتباطی (امینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶)، موانع مدیریتی و منابع انسانی، حمایت‌های قانونی، بازاریابی، زیرساخت‌ها و اماکن، فرهنگی و آموزشی و ضعف تحقیق و پژوهش (میرزازاده و عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۲۵) اشاره نمود. فارغ از موانع توسعه گردشگری ورزشی در کشور، تورهای ورزشی یکی از عواملی هستند که کمیت و کیفیت آن‌ها می‌تواند به رونق هرچه بیشتر گردشگری ورزشی کمک نماید. ناطقی و همکاران (۱۳۹۶) تورهای گردشگری را به عنوان یکی از چهار مؤلفه تأثیرگذار بر توسعه گردشگری ورزشی در ایران معرفی کرده‌اند.

با توجه به افزایش روزافزون تعداد گردشگران، حمایت از آن‌ها در طی سفرشان حائز اهمیت است (شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۱۸). گردشگران اغلب به دنبال بازدید از مکان‌های جدید هستند که اغلب اطلاعات کافی از آن‌ها در اختیار ندارند (مشتاقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰). در حقیقت، آن‌ها نه تمایل و نه فرصت کافی دارند تا اطلاعات پراکنده و ناقص به‌ویژه سازمان‌یافته را جست‌وجو کنند (حسینی امیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲). یکی از راه‌های حل این مشکل، استفاده از تورهای

1 Yang

2 Schlemmer

3 Jian

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

آژانس‌های گردشگری است که برنامه‌ریزی سفر را به صورت کامل انجام می‌دهند و بسیاری از دغدغه‌های گردشگران را برطرف می‌نمایند. همچنین با توجه به اینکه تورهای گردشگری از راهنمای تور بهره می‌گیرند، گردشگران می‌توانند اطلاعات مفیدی را در مورد مقصد گردشگری به‌ویژه در مورد سفرهای خارج از کشور در حین سفر به دست آورند. از طرفی با توجه به اینکه آژانس‌های گردشگری خرید عمده انجام می‌دهند، از قدرت چانه‌زنی بالایی برخوردار هستند و می‌توانند بسته‌های خدمات گردشگری (تغذیه، بلیت هواپیما و مسابقات، هتل و غیره) را با قیمت پایین‌تری در اختیار گردشگران قرار دهند. تورهای گردشگری، با ارزش تقریبی ۲۵۰ میلیارد دلار و رشد فزاینده سالانه ۹ درصد از بالاترین نرخ رشد در بین همه بخش‌های گردشگری برخوردارند و از حیث جذب مخارج گردشگران نیز با ۱۰ درصد، بعد از صنایع پرواز و اقامت، جایگاه سوم را دارند (تامز، ۲۰۱۷: ۲۶). البته گردشگران برای مسافرت به مقاصد گردشگری، غیر از تورهای گردشگری، گزینه مسافرت انفرادی را نیز در اختیار دارند و اینکه کدام گزینه را انتخاب کنند، بستگی به سابقه، شرایط و کیفیت تورهای گردشگری دارد. معمولاً گردشگران موارد مختلفی را برای انتخاب تورهای گردشگری در نظر می‌گیرند. تلز و تنوچاریس^۱ (۲۰۱۶) اظهار کردند که هزینه بازدید از مقصد، برنامه‌ریزی سفر، کیفیت محل اقامت، نیاز به ارتباطات و سرگرمی، صرفه‌جویی در وقت، ایمنی، تضمین کیفیت خدمات ارائه‌شده، خدمات راهنمای تور و همچنین پوشش قانونی گردشگر در صورت بروز حادثه از جمله دلایل بسیار مهمی است که گردشگر برای انتخاب بسته تورهای گردشگری در نظر می‌گیرد. علاوه بر این، زیرساخت‌ها و تنوع فعالیت‌ها، اعتبار اطلاعات ارائه‌شده و قیمت‌گذاری نیز به همان اندازه برای ارزیابی بسته تورهای گردشگری مهم محسوب می‌شود.

طراحی و برگزاری بسته‌های سفر به عنوان تور گردشگری، در عین حال که یکی از جذاب‌ترین کسب‌وکارهاست، به تخصص و مهارت‌های خاصی نیاز دارد، زیرا در غیر این صورت آنچه به عنوان بسته سفر فروخته می‌شود، دارای مشکلات و نقایص فراوانی خواهد بود (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۴). تحقیقات محدودی در زمینه تورهای گردشگری انجام گرفته است. از جمله شیرمحمدی و همکاران (۱۳۹۹) به ضعف راهنمایان تورهای گردشگری اشاره و اظهار کردند که راهنمای تور باید اطلاعات جغرافیایی غنی در زمینه مکان‌های گردشگری داخلی، فرهنگ مقصد، محل اقامت و نحوه استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی داشته باشد. مجوز کارت راهنمایی تور باید در اختیار افرادی قرار گیرد که علاوه بر دانش گردشگری و زبان تخصصی، دارای سواد و دانش جغرافیایی مناسبی از مقاصد گردشگری باشند. همچنین، نتایج تحقیق ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که تمایل افراد به سفرهای روستایی تورمحور، به ترتیب تحت تأثیر عوامل فضای ایمن خانوادگی و تغذیه مناسب، سرگرمی و امنیت خاطر در طول سفر، نظم و برنامه سفر شفاف و مناسب، وسیله نقلیه مناسب و حضور به موقع آن، مشوق‌ها و امتیازات آژانس و فضای تجرد است. یافته‌های کیو^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نیز حاکی از آن است که راهنمای تور از نظر دانش و توانایی حل مشکل می‌تواند رضایت‌مندی قابل توجهی در میان گردشگران ایجاد کند. علاوه بر این، ناطقی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین عوامل ایجاد سایت‌های اینترنتی و معرفی جاذبه‌های گردشگری کشور، تبلیغات در شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره-ای ایجاد و معرفی تورهای گردشگری و توسعه زیرساخت‌ها بر توسعه گردشگری ورزشی تفاوت معنادار و مثبتی وجود دارد. عامل ایجاد سایت‌های اینترنتی و معرفی جاذبه‌های گردشگری کشور در رتبه اول و بهترین رتبه و عامل ایجاد و معرفی تورهای گردشگری در رتبه چهارم و کمترین رتبه قرار دارند. نتایج تحقیق مجدانی و عسکریان (۱۳۹۴) هم نشان داد که از نظر کل ورزشکاران، کیفیت دسترسی و کیفیت اقامتگاه بر میزان رضایتمندی دارای تأثیر معنی‌داری است. از دیدگاه ورزشکاران داخلی،

1 Tseles and Theocharis

2 Kuo

فقط کیفیت دسترسی بر میزان رضایتمندی تأثیرگذار است و از نظر ورزشکاران خارجی، کیفیت دسترسی و کیفیت اقامتگاه بر میزان رضایتمندی اثر دارد.

همان‌گونه که در تحقیقات پیشینه مشاهده می‌گردد، بیشتر تحقیقات به موانع و مشکلات گردشگری ورزشی پرداخته‌اند و تحقیقات اندکی در زمینه تورهای گردشگری انجام گرفته است. این دسته از تحقیقات نیز بیشتر بر عوامل جذب‌کننده گردشگران و کیفیت خدمات تورهای گردشگری تمرکز کرده‌اند و تحقیقی در زمینه تورهای گردشگری ورزشی یافت نشد. با توجه به کمبود تحقیقات در زمینه تورهای گردشگری و به‌ویژه مشکلات آن‌ها، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه لازم به نظر می‌رسد. به همین جهت در تحقیق حاضر، مشکلات تورهای گردشگری ورزشی شناسایی و مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی مقایسه خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی و بر اساس رویکرد پژوهش، آمیخته بود. در مرحله اول، برای ساخت الگو از روش کیفی تحلیل محتوا و برای آزمون الگو از روش کمی توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی مبتنی بر الگوی معادلات ساختاری استفاده گردید. روش تحقیق آمیخته از نوع اکتشافی متوالی بود؛ یعنی ابتدا کیفی و سپس کمی بود. ابزار مورد استفاده در این پژوهش بعد از انجام مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری تدوین شد که شامل ۳۲ گویه در قالب هشت مؤلفه حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، مدیریتی، اقتصادی و اقامتی در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی خوب، ۵ امتیاز تا خیلی بد، ۱ امتیاز) بود. در بخش اول (کیفی) برای انجام مصاحبه میدانی، جامعه آماری پژوهش را اساتید مدیریت ورزشی، مدیران و متخصصان تورهای گردشگری داخلی و خارجی تشکیل می‌دادند- مصاحبه با ۱۳ نفر تا حد اشباع نظری ادامه یافت. در بخش دوم (کمی) بعد از گردآوری اطلاعات حاصل از پژوهش کیفی، اقدام به ساخت پرسشنامه شد و این پرسشنامه در بین گردشگران ایرانی تورهای ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی توزیع گردید.

جدول ۱: حجم جامعه آماری و حجم نمونه

ردیف	طبقات جامعه آماری	حجم جامعه آماری	حجم نمونه	روش نمونه‌گیری	توضیحات
۱	گردشگران رویدادهای داخلی	۲۰۰۰	۳۲۰	مورگان/ تصادفی-در دسترس	گردشگران تورهای ورزشی رویدادهای داخلی
۲	گردشگران رویدادهای خارجی	نامشخص	۱۰۰	در دسترس	گردشگران تورهای ورزشی رویدادهای خارجی
	جمع کل	نامشخص	۴۲۰	-	-

در این پژوهش از دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره‌گیری شد. در بخش آمار توصیفی از فراوانی و درصد فراوانی برای بیان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش، از شاخص‌های کشیدگی و چولگی به‌منظور بررسی توزیع داده‌ها (طبیعی و یا غیرطبیعی بودن) و برای بررسی و پاسخ به سؤالات پژوهش در ابتدا از نرم‌افزار Max QDA نسخه Pro و در ادامه به‌منظور رسم و تدوین مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری از نرم‌افزارهای اس‌پی‌اس نسخه ۲۴ و پی‌ال‌اس نسخه ۲/۰ و از آزمون آماری یومن-ویتنی به‌منظور مقایسه تورهای گردشگری داخلی و خارجی استفاده گردید.

از آزمون‌های آماری ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای برای سنجش پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری بهره‌گیری شد. همچنین روایی محتوایی با استفاده از فرم‌های روایی سنجی CVI و CVR مورد تأیید قرار گرفت.

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (۷ نفر)، ۰/۸۱ و مقدار CVI بیشتر از ۰/۸۰ به دست آمد. بنابراین روایی محتوایی ابزار هم تأیید شد. روایی واگرا و همگرا که مربوط به معادلات ساختاری است، مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری پژوهش حاضر در بخش کیفی در جدول ۲ به نمایش گذاشته شده

است:

افراد	تحصیلات	سن	جنسیت	پست و سوابق	افراد	تحصیلات	سن	جنسیت	پست و سوابق
۱	دکتری	۳۸	مرد	استاد مدیریت ورزشی	۸	ارشد	۵۹	زن	مدیریت آژانس گردشگری
۲	دکتری	۴۵	مرد	استاد مدیریت ورزشی	۹	ارشد	۳۶	مرد	مدیریت آژانس گردشگری
۳	دکتری	۴۴	مرد	استاد مدیریت ورزشی	۱۰	ارشد	۳۸	مرد	کارشناس گردشگری
۴	دکتری	۵۲	مرد	استاد مدیریت ورزشی	۱۱	کارشناسی	۴۹	مرد	کارشناس گردشگری
۵	دکتری	۵۴	زن	استاد مدیریت ورزشی	۱۲	کارشناسی	۵۵	زن	مسئول تور گردشگری ورزشی
۶	دکتری	۴۶	مرد	استاد مدیریت ورزشی	۱۳	کارشناسی	۵۲	مرد	مسئول تور گردشگری ورزشی
۷	ارشد	۴۱	مرد	مدیریت آژانس گردشگری					

درگام اول کدگذاری‌ها، هر یک از مقوله‌های اصلی مربوط به مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی، استخراج شد که در قالب پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش بود: مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی کدام است؟

بعد از اینکه کدها به کدهای اولیه بر اساس رویدادها و واقعیات برجسته زده شد، کدهای اولیه شکل گرفتند. سپس سه نفر از خبرگان، کدهای اولیه را بررسی و بر اساس کدگذاری‌های خودروی اسناد، مورد تغییر و تعدیل قرار دادند. بنابراین در بخش کیفیت‌سنجی کدهای اولیه از روش تثلیث یا مثلث‌سازی بهره گرفته شد. سپس بر اساس نظریه کوربین و استراوس^۱ (۲۰۰۸)، ارتباط بین کدهای اولیه بررسی و دسته‌هایی ایجاد گردید که «مقوله» خوانده می‌شود.

فرآیند کدگذاری محوری، داده‌های به دست آمده از کدگذاری باز را ترکیب می‌کند. یک مقوله دسته‌بندی‌ای از ایده-هاست که از راه تحلیل تطبیقی مستمر نمایان می‌شود (کوربین و استراوس، ۲۰۰۸: ۱۱۶). از تحلیل تطبیقی مستمر نتایج اولیه

کدگذاری باز، ۸ کد محوری نمایان شد: «حمل و نقل، زیرساخت‌ها، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، مدیریتی، اقتصادی و اقامتی».

بنابراین تحلیل محتوا و کدگذاری باز و محوری نتایج حاصل از ۱۳ مصاحبه انجام‌شده نشان داد که هشت مقوله (یا جدول ۳: خلاصه کدگذاری باز و محوری مصاحبه‌شونده‌ها)

کدهای محوری (مقوله‌های اصلی)	کدهای باز
حمل و نقل	کیفیت پایین وسایل نقلیه، عدم دسترسی به وسایل نقلیه عمومی، نبود حمل و نقل هوایی، هزینه بالای حمل و نقل، استفاده از سرویس‌های حمل و نقل نایم
زیرساخت‌ها	بی‌کیفیتی اقامتگاه‌ها، عدم دسترسی هتل به ورزشگاه‌ها، عدم دسترسی هتل به مراکز خرید، مشکلات بهداشتی اقامتگاه‌ها، بی‌کیفیتی طراحی ورزشگاه‌ها
فرهنگی	عدم کنترل رفتارهای ناهنجار، عدم آشناسازی گردشگر با فرهنگ شهر مقصد، تداخل جنسیتی، عدم رعایت حریم خصوصی، عدم هماهنگی برای ادای واجبات دینی، روابط اجتماعی ناسالم، عدم توجه به سن و جنسیت افراد در گروه‌بندی‌ها
ایمنی و امنیت	پوشش ایمنی غیراستاندارد ورزشگاه‌ها، کیفیت پایین مصالح اقامتگاه‌ها، بازرسی‌های پیاپی، عدم حفاظت از گردشگر، عدم جداسازی حامیان تیم‌های مختلف و وجود تعارض
بلیت‌فروشی	عدم رزرو بلیت، رزرو بدترین محل جایگاه، عدم همکاری در رزرو بلیت‌های تخفیف‌دار، نداشتن برنامه برای خرید بلیت‌های الکترونیکی، عدم هماهنگی با برگزارکنندگان در دریافت بلیت‌ها
مدیریتی	عدم برنامه‌ریزی صحیح، هرج و مرج در اجرا، عدم آشنایی با زبان، عدم آشنایی با محل، عدم تخصص تولیدرها، عدم آشنایی تولیدرها با ورزش، اطلاع‌رسانی نامناسب، عدم تبلیغات به‌روز و در دسترس، عدم شبکه‌سازی
اقتصادی	هزینه بالای تورها، هزینه بالای اقامتگاه‌ها، وجود واسطه‌ها، نبود تسهیلات دولتی، مشکلات ارزی، متغیر بودن هزینه‌ها
اقامتی	عدم دریافت ویزا، عدم آشناسازی گردشگر با قوانین و مقررات مقصد، مشکلات کنسولی

کدمحوری) اصلی حمل و نقل، زیرساخت‌ها، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، مدیریتی، اقتصادی و اقامتی، از مشکلات

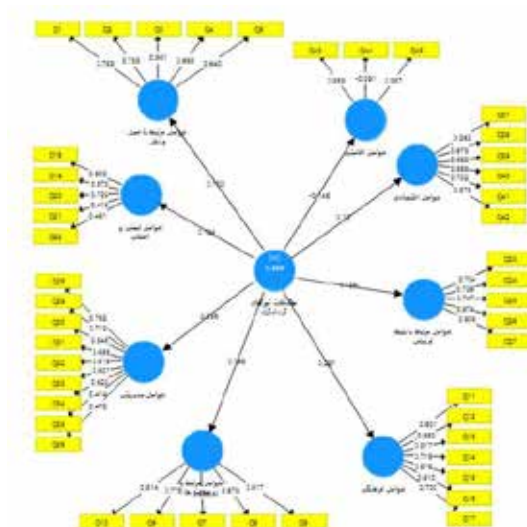
تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی می‌باشند. در ادامه از طریق نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس به تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش پرداخته و بر اساس نتایج حاصل از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس به سؤال‌های ایجادشده پژوهش پاسخ داده شد.

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

نتایج توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های بخش کمی پژوهش نشان داد که بیشتر گردشگران ورزشی تورهای داخلی و خارجی مرد و مجرد هستند، وضعیت سنی بیشتر گردشگران داخلی و خارجی ۳۱ تا ۵۰ سال می‌باشد. همچنین تحصیلات بیشتر نمونه‌ها در سطح کارشناسی می‌باشد.

بنابر گفته هیر^۱ و همکاران (۲۰۱۲) برای تعیین نرمالیت داده‌ها از چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که چولگی بین ۳ و ۳- و کشیدگی بین ۵ و ۵- قرار ندارد، تعداد نمونه‌های پژوهش نیز بستر از ۲۰۰ نفر می‌باشد و به ازای هر متغیر، ۳ گویه وجود دارد. بنابراین باوجود طبیعی نبودن توزیع داده‌ها از نرم‌افزار واریانس محور (PLS) استفاده شد.

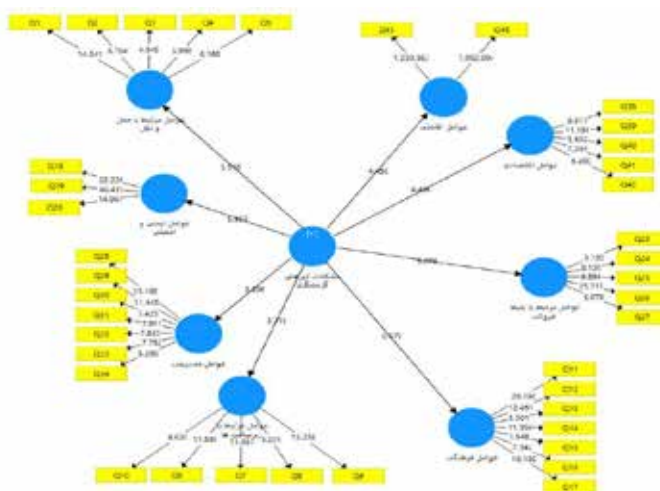
برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود و پایایی خود از سه طریق بررسی ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی اشتراکی صورت می‌پذیرد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۵ می‌باشد. این معیار برای گویه‌های ۲۱، ۲۲، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۴۴ ضرایب بارهای عاملی از ۰/۵ کمتر است و از مدل حذف گردیدند.



شکل ۱: مدل اندازه‌گیری

بعد از حذف گویه‌ها از مدل، مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها در هر هشت متغیر، بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. در این تحقیق پایایی متغیرها در حد مطلوب قرار دارد. از آنجاکه پایایی تأیید می‌شود، می‌توان به بررسی فرضیات توسط معادلات ساختاری پرداخت و نتیجه قابل تعمیم به کل جامعه موردنظر می‌باشد. معیار دوم از بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگراست که به بررسی همبستگی هر متغیر با سؤالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. با توجه به روش فورنل و لارکر که مقدار مناسب برای AVE را ۰/۴ به بالا معرفی کرده‌اند، مقدار AVE برای تمامی ۸ متغیر، بیشتر یا مساوی ۰/۴ می‌باشد. روایی واگرا، سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است. روایی واگرای قابل قبول یک مدل در دو بخش اول (سؤالات مربوط به هر متغیر نسبت به خود آن متغیر همبستگی بیشتری دارند تا نسبت به متغیرهای دیگر) و دوم (معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه یک متغیر با سؤالاتش در

مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست) حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سؤالات خود دارد تا با متغیرهای دیگر. روابی واگرا وقتی در سطحی قابل قبول است که میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش رسید. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بخش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سؤالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد. برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، ضرایب معنی‌داری t یا همان مقادیر t -values می‌باشد. در صورتی که مقدار این اعداد از ۰/۹۵ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین متغیرها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۱/۹۶ دارد. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی‌توان با آن سنجید.



شکل ۲: ضرایب معنی‌داری t (مقادیر t -values)

مقدار R^2 : برای متغیرهای برون‌زا یا مستقل برابر صفر است. در این قسمت، مقدار R^2 برای همه متغیرها بیشتر از ۰/۳۲ (زیرساخت‌ها و ویژگی‌های تبلیغ) و برابر با مقدار متوسط است.

مقدار Q^2 : این معیار برای همه متغیرها بیشتر از ۰/۱۵ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای برون‌زا (مستقل) در پیش‌بینی متغیر وابسته، متوسط هستند.

برازش مدل کلی: مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. با توجه به سه مقدار ۰/۲۵، ۰/۳۶ و ۰/۳۶ که به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، در هر ۸ متغیر، مقدار بیشتر از ۰/۲۵ به دست آمد که نشان از برازش کلی متوسط مدل دارد.

عوامل شناسایی‌شده با توجه به بار عاملی به ترتیب عوامل مدیریتی، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، اقتصادی، اقامتی، زیرساخت‌ها و حمل‌ونقل رتبه‌بندی شدند. در ادامه به‌منظور پاسخگویی به سؤال آیا در سهم هر یک از مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی اختلاف معناداری وجود دارد؟ از آزمون نا پارامتریک من ویتنی استفاده شد.

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

جدول ۴: مقایسه مشکلات تورهای گردشگری در رویدادهای ورزشی داخلی و خارجی

عوامل	من ویتنی	ویلکاکسون	Z	Sig
کیفیت پایین وسایل نقلیه	۱۴۹۲۶	۶۶۲۸۶	-۱/۱۷۹	۰/۲۳۹
عدم دسترسی به وسایل نقلیه عمومی	۱۴۵۵۵	۶۵۹۱۵	-۱/۵۸	۰/۱۱۴
نبود حمل و نقل هوایی	۱۴۵۱۷	۶۵۸۷۷	-۱/۷۸۴	۰/۰۷۴
هزینه بالای حمل و نقل	۱۴۹۷۴	۶۶۳۳۴	-۱/۱۳	۰/۲۵۹
استفاده از سرویس های حمل و نقل ناایمن	۱۵۰۶۹	۲۰۱۱۹	-۰/۹۳۹	۰/۳۴۸
بی کیفیتی اقامتگاه ها	۱۳۳۶۱.۵	۱۸۴۱۱.۵	-۲/۷۸۷	۰/۰۰۵
عدم دسترسی هتل به ورزشگاه ها	۱۴۸۲۰	۱۹۸۷۰	-۱/۲۱۵	۰/۲۲۴
عدم دسترسی هتل به مراکز خرید	۱۴۵۲۰.۵	۱۹۵۷۰.۵	-۱/۶۴۴	-۰/۱
مشکلات بهداشتی اقامتگاه ها	۱۵۵۷۴	۲۰۶۲۴	-۰/۴۳۷	۰/۶۶۲
بی کیفیتی طراحی ورزشگاه ها	۱۵۸۸۰	۶۷۲۴۰	-۰/۱۲۳	۰/۹۰۲
عدم کنترل رفتارهای ناهنجار	۱۳۳۷۶	۱۸۴۲۶	-۲/۷۱۷	۰/۰۰۷
عدم آشناسازی گردشگر با فرهنگ مقصد	۱۴۰۹۹	۱۹۱۴۹	-۱/۹۴۷	۰/۰۵۲
تداخل جنسیتی	۱۳۵۴۴.۵	۱۸۵۹۴.۵	۲/۶۱۷	۰/۰۰۹
عدم رعایت حریم خصوصی	۱۴۱۳۴	۱۹۱۸۴	-۱/۶۱۴	۰/۰۵۶
عدم هماهنگی برای ادای واجبات دینی	۱۳۰۵۶.۵	۱۸۱۰۶.۵	۲/۹۹۶	۰/۰۰۳
روابط اجتماعی ناسالم	۱۳۶۸۸	۱۸۷۳۸	-۲/۴۹۵	۰/۰۱۳
عدم توجه به سن و جنسیت افراد در گروه بندی ها	۱۱۹۷۱	۱۷۰۲۱	-۴/۲۰۷	۰/۰۰۱
پوشش ایمنی غیراستاندارد ورزشگاه ها	۱۴۰۹۸.۵	۱۹۱۴۸.۵	-۱/۹۰۹	۰/۰۵۶
کیفیت پایین مصالح اقامتگاه ها	۱۲۸۳۱.۵	۱۷۸۸۱.۵	-۳/۱۴	۰/۰۰۲
بازرسی های پیاپی	۱۴۵۲۲	۱۹۵۷۲	-۱/۴۵۴	۰/۱۲۶
عدم حفاظت از گردشگر	۱۵۲۰۴	۶۶۵۶۴	-۰/۷۸۶	۰/۳۳۲
عدم جداسازی حامیان تیم های مختلف و وجود تعارض	۱۴۶۵۰	۱۹۷۰۰	-۱/۳۶۸	۰/۱۷۱
رزرو بدترین محل جایگاه	۱۴۵۰۹	۱۹۵۵۹	-۱/۵۵۳	۰/۱۲
عدم همکاری در رزرو بلیت های تخفیف دار	۱۳۰۳۰	۱۸۰۸۰	-۳/۰۷۳	۰/۰۰۲
نداشتن برنامه برای خرید بلیت های الکتریکی	۱۲۰۴۴.۵	۱۷۰۹۴.۵	-۴/۰۴۳	۰/۰۰۱
عدم هماهنگی با برگزارکنندگان در دریافت بلیت ها	۱۲۴۲۱.۵	۱۷۴۷۱.۵	-۳/۵۷۸	۰/۰۰۱
عدم برنامه ریزی صحیح	۱۴۲۶۸	۱۹۳۱۸	-۱/۷۸۲	۰/۰۷۵
هرج و مرج در اجرا	۱۳۰۰۸.۵	۱۸۰۵۸.۵	-۳/۰۶۶	۰/۰۰۲
عدم آشنایی با زبان	۱۲۸۱۱	۱۷۸۶۱	۳/۳۴۴	۰/۰۰۱
عدم آشنایی با محل	۱۴۹۴۴.۵	۱۹۹۹۴.۵	-۱/۱۵۷	۰/۴۴۷
عدم تخصص تورلیدرها	۱۲۵۷۶	۱۷۶۲۶	۳/۵۱۳	۰/۰۰۱
عدم آشنایی تورلیدرها با ورزش	۱۴۶۴۷	۱۹۶۹۷	-۱/۴۹	۰/۱۳۶
اطلاع رسانی نامناسب	۱۴۴۴۴.۵	۱۹۴۹۴.۵	-۱/۷۳۴	۰/۰۸۳
عدم تبلیغات به روز و در دسترس	۱۴۶۷۵	۱۹۷۲۵	-۱/۳۹۷	۰/۱۶۳
عدم شبکه سازی	۱۵۵۹۴	۲۰۶۴۴	۰/۴۳۸	۰/۶۶۱
هزینه بالای تورها	۱۴۱۷۷.۵	۱۹۲۲۷.۵	-۱/۹۰۱	۰/۰۵۷
هزینه بالای اقامتگاه ها	۱۵۳۷۸	۲۰۴۳۸	-۰/۶۹۵	۰/۴۸۷

۰/۴۶۴	-۱/۱۱۷	۲۰۰۳۵	۱۴۹۸۵	نبود تسهیلات دولتی
۰/۰۸۵	-۱/۷۲	۶۵۷۳۵	۱۴۳۷۵	مشکلات ارزی
۰/۵۸۹	-۰/۵۴	۶۶۸۶۸	۱۵۵۰۸	متغیر بودن هزینه‌ها
۰/۲۸۴	-۱/۰۷۱	۶۶۳۷۶	۱۵۰۱۶	عدم دریافت ویزا
۰/۸۷۳	۰/۱۶	۶۷۲۱۶	۱۵۸۵۶	عدم آشنایی گردشگر با قوانین مقصد
۰/۷۷۷	۰/۲۸۱	۶۷۰۹۷	۱۵۷۳۷	مشکلات کنسولی
۰/۳۸۳	-۰/۸۷۲	۶۶۴۴۸	۱۵۰۸۸	زیرساخت‌ها
۰/۰۳۳	-۷/۲۷۷	۱۸۶۵۹۵	۱۳۶۰۹۵	بلیت‌فروشی
۰/۰۰۱	-۴/۴۵۴	۱۶۳۵۴	۱۱۳۰۴	حمل‌ونقل
۰/۰۳۱	۲/۱۶۳	۱۸۷۶۹	۱۳۷۱۹	مدیریتی
۰/۰۰۱	-۴/۱۹۷	۱۶۶۵۰	۱۱۶۰۰	اقتصادی
۰/۰۰۱	۴/۰۹۴	۱۶۷۲۷۵	۱۱۶۷۷۵	اقامتی
۰/۶۶۳	۰/۴۳۵	۲۰۵۹۵۵	۱۵۵۴۵۵	فرهنگی
۰/۰۰۱	-۱۵/۹۴-	۵۱۳۶۰	۰	ایمنی و امنیتی
۰/۵۷۱	-۰/۵۶۶	۶۶۷۶۰۵	۱۵۴۰۰۵	جمع کل

با توجه به یافته‌های تحقیق مؤلفه‌های عدم کنترل رفتارهای ناهنجار، روابط اجتماعی ناسالم، عدم توجه به سن و جنسیت افراد در گروه‌بندی‌ها، کیفیت پایین مصالح اقامتگاه‌ها، رزرو بدترین محل جایگاه، عدم همکاری در رزرو بلیت‌های تخفیف‌دار، نداشتن برنامه برای خرید بلیت‌های الکتریکی، عدم هماهنگی با برگزارکنندگان در دریافت بلیت‌ها و هرج‌ومرج در اجرا در گروه مربوط به تورهای گردشگری رویدادهای داخلی نسبت به گروه تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی مشکلات بیشتری را ایجاد کرده است و به‌عکس مؤلفه‌های تداخل جنسیتی، عدم هماهنگی برای ادای واجبات دینی، عدم آشنایی با زبان و عدم تخصص تورلیدرها در گروه مرتبط با تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی نسبت به گروه تورهای رویدادهای داخلی باعث ایجاد مشکلات بیشتری شده‌اند و در بقیه مؤلفه‌ها دو گروه در وضعیت یکسانی قرار دارند. همچنین عوامل بلیت‌فروشی، حمل‌ونقل، اقتصادی و ایمنی و امنیتی در گروه مربوط به تورهای گردشگری رویدادهای داخلی نسبت به گروه تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی از اهمیت بالاتری به‌عنوان عامل مشکل‌آفرین برخوردار است و عوامل مدیریتی، اقامتی و فرهنگی در گروه مرتبط با تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی نسبت به گروه تورهای رویدادهای داخلی از وضعیت اهمیت بالاتری به‌عنوان مشکل برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه تورهای گردشگری ورزشی مزایای متعددی برای گردشگران دارند، اما ضعف‌ها و مشکلاتی در زمان اجرا در تورهای داخلی و حتی تورهای خارج از کشور دیده می‌شود که در تحقیق حاضر بدان پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی به ترتیب اهمیت شامل عوامل مدیریتی، فرهنگی، ایمنی و امنیت، بلیت‌فروشی، اقتصادی، اقامتی، زیرساخت‌ها و حمل‌ونقل هستند که به ترتیب در ادامه در مورد آن‌ها بحث خواهد شد.

بر اساس یافته‌های تحقیق مهم‌ترین مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در بخش مدیریتی است. عدم برنامه‌ریزی صحیح، هرج‌ومرج در اجرا، عدم آشنایی با زبان، عدم آشنایی با محل، عدم تخصص تورلیدرها، عدم آشنایی تورلیدرها با

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

ورزش، اطلاع‌رسانی نامناسب، عدم تبلیغات به‌روز و در دسترس و عدم شبکه‌سازی ازجمله مشکلاتی هستند که در بخش مدیریتی تورهای گردشگری ورزشی مطرح هستند. در این زمینه شیرمحمدی و همکاران (۱۳۹۹) به ضعف راهنمایان تورهای گردشگری اشاره و اظهار کردند که راهنمای تور باید اطلاعات جغرافیایی غنی در زمینه مکان‌های گردشگری داخلی، فرهنگ مقصد، محل اقامت، زبان تخصصی، نحوه استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی داشته باشد. کیو و همکاران (۲۰۱۸) نیز ادعا کرده‌اند که راهنمای تور از نظر دانش و توانایی حل مشکل می‌تواند رضایت‌مندی قابل‌توجهی در میان گردشگران ایجاد کند. همچنین، ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۷) به عامل نظم و برنامه سفر شفاف و مناسب اشاره کرده‌اند که بر تمایل افراد به سفرهای روستایی تورمحور تأثیر دارد. عامل مدیریت در تحقیقات مختلف شامل تحقیقات کریمی و همکاران (۱۳۹۹)، صوباتی (۱۳۹۸)، امینی و همکاران (۱۳۹۸)، علوی و همکاران (۱۳۹۷)، امینی و همکاران (۱۳۹۶) و میرزاده و عبدالملکی (۱۳۹۵) به‌عنوان مانع توسعه گردشگری موردتوجه قرار گرفته است. عامل فرهنگی یکی دیگر از مشکلات تورهای گردشگری ورزشی است. متأسفانه در برخی از تورهای گردشگری مواردی شامل عدم کنترل رفتارهای ناهنجار، تداخل جنسیتی، عدم رعایت حریم خصوصی، عدم هماهنگی برای ادای واجبات دینی، روابط اجتماعی ناسالم، عدم توجه به سن و جنسیت افراد در گروه‌بندی‌ها دیده می‌شود که ممکن است با توجه به عقاید ملی و مذهبی مردم ایران، موردپسند واقع نشود. البته عدم آشناسازی گردشگر با فرهنگ شهر مقصد نیز یکی دیگر از مشکلات فرهنگی مرتبط با تورهای گردشگری ورزشی هستند. همسو با نتایج این تحقیق، یافته‌های تحقیق ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که تمایل افراد به سفرهای روستایی تورمحور، تحت تأثیر عوامل مختلفی است که فضای ایمن خانوادگی یکی از آن‌هاست. همچنین، در تحقیقات صوباتی (۱۳۹۸)، امینی و همکاران (۱۳۹۸) و میرزاده و عبدالملکی (۱۳۹۵) از موانع فرهنگی به‌عنوان یکی از موارد عدم توسعه گردشگری ورزشی ایران نام برده شده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، تورهای گردشگری ورزشی در بخش ایمنی و امنیت دارای مشکلاتی ازجمله پوشش ایمنی غیراستاندارد ورزشگاه‌ها، کیفیت پایین مصالح اقامتگاه‌ها، بازرسی‌های پیاپی، عدم حفاظت از گردشگر، عدم جداسازی حامیان تیم‌های مختلف و وجود تعارض هستند. در این زمینه ورمزیاری و همکاران (۱۳۹۷) عامل امنیت خاطر در طول سفر را در تمایل افراد به سفرهای روستایی تورمحور مهم دانسته‌اند. کریمی و همکاران (۱۳۹۹) نیز عامل امنیت را به‌عنوان یکی از عوامل عدم توسعه گردشگری ماجراجویانه معرفی کرده‌اند. ضعف در بلیت‌فروشی یکی دیگر از مشکلات تورهای گردشگری ورزشی است. عدم رزرو بلیت، رزرو بدترین محل جایگاه، عدم همکاری در رزرو بلیت‌های تخفیف‌دار، نداشتن برنامه برای خرید بلیت‌های الکتریکی و عدم هماهنگی با برگزارکنندگان در دریافت بلیت ازجمله مواردی است که از طرف آژانس‌های گردشگری در تورهای گردشگری ورزشی رخ می‌دهد که مشکلاتی را برای گردشگران تورهای داخلی و خارجی ایجاد می‌نماید. تورهای گردشگر ورزشی در بخش اقتصادی نیز دارای مشکلات مختلفی شامل هزینه بالای تورها، هزینه بالای اقامتگاه‌ها، وجود واسطه‌ها، نبود تسهیلات دولتی، مشکلات ارزی و متغیر بودن هزینه‌ها هستند که منجر می‌شود مردم کمتر سفر کنند یا اینکه از تورهای سطح پایین‌تر استفاده نمایند تا بتوانند از پس هزینه‌های آن ب‌آیند. مشکلات و موانع اقتصادی در سایر تحقیقات نیز موردتوجه قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که در تحقیقات کریمی و همکاران (۱۳۹۹)، صوباتی (۱۳۹۸) و علوی و همکاران (۱۳۹۷) نیز از موانع اقتصادی به‌عنوان یکی از موانع مهم در عدم توسعه گردشگری نام برده شده است. از طرفی مشکلات اقامتی هم گریبانگیر تورهای گردشگری ورزشی هستند. عدم دریافت ویزا، عدم آشناسازی گردشگر با قوانین و مقررات مقصد و مشکلات کنسولی ازجمله مشکلات اقامتی هستند که آژانس‌های گردشگری باید تلاش خود را به کاربندند تا در حد امکان گردشگران با چنین مشکلاتی روبه‌رو نگردند.

دسته دیگری از مشکلات تورهای گردشگری داخلی و خارجی شامل بی‌کیفیتی اقامتگاه‌ها، عدم دسترسی هتل به ورزشگاه‌ها، عدم دسترسی هتل به مراکز خرید، مشکلات بهداشتی اقامتگاه‌ها و بی‌کیفیتی طراحی ورزشگاه‌هاست که در این تحقیق در قالب مشکلات زیرساختی قرار می‌گیرند. مطابق با یافته‌های تحقیق حاضر، در تحقیق مجدانی و عسکریان (۱۳۹۴) هم نشان داده شده که از نظر کل ورزشکاران، کیفیت اقامتگاه بر میزان رضایتمندی تأثیر معنی‌داری دارد. در تحقیقات دیگر ازجمله پژوهش کریمی و همکاران (۱۳۹۹)، صویاتی (۱۳۹۸)، امینی و همکاران (۱۳۹۸)، امینی و همکاران (۱۳۹۶) و میرزازاده و عبدالملکی (۱۳۹۵) نیز از عامل زیرساخت‌ها در عدم توسعه گردشگری ورزشی نام برده شده است. درنهایت آخرین عاملی که در تحقیق حاضر به‌عنوان مشکلات تورهای گردشگری ورزشی معرفی شده، عامل حمل‌ونقل است که شامل مواردی ازجمله کیفیت پایین وسایل نقلیه، عدم دسترسی به وسایل نقلیه عمومی، نبود حمل‌ونقل هوایی، هزینه بالای حمل‌ونقل و استفاده از سرویس‌های حمل‌ونقل ناایمن است. در این زمینه دو پژوهش انجام شده است که عامل حمل‌ونقل را به‌عنوان یکی از مشکلات تورهای گردشگری معرفی کرده‌اند. در تحقیق اول، ورزیاری و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که داشتن وسیله نقلیه مناسب و حضور به‌موقع در مقاصد گردشگری در تمایل افراد به سفرهای روستایی تورمحور تأثیرگذار است. مجدانی و عسکریان (۱۳۹۴) هم نشان دادند که از نظر کل ورزشکاران، کیفیت دسترسی بر میزان رضایتمندی دارای تأثیر معنی‌داری می‌باشد- که دسترسی به وسایل نقلیه را نیز شامل می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق، مؤلفه‌های عدم کنترل رفتارهای ناهنجار، روابط اجتماعی ناسالم، عدم توجه به سن و جنسیت افراد در گروه‌بندی‌ها، کیفیت پایین مصالح اقامتگاه‌ها، رزرو بدترین محل جایگاه، عدم همکاری در رزرو بلیت‌های تخفیف‌دار، نداشتن برنامه برای خرید بلیت‌های الکترونیکی، عدم هماهنگی با برگزارکنندگان در دریافت بلیت‌ها و هرج‌ومرج در اجرا در گروه مربوط به تورهای گردشگری رویدادهای داخلی نسبت به گروه تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی مشکلات بیشتری را ایجاد کرده است. این دسته از مشکلات که در سایر حوزه‌ها نیز مشاهده می‌شود، بیشتر مربوط به کیفیت خدمات تورهای گردشگری هستند که در تورهای داخلی دارای سطح ضعیف‌تری هستند. البته به نظر می‌رسد که گردشگران تورهای داخلی از شرایط مالی سطح پایین‌تری برخوردار باشند و به همین جهت هزینه‌های کمتری را برای تورهای گردشگری پرداخت و در نتیجه خدمات ضعیف‌تری را دریافت می‌کنند. برعکس مؤلفه‌های تداخل جنسیتی، عدم هماهنگی برای ادای واجبات دینی، عدم آشنایی با زبان و عدم تخصص تورلیدرها در گروه مرتبط با تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی نسبت به گروه تورهای رویدادهای داخلی باعث ایجاد مشکلات بیشتری شده‌اند که بیشتر به عقاید ملی و مذهبی ایرانیان با مردم سایر کشورها برمی‌گردد و آژانس‌های گردشگری باید توجه ویژه‌ای در این زمینه داشته باشند و از راهنمایان تور آموزش‌دیده و متخصص استفاده نمایند تا گردشگران تورهای خارجی با مشکلات کمتری روبه‌رو گردند. همچنین عوامل بلیت‌فروشی، حمل‌ونقل، اقتصادی و ایمنی و امنیتی در گروه مربوط به تورهای گردشگری رویدادهای داخلی نسبت به گروه تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی از اهمیت بالاتری به‌عنوان عامل مشکل‌آفرین برخوردار است و عوامل مدیریتی، اقامتی و فرهنگی در گروه مرتبط با تورهای گردشگری رویدادهای ورزشی خارجی نسبت به گروه تورهای رویدادهای داخلی از وضعیت اهمیت بالاتری به‌عنوان مشکل برخوردارند.

درنهایت به نظر می‌رسد که تورهای گردشگری به‌ویژه تورهای گردشگری داخلی دارای مشکلات متعددی از نظر گردشگران هستند که تمام آن‌ها با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح قابل حل هستند. البته گردشگران نیز باید این مسئله را در نظر داشته باشند که آژانس‌های گردشگری به‌منظور کاهش هزینه‌های تور، مجبور به ارائه خدمات باکیفیت پایین‌تر هستند. پس گردشگران باید بدانند که چه مقدار هزینه در قبال دریافت چه خدماتی از طرف آژانس‌های گردشگری پرداخت کرده‌اند و

مقایسه مشکلات تورهای گردشگری ورزشی در رویدادهای داخلی و خارجی

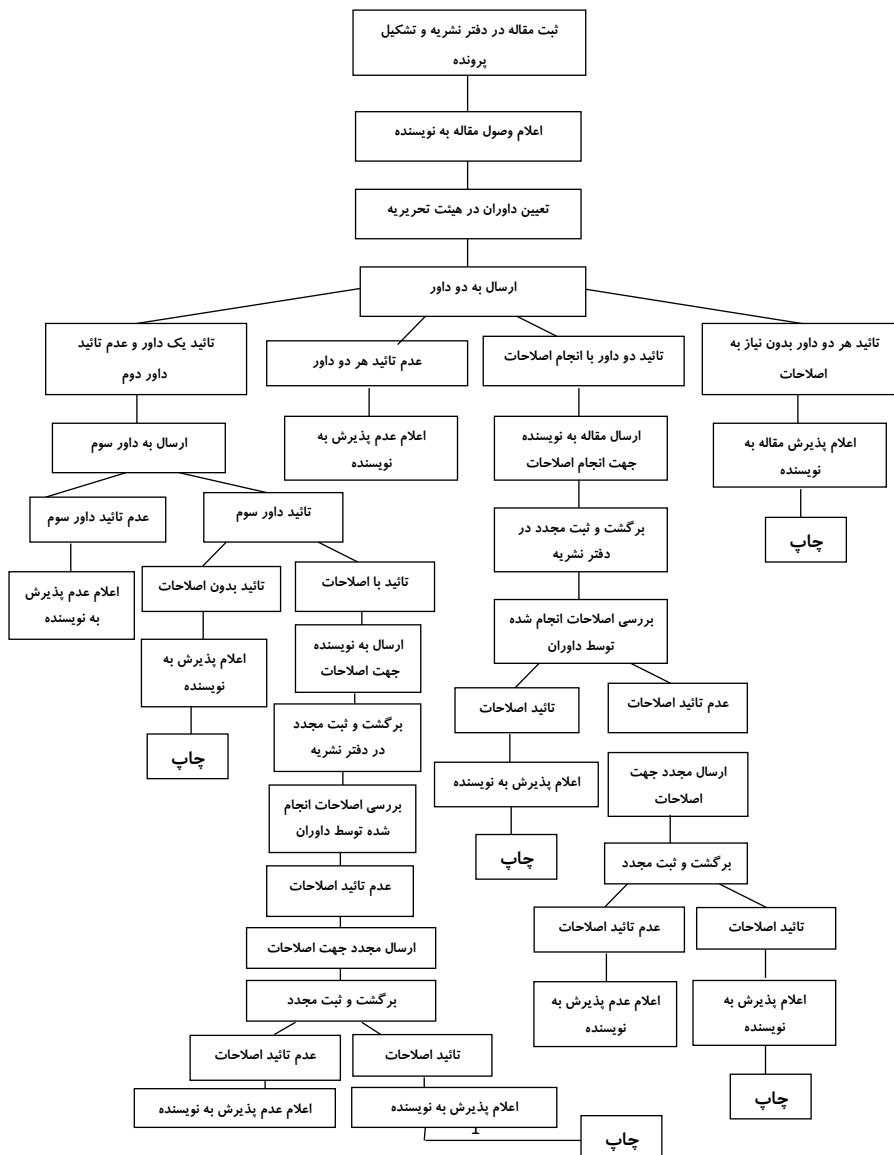
به صورت منطقی تر در مورد مشکلات تورهای گردشگری نظر دهند. البته خوشبختانه آژانس های گردشگری دارای تورهایی باکیفیت های مختلف هستند که درسته های گردشگری ارائه شده به آن اشاره کرده اند. با این حال در برخی از مشکلات از جمله عدم کنترل رفتارهای ناهنجار، روابط اجتماعی ناسالم، عدم توجه به سن و جنسیت افراد در گروه بندی ها، تداخل جنسیتی، عدم هماهنگی برای ادای واجبات دینی، عدم آشنایی با زبان و عدم تخصص تولیدر به هیچ عنوان بحث هزینه مطرح نیست و چنین مشکلاتی با مدیریت و برنامه ریزی صحیح قابل اصلاح هستند و می توانند به نقاط قوت تورهای گردشگری تبدیل گردند. در مجموع، توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی در تورهای داخلی، توسعه زیر ساخت ها به ویژه در ارائه خدمات و توجه به فناوری اطلاعات در اطلاع رسانی می تواند زمینه توسعه تورهای داخلی را فراهم نماید. در عین حال بهره گیری از تجربیات و نحوه ارائه خدمات در شرکت های خارجی و الگو برداری مناسب و شایسته با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور می تواند به توسعه تورهای گردشگری باری رساند.

منابع

- اذانی، مهری؛ یوسفی، فریبا و نورمحمدی، اطهر. (۱۳۹۰). «بررسی مهارت تورگردانی در توسعه پایدار گردشگری». همایش گردشگری و توسعه پایدار. همدان.
- امینی، علیرضا؛ خوش سپهر، زهرا و یوسفی، زیبا. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه گردشگری ورزشی در حوزه کارکردی دولت (مورد مطالعه: وزارت ورزش و جوانان)». مطالعات مدیریت دولتی ایران. شماره ۴، صص ۶۹-۹۰.
- امینی، مرجان؛ امینی، مژگان؛ مهدی پور، عبدالرحمن و قاسمی، حمید (۱۳۹۶). «تبیین شاخص های تأثیرگذاری موانع گردشگری ورزشی ایران با استفاده از روش AHP گروهی با تأکید بر نقش اطلاعاتی و ارتباطی». مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی. شماره ۱۵، صص ۲۶-۳۵.
- حسینی امیری، سیدمحمد؛ محمدی، مصطفی و غلامی فرد، نصرت الله. (۱۳۹۵). «بررسی کیفیت منابع اطلاعات چاپی گردشگری از دیدگاه گردشگران خارجی (مطالعه موردی: استان تهران)». نشریه برنامه ریزی و توسعه گردشگری. شماره ۱۹، صص ۵۸-۷۴.
- شیرمحمدی، یزدان؛ جلالیان، سید اسحاق؛ عابدی، فرزانه و نصیری هندخاله، اسماعیل. (۱۳۹۹). «اثر سواد جغرافیایی گردشگری راهنمایان تور بر رضایتمندی گردشگران». پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره ۱۱۴، صص ۱۲۱۷-۱۲۳۳.
- صوبانی، زلیخا. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل و موانع اثرگذار بر توسعه بازاریابی گردشگری ورزشی استان تهران». سومین کنفرانس ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت. رشت.
- علوی، سیدحسین؛ فریدونی، مسعود و لقمانی، محسن. (۱۳۹۷). «تحلیل موانع توسعه گردشگری ورزشی در سواحل آبی دریای مازندران». دومین کنفرانس بین المللی مدیریت و کسب و کار. تبریز.
- کریمی، جواد؛ سلطانیان، لپلا و بجانی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). «طراحی مدل توسعه گردشگری ماجراجویانه ورزشی بر اساس نظریه داده بنیاد». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۶۰، صص ۶۱-۸۲.
- مجدانی، صفری و عسکریان، فریبا. (۱۳۹۴). «بررسی نقش ابعاد کیفیت خدمات (دسترسی، اقامتگاه، رقابت و محیط رقابت) در رضایتمندی و تمایل به بازگشت گردشگران ورزشی داخلی و خارجی حاضر در بیست و هشتمین دوره تور بین المللی دوجرخه سواری ایران (آذربایجان)». نخستین سمینار علمی تخصصی جاذبه ها و دفاعه های گردشگری آذربایجان شرقی. تبریز.
- مشتاقی، نرگس خاتون؛ وحدت نژاد، حامد و قاسمی گل، محمد. (۱۳۹۶). «ارائه سیستم راهنمای تور آگاه به زمینه برای گردشگران گروهی». نشریه برنامه ریزی و توسعه گردشگری. شماره ۲۳، صص ۵۹-۷۶.
- میرزآزاد، زهراسادات و عبدالملکی، حسین. (۱۳۹۵). «طراحی مدل موانع فراوری توسعه گردشگری ورزشی مشهد. مطالعات مدیریت گردشگری. شماره ۳۴، صص ۲۵-۳۹.
- ناطقی، زهرا؛ تقیبنندی، سید صلاح الدین و پورسلطانی، حسین. (۱۳۹۶). «شناسایی و اولویت بندی فاکتورهای تأثیرگذار بر توسعه گردشگری ورزشی در ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۷، صص ۱۴۷-۱۵۶.
- ورمزیاری، حجت؛ بابایی، محسن و ایمانی، پایک. (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل موثر بر تمایل گردشگران به سفرهای روستایی تور محور مورد مطالعه: گردشگران روستایی شهرستان مراغه». نشریه پژوهش های روستایی. دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۳۶-۲۴۹.
- Jian, W. (2014). "On the development of sports tourism in China". Journal of Chemical and Pharmaceutical Research, 6(6): 129-133.
- Kuo, N.T., Cheng, Y.S., Chang, K.C., Chuang, L.Y. (2018). "The asymmetric effect of tour guide service quality on tourist satisfaction". Journal of Quality Assurance in Hospitality & Tourism, 19(4): 521-542.

- Schlemmer, P., Barth, M., Schnitzer, M. (2020). **“Research note sport tourism versus event tourism: Considerations on a necessary distinction and integration”**. Journal of Convention and Event Tourism, 21, 91–99.
- Tams, S. A. (2017). **“The changing face of tours and activities”**. Retrieved from: <https://www.reutersevents.com/travel/distribution-strategies/changing-face-tours-and-activities>.
- Tseles, D.I., Theocharis, N.E. (2016). **“Holiday tour packages & tourist motivation a case study of Rhodes, Greece”**. 3rd International Conference “Higher Education in Function of Sustainable Development of Tourism in Serbia and Western BalAt”, Uzice, Serbia.
- Yang, J.J., Lo, H.W., Chao, C.S., Shen, C.C., Yang, C.C. (2020). **“Establishing a Sustainable Sports Tourism Evaluation Framework with a Hybrid Multi-Criteria Decision-Making Model to Explore Potential Sports Tourism Attractions in Taiwan”**. Sustainability, 12(4), 1-22.

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



Problems of Sports Tourism Tours in Domestic and Foreign Events

Sayyedah Fatemeh Badeei Nameghi

Ph.D. Student in Sports Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Zeyolabedin Fallah

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Taher Behlekeh

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Received: 4 Aug. 2021

Accepted: 22 Nov. 2021

The study is to compare the problems of sports tourism tours in domestic and foreign events. Purposeful and theoretically saturated sampling was used and in quantitative part through descriptive-survey method, the statistical population (among domestic tours tourists 320 people based on Morgan table and available sampling and among foreign events tours 100 people by random access method) was selected and a researcher-made questionnaire- combination of the qualitative section and the research background, with 45 items in the form of 8 factors was used. The validity and reliability of the qualitative and quantitative sections were confirmed. According to the findings of the quality sector, eight factors were identified as problems of sports tourism tours in domestic and foreign events :transportation, infrastructure, culture, safety and security, ticket sales, management, economy and accommodation. In the quantitative section, the identified factors were ranked according to the factor, managerial, cultural, safety and security factors, ticket sales, economy, accommodation, infrastructure and transportation, respectively. Also, the comparison of the two groups of sports tourism tours in domestic and foreign events showed that ticket sales, transportation, economic, safety and security factors in the group related to domestic events tourism tours and managerial, residential and cultural factors in the group related to events tourism tours foreign sports are of the highest importance.

Key Words: Tours, Challenges, Safety and Accommodation.

A Model for Women's Consumption Pattern in the Field of Sports Goods

Zahra Barzegar Yazdi

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Nima Majedi

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Mahdi Naderi Nasab

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Received: 3 Jul. 2021

Accepted: 22 Sep. 2021

The study is to design a model for women's consumption pattern in the field of sports goods. The statistical population in the qualitative part included 15 experts (including experts and specialists in the fields of management, marketing and sports management) and in the quantitative part included all female athletes in Qazvin province, which according to statistics is 5710 people. Finally, 360 people were selected as the available sample. The data collection tool was a semi-structured in-depth interview with experts and in a small stage of the survey and field method using a researcher-made questionnaire. Exploratory and confirmatory factor analysis tests were used for quantitative analysis. Spss23 and Pls softwares were used to analyze the data.

The findings showed that the research model was of 5 dimensions (ree influential roles, the buyer and the consumer, at different times.individual, cultural, social, psychological and marketing mix) and 23 indicators that the factor load of all dimensions and components and their indicators is more than 0/3 and acceptable. Finally, consumer behavior was of different roles and the consumer can play at least each of them.

Key Words: Model Design, Women's Consumption Pattern and Sports Goods.

A Profit Model for Private Bodybuilding Clubs

Leila Talebzadeh

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Hamid Janani

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Mahboub Sheikh alizadeh

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran

Mohammad Rahim Najafzadeh

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Received: 7 Sep. 2021

Accepted: 4 Jan. 2022

The study is to develop a clubs' profitability model in private bodybuilding clubs in the northwest of the country. The research method was correlation based on partial least squares structural equation modeling. The statistical population was the customers of the private bodybuilding clubs in the northwest. 362 customers filled out the researcher-made questionnaire of perceived value and the standard questionnaires of Liu "customer satisfaction" (2008), and the Liu "customer loyalty" (2008). The questionnaires were used to collect data whose validity was confirmed through convergent and discriminant validity and their reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficient as well as composite reliability coefficient. Clubs profitability was calculated by collecting data from sports club managers using a formula provided by Microsoft Corporation. Structural equation modeling based on the partial least squares in software Smart PLS was used to analyze collected data.

The results showed that the perceived value was of a direct and significant effect on the clubs profitability ($t=4/22$, $\beta=0/10$, $\text{sig}=0/001$), customer satisfaction ($t=11/719$, $\beta=0/547$, $\text{sig}=0/001$) and customer loyalty ($t=4/188$, $\beta=0/178$, $\text{sig}=0/001$). The perceived value through customer satisfaction and loyalty was an indirect and significant effect on clubs' profitability. As a result, we can say that private sports clubs managers should always strive to attention to and meeting the needs and wants of customers, increasing customers attendance intention, and ultimately increasing clubs' profitability.

Key Words: Customer Loyalty, Club Profitability, Customer Satisfaction and Perceived Value.

A Branding Model for Iranian Football Premier League Based on the Data Foundation Approach

Terifeh Payami

Ph.D. student in Sports Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Jafar Barghi Moghadam

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Mohammad Rahim Najafzadeh

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Habib Mohammadpour Yaghini

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Received: 13 Nov. 2021

Accepted: 20 Dec. 2021

The study is to design a branding model for Iranian Football Premier League using data foundation theory. The research method was analytical and qualitative methodology was used. The research strategy was to use data theory. The participants were 16 people, including professors in the field of sports marketing, club and league officials and sampling strategy in the targeted quality section with maximum diversity or heterogeneity. Content analysis of the interviews and coding were used to analyze the data. The research tool was an open interview and the results were analyzed based on three stages of open, axial and selective coding. The findings showed that the promotion of the Premier League brand position, stable brand identity, customer relationship management, and financial benefits were the causal factors. The central phenomenon consists of factors that improve brand equity, performance evaluation and credibility of the league brand- underlying factors included league brand positioning, social factors, establishing a competitive balance in the league, and national league brand infrastructure. Also, intervening factors included factors of change and development of related technologies, club factors, regulatory weaknesses, human resources weakness, accountability, and customer characteristics. Legal solutions, proper management strategies, establishing proper communication and interactions, holding matches according to current world standards, strengthening the facilitators, brand fit and logo with the league formed the branding strategies of the Iranian Football Premier League.

Key Words: Premier League Football, Brand and Data Foundation Theory.

research model has a good fit.

Key Words: Model, Economic Crime, Legal Dimensions and Professional Sport.

A Study on Designing and Development of a Legal Dimensions Model for Economic Crimes in Professional Sport: A Test of Foundation Data Theory with Mixed Method

Javad Paziresh

Ph.D. Student in Sport Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Shahab Bahrami

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

Hamid Ghasemi

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Payame Noor University, Iran

Nazanin Rasekh

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Research Institute, Tehran, Iran

Received: 22 Mar. 2020

Accepted: 22 Nov. 2020

The study is to design and develop a model of legal dimensions for economic crimes in professional sports: a test of the data theory of the foundation with a mixed method. The method of the study was mixed. The statistical population in the qualitative part included the elites of the economic and legal field in sports, which was done using purposive sampling method and theoretical saturation technique. In addition to the economic and legal elites in sports, the statistical population of this study includes some senior managers of public and private sports organizations in Iran, including managers of the Ministry of Sports and Youth, sports federations and municipal sports organizations, as well as some senior managers of clubs- Iranian professionals included 276 people. The data collection tools of the study included a semi-structured interview and a researcher-made questionnaire. The face validity of the questionnaire was confirmed by examining the opinions of experts, the validity of the structure using factor analysis test and also its reliability according to the calculation of Cronbach's alpha (total alpha= 0/85).

The results showed that in the qualitative part, which was done through content analysis and open, axial and selective coding in the form of five general components of causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, main phenomenon, actions and consequences. A paradigm model of the legal dimensions of economic crimes in professional sports was designed. Also, the quantitative results of the research showed that the amount of T corresponding to each factor was of a significant effect and the whole framework of the legal dimensions of economic crimes in professional sports was approved and the

Role of Exercise at Home during the Outbreak of Coronavirus on the Elderly Quality of Life

Amir Mohammad Hedayati

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Sport Management, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

Mohammad Sanaei

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran

Mohammad Ali Noudehi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Received: 12 Jun. 2021

Accepted: 6 Dec. 2021

Elderly is a critical period of life and it is very important to pay attention to the quality of life of the elderly, especially in critical situations of the outbreak of coronavirus. The study is to investigate the role of home exercise during coronavirus outbreak on the elderly quality of life. The study is a descriptive research including a sample population of 168 elderly over 60 years old in North Khorasan province in Iran. Convenience sampling was performed. To obtain the required data, a Short Form-36 (SF-36) questionnaire was used. For statistical analysis, Kolmogorov-Smirnov (K-S) test and Mann-Whitney U test were used. All the statistical operations were done using SPSS Statistics 22 in significance level of $P \leq 0/05$.

The results indicated the active elderly enjoyed a higher quality of life than the non-active ones considering indicators such as physical and emotional problems, physical performance limitations, and public health and pain. However, in terms of social function indicator, no significant difference was noted between them. Given the importance of people being active during the coronavirus outbreak, exercise and regular physical activity can have a significant impact on improving the quality of life of the elderly, because exercise can strengthen the immune system and help improve health and prevent coronavirus. Also, engaging in physical activities causes positive changes in various physical, psychological, social and spiritual characteristics of individuals, which as a result of these effects, improves the quality of life of individuals and therefore, it is recommended that families with the elderly and nursing homes to encourage the elderly engage in physical activity.

Key Words: Elderly, Quality of Life, Physical Activity and Coronavirus.

An Interactive Model for Media Roles to Normalize the Flow of Sports Participation in the Post-Corona Era through the Demetel Approach

Mohammad Hassan Ghezeli

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Sport Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Leyla Jamshidian

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Sport Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Mehrzaad Moghadasi

Ph.D., Associate Professor in exercise Physiology, Department of Sport Management, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Received: 2 Aug. 2021

Accepted: 2 Mar. 2022

The study is to provide an interactive model for media roles in order to normalize the flow of sports participation in the post-corona era through the Demetel approach. The research is one of the mixed researches which was done in the form of qualitative and quantitative methods and according to its application in the field of sports is one of the applied researches. The method of data collection was field. The statistical population included all elites aware of the subject of the study, of which 14 people were identified as the samples. The collection tool in the qualitative section was a semi-structured interview. Also, according to the interviews, factors were identified that were used as research collection tools in the quantitative section. This questionnaire was divided into two general parts: demographic characteristics and its questions, which were designed according to Demetel method. The validity of this questionnaire was confirmed according to the opinions of experts. The overall reliability of this questionnaire was calculated to be 0/85 after calculating Cronbach's alpha. The whole process of research data analysis was performed in Excel software.

The results showed that a total of 6 general roles, including motivational, informational, educational, scientific, social and cultural roles, are the important media roles in order to normalize the flow of sports participation in the post-corona era. The causal maps and motivational, cultural, and social maps were identified as disability maps.

Key Words: Interactive Model, Media Roles, Sports Participation, Post-Corona Era and Demetel Approach.

Evaluation and Ranking of the Karate Delegations of the Iranian Provinces Using the BCC Model (Data Envelopment Analysis)

Seyyed Mohammad Ali Gouya

Ph. D. Student in Sport Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

Mohammad Hami

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

Vahid Shojaee

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

Received: 11 Jul. 2021

Accepted: 4 Oct. 2021

The study is to determine the efficiency of karate boards in the Iranian provinces using the BCC model. From the paradigm perspective, the study is a meta-proof research and quantitative approach, in terms of applied purpose. The statistical population included 31 karate teams active in the provinces of the country. The instrument used was a value-added questionnaire in the form of a fuzzy method. The results showed that in 1394 to 1396, the output of championship sports has played a greater role in determining the efficiency of the staff. In 1397 and 1398 the output of public sports had a greater role in the efficiency of the staff. By eliminating these outputs, the average efficiency of staffs has been further reduced. Also, the results of Pearson correlation test showed that there was a significant relationship between staff outputs and staff BCC efficiency.

It is suggested that the managers and administrators of the provincial karate boards of the country, by trying to increase their budget through obtaining government funds and also attracting financial sponsors, improve the budget of the organization under their command and increase its efficiency. Also, by attracting and training staff, coaches, referees and other capable human resources, try to increase their efficiency as much as possible. Finally, their proper interaction with the sports and youth departments of the respective province as well as the Karate Federation can pave the way for the per capita promotion of sports related to this field.

Key Words: Performance, Data Envelopment Analysis, BCC Pattern, Championship Sports and Budget.

A Crisis Management Model for Holding Sports Events

Naser Gol Mohammadi

Ph.D. Student in Sports Management, Department of Physical Education and Sport Management, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Mobarakeh, Iran

Ahmad Reza Askari

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Management, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Mobarakeh, Iran

Majid Khorvash

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Management, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Mobarakeh, Iran

Received: 7 Feb. 2021

Accepted: 30 Aug. 2021

The study is to provide a comprehensive model for crisis management in holding sports events. The research method was qualitative and based on data foundation theory with a systematic approach. The statistical population included all experts and specialists in the theoretical field of research and senior sports managers with extensive executive experience in holding events in sports organizations. In this study, purposive sampling method was used based on theoretical approach and data collection was continued by snowball method until theoretical saturation of data (14 semi-structured individual interviews were conducted).

The findings showed strategies based on the pattern of resources and infrastructure, bedrock factors (expertise and characteristics of employees and staff; organizational management; organizational flexibility and speed and crisis assessment); Stakeholders (macro-laws, existing infrastructure and macro-management) Consequences of strategic policy-making; Efficient management (needs assessment and selection tailored to the need); Evaluation, change, adaptation and organization will be followed by a comprehensive model of crisis management. In the field of crisis management in sports events before, during and after the crisis, resources and infrastructure is an important factor and issue that has a key and pivotal role in the crisis management model, and based on this, the model designed in the field can be Crisis management received help in sports events.

Key Words: Crisis Management, Sports Events, Organizational Management, Strategic Policy, Implementation and Organization.

It can be inferred that if the coaches need a positive relationship with their athletes and require them to have a positive perception of their coaching effectiveness, they should be aware of their own behavioral tendencies and consequences.

Key Words: Abuse, Coach-Athlete Relationship and Coaching Effectiveness.

Structural Equation Modeling of the Relation between Coaches' Abuse with Coach-Athlete Relationship and the Perceived Coaching Effectiveness

Padideh Boloorizadeh

Ph.D. in Planning and Management in Physical Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farshad Tojari

Ph.D., Professor in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Zarei

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Reza Esmaeeli

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 29 Jul. 2020

Accepted: 31 May 2021

The study is to explore the experience of Iran's elite female basketball players of abuse in their coach-athlete relationship and its effect on the players' perceived coaching effectiveness.

The sampling method was headcount. All the 230 Iran's female basketball players from Division I and Super League teams (a total of 21 teams, 11 of which from the Super League and 10 teams from Division) participated in the research. The data was gleaned from three sources: "Coaches' Abuse Scale" (CAS) by Boloorizadeh (2013) with 16 items ($\alpha=0/88$), "Coach-Athlete Relationship Questionnaire" (CART-Q) by Jowett and Ntoumanis with 11 items ($\alpha=0/88$), and the "Perceived Coaching Effectiveness Scale" by Kavassanu et al. (2008) with 24 items ($\alpha=0/92$). Descriptive analyses were used to summarize the data. To investigate the research question, the variables were entered in the structural equation modeling and tested using Lisrel 8/5.

The results of SEM revealed that abusive behavior occurs in a coach-athlete relationship and the effect is direct and negative ($\beta=-59$). So, its effect is on the perceived coaching effectiveness ($\beta=-492$). It also uncovered that the variables of the coach- athlete relationship have a positive effect on the athletes' perception of coaching effectiveness ($\beta=0/78$).

Identifying and Prioritizing the Evaluation Indicators of Iranian Sport Coaches

Rasoul Monem

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Sport Management, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Gholamreza Shabanibahar

Ph.D., Professor, Department of Sport Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Sirous Ahmadi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Received: 8 Jul. 2020

Accepted: 14 Feb. 2021

The study is to identify and prioritize the evaluation indicators of Iranian sport coaches. It is a kind of descriptive-analytic research and was done by Traversal-Field method by using Researcher-made questionnaire. The statistical population included 500 sports coaches in the country. The statistical sample including 240 person of country's sport coaches were selected by random sampling. The measurement tools for gathering data were Optimization of the evaluation indicators of the country's sport coaches questionnaire that its content validity confirmed by 15 sport management professors and questionnaire's reliability was approved respectively $\alpha = 0.971$ by Cronbach's alpha. The data were analyzed using Structural Equation Modeling via SPSS and LISREL PLS Softwares. The results of Correlation between the evaluation indicators of the country's coaches showed that there is a high internal correlation between the evaluation indicators of the country's coaches. The results of Friedman test and Wilcoxon post hoc test (with Benfurney correction) showed that the first rank is related to technical indicators, the second rank is related to educational indicators, the third ranking is related to psychological indicators and socio-personality indicators, which are not significantly different from each other and the fourth rank is related to management indicators. The results of binomial test of the evaluation indicators of the country's coaches showed that the status of the evaluation indicators of the country's sport coaches has been above average which is statistically significant ($P < 0.01$). These results show that the evaluation indicators of the country's sport coaches are at a desirable level.

Key Words: Evaluation Indicators, Educational, Technical, Managerial and Leadership, Psychology and Personality-Sociality.

A Suitable Model for Equestrian Sports in Iran

Ali Chouri

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Faculty of Humanities and Sport Sciences, Gonbad Kavous University, Gonbad Kavous, Iran

Seyyed Mohammad Hossein Razavi

Ph.D., Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Morteza Doosti

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Farzam Farzan

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Received: 27 Jan. 2020

Accepted: 10 Oct. 2020

Identifying key effective trends and propels and recognizing the right pattern can have an impact on the future of equestrian sport and the horse industry. The study is to design a suitable model for equestrian sport. For this purpose, a qualitative two-phase exploratory design ($n = 26$) was performed by snowball sampling and quantitative phase ($n = 395$) using simple random sampling. The research population included knowledgeable people in the field of horse and horse riding. A five-point Likert scale was used to collect the data. SmartPLS software was used to analyze the data. Factor analysis results showed that in managerial $t = 4.470$; $\beta = 0.189$; $P < 0.01$ and economic propulsion $t = 3.903$; $\beta = 0.199$; $P < 0.01$, the most important components explaining the path pattern in equestrian sport.

Therefore, according to the results of the present study, preparing a suitable profile of effective trends in the form of the mentioned initiatives and also coordination between organizations such as the Ministry of Youth Sports, the Ministry of Jihad Agriculture and the Equestrian Federation can be considered a bright future in the field of horse industry and equestrianism.

Key Words: Model Design, Horse Industry and Equestrian Exercise.

strategies have been proposed to turn weaknesses into strengths and threats into opportunities for the development of the Football Federation's refereeing committee. Based on the evaluation of the strategies of the Football Federation Referees Committee in the Strategic Planning Matrix (QSPM), the strategy of establishing a service compensation system was selected as the best strategy.

Key Words: Strategic Planning, Football Federation and Refereeing Committee.

A Strategic Plan for the Referees Committee of the Iranian Football Federation

Mooud Bonyadi Fard

Ph.D. Student, Department of Sports Management, Alborz Pardis, Tehran, Iran

Ebrahim Alidoust Ghahfarokhi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Amin Dehghan Ghahfarokhi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Majid Jalali Farahani

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Payame Noor University, Iran

Received: 17 Dec. 2019

Accepted: 19 Feb. 2020

The study is to develop a strategic plan for the Iranian Football Referees Committee. The research method was of strategic and field studies, which was performed in the field and in a descriptive-analytical method. The statistical population consisted of two qualitative and quantitative sections. The qualitative section included the Board of Directors and members of the Board of Directors of the Federation, members of the Committee and the Refereeing Department of the Football Federation, which numbered 21, and due to the limited statistical population, the whole community was used as a sample. A small section includes all national and international referees (men and women) with a total of about 255 people. Due to the limitations of community members, the number of samples in this study is equal to the number of communities and sampling was done in total. To gather the data in the qualitative part, interview with refereeing elites was done in the meetings of the Strategic Council, and use an open questionnaire to check the status of the referee committee of the Football Federation, search for upstream and Internet documents to review the literature and research background to identify the desired situation for Strategic planning was developed. In the quantitative part, the research questionnaire was designed with the help of football management, sports and refereeing experts and a researcher-made method. The validity of the questionnaire was confirmed through the opinion of professors and experts and reliability (with 93% Cronbach's alpha test). After analyzing the strengths, weaknesses, opportunities and threats, it was decided to form an evaluation matrix for each of the internal and external factors. Six competitive strategies, one conservative strategy and two defensive

Human Resource Strategies in the Ministry of Sport and Youth through BSC Approach

Somayeh Emadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Dariun Branch, Islamic Azad University, Dariun, Iran

Seyyed Ehsan Amir Hosseini

Ph.D., Associate Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran

Jalal Yar Ahmadi

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Payame Noor University, Iran

Received: 29 Jan. 2020

Accepted: 2 Jan. 2021

The study is to design a map and implement human resource strategies in the Ministry of Sports and Youth through a balanced scorecard approach. The research method was descriptive and applied in terms of purpose. The data were collected by survey quantitatively and qualitatively. The statistical population in the quantitative part, including the officials and experts of the Ministry of Sports and Youth and the general managers of sports and youth of the provinces, was equal to 65 people and in the qualitative part was 12 experts. Due to the limitations of the members, the statistical sample was considered equal to the community (whole number). The research instrument was a researcher-made questionnaire whose validity was confirmed by 10 professors of university sports management and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha test ($\alpha = 0/85$). For data analysis in the qualitative part, logical induction method and strategic council meetings were used, and in the descriptive and quantitative part, Cronbach's alpha, frequency percentage and chi-square were used.

The findings showed that in the human resource management system of the Ministry of Sports and Youth, there are 4 perspectives (productivity, stakeholders, internal processes and growth and learning), 26 strategic goals, 32 measures and 39 actions and initiatives. According to the results, focus on the goals of human resource empowerment, increasing the number of teachers in workshops, quantitative and qualitative development of workshops, developing relationships with scientific and research centers and Utilizing the latest scientific findings related to human resources will facilitate the achievement of other goals in terms of internal processes, stakeholders and productivity.

Key Words: Strategy, Implementation, Human Resources and Ministry of Sports and Youth.

Reasons for the Failure of Iranian Legal Cases in International Sports Lawsuits

Ehsan Asadollahi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Golbahar Sanabad Institute of Higher Education, Golbahar, Iran

Reza Heydari

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Ahmad Nazari Turshizi

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mahdi Talebpour

Ph.D., Professor in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 31 May 2021

Accepted: 28 Aug. 2021

With the dramatic development of sport in recent decades and its transformation into a large and popular industry, the legal issues have also become more ambiguous and complex. The records show that most of Iran's legal cases have failed in international courts. Therefore, the study is to investigate the reasons for the failure of Iranian legal cases in international sports lawsuits. The study was applied from the perspective of purpose and was of mixed type with the framework of interpretive-positivist paradigm. Data collection was performed using in-depth interviews with experts familiar with sports law issues. The sampling method was snowball that 28 interviews were conducted virtually. Based on the results of Q methodological analysis, the findings showed that six factors are the reasons for the failure of Iranian legal cases in international sports lawsuits: lack of specialization, educational and information problems, legal and contractual gaps, structural problems of the country's sports, the system of brokers and behind-the-scenes groups, and finally monitoring and punishment problems.. According to the findings, it can be concluded that managers, officials and those involved in sports organizations and clubs can use the well-known reasons as a bridge to success in legal cases in international sports lawsuits.

Key Words: Legal Cases, International Lawsuits, Lack of Specialization and Legal and Contractual Gaps.

Consequences and Solutions to Social Responsibility Development of Famous Athletes

Salman Alavi

Master Degree in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ahmad Mahmoudi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sport Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Farzad Ghafouri

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ahmad Gerami Ganjeh

Master Degree in Sport Management, University Of Eyvanakey, Tehran, Iran

Received: 31 Jan. 2021

Accepted: 13 Feb. 2022

The study is to identify consequences and providing solutions to social responsibility development of famous athlete. The research was descriptive and applied which utilized a thematic analysis. The population included all of the experts in the field of social responsibility in sport, in three scientific, executive and sports groups. The researchers interviewed 16 subjects by a purposive sampling method.

In the section of providing solutions, 50 open codes were obtained which put in 9 categories. Finally, we obtained seven categories of advertising-media, policy making, research, motivation, culture making, individual development, and communication. In the section of the consequences of social responsibility development, 52 open codes were obtained in 13 categories which ranked in 13 categories. Finally, five categories were obtained: sustainable development, sports development, political development, cultural development, and individual-organizational development. According to the valuable consequences of athletes' social responsibilities for society, it is recommended to form a social responsibility association in all sports organizations.

Key Words: Ethic, Famous Athlete, Philanthropy and Social Responsibility.

Identifying and Analyzing the Contextual and Intervening Factors Affecting the Sustainable Employment of Iranian Sports Sciences Graduates

Ali Khaledi Fard

Ph.D. Student in Sports Management, Department of Sport Management, Faculty of Sports Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Seyyede Nahid Shetab Bushehri

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sports Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Amin Khatibi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sports Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Sedighe Heydarinejad

Ph.D., Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sports Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 28 Jun. 2021

Accepted: 22 Sep. 2021

The study is to identify and analyze the contextual and intervening factors affecting the creation of sustainable employment of sports sciences graduates. It was conducted within the framework of a qualitative approach. The statistical population consisted of experts was aware of the research topic. The sampling method was theoretical. In-depth and semi-structured interviews were conducted with experts to collect the data. The data reached theoretical saturation after 16 interviews. To assess validity and transferability, the research findings were presented to the participants and their points of view were applied. The intra-subject agreement method was used for reliability which was reported about 0/82. The findings related to contextual factors represented 29 main concepts and 4 sub-categories (Policy and planning, economic and financial factors, university relationship with society and industry, professional competence in sports) and the findings related to intervening factors represented 27 main concepts and 5 sub-categories including (Technological, cultural and social factors, political factors, reconstruction of sports science, communication and networking). Therefore, in order to make the right decision in the field of creating and developing sustainable employment for sports sciences graduates by policymakers in the field of sports, it is necessary to identify the importance of contextual and intervening factors and providing the best conditions.

Key Words: Contextual Factors, Intervening Factors, Sports Industry, Sports Sciences and Sustainable Employment.

Comparison of the Role of Macro, Mid and Micro Level Factors of Management in the Development of Championship Sport

Arash Gachi

Master Degree in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Farzad Ghafouri

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Gholam Ali Kargar

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 14 Mar. 2020

Accepted: 12 Dec. 2020

The study is to evaluate the role of macro, mid and micro level factors of management in the development of championship sport. The research is a developmental study, based on the method of survey studies and the data collection was done in the field. The researcher-made questionnaire was used in the survey section. Its form and content were confirmed by professors and experts and its construct validity was confirmed by confirmatory factor analysis and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha ($\alpha=0/872$). To analyze the data, in addition to descriptive indicators, confirmatory factor analysis was used to confirm the questionnaire items, one-sample t-test and Friedman test were used to compare the mean and ranking of factors. The comparison of the mean of the factors showed that the highest mean and effectiveness are related to the micro, mid, federation and macro levels, respectively. Most of the problems in the development of championship sports are related to the factors at the micro level, but at the middle level, with special attention to school sports and women's sports, we can help develop championship sports. Sports federations can choose the right president of the federation, creating standard sports venues, etc. to help developing championship sports. Finally, macro-level problems such as the ratio of medals to the population, the correct distribution of budgets in sports, etc. should be addressed.

Key Words: Factors of Macro, Athletic Federations, Development of Championship Sport, Championship Sport and Elite Athletes.

information systems.

Key Words: Human Resources Information Systems, Emotional Commitment, Job Involvement, Innovation and Ministry of Sports and Youth.

A Qualitative Study on Factors Affecting the Evaluation of the Performance of Sports Federations in Iran

Mohammad Norozyan

Ph.D. Student, Department of Sport Management, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Mozhgan Khodamoradpour

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Mozafar Yektayar

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Herish Soltanpanah

Ph.D., Assistant Professor, Department of Management, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

Received: 20 Feb. 2021

Accepted: 24 May 2021

The study is to investigate the effect of human resource information systems on individual innovation with the mediating role of job involvement and emotional commitment in the staff of the Ministry of Sports and Youth. The statistical population was all employees of the Ministry of Sports and Youth which 291 of them were randomly were selected as a statistical sample according to Morgan's table. Research tools include four standard questionnaires of Roll and Cup "Human Resources Information Systems" (2012); Allen and Meyer "Emotional Commitment Questionnaire" (1990); Riley et al.'s "Job Involvement Questionnaire" (1993) and Kolio et al.'s "Human Resource Innovation Capacity Questionnaire" (2011). Structural equation modeling using Smart-PLS 3.2.8 software was used to analyze the data.

The results showed that human resource information systems are of a direct effect on individual innovation ($\beta = 0/418$), job involvement ($\beta=0/428$) and emotional commitment ($\beta=0/337$). Human resources information systems also have an indirect effect on the individual innovation of the staff of the Ministry of Sports and Youth through job involvement ($\beta=0/076$) and emotional commitment ($\beta=0/106$). Also, job involvement ($\beta=0/177$) and emotional commitment ($\beta=0/314$) have a positive and significant effect on individual innovation of the staff of the Ministry of Sports and Youth. According to the results, the managers of the Ministry of Sports and Youth to increase the innovation of employees can increase the emotional commitment and job involvement of employees along with the implementation of human resource

Documenting the Empirical Knowledge of Sports Managers: A Macro Approach to Economic Development in Sports in Iran

Ali Reza Zare

Ph.D. Student in Sport Management, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Behzad Izadi

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Daniel Rascher

Ph.D., Professor in Sport Management, University of San Francisco, CA, USA

Geoff Dickson

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, La Trobe University, Melbourne Campus, Melbourne, Victoria, Australia

Received: 12 Jul. 2021

Accepted: 23 Oct. 2021

The study is to document the empirical knowledge of sports managers: a macro approach to economic development in sports in Iran. The research method was a qualitative case study and the participants were sports directors of the country. Using purposive sampling method and theoretical saturation technique, key informants (including 13 people) were selected to identify the framework of the economic development model and interviewed. The tool used to identify the factors of the economic development model, interview It was semi-structured (with focus groups) and studied documents. To ensure the validity and reliability of the study, the Lincoln and Guba evaluation methods were used. The paradigm model of this research was designed based on the paradigm model of Strauss and Corbin. Sports facilities, outsourcing to sports institutions, outsourcing to sports institutions and the development of sports block chains that can affect economic development were identified as causal categories: development of sports infrastructure, development of tourism Sports, transmitting players and coaches to host sporting events, international aid, international law and the popularity of sport are the main underlying factors, and two categories of sanctions factors and factors of lack of economic open space are considered as intervening categories. Taken so pay attention to hospitalization In order to implement sports infrastructure, sports tourism development, transfer of players and coaches to host sports events, international aid, international law and the popularity of sports can provide conditions for economic development in sports.

Key Words: Economic Diplomacy, Development, Economics, Sports and Paradigm.

Analysis of Political Behavior of Managers in Sports Organizations

Ilia Sadat Vojdani Tabatabaei

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Fariba Mohamadian

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Zahra Nobakht Ramezani

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Received: 9 Feb. 2021

Accepted: 8 Feb. 2022

In today's competitive environment, having political behavior helps businesses to achieve the competitive advantage of organizations. The study is to analyze the political behavior of managers in sports organizations. The strategy of the study is descriptive and survey type. The statistical population was the directors of the federations, the Ministry of Sports and Youth and the general departments of physical education of the provinces as well as the heads of the provincial sports boards which included 250 men and women, 104 of whom participated in the study by simple random sampling. In order to collect data, two documentary and field methods have been used. To ensure the reliability of the research measurement tool, three Cronbach's alpha criteria, combined reliability and rho_a reliability were used, and to determine the validity of convergent validity (mean variance extraction variance) and divergent validity (Fornell and Larker test, transverse loads and HTMT test) were also used. Structural equation modeling technique and Smart PIs software were used to analyze the data.

The findings showed that political behavior was a negative effect on managers' decisions and organizational identity and managers' decisions had a positive effect on organizational identity. In general, the results showed that the desired political behavior of managers in sports organizations can develop political wisdom. Be effective in the decision-making process, change and transformation of the organization, increase job satisfaction, measure the effectiveness of the organization, apply participatory management and increase power in employees are suggested.

Key Words: Political Behavior, Organizational Identity, Decision Making, Political Approach and Ministry of Sports and Youth.

implementation of virtual and online education are technological, pedagogical, managerial and strategic, human resources and support, cultural-social and international, respectively. In exploratory factor analysis, all dimensions and components had a factor load above 0/51. So the effect of all dimensions and components on the implementation of virtual training was confirmed. Based on the results of confirmatory factor analysis, the final research model was approved with fit indices and standard coefficients. The value of the root mean square squares of the estimation errors was 0/64, which indicates a good fit of the model.

Key Words: Feasibility Study, Virtual Education, Online Education, Mixed Approach, Sports and Youth Departments ang Fars Province.

Effective Components and Indicators in the Implementation of Virtual and Online Education to Develop An Appropriate Strategic Model (Based on Feasibility) in Sports and Youth Departments of Fars Province

Kamal Bagheri

Ph.D. Student, Department of Educational Management, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Mahdi Bagheri

Ph.D., Associate Professor, Department of Educational Management, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Nader Gholi Ghourchian

Ph.D., Professor, Department of Educational Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Parivash Jafari

Ph.D., Associate Professor, Department of Educational Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 13 Jul. 2020

Accepted: 25 Aug. 2020

The study is to investigate the effective components and indicators in the implementation of virtual and online education in order to develop an appropriate strategic model (based on feasibility) in sports and youth departments of Fars province. This research was applied in terms of purpose, application and in terms of data collection method, with a qualitative-quantitative approach (mixed) and with an exploratory plan. There were managers and employees of sports and youth in Fars province. The sampling method in the qualitative part was the purposeful method and in the quantitative part was the stratified random method. The statistical sample in the qualitative section, considering the law of theoretical saturation 20 people and in the quantitative section, based on the counting method, 328 people were selected. The data collection tool in the qualitative section was semi-structured interview and in the quantitative section was a questionnaire which the researcher based the Likert scale on a five-choice scale with 57 items. The method of data analysis in the qualitative part was inductive content analysis using coding at three levels: open, axial and selective. In the quantitative part, exploratory factor analysis and confirmatory factor analysis, structural equations and path analysis were used.

The results showed that the dimensions of the feasibility model for the

Keyw Words: Sports Sciences, Application of Knowledge, Research Management and Application Model.

A Conceptual Model for Sports Research Application in Iran

Omolbanin Azmsha

Ph.D. Student in Sport Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abolfazl Farahani

Ph.D., Professor, Department of Sport Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Ali Mohammad Safania

Ph.D., Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Shiva Azad Fada

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 30 Jan. 2022

Accepted: 13 Mar. 2022

The study is to design and test a model for the application of sports research in the Iran. The research method was descriptive-correlational. The statistical population included all professors and managers of the country in sports science. The statistical sample was estimated to be sufficient for modeling in smart pls software and was selected by judgmental sampling method (162 people). The research tool was a questionnaire extracted from the systematic qualitative stage. The validity of the instrument was evaluated and confirmed by experts (content validity) and model fit indices (reliability and validity of the structure). Four conceptual levels of model and dimensions were: Ecosystem (capacities of scientific system, development of sports system and scientific developments of international sports), system (capabilities of executive department, industry, sports scientific system), structural (research management, provision of resources, research services and research development) and functional (usability, Scope and consequences of application). The results showed that based on the results of factor analysis and measurement models, the dimensions of the model variables were significantly explained. The results of path analysis also showed that the relationships between model variables were significant. The fitting indices were also approved at the desired level.

Based on the results, it is suggested to the management of research units in sports organizations (Research Committee of Organizations, University Sports Sciences, etc.) to define the application of sports research as a systematic and strategic flow and at the same time to improve capabilities. Applicability of sports research to build capacity in the scientific, executive, industrial and social environment of sports.

Social Impact of Sports Apps on Depression in Life: A Dual Passion Approach

Mina Shakourian

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Tayyebeh Sadat Zargar

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 5 Jun. 2022

Accepted: 16 Aug. 2022

The study is to investigate the social impact of sports applications on depression in life with a dual approach of passion. It is a descriptive correlational research based on structural equation modeling and in terms of purpose is considered as an applied research. The statistical population consisted of all users of the Astrava application in Iran who were active in both cycling and athletics. The study used the Walrend et al. (2003) Passion Scale, the social impacts of Wallan et al. (2020) and the burnout in the lives of Copenhagen et al. (2005).

The results showed that mutual benefits were of a significant positive effect on adaptive desire. Cognition had a significant positive effect on extreme desire. Mental norms were of a significant positive effect on mutual benefits and cognition. Consistent desire was of a significant negative effect on burnout in life at the level of 0/01- while extreme desire had no significant effect on burnout in life. Consistent passion fully mediates the impact of reciprocal benefits on burnout in life. While extreme desire was of no significant mediating role in the effect of cognition on burnout in life.

Based on the obtained results, it seems necessary to plan to improve the mood and psychological states of users, such as improving the states of exhaustion in life, and in this way, the use of experienced and specialized experts can provide the field of service improvement even more.

Key Words: Social Effects, Sports Apps, Burnout in Life and Passion.

Key Words: Ethics in Sports, Culture in Sports, Respect for Cultures, Fair Play and Social Responsibility.

Ethical and Cultural Policy Indicators in Iranian Sports

Neda Saeid Nia

Ph.D. Student in Sport Management, Department of Physical Education and Sports Management, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Hamid Sajadi Hezaveh

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sports Management, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Ashraf Ganjouei

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sports Management, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Jasem Manouchehri

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Department of Physical Education and Sports Management, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 25 Oct. 2021

Accepted: 26 Jan. 2022

Observance of cultural and moral principles in sports is essential that can prevent many moral anomalies in sports environments. Therefore, the study is to identify the indicators of ethical and cultural policy in Iranian sports. The research method was qualitative (grounded theory). The data collection tool was through in-depth and semi-structured interviews. After conducting 20 interviews with experts (faculty members, sports directors, deputies and managers of the Ministry of Sports and Youth, directors of the Academy and the National Olympic Committee, heads of sports federations, heads of sports disciplinary committees, Supreme Cultural Council of the Ministry of Sports and Youth and ethics committee in Sports), the codes reached the saturation level. Data analysis was performed simultaneously using the Glaser (1978) approach. By performing a two-stage coding process (open and selective), finally 108 non-repetitive initial codes were obtained for ethical policy-making in Iranian sports, which were classified into 17 categories. Also, 63 non-repetitive primary codes were obtained for cultural policy-making in Iranian sports, which were classified into 14 sub-categories and four main categories: 1) deterrents, 2) facilitators, 3) developers, and 4) consequences. The results of coding showed that ethical and cultural policy-making in Iranian sports is based on various factors and special attention should be paid to these factors. According to the results, it is suggested to sports managers and officials to hold scientific and sports conferences with cultural attachment, to achieve new methods of promoting and developing professional and appropriate behaviors in large sports fields to athletes, coaches and Judges teach that this solution can greatly reduce anomalies.

The Mediating Role of Social Media Attitudes in Relation to Online Hate Speech and the Social Safeness and Pleasure of Adolescent Athletes

Zahra Sadat Moshir Estekhareth

Ph.D., Assistant Professor, Department of Social Sciences, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Asghar Doroudian

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 3 Mar. 2022

Accepted: 6 Apr. 2022

The study is to explain the relationship between Internet hatred and social security and enjoyment of adolescent athletes with respect to the mediating role of attitudes toward social media. The research method was descriptive-correlation based on structural equations. The statistical population was included all adolescent athletes who some bodies were selected as a sample according to the Morgan table for the unlimited population and the cluster sampling method. In order to collect data after measuring validation and reliability, Gilbert et al.'s (2009) Social Security and Pleasure Questionnaire, Davis Social Media Attitude (1998) and Pachiko and Milhovish (2018) Internet Hate Questionnaires were used. The data analysis was used with descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistics (Pearson correlation test and structural equations) through SPSS and Amos software.

The results showed that "Internet hatred" was of a negative effect on "social security and pleasure" with a path coefficient ($\beta = -0/31$) and "social media attitude" of adolescent athletes with a path coefficient ($\beta = -0/24$) had a significant effect. Also, "social media attitude" was of a positive and significant effect on "social security and pleasure" of adolescent athletes with path coefficient ($\beta = -0/46$). Finally, the study of the role of the mediating variable showed that the attitude of social media had an indirect and significant effect on the social security and enjoyment of adolescent athletes due to the spread of Internet hatred. The research findings pave the way for further research in this area, especially the spread of Internet hatred.

Key Words: Internet Hatred, Social Security and Pleasure, Social Media Attitude and Athletes.

A Sociological and Pathological Study on Youth NGO (Non-Governmental organizations) and the Factors Affecting it

Amrollah Amani Kolarijani

Ph.D., Associate Professor, Department of Social Sciences, Shashregh Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 2 Mar. 2022

Accepted: 23 Jul. 2022

The study is to investigate Iranian youth NGO (Non-Governmental organizations) activity based on theoretical and empirical available records. From this perspective, after the extension of the concept of NGOs in general and the youth NGO in particular, a theory was applied to explain the issue with the use of an integrated approach. 400 members of youth NGOs were chosen by cluster sampling method through a survey. To ensure the validity of the instruments used, face validity and structural validity were used, respectively, and to ensure their reliability, Cronbach's alpha was used.

The findings showed ureaucracy and strengthening of the negative impact of NGOs were of significant relationship with the dependent.

Key Words: Socialization, Trust, Participation, , NGO and Youth Empowerment.

Examining Young People's Reading of Their Image in Radio National Media Programs

Yousef Khojir

Ph.D., Assistant Professor in Cultural Communication, School of Culture & Communication, Sooreh University, Tehran, Iran

Meisam Yousefi Sorkhani

Ph.D. Student in Media Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Kosar Mehrzade

Cultural and Artistic Bachelor, Sooreh University, Tehran, Iran

Received: 29 Nov. 2021

Accepted: 27 Jun. 2022

The study deals with the issue of young people's reading of their image in national media programs. What categories are effective in young people's reading of their image in radio programs, and in this regard, what analysis and evaluation do students and professionals provide of how young people are represented in the national media? The study was of qualitative type and its data collection method was in-depth interview and data processing method was thematic analysis. The statistical population included two groups of media and youth specialists and students of public universities in Tehran. In total, with the logic of theoretical sampling, 11 media and youth experts were interviewed individually and 15 students were interviewed in groups (in groups of 3 to 5 people). The data collection method of this study was in-depth semi-structured and interactive interviews at both individual (specialists) and group (students) levels. Interview data were also processed through content analysis using MAXQDA software version 10.

The findings showed that young people are of numerous criticisms to the performance of the national media in various areas such as how to represent women's employment, how to represent women's hijab, lack of pluralism and neutrality in the national media, how to represent intergenerational relations in the national media and lack of attention to all which can be a warning to the national media to lose its young audience and reduce their trust in the national media.

Key Words: Youth, National Media, Reading and Trust.

A Youth Employment Policy Making Model in the Public Sector

Jafar Eynali

Ph.D. Student in Public Management, Payame Noor University, Iran

Mohammad Mousavi

Ph.D., Associate Professor in Public Management, Payame Noor University, Iran

Tahereh Feizi

Ph.D., Associate Professor in Public Management, Payame Noor University, Iran

Zahra Foroutani

Ph.D., Assistant Professor in Public Management, Payame Noor University, Iran

Received: 18 Dec. 2021

Accepted: 19 Feb. 2022

One of the main issues of the country is youth unemployment. As the country's largest employer, the government is responsible for policy-making to reduce youth unemployment. Given the role that public sector employees play in running the country, the quality of public human resource is of a particular importance. Therefore, the impact of employment policies covers a wide range of society and by determining the conditions and manner of entering the service, has a significant impact on the overall performance of the government and the administrative system of the country. In the current situation of our country, which is facing high youth unemployment rates and difficult economic conditions, employment in the public sector has been accompanied by more youth attention and the sensitivity of the issue has doubled. Therefore, the policy making system of youth recruitment and employment in the public sector is of special importance and sensitivity and requires extensive studies and the development of appropriate and effective models. In this regard, the research is to design a youth employment policy making model in the public sector to use the qualitative grounded theory method, using theoretical sampling method and conducting semi-structured interviews with experts of this field, achieves the model.

Key Words: Policy Making Model, Youth Employment, Public Sector and Grounded Theory

Structral Analysis of the Role of Capital Factors in Hope for the Future of Youth (The case of East Azarbaijan Youth)

Saeed Soltani Bahram

Ph.D., Asistant Professor in Sociology, Urmia University, Urmia, Iran

Mohammad-Bagher Alizadeh Aghdam

Ph.D., Professor in Sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 18 Jan. 2022

Accepted: 20 Feb. 2022

Today, hope is considered as the most fundamental idea of youth in the field of social development. On the other hand, the three forms of capital can be considered the most important factors in strengthening hope for the future of the youth. Here, the study of hope for the future has been considered in relationship with capital factors including social, capital and economic capital. This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical and survey in terms of data collection. The statistical population is young people aged 15 to 29 years in East Azerbaijan province, 613 of whom have been selected using Cochran's formula and multi-stage cluster sampling at 2018. "Snyder standard hope questionnaire" was used to collect the data,

The findings showed that the average percentage of hope for the future of the studied youth is 62/23%, which indicated that the hope for the future was of a moderate to high status among young people. The results of testing the hypotheses showed that marital status and age were not related to hope for the future of young people, but the average hope for the future was significantly different by city of residence and employment status. Also, hope for the future was of a positive and significant relationship with social and cultural capital, but it was not of a significant relationship with economic capital. The results of regression analysis showed that the three forms of capital explained about 26% of the variance of the hope for the future.

Key Words: Hope for the Future, Social Capital, Cultural Capital, Economic Capital and Youth.

Role of Exercise at Home during the Outbreak of Coronavirus on the Elderly Quality of Life 39

Amir Mohammad Hedayati/ Mohammad Sanaei/ Mohammad Ali Noudehi

A Study on Designing and Development of a Legal Dimensions Model for Economic Crimes in Professional Sport: A Test of Foundation Data Theory with Mixed Method 41

Javad Paziresh/ Shahab Bahrami/ Hamid Ghasemi/ Nazanin Rasekh

A Branding Model for Iranian Football Premier League Based on the Data Foundation Approach 42

Terifeh Payami/ Jafar Barghi Moghadam/ Mohammad Rahim Najafzadeh/ Habib Mohammadpour Yaghini

A Profit Model for Private Bodybuilding Clubs 43

Leila Talebzadeh/ Hamid Janani/ Mahboub Sheikh alizadeh/ Mohammad Rahim Najafzadeh

A Model for Women's Consumption Pattern in the Field of Sports Goods 44

Zahra Barzegar Yazdi/ Nima Majedi/ Mahdi Naderi Nasab

Problems of Sports Tourism Tours in Domestic and Foreign Events 45

Sayyede Fatemeh Badeei Nameghi / Zeyolabedin Fallah/ Taher Behlekeh

Comparison of the Role of Macro, Mid and Micro Level Factors of Management in the Development of Championship Sport	24
Arash Gachi/ Farzad Ghafouri/ Gholam Ali Kargar	
Identifying and Analyzing the Contextual and Intervening Factors Affecting the Sustainable Employment of Iranian Sports Sciences Graduates	26
Ali Khaledi Fard / Seyyedeh Nahid Shetab Bushehri / Amin Khatibi / Sedighe Heydarinejad	
Consequences and Solutions to Social Responsibility Development of Famous Athletes	27
Salman Alavi/ Ahmad Mahmoudi/ Farzad Ghafouri/ Ahmad Gerami Ganjeh	
Reasons for the Failure of Iranian Legal Cases in International Sports Lawsuits	28
Ehsan Asadollahi / Reza Heydari / Ahmad Nazari Turshizi/ Mahdi Talebpour	
Human Resource Strategies in the Ministry of Sport and Youth through BSC Approach	29
Somayeh Emadi / Seyyed Ehsan Amir Hosseini/ Jalal Yar Ahmadi	
A Strategic Plan for the Referees Committee of the Iranian Football Federation	31
Mooud Bonyadi Fard/ Ebrahim Alidoust Ghahfarokhi/ Amin Dehghan Ghahfarokhi/ Majid Jalali Farahani	
A Suitable Model for Equestrian Sports in Iran	32
Ali Chouri/ Seyyed Mohammad Hossein Razavi/ Morteza Doosti / Farzam Farzan	
Identifying and Prioritizing the Evaluation Indicators of Iranian Sport Coaches	33
Rasoul Monem/ Gholamreza Shabanibahar/ Sirous Ahmadi	
Structural Equation Modeling of the Relation between Coaches' Abuse with Coach-Athlete Relationship and the Perceived Coaching Effectiveness	35
Padideh Bolorizadeh/ Farshad Tojari/ Ali Zarei/ Mohammad Reza Esmaeeli	
A Crisis Management Model for Holding Sports Events	36
Naser Gol Mohammadi/ Ahmad Reza Askari / Majid Khorvash	
Evaluation and Ranking of the Karate Delegations of the Iranian Provinces Using the BCC Model (Data Envelopment Analysis)	37
Seyyed Mohammad Ali Gouya/ Mohammad Hami/ Vahid Shojaee	
An Interactive Model for Media Roles to Normalize the Flow of Sports Participation in the Post-Corona Era through the Demetel Approach	38
Mohammad Hassan Ghezeli / Leyla Jamshidian/ Mehrzad Moghadasi	

CONTENTS

Structral Analysis of the Role of Capital Factors in Hope for the Future of Youth (The case of East Azarbaijan Youth)	9
Saeed Soltani Bahram/ Mohammad-Bagher Alizadeh Aghdam	
.....	
A Youth Employment Policy Making Model in the Public Sector	10
Jafar Eynali/ Mohammad Mousavi/ Tahereh Feizi/ Zahra Foroutani	
.....	
Examining Young People's Reading of Their Image in Radio National Media Programs	11
Yousef Khojir/ Meisam Yousefi Sorkhani/ Kosar Mehrzade	
.....	
A Sociological amd Pathological Study on Youth NGO (Non-Governmental organizations) and the Factors Affecting it	12
Amrollah Amani Kolarijani	
.....	
The Mediating Role of Social Media Attitudes in Relation to Online Hate Speech and the Social Safeness and Pleasure of Adolescent Athletes	13
Zahra Sadat Moshir Estekharez/ Ali Asghar Doroudian	
.....	
Ethical and Cultural Policy Indicators in Iranian Sports	14
Neda Saeid Nia/ Seyyed Hamid Sajadi Hezaveh/ Farideh Ashraf Ganjouei/ Jasem Manouchehri	
.....	
Social Impact of Sports Apps on Depression in Life: A Dual Passion Approach	16
Mina Shakourian/ Reza Nikbakhsh/ Tayyebah Sadat Zargar	
.....	
A Conceptual Model for Sports Research Application in Iran	18
Omolbanin Azmsha/ Abolfazl Farahani / Ali Mohammad Safania / Shiva Azad Fada	
.....	
Effective Components and Indicators in the Implementation of Virtual and Online Education to Develop An Appropriate Strategic Model (Based on Feasibility) in Sports and Youth Departments of Fars Province	20
Kamal Bagheri/ Mahdi Bagheri/ Nader Gholi Ghourchian/ Parivash Jafari	
.....	
Analysis of Political Behavior of Managers in Sports Organizations	21
Ilia Sadat Vojdani Tabatabaei/ Fariba Mohamadian/ Zahra Nobakht Ramezani	
.....	
Documenting the Empirical Knowledge of Sports Managers: A Macro Approach to Economic Development in Sports in Iran	22
Ali Reza Zare/ Behzad Izadi/ Daniel Rascher / Geoff Dickson	
.....	
A Qualitative Study on Factors Affecting the Evaluation of the Performance of Sports Federations in Iran	24
Mohammad Norozyan / Mozghan Khodamoradpour/ Mozafar Yektayar/ Herish Soltanpanah	
.....	

Editorial Board:

Seyyed Abdol Hamid Ahmadi

Associate Professor in Physical Education (Sport Physiology) Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR)

Mohammad Javadipour

Associate Professor in Educational Planning Curriculum Development & Instruction Methods
Department Faculty of Psychology and Educational Sciences University of Tehran

Gholam Reza Shabani Bahar

Full Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and Planning in
Physical Education Department Physical Education and Sport Sciences Department Allameh
Tabatabai University

Rasoul Sadeghi

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences
University of Tehran

Ali Mohammad Safania

Professor in Sport Management Department of Physical Education and Sport Sciences Science
and Research Branch, Islamic Azad University

Farzad Ghafouri

Associate Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and
Planning in Physical Education Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences
Allameh Tabatabai University

Kourosh Fathi Vajargah

Full Professor in Educational Planning Higher Education Department Faculty of Education and
Psychology Shahid Beheshti University

Reza Gharakhanlou

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Physical Education Department
Faculty of Humanities Tarbiat Modares University

Shahla Kazemipour

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences
University of Tehran

Abbass Ali Gaeini

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Sport Physiology Department Faculty
of Physical Education and Sport Sciences University of Tehran

QUARTERLY OF STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

• No.60. • Summer 2023 •

• E-ISSN: 2821-1286 •

• P-ISSN: 2821-1278 •

• Concessionaire: Ministry of Sports and Youth •

• Director: Amir Hossein Vaezi •

• Editor-in-Chief: Ali Mohammad Safania •

• Office Manager: Zahra Kamalian •

• Layout: Saeid Givari •

MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER

• Add: No.4. Shahid Soltani St. Nelson Mandella Blvd. Tehran, Iran •

• Tel: +98(21)22662369 •

• Fax: +98(21)22662260 •

• <http://faslname.msy.gov.ir> •

*In the Name of Allah,
the Compassionate,
the Merciful*